
بسم الله الرحمن الرحيم

آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۱)

# وصیت نامه کامل شهدا

استان سمنان




دفتر هفتم

شب- صفا

شبانی- صفی نژاد

تصحیح و تنظیم

دکتر منوچهر اکبری

واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران

شهریور ماه ۱۳۹۱

سرشناسه: **اکبری، منوچهر ۱۳۳۵**
عنوان و نام پدیدآور: **وصیت‌نامهٔ کامل شهدا/ استان سمنان/ تصحیح و تنظیم منوچهر اکبری**
مشخصات نشر: **تهران: سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران، معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی، نشر شاهد، واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران، ۱۳۹۱**
مشخصات ظاهری: **۱۳ ج.: مصور، نقشه**
فروست: **آثار و اسناد شهدا و ایثارگران؛ ۳**
شابک: ۱۵۰۰۰۰ ریال **ج.۷: ۹-۴۵۹-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸**
وضعیت فهرست‌نویسی: **فیپا**
مندرجات: **ج.۷: شب - صفه (شبانی – صفی‌نژاد)**
موضوع: جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹ - ۱۳۶۷ -- سمنان (استان) -- شهیدان -- وصیت‌نامه
موضوع: **جنگ ایران و عراق، ۱۳۵۹-۱۳۶۷.- شهیدان- وصیت‌نامه**
شناسه افزوده: سازمان **بنیاد شهید و امور ایثارگران- مرکز اسناد و آثار فرهنگی شهدا و ایثارگران**
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۱ ۶و۶۸۲۴الف/۱۶۲۵ DSR
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۸۴۳۰۹۲۲
شماره کتابشناسی ملی: **۲۸۱۸۱۰۳**

**واحد انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران**
**آثار و اسناد شهدا و ایثارگران (۱۱)**
**وصیت‌نامهٔ کامل شهدای استان سمنان ◆ دفتر هفتم شب- صفه (شبانی – صفی‌نژاد)**
تصحیح و تنظیم: **دکتر منوچهر اکبری(استاد دانشگاه تهران)**
نوبت چاپ: **چاپ اول شهریور ماه ۱۳۹۱** ◆ تیراژ: **۱۵۰۰ نسخه**
هماهنگی فنی: **نسترن حاجی‌زاده سابق**
گویاسازی و نمونه‌خوانی: **محمدهادی عباباف‌ها**
صفحه‌آرایی و حروف‌چینی: **مینا صفری** ◆ هماهنگی تولید: **زهرا شیرکوند**
امور لیتوگرافی، چاپ و صحافی: **مؤسسهٔ فرهنگی هنری شاهد**
قیمت: **۱۲۰۰۰۰ ریال** ◆ شابک:ج.۷: ۹-۴۵۹-۳۹۴-۹۶۴-۹۷۸

نشانی: **تهران- خیابان آیت‌الله طالقانی- خیابان ملک‌الشعرای بهار شمالی- شمارهٔ ۵ معاونت پژوهش و ارتباطات فرهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران- نشر شاهد تلفن: ۸۸۸۲۴۷۴۹**
توزیع: **مؤسسه فرهنگی هنری شاهد** ◆ **مرکز پخش: تهران ۶۶۴۹۱۸۵۱ قم ۰۲۵۱-۷۸۳۰۳۴۰ و فروشگاه‌های نشر شاهد و سایر فروشگاه‌های معتبر**
www.navideshahed.com

# فهرست


سخن ناشر ۱۱
شبانی، محمدرضا ۱۵
شجاع‌جو، علی‌اصغر ۲۰
شجاعی، رضا ۲۶
شجاعی، سیدحسین ۳۲
شجاعی، یدالله ۴۱
شجاعیان، رضا ۴۵
شحنه، شکرالله ۵۵
شحنه، مجید ۶۰
شحنه، محمدرضا ۶۵
شریعتی، عباس ۶۹
شریعتی، علی‌اکبر ۷۷
شریعتی، محمدتقی ۸۲
شریعتی، محمدرضا ۹۳
شریعتی، محمدرضا ۹۷
شریعتی، هادی ۱۱۳
شریف، مجید ۱۲۱
شریف، محسن ۱۲۷
شریفه، محمد ۱۳۲
شریفه، موسی ۱۳۹
شریفی، محمد ۱۴۷
شریفی، هادی ۱۶۱
شعبانی، حسین ۱۸۶
شعنی، سیدعلی ۱۹۴
شفیع‌زاده، محمدعلی ۱۹۹
شکاری، رحیم ۲۰۵
شکرویان، عبدالله ۲۱۰
شکرویان، محمد ۲۱۷
شکوهی، ابراهیم ۲۲۴
شکوهی، علی‌اکبر ۲۳۵
شمس، غلامحسن ۲۴۰
شمس‌الدین، مجتبی ۲۴۳
شمسایی، سیدجعفر ۲۴۶
شمسی‌نژاد، سیدمجتبی ۲۵۷
شنایی، سیدحسین ۲۶۲
شهاب، محمد ۲۶۸
شهاب، یدالله ۲۷۹
شهابی، محمدحسین ۲۸۵

شهادت، نعمت‌الله ۲۸۹
شهپری، بهرام ۲۹۴
شهرابیان، حمیدرضا ۳۰۱
شهرابیان، سعید ۳۰۶
شهروی، امرالله ۳۱۰
شهری، مسعود ۳۱۵
شهریاری، حسین ۳۲۲
شهسواری، محمدعلی ۳۲۶
شهنما، رضا ۳۳۱
شیبانی، عبدالرضا ۳۳۷
شیخ‌الاسلامی، احمد ۳۴۰
شیخ‌الاسلامی، مهدی ۳۵۴
شیخ‌کبیر، احمد ۳۶۲
شیخ‌کبیر، علیرضا ۳۷۹
شیرپور، حسین ۳۸۷
شیرعلی، عباسعلی ۳۹۵
شیرمرغی، قربانعلی ۴۰۲
صائمی‌پور، عبدالله ۴۰۵
صابری، ابراهیم ۴۱۰
صابری، علی‌اکبر ۴۱۹
صادقچه، حسین ۴۲۶
صادقچه، عباس ۴۳۱
صادقی، حسین ۴۳۸
صادقی، حمید ۴۴۷
صادقی، علی ۴۵۲
صادقی، علی‌اکبر ۴۵۷
صادقی، محمد ۴۶۲
صادقی، یدالله ۴۷۲
صادقی‌پور، مهدی ۴۸۵
صادقی‌شهمیرزادی، احمد ۴۹۰
صالح‌آبادویی، علی‌اکبر ۵۰۵
صالح‌آبادی، کاظم ۵۱۰
صالحی، ابوالقاسم ۵۱۷
صالحیان، مجید ۵۲۶
صالحی‌نژاد، احمد ۵۳۰
صانعی، علی‌اکبر ۵۳۵
صباحی، محمد ۵۴۰
صباغ، غلامرضا ۵۴۷

صباغی، نصرالله ۵۵۵
صباغیان، رحیم ۵۶۵
صبور، حسین ۵۷۰
صبور، حسین ۵۷۸
صحافی، عطاالله ۵۸۴
صحافی، مجید ۵۹۵
صحرایی، رمضان ۶۰۰
صحرایی، عباس ۶۰۵
صداقت، علیرضا ۶۱۶
صداقتی، غلامعلی ۶۱۰
صدرالهی، محمدرضا ۶۲۰
صدرمغانی، محمدرضا ۶۲۴
صدیقی، علیرضا ۶۲۷
صدیقی، مجتبی ۶۳۳
صدیقی، محمدحسن ۶۴۵
صرفی، حسن ۶۶۴
صرفی، علی‌اصغر ۶۷۱
صرفی، علی‌نقی ۶۷۸
صرفی، محمد ۶۸۱
صرفی، محمدحسین ۶۸۵
صفا، علیرضا ۶۸۸
صفا، محمدرضا ۶۹۵
صفائی، امید ۷۰۰
صفائی، حسن ۷۰۸
صفائی، حمیدرضا ۷۲۳
صفائیان، حسن ۷۳۸
صفار، مهدی ۷۴۹
صفاری، ابوالقاسم ۷۵۵
صفاری، احمد ۷۵۸
صفری، عباسعلی ۷۶۶
صفری، محمدباقر ۷۸۲
صفری، محمدرضا ۷۸۵
صفی‌نژاد، غلامرضا ۷۸۸
تعلیقات ۷۹۵

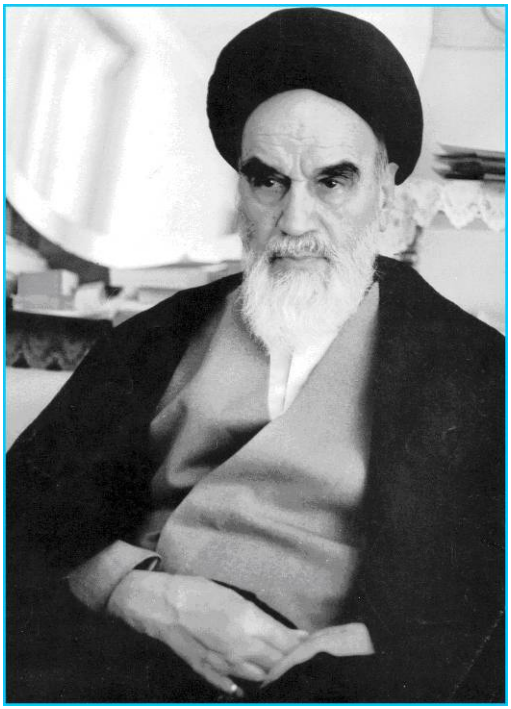

«این وصیت‌نامه‌هایی که این عزیزان می‌نویسند، مطالعه کنیـد، پنجاه سال عبادت کردید و خدا قبول کند، یک روز هم یکـی از این وصیت‌نامه‌ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید»

**امام خمینی(ره)- صحیفه امام- جلد ۱۴ ص ۴۹۱**

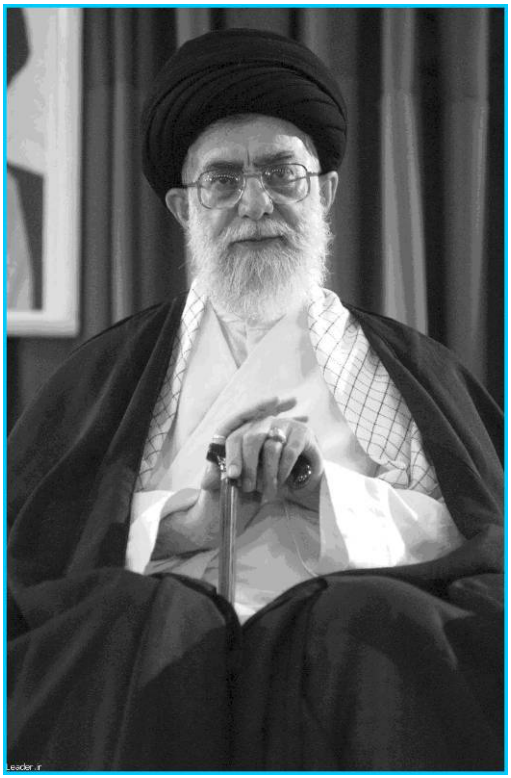


منشور رسمی و قانونی انقلاب و کشور عبارت است از قانون اساسی ما... همهٔ چیزهایی که برای ادارهٔ امور ملت لازم است، به شکل متین و مستحکمی در این منشور وجود دارد. منشور معنوی انقلاب هم وصیت‌نامهٔ امام و وصیت‌نامه‌های شهداست. این وصیت‌نامه‌ها را بخوانید و ببینید شهدا که در میدان جنگ جان خود را فدا کردند، برای چه فدا کردند و دنبال چه بودند. مگر می‌شود از مجموعهٔ فداکاریها و آرمانهای یک ملت، کسی به این آسانی دست بشوید! اینها راه ماست؛ اینها مایه‌های سعادت ماست که باید دنبال کنیم.

**بیانات مقام معظم رهبری- نماز جمعه تهران- آذرماه۱۳۸۱**

# سخن ناشر

اطلاع‌رسانی و انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران با هدف روشن‌نمایی تاریخ پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، ادامه فرآیندی است که بنیاد شهید و امور ایثارگران در ساختار اسنادی، مطالعاتی و انتشاراتی خود در نظر گرفته است.

آغاز فعالیت انتشاراتی در بنیاد مقارن با تأسیس این نهاد مهم و انقلابی در سال ۱۳۵۹ بوده و تاکنون صدها عنوان کتاب در زمینه‌های ادبی، پژوهشی، اسنادی و تاریخی برجامعه عرضه شده است؛ ولی آنچه را می‌توان بر مبنای مطالعه اهداف سازمانی در دوره‌های مختلف شکل‌گیری و توسعه بنیاد حائز اهمیت دانست، تأسیس انتشارات شاهد با هدف تدوین و انتشار آثار و اسناد شهدا و ایثارگران بوده است؛ گو اینکه به ضرورت‌های اجتماعی و فرهنگی، قلت و پراکندگی منابع و عدم تنظیم و آماده‌سازی اسناد، تمرکز فعالیت‌های نشر شاهد بر روی انتشار اسناد شهدا و ایثارگران به شیوه علمی و تخصصی تاکنون کمرنگ بوده است و لذا وجه ادبی و غیراسنادی در نشر شاهد گاه بر وجوه مطالعاتی و اسنادی آن غالب شده است.

از چندی پیش انتشارات شاهد، براساس اهداف دیرینه و در پی ایجاد شرایط مناسب‌تر که آثار و اسناد ایثارگران فراهم‌آوری و تنظیم گردید، انتشار اسناد دست اول آن بزرگواران را اولویت مهم خود قلمداد کرده است. به باور اندیشمندان و صاحبنظران تاریخی، فرهنگی

و اسنادی، فراهم کردن زمینه برای انتشار اسناد فرهنگی، نیاز ضروری مجامع علمی و پژوهشی بوده و اتخاذ شیوه‌های علمی برای پردازش و نشر آثار ایثارگران به افزایش و توسعه کمی و کیفی انتشار کتاب در سایر زمینه‌ها مدد می‌رساند. توصیه‌های مکرر و مؤکد حضرت امام(ﷺ) و مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) برای پرداختن به اسناد و آثار، به‌ویژه وصایای شهدا نشان‌دهنده جایگاه ویژه این اسناد بوده و ضرورت انتشار آن را بر ما آشکار می‌سازد.

در ده جلد قبل، نظرات بسیار سودمند و قابل اعتناء به دفتر انتشارات شاهد رسید و مورد بررسی قرار گرفته و پس از تایید کمیته مستندات در این کتاب لحاظ گردید.

این کتاب حاوی ۹۸ وصیت‌نامه از وصیت نامه‌های شهدای استان سمنان است که حاصل بررسی‌ها وبازنگری‌های کارشناسانه در واحد انتشار اسناد و آثار شهدا و ایثارگران است. در اینجا شایسته است که از آقای دکتر منوچهر اکبری استادگروه زبان وادبیات فارسی دانشگاه تهران، رئیس بنیاد دانشنامه نگاری ایران و پژوهشگر ادبیات وتاریخ دفاع مقدس به‌عنوان چهره نام آشنا در عرصه‌های دانشگاهی و پژوهشی به‌ویژه در حوزه دفاع مقدس و همکارانشان که زحمت تدوین این مجموعه را به عهده گرفته و تلاش بی‌وقفه داشته‌اند تشکر و قدردانی شود.

همچنین جا دارد که از رهنمودها و مساعدت‌های کارشناسان و صاحبنظران گرانقدر آقایان: دکتر اکبر اشرفی، امیر رزاق‌زاده، دکتر کیانوش کیانی و... صمیمانه تقدیر و تشکر نماییم.

در پایان دست صاحبنظران و اندیشمندان عرصه تاریخ و فرهنگ جامعه را برای همکاری، نقد و بررسی صمیمانه می‌فشاریم، امید است این تلاش فرهنگی در شناخت ابعاد ناپیدای شهدای بزرگوار و دوران با عظمت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مددکار پژوهشگران و حقیقت‌جویان و آیندگان قرار گرفته و موجبات خشنودی شهدای والامقام و امام شهدا و رهبر معظم انقلاب اسلامی و خانواده معظم شهدا و ایثارگران را فراهم سازد.

**نشر شاهد**

**شهریور ماه ۱۳۹۱**

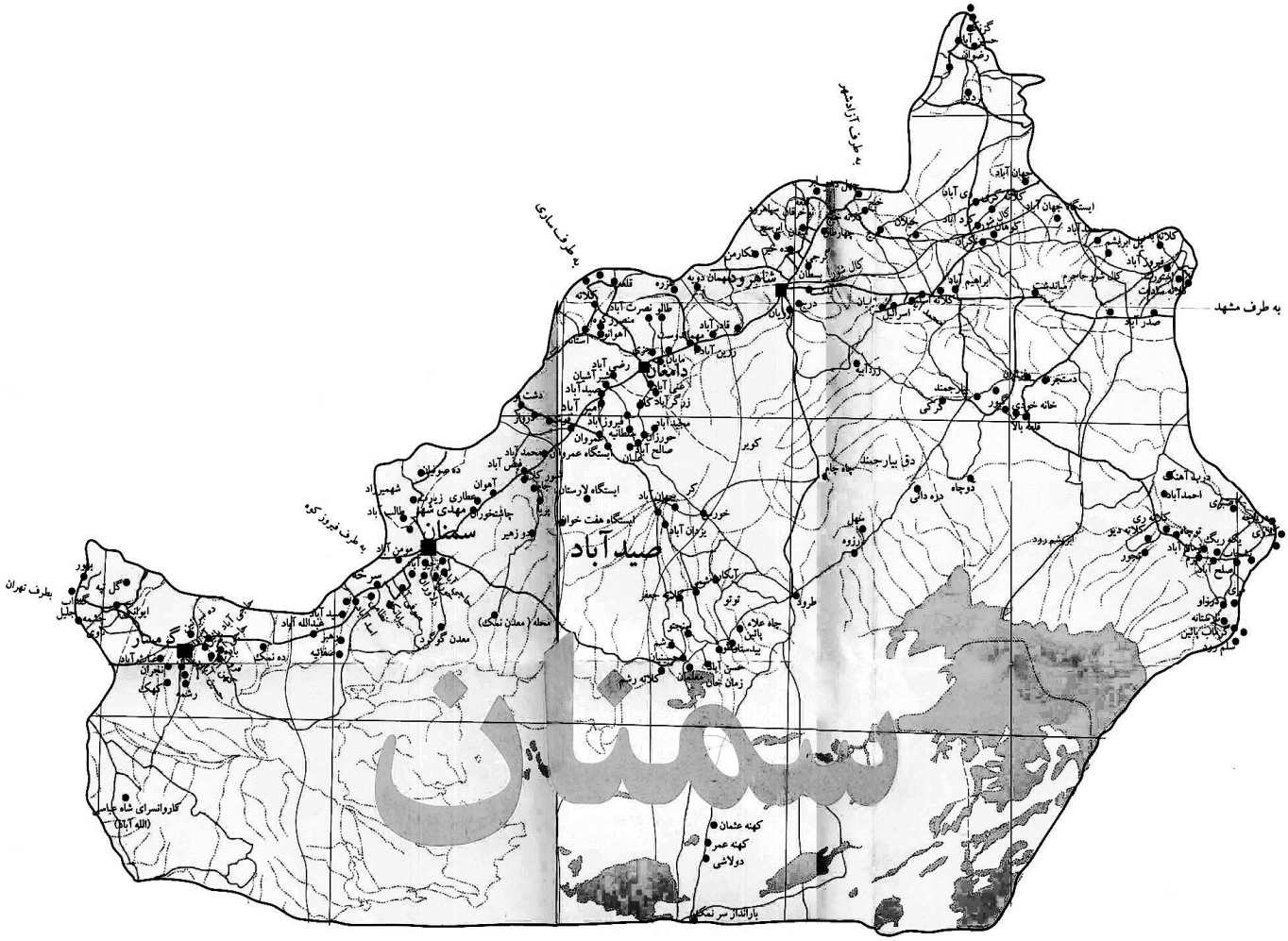
به طرف آزادشهر
به طرف ساری
به طرف مشهد
به طرف شاهرود
به طرف فیروزکوه
به طرف تهران
شاهرود
دامغان
سمنان
صید آباد
گرمسار
کهنه عثمان
کهنه عمر
دولاشی
کاروانسرای شاه عباس
(الله آباد)
باراندار سرخه

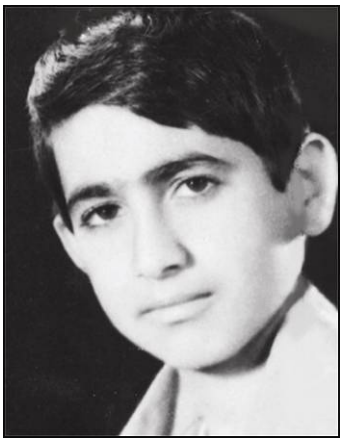

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: شبانی
نام پدر: حسن
نام مادر: عصمت
تاریخ تولد: بیست‌وچهارم اردیبهشت ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: جزیرهٔ مجنون
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- مادر عزیز دل و جانتان را با ذکر و یاد خدا آرام کنید.
- مصیبت آن روزی بود که خدای نکرده فرزندتان منحرف و فاسق و فاجر بی‌خبر از خدا بُوَد.
- دست از امام عزیز برندارید.
- اطاعت از امام اطاعت از امام عصر است، سلام‌الله علیه.
- ای پدر مهربان، ای مادر عزیز از این‌که فرزندی را در راه خدا داده‌اید ناراحت نباشید.
- با صبر و استقامت در شهادت من روی دشمنان اسلام را سیاه سازید.
- دل و جانتان را با ذکر و یاد خدا آرام کنید.
- افتخار کنید که [فرزندتان] در راه خدا بوده و جانش را تقدیم محضر امام زمان(عج) کرد.

## محمدرضا شبانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له و اشهد ان محمداً عبده و رسوله و اشهد أنّ امیرالمؤمنین علیاً و ابنائه المعصومین حجج الله»

«و اشهد ان الموت حق و ان **الجنة** و النار حق و ان **الساعة** اتیة لاریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور»[۱]

اینجانب، بندهٔ حقیر پروردگار، در حال سلامت جسم و جان و با اختیار و آزادی، در این دیار پر نور و سرور، که با خون صدها شهید آزاد گشته است، وصیت‌نامهٔ شرعی خود را، با یاد و نام حضرت حق، بر این سطور می‌نویسم.

وصی خود پدر عزیزم را که برایم بسی زحمت کشیده و خون دل خورده قرار دادم. اولاً از دار دنیا چیزی ندارم که فردای قیامت گریبان‌گیرم باشد. نه از کسی طلبی دارم و نه به کسی مقروض هستم، «**الحمدلله رب العالمین**». فقط مقدار پانصد تومان بابت ردّ مظالم به مستحقان پرداخته شود و سه ماه نماز و یک ماه روزه نیز عوض حقیر گرفته شود.

و در آخر باز به تأکید آنچه که در وصیت‌نامه‌ام نوشته‌ام، عرض می‌کنم که ای پدر مهربان، ای مادر عزیز از اینکه فرزندی را در راه خدا داده‌اید ناراحت نباشید. اینها ذخیرهٔ آخرتتان خواهد [شد]. و اگر این فرزند حقیرتان نیز چنین لیاقتی را پیدا کرد، همان‌طور که در شهادت حمید صبر و استقامت کردید و روی دشمنان اسلام را سیاه کردید، صبر و شکیبایی را پیشهٔ خود سازید و دل و جانتان را با ذکر و یاد خدا آرام کنید.

این را بدانید که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، نمرده‌اند، زنده‌اند و نزد خدای خود روزی می‌خورند.[۲]

مصیبت آن روزی بود که خدای نکرده فرزندتان منحرف و فاسق و فاجر بی‌خبر از خدا بود. افتخار کنید که در راه خدا بوده است و جانش را تقدیم محضر امام زمانش کرد.

نکتهٔ دیگر اینکه

---

۱- تلقین میت و اقرار به مسلمانی و وحدانیت خدا و شهادتین (مفاتیح‌الجنان).

۲- ترجمه آیه ۶۹ از سورهٔ آل‌عمران است «و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون».

مبـــــادا خویشـــــتن را واگـــــذاریم  امـــام خـــویش را تنهـــا گـــذاریم[۱]
ز خـــون هـــر شـــهیدی لالـــه رســـته  مبـــادا روی لالـــه پـــا گـــذاریم

دست از امام عزیز برندارید، اطاعت او اطاعت از امام عصر است، سلام‌الله علیه، مخالفت با او مخالفت با امام زمان(عج) است.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

از همگان عوض حقیر حلالیت بخواهید. به همهٔ خویشان و قومان و دوستان و آشنایان بگویید[۲] مرا ببخشند و شما خودتان نیز عفوم کنید، از من راضی باشید.

**الحقیر محمدرضا شبانی[۳]**
**مورخ نوشتن ۶۳/۸/۱۱**

۱- شعر از قیصر امین‌پور است.
۲- در اصل وصیت «بگوئید».
۳- در اصل وصیت «شعبانی».

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له

واشهد ان محمداً عبده ورسوله

واشهد ان امیرالمؤمنین علیاً وابنائه المعصومین حجج الله

واشهد ان الموت حق

و ان الجنة والنار حق

و ان الساعة آتیة لا ریب فیها

و ان الله یبعث من فی القبور

اینجانب بندهٔ حقیر پروردگار در حال سلامت جسم و جان و با اختیار و آزادی

در این دیار پرنور و سرور که با خون صدها شهید آزاد گشته است

وصیت نامهٔ شرعی خود را با یاد و نام حضرت حق بر این سطور می‌نویسم

وصی خود پدر عزیزم را که برایم بسی زحمت کشیده و خون دل خورده قرار دادم

اولاً از دار دنیا چیزی ندارم که فردای قیامت گریبان گیرم باشد

نه از کسی طلبی دارم و نه بکسی مقروض هستم الحمد لله رب العالمین

فقط مقدار پانصد تومان بابت رد مظالم به مستحقان پرداخته شود

و سه ماه نماز و یک ماه روزه نیز عوض حقیر گرفته شود

و در آخر باز به تاکید آنچه که در وصیت نامه‌ام نوشته‌ام عرض می‌کنم که

ای پدر مهربان

ای مادر عزیز از اینکه فرزندی را در راه خدا داده‌اید ناراحت نباشید

اینها ذخیرهٔ آخرتتان خواهد و اگر این فرزند حقیرتان نیز چنین لیاقتی را پیدا کرد

همانطور که در شهادت حمید صبر و استقامت کردید و روی دشمنان اسلام را

سیاه کردید صبر و شکیبایی را پیشه خود سازید

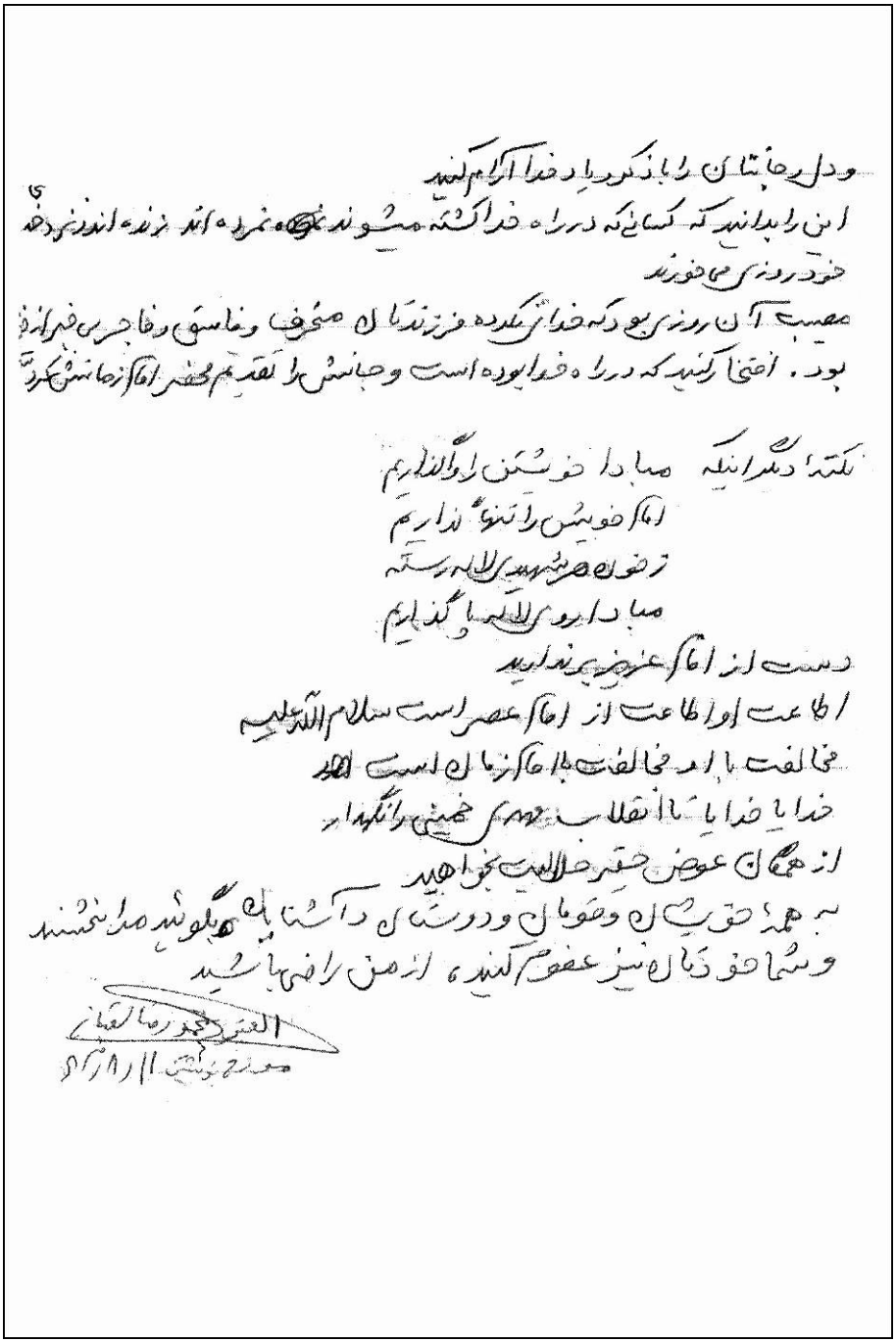

و دل و جانتان را با ذکر و یاد خدا آرام کنید
این را بدانید که کسانی که در راه خدا کشته میشوند نمرده اند زنده اند و نزد خدای
خود روزی می خورند
مصیبت آن روزی بود که خدای نکرده فرزندتان منحرف و فاسق و فاجر بی خبر از خدا
بود. افتخار کنید که در راه خدا بوده است و جانش را تقدیم محضر امام زمانش کرده

نکته دیگر اینکه مبادا خویشتن را واگذاریم
امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله رسته
مبادا روی لاله پا گذاریم
دست از امام عزیز برندارید
اطاعت او اطاعت از امام عصر است سلام الله علیه
مخالفت با او مخالفت با امام زمان است
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار
از همگان عوض حقیر حلالیت بخواهید
به همه خویشان و قومان و دوستان و آشنایان بگوئید مرا ببخشند
و شما خودتان نیز عفو کنید، از من راضی باشید

العبد محمدرضا شبانی
مورخ نوشتن ۱۱/۸/۶۳

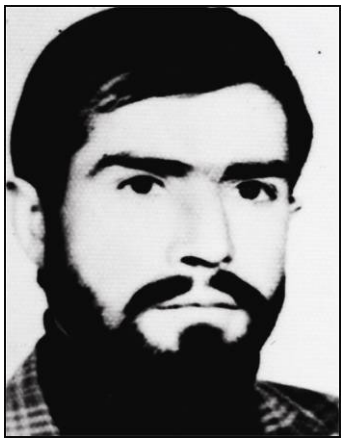

نام: **علی‌اصغر**
نام خانوادگی: شجاع‌جو
نام پدر: اسدالله
نام مادر: خیرالنسا
تاریخ تولد: دهم اردیبهشت ۱۳۳۷
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دورهٔ ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وششم تیر ۱۳۶۱
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: –
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود

## عبارت‌های کلیدی

- اگر خداوند صدها مرتبه مرا از مرگ برهاند، باز هم در راه او جهاد می‌کنم.
- امام را دعا کنید.
- فقط یک چیز می‌خواستم که در جهان و در همه جا است و آن هم اسلام راستین می‌باشد.
- همه چیز آفریدهٔ خداوند است و خداوند در همه‌جا وجود دارد.

# علی‌اصغر شجاع‌جو

## بسم الله الرحمن الرحیم

با درود بیکران به پیغمبران راستین و حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و رسول اکرم صلی‌الله علیه و آله و جانشین بر حق او، علی امیرالمؤمنین علیه‌السلام، و یازده فرزند او به‌خصوص آخرین امام، حضرت صاحب‌الزمان(عج)، و درود فراوان به جانشین آن حضرت یعنی نایب [امام]، امام خمینی و همچنین مجتهدین تقلید از اول تا به حال.

من وصیت ندارم، اما فقط یک چیز می‌خواستم که در جهان و در همه جا است و آن هم اسلام راستین می‌باشد. یعنی اسلامی که خدا توسط حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرستاده است و آن را برای زندگی کردن انسان‌ها روی زمین قرار داده است و ما در این دنیا به آن نیاز داریم. همه چیز آفریدهٔ خداوند است و خداوند در همه‌جا وجود دارد. اگر خداوند صدها مرتبه مرا از مرگ برهاند، باز هم در راه او جهاد می‌کنم، تا راه حق خداوند در همه‌جای حاکم شود، اما نه همیشه در جنگ بلکه از روشی که پیغمبران استفاده می‌کردند، یعنی راهنمایی انسان‌ها و راه راست اسلام عزیز، مانند روش حضرت علی(علیه‌السلام) حاکم شود.

این بندهٔ روی سیاه خداوند هیچ چیز در دنیا از نیاز مادی ندارم، فقط چیزی که می‌خواهم این است که از [...][1] نباشم. به فرمودهٔ حضرت علی(علیه‌السلام) که در دعای خود به خداوند چنین می‌گوید «که خداوند بزرگ همه‌چیز به ما دادی تا در راه تو باشیم و تو را ستایش کنیم، نه به‌خاطر این دنیا و نه به‌خاطر بهشت و دوزخ بلکه به‌خاطر راهی که پیش روی ما قرار دادی و نعمت‌هایی که به ما دادی.»[2] به‌خاطر این که عشق دیدار تو را دارم، پس هر چه در درگاه تو ستایش کنیم باز هم کم کردیم.

وصیت من این که وقتی که از دنیا رفتم بالا سر مزار من گریه نکنید. وقتی که می خواهید جنازهٔ من را دفن کنید فقط پدر و مادر و برادرهایم و خواهرم باشند. اگر می‌شود

---

۱- خوانا نیست.

۲- علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: «ما عبدتک حوفا من نارک و لاطمعاً فی جنّتک لکن وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» (بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۱۸۶).

حتی فامیل نزدیک نباشد بهتر است. چون حضرت امام حسین(علیه‌السلام) شهید کربلا و هفتاد و دو تن از یارانش را کسی نبود دفن کند. دوم آنکه اگر در روزهای شنبه و یکشنبه و دوشنبه و سه‌شنبه و چهارشنبه و پنج‌شنبه، در راه خدا جان دادم جنازهٔ مرا تا روز جمعه بگذارید باشد و بعد بالا سر من نوار صاحب‌الزمان(عج) بگذارید و بعد من را دفن کنید. اگر در روز جمعه مردم، در هر روزی می‌خواهید، مرا دفن کنید. فقط یکی دو ساعت جنازهٔ مرا در روی زمین بگذارید و نوار صاحب‌الزمان(عج) در بالای سر من بخواند. پس از مرگ من [یعنی] سه یا هفت روز بیشتر نباید عزا بگیرید، اگر بیشتر باشد من راضی نیستم. اگر در مزار من عکس گذاشتید، در زیر آن این جمله را بنویسید «برادر آستانی فرماندهٔ آموزشی را دعا کنید.» حتماً.

امام را دعا کنید. خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**«السلام علیکم و رحمة الله»**

**علی‌اصغر شجاع‌جو**

بسم... الرحمان الرحیم.

با درود بیکران به پیغمبران راستین و حضرت محمد (ص) و رسول اکرم صلی... علیه
و آله و جانشین برحق او علی امیرالمومنین علیه السلام، و یازده فرزند او بخصوص آخرین
امام حضرت صاحب الزمان (عج) و درود فراوان به جانشین آن حضرت یعنی نایب
امام خمینی، و همچنین مجتهدین تقلید از اول تا به حال. من وصیت ندارم اما فقط
یک چیز می‌خواستم که در جهان و در همه جا است و آن هم اسلام راستین می‌باشد یعنی
اسلامی که خدا توسط حضرت محمد (ص) فرستاده است و آن را برای زندگی کردن انسانها
روی زمین قرار داده است و ما در این دنیا به آن نیاز داریم همه چیز آفریده خداوند است
و خداوند در همه جا حاکم وجود دارد. اگر خداوند صدها مرتبه مرا از مرگ برهاند باز
هم در راه او جهاد می‌کنم تا راه حق خداوند در همه جای حاکم بشود اما نه همیشه در جنگ

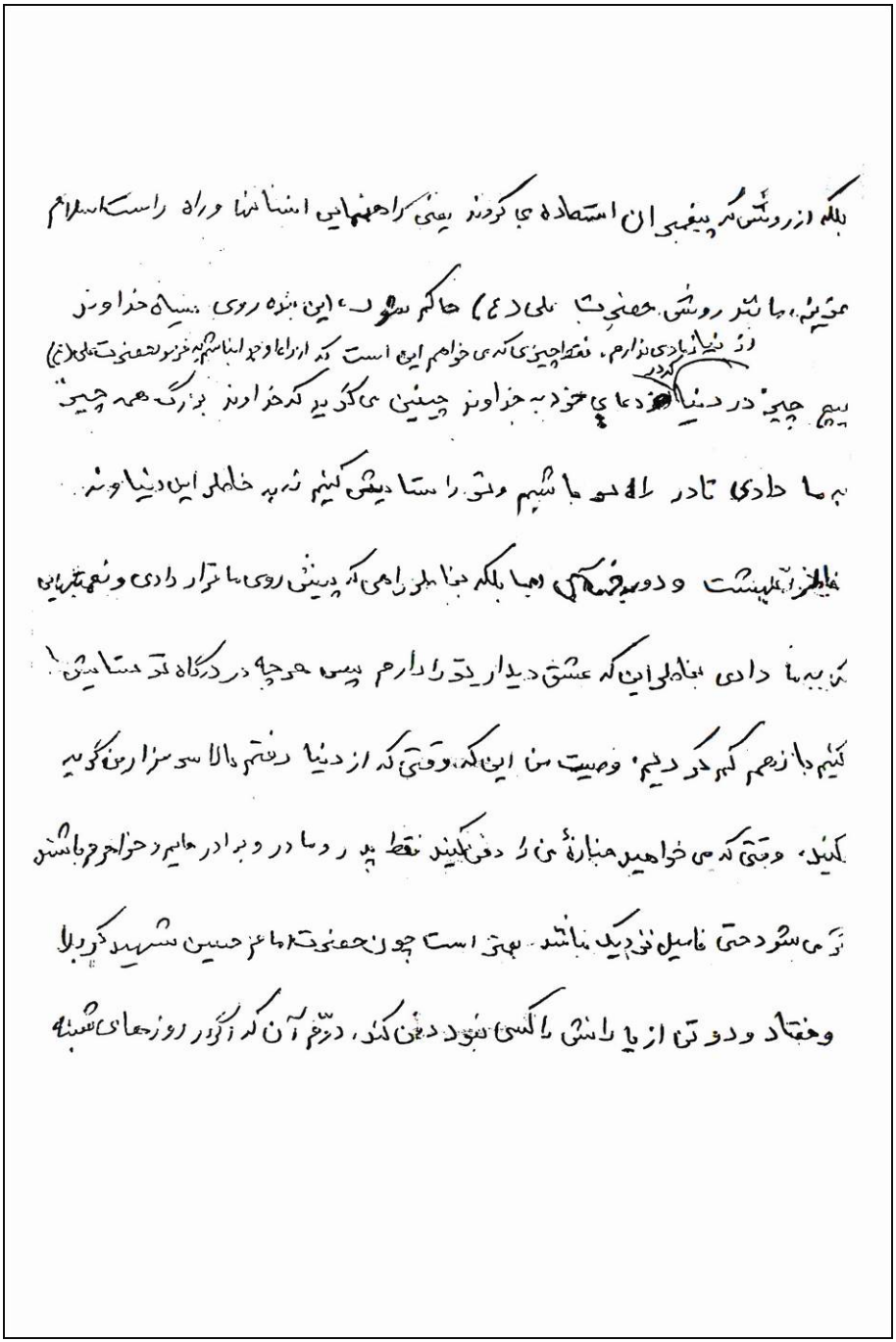

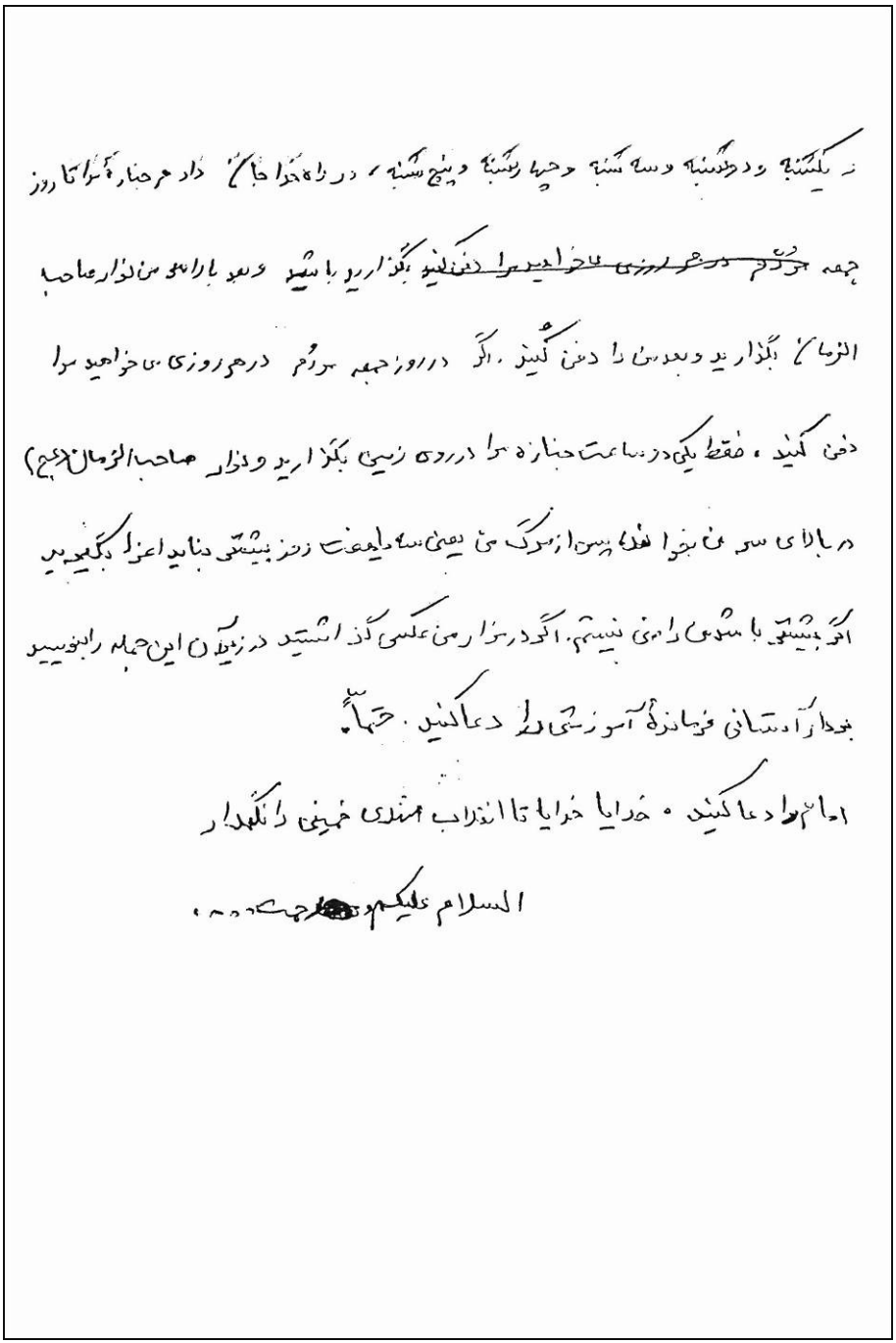

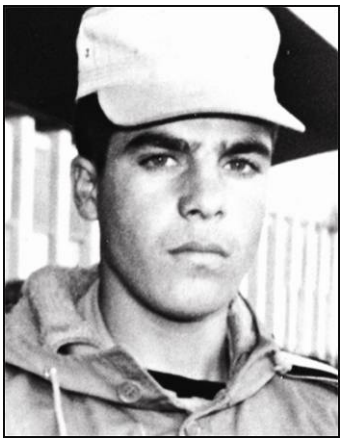

نام: **رضا**
نام خانوادگی: شجاعی
نام پدر: محمد
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: ششم دی ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دورهٔ ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم خرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: فکه
نحوهٔ شهادت: بمباران شیمیایی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- نگذارید اسلحهٔ من روی زمین بیفتد، با این دشمن بعثی عراق بجنگید.
- افتخار کنید که من رفتم.
- نصیحت از من به شما اینکه نگذارید این کفر جهانی برای ایران دست بند کند، توی دهنش بزنید.

## رضا شجاعی

### بسم الله الرحمن الرحیم

به‌نام خدا و با سلام و درود به امام زمان و نایب بر حقش امام خمینی

سلامٌ علیکم، پس از تقدیم عرض سلام، امیدوارم که حالتان خوب باشد و خداوند تبارک و تعالی به شما پدران و مادران و برادران و به همگی خانوادهٔ شهیدان صبر و حوصله بدهد. همگی قوم و خویشان و دوست و رفیق و غیره را سلام می‌رسانم. پدر جان و مادرم! از بابت من هیچ‌گونه ناراحتی نکنید و هرگز جوش نزنید و برادرانم هم برای من ناراحتی نکنید. برادرانم! با هر شش‌تای شما هستم، ناراحت نباشید و شما هم نگذارید اسلحهٔ من روی زمین بیفتد[۱]، با این دشمن بعثی عراق بجنگید.

آقایان من را به جهان‌آباد که بردید، تابوت من را سر آب یک لحظه روی زمین بگذارید و بعد جلوی خانه‌مان ببرید. صورت من را بگذارید مادرم سیر ببیند و همچنین پدرم و برادرانم و پدربزرگ و مادربزرگم و عمه‌ام، من را تا ندیدند[۲] حق ندارید به خاک بگذارید. مخصوصاً برادرانم و پدر و مادرم باید صورت رضا را ببینند تا آنها آرام گیرند. و خواهش دیگر من این است که برای من گریه زاری نکنید که روحم ناراحت می‌شود.

دوباره با تقدیم عرض سلام به همگی رزمندگان اسلام و شهیدان کربلای ایران، خدمت پدر و مادرم [را] سلام بسیار فراوان می‌رسانم، و هیچ ناراحت نباشید. افتخار کنید که من در این راه رفتم. خدمت برادرانم حسین و علی و اسماعیل [را] سلام فراوان می‌رسانم. و برای رضا هیچ ناراحت نباشید و هر چند بار یک‌مرتبه به[۳] خاک من سر بزنید. خدمت پدربزرگ و مادربزرگ سلام فراوان می‌رسانم و بعد از رفتن من هیچ ناراحت نباشید و جوش نزنید و افتخار کنید که من رفتم. خدمت دایی عباسم و خاله‌هایم [را] سلام می‌رسانم و بعد از سلام خواهش می‌کنم که گریه نکنید و چند بار یک‌دفعه از من خبر بگیرید. خدمت قوم و خویشان، هم‌شهری و هم‌روستایی‌هایم را، هم سلام می‌رسانم.

---

۱- در اصل وصیت «بیافتد».

۲- در اصل وصیت «ندیدن».

۳- در اصل وصیت «از».

مخصوصاً رفیقان[...][1] و همسنگرهایی که با هم می‌نشستیم سلام می‌رسانم و از آنها می‌خواهم که من را فراموش نکنند، از من سری بزنید و دیگر این نصیحت از من به شما اینکه نگذارید این کفر جهانی برای ایران دست بند کند، توی دهنش بزنید. دیگر عرضی ندارم و شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**سرباز وظیفه رضا شجاعی**

جمعی لشگر ۷۲ خراسان تیپ ۳ گردان ۷۲۳ گروهان ۱ دستهٔ ۳ پیاده.

آدرس شاهرود، میامی، روستای جهان آباد، منزل محمد آقا شجاعی

نویسنده رضا شجاعی، این نامه را اول بخوانید و عمل کنید و بعد اگر خواستید سر خاکم بخوانید اشکالی ندارد. و همه نامه را بدهید به‌دست مادرم یادگاری از من. مادر جان خدانگه‌دار.

شروع خدمت ۶۶/۵/۱۸

خداحافظ ایا مادر ندیدی تو به بر رویم دم آخر در دم مهلت

**رضا شجاعی**

---

۱- خوانا نیست.

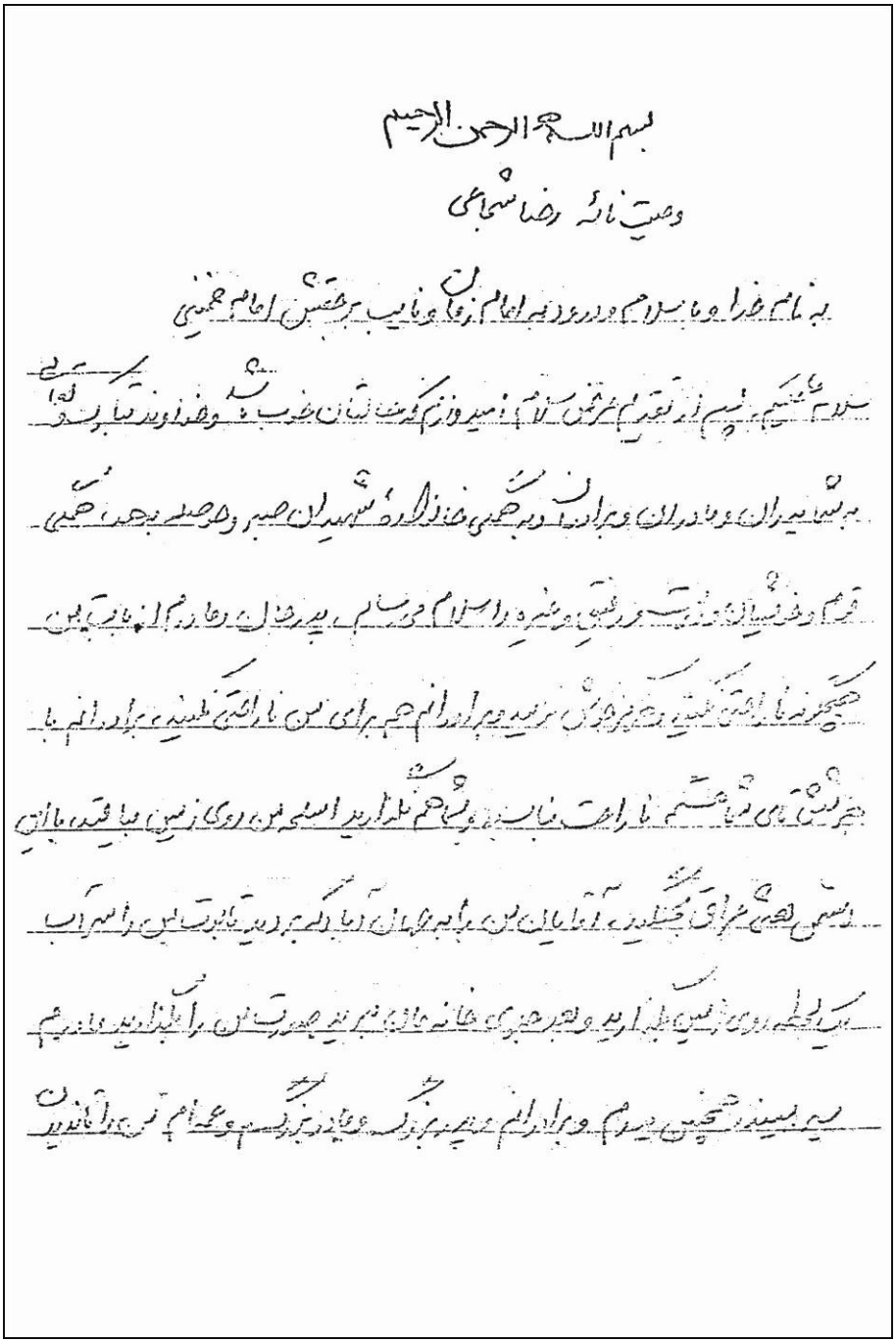

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه رضا شجاعی

به نام خدا و با سلام و درود به امام زمان و نایب برحقش امام خمینی

سلام علیکم. پس از تقدیم عرض سلام امیدوارم که حالتان خوب باشد و خداوند تبارک و تعالی

به شما پدران و مادران و برادران و به همگی خانواده شهیدان صبر و حوصله بدهد. همگی

قوم و خویشان و دوست و رفیق و غیره را سلام می‌رسانم. پدر جان و مادرم از بابت من

هیچگونه ناراحتی نکنید و هرگز خوش نرسید و برادرانم هم برای من ناراحتی نکنید. برادرانم با

جرئتهای شما هستم ناراحت نباشید و شما هم نگذارید اسلحه من روی زمین بیافتد. با این

دشمن هیچ عراقی نجنگید. آقایان من را به جهان آباد که بردید تابوت من را سر آب

یک لحظه روی زمین بگذارید و بعد جلوی خانه‌مان ببرید صورت من را بگذارید. مادرم

سیر ببیند همچنین پدرم و برادرانم و پدربزرگ و مادربزرگم و عمه‌ام تن را تا ندیدن

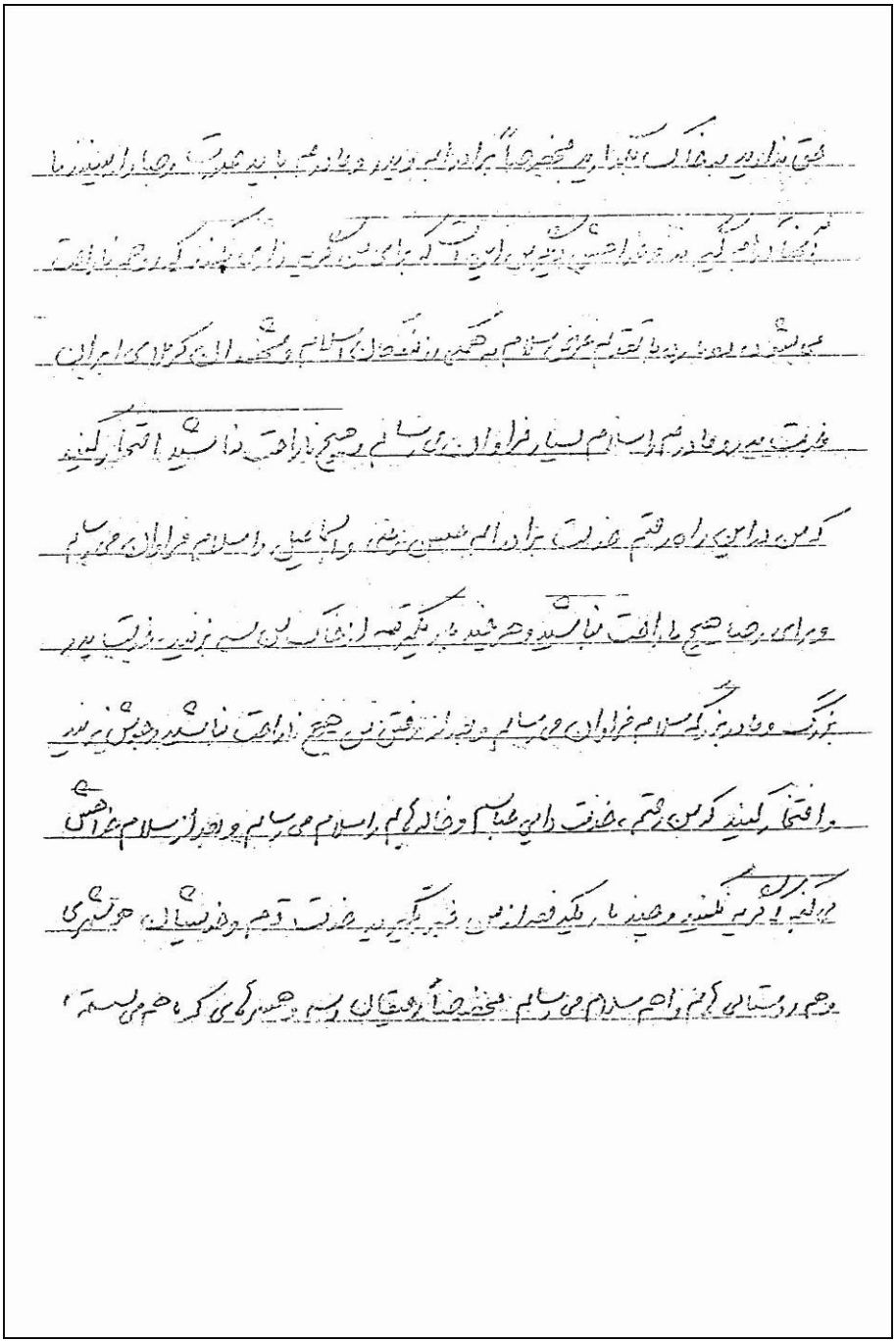

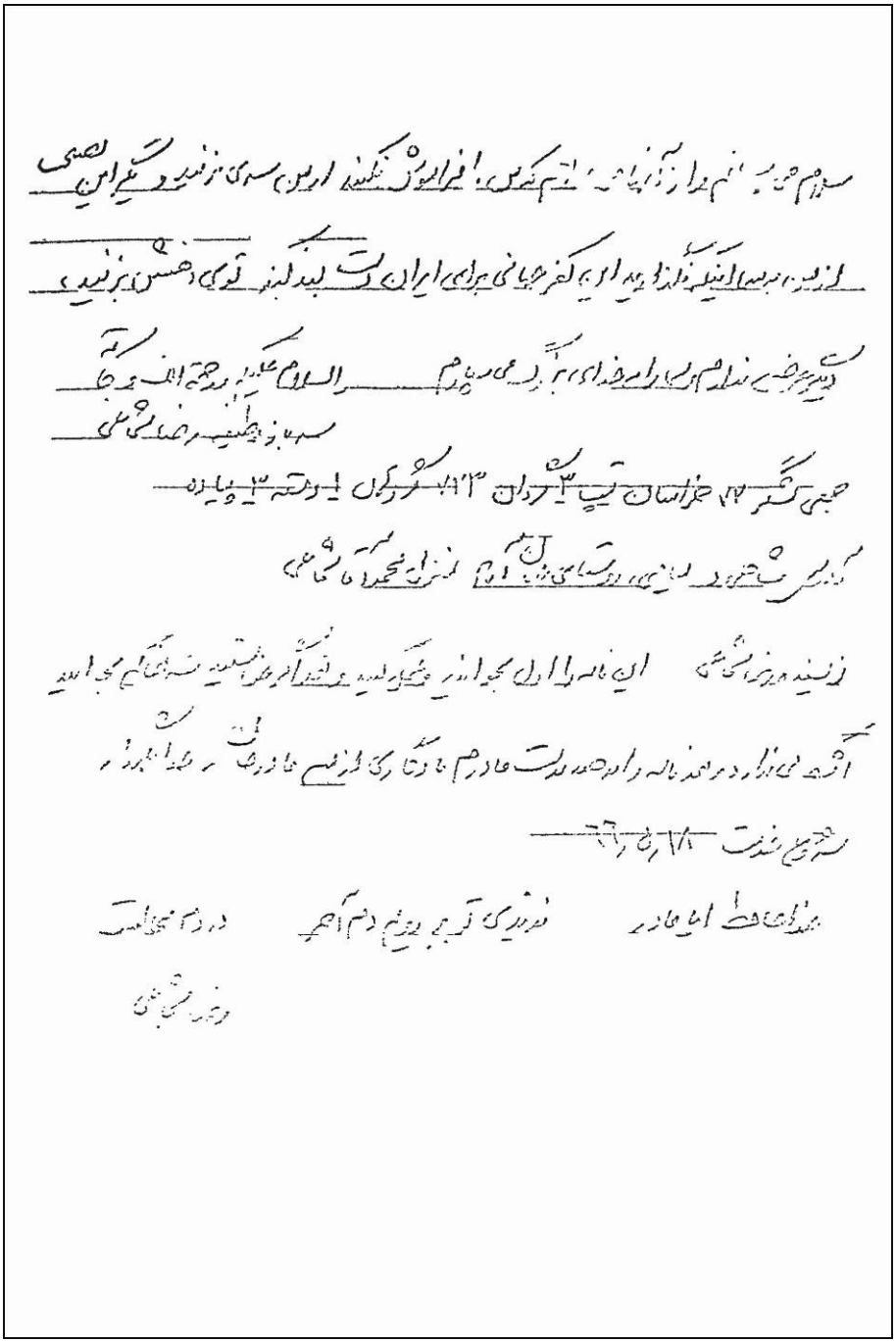

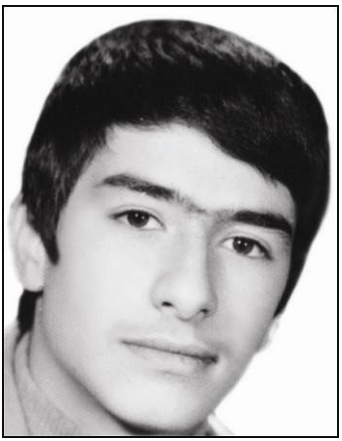

نام: **سیدحسین**
نام خانوادگی: شجاعی
نام پدر: سیدرحمت‌الله
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: پانزدهم آذر ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان تهران
تحصیلات: سوم راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان ۱۳۶۱
محل شهادت: عین‌خوش
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان سمنان

## عبارت‌های کلیدی

- بدانید مرگ در راه خدا حیات‌بخش است.
- خدا را شکر که از زندان دنیوی بگسستم و به بهشت اخروی راه گشودم.
- خوشحال باش و افتخار کن که پسرت راه جدش را رفته تا روح من همیشه شادمان باشد.
- خواهران عزیزم، در زینب‌وار زندگی کردن از هم سبقت بگیرید.
- ملت‌شهید پرور، حسین‌گونه، علی‌وار، بر تمام دشمنان اسلام چه داخلی و چه خارجی بخروشید.
- رزمندگان را دعا کنید که محتاج دعا هستیم.
- در همهٔ موارد صبر را پیشه کنید و فرزندان خود را به معامله با خداوند بفرستید.
- در مسائلی که در مملکت پیش می‌آید، زود قضاوت نکنید و از رهبران مذهبی تقلید کنید.
- مسائل اسلامی را حتماً رعایت کنید. مسئله بی‌حجابی رادست کم نگیرید.
- هرگز امام را تنها نگذارید.
- نماز را حتماً سر وقت بخوانید و تقوا پیشه کنید.
- در نمازها امام را دعا کنید. نماز جمعه را ترک نکنید.

## سید حسین شجاعی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الذین آمنوا و هاجَروا و جاهَدوا فی‌سبیل‌الله باموالِهم و انفسِهم اعظَم درجة عندالله و اولئکَ همُ الفائِزوُن»**[1]

«کسانی‌که در راه خدا هجرت کردند با جهاد با مال‌هایشان و جان‌هایشان و ایمان آوردند نزد خدا اجری عظیم دارند و اینان رستگارند».

بدانید که مرگ در راه خدا حیات‌بخش است، مرگ نیست بلکه تبدیل صورت زندگی است از زندگی آمیخته به بلا به زندگی طیبه و جاودان و آراسته، خدا را شکر که از زندان دنیوی بگسستم و به بهشت اخروی راه گشودم و چه ارزشی دارد این بدن و جوارح و جسم بی‌ارزش که در راه خدا از آن دریغ شود؟

حال که به این درجه الهی نائل آمدم وصیت می‌کنم:

اینجانب سیّدحسین شجاعی نام پدر سیّد رحمت‌الله شناسنامه ۲۵۶۷ صادره از تهران اوّل سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران امام خمینی بعد سلام بر ملّت شهیدپرور ایران و بعد سلام بر خانواده گرامی‌ام به‌خصوص پدر و مادر عزیزم، سلامی گرم از میان خون و شهادت، عشق و ایمان فضل و بخشش بندگان خدا در راه خدا که خالصانه در راه خدا جان می‌بازند.

پدر و مادر عزیزم: می‌دانم از دست من بسیار ناراحت هستید زیرا باعث رنج و عذاب شما در دوران زندگی بودم امیدوارم مرا ببخشید و حلال کنید، اسلحه ما را زمین نگذارید و تقوا پیشه کنید.

مادرجان، همانطور که موقع آمدن به جبهه جلوی مردم ناراحت نبودی و با ایمان به خدا استوار و پایدار بودی امیدوارم از شهید شدن نیز ناراحت نباشی، چرا که اگر ناراحت باشی باعث رنج و عذاب روح من می‌شوی، پس خوشحال باش و افتخار کن که پسرت راه جدّش را رفته تا روح من همیشه شادمان باشد.

مادرجان هر شب امام را دعا کن و همانطور که گفتم امیدوارم مرا ببخشی تا در شب اوّل قبر پابوس ائمه اطهار بشوم. و تو پدر عزیزم، پدرجان تو از همان اوایل انقلاب یعنی سال ۱۳۴۲ پیرو خط امام بودی انشاءالله هم چنان خط امام را ادامه بدهی و کلیه دستورات امام را نه یک کلمه کمتر

---

۱- توبه/ ۲۰.

و نه یک کلمه بیشتر انجام بدهی، در مقابل شهید شدن من مثل کوه استوار و مثل دریا خروشان باش و به خود ببال که پسرت راه خدا را رفته چون خودت می‌دانی که مقام شهید والا است.

خواهران عزیزم، در زینب‌وار زندگی کردن از هم سبقت بگیرید حجاب خود را که اسلحه قوی در مقابل کافران و منافقان[۱] است حفظ کنید و به خواست‌های دنیوی اعتنایی نکنید. بلکه میل به آخرت بورزید و با از میان رفتن من از بین خودتان هیچ‌گونه ناراحتی به خود راه ندهید. بلکه افتخار کنید که خواهر یک شهید هستید.

و شما برادران عزیزم، برادران من که در زمان حیات نتوانستم اسلام را به معنای واقعی بشناسم و به آن عمل کنم. سعی کنید هرچه بیشتر اسلام را فرا بگیرید و به آن عمل کنید، تا آنجا که می‌توانید به این انقلاب کمک کنید که به اسلام کمک کرده‌اید.

و شما کلیه ملت شهیدپرور، وصیت من و کلیه شهیدان این انقلاب این است که:

۱- از امام اطاعت کنید.

۲- امام را تنها نگذارید.

۳- برای ما ناراحت نباشید و گریه نکنید که باعث رنج و عذاب روح ما می‌شود.

۴- ملت شهیدپرور، حسین‌گونه، علی‌وار، بر تمام دشمنان اسلام چه داخلی و چه خارجی بخروشید.

**سیدحسین شجاعی**

## [وصیت‌نامه‌ای دیگر]

## بسم الله الرحمن الرحیم[۲]

**«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علیّ دیته فانادیته»**[۳] (حدیث قدسی) «و آن‌گاه که شدی عاشق خدا و آن‌گاه که شد خدا عاشق تو و آن‌گاه که کشت تو را و آن‌گاه که خون‌بهای تو را خودش را قرار داد.»

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در بالای وصیت‌نام نوشته شده است: «نام: سیدحسین، نام خانوادگی، شجاعی، شماره شناسنامه: ۲۵۶۷، تاریخ تولد: ۱۳۴۶، نام پدر: سیدرحمت‌اله، گروه خون: $O^+$، اعزامی: از شهرستان سمنان، آدرس: سمنان، بلوار ۱۷ شهریور- گلشهر دوم- ۱۶متری اول- ۱۲ متری اول سمت چپ- سمت چپ درب اول- منزل سیدرحمت‌اله شجاعی- تلفن: ۶۰۹۴.

۳- ر.ک. تعلیقات ذیل مَن طَلبنی.

چه معامله‌ای از این بهتر که قرآن می‌فرماید:
«خداوند از مؤمنان جان‌ها و اموالشان را خریداری می‌کند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد.[۱] (سورهٔ توبه، آیه ۱۱۱ ، قسمت اول)

خدایا آرزویم همین بود، به کرمت قسم که در این مورد ناامید نشده بودم و آخر به مقصودم رسیدم. خدایا تو در روی بندگانت دو راه قرار دادی، یکی راه پاکان و مقربان به درگاهت و یکی راه رانده‌شدگان از درگاهت، و شکر تو را که در این مورد عقل نیز به ما دادی تا انتخاب کنیم این دو راه را از هم. پس آن کس که منحرف شد و از درگاه خدا رانده شد، بدانید که با عقل و شعور بوده ولی گول دنیای فانی را خورده است.

خدایا! رزمندگان اسلام همه از دستهٔ اول هستند، پس هر چه بیشتر آنها را به درگاهت نزدیک فرما.

مهدی(عج) جان! آرزوی ما رزمندگان، خشنودی شما از ماست. تو را به مادرت زهرا(علیهاالسلام) همهٔ رزمندگان را جزء سربازان خودت قرار بده.

و امام! ای نجات دهندهٔ ما از منجلاب ذلت، بدانید که دعای شما و شماها بوده که خداوند این امدادهای غیبی خود را نصیب ما کرده، پس رزمندگان را دعا کنید که محتاج دعا هستیم.

و شما ای ملت شهیدپرور! بدانید که در درگاه خدا اجری بس عظیم دارید. با این شهدایی که تحویل جامعه دادید، با این صبری که در عرض ۴ سال کردید با این رنج‌هایی که کشیدید و با این... وصیت امام حسین(علیه‌السلام) را انجام داده‌اید که امام وصیت کرده بود. در این مقطع زمان از بهترین امت‌های اسلامی هستید. پس در همهٔ موارد صبر را پیشه کنید و فرزندان خود را به معامله با خداوند بفرستید تا ارمغان پیروزی را برای شما هدیه کنند.

قدر امام و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی را بدانید که راهنمایی بس بزرگ است. او را هرگز تنها نگذارید و او را دعا و اطاعت کنید. در مسائلی که در مملکت پیش می‌آید، زود قضاوت نکنید و از رهبران مذهبی تقلید کنید که در این مورد نیز تاکنون پیروز بوده‌اید.

و شما ای خانواده! امیدوارم که راه من را ادامه بدهید و اسلحهٔ من را بر زمین مگذارید. مسائل اسلامی را حتماً رعایت کنید. مسئله بی‌حجابی رادست کم نگیرید. کمتر با اشخاص

---

۱- «ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بأنّ لهم الجنة».

ضدمذهب و ضدانقلاب رفت‌آمد داشته باشید با آنها قاطع برخورد کنید جوّ مذهبی را قوی کنید و هرگز جای من را میان خود خالی نپندارید. اصلاً برای من شیون و ناله نکنید تا مشت محکمی بر دهان ضدانقلاب باشد و هرگز نگذارید در خانهٔ شما حرفی علیه اسلام یا انقلاب گفته شود. به دیگران بگویید که شهادت من یک شهادت آگاهانه بود. هرگز امام را تنها نگذارید. نماز را حتماً سر وقت بخوانید. در نمازها امام را دعا کنید. نماز جمعه را ترک نکنید. از غیبت، تهمت دوری کنید که امر حرامی است.

در طول زندگی خودم شما را اذیت کردم و از این بابت و دیگر مسائل مرا، هم شما و هم دیگر دوستان و آشنایان ببخشید. از پدرم و مادرم می‌خواهم که مرا حلال کنید و بار دیگر می‌گویم برای من شیون و ناله نکنید. در مورد مسائل مالی وکیل خود را پدرم را قرار می‌دهم. در همهٔ موارد خودش می‌داند و من را پهلوی بقیه شهدای سمنان، امامزاده یحیی، دفن کنید و حدود ۱/۵ سال نماز و ۱ ماه روزه نیز قضا دارم. از دیگران برای من حلالیت بطلبید و به دیگران اعلام کنید اگر از من طلب (پول) دارند به آنها بدهید. التماس دعا، مرا حلال کنید تا شب اول قبر پابوس ائمه اطهار بشوم.

**سیدحسین شجاعی**

**۶۱/۸/۶**

**عاشورای حسینی**

( ۳ )

متن وصیّت نامه اوّل شهید سیّدحسین شجاعی

بسم ا ۰ ۰ ۰ الرّحمن الرّحیم

( الذین آمنواوهاجرواو جاهدو افی سبیل ا ۰ ۰ ۰ باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندا ۰ ۰ ۰واولئک هم الفائزون

کسانیکه در راه خدا هجرت کردند با جهاد با مالهایشان و جانهایشان و ایمان آوردند نزد خدا اجری عظیم دارند و اینان رستگارند "

بدانیدکه مرگ در راه خدا حیات بخش است ، مرگ نیست بلکه تبدیل صورت زندگیست از زندگی آمیخته به بلا به زندگی طیبه و جاودان و آراسته ، خدارا شکرکه از زندان دنیوی بگسستم و به بهشت اخروی راه گشودم وچه ارزشی دارد این بدن وجوارح وجسم بی ارزش که در راه خدا از آن دریغ شود ۰

حال که به این درجه الهی نائل آمدم وصیّت میکنم

اینجانب سیّدحسین شجاعی نام پدر سیّد رحمت ا ۰ ۰ ۰ شناسنامه ۲۵۶۷ صادره از تهران اوّل سلام به رهبرکبیرانقلاب اسلامی ایران امام خمینی بعد سلام برملّت شهید پرور ایران و بعد سلام برخانواده گرامیم بخصوص پدرو مادرعزیزم ، سلامی گرم از میان خون و شهادت ، عشق و ایمان فضل و بخشش بندگان خدا در راه خدا که خالصانه در راه خدا جان میبازند ۰

پدرو مادرعزیزم

میدانم از دست من بسیارناراحت هستید زیرا باعث رنج و عذاب شما دردوران زندگی بودم امیدوارم مرا ببخشید و حلال کنید ، اسلحه مارازمین نگذارید و تقوا پیشه کنید ۰

مادرجان ، همانطورکه موقع آمدن به جبهه جلوی مردم ناراحت نبودی و با ایمان به خدا استوارو پابدار بودی امیدوارم از شهید شدن نیز ناراحت نباشی ، چراکه اگرناراحت باشی باعث رنج و عذاب روح من میشوی ، پس خوشحال باش و افتخارکن که پسرت راه جدّش را رفته تاروح من همیشه شادمان باشد ۰

مادرجان هرشب امام رادعاکن و همانطورکه گفتم امیدوارم مرا ببخشی تا در شب اوّل قبر پابوس ائمه اطهار بشوم ۰

( ۴ )

و توپدرعزیزم ، پدرجان توازهمان اوایل انقلاب یعنی سال ۱۳۴۲ پیرو خط امام بودی انشاا ... همچنان خط امام را ادامه بدهی و کلیّه دستورات امام را نه یک کلمه کمترو نه یک کلمه بیشترانجام بدهی ، درمقابل شهیدشدن من مثل کوه استوارو مثل دریاخروشان باش و به خود ببال که پسرت راه خدا را رفته چون خودت میدانی که مقام شهید والا است .

خواهران عزیزم ، درزینب وارزندگی کردن از هم سبقت بگیرید حجاب خود راکه اسلحه قوی درمقابل کافران و منافقان است حفظ کنید و به خواستهای دنیوی اعتنایی نکنید بلکه میل به آخرت بورزید و با ازمیان رفتن من از بین خودتان هیچ‌گونه ناراحتی بخود راه ندهید بلکه افتخارکنیدکه خواهریک شهید هستید .

و شما برادران عزیزم ، برادران من که درزمان حیات نتوانستم اسلام را به معنای واقعی بشناسم و به آن عمل کنم سعی کنید هرچه بیشتراسلام را فرابگیرید و به آن عمل کنید ، تاآنجا که میتوانید به این انقلاب کمک کنیدکه به اسلام کمک کرده اید .

و شما کلیه ملت شهیدپرور ، وصیّت من و کلیّه شهیدان این انقلاب اینستکه :

۱ ــ از امام اطاعت کنید ، ۲ ــ امام را تنهانگذارید ، ۳ ــ برای ما ناراحت نباشید و گریه نکنیدکه باعث رنج و عذاب روح ما میشود ، ۴ ــ ملّت شهیدپرور ، حسین گونه ، علی وار ، برتمام دشمنان اسلام چه داخلی و چه خارجی بخروشید .

سیدحسین شجائی

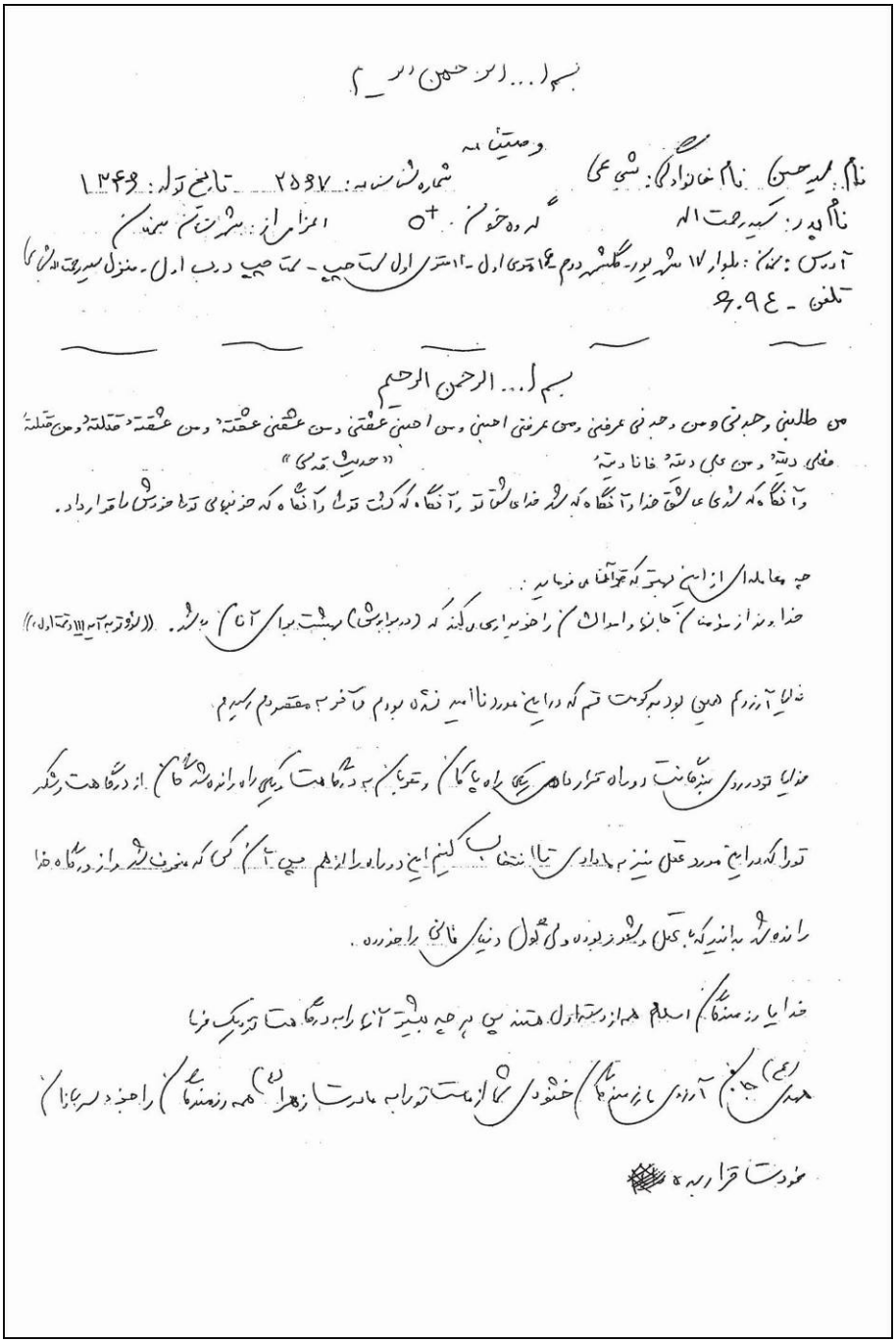

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیتنامه

نام: سیدحسین نام خانوادگی: شجاعی شماره شناسنامه: ۲۵۹۷ تاریخ تولد: ۱۳۴۹

نام پدر: سید رحمت الله گروه خون: $O^+$ اعزامی از: شهرستان سمنان

آدرس: سمنان: بلوار ۱۷ شهریور - گلشهر دوم - ۱۶ متری اول - ۱۲ متری اول سمت چپ - سمت چپ درب اول - منزل سید رحمت الله شجاعی

تلفن - ۶۰۹۴

بسم الله الرحمن الرحیم

من طلبنی وجدنی ومن وجدنی عرفنی ومن عرفنی احبنی ومن احبنی عشقنی ومن عشقنی عشقته ومن عشقته قتلته ومن قتلته فعلی دیته ومن علی دیته فانا دیته «حدیث قدسی»

و آنگاه که شدی عاشق خدا و آنگاه که شد خدا عاشق تو و آنگاه که کشت تو را و آنگاه که خونبهای تو را خودش را قرار داد.

چه معامله‌ای از این بهتر که قرآن می‌فرماید:

خداوند از مؤمنان جانها و اموالشان را خریداری می‌کند که (در برابرش) بهشت برای آنان باشد. ((توبه آیه ۱۱۱ (تمت اول))

خدایا آرزویم همین بود به کرامت قسم که در این مورد ناامید نشده بودم و آخر به مقصودم رسیدم

خدایا تو در روی بندگانت دو راه قرار دادی یکی راه پاکان و مقربان به درگاهت و یکی راه رانده شدگان از درگاهت و شکر تو را که در این مورد عقل نیز به ما دادی تا انتخاب کنیم این دو راه را از هم پس آن کس که منحرف شد و از درگاه خدا رانده شد بدانید که با عقل و شعور بوده ولی گول دنیای فانی را خورده.

خدایا رزمندگان اسلام همه از دسته اول هستند پس هر چه بیشتر آنها را به درگاهت نزدیک فرما

مهدی (ع) جان آرزوی ما رزمندگان خشنودی شما از ماست تو را به مادرت زهرا (ع) همه رزمندگان را جزو سربازان خودت قرار بده

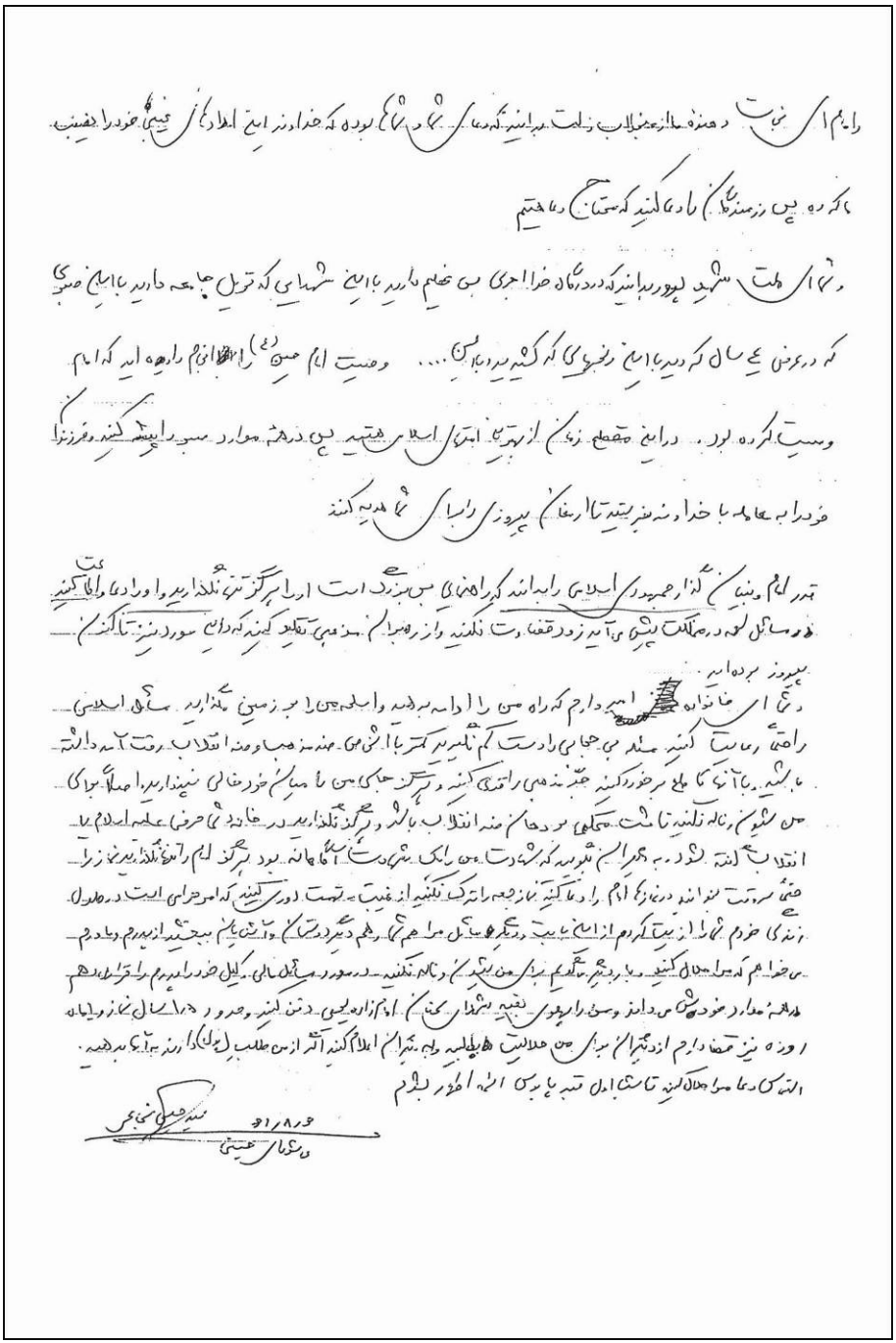

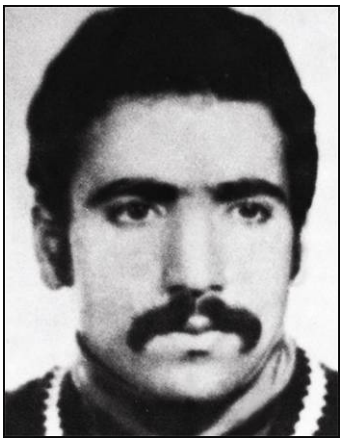

نام: **یدالله**
نام خانوادگی: شجاعی
نام پدر: قاسمعلی
نام مادر: کشور
تاریخ تولد: نهم مرداد ۱۳۳۷
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان ۱۳۶۱
محل شهادت: عین‌خوش
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای شهرستان شاهرود

## عبارت‌های کلیدی

- از شما ملت بزرگ ایران می‌خواهم که هیچ‌گاه امام بزرگوارمان را تنها نگذارید.
- مردن حق است و چه بهتر که شهادت باشد.
- بهترین راه، راه اسلام و قرآن است و اسلام به ما جوانان احتیاج دارد.
- ما رفتیم راه حسینی انجام داده‌ایم و شما که هستید، باید راه زینبی انجام بدهید.
- اسلام در خطر است باید از اسلام حمایت کرد تا آنجایی که امکان است.

**یدالله شجاعی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«یا ایها الذین آمنوا خذوا[۱] حذرکم فانفروا[۲] ثبات او انفروا[۳] جمیعا»**

«ای اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه یکبار متفق برای جهاد بیرون روید». (سورهٔ نساء آیه ۷۱)

اینجانب یدالله شجاعی که اکنون در جبهه‌های حق علیه باطل به‌سر می‌برم، با درود فراوان به امام امت، آن خمینی بت‌شکن زمان و با سلام به امت شهیدپرور ایران ملت غیور ایران. من که عازم جبهه‌های حق علیه باطل هستم، راه خود را یافته‌ام و آن راه، راه صراط مستقیم و راه الهی است. و از شما ملت بزرگ ایران می‌خواهم که هیچ‌گاه امام بزرگوارمان را تنها نگذارید.

پیامی به پدر و مادرم دارم که شما را به خدای بزرگ می‌سپارم و از خدای متعال می‌خواهم که به شما صبر و استقامت در راهش را به شما عطا کند. و هیچ‌گاه از شهادت فرزندتان ناراحت نباشید که مردن حق است و چه بهتر که شهادت باشد در راه خدا. و سفارشی به برادرانم دارم که راه الله را انتخاب کنند و بهترین راه، راه اسلام و قرآن است و اسلام به ما جوانان احتیاج دارد.

و خواهرانم را به خدای مهربان می‌سپارم و می‌گویم که ما [را] رفتیم راه حسینی انجام داده‌ایم و شما که هستید باید راه زینبی انجام بدهید و آن پیام خون شهید است. و دیگر از وابسته‌ها می‌خواهم که هیچ از این مسائل ناراحت نباشند که اسلام در خطر است و باید از اسلام حمایت کرد، تا آنجایی که امکان است. و دیگر شما را به خدای بزرگ می‌سپارم.

**«والسلام علیکم و رحمةالله و برکاته»[۴]**

**مورخه ۱۳۶۱/۷/۲۵ یدالله شجاعی**

---

۱- در اصل وصیت «خذو».

۲- در اصل وصیت «فانفرو».

۳- در اصل وصیت «او یفرو».

۴- در اصل وصیت «والسّلام و علیکم رحمتت الله و برکاتو».

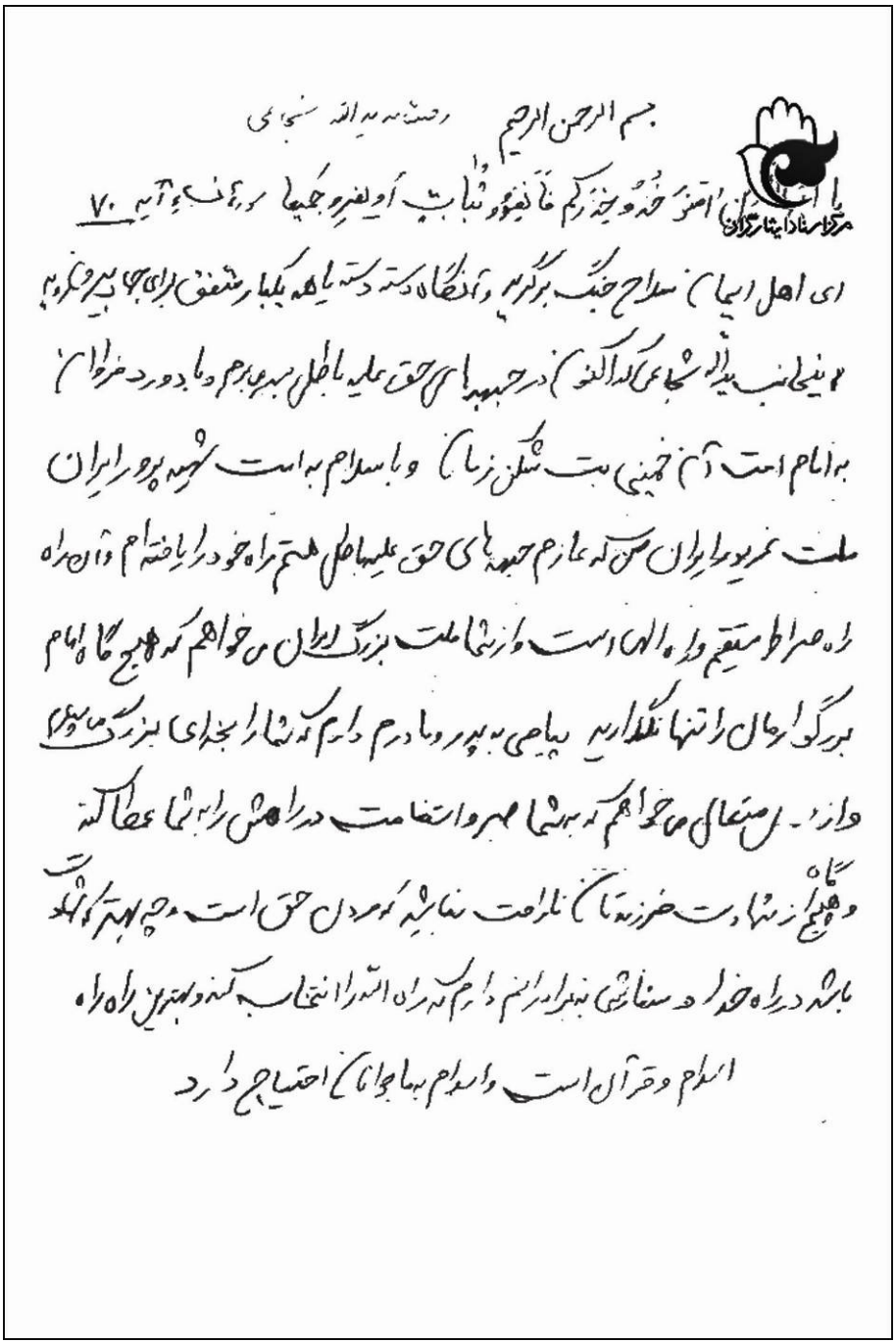

بسم الله الرحمن الرحیم  وصیت‌نامه یدالله شجاعی

مرکز اسناد ایثارگران

یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات او انفروا جمیعا سوره نساء آیه ۷۰

ای اهل ایمان سلاح جنگ برگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه یکبار متفق برای جهاد بیرون روید

من یدالله شجاعی که اکنون در جبهه‌های حق علیه باطل بسر می‌برم و با درود فراوان

به امام امت آن خمینی بت شکن زمان و با سلام به امت شهیدپرور ایران

ملت غیرپرور ایران من که عازم جبهه‌های حق علیه باطل هستم راه خود را یافته‌ام و آن راه

راه صراط مستقیم و راه الهی است و از شما ملت بزرگ ایران می‌خواهم که هیچ‌گاه امام

بزرگوارمان را تنها نگذارید پیامی به پدر و مادرم دارم که شما را بخدای بزرگ می‌سپرم

و از حق متعال می‌خواهم که به شما صبر و استقامت در راهش را به شما عطا کند

و هیچ‌گاه از شهادت فرزندتان ناراحت نباشید که مردن حق است و چه بهتر که شهادت

باشد در راه خدا و سفارشی به برادرانم دارم که راه الله را انتخاب کنند و بهترین راه راه

اسلام و قرآن است و اسلام به ما جوانان احتیاج دارد

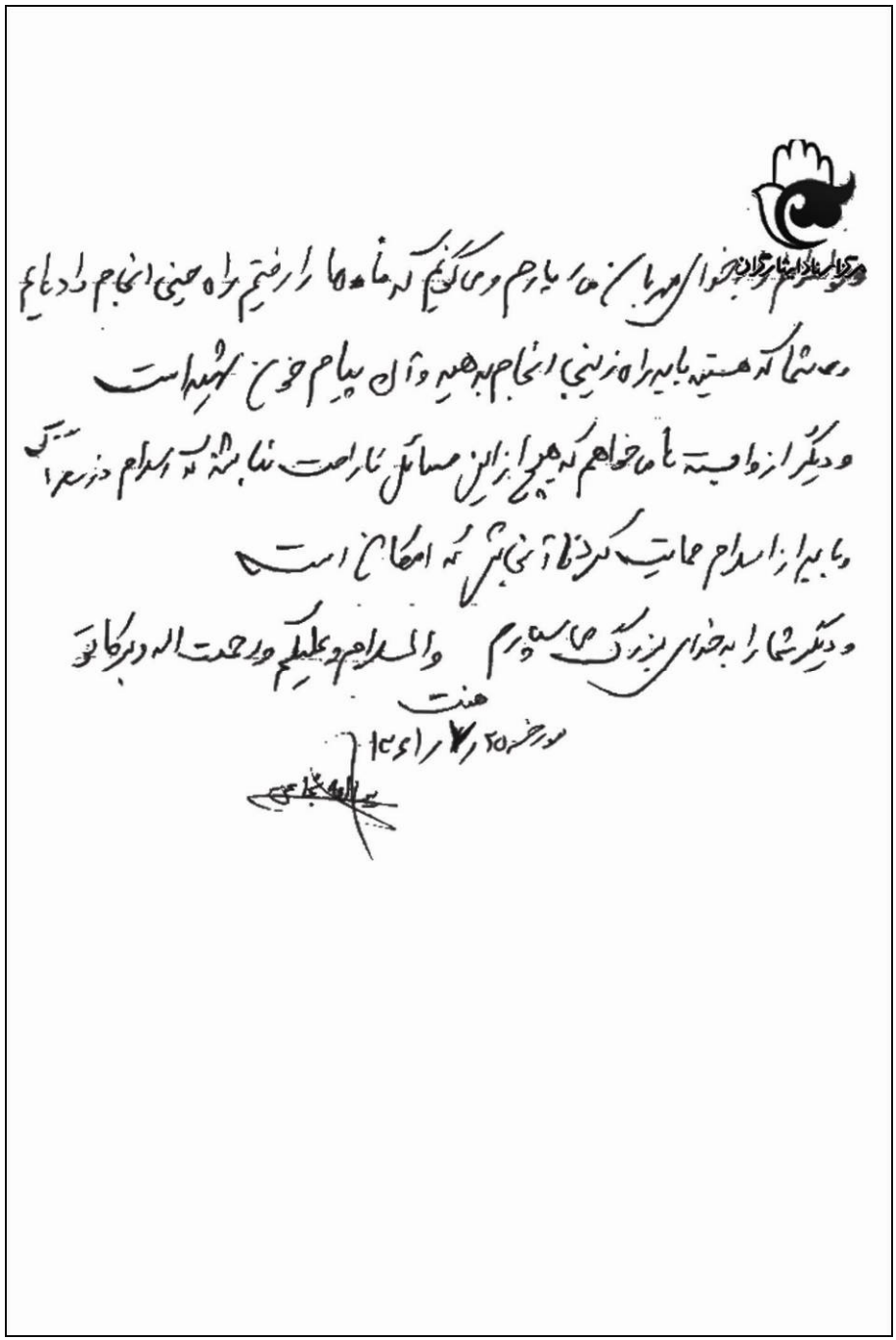

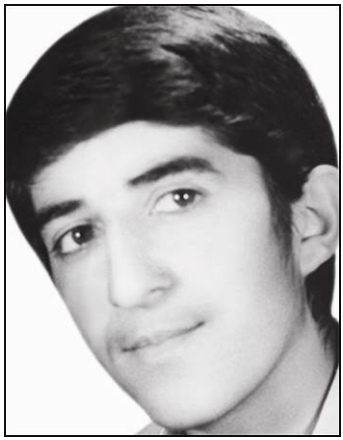

نام: **رضا**
نام خانوادگی: شجاعی**ان**
نام پدر: علی
نام مادر: شهربانو
تاریخ تولد: نهم تیر ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یکم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- نماز جمعه‌ها را فراموش نکنید.
- در دعاها و نماز جماعت‌ها شرکت داشته باشید.
- دعا برای فرج مهدی(عج) [کنید] و برای سلامتی امام دعا کنید.
- از اسلام و قرآن کاملاً دفاع کنید.
- همهٔ شما در بسیج شرکت کنید و رزمندگان را دعا کنید.
- امیدوارم که همیشه و در هر شرایطی دست از امام برندارید.
- از رهنمودهای پیامبرگونهٔ او اطاعت کنید.
- از شما می‌خواهم که با هوشیاری تمام با دشمنان داخلی مبارزه کنید.
- راه شهدا را ادامه دهید.
- من به جبهه میر[و]م تا به دستور رهبرم، حق مستضعفین را از ظالمان تاریخ بگیرم.
- هرگز دست از دین اسلام برندارید.

**رضا شجاعیان**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«فالذین هاجروا و اخرجوا من دیارهم و اوذوا فی سبیلی و قاتلوا و قتلوا لأکفّرن عنهم سیئاتهم و لأدخلنّهم جنات تجری من تحتها الانهار»**[1]

«پس آنان که وطن خود را رها کردند و از خانه‌هایشان رانده شدند و در راه من آزار کشیدند و کشتند و کشته شدند، بدی‌هاشان را تلافی می‌کنم و آنها را به بهشت‌هایی که از زیر آن جویبارها روان است، داخل می‌سازم.» (قرآن کریم)

من کوچک‌تر از آنم که برای شما ای برادران و خواهران و پدر و مادرم پیام و وصیتی کنم، از چه کنم! به تو ای پدر و مادرم! سفارش کامل می‌کنم که در بالای جنازهٔ من گریه نکنید و اگر گریه می‌کنید برای علی‌اکبر[2] امام حسین(علیه‌السلام) باشد و به یاد مظلومیت امام حسین(علیه‌السلام) باشید و به یاد مظلوم کربلای ایران باشید، که همان شهید مظلوم، دکتر بهشتی[3] است و نماز جمعه‌ها را فراموش نکنید و در دعاها و نماز جماعت‌ها شرکت داشته باشید. از گروه‌گرایی و دودستگی بپرهیزید. و شما ای برادران و خواهران هم‌وطنم! از من ناراضی هستید، به بزرگی خودتان ما را قربت کنید و راه شهیدان را ادامه دهید و دعا برای فرج مهدی(عج) [کنید] و برای سلامتی امام دعا کنید، و در حین دعاها مسلمانان جهان را فراموش نکنید و همچنان پایدار باشید و از اسلام و قرآن کاملاً دفاع کنید و همهٔ شما در بسیج شرکت کنید و رزمندگان را دعا کنید.

**«والسلام»**

تا توانی می‌گریز از یار بد — یار بد بدتر بود از مار بد
مار بد تنها تو را بر جان زند — یار بد بر جان و ایمانت زند[4]

**رضا شجاعیان**

---

۱- آل‌عمران / ۱۹۵.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- در اصل وصیت «مار بد تنها تو بر جان زند یار بد جان و هم ایمان زند».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص»**[۱]

«همانا خداوند دوست می‌دارد آن کسانی را که جهاد می‌کنند در راه او و همانند صف‌های فولادین ایستاده‌اند». (قرآن کریم)

«السلام علیک یا اباعبدالله» سلام بر تو ای پسر فاطمه(علیهاالسلام)، و سلام بر تو ای خون خدا. با سلام بر امام امت و سلام بر قائم مقام رهبری[۲]. سلام بر شهدای صدر اسلام تاکنون، سلام بر خانواده‌های معظم شهدا. چند کلمه‌ای [را] به‌عنوان وصیت‌نامهٔ این حقیر خدمت شما امت حزب‌الله.

ای خدا آیا باور کنم که بعد از ایمان به تو باز مرا عذاب خواهی کرد؟ یا اینکه بعد از دوستی و عشق و علاقه به تو باز مرا از خود دور گردانی؟ با آنکه به لطف و رحمت نامتهایت چشم امید دارم، باز محرومم سازی؟ و ای کاش می‌دانستم از اینکه مرا آفریدی، از اهل سعادت مقرر داشته و برای مقام و نزدیک شدن به تو مخصوص گردانیده‌ای، تا آنکه دلم شاد و دیده‌ام روشن و قلبم آرام می‌گردید. و حال از تو می‌خواهم که مرا از اهل سعادت قرار ده و شهادتی که شاید من لیاقت آن را نداشته باشم، نصیبم گردانی، تا شاید که گناهانم را ببخشی و مرا با امام حسین (علیه‌السلام) و یارانش محشور گردانی. و حال آنکه خدایا شکرت می‌کنم، به من عنایت کردی و راه راست و مستقیم را به من نشان دادی و این لیاقت را به من عطا کردی، تا اینکه لباس مقدس رزم را بر تن کنم و دوشادوش هم‌رزمانم، و با توکل به تو، با دشمنان تو بجنگم و با جهاد در راهت بتوانم ذره‌ای تشکر از این همه نعمت‌هایت را به‌جا آورم. انشاءالله.

امت حزب‌الله و همیشه در صحنه! امیدوارم که همیشه و در هر شرایطی دست از امام برندارید و از رهنمودهای پیامبرگونهٔ او اطاعت کنید و نگذارید که دل این پیر جماران به درد آید و از شما می‌خواهم که با هوشیاری تمام با دشمنان داخلی مبارزه کنید و راه شهدا

---

۱- صف/ ۵.

۲- ر.ک. تعلیقات.

را ادامه دهید و اسلحه بر زمین افتاده این شهیدان را برگیرید و «تا رفع فتنه از عالم بجنگید».[۱]

و در آخر از کلیه برادران و امت حزب‌الله می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اند، مرا ببخشند و از خواهران می‌خواهم که همواره با حفظ حجاب خود در دامن‌های پاک خود بچه‌هایی را پرورش دهند که بتوانند برای اسلام خدمت کنند.

و از پدر و مادر عزیزم معذرت می‌خواهم و طلب حلالیت می‌کنم، از اینکه در این عمر کوتاهم آنچه را که وظیفه‌ام بوده برای شما انجام ندادم.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

**رضا شجاعیان**

**۶۵/۹/۱ عصر ساعت ۳**

**وصیت‌نامهٔ بندهٔ حقیر خدا رضا شجاعیان**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«اغزوا تورثوا ابنائکم مجدا»[۲]

«جهاد کنید تا به ارث ببرید برای فرزندانتان عظمت را».

اینجانب رضا شجاعیان، افتخار آن را داشته‌ام که سرباز کوچکی از لشکر باعظمت اسلام می‌باشم و امیدوارم که به ندای حسین زمان، خمینی بت‌شکن، پاسخ مثبت داده باشم. من به جبهه میر[و]م تا به دستور رهبرم، حق مستضعفین را از ظالمان تاریخ بگیرم و شما ای برادران و خواهران، ای پدران و ای مادران و ای کودکان، قدر این نعمت بزرگ، قدر گوهر نایاب، قدر این امام عزیزمان، این مجاهد نستوه، این نایب امام زمان(عج)، این رهبر عالی‌قدر، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، [را] که امید تمامی مستضعفان جهان است، بدانید و هرگز دست از دین اسلام برندارید و به یاد محرومین و یتیم‌ها باشید و آنها را

---

۱- تعبیر جنگ تا رفع فتنه در عالم برگرفته از آیه قرآن (بقره/ ۱۹۳) است. «و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه...».

۲- رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، وسائل الشیعه، ج۱۵، ص ۶۵، «باب وجوبه علی الکفایة مع القدرة»، در اصل وصیت «جاهدوا تورثوا ابنائکم مجدا».

نوازش کنید و به خانه‌های این شهیدان و مجروحین جنگ تحمیلی بروید. رزمندگان را دعا کنید. ای خدای بزرگ ما به اسلام و امام وفادار خواهیم ماند.

(و چیز دیگری که باید به دوستان عرض [که] کنم که اگر چیزی از من می‌خواهند به بزرگی خودشان ما را قربت کنند[1] و اگرچه پولی می‌خواهند، از پدرم بگیرند. پدر و مادرم، من به آن صورت قرضی ندارم، ولی اگر قرضی هم باشد از ۳۰۰ تومان تجاوز نمی‌کند.)

**«والسلام»**
**رضا شجاعیان**
**۶۲/۶/۱۶**

۱- تعبیر «قربت کردن» در فرهنگ منطقه سمنان به معنی حلال کردن.

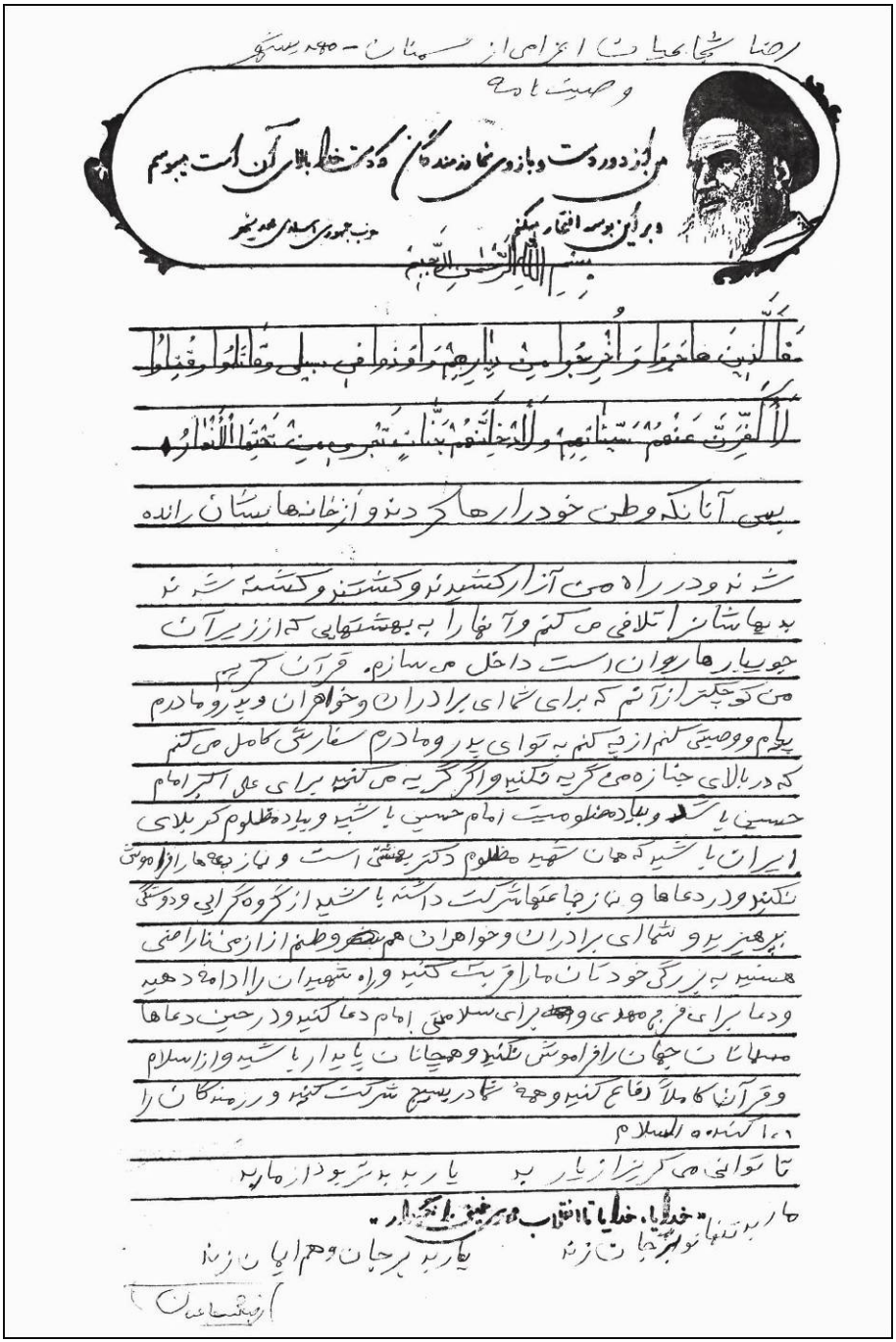

وصیت نامه

من از دوردست و بازمانده‌گان عزیزم خداحافظی آن است بموهم

و بر این موسسه افتخار میکنم حزب جمهوری اسلامی شهید

بسم الله الرحمن الرحیم

فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِن دِيَارِهِمْ وَأُوذُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

پس آنانکه وطن خود را رها کردند و از خانه‌هایشان رانده

شدند و در راه من آزار کشیدند و کشتند و کشته شدند

بدیهاشان را تلافی می‌کنم و آنها را به بهشتهایی که از زیر آن

جویبارها روان است داخل می‌سازم. قرآن کریم

من کوچکتر از آنم که برای شما ای برادران و خواهران و پدر و مادرم

پیام و وصیتی کنم از پدر کنم به توای پدر و مادرم سفارشی کامل می‌کنم

که در بالای جنازه‌ی من گریه نکنید و اگر گریه می‌کنید برای علی اکبر امام

حسین باشد و بیاد مظلومیت امام حسین باشید و بیاد مظلوم کربلای

ایران باشید که همان شهید مظلوم دکتر بهشتی است و نیازهایها را از یاد

نکنید و در دعاها و نمازجماعتها شرکت داشته باشید از گروه گرایی و دوستی

بپرهیزید و شما ای برادران و خواهران هم حتماً وظیفه از ازمی نارامی

هستید به پدر بزرگ خودتان ما را قرار بدهید و راه شهیدان را ادامه دهید

و دعا برای فرج مهدی و برای سلامتی امام دعا کنید و در حین دعاها

مسایل جهان را فراموش نکنید و همچنان پایدار باشید و از اسلام

و قرآن کاملاً دفاع کنید و همه شما در بسیج شرکت کنید و رزمندگان را

یاری کنید والسلام

تا توانی می گریز از یار بد یار بد بدتر بود از مار بد

مار بد تنها تو را بر جان زند یار بد بر جان و هم ایمان زند

«خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی [illegible]»

از فرزندتان



این وصیت نامه‌ها انسان را میلرزاند و بیدار میکند. امام خمینی

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفاً کانهم بنیان مرصوص

همانا خداوند دوست می‌دارد آن کسانی را که جهاد می‌کنند در راه او و همانند صفهای فولادین ایستاده‌اند. (قرآن کریم)

اسلام علیک یا اباعبدالله... سلام بر تو ای پسر فاطمه و سلام بر تو ای خون خدا. با سلام بر امام امت و سلام بر قائم مقام رهبری سلام بر شهدای صدر اسلام تا کنون سلام بر خانواده‌های معظم شهداء.

چند کلمه‌ای را به عنوان وصیت نامه این حقیر خدمت شما امت حزب‌الله ای خدا آیا باور کنم که بعد از ایمان به تو باز مرا عذاب خواهی کرد یا اینکه بعد از دوستی و عشق و علاقه به تو باز مرا از خود دور گردانی با آنکه به لطف و رحمت نامتناهیت چشم امید دارم باز محرومم سازی وای کاش می‌دانستم از اینکه مرا آفریدی از اهل سعادت مقرر داشته و برای مقام و نزدیک شدن به تو مخصوص گردانیده‌ای تا آنکه دلم شاد و دیده‌ام روشن و قلبم آرام می‌گردید و حال از تو می‌خواهم که مرا از اهل سعادت قرار ده و شهادتی که شاید من لیاقت آن را نداشته باشم نصیبم گردانی تا شاید که گناهانم را ببخشی و مرا با امام حسین علیه‌السلام و یارانش محشور گردانی و حال آنکه خدایا شکر می‌کنم به من عنایت کردی و راه راست و مستقیم را به من نشان دادی و این لیاقت را به من عطا کردی تا اینکه لباس مقدس رزم را بر تن کنم و دوشادوش همرزمانم و با توکل به تو با دشمنان تو بجنگم و با جهاد در راهت بتوانم ذره‌ای شکر از این همه نعمتهایت را بجا آورم انشاءالله

امت حزب‌الله... و همیشه در صحنه امیدوارم که همیشه و در هر شرایطی دست از امام برندارید و از رهنمودهای پیامبرگونه

دفتر تبلیغات مسجد امام علی

۶۸/۹/۱

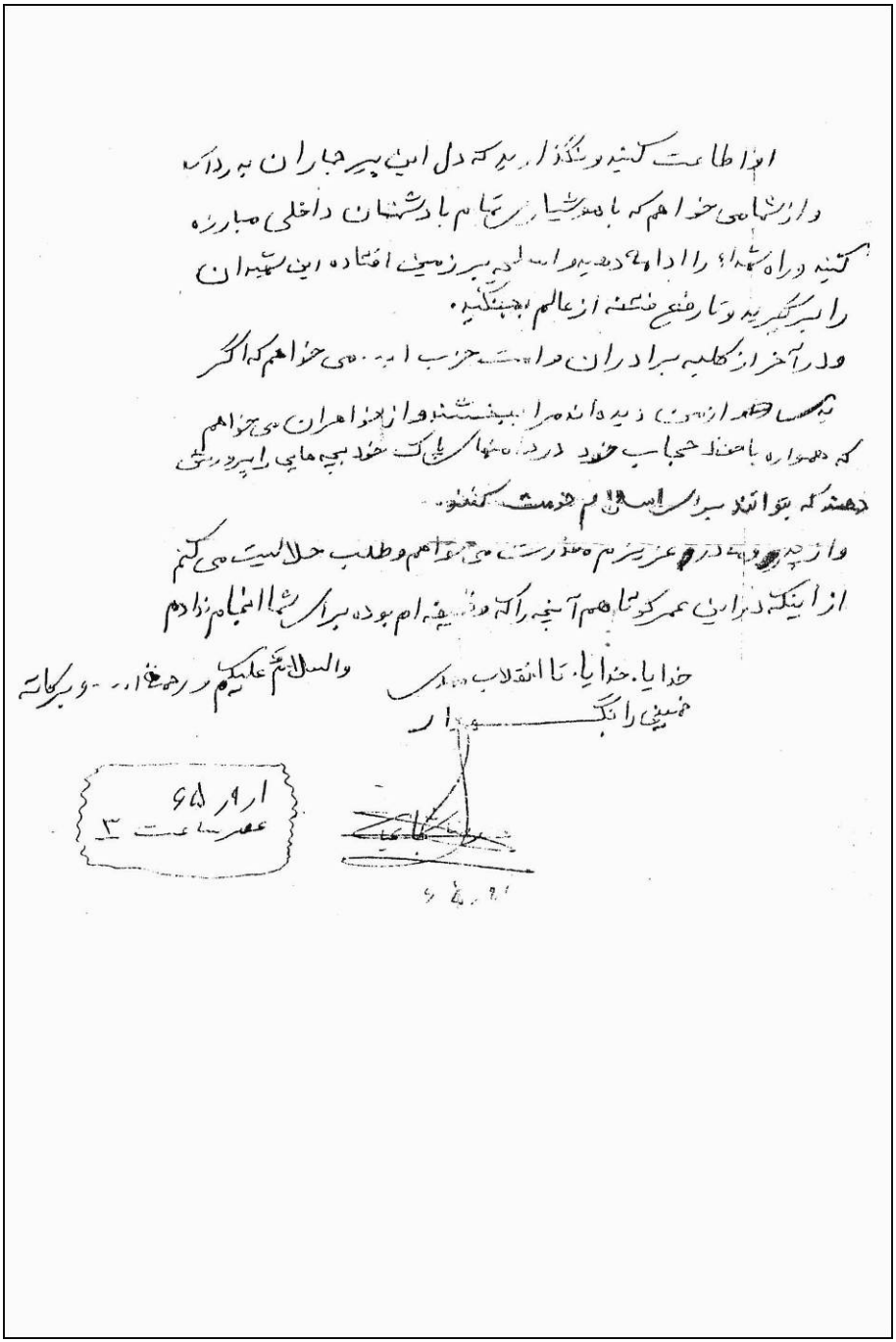

وصیت نامهٔ بندهٔ حقیر
خدا رضا شجاعیان

به نام خداوند بخشندهٔ مهربان

جاهدوا تورثوا ابنائکم مجدا

جهاد کنید تا به ارث ببرید برای فرزندانتان عظمت را.

اینجانب رضا شجاعیان افتخار آن را داشته ام که سرباز کوچکی از
لشکر با عظمت اسلام میباشم و امیدوارم که به ندای حسین زمان خمینی
بت شکن پاسخ مثبت داده باشم من به جبهه میرم تا به دستور رهبرم
حق مستضعفین را از ظالمان تاریخ بگیرم و شما ای برادران و خواهران
ای پدران و ای مادران و ای کودکان قدر این نعمت بزرگ قدر
گوهر نایاب قدر این امام عزیز مان این مجاهد نستوه این نایب امام زمان
این رهبر عالیقدر حضرت آیت الله العظمی امام خمینی که امید تمامی
مستضعفین جهان است بدانید و هرگز دست از دین اسلام برندارید و بیاد محرومین
و یتیمها باشید و آنها را نوازش کنید و به خانه های این شهیدان و مجروحین جنگ تحمیلی
بروید رزمندگان را دعا کنید ای خدای بزرگ ما به اسلام و امام وفادار خواهیم ماند

والسلام

رضا شجاعیان

۶۲/۶/۱۶

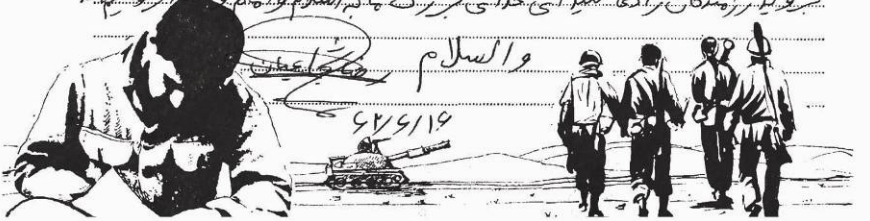

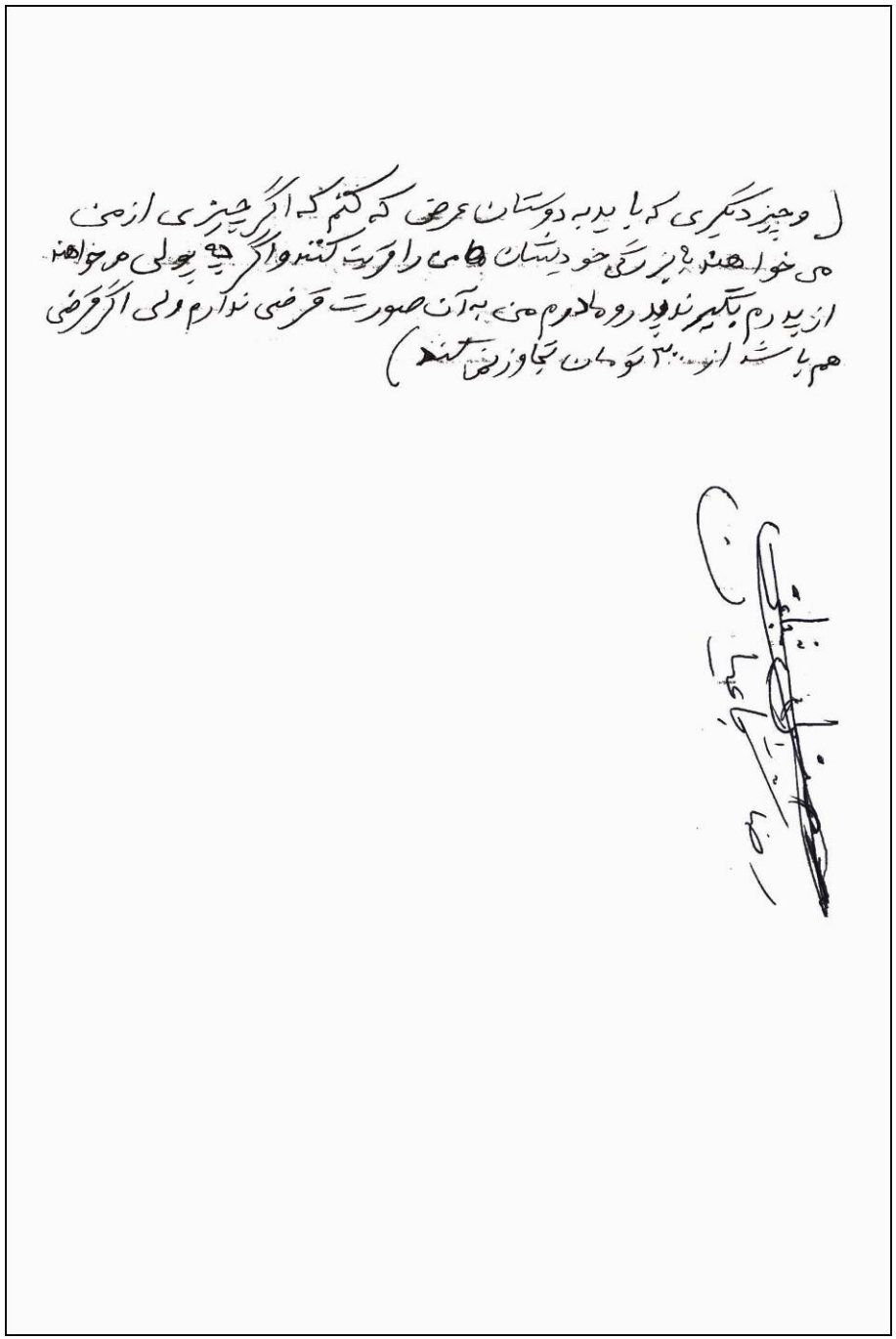

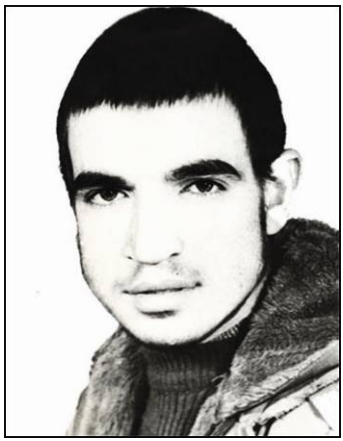

نام: **شکرالله**
نام خانوادگی: شحنه
نام پدر: عبدالعلی
نام مادر: منور
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم فروردین ۱۳۶۱
محل شهادت: کرخه‌نور
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- چرا پایانمان (مرگمان) همانند حسین(علیه‌السلام) و علی(علیه‌السلام) شهادت نباشد.
- شهادت یک انتخاب است نه یک اتفاق.
- آنقدر می‌جنگم تا جانم را فدای او (خدا) بکنم.
- خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر.
- امام را تنها نگذارید.
- امر جهاد را خود به‌جای آورید و از جنگ و شهادت نهراسید.
- بر شیطان‌های غرب و شرق و اسرائیل بشورید.
- ما برای خاک نمی‌جنگیم، بلکه برای اسلام می‌جنگیم.

## شکرالله شحنه (هدایت‌پور)

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«ولا تحسبن الذین قتلوا[۱] فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۲]**

حمد و سپاس بر خدای باریتعالی، درود بر مهدی(عج) و سلام بر نایب بر حقش روح خدا، سلام بر شهیدان و معلولین و مجروحین انقلاب جهانی اسلامی.

«شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند»[۳]. (امام خمینی)

مردن رهی است که باید طی گردد، سفری است که باید به پایان برسد، پس چرا و به کدامین دلیل که پایانمان مانند علی(علیه‌السلام) نباشد؟ همانند حسین شهید(علیه‌السلام) نباشد؟ آری، چرا زندگی ننگین و زودگذر و پوچ و بی‌هدف را ترجیح دهیم بر مرگ سرخ؟ بلی شهادت یک انتخاب است نه یک اتفاق. شهید انتخاب می‌کند، شهید آزمایش می‌شود، امتحان می‌دهد. خدای تبارک و تعالی به انسان آزادی داده است تا انتخاب کند، رضای الهی را یا رضایت شیطان، سعادت یا فلاکت، عنایت خداوندی یا غضب خدا، شهادت در راه خدا یا مردن در بستر.

سلمین! بدانید و به همه بگویید اجباری در کار من نبود، بلکه با آگاهی کامل و هدف مشخص پای در میدان، میدان آزمایش، می‌نهم و شعارم «لا اله الا الله، محمد رسول الله» را به مرحلهٔ عمل می‌آورم.[۴] آنقدر می‌جنگم تا جانم را فدای او بکنم، تا از من راضی شود، چرا در زیر بار سنگین گناهان مانده‌ام و به هر سو نظر می‌کنم، به هر راهی می‌روم، شیطان را می‌بینم، مگر یک راه، راه خمینی، راه الله.

اگر خدا بخواهد، آغاز می‌کنم جهاد و شهادتم را و اگر این فریضه‌ام صورت بگیرد و شایستگی و لیاقت آن را داشته باشم، پای در راه خدا نهاده و کارزار کنم برای خدا و مورد لطف و عنایت خدا قرار بگیرم، آن‌وقت است که این جسم متحرک به ظاهر زنده می‌میرد و

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۳- صحیفه امام، ج۱۰، ص۴۴۰.

۴- در اصل وصیت «درآوریم».

زنده می‌شوم، تولد می‌یابم و زندگی حقیقی و جاوید خود را شروع می‌کنم. چه زیباست! چه باشکوه است این‌گونه تولد یافتن! چه غرورانگیز است این‌گونه زیستن! خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر.

و از شما مسلمانان می‌خواهم امام را تنها نگذارید، از این سنگر آزادی و عدالت و حامی مستضعفان حمایت کنید و دست در دست هم، با وحدت آهنین خود، با قدم‌های استوار برخیزید، امر جهاد خود را به‌جای آورید و از جنگ و شهادت نهراسید و برشیطان‌های غرب و شرق و اسرائیل جنایتکار بشورید و دست این خون‌آشامان را از سر[۱] کشورهای اسلامی کوتاه کنید و راه را برای دست یافتن به زمین مقدس قدس[۲] هموار سازید. این را هم باید بدانید که ما برای خاک نمی‌جنگیم، بلکه برای اسلام می‌جنگیم و باید اسلام را به تمام جهان صادر کنیم. فضائل اخلاقی را کسب کنید و رذائل اخلاقی را از خود برانید.

در پایان چند کلمه با پدر مهربانم و مادر عزیزم دارم. سلام بر شما پدر و تو ای مادر: نتوانستم به آن صورتی که رضای خداست، رضای شما را جلب کنم، به جز اینکه موجب نارضایتی و آزار شما بودم. حلالم کنید و در فقدان من کاری نکنید که روح [من] را آزار دهید و منافقین[۳] را که هیچ نمی‌فهمند خوشحال کنید. افتخار کنید و سرافراز باشید که فرزندتان چنین سعادتی را یافته و از هیچ‌کس تسلیت نگیرید و به همه بگویید به شما تبریک بگویند، چرا که من تولد یافته‌ام. خرما ندهید، به‌جای خرما شیرینی بدهید، چرا که من نمرده‌ام بلکه به «گفتهٔ خدا زنده‌ام»[۴]، چرا که مرده آن است که او را نکشند.

از تمام برادران و خواهران و دوستان می‌خواهم اگر طلبی از من دارند، آزاری و یا حرکتی ناخوشایند از من دیده‌اند، حلالم کنند. وسایلی چند دارم که آنها را فروخته، قدری را صرف نماز و روزه‌ام نمایید و ازدیاد آن را به سپاه تحویل دهید. از برادران خود

---

۱- در اصل وصیت «سایه».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- اشاره به آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران.

می‌خواهم یک الی سه کتاب را به‌عنوان هدیه از من بپذیرند و بقیه را به مسجد محل هدیه نمایند.

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند[1]
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی　　دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند

**خداحافظ و نگه‌دار همگی شما**
**شکرالله شحنه (هدایت‌پور)**

۱- رباعی از خواجه عبدالله انصاری.

بسم رب الشهدا و الصالحین

ولا تحسبن الذین قتلو فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

حمد و سپاس بر خدای باریتعالی ، درود بر مهدی (عج) و سلام بر نایب برحقش روح خدا ، سلام بر شهیدان و معلولین و مجروحین انقلاب جهانی اسلامی .

((( شهادت هدیه‌ای است الهی برای کسانی که لایق آن باشند . ))) امام خمینی

مردن رهی است که باید طی گردد ، سفری است که باید به پایان برسد ، پس چرا و به کدامین دلیل که پایانمان مانند علی (ع) نباشد ، همانند حسین شهید نباشد ، آری چرا زندگی ننگین و زودگذر و پوچ و بی هدف را ترجیح دهیم بر مرگ سرخ ، بلی شهادت یك انتخاب است نه یك اتفاق ، شهید انتخاب میکند ، شهید آزمایش میشود ، امتحان میدهد . خدای تبارك و تعالی به انسان آزادی داده است تا انتخاب کند رضای الهی را یا رضایت شیطان . سعادت یا فلاکت ، عنایت خداوندی یا غضب خدا ، شهادت در راه خدا یا مردن در بستر ، مسلمین بدانید و به همه بگوئید اجباری در کار من نبود بلکه با آگاهی کامل و هدف مشخص پای در میدان ، میدان آزمایش می نهم و شعارم ((لا الهه الا الله . محمد رسول الله)) را به مرحله عمل درآوریم آنقدر میجنگم تا جانم را فدای او بکنم تا از من راضی شود ، چرا در زیر بار سنگین گناهان مانده‌ام و به هر سو نظر میکنم ، به هر راهی میروم شیطان را میبینم . مگر یك راه ، راه خمینی ، راه الله ، اگر خدا بخواهد آغاز میکنم جهاد و شهادتم را و اگر این فریضه‌ام صورت بگیرد و شایستگی و لیاقت آنرا داشته باشم پای در راه خدا نهاده و کار زار کنم برای خدا و مورد لطف و عنایت خدا قرار بگیرم ، آنوقت است که این جسم متحرك به ظاهر زنده می میرد و زنده میشوم ، تولد می یابم و زندگی حقیقی و جاوید خود را شروع میکنم .

چه زیباست ، چه باشکوه است اینگونه تولد یافتن ، چه غرور انگیز است اینگونه زیستن ، خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر و از شما مسلمانان میخواهم امام را تنها نگذارید ، از این سنگر آزادی و عدالت و حامی مستضعفان حمایت کنید و دست در دست هم با وحدت آهنین خود با قدمهای استوار برخیزید ، امر جهاد خود را به جای آورید و از جنگ و شهادت نهراسید و برشیطانهای غرب و شرق و اسرائیل جنایتکار بشورید و دست این خون آشامان را از سایه کشورهای اسلامی کوتاه کنید و راه را برای دست یافتن به زمین مقدس هموار سازید این را هم باید بدانید که ما برای خاك نمیجنگیم بلکه برای اسلام میجنگیم و باید اسلام را به تمام جهان صادر کنیم . فضائل اخلاقی را کسب کنید و رذائل اخلاقی را از خود برانید ، در پایان چند کلمه با پدر مهربانم و مادر عزیزم دارم ، سلام بر شط پدر و تو ای مادر : نتوانستم به آن صورتی که رضای خداست رضای شما را جلب کنم به جز اینکه موجب نارضایتی و آزار شما بودم ، حلالم کنید و در فقدان من کاری نکنید که روح را آزار دهید و منافقین را که هیچ نمیفهمند خوشحال کنید ، افتخار کنید و سرافراز باشید که فرزندتان چنین سعادتی را یافته و از هیچکس تسلیت نگیرید و به همه بگوئید به شما تبریك بگویند چرا که من تولد یافته ام ، خرما ندهید به جای خرما شیرینی بدهید چرا که من نمرده‌ام بلکه به گفته خدا زنده‌ام چرا که مرده آنست که او را نکشند ، از تمام برادران و خواهران و دوستان میخواهم اگر طلبی از من دارند آزاری و یا حرکتی ناخوشایند از من دیده‌اند حلالم کنند . وسایلی چند دارم که آنها را فروخته قدری را صرف نماز و روزه‌ام نمائید و از دیاد آنرا به سپاه تحویل دهید از برادران خود میخواهم یك الی سه کتاب را به عنوان هدیه از من بپذیرند و بقیه را به مسجد محل هدیه نمایند

آنکس که تورا شناخت جان را چه کند — فرزند و عیال و و خانمان را چه کند
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی — دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

خدا حافظ و نگهدار همگی شما

شکر الله . . . شحنه ( هدایت پور )

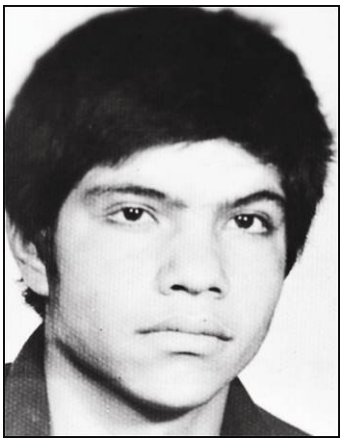

نام: **مجید**
نام خانوادگی: شحنه
نام پدر: هادی
نام مادر: خدیجه
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان تهران
تحصیلات: اول راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: یازدهم آبان ۱۳۶۴
محل شهادت: عین‌خوش
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای شهرستان سمنان

## عبارت‌های کلیدی

- پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که این‌بار انشاءالله خدا از من راضی شد و شهید می‌شوم و انشاءالله من به لقاءالله می‌پیوندم.
- آن روزی که برای جبهه اسم نوشتم، به دلم آمده بود که انشاءالله شهید در راه خدا می‌شوم.
- دارایی‌های من را بین جنگ‌زدگان و خودتان تقسیم نمایید.
- بعد از نماز امام بزرگمان را، خمینی عزیز را، دعا کنید.
- برای پاسداران هم دعا کنید.
- خداوند تو را به حق علی(علیه‌السلام) قسمت می‌دهم که مرا به‌عنوان شهیدی در راه خود و برای خود پذیرا باشی.

**مجید شحنه**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[۱]

«شما مپندارید که کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد خدای خویش روزی می‌خورند.»

پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که این‌بار انشاءالله خدا از من راضی شد و شهید می‌شوم و انشاءالله من به لقاءالله می‌پیوندم. امیدوارم که انشاءالله خداوند گناهان مرا بیامرزد و توفیق شهادت در راه خودش را قسمت من بگرداند.

آن روزی[۲] که برای جبهه اسم نوشتم، به دلم آمده بود که انشاءالله شهید در راه خدا می‌شوم بنابراین امروز وصیت‌نامهٔ خود را نوشتم و می‌خواهم که به‌عنوان کوچک‌تر، از شما پدر [و] بزرگوارم درد دلی کرده باشم.

پدرم! نکند به‌خاطر کوچک‌ترین چیزی پایت بلغزد، که نمی‌لغزد و نظرت از این انقلاب بزرگ می‌گردد، که اصلاً برنمی‌گردد. و دوم آنکه دارایی‌های من را بین جنگ‌زدگان و خودتان تقسیم نمایید. و از مادرم بسیار بسیار متشکرم که رضایت داد که من به جبهه بروم. و امیدوارم بعد از شهادت من حتی یک قطره اشک از چشمان تو جاری نشود و افتخار کنی که پسرت در راه خدا شهید شده و در خون خود غلتیده است. پدر و مادرم! گرچه تا موقعی که در خانه بودم برایتان فرزند خوبی نبودم، اما امیدوارم که از من راضی باشید و مرا عفو کنید. و از شما خواهش می‌کنم که بعد از نماز امام بزرگمان را، خمینی عزیز را، دعا کنید و برای پاسداران هم دعا کنید و دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال درخواست می‌کنم.

و تو ای خدای بزرگ! گرچه گناه من بزرگ است، ولی تو چندین برابر از گناه من بزرگتری. خداوند تو را به بزرگیت قسمت می‌دهم که گناه مرا بیامرزی و توفیق شهادت را

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «آن روی».

به من عطا بفرمایی. خداوند تو را به حق علی(علیه‌السلام) قسمت می‌دهم که مرا به‌عنوان شهیدی در راه خود و برای خود پذیرا باشی.

«اللهم [ارزقنی] توفیق [الـ]شهادت فی سبیلک، اللهم [ارزقنـی] توفیـق اخـلاص عمـل فـی سبیلک، اللهم [ا]حفظ امام [الـ]خمینی»

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

وصیتنامهٔ شهید

بسمه تعالی

ص ۱

وصیتنامهٔ برادر شهید مجید شحنه

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل ا... امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

شما میدانید که کسانیکه در راه خدا کشته میشوند مرده اند بلکه زنده اند و نزد خدای خویش روزی میخورند

پدر و مادر عزیزم: میدانم که اینبار انشاءالله خدا از من راضی شد و شهید میشوم و انشاء... من به لقاء

الله میپیوندم. امیدوارم که انشاءالله خداوند گناهان مرا بیامرزد و توفیق شهادت در راه خودش را

قسمت من بگرداند.

آرزوی که برای جبهه اسم نوشتم بدلم آمده بود که انشاءالله شهید در راه خدا میشوم بنابراین امروز

وصیتنامه خود را نوشتم و میخواهم که بعنوان کوچکتر از شما پدر و بزرگوارم درد دلی کرده باشم.

پدرم: نکند بخاطر کوچکترین چیزی پایت بلغزد که نمی لغزد و نظرت از این انقلاب بزرگ می گردد

که اصلاً برنمی گردد. دوم آنکه دارائی های من را بین جنگزدگان و خودتان تقسیم نمائید و از مادرم

بسیار بسیار متشکرم که رضایت داد که من به جبهه بروم و امیدوارم بعد از شهادت من حتی یک قطره

اشک از چشمان تو جاری نشود و افتخار کنی که سیرت در راه خدا شهید شده و در خون خود غلتیده

است. پدر و مادرم گرچه تا موقعی که در خانه بودم برایتان فرزند خوبی نبودم اما امیدوارم که از

ص ۲

من راضی باشید و مرا عفو کنید و از شما خواهش میکنم که بعد از نماز امام بزرگمان را خمینی عزیز را دعا کنید و برای پاسداران هم دعا کنید و دیگر عرضی ندارم جز سلامتی شما را از درگاه خداوند متعال درخواست میکنم.

و تو ای خدای بزرگ گرچه گناه من بزرگ است ولی تو چندین برابر از گناه من بزرگتری خداوندا ترا به بزرگیت قسمت میدهم که گناه مرا بیامرزی و توفیق شهادت را بمن عطا بفرمایی خداوندا ترا به حق علی (ع) قسمت میدهم که مرا بعنوان شهیدی در راه خود و برای خود پذیرا باشی.

اللهم توفیق شهادت فی سبیلک

اللهم توفیق اخلاص عمل فی سبیلک

اللهم حفظ امام الخمینی

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

اقدام شونده: ف. داشخانه

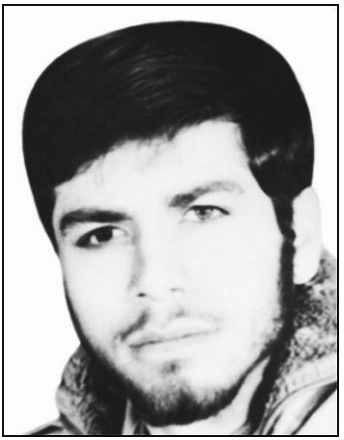

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: شحنه
نام پدر: رحمت‌الله
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: دهم دی ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم خرداد ۱۳۶۱
محل شهادت: خرمشهر
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- تا خدا عاشق سربازش نشود او را نمی‌کشد و خون‌بهایش را نمی‌دهد.
- از خواهرانم می‌خواهم مانند حضرت زینب(علیهاالسلام) در زمانی که امام حسین(علیه‌السلام) را شهید کردند، راهش را ادامه دهند.
- صدام و منافقین را رسوا کنید و کار زینبی کنید.
- هر کاری را که انجام می‌دهید، حتی راه رفتن شما، باید برای خدا باشد.
- اسلام را، اسلام را، اسلام را. امام را، امام را، امام را تنها نگذارید.
- در نمازهای جماعت شرکت کنید.
- برای کلیه شهدا دعا کنید.
- خوشحال باشید که من در راه خدا شهید شدم.

**محمدرضا شحنه**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«من طلبی وجدنی من وجدنی عرفنی و من عرفتی احبنی و من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته»**[1]

«اگر کسی مرا طلب کند، مرا پیدا می‌کند و اگر کسی مرا یافت، مرا می‌شناسد و هر که مرا شناخت، مرا دوست می‌دارد و هر که مرا دوست دارد، عاشق من می‌شود. هر که عاشق من بشود، من هم عاشق او می‌شوم و کسی را که من عاشقش شوم، می‌کشمش و هر که را من بکشم، برایش خون‌بها قائلم و کسی را خون‌بهایش برای من واجب شد، من خون‌بهایش هستم».

آری ای مردم مسلمان و حزب‌اللهی! تا خدا عاشق سربازش نشود او را نمی‌کشد و خون‌بهایش را نمی‌دهد.

و اما وصیتم به پدر و مادرم این است که برایم گریه نکنند. پدر جان مقداری از پولم را بدهید برایم نماز و روزه بگیرند. از مادرم می‌خواهم که شیرینی و نقل در تشییع جنازه‌ام بدهد و روحیه به مردم بدهد، مانند فاطمه زهرا(علیهاالسلام) باشد. و از خواهرانم می‌خواهم مانند حضرت زینب(علیهاالسلام) در زمانی که امام حسین(علیه‌السلام) را شهید کردند، راهش را ادامه داد و با خطبه‌هایی که می‌خواند یزید را رسوا نمود، شما هم صدام و منافقین[2] را رسوا کنید و کار زینبی کنید. از کلیه مردم حزب‌اللهی سمنان می‌خواهم توجه زیادی به خانوادهٔ شهدا بکنند و به آنها سر بزنند. من به‌عنوان یک کارگر می‌خواهم از کارگران، که کم‌کاری نکنند و با تولید بیشتر بر دهان یاوه‌گویان شرق و غرب بزنند. و از کلیه دوستان می‌خواهم مرا ببخشند. هر کس از من طلبی دارد، از پدرم بگیرد یا مرا ببخشد. و ای مردم و دوستان و برادران گرامی! هر کاری را که انجام می‌دهید، حتی راه رفتن شما، باید برای خدا باشد. نفاق، دروغ، غیبت و حسادت را از خود دور کنید و برادروار زندگی کنید. من این چند جمله وصیت‌نامه را در «دانشگاه جبهه» نوشتم دوباره تکرار می‌کنم هر خطایی از من دیدی به پای مکتبم مگذارید و مرا ببخشید و جلوی منزل شکرالله و ما را چراغانی کنید. جعبهٔ

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

شیرینی و نقل در جلوی حجلهٔ من بگذارید و برایم دعا کنید. اسلام را، اسلام را، اسلام را. امام را، امام را، امام را تنها نگذارید. امام را دعا کنید در نمازهای جماعت شرکت کنید و در نمازهای شب برای عمر امام و یاران وفادار امام و برای کلیه شهدا دعا کنید. پدر و مادر خوشحال باشید که من در راه خدا شهید شدم، نه اینکه به مرگ طبیعی یا در بستر نمردم.

گر مرد رهی میان خون باید رفت　　وز پای فتاده سرنگون باید رفت[1]

***

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند[2]

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی　　دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند

پدرم اختیار تمام پول و اثاثیه مرا دارد.

**جانثار قرآن و اسلام**

**محمدرضا شحنه**

---

۱- شعر بیت اول از رباعی مشهور و حماسی عطار نیشابوری است.

گر مرد رهی میان خون باید رفت　　از پای فتاده سرنگون باید رفت

تو پای به راه در نه و هیچ مپرس　　خود راه بگویدت که چون باید رفت

۲- رباعی از خواجه عبدالله انصاری است.

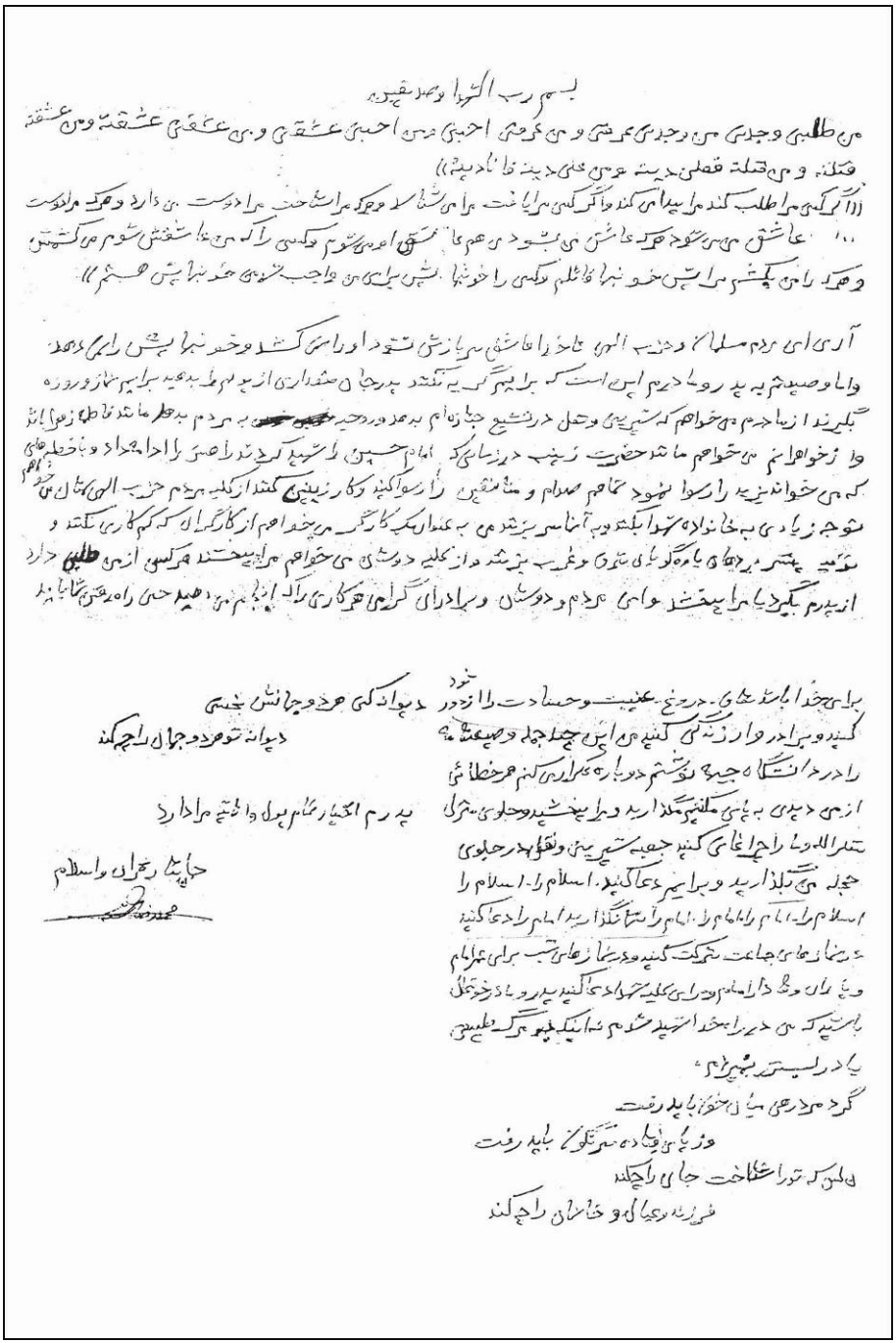

بسم رب الشهدا و الصدیقین

من طالبی وجدی من وجدنی عمرتی و من کوشی احبنی من احبنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانا دیته

((اگر کسی مرا طلب کند مرا پیدا می کند و اگر کسی مرا یافت مرا می شناسد و هر که مرا شناخت مرا دوست می دارد و هر که مرا دوست ... عاشق می شود هر که عاشق می شود در هم می سوزد و هر که در هم می سوزد کسی از او نهاشقش شود هم می کشتنش و هر که را من بکشم دیه اش خود منم لذا قاتلم و کسی را خونبها نیست پس بر من واجب شد دیه اش هستم))

آری ای مردم مسلمان و دنیای الهی، ما خواهان عاشقی پرورش شهدا و راه شهدا و خط شهدا هستیم و وصیتم به پدر و مادرم این است که بر پیکر من نگذارند هیچ گونه سوگواری از جمله برپایی مجلس ختم و هفت و سه روز و ... بگریند از شما مردم می خواهم که شهیدی و حمل در تشییع جنازه ام به هیچ وجه ... به مردم بدهید تا طاغوتیان از خواهانم می خواهم ما شد حضرت زینب در سال ۶۱ که امام حسین را شهید کردند تا صبر را آموخت و با خطبه های کم می خواند یزید را رسوا نمود تمام صدام و منافقین را رسوا کنید و کار زینبی کنند از کلیه مردم خوب الهی کشور ما خواهم توجه زیادی به خانواده شهدا بکنند و به آنها سر بزنند من به عنوان یک کارگر می خواهم از کارگران که کم کاری نکنند و سعی بیشتر در کارهای روزانه بکنند و غرب زیشه دار از کلیه دوستان می خواهم هر کسی از من طلبی دارد از پدرم بگیرد یا مرا ببخشد و ای مردم و دوستان و برادران گرامی هر کاری را که انجام می دهید حتی راه رفتن تان با یاد

برای خدا با شادی، در رفع عفیت و حسادت را از خود دور کنید و برادر وار زندگی کنید من این چند جمله وصیتنامه را در رختکن جبهه نوشتم دوباره مرور کنم هر خطائی از من دیدید به پای ناچیزی بگذارید و ببخشید و حلوی شیطان را بگیرید و با خدای خود راز و نیاز کنید جبهه شهر من و نقاط دیگر حلوی جبهه می گذارید و برایم دعا کنید. اسلام را - اسلام را اسلام را - امام را امام را امام را - امام را تنها نگذارید امام را دعا کنید در نمازهای جماعت شرکت کنید و در نمازهای شب برای امام و برای یاران و طرفداران امام دعا کنید خواهر و برادر و خویشان باشید که من در راه خدا شهید شدم نه اینکه فیلم گرفتیم و ...

گرد مردمی ز خون باید رفت
وز پی پادشه تنگ باید رفت
گر کسی تو را شناخت جای راچکند
ور نه دیوانه وی خاسان راچکند

دیوانه کی هوس دو جهانش بخشی
دیوانه تو هر دو جهان راچکند

پدرم اگر نام پدر را فراموش کرد

جاوید رهروان و اسلام

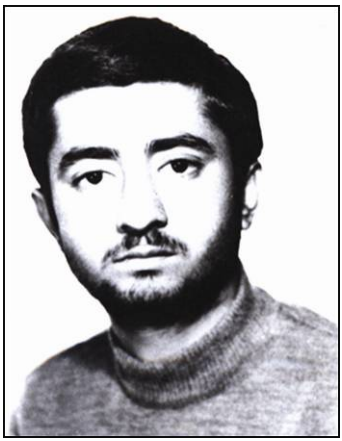

نام: **عباس**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: محمدرضا
نام مادر: سکینه‌خاتون
تاریخ تولد: دهم خرداد ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم آبان ۱۳۶۲
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- بنده با آگاهی تمام قدم در این راه گذاشته‌ام.
- اگر لطف خدا شامل حالم شده و شربت شهادت نوشیدم، امیدوارم به مقام بزرگی رسیده‌ام..
- از کمک به جبهه‌ها و حاضر شدن در صحنهٔ جهاد غفلت نکنید.
- تا پیروزی نهایی این انقلاب، یعنی ظهور حضرت مهدی(عجل‌الله فرجه) و جهانگیر شدن اسلام از پا ننشینید.

## عباس شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«قل هل تربّصون بِنا الاّ احدی الحُسنیین»**[1]

«بگو آیا شما منافقان و کفار جز یک نیکی از دو نیکویی (پیروزی و شهادت) چیز دیگری را از ما انتظار دارید.» (سورهٔ توبه/ ۵۲)

با حمد و سپاس خداوند متعال. سلام و درود بر پیامبر گرامی اسلام و جانشینانشان و سلام مخصوص بر حضرت مهدی صاحب‌الزمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی.

و درود بیکران بر شهدای اسلام و تمامی امت شهیدپرور، مختصر کلامم را عرض می‌کنم. پدر و مادرم هم‌چنان که می‌دانید بنده با آگاهی تمام قدم در این راه گذاشته و انشاءالله اگر لطف خدا شامل حالم شده و شربت شهادت نوشیدم، زهی سعادت که به مقام بزرگی رسیده‌ام. پدر و مادر و خواهران و برادرانم، امیدوارم که در شهادت من ذره‌ای از خود نگرانی نشان نداده و صبر پیشه کنید، زیرا که شهادت در راه خدا نگرانی ندارد.

تنها پیامم برای شما امت حزب‌الله این است که به پیروی کردن از امام امت«مدظلّه» تا آخرین قطرهٔ خون ادامه داده و از کمک به جبهه‌ها و حاضر شدن در صحنهٔ جهاد غفلت نکنید. که باعث ندامت و پشیمانی خواهد شد و تا پیروزی نهایی این انقلاب، یعنی ظهور حضرت مهدی(عجل‌الله فرجه) و جهانگیر شدن اسلام از پا ننشینید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله»**

در ضمن والدین عزیزم، مدت ۲۰ روز روزهٔ قضا که از دو سال گذشته دارم و ۱۵ روز هم از سال گذشته که می‌شود ۳۵ روز که اگر میسر شد بدهید بگیرند و همچنین ضمناً اگر میسور باشد دو ماه هم نماز قضا بخوانند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگه‌دار

**«والسلام علیکم و رحمة الله»**

---

۱- در اصل وصیت «آیه ۱۵۵».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

وصیت‌نامهٔ خصوصی عباس شریعتی

**«و لنبلونّکم بشئ من الخوف و الجوع و نقصٍ من الاموال و الانفس و الثمرات و بشّر الصّابرین»**

«و به تحقیق می‌آزماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی و کاستن از مال‌ها و نفس‌ها و جان‌ها و میوه‌ها. و بشارت و مژده بده به شکیبایان و صابران» (بقره/ ۱۵۵)

با سلام و درود بر پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جانشینانش از علی(علیه‌السلام) تا به مهدی(عج) و سلام بر نائب بر حق مهدی(عج) خمینی بت‌شکن و بر تمامی شهیدان اسلام.

سلام بر شما خانوادهٔ گرامیم و تمام اقوام و خویشان. چند عرض کوچکی دارم که معروض می‌دارم. اول آنکه از شما خواهش می‌کنم، همچنان که در وصیت‌نامهٔ دیگر توضیح داده‌ام، اگر لطف خدا شامل حال من شد و به شهادت رسیدم، برای من گریه و زاری نکنید. چرا که چه چیزی از شهادت بالاتر سراغ دارید؟ و بعد همان‌طور که می‌دانید ۲۰ روز روزهٔ قرض از پارسال و ۲۸ روز هم از امسال دارم که اگر میسر شد با یک ماه نماز قضا برایم بگیرید و همچنین از شما مادر، پدر و خواهران و عمه و غیره می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اید مرا حلال کنید تا در آن دنیا موجبات زحمتم را فراهم نکند.

مادرم: کن حلالم گر تو را آزرده‌ام در زندگی  تا در آن وادی نباشد موجب آزردنم

**از بشیر اراکی**

به همین‌جا به کلام خاتمه می‌دهم.

**«والسلام علیکم و رحمة الله»**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

**مورخه ۶۱/۱۱/۹**

**عباس شریعتی**

مرکز اسناد ایثارگران

بسم الله رب الشهداء والصدیقین

هل تربصون بنا الا احدی الحسنیین

بگو آیا شما منافقان درباره ما جز یکی از دو
نیکوئی (پیروزی و شهادت) چیز دیگری را انتظار دارید قرآن مجید سوره توبه آیه ۵۲

با حمد و سپاس خداوند متعال و سلام و درود بر
پیامبر گرامی اسلام و جانشینان و سلامی مخصوص

بر حضرت مهدی صاحب الزمان و نائب برحقش
امام خمینی و درود بیکران بر شهدای اسلام و قیام
امت شهید پرور مختصر کلامم را عرض می کنم

پدر و مادرم همانگونه که می دانید بنده با آگاهی تمام
قدم در این راه گذاشته و انشاء الله ... از لطف خدا

شامل حالم شده و شربت شهادت نوشیدم
زهی سعادت که به مقام رسیده ام

برادرتان

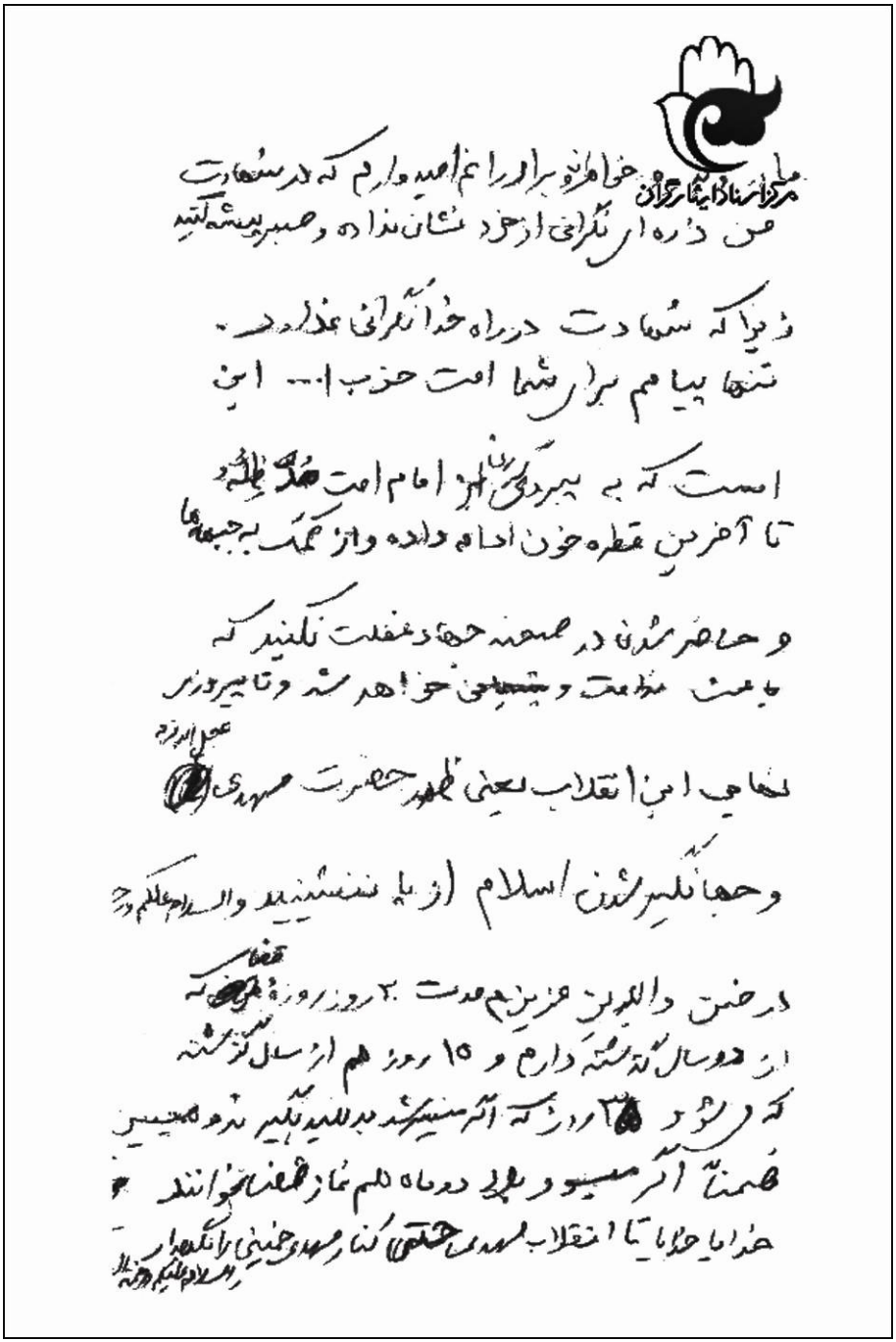

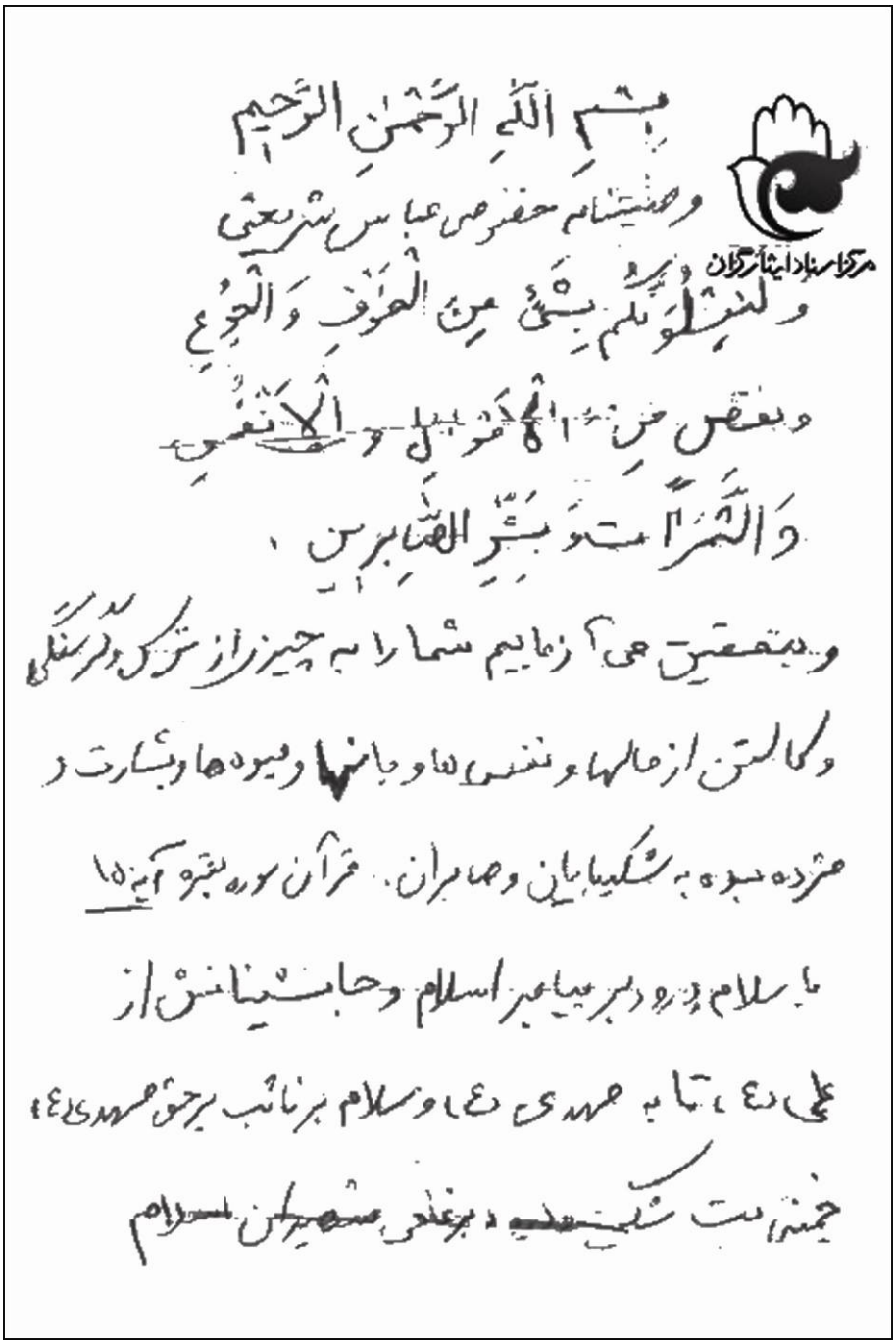

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیتنامه خصوصی عباس شریعتی

مرکز اسناد ایثارگران

و لنبلونکم بشیء من الخوف و الجوع

و نقص من الاموال و الانفس

و الثمرات و بشر الصابرین.

و بتحقیق می‌آزماییم شما را به چیزی از ترس و گرسنگی

و کاستن از مالها و نفسها و جانها و میوه‌ها و بشارت و

مژده بده به شکیبایان و صابران. قرآن سوره بقره آیه ۱۵

با سلام درود بر پیامبر اسلام و جانشینانش از

علی (ع) تا به مهدی (ع) و سلام بر نائب برحق مهدی (ع)

خمینی بت شکن [illegible] بر غلامی شهیدان اسلام

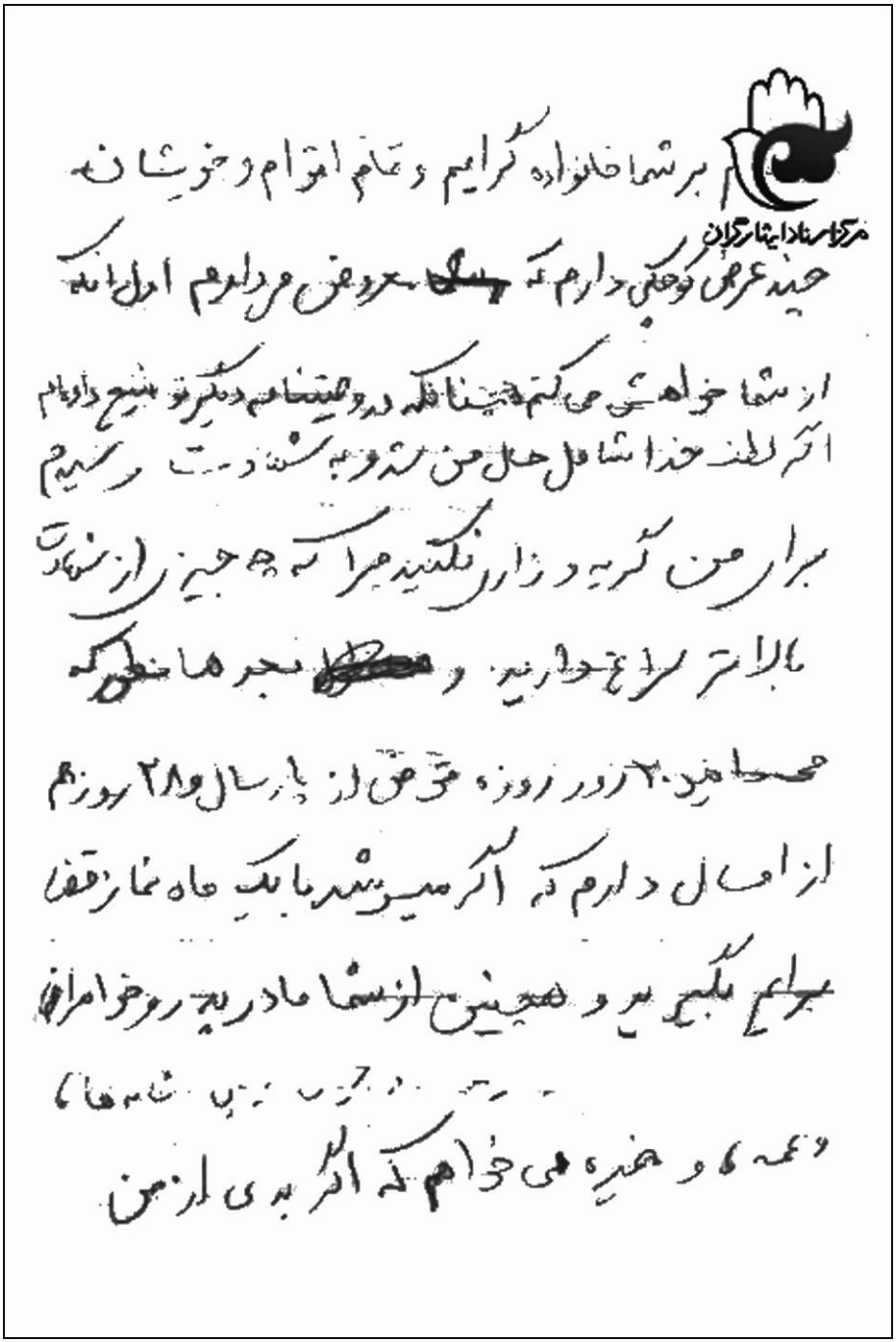

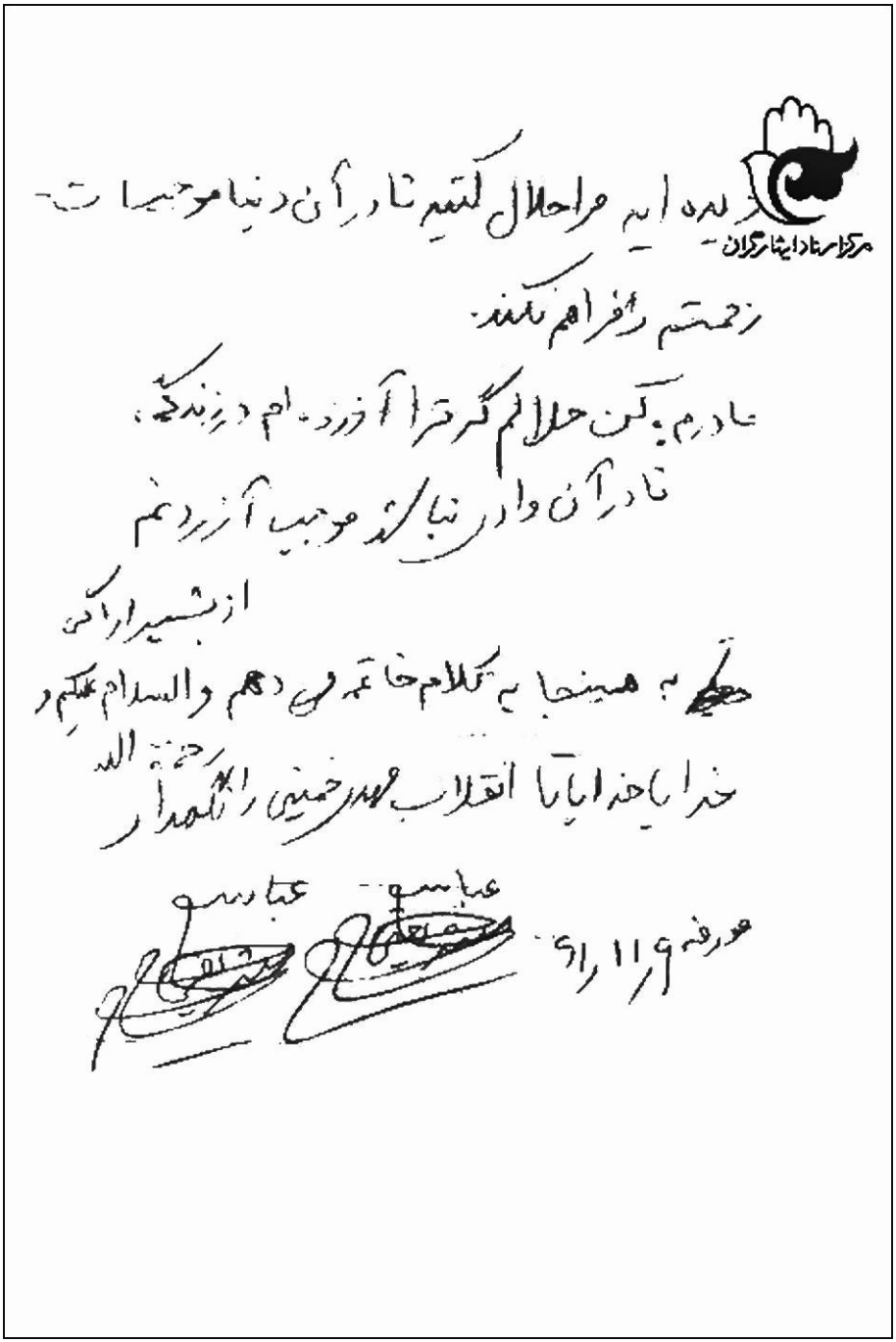

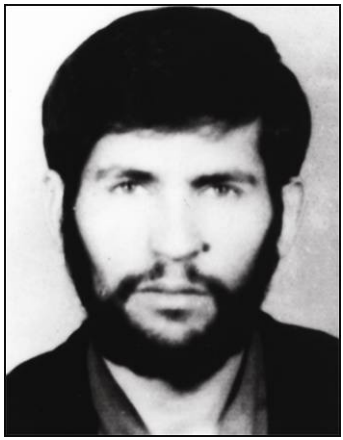

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: قربانعلی
نام مادر: عفت
تاریخ تولد: دهم آبان ۱۳۳۶
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵
محل شهادت: مهران
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- امروز سربازان روح‌الله، یاری‌کنان اباعبدالله هستند.
- بدانید که امروز بین عزت و ذلت قرار دارید و امتحانی سخت را در پیش دارید.
- از یاری امامتان هرگز دست برندارید.
- امروز روز یاری اسلام و قرآن است.
- باید گران‌ترین چیزها را داد تا به بهشت رسید.
- خدا به فریاد آنان که نسبت به فرمایشات امام بی‌تفاوت بودند برسد.
- امروز که اسلام خون می‌خواهد، باید خون داد.
- نه تنها مردها باید از اسلام دفاع کنند، بلکه زن‌ها هم باید آماده باشند.
- دعا کنید که شهدای کربلا مرا شفاعت کنند.

## علی‌اکبر شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب علی‌اکبر شریعتی، فرزند قربانعلی، اعزامی از بسیج قلعه نوخرقان، معتقدم به «اشهدان لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و ان الائمة المعصومین حجج الله و ان النّار حق و انّ الجنة حق و انّ الله یبعث من فی القبور»

خدایا تو را شکر که مورد عنایاتت قرار گرفتم و لطفت شامل حالم شد، که در جمع رزمندگان اسلام قرارم دادی. چگونه شکر چنین نعمتی را به‌جای آورم که چنین لیاقتی را عطایم نمودی؟ آری سرباز روح‌الله شدن لیاقت می‌خواهد. امروز سربازان روح‌الله، یاری‌کنان اباعبدالله هستند، چون می‌خواهند کربلا را از چنگ صدامیان نجات دهند. هدفم از آمدن به جبهه این است که به ندای ولی فقیه مسلمین- که امروز اطاعت از فرامین او بر هر شخصی، که ادعای شیعه بودن می‌کند، واجب است- لبیک بگوییم. مگر نه اینکه او نایب برحق ولی عصر است، پس باید از چنین زعیمی- که می‌خواهد زمینهٔ ظهور امامش را، یعنی بقیةالله الاعظم را، فراهم آورد و از دریاها پرخروش‌تر از [و]- کوه‌ها استوارتر است- اطاعت کرد و دستوراتش را به جان [و] دل خرید؛ اگر چنین باشیم؛ یک تکلیف شرعی را انجام داده‌ایم و اگر سرپیچی کنیم، فردای قیامت جوابی نداریم.

ای امت شهیدپرور! بدانید که امروز بین عزت و ذلت قرار دارید و امتحانی سخت را در پیش دارید. سعی کنید که در چنین امتحانی قبول شوید. از یاری امامتان هرگز دست برندارید. در صحنه باشید. امروز روز یاری اسلام و قرآن است. با جان و مال خود در بازارهای الهی حاضر شوید و با او معامله کنید، تا بهشت را دریافت کنید. به قول شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی[1]: «بهشت را به بهاء می‌دهند نه به بهانه.»[2] پس باید گران‌ترین چیزها

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- تعبیر «بهشت را به بهاء بدهند نه به بهانه» از آن شهید بهشتی است اما تحت تأثیر حدیثی است از پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): (حفّت النار بالشهوات حدیث ۱۳۷۸، ص ۳۸۴، نهج‌الفصاحه، ترجمه سیدعلی حسینی، انتشارات دارالعلم).

را داد تا به بهشت رسید. خدا به فریاد آنان که نسبت به فرمایشات امام بی‌تفاوت بودند برسد، که فردا چه به سرشان خواهد آمد.

پدر عزیزم! امیدوارم اگر مصیبتی به تو رسید، مانند هزاران پدر شهید دیگر افتخار کنی.

امروز که اسلام خون می‌خواهد، باید خون داد. چه چیزی بالاتر از اسلام است؟ مگر نه اینکه خاندان اهل‌بیت عصمت به اسیری رفتند؟ خیمه‌هایشان را آتش زدند، عزیزانشان را سر بریدند؟ همه به‌خاطر اسلام بود. پس نه تنها مردها باید از اسلام دفاع کنند، بلکه زن‌ها هم باید آماده باشند، حتی برای تحمل مشکلات و سختی‌ها. شما احوالات سمیه[1]، یکی از زنان صدر اسلام، را از کسی که سرگذشتش را می‌داند، بپرس که چه شکنجه‌ها و چه مشقاتی را تحمل کرد. امیدوارم دخترانم را، آن‌چنان که اسلام از تو می‌خواهد، تربیت کنی، یعنی نسبت به احکام شرعی خودشان آنها را آشنا سازی. وقتی بزرگ شدند به آنها بگو که بابایشان در مسیر آزادسازی کربلا دار فانی را وداع گفت. دعا کنند که شهدای کربلا مرا شفاعت کنند. اگر شهادت نصیبم شد از خانوده‌های محترم شهدا می‌خواهم که تنها به فکر بازماندگان شهدای خودشان نباشند، بلکه نگذارند هیچ همسر شهید و فرزند شهیدی احساس بی‌کسی کند. همهٔ امت یک پیامبر و بندهٔ یک خدا هستیم.

**علی‌اکبر شریعتی**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.



بسم الله الرحمن الرحیم

مرکز اسناد ایثارگران علی اکبر شریعتی فرزند قربانعلی اعزامی از بسیج قلعه نوخرقان معتقدم به اشهد ان
لا اله الا الله و ان محمداً عبده و رسوله و ان الائمة المعصومین حجج الله و ان النار حق و ان الجنة
حق و ان الله یبعث من فی القبور. خدایا ترا شکر که مورد عنایاتت قرار گرفتم و لطفت شامل
حالم شد که در جمع رزمندگان اسلام قرارم دادی چگونه شکر چنین نعمتی را بجای آورم که چنین لیاقتی
را عطایم نمودی آری سرباز روح الله شدن لیاقت می خواهد. امروز سربازان روح الله یاری کنان
ابا عبدالله هستند چون می خواهند کربلا را از چنگ صدامیان نجات دهند. هدفم از آمدن به جبهه اینست
که به ندای ولی فقیه مسلمین که امروز اطاعت از فرامین او بر هر شخصی که ادعای شیعه بودن می کند
واجب است لبیک بگوید مگر نه اینکه او نائب بر حق ولی عصر است پس باید از چنین زعیمی که می خواهد زمینه
ظهور امامش را یعنی بقیة الله الاعظم را فراهم آورد و از دریاها پر خروشتر از کوهها
استوارتر است و اطاعت کرد و دستوراتش را بجان دل خرید اگر چنین باشیم یک تکلیف
سری را انجام داده ایم و اگر سرپیچی کنیم فردای قیامت جوابی نداریم. ای امت شهید پرور بدانید
که امروز بین عزت و ذلت قرار دارید و امتحانی سخت را در پیش دارید سعی کنید که در چنین امتحانی قبول شوید از یاری امامتان
هرگز دست بر ندارید در صحنه باشید امروز روز یاری اسلام و قرآن است با جان و مال خود
در بازارهای الهی حاضر شوید و با او معامله کنید تا بهشت را دریافت کنید بقول شهید
مظلوم آیة ا... بهشتی بهشت را به بهاء می دهند نه به بهانه پس باید گرانترین چیزها را داد
تا به بهشت رسید. خدا بفریاد آنانکه نسبت به فرمایشات امام بی تفاوت بودند برسد که فردا
چه بسرشان خواهد آمد. پدر عزیزم امیدوارم اگر مصیبتی به تو رسید مانند هزاران پدر شهید دیگر افتخار کنی

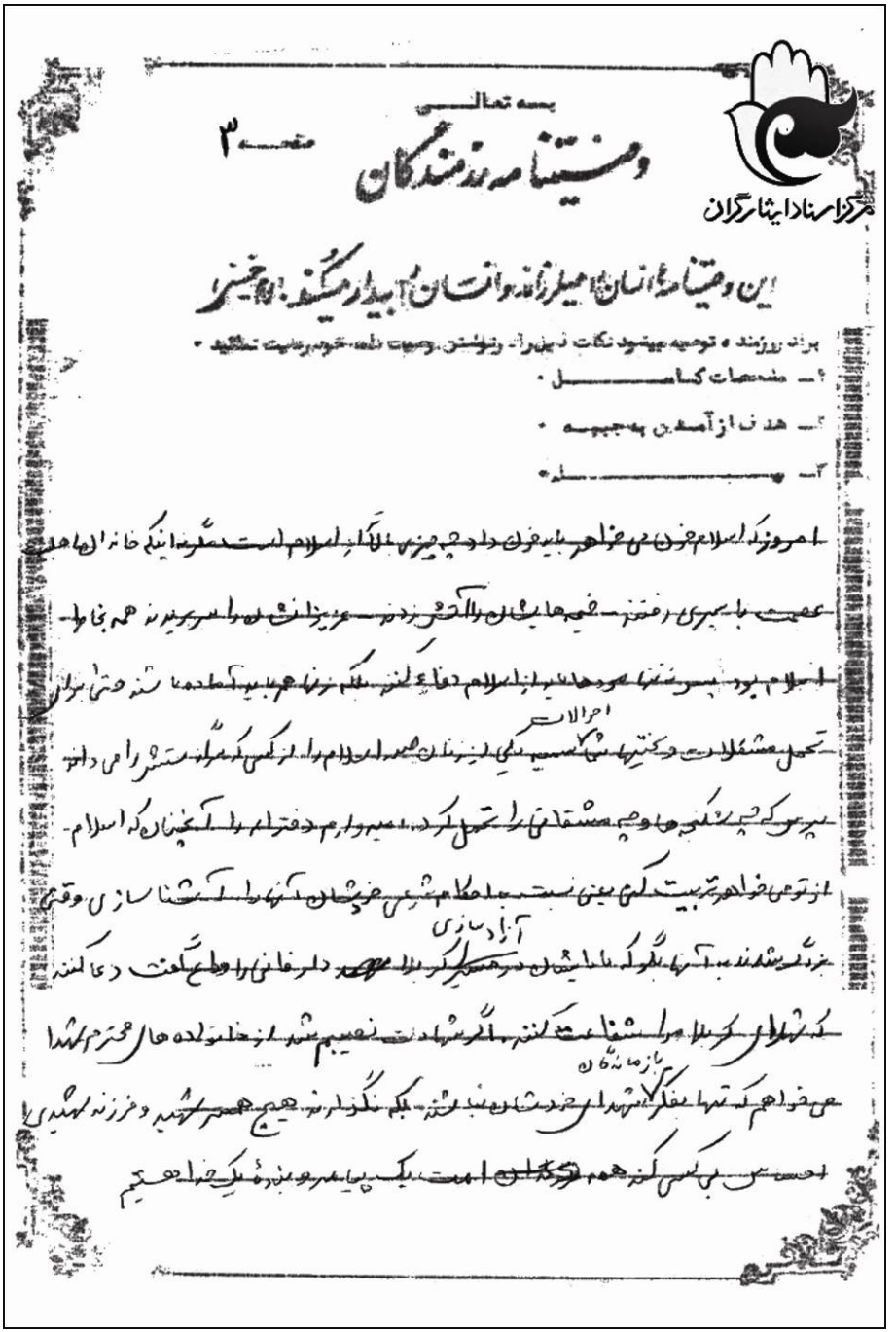

مرکز اسناد ایثارگران

به تعالی

وصیتنامه رزمندگان

صفحه ۳

این وصیتنامه‌ها انسان را میلرزاند و انسان را بیدار میکند. ۱۵ خرداد

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید.

۱- مشخصات کامل.

۲- هدف از آمدن به جبهه.

۳- [illegible].

امروز که اسلام خون می‌خواهد باید خون داد چه چیزی بالاتر از اسلام است مگر نه اینکه خاندان ما جلب عصمت با سپری رفتند - خیمه‌هایشان را آتش زدند - عزیزانشان را سر بریدند همه بخاطر اسلام بود پس نه تنها مردها باید از اسلام دفاع کنند بلکه زنها هم باید آماده باشند حتی برای تحمل مشکلات و سختیهای احوالات سیاسی یکی از زنان صدر اسلام را از کسی که مرگ ستش را می‌داند بپرس که چه شکنجه‌ها و چه مشقاتی را تحمل کرد. امیدوارم دخترانم را آنچنان که اسلام از تو می‌خواهد تربیت کنی یعنی نسبت به احکام شرعی خودشان آنها را آشنا سازی وقتی بزرگ شدند به آنها بگو که با ایشان در آزادسازی کربلا دار فانی را وداع گفت دعا کنند که شهدای کربلا مرا شفاعت کنند. اگر شهادت نصیبم شد از خانواده‌های محترم شهدا می‌خواهم که تنها بفکر بازماندگان شهدای خودشان نباشند بلکه نگذارند هیچ همسر شهید و فرزند شهیدی احساس بی‌کسی کند همه امت یک پیامبر و بنده یک خدا هستیم



نام: **محمدتقی**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: اسدالله
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: دوازدهم خرداد ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: پنجم مرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: اسلام‌آباد غرب
نحوهٔ شهادت: سوختگی
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- تا حد توان به رهنمودهای امام جامه عمل بپوشانیم.
- خواهران باید حجاب اسلامی را کلاً رعایت نمایند.
- حالت غرور، حسد، کبر، ریا را هر چه کامل‌تر از خودمان دور بکنیم.
- همیشه در مجالس عزادارای، کمیل و دعای توسل شرکت بکنید.
- از کمک به جبهه‌های جنگ دریغ نفرمایید..
- بارالها! ارزاق مرا از رهگذر حلال روان ساز و انفاق مرا متوجه ابواب خیر گردان.
- بارالها، مرا به نومیدی از عدل خود میازمای و دشمن را به ایمنی از عقوبت خود امتحان مکن.
- بارالها، تسلط شیطان را از ما برگردان و امیدش را از ما قطع کن.
- اگر حسین بن علی(علیه‌السلام) چون شمع سوخت و آب شد، روشنایی داد، من هم پروانه حسینم.
- خدایا تو را شکر، که از همهٔ انحراف‌ها مرا نگاه داشتی و ثابت قدم در راه پیروی از ولایت رهنمون ساختی.

## محمدتقی شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

[...][۱] را باید همگی بدانیم. اگر شما در آنجا و مادر اینجا به بهترین وجه کارهایمان را انجام می‌دهیم، مدیون خون هزاران شهید به‌خون‌خفته‌ایم که با خون خودشان ریشه‌های درخت انقلاب را روز به روز آبیاری کردند و می‌کنند.

اما برای شما عزیزان در آخر چند توصیه داریم، هر چند هم که این حقیران لیاقت توصیه کردن به شما را ندارند و هر چند هم که وقت برای همگی شما طلا است و مزاحم شدن شما برای ما کار بسیار دشوار[ی] است ولکن از شما می‌خواهیم ضمن گوش دادن به این نکات، در آخر ما را عفو بفرمایید.

۱- همیشه این سخن امام علی(علیه‌السلام) را آویزهٔ گوش خود قرار داده و به آن جامهٔ[۲] عمل بپوشانید که فرموده «**اوصیکم بتقوی[۳] الله و نظم امرکم**»[۴] «توصیه می‌کنم شما را به تقوا و نظم در کارهایتان.

۲- تا حد توان به رهنمودهای امام جامه[۵] عمل بپوشانیم (رهنمودهای ۱۶ ماده‌ای)

۳- پیام‌های امام و سخنرانی‌های امام را با دقت گوش فرا دهیم، تا اینکه بعداً دچار انحراف نگردیم.

۴- در تشکیل نماز جماعت در مدارس یا در محفل‌هایی که در نظر گرفته می‌شود، زیر نظر مسئولین، سستی نفرمایید که سستی از آن شیطان است.

خواهران باید حجاب اسلامی را کلاً رعایت کرده و اگر کسی از بین شما دارای انحراف اخلاقی و فکری بود[۶] [...][۷] شناسایی کرده و هر چیز زودتر معرفیش بکنید و

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «جامعه».

۳- در اصل وصیت «بالتقوا».

۴- نهج‌البلاغه/ رسائل شماره ۴۷.

۵- در اصل وصیت «جامعه».

۶- در اصل وصیت «داشت».

۷- خوانا نیست.

هم‌چنین اگر کسی از معلمین شما با روسری به مدرسه می‌آیند به او بگویید ما اینطور معلم نمی‌خواهیم، چون اینها زمینه‌ساز حکومت ملعون بنی‌صدر[۱] هستند. اگر تکلیف را انجام نداد، بدانید بی‌حرمتی به خون شهداست و با او اقدام انقلابی بفرمایید.

۵- با تمام وجود از خط ولایت فقیه (فقهایی که در خط انبیاء هستند چون امام عزیز) پشتیبانی کرده، چون تنها راه سعادت همگی مسلمین جهان می‌باشد.

۶- به موقع در سر کلاس حاضر شده و درس‌ها را با جدیت بخوانید، چون توطئه آمریکا بر این است که این سنگرهای عبادی سیاسی را خالی کرده و نیروها را به جبهه بفرستد، تا اینکه بعداً ما نیروی حزب‌الله نداشته باشیم [که] وارد دانشگاه‌ها بشود.

۷- حالت غرور، حسد، کبر، ریا را هر چه کامل‌تر از خودمان دور بکنیم، چون اینها عامل بدبختی ما انسان‌ها می‌باشد.

۸- همیشه در مجالس عزادارای، کمیل و دعای توسل شرکت بکنید و سعی بشود یک روز را در مدارس (یک ساعتش را) اجرای دعای توسل صورت گیرد، چون برادران شما احتیاج به دعاهای شما دارند.

۹- حتماً و حتماً در میان هفته چندبار، واگر فرصتی نیست، در آخر هفته هر که شده به مزار شهدا رفته و با آنها پیمان ببندیم و اندیشه خودمان را هم به‌کار بیندازیم.

۱۰- از کمک به جبهه‌های جنگ دریغ نفرمایید.

۱۱- انجمن اسلامی را فعال کرده و در هر چه بیشتر اسلامی کردن محیط خود کوشا بوده و از ساختن خود و دیگران غفلت نفرمایید.[۲]

بر شماست که سخنان معلمین را خوب گوش داده و اگر کسی از معلمین شما خدای نکرده انحراف داشت، که انشاءالله[۳] چنین فردی دیگر نیست، خود شما حزب‌الله برخورد کرده و او را، علاوه بر بیرون کردن، تحویل دادگاه‌های انقلاب بدهید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «نفرمائید».

۳- در اصل وصیت «این‌شاءالله».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

درود بر انبیا و امامان و درود بر امام عصر، حجت بن الحسن العسکری(عج) و نایب بر حقش، خورشید درخشان جماران.

قلبی پر از الفت و پر از تلاطم دارم، قلبی پر از عشق، صفا و صمیمت به خدا و انبیا و ائمه معصومین و همچنین قلب عالم امکان حجت بن الحسن العسکری و نائب بر حقش دارم. اگرچه قلبم سیاه بود، ولی در اینجا بود که روشن شد و روشنی آن سرچشمه از وجود تک تک دوستان است که همچون ستاره در قلبم جای گرفته می‌درخشند. شب‌ها و روزها در کنار بهترین افراد وطنم و گل‌های سرسبز و سربازان حضرت صاحب زمان(عج) می‌باشم. قلبم همیشه پر از نور الهی که سرچشمه از آیت‌های روی زمین، این شیر مردان جبههٔ حق است می‌باشد اگر بنشینم و بنویسم، یک تاریخ عظیم و شگفت‌انگیزی پر از قدرت و صفا و جلای عزیزان و درخشش آنها و روحیهٔ عظیم آنها خواهم نوشت. خواهم نوشت از خودگذشتگی آنها و از دلاوری‌ها و شجاعت‌ها و نماز شب‌های آنها و صفا و جلای قلبشان و از خود بیخود شدن آنها.

بارالها! مرا در زمرهٔ کسانی که پدران و مادران خود را خوار می‌کنند قرار مده، و پدر و مادر مرا از بهترین امتیازاتی که به پدران و مادران بندگان مؤمنت بخشیده‌ای اختصاص ده ای بخشنده‌ترین بخشندگان.

بارالها! مرا از اسراف و زیاده‌روی بازدار و به انفاق و میانه‌روی تعدیل فرما و نیک اندازه گرفتن خرج را به من بیاموز و مرا به لطف خود از چنگ تبذیر بازگیر و ارزاق مرا از رهگذر حلال روان ساز و انفاق مرا متوجه ابواب خیر گردان و آن مال را که برای من تکبر پدید آورد و یا منجر به ظلم گردد یا در اثر آن گرفتار سرشکستگی کسی شوم از من باز ستان.

بارالها، من از آن خاطرات دل، نگاه‌های چشم و گفتگوهای زبانم که مخالف ارادهٔ تو یا بیرون از حد محبت تو باشد، پیش تو چنان توبه می‌کنم که هر یک از اعضایم جداگانه از

عقوبت‌های تو سالم ماند و از قهر و انتقامت [...][1] شدید و دردناکی که بیدادگران از آن می‌هراسند ایمن گردان. الهی تو را مسئلت می‌کنم به حق خودت که [بر] همهٔ آفریدگانت واجب است و به نام بزرگت که پیغمبرت را فرمان دادی تا تو را به آن نام تسبیح کند و به بزرگی ذات بزرگوار تو، که کهنه نمی‌شود و دگرگون نمی‌گردد و تغییر حال نمی‌دهد و فنا نمی‌پذیرد، که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد(ص) و مرا به عبادت خودت از هر چیزی بی‌نیاز کنی و با ترس خود، دل مرا از دنیا سرد گردانی، زیراکه به تو امیدوارم و تو را می‌خوانم و به‌سوی تو پناه می‌آورم.

بارالها، هر چه را که برایم پسندیده‌ای در نظرم محبوب ساز و تحمل آنچه را که بر من وارد ساخته‌ای آسان فرما. و مرا ببخش آنچه را که رضای خودت است، چون راضی به رضایت هستم.

بارالها، مرا به نومیدی از عدل خود میازمای و دشمن را به ایمنی از عقوبت خود امتحان مکن، تا بر ظلم من اصرار ورزد و بر حقم مستولی شود.

بارالها، فرزندانم را به راه راست و شایسته هدایت کن که آن را به راه دیگری عوض نکنند و از مذهب حقیقی برخوردار کن که از آن منحرف نگردند.

بارالها، تسلط شیطان را از ما برگردان و امیدش را از ما قطع کن و او را از حرص [که] گمراه کردن ما دفع نمای.

پدر و مادر و همسرم! در پی هر زمستانی، تابستانی نیز هست. در پی پاییزی، بهاری، در پی هر تاریکی، یک روشنایی و در پی هر درد و رنجی در دنیا، یک خوبی و خوشی در بهشت و در آخرت است.

خوشا آنان که رفتند. ای پدرم، ای مادرم، ای خواهرانم و ای همسرم! اگر حسین(علیه‌السلام) لب‌تشنه شهید نمی‌شد، هرگز یکی از ارکان نمی‌شد، اگر عده‌ای بی پسر نمی‌شدند، هرگز انقلابی به‌پا نمی‌شد و اگر عده‌ای بی‌همسر نمی‌شدند هرگز خمینی رهبر نمی‌شد. اگر عده‌ای یتیم، معلول و مفقود و اسیر نمی‌شدند، هرگز جمهوری اسلامی به‌پا نمی‌شد. نمی‌دانم زبانم را می‌فهمید یا نه. اگر حسین بن علی(علیه‌السلام) چون شمع سوخت و آب شد، روشنایی داد. من هم ای مادرم! پروانه حسینم.

---

۱- خوانا نیست.

وقتی به شهادت برادرم و دوستان دور و نزدیک می‌نگرم، دریچهٔ امید من بازتر می‌شود و دریچهٔ امید من همیشه به‌سوی آن دنیا باز می‌شود. امید است که همان دریچه مایه رهایی ما از عقاب الهی باشد. دریچه امیدم از این بابت باز می‌شود که شهداء ما حافظان و حمایتکاران از محرومین می‌باشند که در این راه حمایت از محرومان به شهادت رسیده‌اند و مجد و عظمت را برای من و دیگر آدمیان به ارث گذاشته‌اند. چه بهاء پرارزنده‌ای است! باید قدردان نعمت به ارث رسیده از شهدا باشیم.[۱]

خدایا تو را شکر و سپاس، که مرا در بهترین وجه و در میان امتی پرورانده‌ای که همانا پشتیبان اسلام باشند که عدهٔ قلیلی از این امت یا نسلی از آنها پشتیبان و یاور مهدی(عج).

خدایا تو را شکر، که مرا در میان امتی محروم ومستضعف بپروراندی که درد محرومان را دانسته و برای حق آنها مرا برانگیخته‌ای. خدایا تو را شکر، که خوف خودت را در دلم انداختی و باعث شدی که من در کارهایم حساب شده برخورد کنم. خدایا تو را شکر، که از همهٔ انحراف‌ها مرا نگاه داشتی و ثابت قدم در راه پیروی از ولایت رهنمون ساختی. ای خدا تو را شکر، که به من نیرویی داده‌ای که من به عهد و پیمانم، که جواب دادن به صدای حسین(علیه‌السلام) بود، در جبههٔ حق علیه باطل حاضر شوم.

خدایا تو را شکر، که پس از هزاران سال تاختن ظالمان و ستمگران و استعمارگران و این همه سمپاشی‌ها بر علیه اسلام، از ابتدای آن و تا زمان ما، باز هنوز هم بویی و جایی از اسلام و اسلامیت و انسانیت بوده و این ملتی از ما که داشت در سراشیبی بسی تند به گودال‌های نابودی و نقصان، پوچی و سرگردانی پیش می‌رفت، توسط امامی همچون خمینی کبیر، یکباره آنها را متوجه خود کردی.

**مورخ ۶۱/۲/۲۳**

**محمدتقی شریعتی**

---

۱- در اصل وصیت «با قدر این نعمت را به ارث رسید از شهدا باشیم».

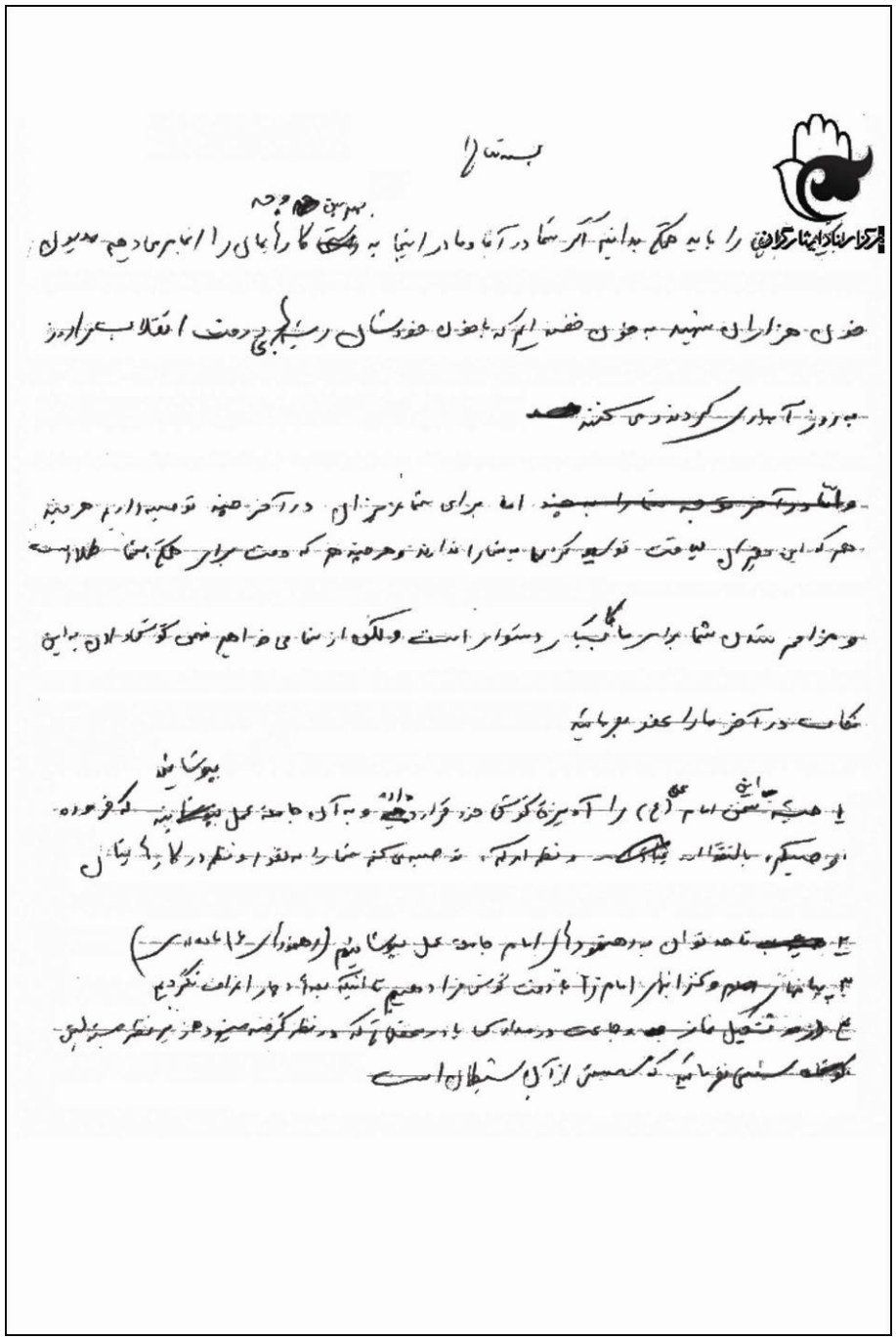



## فرازهایی از نامه ها و وصیتنامه شهید محمد تقی شریعتی

درود بر انبیا و امامان و درود بر امام عصر حجت‌بن‌الحسن‌العسگری و نائب برحقش، خورشید درخشان جماران، قلبی پر از الفتو پراز تلا طمی دارم قلبی پر از عشق صفا و صمیمیت به خدا و انبیا و ائمه معصومین و همچنین قلب عالم امکان حجت‌بن‌الحسن‌العسگری و نائب برحقش دارم ، اگرچه قلبم سیاه بود ولی در اینجا بود که روشن شد و روشن آن سرچشمه از وجود تک‌تک دوستان است که همچون ستاره در قلبم جای گرفته می‌درخشد شبها وروزها درکنار بهترین افراد وطنم و گلهای سرسبز و سربازان حضرت صاحب زمان می‌باشم قلبم همیشه پراز نور الهی که سرچشمه از آیه‌های روی زمین این شهر مردان جبهه حق است می‌باشد اگر بنشینم و بنویسم یک تاریخ عظیم وشگفتانگیزی پر از قدرتو صفا و جلای عزیزان و درخشش آنها و روحیه عظیم آنها خواهم نوشت ، خواهم نوشت از خودگذشتگی آنها و از دلاوریها و شجاعتها و نمازشبهای آنها و صفا و جلای قلبشان و ازخود بی‌خود شدن آنها ./

بارالها مرا در زمره کسانیکه پدران و مادران خود را عار می‌کنند قرار نده ، و پدر و مادر مرا از بهترین امتیازاتی که به پدران و مادران بندگان مؤمنت بخشیده ای اختصاص ده ای بخشنده ترین بخشندگان .
بارالها ، مرا از اسراف و زیاده روی باز دار و به انفاق و میانه روی تعدیل فرما و نیاز اندازه گرفتن خرج را به من بیاموز و مرا به لطف خود از چنگ تبذیر باز گیر و ارزاق مرا از رهگذر حلال روان ساز و انفاق مرا متوجه ابواب خیر گردان و آن مال را که برای من تکبر پدید آورد و یا منجر به ظلم گردد یا در اثر آن گرفتار سرشکستگی کسی شوم از من بازستان
بارالها ، من از آن خاطر اعتدال نگاههای چشم و گفتگوهای زبانم که مخالف اراده تو یا بیرون از حد محبت تو باشد پیش تو چنان توبه می‌کنم که هرپاره از اعضایم جداگانه از عقوبتهای تو سالم ماند و از قهر و انتقامت رهایی و در نامه که بیداد گران از آن می‌هراسند ایمن گردان . الهی تورا مسئلت می‌کنم به حق — خودت که همه آفریدگانت واجب است بنام بزرگت، که پیغمبرت را فرمان دادی تا تورا به آن نام تسبیح کند و به بزرگی ذاتیزرگوار تو که کهنه نمی‌شود و دگرگون نمی گردد و تغییر حال نمی دهد و فنا نمی — پذیرد که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا به عبادت خود نیاز از هرچیزی بی نیاز کنی

و با تو بر خود دل مرا از دنیا سرد گردانی زیرا که به تو امید وارم وتورا می خوانم و به سوی تو پناه می آورم
بارالها ، هرچه را که برایم پسندیده ای در نظم محبوب ساز و تحمل آنچه را که بر من وارد ساخته ای
آسان فرما و مرا ببخش آنچه را که رضای خود تاست جون راضی به رضایت هستم
باالها ، مرا بنومیدی از عدل خود میازمای و دشمن را به ایمنی از عقوبت خود امتحان مکن تا بر ظلم من اصرار
ورزد و بر حقم مستولی شود
بارالها ، فرزندانم را به راه راست و شایسته هدایت کن که آن را به راه دیگری عوض نکنند و از مذهب
حقیقی برخوردار کن که از آن منحرف نگردند .
بارالها ، تسلط شیطان را از مابرگردان و امیدش را از ما قطع کن و اورا از حرصی که گمراه کردن ما دفع
نمای .

پدر و مادر و همسرم در برزخ هر زمستانی تابستانی نیز هست در برزخ پائیزی بهاری ، در برزخ هر تاریکی یک
روشنائی و در برزخ هر درد و رنجی درد نیا ، یا خوبی و خوشی در بهشت و در آخرت است .
خوشا آنان که رفتند ، ای پدرم ای مادرم ای خواهرانم و ای همسرم ، اگر حسین لبتشنه شهید نمی شد
هرگز یکی از ارکان نمی شد ، اگر عده ای بی پسر نمی شدند هرگز انقلابی بپا نمی شد و اگر عده ای بی
همسر نمی شدند هرگز خمینی رهبر نمی شد ، اگر عده ای یتیم معلول و مفقود و اسیر نمی شدند هرگز —
جمهوری اسلامی بپا نمی شد . نمی دانم زبانم را می فهمید یا نه . اگر حسین بن علی چون شمع سوخت و آب
شد روشنائی داد من هم ای مادرم پروانه حسینم

وقتی به شهادت برادرم و دوستان دور و نزدیکم می نگرم دریچه امیدم بیشتر می شود و دریچه امید
من همیشه بسوی آن دنیا باز می شود امید است که همان دریچه ما به رهائی ما از عقاب الهی باشد .
دریچه امیدم از این بابت باز می شود که شهدا ما حافظان و حمایتگران از محرومین می باشند که در
این راه حمایتاز محرومان به شهادت رسیده اند و مجد و عظمت را برای من و دیگر آدمیان به ارث
گذاشته اند چه بهاء پر ارزنده ای است باید قدر این نعمت را به ارث رسید از شهدا باشیم .

خدایا تورا شکر میکنم که مرا در بهترین وجه و درمیان امتی پرورانده ایکه همانا پشتیبان اسلام باشند که عده قلیلی از این امت یا نسلی از آنها پشتیبان و یاور مهدی عجل‌الله .

خدایا تورا شکر که مرا درمیان امتی محروم و مستضعف بپروراندی که درد محرومان را دانسته وبرای حق آنها مرا برانگیخته ای . خدایا تورا شکر که خوف خود را در دلم انداختی و [illegible]دی که من در کارهایم حساب شده برخورد کنم . خدایا تورا شکر که از همه انحرافها مرا نگاه داشتی و ثابت‌قدم در راه پیروی از ولایت رهنمون ساختی . ای خدا تورا شکر که به من نیروی دادی ایکه من به عهد و پیمانم که جواب دادن به صدای حسین بود در جبهه حق علیه باطل حاضر شوم .

خدایا تورا شکر که پس از هزاران سال تاختن طالمان و ستمگران و استعمارگران و این همه سمپاشیها بر علیه اسلام از ابتدای آن و تا زمان ما باز هنوز هم بوئی و جائی از اسلام و اسلامیت و انسانیت بوده و این ملتی از ما که داشت در سراشیبی بسی تند به گودالهای نابودی و — نقصان — پوچی — و سرگردانی پیش می رفت توسط امامی همچون خمینی کبیر ، یکباره آنها را متوجه خود کردی .

پایان وصیتنامه برادر شهید محمد تقی شریعتی

مورخ ۶۱/۱/۲۳

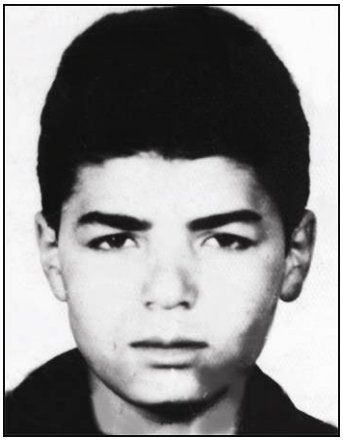

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: عبدالوهاب
نام مادر: سکینه
تاریخ تولد: یکم تیر ۱۳۴۴
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: سیزدهم تیر ۱۳۶۵
محل شهادت: پیرانشهر
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- مادرم! با تو می‌گویم که فاطمه‌وار فریاد کن و دشمنان اسلام را رسوا نما.
- قول داده‌ام که با خونم راه بسته شدهٔ کربلا را باز نمایم.
- مبادا که امام عزیز را مانند کوفیان تنها بگذارید که ما قول داده‌ایم مردم کوفه نیستیم.
- زینب‌گونه یزیدیان زمان را رسوا کنید.
- از امام پیروی نمایید.

## محمدرضا شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الّذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجةً عندالله و اولئک هم الفائزون»**[۱]

صحبتم را با نام خدا شروع می‌کنم که نام او هم شهید[۲] است. و درود بر پیامبرش محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سلام بر نایب برحقش امام زمان(عج) و درود و سلام بر خمینی روح خدا.

این نامه را در حالی می‌نویسم که درسنگرهای سردشت دهکدهٔ نشکلان هستم و به برادر هم‌سنگرم می‌دهم که به خانواده‌ام بدهد.

پدر گرامی‌ام! سلام و امیدوارم که خسته نباشید. پدرم مرا عفو نمایید که نتوانستم فرزند خوبی برایت باشم. شب و روز برایم زحمت کشیدی ولی نتوانستم جبران نمایم.

مادرم! با تو می‌گویم که فاطمه‌وار فریاد کن و دشمنان اسلام را رسوا نما. مادرم مبادا بر من و امثال من گریه کنی. جسدم اگر آمد چه خوب و اگر نیامد بگذار که گمنام باشم، چرا که ما با اسلام عزیز پیوند کردیم و با امام میثاق بستم و به یارانم وعده دادم و به خاک و اسلحه‌ام عادت کرده‌ام و قول داده‌ام که با خونم راه بسته شدهٔ کربلا را باز نمایم.

برادرانم حسین و حسن! مگذارید که لحظه‌ای اسلحه‌ام بر زمین بماند و مبادا که امام عزیز را مانند کوفیان[۳] تنها بگذارید که ما قول داده‌ایم مردم کوفه نیستیم.

خواهرانم! صحبت کوتاهی با شما دارم. هر چند که من نتوانستم ادامهٔ تحصیل را در سنگر مدارس بدهم و خدا خواست که در مدرسهٔ شهادت تحصیل نمایم، از شما می‌خواهم که به درستان ادامه دهید و زینب‌گونه یزیدیان زمان را رسوا کنید و از امام پیروی نمایید.

پدرم! لباس‌های شخصی بنده نزد یکی از دوستان هم‌سنگرم به‌نام حمیدرضا جراحی می‌باشد که مقداری پول در کیفم هست، اگر او آورد چه خوب و اگر نیاورد دنبالش نروید

---

۱- توبه/ ۲۰.

۲- «شهید» نام خداوند نیست بلکه از صفات حضرت حق است.

۳- ر.ک. تعلیقات.

و تا آنجا که یاد دارم به کسی بدهکار [نیستم] و از کسی طلب ندارم و در آخر از تمام اقوام[1] و خویشان طلب بخشش دارم.

**محمدرضا شریعتی**
**۶۵/۳/۲۰**

۱- در اصل وصیت «قومان».

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین امنوا وهاجروا وجاهدوا فی سبیل الله باموالهم وانفسهم اعظم درجة عند الله اولئک هم الفائزون

صحبتم را با نام خدا شروع می‌کنم که نام او هم شهید است و درود بر پیامبر گرامی محمد مصطفی (ص) و سلام بر نایب برحق امام زمان و درود و سلام بر خمینی روح خدا

این نامه را وقتی می‌نویسم که در سنگرهای سرد و خشک دهکده نشکلان هستم و به برادر همسنگرم میدهم که به خانواده‌ام بدهد

پدر گرامیم سلام و امید وارم خسته نباشید پدرم مرا عفو نمائید که نتوانستم فرزند خوبی برایت باشم شب و روز برای زحمت کشیدن برای نتوانستم جبران نمائم

مادرم با تو می‌گویم که فاطمه وار فریاد کنی و در شئون اسلام را رسوا نمائی مبادا بر من و امثال من گریه کنی حالا که آمده چه خوب وگرنه نیامد بگذار که گفتنم باشم چرا که ما با اسلام عزیز پیوند کردیم و با امام میثاق بستیم و به یارانش وعده دادیم و به جانک و اسلام عادت کرده‌ام و قول داده‌ام که با جوخ راه بسته نروم کربلا را نبازیم . برادرانم حسین و حسن مگذارید که نظام اسلام بر زمین بماند و مبادا که امام عزیز را مانند کودتاچیان تنها بگذارید که ما قول داده‌ایم هرگز کوفه نیستیم

خواهرانم صحبت کوتاهی با شما دارم هرچند که من نتوانستم راه تحصیل را در سنگر مدارس ببینم و خدا خواست که در مدرسه شهادت تحصیل نمایم از شما میخواهم که به درستان ادامه دهید و زینب گونه نیز در میان زنان را سالار کنید و از امام بیروی نمائید - پدرم لباسهای کهنه‌ی قدیمی را از زورستان همسنگرم بنام حمید ضاجراوی میباشد که متاسفانه بلدل در کنیم همت آگر آمد چه خوب وگرنه نیاورد دنبالش نروید و تا آنجا که یاد دارم به کسی بدهکار و از کسی طلب ندارم و در آخر از تمام قومان و خویشان طلب بخشش دارم

۶۵/۳/۲۶ محمد رضا سرلیتی



نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: اسدالله
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهاردهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر شهید شدم و قطرات خونم در صحرای کربلای ایران ریخته شد به مردم بگویید که تمام قطرات خون ایشان فقط و فقط برای اسلام ریخته شده.
- ابرقدرت‌ها از این فقها و روحانیت اصیل، که در رأس آنها امام بزرگوارمان است، ترس دارند.
- این فقها هستند که ادامه دهنده و استمرار بخش حرکت انبیاء می‌باشند
- باید زینب‌وار بخروشید و منافقین را رسوا نمایید.
- باید امام را همچون چشم در سر و قلب در بدن دوست بداریم.
- اخلاق اسلامی و حجاب اسلامی را در کلیهٔ رفتارهای خود عملی بکنید.
- ای خواهران و برادران! پیرو خط ولایت فقیه باشید.
- آنچه که فعلاً باید حیثیتش حفظ بشود اسلام است نه مال دنیا.
- مقلد امام باشید. امام را دعا بکنید.
- پیرو ولایت فقیه باشید.

## محمدرضا شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اللهم اجعلنا[۱] فی زمرة شهداء الاسلام» «خدایا قرار بده ما را در زمرهٔ شهدای اسلام»

**«و لا تقولوا[۲] لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون»**[۳]

«آن کسی [را] که در راه خدا کشته شده، مرده نپندارید بلکه او زندهٔ ابدی است لکن، همهٔ شما این حقیقت را در نخواهید یافت.»

لالهٔ این چمن آلوده به رنگ است هنوز　　سپر از دست نینداز که جنگ است هنوز[۴]

عاشق چو شدی تیر به سر باید خورد　　زهری که رسد همچو شکر باید خورد

ضمن عرض درود و سلام به پیشگاه سلالهٔ پاک رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ولی‌عصر، امام زمان(عج) و نایب بر حقش این قلب تپندهٔ ملت و نور چشم تمام مستضعفین جهان اسلام، حضرت امام خمینی و کلیهٔ خانواده‌های شهدای اسلامی ایران، فلسطین، افغانستان، الجزایر، لبنان، وصیت‌نامهٔ خود را بدین شرح به عرض کلیهٔ خواهران و برادرانم می‌رسانم.

خداوند در قرآن کریم در سورهٔ بقره آیه ۲۱۶[۵] می‌فرماید: «حکم جهاد برای شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را شما ناگوار شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح در آن بوده و چه بسیار خود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است و خداوند به مصالح امور داناست و شما نادانید».

حالا پس [...][۶]، ای خدا! مرا این عزت بس که بندهٔ تو بودم و این فخرم بس که پروردگارم تو بودی. تو آن‌چنانی[۷] که من دوست دارم، پس مرا آن‌سان که خواهی بگردان.

---

۱- در اصل وصیت «الجعنا».

۲- در اصل وصیت «تقولوا».

۳- بقره/ ۱۵۴.

۴- مصرع دوم چنین است «سپر از دست نینداز برادر که جنگ است هنوز».

۵- در اصل وصیت «بقره آیه ۲۱۵».

۶- خوانا نیست.

۷- در اصل وصیت «آنچنانکه».

آری پدر و مادر عزیزم! خود شما می‌دانید که من مدتهاست عاشق دیدار [...][۱] امام زمان در کربلا[ی] ایران را داشتم و چه سعادتی بالاتر از اینکه توانستم، با خواست خدا، شب عید سال ۶۱ را در مناطق جنگی جنوب (اهواز) به‌سر ببرم و بعد از بازگشتن باز سعادت دیگری نصیبمان[۲] شد که توانستیم با نیروی خدادادی به جبههٔ غرب اعزام بشویم، جهت خدمت به مردم محروم استان کردستان.

پدر و مادر عزیزم! امیدوارم که بعد از شهادتم سلام مرا به نمایندهٔ محترممان[۳] برسانید و به ایشان بگویید[۴] که هر چند لیاقت و سعادت نداشتم امام را در زنده بودنم زیارت بکنم، [...][۵] سلام مرا به ایشان برساند و به امام بگوید از قول این حقیر که ای کاش من صد جان می‌داشتم تا اینکه فدای اسلام محمدی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و این چنین اولی‌الامری[۶] همچون حضرت امام خمینی بکنم و از خود شما هم می‌خواهم که اگر شهید شدم همیشه در مدّ نظرتان اشتباهات و گناهان من بیاید و شما هم از خداوند متعال برای من طلب مغفرت نمایید و خود شما هم مرا عفو فرمایید چون پدر و مادر عزیزم و کلیهٔ وابستگان هرگز یادم نمی‌رود که چه‌قدر همگی شما درمورد بنده ناراحتی و زجر کشیدید همگی شما را سلام مخصوص می‌رسانم. اگر حقی بر گردن این حقیر دارید و دستتان از ما کوتاه است، اجر و پاداش زحماتتان را از خداوند بخواهید.

برادر و خواهران عزیزم اگر شهید شدم و قطرات خونم در صحرای کربلای ایران ریخته شد به مردم بگویید که تمام قطرات خون ایشان فقط و فقط برای اسلام و کانال ولایت فقیه که در زمان حال حضرت امام خمینی می‌باشد ریخته شده چون برادران و خواهران عزیزم تمام ابرقدرت‌ها از این فقها و روحانیت اصیل که در رأس آنها امام بزرگوارمان است ترس دارند چون تا به‌حال هرچه ضربه خوردند از همین قشر روحانی بوده است ولکن ترس تمام این فقها از خدا می‌باشد که مبادا در زمان آنها احکام اسلامی را

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «نسیبمان».

۳- در اصل وصیت «محترمان».

۴- در اصل وصیت «بگوئید».

۵- خوانا نیست.

۶- در اصل وصیت «اولی امری».

ابرقدرت‌های [...][۱] داخلی و خارجی آنها بدجور جلوه بدهند و آنها سکوت بکنند. و این فقها هستند که ادامه دهنده و استمرار بخش حرکت انبیاء می‌باشند و غیر از این روحانیت اصیل در خط امام کسی دیگر نیست که این راه را همچون حسین‌وار در صحرای کربلا و همچون علی‌وار در محراب عبادت ادامه بدهد. و سلام بر شما خواهرانم از شما می‌خواهم هنگامی که شهید شدم باید زینب‌وار بخروشید[۲] و منافقین[۳] را رسوا نمایید. (همگام با شوروی، آمریکا، اسرائیل و...) و حالت متواضع و فروتنی داشته باشید و از شما می‌خواهم که تنها و تنها از خط امام و کانال ولایت فقیه که خط اسلام می‌باشد دفاع بکنید[۴] و خدمت برادر بزرگوارم سلام می‌رسانم. آری برادر عزیزم شما حق بزرگی بر گردن من داشتید و بنده نتوانستم وظیفهٔ برادری را نسبت به شما دا بکنم و از تو می‌خواهم برادر جان منزل و وابستگان را همیشه دعوت به صبر نمایید و به آنها بگویید که شما هم شهید هستید چون توانستید فرزندی را تربیت بکنید و به‌عنوان هدیه به خود او (خدا) بدهید و به مردم بگویید که همگی شما از او هستیم و باید به‌سوی او بازگردیم و سلام مرا به کلیه برادرانی که در کلیه نهادهای انقلاب[۵] اسلامی کار می‌کنند، به‌خصوص برادران (حزب جمهوری اسلامی ایران[۶]، سپاه پاسداران، جهاد سازندگی، بنیاد شهید...) برسانید و به همهٔ آنها بگویید[۷] که اگر خطا یا گناهی از ما سرزده و یا اینکه عامل رکود حرکت تمام برادران حزب‌اللهی بودیم، ما را عفو کنند و طلب مغفرت از خداوند متعال برای ما کنند. و متذکر می‌شوم که هر چند در زمان زنده بودنم نتوانستم هدف خودم را به همهٔ برادران و خواهران اسلامی‌ام اعلام نمایم، امیدوارم که توانسته[۸] باشم با شهادتم هدف خودم را بیان کرده باشم و تنها وصیتی که به

---

۱- خوانا نیست.
۲- در اصل وصیت «بخورشید».
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- در اصل وصیت «بکنند».
۵- در اصل وصیت «انقلابی».
۶- ر.ک. تعلیقات
۷- در اصل وصیت «بگوئید».
۸- در اصل وصیت «توانستم».

همهٔ برادران و خواهران دارم اینکه مبادا مانند اهل کوفه[۱] بشوند و حضرت علی(علیه‌السلام) را تنها بگذارند. باید امام را همچون چشم در سر و قلب در بدن دوست بداریم و اخلاق اسلامی و حجاب اسلامی را در کلیهٔ رفتارهای خود عملی بکنید و به پسر خاله‌های عزیزم، این پاسداران اسلام و امام بگویید[۲] که پیرو ولایت فقیه باشند که هستند و دایی[۳]های مهربانم را سلام مخصوص می‌رسانم و اگر زحمتی و یا اینکه ناراحتی برای آنها در طول عمرم فراهم کرده‌ام، معذرت می‌خواهم و از آنها می‌خواهم که مرا به بزرگواری خودشان ببخشند. باز از آنها می‌خواهم که خانوادهٔ مرا دعوت به صبر نمایند و سلام مرا به برادران و خواهرانی که در [...][۴] هستند برسانید و اگر نسبت به آنها هم بی‌احترامی کرده‌ام، از جانب من معذرت بخواهید و یک مجلس ختمی هم در آنجا برقرار بکنید و به آنها هم بگویید[۵] که ایشان تنها از امام تقلید می‌کرد.

ای خواهران و برادران! پیرو خط ولایت فقیه باشید. مبادا تفاله‌های آمریکا و منافقین در گوش شما زمزمه‌ها و نویدهای شرم‌انگیز بدهند و شما هم به سخنان آنها گوش بدهید و امام را تنها بگذارید. چون اگر کسی از افراد به سخنان افراد باطل گوش بدهد، مثل اینکه به سخنان شیطان گوش کرده و شیطان را عبادت کرده و بندهٔ شیطان [شده] و اگر کسی از شما به سخنان افراد حق گوش بدهد، مثل این است که به سخنان خدا گوش کرده و خدا را عبادت کرده و بنده خدا می‌باشد. و از همگی شما افراد مؤمن و مخلص می‌خواهم که برای سعادتمند بودن خود، هم در دنیا و هم در آخرت دروازه‌بان گوشتان خودتان باشید.

پدر و مادر عزیزم و کلیهٔ فامیل‌های وابسته اگر شهید شدم آن امکاناتی را که نزد خودتان تهیه دیده بودید و قصد داشتید در مجلس عروسی‌ام خرج بکنید آنها را در روز سه‌روزیم به حزب جمهوری قلعه‌نو ببرید و به جبهه‌های جنگ هدیه بدهید[۶] و از همگی شما می‌خواهم که در مجلسی که برای من می‌گیرید همیشه خوشحال و خنده‌رو باشید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات

۲- در اصل وصیت «بگوئید».

۳- در اصل وصیت «دائی».

۴- خوانا نیست. به سیاق کلام باید نام محلی باشد. زیرا در ادامه به برگزاری مجلس ختمی در آنجا اشاره کرده‌است.

۵- در اصل وصیت «بگوئید».

۶- در اصل وصیت «ببرند».

پدر و مادر عزیزم و ننهٔ بزرگوارم مبادا غصه خواری بکنید که روح من در قیامت ناراحت باشد و من هم پیش خدا شرمنده و اگر می‌خواستید گریه بکنید به‌جای گریه بر من، گریه به حمزه عموی پیامبر بکنید که هیچ‌کس نبود در مجلس ختم او به‌جز پیامبر و چند نفر دیگر و گریه بر نواب صفوی[۱]، آیت‌الله بهشتی[۲]، آیت‌الله باهنر[۳] و شهید رجایی[۴]. این مظلومان تاریخ خودمان (انقلاب اسلامی) و گریه بر شهدای آبادان، دزفول، خونین شهر و کردستان بکنید که چند روز جسدهای این عزیزان ممکن است در بیابان‌ها بماند و بعد از گرفتن این شهیدها چه غریبانه به خاک سپرده می‌شوند.

در آخر باز می‌گویم من برای شهادت به اینجا نیامده‌ام و در سر خودم هم امید به شهادت در راه اسلام را نمی‌پرورانم بلکه پیروزی اسلام بر کفر را در فکر خودم پرورش می‌دهم ولکن اگر شهادت به نزد من آید آن را همچون مادری که طفل خودش را به بغل می‌گیرد می‌گیرم[۵]. در اینجاست که سخن امام حسین(علیه‌السلام) در روز عاشورا در زیر زبانم آمد که می‌گفت: «ای خدا اگر با شهادت من دین جدم حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) زنده‌تر می‌شود، پس ای شمشیرها مرا دریابید» و پدر و مادر عزیزم سلام مرا به برادران طلبه‌ام برسانید و بگویید که چه‌قدر دوست داشتم که شاگرد کلاس آنها باشم ولی سعادت نداشتم و به عموم خواهران و برادران بگویید که قدر این طلبه‌های در خط امام و خط ولایت فقیه را بدانند چون این برادران طلبه فقط از خدا می‌ترسند و اینها همگام با مردم ولی در قلب تمام مردم مسلمان جای دارند.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**«خدانگه‌دار همگی مؤمنین و مؤمنات باد»**

در آخر متذکر می‌شود که هنگامی که مرا به قبرستان می‌برید از این شعارها یادتان نرود، برای دفن شهدا مهدی بیا، بر سر قبر شهدا مهدی بیا مهدی بیا، خدایا خدایا تا انقلاب

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- در اصل وصیت «می‌گیریم».

مهدی خمینی را نگه‌دار، امید آیندهٔ ما منتظری مرد خدا، مرگ بر آمریکا مرگ بر شوروی مرگ بر اسرائیل و تفاله‌ها داخلی همگی آنها، حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله، و این وصیت‌نامه غلط و اشتباهات شاید داشته باشد فقط برادران طلبه علی محمدی، تقی محمدی، ابوالفضل (محمد، محمدی، علی محمدی، تقی [...][1]) بررسی شود بعد خوانده شود.

**محمدرضا شریعتی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علی دیته فانادیته»**[2]

«آن کس که مرا طلب کند می‌یابد، آن‌کس که مرا یافت می‌شناسد، آن‌کس که مرا شناخت دوست می‌دارد، آن‌کس که دوستم داشت به من عشق می‌ورزد، آن‌کس که به من عشق ورزید من نیز به او عشق می‌ورزم، آن‌کس که به او عشق ورزیدم می‌کشم او را و آن‌کس که من بکشم خون‌بهایش بر من واجب است و آن‌کس که خون‌بهایش بر من واجب است، پس من خودم خون‌بهایش هستم».

باز قسمتی دیگر از وصیت‌نامهٔ خودم را با این حدیث شروع کردم. آری امت حزب‌الله، برادران مسلمان، زینبان یتیم‌پرور، خانواده‌های شهدا و معلولین انقلاب اسلامی، باری دیگر در طول دو سال از جنگ می‌گذشت که ناگاه حسین زمان از گوشهٔ جماران ندا در داد که ای جوانان عازم به جبهه‌ها شوید و هنگامی که تابش این نور به ما رسید ما را که در دنیای مادی و هوس‌رانی بودیم به خود آورد که ای جوان تو به فکر چی هستی؟ مال[3] دنیا ازبین رفتنی است. آنچه که فعلاً باید حیثیتش حفظ شود اسلام است نه مال[4] دنیا. پاسخ به خون شهداست که به‌خاطر اسلام جان‌فشانی کردند نه هوا و هوس. این هوا و هوس تو را به

---

۱- خوانا نیست.

۲- ر.ک. تعلیقات ذیل من طلبنی.

۳- در اصل وصیت «ماله».

۴- در اصل وصیت «ماله».

مزبله‌دان تاریخ می‌افکند. و ما هم که به‌عنوان یکی از مقلدین کوچک نایب[۱] امام زمان حضرت امام خمینی بودیم، گفتم لبیک یا امام، و حرکت کردم هر چند هم که خانوادهٔ ما امید داشتند که من به نزد آنها باشم و کمکی به آنها بکنم.

در این فصل که خودتان مردم قلعه‌نو واقفید رویم نمی‌شد در اول که به پدرم بگویم من می‌خواهم بروم به جبهه و وقتی که حکم امام را شنیدم گفتم این زمان زمان حساس است. انسان باید از پدر و مادر خود و مال[۲] دنیا دست بکشد و عازم به جبهه شود هر چند هم که افرادی باشند که از رفتن من ناراحت بشوند که بگویید ای بابا. چرا ایشان می‌خواهد برود. ایشان باید نزد پدرش باشد و کار بکند، این هم خودش یک جبهه است ولی من به عقل ناقص خودم به پیش خود می‌گفتم اسلام یک زمان احتیاج به نیرو دارد، یک زمان احتیاج به کمک‌های اولیه دارد و یک زمان هم احتیاج به خون دارد و از طرفی هم بارها در این زمان حساس به نزد خود می‌گفتم ما که عنوان می‌کنیم مقلد امام هستیم پس کی می‌خواهیم به «هل من ناصر ینصرنی»[۳] او لبیک بگوییم[۴]؟ آیا زبانم لال[۵] بعد از شکست [...][۶] با تمام وجود حرکت کردم و آمدم تا اینکه بتوانم با پیروزی نهایی برگردم.

مادر و پدرم و خاله‌های مهربانم و ننهٔ گرامی و خواهران عزیزم و برادر بزرگوارم می‌دانم که شما همگی خوشحال خواهید بود. مادر عزیزم، خاله هاجر، پدر بزرگوارم چه‌قدر شما فعالیت می‌کردید که برای من یک همسر انتخاب کنید، حال هم ناراحت نباشید اگر به امید خدا برگشتم سریع اقدام خواهم کرد و اگر برنگشتم همین‌جا همسر من اسلحهٔ[۷] من است. حجله‌گاه من سنگر من می‌باشد، نُقل و نبات روی سر من رگبار گلوله‌های دشمن می‌باشد و امیدوارم که بتوانم با پیروزی کامل با دیگر برادران راه کربلا را

---

۱- در اصل وصیت «نائب».
۲- در اصل وصیت «ماله».
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- در اصل وصیت «بگویم».
۵- در اصل وصیت «زبان لام».
۶- خوانا نیست.
۷- در اصل وصیت «اصلحه».

باز کنیم و هر کداممان برای شما از تربت پاک کربلا (مهُر[۱]) سوغات بیاورم. دیگر وقت ندارم چندان، تا یک چند ساعت دیگر عازم می‌شوم[۲]. در حدود دو سال برای من نماز بخوانید یا بدهید بخوانند و یک الی دو ماه هم برای من روزه بگیرید یا بدهید که بگیرند ولی به کسانی بدهید تا این کارها را انجام بدهند که اول مخلص به نظام جمهوری اسلامی ایران به رهبری امام خمینی باشند و دوم هم اینکه مقلد امام باشند و از شما بستگان می‌خواهم اگر شهید شدم راضی نیستم که کسی در زیر جنازهٔ من گریه بکند و راضی نیستم که کسی که غیر از امام خمینی مقلد دیگری برای خود انتخاب کرده باشد و در زیر جنازهٔ من بیاید و برای جلوگیری از این کارها ای پدرم و ای دایی‌های عزیزم که من پیش همگی شما شرمنده هستم و ای پسرخاله‌های عزیزم شما مسئولید که جلوی این افراد را بگیرید[۳] نه با سر و صدا بلکه با تواضع و فروتنی و از کلیهٔ برادران و مادران می‌خواهیم که از جنگ و عازم کردن فرزندان خود و کمک به جبهه یادشان نرود چون در روز قیامت مسئولید و راستی دیشب که شب چهارشنبه ۶۱/۴/۲۹ برادرم تقی را زیارت کردم و دیگر برادران که گرد و غبار کربلا بر سر و صورت آنها نشسته بود و چهره‌هایی عاشقانه داشتند (برادر علی عبداللهی،صفری، قاسمی، رضا، قاسم، تقی شریعتی).

وقت نیست، محل دفن من مزار قلعه‌نو خرمال می‌باشد. خداحافظ، امام را دعا بکنید، مسائل شخصی را از وصیت‌نامه در جمع خوانده نشود.

پیرو ولایت فقیه باشید که در رأس آنها امام است. خودتان را از جامعهٔ روحانیت که در خط امام هستند و در رأس آن روحانیت که امید امام و امت (آیت‌الله منتظری[۴] می‌باشد) جدا نکنید.

در جلسات دعا و عزاداری خوب شرکت بکنید.

---

۱- در اصل وصیت «مُر».

۲- در اصل وصیت «می‌شود».

۳- در اصل وصیت «بگیرد».

۴- ر.ک تعلیقات.

و یک وصیت‌نامه‌ای هم در کامیاران به‌دست برادر جلالی دارم در صورت امکان استفاده نمایید. و آن نواری را که پُر کردیم دعای توسل فقط در خانه برای خودمانی‌ها گذاشته شود چون اصلاحش دقیق نکردم و آمادگی ذهنی هم خوب نداشتم.

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست — دشمن اگرچه تشنه به خون گلوی ماست
گفتی بیا به درگه ما، آمدیم ما — لطفت اگر شامل حال ما نگشت
هستیم غرق گناه ای خدای ما — دیگر کجا رویم پناه ای خدای ما

وقت آن آمد که من عریان شوم — آی مردم مرگ من در زندگی است
جسم بگذارم سراسر جان شوم — چون بمیرم مرگ را در زندگی است

میان عاشق و معشوق رمزی است — کنون هنگام جنگ و کارزار تو
چه داند آنکه اشتر می‌چراند — شهادت عاشقان را افتخار است

ز خون پاک فرزندان قرآن — خیابان‌ها سراسر لاله‌زار است[1]

---

۱- اشعاری که ذیل وصیت آمده‌است، در بالای صفحات وصیت‌نامه نوشت است.





بسمه تعالی

در راه دوست کشته شدن آرزوی ماست
دشمن اگرچه تشنه به خون گلوی ماست

مَن طَلَبَنی وَجَدَنی وَمَن وَجَدَنی عَرَفَنی وَمَن عَرَفَنی اَحَبَّنی وَمَن اَحَبَّنی عَشَقَنی

وَمَن عَشَقَنی عَشَقتُهُ وَمَن عَشَقتُهُ قَتَلتُهُ وَمَن قَتَلتُهُ فَعَلَیَّ دِیَتُهُ وَمَن عَلَیَّ دِیَتُهُ فَاَنَا دِیَتُهُ

آنکس که مرا طلب کند می یابد — آن کس که مرا یافت می شناسد — آنکس که مرا شناخت دوست میدارد — آنکس که دوستم داشت بمن عشق می ورزد — آن کس که به من عشق ورزید من نیز به او عشق می ورزم — آنکس که به او عشق ورزیدم میکشم او را و آنکس که من بکشم خونبهایش بر من واجب است — و آنکس که خونبهایش بر من واجب است ، پس من خودم خونبهایش هستم

باز بار دیگر قسمتی دیگر از وصیتنامه خودم را با این حدیث شروع کردم آری امت حزب الله برادران مسلمان زینبان یتیم پرور خانواده های شهدا و معلولین انقلاب اسلام بار دیگر در طول دو سال و از جنگ می گذشت که ناگاه حسین زمان از گوشه جماران ندا در داد که ای جوانان عازم به جبهه ها شوید هنگامی که تابش این نور به ما رسید ما را که در دنیای مادی و هوس رانی بودیم به خود آورد که ای جوان تو به فکر چی هستی ماله دنیا از بین رفتنی است آنچه که فعلاً باید حیثیتش حفظ بشود اسلام است نه ماله دنیا پاسخ به خون شهدا است که به خاطر اسلام جانفشانی کردند نه هوا و هوس این هوا و هوس تو را به مزبله دان تاریخ می افکند

و ما هم که به عنوان یکی از مقلدین کوچک نائب امام زمان حضرت امام

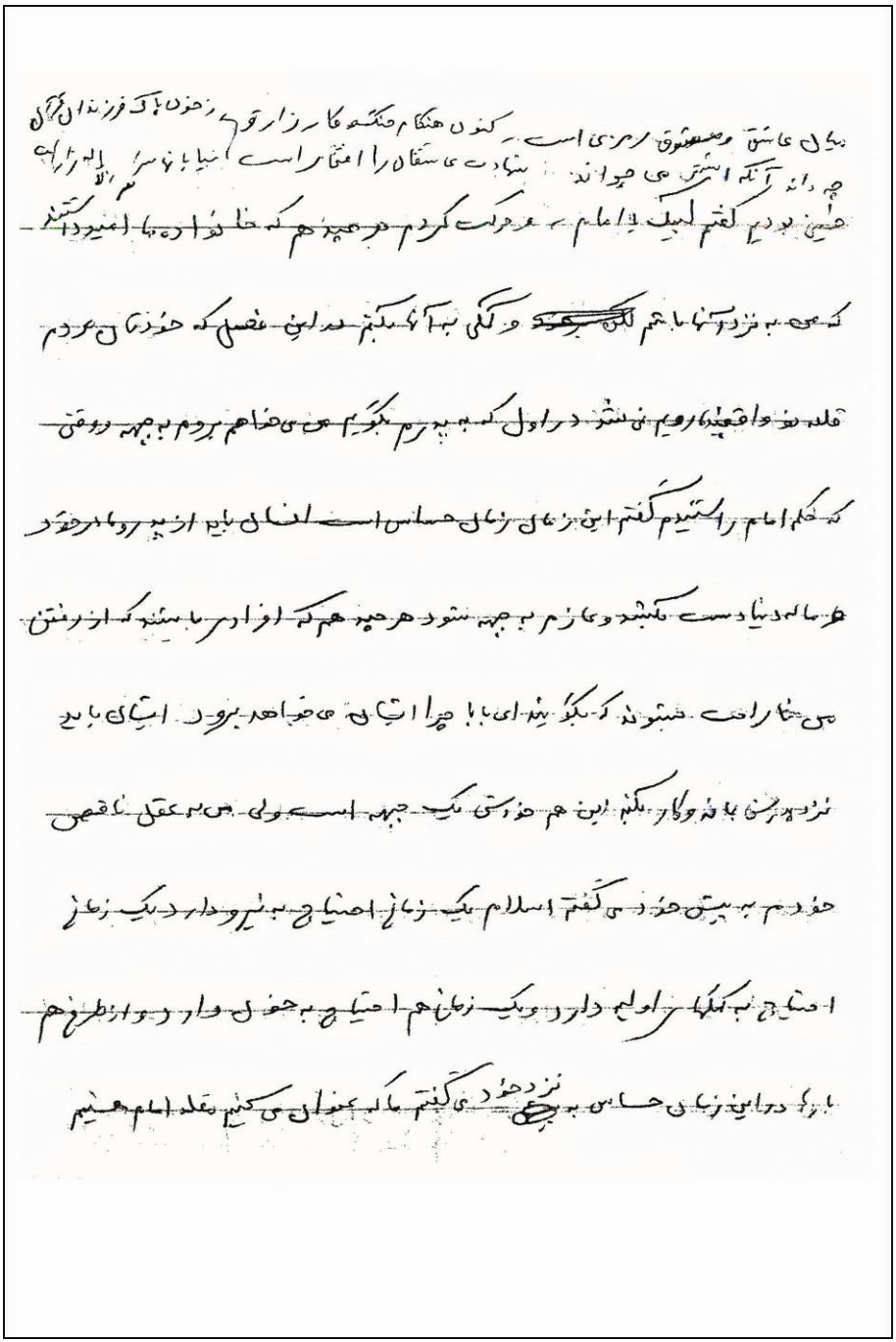

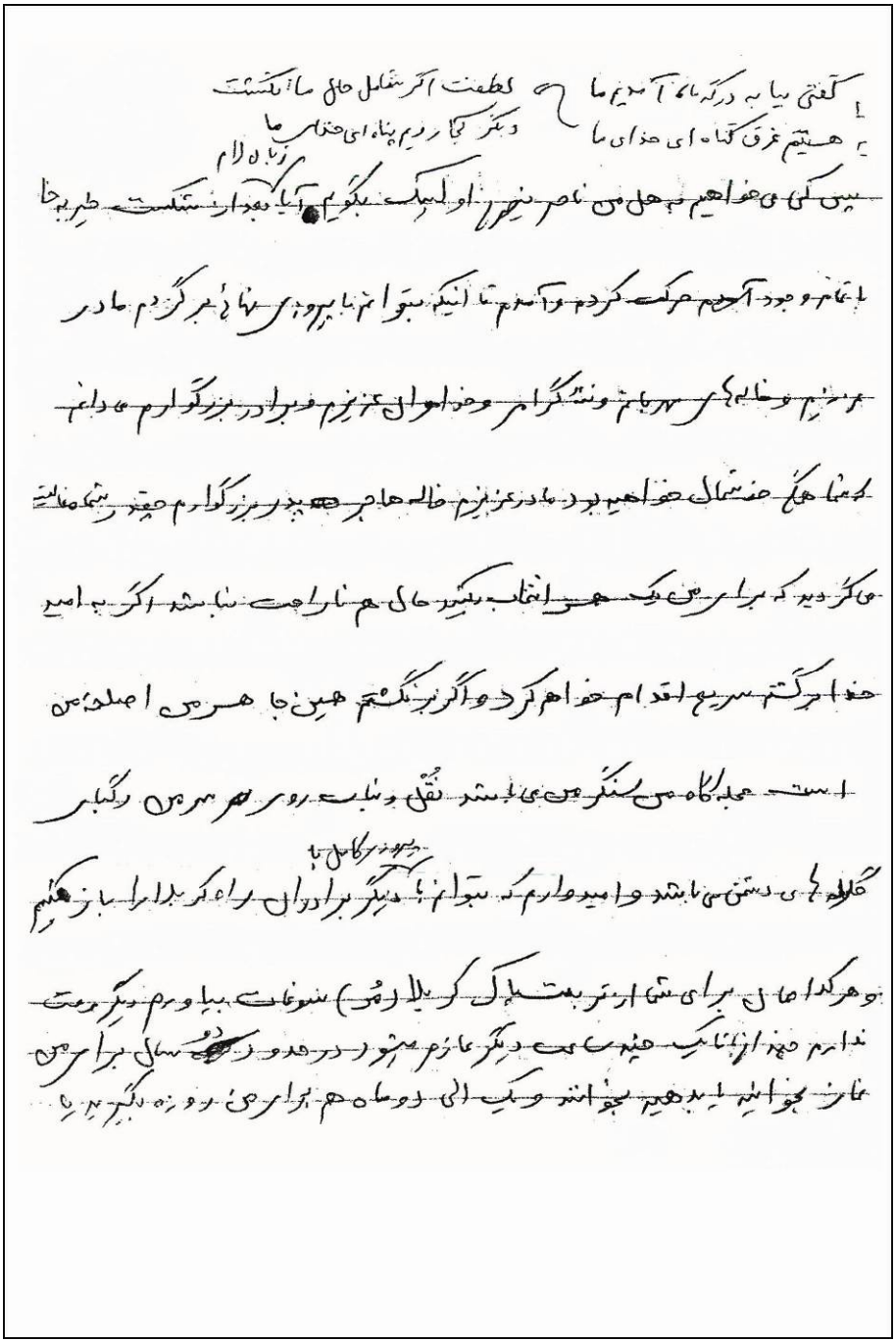





نام: **هادی**
نام خانوادگی: شریعتی
نام پدر: محمدابراهیم
نام مادر: زهره
تاریخ تولد: بیستم تیر ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سی‌ویکم فروردین ۱۳۶۵
محل شهادت: فاو عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- این دنیای کوچکی که ما انسان‌ها زندگی می‌کنیم، آزمایش است و همهٔ ما رفتنی هستیم.
- اگر من شهید شدم، هرگز مرا از دست رفته مپندارید.
- از شما می‌خواهم در راه اسلام بکوشید.
- هرگز به این مال دنیا دل نبندید.
- خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر.
- از شما مسلمانان می‌خواهم که امام را تنها نگذارید.
- ای خواهران عزیزم! حجاب شما از خون من کوبنده‌تر است.
- بدانید که جبهه رفتن من نه به‌خاطر هوی نفس بوده است، بلکه مسئولیتی در برابر خدا و رهبر انقلاب و پیام حسین‌گونه او بود.

## هادی شریعتی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر[۱] و ما بدلوا تبدیلا»[۲]**

«از مؤمنین مردانی هستند که صادقانه به عهد و پیمانی که با خدای خویش بسته بودند وفا کردند پس برخی شهید شدند و برخی هم به انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند».

به‌نام خداوند بزرگ و قادری که قدرت بیان و قدرت نوشتن به این بندهٔ حقیر عطا فرمود.

سلام و درود بی‌کرانم بر پیامبران و منادیان کلمهٔ حق و حافظان الهی[۳] از آدم تا خاتم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

سلام و درود بی‌کرانم به رهبر کبیر انقلاب اسلامی، که جامعهٔ ما را از بند اسارت‌ها و هوی پرستی‌ها نجات داد و با آن نور خود به ما راه رانشان داد. و درود بی‌کران بر همهٔ شهیدان که با فداکاری‌هایشان لرزه بر اندام شرق و غرب زدند. آن «شهدای شمع محفل بشریت»[۴]، که بریدند از هر قید و بندی و رفتند و درخت اسلام را آبیاری نمودند و چگونه زیستن را به ما آموختند. راستی چه داد و ستد خوبی این شهیدان با خدا می‌کنند. جانشان را می‌دهند ولی در عوض بهشت را جایگزین خود می‌کنند. آری برادرم! عاشقان و پاکان رفتند و رسالتی بزرگ و سنگین بر دوش شما نهادند. بر شماست که با فعالیت و کوشش و با اتکا بر خدا و عمل کردن بدون هرگونه کم و کاستی و بدون هرگونه کبر و عذر و خودپسندی و حسد و عیب‌های دیگر که گاهی شیطان در نفس‌اماره بر شما غلبه کند.

---

۱- در اصل وصیت «ینتظروا».

۲- احزاب/ ۲۳.

۳- در اصل وصیت «اللهی».

۴- امام تعبیری مشابه این جمله دارد «شهدا شمع محفل دوستانند». (صحیفه امام، ج۱۹، ص۴۹۸).

خواهران و برادران عزیز! سلام بر شما و بر همهٔ خانواده‌های شهدا. اگر سعادت را می‌خواستید، بدانید که سعادت را تنها در راه رضایت الله می‌توان یافت. این دنیای کوچکی که ما انسان‌ها زندگی می‌کنیم، آزمایش است و همهٔ ما رفتنی هستیم، چه امروز باشد چه فردا. چنان‌که امام حسین(علیه‌السلام) در روز عاشورا هنگام نبرد به اصحابش فرمود: گرچه این دنیا زیباست و دوست‌داشتنی است این دنیای بی‌ارزش و بی‌اهمیت انسان را به‌طرف خود می‌کشد. اما مردم بدانید که این دنیا توشه و وسیله‌ای است برای آخرت. و این واضح است که همهٔ ما باید بمیریم، پس چه بهتر است که در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه شویم.[۱]

وصیتی که من به خواهران و برادران دارم این است که اگر من شهید شدم، هرگز مرا از دست رفته مپندارید و هرگز ناراحت نشوید. خوشحال و شادمان باشید که امانت خدایتان را به او پس داده‌اید. برادران و خواهرانم! بدانید که در آخرت کسی به شما کمکی نخواهد کرد به‌جز عمل نیک و شایسته. از شما می‌خواهم در راه اسلام بکوشید و هرگز به این مال دنیا دل نبندید. به امام زین‌العابدین عرض شد باارزش‌ترین مردم کیست؟ فرمود: آنکه دنیا را مایهٔ ارزش خود نداند.[۲]

خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر. و از شما مسلمانان می‌خواهم که امام را تنها نگذارید و از این سنگر آزادی و عدالت و حامی مستضعفین حمایت کنید.

و اما چند کلمه‌ای با پدر و مادر عزیزم:

پدر و مادر عزیزم! سلام عرض می‌کنم. حال که این وصیت‌نامه به‌دست شما عزیزانم رسیده است، من در ابدیت قرار گرفته‌ام. از شماها فقط طلب و تقاضای بخشش می‌نمایم و امیدوارم که مرا حلال کنید و مرا ببخشید. نکند مرگ من باعث ناراحتی شما بشود و دشمن خوشحال گردد. پدر بزرگوارم از روزی که کوچک بودم [و] در آغوش پرمحبت شما، چه رنج‌ها و چه زحماتی در مورد من انجام دادی. پدر جان مرا ببخش و حلالم کن زیرا چیزی که در من بود فقط خدمت به اسلام و قرآن و مکتب [بود]، چیز دیگری نبود. مادر عزیزم ای نور خدایی! فدای آن دامن پاکت که چون بوی دامن حضرت زینب(علیهاالسلام) می‌دهد. مادر عزیزم! ای کسی که زینب‌وار عمل کردی و ای کسی که قلب رئوفت را در

---

۱- فرهنگ عاشورا، ص ۲۷۲، ذیل شعارهای عاشورا، جواد محدثی.

۲- اصول کافی، ج ۲، ص ۱۳۱، باب ذم‌الدنیا و الزهدنیها.

اختیار من گذاشتی. مادر عزیزم! چهرهٔ رئوف و مهربانت از دیدگانم نارفتنی است. نمی‌دانم چگونه باید جبران کنم آن‌همه زحماتی که به پای من کشیدی. مادر جان از تو می‌خواهم که بعد از من هیچ ناراحتی نکنی، زیرا که باید مرگ، شرافتمندانه باشد. از شما طلب بخشش می‌کنم زیرا که من می‌دانم چه سختی‌ها و چه رنج‌ها دربارهٔ من کشیدی. امیدوارم که مرا ببخشی که نتوانستم سختی‌های شما را جبران کنم و نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم. آری پدر و مادر مهربانم بدانید که بی‌صبری در سوگ شهید، به دشمنان در راه رسیدن به اهداف منحرفشان کمک می‌کند و صبر و استقامت، چشم آنها را کور می‌کند.

و شما ای خواهران عزیزم! حجاب شما از خون من کوبنده‌تر است زیرا از فاطمه این‌گونه خطاب است، ارزنده‌ترین زینت زن حفظ حجاب است.

و شما امت حزب‌الله! بدانید که جبهه رفتن من نه به‌خاطر هوی نفس بوده است، بلکه مسئولیتی در برابر خدا و رهبر انقلاب و پیام حسین‌گونه او بود. امت حزب‌الله این حقیر نتوانستم حق شما را از گردن خود ادا کنم، مرا ببخشید و از شما خیلی معذرت می‌خواهم و امیدوارم برادران و خواهران مانند علی(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام) که اسوه و الگو بودند، عمل کنند و در آخر امام امت را تنها نگذارید. و شما خواهران عزیزم و برادران مهربانم و هم‌چنین پدر و مادر عزیزم! اگر در طول زندگی به شما بدی کرده‌ام امیدوارم که مرا ببخشید.

**التماس دعا**

**هادی شریعتی**

بسم الله الرحمن الرحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

از مؤمنین مردانی هستند که صادقه به عهد و پیمانی که با خدای خویش بسته بودند وفا کردند

پس برخی شهید شدند و برخی هم به انتظار مقاومت کرده و به هیچ وجه عهد خود را تغییر ندادند

بنام خداوند بزرگ و قادری که قدرت بیان و قدرت نوشتن به این بندهٔ حقیر عطا فرمود.

سلام و درود بی کرانم بر پیامبران و منادیان کلمهٔ حق و حافظان الهی از آدم تا خاتم (ص)

سلام و درود بی کرانم بر ائمه معصومین و آخرین آنها مهدی موعود امام عصر امام زمان (عج) یاور زمندگان

درهم کوبنده ستمگران

سلام و درود بی کرانم به رهبر کبیر انقلاب اسلامی که جامعهٔ ما را از بند اسارت‌ها و هوی پرستی‌ها

نجات داد و با آن نور خود به ما راه را نشان داد. و درود بی کران بر همه شهیدان که با فداکاری‌هایشان

لرزه بر اندام شرق و غرب زدند آن شهدای شمع محفل بشریت که بریدند از هر قید و بندی و رفتند و درخت

اسلام را آبیاری نمودند و چگونه زیستن را به ما آموختند راستی چه داد و ستد خوبی این شهیدان با خدا

می کنند جانشان را میدهند ولی در عوض بهشت را جایگزین خود میکنند آری برادرم عاشقان و پاکان

رفتند و رسالتی بزرگ و سنگین بر دوش شما نهادند بر شماست که با فعالیت و کوشش و با اتکا بر خدا و عمل کردن

بدون هرگونه کم و کاستی و بدون هرگونه کبر و غدر و خودپسندی و حسد و عیبهای دیگر که گاهی شیطان

در نفس اماره بر شما غلبه کند.

۲

خواهران و برادران عزیز سلام بر شما و بر همهٔ خانواده‌های شهدا اگر سعادت را می‌خواستید بدانید که
سعادت را تنها در راه رضایت الله می‌توان یافت این دنیای کوچکی که ما انسانها زندگی می‌کنیم آزمایش است
و همهٔ ما رفتنی هستیم چه امروز باشد چه فردا چنانکه امام حسین در روز عاشورا هنگام نبرد به اصحابش فرمود: اگرچه
این دنیا زیباست و دوستی داشتنی است این دنیای بی‌ارزش و بی‌اهمیت انسان را به طرف خود می‌کشد اما
مردم بدانید که این دنیا توشه و وسیله‌ای است برای آخرت و این واضح است که همهٔ ما باید بمیریم پس چه
بهتر است که در راه خدا با شمشیر قطعه قطعه شویم وصیتی که من به خواهران و برادران دارم این است که اگر من
شهید شدم هرگز مرا از دست رفته مپندارید و هرگز ناراحت نشوید خوشحال و شادمان باشید که امانت خدایتان
را به او پس داده‌اید برادران و خواهرانم بدانید که در آخرت کسی به شما کمکی نخواهد کرد بجز عمل نیک و شایسته
از شما میخواهم در راه اسلام بکوشید و هرگز به این مال دنیا دل نبندید به امام زین العابدین عرض شد با ارزش‌ترین
مردم کیست فرمود آنکه دنیا را مایه ارزش خود نداند

خدایا شهادتم را که در راه اسلام و قرآن است بپذیر و از شما مسلمانان میخواهم که امام را تنها
نگذارید و از این سنگر آزادی و عدالت و حامی مستضعفین حمایت کنید

و اما چند کلمه‌ای با پدر و مادر عزیزم:

پدر و مادر عزیزم سلام عرض میکنم حال که این وصیتنامه به دست شما عزیزانم رسیده است من در ابدیت

۳

قرار گرفته‌ام از شما ها فقط طلب و تقاضای بخشش می‌نمایم و امیدوارم که مرا حلالم کنید و مرا ببخشید نکند
مرگ من باعث ناراحتی شما بشود و دشمن خوشحال گردد پدر بزرگوارم از روزی که کوچک بودم در آغوش پر
محبت شما چه رنجها و چه زحماتی در مورد من انجام دادی پدر جان مرا ببخشش و حلالم کن زیرا چیزی که در من
بود فقط خدمت به اسلام و قرآن و مکتب چیز دیگری نبود مادر عزیزم ای نور خدادی فدای آن دامن
پاکت که چون بوی دامن حضرت زینب میدهد مادر عزیزم ای کسی که زینب وار عمل کردی و ای کسی که قلب
رئوفت را در اختیار من گذاشتی مادر عزیزم چهرهٔ رئوف و مهربانت از دیدگانم نا رفتنی است نمیدانم
چگونه باید جبران کنم آن همه زحماتی که به پای من کشیدی مادر جان از تو میخواهم که بعد از من هیچ ناراحتی نکنی
زیرا که باید مرگ شرافتمندانه باشد از شما طلب بخشش میکنم زیرا که من میدانم چه سختیها و چه رنجها دربارهٔ من کشیدی
امیدوارم که مرا ببخشی که نتوانستم سختیهای شما را جبران کنم و نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم آری
پدر و مادر مهربانم بدانید که بی صبری در سوگ شهید به دشمنان در راه رسیدن به اهداف منحرفشان کمک میکند
و صبر و استقامت چشم آنها را کور میکند

و شما ای خواهران عزیزم حجاب شما از خون من کوبنده‌تر است زیرا از فاطمه اینگونه خطاب است ارزنده‌ترین
زینت زن حفظ حجاب است.

و شما امت حزب الله بدانید که جبهه رفتن من نه بخاطر هوس نفس بوده است بلکه مسئولیتی در برابر خدا و رهبر

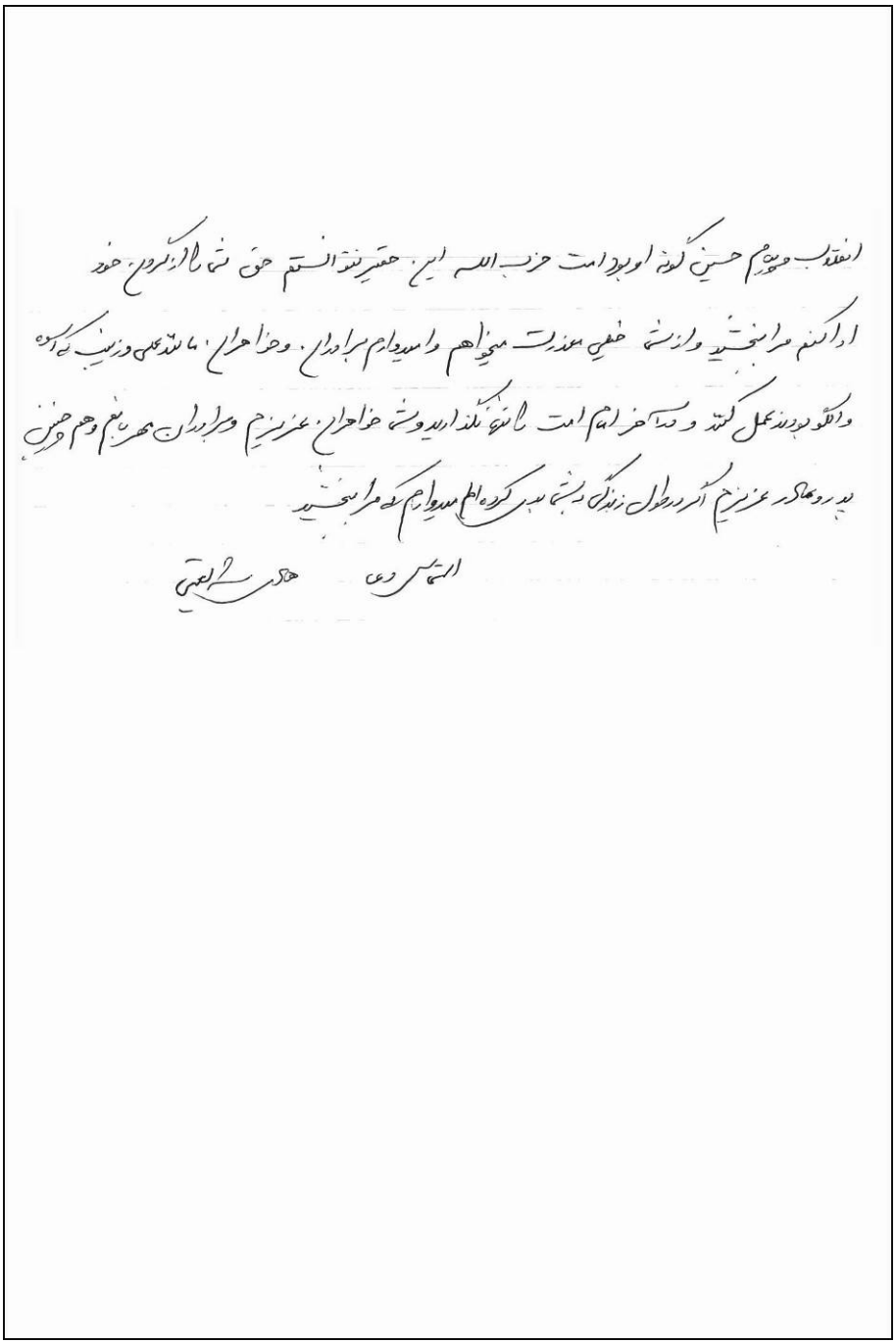

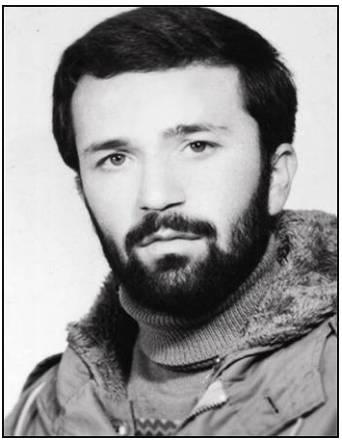

نام: **مجید**
نام خانوادگی: شریف
نام پدر: حبیب
نام مادر: عصمت
تاریخ تولد: بیستم اردیبهشت ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دوم فروردین ۱۳۶۱
محل شهادت: شوش
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- گواه باشید که من با اندک خون و توانم این امام را یاری نمودم و شما هم باید او را پشتیبان باشید و یاری کنید.
- تمام این دردها و ناراحتی‌ها را تحمل می‌کنم و کمترین ناراحتی به خود راه نمی‌دهم.
- خداوند ما را در معرض آزمایش قرار داده است.
- خدایا من هیچ چیز از خود ندارم و تمام وجود و هستی من از توست.
- یکی از الطاف خداوندی نصیب ما مردم ایران گشت و امامی چون خمینی بت‌شکن را بر سر ما قرار داد.
- ای خدای بزرگ، از اینکه مرا به این طریق امتحان نمودی راضی هستم.

**مجید شریف**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«أرأیت[۱] الذی یکذّب بالدّین فذلک الذّی یدّع الیتیم و لا یحضّ علی طعام المسکین فویلٌ للمصلّین الذّین هم عن صلاتهم[۲] ساهون الذین هم یرائون و یمنعون الماعون»[۳]**

«(ای رسول) آیا دیدی آن‌کس را که روز جزا را انکار می‌کرد؟ این همان شخص بی‌رحم است که یتیمان را از خود می‌راند و کسی را هم بر اطعام فقیر ترغیب نمی‌کند. پس وای بر آن نمازگذاران که دل از یاد خدا غافل دارند همانان که اگر طاعتی کنند از روی ریا و خودنمایی[۴] است و زکوة و احسان را از فقیران منع کنند».

قسمتی از دعای روز سه‌شنبه:

«اللهم اجعلنی من جندک فانّ جندک هم الغالبون و اجعلنی من حزبک فانّ حزبک هم المفلحون و اجعلنی من اولیائک [فان اولیائک] لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون»[۵]

«خدایا مرا از لشکر خودت قرار بده، زیرا که سپاه تو فیروزند و از حزب خویش قرارم بده، زیرا حزب تو آنها رستگارند واز اولیاء خودت قرارم ده، زیرا که اولیاء تو هیچ خوف و ترسی و اندوهی بر آنها نیست».

اکنون که یکی از الطاف خداوندی نصیب ما مردم مستضعف ایران گشت و نوری الهی به سرزمین ایران [و] اسلامی درخشیدن گرفت و درختان میوه را پربارتر نمود و امامی چون خمینی بت‌شکن [را] بر سر ما قرار داد، تا ما را به راه راست هدایت نماید و تا اینکه بر علیه ریشه‌های ظلم و ستم بلند شد و تمام ریشهٔ آنها را از بن کنده و خشکاند و پس از قرن‌ها، پس از زمان‌های مدید، از زمان خون هابیل[۶] که در زمین جوشید و بر علیه ظلم قیام شد، تا سیدالشهدا(علیه‌السلام) این سرور عدالت‌گستر جهان و از آنجا تا نور دیگر الهی در

---

۱- در اصل وصیت افتادگی دارد.

۲- صلوتهم در اصل وصیت «هم» مانده و مابقی واژه افتاده است.

۳- سورهٔ ماعون/ ۷-۱.

۴- در اصل وصیت «نمائی».

۵- مفاتیح الجنان، دعای روز ۳شنبه.

۶- ر.ک. تعلیقات.

سرزمین ایران که درخشیدن گرفت و ما را از جهل و نادانی بیرون آورد و این تنها بیدار و هوشیار کنندهٔ ما جوان‌ها و مستضعفین در گوشه‌ای از این جهان پهناور برخاست و بر ستمگران و ظالمان شورید و ما هم در جواب «**هل من ناصر ینصرنی**»[1] وی پاسخ گفتیم.

آری، حسین(علیه‌السلام)! ای وارث خون شهیدان! اگر ما روز عاشورا نبودیم و نتوانستیم به تو لبیک بگوییم، حال به نایبت، این رهبر عزیز و گرامیمان، روح خدا، خمینی بت‌شکن، لبیک گفته و او را تا جایی که توانی در تن و خون در رگ داشته باشم، وی را پشتیبانم. ای ملت و مردم قهرمان و شهیدپرور! به خدایی که شما می‌پرستید و به او ایمان آورده‌اید، گواه باشید که من با اندک خون و توانم این امام را یاری نمودم و شما هم باید او را پشتیبان [باشید] و یاری کنید وگرنه از مشرکین و منافقین خواهید بود.

ای خدای بزرگ! از اینکه مرا به این طریق امتحان نمودی- که امیدوارم در این امتحان موفق و سرفراز بیرون آیم- راضی هستم، زیرا خوشحالم اندام نحیف و لاغرم غذای ماهی‌ها و دیگر حیوانات دریا شود. راضی بودم. و یا به من می‌گفتی در دل تاریک شب‌ها برو و رسالت ما را به تمام مردم روشن کن آنقدر در دل تاریکی‌ها و ظلمت‌ها راه می‌رفتم، تا اینکه یا در آن راه دچار ظلمت تاریکی شوم و دیگر از پا بیافتم و وقتی که از پای افتادم، خود را کشان کشان بر روی زمین می‌کشم، تا ذره ذره استخوان‌هایم خوراک درندگان شود و یا به جایی که می‌خواستی برسم، باز هم راضی بودم.

آری ای خدا! به قول شهید چمران[2] تمام این دردها و ناراحتی‌ها را تحمل می‌کنم و کمترین ناراحتی به خود راه نمی‌دهم، فقط به شرط آنکه ذکر خود را و یاد خود را و زیبایی خود را از من نگیری و مرا در همان حال به‌دست بلا بسپاری. به شرط آنکه بدانم این بلا از محبوب به من رسیده است، تا احساس لذت کنم و همهٔ دردها و شکنجه‌ها را به جان و دل بخرم و اثبات کنم که عزت و ذلت دنیا برای من یکسان است.

خدایا من هیچ چیز از خودندارم و تمام وجود و هستی من از توست. و ای پدر! من از تو نیستم و تو مادر! به تو هم تعلق ندارم و ما همه متعلق به او هستیم. خداوند ما را در معرض آزمایش قرار داده است که امیدوارم در این امتحان با موفقیت و سرافرازی بیرون

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

آییم و در آن دنیا پیش خانوادهٔ حضرت زهرا(علیهاالسلام) [...][۱] و سرافکنده نباشیم. به‌هرحال امیدوارم که ای مادر و پدرم پس از مرگ و شهید شدنم گریه نکنید، زیرا من راضی نیستم و هیچ‌کس از اقوام و دوستان حق گریه کردن ندارد.

امیدوارم که تمامی دوستان، آشنایان دور و نزدیک و همچنین برادران عزیز حزب‌اللهی و [...][۲] مرا حلال کنند و ببخشند، خصوصاً خانوادهٔ محترمم، محتاج دعاهای شب‌های شما هستم.

**دوستدار شما مؤمنان پاک خدا**

**برادر کوچک همهٔ شما، مجید شریف**

خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی(عج)، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه و به عمر او بیافزا.

به امید پیروزی اسلام در سرتاسر جهان، به رهبری زعیم عالی‌قدر، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی و ظهور هر چه زودتر حضرت مهدی(عج) و نابودی کلیه ابرقدرت‌ها و منافقین و سلامتی خدمتگزاران به اسلام و قرآن.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

(۱)

یدع الیتیم ولا یحض علی طعام المسکین فویل للمصلین الذین هم عن
صلاتهم ساهون الذین هم یراؤن ویمنعون الماعون.

رسول) آیا دیدی آنکس را که روز جزا را انکار میکرد این همان شخص بیرحم است که یتیم را از خود
براند و کسی را هم بر اطعام فقیر ترغیب نمی کند پس وای بر آن نمازگزاران که دل از یاد خدا غافل
دارند همانها که گرفتار ریا و خودنمائیست و زکوه و احسان را از فقیران منع کنند.

سخنی از دعای روز سیزدهم:

اللهم ابنی من جندک فان جندک هم الغالبون واجعلنی من حزبک فان حزبک هم المفلحون و
اجعلنی من اولیائک لا خوف علیهم ولا هم یحزنون.

(خدایا مرا از لشکر خود قرار بده زیرا که سپاه تو پیروزند و از حزب خودش قرارم بده زیرا حزب تو آنها
رستگارند و از اولیاء خودت قرارم ده زیرا که اولیاء تو هیچ خوف و ترسی و اندوهی بر آنها نیست.

اکنون که بکی از الطاف خداوندی نصیب ما مردم مستضعف ایران گشت و نوری الهی بر سرزمین
ایران و امد لامی درخشیدن گرفت و درختان میوه را پربارتر نمود و امامی چون خمینی بت شکن
بر سر ما قرار داد تا ما را براه راست هدایت نماید و تا اینکه بر علیه رژیم های ظلم و ستم بلند شده و
به آنها را از بین کنده و خشکانده و پس از قرنها، پس از زمانهای مدید از زمان حضرت
حابیل که زمین جوشید و بر علیه ظلم قیام شد تا سید الشهداء این سرور عدالت گستر جهان و از
آنجا تا نوزدهم الهی در سرزمین ایران که درخشیدن گرفت و ما را از جهل و نادانی بیرون آورد و این
تنها بیدار و هوشیار کننده ما جوانان و مستضعفین در گوشه ای از این جهان پهناور برخاست و بر
ستمگران و ظالمان شوریدیم و ما هم در جواب "هل من ناصر ینصرنی" وی پاسخ گفتیم، (آری حسین (ع)
ای وارث خون شهیدان اگر ما در دنیا شهرا نشدیم و نتوانستیم به تو لبیک بگوییم حال دنیا ثابت
این، هیهات هیهات که ما روح خدا خمینی بت شکن لبیک گفته و او را تا جائی که توانی در تن و وجود خود نگه
داشته باشیم و ای پشتیبانم، ای ملت و مردم قهرمان و شهید پرور بخدائی که شما می پرستید و به او ایمان
آورده اید گواه باشید که من با اندک خون و قوائم این امام را یاری نمودم و شما هم باید او
را پشتیبان و یاری کنید و گرنه از شر کفر و منافقین خواهید به درگاه خدای بزرگ از اینکه مرا به
انظرش امتحان نمودی که امید وارم در این امتحان موفق و سرفراز بیرون آیم، راضی هستم زیرا خود شما لم

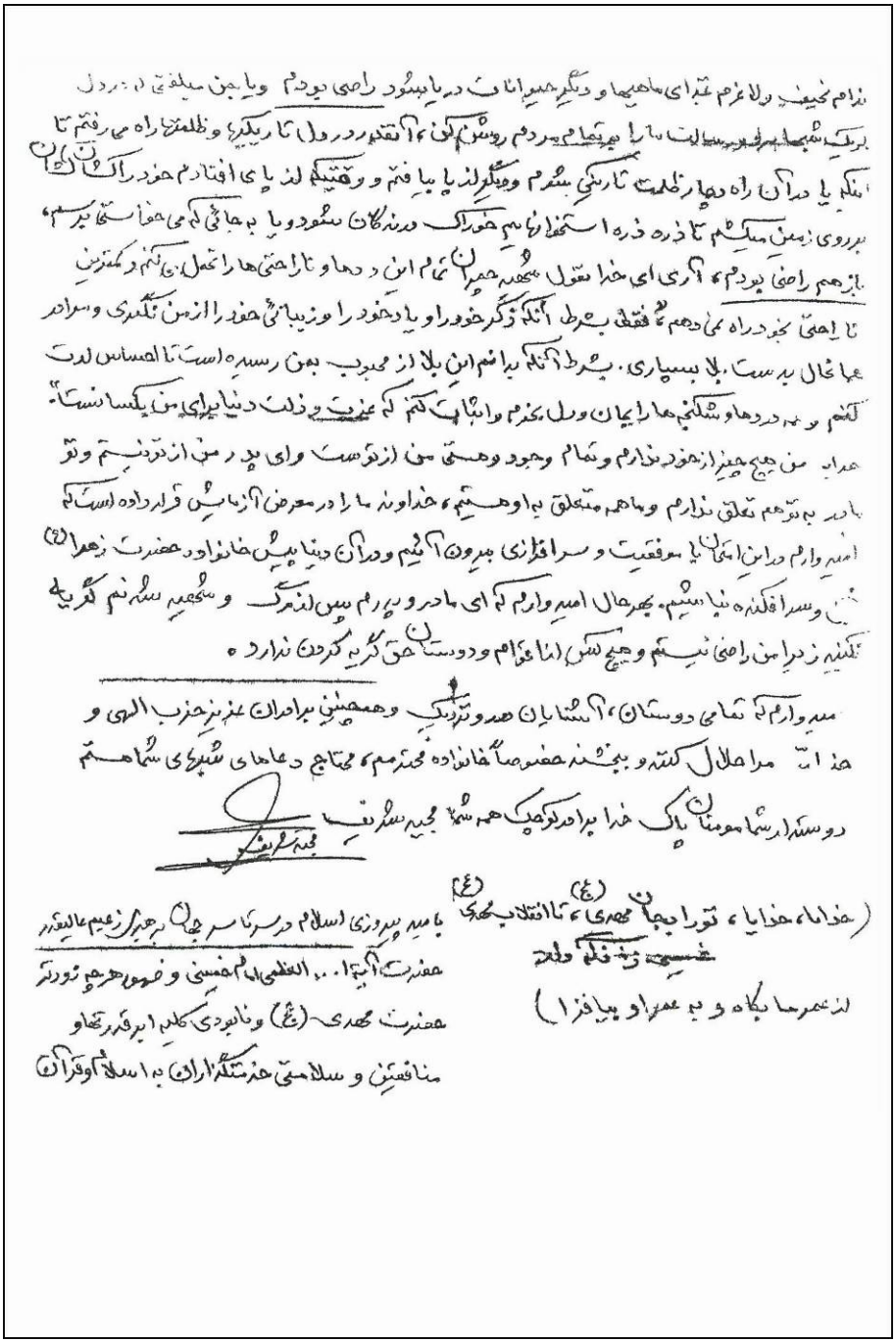

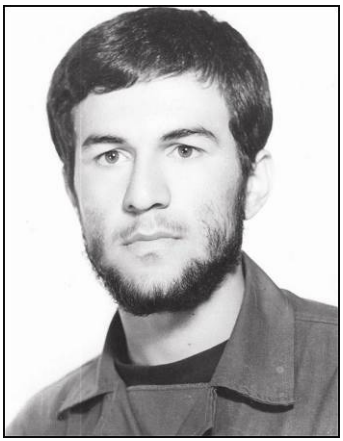

نام: **محسن**
نام خانوادگی: شریف
نام پدر: حبیب
نام مادر: عصمت
تاریخ تولد: چهارم آذر ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: هفتم مرداد ۱۳۶۱
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- درود بر سلار شهیدان حسین(علیه‌السلام)، که درس شهادت را و درس چگونه زندگی کردن را با عزت را به ما آموخت.
- پدرم! همان‌طور که می‌دانی ما امانتی از خدا در دست شما هستیم.
- این انقلاب به‌دست والی خودا، حضرت صاحب زمان(عج)، تداوم می‌بخشد.
- کشته شدنم در این راه را، فیض عظیم می‌دانم.
- زیبایی‌های دنیا همه فانی شدنی است، زندگی ابدی آنجاست آنجا که شهدای ما آنجا هستند.

**محسن شریف**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل‌الله اموات بل احیاء و لکن لا تشعرون و لنبلونّکم[۱] بشئ[۲] من الخوف و الجوع و نقص من الاموال و الانفس و الثّمرات و بشّر الصّابرین الذّین اذا اصابتهم مصیبة قالوا انّا لله و انّا الیه راجعون».[۳]**

«آن کسانی [را] که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نپندارید، بلکه زنده‌اند و همهٔ شما این حقیقت را نخواهید یافت. و البته شما را به سختی‌ها، چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نقوص و آفات زراعت بیازماییم و بشارت و مژده و آسایش از آن سختی‌ها با صابران است. [و] آنان که چون به حال[۴] سخت و ناگواری دچار شدند، صبوری پیشه گرفته و گویند ما به فرمان خدا به‌سوی او رجوع خواهیم کرد.»

با درود و سلام بر آخرین پیامبر اسلام، حضرت محمد ابن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با درود بر سالار شهیدان حسین(علیه‌السلام)، که درس شهادت را و درس چگونه زندگی کردن [را] با عزت را به ما آموخت. و با درود فراوان بر حضرت ولی عصر، مهدی موعود(عج)، [به] امید قلب‌های رزمندگان اسلام و با درود بر رهبر انقلاب، نایب حضرت مهدی(عج)، زعیم عالیقدر، امام خمینی، رهبر مسلمین جهان. ما همه از خداییم و به‌سوی او رجعت خواهیم نمود.

با سلام بر ملت شهیدپرور، مردم امام‌شهر و با سلام بر خانوادهٔ خودم و بر پدر و مادرم که مرا خوب تربیت کردند و خدا را شکر می‌کنم که در خانواده‌ای مسلمان به‌دنیا آمدم و از شما پدر و مادر عزیز و خدمتگزار به اسلام سپاسگزارم که مرا به اخلاق اسلام آشنا نمودید، که موقع آمدنم به جبهه، وقتی به مادرم گفتم من تصمیم گرفته‌ام که جبهه بروم، او به من گفت تو باید بروی. پدرم! همان‌طور که می‌دانی ما امانتی از خدا در دست شما

---

۱- در اصل وصیت «لنبلو».

۲- در اصل وصیت «بشئ» افتاده است.

۳- بقره/ ۱۵۴ تا ۱۵۶.

۴- در اصل وصیت «خاک».

هستیم. همان‌طور که مجید راهش را یافت، من هم به دنبالش می‌روم. اگر شهید شدم، دیگر برادرانم را روانه جنگ کن. خدای را شکر نما که امانتش را سالم تقدیم نمودی.

من در حالی که بالغ و عاقل و صحیح و سالم هستم، وصیت‌نامه‌ام را ادامه می دهم و با دیدگاهی کامل از این انقلاب و امام که مطمئن هستم که ادامهٔاین انقلاب به‌دست والی خود، حضرت صاحب زمان(عج)، تداوم می‌بخشد، این راه- که راه تمامی انبیاء و اوصیا و دوازده امام و چهارده معصوم پاک و به‌حق رسول خدا هستند و شهادت می‌دهم که «اشهد ان لا اله الا الله واشهد أن محمداً رسول الله و اشهد أنّ علیاً ولی الله» این راه را- از جان و دل انتخاب نموده‌ام و کشته شدنم در این راه را فیض عظیم می‌دانم. از تمامی افراد خانواده‌ام می‌خواهم که مرا حلالم کنند و به جای گریه کردن برایم دعا کنید، که شاید خدا به نظر رحمت و لطفش به من بنگرد و از گناهانم درگذرد. به‌خصوص تو ای پدر مهربانم! تو که دومین فرزندت را به قربانگاه فرستادی و گفتی راضی هستم به رضای خدا. از تمام همسایگان عزیز و فامیل‌های مهربانم می‌خواهم که مرا به بزرگی خود ببخشند و حلالم کنند .همان‌قدر که برای دنیا و زیبایی‌های بی‌ارزش فکر می‌کنید، بدانید اینها همه فانی شدنی است، زندگی ابدی آنجاست آنجا که شهدای مایند...

**والسلام**

بسمه الله الرحمن الرحیم

ولا تقولوا لمن یقتل من سبیل الله اموات بل احیاء ولا کن لا تشعرون
ولنبلونکم بشیء من الخوف والجوع و نقص من اموال و الانفس و الثمرات و بشر
الصابرین والذین اذا اصابتهم مصیبته قالوا انا لله و انا الیه راجعون.

آن کسانیکه در راه خدا کشته میشوند مرده نپندارید بلکه زنده اند و همه شما این حقیقت را نخواهید یافت و البته شما را به سختیها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نقوص و افات زراعت بیازمائیم و بشارت و مژده و آسایش از آن سختیها با صابران است. و آنانکه چون بخاك سخت و ناگوار دچار شدند صبوری پیشه گرفتند و گویند ما به فرمان خدا بسوی او رجوع خواهیم کرد

با درود و سلام بر آخرین پیامبر اسلام حضرت محمد ابن عبدالله (ص) و با درود بر سالار شهیدان حسین (ع) که درس شهادت را و درس چگونه زندگی کردن را با عزت را به ما آموخت. و با درود فراوان بر حضرت ولی عصر مهدی موعود (عج) به امید قلبهای رزمندگان اسلام و با درود بر رهبر انقلاب نائب حضرت مهدی زعیم عالیقدر امام خمینی رهبر مسلمین جهان ما همه از خدائیم و به سوی او رجعت خواهیم نمود با سلام بر ملت شهید پرور مردم امام یار و با سلام بر خانواده خود و بر پدر و مادرم که مرا خوب تربیت کردند و خدا را شکر میکنم که در خانواده ای مسلمان به دنیا آمدم و از شما پدر و مادر عزیز و خدمتگذار به اسلام

سپاسگزارم که مرا به اخلاق اسلام آشنا نمودی که موقعی که آمدنم به جبهه وقتی به مادرم گفتم من تصمیم گرفته ام که جبهه بروم او بمن گفت تو باید بروی پدرم همانطور که میدانی ما امانتی از خدا در دستهای ما هستیم همانطور که مجید را هم از یافتمنهم به دنیا لش میروم اگر شهید شدم دیگر برادرانم را روانه جنگ کن خدایرا شکر نما که امانتش را سالم تقدیم نمودی من در حالیکه بالغ و عاقل و صحیح و سالم هستم وصیتنامه ام را ادامه میدهم و با دیدگاهی کامل از این انقلاب و امام که مطمئن هستم که ادامه این انقلاب بدستوالی خود حضرت صاحب زمان تداوم میبخشد این راه که راه تمامی انبیاء و اوصیا و دوازده امام و چهارده معصوم پاک و بحق رسول خدا هستند و شهادت میدهیم که اشهد ان لا اله الله و اشهد ان محمد رسول الله و اشهد ان علی ولی الله این راه را از جان و دل انتخاب نموده ام و کشته شدنم در این راه را فیضی عظیم میدانم از تمامی افراد خانواده ام .... میخواهم که مرا حلالم کنند و بجای گریه کردن برایم دعا کنید که شاید خدا به نظر رحمت و لطفش بمن بنگرد و از گناهانم درگذرد بخصوص تو ای پدر مهربانم تو که دومین فرزندت را به قربانگاه فرستادی و گفتی راضی هستم به رضای خدا از تمام همسایگان عزیز و فامیلهای مهربانم میخواهم که مرا به بزرگی خود ببخشند و حلالم کنند همانقدر که برای دنیا و زیبائیهای بی ارزش فکر میکنید بدانید اینها همه فانی شدنی است زندگی ابدی آنجاست آنجا که شهدای ما ینند ...

والا سلام

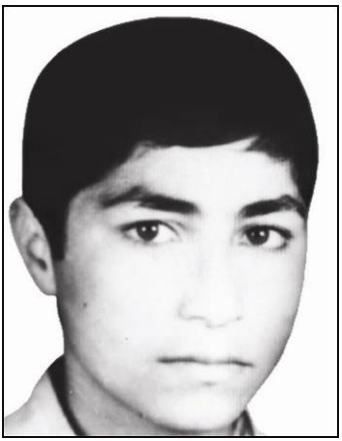

نام: **محمد**
نام خانوادگی: شریفه
نام پدر: جعفر
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: یکم تیر ۱۳۴۹
محل تولد: شهرستان آبادان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ویکم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- گناه بعضی از افرادی را که برای این دولت خدمت می‌کنند، به پای این جمهوری اسلامی نگذارید و خود آنها را مقصر بدانید.
- مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- سعی کنید که امام را بیشتر بشناسید، او را درک کنید و بدانید که چه مرد بزرگی است.
- از کسانی که شناختی دربارهٔ احکام اسلام دارند می‌خواهم که به مردم بیاموزند.
- من این راه را آگاهانه‌تر از آن که شما فکر می‌کنید انتخاب کرده‌ام.
- مادرم از شما می‌خواهم نعمتی را که خداوند به شما عطا فرموده است (فرزند خوب) شکرگزار باشید.

**محمد شریفه**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

با آیه‌ای از کلام‌الله مجید وصیت‌نامه خود را شروع می‌کنم.

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[1]

به‌نام خداوند خالصان و صابران و شاکران و صابران و عاشقان. با سلام به رهبر کبیر انقلاب اسلامی و با سلام به شما امت شهیدپرور و مقاوم و با سلام به خانواده‌های معظم شهدا، که با صبر و استقامت خویش مشت محکمی به پوزهٔ کثیف صدام و اربابانش می‌زنند و با هدیه فرزندانی مخلص و جان باخته به اسلام، دین خدا را حفظ می‌کنند و آن را به تمام نقاط جهان نشر می‌دهند.

من کوچک‌تر و ناتوان‌تر از آن هستم از که برای شما خانوادهٔ عزیز و گرامی و امت شهیدپرور وصیتی هر چند ناچیز بنویسم. اینجانب محمد شریفه متولد سال ۱۳۴۹، شماره شناسنامه ۶۴۴، صادره از سمنان، فرزند جعفر می‌باشم. من در تاریخ ۶۵/۱/۳۱ به ندای امام لبیک گفته و راهی جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدم. من این راه را آگاهانه، و آگاهانه‌تر از آنکه شما فکر می‌کنید، انتخاب کرده‌ام و به خوبی عاقبت و سرانجام نیک آن را شناخته‌ام. و ای کسانی که در پشت جبهه هستید و بر علیه دولت اسلامی و علیه این انقلاب سخن می‌گویید، شما اگر به راستی وظیفه خویش را می‌دانستید و امام خویش را درک می‌کردید و دستورات اسلام را می‌دانستید، تا به‌حال چندین بار به جبهه می‌آمدید. شما گناه بعضی از افرادی [را] که برای این دولت خدمت می‌کنند، به پای این جمهوری اسلامی نگذارید و خود آنها را مقصر بدانید.

توصیه‌ای به شما دوستان دارم که ای جوانان! مبادا در غفلت بمیرید که علی در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر[2] حسین(علیه‌السلام) در راه حسین(علیه‌السلام) و با هدف شهید شد. به شما کلیه دوستان و خویشاوندان توصیه می‌کنم که هیچ‌گاه غیبت بستگان و آشنایان را نکنید. همان‌طوری که خود می‌دانید غیبت یعنی حرفی

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- ر.ک. تعلیقات.

را برای کسی بزنیم و آن فرد راضی نباشد. از شما می‌خواهم که این عادت بد را از خود دور کنید، که در حدیثی نقل می‌کنند که غیبت‌کنندگان را با همان زبان در روز محشر می‌آویزند. و همچنین پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هر کس که غیبت برادر مسلمان خود را بنماید روزه‌اش باطل می‌شود و وضویش بشکند و چنانچه در آن حال بمیرد، در حالی مرده است که حرام خدا را حلال شمرده است».[۱] ای مادران! مبادا از رفتن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید، که فردا در محضر خداوند نمی‌توانید جواب زینب(علیهاالسلام) را بدهید که تحمل ۷۲ شهید را نمود. و از کلیه رزمندگانی که بعد از من در جبهه‌ها خواهند بود می‌خواهم که با کمال سعی و کوشش فراوان کربلای حسین را آزاد کنند و بعد از آن قدس[۲] را آزاد نمایند. دو حدیث در این‌باره می‌نویسم تا شاید اهمیت آن را بدانید و نگویید که کربلا و قدس به چه درد ما می‌خورد و ما از همین‌جا او را زیارت می‌کنیم. امام صادق(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «هر کس که به زیارت حسین(علیه‌السلام) برود و عارف به حق او باشد، همهٔ گناهانش آمرزیده می‌شود». و همچنین مولای متقیان علی(علیه‌السلام) می‌فرماید که نماز در قدس بهتر از هزار نماز است.[۳]

از کلیه دوستان و آشنایان و خویشاوندان و هر آن کس که با من حتی رابطهٔ کوچکی داشته و خدای ناکرده نارضایتی و بدی از من دیده باشند، از آنها طلب مغفرت می‌کنم و عاجزانه خواهانم که مرا دعای خیر کنند. سعی کنید که امام را بیشتر بشناسید و زندگینامهٔ او را بخوانید و او را درک کنید و بدانید که چه مرد بزرگی است.

اگر خدا شهادت را نصیبم کرد، آنهایی که پیرو خط امام نیستند و سخن‌هایی را بر علیه انقلاب می‌زنند در تشییع جنازهٔ من شرکت نکنند. اما امید است که خون‌های شهدا آنها را متحول سازد و به رحمت الهی نزدیکشان کند. از کسانی که شناختی دربارهٔ احکام اسلام دارند می‌خواهم که به مردم بیاموزند، زیرا که آموختن احکام اسلام امری واجب و ضروری است. مادرم! از شما می‌خواهم نعمتی را که خداوند به شما عطا فرموده است (فرزند خوب) شکرگزار باشید و نگویید که بچه‌های من رفتند و شهید شدند، اما دیگران نرفتند.

---

۱- حدیثی مشابه این در نهج‌الفصاحه پیرامون غیبت ص ۱۴۱ به شمارهٔ (۹۹۲) وجود دارد.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۰.

مادرم بدان که سعادت بزرگی نصیب شما شده است، زیرا که پیامبر اکرم(صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «سه دسته شفاعت کنند: پیغمبران، علما، شهدا»[۱]. مادرم و پدرم از شما به‌خاطر رنج‌هایی را که به شما داده‌ام مرا حلال کنید و می‌دانم اگر تو مرا نبخشی، آسوده خاطر نخواهم بود.

در آخر از همهٔ خویشاوندان، دوستان، آشنایان طلب مغفرت می‌کنم.

**محمد شریفه**

**۶۵/۲/۱۶**

از شما می‌خواهم که مرا در امامزاده یحیی سمنان دفن کنید.

---

۱- الخصال، ج ۱، ص ۸۶ «ثلاثه خن لهم ان ...».

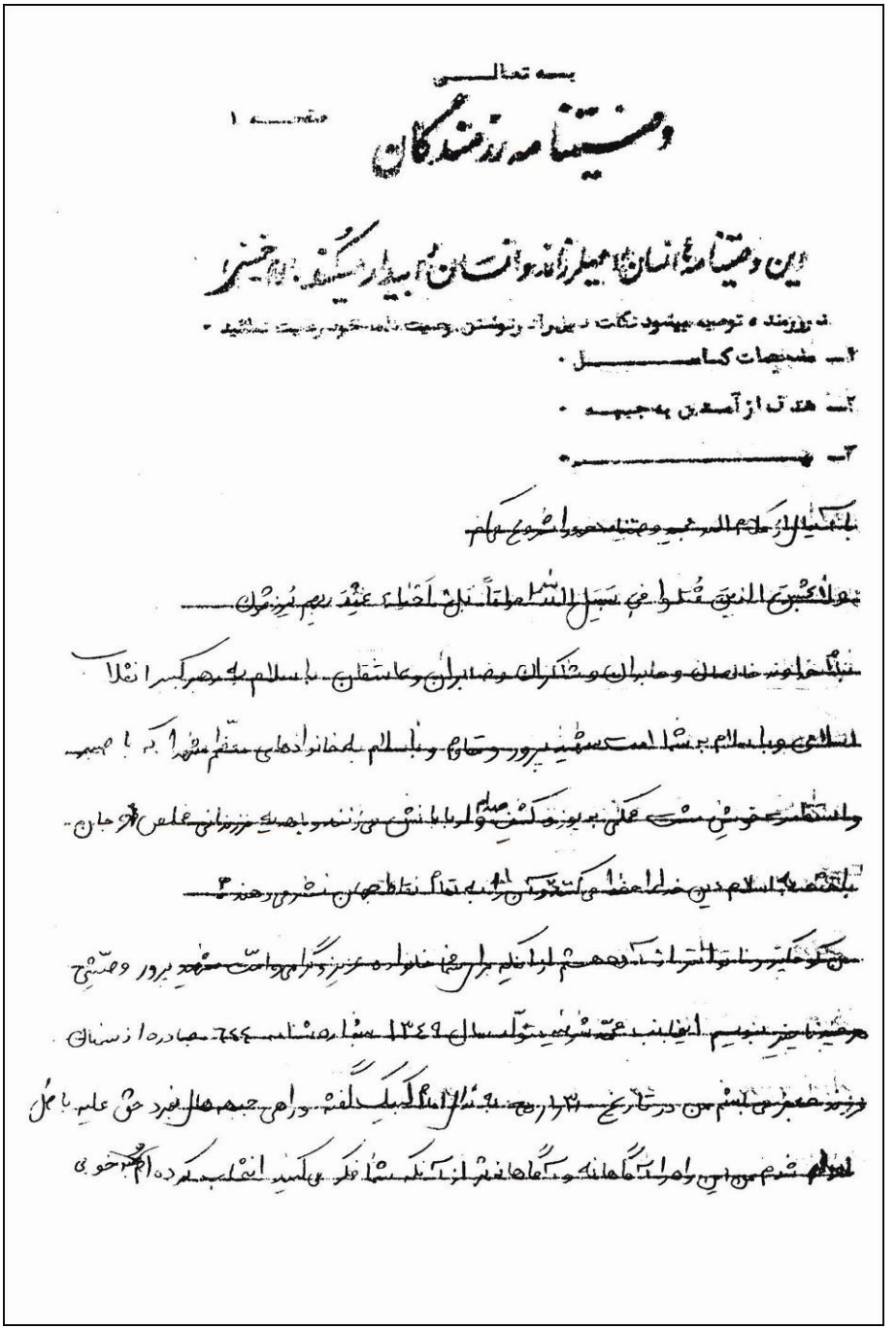

بسمه تعالی

صفحه ۱

# وصیتنامه رزمندگان

این وصیتنامه‌ها انسان را میلرزاند و انسان را بیدار میکند. (الاخسر)

در رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت‌نامه خود رعایت نمائید.

۱- مشخصات کامل.

۲- هدف از آمدن به جبهه.

۳- [illegible].

با کمال از کلام الله مجید وصیتنامه خود را شروع میکنم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون

بنام خداوند خالصان و صابران و شاکران و صابران و عاشقان. با سلام به رهبر کبیر انقلاب

اسلامی و با سلام به شما امت شهید پرور و قاوم و با سلام به خانواده‌های معظم شهدا که با صبر

و استقامت خویش مشت محکمی به پوزه کثیف صدام و اربابانش می‌زنند و با هدیه فرزندانی مخلص و جان

باخته به اسلام دین خدا را حفظ می‌کنند و آن را به تمام نقاط جهان نشر می‌دهند.

من کوچکتر و ناتوانتر از آن هستم از اینکه برای شما خانواده عزیز و گرامی و امت شهید پرور وصیتی

هر چند ناچیز بنویسم. اینجانب محمد شریف متولد سال ۱۳۴۹ شماره شناسه ۶۴۴ صادره از سنان

فرزند جعفر می‌باشم من در تاریخ ۳۱/۱/۶۰ به ندای امام کبیر گفته و راهی جبهه‌ها بفرد حق علیه باطل

اعزام شدم من این راه را آگاهانه و آگاهانه‌تر از آنکه شما فکر می‌کنید انتخاب کرده‌ام و به خوبی

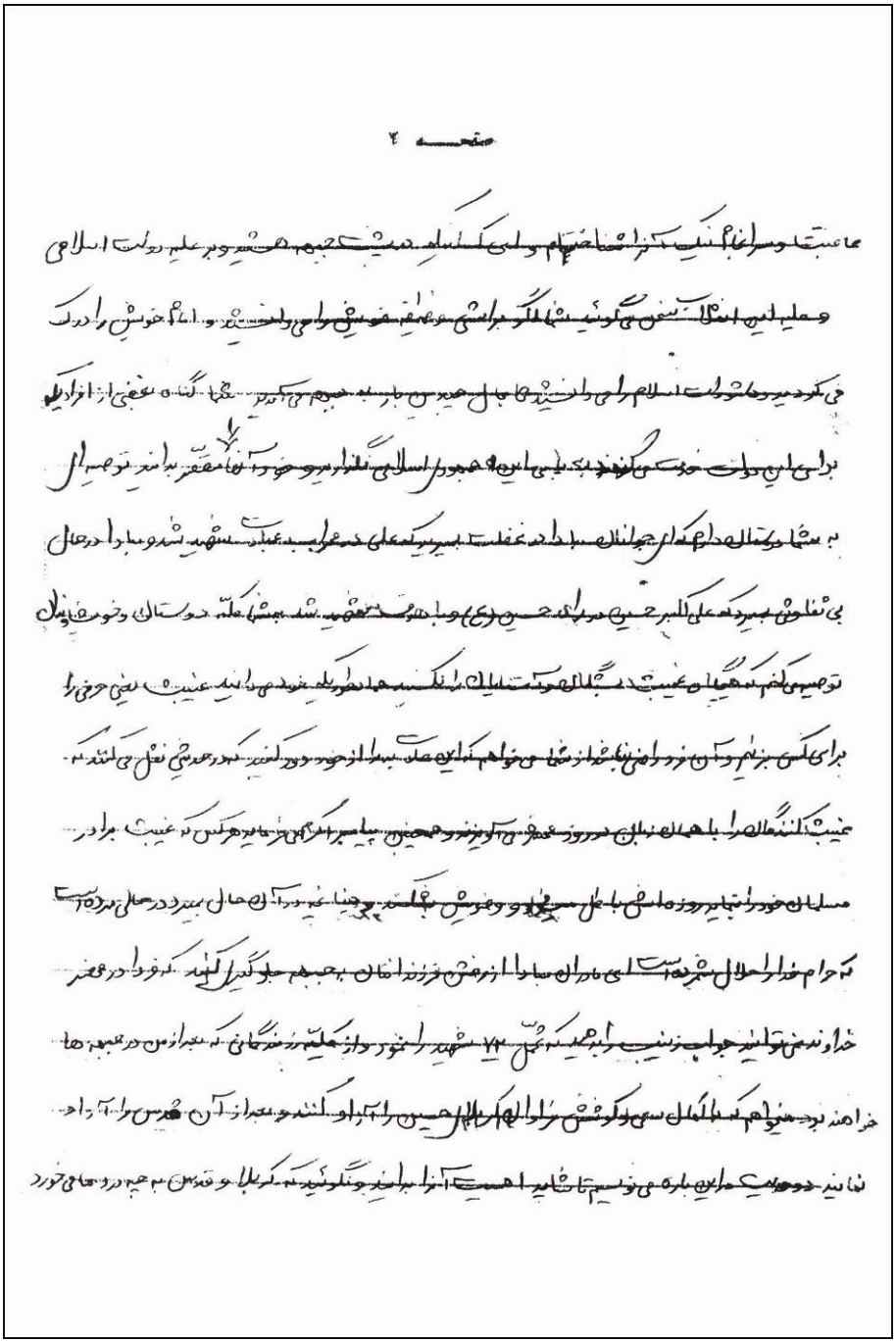

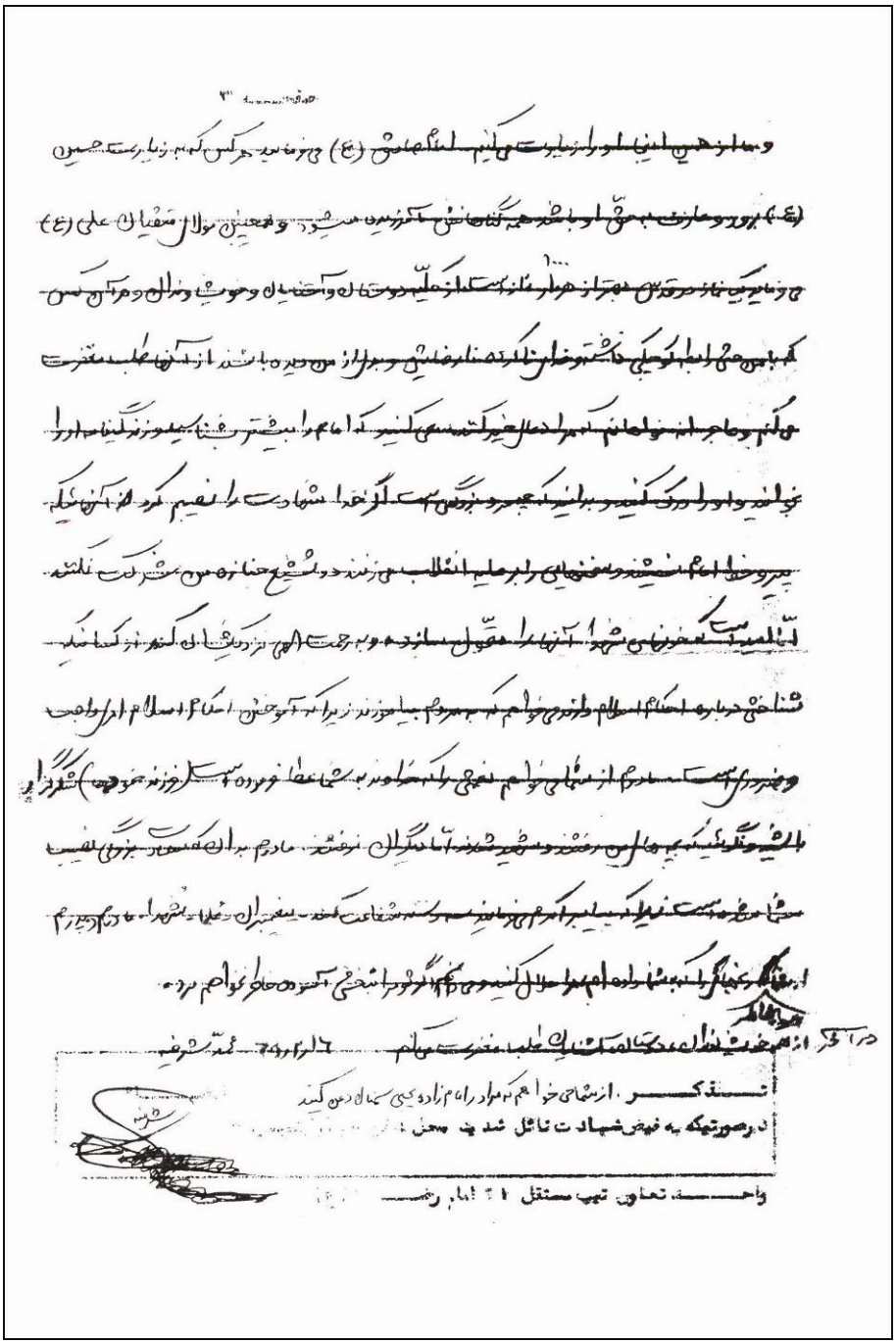

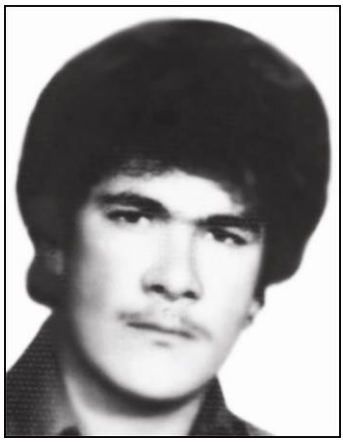

نام: **موسی**
نام خانوادگی: شریفه
نام پدر: عباس
نام مادر: کبرا
تاریخ تولد: پنجم خرداد ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: شانزدهم مرداد ۱۳۶۲
محل شهادت: مهران
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای روستای لاسجرد زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- من به راه خدا و دفاع از اسلام قدم به میدان نهادم.
- باید شهید داد که تا اسلام عزیز رشد کند.
- دعاها یادتان نرود که هر چه داریم از دعاها داریم.
- هیچ‌وقت خدا را فراموش نکنید که او هم شما را فراموش نکند.
- برای حفظ اسلام باید از جان و مال گذشت.
- عزیزانم امام را تنها نگذارید.
- از روحانیت مبارز، که پایه اسلام و انقلاب است، پشتیبانی کنید و با آنها باشید.
- باید بیشتر به جبهه بیایید و به اسلام خدمت کنید.
- مادرم و خواهرانم! حجاب را حفظ کنید.
- بیشتر قرآن بخوانید تا مورد عنایت خداوند قرار گیرید.

**موسی شریفه**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

شریف‌ترین مرگ شهادت است (رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم))

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[۱]

«گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مردگانند[۲]، بلکه زندگانند[۳] و در نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.»

با سلام و درود به منجی بشریت، مهدی موعود(عج) و با سلام و درود به رهبر کبیر انقلاب و رهبر مستضعفین جهان و سلام و درود بر شهیدان کربلا و شهیدان ایران، این هابیلیان[۴] تاریخ. علی(علیه‌السلام) رهبر شیعیان می‌گوید: «خدایا نه به‌خاطر بهشت تو را می‌پرستم و نه به‌خاطر ترس از جهنم تو، بلکه به‌خاطر بزرگی تو و عظمت تو و توانایی تو و ترس از تو شما را عبادت می‌کنم که شاید از نعمت‌های خودت که به ما ارزانی داشتی سپاسگزاری کرده باشیم. خدایا ما را هم توفیق ده تا از خدا بترسیم و او را که شایستهٔ عبادت است از او سپاسگزاری کنیم»[۵].

من به راه خدا و دفاع از اسلام قدم به میدان نهادم و تا پای جان مبارزه کرده‌ام و جان را به جانان می‌دهم، که تا شاید آن‌سان که باید بندگی کرده باشم. ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم و ستم از یک‌سو سراسر جهان را فراگرفته و در برابر آن، خوشبختانه، انقلاب اسلامی هم‌اکنون مرزها را یکی پس از دیگری گشوده و به پیش می‌رود، تا کربلا و بعد از آن قدس[۶] عزیز را از دست اشغالگران رها سازد. در این راه باید آنقدر خون داد، آنقدر باید کوشید و باید شهید داد که تا اسلام عزیز رشد کند، تا به‌دست امام زمان عجل‌الله

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- دراصل وصیت «مرده‌گانند».

۳- در اصل وصیت «زنده‌گانند».

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ترجمه این کلام از علی(علیه‌السلام) است: «ما عبدتک خوفاً من نارک و لاطمعاً فی جنّتک لکن وجدتک اهلاً للعبادة فعبدتک» (بحارالانوار، ج۶۷، ص۱۶۷).

۶- ر.ک. تعلیقات.

تعالی فرجه الشریف برسد و تا قیامت اسلام زنده بماند و ظالمان را نابود کند. خدایا باید خون داد تا مهدی(عج) بیاید و باید فدا شد تا مهدی(عج) بیاید و انتقام این خون‌ها را بگیرد و هدف این‌خون‌ها [را] که قسط و عدالت است، بر روی زمین برپا کند.
دعاها یادتان نرود که هر چه داریم از دعاها داریم.

برادرانم! راه من را ادامه دهید و اگر نبودم، عوض من قبر مبارک امام حسین(علیه‌السلام) را که مظلومانه سر او بریده شد و فدای اسلام شد، زیارت کنید و سلام مرا به او برسانید. خدایا تو را به امام حسین(علیه‌السلام) قسمت می‌دهم که ما را شفاعت کن.

پدر و مادرم سلام! امیدوارم که خداوند به شما صبر بدهد که خداوند صابرین را دوست دارد. مرا حلال کنید. مرا ببخشید که نتوانستم هیچ‌گاه فرزند خوبی برای شما باشم. هیچ‌وقت خدا را فراموش نکنید که او هم شما را فراموش نکند. این را بدانید، فرزند شما از امام حسین(علیه‌السلام) و یارانش و از شهیدان کربلای ایران خونش رنگین‌تر نیست. برای حفظ اسلام باید از جان و مال گذشت، تا دین خدا زنده بماند و باید از دنیا گذشت، تا آخرت داشت. عزیزانم امام را تنها نگذارید که در این زمان هرگز چنین رهبری بلند والا را نخواهید یافت و از روحانیت مبارز، که پایه اسلام و انقلاب است، پشتیبانی کنید و با آنها باشید.

برادرانم! از این پس وظیفه شرعی شماست که راه مرا ادامه دهید و از اسلام دفاع کنید و یار امام باشید و باید بیشتر به جبهه بیایید و به اسلام خدمت کنید. مادرم و خواهرانم! حجاب را حفظ کنید، که با حجاب خود قلب امام زمان(عج) و فرماندهٔ کل قوا و شهیدان را نرنجانید و مشت محکمی به دهان متجاوزان بزنید.

مادرم پرچم سیاهی را در آن روستا به سر در خانه بزنید و زیاد ناراحت نباش که فرزندت را از دست دادی، که به حق دادی. بیشتر قرآن بخوانید تا مورد عنایت خداوند قرار گیرید.

خدایا صبر زیادی را به پدر و مادرم و خانواده‌ام و ملت ایران عنایت بفرما. خدایا زیارت قبر امام حسین(علیه‌السلام) را نصیب ما بگردان. خدایا رزمندگان اسلام را از تمام بلاها حفظ کن. خدایا فرج امام زمان را نزدیک بگردان.

خدایا رهبر کبیر انقلاب را، تا انقلاب مهدی(عج) و حتی کنار مهـدی(عج)، او را بـرای مستضعفین حفظ کن. خدایا مرزداران ما را حفظ و سلامت دار و آنان را بر دشـمن تسـلط دار.

پدرم من مقداری پول در بانک دارم و آن را بگیرید و به حساب کمک به جبهـه واریـز دارید و ۱۰۰ تومان در امامزاده لاسجرد نذر دارم و آن را بدهید.

**«والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**۶۲/۵/۱۵**

**التماس دعا**

**موسی**

شریف ترین ترس شهادت است (رسول اکرم)

بسم رب الشهداء والصدیقین

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شده اند مرده گانند بلکه زنده گانند و در نزد پروردگار

شان روزی می خورند

با سلام و درود به منجی بشریت مهدی موعود و با سلام و درود به رهبر کبیر

انقلاب و رهبر شعله فش جهان و سلام و درود بر شهدان کربلا و شهیدان

ایران این ها بنیان تاریخ . علی رهبر شیعیان جهان ما گویه خدایا نه بخاطر

نهشت تو را می پرستم و نه بخاطر ترس از جهنم تو. بلکه بخاطر بزرگی تو و عظمت

تو و توانایی تو و ترس از تو شما را عبادت می کنم که شایه از نعمت های

خودت که بما ارزانی داشتی سپاسگزاری کرده باشیم خدایا ما را هم توفیق ده

تا از جرا مرسیم و او را که شایسته عبادت است از او سپاسگزاری کنیم



دعاها یادتان نرود که هرچه داریم از دعاها داریم

برادرانم راه من را ادامه دهید و اگر نبودم عوض من قبر مبارک امام حسین (ع)
را که مظلومانه سر او بریده شد و فدای اسلام شد زیارت کنید و سلام مرا
به او برسانید خدایا ترا به امام حسین قسم ات می دهم که ما را شفاعت کن
پدر و مادرم سلام. امیدوارم که خداوند به شما صبر بدهد که خداوند صابرین را
دوست دارد. به احلال کنید مرا ببخشید که نتوانستم هیچگاه فرزند خوبی برای
شما باشم هیچ وقت خدا را فراموش نکنید که او هم شما را فراموش نکند این را بدانید
فرزند شما از امام حسین (ع) و یارانش و از شهیدان کربلای ایران خونش
رنگین تر نیست برای حفظ اسلام باید از جان و مال گذشت تا دین خدا زنده
بماند و باید از دنیا گذشت تا آخرت داشت عزیزانم امام را تنها نگذارید
که در این زمان هرگز چنین رهبری بلند ولا را نخواهید یافت و از روح شب

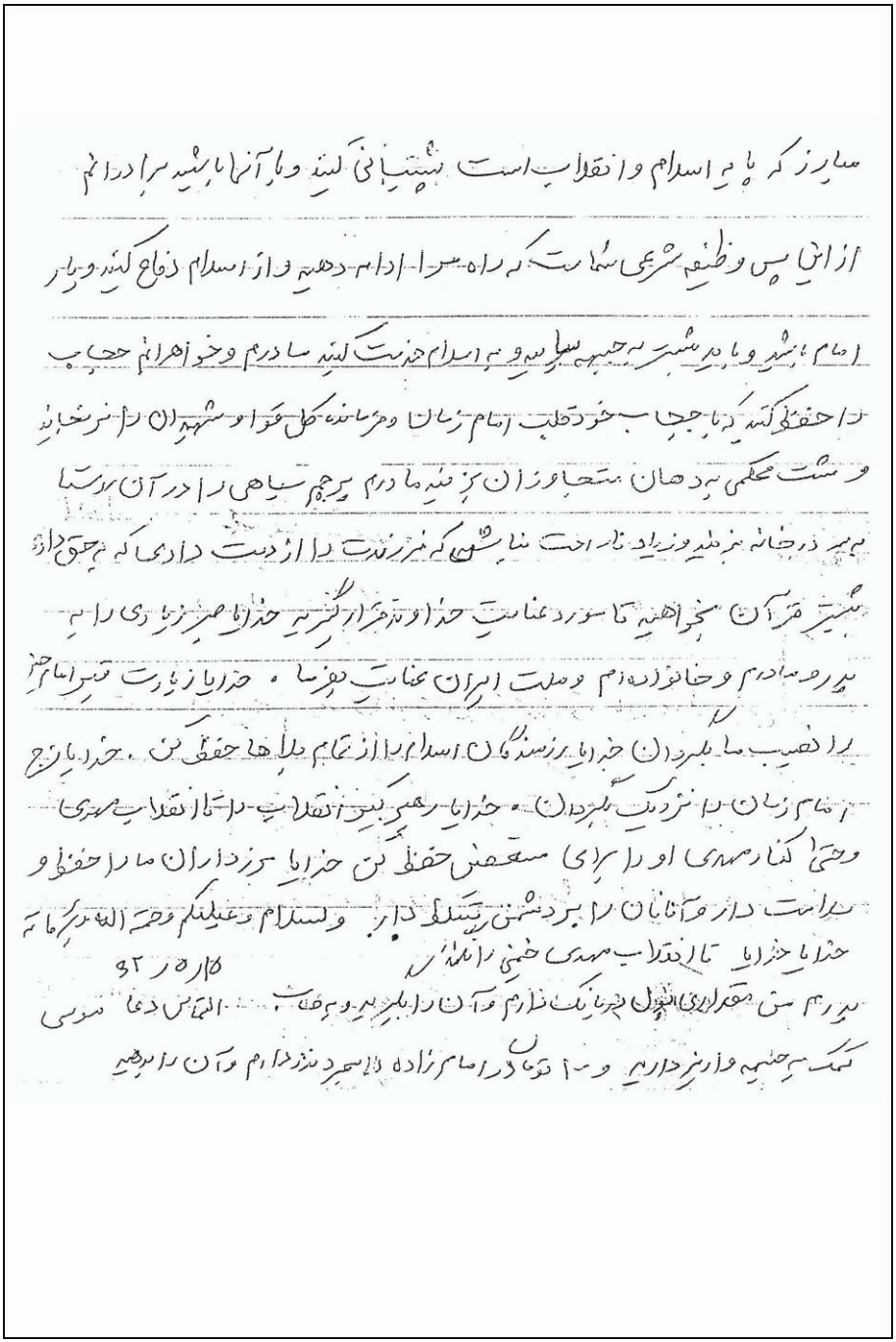

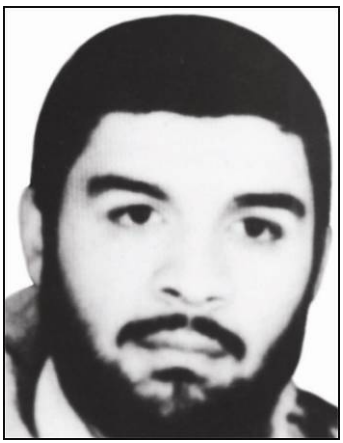

نام: **محمد**
نام خانوادگی: شریفی
نام پدر: حسین
نام مادر: عفت
تاریخ تولد: سیزدهم اسفند ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: طلبه علوم حوزوی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: ام‌الرصاص عراق
نحوهٔ شهادت: –
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- خواهرانم، در حفظ حجاب خود کوشا باشید.
- در کارتان مواظب باشید و برای خدا کار کنید.
- شهیدان، این گلگون کفنان تاریخ، که با سرخی خونشان تاریخ شیعه را سرافراز نمودند.
- این امت با منطق قوی «**انا لله و انا الیه راجعون**» می‌جنگند.
- به نماز جمعه، این میعادگاه عاشقان مخلص، اهمیت بدهید.
- عمل به دستورات قرآن بنمایید. تقوی را پیشهٔ خود سازید.
- احکام و مسائل اسلامی را از همان اوان کودکی به فرزندانتان بیاموزید.
- بسیجیان، ای سربازان ولی عصر(عج)! آنچنان باشید که زیبندهٔ یک سرباز واقعی اسلام است.
- ما برای اسلام شهید شدیم.
- به فرمان امام عمل کنید. امام را تنها نگذارید.
- سرلوحهٔ زندگی خویش را قرآن و احکام اسلامی قرار دهید.

## محمد شریفی[۱]

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«انا لله و انا الیه راجعون»[۲]**

شکر خدای را که بر ما منت نهاد تا بتوانیم در راهش به جبهه رفته و برای او بجنگیم. و شکر می‌کنم خدای را که پدر و مادری چون شما نصیب من گردانید که مانند پدر و مادر وهب[۳] فرزندشان را به یاری حسین زمان فرستادند، ولی خوش به‌حالتان، چون آنها حسین(علیه‌السلام) را دیدند و فرستادند و شما ندیدید و فرستادید.

پدر و مادر عزیزم! می‌دانم که فرزند خوبی برایتان نبودم و شما را اذیت کرده‌ام، مخصوصاً این سال‌های اخیر، به‌خاطر آمدن من به جبهه و می‌دانم که نتوانستم حتی یک هزارم زحمتی را که برایم کشیده بودید، جبران کنم. از شما خیلی خیلی معذرت می‌خواهم و از این جهت به درگاه خداوند منان استغفار می‌کنم. پدر عزیزم و مادر مهربانم! هر چه که مصلحت خدا تقاضا کند همان می‌شود، از شما عاجزانه می‌خواهم که شما هم بپذیرید و صابر باشید، خدا به صابران اجر و مزد زیادی خواهد داد.

خدای را شکر کنید که فرزندتان به راهی رفت که مورد رضایت خداست و شما در روز قیامت، انشاءالله، پیش ائمه معصومین(علیهم‌السلام) روسفید هستید. از شما می‌خواهم که زیاد ناراحتی نکنید، هرچند که شما را نهی نمی‌کنم، ولی می‌خواهم از شما، هرگاه به‌خاطر من خواستید بگریید، اول برای امام حسین(علیه‌السلام) و مادرش زهرای مرضیه(علیهاالسلام) گریه کنید، زیرا مادرم! امام حسین(علیه‌السلام) موقع شهادت مادر نداشت تا برایش گریه کند، ولی سعی کنید روبروی دشمنان گریه نکنید که خوشحال شوند. و دیگر اینکه پدر و مادرم! می‌خواهم از شما که با صبر زیاد در تربیت فرزندانتان ادامه دهید و آنها را به امان خدا بسپارید. و همین‌طور دوست ندارم به‌خاطر من بگریید و مشقت‌هایی بر خود هموار کنید، مثل روزه و یا نماز و یا غیره. و همین‌طور از شما خواهرانم و برادرانم می‌خواهم که شکیبا باشید و در

---

۱- بالای وصیت‌نامه نوشته شده است «وصیت‌نامه خصوصی من».

۲- بقره/ ۱۵۶، «ما از خداییم و به‌سوی او بازمی‌گردیم».

۳- ر.ک. تعلیقات.

تربیت فرزندانتان کوشا باشید و سعی کنید که راه مرا مهدی و رضا، محسن و عباس ادامه دهند.

خواهرانم، برادرانم! اطاعت امر پدر و مادر کنید. وای بر شما اگر نافرمانی کنید، که اطاعت پدر و مادر واجب است ،حتی اجازه ندارید در حال ناراحتی خیره خیره به آنها نگاه کنید، که این خود موجب خشم خداست. خواهرانم، در حفظ حجاب خود کوشا باشید. به نمازتان اهمیت دهید حتی‌الامکان برادرانم نماز به جماعت بخوانند و به قرآن زیاد تمسک بجویید و زیاد بخوانید. پدرم از اینکه نتوانستم در پیری کمک تو باشم، معذرت می‌خواهم و از خداوند متعال برایت آرزوی خیر و برکت می‌کنم.

در آخر چند وصیت کوتاه دارم که انشاءالله در حدی که برایتان مقدور هست، انجام دهید.

۱- سه روز در ایام فاطمیه در خانه مجلس عزاداری فاطمه زهرا(علیهاالسلام) را بگیرید.

۲- تمام پول‌هایی که دارم واگذار به پدرم می‌کنم و می‌خواهم حدود ۵۰۰۰ پنج هزار تومان به حاج آقا نصیری بدهند تا به طلبه‌ها بدهد.

۳- اگر برای شما امکان داشت، ۶ سال برایم نماز قضا کنید، اگر مقدور نبود به بنیاد شهید واگذار کنید.

۴- کتاب‌هایی در قم دارم که عربی است و به درد شما نمی‌خورد و تقریباً کتاب‌های مادر است. با مشورت آقای نصیری، اگر در سمنان مکانی هست که زیاد از آنها استفاده شود بدهید و اگر نه، به کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی در قم یا کتابخانهٔ فیضیه بدهید.

۵- بدهکاری و طلب‌کاری به نظرم نمی‌رسد ولی اگر کسی ادعا کرد، تا مبلغ ۲۰۰ تومان می‌توانید بدهید.

کتاب‌های دوستان یا نوارهای دوستان که در خانه هست به آنها بدهید و از همه طلب حلالیت کنید.

در آخر از همهٔ شما طلب حلالیت می‌کنم، مخصوصاً شما پدر و مادر و از شما عاجزانه می‌خواهم شکیبا باشید و به خود مشقت ندهید. وکیل من در درجهٔ اول پدرم و در درجهٔ دوم مادرم هست. هیچ پولی یا مالی را از خود نمی‌دانم، همه را از بابا می‌دانم، به هر جا که خواست ببخشد یا بدهد و دیگر تقاضای کوچک از برادرانم و از پسر عمه و آقا رضا اینکه

در کارتان مواظب باشید و برای خدا کار کنید و مزد خود را از او بخواهید و در [...][1] حلال و حرام را مورد رعایت قرار دهید.

**فرزند بسیار حقیر شما محمد شریفی**

اگر جسد مرا آوردند، در هر جا که خواستید دفن کنید و اگر نیاوردند، که باز هم به مصلحت خدا راضی باشید.

به امید زیارت کربلای حسین(علیه‌السلام) و خواندن نماز جمعه در قدس[2] به امامت روح خدا و به امید روزی که پرچم اسلام بر قله‌های کفر به اهتزاز درآید.

(مطلبی خصوصی برای یکی از افراد خانواده نوشته‌ام که اگر عمل نکند از سر او راضی نیستم).

**الحقیر محمد شریفی**

**۶۴/۱۱/۱۸**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل‌الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[3]

«رضیت بالله رباً و بالاسلام دینا و بمحمد صلی الله علیه و اله نبیاً و بعلی اماماً و بالحسن و الحسین و علی و محمد و جعفر و موسی و علی و محمد و علی و الحسن والخلف الصالح علیهم السلام **ائمة** و **سادة** و **قادة**، بهم اتولّی و من اعدائهم اتبرء»[4]

«اللهم انی اسئلک العفو و العافیه و **المعافاة** فی الدنیا والاخره»[5]

---

۱- خوانا نیست.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- آل‌عمران/ ۱۶۹- در اصل وصیت «قتلو».

۴- البلدالامین، ص ۱۳. مشابه این دعا هم از قول حضرت امام صادق(علیه‌السلام) نقل شده است که فرمود بعد از هر نماز واجب خوانده شود.

۵- همان، ص۱۳.

با درود و سلام بر امام زمان(عج)، مهدی موعود(عج)، این آخرین سلالهٔ پاک از آسمان ولایت و معز الاولیاء و مذل الاعداء و با درود بر نایب بر حقش، ابراهیم زمان، خمینی بت‌شکن که شجاعت را از جدش علی(علیه‌السلام) و حلم را از امام حسن(علیه‌السلام) و ستم‌ستیزی را از امام حسین(علیه‌السلام) و عبادت را از زین‌العابدین(علیه‌السلام) و علوم را از مکتب امام محمدباقر(علیه‌السلام) وامام جعفر صادق(علیه‌السلام) [...][1] و استقامت و صبر و الهام بخشی را از امامش حجة بن الحسن العسکری(علیه‌السلام) آموخته است.

و با سلام بر شهیدان، این گلگون کفنان تاریخ، که با سرخی خونشان تاریخ شیعه را سرافراز نمودند و درخت اسلام را آبیاری نمودند و با سلام بر رزمندگانی که عاشقانه در صحنهٔ پیکار حاضر شده‌اند تا جان خویش را خالصانه به درگاه دوست هدیه کنند و با سلام بر شما امت حزب‌الله، امت نمونه، امتی که امام زمان(عج) به وجود شما افتخار می‌کند، شمایی که در تمام سنگرها مستحکم ایستاده‌اید و با بذل جان و مال خود این انقلاب را یاری می‌نمایید، تا اینکه متصل به انقلاب حضرت مهدی(عج) شود.

هنوز یک سال و اندی از انقلاب مقدس و خونین امت حزب‌الله نمی‌گذشت که صدام، این عروسک کوکی، صدام، به فرمان قدرت‌های توخالی شرق و غرب، به ایران اسلامی حمله نمود، تا با خیال خام خود این حرکت توده‌های عظیم را که نشئت گرفته از اسلام بود در نطفه خفه کند، ولی این مزدور و نوکرانش فکر نکرده بودند که با مردمی روبرو خواهند شد که مرگ را به بازیچهٔ خویش درآورده و شهادت را بالاترین افتخار خویش می‌داند. زیرا که این [...][2] در مکتبی پرروش یافته که امامش علی(علیه‌السلام) هست، حسن(علیه‌السلام) و حسین(علیه‌السلام) است، امامانی که تا آخرین لحظهٔ عمر خود به دفاع از مکتب خویش پرداخته و عاقبت در خون خودشان غلتیده‌اند و نمی‌دانند که این امت با منطق قوی **«انا لله و انا الیه راجعون»**[3] می‌جنگند.

امتی که در این دنیای فانی خود را مالک هیچ چیزی نمی‌داند و همه چیز را از او می‌داند و برای رضای او تسلیم به امر اوست و هر چه مصلحت او ایجاب کند، این امت به

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- بقره/ ۱۵۶.

جان خویش می‌خرد. قدرت‌های شرق و غرب، این کوردلان تاریخ، که به حقیقت مُهر بر قلب‌ها و چشم‌ها و گوش‌هایشان خورده با آن خیالات واهی به ما حمله کردند و در داخل کشور به‌وسیلهٔ عناصر خود فروخته خود، دست به توطئه و ترور علیه بهترین امت ما نمودند. بهشتی[۱] و یاورانش را در حزب[۲]، رجایی[۳] و باهنر[۴] را در دفتر نخست‌وزیری و دستغیب[۵] و صدوقی[۶] و اشرفی اصفهانی[۷] و مدنی[۸] را در محراب شهید [...][۹] غافل از اینکه [با] شهید شدن اینها، خود پیروزی دیگری بود بر انقلاب ما و این شهادت خود آرزوی آنان بود، زیرا آنان اقتدا کرده بودند به رهبرشان و امامشان امام حسین(علیه‌السلام).

پدر و مادرم! آمدن من به جبهه نبود مگر اینکه رفع تکلیف بکنم، زیرا آیات زیادی دلالت دارد بر اینکه چرا در راه کسانی که به استضعاف کشیده شده‌اند و بر آنها ظلم و ستم می‌رود، به یاریشان نمی‌پردازید و یا در آیه دیگر می‌فرماید «**و قاتلوهم حتی لا تکون فتنه**»[۱۰] پس در درجهٔ اول به حکم خداوند تبارک و تعالی و اما از طرف دیگر هنوز خون برادران من در جبهه‌های جنوب و غرب کشور خشک نشده، هنوز یادم نمی‌رود که چگونه موشک‌های ۹ متری بر سر مرد و زن و کودک در شهرهای دزفول، اندیمشک، پایین می‌آمد و بدن‌های مطهرشان را تکه تکه نمود و هنوز یادم نمی‌رود که چگونه برادران من در خون خودشان می‌غلتند و فریادشان یا حسین(علیه‌السلام) بود. پس با این احوالات آیا ماندن بر من جایز بود؟ آیا بعد از این همه کشتن و سوزاندن توسط دشمن، آیا باز هم سزاوار بود بمانم. نه به خدا قسم! هیچ فرد منصفی نمی‌ماند بگذارید آنانی که اهل این دنیا هستند، بمانند و سخت به مال‌های خود بچسبند و این دو روزه دنیا را خوش بگذرانند، زیرا این

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- ر.ک. تعلیقات.
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- ر.ک. تعلیقات.
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- ر.ک. تعلیقات.
۹- خوانا نیست.
۱۰- بقره/ ۱۹۳.

کوته‌فکران، فقط این دو روزه دنیا را دیده‌اند، اما ما هدفمان خیلی بالاتر و مقدس‌تر ازاین‌هاست. ما او را می‌خواهیم، ما می‌خواهیم زودتر به وصال او برسیم، ما آرزوی لقاءالله را داریم و کسی که آرزوی دیدن معشوق را دارد، آیا دیگر این دنیا را می‌بیند؟ البته ما دنیا را وسیله‌ای برای رسیدن به طرف او می‌دانیم و بس. پس برادرانم و خواهرانم هدف آنجاست و بس.

اما در آخر چند پیام کوتاه دارم خدمت خواهران و برادرانم. هر چند حقیر کوچک‌تر از آنم که بخواهم پندی دهم.

اولین پیام من به شما امت حزب‌الله هست. هم‌چنان پرخروش باشید. مانند موج دریا بخروشید. نکند وقتی به ساحل رسیدید، آرام گیرید که در این‌صورت خیانت به خون شهداست. امام را تنها نگذارید، برایش دعا کنید. بعد از چندین سال در طول تاریخ شیعه، خداوند به ما منت گذاشت و چنین رهبری برای ما قرار داد، سلاله پاکی که ادامه دهندهٔ راه حسین(علیه‌السلام) است.

به نماز جمعه، این میعادگاه عاشقان مخلص، اهمیت بدهید. حقوق یکدیگر را مراعات کنید. عمل به دستورات قرآن بنمایید. اگر خیر دنیا و آخرت را می‌خواهید، تقوی را پیشهٔ خود سازید و دیگر اینکه احکام و مسائل اسلامی را از همان اوان کودکی به فرزندانتان بیاموزید.

و اما شما زینبیان زمان، چون زینب(علیهاالسلام) حسین(علیه‌السلام) باشید. با فریادتان خون علی‌اکبر[1]ها و قاسم[2] های زمان را حفظ کنید و در دامان خویش فرزندانی را تربیت کنید که در آینده بتوانند عَلَم اسلام را بر شانهٔ خویش حمل کنند. پا به پای مردان به پیش روید و با تشویق آنها در هدفشان، محرکی باشید برای پیشبرد اسلام. و در حفظ حجابتان کوشا باشید. و اما شما بسیجیان، ای عاشقان امام زمان(عج)، ای سربازان ولی عصر(عج)! آنچنان باشید که زیبندهٔ یک سرباز واقعی اسلام است. برادرانم شما باید امروز در دو سنگر بجنگید، یکی سنگر جبهه، که ادامه دهندهٔ خون هزاران شهید است و دیگر سنگر مدرسه یا کارخانه. دیگر بر ما ننگ است که دکتر یا مهندس ما یک فرد ضدانقلاب باشد. دیگر بر ما

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

ننگ است که هنوز دست خویش را برای گرفتن کمک‌های اقتصادی پیش کشورهای دیگر دراز کنیم. سعی کنید خودتان تولید کنید و خودتان تمام این وظایف مشکله را بپذیرید. باید ایران عزیز را به جایی برسانید که دنیا محتاج شما شود.

برادرانم! امروز هزاران چشم نظاره‌گر اعمال شماست و عمل‌های شما را زیر ذره‌بین خود می‌برند. مواظب اعمال خود باشید. امروز برادران شما، در کشورهای آفریقایی و آسیایی و اروپایی، منتظرند تا شما به کمک آنها بشتابید. اگر شما پیروز شوید، بدانید مستضعفین روی زمین امیدوار می‌شوند و به نهضت‌های خود علیه طاغیان زمان می‌پردازند.

در ضمن از تمام استادهای دورهٔ تحصیلم تشکر می‌کنم و طلب حلالیت و از خداوند متعال پیروزی هر چه روزافزون آنها را خواستارم و در پایان از تمامی امت حزب‌الله خواستارم که نگذارید اسلحهٔ ما بر روی زمین بماند. ما برای اسلام شهید شدیم، شما هم ادامه دهندهٔ راه ما باشید. به فرمان امام عمل کنید و سرلوحهٔ زندگی خویش را قرآن و احکام اسلامی قرار دهید.

در آخر اگر به کسی بدی یا غیبت کرده‌ام، طلب حلالیت می‌کنم و امیدوارم، با بخشیدن من، خدا به آنان اجر و مزدی عنایت کند.

در ضمن از تمام کسانی که در تشییع جنازهٔ من حاضر شده‌اند، می‌خواهم برایم طلب مغفرت کنند. در ضمن همان روز مصیبت فاطمه(علیهاالسلام) را بر سر قبرم بخوانید.

به امید زیارت کربلا و خواندن نماز در قدس به امامت روح‌الله و گرفتن تمام قله‌های کفر و به اهتزاز درآوردن پرچم اسلام در سراسر جهان.

**حقیر محمد شریفی**

**۶۴/۱۱/۱۸**

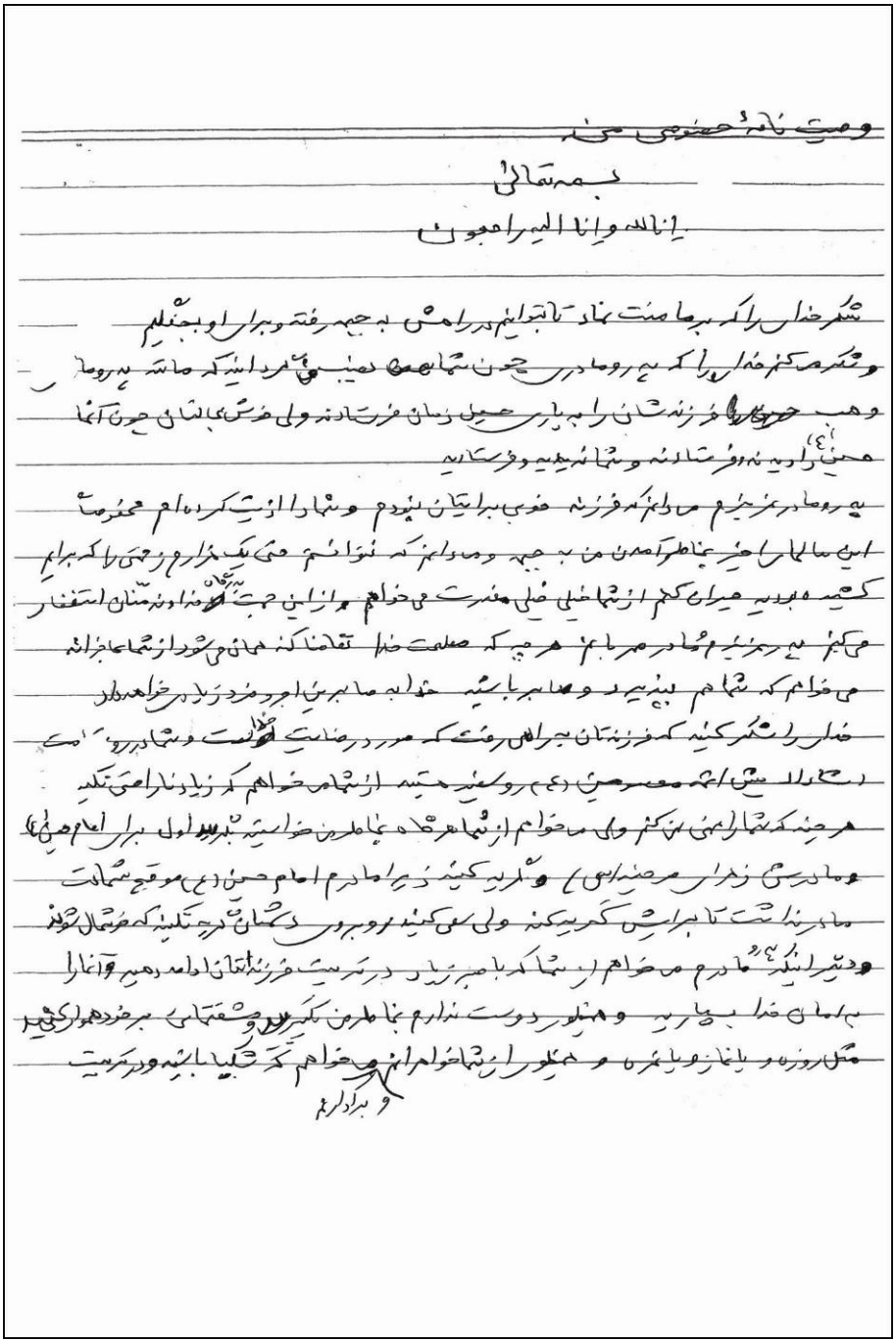

وصیت نامهٔ خصوصی من

بسمه تعالی

إنا لله وإنا إليه راجعون

شکر خدای را که بر ما منت نهاد تا بتوانیم در راهش به جبهه رفته و برای او بجنگیم
و شکر می‌کنم خدای را که پدر و مادری چون شما نصیب من گردانید که مانند پدر و مادر
وهب فرزندشان را به یاری حسین زمان فرستادند ولی خوش بحالتان چون آنها
حسین (ع) را دیدند و فرستادند و شما ندیدید و فرستادید
پدر و مادر عزیزم می‌دانم که فرزند خوبی برایتان نبودم و شما را اذیت کرده‌ام مخصوصاً
این سالهای اخیر بخاطر آمدن من به جبهه و می‌دانم که نتوانستم حتی یک هزارم زحمتی را که برایم
کشیده بودید جبران کنم از شما خیلی خیلی معذرت می‌خواهم و از این جهت به درگاه خداوند منان استغفار
می‌کنم پدر عزیزم و مادر مهربانم هر چه که مصلحت خدا تقاضا کند همان می‌شود از شما عاجزانه
می‌خواهم که شما هم بپذیرید و صابر باشید خدا به صابرین اجر و مزد زیادی خواهد داد
خدای را شکر کنید که فرزندتان به راهی رفت که مورد رضایت خداست و شما در روز قیامت
در شأن پیش ائمه معصومین (ع) روسفید هستید از شما می‌خواهم که زیاد ناراحتی نکنید
هر چند که شما را نهی نمی‌کنم ولی می‌خواهم از شما هرگاه بخاطر من خواستید بگریید اول برای امام حسین (ع)
و مادرش زهرای مرضیه (س) و گریه کنید زیرا مادرم امام حسین (ع) موقع شهادت
مادر نداشت تا برایش گریه کند ولی سعی کنید روبروی دشمنان گریه نکنید که خوشحال شوند
و دیگر اینکه پدر و مادرم می‌خواهم از شما که با صبر زیاد در تربیت فرزندانتان ادامه دهید و آنها را
به امان خدا بسپارید و همینطور دوست ندارم بخاطر من بگیرید و مشقتهایی بر خود هموار کنید
مثل روزه و یا نماز و یا نمره و همینطور از شما خواهرانم و برادرانم می‌خواهم که شکیبا باشید و در تربیت

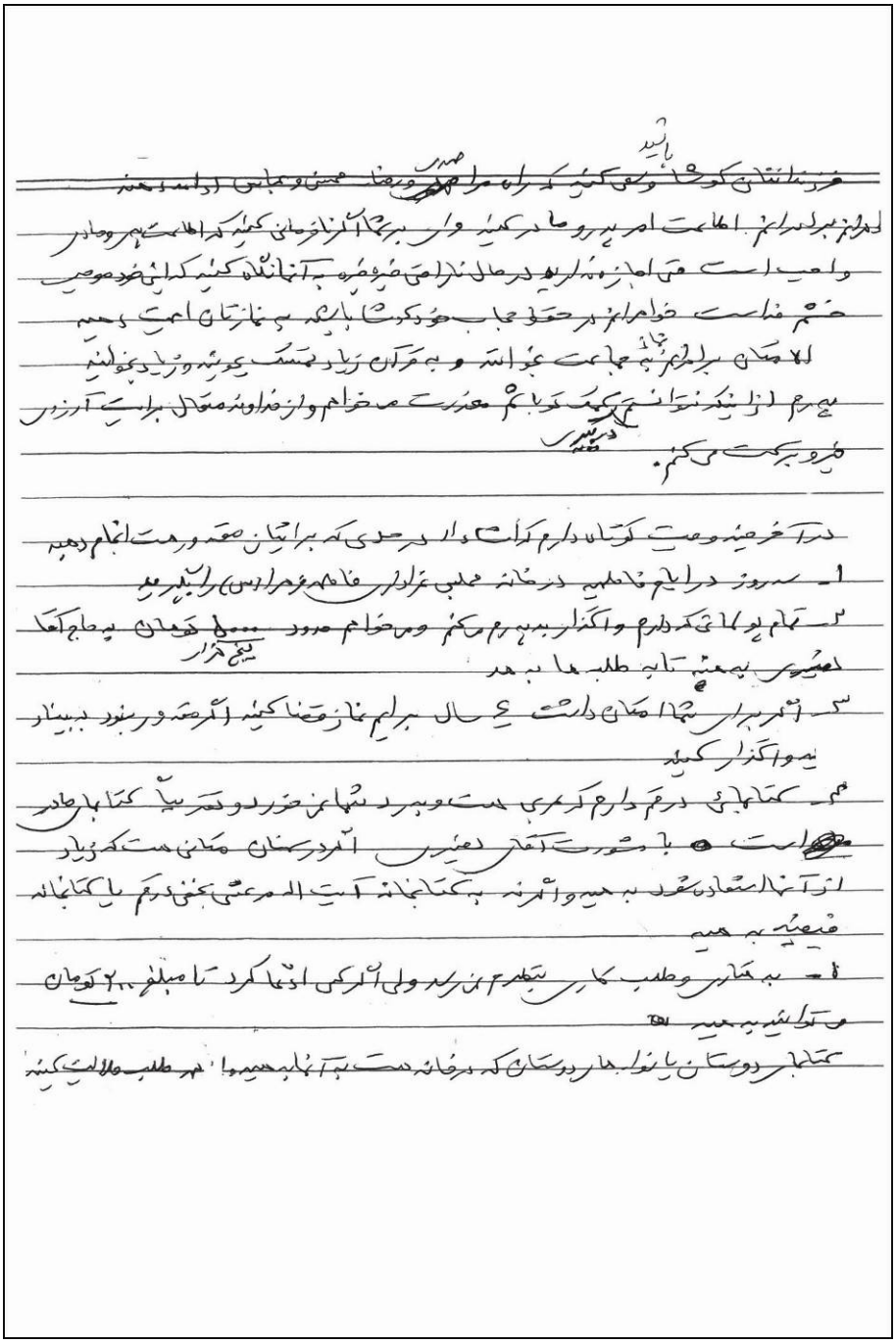

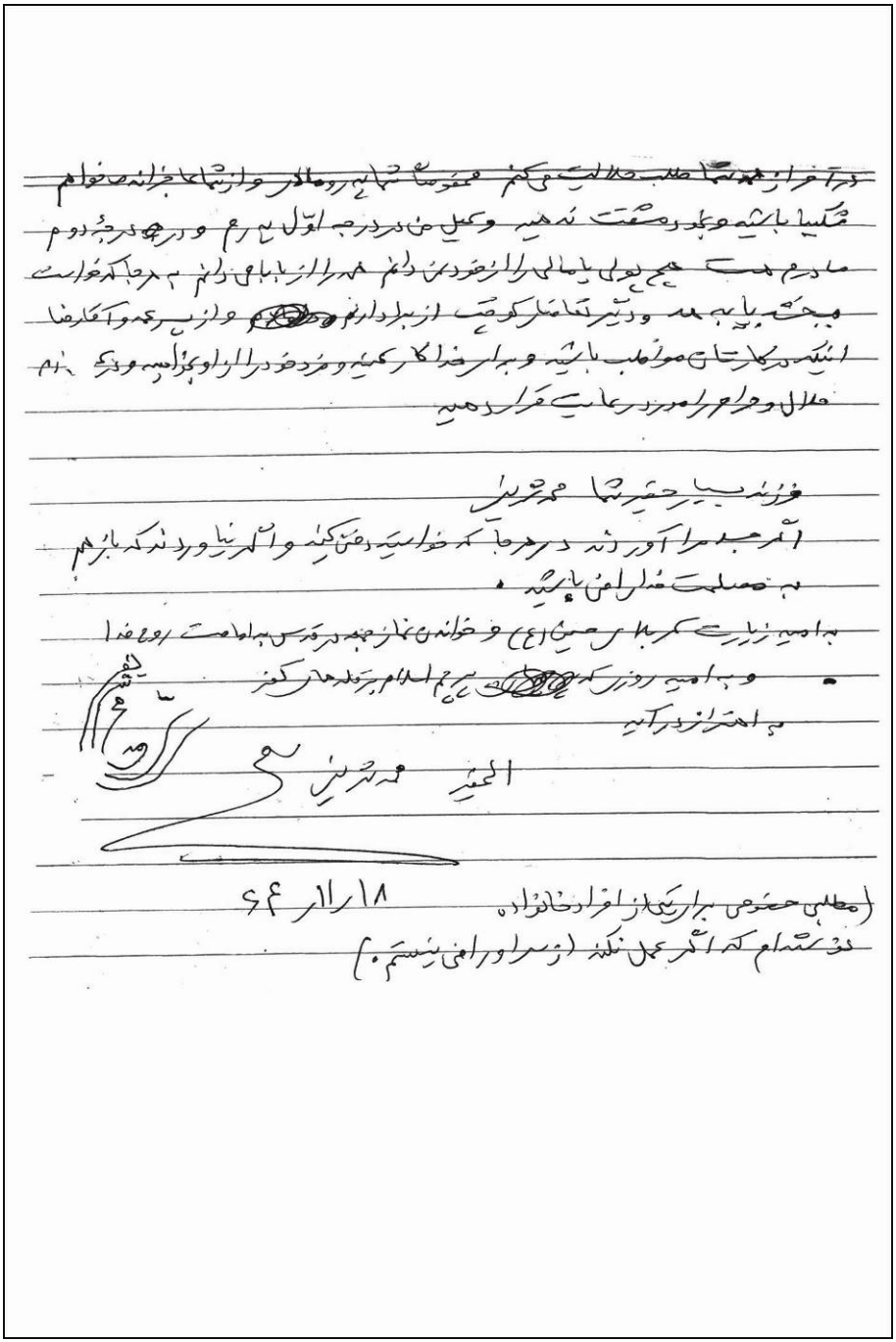

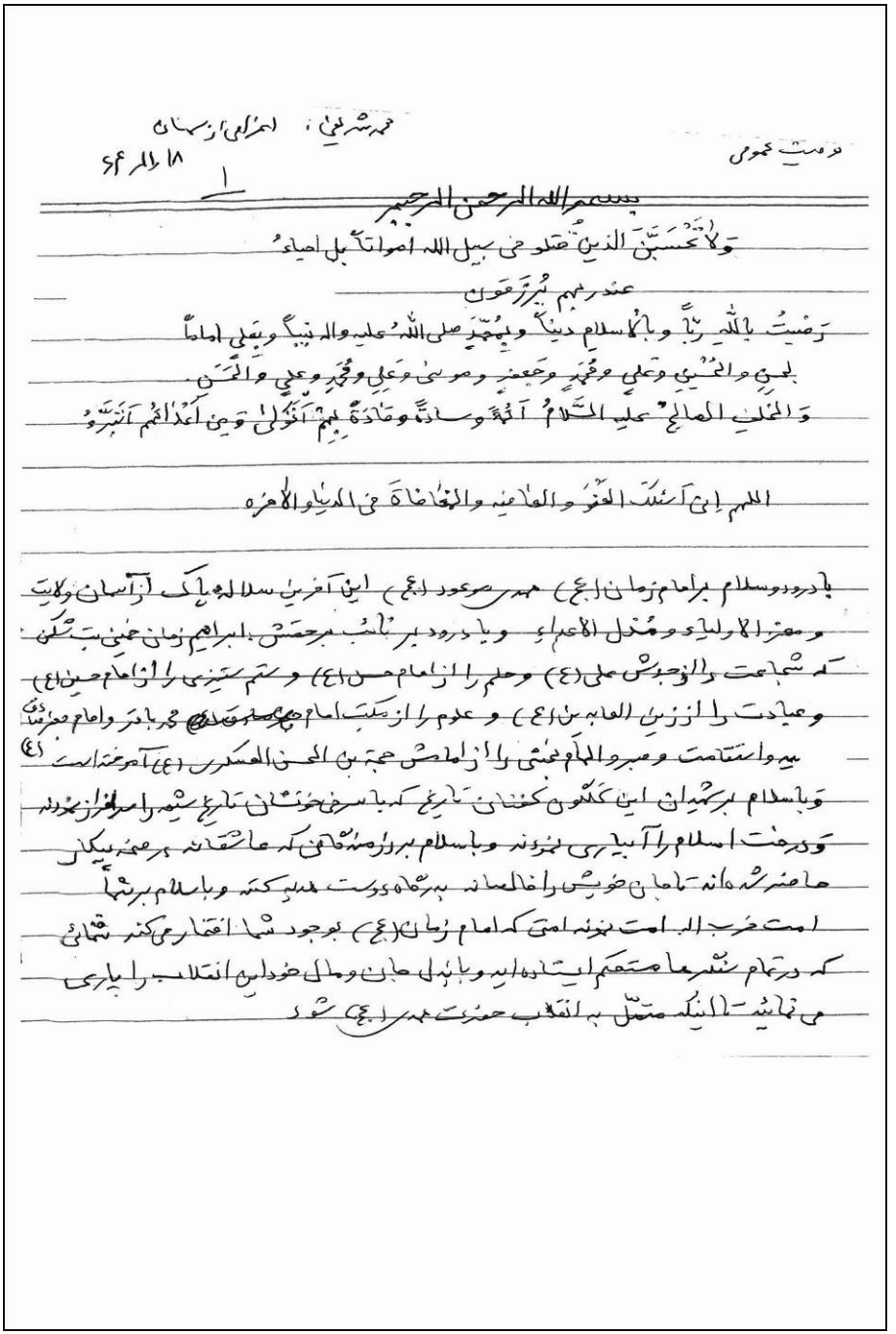

وصیت عمومی

محمدرضا ... امراللهی از سمنان

۱۸ سال ۶۴

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

رَضِيتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِالْإِسْلَامِ دِينًا وَبِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيًّا وَبِعَلِيٍّ إِمَامًا وَبِالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَجَعْفَرٍ وَمُوسَى وَعَلِيٍّ وَمُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَالْحَسَنِ وَالْخَلَفِ الصَّالِحِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَئِمَّةً وَسَادَةً وَقَادَةً بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ وَالْمُعَافَاةَ فِي الدِّينِ وَالْآخِرَةِ

با درود و سلام بر امام زمان (عج) مهدی موعود (عج) این آخرین سلاله پاک آسمان ولایت و مفتخر الاولیاء و مُذل الاعداء و با درود بر نائب برحقش ابراهیم زمان خمینی بت شکن که شجاعت را از وجود علی (ع) و حلم را از امام حسن (ع) و علم و تقوی را از امام حسین (ع) و عبادت را از زین العابدین (ع) و علوم را از صلب امام محمد باقر و امام جعفر صادق (ع) و سیاست و صبر و الهام بخشی را از امام حسن عسکری (ع) آموخته است (ع) و با سلام بر شهیدان این کشور که با سرخ خونشان تاریخ شیعه را سرافراز نمودند و درخت اسلام را آبیاری نمودند و با سلام بر روانهای پاکی که عاشقانه و عجولانه به پیشواز حضرت حق شتافتند تا جان خویش را فدا نمایند به پا خاسته و دست به دست هم دهید و با سلام بر شما امت ضرب الامت نمونه امتی که امام زمان (عج) بوجود شما افتخار می کند شما ای که در تمام نقاط مستقر ایستاده اید و با بذل جان و مال خود این انقلاب را یاری می نمائید تا اینکه متصل به انقلاب حضرت مهدی (عج) شود

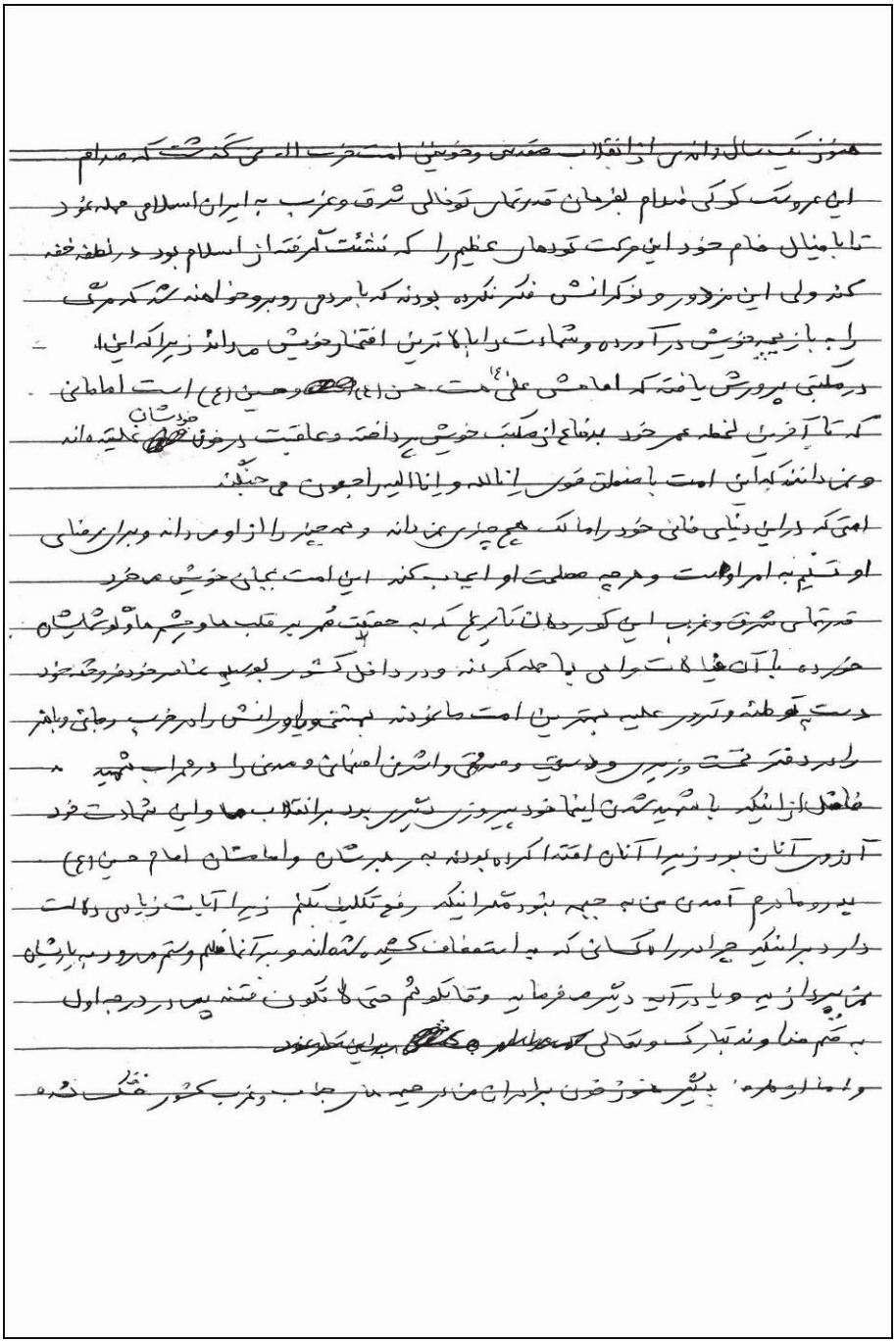

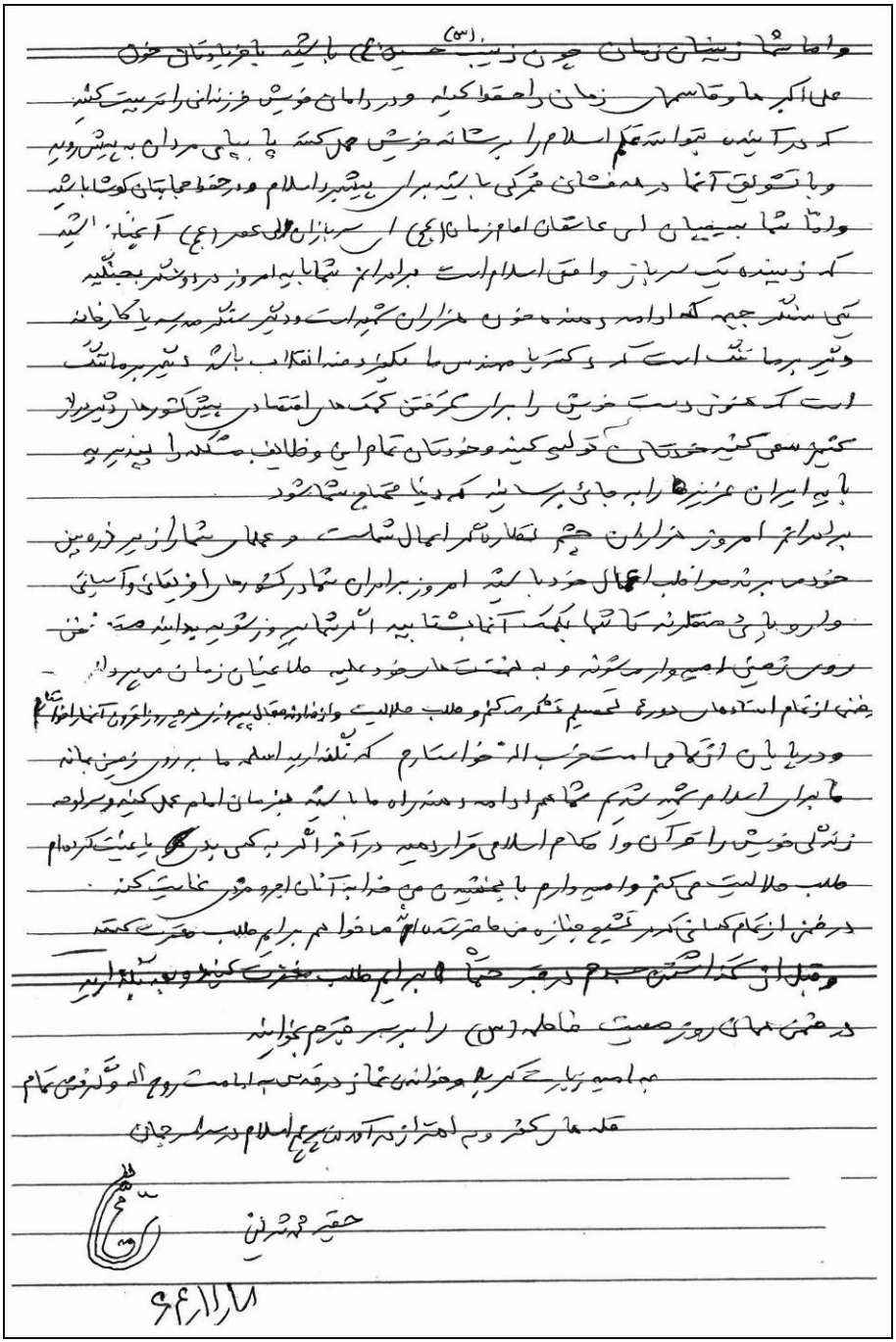

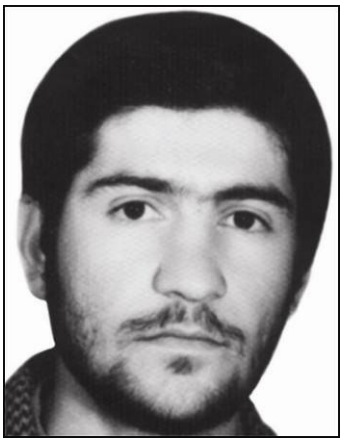

نام: **هادی**
نام خانوادگی: شریفی
نام پدر: رضا
نام مادر: فروغ
تاریخ تولد: پانزدهم شهریور ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: سال اول کارشناسی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و نهم آبان ۱۳۶۶
محل شهادت: ماووت عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- اعتقاد به ولایت فقیه، که همانا استمرار حرکت انبیاست و اعتقاد به رهبری امام امت، خمینی بزرگوار و کبیر دارم.
- هرگز، حتی برای یک لحظه، امام را تنها نگذارید.
- هرگز دیگر، تا انقلاب مهدی(عج)، چنین امام و انقلابی گیرتان نمی‌آید.
- در نمازهای جمعه و دیگر اجتماعات، که باعث سربلندی اسلام می‌گردد، شرکت کنید.
- ای برادران و خواهران دینی! تقوای خدا را پیشه کنید.
- شهید تأثر دارد ولی تأسف ندارد.
- شهید همنشین ائمهٔ اطهار و پیامبران است.
- شهید است که با اهداء خون خود به خدا، دین خدا را در عالم زنده نگه می‌دارد.
- شهادت مقامی است که خداوند از بین بندگان خود، بندگانی خاص و خالص را گلچین می‌کند.
- همهٔ‌خواهران اسلامی، با حفظ حجاب خود که زینت زن مسلمان می‌باشد، پاسدار حرمت خون شهیدان و ارزش‌های مکتب گرانقدر اسلام باشید.
- امیدوارم از دعاهای شما کربلا هر چه زودتر آزاد گردد.

## هادی شریفی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّ الذّین قالوا[1] ربّنا الله ثم استقاموا تتنزّل علیهم الملائکة الاّ تخافوا ولا تحزنوا و ابشروا بالجنّة الّتی کنتم توعدون»** (سوره فصلت/ آیه ۳۱)

«آنان که گفتند خدای ما الله است و سپس بر این آرمان مقدس خود پافشاری کردند، فرشتگان بر آنان فرود آیند که نترسید و غمگین نباشید و شما را به بهشتی که وعده دادند، بشارت باد».

بارالها، پروردگارا، معبودا! شکر می‌کنم به تمامی نعمت‌هایت که بر ما ارزانی داشتی و هر لحظه شکرگذار این نعمت‌های بی‌پایانت هستم. بارالها تو را صدهزار مرتبه شکر می‌کنم که به این بندهٔ گنهکارت توفیق عنایت کردی که در این جهاد مقدس حضور پیدا کند.

الهی، ای خالق من، ای معبود من! حال که توانستم در جهاد فی سبیل‌الله شرکت کنم، از تو می‌خواهم که مرا در این راه ثابت قدم واستوار بداری. انشاءالله این جهاد مورد رضای تو قرار گیرد.

سلام علیکم

با سلام و درود بی‌کران به پیشگاه مقدس دوازدهمین اختر تابناک امامت و ولایت، حضرت مهدی موعود (عج) و درود بر نایب برحقش، این ابرمرد خستگی‌ناپذیر واین کسی که قلم از نوشتن زحمات بی‌نظیر او و خدمتی که به اسلام کرده است قاصر است و این بت‌شکن قرن، حضرت امام خمینی و با سلام بر شهدای اسلام به‌خصوص شهدای جنگ تحمیلی، اینان که با نثار خونشان درخت اسلام را آبیاری نموده و اسلام را زنده کردند. و سلام بر سید و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) و درود بر امت قهرمان ایران، به‌خصوص خانواده‌های معظم شهدا، که خداوند صبر جمیل و اجر جزیل به آنها عنایت کند و بر تأییداتشان بیفزاید.

---

۱- دراصل وصیت «قالو».

اینجانب حقیر هادی شریفی فرزند رضا با توجه به اینکه به ارکان زیر استوار و پابرجا هستم، وصیت را آغاز می‌کنم.

اینجانب اعتقاد قلبی به وحدانیت پروردگار و اعتقاد به فرستادگانش (پیامبران و ائمهٔ اطهار) و اعتقاد به ولایت فقیه، که همانا استمرار حرکت انبیاست و اعتقاد به رهبری امام امت، خمینی بزرگوار و کبیر دارم.

اما پیامم به امت شهیدپرور ایران، به‌خصوص مردم شهیدپرور سمنان، این است: هرگز از مذهبی چون اسلام، این نور الهی و این نور پرتوافکن، که راهی است مستقیم که خداوند برای انسان‌ها قرار داده است، دوری نجویید. و از موهبتی الهی چون امام خمینی، این ادامه دهندهٔ راه انبیاء و نایب حضرت حجت، این ابرمردی که جهان امروز را به حرکت واداشته، کمال استفاده را بکنید و از تمامی دستورات و فرامین او اطاعت کنید که حکم او حکم الله است. و هرگز، حتی برای یک لحظه، امام را تنها نگذارید و همگام با انقلاب و در کنار خمینی، به راه خود که همانا زنده نگه‌داشتن اسلام و قرآن است، ادامه دهید و در برابر هر قشری و یا قدرتی، چه در داخل و چه در خارج ایران اسلامی، که می‌خواهد با انقلاب مبارزه کند، بایستید و تمامی دشمنان اسلام را نابود کنید و ایران را تبدیل به مملکتی مستقل و آزاد از هر حیث بنمایید که هرگز دیگر، تا انقلاب مهدی(عج)، چنین امام و انقلابی گیرتان نمی‌آید.

اما مسئلهٔ‌اصلی جنگ است که امام حسین(علیه‌السلام) روی آن تأکید می‌کنند. جنگ را، به قول امام امت، از اهم امور قرار دهید و به جبهه‌ها بشتابید که فتح نهایی نزدیک است انشاءالله و حرم حسین(علیه‌السلام) پذیرای رزمندگان اسلام است. و هر چه در توان دارید به این جنگ کمک کنید و همین‌طور حتی‌المقدور در نمازهای جمعه و دیگر اجتماعات، که باعث سربلندی اسلام می‌گردد، شرکت کنید تا خود را در جهان ملتی شرافتمند و باحیثیت معرفی نمایید.

و ای برادران و خواهران دینی! تقوای خدا را پیشه کنید واز آنچه باعث آلوده شدن روح و تاریکی قلب می‌شود، اجتناب کنید و نفس و روح خود را تزکیه و پاک نگه‌دارید، باشد که از مقربان درگاه خداوند قرار گیرید.

همچنین به آنها که از روی ناآگاهی با انقلاب و دولت و امام و جمهوری اسلامی و یا به عناوین با قائم مقام رهبر، حضرت آیت‌الله منتظری[1]، که مورد تأیید کامل امام امت هستند، مخالفت می‌کنند، بگویید به دامان پرافتخار اسلام برگردید و با امام عزیزمان همگام شوید و داد مخالفت را دیگر سر ندهید که جهل و نادانی دیگر بس است که انسان با قدری تأمل به راه راست هدایت می‌شود. باشد که توبه کنندگان در دنیا و آخرت رستگار شوند.

و اما از تمامی کسانی که به هر نحوی، مطلبی را به من آموخته‌اند، به‌خصوص معلمین ابتدایی و راهنمایی و دبیران دبیرستان و استادان دانشگاه، به‌خاطر زحمات بی‌دریغی که کشیده‌اند و زحمات وافری را برای بالا بردن سطح معلومات جامعه متحمل شدند، کمال تشکر را می‌نمایم، چرا که همگی نقش مهمی در بالا رفتن علم و ارتقای سطح معلومات جامعه داشتند و دارند و حق زیادی بر گردن همگی ما دارند و اگر احیاناً در این امر از من غفلتی مشاهده کرده‌اید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید. انشاءالله خداوند همگی شما را برای مدارج علمی و معنوی بالاتر یاری بفرماید.

و ای دانشجویان گرامی که شما اسکلت جامعه را تشکیل می‌دهید، همراه با تعهد و ایمان به خدا، به دنبال تخصص‌ها بروید و در راه کسب علم و تزکیهٔ نفس از هیچ کوششی دریغ نکنید و آنچه در وسع شماست تلاش کنید و جامعه را از لحاظ علمی و معنوی به درجه‌ها و رتبه‌های بالا برسانید، تا استقلال مملکت خود را به‌دست آورده و در سایهٔ این استقلال، با اتکال به خداوند، با قدرت‌هایی که در صدد نابودی ایران اسلامی و وابسته کردن این کشور می‌باشند، مبارزه کنید. فقط این مطلب را در ذهن داشته باشید که تخصص همراه تعهد می‌تواند مثمرثمر باشد و در غیر این‌صورت ممکن است عواقب ناگواری به دنبال داشته باشد و علم در خدمت نابودی بشر درآید.

و اما ای خانوادهٔ عزیز، به‌خصوص پدر و مادرم:

من به این موضوع واقفم که در طول دوران زندگی، حق فرزندی را آن‌طور که باید ادا نکردم و آنچنان که خدا کاملاً به آن راضی باشد نبودم و گهگاهی موجب ناراحتی‌هایی شده بودم ولی انسان چه کند که خطاکار است و گاهی غفلت او را از کارهای خیر باز

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

می‌دارد. حال من آگاهی بیشتری نسبت به مسائل پیدا کردم و درک کردم که آن حقی که فرزند به گردن پدر و مادر دارد خیلی افزون‌تر از این اعمال اندک می‌باشد و برای ادا کردن حق کامل خانواده، به‌خصوص پدر و مادر، انسان باید از درجه تقوی و اخلاص زیادی برخوردار باشد اما از شما می‌خواهم هر کمبودی که از من مشاهده کرده‌اید، مرا به بزرگواری خودتان ببخشید و حلال کنید.

ای مادرم! شما که یک لحظه از من غافل نبودید و برای تربیت و پرورش من زحمات شبانه‌روزی و بی‌دریغی را بر خود پذیرفتند و به انجام رساندید و آن وظیفهٔ الهی خود را ادا کردید. در این راه مشکلات بسیاری را متحمل شدید تا یک فرزند متعهدی به جامعه تحویل دهید.

خانوادهٔ عزیز، پدر و مادرم و خواهران و برادرم:

اگر خبر شهادت مرا به شما رساندند، غمگین مباشید و صبور و بردبار باشید و هرگز از فقدان فرزندتان تأسف نخورید (شهید تأثر دارد ولی تأسف ندارد). و در نزد خدا سرافراز و شادمان باشید که خداوند چنین نعمت خیری را به شما ارزانی داشته است، چرا که شهید به دیدار معشوق خود که الله است رفته و چه دیداری از این بالاتر؟ کجا می‌توان یافت؟ بالین شهید را در موقع شهادت، حضرت حسین ابن علی(علیه‌السلام) گرفته و در کنار رسول‌الله و فرزندانش، با آن هالهٔ فروزانی که از شهید می‌درخشد، حلقه می‌زند و شهید همنشین ائمهٔ اطهار و پیامبران است، که چه خوش هم‌نشینانی هستند. شهید است که با اهداء خون خود به خدا، دین خدا را در عالم زنده نگه می‌دارد، کما اینکه عده‌ای از علمای خالص و عارف دین با آرزوی شهادت زنده ماندند ولی به فوز عظیم شهادت نایل نیامدند. خود قرآن مقام شهید را وصف می‌کند که با مراجعه به قرآن، جملگی از حقایق آشکارا بیان می‌شود. شهادت دیدار عاشق است و معشوق، که عاشق خود را آزاد نمی‌بینید مگر به یار و معشوق خود برسد و به لقاءالله بپیوندد و شهادت مقامی است که خداوند در بین بندگان خود، بندگانی خاص و خالص را گلچین می‌کند که نصیب هر بنده‌ای نخواهد شد.

خانواده! مقاوم باشید و اسوهٔ صبر و استقامت باشید و من مانع از گریه کردن شما نمی‌شوم، ولی اگر گریه می‌کنید برای سرور و سالار شهیدان حضرت اباعبدالله

الحسین(علیه‌السلام) گریه کنید که اشک ریختن برای امام حسین(علیه‌السلام) باعث ثواب فراوان و بخشش گناهانمان می‌شود.

ای مادر که همیشه محبت‌هایتان و عشقتان به فرزند لبریز بوده است! انشاءالله با فاطمه زهرا(علیهاالسلام) محشور شوید و نزد آن حضرت در روز قیامت سربلند باشید. همچنین برادر کوچکم احمد را با تربیتی چون گذشته و در سایهٔ تعالیم اسلامی تربیت کنید، تا فردی باتقوا به جامعه تحویل دهید و اگر حضرت مهدی(عج) ظهور کردند، در رکاب آن حضرت، با کفر مبارزه کند (احمد را عوض من ببوسید). و ای برادرم و خواهرانم! بعد از شهادت من، همان‌طور که تا به‌حال در خط اسلام و انقلاب و امام بوده‌اید، از این به بعد هم در خط اسلام راستین باشید و الگوهای تقوا[1] صبر و بردباری در این جامعه باشید و خواهرانم و همهٔ‌خواهران اسلامی، با حفظ حجاب خود که زینت زن مسلمان می‌باشد، پاسدار حرمت خون شهیدان و ارزش‌های مکتب گرانقدر اسلام باشید.*

و پیامم به خانواده‌های شهدا این است: اکنون که از این آزمایش خدا سرافراز شدید و فرزندانتان را در راه خدا فدا کردید، صبور و بردبار باشید، تا انشاءالله رزمندگان عزیز پیروزی کامل را به ارمغان آورند، تا بتوانید در کنار امام امت، کربلا را زیارت کنید. و امیدوارم از دعاهای شما کربلا هر چه زودتر آزاد گردد تا به زیارت بروید[2] فقط همان‌طوری که تا به حال صبر کردید، از این به بعد هم صبر را پیشه کنید که خداوند اجری بس عظیم به شما عنایت می‌کند و رزمندگان اسلام به دعای خیر شما نیازمندند.

و ای رزمندگان کفرستیز اسلام! به پیش روید، با عزمی مصمم و استوار که فتح نهایی نزدیک است و همان‌طور که جنگ را تا به‌حال پیش بردید، از این به بعد هم آن را تا پیروزی نهایی ادامه دهید.

ای امام عزیز! من خیلی آرزو داشتم که شما را، یعنی چهرهٔ نورانی شما را، زیارت کنم و هنوز هم این آرزو را دارم که سیمای مبارک شما را زیارت کنم و انشاءالله خدا به من و همهٔ ملت توفیق عنایت کند که شما را زیارت کنیم.

---

۱- دراصل وصیت «تقو».

۲- در اصل وصیت پس از کلمهٔ زیارت کلمه‌ای افتاده است به سیاق عبارت باید واژه «بروید» باشد.

*. پس از اتمام این قسمت از وصیت نوشته شده «بقیه وصیت در کاغذ بعدی از صفحه ۱۳ شروع می‌شود».

و در پایان، بار دیگر از شما امت شهیدپرور می‌خواهم که حضور در صحنه را حفظ کنید و امام را تنها نگذارید و همیشه و در هر حال، در خط اسلام و قرآن باشید. همین‌طور از همهٔ شما می‌خواهم که مرا [...][1] حلال کنید و بدی‌هایی که نسبت به هر کس روا داشتیم را، ببخشید و معذرت می‌خواهم.

در ضمن هر کس از من چیزی طلب دارد و یا پولی طلب دارد، وصیّ من پدر بزرگوارم است. دیگر عرضی ندارم و همهٔ شما را به خدای منان می‌سپارم.

**«والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**هادی شریفی ۱۳۶۵/۱/۱**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

از عمر ما بکاه و بر عمر او بیفزا. منتظری نستوه (قائم مقام رهبری) محافظت بفرما. رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما. معلولین و مجروحین شفا عنایت فرما. از صفحهٔ روزگار منافقین را بردار. زیارت کربلا نصیب ما بگردان، دیدار روی مهدی(عج) قسمت ما بگردان.

به امید زیارت کربلا، در زیر سایهٔ همای حسینی، پاینده باد نام مقدس خمینی.

در ضمن این چند صفحه و صفحات قبل را که به‌عنوان وصیت نوشته‌ام، قبلاً نوشته بودم، پس یک تجدید نظری به آن شده است و اگر در جایی خط‌خوردگی دارد، یا تاریخ عوض شده است و یا بد خط نوشته شده است معذرت می‌خواهم.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

سلام علیکم خدمت خانوادهٔ عزیز (مامان و بابا و ریحانه و حمید و شریفه و احمد)

با درود و تهیت به حضرت خاتم الانبیاء، حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و سلالهٔ پاکش، به‌خصوص حضرت بقیةالله الاعظم (روحی و ارواحنا له الفداء) و نایب بر حق و پرتوانش، بزرگ‌مرد تاریخ امروز، حضرت امام خمینی و سلام بر تمامی رزمندگان پرتوان و قوی‌دل لشگر توحید و سلام بر همهٔ شهدای تاریخ مبارزات اسلام، علی‌الخصوص حضرت

---

۱- در اصل وصیت دو کلمه اضافه شده اما با متن همخوانی ندارد.

سیدالشهدا(علیه‌السلام)، امیدوارم حال همگی شما خوب باشد و سالم و تندرست باشید و در پناه خداوند قادر و متعال در زیر الطاف بی‌کرانش مشغول گذراندن امور خیر باشید. من که هم‌اکنون مشغول نوشتن این [...][1] هستم، در یکی از مقرهای عملیاتی هستم و عرض کنم که وصیت کلی را نوشته‌ام و مطالب کلی را در آن قید کرده‌ام (و به تعاون سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داده‌ام که شما می‌توانید از سپاه تحویل بگیرید، که از نظر متن وصیت، درست همان است که هم‌اکنون در دست سپاه می‌باشد و مطمئناً و یقیناً همان است که من نوشته‌ام، چون سپاه مطمئن‌ترین و متعهدترین ارگان‌ها می‌باشد)، اما چند حقی به گردنم هست و چند مطلب دیگر که لازم دیدم علاوه بر آن وصیت، وصیت دیگری به شما خانواده کرده باشم.

بابا! من ۲۰ (بیست) روز روزه قضایی، به واسطهٔ جبهه رفتن سال ۶۱ و چند روزی مسافرت، به دوشم می‌باشد که برای احتیاط شما برایم یک ماه (۳۰ روز) روزه بگیرید و یا هرطور که صلاح می‌دانید بکنید. نمازهای قضا را تا توانسته‌ام خوانده‌ام ولی از شما می‌خواهم برای احتیاط دو ماه برای من نماز بخوانید (صبح و ظهر و عصر و مغرب و عشا) و احتیاطاً یک ماه هم نماز شکسته برایم بخوانید.

همچنین مقدار ۱۷۰ تومان پولی که سعید صدر از من می‌خواست خودتان مسئله‌اش را حل کنید. ضمناً مبلغ ۵۰ تومان برای جبهه نذر کرده بودم و همین‌طور مبلغ ۵۰۰ (پانصد) تومان نذر دیگری است که این پانصد تومان را به هر راه خیری که صلاح می‌دانید پرداخت کنید و هزار تومان هم علاوه بر اینها در راه خیر مصرف کنید، تا اگر حقی بر گردنم مانده باشد، آن را ادا کرده باشم.

دیگر فکر نمی‌کنم به کسی مقروض باشم ولی اگر احیاناً کسی از من طلب مالی یا چیزی را نمود، خودتان مسئله‌اش را حل کنید. (فقط کتاب‌های دانشگاه و کلاً کتاب‌های درسی‌ام را اگر استفاده نکردید، اگر عبدالله خالصی خواست به او بدهید تا استفادهٔ لازم را برده باشد و حقی که کتاب بر گردن ما دارد ادا کند. اما از آنجا که وقتی نعمتی به انسان می‌رسد، باید شکر آن را به‌جا آورد، باید بگویم نعمت بزرگی که خداوند به من عطا نموده است، دوستی عبدالله خالصی [دوست] می‌باشد (که همچنان به قوت خود باقی است). من

---

۱- در اصل وصیت افتادگی دارد.

نه یک بار، بلکه هزاران بار و هر لحظه شکر این نعمت عظیم را به‌جا آورم که چه رفیق و دوستی را در طول عمر پیدا کرده‌ام. من فکر نمی‌کنم تا آخر عمر بتوانم دوستی چون او که تقوی و همهٔ خصلت‌های انسانی و ایمانی در او جمع باشد، را با این خصوصیات پیدا کنم. او، به مانند برادر من است (و شاید لغت مانند هم صحیح نباشد که در مورد او به‌کار برده شود، زیرا محبت‌هایی که یک برادر به انسان می‌کند، در او جمع است) تنها فرق او با احمد یا حمید در این است که فقط نسبت نسبی یا سببی با من ندارد و گرنه او در قلب من جا دارد و این مطالب اغراق نیست، بلکه حقیقت و قلباً می‌گویم. ما با هم عقد اخوت خوانده‌ایم. شاید قلم نتواند با چند کلمه وصف او را گوید، امیدوارم او را چون فرزند خود بدانید و فرقی بین من و او نباشد (البته دوستان خوب زیاد دارم اما [...][1] داریم و [...][2]).

احمد را عوض من ببوسید. انشاءالله با تربیت صحیح و اسلامی، چون گذشته، فردی مؤمن و صالح تحویل خداو جامعه دهید و روزی که توانست مسائل جامعه را درک کند، به او معنای شهید و شهادت را بفهمانید. آنچه مهم است اینکه کارها را برای خدا و از روی اخلاص و تقوی انجام دهیم و ملاک و قدر هر کار، اخلاص در عمل می‌باشد. چرا که باید آنچه را که رضای خدا در آن است و آنچه تکلیف است، همان را انجام دهیم.

انشاءالله شما حمید و ریحانه و شریفه و مامان و بابا الگوهای صبر و مقاومت و ایثار و تقوی و اخلاص در جامعه باشید، چرا که راه مستقیم و راه هدایت، راه خداست.

ای خانوادهٔ عزیز! ممکن است فقدان من برای شما مقداری سخت باشد، اما باید آینه اسلام را بنگریم و ببینیم تکلیف ما در برابر خداوند چیست و رضایت خدا در چه چیزی می‌باشد و خداوند چه چیزی را از ما می‌خواهد و چه تکلیفی را از ما انتظار دارد، تا همان را به انجام برسانیم که اگر این مسائل برایمان حل شود و محبت الهی در دل جایگزین شود، چه بسیار مسائلی در زندگی حل و تلخ‌ها و ناگواری‌ها برای انسان، مبدل به شیرینی می‌شود.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

همیشه همراه امام خمینی حرکت کنیم و گوش به صحبت‌ها و حرف‌های گوهربار ایشان کنیم و آنها را با جان و دل بخریم و آنچه تکلیف کردند، همان را عملاً نشان دهیم و به این تکلیف که تکلیف الهی است عمل کنیم.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا، منتظری نستوه محافظت بفرما، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

ای یوسف خوش نام ما خوش می‌روی بر بام ما «انا فتحنا» الصلا باز ز بام از در درا[۱]

ای بحر پر مرجان من والله[۲] سبک شد جان من[۳] ای جان سرگردان من از گردش این آسیا

بس زیادت‌ها درون نقص‌هاست مر شهیدان را حیات اندر فناست[۴][۵]

امام را دعا کنید، قرآن آرام‌بخش دل‌هاست.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**فرزند شما هادی شریفی**

**۱۳۶۵/۱۲/۲**

---

۱- در اصل وصیت «از بام».

۲- در اصل وصیت «ولله».

۳- شعر از عزلیات شمس اثر مولانا جلال‌الدین محمد بلخی است.

۴- مصرع اول از غزل شماره ۴ (کلیات شمس است) اما مصرع دوم از شاعر دیگری است.

۵- هر مصرع را از یکی از غزلهای کلیات شمس آورده است. بیت آخر وصیت از مثنوی معنوی است.

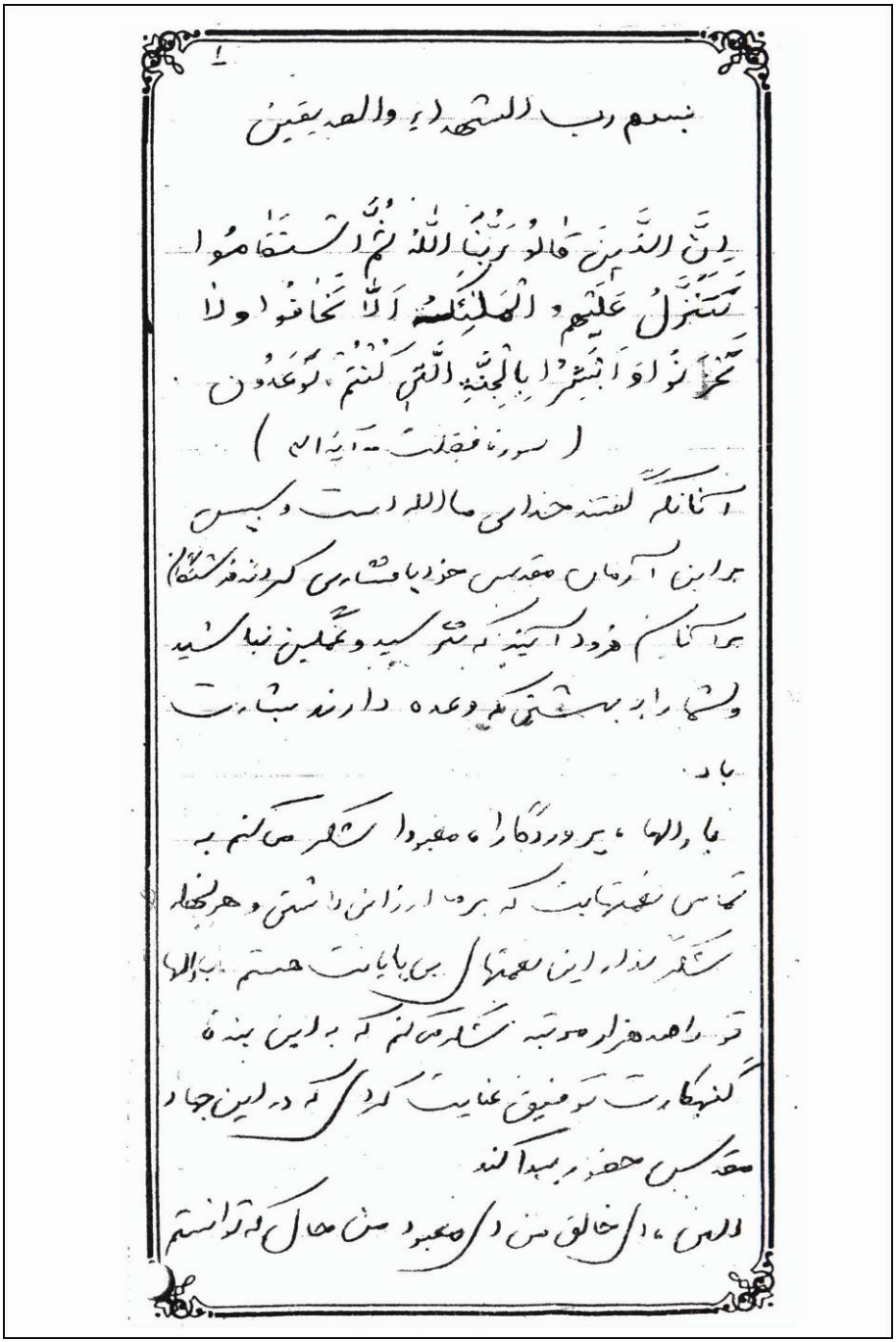

بسم رب الشهداء والصدیقین

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

(سورهٔ فصلت ـ آیهٔ ۳۰)

آنانکه گفتند خدای ما الله است و بس
بر این آرمان مقدس خود پافشاری کردند فرشتگان
بر آنان فرود آیند که نترسید و غمگین نباشید
و شما را به بهشتی که وعده دارند بشارت
باد.

یا الهی، پروردگارا، معبودا شکر می‌کنم به
تمامی نعمتهایت که بر من ارزانی داشتی و هرلحظه
شکر می‌نمایم این نعمتها بی‌پایانت هستند یا الهی
تو را صدهزار مرتبه شکر می‌کنم که به این بنده
گنهکارت توفیق عنایت کردی که در این جوار
مقدس حضور یابد آمد
الهی، ای خالق من ای معبود من محال که تو انستم

۲

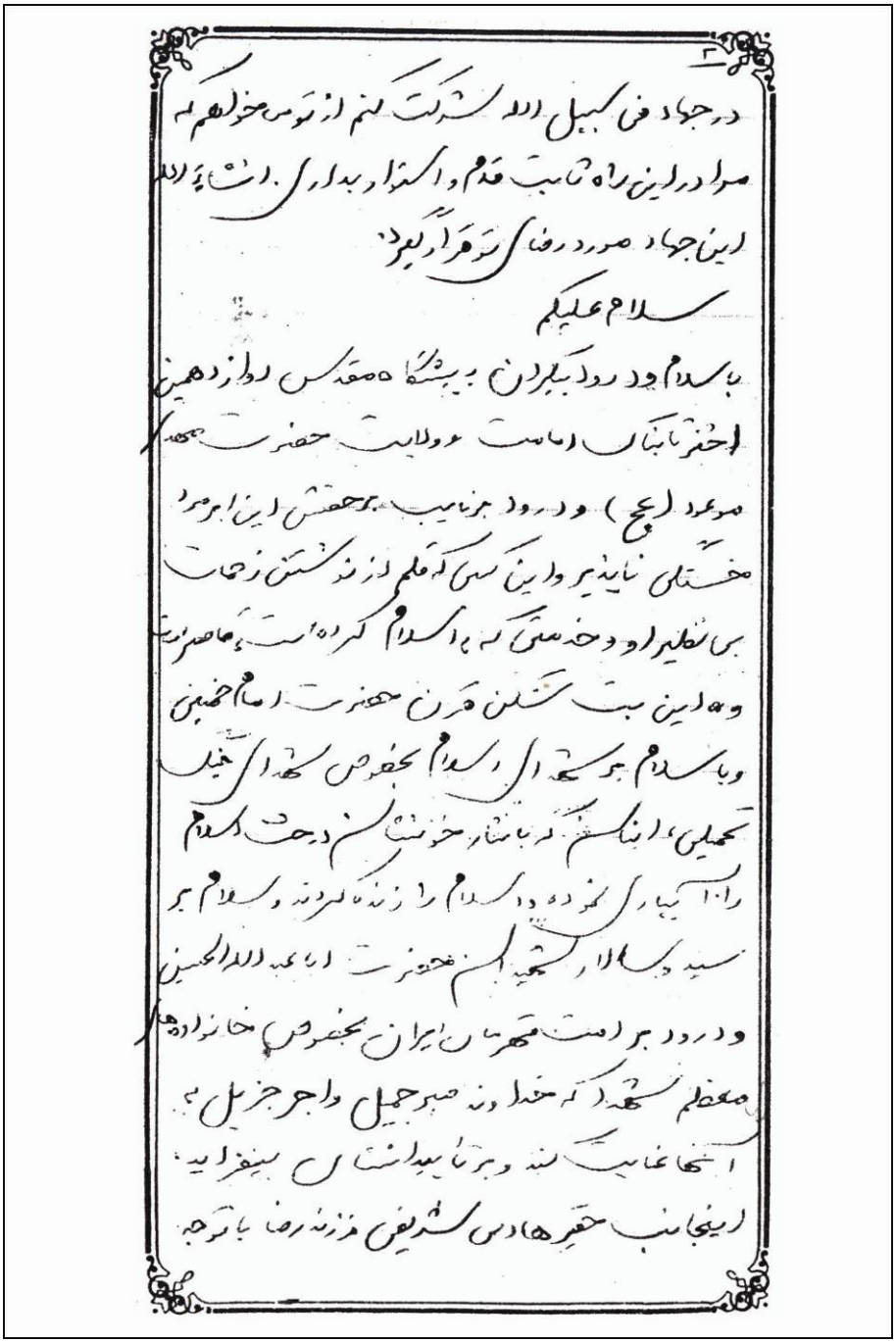

در جهاد فی سبیل الله شرکت کنم از تو می‌خواهم که
مرا در این راه ثابت قدم و استوار بداری. انشاءالله
این جهاد مورد رضای تو قرار گیرد.

سلام علیکم

با سلام و درود بیکران به پیشگاه مقدس دوازدهمین
اختر تابناک امامت و ولایت حضرت مهدی
موعود (عج) و درود بر نایب برحقش این ابرمرد
خستگی ناپذیر و این کسی که قلم از نوشتن زحمات
بی‌نظیر او و خدمتی که به اسلام کرده است قاصر است
و به این بت شکن قرن حضرت امام خمینی
و با سلام بر شهدای اسلام بخصوص شهدای جنگ
تحمیلی، آنانی که با نثار خونشان درخت اسلام
را آبیاری نموده و اسلام را زنده کردند و سلام بر
سید و سالار شهیدان حضرت ابا عبدالله الحسین
و درود بر امت قهرمان ایران بخصوص خانواده‌های
معظم شهدا که خداوند صبر جمیل و اجر جزیل به
آنها عنایت کند و بر تأییداتشان بیفزاید.
اینجانب حقیر هادی شریفی فرزند رضا با توجه

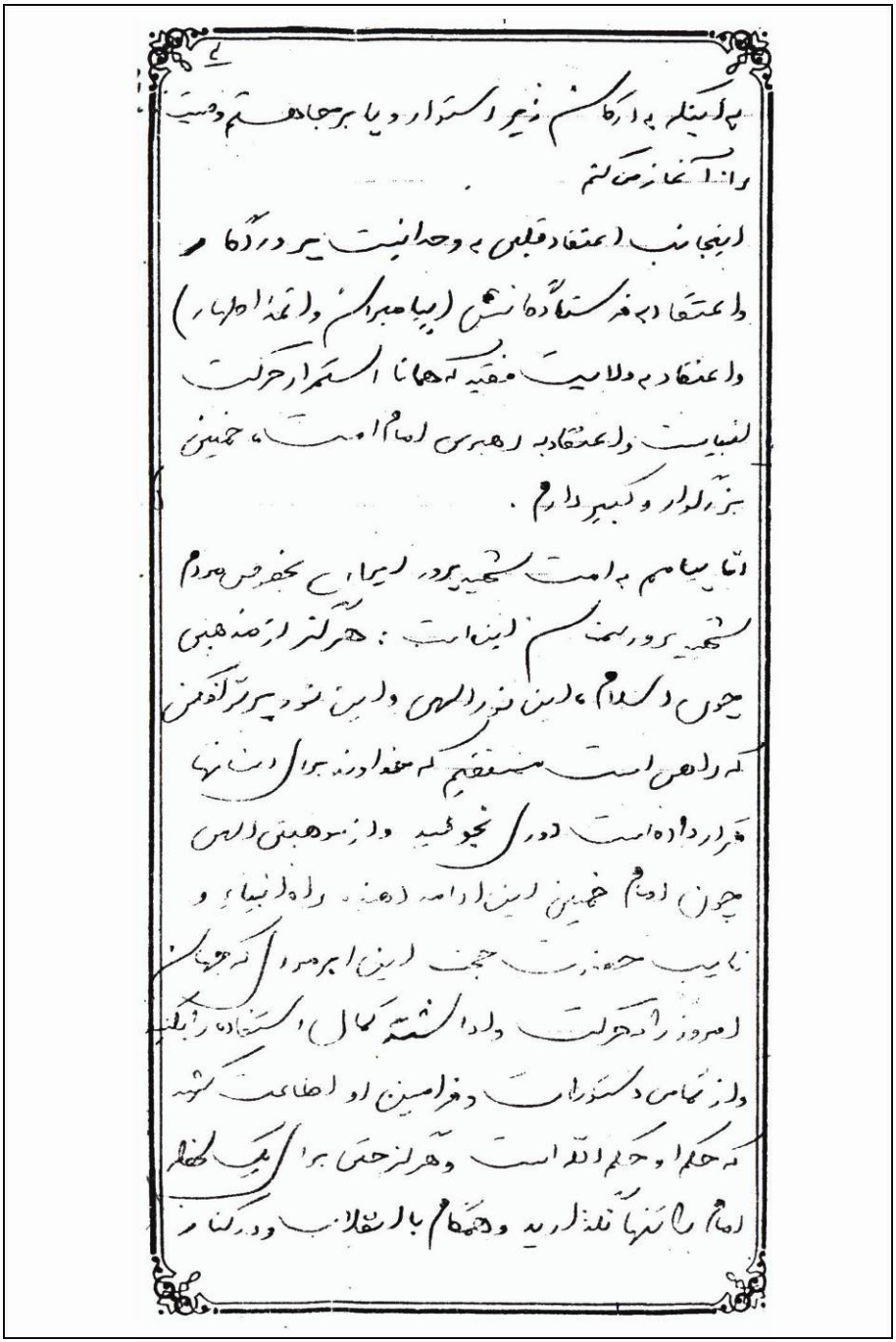

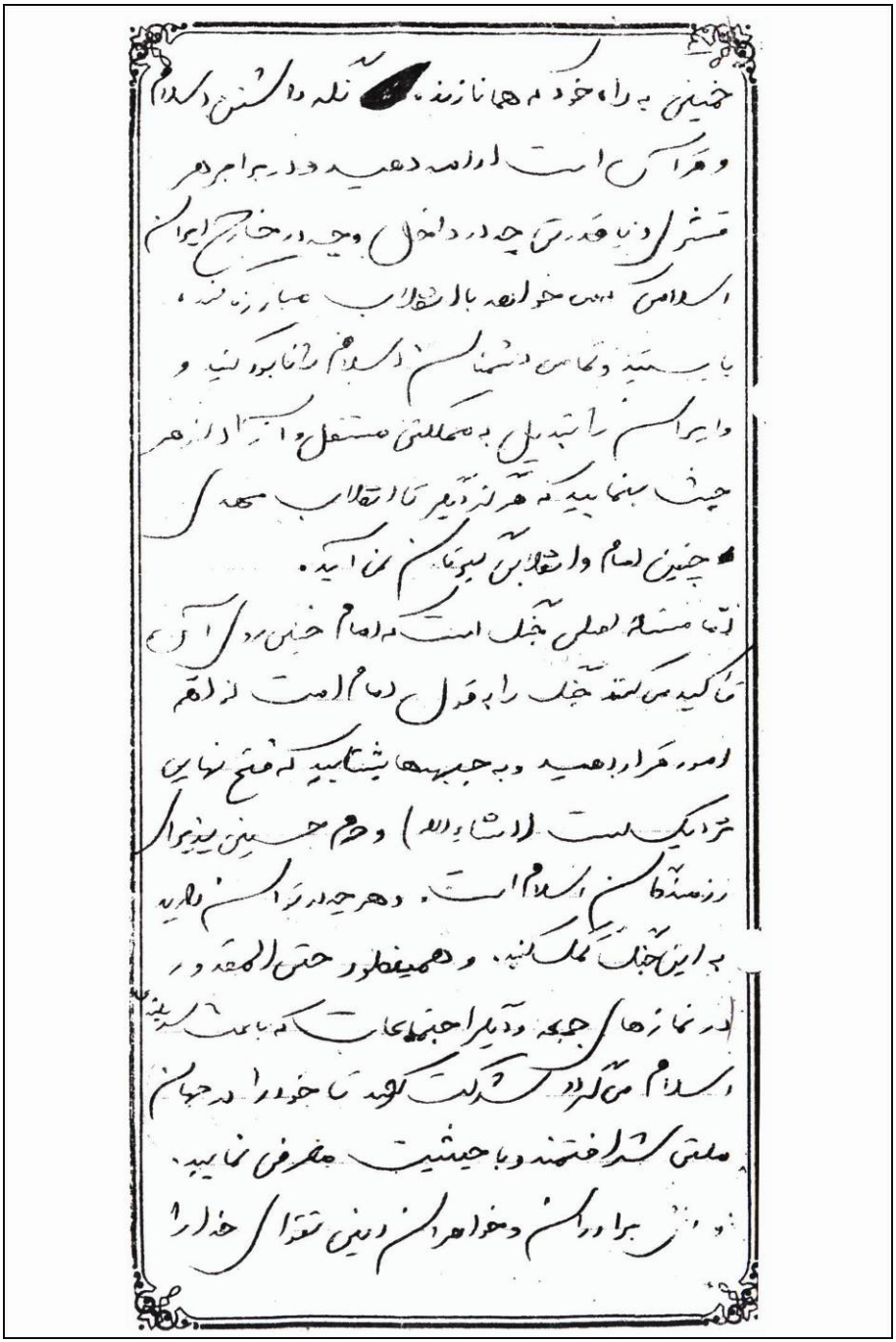

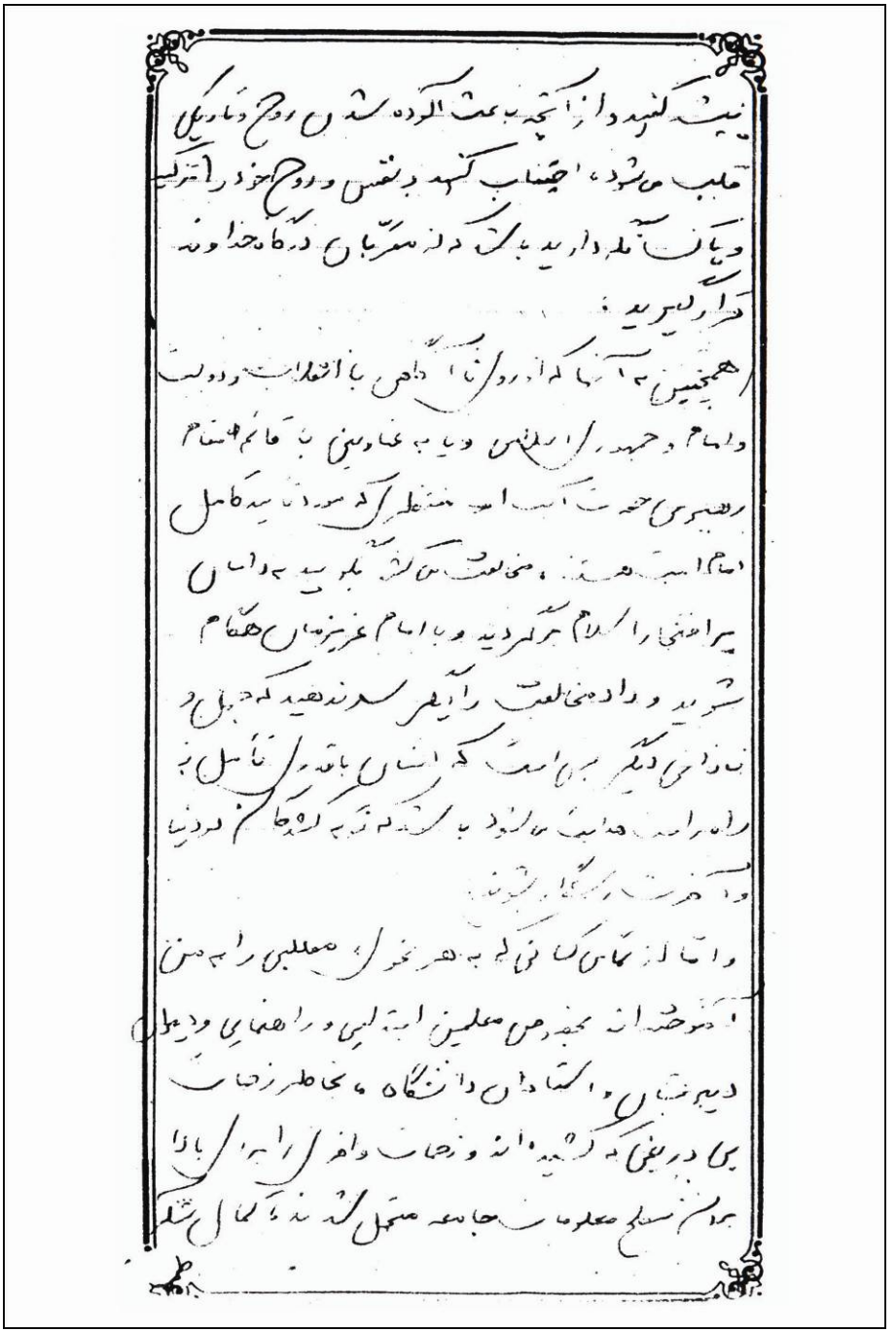

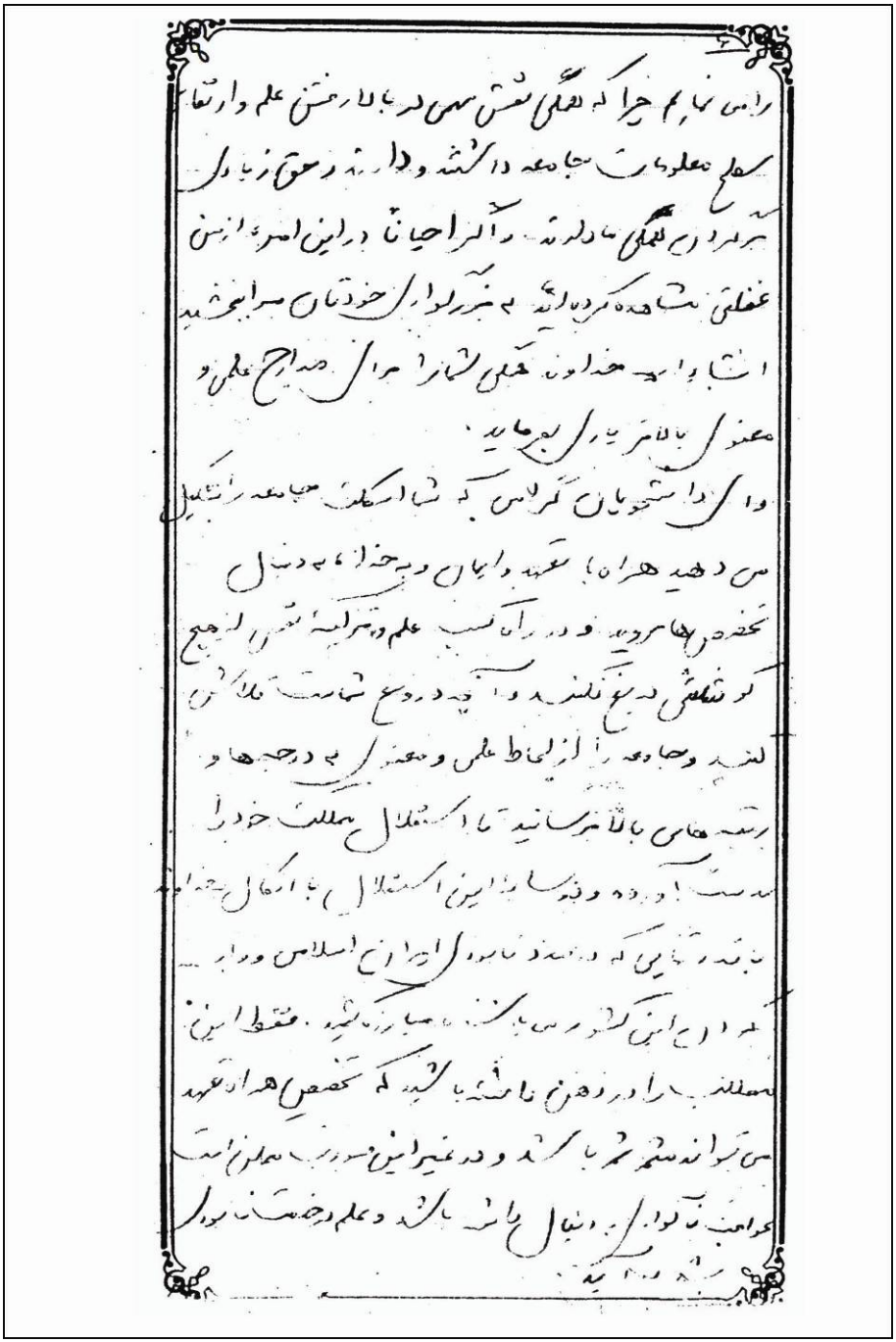

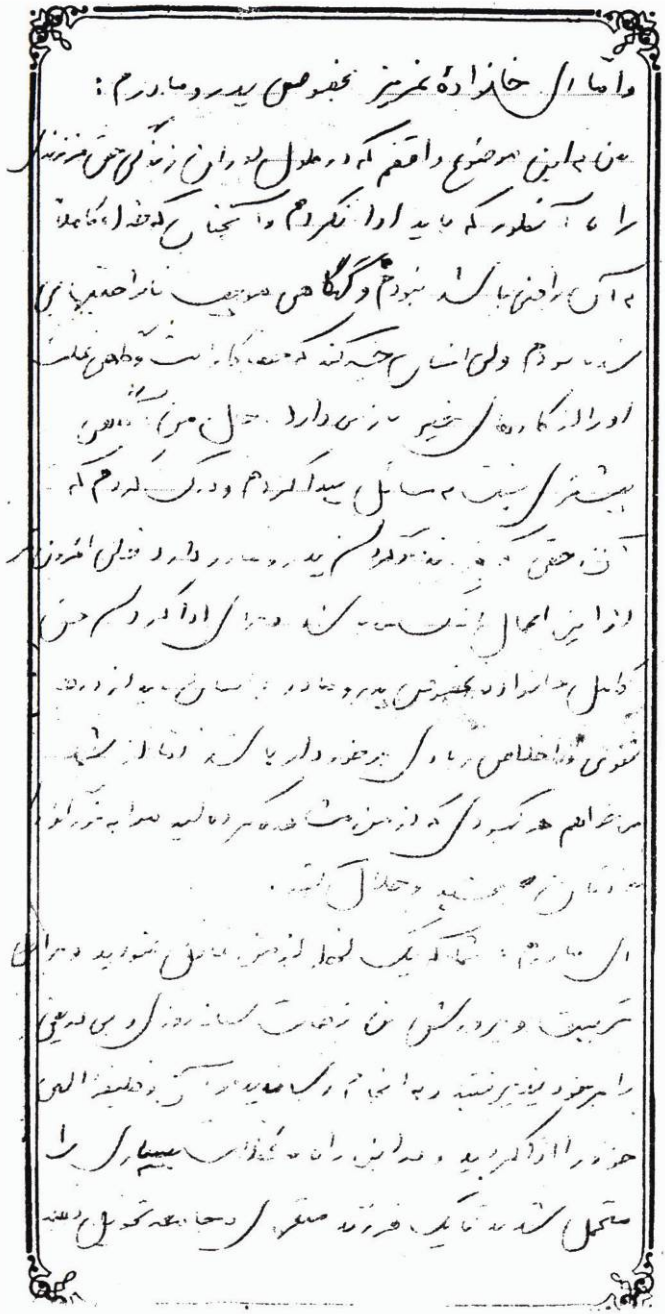

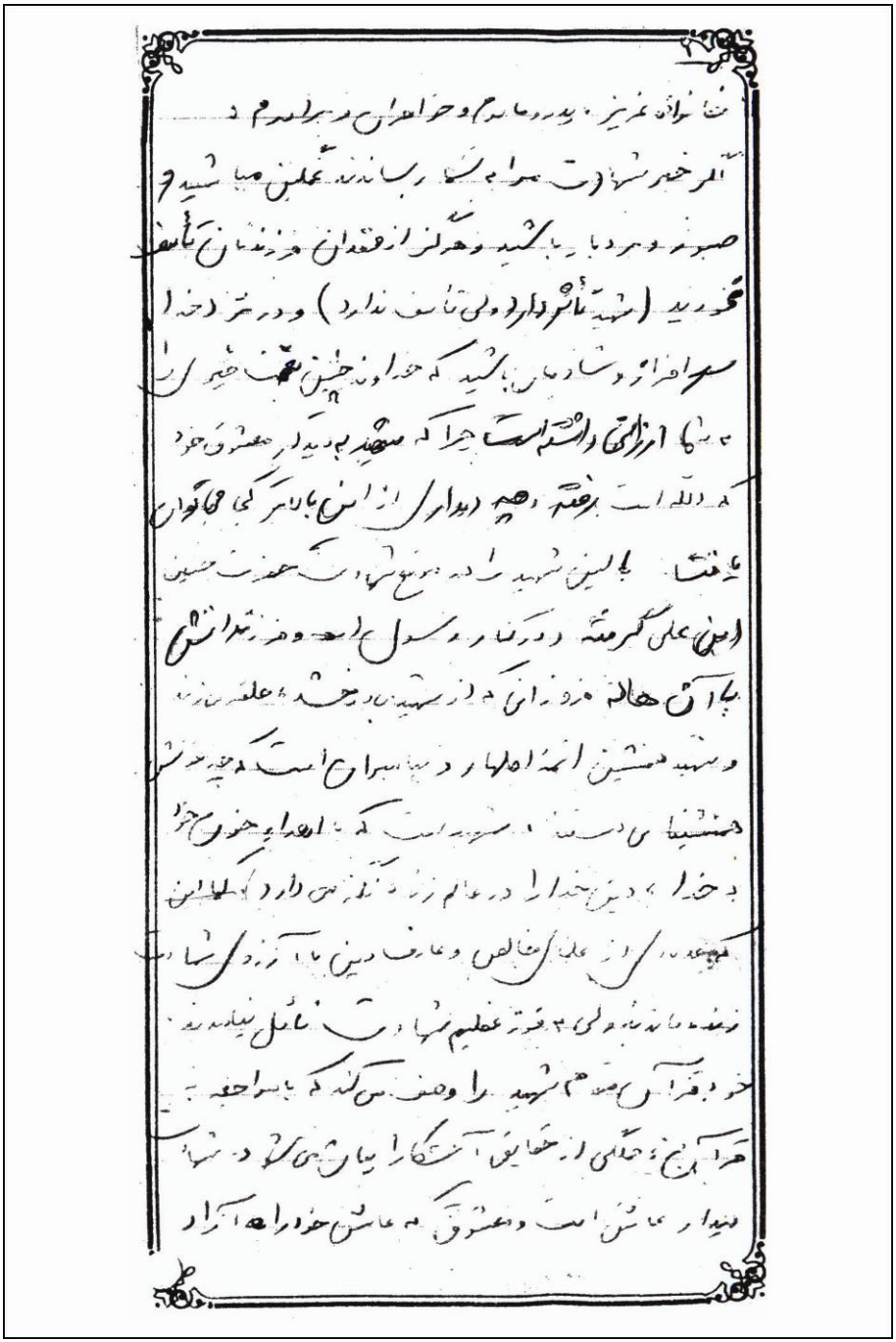

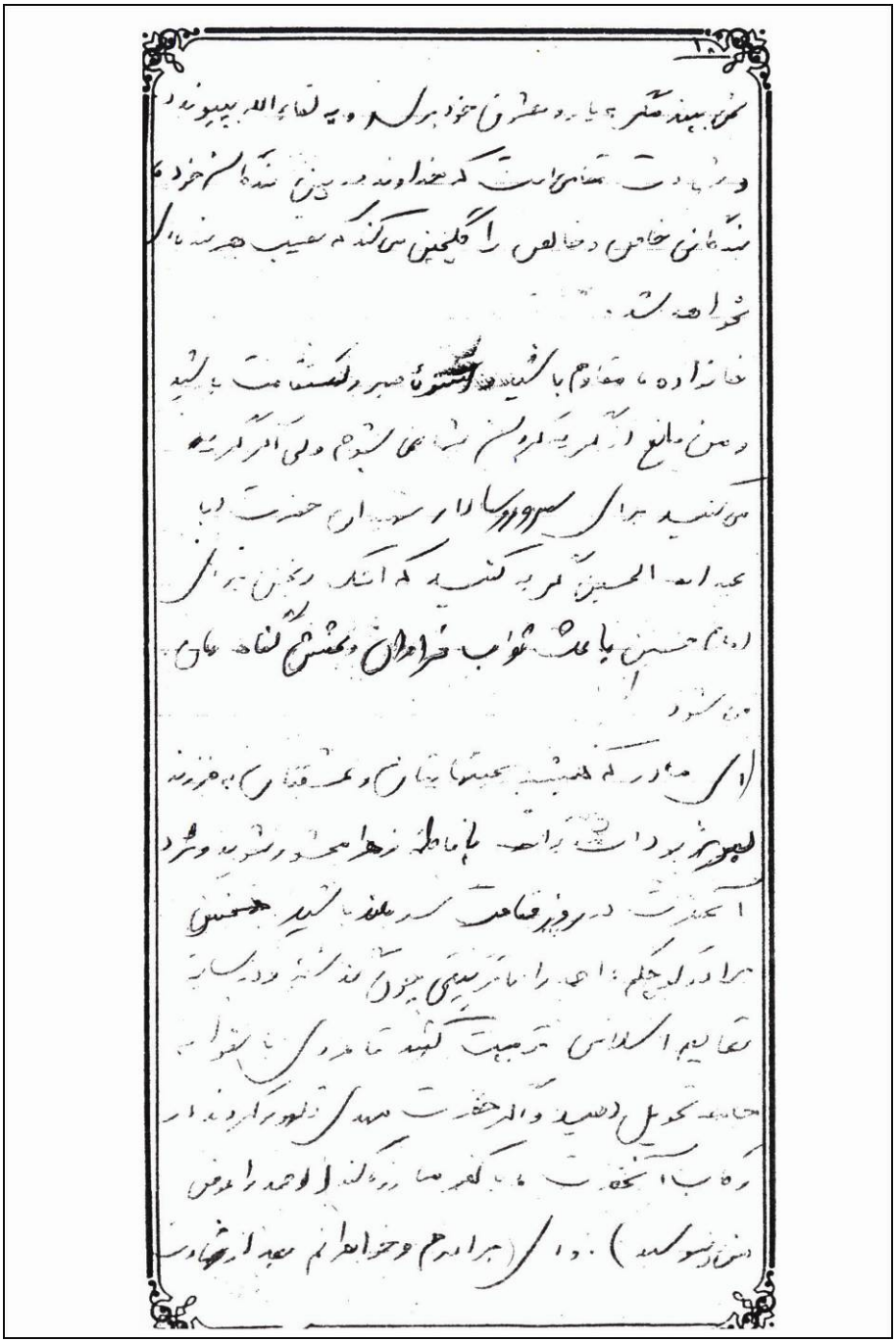

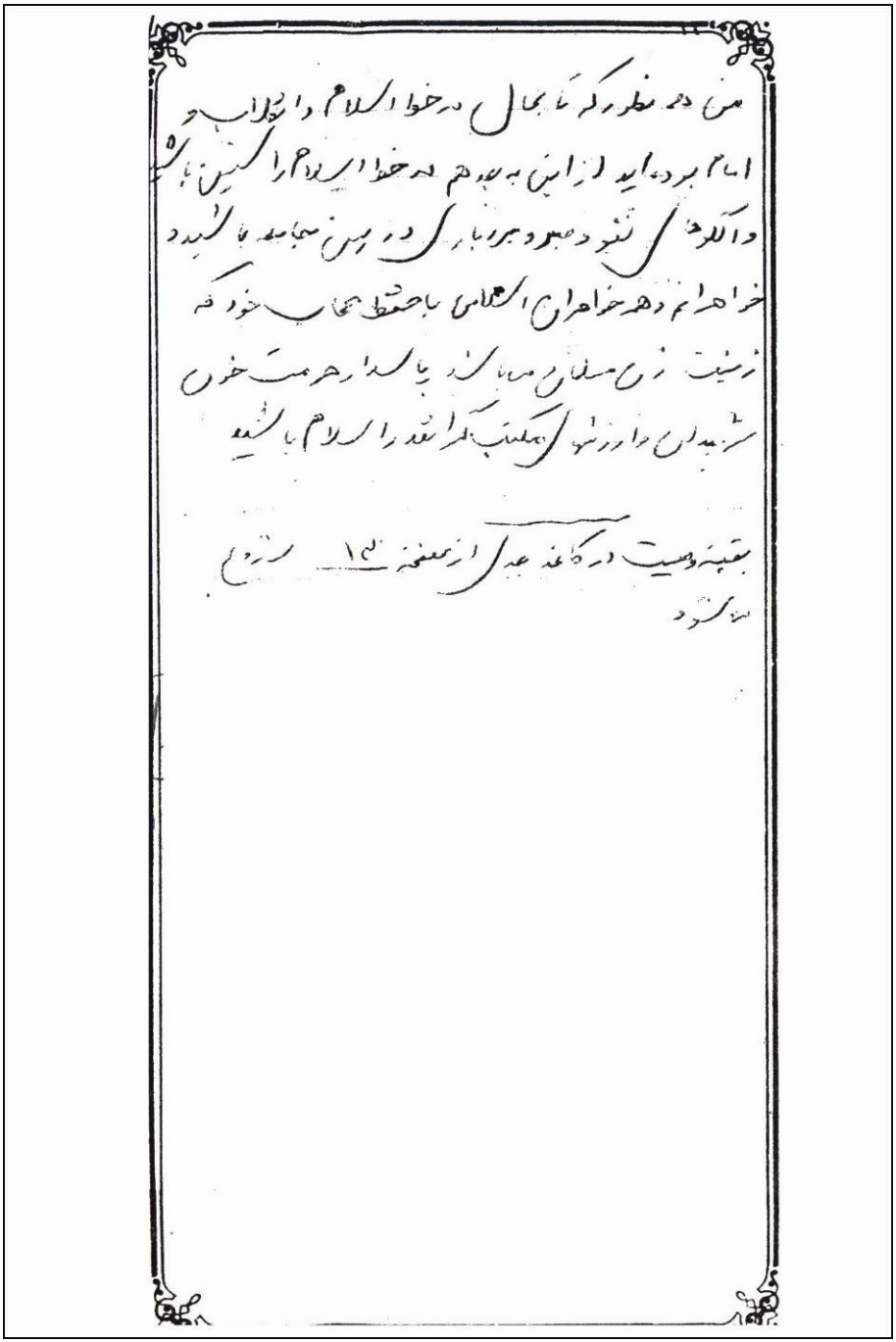

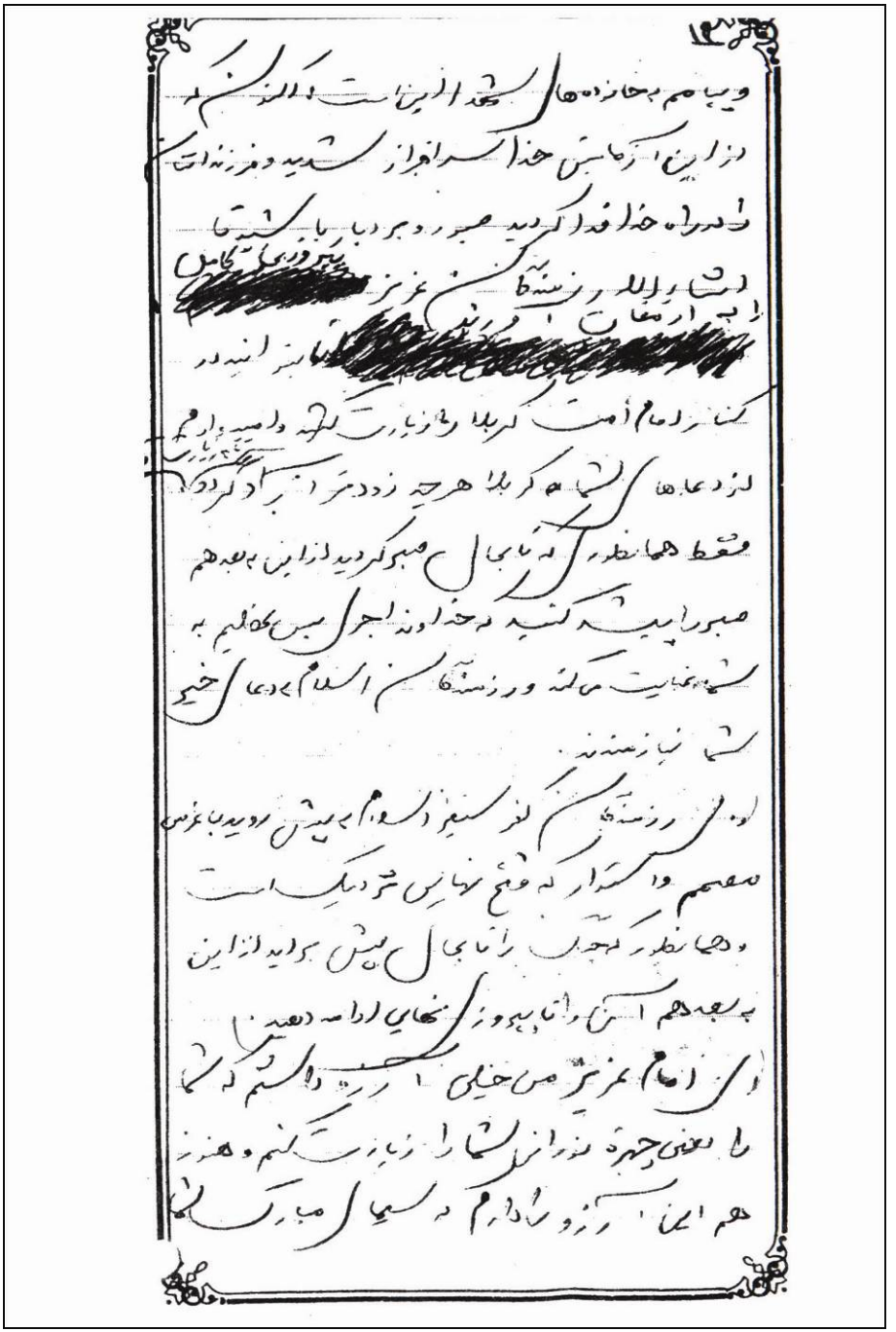

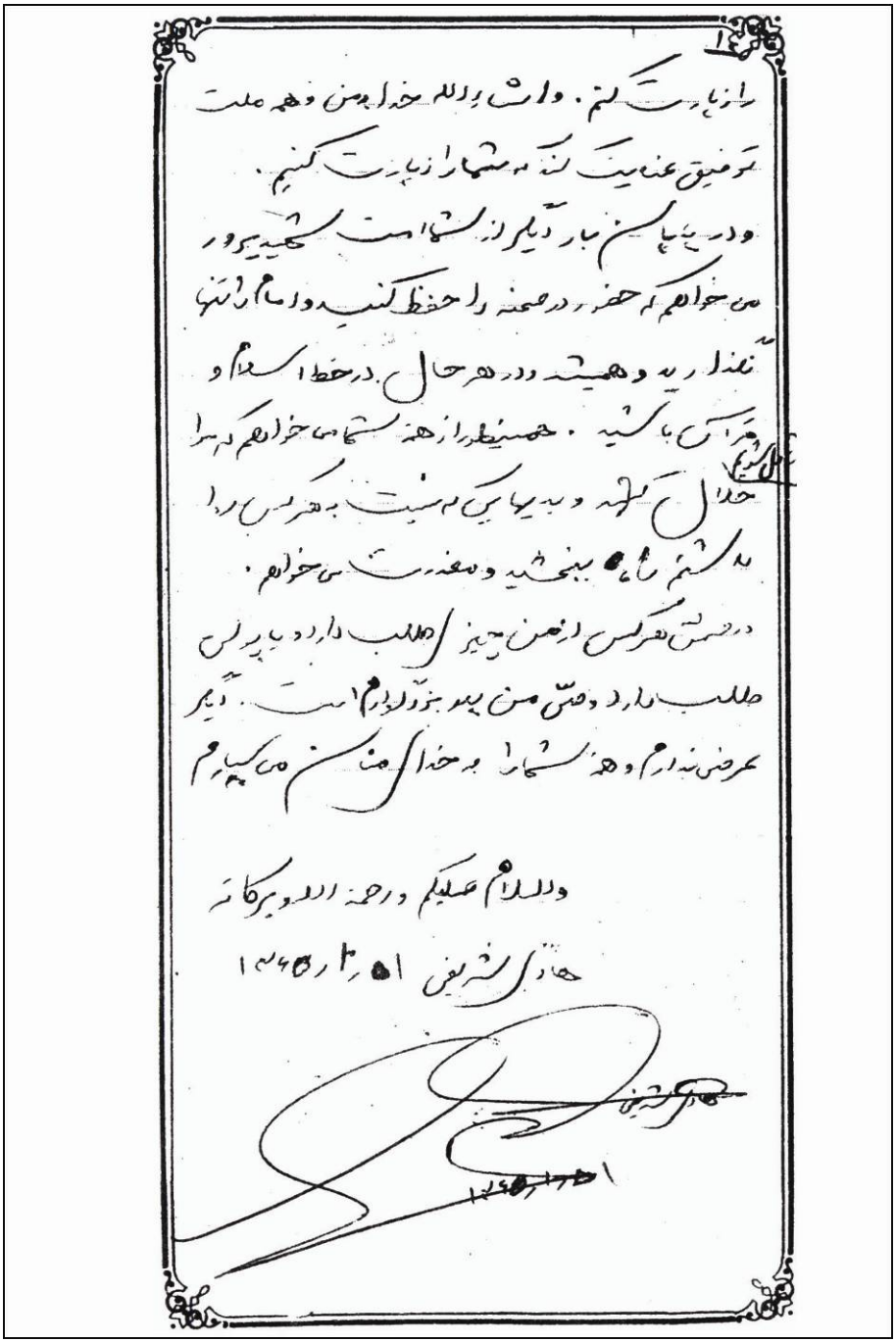

۱۴

را زیارت کنم. و انشاءالله خدا و من و همه ملت
توفیق عنایت کند که شما را زیارت کنیم.
و در پایان بار دیگر از شما امت شهیدپرور
می‌خواهم که حضور در صحنه را حفظ کنید و امام را تنها
نگذارید و همیشه و در هر حال در خط اسلام و
قرآن باشید. همینطور از همه شما می‌خواهم که مرا
حلال کنید و بدیهایی که نسبت به هر کس روا
داشتم راه ببخشید و معذرت می‌خواهم.
در ضمن هر کس از من چیزی طلب دارد و یا پولی
طلب دارد وصی من پدر بزرگوارم است. دیگر
عرضی ندارم و همه شما را به خدای منان می‌سپارم

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

هادی شریفی ۱۳۶۵/۲/۵۱

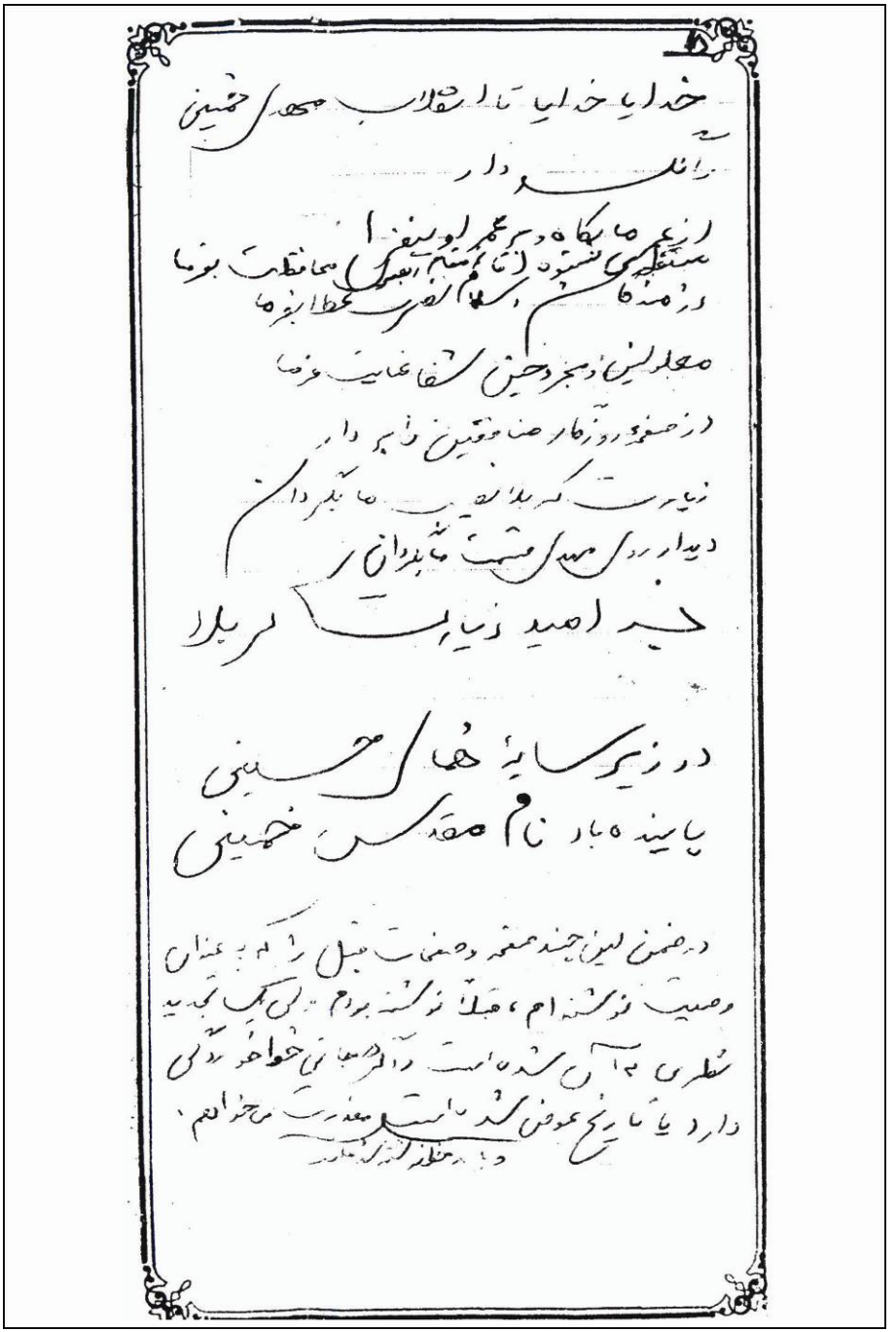



وصیت نامه

بسم الله



ماینبغی لامرءمسلم ان بیتت لیله الاو وصیته تحت راسه

سزاوار نیست که مرد مسلمان شبی راسپری کند، مگر اینکه وصیتنامه اوزیر سرش باشد. امام صادق (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم خانواده عزیز (سعی نمایید وصیت را بخوانید)

بنام خدا و درود بر پیامبر خدا حضرت محمد (ص) و آل پاکش خصوصا علی الاعلم (درود خدا بر او باد) و با سلام و تبریک و عرض ادب خدمت شما خانواده محترم و همسر عزیز و فرزندان گرامی و پدر و مادر مهربان و برادران و خواهران عزیز و سایر بستگان و آشنایان و دوستان و همسایگان و همکاران و همرزمان عزیز و تمام کسانی که با بنده در طول زندگی برخورد داشته اید و از محبت و لطف شما برخوردار بوده ام و مطالب خود را در نظر دارم (و به شما میگویم) بدانید که مرگ حق است و هر انسانی باید روزی بمیرد و از دنیا برود و من نیز از این قانون مستثنی نیستم و یقینا روزی خواهد رسید که من نیز از دنیا بروم و شاید جوانترین و سالم ترین شما زودتر از من بمیرد و از این جهت نگران نیستم و آنچه که نگران هستم و آنچه که مایلم بگویم و وصیت کنم این است که هر کدام از شما که از دنیا میروید و میمیرید با ایمان و سلامت و با توشه کافی از دنیا بروید و بدانید که مرگ پایان زندگی نیست بلکه آغاز زندگی دیگری است و آن زندگی جاودانه است و ما همه باید برای آن زندگی آماده شویم و توشه کافی برداریم و با ایمان و سلامت از دنیا برویم و بدانید که مرگ در دست خداست و هیچ کس نمیتواند از مرگ فرار کند و هیچ کس نمیتواند مرگ را عقب بیندازد و هیچ کس نمیتواند مرگ را جلو بیندازد و هیچ کس نمیتواند مرگ را از خود دور کند و هیچ کس نمیتواند مرگ را به خود نزدیک کند و هیچ کس نمیتواند مرگ را به دیگران نزدیک کند و هیچ کس نمیتواند مرگ را از دیگران دور

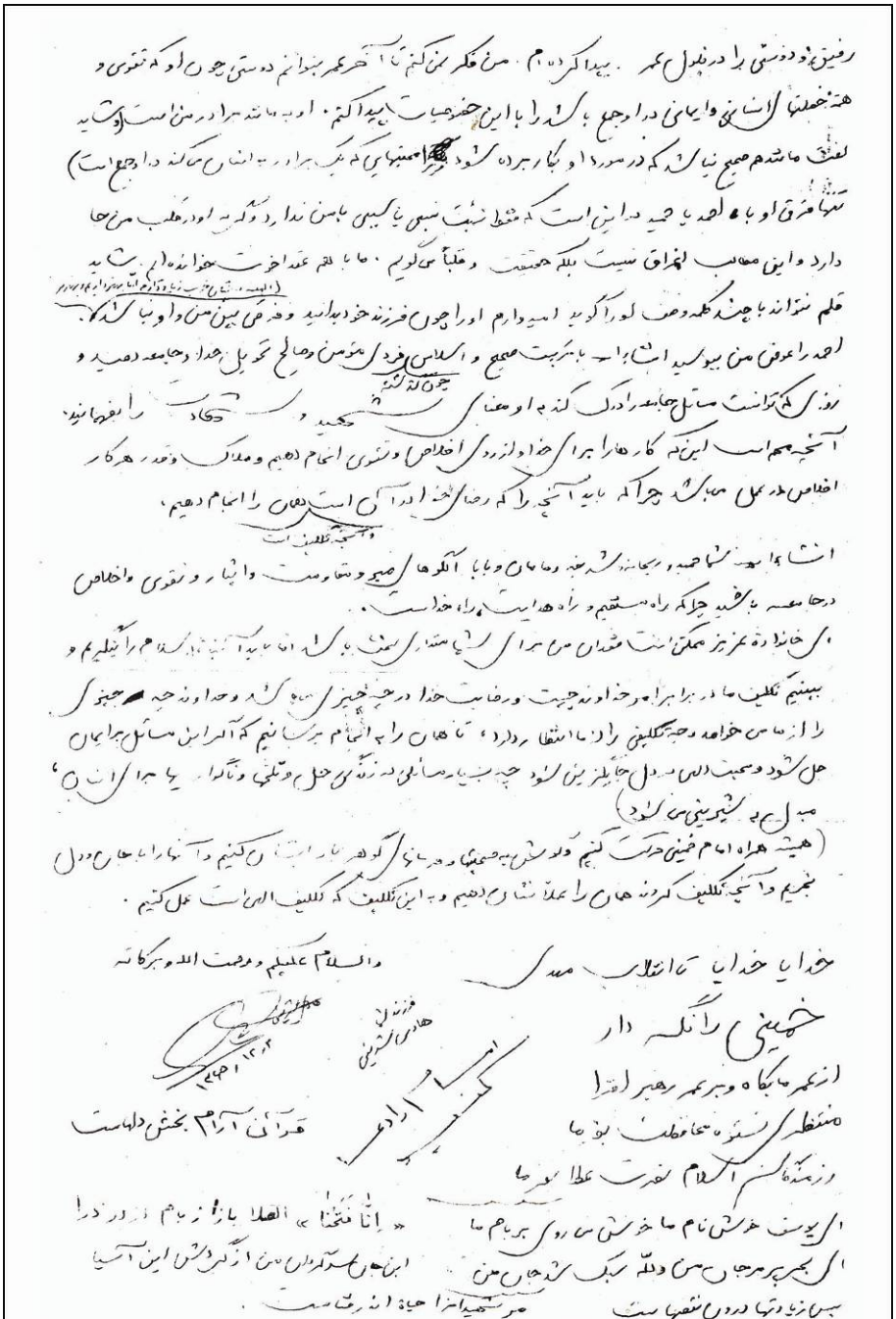

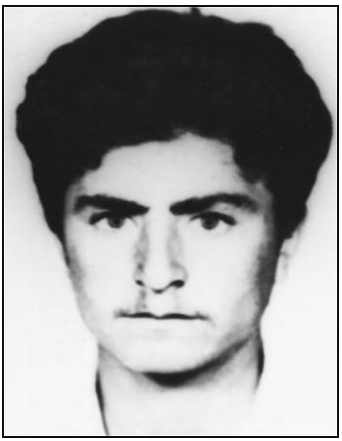

نام: **حسین**
نام خانوادگی: شعبانی
نام پدر: غلامعلی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پنجم شهریور ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- زینب‌وار باشید.
- شهادت یک نوع سعادت است.
- برای اولین پیشوای شیعیان جهان گریه کنید.
- مادران عزیز اگر فرزندان شما در راه اسلام می‌خواهند قدم بردارند از آنها جلوگیری نکنید.
- تا قبل از اینکه مرگ به سراغ شما بیاید شماها به استقبال مرگ بروید.
- دل به این دنیا نبندید که این دنیا محل امتحان بشر است.
- عاجزانه از شما عزیزان می‌خواهم که امام را تنها نگذارید.
- کاری نکنید که باعث ناراحتی قلب امام بشود.

## حسین شعبانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجةً عندالله و اولئک هم الفائزون»**[۱]

«آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندی است و ایشان بالخصوص رستگاران و سعادتمندان در عالمند».

با سلام. و درود خداوند متعال و یکایک پیامبرانش بر حضرت مهدی(عج) و نایب بر حقش، امام خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی، امید مستضعفان جهان و کوبندهٔ ستمگران و با سلام و درود بر تمامی رزمندگان و شهدای عزیز اسلام بالاخص سرور شهیدان، حسین ابن علی(علیه‌السلام) و شهدای عملیات خیبر[۲]. سلام و درود تمامی دوستان خالص خداوند به شما خانواده‌های شهدا و امت شهیدپرور. هرگاه پیکر هم‌سنگری را تشییع می‌کنند، آتش شوق در جانم زبانه می‌کشد و مرا به سرمنزل مقصود فرا می‌خواند که همچون سردار شهیدان، حسین بن علی(علیه‌السلام) گفت «من مرگ باعزت را بهتر می‌دانم با آنکه در زیر بار ذلت باشم»[۳] اگر من لیاقت و سعادت پیدا کردم، در این راه شهید شدم، چه بهتر. شماها عزیزان مبادا از رفتن به این مسیر و رسیدن به این سعادت، که لطف خداوند تبارک و تعالی و رحمتش در این راه می‌باشد ناراحت بشوید که در این راه جز الطاف الهی چیز دیگری وجودندارد و رفتن به این راه سعادت است و این سعادت باعث افتخار شما عزیزان است. شماها عزیزان خودتان را برای رسیدن به این افتخارات آماده سازید. شماها مادران و پدران خیال نکنید فرزندی از دست داده‌اید و مصیبتی بر شما وارد شده است، خیر. اصلاً هیچ وقت از این فکرها نکنید که این مصیبت نیست، بلکه کمال افتخار است.

---

۱- توبه/ ۲۰.

۲- ر. ک. تعلیقات.

۳- «هیهات منا الذّله» کلام بلند و حماسی امام حسین(علیه‌السلام) است که خطاب به یزید فرمود. (فرهنگ عاشورا، جواد محدثی، ص ۵۰۵).

شماها باید شکر خدا را به‌جا آورید که فرزندی داشته‌اید که در راه خدا هدیه کرده‌اید. مواظب باشید که [با] ناراحتی کردن شما باعث نارضایتی خداوند نباشد. مادری است که چهار فرزندش را در راه اسلام هدیه کرده و باز هم شکر خدا را به‌جا می‌آورد و می‌گوید خدایا من در مقابل تو هیچ فرزندی ندارم. مادران! پدران! صبر و استقامت، شماها در این راه اجری عظیم در پیشگاه پروردگار دارید. بدان خدایی که بخشندهٔ حیات است، گیرندهٔ جان است و آنکه آفریننده است، میراننده است، آنکه جان‌ستان است، دهندهٔ جان است و آنکه مبتلا کننده است، شفا دهنده است، خلاصه زمام کلیه امور آفرینش از درد و دورِ مرگ و حیات به‌دست قدرت اوست و خداوند بنده‌اش را آفریده است و هر لحظه‌ای در هر مکانی که مصلحت بداند، لطفش را شامل حال بنده‌اش می‌گرداند.

از شما خانوادهٔ من و فامیلان، پدرم و مادرم می‌خواهم گریه برای من نکنید. گریه برای حسین‌بن‌علی(علیه‌السلام) کنید، زینب‌وار[۱] باشید، چرا که شهادت یک نوع سعادت است. کسی که سعادت و رحمت خداوند نصیبش گشته است، برای او گریه کردن ندارد. لذا در این راه صبر و استقامت شما باعث کوبیدن[۲] منافقین[۳] و دشمنان اسلام می‌باشد. چنان‌که اگر شما عزیزان نتوانستید نبودن مرا در میان خودتان تحمل کنید، عرض کردم برای من گریه نکنید برای اولین پیشوای شیعیان جهان گریه کنید، برای فرماندهٔ ما علی ابن ابیطالب(علیه‌السلام) که در محراب[۴] عبادت، ابن ملجم[۵] لعنتی با شمشیر زهرآلود فرق مبارک آن حضرت ضربتش را وارد کرد که ناگهان علی(علیه‌السلام) فریاد زد «**فزت و رب الکعبه**[۶]» به خدای کعبه رستگار شدم. مرگ را دوست می‌داشت، عاشق شهادت بود.

همانا ای پدران و مادران عزیز! اگر فرزندان شما در راه اسلام می‌خواهند قدم بردارند، از آنها جلوگیری نکنید که در آخرت باید جواب‌گوی[۷] به فاطمه زهرا(علیهاالسلام) باشید. آنها را

---

۱- در اصل وصیت «همچو زینب‌وار».

۲- در اصل وصیت «کوبنده».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «مهراب».

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- کلام بلند حضرت علی(علیه‌السلام) است که در محراب شهادت فرمود. در اصل وصیت «فزت برب الکعبه».

۷- در اصل وصیت «گوئی».

در این راه آزاد بگذارید [که] بلکه تشویقشان بکنید تا بتوانند به‌خوبی در راه اسلام خدمت کنند. ای عزیزان! در جبههٔ جنگ احتیاج به جوان‌های شما را دارند، مبادا مانع رفتن آنها به جبهه‌ها بشوید. «جنگ ما جنگ اسلام با کفر است»[۱]. همانا شما اگر ایمان به اسلام دارید و شیعه امام زمان هستید، جوان‌های خودتان را برای هدایت خود و هدایت وطن و اسلام وادار کنید. برادران عزیز! سعی کنید تا قبل از اینکه مرگ به سراغ شما بیاید، شماها به استقبال مرگ بروید. ای عزیزان! دل به این دنیا نبندید که این دنیا محل امتحان بشر است و همچون شما ملت شهیدپرور دست از کمک‌های مالی و جانی برندارید. دست دعا بر امام و رزمندگان بردارید. من عاجزانه از شما عزیزان می‌خواهم که امام را تنها نگذارید، کاری نکنید که باعث ناراحتی قلب امام بشود.

پدر و مادر عزیزم، برادر و خواهر عزیزم! مرا ببخشید اگر این فرزند حقیر شما را اذیت کرده است. اگر قلب شما را ناراحت کردم، شماها به بزرگی خودتان و به خوبی و محبت‌های خودتان مرا عفو کنید. فامیلان عزیز، دایی‌ها و عمو جان و پسرعمه جان، عمه جان، خاله جان و پسرخاله جان و پسردایی جان اگر به شما توهین یا بی‌معرفتی کرده‌ام، مرا به بزرگی و به خوبی و محبت‌های خودتان عفو کنید.

چون که شکر این نعمت به‌جا آرم خدایی را — که با این امر شکوه وا کرد [...][۲] من را
عطا فرمود بر فرزند دلبندش شهادت را — که افزون‌تر کند غم‌نامهٔ نغمه‌سرایی را[۳]

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**وصیت‌نامهٔ برادر حسین شعبانی**
**خداحافظ**

---

۱- صحیفه امام، ج۱۳، ص۲۸۳، و نیز ج ۱۸، ص ۱۴۹.
۲- در اصل وصیت یک کلمه خوانا نیست.
۳- باید بر سیاق شعر و کلام «سرایی را» باشد.

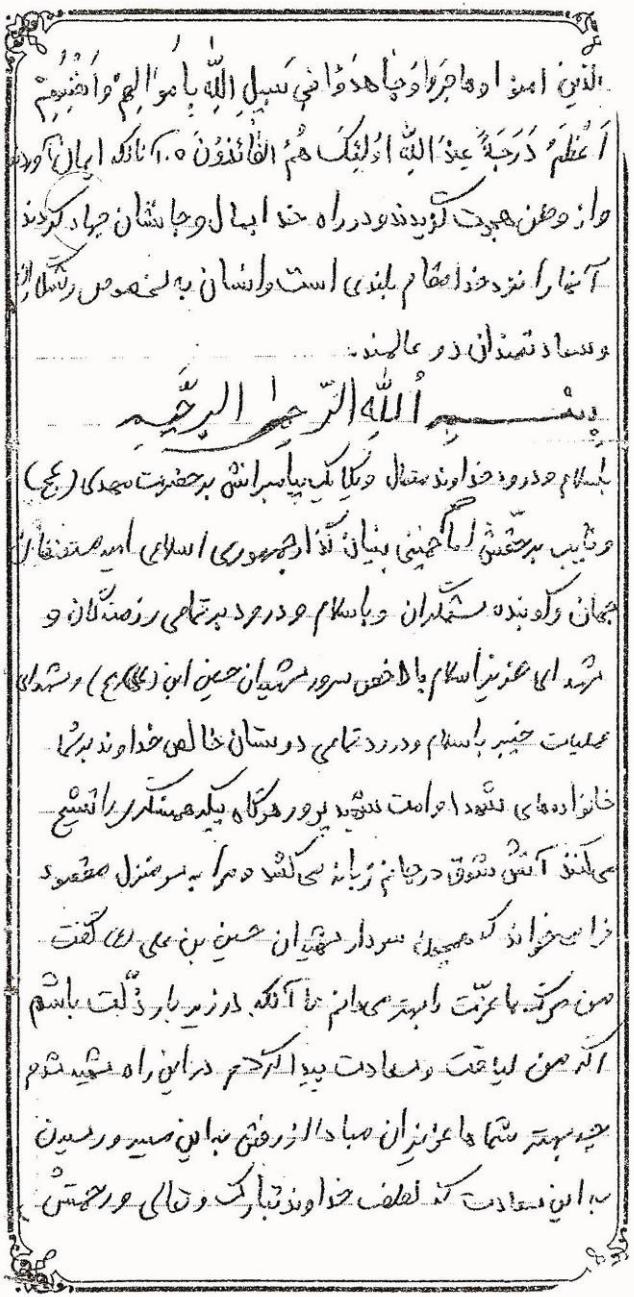

الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم
اعظم درجة عند الله اولئک هم الفائزون ۰ آنانکه ایمان آوردند
و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا بمال و جانشان جهاد کردند
آنها را نزد خدا مقام بلندی است و انسان به خصوص رستگاران
و سعادتمندان دو عالمند.

بسم الله الرحمن الرحیم

باسلام و درود خداوند متعال و یکایک پیامبرانش بر حضرت مهدی (عج)
و نایب برحقش امام خمینی بنیان گذار جمهوری اسلامی امید مستضعفان
جهان و کوبنده ستمگران و باسلام و درود بر تمامی رزمندگان و
شهدای عزیز اسلام بالاخص سرور شهیدان حسین ابن (علی (ع)) و شهدای
عملیات خیبر باسلام و درود تمامی دوستان خالص خداوند بر شما
خانواده‌های شهدا و امت شهید پرور هرگاه پیکر همسنگری را تشییع
می‌کنند آتش شوق در جانم زبانه می‌کشد و مرا به سر منزل مقصود
فرا می‌خواند که همچون سردار شهیدان حسین بن علی (ع) گفت
من مرگ با عزت را بهتر می‌دانم تا آنکه در زیر بار ذلت باشم
اگر من لیاقت و سعادت پیدا کردم در این راه شهید شوم
چه بهتر شما ها عزیزان مبادا از رفتن به این مسیر و رسیدن
به این سعادت که لطف خداوند تبارک و تعالی و رحمتش



در این راه می‌باشد ناراحت بشوید که در این راه جز الطاف الهی
چیز دیگری وجود ندارد و رفتن به این راه سعادت است و این سعادت
باعث افتخار شما عزیزان است شماها عزیزان خودتان را برای
رسیدن به این افتخارات آماده سازید شماها مادران و پدران
خیال نکنید فرزندی از دست داده‌اید و مصیبتی بر شما وارد شده است
خیر اصلاً هیچ وقت از این فکرها نکنید که این مصیبت نیست بلکه
کمال افتخار است شماها باید شکر خدا را بجا آورید که فرزندی داشته‌اید
که در راه خدا هدیه کرده‌اید مواظب باشید که با ناراحتی کردن
شما باعث نارضائتی خداوند نباشد مادری است که چهار فرزندش
را در راه اسلام هدیه کرده و باز هم شکر خدا را بجا می‌آورد و می‌گوید
خدایا من در مقابل تو هیچ فرزندی ندارم. مادران، پدران، صبر و استقامت
شماها در این راه اجری اعظم در پیشگاه پروردگار دارید بدان خدائی که
بخشنده حیات است گیرنده جان است و آنکه آفریننده است
میراننده است آنکه جان ستان است دهنده جان است و آنکه
مبتلا کننده است شفا دهنده است خلاصه زمام کلیه امور آفرینش
از درد و دور حرکت و حیات بدست قدرت اوست و خداوند بنده‌اش
را آفریده است و هر لحظه‌ای در هر مکانی که مصلحت بداند
لطفش را شامل حال بنده‌اش می‌گرداند از شما خانواده من و فامیلان



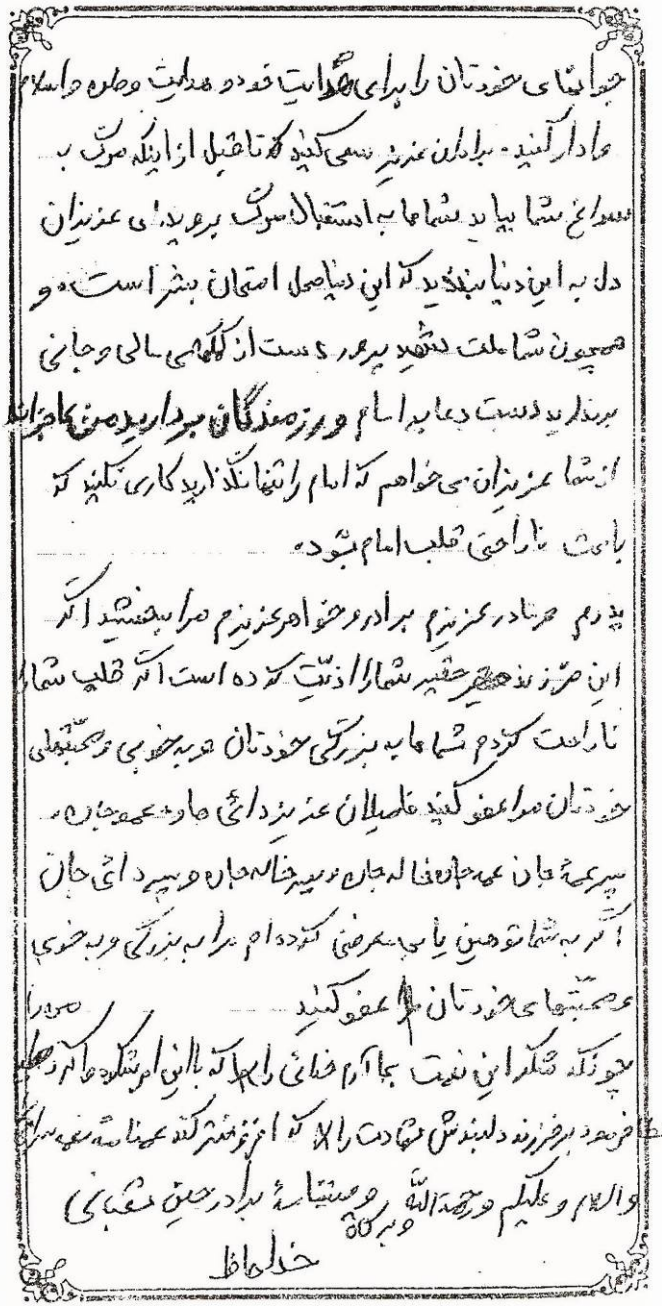

جوانهای خودتان را برای هدایت خود و هدایت وطن و اسلام
وادار کنید. برادران عزیز سعی کنید که تا قبل از اینکه مرگ به
سراغ شما بیاید شما ها به استقبال مرگ بروید ای عزیزان
دل به این دنیا نبندید که این دنیا محل امتحان بشر است و
همچون شما ملت شهید پرور دست از کمکهای مالی و جانی
برندارید دست دعا به امام و رزمندگان بردارید من عاجزانه
از شما عزیزان می خواهم که امام را تنها نگذارید کاری نکنید که
باعث ناراحتی قلب امام بشود.

پدرم و مادر عزیزم برادر و خواهر عزیزم مرا ببخشید اگر
این فرزند حقیر شما را اذیت کرده است اگر قلب شما را
ناراحت کردم شما ها به بزرگی خودتان و به خوبی و محبتهای
خودتان مرا عفو کنید فامیلان عزیز دائی جان و عمو جان و
پسر عمه جان عمه جان و خاله جان و پسر خاله جان و پسر دائی جان
اگر به شما توهین یا بی عرضی کرده ام مرا به بزرگی و به خوبی
و محبتهای خودتان عفو کنید

چونکه شکر این نعمت بجا آرم خدائی را که با این امر شکوه و اکرام
عطا فرمود بر فرزند دلبندش شهادت را که افزونتر کند عمامه نعمه سرای
والسلام و علیکم و رحمة الله و برکاته و سیاسه برادر حسین شعبانی
خداحافظ

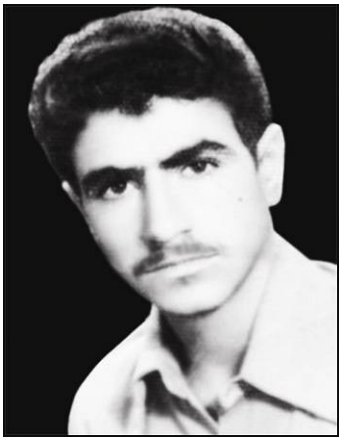

نام: **سیدعلی**
نام خانوادگی: شعنی
نام پدر: سیدحسن
نام مادر: سیده مرضیه
تاریخ تولد: بیست‌وپنجم بهمن ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: چهارم ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وهشتم آبان ۱۳۶۲
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- خون حسین(علیه‌السلام) جاری است و مکتب حسین(علیه‌السلام) ایثار و خون می‌خواهد.
- پدر و مادر عزیز! من با خودسازی و خودآگاهی این مکتب را انتخاب کردم.
- حسین(علیه‌السلام)در مقابل کفار ایستاد و تا دم آخر کفار را کشت و سپس راهی بهشت موعود گردید.
- مبادا در مقابل منافقان خم به ابرو بیاورید.
- پدر و مادر باید افتخار کنی که توانستی پسری پرورش دهی که با خودآگاهی کامل، راه شهادت را پیموده است.
- امیدوارم شماها چون زینب(علیهاالسلام) عمل کنید.

## سیدعلی شعنی

### بسم الله الرحمن الرحیم

### بسم رب الشهداء

به‌نام پروردگار، به‌نام آفرینندهٔ آسمان، به‌نام پروردگار محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و علی(علیه‌السلام) و به‌نام پروردگار حسین، سیدالشهدا(علیه‌السلام) و خمینی بت‌شکن.

قسم به خدای حسین(علیه‌السلام) من راهم [را] یافتم. خون حسین(علیه‌السلام) جاری است و مکتب حسین(علیه‌السلام) ایثار و خون می‌خواهد. خونی که با آن مکتب زنده شود. و برای سیراب [کردن] بوتهٔ نهال انقلاب اسلامی، هزاران مرد و زن جوان و حتی بچه‌های شش‌ماهه، از جان خود گذشتند، تا مکتب حسین(علیه‌السلام) و حماسهٔ کربلا را زنده کنند.

آری به قول امام «مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد»[1] و پدر و مادر عزیز! من با خودسازی و خودآگاهی این مکتب را انتخاب کردم.

در این راه بر من تحمیلی نیست، چنانکه خود می‌دانی که من زندگیم چنین بوده و پایانش، همچنین شد. پس بر من نگریی، گریه برای حسین(علیه‌السلام) و یارانش لازم نیست گریه برای کسی است که روی تختخواب گوشهٔ خانه‌اش می‌میرد.

حسین(علیه‌السلام) که در مقابل کفار ایستاد و تا دم آخر کفار را کشت و سپس راهی بهشت موعود گردید، دیگر برای این گریه و زاری نیست[2]. باید در چنین مواقعی هر انسان باایمان به چنین مکتبی ببالد که چنین افرادی را در دامن فاطمه(علیهاالسلام) پرورش داد و تحویل جامعه داد.

از چنین پدر چون علی(علیه‌السلام) و مادری مثل فاطمه(علیهاالسلام) انتظار چنین اولادی را باید داشت که حسین(علیه‌السلام) کربلا باشد. پس پدر و مادر گرامی، از شماها می‌خواهم چنین باشید، برایم مبادا گریه کنید. تنها مسئولیتی که شماها بعد از من دارید ادامهٔ راه حسین(علیه‌السلام) و خمینی است. مبادا در مقابل منافقان خم به ابرو بیاورید، تا آنها شما را

---

۱- از امام عبارتی قریب به این عبارت شهید آمده است «ملتی که شهادت برای او سعادت است پیروز است». (صحیفه امام، ج۱۳، ص ۱۸۷).

۲- منظور شهید آن است که گریه بخاطر شهید شدن آنها نیست، بلکه برای آن است که امتی از هدایت محروم شدند.

پریشان حال ببینند. پدر و مادر باید افتخار [کنید] که ممکن است حتی جسد من نیز به دستتان نیفتد. چون جنگ است و جنگ این چیزها را هم دارد. باز باید کوچکترین ضعفی به خود راه ندهی که پریشانی تو روح مرا در بهشت عذاب خواهد داد. پدر و مادر باید افتخار کنی که توانستی پسری پرورش دهی که با خود آگاهی کامل راه شهادت را پیموده و خانواده تو نیز قربانی به پیشگاه خداوند کرد و خداوند عادل است. موقعی که انقلاب در ایران شروع شد، خداوند دو پسری بر تو داد که جای پسر بزرگت را در آینده خالی نگذارد. یعنی قبلاً خداوند [قبلاً] زمینه‌سازی کرده بود. مادر جان! می‌دانم تو بر من زحمت زیاد کشیده‌ای ولی باید حلالم کنی، چون دین خدا در خطر است و خداوند از شما راضی باشد. و خواهران عزیزم! امیدوارم شماها چون زینب(علیهاالسلام) عمل کنید و بعد از برادرتان شماها نیز ادامه دهندهٔ راه او باشید و در راه هدفتان استوار و محکم باشید و تو ای علی‌اکبر برادرم! امیدوارم در نبود برادرت راه او را ادامه بدهی و همواره مطیع اوامر پدر و مادر باشی و خداوند تو را در هدفت یاری دهد. و در آخر تنها توصیه‌ای که به نزدیکان و فامیل‌ها و دوستان و آشنایان دارم این است که راه سرخ حسین را ادامه دهنده باشند.

«شهید قلب تاریخ است، شهید شمع تاریخ است»[1]، حسین(علیه‌السلام) و خمینی سازندهٔ تاریخ هستند.

**سیدعلی شعنی**

---

۱- تعبیر «شهید قلب تاریخ است» منسوب به دکتر علی شریعتی است.

بسم رب الشهدا وصیت نامه سیدعلی شعنی

بنام پروردگار بنام آفریننده آسمان بنام پروردگار محمد (ص) و علی (ع) و بنام پروردگار
حسین سید الشهدا و خمینی بت شکن

قسم بخدای حسین من راهم یافتم خون حسین جاری است و مکتب حسین ایثار و خون می خواهد
خونی که با آن مکتب زنده شود و برای سیراب بوته نهال انقلاب اسلامی هزاران مرد و زن

جوان و حتی بچه های شش ماهه از جان خود گذشتند تا مکتب حسین و حماسه کربلا را زنده
کنند

آری بقول امام مکتبی که شهادت دارد اسارت ندارد و پدر و مادر عزیز من با خودسازی و خودآگاهی
این مکتب را انتخاب کردم.

در این راه بر من تحمیلی نیست چنانکه خود میدانی که من زندگیم چنین بوده و پایانش همچنین
شد پس بر من نگرین، گریه برای حسین و یارانش لازم نیست گریه برای کسی است که روی تختخواب
گوشه خانه اش میمیرد.

حسین که در مقابل کفار ایستاد و تا دم آخر کفار را کشت و سپس راهی بهشت موعود گردید. دیگر
برای این گریه و زاری نیست باید در چنین مواقعی هر انسان با ایمان به چنین مکتبی ببالد که چنین افرادی
را در دامن فاطمه پرورش داد و تحویل جامعه داد.

از چنین پدر چون علی (ع) و مادری مثل فاطمه انتظار چنین اولادی را باید داشت که
حسین کربلا باشد. پس پدر و مادر گرامی از شما ها می خواهم چنین باشید برایم مبادا گریه کنید تنها
مسئولیتی که شما ها بعد از من دارید ادامه راه حسین و خمینی است مبادا در مقابل منافقان خم به ابرو بیاورید

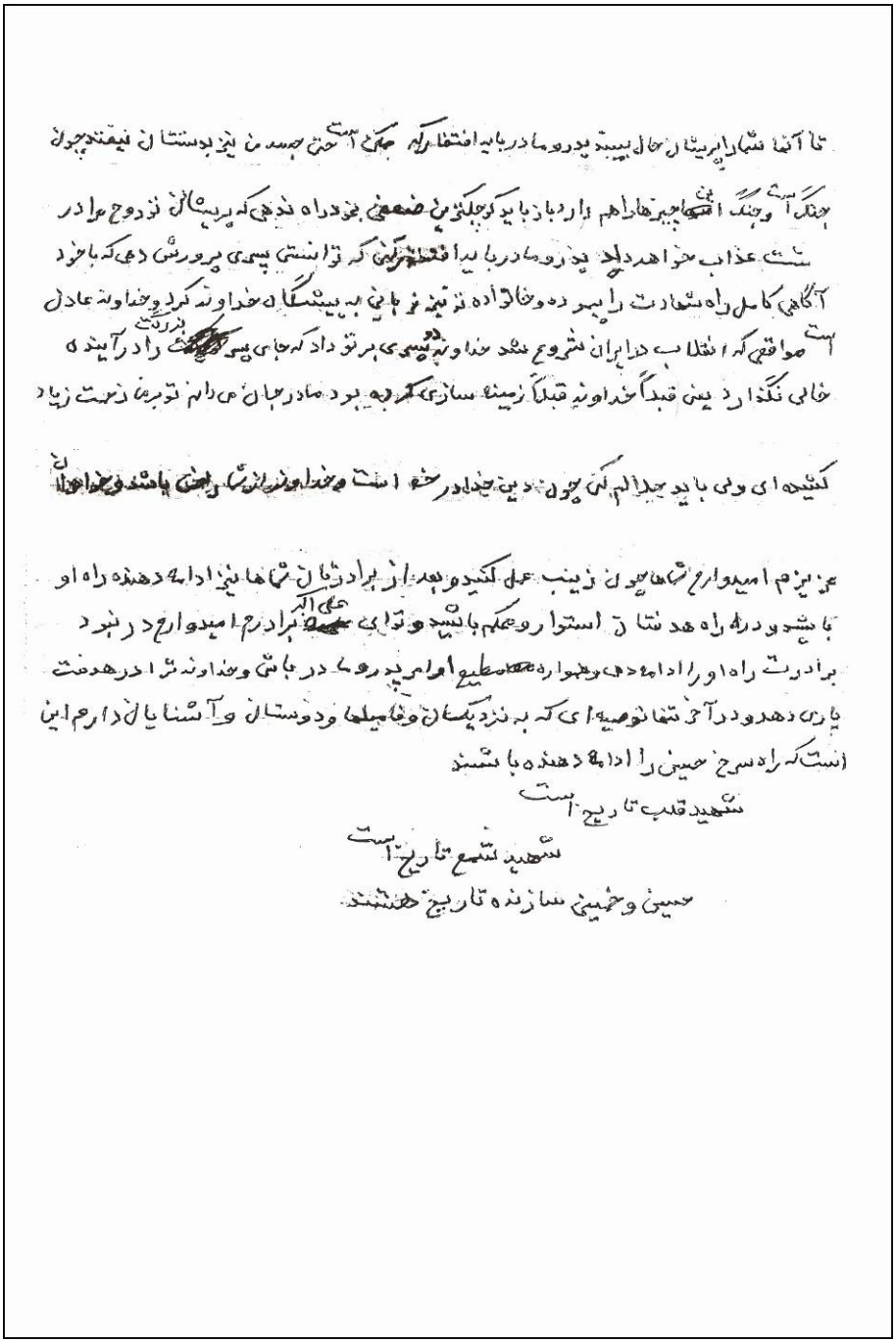



نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: شفیع‌زاده
نام پدر: محمدابراهیم
نام مادر: معصومه
تاریخ تولد: سی‌ام خرداد ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان تهران
تحصیلات: سوم متوسطه، طلبه علوم حوزوی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای بهشت‌زهرای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- از خدا بترسید و همیشه او را حاضر و ناظر بر اعمال خود بدانند.
- آری، دوستان! توسل به ائمه را فراموش مکنید.
- این توسل‌ها انسان را به آن درجه می‌رساند که **خلیفةالله** می‌شود.
- مادر جان مرا دعا کن که به معشوقم رسم.
- خواهرانم از من به شما این وصیت که نماز را با اهمیت بشمارید.
- حجاب و عفت اسلامی را ترک مکنید.
- تقوای خدا را پیشه کنید و دست از دنیا بردارید.

## محمدعلی شفیع‌زاده

### بسم الله الرحمن الرحیم[۱]

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة»**[۲]

خدا را شکر و سپاس که به من این سعادت عظیم را عطا فرمود و به من این توفیق را داد که در کنار سربازان امام زمان(عج) با کفار بجنگم و به این درجهٔ رفیع برسم. اما اینکه چگونه به این فیض رسیدم، درخواستی بود که بعد از عملیات والفجر ۴[۳] و شهدا و مجروحین آن از خداوند و ائمه کردم و خدا مرا به این فیض رسانید.

آری شهید شدن عده‌ای از دوستان پاکم و مجروح شدن سپاهیان رشید، باعث شد که من در عشق به حسین(علیه‌السلام) و جبهه بسوزم و از سوزدل از خدا درخواست رفتن به جبهه را بکنم.

آری وصیت من به کلیهٔ دوستانم، از طلاب علوم دینیه گرفته تا دوستان مسجد و دیگر دوستان، این است که از خدا بترسید و همیشه او را حاضر و ناظر بر اعمال خود بدانند که در این صورت بهشت را از آن خود خواهند کرد.

آری، دوستان! توسل به ائمه را فراموش مکنید که این توسل‌ها انسان را به آن درجه می‌رساند که خلیفةالله می‌شود.

پدر و مادر بزرگوارم! بر مرگم غصه مخورید که من به آنچه دوست داشتم و عشق می‌ورزیدم، رسیدم.

مادر جان! نمی‌گویم بر سر عزایم گریه مکن، ولی مادر جان گریه بر بدن بی‌سر آقا حسین(علیه‌السلام) کن، گریه بر اسیری بانو زینب(علیهاالسلام) کن، گریه بر تشنگی علی‌اصغر[۴](علیه‌السلام) کن.

---

۱- در بالای وصیت قید شده است: «تاریخ تولد: ۱۳۴۵، شماره شناسنامه ۱۳۸۷، نام پدر: محمدابراهیم، صادره از تهران، تاریخ نوشتن وصیت‌نامه ۶۲/۱۱/۲۵ در شهر اندیمشک».

۲- توبه/ ۱۱۱.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

مادر جان! تو را به‌جان فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) اگر بدی از من به تو رسید مرا عفوم کن و با سخنان دل‌انگیزت روح مرا شاد کن.

مادر جان هر شب در سنگر عشق از شوق حسین(علیه‌السلام) می‌سوزم.

مادر جان مرا دعا کن که به معشوقم رسم.

خواهران همچون شیر من:

بر سر قبر من همچون زینب باشید  شیردل و پاک دامن و خوش‌سخن باشید

خواهرانم از من به شما این وصیت که نماز را با اهمیت بشمارید و ترک روزه مکنید. حجاب و عفت اسلامی را ترک مکنید.

برادرانم! شما را به علی ابن ابیطالب(علیه‌السلام) قسم می‌دهم که تقوای خدا را پیشه کنید و دست از دنیا بردارید.

برادرم احمد جان! خدا خود می‌داند که چقدر تو را دوست داشتم، وصیت من به تو این است که با اهل ایمان و اهل اسلام رفت و آمد کن و دست از دوستی با دشمنان خدا و رهبر بردار.

دیگر عرضی ندارم و همهٔ شما را به تقوا و ترس از خدا سفارش می‌کنم.

**«والسلام»**

پدر جان اگر چیزی از من مانده بود، تو را وصی خود می‌کنم. پدر جان مبلغ ۱۶۵۰ تومان به آقای اعظمی و ۴۰۰ تومان به آقای کاظمی در قم مدرسهٔ شهابیه بدهکار می‌باشم.

مبلغ ۱۰۰۰ تومان به آقای تقی نوروزی بدهکار می‌باشم. دفترچه‌ای در قم دارم که مبلغ ۵۰۰ تومان در آن می‌باشد، آن را بردارید و قبای من را به قم مدرسهٔ حقانی، آقای دنیوی بدهید و پول عبای من را نیز به قم مدرسهٔ شهابیه به آقای بشیر موسوی بدهید و یک سال برایم روزه و نماز بخوانید.

**«والسلام»**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی(عج)، خمینی را نگه‌دار.

**محمدعلی شفیع‌زاده**

بسمه تعالی

وصیت نامه محمد علی شفیع‌زاده

تاریخ تولد ۱۳۴۵ - شماره شناسنامه ۱۳۸۷ نام پدر محمد ابراهیم

صادره از تهران تاریخ نوشتن وصیتنامه ۶۲/۱۱/۲۵ در شهر اندیمشک

بنام خداوند بخشندهٔ مهربان

ان الله شترای من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنه

خدا را شکر و سپاس که به من این سعادت عظیم را عطا فرمود و به من این توفیق را داد که در کنار سربازان امام‌زمان با کفار بجنگم و به این درجهٔ رفیع برسم، اما اینکه چگونه به این فیض رسیدم، درخواستی بود که بعد از عملیات والفجر ٤ و شهدا و مجروحین آن از خدا و ائمه کردم و خدا مرا به این فیض رسانید.

آری شهید شدن عده‌ای از دوستان پاکم و مجروح شدن سپاهیان رشید باعث شد که من در عشق به حسین و جبهه بسوزم و از سوز دل از خدا درخواست رفتن به جبهه را بکنم.

آری وصیت من به کلیهٔ دوستانم از طلاب علوم دینیه گرفته تا دوستان مسجد و دیگر دوستان این است که از خدا بترسید و همیشه او را حاضر و ناظر بر اعمال خود بدانند که در این صورت بهشت را از آن خود خواهند کرد.

آری، دوستان توسل به ائمه را فراموش مکنید که این توسلها انسان را به آن درجهٔ می‌رساند که خلیفه الله می‌شود.

پدر و مادر بزرگوارم، بر مرگم قصه مخورید که من به آنچه دوست داشتم و عشق می‌ورزیدم رسیدم.

مادرجان نمی‌گویم بر سر مزارم گریه مکن ، ولی مادر جان گریه بر بدن بی سر آقا حسین کن ، گریه بر اسیری بانو زینب کن گریه بر تشنگی علی اصغر کن .

مادر جان تو را بجان فاطمهٔ زهرا اگر بدیدن از من بتو رسید مرا فراموش کن و با سخنان دل‌انگیزت روح مرا شاد کن .

مادر جان هر شب در سنگر عشق از شوق حسین می سوزم .

مادر جان مرا دعا کن که به معشوقم رسم .

خواهران همچون شیر من :

بر سر قبر من همچون زینب باشید .

شیر دل و پاک دامن و خوش‌سخن باشید .

خواهرانم از من به شما این وصیت که نماز را با اهمیت بشمارید و ترک‌روزه مکنید . حجاب و عفت اسلامی را ترک‌مکنید .

برادرانم شما را به علی ابن ابیطالب قسم می دهم که تقوای خدا را پیشه کنید و دست از دنیا بردارید .

برادرم احمد جان ، خدا خود می داند که چقدر تو را دوست داشتم ، وصیت من به تو این است که با اهل ایمان و اهل اسلام رفت‌و آمد کن و دست از دوستی با دشمنان خدا و رهبر بردار .

دیگر عرض ندارم و همهٔ شما را به تقوا و تو را از خدا سفارش می کنم .

والسلام

پدر جان اگر چیزی از من مانده بود تو را وصی خود می‌کنم
پدر جان مبلغ ۱۶۵۰ تومان به آقای اعظمی و ۴۰۰ تومان به آقای کاظمی
در قم مدرسه شهابیه بدهکار می‌باشم .
مبلغ ۱۰۰۰ تومان به آقای تقی نوروزی بدهکار می‌باشم.
دفترچه‌ای در قم دارم که مبلغ ۵۰۰ تومان در آن می‌باشد
آن را بردارید و قبای من را به قم مدرسه حقانی ، آقای دنیوی بدهید
و پول عبای من را نیز به قم مدرسهٔ شهابیه به آقای بشیر موسوی
بدهید و یک سال برایم روزه و نماز بخوانید .
والسلام
خدایا ، خدایا
تا انقلاب مهدی (عج)
خمینی را نگهدار

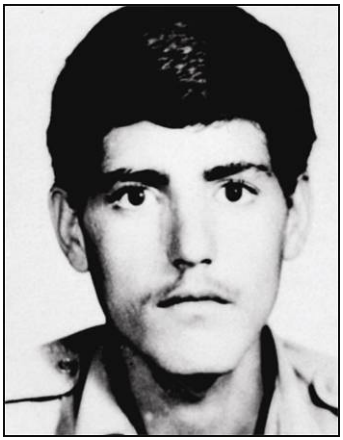

نام: **رحیم**
نام خانوادگی: شکاری
نام پدر: غلامرضا
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پنجم خرداد ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- گریه بر آن آقایی کنید که در روز عاشورا از فرزند شش ماهه‌اش هم نگذشتند و ایشان و یارانش را به شهادت رساندند.
- فرزندهایم را آن‌طور که لایق یک فرزند شهید هستند تربیت نمایید.
- هر چه زودتر بدهکاری من را بپردازید.

## رحیم شکاری

### بسم الله الرحمن الرحیم

امام باقر(علیه‌السلام) می‌فرمایند: «**الدّنیا سوق ربح فیها قوم و خسر آخرون**»[۱]
«دنیا همانند بازاری است، عده‌ای سود و منفعت می‌برند و عده‌ای دیگر زیان».

وصیت‌نامهٔ خود را بدین شرح شروع می‌نمایم، حسین جان

آن‌کس که تو را شناخت جان را چه کند　　فرزند و عیال و خانمان را چه کند[۲]
دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی　　دیوانهٔ تو هر دو جهان را چه کند

با سلام بر مهدی(عج) و سلام به رهبر کبیر انقلاب و سلام بر تمامی شهدای اسلام و سلام بر شما پدر و مادر مهربانم. امیدوارم که سلام مرا پذیرا باشید و امیدوارم که از خبر شهادت من غمگین نباشید و گریه نکنید گریه بر آن آقایی کنید که در روز عاشورا از فرزند شش ماهه‌اش هم نگذشتند و ایشان و یارانشان را به شهادت رساندند.

سلام بر شما برادر گرامی خودم مهدی. امیدوارم که مرا حلال نمایید، اگر بدی در حق شما کردم. و امیدوارم که از پدر و مادر که آن‌طور باید و شاید است، مواظبت نمایید. و در پایان سلام بر شما همسرم. امیدوارم که از خبر شهادت من ناراحت [...][۳] و فرزندهایم را آن‌طور که لایق یک فرزند شهید هستند تربیت نمایید. سلام مرا به همشیره‌هایم برسانید و امیدوارم که مثل زینب مقاومت نمایید و به زخم زبان کوردلان گوش ندهید.

و تنها وصیتی که دارم، نام فرزندم (امید) را به نام من بگذارید، چون می‌خواهم که او هم مانند پدرش مهربان باشد و کلیه وسایل زندگی‌ام هم برای بچه‌هایم باشد و بعد از آن هر چه زودتر بدهکاری من را بپردازید که در پشت همین صفحه مشخص نموده‌ام و اگر کسی دیگر هم- که من شاید یادم رفته باشد- طلب دارد بپردازید.

و از کلیه دوستان و آشنایان که این وصیت‌نامه را می‌خوانند التماس دعا دارم.

---

۱- تحف‌العقول، ص ۴۸۳.
۲- دراصل وصیت «آنکه»، شعر از خواجه عبدالله انصاری است.
۳- خوانا نیست.

مرا در روستای خودمان به ایـن آدرس شـاهرود، روسـتای طـرود، بیدسـتان، کنـار قبـر پدربزرگم چراغ‌علی خانجانی دفن نمایید.

و کسانی که از من طلب دارند عبارتند:

۱- فتح‌الله خانجانی مبلغ ۵۰۰۰ تومان

۲- صفرعلی شکاری مبلغ ۱۲۰۰ تومان

۳- دایی بچه‌هایم محمد عامری ۷۰۰ تومان

۴- علی خبری که دقیقاً نمی‌دانم.

۵- فضل‌علی شکاری ۵۰۰ تومان

وصی من پدرم و نمایندهٔ ایشان هم برادرم مهدی و تا زمانی کـه همسـرم از بچـه‌هـایم سرپرستی کند، هیچ‌کس حق ندارد به وسایل زندگی من دست بزنـد و اگـر ایشـان رفتنـد، پدرم اجازه دارد تحویل بگیرد. و ساعتم را هم به پسرم امید می‌بخشم و انگشترم را هـم بـه برادرم مهدی به یادگاری می‌دهم.

بنگر یادم کن، بخوان فاتحه، شادم کن.

«والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته»

**مورخ ۶۵/۹/۳۰**

وصیت‌نامهٔ اینجانب رحیم شـکاری، فرزنـد غلامرضـا بـه شـماره شناسـنامهٔ ۴۴۸ تولـد ۱۳۴۲، اعزامی از دامغان، تاریخ اعـزام ۶۵/۵/۱۸، آدرس کامـل: شـاهرود، طـرود، روسـتای بیدستان.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**۶۵/۹/۳۰**

**رحیم شکاری**

مرکز اسناد ایثارگران

= بسم الله الرحمن الرحیم = وصیت نامه اینجانب رحیم شعاری

امام باقر (ع) می‌فرمایند - اَلدُّنْیا سُوقٌ رَبِحَ فیها قَوْمٌ وَخَسِرَ آخَرُونَ

- دنیا همانند بازاری است عده‌ای سود و منفعت می‌برند و عده‌ای دیگر زیان -

وصیت نامه خود را بدین شرح شروع می‌نمائم حسین جان آنکه تو را شناخت جان را چه کند

رزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند.

با سلام بر مهدی (عج) و سلام به رهبر کبیر انقلاب و سلام بر تمامی شهدای اسلام و سلام بر شما پدر و مادر مهربانم امیدوارم که سلام مرا پذیرا باشی و امیدوارم که از خبر شهادت من غمگین نباشید و گریه نکنید گریه بر آن آقائی کنید که در روز عاشورا از فرزند شش ماه‌اش هم نگذشتند و ایشان و یارانشان را به شهادت رساندند.

سلام بر شما برادر گرامی خودم مهدی امیدوارم که مرا حلال نمائید اگر بدی در حق شما کردم و امیدوارم که از پدر و مادر که آن طور باید و شاید است مواظبت نمائید. و در پایان سلام بر شما همسرم امیدوارم که از خبر شهادت من ناراحت و فرزندهایم را که آنطور لایق یک فرزند شهید هستند تربیت نمائید. سلام مرا به همشیره‌هایم برسانید و امیدوارم که مثل زینب مقاومت نمائید و به زخم زبان کوردلان گوش ندهید.

و تنها وصیتی که دارم نام فرزندم (امید) را به نام من بگذارید چون می‌خواهم که او هم مانند پدرش مهربان باشد و کلید وسایل زندگیم هم برای بچه‌هایم باشد و بعد از آن هر چه زودتر به دهکاری من را بپردازید که در پشت همین صفحه مشخص نموده‌ام و اگر کسی دیگر هم که من شاید یادم رفته باشد طلب دارد بپردازید.

و از کلیه دوستان و آشنایان که این وصیت نامه را می‌خوانند التماس دعا دارم

مرکز اسناد ایثارگران

مرا در روستای خودمان به این آدرس شاهرود - روستای طرود - بیدستان
کنار قبر پدر بزرگم چراغ علی خانجانی دفن نمائید.

وکسانی که از من طلب دارند عبارتند. ۱- فتح الله خانجانی مبلغ ۵۰۰۰/ تومان
۲- صفرعلی شکاری مبلغ ۱۲۰۰/ تومان
۳- دائی بچه هایم محمد عامری ۷۰۰/ تومان
۴- علی خبری که دقیقاً نمی دانم.
۵- فضل علی شکاری ۵۰۰/ تومان

وصی من پدرم و نماینده ایشان هم برادرم مهدی
و تا زمانیکه همسرم از بچه هایم سرپرستی کند هیچکس
حق ندارد وسایل زندگی من دست بزند
و اگر ایشان رفتند پدرم اجازه دارد تحویل بگیرد.

و ساعتم را هم به پسرم امید می بخشم
و انگشترم را هم به برادرم مهدی به یادگاری می دهم.

بنگر یادم کن بخوان فاتحه شادم کن

والسلام علیکم و رحمت الله و برکاته مورخ ۶۵/۹/۳۰

وصیت نامه اینجانب رحیم شکاری فرزند غلامرضا به شماره شناسنامه ۴۴۸ تولد
۱۳۴۲ - اعزامی از دامغان تاریخ اعزام ۶۵/۵/۱۸ - آدرس کامل
شاهرود - طرود - روستای بیدستان
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

۶۵/۹/۳۰
رحیم شکاری



نام: **عبدالله**
نام خانوادگی: شکرویان
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: امهانی
تاریخ تولد: شانزدهم شهریور ۱۳۱۹
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و دوم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: ام‌الرصاص عراق
نحوهٔ شهادت: –
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- بر خود لازم دانستم– که فردی از افراد مسلمان هستم– برای حفظ اسلام و قرآن کریم و ناموس به جبهه روانه شدم.
- دستور قرآن کریم و راه ائمه معصومین و امام امت و روحانیت مبارز در خط امام را انجام دهید.
- نماز و دعا و نماز شب آدمی را به‌سوی خود می‌کشاند.
- همه شهدا از ما انتظار دارند که ما راه ایشان را ادامه بدهیم.
- همیشه به‌یاد خدا باشید، در راه او قدم بردارید.
- باز هم سفارش این حقیر این است در نماز سستی نکنید.
- در دعای کمیل و توسل و ندبه و سخنرانی‌های مذهبی و امر خیر شرکت کنید.
- با همدیگر مهربان‌تر باشید.
- امام را فراموش نکنید.
- قدرت خدا، فوق همه قدرتهای جهانی می‌باشد.

## عبدالله شکرویان

### بسم الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم

حمد و سپاس خدای عزوجل که شکرش مزید نعمت و اطاعتش فزونی عزت [است]، منت خدایی[۱] را که نعمت انقلاب را بر ما ارزانی فرموده. صلوات و سلام الهی بر پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله(صلی الله علیه و آله و سلم) و همهٔ انبیاء. سلام بر ائمه و فرمانده سپاه اسلام، حضرت بقیةالله‌الاعظم[۲](عج) و نایب بر حقش امام خمینی. درود به روان پاک همهٔ شهیدان و مبارزان راه خدا.

نوشتن وصیت‌نامه برای من، که توشه‌ای برای آخرت ندارم، کاری بس دشوار و سنگین می‌باشد، اما برحسب ضرورت و تکلیف این چند جمله مختصر را مرقوم می‌دارم، امیدوارم که مورد قبول حق تعالی قرار گیرد. این وصیت‌نامه را در روز چهارشنبه، مورخه ۶۴/۱۱/۱۶ مصادف با دههٔ فجر [می‌نویسم]، روز پیروزی مستضعفین بر مستکبرین مبارک باد. و آخر بهمن ماه سال ۶۴ را با پیروزی نهایی حق بر باطل و نابودی صدام و اربابانش [را] از خدای تبارک و تعالی درخواست می‌نماییم که هر چه زود[تر] مژدهٔ باز شدن راه کربلا به‌دست رزمندگان اسلام [بدهیم] و حرم امام حسین(علیه السلام) [را] زیارت کنیم و آزادی اسیران و سلامتی همهٔ مفقودین و شفا برای معلولین و مجروحین و مرضای[۳] مسلمین را خواستاریم.

**عبدالله شکرویان**

اینجانب عبدالله شکرویان، مذهب شیعه اثنی عشری، گوینده «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله». چون بندهٔ حقیر با توجه به گفتار امام امت و مسئولین برای راهیان کربلا، بر خود لازم دانستم- که فردی از افراد مسلمان هستم- برای حفظ اسلام و قرآن

---

۱- در اصل وصیت «خدائی».

۲- در اصل وصیت «بقیة العظم».

۳- در اصل وصیت «مرضی».

کریم و ناموس به جبهه روانه شدم، تا بتوانم دین خود را با کمک الله ادا کنم و با شهداء عهد [و] پیمان بستم، تا جان و خون در بدن دارم، با دشمن خار و زبون و پوسیده، صدام و حامیان، حتی به آمریکا و شوروی و اسرائیل بجنگیم، تا راه کربلا را باز و به زیارت امام حسین(علیه‌السلام) و از آنجا به قدس[1] عزیز و در آنجا نماز را به امامت امام بزرگوارمان خمینی کبیر برگزار کنیم انشاءالله.

چون قدرت خدا فوق همهٔ قدرت‌های جهانی می‌باشد، به گفتهٔ امام امت پیروزی حتمی است. این حقیر گناهکار، کوچک‌تر از آنم[2] که به شما امت شهیدپرور شهمیرزاد پیام بدهم.

توفیق از خدای بزرگ بخواهید [که] در زندگی دستور قرآن کریم و راه ائمه معصومین و امام امت و روحانیت مبارز در خط امام را انجام دهید، چون این راه‌ها به سعادت و معنویت الهی- مخصوصاً در حالت نماز و دعا و نماز شب- آدمی را به‌سوی خود می‌کشاند و آن‌وقت است [که] خدای تبارک و تعالی گناهان بنده [را] می‌بخشد، هر حاجتی که داشته باشد برآورده می‌کند، مخصوصاً شهادت.

**«و لئن قتلتم فی سبیل‌الله او متم لمغفرة من الله و رحمة خیرٌ مما یجمعون»**[3] «اگر در راه خدا کشته شده یا بمیری، در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید و آن بهتر از هر چیز که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد.

پس ای برادران و خواهران و نوجوانان مرگ حتمی است. فشار قبر و سؤال و جواب، نکیر و منکر و روز قیامت و جهنم و بهشت حتمی است. پس در زندگی کاری کنیم. این همه شهدا از ما انتظار دارند که ما راه ایشان را ادامه بدهیم و اگر عذری بیاوریم، مسئولیم در آخرت، پیش شهداء شرمنده خواهیم بود. جواب آنها را چه خواهیم گفت؟ پس بزرگترین افتخار یک فرد مسلمان آن است که راه خوب و خداپسندیده را انتخاب کند. همیشه به‌یاد خدا باشید، در راه او قدم بردارید.

بندهٔ حقیر گناهکار از اهالی شهمیرزاد می‌خواهم، من کاسب کوچک شما واقع در محرم‌دشت بودم، کسانی که از این حقیر طلبکار هستند، رجوع کنند به خانوادهٔ من، پسرم

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «آنهم».

۳- آل‌عمران/ ۱۵۷.

به‌نام علی، ولی‌الله، نبی‌الله شکرویان، ۳ سرباز امام زمان(عج)، سفارش کردم طلب خود را وصول کنند، اگر شهید و یا مفقوداثر شدم، دستم کوتاه، در آخرت شرمنده می‌شوم.

من در خواب برادرم، نور چشمم، شهید محمدرضا شکرویان را در خواب دیدم. دیدار تازه کردیم. در بغل گرفتم و بوسیدم، بوئیدم. گفتم برادر جان من دلم برای شما خیلی تنگ شد، می‌خواهم بیایم. جواب داد بیا بیا. دلم آرام گرفت، بیدار شدم و از خدای تبارک و تعالی درخواست کردم اول گناه بنده را ببخشد، اگر صلاح خدا شد بنده [...][1] هم پیش همهٔ شهدا اسلام و برادرم شهید محمد شکرویان دیداری تازه کنم و سلام همهٔ برادران و خواهران و رزمندگان را به ایشان برسانم انشاءالله. باز هم سفارش این حقیر این است در نماز سستی نکنید، با جماعت بخوانید[2]. در دعا[ی] کمیل و توسل و ندبه و سخنرانی‌های مذهبی و امر خیرها شرکت کنید. قدر همدیگر را بدانید. با همدیگر مهربان‌تر باشید. همه از همدیگر جدا می‌شویم، بعد افسوس می‌خوریم. بنده را حلال کنید.

التماس دعا امام را فراموش نکنید.

**«والسلام علیکم و برکاته»**
**کاتب الحقیر عبدالله شکرویان**
**مورخه ۶۴/۱۱/۱۶**

---

۱- یک کلمه محو شده است.

۲- در اصل وصیت «بخواهید».

بسمه تعالی

# وصیت‌نامه رزمندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ مشخصات کامل.

۲ـ هدف از آمدن به جبهه.

۳ـ پیام.

سلام علیکم

بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس خدای عزوجل که شکرش مزید نعمت و اطاعتش فزونی عزت منت خدائیرا که نعمت انقلاب را بر ما ارزانی فرموده صلوات و سلام الهی بر پیامبر خاتم حضرت محمد بن عبدالله (ص) و همه انبیاء سلام بر ائمه و فرمانده سپاه اسلام حضرت بقیة العظم (عج) و نائب برحقش امام خمینی درود به روان پاک همه شهیدان و مبارزان راه خدا نوشتن وصیتنامه برای من که توشه‌ای برای آخرت ندارم کاری بس دشوار سنگین می‌باشد اما بر حسب ضرورت و تکلیف این چند جمله مختصر را مرقوم می‌دارم امیدوارم که مورد قبول حق تعالی قرار گیرد این وصیت نامه را در روز چهارشنبه مورخه ۱۶/۱۱/۶۴ مصادف با دهه فجر روز پیروزی مستضعفین بر مستکبرین مبارک باد و آخر بهمن ماه سال ۶۴ را با پیروزی نهائی حق بر باطل و نابودی صدام و اربابش را از خدای تبارک و تعالی درخواست مینمائیم که هرچه زود مژده باز شدن راه کربلا بدست رزمندگان اسلام به حرم امام حسین علیه السلام زیارت کنیم و آزادی اسیران و سلامتی همه مفقودین و شفا برای معلولین و مجروحین و مرضی مسلمین را خواستاریم

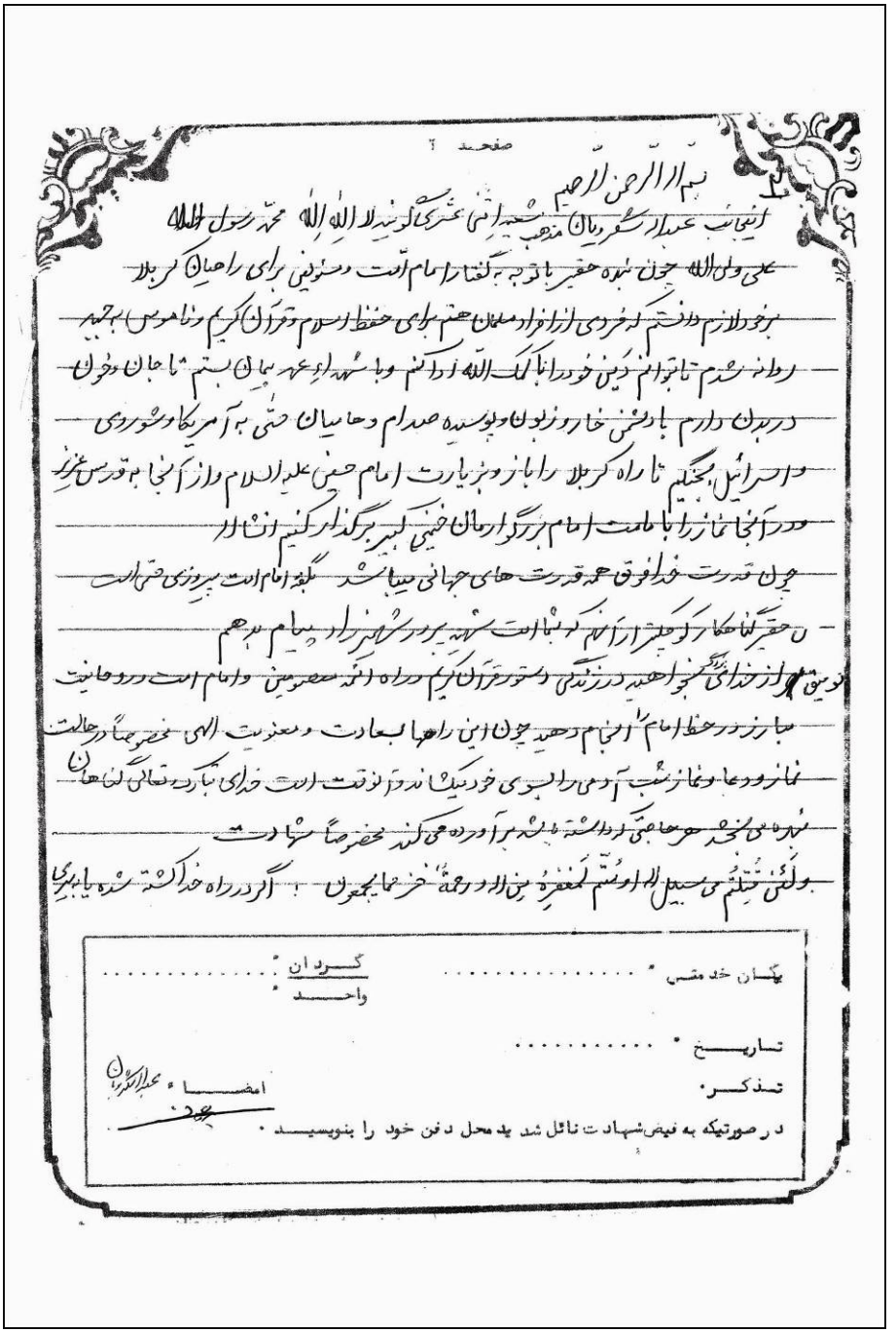

صفحه ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب عبدالله شکرویان مذهب شیعه اثنی عشری گویند لا اله الا الله محمد رسول الله
علی ولی الله چون بنده حقیر با توجه به گفتار امام امت و مسئولین برای راهیان کربلا
بر خود لازم دانستم که فردی از افراد مسلمان هستم برای حفظ اسلام و قرآن کریم و ناموس به جبهه
روانه شدم تا بتوانم دین خود را با کمک الله ادا کنم و با شهداء عهد پیمان بستم تا جان و خون
در بدن دارم با دشمن خار و زبون و پوسیده صدام و حامیان حتی به آمریکا و شوروی
و اسرائیل بجنگیم تا راه کربلا را باز و بزیارت امام حسین علیه السلام و از آنجا به قدس عزیز
و در آنجا نماز را با امامت امام بزرگوار مان خمینی کبیر برگذار کنیم انشاالله
چون قدرت خدا فوق همه قدرت های جهانی میباشد بگفته امام امت پیروزی حتی است
ن حقیر گناهکار کوچکتر از آنهم که بشما امت شهید پرور شهرزاد پیام بدهم
توفیق از خدای بزرگ بخواهید در زندگی دستور قرآن کریم و راه ائمه معصومین و امام امت و روحانیت
مبارز در خط امام را انجام دهید چون این راهها بسعادت و معنویت الهی مخصوصاً در حالت
نماز و دعا و نماز شب آدمی را بسوی خود میکشاند و آن وقت است خدای تبارک و تعالی گناهان
بنده می بخشد هر حاجتی که داشته باشد برآورده می کند مخصوصاً شهادت
ولئن قتلتم فی سبیل الله او متم لمغفرة من الله و رحمة خیر مما یجمعون ! اگر در راه خدا کشته شده یا بمیری

یگان خدمتی : ..... گردان : .....
واحد :

تاریخ : .....

تذکر :

امضاء : عبدالله شکرویان

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید .

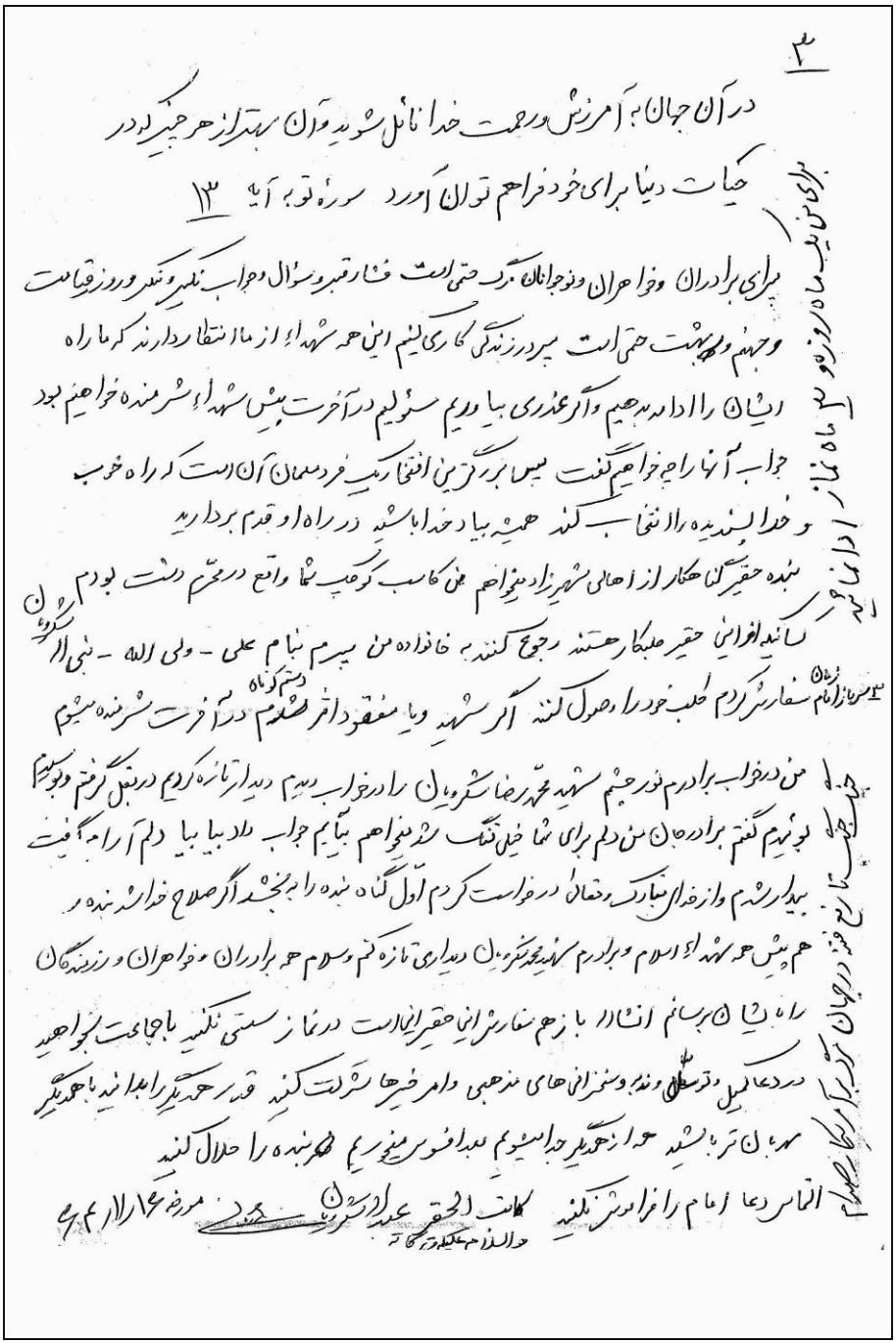

۳

در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید و آن بهتر از هر چیز که در حیات دنیا برای خود فراهم توان آورد سوره توبه آیه ۱۳

برای من یک ماه روزه و یک ماه نماز ادا نمائید

برای برادران و خواهران و نوجوانان عزیز حتمی است فشار قبر و سؤال و جواب نکیر و منکر و روز قیامت و جهنم و بهشت حتمی است پس در زندگی کاری کنیم این همه شهداء از ما انتظار دارند که ما راه ایشان را ادامه دهیم و اگر عذری بیاوریم مسئولیم در آخرت پیش شهداء شرمنده خواهیم بود جواب آنها را چه خواهیم گفت پس برگزیده‌ترین افتخار برای فرد مسلمان آن است که راه خوب و خدا پسندیده را انتخاب کند همیشه بیاد خدا باشید در راه او قدم بردارید

بنده حقیر گناهکار از اهالی شهرزاد میخواهم من کاسب کوچک شما واقع در محرم دشت بودم از شما برادران میخواهم که مرا فراموش نکنید و برای آمرزش من دعا کنید و به خانواده این حقیر طلبکار هستند رجوع کنند به خانواده من پیرم بنام علی - ولی الله - نبی الله سفارش کردم حق خود را وصول کنند اگر شهید و یا مفقود اثر شدم در آخرت شرمنده میشوم

من در خواب برادرم نور چشم شهید محمدرضا شکرویان را در خواب دیدم دیدار تازه کردم در بغل گرفتم و بوسیدم بوئیدم گفتم برادر جان من دلم برای شما خیلی تنگ شده میخواهم بیایم جواب داد بیا بیا دلم آرام گرفت بیدار شدم و از خدای متبارک و متعال درخواست کردم اول گناه بنده را ببخشد اگر صلاح خدا شد بنده و هم پیش همه شهداء اسلام و برادرم شهید محمد شکرویان دیداری تازه کنم و سلام همه برادران و خواهران و زندگان را به آنان برسانم انشاالله باز هم سفارش این حقیر اینست در نماز سستی نکنید با جماعت بخوانید در دعا کمیل و توسلی و ندبه و سفره‌های مذهبی و امر خیرها شرکت کنید قدر همدیگر را بدانید با همدیگر مهربان تر باشید همه از همدیگر جدا میشویم لبداقوس میوریم همه را حلال کنید

التماس دعا امام را فراموش نکنید کمالت الحقیر عبدالله شکرویان مورخه ۱۶/۱۱/۶۴

والسلام علیکم ورحمة الله

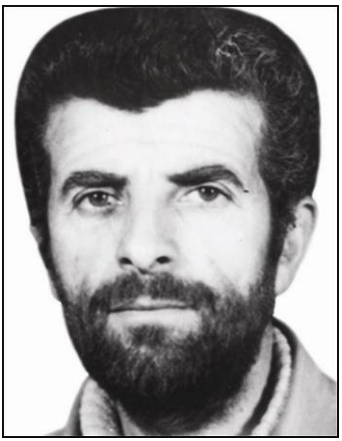

نام: **محمد**
نام خانوادگی: شکرویان
نام پدر: ابراهیم
نام مادر: امهانی
تاریخ تولد: دهم اردیبهشت ۱۳۱۶
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: جزیره مجنون عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- تو همسر یک سرباز و یا پاسدار امام زمان(عج) هستی. تو مانند زینب(علیهاالسلام) بردبار باش.
- زینب‌وار، در هر کجا هستی، با مخالفان دین، قرآن و اسلام مبارزه کن.
- زندگی یک کلاس درس بیش نیست که انسان دیر یا زود باید امتحان پس بدهد.
- سعی کنید همیشه با یاد خدا و به‌نام خدا در راه حق و حقیقت زندگی کنید.
- راه خدا و اسلام و امامم را بیشتر از همهٔ شما دوست دارم.
- از روحانیت مبارز در خط خدا، قرآن، اسلام، امامان و رهبر عزیز امام خمینی حمایت کنید.
- مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند.
- با خدای خویش عهد نمودیم که دنبال روی امام خود سیدالشهدا(علیه‌السلام) باشیم.

**محمد شکرویان**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«بسم رب الشهدا» به نام الله [پاسدار] حرمت خون شهیدان

قسمتی از وصیت‌نامهٔ خصوصی بین خودم و همسرم. همسرم سلام. امیدوارم که حالتان خوب باشد. لازم دانستم موضوعی که می‌خواستم در شهمیرزاد خدمت شما عرض کنم و بنویسم این بود، متأسفانه[1] توفیق پیدا نکردم، در هر حال از شما خواهش دارم بعد از دادن بدهکاری‌های منزل، برای هر سال به هر مقداری که ممکن است، در نیمهٔ شعبان یک جشنی گرفته، با چراغانی با نهار، به نذر[2] امام‌زمان(عج) داده شود و بعد از آن دعای کمیل یا توسل یا ندبه، اگر چنانچه ممکن است برگزار شود. همسرم تو می‌دانی و خبر داری زمانی‌که کلنگ این ساختمان را زدم پول کافی نداشتم و با آن نقشه دیدم چاره‌ای ندارم. گفتم یا امام زمان(عج)، یوسف زهرا(علیها السلام)، خود عنایت کن بنده هیچ چاره‌ای ندارم. در هر حال به هر وضعیتی که بوده، ساختمان درست شده و قرض‌ها هم داده شد و می‌شود و این عهدی که کردم، انشاءالله سال‌های سال در بودن من و شما و بعد از نبودن ما، انشاءالله بچه‌ها عملی کنند. به امید باز شدن راه کربلا، هر چه زودتر، انشاءالله. نوشته شد در جبههٔ جنوب در حسینیه انرژی.

هر صبح و هر شام به انتظار مهدی(عج) باشید.

«والسلام علیکم و رحمهٔ الله و برکاته»

محمد شکرویان، نام پدر ابراهیم، شماره شناسنامه، تولد

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**محمد شکرویان**

**مورخه ۱۳۶۳/۸/۴**

**روز جمعه آخر ماه محرم**

---

۱- در اصل وصیت «متعصفانه».

۲- در اصل وصیت «نظر».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

حق بده حق بگو حق بشنو حق کوه است و باطل برف

وصیت‌نامه از محمد شکرویان که در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱ نوشته شده، در سپاه مهدی‌شهر، روز میلاد امام محمدباقر(علیه‌السلام) می‌باشد.

همسرم اگر بندهٔ ناقابل در راه خدا، اسلام و قرآن و دین و امامم شهید شده‌ام، افتخار کن، بر خود ببال، برای من اشک در نزد مردم مریز، چون که دشمنان اسلام خوشحال می‌شوند و اگر صبر [و] تحمل کنی، تیری بر قلب دشمن خواهی زد. تو همسر یک سرباز و یا پاسدار امام زمان(عج) هستی. تو مانند زینب(علیهاالسلام) بردبار باش و سعی کن که دو کودک مرا، محسن و حسین را، در آن روز لباس شادی بپوشان، نه لباس سیاه. و به جبهه بفرست تا جای پدرش خالی نباشد و به برادرانی که در سنگر هستند فریاد کن و بگو: این دو فرزند محمد شکرویان هستند که به شما پیوستند. و خودت زینب‌وار، در هر کجا هستی، با مخالفان دین، قرآن [و] اسلام مبارزه کن، تا اینکه پیش خدا و رسول سربلند باشی انشاءالله.

همسرم امیدوارم که در طول این چند سال زندگی، اگر در مواردی با شما تندی کردم، مرا ببخشی. همسرم خداوند از تو راضی باشد، چون من از شما راضی هستم. همسرم زندگی یک کلاس درس بیش نیست که انسان [باید] دیر یا زود باید امتحان پس بدهد و اگر من داوطلب یا مأموریت[1] به جبهه یا جای دیگر برای [نبرد] حق بر باطل عازم شدم، شاید موقع امتحانم رسیده باشد. به‌هرحال تو را و فرزندانم را تنها گذاشتم، امیدوارم که بندهٔ حقیر را ببخشی، چون ما ایمان داریم که نگه‌دار ما خداوند متعال است و چون خدا را قادر مطلق می‌دانیم پس نگران نباش. امیدوارم که بعد از من بچه‌ها را خوب تربیت کنی. دو پسر، سرباز امام زمان(عج)، دو دختر، دختر زینبی شوند. انشاءالله.

یک سفارش به بازماندگان، برادران و خواهران، خویشان و همشهریان عزیزم این است: توجه کردن به‌خدا. سعی کنید همیشه با یاد خدا و به‌نام خدا در راه حق و حقیقت زندگی

---

۱- در اصل وصیت «معموریت».

کنید، چون که غیر از این راه، راه دیگر پوچ است. بنده خیلی همهٔ شما را دوست دارم، به‌خصوص خانوادهٔ خودم را ولکن خدا، راه خدا و اسلام و امامم را بیشتر از همهٔ شما دوست دارم. اگر بنده شهید شدم، در راه خدا است. امکان دارد که اتفاقی شود که جنازهٔ من به‌دست شما نرسد، هیچ ناراحت نباشید. آنگاه به‌یاد شهدای کربلای و یاد شهدای بهشت زهرا بیفتید و بنده هر کجا باشم پیش خدا و رسول و امامانم هستم انشاءالله. من از همهٔ عزیزان و همشهریان می‌خواهم از روحانیت مبارز در خط خدا، قرآن، اسلام، امامان و رهبر عزیز امام خمینی [...][1] و از ایشان حمایت کنید تا اینکه پیش خدا سربلند باشید.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسمه تعالی**

ملت‌های مسلمان باید بدانند که ایران کشوری است که رسماً با آمریکا می‌جنگد اگر ما با آمریکا و با سایر ابرقدرتها کنار آمده بودیم، گرفتار این مصائب نبودیم. ولی مردم ما دیگر به هیچ وجه حاضر نیستند تن به خواری و ذلت دهند و مرگ سرخ را[2] بر زندگی ننگین ترجیح می‌دهند. ما برای کشته شدن حاضریم و با خدای خویش عهد نمودیم که دنبال روی امام خود سیدالشهدا(علیه‌السلام) باشیم. (امام خمینی)

**تجدید شد تاریخ[3] ۱۳۶۳/۱۲/۱ انقلاب جمهوری اسلامی ایران**

با امید دیدار از همهٔ شما فردای قیامت انشاءالله زیاد سرتان را به‌درد آور[د]م. بندهٔ حقیر را ببخشید. (محمد شکرویان)

**با کمک الله عازم به جبهه ۱۳۶۳/۱۲/۱**

مبادا خویشتن را واگذاری — امام خویش را تنها گذاری[4]
ز خون هر شهید[ی] لاله‌ای رفت — مبادا روی لاله پا گذاری

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «به».

۳- چنین برمی‌آید که شهید شکرویان قبلاً در تاریخ ۱۳۶۰/۹/۹ این وصیت‌نامه را نوشته و در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱ آن را تجدید کرده است.

۴- شعر از قیصر امین‌پور و اصل شعر این است:

مبادا خویشتن را واگذاریم — امام خویش را تنها گذاریم
ز خون هر شهیدی لاله‌ای رُست — مبادا روی لاله پا گذاریم

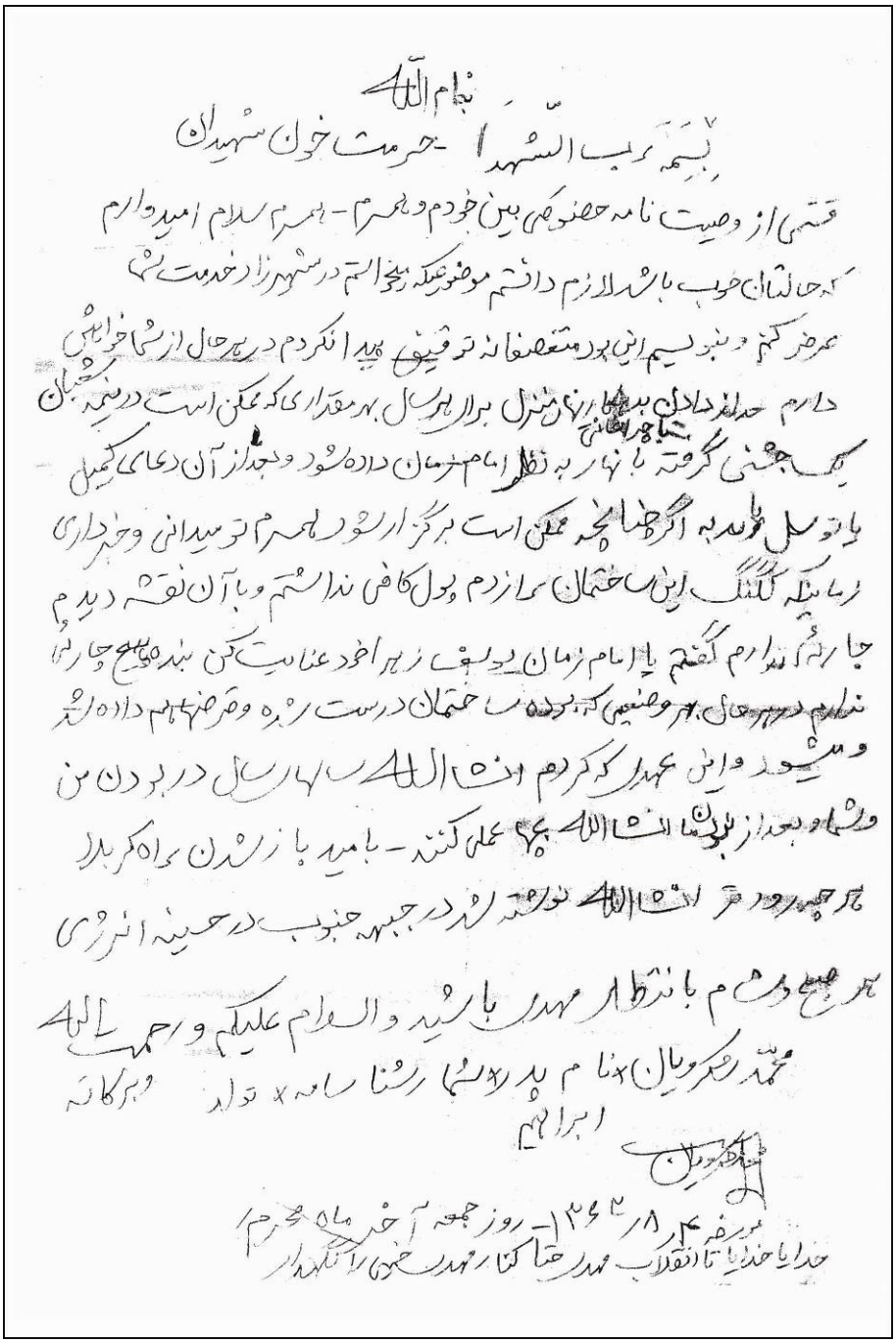

بنام الله

بسمه رب الشهدا - حرمت خون شهیدان

قسمتی از وصیت نامه خصوصی بین خودم و همسرم - همسرم سلام امیدوارم
که حالتان خوب باشد لازم دانستم موضوعیکه میخواستم در شهرزاد خدمت شما
عرض کنم و بنویسم این بود متعصفانه توفیق پیدا نکردم در هر حال از شما خواهش
دارم بعد از دادن بدهکاری منزل برای هر سال بهر مقداری که ممکن است در نیمه شعبان
یک جشنی گرفته با نهار به نظر امام زمان داده شود و بعد از آن دعای کمیل
یا توسل بیاید به اگر چنانچه ممکن است برگزار شود همسرم تو میدانی و خبر داری
زمانیکه کلنگ این ساختمان را زدم پول کافی نداشتم و با آن نقشه دیدم
چاره ندارم گفتم یا امام زمان یوسف زهرا خود عنایت کن بنده هیچ چاره
ندارم در هر حال بهر وضعیتی که بوده ساختمان درست شده و قرضها هم داده شد
و میشود و این عهدی که کردم انشاالله سالهای سال در بودن من
و شما و بعد از نبودن ما انشاالله بچه ها عمل کنند - بامید باز شدن راه کربلا
هر چه زودتر انشاالله نوشته شد در جبهه جنوب در حسینیه انرژی
هر صبح و شام بانتظار مهدی باشید والسلام علیکم و رحمت الله
و برکاته

محمد شکرویان × نام پدر × شما رشنا سامه × تولد
ابراهیم

شکرویان

مورخه ۴/۸/۱۳۶۲ - روز جمعه آخر ماه محرم
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتا کنار مهدی خیمی را نگهدار



حق یا حق هیچ حق باطل
بسم الله الرحمن الرحیم - حق تو است ای باطل برو

وصیت نامه از محمد شکرپیان که در تاریخ ۱۳۶۳/۱۲/۱ نوشته شده در سپاه مهدی شهر
رفسنجان امام محمد باقر علیه السلام میباشد اگر بنده ناقابل در راه خدا اسلام و قرآن
و دین و امام شهید شدم افتخار کن بر خود ببال برای من اشک نریز و ضعف نشان
چونکه دشمنان اسلام خوشحال میشوند و اگر صبر و تحمل کنی تیری بر قلب دشمن خواهی زد تو همسر
یک سرباز و یا پاسدار امام زمان هستی تو مانند زینب علیها السلام بردبار باش و صبر کن
که در کربلا حسین را در آن روز لباس شادی بپوشان نه لباس سیاه و به جبهه
بفرست تا جای پدرش خالی نباشد و به برادرانم که در سنگر هستند فریاد کن و بگو این دو فرزند
محمد شکرپیان هستند که به شما میسپارند و خودت زینب وار در برکت بهشتی با فخار دین
قرآن اسلام مبارز کن و از اینکه پیش خدا سرافکنده باشی از الله بیمناک - امیدوارم
که در طول این چند سال زندگی اگر ناراحتی برایت بوجود آورده ام مرا ببخشی بعنوان خداوند از تو راضی
باشد چون من از شما راضی هستم بعنوان زندگی یک کلاس درس پیش نیست که انسان باید
دیر یا زود با آن امتحان پس بدهد و اگر من دانش آموز باشم یا معلم به جبهه برای جنگ حق علیه باطل
عازم رزم شدم در موقع امتحانم رسیده باشد مهدیان تو را و فرزندانم را تنها گذاشتم امیدوارم
که بنده حقیر را ببخشی چون ما ایمان داریم که انسان در ماه خداوند متعال است و چون خدا
را قادر مطلق می دانیم پس نگران نباش امیدوارم که بعد از من بچه را خوب تربیت کنی ۲ پسر
سرباز امام زمان و ۲ دختر در خور پسر شهید الله یک سفارش به بازماندگان - برادران
و خواهران خویش و همشهریان عزیز اینست که همگی بخدا توکل کنید همیشه یاد خدا و بنام خدا
در راه حق و حقیقت زندگی کنید چونکه غیر از این راه راه دیگر پوچ است بنده خیلی چیزها
دولت دارم بخصوص خانواده ام را و آنچنان خدا راه خدا و اسلام و امام را بیشتر از همه شما دوست دارم
اگر بنده شهید شدم در راه خدا است امکان دارد که اتفاقی شود که جنازه من به شما نرسد لذا
هیچ ناراحت نباشید آنگاه بیاد شهدای کربلا و یاد شهدای بهشت زهرا بیفتید و بنده ناچیز هم
پیش خدا و رسول و امام زمان و امام خمینی از راهیان عزیز جبهه حق علیه باطل میخواهم از روحیات مبارز روحانیت
محترم اسلام اما بان و رهبر عزیز امام خمینی پیروی کنید از ایشان حمایت کنید تا اینکه پیش خدا سرافکنده نباشید

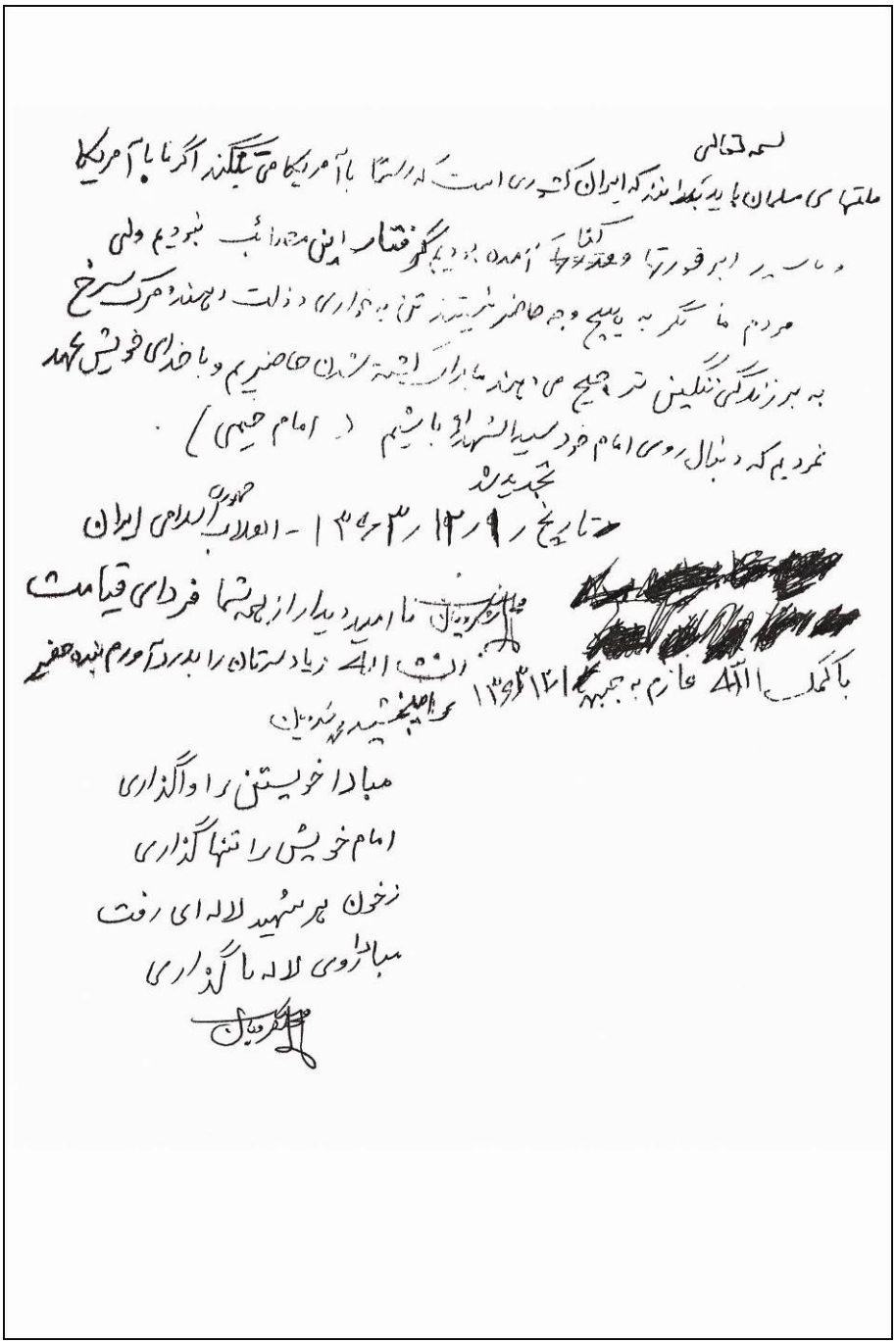



نام: **ابراهیم**
نام خانوادگی: شکوهی
نام پدر: حسینعلی
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: دوم شهریور ۱۳۴۴
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: اروندرود
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- سعی کنید که حرف امام حرف شما باشد. رهرو امام باشید.
- خون شهیدان را پایمال نکنید.
- مساجد را همیشه پر نگه‌دارید، چرا که جوانان از مسجدها به‌سوی جبهه روانه می‌شوند.
- بسیج مدرسهٔ عشق است.
- رهرو شهیدان باشید و راهشان را ادامه بدهید.
- جبهه‌ها را با شرکت کردن خود هرگز خالی مگذارید.
- نگذارید افراد فرصت‌طلب، سوء استفاده کنند.
- به فکر آخرت باشید. طرفدار حق باشید.
- حتماً در دعاها شرکت کرده و در دعاها امام را دعا کنید.
- به فکر دیگر شهیدان گمنام باشید.
- همیشه در راه حفظ انقلاب و اسلام ثابت قدم باشید.
- واهمه نداشته باشید و گول زبانبازهای چاپلوس را نخورید.

## ابراهیم شکوهی

### بسم الله الرحمن الرحیم

با سلامی ناقابل و کم‌ارزش از بندهٔ گنه‌کار خدا بر یگانه منجی عالم بشریت، قلب عالم وجود، مهدی موعود(عج) و سلامی دیگر بر امام امت، رهبر کبیر انقلاب، رهبری که با به زبان آوردن نامش پشت دشمن به لرزه می‌آید و با سلام و درود بر شما امت قهرمان و مبارز و شهیدپرور که با استقامتتان قدرت اسلام رانشان دادید. خصوصاً خانوادهٔ شهدا که با صبرشان و هدیه‌هایی که دادند[۱]، این انقلاب و امام را یاری کردند، که یاری کردن آنها، یاری کردن اسلام و دین خدا است. امت مسلمان و شهیدپرور! من کوچکتر از آنم که بخواهم به شما سخن بگویم ولی به‌عنوان فرزند کوچک جامعه و بندهٔ حقیر خدا، چند کلمه‌ای را به‌عنوان وصیت بر شما دارم، که امید است شما امت مسلمان و رهروان راه حسین(علیه‌السلام) و عاشقان الله برداشت کرده و به آن عمل کنید.

عزیزان! من به راهی رفتم که سالار شهیدان، حسین(علیه‌السلام) رفت. راهی است که انسان‌های مؤمن زیادی رفتند[۲] و فکر نکنید که من کورکورانه به این راه رفتم، نه، هرگز چنین نیست، بلکه با چشمی باز و آگاهی کامل، زیرا که من می‌دانم روزی این جسم من به‌ظاهر از بین خواهد رفت و مرگ دنیویم فرا می‌رسد، پس چه بهتر، مرگی را انتخاب کند انسان، که سعادت در آن باشد و آن مرگ چیزی جز شهادت نیست. و به شما می‌گویم که بیایید به این راهی که من رفتم که خوب راهی است و امام را یاری کنید و سعی کنید که اهل کوفه[۳] نباشید و به‌خاطر مسائل کوچک، سریع خط خود را از دست ندهید و همیشه سعی کنید که حرف امام حرف شما باشد. به حرف این و آن گوش نکنید، چرا که دشمنان ما هر لحظه در فکر کشیدن نقشه‌ای هستند تا این انقلاب و امام را نابود کنند. و بدانید که نابود شدن این انقلاب و امام برابر است با نابود شدن اسلام و از بین رفتن مسئله ناموس و به زیر سلطه ابرجنایتکارها درآمدن. پس هوشیار باشید. عزیزان! این انقلاب که شده با خون

---

۱- در اصل وصیت «دادن».

۲- در اصل وصیت «رفتن».

۳- ر.ک. تعلیقات.

شهیدان آبیاری شده، پس در نگه‌داری آن کوشا باشید. خون شهیدان مطرح است، خون شهیدان را پایمال نکنید و نگذارید که خدای نکرده صاحب این انقلاب، حضرت مهدی(عج) از ما ناراضی باشد.

مردم دلیر! مسئلهٔ جنگ را فراموش نکنید، چرا که تاکنون با کمک‌های شما امت دلیر بود که جنگ تا حالا با پیروزی‌ها به پیش رفت و امید است که این کمک‌ها آنجا ادامه یابد که ما به پیروزی کامل [...][۱]

و شما ای پدر و مادر! از شما تقاضا دارم که جلوی فرزندتان را نگیرید و آنها را به جبهه بفرستید تا در [...][۲]

مسئله دیگر مسئله مسجد است. مساجد را همیشه پر نگه‌دارید، چرا که جوانان از مسجدها به‌سوی جبهه روانه می‌شوند پس این سنگر، که امام عزیزمان، این پیر جماران، که امید تمامی مسلمین است، آنقدر سفارش کرده را همیشه [...][۳] و رهرو امام باشید و در کنار آن، بسیج که میعادگاه عاشقان است، را نگه‌دارید. ای برادرها بسیج مدرسهٔ عشق است و قدر بسیج را بدانید که این عزیزان بسیجی هستند که همیشه جبهه را پر نگه‌داشته[اند]، چرا که به قول شهید مظلوم که می‌گفت: بسیجی‌ها مرغان آغشته به عشقی هستند که جایشان این دنیا نیست. پس تا آنجا که می‌توانید به بسیج بروید و تا آنجا که می‌توانید رهرو شهیدان باشید و راهشان را ادامه بدهید و جبهه‌ها را با شرکت کردن خود هرگز خالی مگذارید. خصوصاً عزیزان دانش‌آموز. ای عزیزان دانش‌آموز! همچنان که سنگر مدارس را همیشه نگه می‌دارید در کنار آن سنگر بسیج و جبهه را هم نگه‌دارید. به‌خصوص برادرانی که قبلاً در بسیج بودند[۴]، [...][۵] گذشته بمانند و کناره‌گیری نکنند.

و وصیت دیگر به مسئولین دارم و آن در مورد جنازه‌ام است. مسئولین متعهد و ای خدمتگزاران اسلام! اگر لیاقت شهادت نصیبم شد و جسمم به‌دست شما افتاد، شما در مورد آن مختارید، از لحاظ اینکه اگر بدنم به‌درد شما خورد و خواستید تیکه‌هایی از آن را جدا

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «بودن».

۵- خوانا نیست.

کنید، تا به‌وسیلهٔ آن جان یک انسان مریض دیگر را نجات دهید، مختارید و از نظر من هیچ مسئله‌ای نیست و می‌توانید. و امیدوارم که اگر نتوانستم در زمان حیاتم خدمتی، به‌خاطر خدا، برای این ملت بکنم [با] جسم بتوانم. و اگر نخواستید و جنازه‌ام به‌دست شما رسید، در هر کجایی که برای شما مقدور است، دفن نمایید. البته بهتر است که در زادگاهم باشد و در بین شهدا جای گیرم.

و اما در مورد بچه‌های مذهبی. یک وصیت و نصیحت به شمادارم و آن این است که ای برادران! سخن این حقیر را آویزهٔ[۱] گوش خود کنید که نه آن‌چنان مذهبی تعصبی باشید و نه آنچنان باشید که تمام اخلاق اسلامی را رعایت نکنید. پس در حدود قرار گیرید که مردم از شمادرس گیرند و خدا نکرده شما با داشتن این دو حالت مضر، ضربه به اسلام بزنید. پس خوب مواظب حال خود باشید و نگذارید افراد فرصت‌طلب، سوء استفاده کنند. و اما ای دوستان! از شماها می‌خواهم که ادامه دهندهٔ راه من و تمامی شهدا باشید و تا مرگم [...][۲] شوید، چرا که انتظاری را که من از شما دارم، بیشتر از دیگران دارم و امیدوارم در این مدتی که با هم، در هر جا که برخورد داشتیم و آن برخورد اگر نابجا بود مرا ببخشید و عفو کنید چرا که گاهی وقت‌ها انسان خطاکار است و اشتباهاتی سر می‌زند. و از شما درخواستی که دارم این است که هم‌چنان گذشته بیشتر به فعالیت مذهبی مشغول باشید و مردم را به هیچ عنوان ناراضی نگه ندارید تا آنجا که می‌توانید، مخصوصاً دوستان همشهریم، در مورد شهرتان و مردمانتان بی‌طرف نبوده و تا حدّ امکان به این مردم خدمت کنید.

و اما سخن دیگر دارم و آن در مورد آشنایان[۳] است. آنهایی که بی‌طرف بوده و همیشه نارضایتی نسبت به این انقلاب نشان می‌دهند، که خود می‌دانند تکیه سخنانم به کدامین است. کمی فکر کنند و کمی مسئله خدا را در نظر بگیرند. کمی به فکر آینده باشند که به زودی مرگ به سراغ آنها خواهد آمد و به زودی [...][۴] دنیا جلوی تو را می‌گیرند و

---

۱- در اصل وصیت «آوازه».

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «آشنائیان».

۴- خوانا نیست.

می‌گویند که ای بنده من، چه‌قدر برای خودت [...][1] آخرت ذخیره کردی؟ آنجاست که از جواب وا می‌مانید و جوابی ندارید. پس تا آن زمان فرا نرسیده خود را مهیا کنید و کمی به فکر آخرت باشید و باز می‌گویم، در مورد مسئله اسلام بی‌اهمیت نباشید و همیشه به فکر خورد [و] خواب خود نباشید انشاءالله.

امت مسلمان و مبارز! این سخن را در مورد شهر با شما دارم و آن وضعیت شهمیرزاد در مدت سه ماه تابستان است. عزیزان در مورد شهر بی‌اهمیت نباشید و نگذارید که این شهر شما محل فساد شود. خود جلوگیری کرده، چرا که در تابستان شما خود شاهدید که در داخل این شهر چه فسادهایی رخ می‌دهد و من شما را مسئول می‌دانم در این مورد. و امیدوارم که با برخوردی کاملاً اسلامی، از مهمان‌های خود پذیرایی کنید. نمی‌گویم که کاملاً جلوگیری کنید، نه، بلکه این مسافرهای عزیز را با کنترل گرفته، کامل ودر آغوش خود بپذیرید واز عوامل مضر که باعث ایجاد فساد می‌شوند، جلوگیری کنید و آنها را به راه راست هدایت کنید. و دیگر اینکه شما امت حتماً در دعاها شرکت کرده و در دعاها امام را دعا کنید تا سایه او از سر این انقلاب کم نشود.

و حال سخنی با شما پدر و مادر عزیز دارم و آن این است که چندین بار هم گفتم (در نامه‌ها)، می‌دانم در این مدتی که من فرزند خانواده به [...]می‌آمد[2] نتوانستم آن زحمت‌هایی [را] که برایم کشیدید، تلافی کنم. و می‌دانم که در این مدت فرزند خوبی برای شما نبودم و امیدوارم که مرا از ته قلب ببخشید و دیگر اینکه در مورد مرگم هرگز ناراحت نباشید. نمی‌گویم گریه نکنید، گریه بکنید، اما نه برای من، بلکه برای امام حسین(علیه‌السلام) و یاران باوفایش که مظلومانه شهید شدند[3] و هر وقت که به یاد من افتادید، به یاد فرزندان امام حسین(علیه‌السلام) بیفتید. مخصوصاً تو ای مادر! یادت می‌آید که چگونه از دوران تولدم تا نه سالگی بی‌خوابی کشیدی، تا من آسوده بخوابم و حال نوبت من بود که بی‌خوابی بکشم و در جبهه پاسداری بدهم تا تو در خانه آسوده بخوابی و امیدوارم با این خدمت ناچیز من حداقل کمی از زحمات تو را به‌جا آورده باشم.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «شدن».

خلاصه در پایان از تمام اعضای خانواده‌ام حلالیت می‌طلبم و به شما بگویم که اگر جنازه‌ام در دست شما افتاد که خوب قبلاً گفته شد و اگر نیفتاد، هیچ ناراحت نباشید و به فکر دیگر شهیدان گمنام باشید که چگونه پدر و مادر خود را چشم‌انتظار گذشتند[۱] و امیدوارم که خدا مرا نیز با شهیدان گمنام قرار دهد. و اما در مورد نماز و روزه‌ام که من به مدت ۲۳ روز و شاید بیشتر، روزه بدهکارم، که مدت ۱۵ روز رادر جبهه بود و بقیه را به‌علت به‌وجود آمدن مشغله نتوانستم بگیرم. و در مورد نماز که من به مدت ۱۸ ماه نماز بدهکارم که قضا شده و توفیق به‌جا آوردن آن را نیافتم و از شما می‌خواهم که آن را، اگر برای شما امکان دارد، خودتان یا دیگران انجام دهید. خود می‌دانید که به مقدار ۳۰۰ تومان پول در بانک دارم که لازم به ذکر نبود، خود هر چه خواستید بکنید. و دیگر اینکه مقدار ۳۲ تومان برادر شهاب‌الملک از من می‌خواهد و من در ازای آن ۱۲۰ تومان می‌خواهم. لطفاً با هم کنار بیایید، اگر قبول نکرد ۳۲ تومان او را بدهید، حتماً حتماً و اگر خواست بقیه را بدهد از او نگیرید. دیگر قلم را به زمین می‌گذارم و از شما مجدداً طلب آمرزش می‌کنم و شماها را به خدا می‌سپارم و امیدوارم که همیشه در راه حفظ انقلاب و اسلام ثابت قدم باشید و در نبود من صبور.

خدایا! تمامی خدمت‌هایی که به‌خاطر تو انجام دادم به کرمت قبول بفرما. بار الها! تو خود می‌دانی که من بندهٔ گنهکارم و در درگه تو روسیاه و امیدوارم که ببخشی و اگر حقی از حق‌هایی که بر گردنم است: حق‌الناس، حق‌الله، حق‌الوالدین تو خودت برطرف کنی و نادیده بگیری و مرا عفو نمایی. الها! مرگم را که به‌خاطر تو بود به کرمت قبول بفرما و مرا جزء شهیدان صدر اسلام قرار بده. معبودا! خالقا! سبحانا! تمامی خدمتگزاران به اسلام و مسلمین را که در هر پست و مقامی هستند[۲] [...][۳] ما این نایب مهدی(عج) و امید مستضعفان را در پناه خود حفظ بفرما.

---

۱- در اصل وصیت «گذاشتن».

۲- در اصل وصیت «هستن».

۳- ظاهراً در اینجا عبارات یا جملاتی افتاده است.

در پایان دعا یک سخن کوتاه دربارهٔ سپاه [...][1] داشتم و نخواستم که در وصیت باشد ولی صبر به من این تحمل را نداد و مجبور شدم ذکر کنم و آن این است [...][2]تعصب‌وار عمل نکنید و دیگر اینکه در مساجد ما به‌طور پراکنده و فعال حضور داشته باشید و سعی نکنید که مردم شما را به چشم بد نگاه کند و شما را به‌عنوان افراد غیرمردمی بدانند. و دیگر اینکه طرفدار حق باشید، از لباس [و] مقام[.] این مسائل[ها] واهمه نداشته باشید و گول زبانبازهای چاپلوس را نخورید و تا آنجا که می‌توانید خدمت کنید، خدمت خالصانه تا انشاءالله خداوند قبول کند و ما را سربازان واقعی امام زمان(عج) قرار دهد، انشاءالله.

پروردگارا! تو را به عزیزترین کس نزد خودت، تمام کسانی که در راهت خدمت می‌کنند را به خودشان وامگذار و آنان را به راه مستقیم هدایت بفرما. آمین.

**«والسلام»**

**بندهٔ حقیر خدا، فرزند کوچک جامعه، ابراهیم شکوهی**

**۶۳/۷/۸**

دعای آخر من، خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، امام را نگه‌دار

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.







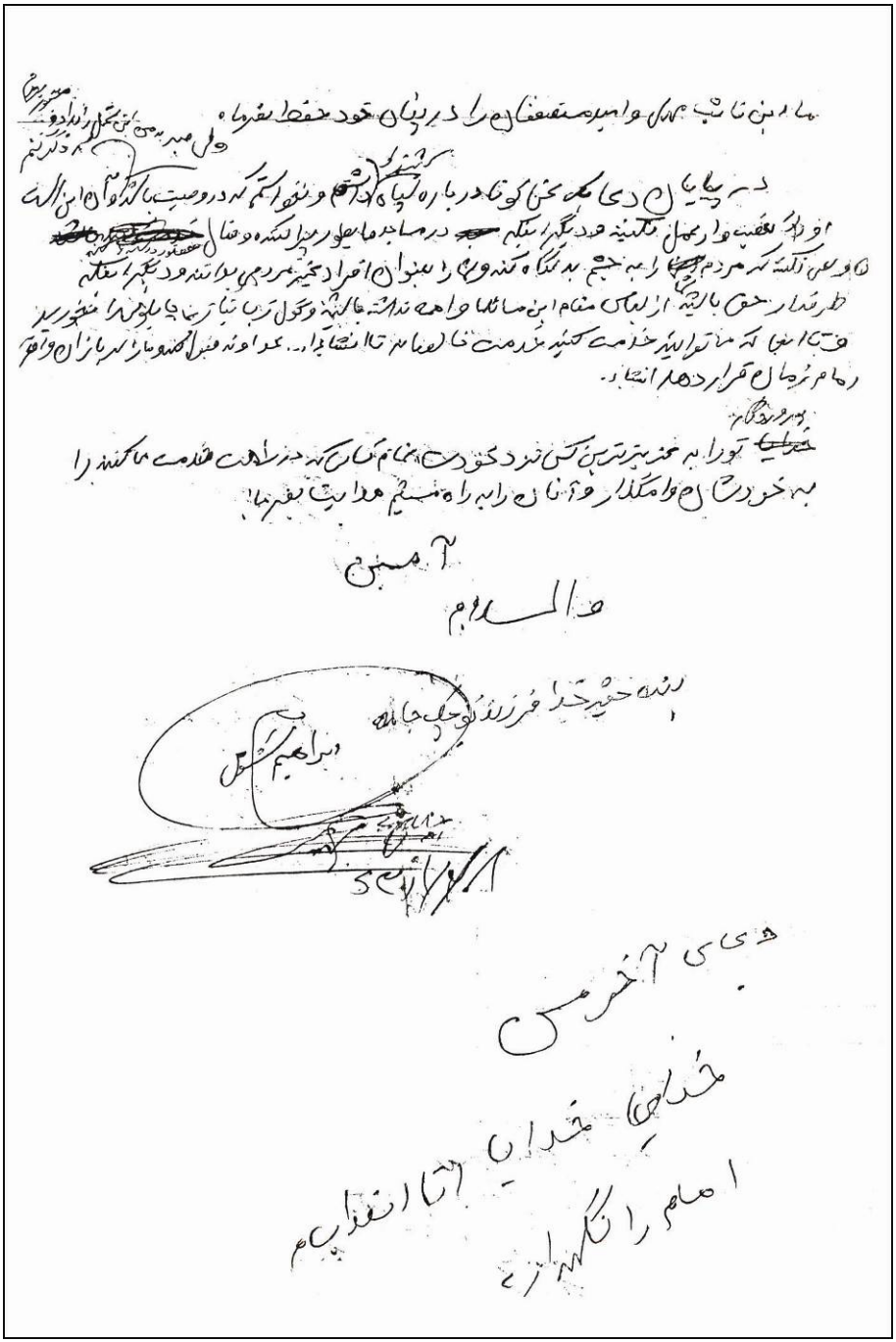



نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: شکوهی
نام پدر: حسین
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: یکم دی ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوازدهم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: اروندرود
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ای عزیزان دست از این انقلاب برندارید.
- نگذارید که این یاوه‌گویان شرق و غرب ریشهٔ این انقلاب را برکنند.
- ای عزیزان مگذارید که منافقین در میان شما رخنه ایجاد کنند.
- عزیزان این جنگ به شماها نگاه می‌کند قلب خود را پاک کنید و به لقاءالله بپیوندید.
- مساجد را خالی نکنید.
- روحانیت در خط امام را بچسبید که اگر این روحانیت نبودند ما این انقلاب را هم نداشتیم.

## علی‌اکبر شکوهی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«فان الجهاد باب من ابواب الجنّه فتحه الله لخاصهٔ اولیائه»[۱]
«پس یقیناً جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را برای خاصان اولیائش می‌گشاید».

با سلام و درود بر منجی عالم بشریت، برپا کنندهٔ عدالت. و با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، خمینی بت‌شکن و با سلام بر زمندگان اسلام و با سلام و درود بر شما امت حزب‌الله ایران. الله اکبر، شهیدان زنده‌اند الله اکبر، به خون آغشته‌اند الله اکبر.

بار خدایا تو را به عزتت و جلال خودت قسم می‌دهم، که تو ما را به راه راست هدایت بفرما، چون که ما اگر با این وضع برویم، حالمان معلوم است. خدایا ما به‌غیر از گناه چیزی دیگر همراه خود نیاورده‌ایم، خدایا تو را به حق مهدی(عج) تمام مؤمنین را ببخش و بیامرز و بعد هم یک عنایتی به ما بکن.

برادران و خواهران عزیزم! این حقیر کوچک‌تر از آنم که چند کلامی را بگویم، ولی چاره نیست. امیدوارم که شما همگی مرا ببخشید و من از همهٔ شما حلالیت می‌طلبم. اگر کسی از دست من رنج کشیده امیدوارم مرا ببخشد، من که چیزی ندارم که به او بدهم. امیدوارم که خداوند عوض به او بدهد. ای عزیزان دست از این انقلاب برندارید و نگذارید که این یاوه‌گویان شرق و غرب ریشهٔ این انقلاب را برکنند.

ای عزیزان مگذارید که منافقین[۲] در میان شما رخنه ایجاد کنند و بین شما تفرقه بیندازند. ای عزیزان این جنگ به شماها نگاه می‌کند قلب خود را پاک کنید و به لقاءالله بپیوندید که بهتر از این کارها کاری دیگر نداریم. یک حدیثی است که می‌فرماید «بهتر از هر نیکی یک نیکی دیگر است، اما بالاتر از شهادت نیکی دیگر نداریم»[۳] پس بشتابید به‌سوی این امر

---

۱- نهج‌البلاغه، خطبه ۲۷، ص ۲۷، ترجمه سیدجعفر شهیدی.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- عبارت شهید ترجمه این سخن حضرت رسول‌الله(ﷺ) است: «فوق کل ذی بربر حتی یقتل فی سبیل‌الله فاذا قتل فی سبیل الله فلیس فوقه بر» (وسایل الشیعه، ج۱۱، ص۱۰).

نیک. برادران مساجد را خالی نکنید، روحانیت در خط امام را بچسبید که اگر این روحانیت نبودند ما این انقلاب را هم نداشتیم.

**«والسلام[۱] علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**علی‌اکبر شکوهی**

۱- در اصل وصیت «و سلام».

(۱)

بسمه تعالی

# وصیت‌نامه رزمندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید.

۱ـ مشخصات کامل: بسم الله الرحمن الرحیم

۲ـ هدف از آمدن به جبهه: فان الجهاد باب من ابواب الجنة فتحه الله لخاصة اولیائه

۳ـ پیام: بی یقینا جهاد دری است از درهای بهشت که خداوند آن را برای خاصان اولیائش می گشاید

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر منجی عالم بشریت بر پا کننده عدالت و با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران خمینی بت شکن و با سلام بر رزمندگان اسلام و با سلام و درود بر شما امت حزب الله ایران الله اکبر شهیدان زنده اند الله اکبر به خون آغشته اند الله اکبر بار خدایا تو را به عزت و جلال خودت قسم می دهم که تو ما را به راه راست هدایت بفرما چون که ما اگر با این وضع برویم حالمان معلوم است خدایا ما بغیر از گناه چیزی دیگر همراه خود نیاورده ایم خدایا تو را به حق مهدی (عج) تمام مؤمنین را ببخش و بیامرز و بعد هم یک عنایتی به ما بکن برادران و خواهران عزیزم این حقیر کوچکتر از آنم که چند کلامی را بگویم ولی چاره نیست امیدوارم که شما همگی مرا ببخشید و من از همه شما حلالیت می طلبم اگر کسی از دست من رنج کشیده امیدوارم مرا ببخشد من که چیزی ندارم که به او بدهم امیدوارم

صفحه (۲)

که خداوند عوض به او مدهد ای عزیزان دست از این انقلاب
برندارید و نگذارید که این یاوه گویان شرق و غرب ریشهٔ این انقلاب را
برکنند ای عزیزان نگذارید که منافقین در میان شما رخنه ایجاد کنند
و بین شما تفرقه بیندازند ای عزیزان این جنگ به شما ها نگاه میکند تلب-
خود را پاک کنید و به لقاء... بپیوندید که بهتر از اینکار ها کاری دیگر ندارم
یک حدیثی است که می فرماید بهتر از هر نیلی یک نیلی دیگر است اما بالاتر
از شهادت نیلی دیگر ندارم پس بشتابید بسوی این امر نیک برادران مساجد
را خالی نکنید روحانیت در خط امام را بچسبید که اگر این روحانیت نبود ما این انقلاب
را هم نداشتیم والسلام علیکم ورحمة... وبرکاته

علی اکبر شکوهی

یکان خدمتی ..... گردان ..... واحد .....

تاریخ .....

تذکر: امضاء

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شد به محل دفن خود را بنویسید.

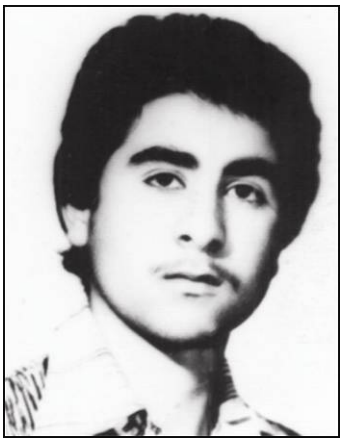

نام: **غلامحسن**
نام خانوادگی: شمس
نام پدر: اسماعیل
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: دوم فروردین ۱۳۴۲
محل تولد: روستای مومن‌آباد از توابع شهرستان دامغان
تحصیلات: دوم راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: دهم اردیبهشت ۱۳۶۱
محل شهادت: خرمشهر
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- امیدوارم بتوانم راه شهیدان را ادامه بدهم.
- امیدوارم با ریختن این خون ناچیز ما پیروزی رزمندگان اسلام نزدیک‌تر بشود.
- مادر باید افتخار کنی که چنین فرزندی را داشته‌ای که در راه خدا و مملکت خود شهید شد.
- تا خون در رگ دارم می‌گویم حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله.

**غلامحسین شمس**

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**[۱]

**به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان**

«**ومن یقاتل فی‌سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجراً عظیماً**» (نساء/ ۷۴).

«هرکس در جهاد برای خدا کشته شد یا فاتح گردید به‌زودی او را اجری عظیم دهیم».

برای ملت ما شهادت یک فوز عظیم است و بچه خردسال و پیرمرد بزرگ آرزوی شهادت می‌کنند.[۲] (امام خمینی)

با درود به رهبر کبیر انقلاب و با درود به تمام رزمندگان اسلام و با سلام به تمام شهیدان انقلاب اسلامی ایران امیدوارم بتوانم راه شهیدان را ادامه بدهم و این خون ناچیز خود را در راه این انقلاب اسلامی ایران بدهم و امیدوارم با ریختن این خون ناچیز ما پیروزی رزمندگان اسلام نزدیک‌تر بشود.

مادر باید افتخار کنی که چنین فرزندی را داشته‌ای که در راه خدا و مملکت خود شهید شد. مادر و برادرها و فامیل‌ها گریه نکنید چون دشمنان اسلام و قرآن خوشحال می‌شوند و مادر و برادرها اگر مجلس ختم گرفتید سبک‌تر باشد و نگذارید منافقین[۳] در تشییع جنازه من و ختم من شرکت کنند و تا خون در رگ دارم می‌گویم حزب فقط حزب‌الله، رهبر فقط روح‌الله و می‌گوییم[۴] حزب‌الله می‌میرد، می‌جنگد سازش نمی‌پذیرد و اسلام پیروز است «چپ و راست» نابود است.

**«والسلام علیکم و رحمة‌الله و برکاته»**

**غلامحسن شمس**

---

۱- در بالای وصیت نوشته شده است: وصیت‌نامه شهید غلامحسن شمس، عضو سپاه تاریخ شهادت: ۶۱/۲/۱۰، محل شهادت: دارخوین».

۲- صحیفه امام، ج۷، ص۱۷۰. در اصل وصیت «یک رستگاری بزرگ است».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «میگوئیم».



بسمه تعالی

وصیت نامه‌شهید غلامحسن‌شمس

عضو سپاه تاریخ شهادت: ۶۱/۲/۱۰ محل شهادت: دارخوین

( بنام ا... پاسدار حرمت خون شهیدان )

« ومن یقاتل فی‌سبیل ا... فیقتل او یغلب فسوف نوتیه اجراً عظیما » (نساء۷۴)

هر کس در جهاد برای خدا کشته شد یا فاتح گردید بزودی او را اجری عظیم دهیم.

برای ملت ما شهادت یک رستگاری بزرگ است و بچه خردسال و پیرمرد بزرگ آرزوی شهادت میکند ( امام‌خمینی )

بادرود بر هبر کبیر انقلاب و بادرود بتمام رزمندگان اسلام و باسلام بتمام‌شهیدان انقلاب اسلامی‌ایران امیدوارم بتوانم‌راه‌شهیدان‌را ادامه‌بدهم و این‌خون‌ناچیز خودرادر راه‌این انقلاب اسلامی ایران بدهم و امیدوارم با ریختن این خون ناچیز ما پیروزی رزمندگان اسلام‌نزدیکتر بشود .

مادر باید افتخار کنی که‌چنین فرزندی را داشته‌ای که‌در راه‌خداو مملکت خودشهیدشد مادر و برادرهاو فامیل‌ها گریه‌نکنیدچون‌دشمنان اسلام وقرآن خوشحال میشوند ومادر و برادرها اگر مجلس ختم گرفتید سبک‌تر باشد و نگذارید منافقین در تشییع جنازه من و ختم‌من‌شرکت کنند و تاخون‌در رگ‌دارم‌می‌گویم‌حزب‌فقط‌حزب‌ا...رهبر فقط‌روح‌ا... و میگوئیم‌حزب‌ا... میمیرد میجنگدسازش نمی‌پذیرد و اسلام‌پیروز است چپ و راست نابود است

والسلام‌علیکم ورحمت‌الله وبرکاته

غلامحسن‌شمس

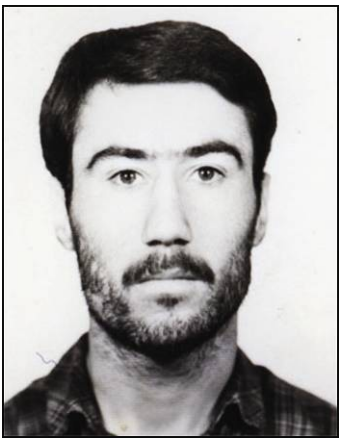

نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: شمس‌الدین
نام پدر: علی‌اکبر
نام مادر: شهربانو
تاریخ تولد: هفتم بهمن ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: سی‌ام تیر ۱۳۶۶
محل شهادت: جزیره مجنون
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ما فرزندان قرآن و اسلام، از جان و زندگی خود دست کشیده‌ایم.
- به فرمان امام امت، روح خدا، سوی جبهه‌های حق علیه باطل رفته‌ایم تا بر علیه کفر جهانی مبارزه کنیم.

**مجتبی شمس‌الدین**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنّة»**[۱]

«همانا خدا خرید جان‌ها و مال‌های مؤمنین را و قرار داد بهشت را برای آنها».

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان. خداوند کسانی را دوست دارد وبه آنها مهر و محبت می‌ورزد که از مؤمنان او باشند و کسانی که جان و مال خود را فدای دین مبین اسلام کنند. ما فرزندان قرآن و اسلام، از جان و زندگی خود دست کشیده‌ایم و به فرمان امام امت، روح خدا، سوی جبهه‌های حق علیه باطل رفته‌ایم تا بر علیه کفر جهانی مبارزه کنیم و جمهوری اسلامی را در کشور عراق برقرار کنیم. انشاءالله، به امید خداوند متعال، قدس[۲] عزیز را از دست صهیونیسم جهانی آزاد کرده و در آنجا به امامت روح خدا، فرماندهٔ کل قوا، خمینی بت‌شکن، نماز جماعت و جمعه را برپا کنیم.[۳]

و حال چند نکته و تذکر به پدر و مادر عزیزم و خواهر گرامی و برادرم. پدر عزیز و مادر گرامی! انشاءالله که مرا می‌بخشید زیرا نمی‌توانم چه‌طور از شما قدردانی کنم، برای اینکه خیلی برای من زحمت کشیده‌اید و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و در پیشگاه خداوند روسفید باشم و اگر من شهید شده‌ام، هرگز ناراحت نباشید، برای اینکه راهی بوده است که می‌بایست می‌رفت. از شما خانوادهٔ گرامی در همین‌جا باز هم خداحافظی می‌کنم و اگر جنازهٔ من به‌دست شما نرسید، ناراحت نباشید.

**فرزند حقیر شما**

**مجتبی شمس‌الدین**

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «کرده».

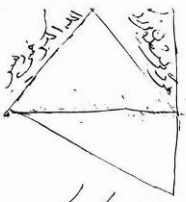

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه مجتبی شمس الدین

ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة

«همانا خدا خرید جانها و مالهای را از مؤمنین و قرار داد بهشت را برای آنها.

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان خداوند کسانی را دوست دارد و محبت می ورزد که از مؤمنان او باشند و کسانی که جان و مال خود را فدای دین مبین اسلام کنند ما فرزندان قرآن و اسلام از جان و زندگی خود دست کشیده ایم و به فرمان امام امت روح خدا سوی جبهه های حق علیه باطل رفته ایم تا در برابر کفر جهانی مبارزه کنیم و جمهوری اسلامی را در کشور عراق برقرار کنیم. انشاء الله به امید خداوند متعال قدس عزیز را از دست صهیونیسم جهانی آزاد کرده و در آنجا به امامت روح خدا، زمانه کل را خمینی بت شکن نهاد جماعت و جمعه را در آنجا به پا کرده. و حال چند نکته و تذکر به پدر و مادر عزیزم و دو خواهر گرامی و برادرم. پدر عزیز و مادر گرامی انشاء که راضی نباشید زیرا نمی توانم حضور از شما قدردانی کنم برای اینکه چیزی برای من زحمت کشیده اید و از شما می خواهم که مرا حلال کنید و در پیشگاه خداوند روسفید باشم و اگر من شهید شده ام هرگز ناراحت نباشید برای اینکه راهی بوده است که می بایست می رفت از شما خانواده گرامی در همین جا باز هم خداحافظی می کنم و اگر جنازه من بدست شما نرسید ناراحت نباشید. فرزند حقیر شما مجتبی شمس الدین

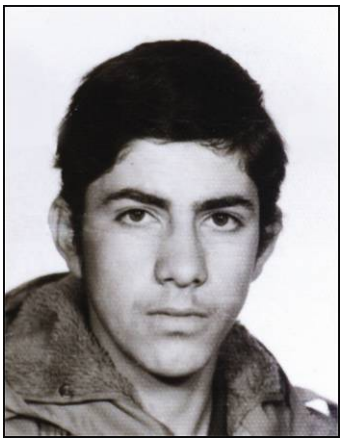

نام: **سیدجعفر**
نام خانوادگی: شمسایی
نام پدر: سیدمرتضی
نام مادر: عالیه
تاریخ تولد: بیستم اردیبهشت ۱۳۴۷
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: یازدهم فروردین ۱۳۶۴
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- بدان که مرگ حیات‌بخش است. مرگ آخر زندگی نیست بلکه تبدیل زندگی است از زندگی آمیخته به بلا به زندگی طیبه.
- امام و ولایت فقیه را دعا کنید.
- امام را دعا کنید و از امام نگه‌داری کنید. امام را رها نکنید.
- از برادرم هم می‌خواهم همچون حضرت عباس شمشیر بر دست گیرد و جای شهیدان را خالی نکند.
- از خواهران خود می‌خواهم همچون حضرت زینب(علیهاالسلام) باشند.
- به امید روزی که کربلا را زیارت کنیم.
- کل جهان را با دین حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روشن کنید.

## سیدجعفر شمسایی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«فاذا جاء اجلهم لایستأخرون ساعتةً و لا یستقدمون»**[۱] **«کلّ نفس ذائقة الموت»**[۲] **«کلّ من علیها فان»**[۳]

بدان که مرگ حیات‌بخش است. مرگ آخر زندگی نیست، بلکه تبدیل صورت زندگی است از زندگی آمیخته به بلا، به زندگی طیبه و بی‌خوف و خون و در این تبدیل که به عقیدهٔ حکمای اسلامی «خلع و لبس»، است، آن حقیقت و محتوای «من»، که می‌گویی دست من، پای من، اعضای من، جوارح من، حتی فکر واندیشهٔ من، آن من، لباس خود را که کالبد و قفس دنیایی است از تن می‌اندازد و لباس بهتری می‌پوشد و زندگی بهتری می‌یابد. و چنانچه پیغمبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: اگر خودش به‌دست خودش بدهد، ثوابش بیشتر و اگر توفیق نیافت وصیت کند.

[...][۴] رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): **«من لم یحسن الوصیة عند الموت کان ذلک نقصا فی مروته و عقله»**[۵] رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود: «هر کس وصیت نیکو نکند، دلیل بر نقصان عقل ودین اوست» که مال دارد و به نفع خود وصیت نیکو نمی‌کند. این مال و منال و نیرو و قدرت در این دنیا که رهگذر آخرت است، برای تأمین استراحت آن جهان است و بی‌خردان از این قدرت مالی برای راحتی آخرتی بهره‌مند نمی‌گردند.

وصیت من به پدر و مادر و برادران و خواهران، عموهایم سید علی و سید محمود. پدر بزرگوارم! پدری که چندین سال برای بزرگ کردن من زحمت کشید[ی]، امیدوارم برای من ناراحت نباشی که من از پیش شما رفتم. اگر من رفتم، راه سید غلام‌ها و سید رشیدها و سید امرالله‌ها را رفتم و به فیض خود، شهادت خود، رسیدم. امیدوارم مرا حلال کنی و در

---

۱- اعراف/ ۳۴. در اصل وصیت «و لا یستعدمون».

۲- آل‌عمران/ ۱۸۵.

۳- الرحمن/ ۲۶.

۴- خوانا نیست.

۵- وسایل الشیعه، ج۱۹، ص۲۶۰، در اصل وصیت «فی عقله و مروته».

تمام عمر خودت امام را دعا کنید و پیروزی اسلام را، رزمندگان را، مجروحین را و مهمتر ولایت فقیه را دعا کنید تا پیروز شوند.

و یک وصیت به مادرم. مادر عزیز! ای مادری که من را ۱۵ سال بزرگ کردی و به این سن رساندی. من را در راه خدا رها کردی و به خدا سپردی تا به جبهه بروم. من را حلال کن که تو چقدر برای من زحمت کشیدی تا بزرگ شدم و به این فیض بزرگ رسید[م] و از تو می‌خواهم که ناراحت من نباشی که من مردم. من راه شهیدان صدر اسلام را رفتم و خدا توفیق شهادت را به من داد و به شهادت خود رسیدم. امیدوارم که من را حلال[۱] کنی که تو را اذیت کردم و تو را در طی[۲] عمر قدر نمی‌دانستم. امیدوارم همچون مادران دیگر باشی و خود را در جلو امام نبازی، در جلو سپاهیان نبازی و فرزندان دیگر سید محمد و سید حسین را هم در راه خدا رها سازی تا پیروی از اسلام عزیز بکنند. من را حلال[۳] کن مادر حلالم[۴] کن مادر.

چند پیام به برادرانم دارم. برادرم سید محمد! امیدوارم همچون ابوالفضل عباس باشی و همچون برادران شهید داده باشی و مرا ببخشی که نتوانستم برادری خودم را ثابت کنم. ناراحت نباشی که من رفتم، بلکه خوشحال باشی که برادر شهید هستی. دعا کنی که خدا این هدیه تو را قبول کند، تا من هم تو را دعا کنم. من را ببخشید و امام را دعا کنید و به‌عنوان برادر بزرگتر که برادر خود را هدیه به امام و اسلام کردی خوشحال باشی و شکر خدا را بکنی و برادرم سید حسین هم همچنین درس خود را بخواند. و راه اسلام را برود و در بین بچه‌ها سعی کند بهترین آنها باشد.

و پیامی دیگر به خواهرانم دارم که خواهرانم همچون زینب باشند و زینب‌وار زندگی کنند که [...][۵] راه علی و خدیجه را رفته و خوشحال باشند که برادری را هدیه به پیشگاه امام کردند و هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشند. و یک پیام به عموهایم. عمو جان سید علی و سید محمد! امیدوارم که هیچ‌گونه ناراحتی نداشته باشید و خوشحال باشید که برادرزادهٔ

---

۱- در اصل وصیت «حلال».

۲- در اصل وصیت «تی».

۳- در اصل وصیت «هلال».

۴- در اصل وصیت «هلال».

۵- خوانا نیست.

خـود را هدیـه کردیـد. مگـر حضـرت عبـاس[۱](علیه‌السلام) نبـود کـه علـی‌اکبـر[۲](علیه‌السلام) و علی‌اصغر[۳](علیه‌السلام) و قاسم[۴](علیه‌السلام) برادرش را فدای دین اسـلام کـرد، شـما هـم همچـون او باشید و هیچ ناراحتی نداشته باشید و امام و ولایت فقیه را دعا کنید.

یک پیام به ملت شهیدپرور. امت شهید پرور میقان! امیدوارم که شـما هـم بـه پـدران و همسران تمامی مادران شهیدان روحیه دهید و نگذارید ناراحت باشند و امام را دعا کنید.

نام و نام خانوادگی: سید جعفر شمسایی، نام پدر: سید مرتضی، شماره شناسنامه: ۲۸۱۰، تاریخ تولد: ۱۳۴۵، متولد: میقان، صادره از: حوزهٔ ۲ شـاهرود، گـروه اعزامـی از: امـام‌شـهر، تیپ ۱۷ قم، محل مأموریت: جنوب، حمله: بصره، محل حمله: شهر بصره.

امام را دعا کنید و از امام نگه‌داری کنید. امام را رها نکنید.

**سیدجعفر شمسایی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«**انّی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی**»[۵] پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «همانا دو چیز گران‌بها بین شما باقی می‌گذارم، کتاب خدا و خاندانم».

«**من اکبر التّوفیق الاخذ بالنصیحة**»[۶] «از بزرگترین توفیقات انسـان، قبـول کـردن نصـیحت و خیرخواهی دیگران و عمل به آن می‌باشد».

به نام الله یاری دهندهٔ تمامی مستضعفان. به نام آن خدایی که ما را آفریـد و همگـی مـا امانتی هستیم و باز باید جوابگوی بد و خوب خودمان در نزد او باشیم.

با سلام و درود بر رهبر انقلاب، امام امـت، خمینـی کبیـر و شـهیدان راه حـق کـلام را شروع می‌کنم. من کـه ایـن وصـیت‌نامـه را مـی‌نویسـم (دوشـنبه ۱۳۶۲/۲/۵ اسـت) وایـن

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- بحارالانوار، ج۲، ص۲۲۵.

۶- از امیرالمؤمنین(ع)، غررالحکم و دررالحکم، کلمه ۴۵۸۱.

وصیت‌نامه مخصوص خانواده است و من از خانوادهٔ محترم خود می‌خواهم که اگر من شهید شدم، حق هیچ‌گونه ناراحتی ندارند و اگر ناراحت باشند خدا از آنان ناراحت می‌شود، چون ما نزد آنها امانتیم و امانت نباید خیانت شود و من که پدر ندارم و یک مادر و دو برادر و سه خواهر و اقوام.

و من از مادرم می‌خواهم که خوب از برادرم مواظبت کند و از برادرم هم می‌خواهم همچون حضرت عباس شمشیر بر دست گیرد و جای شهیدان را خالی نکند و با خانوادهٔ خود هم حضرت علی(علیه‌السلام) و حضرت خدیجه[1](علیهاالسلام) باشد، تا فرزندان آنها همچون حسن(علیه‌السلام) و حسین(علیه‌السلام) باشند و [...][2] حسین راه شهیدان را ادامه دهند و از خواهران خود می‌خواهم همچون حضرت زینب(علیهاالسلام) باشند و ناراحت نباشند که برادرشان شهید شده و باعث افتخار آنها باشد که خانوادهٔ شهید قلمداد شوند واز کلیهٔ خانواده‌ام می‌خواهم، به‌خصوص برادر بزرگم که پدر خانواده است، همچون پدرمان به وضع زندگی برسد و مثال چند تن از پدر شهدا که به خون شهدا بی‌احترامی کردند و خون شهید را پایمال کردند نباشد، و من مقدار حقوقی که دارم خرج دفن و کفن من کند و اگر ندارد، من احتیاجی ندارم. به امید روزی که کربلا را زیارت کنیم و اگر ما نبودیم رزمندگان دیگر زیارت کنند و یک جهان اسلامی برپا کنند. کل جهان را با دین حضرت محمد(ص) روشن کنند و راه خیر را به همه بفهمانند. به امید پیروزی حق بر باطل.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

التماس دعا برای جان امام و ولایت فقیه.

**سیدجعفر شمسایی**

**مورخه ۱۳۶۲/۲/۵**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- خوانا نیست.

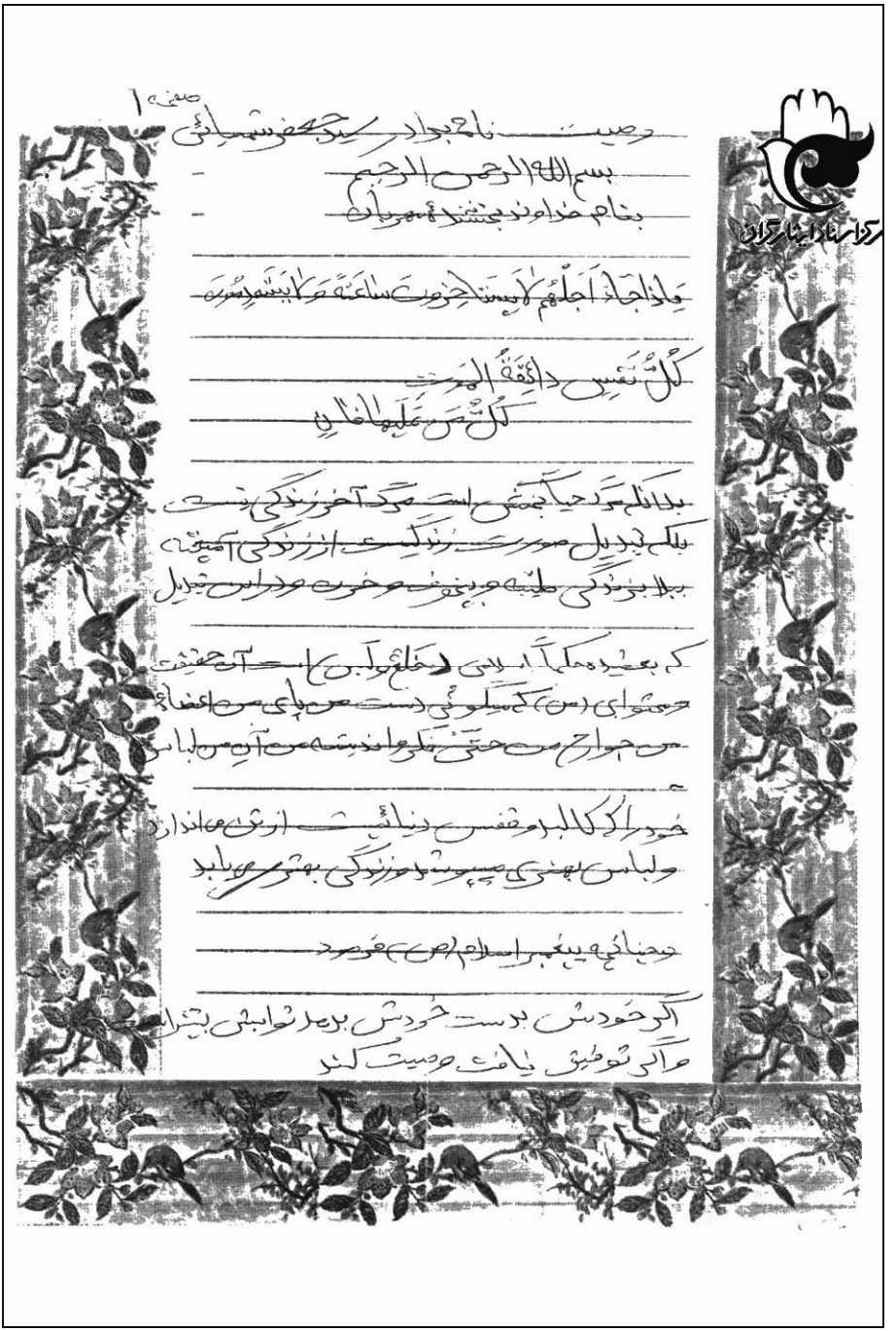

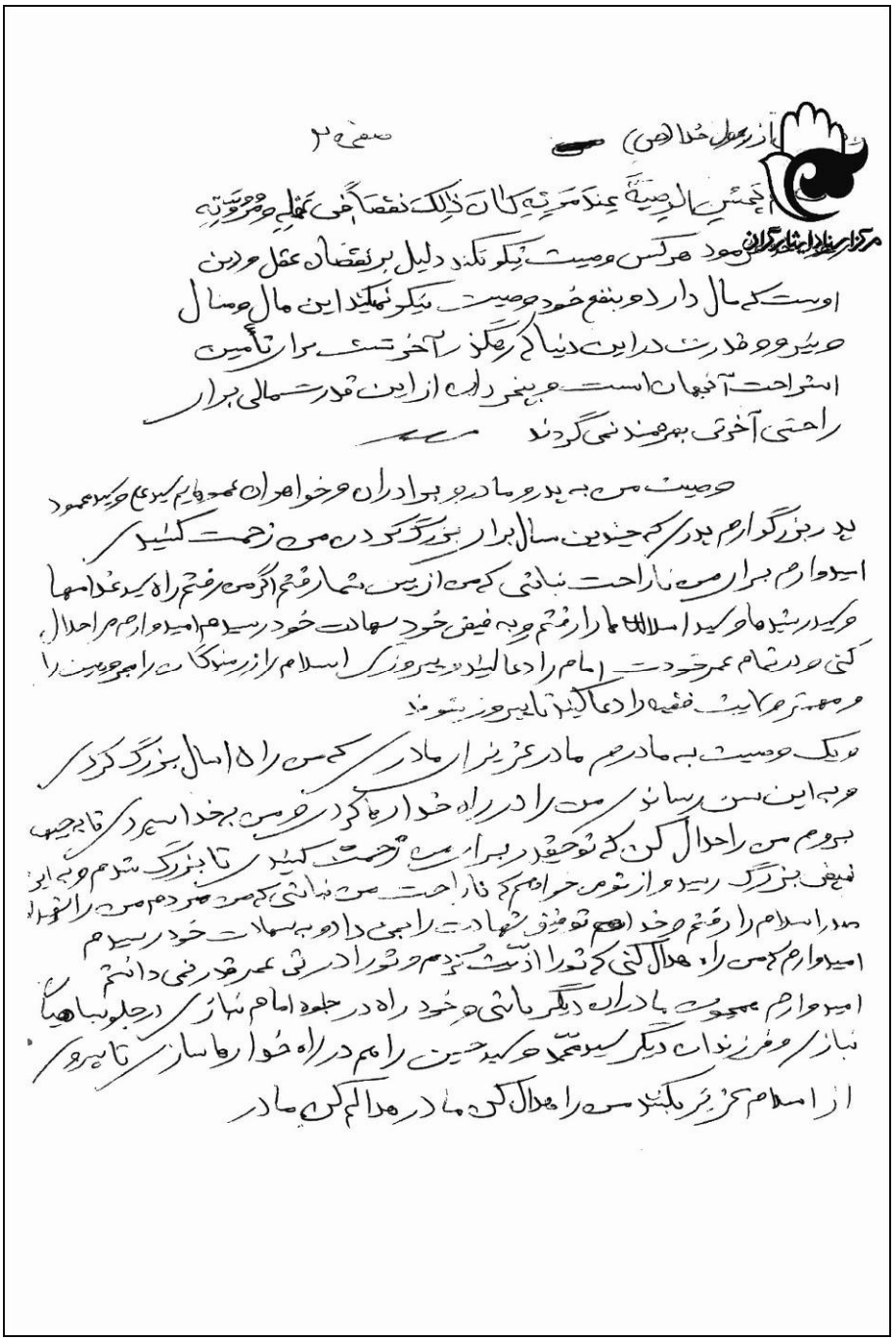

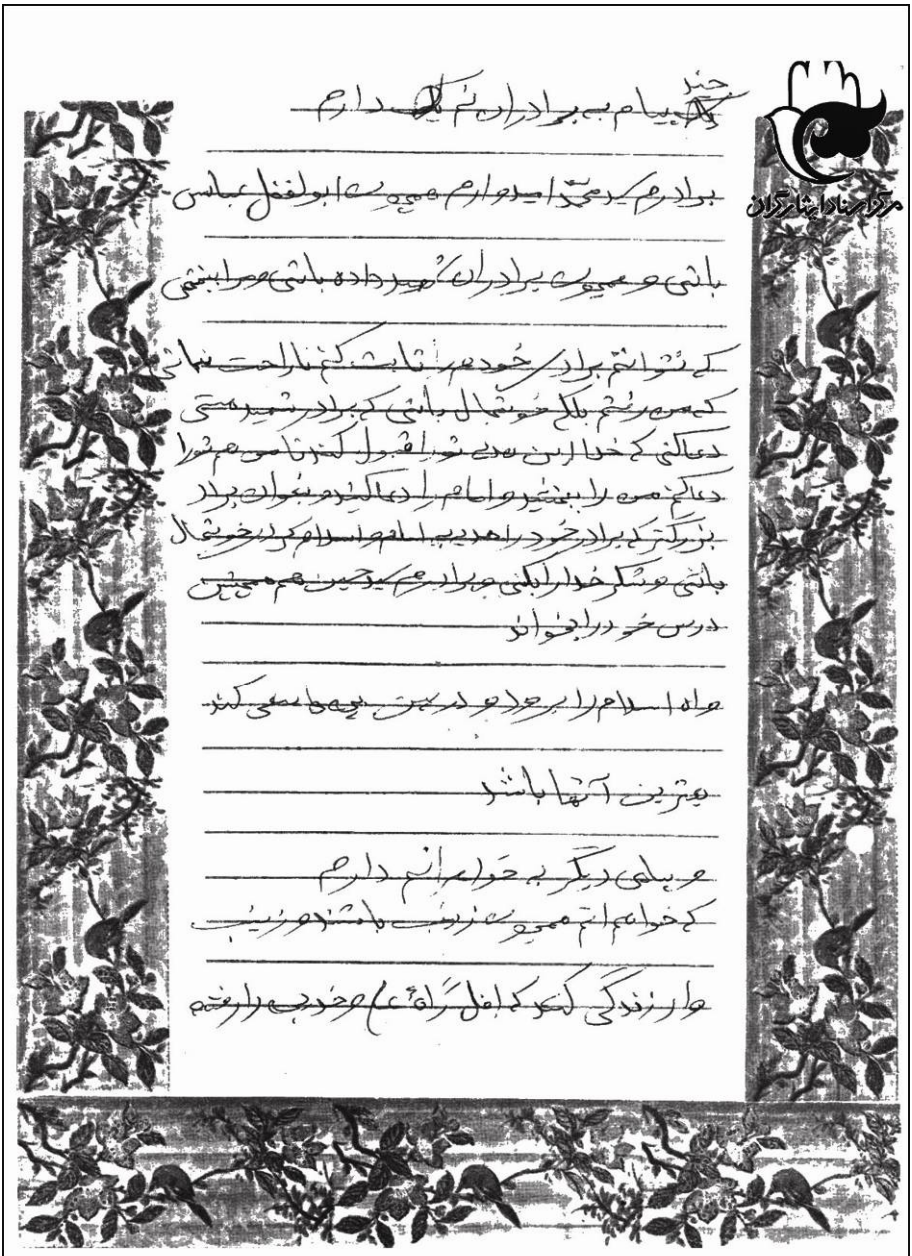

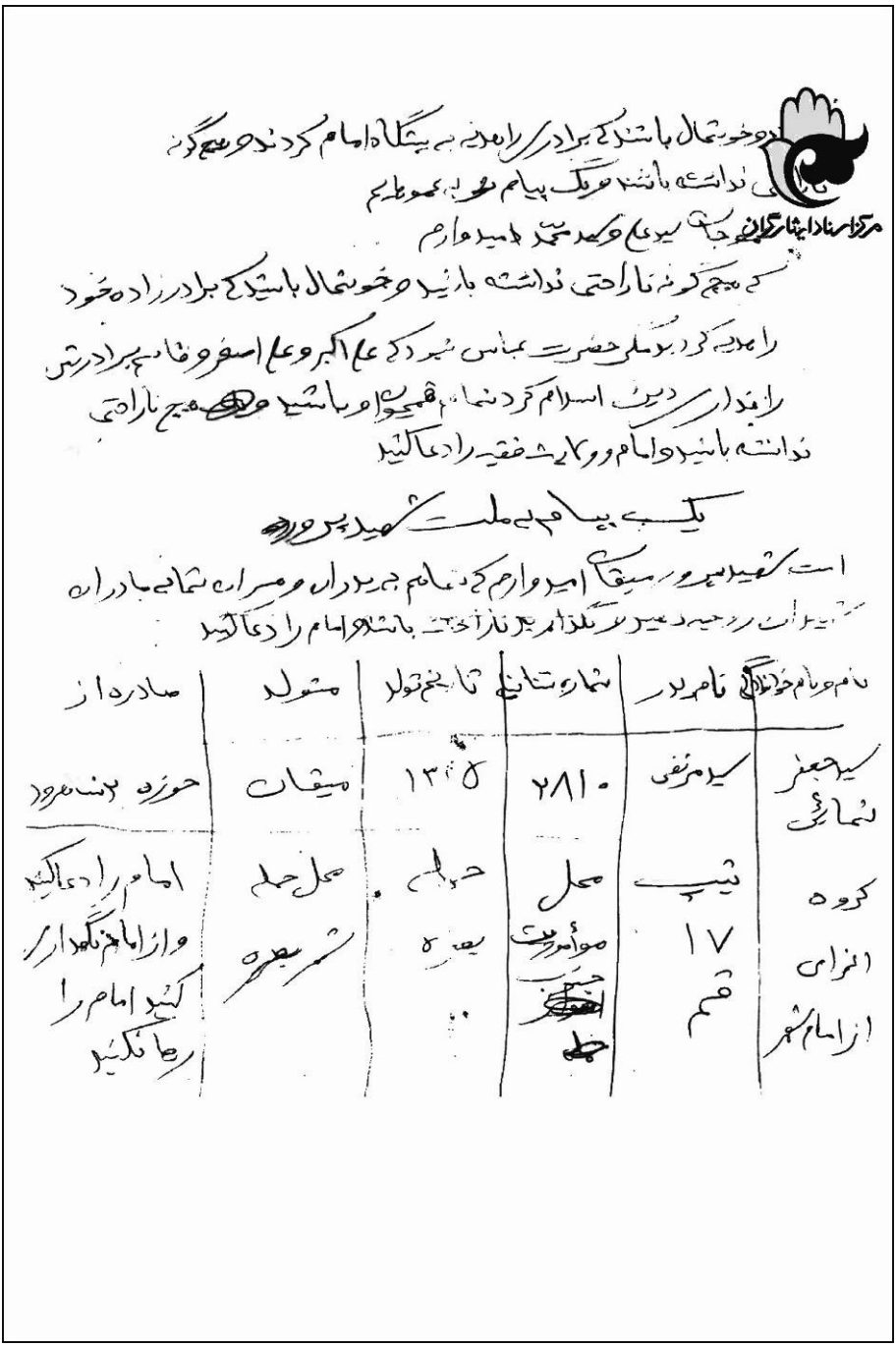

مرکز اسناد ایثارگران

و خوشحال باشند که برادری را هدیه به پیشگاه امام کردند و هیچ گونه
ناراحتی نداشته باشند و یک پیام به عموهایم
خواجه سید علی و سید محمد امیدوارم
که هیچ گونه ناراحتی نداشته باشید و خوشحال باشید که برادرزاده خود
را هدیه کردید مگر حضرت عباس نبود که علی اکبر و علی اصغر و قاسم برادرش
را فدای دین اسلام کرد تمام همچون او باشید و هیچ ناراحتی
نداشته باشید و امام و ولایت فقیه را دعا کنید

یک پیام به ملت شهید پرور

است شهید پرور میقان امیدوارم که تمام به پدران و مادران شما به مادران
شهیدان روحیه دهید و نگذارید ناراحت باشند و امام را دعا کنید

| نام و نام خانوادگی | نام پدر | شماره شناسنامه | تاریخ تولد | متولد | صادره از |
|---|---|---|---|---|---|
| سید جعفر نمائی | سید مرتضی | ۲۸۱۰ | ۱۳۴۵ | میقان | حوزه ۲ شاهرود |
| گروه اعزامی از امام شهر | تیپ ۱۷ قم | محل مأموریت جنوب | حمله بصره | محل حمله شهر بصره | امام را دعا کنید و از امام نگهداری کنید امام را رها نکنید |

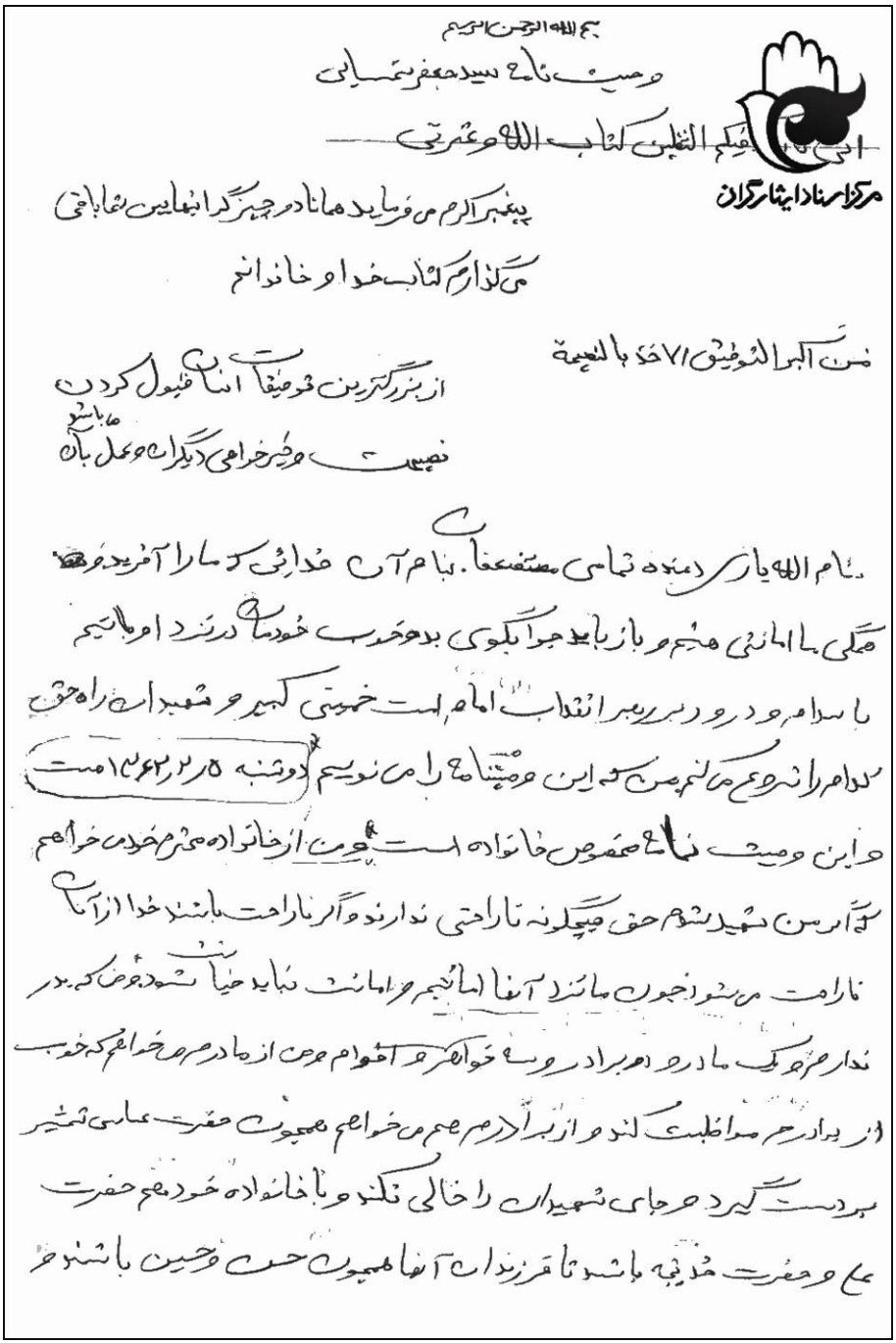

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت نامه سید جعفر شمسایی

انی [illegible] فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی

مرکز اسناد ایثارگران

پیغمبر اکرم می فرماید همانا دو چیز گرانبهایی شما باقی

می گذارم کتاب خدا و خاندانم

من اکبر التوفیق الاخذ بالنصیحة

از بزرگترین توفیقات انسان قبول کردن

نصیحت و خیرخواهی دیگران و عمل بآن می باشد

بنام الله یاری دهنده تمامی مستضعفان. بنام آن خدائی که ما را آفرید و همگی ما امانتی هستیم و باز باید جوابگوی بد و خوب خودمان در نزد او باشیم با سلام و درود بر رهبر انقلاب امام امت خمینی کبیر و شهیدان راه حق کدام را شروع می کنم من که این وصیتنامه را می نویسم دوشنبه ۵/۲/۱۳۶۲ است و این وصیت نامه مخصوص خانواده است و من از خانواده محترم خود می خواهم که اگر من شهید شوم حق هیچگونه ناراحتی ندارند و اگر ناراحت باشند خدا از آنان ناراحت می شود چون ما نزد آنها امانتیم و امانت نباید خیانت شود و من که پدر ندارم و یک مادر و دو برادر و سه خواهر و اقوام و من از مادرم می خواهم که خوب از برادرم مواظبت کند و از برادرم هم می خواهم همچون حضرت عباسی شمشیر بر دست گیرد و جای شهیدان را خالی نکند و با خانواده خود هم حضرت علی و حضرت خدیجه باشد تا فرزندان آنها همچون حسن و حسین باشند و

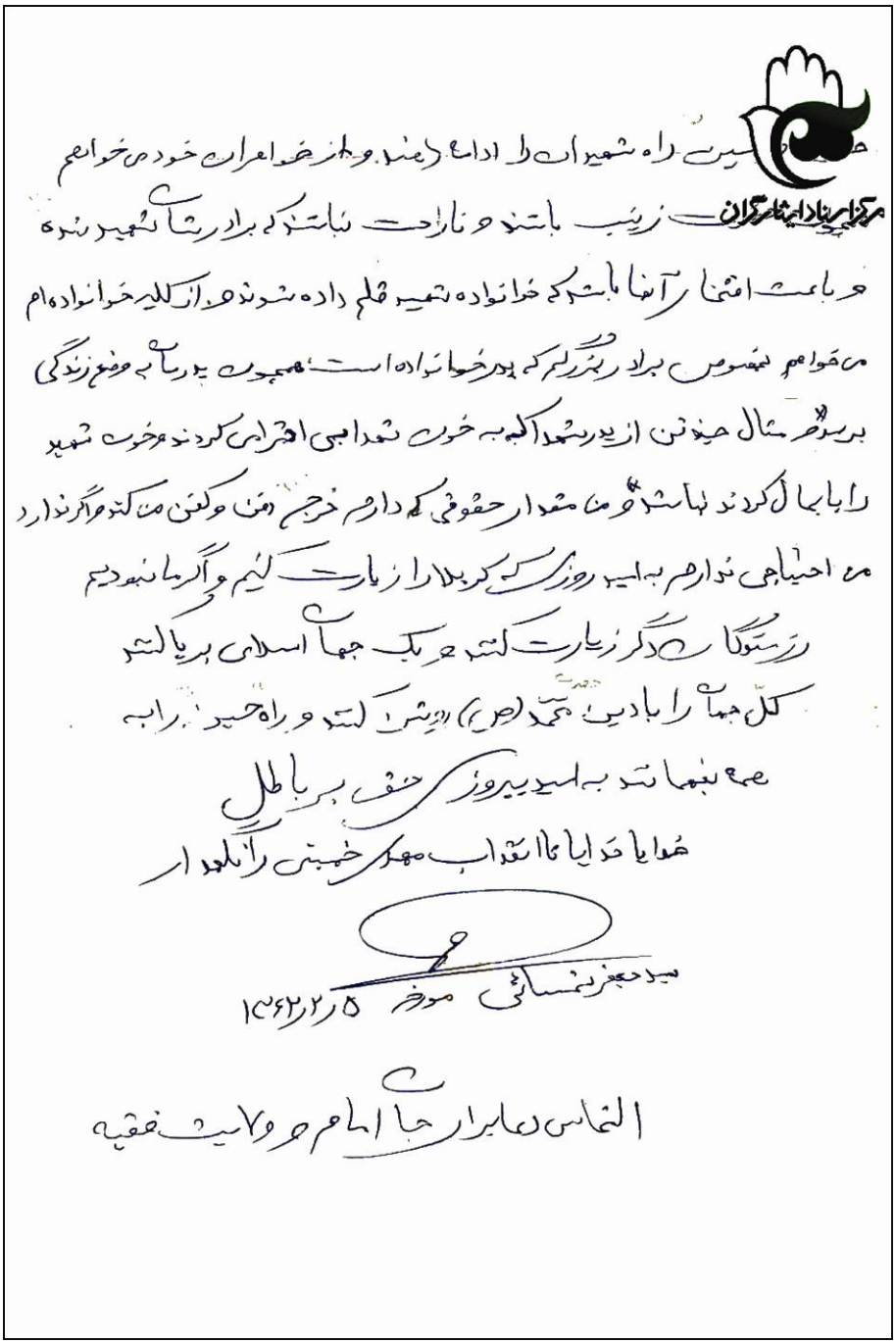

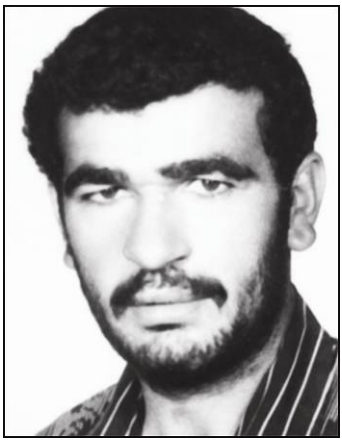

نام: **سیدمجتبی**
نام خانوادگی: شمسی‌نژاد
نام پدر: سیدعباس
نام مادر: لیلا
تاریخ تولد: دوم اردیبهشت ۱۳۳۷
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- این افتخار را دارم که برای نابودی خصم دون عازم گردم.
- می‌رویم تا به یاری الله و رهبری امام عزیز پرچم اسلام را بر سراسر گیتی به اهتزاز درآوریم.
- چون حسین(علیه‌السلام) پیروز برمی‌گردیم.
- یکی از حربه‌های همهٔ جهان کفر علم کردن صدام بر علیه مسلمانان بود.
- این افتخار را دارم که در صف مجاهدان آزاده و حق‌طلب قرار گرفته‌ام.

**سیدمجتبی شمسی‌نژاد**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

با عرض سلام به حضور حضرت ولی‌عصر(عج)، منجی عالم بشریت و حجت و نایب بر حق او، امام امت، رهبر کبیر انقلاب و سلام و درود به ارواح طیبه شهدای اسلام و رزمندگان کفرستیز و سازش‌ناپذیر [...][1] مکتب سرخ حسین(علیه‌السلام) «**و ما لکم لاتقاتلون فی سبیل‌الله و المستضعفین**»[2] «چه شده است شما را که در راه خدا پیکار نمی‌کنید و از مستضعفین که از شما کمک می‌خواهند دفاع نمی‌کنید».

ای تربیت‌شدگان مکتب حضرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ای بازماندگان من! بنا به قول آیه شریفه فوق از قرآن کریم، در شرایطی که اسلام و مسلمین [...][3] خطر مشرکین و منافقین[4] قرار گرفته و در مظلومیت خاص، که همهٔ جهان کفر، با توجه به مشاهدهٔ حقیقت حکومتش، باز هم بر علیه این مکتب انسان‌ساز متحد شده‌اند و در صددند که ارزش‌های به‌دست آمده از خون هزاران شهید این دیار را از بین برده و یکی از حربه‌هایشان بعد از همهٔ فعالیت‌های برملا شده‌اشان، علم کردن صدام بر علیه اسلامیان بود و بر من بود که همچون دیگر برادران هم‌رزمم، در این شرایط حساس فعلی دست از زندگی و دنیا کشیده و برای نابودی خصم دون عازم گردم و هم‌اینک نیز افتخار این را دارم که در صف مجاهدان آزاده و حق‌طلب قرار گرفته‌ام.

و می‌رویم تا به یاری الله و رهبری امام عزیز پرچم اسلام را بر سراسر گیتی به اهتزاز درآوریم و به‌قول امام، انقلاب حق را صادر کنیم و نسیم حق را به مشام حق‌جویان تشنه عالم تحت سلطهٔ کفر برسانیم و در این راه باید گذشت داشت، تا به پیروزی می‌رسیم و با زیارت کربلای حسین به آغوش شما برمی‌گردیم و یا چون حسین(علیه‌السلام) مولایمان پیروز می‌گردیم و از تحت تسلط بیگانگان بی‌وطن مزدور و ایادیان شیطان خارج می‌شویم و

---

۱- خوانا نیست.

۲- نساء/ ۷۵.

۳- خوانا نیست.

۴- ر.ک. تعلیقات.

تسلیم نمی‌پذیریم. انسان این‌گونه در هر دو صورت پیروزی نصیبش گشته و طبق فرمودهٔ امام حسین(علیه‌السلام) «انسانی است آزاد هستید»[۱].

و شما خانوادهٔ محترم هم [...][۲] داشته باشید در هر دو شرایط سرفراز هستید زیرا رزمنده‌ای را در آغوش و دامان خود پرورش داده‌اید که دشمنان ما دین خدا را به وحشت انداخته است و فردای قیامت هم نزد زهرای مطهر افتخار می‌کنید. اما باید استمرار داشته باشید و در جهت هدف [...][۳] نمانید. امام زمان(عج) و امام انقلاب و شهدای انقلاب را از خود راضی داشته باشید که همانا رضایت خداوند با ر ضایت آنها [...][۴] می‌پذیرد به امید زیارت کربلای حسین و نجف و کاظمین و پیروزی اسلامیان رهبر انقلاب.

**جان‌نثار مکتب اسلام**

**سیدمجتبی شمسی‌نژاد**

---

۱- این تعبیر از امام علی(علیه‌السلام) است: «و لاتکن عبد غیرک و قدجعلک الله حرّا» (نهج‌البلاغه، خطبه۱۶، ص۹۳)، «فی وصف الدنیا و فناء».

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- خوانا نیست.

بسمه تعالی

با عرض سلام به حضور حضرت ولی عصر منجی عالم بشریت و حجت و نایب بر حق او امام

اهمت رهبر کبیر انقلاب و سلام و درود به ارواح طیبه شهدای اسلام و زندگان کفر ستیز و سازش

ناپذیر و ده مکتب سرخ حسین و ما لکم لا تقاتلون فی سبیل الله والمستضعفین

چه شده است شما را که در راه خدا پیکار نمی‌کنید و از مستضعفین که از شما کمک خواهند دفاع نمی‌کنید

ای تربیت شدگان مکتب حضرت رسول (ص) ای بازماندگان من بنا بر قول آیه شریفه فوق از قرآن

کریم در شرایطی که اسلام و مسلمین گرفتار خطر مشرکین و منافقین قرار گرفته و در مطلوب ملت خاص که همه جهان کفر

با توبه به مشاهده حقیقت حکومتش باز هم بر علیه این مکتب انسان ساز متحد شده‌اند و در صدد اند که

از شهای برست آمده از خون هزاران شهید این دیار را از بین برده و یکی از حریرهایشان بعد از همه

ضایعه‌های بر ما وارد شده‌اشان علم کردن میدام بر علیه اسلامیان بود و هر من بود که همچون دیگر برادران

همرزمم در این شرایط حساس دست از زندگی و دنیا کشیده و برای نابودی خصم دون عازم

گردم و هم اینک نیز افتخار این را دارم که در صف مجاهدان آزاده و حق طلب قرار

گرفته‌ام

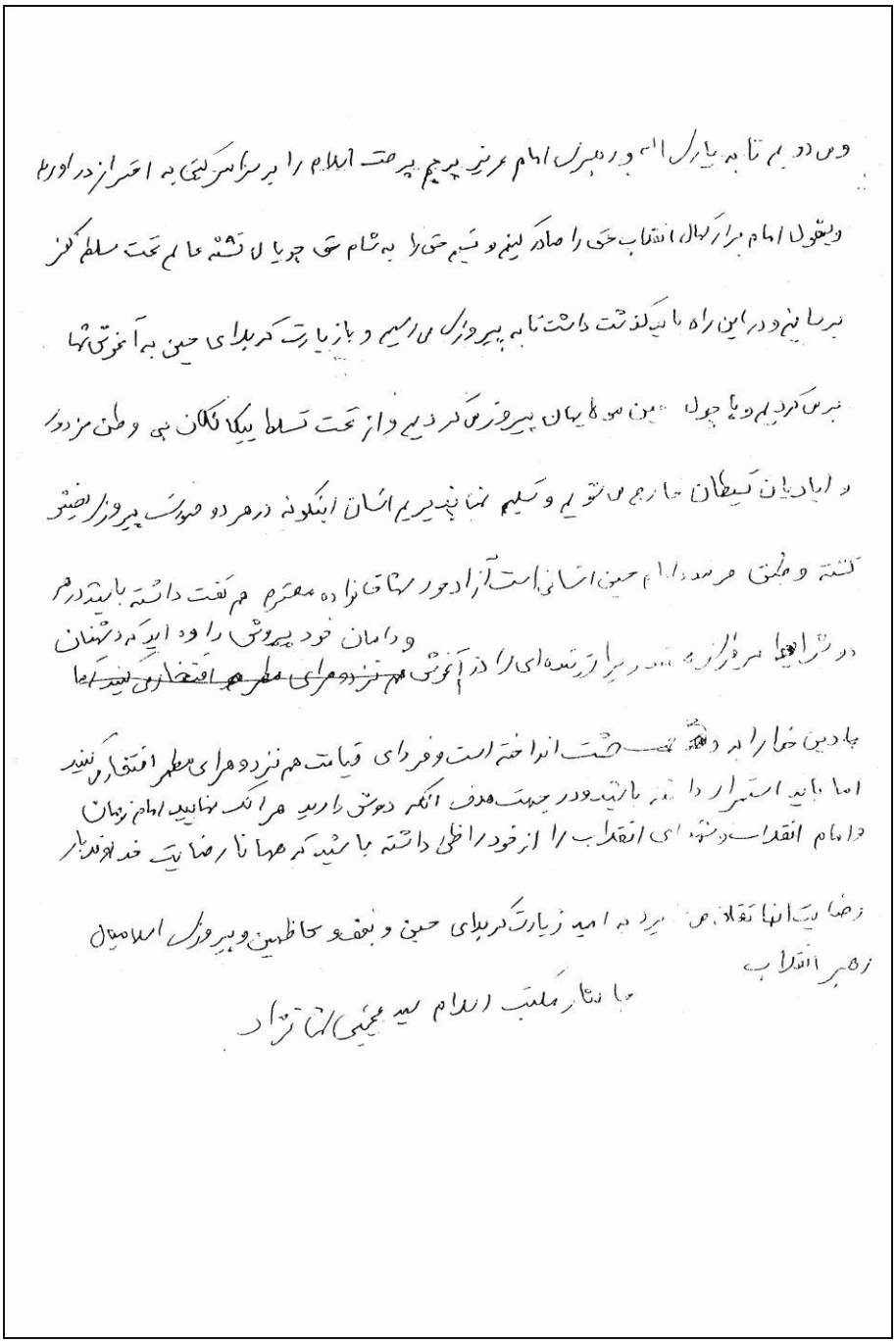

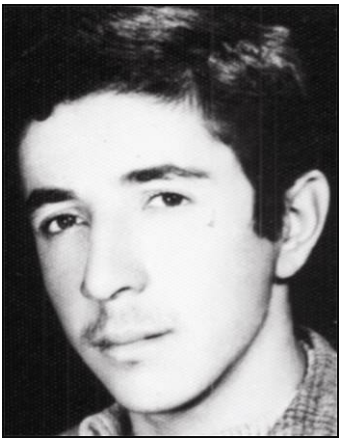

نام: **سیدحسین**
نام خانوادگی: شنایی
نام پدر: محمدحسن
نام مادر: طاهره
تاریخ تولد: یکم فروردین ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وسوم تیر ۱۳۶۲
محل شهادت: سردشت
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای روستای دیباج از توابع زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- الان خدا این وقت را به ما داد، تا خودمان را برای امتحان آماده کنیم.
- باید بدانیم که راه الله، راه پیروزی است و راه حق است.
- باید به‌سوی الله و یاری و یاوری امام به‌پاخیزیم.
- من امام را شناختم، راه او را من ادامه می‌دهم و راه او الله است.
- خدا را در نظر داشته باشیم و اگر خدا در نظر ما باشد، هیچ گناهی از ما سر نمی‌زند.
- از تمام دوستان و برادران می‌خواهم که هر چه بیشتر امام را یاری کنید.
- حزب‌الله را یاری کنید.
- اگر کسی بدگویی دربارهٔ امام و خط او، حزب‌الله، کرد با مشت به دهان آن بکوبید.
- و مبادا از هم جدا شوید. اگر متفرق باشید، دشمن از متفرق بودنتان بر علیه خودتان استفاده می‌کند.
- من خواب خودم را دیده بودم و دیگر تحمل نداشتم و الآن می‌دانم که شهید می‌شوم.

## سیدحسین شنایی

### بسم الله الرحمن الرحیم[۱]

به‌نام خدا آغاز می‌کنم این کارم را که واجب و جمع این کار خلاصه‌ای از بیانات هدف من است. و راستی خدا داناست و تواناست و انسان را آزمایش می‌کند. ما باید بدانیم که چگونه و چطور ازاین آزمایش الهی سالم به‌در آییم و قبول شویم و این دنیا یک آزمایشگاه است و ما جز گناه هیچ چیز دیگر برای خودمان جمع‌آوری نمی‌کنیم و ما نیز در این دنیای فانی باید توشهٔ آخرت را جمع‌آوری کنیم، تا اگر در این دنیای فانی رنجی بردیم ولی در آخرت خدا از ما خشنود باشد، انبیاء از ما خشنود باشند. و الان خدا این وقت را به ما داد تا خودمان را برای امتحان آماده کنیم و باید بدانیم که راه الله، راه پیروزی است و راه حق است و هیچ چیز جز حق پیروز نمی‌شود و باطل اگر چه در ظاهر حکومت کند و یا زندگی کند، ولی برای چند روز است و عاقبت دست باطلان و مزدوران و شیاطین رو می‌گردد.

و اکنون من دارم امتحان خود را انجام می‌دهم، تا بلکه خدا به من رو کند و بتوانم در این امتحان پیروز شوم. و من الان راهم را و هدفم را شناختم و به‌سوی آن راه می‌روم تا که عذاب در انتظار من نباشد، بلکه امامان و حضرت مهدی(عج) ما را صدا کنند و به‌سوی آن بشتابیم و این وابستگی به اعمال روز ما دارد که چگونه اعمالی انجام داده‌ایم. و باید به‌سوی الله و یاری و یاوری امام به‌پاخیزیم و من امام را شناختم، راه او را من ادامه می‌دهم و راه او الله است. و اگر کسی راه امام را شناخت و به یاری او نشتافت، به راستی که او گناهکار است و عذاب او جهنم و کیفر او سخت است. و آیه در مورد همین است که می‌فرماید «**اطیعوا[۲] الله و اطیعوا الرّسول و اولی الامر منکم**»[۳] خدا می‌فرماید که از دستور الله و دستور رسول و اولی‌الامر پیروی کنید و راهشان را ادامه دهید و اگر کسی ایمان آورد و عملش را به‌جا نیاورد، جزو کافران شمرده می‌شود. خدا ما را برای همین آفریده و چنان‌که

---

۱- در بالای وصیت نوشته شده است: «عضو: بسیج، تاریخ شهادت: ۶۲/۴/۲۳، محل شهادت: سردشت».

۲- دراصل وصیت «اطیعو».

۳- نساء/ ۵۹.

قرآن می‌فرماید «**ما خلقت الجنّ و الانس الاّ لیعبدون**»[۱] «یعنی ما خلق نکردیم جن و انس را مگر برای عبادت» و ما باید روی این آیه تکیه کنیم و خدا را در نظر داشته باشیم و اگر خدا در نظر ما باشد، هیچ گناهی از ما سر نمی‌زند. و در یک آیه دیگر می‌فرماید «**الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل‌الله باموالهم و انفسهم اعظم درجة عندالله و اولئک هم الفائزون**»[۲] «کسانی که ایمان آورده‌اند و از خانه و کاشانه‌شان هجرت کرده‌اند و در راه خدا با مالشان و جانشان به جهاد برخاستند، اینها بالاترین درجه و مقام را نزد خدا دارند و همین‌ها هستند که رستگار و پیروزند» و الان که به ما ظلم و به خاک ما تجاوز [شده است] و می‌خواستند اسلام ما را نابود کنند، خدا به ما اجازه می‌دهد که جهاد کنیم و آنها یعنی کافران را بکشیم و یک آیه از قرآن مجید که چنین می‌فرماید «**اذن للذّین یقاتلون بانهم ظلموا و انّ الله علی نصرهم لقدیر**»[۳] که خداوند تواناست و داناست.

و یکی دیگر اینکه از تمام دوستان و برادران می‌خواهم که هر چه بیشتر امام را یاری کنید و به‌سوی او بشتابید و حزب‌الله را یاری کنید و اگر کسی بدگویی دربارهٔ امام و خط او، حزب‌الله، کرد با مشت به دهان آن بکوبید که به دهان آمریکا و آمریکاییان کوبیدیم. و مبادا از هم جدا شوید و همبستگی نداشته باشید و عملکرد کارتان خوب نباشد و این آیه می‌فرماید «**واعتصموا بحبل‌الله**»[۴] «به ریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید» و به راستی که درست می‌فرماید. خداوند دانا و توانا است و اگر متفرق باشیم، دشمن از متفرق بودنتان بر علیه خودتان استفاده می‌کند. و آیه‌ای است که می‌فرماید «**فی سبیل الله باموالهم و...**»[۵] «جهاد کنید در راه خدا با مال و جان خودتان».

خداوند صمیمانه‌ترین درودهای قلبی که از ذره ذرهٔ پیکرمان اوج می‌گیرد، به حضور قائد[۶] عظیم‌الشأن آن جلوه‌گار نور الهی [...][۷] و با سلام به ملت شهیدپرور ایران و شهیدان

---

۱- ذاریات/ ۵۶.

۲- توبه/ ۲۰.

۳- حج/ ۳۹.

۴- آل‌عمران/ ۱۰۳.

۵- نساء/ ۹۵، توبه/ ۲۰، توبه/ ۸۸. ترجمهٔ عبارات آیات فوق: «جهاد می‌کنند در راه خدا. با مال‌ها و جان‌هایشان».

۶- در اصل وصیت «قائم».

۷- سیاق جمله نشان می‌دهد که اینجا کلمه یا کلماتی از اصل وصیت افتاده است.

زندهٔ اسلام، آنهایی که خود سوختند و به جامعهٔ ما نور الهی دادند و ما را مدیون خود ساختند. و به امید اینکه ملت ما همه در خط او، از رهنمودهای امام کبیرمان. با فراگیری فنون نظامی، آنچنان مشت محکمی بر دهان مستکبران شرق و غرب زده و پوزهٔ آنها، مخصوصاً صدام خائن، را به خاک بمالند و پرچم اسلام را در سرتاسر جهان و جهانیان به اهتزار درآورند. و امیدواریم که فرج امام زمان(عج) را نزدیک گردانند، تا او با شمشیر علی(علیه‌السلام) و خون حسین(علیه‌السلام) و اخلاق پیامبر گرامی اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آنچنان کند که دیگر در جهان هستی ظالمی و ستمدیده‌ای وجود نداشته باشد انشاءالله.

من یک تذکر به شما می‌دهم، پدرم و مادرم و همشیره‌های من، همسرم و برادرم و حتی فرزند خردسالم و برادر کوچکم مبادا برای من ناراحت باشید و یا برای من گریه کنید و اگر می‌خواهید برای امام حسین(علیه‌السلام) و برای علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) گریه کنید و انشاءالله که خداوند چنان صبری عطا کند که طاقت دوری مرا داشته باشید و شیطان نتواند بر شما غلبه کند و خدای ناکرده بگویید چرا این‌طور شد، بلکه خدا شما و ما را امانت داده و ما یک امانتی بودیم که خدا به شما سپرده و باید افتخار کنید.

پدر عزیزم و مادر گرامی و همسرم در خاتمهٔ وصیتم فرزندم و برادرم را طوری درس دهید که راه شهدا را در پیش گیرند. مادر [و] پدرم شما مرا از کوچکی، که یک ناچیز بودم، بزرگ کردید و من برای شما نتوانستم خدمت کنم و باید مرا ببخشید، لیاقت خدمت شما و سایر برادران حزب‌الله و پیرو قرآن را نداشتم. باید مرا غربت کنید و باید ببخشید. باز تکرار می‌کنم، پدر و مادر و همسر و خواهران و برادر کوچک و فرزندم، مرا ببخشید که نتوانستم خدمت کنم و مدیون شما هستم.

پدر جان من در خاتمه به شما عرض کنم که من خواب خودم را دیده بودم و دیگر تحمل نداشتم و الآن می‌دانم که شهید می‌شوم. مرا ببخشید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**سیدحسین شنایی**

بسمه تعالی



## وصیتنامه شهید سید حسین شنائی

**عضو : بسیج تاریخ شهادت : ۶۲/۴/۲۳ محل شهادت : سردشت**

**بسم ا...الرحمن الرحیم**

بنام‌خدا آغاز میکنم‌این کارم‌را که‌واجب وجمع این کار خلاصه‌ای از بیانات هدف من است وراستی‌خدا اناست‌وتو اناست‌وانسان‌را آزمایش‌میکند . ما بایدبدانیم که چگونه وچطور ازاین آزمایش‌الهی سالم بدرآئیم‌وقبول‌شویم‌واین‌دنیایك آزمایشگاه است و ما جز گناه هیچ‌چیزدیگر برای‌خودمان‌جمع آوری‌نمیکنیم‌ومانیزدر این‌دنیای‌فانی‌باید‌توشه‌آخرت راجمع آوری کنیم‌تا اگر در این دنیای‌فانی‌رنجی بردیم‌ولی‌در آخرت خدا ازماخشنود باشدانبیاءازماخشنودباشندوالان‌خدا این‌وقت‌را بماداد تاخودمان‌را برای‌امتحان‌آماده کنیم‌وباید‌بدانیم که‌راه‌ا...راه‌پیروزی‌است‌وراه‌حق‌است‌وهیچ‌چیز جز حق‌پیروز نمیشود وباطل اگرچه‌درظاهر حکومت کندویازندگی کند ولی برای‌چندروز است‌وعاقبت دست باطلان ومزدوران وشیاطین‌رومیگردد و اکنون‌من دارم امتحان‌خود را انجام میدهم‌تا بلکه‌خدا بمن‌رو کندو بتوانم در این‌امتحان‌پیروزشوم‌ومن‌الان‌راهم‌را و هدفم‌راشناختم وبسوی‌آن‌راه‌میروم تاکه‌عذاب در انتظارمن‌نباشد بلکه امامان وحضرت‌مهدی(عج)ما را صدا کنندو بسوی آن‌بشتابیم‌واین‌وابستگی به اعمال روز ما دارد که چگونه اعمالی انجام داده‌ایم‌و بایدبسوی‌الله‌ویاری‌ویاوری‌امام‌بپاخیزیم‌ومن‌امامم‌راشناختم‌راه‌او رامن ادامه میدهم‌وراه‌او...استواگر کسی‌راه‌امام‌راشناخت‌و بیاری‌او نشتافت‌براستی که‌او گناه‌کار است‌و عذاب و جهنم و کیفر او سخت است و این آیه در مورد همین است که میفرماید اطیعوا...واطیعوا الرسول‌واولی‌امرمنکم‌خدامیفرماید که‌از دستورالله و دستور رسول واولی‌الامر پیروی‌کنید و راهشان‌راادامه‌دهید و اگر کسی ایمان‌آورد و عملش را بجا نیاوردجزو کافران‌شمرده‌میشود خدامارابرای همین آفریده‌و چنانکه قرآن میفرمایدما خلقت الجن‌وانس الالیعبدون یعنی ما خلق نکردیم‌جن وانس‌رامگر برای‌عبادت و بمابایدروی‌این‌آیه تکیه‌کنیم وخدارا درنظر داشته‌باشیم واگرخدادر نظرماباشد هیچ‌گناهی ازماسر نمیزندودریك آیه دیگرمیفرماید الذین آمنوا و هاجروا وجاهدوا فی‌سبیل‌الله‌باموالهم وانفسهم اعظم‌درجة عندالله‌و اولئك‌هم‌الفائزون کسانیکه ایمان‌آورده‌اندو از خانه‌و کاشانه‌شان هجرت کرده‌اندو در راه خدابا مالشان و جانشان بجهاد برخاستند اینها بالاترین‌درجه‌و مقام‌رانزدخدادارندو همینها هستند که‌رستگارو پیروزند والان‌که بما ظلم‌و بخاك‌ما تجاوز و میخواستنداسلام مارا نابودکنند،خدا بمااجازه میدهد که جهاد کنیم‌و آنهایعنی کافران رابکشیم‌ویك آیه‌ازقرآن‌مجید که‌چنین میفرمایدان‌الذین یقاتلون بانهم‌ظلموا وان‌الله‌علی‌بنصرهم‌لقدیه که‌خداوندتواناست‌وداناست‌ویکی‌دیگر اینکه‌از تمام

دوستان و برادران میخواهم که هرچه بیشتر امام را یاری کنید و بسوی او بشتابید و حزب‌الله را یاری کنید و اگر کسی بدگوئی در باره امام و خط او حزب‌الله کرد بامشت بدهان آن بکوبید که بدهان آمریکا و آمریکائیان کوبیدیم و مبادا از هم جدا شوید و همبستگی نداشته باشید و عملکردکارتان خوب نباشد و این آیه میفرماید و اعتصموا بحبل ا... بریسمان الهی چنگ بزنید و متفرق نشوید و براستی که درست میفرماید خداوند دانا و توانا است و اگر متفرق باشیم دشمن از متفرق بودنتان بر علیه خودتان استفاده میکند و آیه‌ای است که میفرماید: فی سبیل الله باموالهم و.... جهاد کنید در راه خدا با مال و جان خودتان. خداوند صمیمانه‌ترین درودهای قلبی که از ذره ذره پیکرمان اوج میگیرد بحضور قائم عظیم‌الشان آن جلوه‌گاه نور الهی و باسلام بملت شهیدپرور ایران و شهیدان زنده اسلام آنهائیکه خود سوختند و بجامعه‌ما نور الهی دادند و مارا مدیون خود ساختند و بامید اینکه ملت‌ما همه در خط او از رهنمودهای امام کبیرمان بافراگیری فنون نظامی آنچنان مشت محکمی بر دهان مستکبران شرق و غرب زده و پوزه آنها مخصوصاً صدام خائن را بخاك بمالند و پرچم اسلام را در سرتاسر جهان و جهانیان به اهتزاز درآورند و امیدواریم که فرج امام‌زمان(عج) را نزدیك گرداند تا او باشمشیر علی(ع) و خون حسین(ع) و اخلاق پیامبر گرامی اسلام آنچنان کند که دیگر در جهان هستی ظالمی و ستمدیده‌ائی وجود نداشته باشد انشاءالله من یك تذکر بشما میدهم پدرم و مادرم و همشیره‌های من همسرم و برادرم و حتی فرزندخردسالم و برادر کوچکم مبادا برای من ناراحت باشید و یا برای من گریه کنید و اگر میخواهید برای امام ـ حسین(ع) و برای علی اکبر حسین گریه کنید و انشاالله که خداوند چنان صبری عطا کند که طاقت دوری مرا داشته باشید و شیطان نتواند بر شما غلبه کند و خدای ناکرده بگوئید چرا اینطور شد بلکه خدا شما و ما را امانت داده و ما یك امانتی بودیم که خدا بشما سپرده و باید افتخار کنید. پدر عزیزم و مادر گرامی و همسرم در خاتمه وصیتم فرزندم و برادرم را طوری درس دهید که راه شهدا را پیش گیرند مادر پدرم شما مرا از کوچکی که یك ناچیز بودم بزرگ کردید و من برای شما نتوانستم خدمت کنم و باید مرا ببخشید لیاقت خدمت شما و سایر برادران حزب‌الله و پیر و قرآن را نداشتم باید مرا غربت کنید و باید ببخشید باز تکرار میکنم پدر و مادر و همسر و خواهران و برادر کوچك و فرزندم مرا ببخشید که نتوانستم خدمت کنم و مدیون شما هستم پدرجان من در خاتمه بشما عرض کنم که من خواب خودم را دیده بودم و دیگر تحمل نداشتم و الان میدانم که شهید میشوم مرا ببخشید (والسلام علیکم ورحمة‌الله وبرکاته)

سیدحسین شنائی

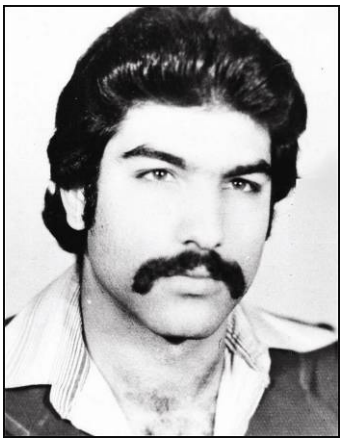

نام: **محمد**
نام خانوادگی: شهاب
نام پدر: عبدالرحیم
نام مادر: اقدس
تاریخ تولد: بیست‌وچهارم آذر ۱۳۴۱
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره راهنمایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌وهشتم آبان ۱۳۶۲
محل شهادت: پنجوین عراق
نحوهٔ شهادت: –
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- هر کس به ملاقات پروردگارش امید بسته است، عمل صالح انجام می‌دهد.
- دشمنان اسلام بدانند که ما در دریای سرخ عاشورا وضو ساخته و بر پهنهٔ کربلا ایستاده‌ایم، تا نماز عشق بخوانیم.
- باز هم خدا تو را شکر می‌کنم که دوباره به جبهه آمدم.
- قبل از هر چیز قدر امام امت، این اسطورهٔ تقوا، ایمان و شجاعت و شهامت را بدانید.
- بارالها، ما را در ادامهٔ راه شهیدان رجائی‌ها و باهنرها و شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی و هزاران شهید دیگر موفق بگردان.
- از برادران و خواهران می‌خواهم که به نماز خیلی اهمیت دهند.
- ملت! همیشه به یاد خدا باشید.
- فقط یاری دهندهٔ ما خداست.
- خدا با شهادت شما را امتحان می‌کند.

## محمد شهاب

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«بسم رب الشهدا و الصدیقین و الصالحین»**

**«قال الله تبارک و تعالی: فمن اعتدی علیکم فاعتدوا علیه»**[۱]

«لا تکن عبد غیرک و قد جعلک الله حرّاً» «بندهٔ دیگران مباش در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده» (نهج‌البلاغه، ص۹۲۵).

اسلام عزیز این حق را به همه ما دارد که در راه او هر جان‌فشانی که می‌توانیم و هر اقدامی که می‌توانیم بکنیم.[۲] (امام خمینی)

کسی که بخواهد به جنت و لقاءالله برسد، باید زحمت را تحمل کند و دلسرد نشود. (آیت‌الله منتظری[۳])

هر کس به ملاقات پروردگارش امید بسته است، عمل صالح انجام می‌دهد و در عبادت پروردگارش احدی را شریک نمی‌گیرد، دشمنان اسلام بدانند که ما از دریای سرخ عاشورا وضو ساخته و بر پهنهٔ کربلا ایستاده‌ایم، تا نماز عشق بخوانیم. (شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی)

سلام بر سالار شهیدان، مصباح هدایت، کشتی نجات، لب تشنهٔ کربلا و سرور آزادگان، حضرت حسین بن علی(علیه‌السلام) که درس آزادگی و چگونه جان دادن در راه خدا را به ما آموخت و سلام بر مهدی موعود(عج) و نایب بر حقش، اسطورهٔ تقوی و ایمان، امام امت خمینی بت‌شکن و سلام بر تمامی شهدا، مخصوصاً شهید کربلای سرچشمهٔ ایران، مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی[۴] و شهدای محراب[۵] و شهید رجایی[۶] و باهنر[۷] و سلام بر امت همیشه

---

۱- در اصل وصیت «واعتداو علیه» افتاده است. بقره/ ۱۹۴.

۲- صحیفه امام، ج۱۴، ص۱۵۹.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- ر.ک. تعلیقات.

۷- ر.ک. تعلیقات.

در صحنه و یاران باوفای امام امت.

امت مسلمان، من خودم را موظف دیدم که چند سطری به‌عنوان وصیت‌نامه بنویسم. اینجانب که خیلی دلم می‌خواست که هر چه زودتر به جبهه بروم، اما در حمله‌ای زحمی شدم و خدا لیاقت به من نداد که در حمله‌های گذشته شرکت کنم، اما باز هم خدا تو را شکر می‌کنم که دوباره به جبهه آمدم و از ناراحتی نیامدن به جبهه، که در دل داشتم، مرا خلاصی بخشیدی.

امت دلسوز مسلمان و برادران عزیز! قبل از هر چیز قدر امام امت، این اسطورهٔ[1] تقوا، ایمان و شجاعت و شهامت را که با رهبری‌های پیامبرگونهٔ خویش پوزهٔ کفر جهانی مخصوصاً شیطان بزرگ را به خاک مالیده است، بدانید و در همه حالت از او اطاعت کنید واز خدای تبارک و تعالی بخواهید که بارالها ما را در ادامهٔ راه شهیدان رجائی‌ها و باهنرها و شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی و هزاران شهید دیگر موفق بگردان. از برادران و خواهران می‌خواهم که به نماز خیلی اهمیت دهند، چون انقلاب ما برای اسلام و نماز بوده است.

ملت غیور و شهیدپرور! همان‌طور که امام فرمود، «مسئلهٔ اصلی را، که جنگ است»[2] سرلوحهٔ زندگی خود قرار دهید و عزیزان و فرزندان خودتان را از آمدن به جبهه منع نکنید، بلکه تشویق [کرده] و آنها را به جبهه بفرستید. در این دانشگاه بزرگ الهی چیزهایی را یاد بگیرید. ملت! همیشه به یاد خدا باشید. فقط یاری دهندهٔ ما خداست. همان‌طوری که حضرت علی(علیه‌السلام) در دعای نیمه شب خود، کمیل، که با خدا درد دل می‌کند می‌فرماید «الهی و ربّی من لی غیرک»[3] «یعنی خدایا جز تو من یار و یاوری ندارم».

چند کلمه‌ای هم با منافقین[4] کوردلی که آن‌قدر رذالت به خرج دادند که امام عزیزمان بعد از چندین بار نصیحت فرمودند: «ملت شریف ایران باید اذعان کند که منافقان سیه‌بخت و هم‌قطاران آنان، گوی سبقت را از جنایتکاران تاریخ و گوی رذالت و خباثت را از

---

۱- در اصل وصیت «استوره».

۲- صحیفه امام، ص۴۶۸، ج۱۸.

۳- فرازی از دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان.

۴- ر.ک. تعلیقات.

سفلگان جهان ربوده‌اند». این منافقان چه‌قدر از شما عین چهارپایان استفاده کردند و هر چه گفته‌اند و می‌گویند بدون چون و چرا قبول می‌کنید. شما آن‌قدر بی‌وجدان و بی‌عاطفه هستید که از زندان مسلمین آزاد می‌شوید و دوباره به جبهه می‌آیید و خیانتی بالاتر از خیانت اول انجام می‌دهید. همان‌طور که بازوی امام، حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی[۱] در نماز جمعه توضیح دادند و شنیدید.

ولی بدانید اگر عطوفت اسلامی نبود، یک یک شما الآن اینجا نبودید. ولی با این همه توصیف به خود آیید، فکر کنید چه هستم که در بند [...][۲] و در چه فکری هستیم و آنها چه هستند که در جبهه‌ها جان‌فشانی می‌کنند. آیا برای شما انتهار و در راه آمریکا رفتن نیست که آیت‌الله دکتر بهشتی به همراه ۷۲ یار امام را شهید [می‌کنید] و یا کاری می‌کنید که خودتان آبروی خودتان [را] می‌برید که آیت‌الله مدنی[۳]، دستغیب[۴]، اشرفی[۵] و... را در محراب به شهادت می‌رسانید و همان مردمی که با شما بودند، از شما می‌پرسند مگر اینها مسلمان نبودند و دلسوز امت نبودند، مگر در محراب عبادت نبودند، عین ضربت خوردن علی(علیه‌السلام) که خائنان گفته بودند علی(علیه‌السلام) نماز نمی‌خواند. ولی بعد از شهادت گفتند علی که در محراب شهید شد. اینها گفته بودند که علی(علیه‌السلام) نماز نمی‌خواند، بله به فکر غلط و [...][۶] شما این‌طور است که در خط اسلام هستید و[لی] ملت شهیدپرور و غیورِ و مسلمان، همگی در خط آمریکا. ولی این را بدانید، ملت غیور و مسلمان و ما سربازان اسلام تا آخرین قطرهٔ خونی که در رگ‌های ما می‌جوشد، ندای الله اکبر و مرگ بر آمریکا و مرگ بر شوروی و مرگ بر اسراییل و دیگر جنایتکاران بلند می‌باشد.

چند کلمه‌ای هم با پدر و مادرم. سلام بر تو ای پدر و مادر مهربان که چنین فرزندی را به جامعهٔ اسلامی و به‌عنوان یک سرباز تحویل امام حسین(علیه‌السلام) زمان دادید، تا درراه اسلام جان‌فشانی کند و باعث افتخار شماست. ولی پدر و مادر می‌دانم خیلی شما را اذیت و

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- خوانا نیست.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- ر.ک. تعلیقات.
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- خوانا نیست.

زحمت دادم، مخصوصا در موقع مجروح شدن من که باعث زیاد زحمت کشیدن شماها شد. پدر و مادرم با نوشتن این چند سطر می‌خواهم از شما حلالیت بطلبم. پدر و مادرم اگر خدا توفیق شهادت نصیبم کرد و شهید شدم باید افتخار کنید که چنین فرزندی را که امانتی بود نزد شما از طرف خدای تبارک و تعالی به خودش بازگرداندید. و پدر جان این را هم بدان که شهادت، افتخار بندهٔ صالح و عاشق خداست. پدر و مادر عزیز! می‌دانم شنیدن شهادت من برای شما سخت است، اما به فکر کسانی باشید که چندین فرزند خود را در راه اسلام و قرآن قربانی کرده‌اند، بدانید که خدا با شهادت شما را امتحان می‌کند.

پدر جان در تشییع جنازهٔ من طوری شرکت کن که در دیگر تشییع جنازه‌ها شرکت کردید. در پایان پدر و مادر عزیز! از شما می‌خواهم مرا در پایین همهٔ شهدا و دایی عزیز و دیگر اقوام شهید دفن کنید، تا نشانهٔ آن باشد که در هر جا بودم غیر از خدمتگزاری به امت شهیدپرور و خانوادهٔ شهدا منظوری نداشتم. ضمناً یکی از مسائلی که شیطان بزرگ و ایادیش[۱] از آن وحشت داشتند و می‌خواستند نابودش کنند حزب جمهوری اسلامی[۲] [است] مردم باید به این حزب خیلی احترام بگذارند، چون مظلوم بهشتی‌ها، باهنرها در آن حزب بودند.

پدر و مادر عزیز [...][۳] موقع شهادتم، پدر جان تو برای حسین(علیه‌السلام) گریه کن و مادر تو برای زینب(علیهاالسلام) گریه کن و از حسین(علیه‌السلام) درس شجاعت و شهامت و آزادی و از زینب(علیهاالسلام) درس صبر و شکیبایی و پیام‌رسانی یاد بگیرید. ضمناً در موقع کفن کردنم، موهای سر مرا شانه کشید و خیلی تمیز مرا بشویید، تا با رویی باز و قیافه‌ای بشاش، که معلوم باشد خسته نیستم و نخواهم شد، به دیدار معشوقم، خدای تبارک و تعالی و به میهمانی امام حسین(علیه‌السلام) و شهید مظلوم بهشتی و شهدای محراب بروم. در آخر، دعا برای فرج هر چه زودتر حضرت حجة ابن الحسن(عج) که خود حضرت هم دلتنگ است و برای سلامتی و طول عمر امام امت، یادتان نرود و در آخر، اول از پدر و مادرم و برادران و خواهران و بعد از تمام دوستان درخواست حلالیت دارم.

---

۱- در اصل وصیت«ایادیانش».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- خوانا نیست.

برای من مصیبت مسلم بن عقیل[۱] بخوانید. پدر و مادر برای من دعا کنید. خدایا مرا شهید در راه خودت و اسلام قرار بده.[۲]

**«والسلام»**

**محمد شهاب**

**۱۷ محرم الحرام ۱۴۴۰**

**مطابق با ۱۳۶۲/۸/۴**

وصیت‌نامهٔ اصلی در داخل جیب من می‌باشد، این وصیت‌نامه چرک‌نویس[۳] است.

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «بدهد».

۳- در اصل وصیت «چکنویس».

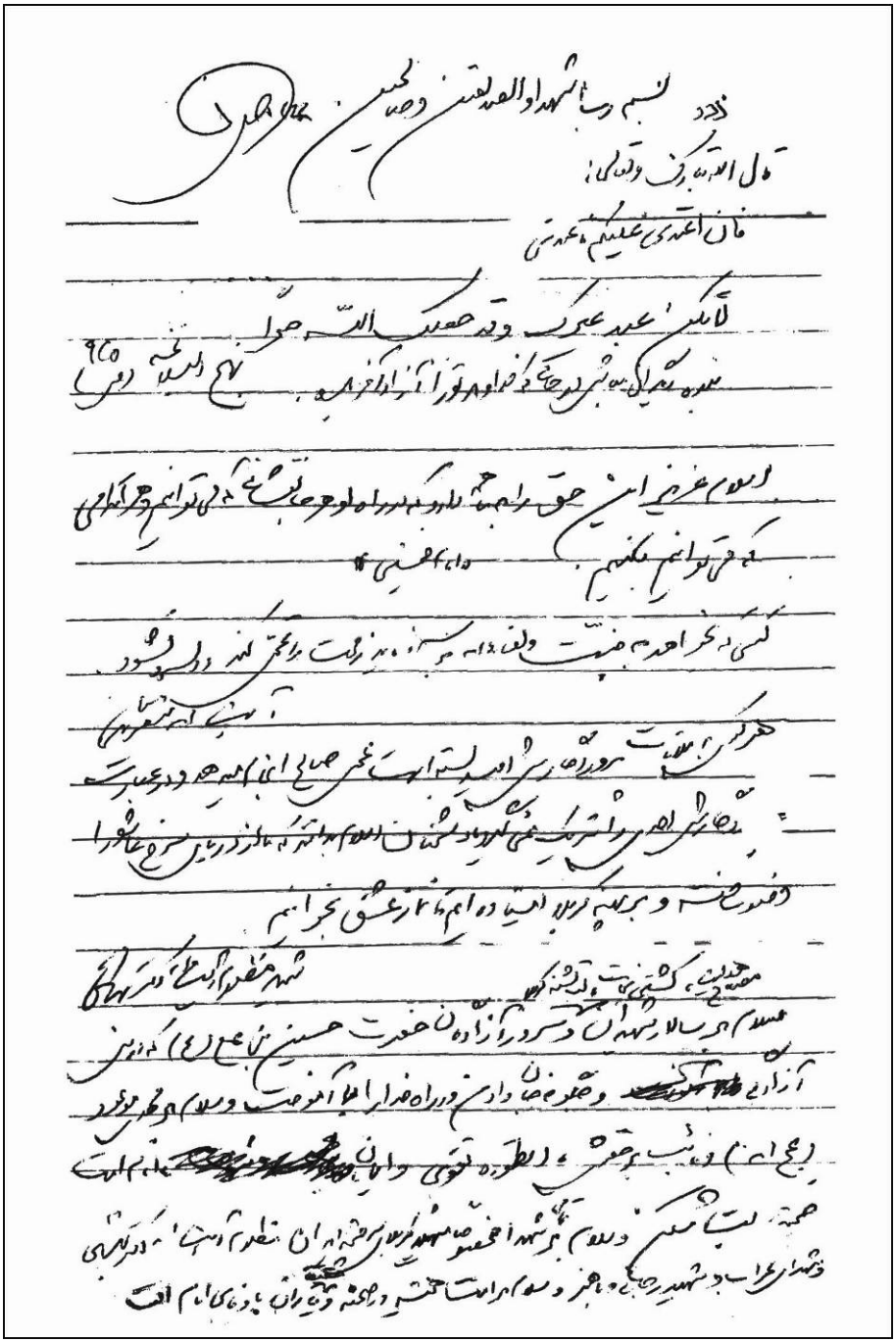

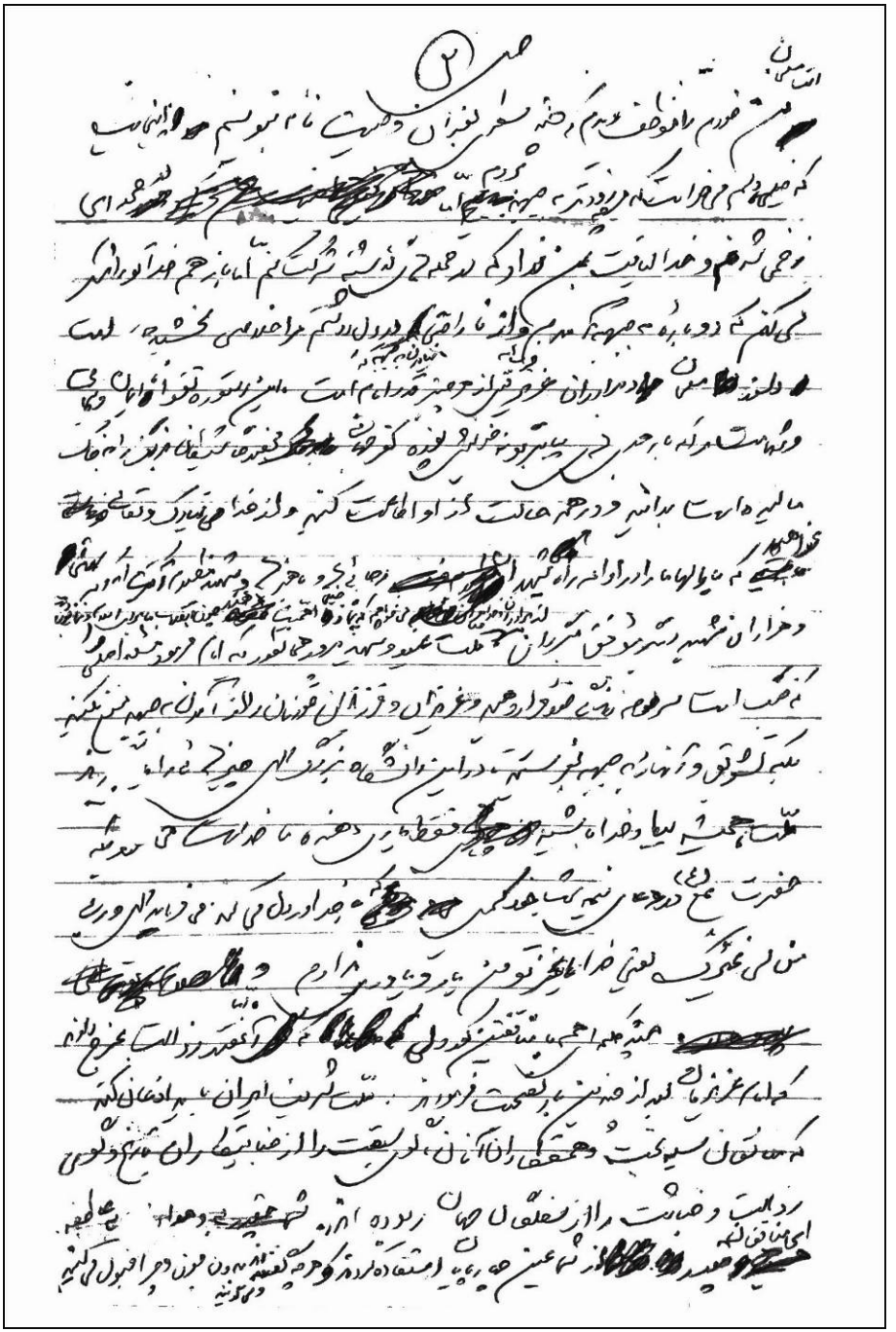

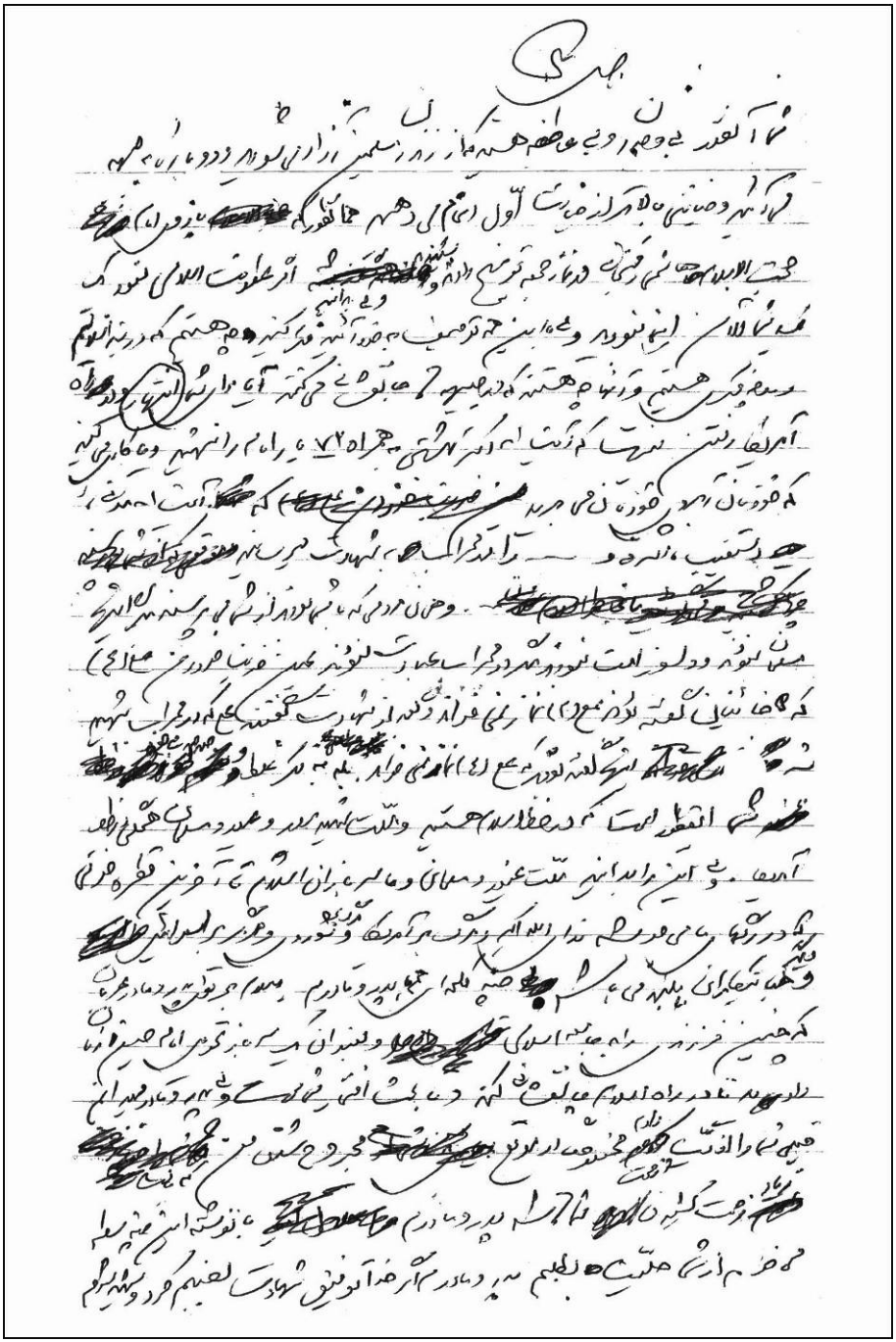

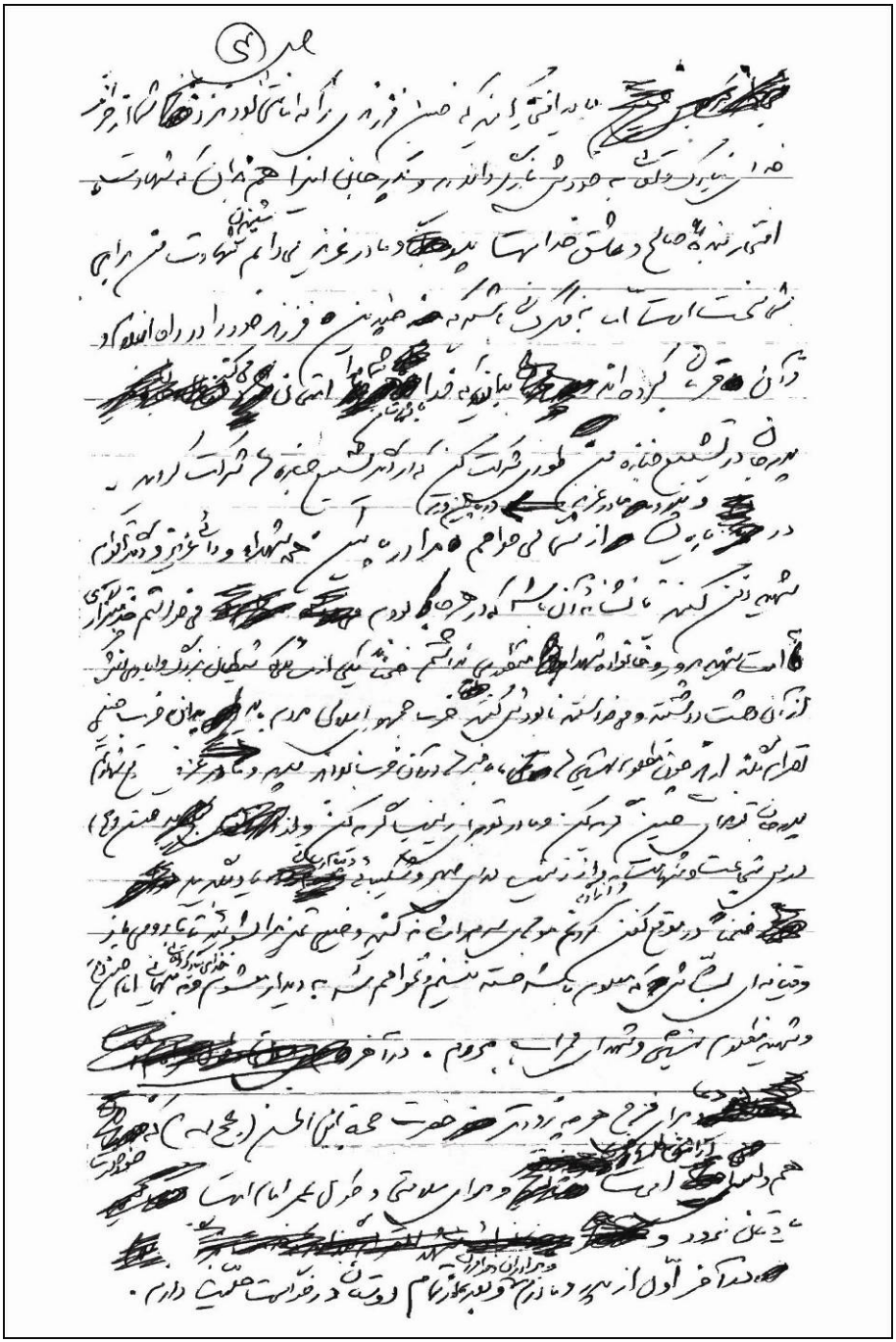

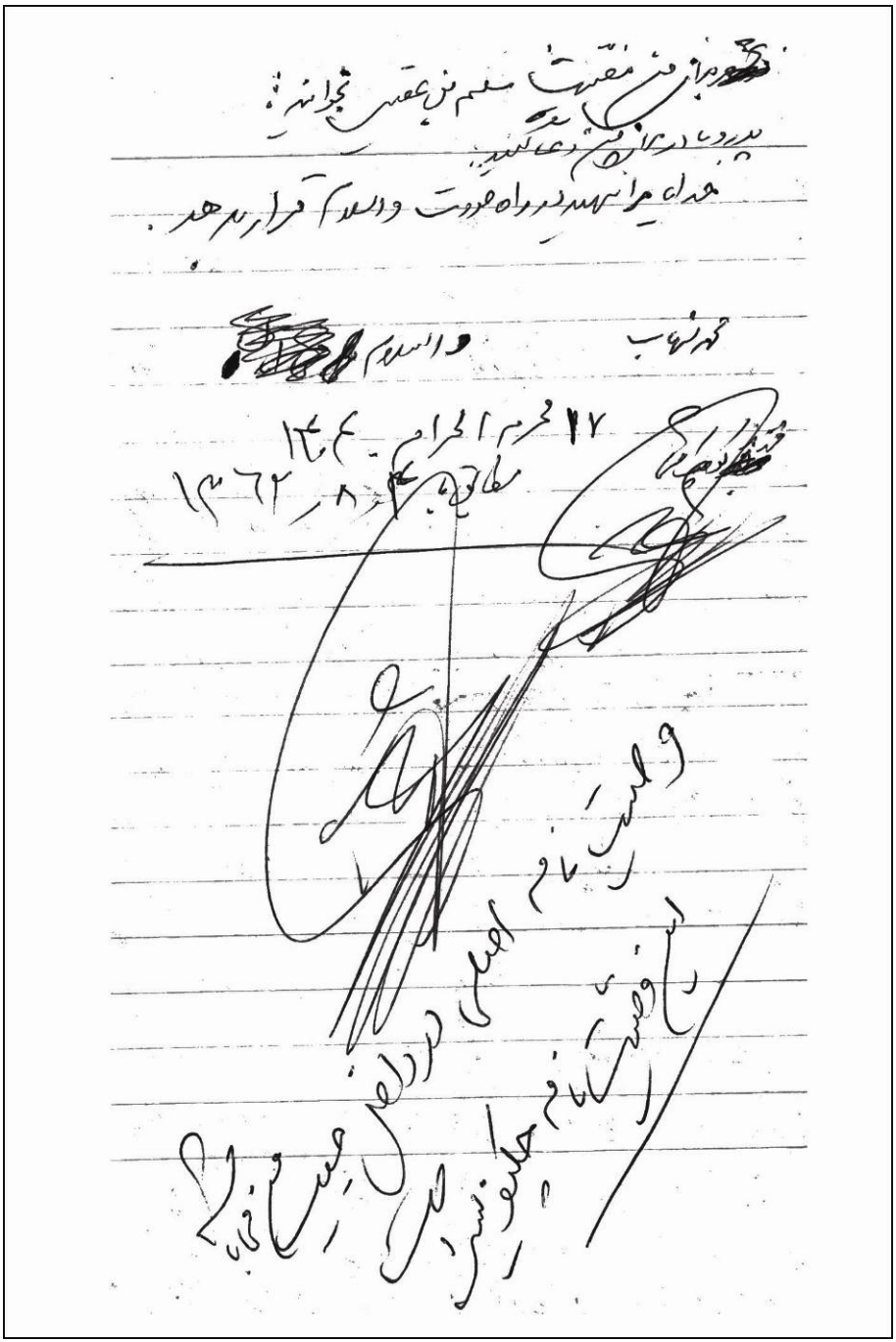

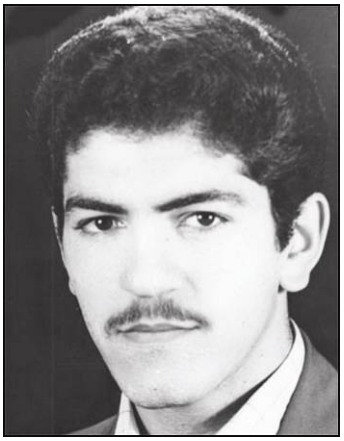

نام: **یدالله**
نام خانوادگی: شهاب
نام پدر: رجبعلی
نام مادر: مریم
تاریخ تولد: بیست‌وهفتم اسفند ۱۳۳۷
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره کاردانی
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: دوم خرداد ۱۳۶۱
محل شهادت: خرمشهر
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- خانه‌ام سنگر است و ماهیت دشمنم نشانگر حقانیت راه.
- به بند کشیده شدگان زمین، عامل حرکتم و شهادت مقطعی از حرکت تکاملی است که انسان به وجود مطلق می‌پیوندد.
- اسلام انسان می‌سازد و پرورش می‌دهد. انسان پرورش یافته زیر لوای اسلام، هرگز زیر بار ظلم نمی‌رود.
- خداوند برآورنده حاجت است. پس متوسل به او شوید و به او توکل کنید.
- بندهٔ ناشکر و ناسپاس نباشید.

**یدالله شهاب**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«بسم رب الشهداء و الصدیقین»**

[...][1] خلیفه بر حق الله، امام زمان مهدی موعود(عج) و با درود فراوان خدمت رهبر کبیرم خمینی عزیز و با سلام بی‌کران نثار ارواح شهدا.

**«والذّین هاجروا فی سبیل الله ثم قتلوا او ماتوا[2] لیرزقنهم الله رزقا حسنا و انّ الله لهو خیر الرّازقین»** (سورهٔ حج آیه ۵۸)

خانه‌ام سنگر است و ماهیت دشمنم نشانگر حقانیت راه و به حاکمیت رسیدن کلمهٔ الله و به بند کشیده شدگان زمین، عامل حرکتم و شهادت مقطعی از حرکت تکاملی است که انسان به وجود مطلق می‌پیوندد. هیچ اجباری در این انتخاب نیست که پیدا شدن راه رشد و انسانیت از طغیان و زبونی و آینده در قالب انتخابی سرنوشت‌ساز شکل خواهد گرفت[3] و ملاقات حق متضمن کوشا بودن و به‌سویش کوشیدن است.[4]

اسلام انسان می‌سازد و پرورش می‌دهد و انسان پرورش یافته زیر لوای اسلام، هرگز زیر بار ظلم نمی‌رود.

همانا خداوند برآورنده حاجت است. پس متوسل به او شوید و به او توکل کنید. شکر می‌کنم خدای عزّوجل را که آرزویم را برآورد و رفتن به خدمت سربازی برای اسلام و کشور اسلامی را وسیله‌ای برای رسیدن به هدفم و آرزویم قرار داد. پس به‌درستی که هر چه از او بخواهید به شما عطا خواهد کرد. بندهٔ ناشکر و ناسپاس نباشید. هر چه دارید و ندارید به خواست اوست و بودن و نبودن شما هم نیز. پس چه بهتر که برای او باشید، چون «بازگشت همه به‌سوی اوست»[5]. در زمان طاغوت به هر نحوی می‌خواستم از سربازی

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «مانوا».

۳- اشاره به سورهٔ بقره/ ۲۵۶.

۴- اشاره به سورهٔ انشقاق/ ۶.

۵- ترجمه بخشی از آیه ۱۵۶ سورهٔ بقره است: «انا لله و انا الیه راجعون».

فرار کنم، چون آنها جنود شیطان بودند و اما اکنون که وسیله مهیاست برای پیوستن به جندالله، چرا که نپیوندم به آن؟

در پایان، از پدرم خواستارم که مراسم سوگواری مرا، هر چه ساده‌تر و بی‌آلایش‌تر، در حسینیهٔ اعظم سمنان برگزار نماید و مقداری از مال دنیا (که به هیچ‌کس وفا نمی‌کند) یعنی دارایی من را، برای این مراسم خرج کند و باقیمانده‌اش را به صندوق کمک به جنگ‌زدگان واریز نماید.

یک دعای کمیل برای شادی روح جمیع شهدا در بهشت شهدای سمنان (امام‌زاده یحیی) نیز برگزار نمایید. همهٔ شما را به خدای تبارک و تعالی می‌سپارم.

**۶۰/۱۲/۱۵**

**جان‌نثار اسلام و مهدی(عج)**

**یدالله شهاب**

در ضمن از کسانی که از حقیر طلبکاری دارند حلالی می‌طلبم و من نیز همچنین.

و اما از مادیات:

مقداری پول در بانک دارم که از پدر می‌خواهم مخارج مراسم عزا و غیرهٔ مرا از آن مصرف نماید و چنانچه کم یا زیاد آمد حلالم کنید. موتوری نیز دارم که آن را به خانواده‌ام واگذار می‌کنم.

ضمناً از تمام کسانی که از من چیزی می‌خواهند حلالی می‌طلبم. در پایان با این شعر به شما تذکر می‌دهم:

چشم تنگ مرد دنیا دوست را  یا قناعت پر کند یا خاک گور[1]

**ارادتمند شما یدالله شهاب**

ضمناً دستگاه عکاسی و سایر وسایل و لوازمات عکاسی را به سیف‌الله واگذار می‌کنم.

---

۱- شعر از سعدی است.

«بسم رب الشهداء والصدیقین»

یاد خلیفه برحق الله، امام زمان مهدی موعود عج و با درود فراوان خدمت رهبر کبیرم

عیسی عزیز و با سلام بیکران نثار ارواح شهدا.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (زره حج آیه ۵۸)

خانه‌ام سنگر است و ماهیت دشمنم ستانگر حقانیت راه و به حاکمیت رسیدن کلمهٔ الله و به

بند کشیده رندگان زمین عامل حرکتم و شهادت منقطعی از حرکت تکاملی است که انسان

را وجود مطلق می‌پیوندد. هیچ اجباری در این انتخاب نیست که پیدا شدن راه رشد و

انسانیت از طغیان و زبونی، و آینده در قالب انتخابی سرنوشت‌ساز شکل خواهد گرفت

و ملاقات حق متضمن کوشا بودن و بسویش کوشیدن است.

اسلام انسان میسازد و پرورش میدهد و انسان پرورش یافته زیر لوای اسلام، هرگز زیر بار ظلم نمی‌رود.

ص ۳

در پایان از پدرم خواستارم که مراسم سوگواری مرا هرچه ساده‌تر و بی‌آرایش‌تر در حسینیهٔ اعظم سمنان برگزار نماید و مقداری از مال دنیا (که به هیچ کس وفا نمی‌کند) یعنی دارایی من را برای این مراسم خرج کند و باقیمانده‌اش را به صندوق کمک به جنگ‌زدگان واریز نماید.

یک دعای کمیل برای شادی روح جمیع شهدا در بهشت شهر سمنان (امامزاده یحیی) نیز برگزار نمائید.

همهٔ شما را به خدای تبارک و تعالی میسپارم.

جان نثار اسلام و مهدی [illegible]

۶۰/۱۲/۱۵

در ضمن از کسانیکه از حقیر طلب کاری دارند حلالی میطلبم و من نیز همچنین.

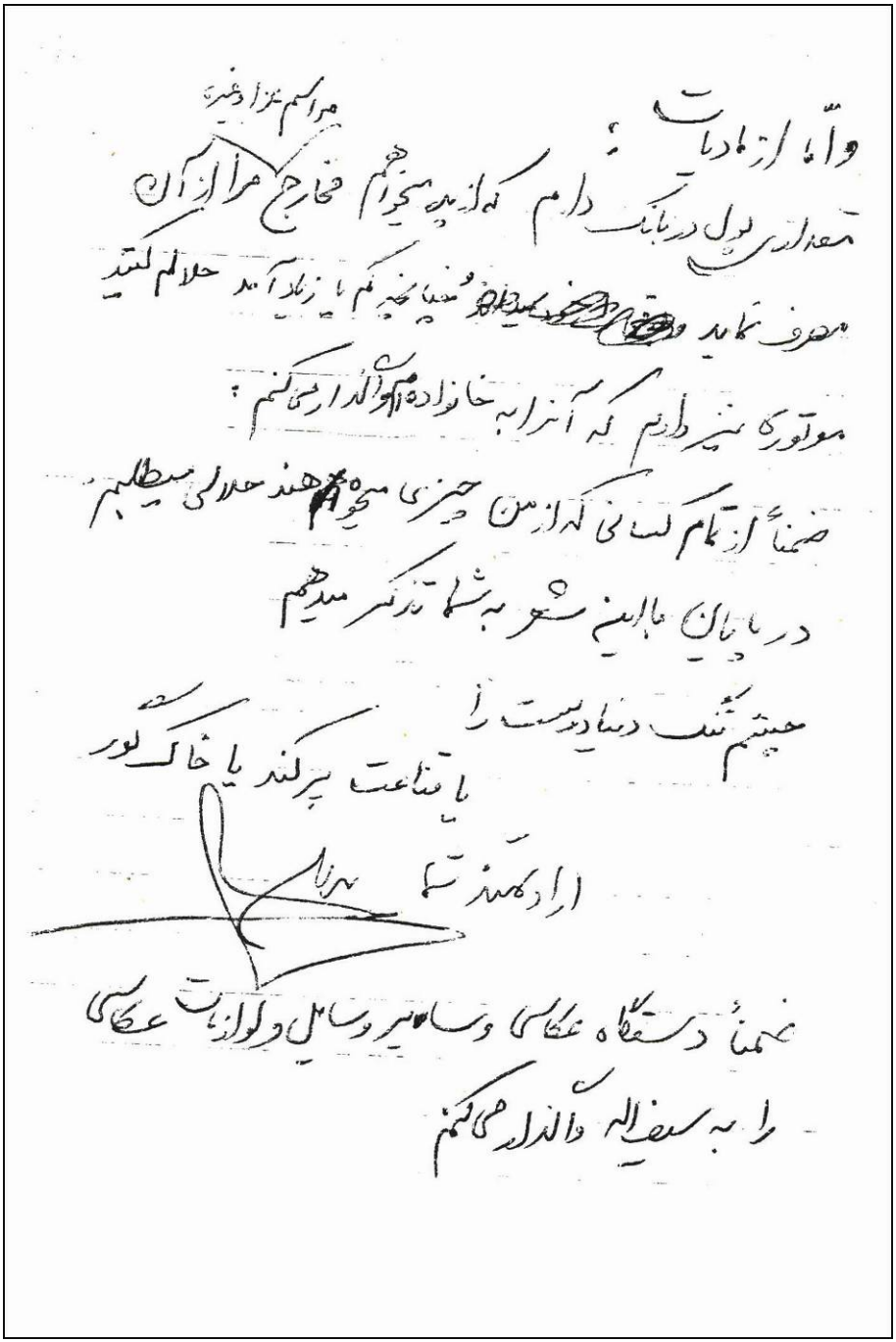

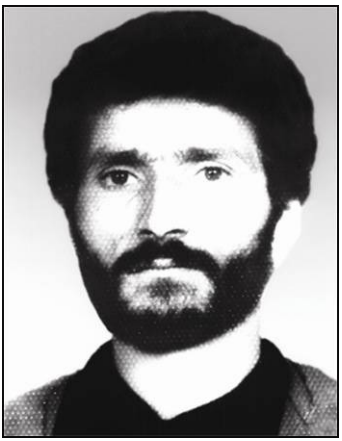

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: شهابی
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: صغرا
تاریخ تولد: نهم اردیبهشت ۱۳۳۰
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: در حد خواندن و نوشتن
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: سوم فروردین ۱۳۶۶
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- چون مسلمان هستم و احساس مسئولیت می‌کنم و خود را در قبال خون شهیدان مسئول می‌دانستم به جبهه‌ها روانه شدم.
- من افتخار را در مسلمان بودن و خدمت به اسلام و خلق خدا می‌دانم.
- ثروت و زرق و برق دنیا را افتخار نمی‌دانم.
- ای برادرانم سعی کنید راه شهدا را ادامه دهید.
- همیشه برای خدا کار کنید.
- فرمان امام را فراموش نکنید.
- امروز اگر جهاد رزمندگان نمی‌بود، خبری از حفظ مسجد و ناموس و اسلام نمی‌بود.
- امروز حفظ اسلام به برکت دفاع رزمندگان است.

## محمدحسین شهابی[۱]

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان لا اله الا الله و محمّداً رسول الله و علیاً ولی الله»

سلام به امام زمان(عج) و امام امت و امت حزب‌الله و خانواده‌های معظم شهدا و اسراء و مفقودین. با سلام خدمت مادر عزیزم، اول تشکر می‌کنم از اینکه مرا خوب تربیت نمودی و به من محبت نمودی و زحمات تو را جبران نکردم، مرا حلال کنی. وانشاءالله خداوند شما را در دنیا و آخرت جزای خیر عنایت فرماید. و شما ای همسرم در زندگی زحمت کشیدی، خداوند شما را اجر دهد. فرزندان را به اسلام و قرآن آشنا کن و در شهادتم صبر داشته باش انشاءالله.

من چون مسلمان هستم و احساس مسئولیت می‌کنم و خود را در قبال خون شهیدان مسئول می‌دانستم به جبهه‌ها روانه شدم تا به اسلام یاری رسانم. من با چشم باز رفتم، نه کورکورانه. من افتخار را در مسلمان بودن و خدمت به اسلام و خلق خدا کردن می‌دانم و ثروت و زرق و برق دنیا را افتخار نمی‌دانم. امروز باید عملاً نشان دهیم که مسلمان هستیم، زیرا مسلمانی به حرف تنها نیست و شما ای برادرانم سعی کنید راه شهدا را ادامه دهید. به‌یاد خدا باشید و مسجد را پر کنید، زیرا مسجد است که اسلام را به ما آموخت و پایگاه مبارزهٔ اسلام علیه کفر است. و سعی کنید به فکر کسانی که اسلام را یاری می‌دهند باشید. دوست انسان‌هایی باشید که اسلام را یاری می‌دهند. همیشه برای خدا کار کنید و آخرت را از یاد نبرید که دنیا ارزش ندارد.

و شما ای مردم دلیر و مقاوم! سعی کنید آن‌چنان که تا حال خدمت کردید، سعی کنید بیشتر خدمت کنید، زیرا در لوای اسلام بودن بسیار افتخار است. فرمان امام را فراموش نکنید، زیرا امروز اگر جهاد رزمندگان نمی‌بود، خبری از حفظ مسجد و ناموس و اسلام

---

۱- وصیت‌نامهٔ شهید در برگه مخصوص نوشته شده است. قبل از شروع وصیت این حدیث از امام جعفر صادق(علیه‌السلام) چاپ شده است: ما ینبغی لامرء مسلم ان یبیت لیلة الا وصیته تحت رأسه (سزاوار نیست که مرد مسلمان شبی را سپری کند، مگر این که وصیت‌نامهٔ او زیر سرش باشد).

نبوده است. امروز حفظ اسلام به برکت دفاع رزمندگان است و آنهایی که با انقلاب و اسلام کاری ندارند، بدانند در دنیا و آخرت روسیاه هستند.

مبلغ ششصد تومان به میر محمد حاج قنبر بدهکارم که امیدوارم بپردازید. همچنین مبلغ ششصد تومان به اسماعیل جعفر و سیصد تومان به حاج محمدتقی رجبی و کرایه تراکتور به عباس شهابی که باید حساب کنید. ضمناً یک سال نماز قضا دارم، بخوانید و یک سال هم روزه بگیرید. انشاءالله خداوند نگه‌دار شما باشد.

**«و من الله التوفیق»**

**محمدحسین شهابی**

**۶۵/۱۲/۸**

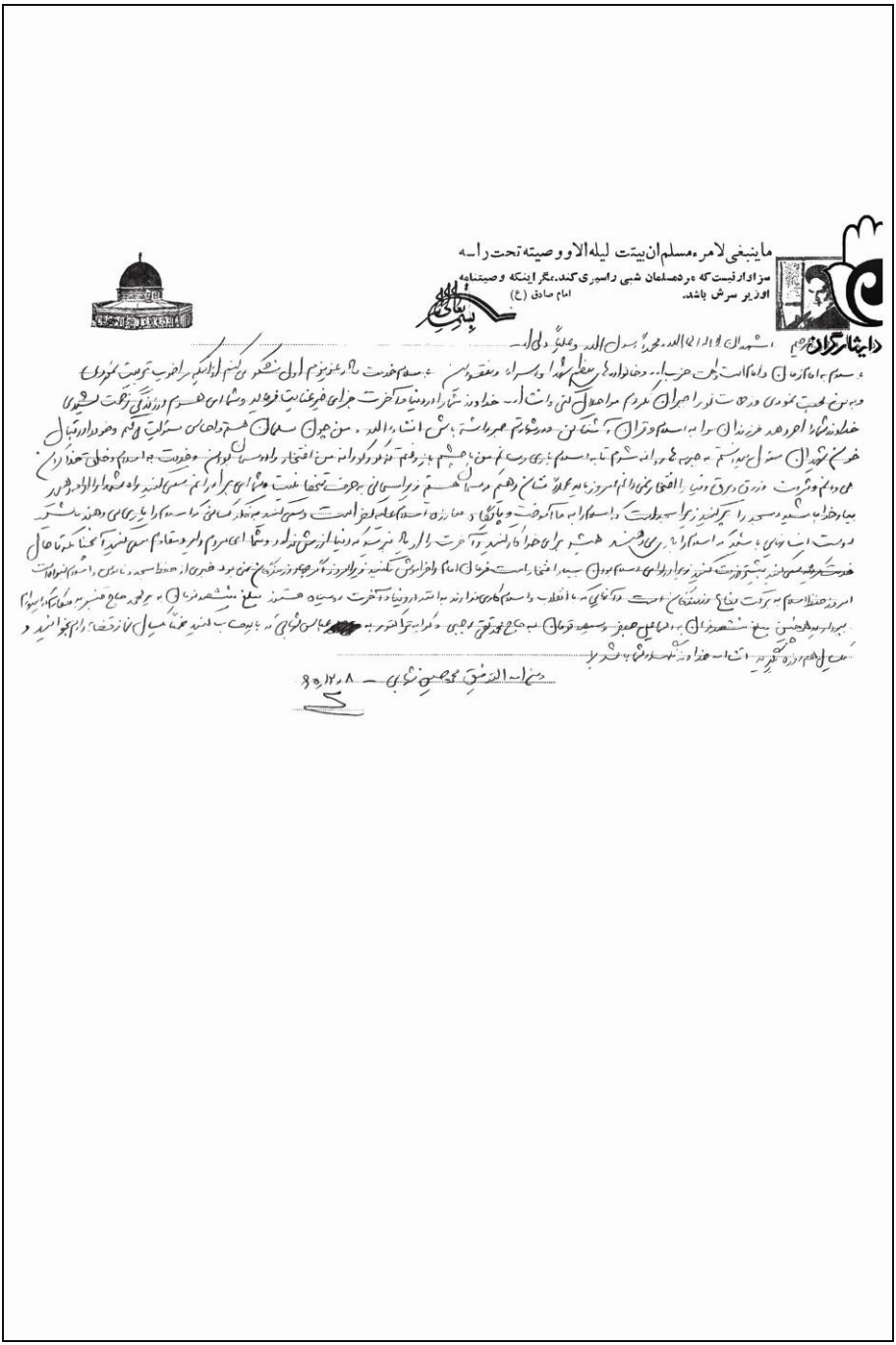

ماینبغی لامرء مسلم ان یبیت لیله الا و وصیته تحت راسه

سزاوار نیست که مرد مسلمان شبی را سپری کند، مگر اینکه وصیتنامه او زیر سرش باشد.

امام صادق (ع)

بسمه تعالی

دایثارگران مرحوم

اشهد ان لا اله الا الله و محمداً رسول الله و علیاً ولی الله

با سلام به امام زمان و امام امت و امت حزب الله و خانواده‌های معظم شهدا و اسراء و مفقودین با سلام خدمت مادر عزیزم اول شکر می‌کنم از اینکه مرا خوب تربیت نمودی و به من محبت نمودی و زحمات تو را جبران نکردم مرا حلال کنی و انشاء الله خداوند شما را در دنیا و آخرت جزای خیر عنایت فرماید و شما ای همسرم در زندگی زحمت کشیدی خداوند شما را اجر دهد فرزندان مرا به اسلام و قرآن آشنا کن و در شهادتم صبر داشته باش انشاء الله. من چون مسلمان هستم و احساس مسئولیت می‌کنم و خود را در قبال خون شهیدان مسئول می‌دانستم به جبهه‌ها روانه شدم تا به اسلام یاری رسانم من با چشم باز رفتم تو کور کورانه من افتخار را در مسلمان بودن و خدمت به اسلام و خلق خدا کردن می‌دانم و ثروت و زرق و برق دنیا را افتخار نمی‌دانم امروز باید عملاً نشان دهیم که مسلمان هستیم زیرا مسلمانی به حرف تنها نیست و شما ای برادرانم سعی کنید راه شهدا را ادامه دهید بیاد خدا باشید و مسجد را پر کنید زیرا مسجد است که اسلام را به ما آموخت و پایگاه و مبارزه اسلام علیه کفر است و سعی کنید به کار کسانی که اسلام را یاری می‌دهند باشید دوست انسانهایی باشید که اسلام را یاری می‌دهند همیشه برای خدا کار کنید و آخرت را از یاد نبرید که دنیا ارزش ندارد و شما ای مردم دلیر و مقاوم سعی کنید آنچنانکه تا حال خدمت کردید سعی کنید بیشتر خدمت کنید زیرا در لوای اسلام بودن بسیار افتخار است فرمان امام را فراموش نکنید زیرا امروز اگر چهار فرزندگان نمی‌بود خبری از حفظ مسجد و ناموس و اسلام نبود امروز حفظ اسلام به برکت بقاع و زندگان است و آنهایی که با انقلاب و اسلام کاری ندارند به امتداد دنیا و آخرت روسیاه هستند مبلغ ششصد تومان به پیر محمد حاج قنبر به حکام که امیدوارم بپردازید همچنین مبلغ ششصد تومان به اسماعیل جعفر و سیصد تومان به حاج محمد تقی رجبی و کرایه تراکتور به [redacted] عباس شهابی که باید حساب کنید ضمناً سیال نماز قضا را بخوانید و یک سال هم روزه بگیرید انشاء الله خداوند نگهدار شما باشد

من الله التوفیق محمدحسین شهابی — ۸/۱۲/۹۵

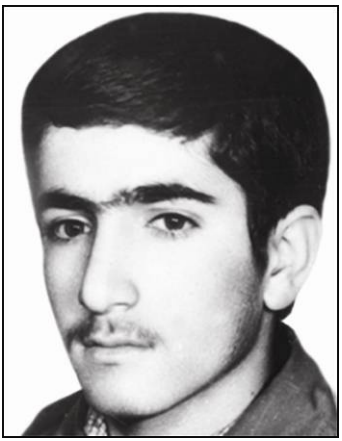

نام: **نعمت‌الله**
نام خانوادگی: شهادت
نام پدر: محمدعلی
نام مادر: صدیقه
تاریخ تولد: یکم مرداد ۱۳۴۶
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: دوم اسفند ۱۳۶۲
محل شهادت: جزیره مجنون
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- هدف من از رفتن به جبهه این بود که به ندای «هل من ناصر حسینی» لبیک گویم.
- شما ملت ایران باید چنان پشت امام را پر کنید که ابرقدرت‌های جهان از این همکاری شما بترسند.
- شما که در سنگر مدرسه هستید سنگرتان مانند سنگرهایی است که در جبهه است و قلم و خودکار شما نیز سلاح شما است.
- من به شما سربازان امام زمان(عج) می‌گویم که تا آخرین قطرهٔ خون خود بجنگید.
- افتخار کنید که من به شهادت رسیدم.
- در مراسم دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمعه و در تشییع جنازه شهدا شرکت کنید.

## نعمت‌الله شهادت

### بسم الله الرحمن الرحیم

«بسم رب الشهدا و الصدیقین[۱]» به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان
«اشهد ان لا اله الا اله و اشهد انّ محمداً رسول الله و اشهد انّ علیاً ولی الله»
**«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا[۲] فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»**[۳]
«آنان که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید، بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.»
اگر این جنگ ۲۰ سال هم طول بکشد ایستاده‌ایم.[۴] (امام خمینی)

پدر و مادر عزیزم! اکنون من خود را موظف می‌دانم که از ابراز آن همه محبت‌ها شکری نمایم. آری مادر جان تو بودی که پس از مراحل گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» من را یکی از انسان‌های مکتب‌ساز و تاریخ‌ساز کردی. حال موقع آن فرا رسیده است که من می‌توانم به‌عنوان یک رزمندهٔ کوچک از اسلام و وطنم و ناموسم دفاع کنم و مادر آن شیری که به من دادی حلالم کن.

و با درود بر پدر و مادرانی که چنین فرزندانی تربیت کرده‌اند که از اسلام و قرآن حفاظت می‌کنند و در راه آن جان خود را فدا می‌کنند و هدف من از رفتن به جبهه این بود که به ندای «هل من ناصر»[۵] حسینی لبیک گویم و شما ملت ایران باید چنان پشت امام را پر کنید که ابرقدرت‌های جهان از این همکاری شما بترسند و پشت آنها را به خاک بزنید و بدن آنها مانند درخت بید به لرزه درآید.

---

۱- در اصل وصیت «صدیقین».
۲- در اصل وصیت «قتلو».
۳- آل‌عمران/ ۱۶۹.
۴- صحیفه امام، ج۱۳، صص ۱۵-۳۱۴.
۵- ر.ک. تعلیقات.

و دیگر به برادران دانش‌آموز، ای برادران عزیز! شما که در سنگر مدرسه هستید سنگرتان مانند سنگرهایی است [که] در جبهه است و قلم و خودکار شما نیز سلاح شما است که بر ضد دشمنان امام زمان(عج) می‌جنگید و سنگرتان را حفظ کنید.

و دیگر به برادران بسیج، من به شما سربازان امام زمان(عج) می‌گویم که تا آخرین قطرهٔ خون خود بجنگید و سنگرتان را خالی نکنید و درود بر شما برادران عزیز و شما باید مثل کوه استوار باشید.

و دیگر به پدر [و] مادرم که اگر شما را ناراحت کردم و یا موقعی شما را اذیت کردم، مرا به بزرگواری خودتان ببخشید و شما برادران و خواهر عزیزم هر کار بدی که از من دیده‌اید مرا ببخشید و [از] به شهادت رسیدن من هیچ ناراحتی نداشته باشید، بلکه افتخار کنید که من به شهادت رسیدم و شما برای امام حسین(علیه‌السلام) گریه کنید که مظلومانه شهید شد و من امانتی در نزد شما بودم و هر انسانی باید به آخرت برگردد. و بهتر است که در جبهه به شهادت برسم و در مراسم دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمعه و در تشییع جنازه شهدا شرکت کنید و از برادرانم می‌خواهم که اسلحهٔ مرا بردارند و نگذارند اسلحهٔ من به زمین بیفتد واز کلیه دوستان و فامیل‌ها می‌خواهم که مرا ببخشند.

و در همان جایی که به دنیا آمده‌ام مرا دفن کنند و در کنار شهدای دیگر لاسجرد مرا دفن کنند.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار (۲) رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما.

**«والسلام علیک»**

**برادر کوچک شما نعمت‌الله شهادت**

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم رب الشهدا و صدیقین به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علی ولی الله

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ.

آنانکه در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید بلکه آنها زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

اگر این جنگ ۳۰ سال هم طول بکشد ما ایستاده‌ایم

امام خمینی

پدر و مادر عزیزم اکنون من خود را موظف می‌دانم که از ابراز آن همه محبتها تشکر می‌نمایم.

آری مادر جان تو بودی که پس از مراحل گفتن بسم الله الرحمن الرحیم من را یکی از انسانهای

مکتب ساز و تاریخ ساز کردی حالا موقع آن قرار رسیده است که من می‌توانم به عنوان

یک رزمنده کوچک از اسلام و وطنم و ناموسم دفاع کنم. و مادر آن شیری که به من دادی

حلالم کن

و یاد و ابر پدر و مادرانی که چنین فرزندانی تربیت کرده‌اند که از اسلام و قرآن حفاظت

می‌کنند و در راه آن جان خود را فدا می‌کنند. و هدف از رفتن به جبهه این بود که به ندای

«هل من ناصر اگر حسینی» لبیک گویم و شما ملت ایران باید چنان پشت امام را پر کنند که

که ابر قدرتهای جهان از این همکاری شما بترسند و پشت آنها را به خاک بزنید و بدن آنها مانند درخت

بید به لرزه درآید.

و دیگر به برادران دانش آموز ای برادران عزیز شما که در سنگر مدرسه هستید سنگرتان مانند سنگرهای است در جبهه است و قلم و خودکار شما نیز سلاح شما است که بر ضد دشمنان امام زمان (عج‌الله) می جنگید و سنگرتان را حفظ کنید.

و دیگر به برادران بسیج من به شما سربازان امام زمان (عج‌الله) می‌گویم که تا آخرین قطره خون خود بجنگید و سنگرتان را خالی نکنید و درود بر شما برادران عزیز و شما باید مثل کوه استوار باشید.

و دیگر به پدر مادرم که اگر شما را ناراحت کردم و یا موقعی شما را اذیت کردیم مرا به بزرگواری خودتان بخشید و شما برادران و خواهر عزیزم هرگاه دیدی که او نمی دیده اید مرا ببخشید و به شهادت رسیدن من هیچ ناراحتی نداشته باشید. بلکه افتخار کنید که من به شهادت رسیدم و شما برای امام حسین (ع) گریه کنید که مظلومانه شهید شد و من امانتی در نزد شما بودم و هر انسانی باید به آخرت برگردد و بهتر است که در جبهه به شهادت برسیم و در مراسم دعای توسل و دعای کمیل و نماز جمعه و در تشییع جنازه شهدا شرکت کنید و از برادرانم می خواهم که اسلحه مرا بردارند و نگذارند اسلحه مرا به زمین بیفتد و از کلیه درشان و فامیل ما می خواهم که مرا ببخشند

و در همان جایی که به دنیا آمدم مرا دفن کنند و در کنار شهدای دیگر لاسیرد مرا دفن کنند

والسلام علیک برادر کوچک شما نعمت الله شهادت

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار (۲) رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما

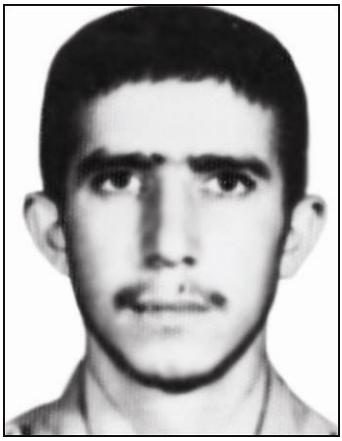

نام: **بهرام**
نام خانوادگی: شهپری
نام پدر: محمد
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پانزدهم تیر ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست و ششم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ملت قهرمان مهدی‌شهر! از شما می‌خواهم مانند همیشه در خط رهبر بوده واز ولی‌فقیه پشتیبانی کنید.
- پشتیبان دولت و مسئولین زحمت‌کش جمهوری اسلامی باشید.
- از شما عاجزانه می‌خواهم تنور جنگ را مانند همیشه، بلکه بیشتر، گرم نگه‌دارید.
- هر کس در هر مقامی، در هر زمانی، دم از صلح با صدام که در حقیقت صلح با کفر و الحاد است زند، مخالف خون شهیدان و مخالف مصالح اسلام است.
- این شهادت‌ها است که شهادت علی‌اکبر (علیه‌السلام) را عملاً به ما نشان می‌دهد.
- این شهادت‌ها است مظلومیت حسین(علیه‌السلام) را زنده می‌کند.
- مانند همیشه به احکام اسلام و فرامین حضرت امام عمل کنید.

## بهرام شهپری

### بسم الله الرحمن الرحیم

رفتن به جبهه و دفاع از اسلام واجب شرعی است.[۱] (حضرت امام)

اوج مسلمانی جهاد در راه خداست که جز مسلمانان برجسته بـه آن نرسـند (حضـرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)).

مـا نـوکر و آقـا تـویی مهـدی جـان  نـوکر رخ اربـاب نبینـد سـخت اسـت

با سلام به حضور حضرت ولی‌عصر، آقا امام زمان(عج) و با سلام و درود به رهبر کبیـر انقلاب، حضرت امام و با سلامی به بلندی تاریخ، خدمت ملت مسلمان ایران، به‌ویژه مـردم شهرمان مهدی‌شهر، خصوصاً خدمت خانوادهٔ عزیز و گرامیم.

حال که لطف خدا شامل حال ما شد و توانسـتیم در جبهـهٔ نـور علیـه ظلمـت شـرکت جوییم و انشاءالله اگر خدای بزرگ از گناهان ما درگذرد و ما را جزء[۲] شهیدان اسـلام قـرار دهد، چند جمله‌ای به‌عنوان وصیت می‌نویسم و تقاضا دارم در نماز جمعهٔ شهر من خوانـده شود.

مردم مسلمان ایران، ملت قهرمان مهدی‌شهر! از شما می‌خـواهم ماننـد همیشـه در خـط رهبر بوده واز ولی‌فقیه پشتیبانی کنید. و از [...][۳]جویی و گروه‌گرایـی دوری جوییـد[۴] و بـه گفتهٔ حضرت امام که نایب امام زمـان(علیه‌السلام) [اسـت] گـوش فـرا داده و پشـتیبان دولـت و مسئولین زحمت‌کش جمهوری اسلامی باشید. جوان‌های دلیر مهدی‌شهر! اگر خـدا قسـمت کند و به شهادت رسیدم، از شما عاجزانه می‌خواهم تنور جنگ را مانند همیشه، بلکه بیشتر، گرم نگه‌دارید. همیشه در صحنه حاضر بوده و بدانید هر کس، در هر مقامی، در هر زمـانی،

---

۱- این عبارت را حضرت امام خمینی در پاسخ استفتاء شرعی برخی بـرای لـزوم شـرکت در جبهـه‌هـای جنـگ بیـان فرمودند. (تبیان، شماره ۲۴، ص۱۵۳).

۲- در اصل وصیت «جزو».

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «جوئید».

دم از صلح با صدام که در حقیقت صلح با کفر و الحاد است زند، مخالف خون شهیدان و مخالف مصالح[۱] اسلام است.

مادر و پدر عزیزم! از اینکه نتوانستم زحمت‌های بی‌دریغ شما و درد و رنج‌هایی [را] که در قبال بزرگ کردن و تربیت من متحمل شده‌اید [جبران کنم]، بسی شرمنده و ناراحتم. اما مادر جان! همان‌طور که خودت [...][۲] روزی فرمودی اسلام از همه چیز مهم‌تر است، از خدای متعال می‌خواهم دنیا و آخرت را برای شما راحت و باصفا قرار دهد. مادرم در شهادت فرزندت گریه کن، سیاه بر تن کن، بر سر و سینه بزن، زیرا این شهادت‌ها است که شهادت علی‌اکبر (علیه‌السلام) را عملاً به ما نشان می‌دهد. این شهادت‌ها است مظلومیت حسین(علیه‌السلام) را زنده می‌کند. آری گریه کن، به یاد حسین(علیه‌السلام)، به یاد علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام)، به یاد جوان‌های رشید ایران که شهید شدند و به یاد فرزندت که به راه حسین(علیه‌السلام) رفته است (اگر حسین(علیه‌السلام) این بندهٔ حقیر و گناهکار را به خادمی بپذیرد) و در میان هق‌هق گریه‌هایت برای پیروزی اسلام، طول عمر رهبر و فرج حضرت مهدی(عج) و بخشش گناهانم دعا کن.

برادر بزرگوارم! شما که در هر لحظه از زندگی الگوی من بوده و درس دینداری و زندگی صحیح را به من متذکر شدید، از شما ممنونم و [از] شما می‌خواهم با خدمت خود به اسلام و جامعهٔ مسلمین بیفزایید و عاجزانه تقاضا دارم جای من [را] در خانه پر کرده و تا جایی که می‌توانید به پدر و مادرمان خدمت کنید که رضای خداوند در رضای پدر و مادر است.

خواهران گرامیم! شما باید الگوی جامعه و [...][۳] واقعی زینب(علیهاالسلام) بوده و مانند همیشه به احکام اسلام و فرامین حضرت امام عمل کنید. از تمام دوستان و کسانی که مرا می‌شناسند، عاجزانه می‌خواهم اگر بدی و تندی از من دیده‌اند مرا قربت کنند، ببخشند.

خدایا تو را به فاطمه‌ات(علیهاالسلام) قسم، هر چه زودتر دست رزمندگان را به کربلای حسین(علیه‌السلام) برسان. خدایا مرا ببخش و بیامرز. خدایا رهبر و ولی ما حضرت امام را تا

---

۱- در اصل وصیت «مصالحهٔ».

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

انقلاب مهدی(عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف)، بلکه کنار او زنده و سلامت بدار. خدایا تو را به حرمت عزیز پیامبرت، زهرا(علیهاالسلام)، صاحب ما و ولی عصر، حضرت مهدی(عج) را هر چه زودتر برسان.

بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد ای عاشق مهدی به خمینی صلوات

**مصطفی شهپری**
**۶۵/۹/۲۰**

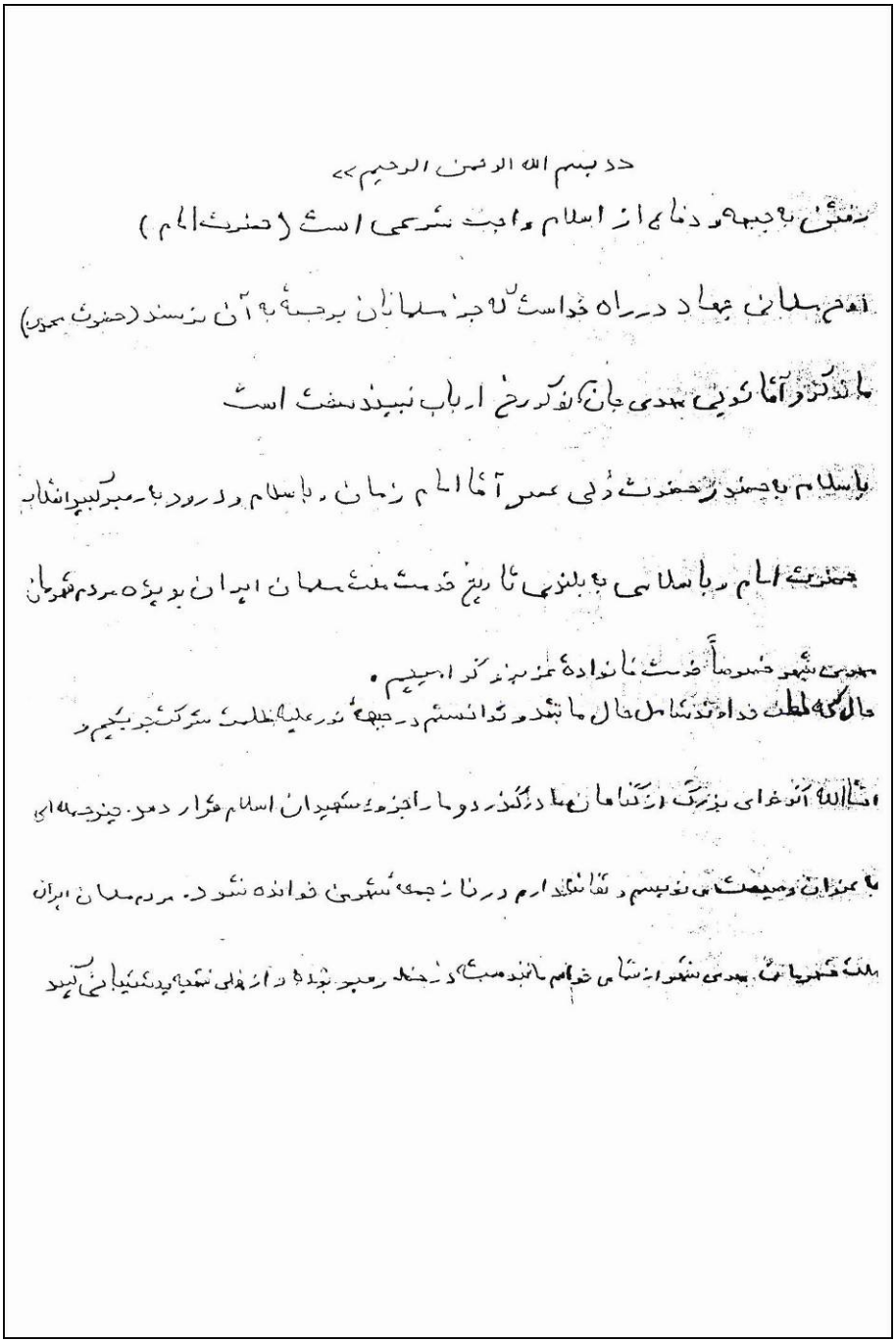

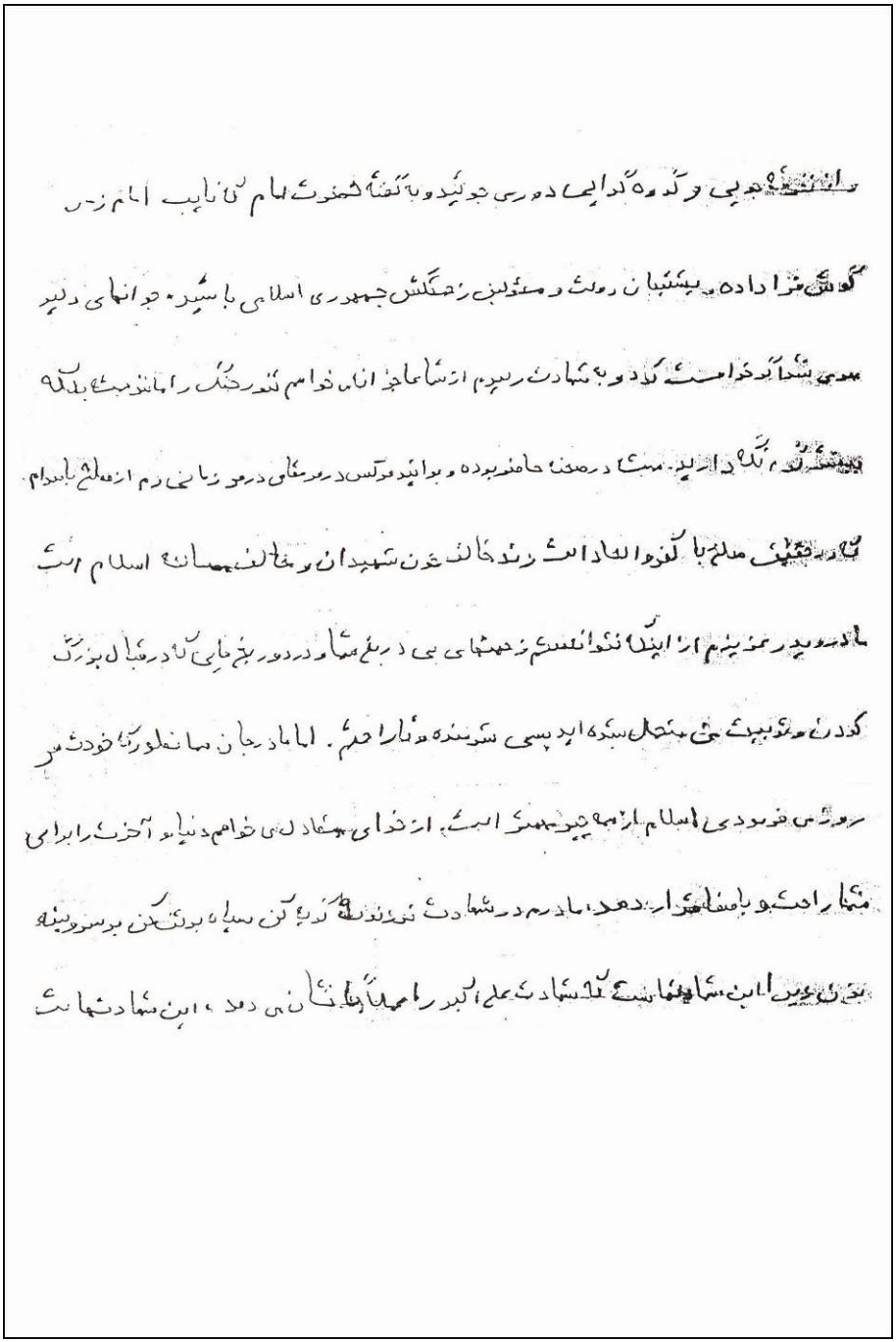

[illegible] حسین را زنده می‌کند. آری گریه کن به یاد حسین به یاد علی اکبر حسین به
یاد جوانهای رشید ایران که شهید شدند و به یاد فرزندت که به راه حسین رفته است (اگر حسین
این بنده حقیر و گناهکار را به خادمی بپذیرد) و در میان من و تو گریه ما بت برای پیروزی
اسلام طول عمر رهبر و فرج حضرت مهدی و بخشش گناهانم دعا کن.
برادر بزرگوارم شما که در مواقع از زندگی انگیزی من بوده و درس دینداری و زندگی صحیح را
به من متذکر می‌شدید از شما ممنونم و شما می‌خواهم با خدمت خود به اسلام و جامعه مسلمین بیفزائید و
عاجزانه تقاضا دارم جای من در خانه پر کرده و تا جایی که توانید به پدر و مادرمان خدمت کنید
که رضای خداوند در رضای پدر و مادر است. خواهران گرامیم شما باید انگوی جامعه و [illegible]
[illegible] زینب بوده و مانند همیشه به احکام اسلام و قوانین حضرت امام عمل کنید. از تمام
دوستان و کسانی که مرا می‌شناسند عاجزانه می‌خواهم اگر بدی و تندی از من دیده‌اند مرا مورد
[illegible] ببخشند.
خدایا تو را به فاطمه‌ات قسم هر چه زودتر دست رزمندگان را به کربلای حسین برسان.
خدایا مرا بخشش و بیامرز. خدایا [illegible] رهبر و ولی ما حضرت امام را تا انقلاب مهدی
بلکه کنار او زنده و سلامت بدار. خدایا تو را به حرمت عزیز پیامبرت زهرا صاحب و
ولی عصر حضرت مهدی (عج) را هر چه زودتر برسان.
بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد. ای عاشق مهدی به خمینی صلوات.

مصطفی شهیری
۴۵/۹/۲۰

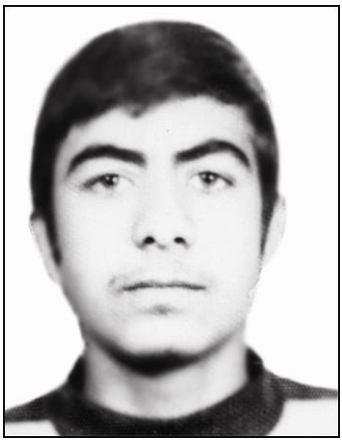

نام: **حمیدرضا**
نام خانوادگی: شهرابیان
نام پدر: سلیمان
نام مادر: گل‌اندام
تاریخ تولد: بیستم خرداد ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیستم بهمن ۱۳۶۱
محل شهادت: رقابیه
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- آفرین بر شما که با دادن شهیدان و معلولین، به این انقلاب مصمم‌تر و پایدارتر می‌شوید.
- بر همهٔ دشمنان خارجی و داخلی اسلام و این انقلاب بخروشید.
- این انقلاب را به سرتاسر جهان گیتی صادر کنید.
- حالا پرچم اسلام در دست ماست و باید اسلام را جهانگیر کنیم.
- به جان امام و رزمندگان اسلام دعا کنید.
- برای مسلمان مرگی وجود ندارد و این حالت تحولی بیش نیست.
- شهادتم بهترین کام است.
- تقاضا می‌کنم در مجالس سخنرانی و دعاها بیشتر شرکت کنند.
- امام و رزمندگان را دعا کنید.

## حمیدرضا شهرابیان

### بسم الله الرحمن الرحیم[۱]

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجّنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلـون و یقتلون»**[۲]

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند». (توبه/ ۱۱۱).

به‌نام خداوند درهم کوبندهٔ ستمگران و درهم شکنندهٔ ظالمین و درود بر مهدی موعود(عج)، منجی انسان، صاحب الزمان، نجات دهندهٔ محرومان. و درود و سلام بر بت‌شکن زمان، رهبر جهان مستضعفین، نایب الامام خمینی.

و با درود و سلام بر شهیدان به خون غلطان، از کربلای حسین(علیه‌السلام) تا شهیدان انقلاب اسلامی ایران و درود و سلام بر معلولین راه حق و حقیقت و بالاخره سلام بر شما امت حزب‌الله و همیشه در صحنه. سلام بر شما که از جان و مال خود و، دیگر این که، از فرزندانتان گذشتید و آنها را در راه خدا قربانی کردید و آفرین بر شما که با دادن شهیدان و معلولین و زخمی‌هایی که از جبهه دارید، به این انقلاب مصمم‌تر و پایدارتر می‌شوید. اکنون ای امت مسلمان! شما را به جان عزیزانتان مانند علی (امام سجاد)(علیه‌السلام) وارث حسین، بر همهٔ دشمنان خارجی و داخلی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرتاسر جهان گیتی صادر کنید. چون حالا پرچم اسلام در دست ماست و باید اسلام را جهانگیر کنیم و برای برافراشته بودنش باید جان ناقابل را فدا کنیم، تا اینکه راهی باشد برای هر چه سریع‌تر ظهور کردن مهدی(عج). و دیگر اینکه به جان امام و رزمندگان اسلام دعا کنید. اسلحه‌ام را زمین نگذارید و راهم را ادامه دهید.

**«والسلام»**

و اکنون پدر و مادر عزیزم:

---

۱- در بالای وصیت‌نامه نوشته شده است: «متن وصیت‌نامه شهید حمیدرضا شهرابیان، عضو پاسگاه مقاومت بسیج سیدالشهدا خیرآباد، تاریخ شهادت: ۱۳۶۱/۱۱/۲۰».

۲- توبه/ ۱۱۱.

من به چنین پدر و مادری که دارم افتخار می‌کنم، نه من بلکه اسلام و مسلمین افتخار می‌کنند که از فرزند خودتان گذشتید و من را راهی جبهه کردید. پدرم می‌دانم که تو خوشحال هستی، چرا خوشحال نباشی، زیرا که می‌دانی جای فرزندت در کجاست. آری پدران و مادران ما می‌دانند که فرزندشان وقتی که شهید می‌شود در کجا جای دارند و با چه کسی دیدار می‌کنند. بله آنها در بهشت جای دارند و با خدای خود دیدار تازه می‌کنند. پدر و مادر عزیز، بردبار و صبور و استوار باشید که خداوند یار صابرین است. از مادرم می‌خواهم که مرا حلال کند و اگر بدی از من دیده مرا ببخشد. و دیگر توقعی که از شما دارم این است که با دادن یک شهید در یک خانواده قانع نشوید، زیرا که امروز، روز امتحان است.

من امیدوارم که شما دارید این نوشته را می‌خوانید، من از حال عادی خارج شده باشم، چون برای مسلمان مرگی وجود ندارد و این حالت تحولی بیش نیست. دیگر اینکه بر مزارم زیاد گریه نکنید زیرا که از اجر این کار می‌کاهد و این امانتی است که خدا به شما داده و روزی هم آن را از شما می‌گیرد، وانگهی این مرحله برای همه می‌باشد، پس چه خوب است که آدمی در راه خدا از این مرحله بگذرد و اگر می‌خواهید برایم مجلس عزا برپا کنید، زیاد آن را تجملاتی نکنید و پول آن را به جنگ‌زدگان بفرستید و دیگر اینکه روی سنگ قبرم جوان ناکام ننویسید، زیرا که شهادتم بهترین کام است و جامه سیاه نپوشید و در روز شهادتم شیرینی بدهید و به هم تبریک بگویید چون که پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده «**ما من قطرة احبّ الی الله من قطرة دم فی سبیل الله**»[1] «هیچ قطره‌ای در مقیاس حقیقت در نزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود، مهم‌تر و عزیزتر نیست».

پس پدرم درود بر تو که چون ابراهیم، فرزند خویش را به فرمان خدای بزرگ به قربانگاه حقیقت فرستادی و مادرم درود بر تو که بر احساس مادرانه‌ات پیروز شدی و فرزندت را روانهٔ میدان نبرد کردی و گفتی من با شهید دادن افتخار می‌کنم که تو مادری همچون فاطمه زهرا(علیهاالسلام) هستی. پدرم خود را برای جهاد در راه خدا مهیا کن، چون امروز روز پیروزی مستضعفین بر مستکبرین است. مادرم کوشا باش و چون کوه استقامت

---

۱- اصول کافی، ج ۵، ص ۵۳.

کن و لحظه‌ای از یاد خدا غافل مباش. مادر جان ناراحت نباش، بخند، زیرا که به‌خاطر هدف مقدسی که داشته‌ام جان خود را فدای این هدف کردم.

در آخر با برادرانم هستم که بعد از من راهم را ادامه دهید، زیرا که راه خدا بهترین راه‌هاست و کوشنده در این راه باشید. از دوستانم می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اند، مرا ببخشند و از آنها تقاضا می‌کنم در مجالس سخنرانی و دعاها بیشتر شرکت کنند. امام و رزمندگان را دعا کنید. در آخر دست‌ها را به طرف خدا می‌بریم:

بارالها! امیدوارم که این هدیه خون ناقابل ما، پیروان حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و فرزندش خمینی را بپذیری و ما را از سربازان امام زمان(عج) قرار دهی و از خداوند می‌خواهم که ظهور حضرت مهدی(عج) رانزدیک کند.

خدایا، تو را به یگانگیت قسمت می‌دهم که شهادت در راه اسلام را نصیبم کن و بارالها مرا ببخش و مرا در صف شهیدان اسلام قرار بده و خدای بزرگ را سپاس می‌گویم که در رحمت جهاد در راه خودش را به من عطا فرمود و جرأتم داد که از کشته شدن نترسم. در پایان همهٔ شما را به خداوند متعال می‌سپارم و دعا برای جان امام یادتان نرود.

**«والسلام علی من اتبع الهدی»**

**روز دوشنبه: ۶۱/۱۱/۱۸**

**محل جبهه رقابیه**

**حمیدرضا شهرابیان**



جمهوری اسلامی ایران

متن وصیتنامه شهید حمید رضا شهرابیان
عضو پایگاه مقاومت بسیج سید الشهدا خیرآباد
تاریخ شهادت : ۱۳۶۱/۱۱/۲۰

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان الجنه یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون (۱۱۱ ـ توبه)
خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد می کنند که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند .

بنام خداوند رحمتگر و رحیم . ستمگران و رهبرشکنان و ظالمین و رهبر جهان مستضعفین نایب الامام خمینی دهنده محرومان و رهبر شکن زمان رهبر جهان مستضعفین نایب الامام خمینی
و درود و سلام بر شهید ان بخون غلطان از کربلای حسین تا شهید ان انقلاب اسلامی ایران و درود و سلام بر معلولین راه حق و حقیقت و بالاخره سلام بر شما امت حزب الله و همیشه در صحنه . سلام بر شما که از جان و مال خود دیگر اینکه فرزندانتان گذشتید و آنها را در راه خدا قربانی کردید و آگاهترین بر شما که بدادن شهید ان و معلولین ـ و زخمیهایی که از جبهه دارید به این انقلاب مصمم تر و باید ارتقرس شوید . اکنون ای امت مسلمان شما را به جان عزیز ـ انتان مانند علی (امام سجاد) و ارث حسین بر همه دشمنان خارجی و داخلی اسلام و این انقلاب بخروشید و این انقلاب را به سرتاسر جهان گیتی صادر کنید چون حالا پرچم اسلام در دست ما است و باید اسلام را جهانگیر کنیم و برای برافراشته در نشر باید جان ناقابل را فدا کنیم تا اینکه را حی باشد برای هر چه سریعتر ظهور کرد ن مهدی عج ... و دیگر اینکه به جان امام عزیزمندگان اسلام عاکنید . اسلحه را از زمین نگذارید و را همرا دامه دهید . (والسلام)

واکنون با درود و رمادرم :
من به چنین پدر و مادری که دارم افتخار میکنم نه بلکه اسلام و مسلمین افتخار میکنند که از فرزند خود تا نگذشتید و من را را هی جبهه کردید پدر رمهید انکه تو خوشحال هستی چراکه خوشحال نباشی زیرا که مهدانی جای فرزند تد رکجا است آری پدران و مادران ما میدانند که فرزندشان وقتی که شهید میشود در کجا جای دارند و با چه کسی دیدار میکنند بله آنها در بهشت جای دارند و با خدای خود دیدار تازه میکنند . پدر و مادر عزیزم با روصبر و استوار باشید که خداوند با صابرین است . از مادر رمیخواهم که مرا حلال کند و اگر دیونی از من دیده مرا ببخشد و دیگر تو تمنی که از شما دارم این است که با دادن یک شهید در یک خانواده قانع نشوید زیرا که امروز روز امتحان است . من میدانم که شما امید این نوشته را میخوانید من از حال عادی خارج شده با شم چون برای مسلمان مرگی وجود ندارد و این حالت تحولی بیش نیست دیگر اینکه برمزار من زیاد گریه نکنید زیرا که از جراین کار یکاهد و این امانتی است که خدا به شما داده و روزی هم آن را از شما میگیرد و انگهی این مرحله برای همه میباشد پس چه خوب است که آدمی در راه خدا از این مرحله بگذرد و اگر میخواهید برایم مجلس عزا برپا کنید زیاد آن را تجملاتی نکنید و پول آن را به جنگزدگان رمفرستید و دیگر اینکه روحی سنگین دارم جوانان ناکام بدنبسید زیرا که شهادت تمهیدترین کامی است و جامه سیاه نپوشید و روز شهادت تمشوریتی بدهید و بهمترین نامیگوئید چونکه بیامبر اکرم (ص) فرمود . "ما من قطره احب الله من قطره فی سبیل الله" هیچ قطره ای در ـ مقابل حقیقت رنزد خدا از قطره خونی که در راه خدا ریخته شود مهمتر و عزیزتر نیست .

پدر رمن درد برتو که چون ابراهیم فرزند خویش را بفرمان خدای بزرگ بقربانگاه حقیقت فرستادی و مادر رمن درد برتو که برا حسا مرمادرانه اتپیروزشدی و فرزند ترا روانه میدان نبرد کردی و گاهی من بما شهید دادن افتخار میکنم که تو ـ مادری همچون فاطمه زهرا (س) هستی . پدر رم خود را برای جهاد در راه خدا مهیا کن چون امروز روز پیروزی مستضعفین بر مستکبرین است . مادر رم گوشها را شروچون کوه استقامت کن و لحظه ای از یاد خدا غافل مباش . مادر جان نا را حسرت نباشر خند زیرا که بخاطر هدف مقدسی که داشته ام جان خود را فدای این هدف کردم .

در آخر با برادر انم هستم که بعد از من را همرا دامه دهید زیرا که راه خدا پرپیروتر بن را همستو کوشنده در این راه ـ باشید . از دوستانم میخواهم که اگر دیونی از من دیده اند مرا ببخشند و از آنها تقاضا میکنم در مجالس ترحیم خود دعا همه بیشتر شرکت کنند . اما مهرزمندگان را دعا کنید . در آخر دستها را به طرف خدا میبرم :

بارالها امید وارم که این هدیه خون ناقابل ما پیروان حضرت محمد (ص) و فرزند شرخمینی را بپذیری و ما را از سربازان امام زمان قرار دهی و از خداوند میخواهم که ظهور حضرت مهدی (عج ۱۰۰۰) را نزدیک کند .

خدایا ، ترا بدانگونه قسمت میدهم که شهادت در راه اسلام را نصیبمان و با رلها مرا ببخشروم را در صف شهید ان اسلام قرار دهی و خدای بزرگ را سپاسگزارم که در پرتو جهاد در راه خود هر را بدین عطا فرمود و چرا نقدا دگه از گشته شدن ـ نترسم در پایان همه شما را به خداوند متعال میسپارم و دعا برای جان امام یاد تان نرود .

روز و شنبه : ۶۱/۱۱/۱۸ محل جبهه رقابیه والسلام علی من تبع الهدی

.... خانواده شهید .... امضا حمید رضا شهرابیان

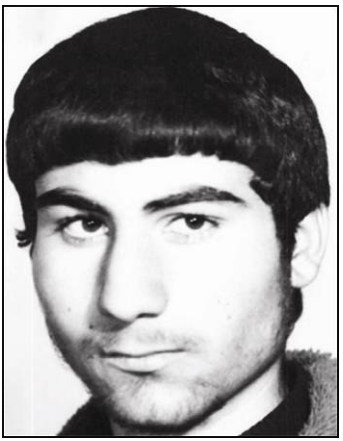

نام: **سعید**
نام خانوادگی: شهرابیان
نام پدر: جمشید
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۴۵
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هجدهم مرداد ۱۳۶۲
محل شهادت: مهران
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ای امت مسلمان! هرگز از یاد خدا غافل نباشید.
- در هیچ حال امام عزیزمان این پیر جماران را تنها نگذارید.
- همیشه برای سلامتی و طول عمر او دعا و ثنا کنید.
- در هیچ حال سنگرهای انقلاب اسلامی خصوصاً سنگر نماز جمعه را ترک نکنید.
- تنها با این نماز جمعه‌ها و نمازها است که زنده هستیم و مهم‌ترین کار و وظیفهٔ ما همین نمازها هستند.
- در هیچ زمان از جهاد در راه خدا خسته نشوید.
- شما کاری کرده‌اید که آمریکا، این ابرجنایتکار تاریخ، در مقابل شما به زانو درآمده.
- در هیچ زمان تقوا، این میراث امامانمان، را فراموش نکنید.
- در هر حال به یاد خدا باشید.

**سعید شهرابیان**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«وعد الله المؤمنین و المؤمنات جنّات تجری من تحتها الانهار خالدین فیها و مساکن[۱] طیّبة فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذلک هو الفوز العظیم»**

«خدا اهل ایمان را، از مرد و زن، وعده فرموده که در بهشت خلد ابدی که زیر درختانش نهرها جاری است درآورد و در عمارات نیکوی بهشت عدن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت، مقام رضا و خشنودی خدا را به آنان کرامت فرماید و آن به حقیقت پیروزی بزرگ است». (توبه/ ۷۲).

**«یا ایتها النّفس المطمئنة ارجعی الی ربّک راضیه مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنّتی»**

«ای روان آسوده بازگرد به‌سوی پروردگار خویش خشنود شده پس درآی در بندگانم و درآی در بهشتم» (الفجر/ ۲۶-۲۹).

ان کان دین محمد لم یستقم  الّا بقتلی[۲] فیا سیوف خذینی[۳]

«اگر دین محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) جز با کشته شدنم پابرجا نمی‌گردد، پس ای شمشیرها مرا در بر گیرید» (امام حسین(علیه السلام)).

با سلام و درود بیکران بر امام زمان(عج)، منجی انسان‌ها و آزاد کنندهٔ انسان‌های دربند و استعمار شدهٔ شرق و غرب و درهم کوبندهٔ صاحبان زور و زر روزگار، حضرت حجة ابن الحسن العسکری(عج) و سلام و درود بر نایب برحقش امام خمینی، بیدار کنندهٔ مردم ایران و مستضعفین جهان و سلام و درود بر شهیدان اسلام، به‌ویژه شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و با درود بی‌پایان بر شما امت همیشه در صحنه و شهیدپرور آزادهٔ ایران که باید بدانیم این پیروزی‌هایی که مداوم به‌دست آورده‌ایم، همه به حول و قوهٔ الهی بوده است و ما تنها جز وسیله، چیز دیگری نبوده‌ایم و شما ای امت مسلمان! هرگز از یاد خدا غافل

---

۱- در اصل وصیت «مساکین».

۲- در اصل وصیت «یقتلی».

۳- ر.ک. تعلیقات.

نباشید و در هیچ حال امام عزیزمان این پیر جماران را تنها نگذارید و همیشه برای سلامتی و طول عمر او دعا و ثنا کنید. در هیچ حال سنگرهای انقلاب اسلامی خصوصاً سنگر نماز جمعه را ترک نکنید که ما تنها با این نماز جمعه‌ها و نمازها است که زنده هستیم و مهم‌ترین کار و وظیفهٔ ما همین نمازها هستند و در هیچ زمان از جهاد در راه خدا خسته نشوید، زیرا که اجر شما با خداوند است و اجر شما را فقط خداوند منان می‌تواند بدهد. ای ملت قهرمان! شما نباید خودتان را دست کم بگیرید، زیرا شما کاری کرده‌اید که آمریکا، این ابرجنایتکار تاریخ، در مقابل شما به زانو درآمده و شما این قدرت و حرکت را مدیون خداوند متعال هستید. پس هر چه بیشتر در راه خداوند متعال بکوشید، چرا که اجر شما با خدای عزّوجل است.

در هیچ زمان تقوا، این میراث امامانمان، را فراموش نکنید و همیشه تقوا داشته باشید و در هر حال به یاد خدا باشید. از برادران و دوستانم می‌خواهم که اگر بدی از من دیده‌اند مرا ببخشند و حلال کنند. در آخر دعا می‌کنم که در این زمان که به جبهه آمدم، از خداوند قادر می‌خواهم که مرا در راه خودش به فوز عظیم شهادت برساند و این خوشبختی بزرگ را نصیب من بگرداند. شهادت من نباید باعث این شود که کسی [...][1]

**سعید شهرابیان**

---

۱- از سیاق و جملهٔ پایانی وصیت برمی‌آید که قسمتی از وصیت‌نامه افتاده باشد.



متن وصیتنامه شهید سعید شهرابیان
عضو پایگاه مقاومت سید الشهدا خیرآباد
تاریخ شهادت ۰۰ ۱۳۶۲/۵/۱۷

بسم الله الرحمن الرحیم

وعد الله المومنین والمومنات جنات تجری من تحتها الانهار و خالدین فیها و مساکین طیبه فی جنات عدن و رضوان من الله اکبر ذالک هو الفوز العظیم خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرمود که در بهشت خلد ابدی که زیر درختانش نهرها جاری است در آورد و در عمارات نیکوی بهشت عدن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت مقام رضا و خشنودی خدا را بآنان کرامت فرماید و آن بحقیقت پیروزی بزرگ است ۰ (توبه ــ ۷۲)

++++++++

یا ایتها النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی ــ ای روان آسوده باز گرد بسوی پروردگار خویش خشنود شده پس درآی در بندگانم و درآی در بهشتم ۰ (الفجر ــ ۲۶ــ۲۹)

ان کان دین محمد لم یستقم الا یقتلی فیا سیوف خذینی

اگر دین محمد (ص) جز با کشته شدنم پا بر جا نمی گردد پس ای شمشیر ها مرا در بر گیرید ۰ (امام حسین ع)

++++++++

با سلام و درود بیکران بر امام زمان منجی انسانها و آزاد کننده انسانهای دربند و استعمار شده شرق و غرب و درهم کوبنده صاحبان زور و زر روزگار حضرت حجه ابن الحسن العسکری (عج) ۰۰۰ و سلام و درود بر نایب برحقش امام خمینی بیدار کننده مردم ایران و مستضعفین جهان و اسلام و درود بر شهیدان اسلام بویژه شهیدان انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و با درود بی پایان بر شما امت همیشه در صحنه و شهید پرور آزاده ایران که باید بدانیم این پیروزیهایی که مداوم بدست آورده ایم همه به حول و قوه الهی بوده است و ما تنها جز وسیله چیز دیگری نبوده ایم و شما ای امت مسلمان هرگز از یاد خدا غافل نباشید و در هیچ حال امام عزیزمان این پیر جماران را تنها نگذارید و همیشه برای سلامتی و طول عمر او دعا و ثنا کنید ۰ در هیچ حال سنگرهای انقلاب اسلامی خصوصا سنگر نماز جمعه را ترک نکنید که ما تنها با این نماز جمعه ها و نمازها است که زنده هستیم و مهمترین کار و وظیفه ما همین نمازها هستند و در هیچ زمان از جهاد در راه خدا خسته نشوید زیرا که اجر شما با خداوند است و اجر شما را فقط خداوند منان می تواند بدهد ۰ ای ملت قهرمان شما نباید خودتان را دست کم بگیرید زیرا شما کاری کرده اید که آمریکا این ابرجنایتکار تاریخ در مقابل شما بزانو در آمده و شما این قدرت و شوکت را مدیون خداوند متعال هستید پس هر چه بیشتر در راه خداوند متعال بکوشید چرا که اجر شما با خدا عزوجل است ۰

در هیچ زمان تقوا این میراث امامانمان را فراموش نکنید و همیشه تقوا داشته باشید و در هر حال بیاد خدا باشید ۰ از برادران و دوستانم می خواهم که اگر بدی از من دیده اند مرا ببخشند و حلال کنند در آخر دعا می کنم که در این زمان که به جبهه آمدم از خداوند قادر می خواهم که مرا در راه خود شربه فوز عظیم شهادت برساند و این خوشبختی بزرگ را نصیب من بگرداند ۰ شهادت من نباید باعث این شود که کسی ۰۰۰

++++++ +++++++++++++++++

و این آخرین وداعهای شهید است و عاشقانه به دیار ابدیت پرواز نمود ۰ روحش شاد و راهش پر رهرو باد

۰۰۰۰۰۰۰ خانواده شهید ۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

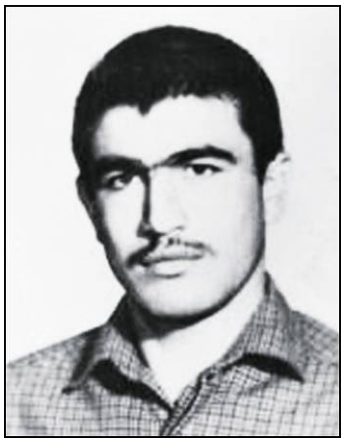

نام: **امرالله**
نام خانوادگی: شهروی
نام پدر: ولی‌الله
نام مادر: صغرا
تاریخ تولد: بیستم فروردین ۱۳۴۲
محل تولد: شهرستان سمنان
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: ام‌الرصاص عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- هدف من از آمدن به جبهه لبیک گفتن به ندای امام امت است.
- امت شهیدپرور حتی یک لحظه هم از اطاعت امام امت دست برندارید.
- به خانواده‌های شهدا احترام بگذارید.
- خواهر عزیز از شما می‌خواهم همچون فاطمه زهرا(علیهاالسلام) صبور باشید.
- هدف من از آمدن به جبهه پیروی از خون تمامی شهدای جنگ تحمیلی می‌باشد.

## امرالله شهروی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّ الذّین قالوا ربّنا الله ثم استقاموا تتنزّل علیهم الملائکة الّا تخافوا و لاتحزنوا[۱]»**
**«اشهد ان لا اله الاالله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیا ولی الله و اولاده المعصومین حجج الله و خمینی روحی له الفداء»**

با سلام و درود بر حضرت ولی عصر تنها منجی عالم بشریت و با سلام و درود بر نائب بر حقش این اسطورهٔ تقوی و قلب تپندهٔ امت حزب‌الله و بر تمام شهیدان راه حق و آزادی از کربلای حسین(علیه‌السلام) تا کربلای ایران.

امت حزب‌الله! هدف من از آمدن به جبهه لبیک گفتن به ندای امام امت و پیروی از خون تمامی شهدای جنگ تحمیلی می‌باشد. امت شهیدپرور! پیام من به شما این است که یک لحظه هم که شده دست از اطاعت امام امت این شیر جماران، [دست] برندارید و همیشه گوش به فرمان او باشید و به خانواده‌های معظم شهدا احترام بگذارید که به فرمودهٔ امام امت «خانواده‌های شهدا چشم و چراغ این ملت هستند.[۲]»

سخنی چند با مادر گرامی، مادر عزیزم! از شما خیلی معذرت می‌خواهم چون که نتوانستم زحمات شما را جبران کنم. مادرم! از شما تقاضا می‌کنم که بعد از شهادت من، گریه و زاری نکن و اگر گریه می‌کنی به خاطر امام حسین(علیه‌السلام) گریه کن و همانند فاطمه زهرا(علیهاالسلام) صبور و شکیبا باش.

برادر عزیزم! در این دورانی که با هم بودیم، اگر اخلاق تند یا بدی که از این بندهٔ حقیر دیدید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید و از شما می‌خواهم که بعد از شهادت من بیشتر به مادر عزیزم خدمت کنی، تا جای خالی مرا احساس نکند و شما ای خواهران عزیز و گرامی و تو ای خواهرم زهرا! از شما عاجزانه می‌خواهم که هم‌چون فاطمه زهرا(علیهاالسلام) صبور باشید و زیاد ناراحتی نکنید و اما تو ای خواهرم کبری! از شما هم تقاضامندم که بعد از شهادت من هم‌چون خدیجه کبری(علیهاالسلام) شکیبا و صبور باشی و زیاد گریه و زاری

---

۱- فصلت/ ۳۰. در اصل وصیت: «ان لا خوفٌ علیهم و لا هم یحزنون».
۲- صحیفه امام، ج۱۴، ص۸۰ .

نکنید و از شما برادر و خواهرانم و مادر مهربانم تمنّا می‌کنم که بعد از شهادت من گریه و زاری نکنید و اگر گریه می‌کنید به‌خاطر امام حسین(علیه‌السلام) و زینب(علیهاالسلام) و فاطمه زهرا(علیهاالسلام) گریه کنید.

(مادر و برادرم! مقدار پول و اجناسی که دارم، مقداری برای خرج مزارم و بقیه (را) هر چند که مبلغ ناچیز و ناقابلی است، تقدیم به شما مادر عزیزم می‌کنم. در ضمن مبلغ ۵۰۰۰ ریال معادل با ۵۰۰ تومان صندوق قرض‌الحسنه لاسجرد از من می‌خواهد لطفاً به او پرداخت کنید. مبلغ ۳۵۰ تومان به برادر محمدرضا شهروی (علی آقا) پرداخت کنید) و در پایان از تمامی فامیل‌ها و دوستان و آشنایان تقاضا می‌کنم که اگر بدی و یا اخلاق تندی از این بندهٔ حقیر دیدند به بزرگواری خودشان مرا ببخشند. به امید پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی.

**امرالله شهروی**

**تاریخ ۶۴/۱۱/۱۴**

در صورتی‌که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید. لاسجرد در کنار مزار دیگر شهیدان لاسجرد.

بسمه تعالی

# وصیتنامه رزمندگان

محل الصاق عکس

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ مشخصات کامل.

۲ـ هدف از آمدن به جبهه.

۳ـ پیام.

ان الذین قالوا ربنا الله ثم استقاموا تتنزل علیهم الملائکه ان لا خوف علیهم ولا هم یحزنون
اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان علیاً ولی الله و اولاده المعصومین
حجة الله و خمینی روحی له الفداء ـ با سلام و درود بر حضرت ولی عصر تنها منجی عالم بشریت
و با سلام و درود بر نائب برحقش این اسطوره تقوی و قلب تپنده است حزب الله و بر تمام
شهیدان راه حق و آزادی از کربلای حسین (ع) تا کربلای ایران ـ امت حزب الله ـ هدف من
از آمدن به جبهه لبیک گفتن به ندای امام است و پیروی از خون تمامی شهدای جنگ تحمیلی می باشد
است شهید پرور ـ پیام من به شما این است که اگر یک لحظه هم که شده دست از اطاعت امام است
این شیر جماران ـ دست برندارید و همیشه گوش بفرمان او باشید و به خانواده‌های معظم شهدا
احترام بگذارید که به فرموده امام است خانواده‌های شهدا چشم و چراغ این ملت هستند ـ
سخنی چند با مادر گرامی ـ مادر عزیزم ـ از شما خیلی معذرت می‌خواهم چونکه نتوانستم زحمات
شما را جبران کنم ـ مادرم ـ از شما تقاضا می‌کنم که بعد از شهادت من ـ گریه و زاری نکن و اگر
گریه می‌کنی به خاطر امام حسین (ع) گریه کن و همانند فاطمه زهرا صبور و شکیبا باش

صفحه ۲

برادر عزیزم - در این دورانی که با هم بودیم اگر - اخلاق تند یا بدی که از این بنده حقیر دیدید به بزرگواری خودتان مرا ببخشید - و از شما می‌خواهم که بعد از شهادت من بیشتر به مادر عزیزم خدمت کنی تا جای خالی مرا احساس نکند - و شما ای خواهران عزیز و گرامی و تو ای خواهرم زهرا - از شما عاجزانه می‌خواهم که همچون فاطمه زهرا (س) صبور باشید و زیاد ناراحتی نکنید - و اما تو ای خواهرم کبری - از شما هم تقاضامندم که بعد از شهادت من همچون خدیجه کبری (س) شکیبا و صبور باشی و زیاد گریه و زاری نکنید - و از شما برادر و خواهرانم و مادر مهربانم - تمنا می‌کنم که بعد از شهادت من گریه و زاری نکنید و اگر گریه می‌کنید بخاطر امام حسین (ع) و زینب (س) و فاطمه زهرا گریه کنید -

(مادر و برادرم - مقدار پول و اجناسی که دارم - مقداری برای خرج مزارم و بقیه هر چند که مبلغ ناچیز و ناقابلی است تقدیم به شما مادر عزیزم می‌کنم - در ضمن مبلغ ۵۰۰۰ ریال معادل با ۵۰۰ تومان صندوق قرض الحسنه لاسجرد از من می‌خواهد لطفاً به او پرداخت کنید - مبلغ ۳۵۰ تومان به برادر محمدرضا شهروی (علی آقا) پرداخت کنید) و در پایان از تمامی فامیلها و دوستان و آشنایان تقاضا می‌کنم که اگر بدی و یا اخلاق تندی از این بنده حقیر دیدند به بزرگواری خودشان مرا ببخشند - با امید پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی

یگان خدمتی : ..... گردان : .....
واحد :

تاریخ : ۱۴/۱۱/۶۴

تذکر :

امضاء : شهروی

در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید :

لاسجرد - در کنار مزار دیگر شهیدان لاسجرد -

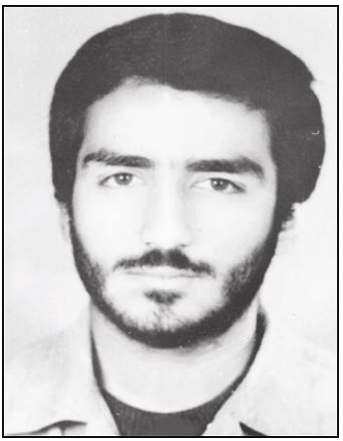

نام: **مسعود**
نام خانوادگی: شهری
نام پدر: علی‌اکبر
نام مادر: عفت
تاریخ تولد: بیست‌وششم مرداد ۱۳۴۸
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: چهارم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- جز برای رضای او، که همانا عمل به دستورات قرآن و رسولش و ولی‌امر زمان، که اکنون در چهرهٔ ولایت فقیه تبلور یافته و سرانجام امام عزیزمان، خمینی کبیر ارواحنا له الفداء، به جبهه نیامده‌ام.
- امروز هر که دعوت امام امت را لبیک نگفت، ظلم بزرگی در حق همه، مخصوصاً به خودش، کرده.
- هر که دستور امام را عمل نکند، گویا مخالفت با امام زمان(عج) کرده و قلب ایشان را به درد آورده.
- امام اکنون یگانه مرد زمان است که بهترین نمونهٔ اسلام در او خلاصه شده.
- پیمودن راه خدا و راه این نهضت اسلامی و امام را، با توکل به الله، آسان کنید.
- شهادت من بسیار کوچک‌تر از مصیبت شهادت سرورمان حسین(علیه‌السلام) می‌باشد.

**مسعود شهری**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّ الذّین لایرجون لقاءنا و رضوا[1] بالحیوة الدّنیا و اطمأنوا بها و الذّین هم عن آیاتنا غافلون اولئک مأویهم النّار بما کانوا یکسبون»[2]**

**«الحمدلله رب العالمین»**

حمد و سپاس خداوند متعال و بلند مرتبه را. شکر خدایی را که بخشنده‌ترین بخشندگان است. شکر خدای را که مهربانترین مهربانان است و شکر خدایی را که جز او پناهی نیست.

خداوند سبحان را شکر می‌کنم که بر همهٔ ما منت نهاد و رهبری این‌چنین به ما عطا کرد که بتوانیم با راهنمایی او راه حق و حقیقت و سعادت را از راه‌های باطل و شقاوت بشناسیم. خدا را شکر که با لطف خودش مرا از پیروان این امام قرار داد و خدا را شکر که در چنین شرایطی، توفیق حضور در جبهه‌های نبرد اسلام علیه کفر را به من عطا کرد و سرانجام فیضی را که به هر کسی نمی‌دهد و شهد آن را به کام هر کسی نمی‌چشاند به من بخشید و با رحمت خود [به] اعمال ناشایست و خطاهای من نگریست و از این فیض محرومم نکرد. روز موعود برای همه خواهد رسید و بالاخره زمانی سنگ اجل، شیشهٔ عمر همه را خواهد شکست و لحظهٔ فراخوانده شدن بنده از سوی پروردگار خواهد رسید. پس چه بهتر با رویی سفید با او ملاقات کنیم و در حالی به‌سوی حق راهی شویم که در راه رضای او قدمی برداشته باشیم. مگر عاقبت دنیا جز مرگ است؟ هر که مرگ را به درستی دریافت، در زندگی دنیا احتیاط خواهد کرد، تا در جهان پس از مرگ که ابدی است، سربلند باشد.

ای کسانی که دل به دنیا بسته‌اید و جز دنیا هیچ چیز را هدف قرار نمی‌دهید، مگر عاقبت کسانی را که پیش از شما این‌چنین کرده‌اند، جز اسیر شدن در دام خاک نبود؟ به خود آیید و از لطف خداوند ناامید نباشید. خداوند را شاهد می‌گیرم که در این زمان جز

---

۱- در اصل وصیت «رضو».

۲- یونس، ۷ و ۸.

برای رضای او، که همانا عمل به دستورات قرآن و رسولش و ولی‌امر زمان، که اکنون در چهرهٔ ولایت فقیه تبلور یافته و سرانجام امام عزیزمان، خمینی کبیر ارواحنا له الفداء، به جبهه نیامده‌ام و او را شکر می‌کنم که با چنین نیتی وارد این امر شدم. و امروز هر که دعوت امام امت را لبیک نگفت، ظلم بزرگی در حق همه، مخصوصاً به خودش، کرده و نیازی که یک فرد به جبهه دارد، شاید هم‌تراز با نیاز جبهه به او و یا بیشتر باشد، چرا که دستورات اسلام منطبق بر ذات انسان است و هر که دستور امام را عمل نکند، گویا مخالفت با امام زمان(عج) کرده و قلب ایشان را به درد آورده...

امام اکنون یگانه مرد زمان است که بهترین نمونهٔ اسلام در او خلاصه شده و تنها حمایت و پیروی از اوست که می‌تواند امت و انقلاب را به سرمنزل مقصود، که همان رسیدن به جامعه‌ای است که خداوند از آن راضی است و مقدمات ظهور امام زمان(عج) در آن فراهم است، برساند. پس ایشان را تنها نگذارید. و از برادرانی که مدتی با یکدیگر مشغول تحصیل بوده‌ایم و از کلیه محصلین می‌خواهم که با کوشش بیش از پیش، درس خود را ادامه دهند اما طوری نشود که درس را فقط برای درس بخواهند، بلکه درس را برای خدمتی که رضای خدا در آن است، بخواهند و در ضمن طوری نشود که درس برای آنها بت بشود و مانع از انجام تکالیفی که خداوند در درجات بالاتری از آن برای شما قرار داده شود، و در ضمن در محیط‌های آموزشی نسبت به مسائل بی‌تفاوت نباشند.

پدر و مادر عزیزم! اگر چه فرزند شایسته‌ای برای شما نبوده‌ام و نتوانسته‌ام آن‌طور که دستور داده شده نسبت به شما عمل نمایم، اما با بزرگواری خود از خطاها و اشتباه‌های من درگذرید و مرا حلال کنید و از شما می‌خواهم که مشکلات حاصله از پیمودن راه خدا و راه این نهضت اسلامی و امام را، با توکل به الله، آسان کنید و وقتی اطمینان داشتید که راهی جز رضای او نیست، دل قوی دارید که پایانش سعادت است و با گام‌هایی استوارتر از قبل به راه خود ادامه دهید. و چون شهادت معامله‌ای پرسود[ی] با خداست که هم او راضی است و هم فروشنده جان و شما نیز جز این چیزی نمی‌خواهید، دیگر اندوه و غصه‌ای نداشته باشید و خداوند بلند مرتبه را شکر بی‌نهایت کنید و همان‌گونه که مولایمان حسین(علیه‌السلام) برای انجام تکلیف امر به معروف و نهی از منکر با یزید به قتال پرداخت، من

نیز برای انجام همان امر آمده‌ام و شهادت من بسیار کوچک‌تر از مصیبت شهادت سرورمان حسین(علیه‌السلام) می‌باشد و سزاوار است که شما برای مصائب بزرگ بگریید.

پدر و مادر عزیزم! همهٔ مشکلاتی که بر ما پیش می‌آید آزمایشات الهی است و سرفراز بودن ما در این آزمایش‌ها، فقط بستگی به توکل ما به خود اوست. پس در این آزمایش نیز دل به او ببندید، تا ذره‌ای دلتان نلرزد. و در پایان از شما می‌خواهم همان‌گونه که تا به‌حال بوده در مقابل اعمال خدائی‌تان اجر بجز از او از کسی نخواهید و در برابر ناملایماتی که از سوی دیگران به شما می‌رسد، خدشه‌ای به نیت و هدفتان وارد نکنید. پدر و مادر و برادران و خواهر عزیزم! مدتی که در این دنیا با شما بوده‌ام، درس‌های فراوانی از شما آموخته‌ام، [...][1] این درس‌ها امروز داده شده و از آغوش گرم شما و با لطف خدا من به این حال رسیده‌ام. پس از این مسئله خوشحال باشید که دعاهای همهٔ ما مستجاب شده و [...][2] انشاءالله [...][3] به‌سویش فرا خوانده. و از شما طلب حلالیت می‌کنم و شما از دیگران برای من حلالیت بطلبید اگر کسی دینی به گردن من دارد، ادا کنید و از خداوند برایم طلب آمرزش کنید.

«اللهم عجل لولیک الفرج»

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

در اضافه باید بگویم که ۱۱ روز روزه قضا و ۱۵ روز نماز قضا برایم به‌جا آورید.

**بندهٔ گنهکار خداوند**

**مسعود شهری**

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الذین لا یرجون لقاءنا و رضوا بالحیوه الدنیا و اطمأنوا بها والذین هم عن اٰیاتنا غافلون اولئك مأویهم النار بما کانوا یکسبون

الحمد لله رب العالمین

حمد و سپاس خداوند متعال و بلند مرتبه را شکر خدائی را که بخشنده ترین بخشندگان است . شکر خدای را که مهربانترین مهربانان است و شکر خدائی را که جز او پناهی نیست .

خداوند سبحان را شکر میکنیم که بر همه ما منت نهاد و رهبری اینچنین به ما عطا کرد که بتوانیم با راهنمائی او راه حق و حقیقت و سعادت را از راههای باطل و شقاوت بشناسیم خدا را شکر که با لطف خودش مرا از پیروان این امام قرار داد و خدا را شکر که در چنین شرایطی توفیق حضور در جبهه های نبرد اسلام علیه کفر را به من عطا کرد و سرانجام فیضی را که به هرکسی نمیدهد و شهد آنرا به کام هرکسی نمیچشانند به من بخشید و با رحمت خود اعمال ناشایست و خطاهای من نگریست و از این فیض محرومم نکرد . روز موعود برای همه خواهد رسید و بالاخره زمانی سنگ اجل شیشه عمر همه را خواهد شکست و لحظه فرا خواندن بنده از سوی پروردگار خواهد رسید پس چه بهتر با روشی سفید با او ملاقات کنیم و در حالی بسوی حق راهی شویم که در راه رضای او قدمی برداشته باشیم مگر عاقبت دنیا جز مرگ است هرکه مرگ را بدرستی دریافت در زندگی دنیا احتیاط خواهد کرد تا در جهان پس از مرگ که ابدی است سربلند باشد

ای کسانی که دل به دنیا بسته اید و جز دنیا هیچ چیز را هدف قرار نمیدهید مگر عاقبت کسانی را که پیش از شما اینچنین کرده اند جز اسیر شدن در دام خاك نبود به خود آئید و از لطف خداوند ناامید نباشید خداوند را شاهد میگیرم که در این زمان جز برای رضای او که عملا به دستورات قرآن و رسولش و ولی امر زمان که اکنون در چهره ولایت فقیه تبلور یافته و سرانجام امام عزیزمان خمینی کبیر ارواحنا لته الفداء به جبهه نیامده ام و او را شکر میکنم که با چنین نیتی وارد این امر شدم و امروز هرکه دعوت امام امت را لبیك نگفت ظلم بزرگی در حق همه مخصوصا به خودش کرده و نیازی که یك فرد به جبهه دارد شاید هم تراز با نیاز جبهه به او و یا بیشتر باشد چرا که دستورات اسلام منطبق بر فطرت انسان است و هرکه دستور امام را عمل نکند گویا مخالفت با امام زمان (عج) کرده و قلب ایشان را بدرد آورده ....

مسلم اکنون بگانه مسئول زمان است که بهترین نمونه اسلام
و تشنه حمایت و پیروی از اوست که میتواند امت و انقلاب را
که همان رسیدن به جامعه‌ای است که خداوند از آن راضی است و
زمان (عج) در آن فراهم است سرانند پیرایشان را تنها نگذا
که صدتی با یکدیگر مشغول بتحصیل بوده‌ام و از کلیه ما
کوشش بیش از پیش درس خود را ادامه دهند اما طوری نشود که در
بخواهند بلکه درس را برای خدمتی که رضای خدا در آن است با
نشود که درس برای آنها بت بشود و مانع از انجام تکال
با لاتری از آن برای شما قرار داده شود و در ضمن در محیطها
می تفاوت نباشید.

پدر و مادر عزیزم اگر چه فرزند شایسته‌ای برای شما نبود
که دستور داده شده نسبت به شما عمل نمایم اما با بزرگواری خو
من درگذرید و مرا حلال کنید و از شما میخواهم که مشکلات
خدا و راه این شهضت اسلامی و امام را با توکل به الله آ
نگذارید که راهی جز رضای او نیست دل قوی دارید که با یا
گامهایش استوارتر از قبل به راه خود ادامه دهید و چون شهدا
با خداست که هم او راضی است و هم فرو شنده جان و شما نیز
دیگر اندوه و غصه‌ای نداشته باشید و خداوند بلند مرتبه را
همانگونه که مولایمان حسین (ع) برای انجام تکلیف امر به
با یزید به قتال برداخت من نیز برای انجام همان امر آمده
کوچکتر از مصیبت شهادت سرورمان حسین (ع) میباشد و سزاوار
بزرگ بگریند.

پدر و مادر عزیزم همه مشکلاتی که برما پیش می آید آزمایشا
بودن ما در این آزمایشها فقط بستگی به توکل ما به خداوند
دل به او ببندید تا ذره‌ای دلتان نلرزد. و در پایان از شما
تا بحال بوده در مقابل اعمال خدا شیطان اجر بجز از او از کی
نا ملایماتی که از سوی دیگران به شما میرسد خشنود باشید و
و مادر و برادران و خواهر عزیزم هدفی که در این دنیا با
فراوانی از شما آموخته‌ام نخواهم درسهای امروز داده شده
لطف خدا من به این حال رسیده‌ام پس از این مسئله خوشحال با
مستجاب شده و بخاطر اینکه اهلش بسوی خدا فرا خوانده

در او خلاصه شده
به سرمنزل مقصود
مقدمات ظهور امام.
رید و از برادرانی
خصلتین میخواهم که با
را فقط برای درین
خواهند و درضمن طوری
طی که خداوند درجات
ی آموزشی نسبت به مسائل

ام و نتوانسته‌ام آنطور
د از خطاها و اشتباهای
حاضر از پیمودن راه
سان کنید و وقتی اطمینا
ش سعادت است و بسا
ت مسئله‌ای پر سود ی
ز این چیزی نمیخواهید
شکر بیمنهایت کنید و
عروف و نهی از منکر
ام و شهادت من بسیار
است که شما برای مصائب

میکنم و شما از دیگران برای من حلالیت بطلبید اگر کسی دینی به گردن من دارد ادا کند و از خداوند برایم طلب آمرزش کنید

اللهم عجل لولیک الفرج

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

در اضافه باید بگویم که ۱۱روز روزه قضا و ۱۵ روز نماز قضا برایم بجا آورید

بنده گنهکار خداوند
مسعود شهری

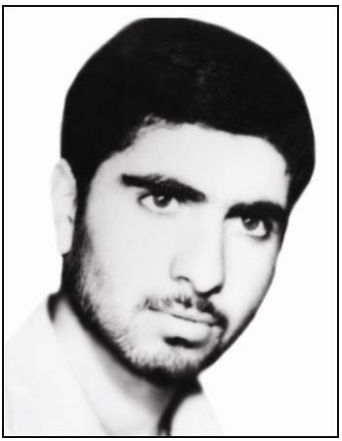

نام: **حسین**
نام خانوادگی: شهریاری
نام پدر: عباس
نام مادر: زهرا
تاریخ تولد: پنجم مرداد ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان مهدیشهر
تحصیلات: بیسواد
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ویکم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای روستای زیارت از توابع زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- راهیان کربلا می‌روند تا به دشمن خصم زبون بفهمانند ما تا آخرین قطرهٔ خون‌هامان می‌جنگیم.
- ما مثل کوفیان نیستیم که حسین(علیه‌السلام) رادر صحرای کربلا تنها گذاشتند. ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند.
- وظیفهٔ هر مسلمان است که در راه خدا خدمت کند.
- پس چه بهتر که انسان در راه خدا جهاد کند و بجنگد و در راه خدا شهید شود.
- حضور در جبهه را برای خود واجب بدانید.
- بروید سنگرها را پر کنید که این دشمنان اسلام نگویند ایران از جنگ خسته شده است.
- نیت‌های خود را خالص کنید.
- پیرو ولایت علی بن ابیطالب(علیه‌السلام) و فرزندانش باشید و از آنها دست برندارید.
- از امت شهیدپرور می‌خواهم به نماز جمعه‌ها بیشتر اهمیت بدهند.
- دعا به جان امام را فراموش نکنید.

## حسین شهریاری

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد ان لا اله الا الله و اشهد انّ محمداً رسول الله و اشهد انّ علیاً ولی الله»

برادر عزیز! اگر من و تو از این صحنه عقب بنشینیم، فردا در مقابل خون شهیدان هیچ‌گونه جوابی نداریم. وصیت‌نامهٔ بندهٔ خدا حسین شهریاری.

با سلام و درود بر رهبر کبیر انقلاب اسلامی ایران، خمینی کبیر و درود به روان پاک شهدای راه حق و حقیقت و با درود و سلام به تمامی ایثارگران راه حسین(علیه‌السلام) که واقعاً این رزمندگان اسلام پیروان حسین(علیه‌السلام) هستند و خط سرخ شهادت حسین(علیه‌السلام) را ادامه می‌دهند و اینها هستند که با استقامت خود ضربه‌ای بر قلب دشمن زبون می‌زنند و می‌روند تا راه بستهٔ شهید کربلا حسین(علیه‌السلام) را باز کنند و می‌روند تا انتقام خون شهیدان را از صدام و صدامیان کافر گیرند.

این راهیان کربلا می‌روند تا به دشمن خصم زبون بفهمانند ما تا آخرین قطرهٔ خون‌هامان می‌جنگیم و حتی اجازه نخواهیم داد که یک وجب از خاک سرزمین ما به‌دست دشمن اسلام باشد و ما مثل کوفیان[1] نیستیم که حسین(علیه‌السلام) رادر صحرای کربلا تنها گذاشتند. ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند. ای امام عزیز ما با تو پیمان می‌بندیم تا آخرین قطره قطره خون که در بدن داریم، در راه اسلام و قرآن دفاع خواهیم کرد و تا کربلا [را] نگیریم از جبهه برنگردیم.

من برای این به جبهه آمدم که وظیفهٔ الهی است که برای خدا خدمتی کرده باشم، وظیفهٔ هر مسلمان [است] که در راه خدا خدمت کند. ممکن است مرگ در حالت عادی و هر موقع که بشود به‌سراغ انسان بیاید. پس چه بهتر که انسان در راه خدا جهاد کند و بجنگد و در راه خدا شهید شود. حضور در جبهه را برای خود واجب بدانید که جبهه‌ها احتیاج به نیرو دارد. و در عظمت و سخنان این رهبر بزرگ عزیزمان بیشتر دقیق شوید و می‌دانید که امام عزیزمان فرمود امسال سال پیروزی است و فرمودند «رفتن به جبهه از اهم واجبات

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

الهی است»[۱] و تا آنجایی که جبهه‌ها احتیاج به نیرو دارد تا [...][۲] می‌توانید بروید جبهه‌ها را پر کنید، بروید سنگرها را پر کنید که این دشمنان اسلام نگویند ایران از جنگ خسته شده است و دیگر نیرو ندارد به جبهه بفرستد. پشت جبهه‌ها را محکم کنید و باید سخنان امام [را] با دادن جان تأیید کنید، چون ما سال‌ها بوده که مرده بودیم و او بود که ما را زنده کرد و ما خود را کاملاً تسلیم امام بدانیم، چون او اگر سیلی به آمریکا می‌زند، با اتکال به الله و پشتوانهٔ شماست. نیت‌های خود را خالص کنید، چون خلوص از ارکان ایمان است. اگر نیت برای غیر خدا باشد، هیچ‌کاری ارزش ندارد و شما مردم پیرو ولایت علی بن ابیطالب و فرزندانش باشید و از آنها دست برندارید و امروز پیروان این خاندان، یعنی علماء دین و به‌خصوص امام عزیزمان می‌باشند [...][۳].

تو ای پدر بزرگوار! همیشه مثل یک خدامرد، تحمل تمام سختی‌ها را داشته باش که پیش پروردگارت روسفید خواهی شد. ای پدر بزرگوار! من بر وجودت افتخار می‌کنم که از اول کودکی به ما نماز و قرآن یاد دادی از امامان و پیامبران برای ما می‌گفتی، ای پدر عزیزم من از تو تشکر می‌کنم که تا به‌حال از رفتنم به جبهه جلوگیری نکردی و از امت شهیدپرور می‌خواهم به نماز جمعه‌ها بیشتر اهمیت بدهند و دعا به جان امام را فراموش نکنند واز کلیه دوستان و آشنایان و برادران خود طلب حلالیت می‌نمایم و از پدر و برادرانم طلب بخشش می‌کنم و امیدوارم شهادت در راه خدا انشاءالله شما را شاد کرده باشد. چیزی باارزش از خود باقی نگذاشتم که قابل بیان باشد. مالی از خود ندارم، آنچه که هست مال مستحقان می‌باشد.

**«والسلام»**

**۶۵/۹/۲۹**

**حسین شهریاری**

---

۱- امام خمینی در احکام فقهی جنگ و دفاع در پاسخ استفتاء شرعی مبنی بر وجوب شرکت و رفتن به جبهه چنین پاسخ داده‌اند: «دفع دشمن متجاوز بر تمام مسلمین واجب کفایی است». ص۴- ۱۵۳، تبیان دفتر ۲۴، (جنگ و دفاع در اندیشهٔ امام خمینی).

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

بسمه تعالی



متن وصیتنامه شهید حسین شهریاری :

" اشهدان لااله الاالله واشهدان محمدرسول الله واشهدان علیا " ولی الله " .

برادرعزیزاگرمن وتوازاین صحنه عقب بنشینیم فردادرمقابل خون شهیدان نمیچگونه جوابی نداریم . وصیتنامه بنده خداحسین شهریاری باسلام ودرودبرسربکبیرانقلاب اسلامی ایران خمینی کبیرودرودبرروان پاک شهدای راه حق وحقیقت وبادرودوسلام به تمامی ایثارگران راه حسین که واقعا " این رزمندگان اسلام پیروان حسین هستندوخط سرخ شهادت حسین ( ع ) راادامه میدهند. اینها هستندکه بااستقامت خودشربه ای برقلب دشمن زبون میزنندومیروندتاراه بسته شهیدکربلا حسین رابازکنندومیروندتاانتقام خون شهیدان راازعدام وصدامیان کافرگیرندواین راعیان کربلا میروندتابدشمن خصم زبون بفهمانندتاآخرین قطره خون ما مان می جنگیم وحتی اجازه نخواهیم دادکه یك وجب ازخاك سرزمین مابدست دشمن اسلام باشدومامثل کوفیان نیستیم که حسین ( ع ) راوسحرای کربلا تنهاگذاشتندما اهل کوفه نیستیم امام تنهابماند . ای امام عزیزمابا توپیمان می بندیم تاآخرین قطره خون که دربدن داریم درراه اسلام و قرآن دفاع خواهیم کردوتاکربلا نگیریم ازپیمه برنگردیم من براین به جبهه آمدم که وظیفه الهی است که برای خدا - خدمتی کرده باشم وظیفه هرمسلمان که درراه خداخدمت کندممکن است سربدرحالت عادی وموقع که بشودبسراغ انسان بیاید پس چه بهترکه انسان درراه خداجهادکند بجنگدودراه خداشهیدشودحشوردرجبهه رابرای خریداجب بدانیدکه جبهه نیا - احتیاج به نیرودارد،دور عظمت رستمان این رهبربزرگ عزیزمان بیشتردقیق شویدومیدانیدکه امام عزیزمان فرموداسال سال پیروزی است وفرمودندرفتن به جبهه ازاهم واجبات الهی است وتاآنجایی که جبهه احتیاج به نیرودارد تا - میتوانیدبرویدجبهه مارابرکنیدبرویدسنگر مراپرکنیدکه این دشمنان اسلام نگویندایران ازجنگ خسته شده است ودیگرنیرو ندارد به جبهه بفرستدپشت جبهه مارامحکم کنیدوبایدسربازان امام بادادن جان تائیدکنیدچون ماسالهابوده که مرده بودیم واوبودکه مارازنده کرد وما خودرا کاملا" تسلیم امام بدانیم چون اگرسیلی به آمریکامیزندبااتکال به الله و - بشتوانه شماست نیتهای خودراخالص کنیدچون خلوص ازارکان ایمان است اگرنیت برای غیرخدابا شد هیچکاری ارزش ندارد وشمامردم پیروولایت علی بن ابیطالب وفرزندانش باشیدوازآنهاست برندارید وامروزپیروارث این خاندان یعنی علماء دین وبخصوص امام عزیزمان - پدرشهید - خودرا برای پدربزرگوارمیشه مثل یك مرد تحمل تمام سختی هارا داشته باش - که پیش پروردگارت روسفیدخواهی شدان پدربزرگوارمن بهرصورت راخواهشارمیکنم که ازاول کودکی پیانماز رقرآن یاددادی رشد ازاماماوپیامبران برای ما میگذری ای پدرعزیزم من ازتوتشکرمیکنم که تابحال از راه جبهه جلوگیری نکردی و ازاست میدپرورمیخواهم بنمازجمعه هابیشتراهمیت بدهندوبه بیان امام رافراموش نکنندوازکلیه دوستان وآشنایان و برادران خودطلب حلالیت مینمایم وازپدربرادرانم طلب بخشش میکنم وامیدوارم شهادت درراه خداانشاء الله نصیبم گردد باشدچیزی باارزش ازخودباقی نگذاشتم که قابل بیان باشدهمین ازخردندارم آنچه که هست مال مستحقان میباشد .

والسلام" : ۶۵/۹/۲۹ : حسین شهریاری

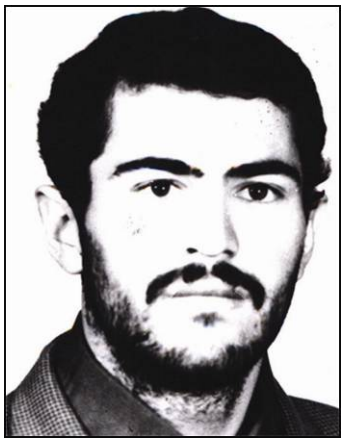

نام: **محمدعلی**
نام خانوادگی: شهسواری
نام پدر: بابا
نام مادر: امLیلا
تاریخ تولد: بیست‌ودوم اردیبهشت ۱۳۴۳
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم دی ۱۳۶۵
محل شهادت: شلمچه
نحوهٔ شهادت: –
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- سپاس خدایی که توفیق یافتم در راه مبارزه حق علیه باطل شرکت نمایم.
- دشمن بداند هیچ موقع سنگرها خالی نمی‌ماند.
- خداوندا! تو را به یگانگی‌ات سوگند، شهادت در راه اسلام را نصیبم کن.
- پیروز باد اسلام و نابود باد دشمنان اسلام
- درود بی‌پایان بر امام بزرگوار، امام خمینی.
- اگر من شهید شدم مبادا در امر انقلاب کوتاهی کنید.

## محمدعلی شهسواری

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّ الذّین امنوا والذّین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت‌الله و الله غفور رحیم»**[۱]

«همانا کسانی که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا اینان امیدوارند به رحمت خدا و خداوند غفور و مهربان است».

«اشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک له و اشهد انّ محمّداً عبده و رسوله»

اینجانب محمدعلی شهسواری، فرزند میرزا، پیام به ملت سلحشور و قهرمان ایران و حمد و سپاس خدایی که توفیق یافتم در راه مبارزه حق علیه باطل شرکت نمایم و آنچه را که دارم، در طبق اخلاص نهاده تقدیم ایزد منان نماییم و آنچه را که امام حسین(علیه‌السلام) [و] یاران باوفایش و تمامی رزمندگان سلحشور صدر اسلام، پروانه‌وار دور آن می‌گشتند، من هم آن را بازیابم، یعنی شهادت در راه خدا. آیا کسی به خود اجازه می‌دهد به چشم خود ببیند جنایتکاران و متجاوزان دست به‌سوی نابودی اسلام و کشور اسلامی و قصد نابودی آن را داشته باشند [و] سکوت اختیار کند؟ من اکنون می‌روم که با خدایم ملاقات کنم. می‌روم تا آتشی [را که] در درونم شعله‌ور شده، خاموش نمایم. من هم‌اکنون به‌سوی سنگر خالی هم‌رزمم می‌روم. به‌سوی خانهٔ باصفای جبهه جنگ پرواز می‌کنم که دشمن بداند هیچ موقع سنگرها خالی نمی‌ماند. اما باید از رهبرم و امامم، رهبر عظیم‌الشأن قدردانی کنم که مرا از همه سیاه‌چال‌ها و گرداب‌های روزگار که به‌سوی پرتگاهی روانه بودم، نجاتم داد. خداوندا! تو را به یگانگی‌ات سوگند، شهادت در راه اسلام را نصیبم کن، گناهانم را ببخش و مرا در صف شهدا قرار بده. بارالها! قدری به من عنایت کن و لطفی بفرما تا در آخرین لحظات عمر، نام تو را بر زبان داشته باشم. سپاس خداوند بزرگ را که به من عنایت فرمود

---

۱- بقره/ ۲۱۸.

که جانم را نثار اسلام نمایم. پیروز باد اسلام و نابود باد دشمنان اسلام و [...][1] و درود بی‌پایان بر امام بزرگوار، [...][2].

چند جمله‌ای برای خانوادهٔ عزیز و [...][3] عرض می‌کنم:

امیدوارم سلام گرم مرا بپذیرید. مادر جان! اگر مرا ندیدی حلالم کن خود بهتر می‌دانی که من از اوائل انقلاب عظیم اسلامی در تمامی موارد و صحنه‌های آن شرکت داشتم و تصمیم داشتم که سهمی در پیشبرد آن ایفا نمایم. مادر جان بعد از شنیدن خبر مرگ من اشک نریز، چون امام بزرگوار در سوگ فرزند خود اشک نریخت، چون می‌دانست که رضای خداوند در این امر می‌باشد. مادر جان مرگ من در راه اسلام و قرآن، شاید انقلابی و دگرگونی در جوانان به‌وجود آورد. برادران عزیزم! اگر من شهید شدم مبادا در امر انقلاب کوتاهی کنید. زیرا شما مسئول خون من و دیگر شهدا می‌باشید. اسلحهٔ مرا در دست بگیرید، با دشمنان اسلام و مسلمین به مبارزه برخیزید. اگر من شما را ناراحت و اذیت کردم، عذرخواهی می‌کنم، مرا حلال کنید. برادر عزیزم اصغر! شما وصی من می‌باشید. امیدوارم سفارشاتی که به‌عنوان وصیت بیان کردم انجام بدهی. یک ماه برای من روزه بگیر، برای من یک ماه نماز بخوان.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

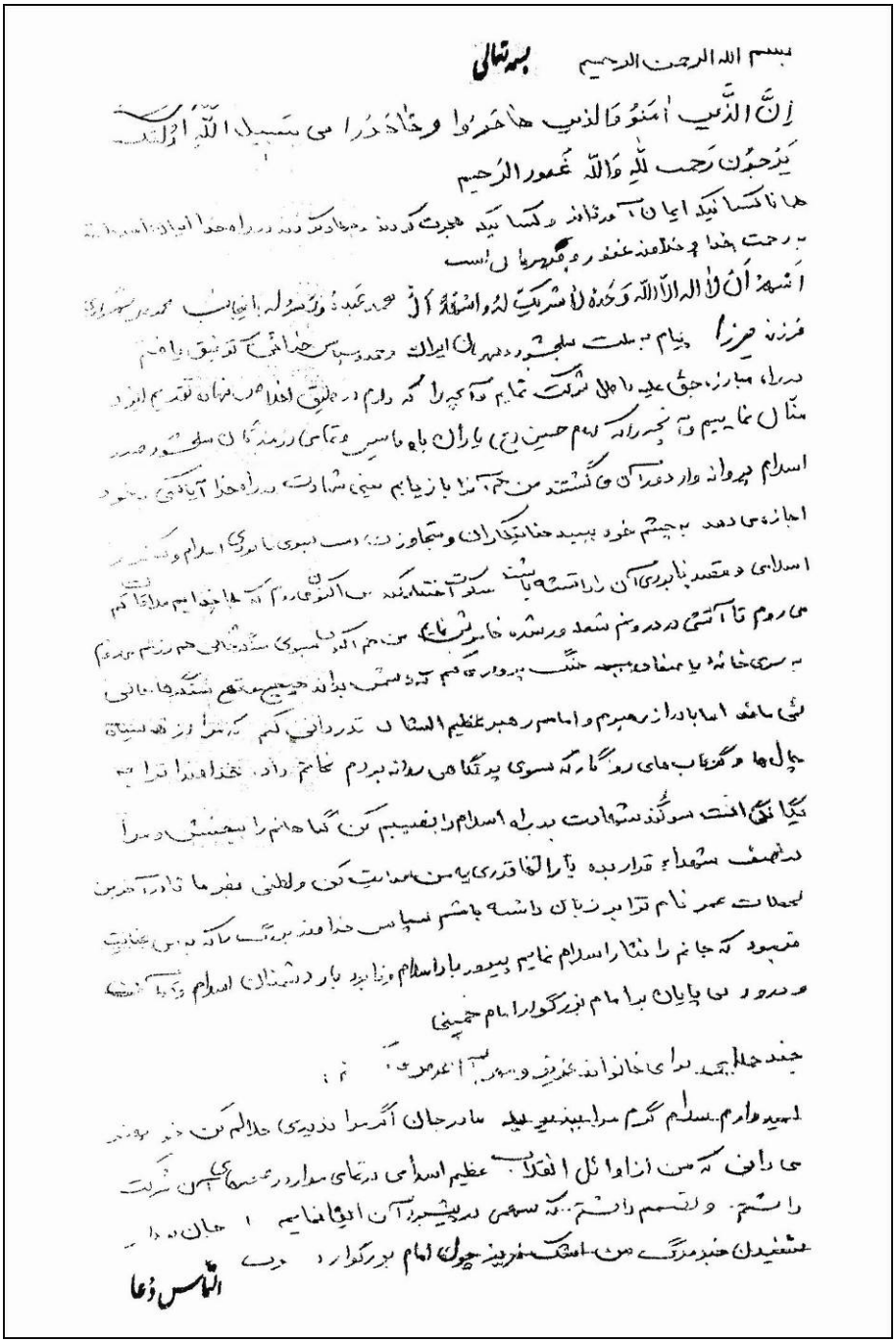

بسم الله الرحمن الرحیم بسه تعالی

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ
يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

ها نا کسانید ایمان آورنادند و کسانید هجرت کردند و جهاد کردند در راه خدا ایشان امیدوارند
به رحمت خدا و خداوند غفور و مهربان است

اشهد أن لا اله الا الله وحده لا شريك له واشهد أن محمدا عبده ورسوله با نجابت محمد شهریار
فرزند میرزا ویام به سلامت سلحشور دهیران ایران و محمد پس خدا نصرت کند تو را و یارانم
در راه مبارزه حق علیه باطل شرکت نمایم و آنچه را که وظیفه خود میدانم انجام دهم
متذکر نمایم و آنچه را که امام حسین (ع) یاران باوفا سیاسی و تمامی رزمندگان اسلام شهید
اسلام پیروانه وار در دفاع از کشور من جنگیدند من هم آمدم تا بازیابم سنن شهادت در راه خدا آیا قادر خواهد
اجازه می دهد به چشم خود ببیند خائنان و متجاوزین دست اجنبی را از اسلام و کشور
اسلامی و مقدسات بازدارد آن را تا شاه بازگشت سعادت احتمالی کند من آنچه در توان داشتم انجام دادم
می روم تا آتشی در درونم شعله ور شده خاموش نشود من هم آنچه را که سیدالشهدا هم رزمندگان
در سنگر خانه یا میهن و بچه جنگ پرورش دادند هیچ چیز مانع شنگدلها نشود
نمی ماند اما با دارا رهبرم و امامم رهبر عظیم الشان تو را در قلبم نگه میدارم
چال ها و گرداب های روزگار که سوی پرتگاهی روانه بردم خاتم داد خدا را شکر
نگرانی است سوگند شهادت در راه اسلام را بفهمیم کن گناهانم را ببخشد و مرا
در صف شهداء قرار بده یارا تا قادری به من عنایت کن و لطفی فرما تا آخرین
لحظات عمر نام ترا بر زبان داشته باشم سپاس خداوند بزرگ را که به من عنایت
فرمود که جانم را نثار اسلام نمایم پیروز باد اسلام و نابود باد دشمنان اسلام و نابود باد
درود بی پایان بر امام بزرگوار امام خمینی

چند جمله برای خانواده عزیز و همسر آینده ام:

امیدوارم سلام گرم مرا بپذیرید مادر جان اگر مرا ندیدی ملالم کن خدا بهتر
می داند که من از اوائل انقلاب عظیم اسلامی در تمای سازندگی جمهوری اسلامی شرکت
داشتم و قسم یاد کنم که سعی در پیشبرد آن انجام میدادم ایمان داشتم
بشنیدن خبر مرگ من اشک نریزید چون امام بزرگوار ما

التماس دعا

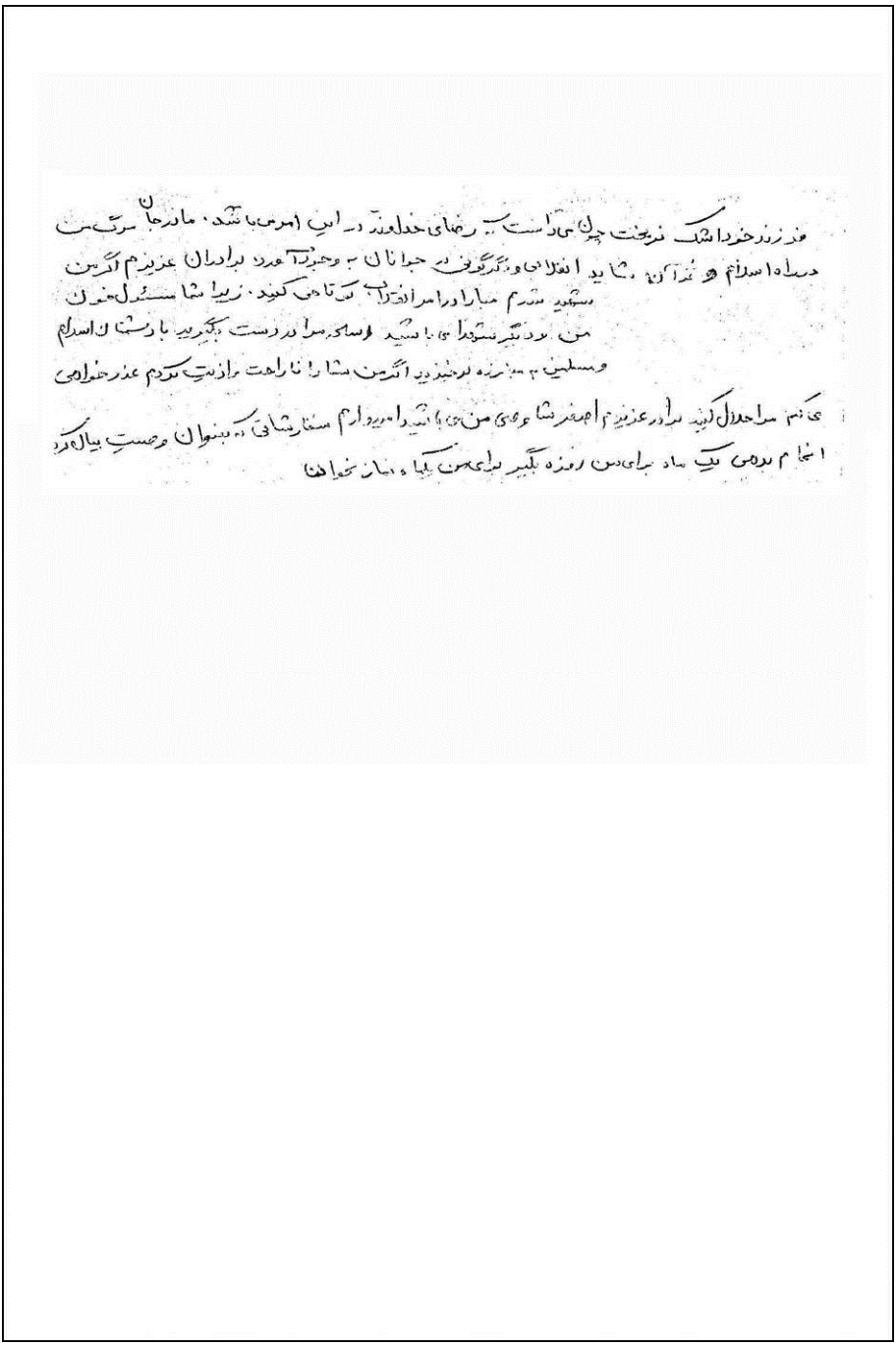

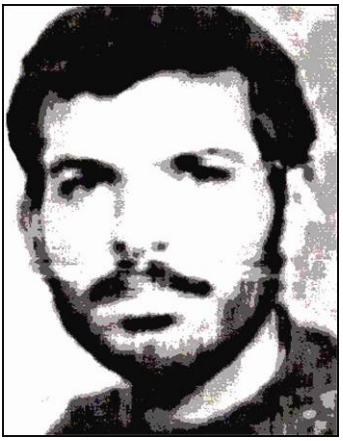

نام: **رضا**
نام خانوادگی: شهنما
نام پدر: محمد
نام مادر: طیبه
تاریخ تولد: سیزدهم دی ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴
محل شهادت: فاو عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- ما که دین خود را اسلام قرار داده‌ایم، می‌بایست دنباله‌روی از آن مرجع عالی‌قدر بکنیم.
- اسلام مکتبی است که هرگز از بین نمی‌رود، همان‌طور که قرآن آیاتش همیشه تازه و جدید است.
- درود بر شهیدان که عاشقانه ندای حق را لبیک گفتند و امام را تنها نگذاشتند.
- الآن اسلحه نمی‌جنگد، این نور قرآن و ایمان است که کفر را از بین می‌برد.
- حزب خدا را جایگزین گروه‌ها و گروهک‌ها کنید.
- اسلام و مسلمین احتیاج به همهٔ امت حزب‌الله دارند.
- هر کسی لیاقت شهادت را ندارد.

## رضا شهنما

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«فلیقاتل فی سبیل الله الذّین یشرون الحیوة الدّنیا بالاخرة و من یقاتل فی سبیل الله فیقتل او یغلب فسوف نؤتیه اجراً عظیماً»**[۱]

«مؤمنان باید در راه خدا با آنان که حیات مادی دنیا را بر آخرت گزیدند جهاد کنند و هر کسی در جهاد راه خدا کشته شود یا فانی گردد، زود باشد که او را اجری عظیم دهیم».

سلام علیکم: با درود و سلام بر روح‌بخش عالم، زنده کنندهٔ هستی، گردانندهٔ جهان هستی و بر پیغمبران و ائمه(علیهم‌السلام) و حضرت صاحب امام زمان(عج) و خورشید تابنده و همیشه فروزان، نایب بر حقش، امام بت‌شکن، رهبر مستضعفان جهان و شهدای اسلام معلولین و مجروحین، اسرا، مفقودین، جانبازان، رزمندگان پرتوان و خانوادهٔ آن عزیزان و شما امت شهیدپرور و خانوادهٔ عزیزم، باشد که خداوند عنایتی به ما کند، چرا اینکه [...][۲] انقلاب جنگ که از زمان ظهور اسلام بوده و هست و مسئولیت حرکت آدم به عهدهٔ فرستادگان و منصوب[۳] شدگان از طرف خود بوده و بعد از پیامبران و ائمه و غیبت امام عصر(عج)، نیابت آن به روح خدا، خمینی داده شده و ما که دین خود را اسلام قرار داده‌ایم، می‌بایست دنباله‌روی از آن مرجع عالی‌قدر بکنیم. ندای او ندای حق است. اسلام مکتبی که هرگز از بین نمی‌رود، همان‌طور که قرآن آیاتش همیشه تازه و جدید است، یعنی شما هر وقت آن را تلاوت می‌کنید می‌بینید که با این زمان مغایرت دارد. مثلاً کربلا و حماسه‌های آن در ایران اسلامی تکرار شده [...][۴] و عشق به خدا، حتی به جرأت بگویم، بیشتر از آن زمان است. الآن اسلحه نمی‌جنگد، این نور قرآن و ایمان است که کفر را از بین می‌برد. مثلاً شما بیایید در پیش‌روی یک کافر قرآن تلاوت کنید، ببینید چه حالی به او دست می‌دهد.

این حقیر کوچک‌تر از آنم که بخواهم کلامی بگویم، فقط به حکم وظیفه این کار را

---

۱- نساء/ ۷۴.

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «منسوب».

۴- خوانا نیست.

می‌کنم. سلام و درود بر شهیدان که عاشقانه ندای حق را لبیک گفتند [و] امام را تنها نگذاشتند. خلوصشان زمین را حرکت می‌دهد، نگاهشان آفتاب را محو می‌کند، درخشش خونشان آفتاب را شرمنده می‌سازد و قدم‌هایشان لرزه بر اندام کافران کاخ‌نشین[۱] می‌اندازد. چهره‌هایشان شب را روشن می‌کند، در کلامشان صفا و صمیمت است، رفتار و کردارشان عاشقانه است، محبتشان برادرانه است، امیدشان رسیدن به کمال (شهادت) است. آری عاشقان خدا این‌گونه هستند. این‌طور رفتند، باشد که جای آنها در بهشت برین و در صف مجاهدین. به امت سلحشور و همیشه در صحنه بگویم که روحانیت در [...][۲] یاری کنند. امام را تنها نگذارند. جبهه‌ها را پر کنند و اجازه ندهند منافقین[۳] از کفار بدتر در ارگان‌ها و ادارات ما پر و بال بگیرند. حزب خدا را جایگزین گروه‌ها و گروهک‌ها کنید. اسلام و مسلمین احتیاج به همهٔ امت حزب‌الله دارند. باشد که ادامه دهید راه شهدا را، چرا اینکه شهدا با خونشان زنده کردند اسلام را. این حقیر گناهکار نمی‌دانم در پیشگاه خدا چه بگویم. چیزی ندارد. شماها که هستید بردارید توشه با عبادات خود، با حضور خود در جبهه، با ایثار جان، با دادن خون در راه دین و مکتب. از همه شماها که این مطلب را می‌شنوید، می‌خواهم که مرا ببخشید و در آخرت شفاعت کنید مرا.

«بسم الله الرحمن الرحیم، اللهم اهدنی من عندک، و افض علیّ من فضلک وانشر علیّ من رحمتک و انزل علیّ من برکاتک»

بارالها! همهٔ مسلمین را پیروزی نهایی برسان، رزمندگان را در جبهه‌ها[ی] نبرد پیروزشان بدار، امام امت را از شر بلیات مصون و محفوظ بدار، ظهور امام زمان(عج) را نزدیک کن.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

به امید زیارت کربلای حسین(علیه‌السلام)

**رضا شهنما**

---

۱- در اصل وصیت «نشینان».

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک. تعلیقات.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

سلام و درود به خانوادهٔ عزیز و محترم. امیدوارم این حقیر را ببخشید و در این دوران که به‌دست شما پرورش پیدا کردم[۱] و بزرگ شدم و با راهنمایی‌های شما اینجا [...][۲] می‌کنم و بدانید که خداوند هم از شما راضی است و من به شما افتخار می‌کنم که بعد از همهٔ ناراحتی‌هایی که شما تحمل کردید آرزو [...][۳] برای خودم کسی بشوم و امیدوارم که به آرزویتان رسیده باشید. چون هر کسی لیاقت شهادت را ندارد. اگر من شهید شدم بدانید باعث [...][۴] شما، به‌هر حال بقیه خانواده امیدوارم مرا به بزرگی خود حلال کنند. در ضمن برای اینکه وظیفه ایجاب می‌کند می‌گویم که مبلغ ۵۰۰۰ ریال به برادر حسین حلوائی بدهید و به او بگویید[۵] که برای ناصر فرقانی که در مشهد ساکن است بفرستد)

دیگر اینکه هر چیزی که به نام من در خانه هست، از پول گرفته تا اسباب و اثاثیه، همه در اختیار پدر و مادرم باشد و بهتر است که از مقدار پول کمک به جبهه و مستضعفین یادتان نرود.

در آخر از خداوند منان آرزوی سلامت و سعادت برای شما دارم به امید باز شدن راه کربلا و ظهور امام زمان(عج)

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**حقیر رضا شهنما**

نام: رضا، نام خانوادگی: شهنما، نام پدر: محمد، آدرس: شاهرود خیابان ۱۵ خرداد کوچه قلعه سنگ پلاک ۱/۲۱

---

۱- در اصل وصیت «کردن».

۲- خوانا نیست.

۳- چند کلمه خوانده نمی‌شود.

۴- دو کلمه خوانده نمی‌شود.

۵- در اصل وصیت »بگوئید«.



بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

(مسلمانان با هر دو دست خود با آنان که دعوت شما را برای آخرت رد کنند و به جهاد کنندگان در راه خدا حمله کنند پیروزی و غلبه نصیب شما خواهد گردید و خدا آنان را در هم خواهد شکست)

سلام علیکم: ما درود و سلام مردم وحشی عالم زنده کننده حق، نگردانندهٔ حق است و درود پیغمبران و آله (ع) و حضرت صاحب امر امام زمان (عج) و خمینی نایب برحق امام بت شکن دهر دستگیر مستضعفان جهان و شهدای راه اسلام معلولین دهر جهت امر مقدس جانبازان رزمندگان پرتوان و خانواده آن عزیزان و شهادت شهید پرور و خانواده عزیزم باشد که خداوند عنایتی بما کند تا آنکه برده: انقلاب جنگ که از زبان ظهور اسلام بوده و هست و مسئولیت قرار آن به عهده فرستادگان و مسئولین از طرف خدا بوده و هست پیامبران و ائمه و نیابت امام عصر (ع) غایت آن به روح خدا خمینی داده شده و ما که در این خط قرار داریم می بایست وظائف ما را که مرجع عالیقدر ایکنیم ندای او ندای حق است اسلام میگوید که هر گز از این سنگر و راه ها نخورد قرآن آباتش همیشه تازه و درد است یعنی شما هر وقت آنرا تلاوت میکنید می بینید که با این زمان سنخیت دارد مثلاً کربلا و حماسه های آن در ایران اسلامی تکرار شده شور و عشق بوجود آمده به جرأت میگویم بیشتر از آن زمان است الان آن اسلام ناب فشگذار این نور قرآن و ایمان است که کفر الخبیث را بر دمنقار شما بیاید در پیش روی یک کافر قرآن تلاوت کنید ببینید چه حالی به او دست می دهد

این حقیر که قبلاً زاده ام که بتواند به شما بگویم عقیده تان و وظیفه این کار را برای شما کنم سلام و درود بر شهیدان که با شعار دادن حق را قبیل گفتند اسلام را تنها گذاشتند خدا شان رحمت کند با آرزوی سرفرازی و رستگاری شان آفتاب را محو می کنند و نخشش خورشان آفتاب را شرمنده می سازد و عده ای شان مزده بدادند کامران کسانی شان و اندازه چهره های شان شب را روشن می کند در کلاشان صفا و صمیمیت است و فادار و کرداشان اشعاره است همتشان برادر است امیدشان رسیدن به کمال (شهادت) است آدی عاشقان خدا اینگونه هستند اینطور رفتند باشد که جای کنار در بهشت برین کنار صف مجاهدین ... است سلام شور و همیشه روحیه بگوییم که و حمایت و حمایت از حزب یاری کنند امام را تنها نگذارند جبهه ها را پر کنند و اجازه ندهند منافقین از کفار بدتر در ارتکاب جنایات ما پیروز باشیم

حزب خدا را جای گزین گروهک کنید اسلام و مسلمین احتیاج به وحدت حزب دارند باشد که ادامه دهنده راه شهدا را. چرا که شهدا با خونشان زنده کردن اسلام را - این حقیر گناهکار من دامن در پیشگاه خدا چه بگویم چیزی ندارم شما که هستید برادر توشه با عبادات خود با حضور قلب در جبهه با ایثار جان با دادن خون در راه دین و مکتب از شما که این مطلب را می شنوید می خواهم که مرا ببخشید و در آخرت شفاعت کنید مرا.

بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اغفر لی ما قدمت و ما اخرت و ما اسررت و ما اعلنت و ما انت اعلم به منی انت المقدم و انت المؤخر لا اله الا انت و لا حول و لا قوة الا بالله العلی العظیم برگردانید.

بارالها محمد و آل محمد را بیامرز و بر ما رحمت آور

فرستگان را راه بنما و در پیروزی یاران یار

امام امت را از شر بلیات حفظ فرما و محفوظ دار

ظهور با نور صاحب زمان را نزدیک کن

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

مادر فدایی شما شهید حسین راگلچین داد

به امید زیارت کربلای حسین (ع)

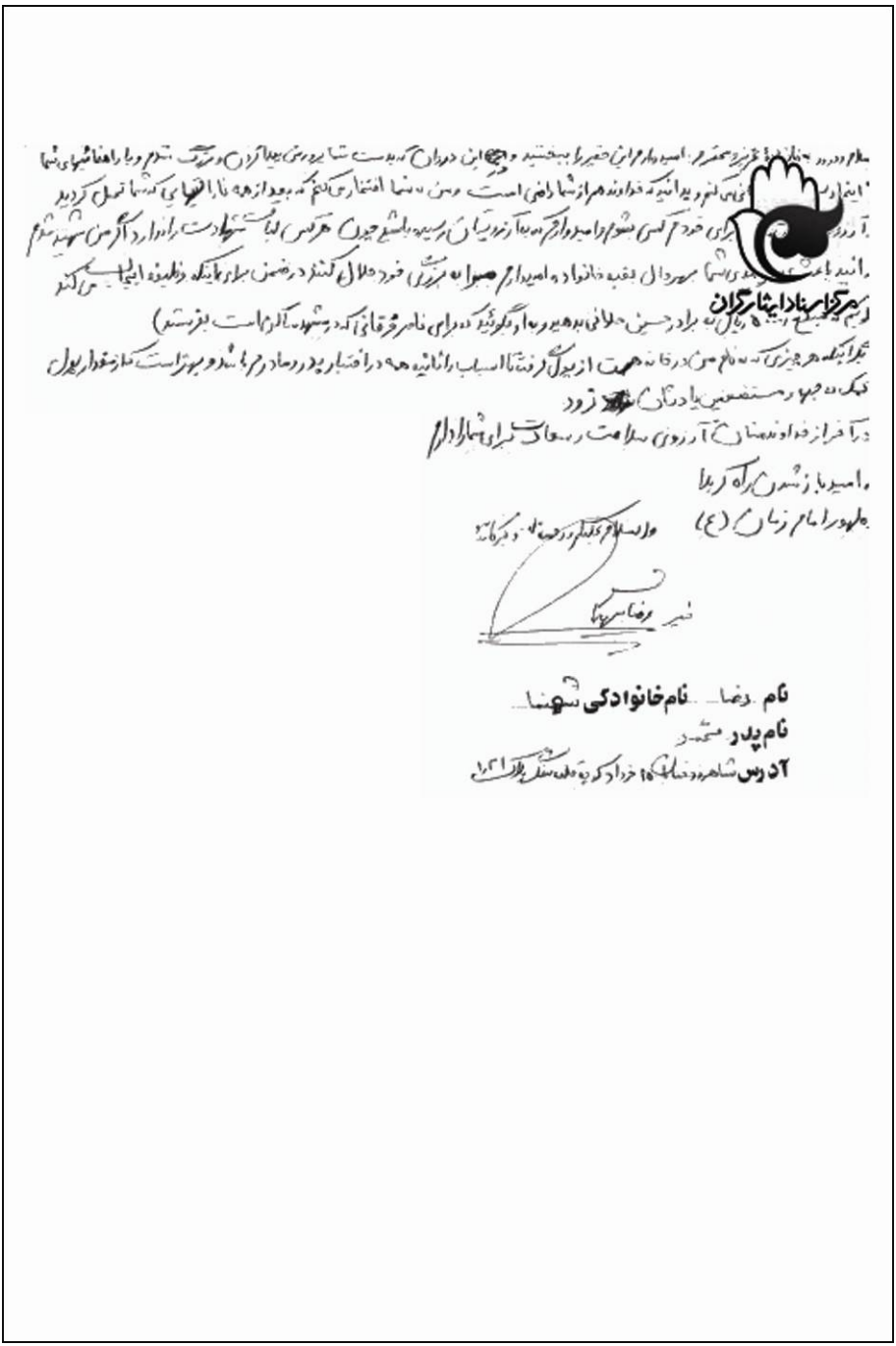

سلام و درود به خانواده عزیز و محترم. امیدوارم این حقیر را ببخشید و در این دوران که بدست شما پرورش پیدا کردن و بزرگ شدم و با راهنمائیهای شما
[illegible] می‌کنم و بدانید که خداوند هم از شما راضی است و من به شما افتخار می‌کنم که بعد از همه ناراحتیهایی که شما تحمل کردید
آرزو [illegible] برای خودم کسی بشوم و امیدوارم که به آرزویتان رسیده باشید چون هر کس لیاقت شهادت را ندارد اگر من شهید شدم
[illegible] باعث [illegible] شما بهر حال بقیه خانواده امیدوارم صبر به بزرگی خود حلال کنند در ضمن برای اینکه وظیفه ایجاب می‌کند
[illegible] ریال به برادر حسین حلالی بدهید و به او بگوئید که برای ناصر فرقانی که در مشهد ساکن است بفرستد)
بگو اینکه هر چیزی که به نام من در خانه هست از پول گرفته تا اسباب و اثاثیه همه در اختیار پدر و مادرم باشد و بهتر است که از مقدار پول
کمک به جهاد مستضعفین یادتان [illegible] نرود
در آخر از خداوند منان آرزوی سلامت و سعادت برای شما را دارم
و امید باز شدن راه کربلا
و ظهور امام زمان (ع)

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

خیر رضا [illegible]

نام رضا نام خانوادگی شهنا
نام پدر محمد
آدرس شاهرود خیابان ۱۵ خرداد کوچه قلعه سنگ پلاک ۱۰۲۱

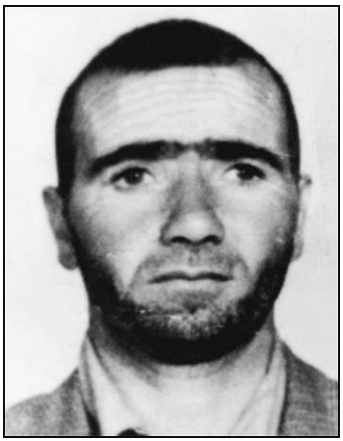

نام: **عبدالرضا**
نام خانوادگی: شیبانی
نام پدر: محمدصادق
نام مادر: زیبا
تاریخ تولد: بیستم آبان ۱۳۱۹
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: پایان دوره ابتدایی
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: هشتم اردیبهشت ۱۳۶۰
محل شهادت: بازی‌دراز
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- وصیت می‌کنم که بعد از من بچه‌ها را تربیت دین خدا بدهید.
- تنها راه اسلام، راه امام است.
- از مراجع تقلید همیشه پیروی کنید.
- از قرآن حمایت کنید.
- در راه خدا جهاد کنید.
- شهادت در راه خدا یک افتخار بزرگ من است.

## عبدالرضا شیبانی

### بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب عبدالرضا شیبانی، فرزند محمدصادق شیبانی، شماره شناسنامه ۱، تاریخ تولد ۱۳۱۹، ساکن خیج، متأهل دارای ۸ عدد زن و فرزند ۱ زوجه ام نساء صابری. فرزند اول محمدعلی شیبانی و ۲- علی محمد و ۳- محمدصادق و ۴- حسن و ۵- حسین و ۶- فاطمه زهرا و ۷- زیبا می‌باشند و قیم[۱] خود مادر بچه‌ها قرار دادم، به‌نام امنساء صابری شماره شناسنامه ۴ تاریخ تولد ۱۳۲۴. وصیت می‌کنم که بعد از من بچه‌ها را تربیت دین خدا بدهید که سنگر شهیدان و مرا خالی نگذارند و به راه اسلام ادامه دهند. تنها راه اسلام، راه امام است و از مراجع تقلید همیشه پیروی کنید، راه ایشان قرآن است و از قرآن حمایت کنید و در راه خدا جهاد کنید که شهادت در راه خدا یک افتخار بزرگ برای من است. تعزیه‌داری به‌قدر قوه‌ای که دارند خرج کنند. دفن مرا در خیج بسپارید. قیم[۲] ام نساء صابری، تا مدتی که شوهر نکرده است، ولی شوهر کرد قیم[۳] فرزندم علی محمد می‌باشد.[۴]

**«والسلام علیکم»**
**عبدالرضا شیبانی**

---

۱- در اصل وصیت «قیوم».
۲- در اصل وصیت «قیوم».
۳- در اصل وصیت «قیوم».
۴- وصیت شهید را عبدالرضا شیبانی، حسن سلطانی، ابوالقاسم سلطانی و محد قولی تأیید کرده‌اند.



وصیت نامه بسم الله الرحمن الرحیم ۲۳ ر ش

مرکز اسناد ایثارگران جانب عبدالرضا شیبانی فرزند محمد صادق شیبانی شماره

شناسنامه ۱ تاریخ تولد ۱۳۱۹ ساکن خیج متاهل دارای ۸ عدد

زن و فرزند ۱ زوجه امه نساء صابری فرزند اول محمد علی شیبانی

و علی محمد و محمد صادق و حسن و حسین و فاطمه و زهرا و زیبا میباشند و قیوم

خود مادر بچه‌ها قرار دادم بنام امه نساء صابری شماره شناسنامه ۴ تاریخ تولد

۱۳۳۴ وصیت میکنم که بعد از من بچه‌ها را تربیت دین خدا بدهید که سنگر شهیدان

و ... خالی نگذارند و براه اسلام ادامه دهند تنها راه اسلام راه امام است

و از مراجع تقلید همیشه پیروی کنید راه ایشان قرآن است و از قرآن حمایت کنید

و در راه خدا جهاد کنید که شهادت در راه خدا یکی افتخار بزرگ من است و سلام

تعزیه داری بقدر قوه‌ای که دارند خرج کنند دفن مرا در خیج بسپارید

قیوم امه نساء صابری تا مدتی که شوهر نکرده است ولی شوهر کرد قیوم فرزندم علی محمد

امه نساء وصیت کرده ناظر حسن سلطانی ابوالقاسم سلطانی

عبدالرضا شیبانی محمد قولی صابر

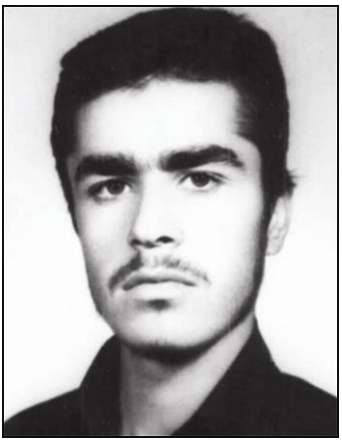

نام: **احمد**
نام خانوادگی: شیخ‌الاسلامی
نام پدر: محمود
نام مادر: آسیه
تاریخ تولد: یکم بهمن ۱۳۴۴
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: دوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: سپاه
تاریخ شهادت: بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳
محل شهادت: شرق رود دجله عراق
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- باید برای اسلام کوشید و آن را نجات داد.
- بارخدایا از تو می‌خواهم که این سعادت را نصیبم بگردانی که قبر امام حسین(علیه‌السلام) را ببینم.
- خدایا تو را شکر که این نعمت گران‌بها را به ما عطا کردی تا بتوانیم خود را بهتر بشناسیم.
- باید یاری کرد آن پیر جماران، که به‌خاطر خدا حق ما را می‌خواهد از ظالمین بگیرد.
- انسان هر لحظه در حال امتحان است و سرنوشت خود را خود تعیین می‌کند.
- خداوند انسان‌ها را به مال‌هایشان و جان‌هایشان امتحان می‌کند.
- بکوشید که خودکفایی این مملکت به دوش شما است.
- ای امت اسلام همچون گذشته در این سنگرهای نماز جمعه، جماعات و مجالس پرشکوه شرکت کنید.
- چه عشقی بهتر از عشق حسین(علیه‌السلام) و چه خدایی بهتر از خدای حسین(علیه‌السلام).

## احمد شیخ‌الاسلامی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبُهْ و منهم من ینتظر»** (احزاب/ ۲۳)

شکر خدایی که به ما هستی بخشید تا بتوانیم به جهاد با کفار بپردازیم. سعادتی نصیبم شد که با اندیشیدن بیشتر این راه را انتخاب کنم. سلام بر سالار شهیدان حسین ابن علی(علیه‌السلام) که به ما آموخت چگونه زیستن و مردن را و سربازانی ساخت که با آغوش باز به استقبال شهادت می‌روند. سلام بر امید مستضعفان، روحی له الفدا، امام زمان(عج) و نایب بر حقش، خمینی، تنها چهرهٔ تابناک عالم بشریت، بت‌شکن زمان، درهم کوبندهٔ ستمگران و یاور مستضعفان. سلام بر آن ایثارگران تاریخ و سلام بر شما امت شهیدپرور و امید آیندهٔ این انقلاب که با آن رشادت و پاسداری از انقلاب، توانستید حقانیت را بفهمانید به دنیا.

مدتی است که از شهرم و آشنایان دور شده‌ام، مدتی است که غالب‌تر بر شیطان نفس خود شده‌ام. مدتی است که حق را بازیافته‌ام و انشاءالله می‌پیمایم با قدم‌های استوار و از صمیم قلب از خداوند تبارک تعالی می‌خواهم مرا در این راه ثابت قدم بدارید[1]. باید اندیشید باید آمد برای اسلام کوشید و آن را نجات داد. باید آمد با کمک بت‌شکن تاریخ، ریشهٔ آن را نابود کرد. باید آن خارها را از بین برد و نه اینکه ما خودمان خاری برای اسلام باشیم. خاری نوک‌تیز که از هر چیز بدتر است. باید آمد راهی را که مردم چشم‌انتظار ملاقات آن هستند[2] باز کرد. باید آن قلب امام حسین(علیه‌السلام) را راضی کرد و باید او را ملاقات کرد. و بارخدایا از تو می‌خواهم که این سعادت را نصیبم بگردانی که قبر امام حسین(علیه‌السلام) را ببینم و از تو می‌خواهم سعادتی بالاتر از آن، که ملاقات روح پاک او است، ملاقات کنم و نصیبم شود و باز می‌گویم خدایا تو را شکر که این نعمت گران‌بها را به ما عطا کردی تا بتوانیم خود را بهتر بشناسیم و بعد هم تو را. چه نعمتی است حسین زمان ما،

---

۱- در اصل وصیت «بدارد».

۲- در اصل وصیت «هستن».

خمینی بت‌شکن، آن یاور مستضعفان، آن گیرندهٔ حق مظلومان. ما هم باید قدر این نعمت را بدانیم و باید او را یاری کرد، حتی هر لحظه بیشتر او را یاری کنیم، جوابی صحیح بدهیم به آن سؤال‌هایی که خداوند تبارک تعالی می‌کند روز جزا برای جواب آن باید از مال [و] جان بگذریم، جوابی که می‌توانیم فکر کنیم [که] صحیح‌تر باشد، باید یاری کرد آن پیر جماران [را] که به‌خاطر خدا حق ما را می‌خواهد از ظالمین بگیرد.

در آخر هم گویم که ای یاوران حسین زمانمان، در غمم نشستن درست است اما[1] بیشتر از آن که کوردلان خوشحال شوند، مضر است. مخصوص این سفارش مخصوص پدر و مادر عزیزم است و سعی خود در آن باشد که گریه‌تان دور از چشم کوردلان باشد.

ای مادر می‌دانم که هر کاری کنم جواب این‌قدر زحماتی را که کشیدی نمی‌توانم بدهم، مخصوصاً که الآن وقت هم تنگ است، ولی شاید بتوانم آن اسمی که بر من می‌گذارند و تو مادر او باشی، این‌طور جواب زحماتت را بدهم و امیدوارم مرا ببخشید و جای تشکر[باشد] از آن گفتن، «خوش آمدی» و «در امان خدا» که از صمیم قلب می‌گفتی.

در آخر گویم مقداری پول به تعاون خودمان تحویل داده بودم و مقداری هم پول به یکی از برادران قرض دادم، اگر پول آورد و اگر نیاورد، حلالش باشد. و مقداری پول که گرفتن آن اجباری است به مقدار ۹۲۰۰ ریال آن را، به نیت پسر عمو علی‌اکبر، به حساب کمک به جنگ بریزید و بقیه را خرج خودم و جنگ‌زدگان کنید. متشکرم.

آخر یک وصیت‌نامه دیگر هم دارم ولی چه بهتر است این را بخوانید و به آن عمل کنید و یک وصیت‌نامهٔ چند خطی هم دارم در [...][2] چند آخری است که انشاءالله عمل خواهید کرد.

**مورخ ۶۱/۱۱/۱۹**

**احمد شیخ‌الاسلامی**

یادتان نرود از شعار همیشگی: خدایا، خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

---

۱- در اصل وصیت «و».

۲- خوانا نیست.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

چند جمله، که بر خود واجب دیدم که تذکر بدهم، داخل این کاغذ می‌نویسم. آن مقدار پولی که به تعاون تحویل داده بودم و مقداری که اجباری است بگیرم، ۹۱۰۰ ریال، آن را به حساب پسرعمو علی‌اکبر بدهید، به حساب جنگ و آن ۹۰۰ ریال آن بابت چیزی خرج کردم برای رزمندگان دامغانی و بقیه آن را در قسمت‌هایی که باید خرج شود، مصرف کنید و اگر باقی ماند، باقی آن را به حساب کمک به مناطق جنگ‌زده بریزید و مقداری هم پول [هم] به یکی از برادران که با ما بود قرض دادم، اگر آورد تحویل به شما داد، آن را به حسابی که گفته شد بریزید، اگر هم نداد حلال باشد و امیدوارم رنج‌هایی که کشیده بودید، ببخشید. متشکرم.

قسمتی مهم از وصیت‌نامه است.

**مورخ ۶۱/۱۱/۲۹**

**احمد شیخ‌الاسلامی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا[1] فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[2]**

«مپندارید کسانی که در راه خداوند متعال کشته می‌شوند [مرده‌اند] بلکه زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند».

حمد [و] سپاس خداوندی که ما را از نیستی به هستی تبدیل کرد و ما را در این زمان خلق کرد و نعمت تعقل داد و بالاتر از آن نیروی ایمان داد و حمد [و] سپاس خداوندی را که رحمن و رحیم است و فرود آورندهٔ نعمت است، نه تنها نعمت تقویت جسم، بلکه نعمت تقویت روح هم آفرید و حمد [و] سپاس خداوندی را که با انسان صحبت می‌کند و اجازهٔ صحبت را به انسان داده است.

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

بارخدایا! شهادت می‌دهم که تو یکتایی و شریکی نداری. و شهادت می‌دهم که محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) رسول و فرستادهٔ بر حق تو در زمین است. و شهادت می‌دهم که بهشت و جهنم تو حق [است] و وجود دارد و قیامت حق است. بارخدایا! شهادت می‌دهم که تمام رسولان از هابیل[1] و پیغمبران و امامان و آخرین امام حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش حضرت امام برحق هستند و اطاعت از هر یک از آنها اطاعت از حضرت خاتم است. خدایا قدم برداشته‌ام در راه آنها تا پای جان. خدایا تقبل کن.

با عرض سلام خدمت منجی عالم بشریت و مجری امر خداوند متعال، حضرت مهدی(عج) و نایب بر حقش، امید مستضعفین بعد از خداوند و امید امام و امت امام، حضرت آیت‌الله منتظری[2] و با عرض سلام به خدمت شهدای گرانقدر اسلام از کربلای حسینی تا کربلای ایران و تا به امروز. و با عرض سلام خدمت خانواده‌های محترم آنها، این صابران و شاگردان مکتب عشق شهادت حسین(علیه‌السلام) که بر حق یاد گرفتن و عمل کردن و معلمان صبر و استقامت و ایثار که زندگی سرشارتری به اسلام دادند و با عرض سلام خدمت رزمندگان اسلام این جان‌برکفان و امیدان اسلام که خداوند یارشان باد و با عرض سلام خدمت امت امام، امتی که اسلام را درک کرد و در راه پیروزی و استقرار آن کوشا بودند[3] و خواهند بود زیرا که می‌خواهند شاگردانی چون شاگردان مکتب حسین(علیه‌السلام) تربیت کنند. انشاءالله. بارخدایا مرگ این‌چنین عاشقانی را شهادت در راه خودت قرار بده. و عرض سلام خدمت پدر و مادر گرامی‌ام که عمل کردید به این که **«الهی رضاً برضائک»**.

سلام خداوند بر شما و درود خداوند بر شما، چرا که در کودکی حاضر نبودید خراشی در بدنم ایجاد شود ولی در این برهه از زمان از جان فرزند خودتان می‌گذرید و زحمات را تقدیم خداوند کردید که در آن دنیا مزد آن را می‌دهد.

دیگر جای کسانی چون این حقیر نیست که برای امتی که ادامه دهندهٔ راه مکتب حسین(علیه‌السلام) هستند سخنی گویم ولی یک تذکر است همه این سخنان و آراء [و] عقیده و

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «بودن».

هدفم. زیرا که راه [را] برای کسانی که می‌خواهند از بیان اشتباه بر ما ضربه وارد آورند، بسته باشم و تیری بر قلب آنها زده باشم.

اینجانب به‌عنوان چند تذکر که هر یک از آنها [را] در چند خط خلاصه می‌کنم و توضیح و شرح آن را برای آن سلاح برتن‌داران مکتب اسلام، که اگر آنها نبودند اسلام هم نبود، روحانیت عزیز، وامی‌گذارم.

۱- یکی از نعمت‌های خداوند فرزند است. ای امت اسلام از فرزندان خود استفادهٔ معنوی کنید باز نگذارید که عمر آنها به هدر رود و خدای نکرده لحظه‌ای غافل شوید و اسلام را کوچک شمارید و دنیا را بزرگ شمارید، چرا که «حب الدنیا رأس کل خطیئه»[۱] **«فلیقاتل فی سبیل الله الذّین یشرون الحیوة الدّنیا بالاخرة»**[۲]

۲- انسان هر لحظه در حال امتحان است و سرنوشت خود را خود تعیین[۳] می‌کند امتحانی که تا دم مرگ است که خداوند انسان‌ها را به مال‌هایشان و جان‌هایشان امتحان می‌کند که هر دوی آنها لطف خداوند است. پس بگذرید در راه خودش و آن دنیا را به این دنیا ترجیح دهید و پشیمانی هم سودی ندارد، هر چند مخلصانه باشد. امام حسین(علیه‌السلام) قاسم(علیه‌السلام) را در روز عاشورا امتحان می‌کند می‌گوید برو تو پدر نداری پیش مادرت باش که گریه می‌کند.

۳- **«و قاتلوهم حتّی لاتکون فتنة»**[۴] مسئله اصلی این ملت و این زمان جنگ است و پیروزی ما لحظه‌ای است که در عالم فتنه نباشد. «هر چند که ما چه کشته شویم و چه بکشیم پیروزیم»[۵] ولی باید این مسئله را به جهان بفهمانیم زیرا تمام جهان مسلمان نیستند[۶] و حکم خداوند را درک نمی‌کنید و ظاهربین هستند.[۷] این را بدانید که جنگ نعمت است و

---

۱- نهج‌الفصاحة، ص۲۸۳، در اصل وصیت «... رأس من کلّ خطیئه ...».

۲- نساء/ ۷۴.

۳- در اصل وصیت «تأیین».

۴- بقره / ۱۹۳.

۵- مشابه این سخن امام خمینی است: «چه کشته شویم و چه بکشیم حق با ماست، ما اگر کشته هم بشویم در راه حق کشته شویم پیروزی است»، (صحیفه امام، ج۴، ص۴۹۲).

۶- در اصل وصیت «نیستن».

۷- در اصل وصیت «هستن».

باعث تبلیغ و راه را برای کسانی که بهانه می‌گیرند که چرا جنگ نشد [تا] ما شرکت کنیم، مثل روز عاشورا بجنگیم [می‌بندد].

۴- ای معلمان که در تربیت انسان شریک هستید و فردای این مملکت را به آنها واگذار می‌کنید و ای کارگران و ای کشاورزان، که همه خدمتگذار اسلام هستید، بکوشید که خودکفایی این مملکت به دوش شما است و درس شما به تمام مستکبرین و دشمنان اسلام این است؛ که خداوند موفقتان بدارد.

۵- ای منافقان[1] کوردل و تنگ‌چشم! ما فکر همه چیز را کرده‌ایم همه چیز را در نظر گرفته‌ایم، این دنیا دیگر جای ما نیست. جای کسانی مثل شما باید در این دنیا باشد و بهشت شما همین دنیا است و ما برای رضای خداوند متعال آمده‌ایم به این جبهه‌ها و می‌مانیم تا اینکه جان دهیم. ای منافقین بدانید که اگر این روحانیون، بسیج و سپاه و ارتش و این لشگرهای الهی نبودند و اگر به‌خاطر اینها نبود، شاید خداوند شما را همچون منافقان صدر اسلام درس می‌داد. ای منافقان که می‌گویید[2] ما مهمات، اسلحه و سلاح‌های جنگی دیگر نداریم، هم‌اکنون که چهار سال از جنگ می‌گذرد، تجربه نشان داده است، نه علم که قبول نکنید، ما همیشه با نیروی ایمان پیش رفته‌ایم و به قدر ایمان و اخلاص ما خداوند مزد ما را داده است. چشم شما کور شود که قدرت دیدن این اسلام را [ندارید] و پیروزی‌های ما را ندارید. ای امت اسلام همچو گذشته این [در] سنگرهای نماز جمعه، جماعات و مجالس پرشکوه شرکت کنید و دعا زیاد کنید و منافقان را در جا سرکوب کنید، انشاءالله.

در آخر گویم، ای پدر و مادرم! روحیه شما در این جامعه خیلی مؤثر است. تنها راه پیروزی صبر است و امام حسین(علیه‌السلام) چون خداوند را در روز عاشورا بر اعمال خویش حاضر و ناظر دید و می‌دانست روزی هم محشر است و آنجا عذاب [و] ثواب دارد، پس استقامت کرد. شما هم گریه کنید، بگویید ما خاطر فرزندان خود را می‌خواهیم. اینها گرچه

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «می‌گوئید».

جگر ما هستند[۱] و در جای دیگر بگویید ما خدا داریم و برای خداوند داده‌ایم و غصه هم نداریم.

**«فاستبشروا ببیعکم الذّی بایعتم به ذلک هوالفوز العظیم»**[۲] «خیر المرکب الصبر»[۳]

چه خونی رنگین‌تر از خون حسین(علیه‌السلام) و چه مکتبی بهتر از مکتب حسین(علیه‌السلام) و چه عشقی بهتر از عشق حسین(علیه‌السلام) و چه خدایی بهتر از خدای حسین(علیه‌السلام).

از تمام فامیل‌ها و دوستان طلب حلالیت می‌کنم و امیدوارم به بزرگواری خودتان ببخشید.

یک عمر بدی کردی و دیدی ثمرش را　　خوبی چه بدی داشت که یک بار نکردی[۴]

یک مقدار پول دارم و از پدرم می‌خواهم آن را به راهی که رضای خداوند در آن است خرج کند و تعیین[۵] راه مهم نیست.

**«والسلام»**

**۶۳/۱۲/۱۵**

**احمد شیخ‌الاسلامی**

---

۱- در اصل وصیت «هستن».

۲- بخشی از آیه ۱۱۱ سورهٔ توبه.

۳- از احادیث نبوی است «مستدرک، ج ۲، ص ۴۱۴».

۴- دراصل وصیت «یک عمر بدی کردی و دیدی ثمرش را　　خوبی چه بدی داشت که نکردی یک‌بار»

۵- در اصل وصیت «تعین».

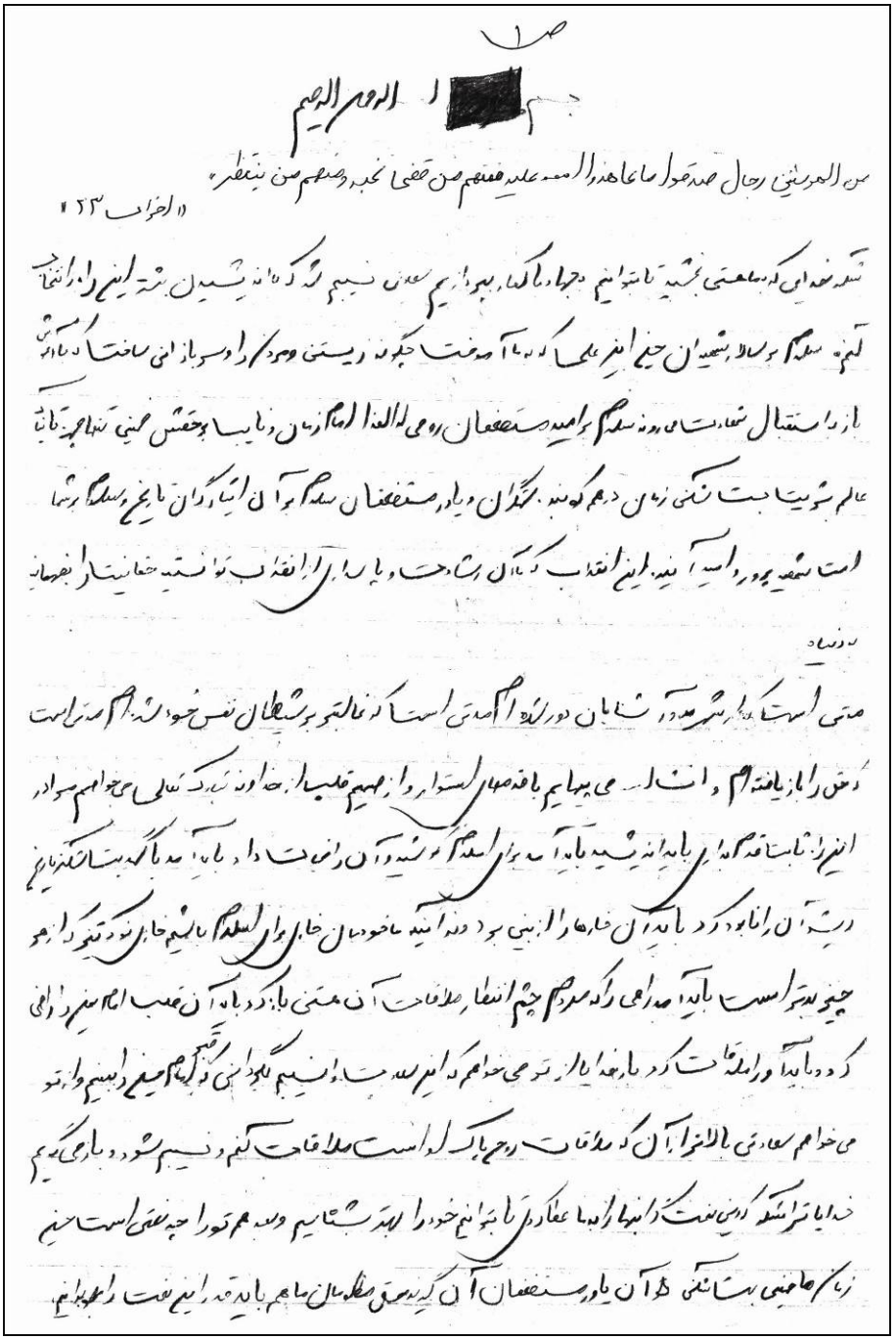

ص ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر

(الاحزاب ۲۳)

شکر خدای را که ما هستی بخشید تا بتوانیم در جهاد با کفار پیروز باشیم سعی نمودیم که گامی هر چند کوچک در راه انقلاب اسلامی برداشته باشیم و در این راه از هیچ کوششی دریغ نکنیم و آن را وظیفه شرعی خود بدان

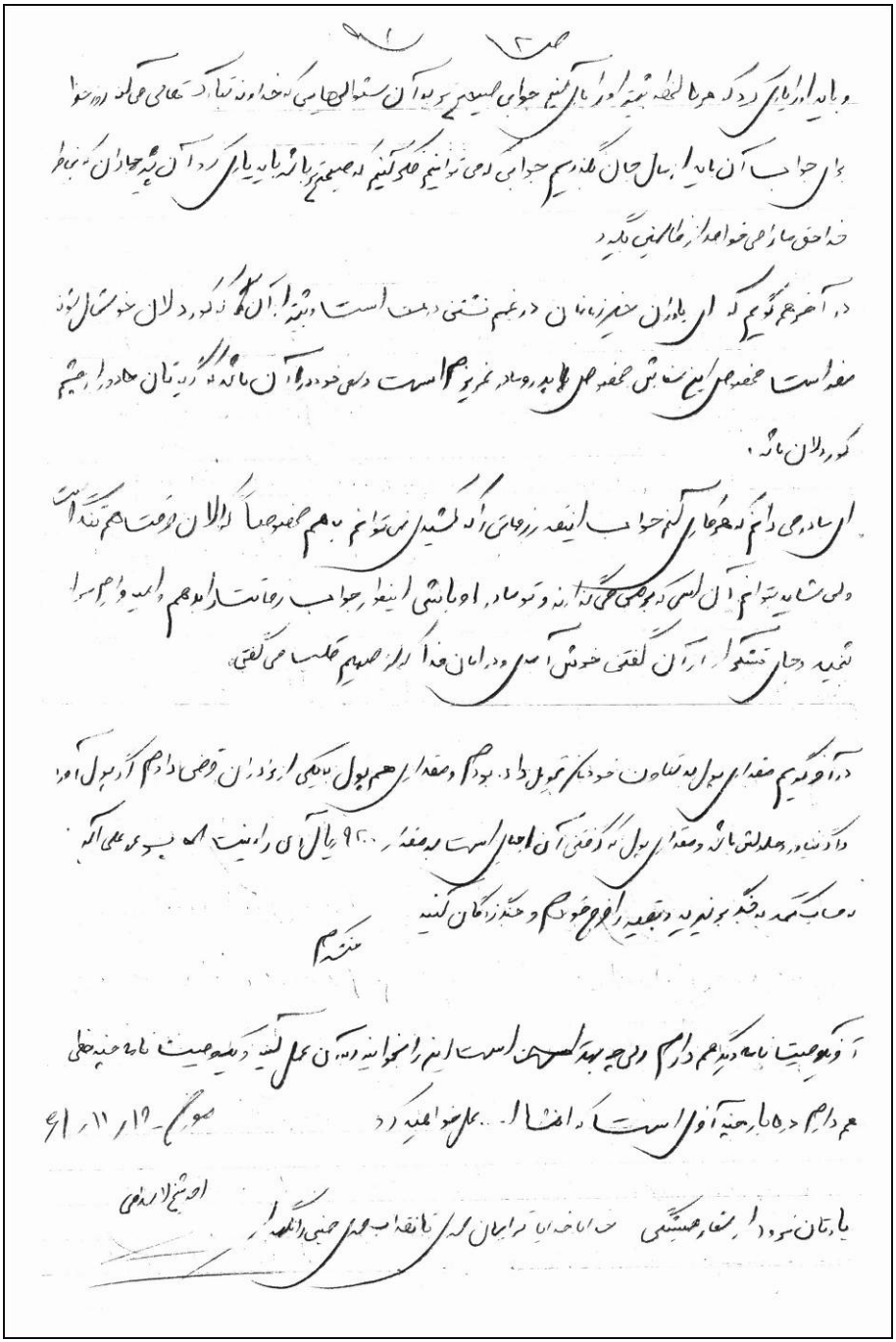

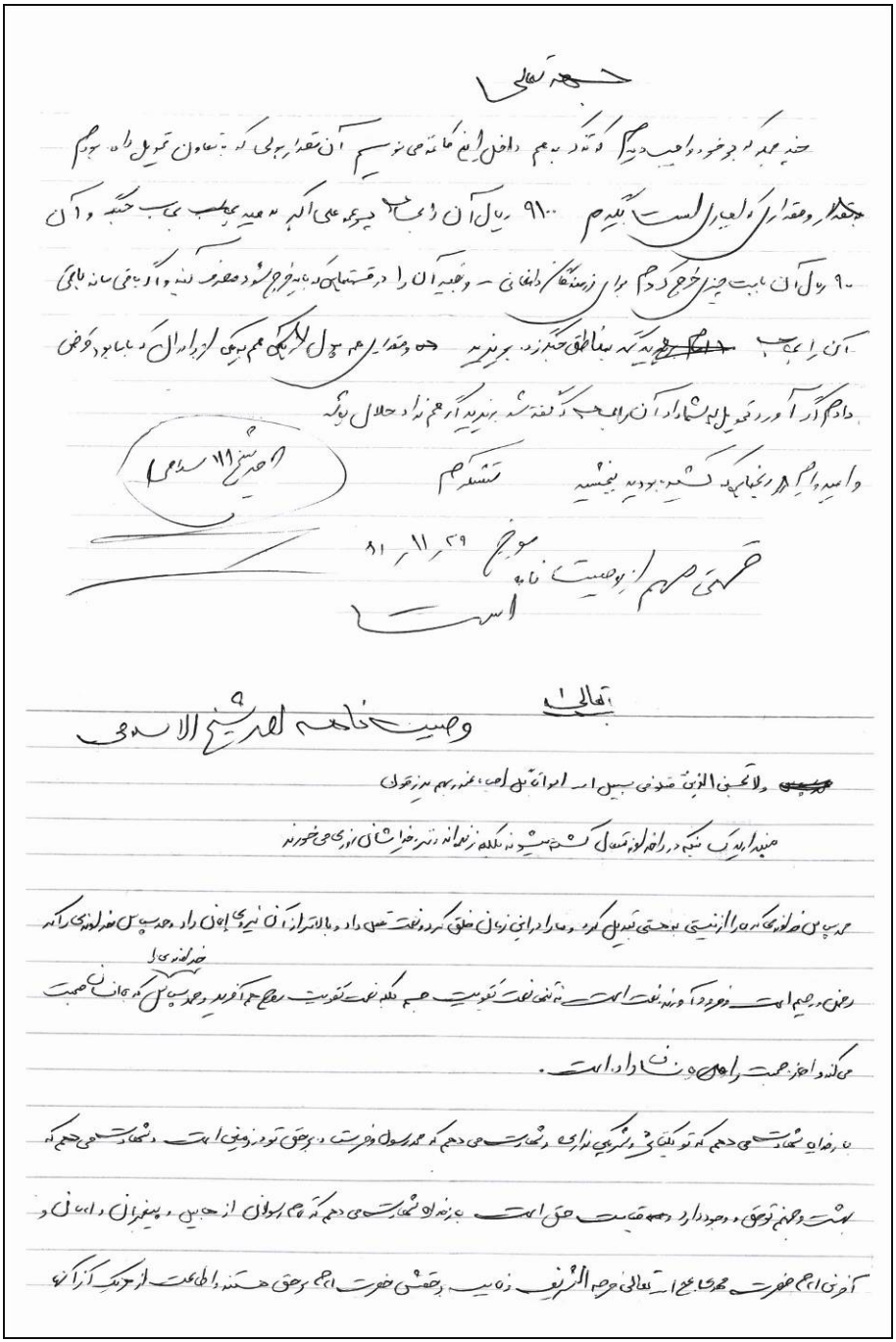

بسمه تعالی

خدمت عمده ای خودم واجب دیگر که تکلیف به هم داخل این نامه می نویسم آن مقدار پولی که به تعاون تحویل داده ام
جمعاً و مقداری که باقی است بدهم ۹۱۰۰ ریال آن را بدهید یک جا بدهید به حساب آن
۹۰ ریال آن بابت چیزی خرج کردم برای زمینه کار دانشجویی - و بقیه آن را در قسمتهایی که نوشته شده مصرف کنید و اگر چیزی مانده باشد
آن را بدهید ~~[illegible]~~ به بنیاد حقوق بگیرید و مقداری هم پول لازم است که هم یک مقدار از ارث و باقیمانده وضع
دادگاه آن را در تحویل بگیرید آن را هم که گفته شد بدهید اگر هم زیاد حلال بکنید
و امیدوارم که ما را ببخشید و حلال کنید تشکر کنم

احمد متوسلیان ۶۱/۱۱/۲۹

خدمتی صحیح از وصیت نامه
است

بسمه تعالی

وصیت فاطمه اعتصامی الاسدی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

هیچ گاه یک شب در خانه نمانده که کشیده نشده باشد زمانه دشمن خانه شان نوری می خورند

عروس من فاطمه که در آزمایشی بودنی قبول کرده و ما را در این زمان خلق کرده نعمت عظمی داده و بالاتر از آن نیروی ایمان داده حجاب اسلامی را که
خواهری
دشمن و جهنم است خود دارد که نه تنها نعمت کرامت هم بلکه نعمت کرامت رفیع هم آفریده و حجاب اسلامی که ایمان محبت
می کند و اجر عظیم را هم به او داده است.

به خواهر شهادت می دهم که تو یکتای و شریکی نداری و شهادت می دهم که محمد رسول خدا و حق تو و دین است و شهادت می دهم که
بهشت و جهنم حق و وجود دارد و همه قیامت حق است به زنده شدن شهادت می دهم که تمام پیامبران از عیسی و پیغمبران و امامان و
آخرین امام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده اند و حقش حضرت امام خمینی حق هستند و اطاعت از مرجع آگاه

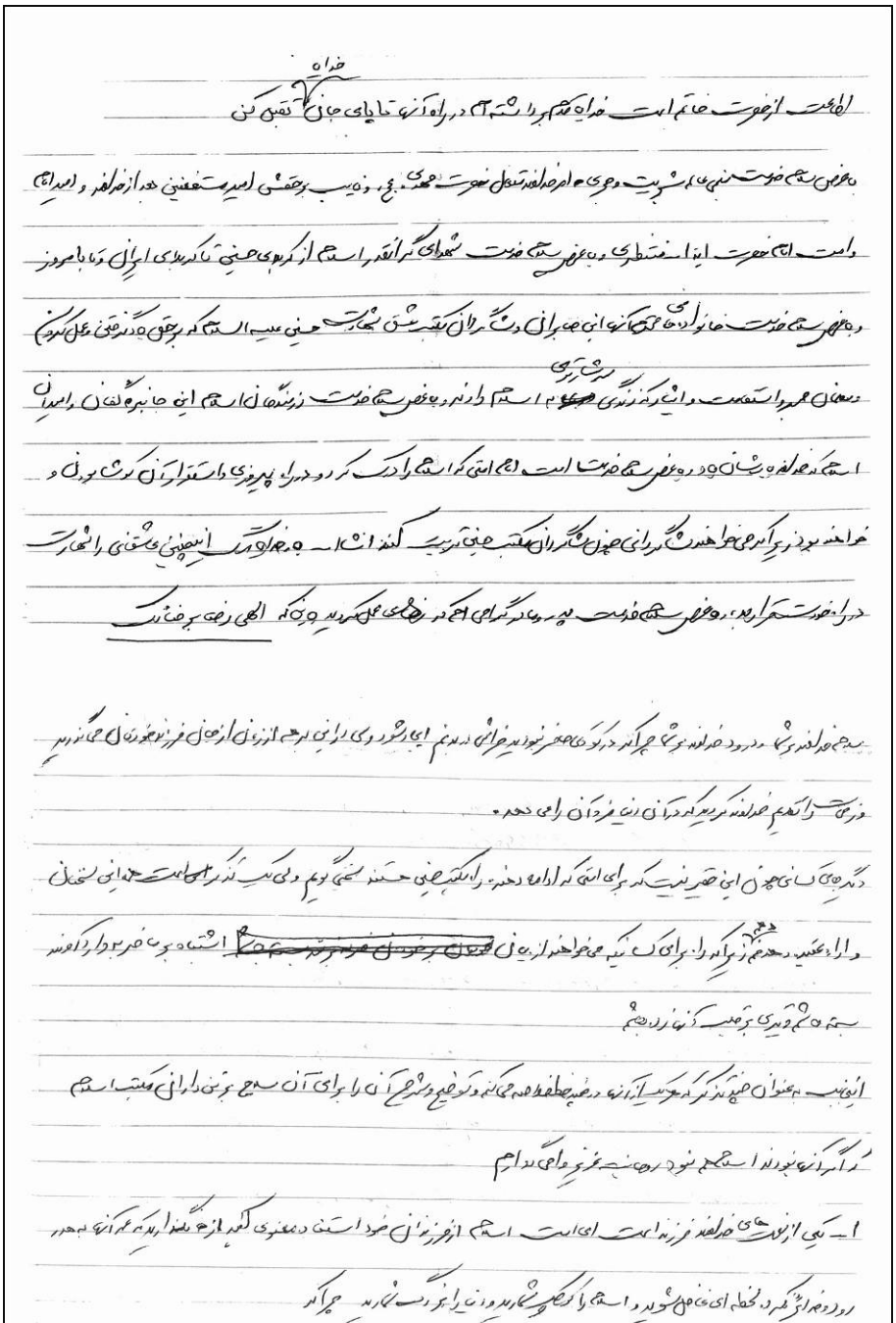



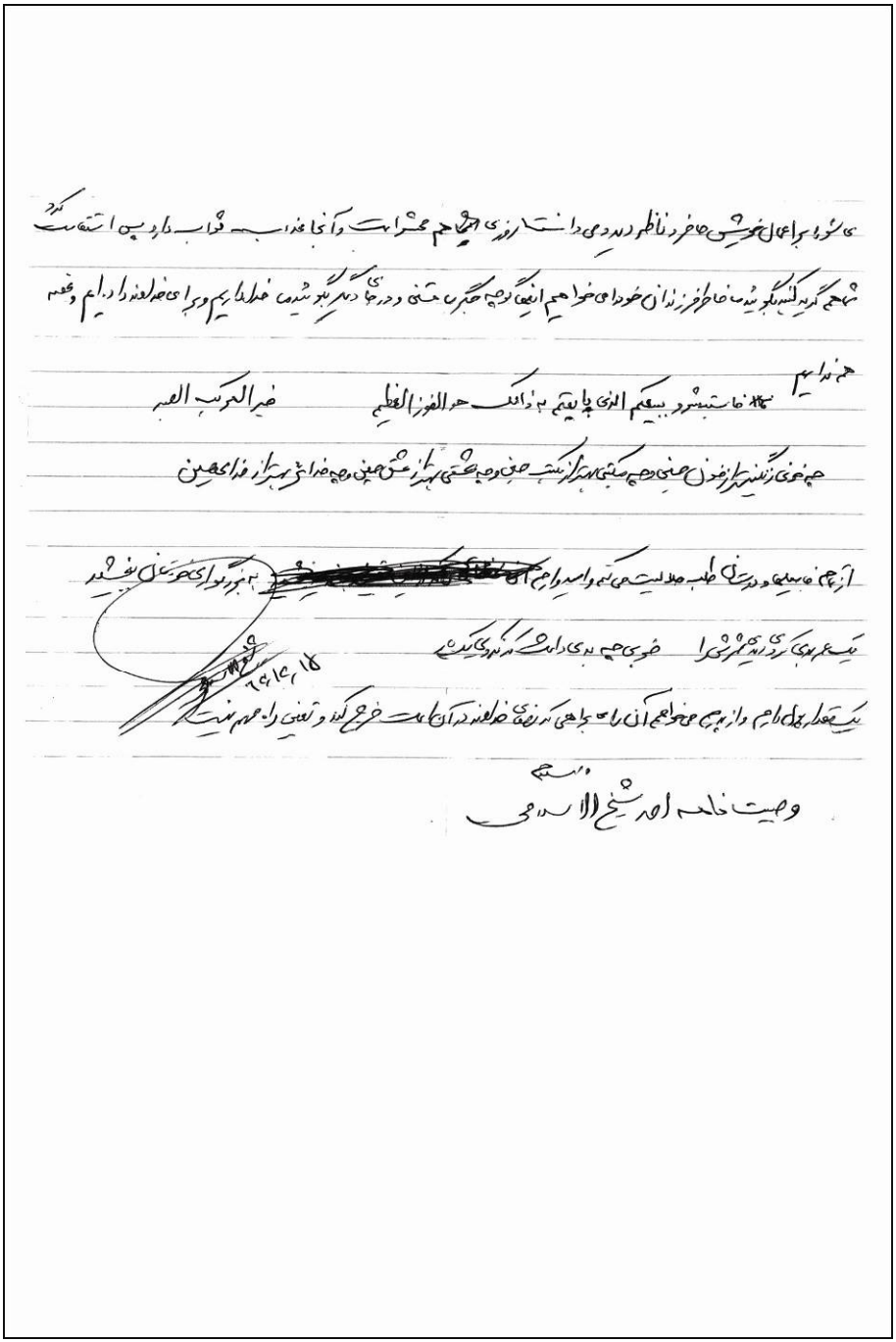

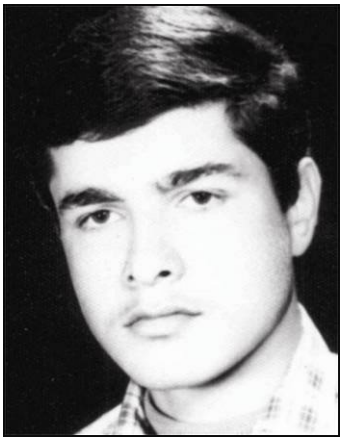

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: شیخ‌الاسلامی
نام پدر: محمود
نام مادر: آسیه
تاریخ تولد: دوم خرداد ۱۳۵۰
محل تولد: شهرستان دامغان
تحصیلات: اول متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: بیست‌ونهم تیر ۱۳۶۶
محل شهادت: جزیره مجنون
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- هدف از آمدن من به جبهه، که تکلیف شرعی بر گردن همهٔ ما است.
- بر ما واجب است که از دین اسلام دفاع کنیم.
- نگذارید که نایب امام زمان(عج) تنها بماند.
- همیشه جبهه‌ها را گرم نگاه دارید.
- نگذارید که رزمندگان ما در طول خطوط خسته شوند.
- برای طول عمر امام، دعا کنید.
- در کارهای خانه همیشه ثابت قدم باشید.
- مگذار که مدرسه و دانشگاه ما به‌دست یک سری افراد فاسد بیفتد.
- جامعهٔ ما حاصل تلاش و خون شهیدان ما است.
- اگر می‌خواهید که شهیدان و امام ما را خوشحال کنید، پس بکوشید تا جامعه اصلاح شود.

## مهدی شیخ‌الاسلامی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با عرض سلام و درود خدمت ولی‌عصر، آقا امام زمان(عج) و با سلام درود فراوان خدمت رهبر کبیر انقلاب و خانواده‌های شهدا، اسرا، معلولین، مجروحین و مفقودین جنگ تحمیلی.

**«و لا تحسبن الذّین قتلوا [فی سبیل الله امواتاً][1] بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[2]

هدف از آمدن من به جبهه اولاً که تکلیف شرعی بر گردن همهٔ ما است که در برابر ظلم و تجاوز به‌پاخیزیم و از کیش و دیار میهن اسلامی‌مان دفاع کنیم، زیرا که خداوند و پیامبران بر امر جهاد خیلی تأکید می‌کردند و ثانیاً این انقلاب با خون هزارها شهید به‌دست ما رسیده است و بر ما واجب است که از دین اسلام دفاع کنیم.

پیام من به امت قهرمان و شهیدپرور ما این است، هر چند که من خیلی کوچک‌تر از آن هستم که برای این ملت پیام بدهم ولی به‌عنوان یک برادر کوچک‌تر عرض می‌کنم که تا آخرین قطرهٔ خون از [...][3] و خانواده‌های شهدا جدا نشوند و همیشه پشتیبان امام باشند. نباشد زمانی که با دادن این همه خون‌ها بر عکس شعار، «ما اهل کوفه[4] نیستیم امام تنها بماند» عمل کنیم.

وصی من پدرم است و مال ندارم که قابل وصیت باشد. پدرم هر چقدر خواست برای من خرج کند و یک ماه روزه و ۲ ماه هم نماز برای من بخوانید.

یگان خدمتی: تی ۱۲ قائم: گردان روح‌الله، گردان: روح‌الله، تاریخ: ۶۵/۹/۳۰. تذکر، در صورتی‌که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود رابنویسید: دامغان، فردوس رضا

**مهدی شیخ‌الاسلامی**
**۶۵/۹/۳۰**

---

۱- در اصل وصیت وجود ندارد.
۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.
۳- خوانا نیست.
۴- ر.ک. تعلیقات.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه»**[1]

«و بجنگید تا رفع فتنه»

با عرض سلام و درود خدمت آقا امام زمان(عج) و نایب بر حقش، رهبر کبیر انقلاب، این قلب تپندهٔ انقلاب و این نور چشم مظلومین و خار چشم کافرین و ظالمین جهان. با عرض سلام خدمت شهدا، این عاشقان آقا اباعبدالله(علیه‌السلام) و رهروان خط سرخ و قیام عاشورای مولا و با سلام بر خانواده‌های گرامی آنها که با فرستادن فرزندان خود توانستند شفیعی برای خود در آخرت داشته باشند و بالاخره سلام بر امت حزب‌الله، این ملت همیشه در صحنه و این ملتی که با دادن عزیزان خود به جبهه‌ها، درخت این انقلاب را تقویت و آبیاری می‌کند. من حقیر از همین‌جا به این امت بزرگ و عزم[2] آهنین سفارش می‌کنم که اگر آن روز امت کوفه رهبرشان را تنها گذاردند، نگذارید که نایب امام زمان(عج) تنها بماند، همیشه جبهه‌ها را گرم نگاه دارید و نگذارید که رزمندگان ما در طول خطوط خسته شوند که به‌راستی خود را در مقابل خون شهیدان مسئول بدانیم، اگر بگذاریم این اسلام و این خون شهیدان زیر پا گذارده شود.

سخنی با خانوادهٔ عزیزم:

خانوادهٔ عزیزم! در هر حال و در هر جا، دعا به جان امام را فراموش نکنید که هر چه داریم به برکت وجود اوست. از شهادت فرزند حقیرتان افسرده نشوید و هرگز غم و غصه را به دل راه ندهید. کاری نکنید دشمنان خوشحال شوند که نه امام ما این امر را می‌پسندد و نه من حقیر. همیشه در دعاها و نمازهای خود برای من حقیر و طول عمر امام، دعا کنید. در کارهای خانه همیشه ثابت قدم باشید و نگذارید که کارها بر شما چیره شوند و جای خالی مرا احساس کنید و آنگاه ناراحت و غمگین شوید. اگر من نوعی نیستم، خدا که هست و بهترین متوکل برای او باشید. علی جان درست را خوب بخوان و مگذار که مدرسه و دانشگاه ما به‌دست یک سری افراد فاسد بیفتد و در آینده‌ای نه چندان دور جامعه

---

۱- بقره/ ۱۹۳.

۲- دراصل وصیت «عظم».

ما را تماماً به زیر فساد خود بکشند که این جامعهٔ ما حاصل تلاش و خون شهیدان ما است. اگر می‌خواهید که شهیدان و امام ما را خوشحال کنید، پس بکوشید تا جامعه اصلاح شود و از هر راهی که می‌توانید کمک کنید.

من وصیت خود را بر روی کاغذی می‌نویسم که الگویم نوشته است، فرمانده‌ام وصیت کرده است و اگر نگاهی در آن بیندازید، خواهید دید که سطح ایمان و اخلاص این شهید عزیز در چه حد بوده است. البته تلاش و کوشش ایشان برای گردان و اخلاص او برای همگان آشکار است.

مقداری پیرامون واجبات

من در حدود ۱۵ روز روزه بدهکار هستم و از شما می‌خواهم که آن را قضا[۱] کنید و یک سال نماز بدهکار هستم باز هم از شما می‌خواهم که آن را قضا[۲] کنید و لوازمی چون موتور را به پدرم می‌سپارم و مقدار پولی که در بانک دارم خرج خودم کنید. و در خاتمه برای آمرزش گناهانم و طول عمر امام امت و پیروزی رزمندگان اسلام، در طول خطوط جبهه‌ها دعا کنید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله[۳] و برکاته»**

**الحقیر مهدی شیخ‌الاسلامی**

**۶۶/۴/۲۶**

**به امید پیروزی رزمندگان اسلام**

---

۱- در اصل وصیت «غذا».

۲- در اصل وصیت «غذا».

۳- در اصل وصیت «و سلام و علیکم و رحمت».

بسمه تعالی

# وصیتنامه

محل الصاق عکس

این وصیتنامه ها انسان را میلرزاند. و انسان را بیدار می کند. «خمینی امامی»

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱. هدف از آمدن به جبهه.

۲. پیام

۳. رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که به گردن داشته از جمله: نماز و روزه قضا و .....، خیرات و صدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال، رد مظالم و...

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با عرض سلام و درود خدمت ولی عصر آقا امام زمان و با سلام درود فراوان خدمت رهبر کبیر انقلاب و خانواده های شهداء، اسراء، معلولین، مجروحین و مفقودین جنگ تحمیل ـــــ وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ

هدف از آمدن من به جبهه اولاً که تکلیف شرعی بر گردن همه ما است که در برابر ظلم و تجاوز بپا خیزیم و از کیشی و دیار میهن اسلامیمان دفاع کنیم زیرا که خداوند و پیامبران بر امر جهاد خیلی تاکید می کردند و ثانیاً این انقلاب با خون هزارها شهید بدست ما رسیده است و بر ما واجب است که از این اسلام دفاع کنیم

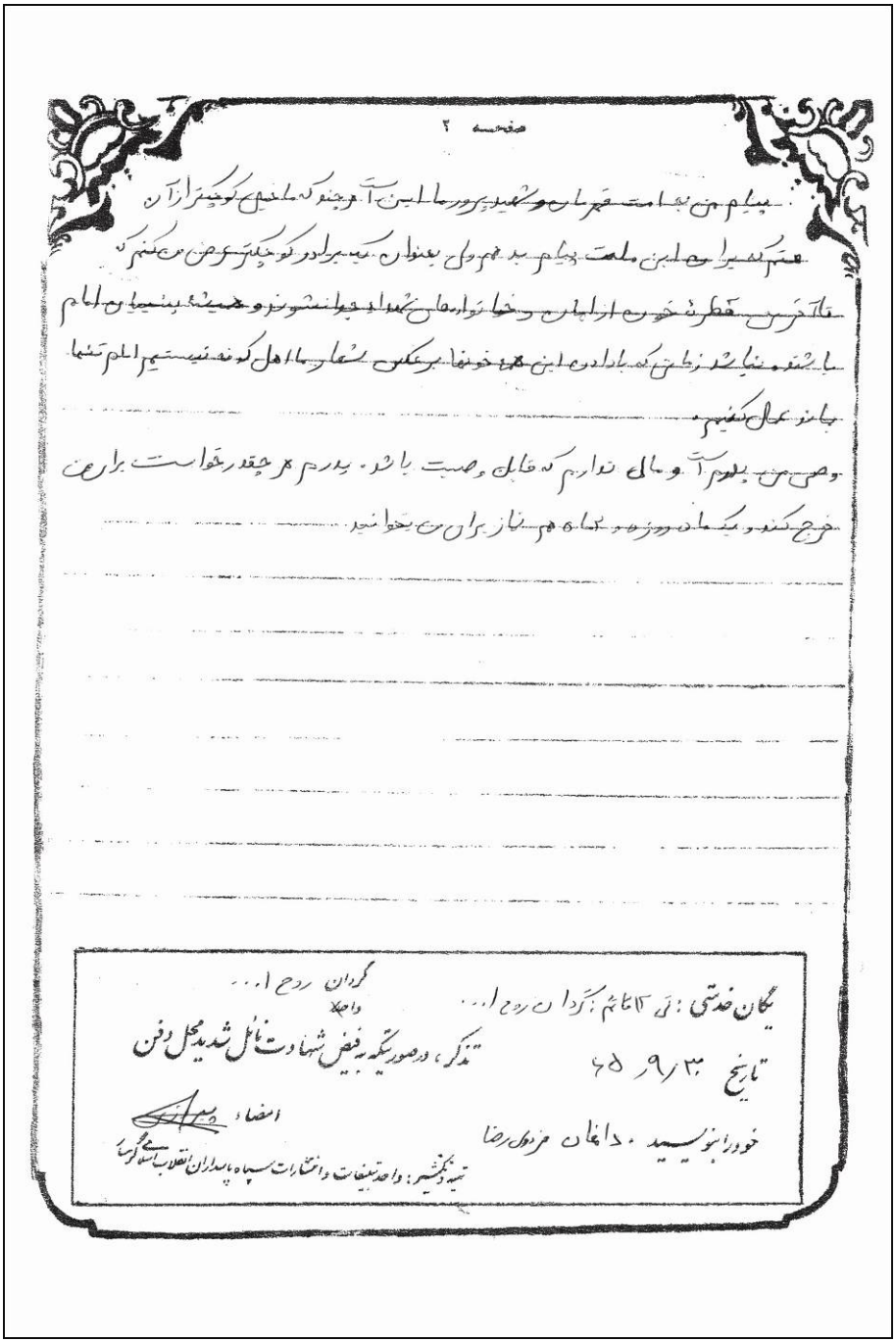

صفحه ۲

پیام من به امت قهرمان و شهید پرور ما این است هر چند که ما خیلی کوچکتر از آن هستیم که برای این ملت پیام بدهیم ولی بعنوان یک برادر کوچکتر عرض می‌کنم که تا آخرین قطره خون از ایمان و خانواده‌های شهدا جدا نشوند و همیشه پشتیبان امام باشند و نباشد زمانی که با دادن این همه خونها برعکس شعار ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند عمل کنیم.

وصی من پدرم است و مالی ندارم که قابل وصیت باشد. پدرم هر چقدر خواست برای من خرج کند و یک ماه روزه و ۲ ماه هم نماز برای من بخوانید.

یگان خدمتی: تی ۱۲ قائم: گردان روح ا...

گردان روح ا...
واحد

تذکر، در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن

تاریخ ۶۵/۹/۳۰

امضاء

خود را بنویسید. دامغان مزدوی رضا

تهیه و تکثیر: واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرمسار

بسم الله الرحمن الرحیم

وقاتلوهم حتی لاتکون فتنة ویکون الدین کله لله

عرض سلام و درود خدمت آقا امام زمان (عجل...) و نائب برحقش رهبر کبیر انقلاب این قلب تپنده انقلاب و این نور چشم مظلومین و خار چشم کافرین و ظالمین جهان عرض سلام خدمت شهداء این راه شاق آقا خمینی... و رهروان خط سرخ و قیام عاشورا مولا و با سلام بر خانواده های گرامی آنها که با فرستادن فرزندان خود توانستند شخصیتی برای خود در آخرت داشته باشند و بالاخره سلام بر امت حزب ا... این ملت همیشه در صحنه و این ملتی که با دادن عزیزان خود به جیمه ها درخت این انقلاب را آبیاری میکنند

من خصوصا از همین جا بیان امت بزرگ و عظیم آهنین سفارش میکنم که اگر آسرور امت کوچه رهبری را تنها نگذارید نگذارید که نائب امام زمان (عجل...) تنها بماند همیشه جیمه ها را گرم نگه دارید و نگذارید که زحمتکشان مادر طول خطوط خسته شوند که بر این خود ها در مقابل خون شهیدان مسئول هستیم اگر نگذاریم این انقلاب و این خون شهیدان ضربه بخورد

سخن با خانواده عزیزم:

خانواده عزیز در هر حال و در هر جا دعا به جان امام را فراموش نکنید که مرجع دارید به بزرگ وجود اوست از کوچکترین فرزندتان غافل نشوید و مرتب از عمر و قصه راه و دل راه تعلیم کار کنید و شما را خوشحال شوند که نه امام با این امر ما پسندد و نه من خشنود میشم در دعاها و نمازهای خود برای من خیر و طول عمر امام دعا کنید در کارهای خانه همیشه قانع باشید و توکل به خدا کنید و نگذارید که کارها بر زمین بماند و با خیال راحت و آسوده باشید و بدانید که اگر من مدتی نیستم خدا که هست و بهترین وکیل برای او باشید علی جان درست را خوب بخوان و نگذار که مدرسه و دانشگاه مایه شود که یک روز افراد نالایق بیافتد و در آینده ایران نجیب از دور خانه ما را تماشا کنند و بگویند که این خانه ما حاصل تلاش و خون شهیدان ماست اگر می خواهید که شهیدان و امام را خوشحال کنید چنان بکوشید تا خانه اصلاح شود و از هر راهی که می توانید کمک کنید

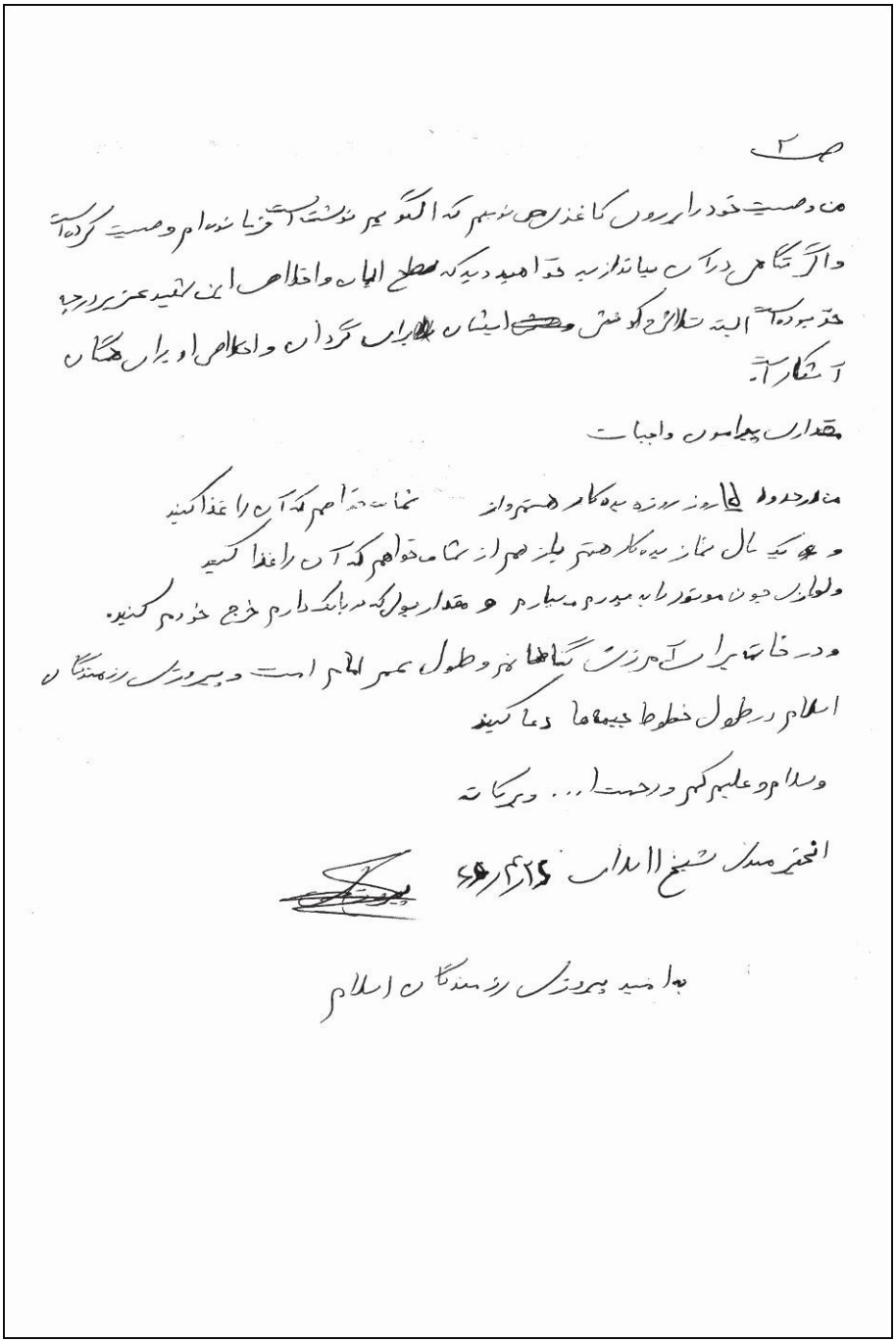

ص ۲

من وصیت خود را بر روی کاغذی می‌نویسم که الگویم نوشته است فرمانده‌ام وصیت کرده است
و اگر نگاهی در آن بیاندازید خواهید دید که سطح ایمان و اخلاص این شهید عزیز در چه
حد بوده است البته تلاش و کوشش ایشان برای گردان و اخلاص او برای همگان
آشکار است.

مقداری پیرامون واجبات

من در حدود ۱۵ روز روزه بدهکار هستم و از شما خواهم که آن را غذا کنید
و یک سال نماز بدهکار هستم باز هم از شما خواهم که آن را غذا کنید
و لوازم چون موتور را به پدرم میسپارم و مقداری پول که در بانک دارم خرج خودم کنید.
و در خاتمه برای آمرزش گناهانم و طول عمر امام است و پیروزی رزمندگان
اسلام در طول خطوط جبهه‌ها دعا کنید

و سلام و علیکم و رحمت‌الله و برکاته

الحقیر مهدی شیخ‌الاسلامی ۶۶/۴/۲۶

به امید پیروزی رزمندگان اسلام

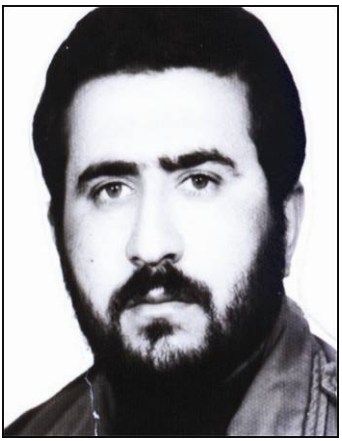

نام: **احمد**
نام خانوادگی: شیخ‌کبیر
نام پدر: عباسعلی
نام مادر: ساره
تاریخ تولد: بیست‌ویکم خرداد ۱۳۳۵
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: سوم متوسطه
ارگان اعزام‌کننده: بسیج
تاریخ شهادت: چهارم مرداد ۱۳۶۷
محل شهادت: اسلام‌آباد غرب
نحوهٔ شهادت: اصابت گلوله
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- با امام عزیز در کنار مرقد امام حسین(علیه‌السلام) نماز بگذاریم.
- قدر امام عزیز را بدانند و شب و روز برای او دعا کنند.
- بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد.
- مردم شهیدپرور، جوان‌هایشان را به جبهه می‌فرستند و شهید می‌دهند و این از خدا بی‌خبران اگر به جبهه نمی‌آیند و کمک نمی‌کنند، لااقل چوب هم لای چرخ این انقلاب نگذارند.
- صفوف نماز جمعه و دعای کمیل و تشکیل راهپیمایی و مراسم شهدا را زیاد کنید.
- چون پیام امام و مرجعم را شنیدم، نتوانستم لحظه‌ای به خود اجازه بدهم که در خانه بنشینم و ندای امام را لبیک نگویم.
- از امت شهیدپرور می‌خواهم هم‌چنان جبهه‌ها را گرم نگه‌داشته و روی به‌سوی جبهه‌ها آورند.
- هدف ما اسلام است.
- اگر بکشیم پیروزیم و اگر شهید هم بشویم پیروزیم.

## احمد شیخ‌کبیر

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**به‌نام خداوند بخشایندهٔ مهربان**

«اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً[۱] رسول الله، اشهد ان علیاً[۲] ولی الله»

«شهادت می‌دهم که نیست جز خدای یکتا و بی‌همتا و شهادت می‌دهم که محمد رسول و فرستادهٔ خداست و شهادت می‌دهم که علی ولی خداست».

با سلام و درود بیکران به رهبر کبیر انقلاب و فرماندهٔ کل قوا و مرجع عالی‌قدر جهان، حضرت نایب الامام، امام خمینی ارواضاله‌فدا و سلام بر شهدا از شهدای کربلا تا به شهدای میدان ژاله و شهدای ۷ تیر، بالاخص شهید مظلوم آیت‌الله بهشتی[۳] و شهیدان محراب[۴]. و سلام بر شهیدان به خون خفتهٔ کربلای غرب و جنوب. اینجانب احمد شیخ‌کبیر با کمال صحت و سلامت به فرمان امام عزیز و فرماندهٔ کل قوا، لبیک گفته و عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شدم، تا بتوانم وظیفه‌ای را که نسبت به این انقلاب دارم، انجام وظیفه نمایم، تا در پیش خدا و رسول و نایب امام و خانوادهٔ شهدا خجالت‌زده نباشم.

برادران و خواهران! امروز وظیفهٔ فردفرد ما این است که ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۵] [...][۶] از حلقوم امام عزیز جاری می‌شود، لبیک گفته و به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل صدامی بشتابند و این عروسک آمریکایی [را] که توسط اربابان آمریکایی‌اش در منطقه آشوب می‌کند، خفه کنیم و راه کربلا را به روی مشتاقان عاشق اباعبدالله، بخصوص خانوادهٔ شهدا باز کنیم و با امام عزیز در کنار مرقد امام حسین(علیه‌السلام) نماز بگذاریم و از آنجا

---

۱- در اصل وصیت «محمد».

۲- در اصل وصیت «علی».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- خوانا نیست.

به‌طرف قدس[۱]، قبلهٔ اول مسلمین، حرکت کنیم و اسرائیل غاصب را از سرزمین مظلوم فلسطین بیرون کنیم انشاءالله.

از برادران و خواهران و تمام ملت ایران می‌خواهم که قدر امام عزیز را بدانند و شب و روز برای او دعا کنند، چون بی عشق خمینی نتوان عاشق مهدی شد. و از مردم شهیدپرور می‌خواهم که رهنمودها و هدایت‌های جامعهٔ محترم حوزهٔ علمیه قم را قدر بدانند و ساده از آن نگذرند، چون اگر از اول انقلاب گوش به فرمان امام و جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیه می‌بودیم، آن‌قدر ضربه نمی‌خوردیم و خیانتی که بنی‌صدر[۲] وامثال او کردند، بر اثر این بود که هنوز جامعه، حوزهٔ علمیه را نشناخته بود[۳]. و الحمدلله از زمانی [را] که توسط روحانیت مبارز، حوزهٔ عملیه را شناختیم، دیدیم که بعد از بنی‌صدر ملعون، چقدر مملکت ما توسط رهنمودهای حوزهٔ علمیه قم، کارهایش به پیش رفت و امروز می‌بینیم که دولت مکتبی و مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان، از برکات امام عزیز و حوزهٔ علمیه قم بود. چون آنها آگاهی‌شان نسبت به مسئولین خیلی زیاد[تر] از من و شما می‌باشد. و هم‌چنین باید دولت مکتبی و در خط امام و از مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و تمام ارگان‌ها، از بطن مردم حزب‌الله جوشیده و بالاخص جهادسازندگی حمایت کرده و نگذارند که دشمنان ما آنها را تضعیف کنند.

و از تمام مسئولین مملکتی و ارگان‌ها می‌خواهیم که مواظب افراد ناصالح باشند که دو باره[۴] در بین آنها رخنه نکنند. و از آنها می‌خواهیم که بیشتر تحقیقات کرده و چنانچه انجمن اسلامی تشکیل داده‌اند، مورد تأیید انجمن اسلامی باشند و از مسئولین ادارات می‌خواهیم که بیشتر ارتباط با انجمن اسلامی اداره خود داشته باشید و از روی هوای نفسانی خود کار نکنند و چنان نشود که فلان مدیر، بدون تحقیق، خدای نکرده مغرضانه قضاوت کند و شخصی را که برای این مملکت وجودش مثمرثمر است، کنار بزند و به حرف افرادی که امروز دایهٔ دلسوزتر از مادر شده‌اند گوش دهد. [...][۵] این گران‌فروشان و

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «بودیم».

۴- در اصل وصیت «مرتبه».

۵- خوانا نیست.

محتکران که خون این مردم را مثل خفاش می‌مکند، خدا از آنها نگذرد [...][1] این مردم شهیدپرور، جوان‌هایشان را به جبهه می‌فرستند و شهید می‌دهند و این [از] خدا بی‌خبران اگر به جبهه نمی‌آیند و کمک نمی‌کنند، لااقل چوب هم لای چرخ این انقلاب نگذارند. واز دادگاه‌های انقلاب می‌خواهیم که با اشد مجازات با آنها رفتار کنند و این‌قدر مردم ما و رزمندگان [را] که در این هوای گرم جان‌فشانی می‌کنند، ناراحت نکنند. و آنها بدانند که انشاءالله جنگ تمام می‌شود و این رزمندگان جواب شما را هم خواهند داد.

و از شما مردم غیور می‌خواهم که صفوف نماز جمعه و دعای کمیل و تشکیل راهپیمایی و مراسم شهدا [را] زیاد کنید. و امید رزمندگان فقط به شما مردم پشت جبهه است و مهم‌تر از همه چیز همین‌ها است. علت جنگ عراق علیه ایران بر اثر وحدت و اتحاد و صدای الله اکبر شما بود که به مملکت اسلامی حمله‌ور شد.

در آخر صحبتی هم با خانواده عزیزم، مادر و همسرم و برادرهایم و خواهرم دارم. از شما مادر می‌خواهم که مرا ببخشی، چون این حقیر فرزند شما نسبت به شما وظیفه‌ام را خوب انجام ندادم، چون حق مادر خیلی زیاد است که خدا می‌داند و از تو مادر طلب عفو و بخشش را دارم، چون تو زیاد رنج کشیدی و به کسی هم نگفتی. از تو مادر می‌خواهم که صبر داشته باشید بعد از شهادتم، گرچه لیاقت ندارم و چنانچه شهادت نصیبم گردید، گریه زیاد نکنید و اگر خواستی، یک‌جا تنها برو و گریه کن، مبادا دیگران بفهمند و سوء استفاده کنند و بدان تو در پیش خدا اجر زیادی داری.

و اما همسرم از من راضی باشید. شاید وظیفه‌ای را که نسبت به تو داشتم خوب ادا نکرده باشم و از شما همسرم معذرت می‌خواهم و به احترام خودت مرا می‌بخشی. و از شما می‌خواهم که در تربیت فرزندمان میثم عزیز سعی و کوشش کنید و چنان تربیت کنید که در آینده شخص مفیدی برای اسلام و جامعه باشد انشاءالله. و از برادران حزب‌اللهی‌ام ناصر و منصور و علی از شما می‌خواهم که اسلحهٔ به زمین افتادهٔ برادرت را بگیرید و بر علیه کافران شورش کنید و چنانچه به شما بی‌احترامی کردم، از شما همگی برادرانم معذرت می‌خواهم و امیدوارم که به بزرگی خودشان ما را ببخشند.

---

۱- خوانا نیست.

و ای همسر عزیزم، از تو هم معذرت می‌خواهم که چنانچه به تو بی‌احترامی کردم و از تو می‌خواهم که در زندگی‌ات صبور باشی و در تربیت فرزندمان کمال سعی و کوشش کنی و آنها را تحویل اسلام و مسلمین کنید و من دعاگوی شما می‌باشم اگر خداوند قبول کند. و در آخر حرف‌هایم از همهٔ افرادی که مرا می‌شناسند بالاخص فامیل‌ها چنانچه بی‌احترامی خدای نکرده، کردم از آنها می‌خواهم که مرا ببخشند.

**«السلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**غروب جمعه انرژی اتمی ۶۲/۵/۷**
**احمد شیخ‌کبیر**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار (۳ بار)، رزمندگان اسلام، نصرت عطا بفرما، زیارت کربلا نصیب ما بگردان.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

[...][1] اینجانب الحمدلله به کسی آنچنان بدهکار نیستم، شاید مبلغ‌های آن خیلی ریز باشد که آن هم من یادم نیست. اگر هم مبلغ‌های آن بزرگ باشد، کاملاً یادم است که آن هم برایتان نوشتم و لوازم منزل که منزل مادرم است، آنها را به مادرم بخشیدم و کسی حق این را ندارد که بگوید این لوازم از احمد بوده. اولاً وظیفهٔ من بوده که بعد از پدرم کفیل زندگی باشم، تا زمانی را که برادرهایم بزرگ شوند و من زندگی را تأمین کنم و لوازم منزلی را که در زندگی خودم بوده، تعلق به خانوادهٔ خودم دارد و از همسرم می‌خواهم که چنانچه شهادت نصیبم گردید، وظیفهٔ شرعی خودش را نسبت به ادامهٔ زندگی انجام دهد و مانعی از لحاظ اینجانب نبوده و هرگز خودش را اسیر اینجانب نکند، چون خداوند راضی نمی‌باشد. البته باید ببخشید که این حرف‌ها را می‌زنم، همه‌اش به‌عنوان وظیفهٔ شرعی می‌باشد. و بعد از اینجانب قیم خودم را برادرم ناصر معلوم می‌کنم و ایشان کارهای زندگیم را سر و سامان

---

۱- خوانا نیست.

بدهد، خداوند به ایشان اجر دهد. دیگر با شما عرضی ندارم، جز سلامتی امام عزیز و خانوادهٔ محترمم را از خداوند متعال خواهانم.

سلام من را به یکایک فامیل‌ها برسانید. حاج عمو و زن عمو و کاظم آقا و برادرشان و خانواده‌شان و آمنه خانم و زن حاج عمو و منزل حاج آقا و خانواده‌های آقای میرحسینی و آقای خواجه و آقای سلیمانی و آقای اسماعیل پسرعمه و عمه و آقا اسماعیل خودمان و تمامی فامیل‌ها و عمه سکینه و خانواده حاج عمو و منزل شهید بیدگلی همگی را سلام رسانید و امیدوارم که ما را ببخشند واگر دنبال کسی غیبت کردم امیدوارم که من را ببخشند.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**احمد شیخ‌کبیر**

**۶۲/۵/۱۵**

و اما در مورد اموال زندگی خودم چند [...][۱] بدهم. از همسرم می‌خواهم در مورد [...][۲] که کاغذ پیشش است، مبلغ آن را بپردازد و مقداری پول پس‌انداز در بانک دارم از روی [...][۳] بگیرد و مبلغ هشت هزار تومان که به‌عنوان موتور ریختم ولی به نام ناصر است، خودتان این مسئله را حل کنید، چون پول در فیش بانکی به نام ایشان است و مبلغ سی هزار تومان جهت ماشین به حساب اینجانب ریخته که این مبلغ پول از اینجانب نبوده، این پول از ورثه بوده و مقداری به حاج علی شاهرودی بدهکارم، آن را تسویه کنید بابت [...][۴] دو هزار تومان به ایشان دادم، بقیه آن مانده و در مورد قالی ۴×۳ مشهد، مبلغ ۱۴۵۰۰ تومان به ایشان دادم، ایشان گفته که قیمت فرش ۱۷۰۰۰ تومان است که اول قرار این‌طوری نبود حالا اگر قبول کرد، کرد اگر قبول نکرد به ایشان بقیهٔ آن را بپردازید. مبلغی نذر داشتم، شاید یاد رفته، مبلغ چهارصد تومان به مسجد امام حسین(علیه‌السلام) و مسجد ابوالفضل(علیه‌السلام) دامغان روی هم بپردازید.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- خوانا نیست.

از شما همسرم و مادرم و برادرهایم می‌خواهم که ۷ سال روزه برایم بگیرید و ۷ سال نماز برایم بخوانید و برای پدرم از اول محرم، چون سالش است، ۵ روز روضه بخوانند و نمازهای قضای پدرم را برایش بخوانید و فیش تلفن توی چمدان است مبلغ دو هزار تومان به مسجد [...][1] بدهید تا خرج دعای کمیل و غیره کنند. مشهد که رفتید یک روضه از اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) و فاطمه زهرا(علیهاالسلام) برایم بخوانند. اگر کسی گفت که من از فلانی اینقدر پول می‌خواهم قبول نکنید اگر جزئی و مبلغ کم باشد و من یادم نیست و اگر کسی از من طلبکار است، یادم نیست امیدوارم که راضی باشد و ما را ببخشد.

**«والسلام»**

**۶۲/۵/۱۵**

**احمد شیخ‌کبیر**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

## بسم الله الرحمن الرحیم

سلام علیکم. با توفیق و آرزوی موفقیت و پیروزی رزمندگان اسلام، در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل، بر صدام [و] صدامیان و دعا برای امام عزیز پیر جماران که به حق نایب امام زمان(عج) می‌باشد و خداوند از لحظه لحظه‌های عمر ما را بگیر و بر عمر بابرکت ایشان بیفزا. خداوندا شکر و سپاس می‌کنم که این بار توفیق به این بندهٔ حقیر و ضعیف دادی تا در مصاف با دشمن خون‌آشام و پلید که به هیچ‌وجه بویی از انسانیت نبرده و چون حیوانات وحشی حمله می‌کند، به جبهه روی بیاورم و چون پیام امام و مرجعم را شنیدم، نتوانستم لحظه‌ای به خود اجازه بدهم که در خانه بنشینم و ندای امام را لبیک نگویم و از اینکه بعضی از مردم ما فکر کرده‌اند که با پذیرفتن قطعنامه جنگ تمام شده و صلح برقرار گردیده دیگر باید به فکر راحتی و آسایش زندگانی باشند، ولی دیدید که این جرثومهٔ فساد جنایتکار، حرف‌هایش جز یک حیله و دروغ بیش نبود و بعد از پذیرش قطعنامه، حمله‌هایش را به‌سوی جمهوری اسلامی گسترش داده و خواست جمهوری اسلامی را از پای درآورد ولی یک آزمایش برای ما بود که خداوند بندگانش را امتحان کند و دیدیم

---

۱- خوانا نیست.

چگونه مردم روی به جبهه‌ها آوردند و دشمن زبون را از پای درآورده و به آن سوی مرزها فراری بدهند و همان‌طور که خداوند می‌فرماید «**و مکروا**[۱] **و مکرالله والله خیرالماکرین**»[۲] و از امت شهیدپرور می‌خواهم هم‌چنان[۳] جبهه‌ها را گرم نگه‌داشته و روی به‌سوی جبهه‌ها آورند و رزمندگان اسلام را یاری کنند. هنوز کار تمام نشده و این خیانت‌کاران هرگز دست از ما نمی‌کشند و می‌خواهند اسلام عزیزمان را نابود کنند. البته باید به فکر این نباشیم که چرا یک مقدار از خاکمان را گرفتند و یا اینکه ما در خاک دشمن هستیم. اینها نباید در روحیه ما تأثیری کند و هدف ما اسلام است، «اگر بکشیم پیروزیم و اگر شهید هم بشویم پیروزیم»[۴]. دنیا آخرش مرگ است چه مرگی باعزت[تر] از شهادت در راه خدا؟ اگر لیاقت داشته باشیم انشاءالله.

**«والسلام»**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**باختران**

**۶۷/۵/۳**

**برادر حقیر**

**احمد شیخ‌کبیر**

---

۱- در اصل وصیت «مکرو».

۲- آل‌عمران/ ۵۴.

۳- در اصل وصیت «همچون».

۴- عبارت شهید تحت تأثیر این سخن امام خمینی است «لشکر اسلام هیچ‌وقت شکست نمی‌خورد، اگر بماند پیروز است و اگر شهید شود باز هم پیروز است». (صحیفه امام، ج۱۳، ص۱۸۷).

مرکز اسناد ایثارگران

۱

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام خداوند بخشاینده مهربان

اشهد ان لا اله الا الله  اشهد ان محمد رسول الله  اشهد ان علی ولی الله

شهادت میدهم که نیست جز خدای یکتا و بی هستا و شهادت میدهم که محمد رسول و فرستاده

خداست و شهادت میدهم که علی ولی خداست.

با سلام و درود بیکران به رهبر کبیر انقلاب و فرمانده کل قوا و مرجع عالیقدر جهان

حضرت نایب الامام امام خمینی ارواحنا له فداه و سلام بر شهدا از شهدای کربلا

تا به شهدای میدان ژاله و شهدای ۷ تیر بالاخص شهید مظلوم آیت ا... بهشتی و شهید

محراب و سلام بر شهیدان به خون خفته کربلای غرب و جنوب اینجانب

احمد شیخ کبیر با کمال صحت و سلامت به فرمان امام عزیز و فرمانده کل قوا لبیک گفته و عازم

جبهه های نبرد حق علیه باطل شدم تا بتوانم وظیفه ای را که نسبت به این انقلاب دارم

انجام وظیفه نمایم تا در پیش خدا و رسول و نایب امام و خانواده شهدا خجالت زده نباشم

برادران و خواهران امروز وظیفه فرد فرد ما این است که ندای هل من ناصر ینصرنی

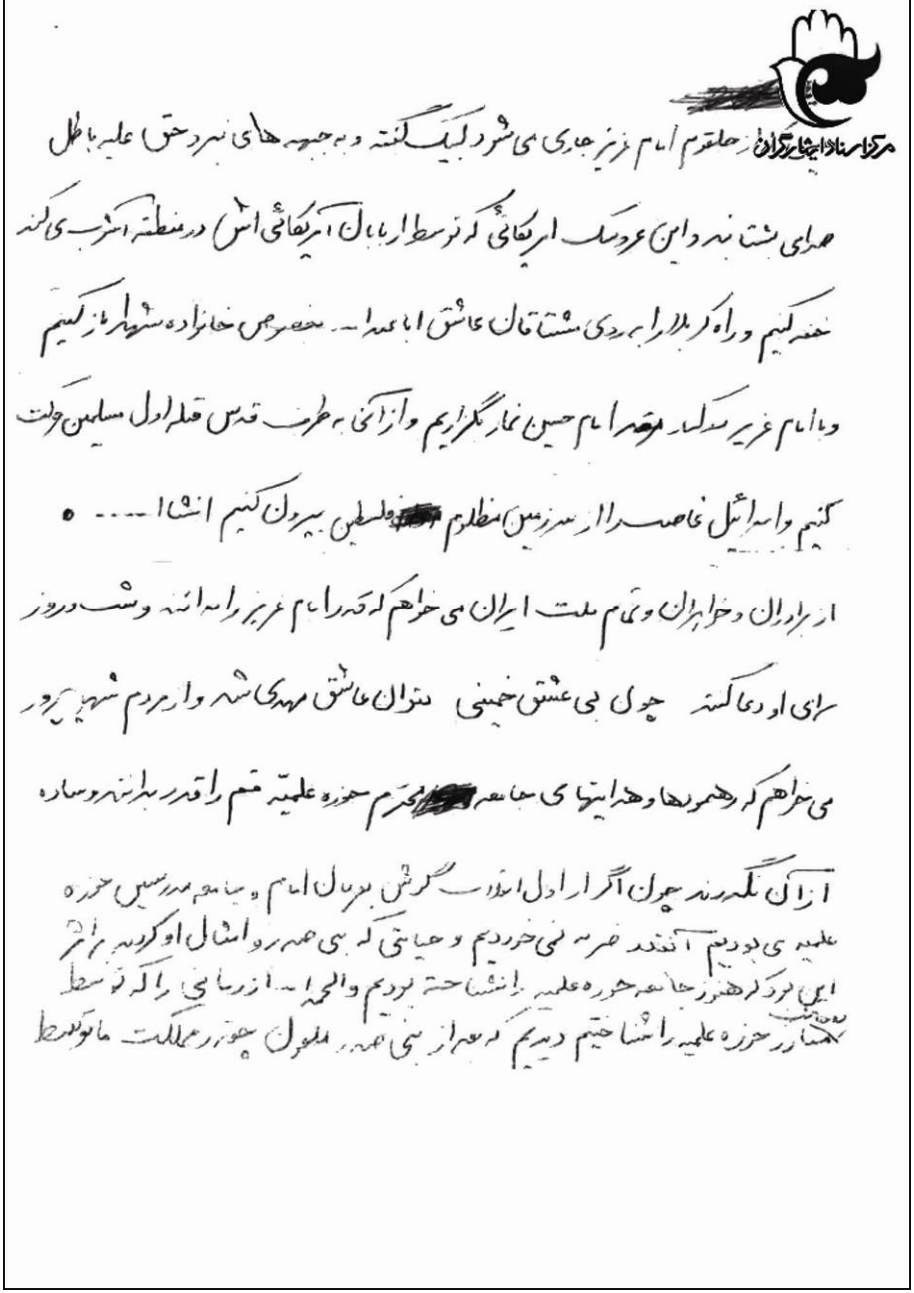

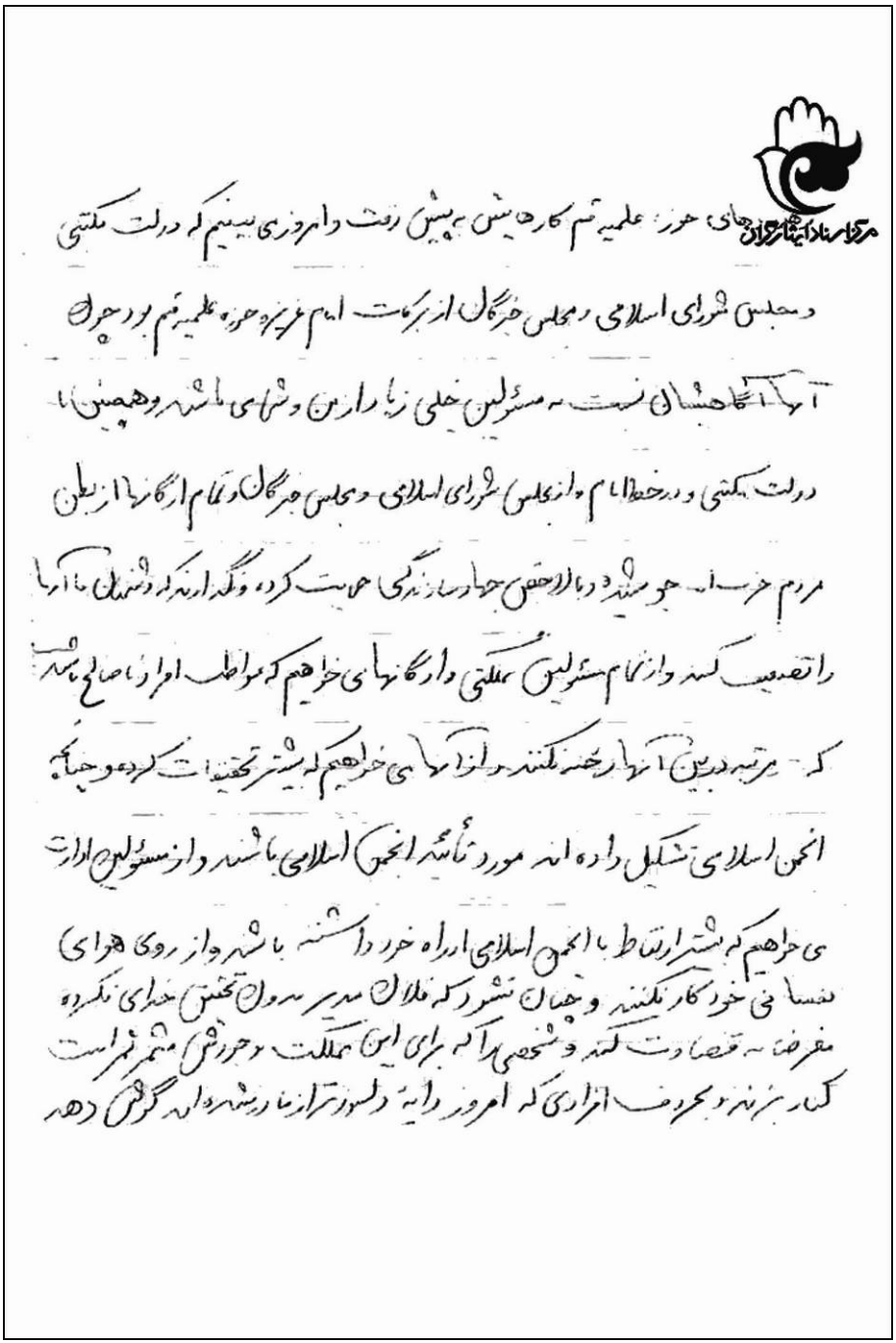

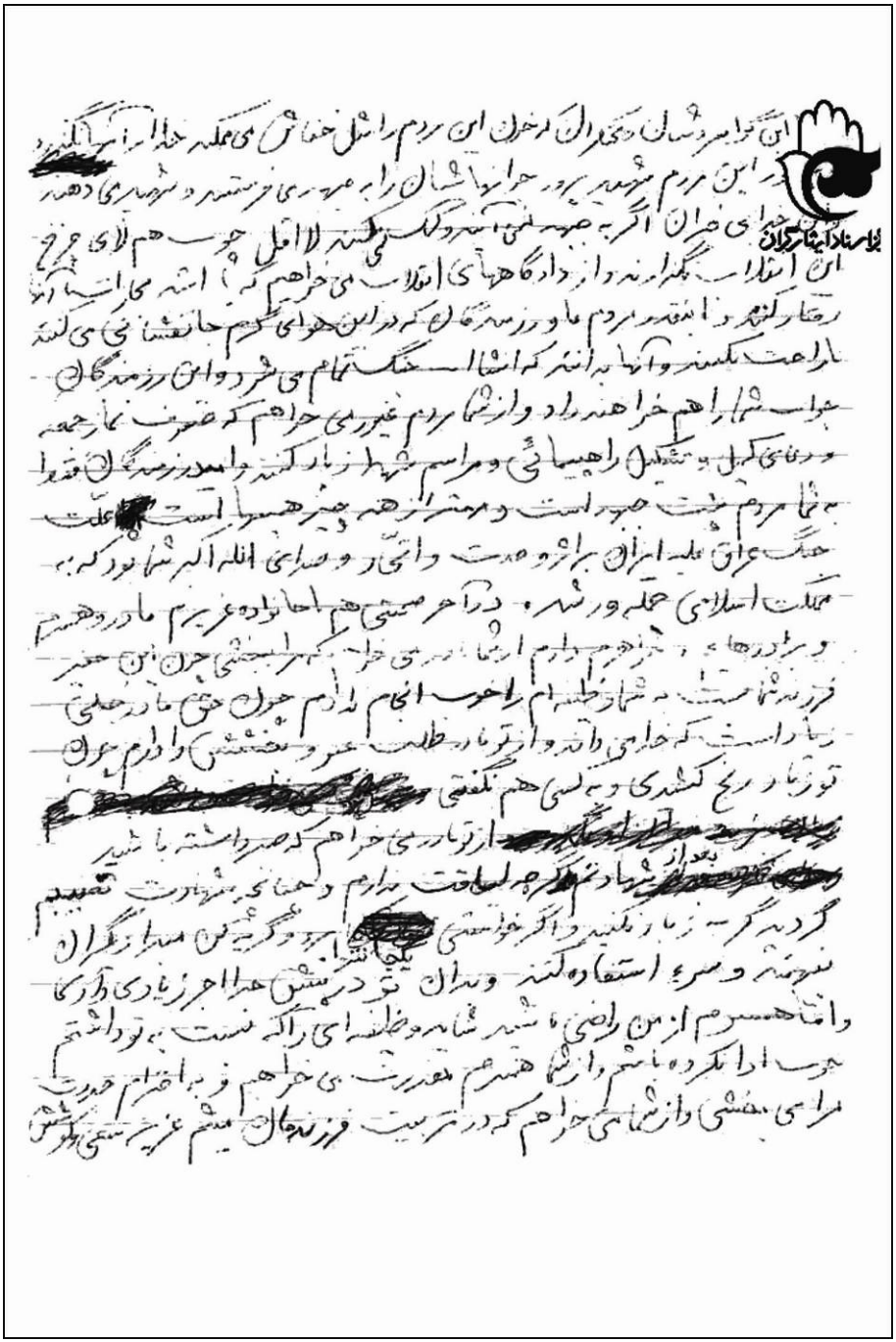

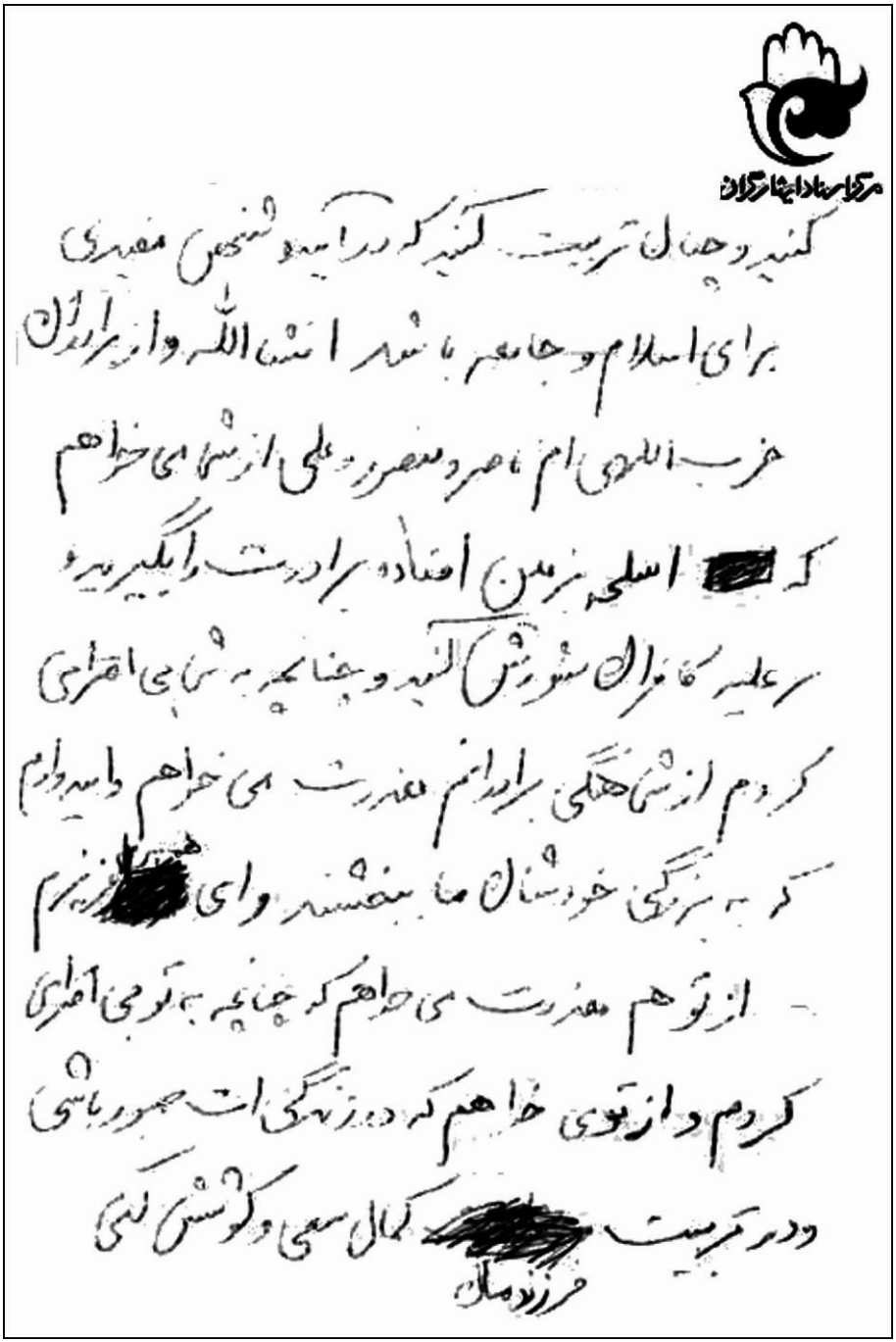

مرکز اسناد ایثارگران

کنید و چنان تربیت کنید که در آینده شخص مفیدی
برای اسلام و جامعه باشد انشاالله و از برادران
حزب اللهی ام ناصر و منصور و علی از شما می خواهم
که [redacted] اسلحه بزمین افتاده برادرت را بگیرید و
بر علیه کافران شورش کنید و چنانچه به شما بی احترامی
کردم از شما هنگی برادرانم معذرت می خواهم و امیدوارم
که به بزرگی خودشان ما ببخشند و ای [redacted] عزیزم
از تو هم معذرت می خواهم که چنانچه به تو بی احترامی
کردم و از تو می خواهم که در زندگی ات صبور باشی
و در تربیت [redacted] کمال سعی و کوشش کنی
فرزندمان

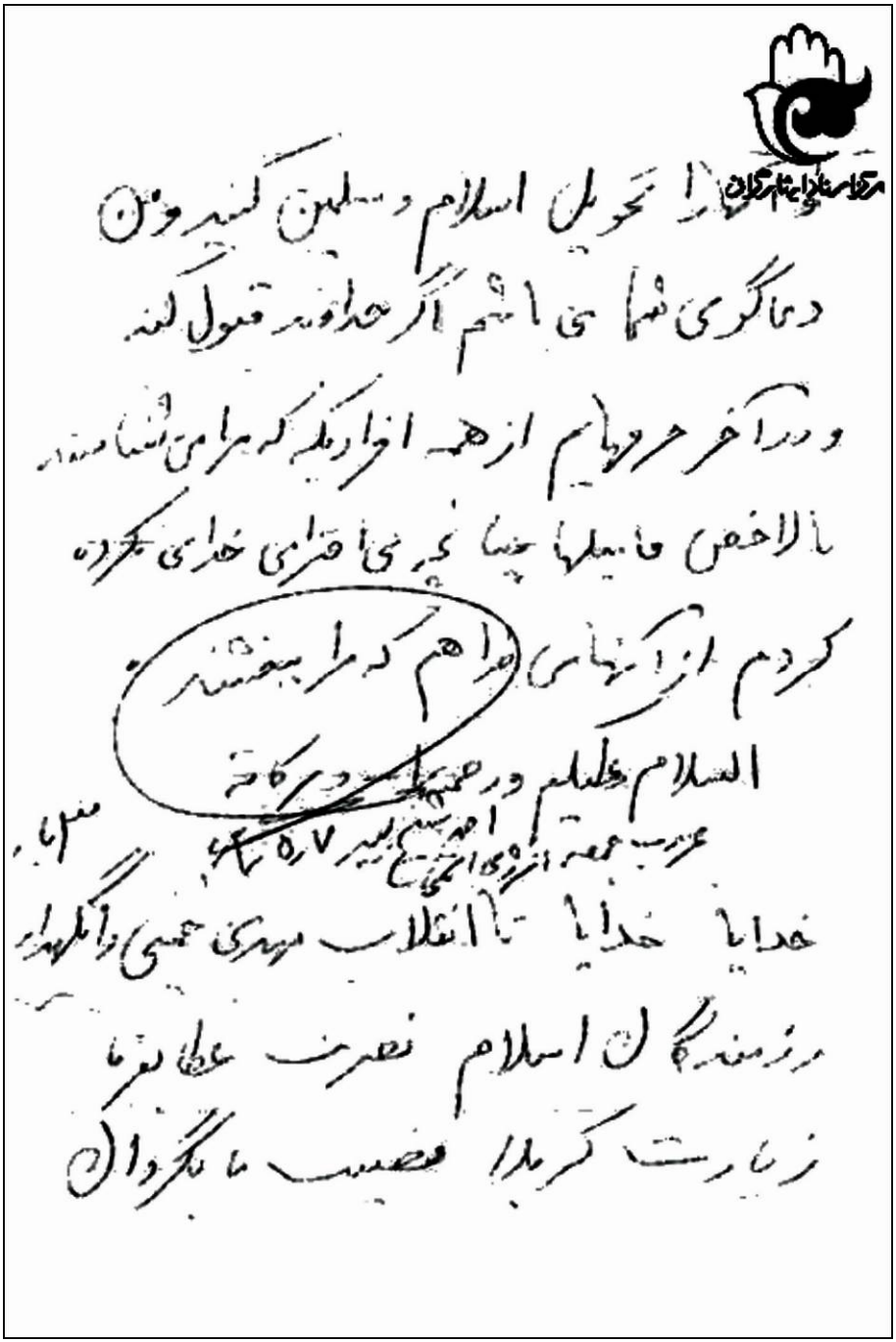

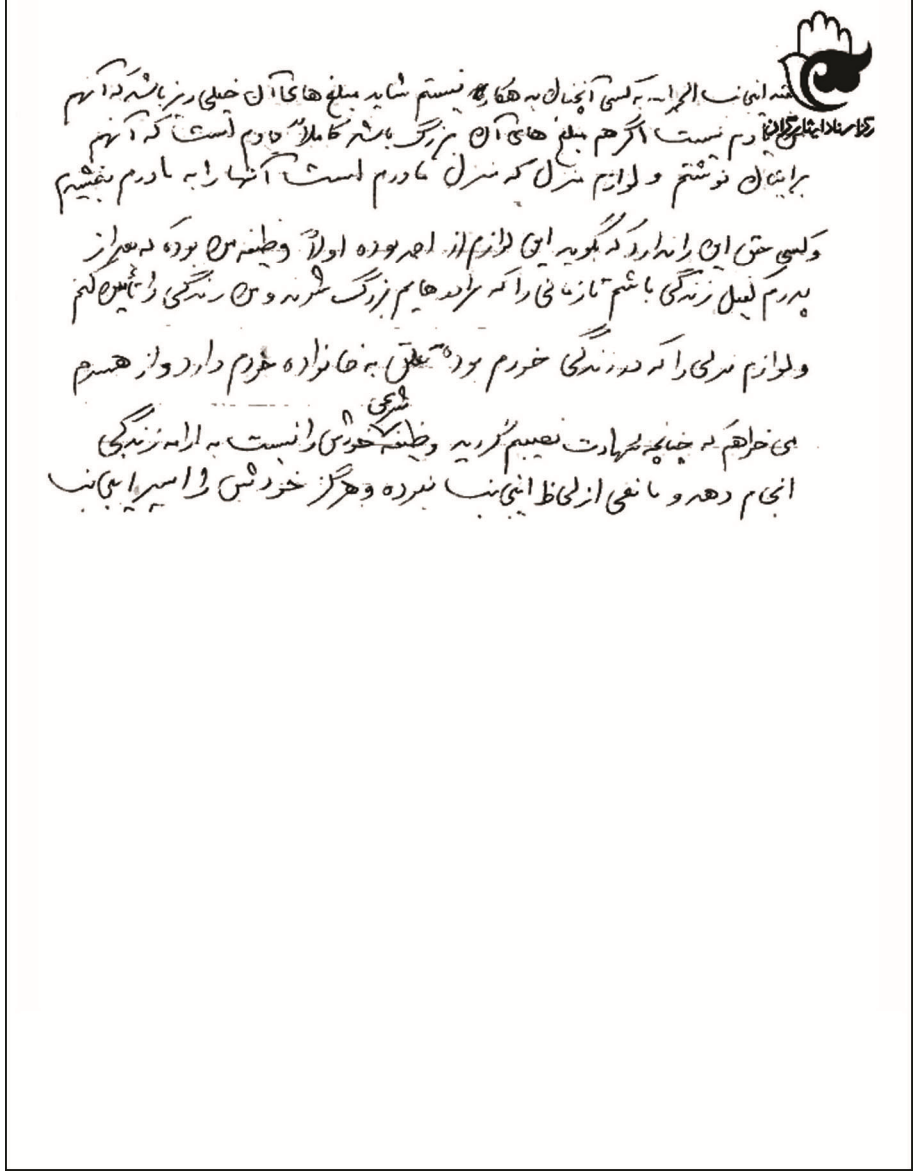

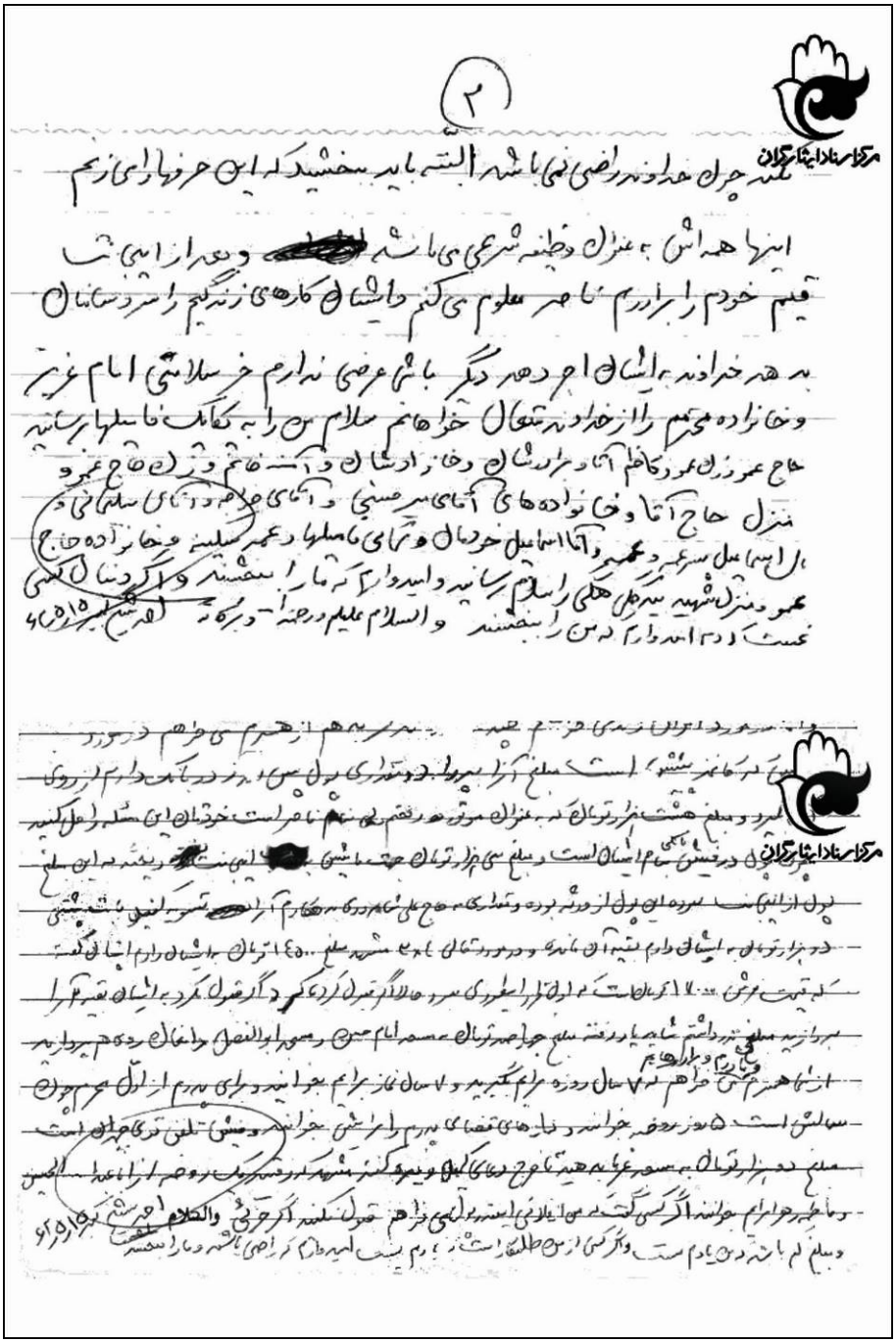

***** بسم الله الرحمن الرحیم *****

( بنام خداوند بخشنده مهربان )

سلام علیکم: با توفیق و آرزوی موفقیت و پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه های نبرد حق علیه باطل بر صدام صدامیان و دعا برای امام عزیز پیر جماران که بحق نایب امام زمان می باشد و خداوند از لحظه لحظه های مر ما را بگیر و بر عمر با برکت ایشان بیفزا خداوندا شکر و سپاس می کنم که این بار توفیق به این بنده حقیر و ضعیف ادی تا در مصاف با دشمن خون آشام و پلید که به هیچ وجه بوئی از انسانیت نبرده و چون حیوانات وحشی حمله می کند. به جبهه روی بیاورم و چون پیام امام و مرجعم را شنیدم نتوانستم لحظه ای به خود اجازه بدهم که رخانه بنشینم و ندای امام را لبیک نگویم و از اینکه بعضی از مردم ما فکر کرده اند که با پذیرش قطعنامه جنگ مام شده و صلح برقرار گردیده دیگر باید بفکر راحتی و آسایش زندگانی باشند ولی دیدید که این جرثومه فساد جنایتکار حرفهایش جز یک حیله و دروغ بیش نبود و بعد از پذیرش قطعنامه حمله هایش را به سوی جمهوری سلامی گسترش داده و خواست جمهوری اسلامی را از پای درآورد ولی یک آزمایش برای ما بود که خداوند ندگانش را امتحان کند و دیدیم چگونه مردم روی به جبهه ها آوردند و دشمن زبون را از پای درآورده و به آن سری مرزها فراریش بدهند و همانطور که خداوند میفرماید ( ومکرو ومکروالله والله خیرالماکرین ) و از امت شهید رورمی خواهم همچون جبهه ها را گرم نگه داشته و روی بسوی جبهه ها آورند و رزمندگان اسلام را یاری کنند هنوز کار تمام نشده و این خیانتکاران هرگز دست از ما نمی کشند و می خواهند اسلام عزیزمان را نابود کنند البته اید بفکر این نباشیم که چرا یک مقدار از خاکمان را گرفتند و یا اینکه ما در خاک دشمن هستیم اینها نباید در وحیه ما تاثیری کند و هدف ما اسلام است اگر بکشیم پیروزیم و اگر شهید هم بشویم پیروزیم دنیا آخرش مرگ است به مرگی با عزت از شهادت در راه خدا اگر لیاقت داشته باشیم انشاا... والسلام

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی

خمینی را نگهدار

باختران ۶۷/۵/۳

برادر حقیر احمد شیخ کبیر

***** و اینگونه هستند مقلدان راستین حضرت امام خمینی که به ندای هل من ناصر *****

او لبیک گفتند خداوند به ما توفیق بدهد که ادامه دهنده راه شهدای عزیزمان

باشیم انشاا....

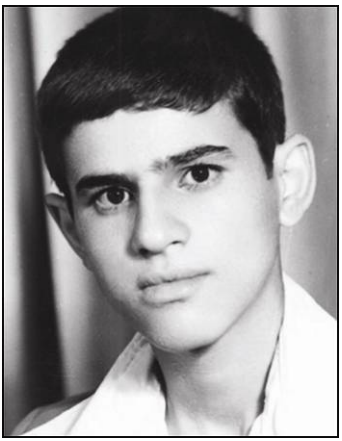

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: شیخ‌کبیر
نام پدر: علی‌اصغر
نام مادر: فاطمه
تاریخ تولد: پانزدهم تیر ۱۳۴۰
محل تولد: شهرستان شاهرود
تحصیلات: دیپلم
ارگان اعزام‌کننده: ارتش
تاریخ شهادت: دوم فروردین ۱۳۶۱
محل شهادت: دشت عباس
نحوهٔ شهادت: اصابت ترکش
مزار: گلزار شهدای زادگاهش

## عبارت‌های کلیدی

- از شما پدر و مادر و خواهر و برادر مبارز می‌خواهم که پیرو رهبر باشید و در هر نماز دعا کنید.
- من به فرمان رهبرم به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و تا آخرین قطرهٔ خون از این مملکت اسلامی و رهبر دفاع کرده و خواهم جنگید.
- بارالها، ما را به راه راست ثابت قدم نگاه‌دار.
- خدایا رهبرمان را سلامت دار و عمری طولانی نصیبش کن.

## علیرضا شیخ‌کبیر

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص»**

«به درستی که خدا دوست دارد آنان را که صف زده در راهش کارزار می‌کنند، گویا که ایشانند بنایی استوار ساخته شده» (سورهٔ صف/ آیهٔ ۴)

با درود فراوان به امید مستضعفان، بت‌شکن زمان، رهبر انقلاب، امام خمینی و با درود به شهدای از صدر اسلام تاکنون و با سلام بر پدر و مادر و خواهر و برادر و اقوام و دوستان و آشنایان.

از شما ملت شهیدپرور ایران، از شما پدر و مادر و خواهر و برادر مبارز می‌خواهم که پیرو رهبر باشید و در هر نماز دعا کنید که: بارالها به رهبرمان عمری طولانی عنایت بفرماید. من به فرمان رهبرم به جبهه‌های حق علیه باطل رفته و تا آخرین قطرهٔ خون از این مملکت اسلامی و رهبر [دفاع کرده و] خواهم جنگید. امیدوارم که خداوند این سعادت را به من و افتخار بزرگی به خانواده‌ام بدهد.

اما تو ای [...][1] حمید، این کار را برای خدا انجام می‌دهی نه برای خلق، بنابراین ضرورت ندارد که کسی بفهمد[2] فلان کار را انجام دادی. حمید، تظاهر و ریا و خودنمایی، دشمنان خونین تواند با آنها سرسختانه بستیز. حمید، از غضب خدا بترس و راحت‌طلبی رااز خود دور ساز.

من نجات از انحرافات و افتادن در گمراهی را مدیون دعای **«ربّنا لاتزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا و هب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهّاب»**[3] می‌دانم. بارالها، ما را به راه راست ثابت قدم نگاه‌دار، خدایا رهبرمان را سلامت[دار] و عمری طولانی نصیبش کن. خدایا ما را بیامرز. از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا ببخشند.

در اهتزاز باد پرچم جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی. نابود باد لشکر شیطان و کفر و نفاق.

---

۱- خوانا نیست.

۲- از سیاق کلام باید «بفهمد» باشد.

۳- آل‌عمران/ ۸ .

الله اکبر، خمینی رهبر.

**وصیت‌نامهٔ سرباز وظیفه علیرضا شیخ‌کبیر ۱۳۶۰/۶/۲**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

سلام به رهبران توحیدی از آدم تا خاتم و از محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تا صاحب‌الزمان(عج) و سلام بر نایب وارث انبیاء و امامان، خمینی کبیر، رهبر جهانی اسلام که چون شیر روزها می‌خروشد و شب‌ها چون جد بزرگوارش امام سجاد(علیه‌السلام) به دعا و نیایش خداوند مشغول است و سلام بر شهیدان گلگون کفن پاسدار، این حامیان دودمان حسین(علیه‌السلام) که مانند او غریبانه می‌جنگند و بسان او شهید می‌شوند و نهال انقلاب را آبیاری می‌کنند و سلام بر برادران روحانی و طلاب مسئول، این پیامبران عصرمان که به هر سو پیام این شهیدان را [برده] و مردم را از جرثومه‌های شوم آگاه می‌کنند و سلام بر ملت غیور و شهیدپرور ایران و نابودی و ذلت و خواری از آن مشرکین و کفار و منافقین و شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار باد.

در گرماگرم پیکار سختی که ملت به‌پا خاسته[1] و مسلمان ایران به رهبری قائد اعظم، خمینی کبیر، بر علیه استکبار جهانی آغاز نموده است و به هنگامی که یاران اسلام، چون ابوذر[2] و سلمان[3] و مقداد[4] و سمیه[5] و پاسداران اسلام و انقلاب و... همچون سدی محکم در مقابل یاران شیطان (آمریکا) ایستاده‌اند [و] می‌روند تا طومار این دجالان را در هم پیچند، انسان بر سر دو راهی انتخاب قرار گرفته است و یکی از این دو راه را باید انتخاب کند، یا عزت یا ذلت را، یا حسین را یا یزید را [و] یا تسلیم را یا شهادت را، یا بهشت را یا دوزخ را. کم‌کم احساس می‌کنم که می‌توانم شاهد زیبای شهادت را در تنگاتنگ در آغوش خود بفشارم و تا ابد از خود جدا نکنم، زیرا می‌خواهم شهادتم در خدمت اسلام و

---

۱- در اصل وصیت «خواسته».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

مسلمین باشد و این شهادت به‌زودی نصیب من خواهد شد، اما خدایا! در خود به هیچ وجه لیاقت شهادت را نمی‌بینم ولی می‌دانم و آگاهم که تو توبه‌پذیر هستی. «**و لئن متّم او قتلتم لألی الله تحشرون**» «اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید، غم مدارید که به رحمت ایزدی پیوسته و به‌سوی خدا محشور می‌شوید». (آیهٔ ۱۵۸، آل عمران)

بار پروردگارا! به همان‌ها که در راه پیکار با دشمنان تو خویشتن را به رنج‌ها افکندند و از همه‌چیزشان گذشتند، حتی از وجودشان، برای عظمت کلمهٔ توحید به قربانگاه رفتند واز هیچ چیز نهراسیدند، پروانه صفت ندای «**هل من ناصر ینصرنی**»[1] امامشان را لبیک گفته‌اند و رضای تو را به رضای غیر تو انتخاب کرده‌اند، تو را سوگند که ما را نیز به راهشان مستدام بدار، تا صمیمانه از سودای قلب و خلوص کامل در خط رهبری امام بی‌هیچ انحراف کوشا باشیم و آنچنان بر مرتبت و منزلت شهیدپرور اسلامی ایران بیفزای که هیچ ملتی هم‌سنگ و هم‌وزن آنان نباشد. آمین یا رب‌العالمین.

این امانتی را از برادر کوچکت قبول کن و نگه‌دار.

**وصیت‌نامهٔ سرباز اسلام**

**علیرضا شیخ‌کبیر**

**۱۳۶۰/۱۲/۱۰**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

وصیت نامه

بسم الله الرحمن الرحیم

ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص (سوره صف - آیه ۴)

بدرستیکه خدا دوست دارد آنان را که صف زده در راهش کارزار کنند گویا که ایشانند بنایی استوار ساخته شده.

با درود فراوان به امید مستضعفان، شب شکن زمان و رهبر انقلاب امام خمینی و با درود به شهدای از صدر اسلام تاکنون و با سلام بر پدر و مادر و خواهر و برادر و اقوام و دوستان و آشنایان.

از شما ملت شهید پرور ایران از شما پدر و مادر و خواهر و برادر مبارزی خواهم که پیرو رهبر باشید و در هر نماز دعا کنید که: بارالها به رهبرمان عمری طولانی عنایت بفرماید.

من به فرمان رهبرم به جبهه های حق علیه باطل رفتم و تا آخرین قطره خون از این مملکت اسلامی و رهبر خواهم جنگید امیدوارم که خداوند این سعادت را به من و افتخار بزرگی به خانواده ام بدهد اما تو را...

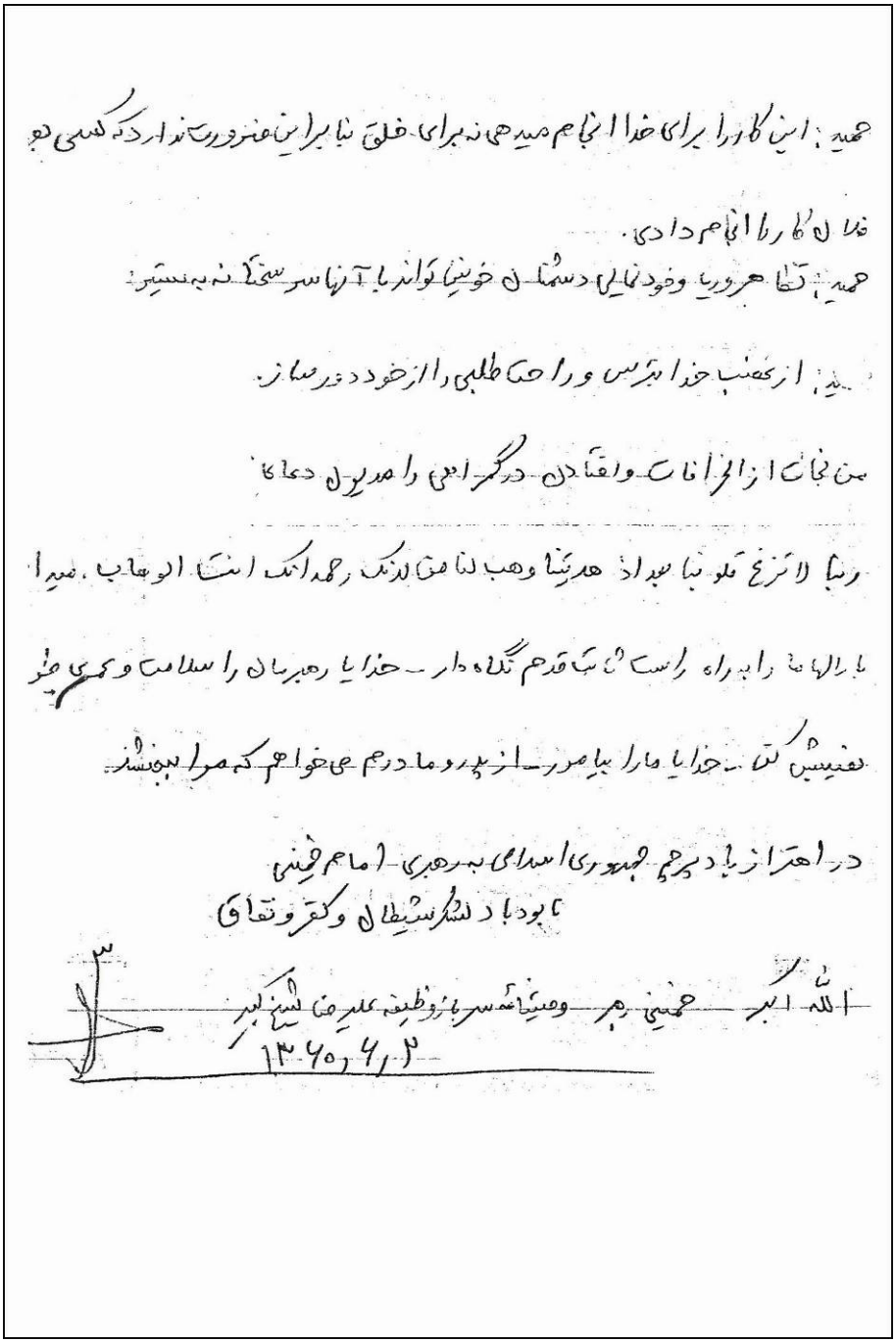

حمید: این کار را برای خدا انجام میدهی نه برای خلق بنابراین ضرورت ندارد که کسی بهـ

فلان کار را انجام دادی.

حمید: تظاهر و ریا و خودنمایی دشمنان خونین تواند با آنها سر سختانه به ستیز

حمید: از غضب خدا بترس و راحت طلبی را از خود دور ساز.

من نجات از انحرافات و افتادن در گمراهی را مدیون دعای

ربنا لا تزغ قلوبنا بعد اذ هدیتنا وهب لنا من لدنک رحمة انک انت الوهاب. میدا

بار الها ما را به راه راست ثابت قدم نگاه دار - خدایا رهبرمان را سلامت و عمری طو

نصیبش کن - خدایا ما را بیامرز - از پدر و مادرم می‌خواهم که مرا ببخشند

در اهتزاز باد پرچم جمهوری اسلامی به رهبری امام خمینی

تا بود باد لشکر شیطان و کفر و نفاق

الله اکبر خمینی رهبر وصیتنامه سرباز وظیفه علیرضا شیخ کبیر

۱۳۶۰/۶/۲

بسمه الرب الشهداء والصدیقین :

سلام به رهبران توحیدی از آدم تا خاتم و از محمد (ص) تا صاحب الزمان (عج) و سلام بر نائب و ارث انبیاء و امامان خمینی کبیر رهبر جهانی اسلام که چون شیر روزها می خروشد و شبها چون جد بزرگوارش امام سجاد به دعا و نیایش خداوند مشغول است و سلام بر شهیدان گلگون کفن پاسدار این حامیان دودمان حسین (ع) که مانند او غریبانه می جنگند و بسان او شهید می شوند و نهال انقلاب را آبیاری می کنند و سلام بر برادران روحانی و طلاب مسئول این پیامبران عصر - مان که به هر سو پیام این شهیدان را و مردم را از جرثومه‌های شوم آگاه می کنند وسلام بر ملت غیور و شهید پرور ایران و نابودی و ذلت و خواری از آن مشرکین و کفار و منافقین و شیطان بزرگ آمریکای جهانخوار باد . در گرما گرم پیکار سختی که ملت بپا خواسته و مسلمان ایران به رهبری قائد اعظم خمینی کبیر بر علیه استکبار جهانی آغاز نموده‌است و بهنگامی که یاران اسلام چون ابوذر و سلمان و مقداد و سمیه و پاسداران اسلام و انقلاب و . . . . همچون سدی محکم در مقابل یاران شیطان (امریکا) ایستاده‌اند می روند تا طومار این دجالان را در هم پیچند انسان بر سر دو راهی انتخاب قرار گرفته است و یکی از این دو راه را باید انتخاب کند یا عزت یا ذلت را یا حسین را یا یزید را یا تسلیم را یا شهادت را یا بهشت را یا دوزخ را . کم کم احساس می کنم که می توانم شاهد زیبای شهادت را در تنگا - تنگ در آغوش خود بفشارم و تا ابد از خود جدا نکنم زیرا می خواهم شهادتم در خدمت اسلام و مسلمین باشد و این شهادت بزودی نصیب من خواهد شد اما خدایا آیا در خود به هیچ وجه لیاقت شهادت را نمی بینم ولی میدانم و آگاهم که تو توبه پذیر هستی . ولئن متم او قتلتم لالی الله تحشرون . آیه ۱۵۸ - آل عمران

ـ اگر در راه خدا بمیرید یا کشته شوید غم مدارید که به رحمت ایزدی پیوسته و بسوی خدا محشور می شوید .

بار پروردگارا : به همانا که در راه پیکار با دشمنان تو خویشتن را به رنجها افکندند و از همه چیزشان گذشتند حتی از وجودشان برای عظمت کلمهٔ توحید به قربانگاه رفتند و از هیچ چیز نهراسیدند پروانه صفت ندای هل من ناصر ـ ینصرونی امامشان را لبیک گفته‌اند و رضای تو را به رضای غیر تو انتخاب کرده‌اند تو را سوگند که ما را نیز به راهشان مستدام بدار تا صمیمانه از سودای قلب و خلوص کامل در خط رهبری امام بی‌هیچ انحراف گوشا باشیم و آنچنان بر مرتبت و منزلت شهید پرور اسلامی ایران بیفزای که هیچ ملتی همسنگ و هموزن آنان ـ نباشد .آمین یا رب‌العالمیـــــن .

این امانتی را از برادر کوچکت قبول کن و نگهدار .

وصیتنامهٔ سرباز اســـلام

علیرضا شیخ کبیـــــر ـ ۱۰ / ۱۲ / ۱۳۶۰

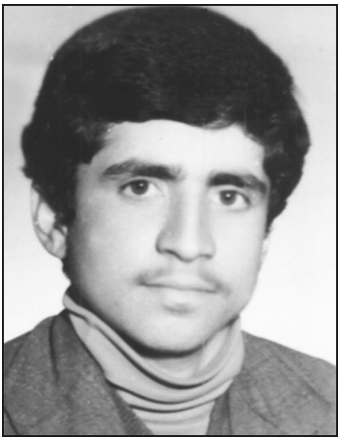

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **شیرپور**
نام پدر: **رحمت‌الله**
نام مادر: **صغرا**
تاریخ تولد: **بیستم اردیبهشت ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- امام را برای یاری اسلام و رهبری مردم می‌فرستد و اسلام را از نابودی نجات می‌دهد.
- رزمندگان اسلام در راهی قرار گرفتند که پایان این راه بهشت ابدی است.
- ما هم به‌خاطر اینکه شهادت را ادامهٔ راه حسین ابن علی(علیه‌السلام) و سعادت برای انسان می‌دانیم، برای شهادت حاضریم.
- برادران و خواهران عزیزم! در پی حفظ اسلام باشید.
- برادران و امت حزب‌الله! حضور خود را در صحنه حفظ کرده و مواظب توطئه‌های داخلی و خارجی باشید.
- جوانان آموزش دیده و عاشقان کربلا! بشتابید به‌سوی جبهه‌ها برای فتح کربلا.
- خواهرانم! سنگر خودت را که حجابت است، حفظ کنید و در حفظ انقلاب کوشا باشید.
- امام را دعا کنید.
- رزمندگان را دعا کنید.
- نماز جمعه و نماز جماعت را فراموش نکنید.
- دعای کمیل و توسل را بخوانید.

**حسین شیرپور**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

«اللهم اجعلنی من جندک فانّ جندک هم الغالبون واجعلنی من حزبک فانّ حزبک هم المفلحون واجعلنی من اولیائک فانّ اولیائک لاخوف علیهم و لا هم یحزنون»[۱]
«خداوندا مرا از لشکریان خودت قرار بده که همانا لشکر تو پیروز و غالب است، پروردگارا مرا از حزب خودت قرار بده. همانا لشکر تو پیروز و غالب است. خداوندا مرا از دوستان خودت قرار بده که همانا دوستان تو از هیچ چیز ترسی و واهمه‌ای ندارند».

با شکرگزاری به درگاه پروردگار متعال و با صلوات بر رسول او، حضرت محمد(ص) و اهل‌بیت او و با سلام خدمت منجی عالم بشریت، یاور رزمندگان، امام زمان(عج) و با سلام و درود خدمت رهبر کبیر انقلاب و فرماندهٔ کل قوا و نایب بر حق امام عصر(عج)، که با رهبری خود، آن‌چنان اسلام را زنده کرد که پیامبر و امام حسین(علیه‌السلام) کردند. و با سلام و درود و آرزوی پیروزی برای رزمندگان اسلام و امت حزب‌الله. و سلام بر شهیدان و خاندان آنها و سلام بر معلولین و مجروحین و خاندان آنها و سلام بر رزمندگان و خاندان آنان.

وصیت‌نامه الحقیر حسین شیرپور فرزند رحمت‌الله شناسنامه ۷۰، ساکن دامغان. وصیتی ندارم که بکنم، اما آنچه اسلام بر عهده من گذاشته انجام می‌دهم، چون‌که قابل وصیت کردن نیستم. اما هدف از آمدنم به جبههٔ حق علیه باطل این بود که توانسته باشم دین خود را به اسلام و قرآن ادا[۲] کرده باشم. از آنجا که اسلام دین حق و جهان‌گستر است و توسط پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) برای نجات مردم آورده شد و برای تحقق بخشیدن به آن چقدر زحمت و مشقت کشید و ادامهٔ تحقق آن را به امامان سپرد و ائمه هم با نثار جان خود و ریختن خون خود، این امانت را نگه‌داری و تحقق بخشیدند[۳] امام حسین(علیه‌السلام) باوجود کمبود یاور در مقابل کفر یزیدی ایستادگی کرد و عاشورا به‌وجود آورد و بهترین یارانش و حتی تمام

---

۱- مفاتیح‌الجنان، (دعای روزهای هفته)، دعای روز سه‌شنبه.
۲- در اصل وصیت «ادعا».
۳- در اصل وصیت «بخشیدن».

یارانش را در آن روز هدیه اسلام کرد و خودش هم در آخر فدای قرآن و اسلام کرد، اما با کشته شدنش اسلام از بین نرفت[۱]، بلکه پایه‌های اسلام مستحکم‌تر شد، چون‌که امام حسین(علیه‌السلام) و یارانش شهید شده بودند و خود را زنده نگه‌داشتند. و این اسلام است که امروز بدین‌صورت به‌دست ما سپرده شده است، اسلامی که طاغوتیان و خاندان پهلوی با الهام از سرپرست خود یزید بن معاویه در پی این بودند که آنها را به هر [...][۲] که شده است ازبین ببرند و کفر را جایگزین آنها کنند، اما نصرت خداوند فرا می‌رسد و امام را برای یاری اسلام و رهبری مردم می‌فرستد و اسلام را از نابودی نجات می‌دهد. و این هدیهٔ خدادادی هم به‌وسیلهٔ شهدای انقلاب استمرار و پابرجای ماند و خطرهایی را برای کفرصفتان زمان و جهان‌خواران غرب و شرق به‌وجود آورده و آنها را از منافعشان با زور دستاورد خود به دور کرده و این کافران[۳] با به‌وجود آوردن توطئه‌هایی از قبیل جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی در پی نابودی قرآن و ایران اسلامی کمر همت بستند و من هم به‌خاطر حفظ دستاورد خون شهیدان قدم بر جبهه نهادم و افتخار هم می‌کنم که پا در جبهه و در صف مجاهد مردان قرار گرفتم.

رزمندگان اسلام در راهی قرار گرفتند که پایان این راه بهشت ابدی است و من هم که در این راه نهاده شده‌ام، اگر خداوند توفیق شهادت نصیبم کرد، این افتخار و سعادتی است که خداوند به من عطا فرموده است و ما هم به‌خاطر اینکه شهادت را ادامهٔ راه حسین ابن علی(علیه‌السلام) و سعادت برای انسان می‌دانیم، برای شهادت حاضریم. همان‌طور که امام عزیزمان فرمود: «همین شهادت‌ها است که پیروزی را بیمه و دشمن را رسوا می‌کند.»[۴]

برادران و خواهران عزیزم! در پی حفظ اسلام باشید و نگذارید زالوصفتان و خفاشان شب، کسانی که ظلمت آنها را فراگرفته، با نقشه‌های و توطئه‌های خود آن را خدشه‌دار کنند. مواظب ابرقدرت‌ها باشید که هر روز و ساعت و هر دقیقه در فکر از بین بردن این انقلاب هستند و اگر شما امت حزب‌الله را ببینند که از بیداری خود کاسته‌اید، حتماً بدانید

---

۱- در اصل وصیت «زود».

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «کفاران».

۴- عبارت شهید به این سخن امام اشاره دارد «شما ملت ایران با خون خود، با جوان‌های خود اسلام را بیمه کردید. دست اجانب را قطع کردید.» (صحیفه امام، ج۶، ص۲۷۰).

که ضربه به انقلاب اسلامی خواهد زد. و مواظب نیروهای بالقوه امپریالیسم باشید (منافقین[۱] و کفار داخلی) که در داخل کشور قد علم نکنند. برادران! ضربهٔ اینها بیشتر است از آن ضربه جهانخواران، چون‌که اینها چهرهٔ اسلامی به خود گرفته‌اند.

خلاصه برادران و امت حزب‌الله! حضور خود را در صحنه حفظ کرده و مواظب توطئه‌های داخلی و خارجی باشید. اینها تحقق نمی‌یابد، مگر اینکه دنباله‌رو رهبر کبیر انقلاب باشید و حرف شما حرف او، راه شما راه او باشد، که در این حال است که پیروزید و اگر خدای نکرده در این امر سهل‌انگاری بشود، دوباره کفر مستقر خواهد شد. از شما امت حزب‌الله التماس دعا دارم، برای سلامتی امام امت، برای فرج در ظهور حضرت مهدی(عج) و پیروزی رزمندگان اسلام و به‌خصوص جبهه. جبهه‌ها فراموش نکنید. ای جوانان آموزش دیده و عاشقان کربلا! بشتابید به‌سوی جبهه‌ها برای فتح کربلا.

خدمت خانوادهٔ عزیزم، به‌خصوص پدر و مادرم

از شما درخواست می‌کنم که از من راضی باشید و خوشحال باشید از اینکه توانستم در جبهه حضور بیابم و هیچ ناراحتی نداشته باشید. پدر و مادرم اگر خداوند متعال مرا شهید کرد، شما افتخار کنید به شهادت فرزندنان که لااقل در راه خدا شهید شدم و فرزندی را تربیت کردید که جزء منافقین نشد و جزء کسانی نشد که در مقابل اسلام قرار گیرد. و از شهادتم هیچ اندوهی نداشته باشید و دل خود را ببرید پیش پدران و مادران دیگر شهیدان. و این رادر نظر داشته باشید که امام امت در موقعی که فرزند برومندش حاج آقا مصطفی را به شهادت رساندند، امام در مقابل شهادت فرزند خود هیچ اندوهی از خود نشان نداد و «این شهادت را یکی از الطاف خفیه الهی دانست»[۲]. ببینید امام چه‌طور است، شما هم امام را الگو قرار دهید و یا که [...][۳] امام حسین(علیه‌السلام) فرزند کوچکش علی‌اصغر[۴](علیه‌السلام) و جوانش علی‌اکبر (علیه‌السلام) را با خوشحالی و با خیال راحت نثار اسلام کرد و شما هم باید

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- امام خمینی با اشاره به شهادت فرزندشان آیت‌الله سیدمصطفی خمینی فرمود: «این‌طور قضا یا مهم نیست خیلی پیش می‌آید برای همهٔ مردم پیش می‌آید و خداوند تبارک و تعالی الطافی دارد ظاهر و الطاف خفیه، یک الطاف خفیه‌ای خدای تبارک و تعالی دارد که ماها علم به آن نداریم». (صحیفه امام، ج۳، ص ۲۳۵- ۲۳۴).

۳- خوانا نیست.

۴- ر.ک. تعلیقات.

امـام حسـین(علیه‌السلام) را الگـو قـرار دهیـد و همـان‌طـور کـه در محـرم بـرای شـهادت امـام حسین(علیه‌السلام) گریه و عزاداری می‌کنید.

خواهرانم! سنگر خودت [را] که حجابت است، حفـظ کـن و در حفـظ انقـلاب کوشـا باشید و برادرم نعمت‌الله! نکند اسلحه‌ام به زمین بیفتد و تو حمل کنندهٔ اسلحهٔ مـن هسـتید، از تو می‌خواهم راه مرا ادامه دهید و بـر فعالیـت خـود در راه اسـلام کوشـاتر باشـید. اگـر جنازه‌ام به‌دست شما رسید، در کنار دیگر شهیدان بزرگوار شهرمان به‌خـاک سـپارید و اگـر هم جنازه‌ام به‌دست شما نرسید، باز هم غمی نداشته باشید و به فکر دیگـر شـهیدان گمنـام باشید. آن‌قدر پولی که دارم در راه جبهه جنگ بدهید در صورتی که احتیاج نداشتید.

امام را دعا کنید، رزمندگان را دعا کنید، نماز جمعه و نماز جماعت را فراموش نکنیـد و دعای کمیل و توسل را بخوانید، یک مقدار نماز و روزه برای من بخوانید و بگیرید.

**این بود وصیت‌نامهٔ این حقیر حسین شیرپور**

**۶۱/۷/۲۹**

**جبههٔ اسلام**

**حسین شیرپور**



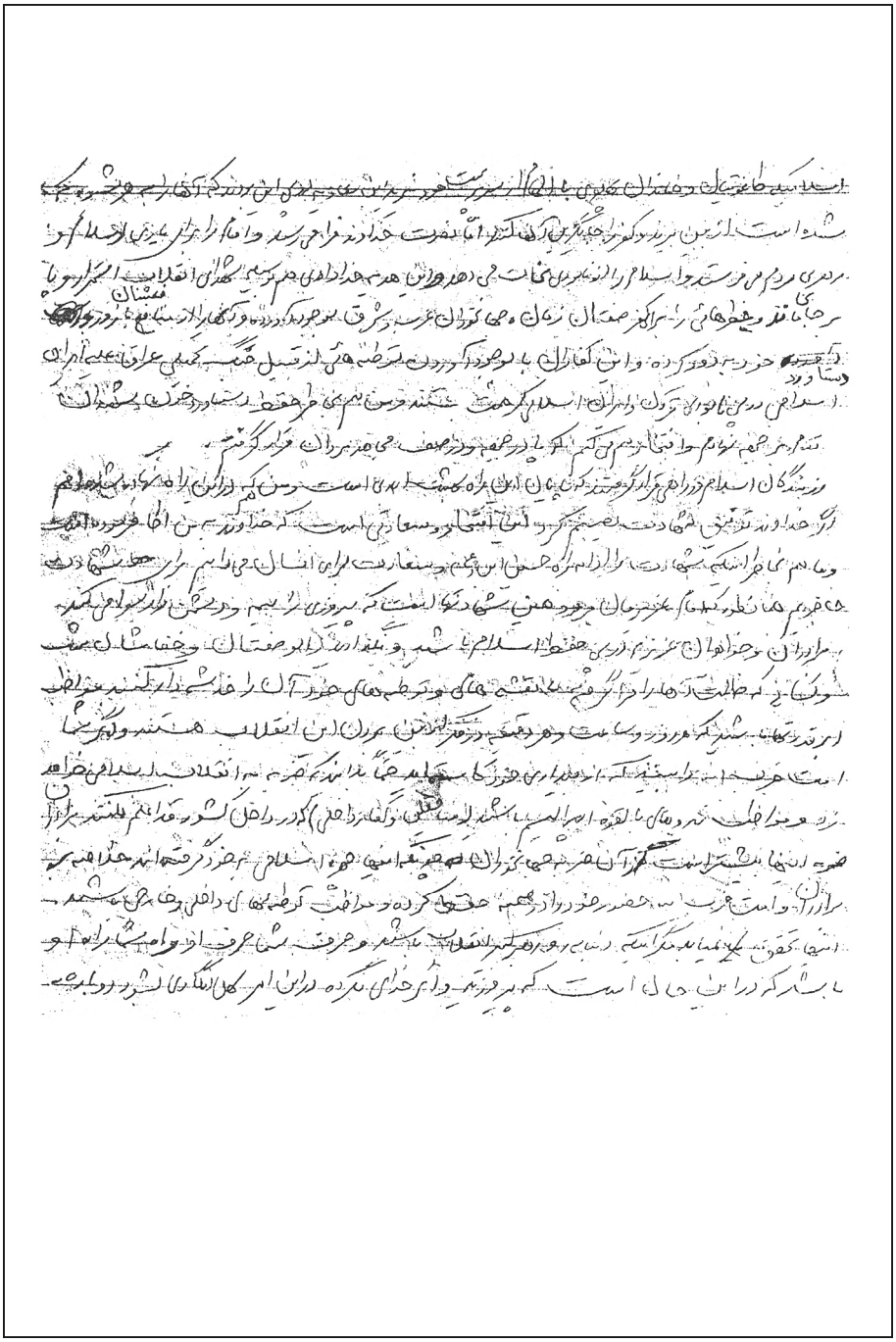

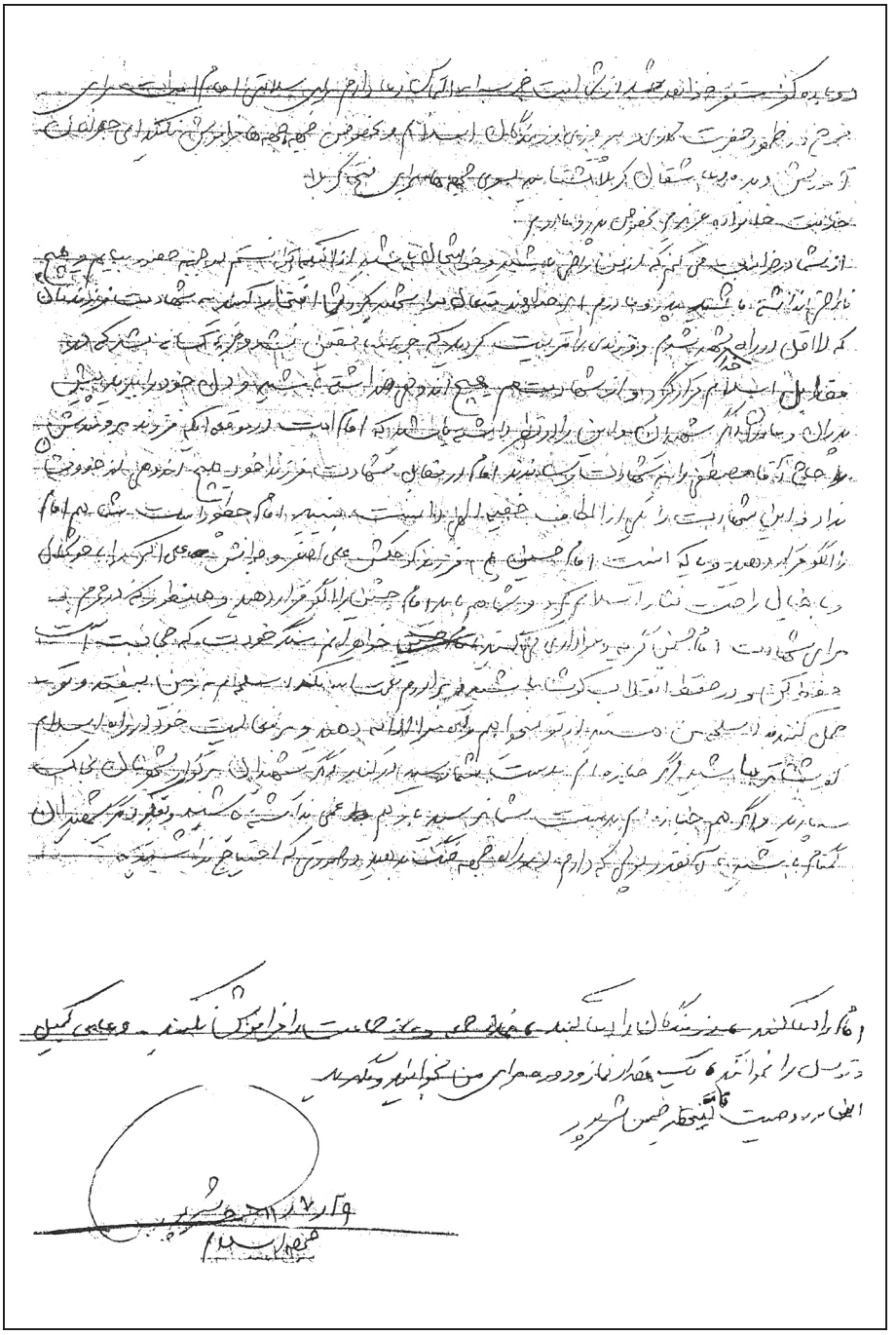

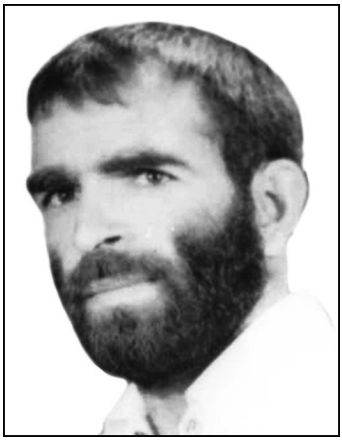

نام: **عباسعلی**
نام خانوادگی: **شیرعلی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
**نام مادر: زهرا**
تاریخ تولد: **بیست‌وچهارم اردیبهشت ۱۳۳۲**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم فروردین ۱۳۶۵**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- جهاد بر کسی که حق را شناخته واجب است.
- امروز وظیفه داشتم به پیام امام امت لبیک گفته، روانهٔ جبهه‌های حق علیه باطل شوم.
- بهتر از جانم چیزی ندارم که فدای اسلام کنم.
- خدایا از تو می‌خواهم که خونم را بپذیری که بتوانیم حقانیت اسلام را ثابت کنیم.
- با نظم کامل و با صف‌های فشرده به نمازهای جماعت و جمعه بروید.
- در صحنه باشید و با کمک‌های خود رزمندگان را فراموش نکنید.
- همسر گرامی از شما می‌خواهم که فرزندان عزیزم را همانند زینب(علیهاالسلام) و علی‌اکبر(علیه‌السلام) تربیت کن.
- سعی کنید همیشه در خط اسلام و ادامه دهندگان راه شهیدان قدم بردارید.
- این جبهه را که جبههٔ اسلام است را تقویت کنید.
- قدر امام امت این نعمت بزرگ الهی را بدانید.

## عباسعلی شیرعلی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**

«البته نپندارید که شهیدان راه خدا مُردند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود.» (سورهٔ آل عمران آیه[۱] ۱۶۹)

سلام و درود فراوان بر همهٔ انبیاء و ائمه اطهار، مخصوصاً بقیةالله الاعظم، امام زمان(عج) روحی و ارواح[۲] العالمین له الفدا و نایب برحقش، امام عظیم‌الشأن، خمینی کبیر و با درود و سلام به کلیهٔ شهدا، از شهدای صدر اسلام تا شهدای جنگ تحمیلی و یاری کنندگان دین خدا و به امید سرنگونی کفر جهانی و برافراشته شدن پرچم اسلام در جهان.

اینجانب عباسعلی شیرعلی وصیت‌نامهٔ خودم را آغاز می‌کنم. خدای را شکر که به من توفیق داد تا مدتی را در خدمت عاشقان امام حسین(علیه‌السلام) و رزمندگان اسلام باشم و به آنها خدمت کنم. جهاد بر کسی که حق را شناخته واجب است و این فریضه‌ای عینی است که همه روزه در هر مکان با دشمنان حق بستیزید. جهاد با کسی که از راه حق دوری گرفته و به اختیار خود به سراشیب نابینایی و گمراهی فروافتاده بر رهروان حق واجب است. ما کمر همت بسته‌ایم تا با مردمی که آیین خداوند را نادیده گرفته‌اند و اموالی را که غصب نموده‌اند، حدود شرعی را کنار گذاشته‌اند و حق را پایمال کرده‌اند و در زمین فساد پراکنده‌اند و با قاسطین[۳] پیوند دوستی بسته‌اند، نبرد کنیم. و من امروز وظیفه داشتم به پیام امام امت لبیک گفته، روانهٔ جبهه‌های حق علیه باطل شوم، تا بهتر از جانم چیزی ندارم که فدای اسلام کنم. خدایا از تو می‌خواهم که خونم را بپذیر[ی] که بتوانیم حقانیت اسلام را ثابت کنیم.

و اما امت حزب‌الله! همه باید از خداوند تبارک و تعالی بخواهیم که سایهٔ پربرکت امام امت و امید امام را بر سر ما و ملت‌های مسلمان همواره مستدام بدارد. امت شهیدپرور!

---

۱- در اصل وصیت «سوره».

۲- در اصل وصیت «ارواحنا».

۳- ر.ک. تعلیقات.

هوشیار باشید و با نظم کامل و با صف‌های فشرده به نمازهای جماعت و جمعه بروید و خصوصاً نماز عبادی سیاسی جمعه. و با نظم اسلامی مراقب امور بوده که خدای نکرده یک وقتی منحرف، یا از خط اصیل انقلاب اسلامی، که همان خط ائمه اطهار و انبیاء و خط قرآن است، خارج نشوید. امت حزب‌الله تاکنون که شما همواره در صحنه بودید به فرمان‌های امام امت گوش داده‌اید و رزمندگان را در جبهه یاری داده‌اید، سعی کنید از این به بعد هم در صحنه باشید و با کمک‌های خود رزمندگان را فراموش نکنید. خیلی از شما امت حزب‌الله ممنون و متشکرم و اگر از این حقیر بدی [دیده‌اید]، یا کاری کردم که باعث ناراحتی شماها شده است، حلالم کنید.

پدر و مادر گرامی و ارجمندم! خیلی خیلی از شما ممنونم و تشکر می‌نمایم که در حق من زحمت‌ها کشیدید و از خداوند بزرگ همیشه سپاس گفتم که چنین پدر و مادری به ما عنایت فرموده و از شما التماس دعا دارم و از شما می‌خواهم که اگر کاری کردم که باعث ناراحتی و اذیت شما شده‌ام مرا ببخشید و حلالم کنید.

همسرگرامی و فرزندان عزیزم! من از شما شرمنده‌ام، زیرا که نتوانستم آن حقی [را] که بر گردن من داشتید ادا کنم، مرا ببخشید. خدای [را] شکر می‌کنم که چنین همسری به من عنایت فرمود. سعادت و سلامتی دو جهان را از خداوند بزرگ خواستارم.

فرزندان عزیزم، اعظم جان، مرتضی جان، محمد جان و زینب جان! مرا ببخشید که نتوانستم حق پدری را نسبت به شماها اداء کنم. همسر گرامی از شما می‌خواهم که فرزندان عزیزم را همانند زینب(علیهاالسلام) و علی‌اکبر[1](علیه‌السلام) تربیت کن و آنها را در تعلیم دین اسلام کوشا باش.

برادران و خواهران گرامی! سعی کنید همیشه در خط اسلام و ادامه دهندگان راه شهیدان قدم بردارید و این جبهه را که جبههٔ اسلام است [را] تقویت کنید و از کمک‌های خود به جبهه دریغ نورزید. قدر امام امت این نعمت بزرگ الهی را بدانید و در اطاعت از فرامینش کوشا باشید. در پایان از تمام دوستان و آشنایان و فامیلان نزدیک و دور و همسایگان عزیزم [می‌خواهم]، اگر از این حقیر بدی [دیده‌اید] یا کاری کردم که باعث

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

ناراحتی شما شده است، مرا حلال کنید. و از همه مؤمنین التماس دعا برای سلامتی امـام و نصرت کفرستیزان اسلام و آمرزش گناهان این بندهٔ گناهکار دارم.[۱]

**۶۴/۹/۲۵**

**بندهٔ حقیر خدا**

**عباسعلی شیرعلی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

به‌نام الله یگانه پاسدار حرمت خون شهدا

اینجانب عباسعلی شیرعلی عاجزانه از شما عزیزان تقاضا دارم که من در حدود ۷ سال نمـاز قضا و ۶۴ روز، روزهٔ قضا دارم. برایم بگیرید. و اگر جنازهٔ مرا آوردند، قبـل از اینکـه دفـن شوم، چهل مؤمن مرا شفاعت کنند و یک عدد تربت کربلا در قبر همراه جنازهٔ من بگذارنـد و یک نفر شب اول قبر برایم نماز وحشت به‌جای آورد.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**۶۴/۱۱/۲۰**

**ساعت ۴/۵ بعدازظهر**

---

۱- شهید دو شعار زیر را بالای وصیت‌نامه اضافه کرده است- جنگ جنگ تا پیروزی- جنـگ جنـگ تـا رفـع فتنـه در عالم.

بسمه تعالی

**وصیتنامه**

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ ــ هدف از آمدن به جبهه

۲ ــ پیام

۳ ــ رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار وظرف دیون، واجباتی که به‌گردن داشته ازجمله نماز وروزهٔ قضا و ..... ، خیرات وصدقات نسبت به ــ مال ردمظالم و ...

وَلا تَحسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلوا فی سَبیلِ اللّهِ اَمواتًا بَل اَحیاءٌ عِندَ رَبِّهِم یُرزَقونَ

البته نپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده به حیات ابدی می‌باشند و در درگاه خدا متنعم خواهند بود.

(سورهٔ آل عمران آیهٔ ۱۶۹)

سلام و درود فراوان بر همهٔ انبیاء و ائمه و مخصوصاً بقیة الله الاعظم امام زمان روحی و ارواحنا له الفداء و نایب برحقش امام عظیم الشان عزیز و درود و سلام بر تمامی شهداء از شهدای صدر اسلام تا شهدای جنگ تحمیلی و ویرانگر که دین خدا و ناموس رسول الله را پاس داشتند و برافراشته نگه داشتند و پرچم اسلام را در جهان برپا نمودند و اما وصیت نامه شرعی من قرض دارم مقدار ... تومان که باید از اموالم پرداخت شود و اگر نتوانستید از اموالم بپردازید از امام زمان (عج) و از مقام معظم رهبری (مدظله العالی) و از آیة الله ... که مرجع تقلید من هستند طلب عفو و بخشش کنید و اگر دینی به کسی دارم و او را راضی نکرده‌ام و یا حقی بر گردن من دارد و او را راضی نکرده‌ام و یا حقی بر گردن من دارد و او را راضی نکرده‌ام و یا حقی بر گردن من دارد

وصیتم را نوشتم و پیام امام امت را بگفتم و راه و خط حق‌طلبان و باطل‌ستیزان را پیش گرفتم و از جانم هیچ
ندارم که فدای اسلام کنم خدایا از تو می‌خواهم که خونم را ببینی که بتوانیم حقانیت اسلام را ثابت کنیم.
و اما امت حزب‌الله: هدایت باد از خداوند تبارک و تعالی بخواهم که سایه پربرکت امام امت را بر سر
ما و ملتهای مسلمان همواره مستدام بدارد، امت شهیدپرور هوشیار باشید و با تعلم کامل و با صفهای فشرده
به نمازهای جماعت و جمعه بروید و خصوصاً نماز عبادی سیاسی جمعه و با تعلم اسلامی مراقب امور بوده که خدای نکرده
یک وقتی منحرف یا از خط اصیل انقلاب اسلامی که همان خط ائمه اطهار و انبیاء و خط قرآن است
خارج نشوید. امت حزب‌الله تاکنون که شما همواره در صحنه بوده‌اید و فرمانهای امام امت گوش داده‌اید و زنده‌اش
را در همه جا برپا داشته‌اید سعی کنید از این به بعد هم در صحنه باشید و کارها خود را فراموش نکنید ضمناً از شما
امت حزب‌الله ممنون و متشکرم و از این حقیر بدی یا کاری که باعث ناراحتی شما شده است
حلالم کنید.
به روما در گرامی وارجمندم: ضمن عرض سلام از شما ممنونم و تشکر می‌نمایم که در حق من زحمت کشیدید و از خداوند
بزرگ همیشه سپاس گفتم که چنین پدر و مادری با عنایت فرموده و از شما التماس دعا دارم
و از شما می‌خواهم که اگر کاری کردم که باعث ناراحتی و اذیت شما شده‌ام مرا ببخشید و حلالم کنید.
همسر گرامی و فرزندان عزیزم: ضمن عرض سلام از شما شرمنده‌ام زیرا که نتوانستم آن حقی که بر گردن من داشتید
ادا کنم مرا ببخشید و خدای شکر می‌کنم که چنین همسری به من عنایت فرموده سعادت و سلامتی
دو جهان را از خداوند بزرگ خواستارم.
فرزندان عزیزم: اعضاء جان - سرتکه‌جان - عزیزجان و زینب جان مرا ببخشید که نتوانستم حق پدری نسبت
شما ها را ادا کنم. همسر گرامی از شما می‌خواهم که فرزندان عزیزم را همانند زینب و علی اکبر تربیت کن
و آنها را در تعلیم دین اسلام کوشا باش.
برادران و خواهران گرامی سلام لیدهم و خط اسلام و امام و رهنمای راه شهیدان قدم بردارید و این جبهه را
که جبهه اسلام و آزادیبخش است و آزادیک ها خود به جبهه روانه نمایید. قدر امام امت این نعمت بزرگ الهی را بدانید
و در اطاعت از فرامینش کوشا باشید. عزیزان از تمام دوستان و آشنایان و فامیلان تقاضای دعا و دوری و عفو و بخشش
اگر از این حقیر بدی یا کاری کردم که باعث ناراحتی شما شده است مرا حلال کنید و از همه مؤمنین التماس دعا برای سلامتی
ایام و نصرت کفر ستیزان اسلام و همچنین نجات این بنده ناچیز دارم. ۶۵/۹/۲۵ بنده حقیر حنا عباسعلی شیرعلی

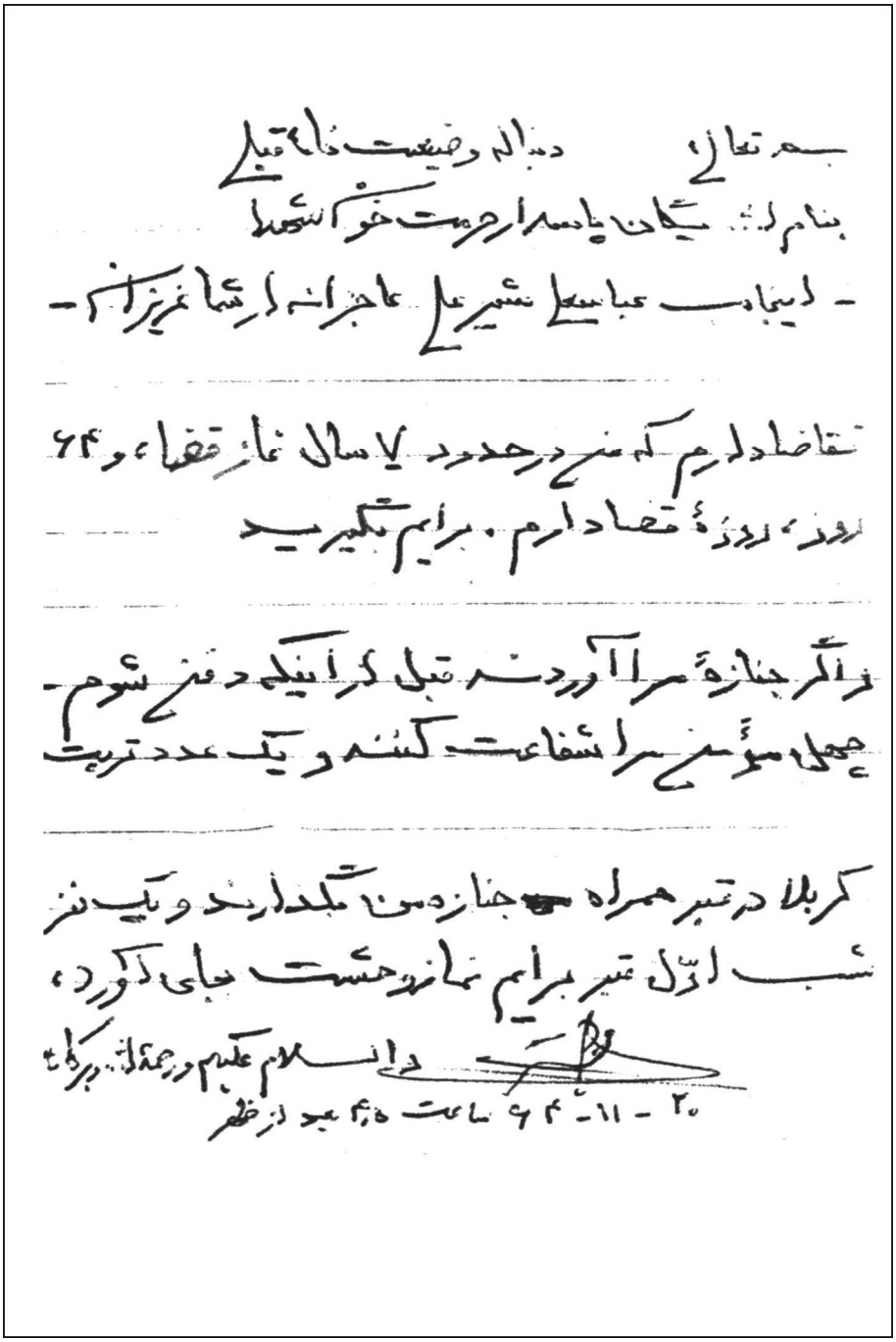

بسم تعالی، دنباله وضعیت نامه قبلی

بنام الله یگان پاسدار حرمت خون شهدا

- اینجانب عباسعلی شیرعلی عاجزانه از شما عزیزان -

تقاضا دارم که من در حدود ۷ سال نماز قضا، و ۶۴ روز، روزهٔ قضا دارم. برایم بگیرید

و اگر جنازهٔ مرا آوردند قبل از اینکه دفن شوم - چهل مؤمن مرا شفاعت کنند و یک عدد تربت

کربلا در قبر همراه جنازه من بگذارند و یک نفر شب اوّل قبر برایم نماز وحشت بجای آورد،

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

۲۰ - ۱۱ - ۶۴ ساعت ۴٫۵ بعد از ظهر

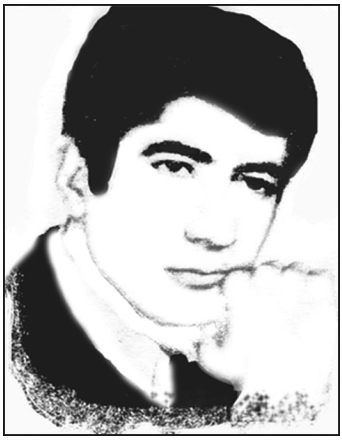

نام: **قربانعلی**
نام خانوادگی: **شیرمرغی**
**نام پدر: علی‌اصغر**
**نام مادر: تفرج**
**تاریخ تولد: پانزدهم مرداد ۱۳۳۲**
**محل تولد: شهرستان دامغان**
**تحصیلات: دیپلم**
**ارگان اعزام‌کننده: بسیج**
**تاریخ شهادت: هفدهم فروردین ۱۳۶۷**
**محل شهادت: اسلام‌آباد غرب**
**نحوهٔ شهادت: بمباران شیمیایی**
**مزار: گلزار شهدای بهشت زهرای شهرستان تهران**

## عبارت‌های کلیدی

- سلام بر حضرت امام، امین بزرگ، ناجی عصر ما و سایر مظلومان در طول تاریخ.
- امید آنکه ما نیز ادامه دهنده و پیرو حضرت زینب(علیهاالسلام)، شیرزن کربلا، باشیم.
- بنا برحسب وظیفهٔ شرعی و ادای تکلیف الهی، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام می‌گردم.
- حضرت زینب کبری(علیهاالسلام) هرگز در برابر جباران و ستمگران تسلیم نشد.
- حضرت زینب کبری (علیهاالسلام) با ایراد خطبهٔ ... روحی تازه در کالبد مردم عصر خویش دمید.

## قربانعلی شیرمرغی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«**و قاتلوهم حتی لاتکون فتنه**»[۱] «و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود.» (قرآن کریم)

اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد، ما ایستاده‌ایم.[۲] (امام خمینی)

با سلام و درود به حضرت اباعبدالله حسین(علیه‌السلام)، سرور [و] سالار شهیدان و سلام بر رهرو و ادامه‌دهندهٔ راه آن حضرت، زینب کبری(علیهاالسلام)، همان شیرزنی که تمامی مصائب و سختی‌ها را با جان و دل پذیرفت و هرگز در برابر جباران و ستمگران تسلیم نشد و با ایراد خطبه‌ها، علاوه بر آنکه روحی تازه در کالبد مردم عصر خویش دمید، آن‌چنان وحشت و اضطراب در دل یزید و یزیدیان برافکند که خواب راحت را از آنان ربوده و بر رسوایی و لاابالی‌گری آنان افزود. و سلام بر حضرت امام، امین بزرگ، ناجی عصر ما و سایر مظلومان در طول تاریخ.

امید آنکه ما نیز ادامه دهنده و پیرو حضرت زینب، شیرزن کربلا، باشیم و در عمل اثبات کنیم که پیرو آنانیم و عامل به عمل.

این حقیر بنا برحسب وظیفهٔ شرعی و ادای تکلیف الهی، به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام می‌گردم، گرچه با توجه به شناختی که از خودم دارم و با توجه به اعمال گذشته، لیاقت و استحقاق شهادت در راه خدا را ندارم، معذالک امید عفو و بخشش از درگاه پروردگار عالم را دارم.

ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر برای حضرت امام و حضرت آیت‌الله منتظری[۳] و آرزوی پیروزی نهایی برای رزمندگان اسلام، در صورت نائل شدن به فوز عظیم شهادت محل دفن خود را مزار شهدا، بهشت زهرا(علیهاالسلام) تهران، تعیین می‌نمایم.

**قربانعلی شیرمرغی**

---

۱- بقره/ ۱۹۳.

۲- صحیفه امام، (ج۱۳، ص۱۵- ۳۱۴).

۳- ر.ک. تعلیقات.

( متن وصیتنامه بسیجی دلاور قربانعلی شیر مرغی )

بسم الله الرحمن الرحیم

و قاتلو هم حتی لاتکون فتنه

و با کافران جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود . قرآن کریم

اگر این جنگ بیست سال هم طول بکشد ما ایستاده ایم ( امام خمینی )

با سلام و درود به حضرت ابا عبد الله حسین ( ع ) سرور سالار شهیدان و سلام بر رهرو و ادامه دهنده راه آن حضرت زینب کبری ( س ) همان شیر زنی که تمامی مصائب و سختیها را با جان و دل پذیرفتو هرگز در برابر جباران و ستمگران تسلیم نشد و با ایراد خطبه ها علاوه برآنکه روحی تازه در کالبد مردم عصر خویش دمید آنچنان وحشت و اضطراب در دل یزید و یزیدیان برافکند که خوابراحت را از آنان ربوده و بر رسوائی و لا ابالی گری آنان لـ فزود و سلام برحضرت امام امین بزرگ ناجی عصر ما و سایر مظلومان در طول تاریخ .

امید آنکه ما نیز ادامه دهنده و پیرو حضرت زینب شیرزن کربلا باشیم ودر عمل اثبات کنیم که پیرو آنانیم و عامل به عمل .

اینن حقیر بنا بر حسب وظیفه شرعی و ادای تکلیف الهی به جبهه‌های نبرد حق علیه باطل اعزام میگردم گر چه با توجه به شناختی که از خودم دارم و با توجه به اعمال گذشته لیاقت و استحقاق شهادت در راه خدا را ندارم معذالك امید عفو و بخشش از درگاه پروردگار عالم را دارم .

ضمن آرزوی سلامتی و طول عمر برای حضرت امام و حضرت آیت ا . . . منتظری و آرزوی پیروزی نهائی برای رزمندگان اسلام در صورت نائل شدن به فوز عظیم شهادت محل دفن خودرا مزار شهدا بهشت زهرا ( س ) تهران تعیین مینمایم .

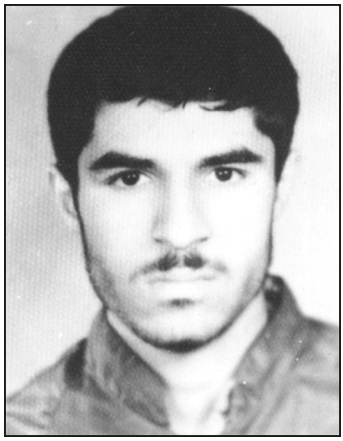

نام: **عبدالله**
نام خانوادگی: **صائمی‌پور**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **بیست‌ونهم شهریور ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ام اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **حاج‌عمران عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

## عبارت‌های کلیدی

- امیدی به بازگشت ندارم، چون من در خواب دیده‌ام که شهید می‌شوم.
- به جبهه آمده‌ام و هیچ مرا باکی از کشته شدن در راه الله نیست.
- ما نمک خورده و دست‌پروردهٔ مکتب حسین(علیه‌السلام) می‌باشیم.
- شهادت مرا به همه تبریک بگویید.

## عبدالله صائمی‌پور

### بسم الله الرحمن الرحیم

«قال رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) مامن قطرة احب الی الله عزّ وجل من قطرة دمٍ فی سبیل الله»[1]
«حضرت رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرموده هیچ قطره‌ای در پیش خدا محبوب‌تر نیست از قطرهٔ خونی که در راه خدا ریخته شود.»

وصیت‌نامهٔ برادر شما عبدالله صائمی‌پور، فرزند علی‌اکبر.

به‌نام خدا، خدایی که یک روز انسان را به این دنیا می‌فرستد و یک روز هم انسان را می‌برد. سلام بر وادی کردستان.

پدرم و مادرم! اینک ما را برای نبردی سخت بر علیه دشمنان خدا آماده می‌سازند و امیدی به بازگشت ندارم، چون من در خواب دیده‌ام که شهید می‌شوم. چون عکس مرا بزرگ کرده بودند و عکس بزرگ شده خود را دیدم و هم‌اکنون که این وصیت‌نامه را می‌نویسم، می‌دانم که در نبردی که در پیش داریم به درجهٔ رفیع شهادت، اگر خدا قبول کند، نائل می‌گردم.

من به فرمان فرماندهٔ کل قوا، امام خمینی، برای عقب راندن دشمن از این سرزمین اسلامی، به جبهه آمده‌ام و هیچ مرا باکی از کشته شدن در راه الله نیست، چون ما نمک خورده و دست‌پروردهٔ مکتب حسین می‌باشیم. پیام خون مرا به همهٔ مردم برسانید. شهادتم را به امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی و ملت قهرمان و شهیدپرور ایران تبریک بگویید.

پدر و مادرم! من می‌دانم که شما مرا دوست می‌دارید و از این‌که من در راه «فی سبیل‌الله» قدم برداشتم و به‌سوی او شتافتم، باید این را افتخاری بدانید، چون شما مرا تربیت کردید و مرا این‌گونه تربیت کردید که چون سربازان حسین(علیه‌السلام) بجنگم و در راه آنها گام بردارم. پدرم و مادرم! از کشته شدن من ناراحت نباشید، چون من به‌سوی پروردگار خود رفته‌ام و شما در نبودن من گریه و زاری نکنید و شهادت مرا به همه تبریک بگویید.

---

۱- کافی، ج ۵، ص ۵۳، باب فضل الشهادة.

برادرم محمد و مهدی! من شما را تا وقتی که زنده باشم، در یاد خود دارم و شما را چون جان شیرین دوست می‌دارم و شما را به درس خواندن وصیت می‌کنم.
خواهرانم زهرا، معصومه، نرگس! می‌دانم که شما مرا خیلی دوست دارید، اما چه کنم که باید به‌سوی الله پر بکشم و به‌سوی خدا پرواز کنم. پدرم و مادرم مردم را از برای من راضی نگه‌دارید و مرا حلال کنید. ضمناً من چند روزی[1] هم نماز قضا و روزه قضا هم دارم.

**«والسلام علیکم»**
**مورخه ۶۴/۱۱/۱۵**
**تیپ ویژهٔ شهدا**
**عبدالله صائمی‌پور**

۱- در اصل وصیت «چندین روزهایی».

بسمه تعالی

**وصیتنامه**



این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.
(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ ــ هدف از آمدن به جبهه

۲ ــ پیام

۳ ــ رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار وطرف دیون، واجباتی که به گردن داشته از جمله نماز وروزهٔ قضا و ...، خیرات وصدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال ردمظالم و ...

بسم الله الرحمن الرحیم

قال رسول الله (ص): ما من قطرة احب الی الله عز وجل من قطرة دم فی سبیل الله

حضرت رسول فرمود: هیچ قطره‌ای در پیش خداوند محبوب‌تر نیست از قطره خونی

که در راه خدا ریخته شود. وصیت نامه برادر شما [illegible] فرزند علی اکبر

به نام خدا. خدایی که یک روز انسان را به این دنیا می‌دهد و یک روز هم انسان را

می‌برد. سلام بر راوی کردستان

پدرم و مادرم. اینک ما را برای نبردی سخت بر علیه دشمنان خدا آماده

می‌سازند و امیدی به بازگشت ندارم چون من در خواب دیدم که شهید

می‌شوم چون عکس مرا بزرگ کرده بودند و عکس بزرگ شده خود را دیدم

و هم اکنون که این وصیت نامه را می‌نویسم می‌دانم که در نبردی که در پیش داریم

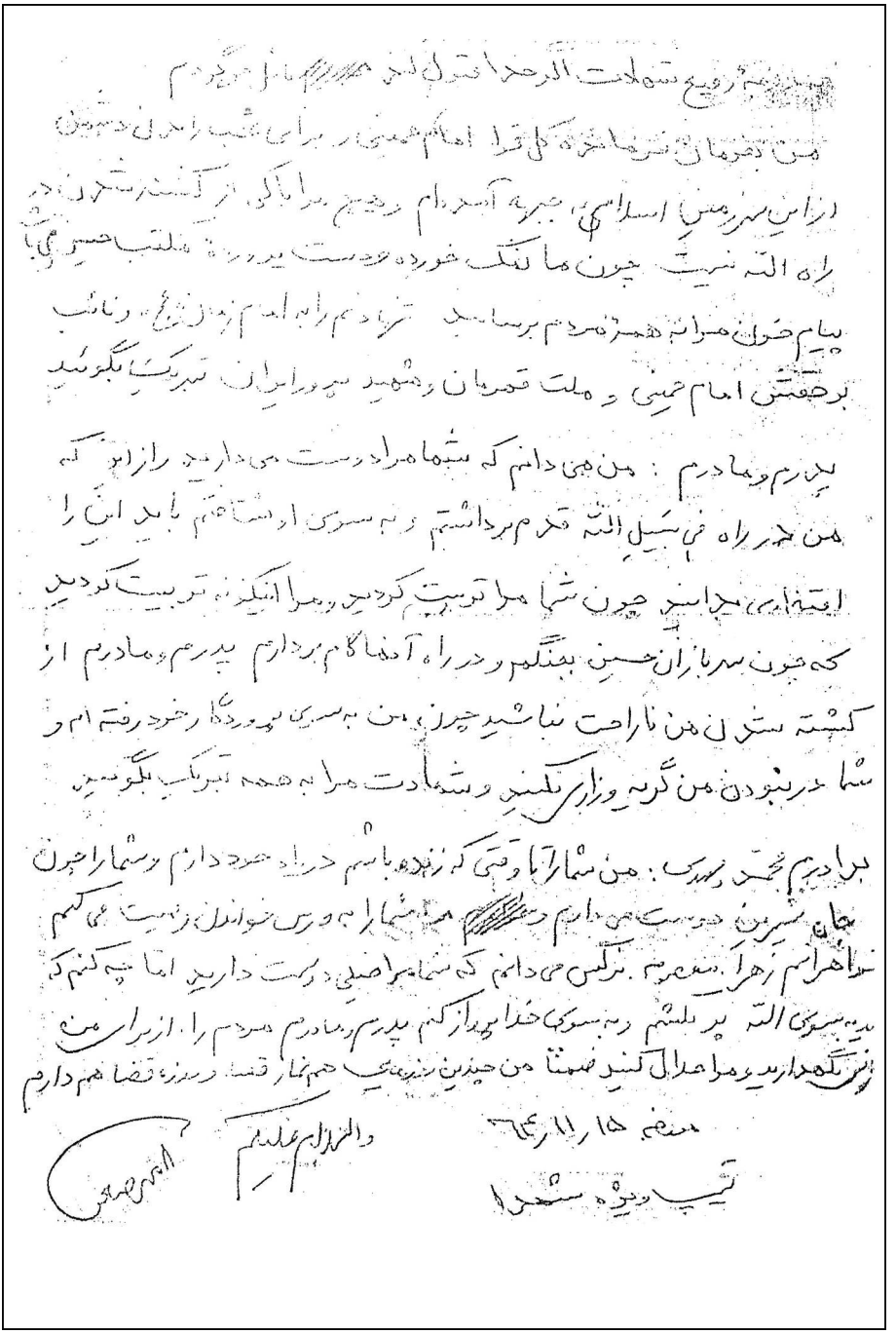

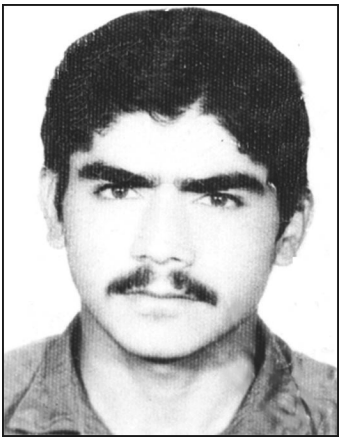

نام: **ابراهیم**
نام خانوادگی: **صابری**
نام پدر: **حبیب**
نام مادر: **حمیده**
تاریخ تولد: **سی‌ام خرداد ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دانشجوی دوره کارشناسی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیستم دی ۱۳۶۶**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- واجب است که خود را برای مبارزه با مصائب و سختی‌ها آماده سازید.
- خواهرانم حرفی برای شما ندارم فقط اینکه اولاً: در انجام فرائض دینی کوشا باشید
- در رعایت پوشش اسلامی نهایت دقت را بنمایید که پوشش شما کوبنده‌تر از خون من است.
- وظیفهٔ شما معلوم است و برای حفظ اسلام می‌جنگید نه برای هیچ شخصی و دوستی.
- به فرامین پیامبرگونهٔ امام توجه داشته‌اید، سعی کنید از الآن به بعد هم به سخنان گهربارش عمل نمایید.

## ابراهیم صابری

### بسم الله الرحمن الرحیم

اینجانب ابراهیم صابری، فرزند حبیب، دارای شماره شناسنامه ۱۵۴۳، صادره حوزهٔ ۳ شاهرود، متولد سال ۴۶، روستای خیج [...][1] باقی ماندن اثری ناچیز، وصیت‌نامه‌ام را بنا به فرمایشات ائمه معصومین، بر صفحهٔ سفید کاغذ، با اشک قلم می‌نویسم.

سپاس خدای سبحان و بی‌نیاز را که به ما نیازمندان نعمت حیات عطا فرمود و به ما چند صباحی مهلت داد، تا در این دنیا[ی] فانی زندگی کنیم. اکنون و هرگاه که بخواهد امانات خود را از ما بازمی‌ستاند و به راستی او به هر امری توانا است.

گواهی می‌دهم خدای جهان یکی است و شریک و مانندی ندارد و گواهی می‌دهم تمام پیامبران الهی که برای راهنمایی بشر از طرف [...] آمده‌اند همگی بر حق و حضرت محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) خاتم پیامبران است و بعد از او پیامبری نبوده و نخواهد بود.

گواهی می‌دهم که ائمه معصومین، از علی(علیه السلام) تا مهدی موعود(عج)، همگی نایبان بر حق پیامبر بوده و ادامه دهندهٔ راه پیامبرند. تقدیم سلام‌های خالصانه بر ارواح مطهر شهدای اسلام، از شهدای صدر اسلام تا شهدای به خون غلطان کربلاهای جنوب و غرب ایران. تقدیم درودهای بیکران بر رزمندگان جبهه‌های نور علیه ظلمت و امت شهیدپرور و خانواده‌های معظم شهدا.

تقدیم سلام‌های بیکران بر امام امت، این قلب تپندهٔ اسلام و مسلمین جهان، که جان من و صدها هزارش به فدای او باد که حافظ و احیاء کنندهٔ اسلام است بعد از ۱۴۰۰ سال.

**«و لاتقولوا[2] لمن یقتل فی سبیل الله اموات بل احیاء ولکن لا تشعرون»** (بقره/ ۱۵۶)

مادر عزیزم! از روی ادب اول خدمت شما سلام گرمی تقدیم می‌دارم و بعد از سلام از خداوند برای شما آرزوی سعادت و سلامت می‌نمایم. از اینکه در ایام حیاتم نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم، عاجزانه معذرت می‌خواهیم. اینکه در این مدت همواره موجب ناراحتی و سرشکستگی شما با اعمال بدم بودم، عاجزانه معذورم.

---

۱- خوانا نیست. عباراتی که با [...] مشخص شده‌اند خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «تقولو».

از خداوند می‌خواهم که شما بزرگواران مرا ببخشید، باشد که خداوند به‌واسطهٔ این لطفتان، شما را هم مورد عفو و بخشش قرار دهد. از اینکه نتوانستم آن‌گونه که می‌خواستید فرزند صالح و خوبی برای شما باشم، معذرت می‌خواهم و امیدوارم دیگر برادرانم و خواهرانم، مطابق میل شما، در خط اسلام عزیز قرار گیرند. درست است که فرزند شما بودم و الان در بین شما نیستم، لیکن مطابق با سخن خدای بزرگ، من و دیگر شهدا نمرده‌ایم، بلکه زنده‌ایم و در نزد حق روزی می‌خوریم. هر چند مشکل است تحمل مرگ و فراق من برای شما ولیکن تحمل آتش عذاب خدا برای این بدن عاجز من خیلی مشکل‌تر است. «یا ربّ ارحم ضعف بدنی»[۱]

و دیگر امت اسلام که دین مقدس اسلام را قبول کرده‌اید، واجب است که خود را برای مبارزه با مصائب و سختی‌ها آماده سازید. خدای سبحان فرمود: «**الم، احسب النّاس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لایفتنون**»[۲] به‌درستی که همگی باید امتحان پس بدهیم و همین که بگوییم ایمان آوردیم، کافی نیست.

من از خدای بزرگ برای شما توفیق سعادت و ایمان را می‌نمایم. شما را به خدای بزرگ قسم می‌دهم خیلی [...] نکنید. از این کارتان دشمنان اسلام و ایران خوشحال می‌شوند و روح من غمگین و ناراحت.

[...] لباس سیاه به‌تن نکنید و گریه نکنید، بلکه هرگاه خواستید برای من گریه کنید حسین(علیه‌السلام) و شهدای کربلا را مجسم کنید که چگونه، بی‌کس و تنها، در گودال کربلا، جان به جان آفرین تقدیم کردند. و هربار که مرا به‌یاد آوردید با ذکر این آیه: «انا لله و انا الیه راجعون» قلب خود را تسکین دهید. به شما اطمینان می‌دهم، اگر آبرویی در بارگاه خدا داشتم برایتان شفاعت[۳] می‌کنم.

[...] از شما می‌خواهم که همواره به حرف‌های پدر و مادر توجه کنید و به آنها عمل نمایید. محمد و علی که کوچکند و حرفی با آنها ندارم. [...] مهدی تمام چشم و امیدم به تو است، تو دیگر بزرگ شده‌ای، سعی کن در انجام عبادات الهی کوشا باشی و از

---

۱- فرازی از دعای کمیل، مفاتیح‌الجنان.

۲- عنکبوت/ ۱و ۲.

۳- از سیاق کلام برمی‌آید که واژه افتاده «شفاعت» باشد..

معاصی[...] باشی. سعی کن با تمام تلاش به درس ادامه دهی، تا انشاءالله در آینده موجب سرفرازی اسلام و ایران باشی و [...] مفاخر خیج و خانوادهٔ خودمان باشی. هر چند من خودم به این کارها عمل نکردم ولیکن عاجزانه از تو می‌خواهم عمل کنی.

خواهرانم حرفی برای شما ندارم فقط اینکه اولاً: در انجام فرائض دینی کوشا باشید. ثانیاً در فراق من خیلی بی‌تابی نکنید. [...] با انجام فرامین والدین و رعایت احترام پدر و مادر موجب شادی آن باشید که به‌حق، خدا را شاد می‌کنید. [...] در رعایت پوشش اسلامی نهایت دقت را بنمایید که پوشش شما کوبنده‌تر از خون من است.

[...] برادران خیجی و اهالی محترم خیج. اولا از همگی شما عاجزانه طلب حلالیت می‌کنم و از شما می‌خواهم که اگر بدی از این حقیر دیدید، به لطف و کرمتان مرا ببخشید که گذشت، صفت مردان است. باشد تا شما را نیز خدا ببخشد.

[...] نگذارید اسلحهٔ شهیدان بر زمین بماند که این امر موجب خشنودی آمریکا و ایادی مزدورش می‌شود.

[...] جبهه‌های نبرد را خالی نگذارید و نگویید ما برای که بجنگیم؟ وظیفهٔ شما معلوم است و برای حفظ اسلام می‌جنگید نه برای هیچ شخصی و دوستی. هنگام اعزام به جبهه رضای خدا و حفظ اسلام را مد نظر داشته باشید و با اتکال به خدا قصاص خون برادرانتان را بگیرید.

[...] عزیز ایران! سعی کنید در انجام اعمالتان تجدید نظر نمایید که مبادا مورد عذاب خداوند واقع شوید.

[...] شهیدپرور! همان‌گونه که تا به‌حال به فرامین پیامبرگونهٔ امام توجه داشته‌اید، سعی کنید از الآن به بعد هم به سخنان گهربارش عمل نمایید. در مجموع از کلیه افرادی که از این حقیر عاصی، بدی دیده‌اند می‌خواهم که مرا ببخشند.

[...] من اگر در بیابان ماند، لازم نیست خود را به زحمت بیندازید و معطل بمانید. اگر جنازه‌ام را تشییع کردید، مرا در کنار [...] شهیدم سیدمحمد مجیدی (رحمت الله علیه) دفن نمایید. دستان مرا باز از کفن بیرون بگذارید، تا دنیاپرستان بدانند همگی [...] خالی می‌رویم و هیچ‌کس به جز یک کفن با خود نمی‌برد. چشمان مرا باز بگذارید تا بدانند آگاهانه، این‌گونه مردن را انتخاب کرده‌ام، نه با چشم بسته. و پاهای مرا نیز باز بگذارید تا طالبان دنیا

بدانند که با پای خود به‌سوی جبهه‌های نور علیه ظلمت شتافتم، هر چند دوران خدمت من بوده است ولیکن من مشتاق این راه بودم.

[...] پرستان توصیه می‌کنم، قدری هم به روز مرگ و روز رستاخیز توجه داشته باشند که در آن روز دستشان از همه‌جا کوتاه است. [...] مادرم در انجام مراسم تدفین و عزاداری سعی کنید از اسراف دوری کنید. سعی نکنید که افرادی را که طالب دنیا هستند با دادن [...] به اجبار در مراسم عزاداری من دعوت نمایید، بگذارید هر کس که مایل است شرکت نماید.

[...] از شما می‌خواهم خاطرات مرا همراه با دفن جنازه‌ام، در قبر دفن نمایید.

[...] می‌خواهم که به مدت یک سال برایم نماز بخوانید و به مدت ۱۰ روز روزه بگیرید. به مقدار ۵۰۰ تومان مظالم برایم بدهید. [...] که وصیت کنم، کتب مذهبی مرا به پایگاه شهید عرب‌عامری خیج بدهید و کتب درسی و دانشگاهی مرا برای برادرم مهدی بگذارید. دیگر عرضی ندارم و همگی شما را به خداوند سبحان می‌سپارم و برای شما از خداوند آرزوی [...] و توفیق سعادت و آرزوی کسب ایمان و صبر می‌نمایم. خدانگه‌دار همگی شما وعدهٔ دیدار در روز قیامت.

**آنکه به حلالیت شما محتاج است**
**الحقیر ابراهیم صابری**
**۶۶/۵/۱۵**

روزهای جمعه منتظر شما هستم، حتماً مرا یاد کنید.

به روز مرگ چو تابوت من روان باشد — گمان مبر که مرا درد این جهان باشد[1]
جنازه‌ام چو بدیدی[2] مگو دریغ دریغ — به دام دیو درافتادی دریغ آن باشد

---

۱- شعر از رودکی است.
۲- در اصل وصیت «دیدی».

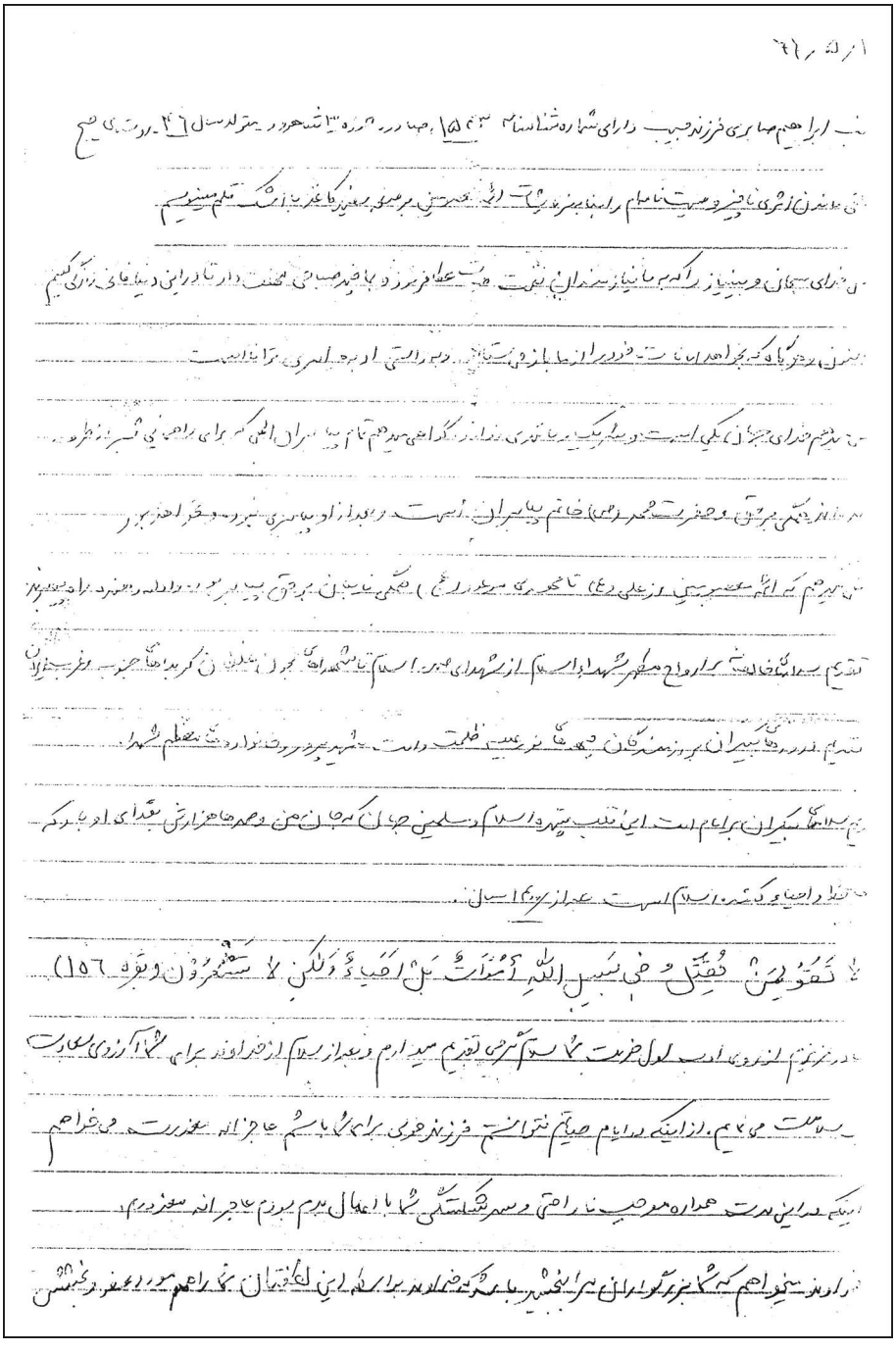

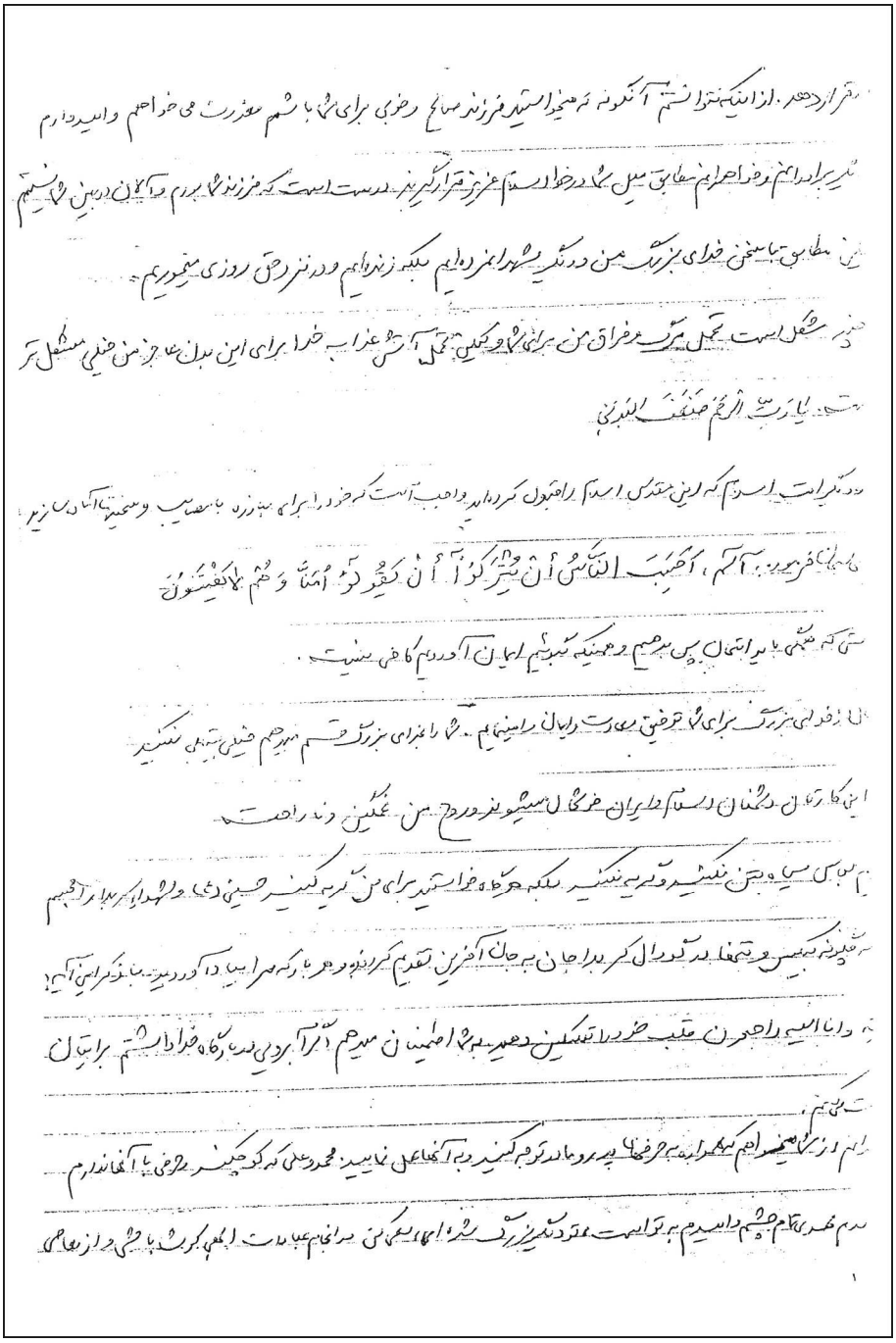



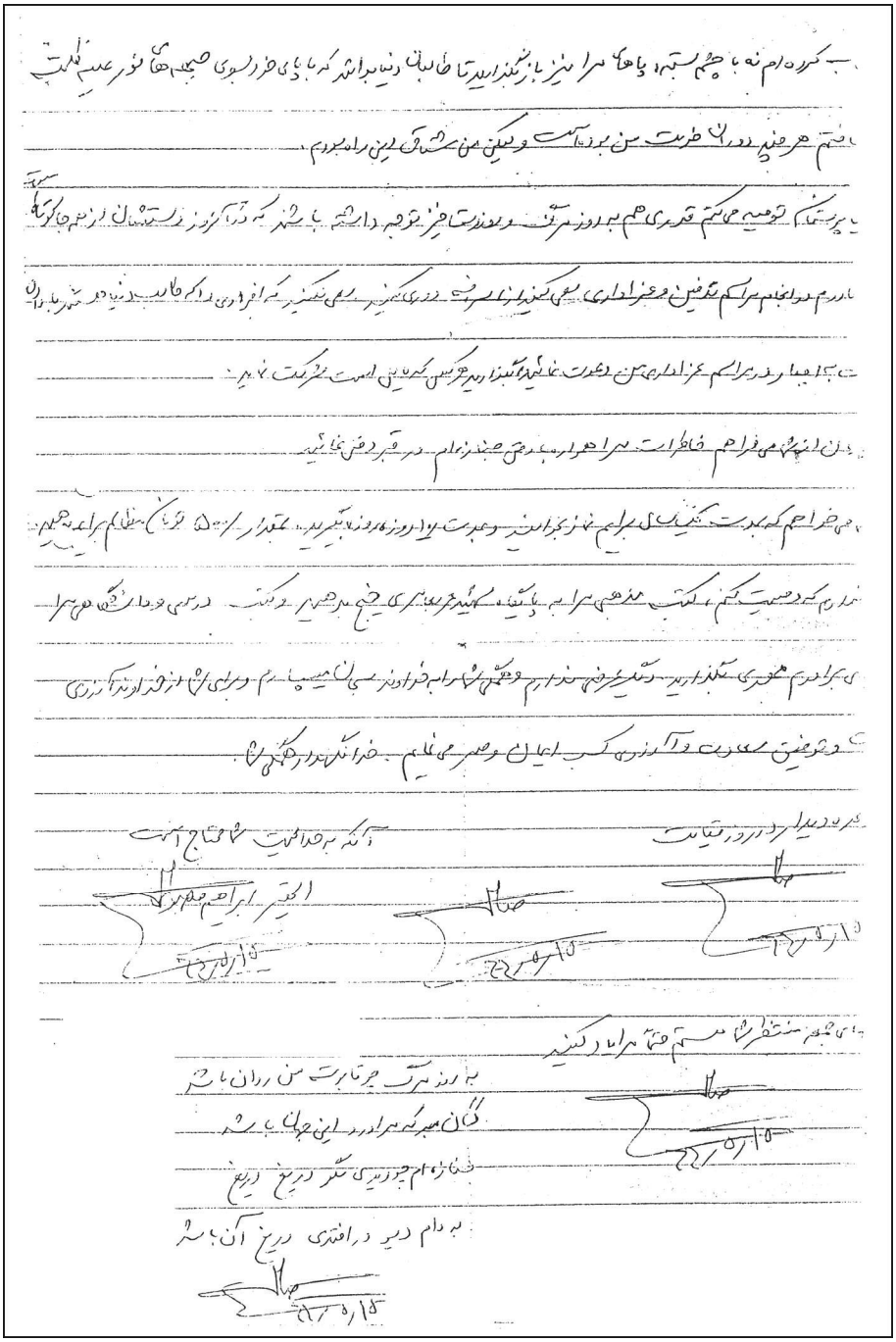

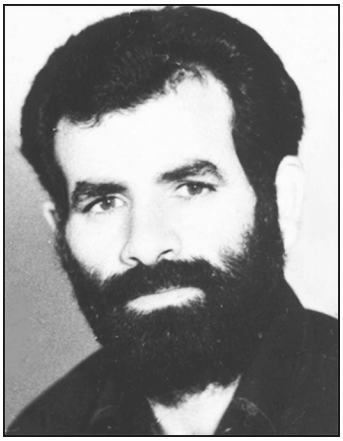

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **صابری**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **سلطنت**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳۱**
محل تولد: **شهرستان ساری**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم فروردین ۱۳۶۷**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- وصیتم این است که راه امام عزیز را ادامه دهید.
- مثل مردم کوفه نشوید که تاریخ آینده بر شما نفرین کند.
- قدر بدانید که خداوند بزرگ همچو رهبر دانا و خردمند در راه اسلام را به ما عطا فرموده که امام، حسین زمان است.
- صفوف جبهه‌ها را پر کنید که با این کارتان قلب ما را شاد خواهید کرد.
- وحدت کلمه را حفظ کنید.
- انشاءالله با پیروی از رهبر، دست اجانب از سر کشور عزیزمان و تمامی کشورهای اسلامی کوتاه می‌گردد.
- خانوادهٔ عزیزم، نباشد با گریه خودتان قلب دشمنان را شاد کنید.
- بچه‌هایم را مثل پدرشان پیرو خط امام بار بیاورید.

## علی‌اکبر صابری

### بسم الله الرحمن الرحیم

به نام آن‌کس که ما را آفرید. ای پروردگار بزرگ که ما را آفریدی و در ما روحی الهی دمیده‌ای که تا انسان باشرافت باشیم و با پیروی از عقل و شعور خود بتوانیم به عرش الهی عروج نماییم و با عقل خود بتوانیم به اسارت خود پی ببریم، خدایا از تو می‌خواهم این حرکت را که به‌سویت نموده‌ام، با همهٔ گناهانم، مرا مورد عفو و بخشش درگاهت قرار دهی. ای پروردگار جهان و رحیم! با بزرگیت مرا از آتش دوزخ جهنم نجات دهی که این جسم ضعیف توانایی آتش جهنم را ندارد. و ای آفریدگار انسان‌ها! تو را به بزرگیت قسم می‌دهم که مرا جزء انسان‌هایی که با ائمه، امامان و پیامبر خود در قیامت ملاقات می‌نمایند، قرار بده. «**و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون**»[1] «گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زندگان هستند و در نزد خدا روزی می‌خورند.»

با سلام و درود به محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت، حضرت مهدی موعود(عج) و نایب بر حقش، که از آنها می‌خواهم شفاعت [و] عفو این حقیر و ذلیل و مسکین را از درگاه پروردگار متعال که بخشنده است خواسته و جزء کسانی قرار بگیرم که از نعمت‌های خداوند منان برخوردار باشم.

ای خداوند کریم! اگرچه از دست دادن جان در سن جوانی سخت است [...][2] بقیه عمرم را به عمر رهبر عزیزم! که شناخت اسلام را نائب امامان زمان اهدا کرد، اعطا فرما و صبر در دل مادرم و پدرم و همسرانم و برادرانم و خواهرانم قرار ده که تا آینده درخشان برای اسلام داشته باشند. با درود و سلام بر شهیدان گلگون کفن صحرای کربلا که غریبانه جان داده و کسی نبود که جسم بی سر و پیکر تکه تکه شدهٔ آنها را دفن نماید و با درود و سلام بر شهیدان کربلای ایران که مانند شهدای کربلا غریبانه جان می‌دهند و با درود و سلام بر تمامی معلولین و مجروحین و خانواده‌های اسراء، مفقودین و خانواده‌های شهدا و

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- خوانا نیست.

امت حزب‌الله، که با حضور خود در صحنهٔ انقلاب اسلامی، پیکر جهانخواران شرق و غرب را به زانو درآورده‌اند. ای پروردگار جهان بی‌همتا که این همه نعمت‌ها را به ما بخشیده‌ای اما ما نیز لایق استفاده از آن را نبوده‌ایم، مرا مورد شفاعت قرار ده که وگرنه سخت در عذاب هستم. وصیتم را با سخن و قسم آغاز می‌کنم.

امت عزیزم، پدران و مادران و برادران و خواهرانم! من لایق آن نیستم به‌عنوان پند و اندرز و با نصیحت چیزی به شما بگویم، اما در آخرین لحظه‌های عمرم جهت یادآوری سخنان زیر را تکرار می‌کنم. وصیتم این است که راه امام عزیز را ادامه دهید. مثل مردم کوفه[۱] نشوید که تاریخ آینده بر شما نفرین کند. قدر بدانید که خداوند بزرگ همچو رهبر دانا و خردمند در راه اسلام را به ما عطا فرموده که امام، حسین زمان است. شما ای پدران پیر، حبیب ابن مظاهر[۲] شوید. شما ای مردان جوان همچون حضرت عباس[۳](علیه‌السلام) و حضرت علی‌اکبر[۴](علیه‌السلام) و حضرت قاسم[۵](علیه‌السلام) و شما ای کودکان همچون علی‌اصغر[۶](علیه‌السلام) پشت سر گفته‌های امام بزرگوار حرکت بکنید. به‌پا خیزید ای مسلمانان و به ندای «**هل من ناصر ینصرنی**»[۷] امام عزیز لبیک گویید. امت حزب‌الله! نباشد روزی که امام را تنها بگذارید و دل خانواده‌های شهدا را و فرزندانی که پدرشان را از دست داده‌اند و پدر و مادری که چندین فرزند خوب و جگرپاره‌اش را از دست داده‌اند، همسرانی که شوهرهایی را که هنوز فرزند خودشان را ندیده‌اند، به‌درد آورید. صفوف جبهه‌ها را پر کنید که با این کارتان قلب ما را شاد خواهید کرد. ای خانواده‌های نادمین! مگر نمی‌دانید که منافقین[۸] از کفار بدتر هستند، پس چرا دم از اسلام می‌زنید، ولی پدر کسانی هستید که از کفار بدترند؟ توبه کنید به درگاه خداوند، طلب عفو و بخشش بخواهید و خود را به اسلام

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- ر.ک. تعلیقات.
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- ر.ک. تعلیقات.
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- ر.ک. تعلیقات.

نبی خدا نزدیک کنید. پدران و مادران و برادران و خواهرانم که امروز رشادت و شهامت شما باعث خواری و ننگینی ابرقدرت‌ها می‌شود، وحدت کلمه را حفظ کنید که خداوند در قرآن می‌فرماید «**واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا**»[۱] به ریسمان الهی چنگ بزنید و از تفرقه و جدایی جداً خودداری فرمایید، چون که رمز پیروزی در همین اصل نهاده است. انشاءالله با پیروی از رهبر، دست اجانب از سر کشور عزیزمان و تمامی کشورهای اسلامی کوتاه می‌گردد و نماز جمعه را با امامت رهبر عزیزمان در مسجدالاقصی[۲] بخوانیم.

سخنم با پدرم و مادرم و برادرانم و خواهرانم، مادرم! می‌دانم تو مرا بزرگ کرده‌ای و با شیرهٔ جان مرا به اینجا رسانده‌ای، تا در وقت پیری عصایت شوم. پدرم! با اینکه وضع مالی‌ات[۳] خوب نبوده و با دست‌های پینه‌بسته، ما را بزرگ کرده‌ای و هنوز هم زحمت می‌کشی. حالا دورانی بوده که می‌بایست در آسایش زندگی کنی. اما برادران و خواهران! اگر در زندگی خودم شما را اذیت و ناراحت کردم، مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهید و پدر جان و مادر جان! می‌دانم که با مشکلاتی که در زندگی داشته و تا فرزندانی از وجودتان پیوند قلبی داده‌اید و جدایی مشکل است، اما به‌خاطر اسلام و خدا نباید حتی قطره اشکی از اظهار من بریزید. خانوادهٔ عزیزم نباشد با گریه خودتان قلب دشمنان را شاد کنید، نباشد به منافقین روحیه دهید، بگذارید منافقین کوردل بدانند من از خاک به‌وجود آمده‌ام و به خاک برمی‌گردم و خاکی را که خداوند شسته است «**انا لله و انا الیه راجعون**»[۴]

وصیتم با همسران مهربانم که لایق نبودم که برای آنها شوهری خوب باشم، انشاءالله مرا با عفو و بخشش خودشان که از پروردگار جهان تقاضامند باشند، تا خداوند هم مرا ببخشاید و بیامرزد.

همسرانم! بچه‌هایم را مثل پدرشان پیرو خط امام بار بیاورید. کمی [که] بزرگتر شدند[۵]، به پایگاه بسیج بفرستید و نامشان را بنویسید. و در آخر از تمام ملت مسلمان که مرا می‌شناسند از فامیل‌ها و دوستان و خویشاوندان [اگر] از این حقیر رنجی دیده‌اند، مورد عفو

---

۱- آل‌عمران/ ۱۰۳.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «مالیت».

۴- بقره/ ۱۵۶.

۵- در اصل وصیت «شده‌اند».

خود قرار دهند تا در پیش خداوند روسیاه نباشم. و برای تشییع جنازه‌ام تمام افراد خانواده حضور داشته باشند. قبل از دفنم دوست دارم با دوستان و خانواده‌ام و همسرانم و فرزندانم خداحافظی کنم، پس روی مرا بگیرید تا در آخر آنها را در آغوش خود بگیرم. اگر تابوت مرا برای آخرین بار به حیاط خانه ببرید، خوشحال می‌شوم. دیگر سخن نیست. خداحافظ.

**علی‌اکبر صابری**
**اولین راهیان کربلای حسینی**
**مخابرات استان مازندران**
**شهرستان کردکوی**[۱]

**۶۶/۱۲/۱۸**

۱- کردکوی (که شهید از آنجا اعزام شده از توابع استان گلستان است).

«بسم الله الرحمن الرحیم»

بنام آنکس که ما را آفرید ؛ ای پروردگار بزرگ که ما را آفریدی و در ما روح الهی دمیدی که تا انسان با شرافت باشیم و با پیروی از عقل و شعور خود بتوانیم به عرش الهی سیر نمائیم و باعث شد بتوانیم به اسارت خود پی ببریم خدایا از تو میخواهم این حرکت را که بسویت نموده ام با نمودگذاشتم مرا سرشار حسن و بخشش درگاهت قرار دهی ای پروردگار جهان و رحیم با بزرگیت مرا از آتش دوزخ جهنم نجات دهی که این جسم نحیف تمانان آتش جهنم را ندارد و ای آفریدگار انسانها تو را به بزرگیت قسم میدهم که سرانجام انسانان که با ائمه اطهار و پیامبر خود در قیامت ملاقات می نمایند قرار بده «ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون» گمان مبرید آنان که در راه خدا کشته میشوند مرده اند بلکه زندگان جاوید در نزد خدا روزی میخورند.

باسلام و درود به محمد(ص) و با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت سرنگون کننده مرحوم (خ) و نایب برحقش که از آنها میخواهم شفاعت عفو این حقیر و ذلیل و مسکین را از درگاه پروردگار متعال که بخشنده لست — خواسته و جزء کسانی قرار بگیرم که از نعمتهای خداوند سبحان برخوردار باشم.

ای خداوند کریم اگرچه از دست دادن جان در سن جوانی سخت است لیکن بنده مسلم را به عمر و سیر عزیزم که شناخت اسلام را نائب امامان زمان اهدا کرد اعطا فرما و سبز نگاهدار دلم و پدرم و مسلمانم و برادرانم و خواهرانم قرار داده که تا آینده درخشان برای اسلام داشته باشند با درود و سلام بر شهیدان گمنام کمن سنگر ای کربلا که غریبانه جان داده و کسی نبود که جسم بی سر و پیکر قطعه قطعه شده آنها را دفن نماید و با درود و سلام بر شهیدان کربلای ایران که مانند شهدای کربلا غریبانه جان میدهند و با درود و سلام بر تمامی محلولین و مجروحین و خانواده های اسراء مفقودین و خانواده های شهدا و امت مسلمان... که با حضور خود در صحنه انقلاب اسلامی پیکر جمانخواران شرق و غرب را به زانو در آورده اند ای پروردگار جهان بی همتا که این همه نعمتها را به ما بخشیده ای اما ما نیز لایق استفاده از آن را نبوده ایم مرا مورد شفاعت قرار داده که وگرنه سخت در عذاب هستم وصیتم را با سخن و قسم آغاز میکنم امت عزیزم پدران و مادران و برادران و خواهرانم من لایق آن نیستم بسران پندر اندرز و یا نصیحت چیزی به شما بگویم اما در آخرین لحظه های عمرم بهمت یادآوری سخنان زیر را تکرار میکنم و میدانم این است که راه امام عزیز را ادامه دهید مثل مردم کوفه نشوید که تاریخ آینده بر شما نفرین کند [illegible] اند که خداوند بزرگ همچو رهبر دانا و پرهیزگار در راه اسلام را به ما عطا فرموده که اطاعت حسین زمان است شما ای پدران پیر بجیب این منظور شوید شما ای مردان جوان همچون حضرت عباس و حضرت علی اکبر و حضرت قاسم و شما ای کودکان همچون علی اصغر پشت سر گذشته های امام بزرگوار حرکت کنید. بپاخیزید ای مسلمانان و به ندای سبز من ناصر و یاور امام عزیز لبیک گوئید. [illegible] حزب الله باشد روزی که امام را تنها نگذارید و دل شاد سازید شهدا را و فرزندانی که پدرشان را از دست داده اند و پدر و مادری که فرزندشان را از دست داده اند و جگر پاره اش را از-

دست داده اند. همسرانی که شوهرهائی را که هنوز فرزند خودشان را ندیده اند بدرد آورید. صفوف جبهه‌ها را پر کنید که با این کارتان قلب ما را شاد خواهید کرد ای خانواده‌های نادمین مگر نمی‌دانید که منافقین از کفار بدتر هستند، پس مرادم از اسلام میزنید ولی پدر کسانی هستید که از کفار بدتر اند توبه کنید به درگاه خداوند طلب عفو و بخشش بخواهید و خود را به اسلام نبی خدا نزدیک کنید پدران و مادران و برادران و خواهرانم که امروز بشادت و شهامت شما باعث خواری و ننگینی ابرقدرتها میشود وحدت کلمه را حفظ کنید که خداوند در قرآن میفرماید «واعتصموا بحبل الله جمیعاً ولا تفرقوا» به ریسمان الهی چنگ بزنید و از تفرقه و جدایی جداً خودداری فرمائید چون که رمز پیروزی در همین اصل نهاده است انشاالله با پیروی از رهبر دست اجانب از سر کشور عزیزمان و تمامی کشورهای اسلامی کوتاه میگردد و نماز جمعه را با امامت رهبر عزیزمان در مسجد الاقصی بخوانیم.

سخنم با پدرم و مادرم و برادرانم و خواهرانم، مادرم میدانم تو مرا بزرگ کرده‌ای و با شیرهٔ جان مرا به اینجا رسانده‌ای تا در وقت پیری عصایت شوم پدرم؛ با اینکه وضع مالیت خوب نبوده و با دستهای پینه بسته ما را بزرگ کرده‌ای و هنوز هم زحمت میکشی حالا دورانی بوده که می‌بایست در آسایش زندگی کنی اما برادران و خواهران اگر در زندگی خودم شما را اذیت و ناراحت کردم مرا مورد عفو و بخشش خود قرار دهید و پدرجان و مادرجان می‌دانم که با مشکلاتی که در زندگی داشته و تا فرزندان از وجودتان پیوند قلبی داده اید و جدائی مشکل است اما بخاطر اسلام و خدا نباید حتی قطره اشکی از اظهار من بریزید. خانواده عزیزم نباشد با گریه خودتان قلب دشمنان را شاد کنید نباشد به منافقین روحیه دهید بگذارید منافقین کوردل بدانند من از خاک بوجود آمده‌ام و به خاک برمیگردم و خاکی را که خداوند شسته است «انا لله وانا علیه راجعون»

وصیتم با همسران مهربانم که لایق نبودم که برای آنها شوهری خوب باشم انشاالله مرا با عفو و بخشش خودشان که از پروردگار جهان تقاضامند باشند تا خداوند هم مرا ببخشاید و بیامرزد.

همسرانم بچه‌هایم را مثل پدرشان پیرو خط امام بار بیاورید کمی بزرگتر شده اند به پایگاه بسیج بفرستید و نامشان را بنویسید و در آخر از تمام ملت مسلمان که مرا می‌شناسند از فامیلها و دوستان و خویشاوندان از این حقیر رنجی دیده اند مورد عفو خود قرار دهند تا در پیش خداوند روسیاه نباشم و برای تشییع جنازه‌ام تمام افراد خانواده حضور داشته باشند قبل از دفنم دوست دارم با دوستان و خانواده‌ام و همسرانم و فرزندانم خداحافظی کنم، پس روی مرا بگیرید تا در آخر آنها را در آغوش خود بگیرم. اگر تابوت مرا برای آخرین بار به حیاط خانه ببرید خوشحال میشوم دیگر سخن نیست.

خداحافظ

علی اکبر صابری اولین راهیان کربلای حسینی مخابرات استان مازندران

۱۸/۱۲/۶۶ شهرستان گرد کوی

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **صادقچه**
نام پدر: **محمدکاظم**
نام مادر: **خاتون**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر این امام عزیزمان نبود، یک روز هم این انقلاب نمی‌توانست به راه خود ادامه دهد.
- اگر نبود امام ما، اثری از اسلام در بین ما نبود.
- ای مردم گوش به فرمان امام عزیز باشید.
- امروز هم همان روز است که حسین زمان خمینی کبیر، ندای «**هل من ناصر ینصرنی**» را سر داده است.
- از خدمت به اسلام و قرآن کوتاهی نکنید.
- از برادرانم می‌خواهم که تا زنده هستند از خدمت به اسلام کوتاهی نکنند و گوش به فرمان امام باشند.
- شما خواهرانم با حجاب خود محکم‌ترین مشت را بر دهان یاوه‌گویان بزنید.
- باز هم شما را به اطاعت از امر امام عزیزمان سفارش می‌کنم.

## حسین صادقچه

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا[۱] فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون»[۲]**

«گمان مکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

به‌نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و به‌نام آن که همه‌چیز از اوست. هستی از اوست، بودنمان از اوست، نبودنمان به‌دست اوست. و به‌نام آن که آمدنمان به خواست اوست و رفتنمان به‌سوی اوست و به‌نام آن که ما را به راه راست هدایت فرمود و برای باقی ماندن در این راه برای ما راهبر فرستاد. و با سلام به سالار شهیدان حسین ابن علی(علیه‌السلام) که طریقهٔ جهاد را به ما آموخت. و با درود به رهبر کبیر انقلاب که با رهنمودهایشان ما را از گمراهی‌ها[۳] نجات دادند و اگر این امام عزیزمان نبود، یک روز هم این انقلاب نمی‌توانست به راه خود ادامه دهد. این امام است که ما را در هر لحظهٔ حساس از گمراهی و کج‌روی نجات می‌دهد. اگر نبود امام ما تا به حالا [...][۴] نبود و هم اثری از اسلام در بین ما. پس ای مردم گوش به فرمان امام عزیز باشید و بدانید این زمان، زمانی [...][۵] که اسلام ما را به یاری می‌طلبد، مانند زمانی که امام حسین(علیه‌السلام) در صحرای کربلا ندا[ی] سر داد «**هل من ناصر ینصرنی**»[۶] آیا کسی است به یاری اسلام بیاید؟ این جمله را برای اتمام حجت برای ما مردم گفتند که در فردای قیامت کسی نگوید که کسی از ما یاری نخواست. امروز هم همان روز است که حسین زمان خمینی کبیر، ندای «**هل من ناصر ینصرنی**» را سر داده است و هر کس که به این ندای لبیک نگوید و به جهاد نپردازد، حقیقتاً در فردای قیامت جوابی برای گفتن ندارد. این زمان مانند زمان امام حسین(علیه‌السلام) [است] که در شب عاشورا امام

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۳- در اصل وصیت «گمراه‌ها».

۴- خوانا نیست.

۵- خوانا نیست.

۶- در اصل وصیت «ینصرنی» افتاده است.

حسین(علیه‌السلام) دستور داد چراغ‌ها را خاموش کردند و گفتند هر کسی برای مال دنیا و مقام دنیا آمده است، برگردد که فردا همه کشته می‌شویم. آنهایی[۱] که دنیاطلب بودند و مسلمان بودنشان [به] لقلقهٔ[۲] زبانشان بود، رفتند و آنان که به حقیقت ایمان آورده بودند، ماندند و جهاد کردند. امروز هم همان کسان هستند که به بهانه‌های[۳] مختلف شانه از آمدن به جبهه خالی می‌کنند و فکر می‌کنند که مسلمانند. مثلاً می‌گویند امام هنوز دستور جهاد نداده است و گاهی نیز در شعارشان می‌گویند اماما دستور جهادم بده و... مگر دستور جهاد غیر از این است که امام عزیز می‌فرمایند «بر همه واجب است به جبهه بروند، تا زمانی که نیاز نداشته باشد»[۴] پس چرا رو به جبهه نمی‌آورید؟ در حالی که تمام مسئولین اعلام می‌کنند که جبهه نیاز به افراد دارد. هر کس چنین فکری می‌کند و به جبهه نمی‌آید، که این زمان از حساس‌ترین زمان‌ها است، بداند که مسلمان نیست، فقط زبانش مسلمان است. اگر مسلمان باشد، مسلماً به جبهه می‌آید و از اسلام دفاع می‌کند و اگر چنین نکند، بداند مانند کسانی هستند که در شب عاشورا رفتند و امام حسین(علیه‌السلام) را تنها گذاشتند.

و یک جمله برای کسانی که به انقلاب و امام عزیزمان دهن‌کجی می‌کنند. بدانند که نه از این دنیا خیری می‌برند و نه از آن دنیا، که همه و همه باید به آنجا برویم «هیچ‌کس باقی نمی‌ماند، مگر خدا که باقی است»[۵].

و شما پدر و مادرم! اول از شما می‌خواهم که مرا ببخشید ،چون هیچ قدم شایسته‌ای برای شما بر نداشتم و از شما می‌خواهم که همچنان مقاوم باشید و از خدمت به اسلام و قرآن کوتاهی نکنید. و از برادرانم می‌خواهم که تا زنده هستند از خدمت به اسلام کوتاهی نکنند و گوش به فرمان امام باشند.

---

۱- در اصل وصیت «آنها ای».

۲-در اصل وصیت «لغلغه».

۳- در اصل وصیت «بهانه‌ای».

۴- حضرت امام در پاسخ فتوایی که آیا شرکت در جبهه بر فرد واجب است وقتی مجاهدین حق به حد کافی هستند؟ چنین فرموده است «تا اطمینان به وجود نیروی کافی در جبهه‌ها حاصل نشود شرکت واجب است.» (احکام فقهی جنگ و دفاع، تبیان ۲۴، ص ۱۶۰).

۵- اشاره دارد به «و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام» الرحمن/ ۲۷.

و شما خواهرانم با حجاب خود محکم‌ترین مشت را بر دهان یاوه‌گویان بزنید. و اما تو همسرم! باید با استقامت و حجابت و تربیت فرزندانمان همچون زینب(علیها السلام) و اگر پسر بود همچون حسین(علیه السلام) دین خود را به اسلام ادا کن و در آخر باز هم شما را به اطاعت از امر امام عزیزمان سفارش می‌کنم.

**«والسلام علیکم و رحمة[1] الله و برکاته»**

**سومار- حسین صادقچه**

**۶۷/۲/۷**

۱- در اصل وصیت «**حمة**»

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون. گمان مکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند.

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و پیام آن که همه چیز از اوست همتش از اوست بودنمان از اوست نابودیمان بدست اوست و پیام آن که آمدنمان به خواست اوست و رفتنمان هم برای اوست و پیام آن که ما را به راه راست هدایت فرمود و یارای پا قرص ماندن در این راه برای ما را هم فرستاد و با سلام به سالار شهیدان حسین ابن علی (ع) که طریقه جهاد را به ما آموخت و یاد رود به روح کبیرا نقلاب که یار همدم و همیشگی ما را از گمراهیها نجات داد و آگر این امام عزیزمان نبود یک روز هم اینگونه انقلاب نمی‌توانست به راه خود ادامه دهد این امام است که ما را در هر لحظه حساس از گمراهی و کج روی نجات می‌دهد آگر نبود امام ما تا بحال ۵ نبود و هم اگر اسلام در بین ما چنین سرپا نمی‌ایستاد و هم گلشن به فرمان امام عزیز باشید و بدانید این زمان زمانی که اسلام ما را به یاری می‌طلبد مانند زمانی که امام حسین (ع) در صحرا کربلا خداداد سرداد (مدل من ناصر آینه آیا کسی هست به یاری اسلام بیاید. این جمله را برای امام خمینی برای ما مردم گفتند که در فردای قیامت نگوئید که کسی از ما یاری نخواست امروز هم همان روز است که حسین زمان خمینی کبیر فریاد (مدل من ناصر آینه می‌زند یاری می‌طلبد هر کس که به این ندای لبیک نگوید و به جهاد نرود حقیقتاً در روز قیامت جواب برای خدا برده است و هر کس که به این ندای لبیک گوید و به جهاد نرود حقیقتاً در روز قیامت جواب برای خدا برده است یاری ما مانند یاری امام حسین (ع) که در شب عاشورا امام حسین (ع) دستور داد چراغها را خاموش کردند و گفتند هر کس برای مال دنیا و مقام دنیا آمده است برگردد که ما را هم کشته می‌بینیم آنهائی که دنیا طلب بودند و همان شب بودند یا لحظه زبانشان بود رفتند و آنانکه به حقیقت ایمان آورده بودند ماندند و جهاد کردند امروز هم همان کسانی هستند که به بهانه‌های مختلف شانه از آمدن به جبهه خالی می‌کنند و فکر می‌کنند که مسلمانند مثلاً آن دیندار امام منور به دستور جهاد داده است و گاهی نیز در شعارشان می‌دهند ما با دستور جهاد هم موافقیم ولی دستور جهاد نداده است که امام عزیزمان فرمایند برویم واجب است به جبهه برویم تا زمانی که نیاز نداشته باشد پس چرا ما به جبهه نمی‌آییم و در حالی که تمام مسئولین اعلام می‌کنند که جبهه نیاز به افراد دارد هر آن چنین فکر می‌کند مرتجبه نیست آید که این زبان از حساسیت زمانی ما نباشد بداند که مسلمان نیست تفکر زبانش مسلمان است آگر مسلمان باشد مسلماً به جبهه می‌آید و از اسلام دفاع می‌کند و آگر چنین فکر بداند مانند کسانی هستند که در شب عاشورا رفتند و امام حسین (ع) را تنها گذاشتند و آنکه چند برادر کسانی که به انقلاب و امام عزیزمان دسترسی می‌کنند بداند که نداز این دنیا نمی‌ماند و برند و لذا از آن دنیا که همه و همه باید به آنجا برویم هیچ کس باقی نمی‌ماند مگر خدا که باقیست. و شما برادر و خواهرم آگر خواهم که مرا ببخشید چون عمدی نبوده شایسته‌ان برای شما نداشته و از شما می‌خواهم که همچنان مقاوم باشید و از دست به اسلام و قرآن بر نگردانید و از برادرانم می‌خواهم که کار را سنگین نکنند و گوش به فرمان امام باشند و شما خواهر عزیز با حجاب خودتان مکتب زینب را بروز دهید یا مرگ آگاه باشید. و اما تا چند صباحی باید با استعانت و همیاری از قدرت نیروهای شما همچون زینبی و آگر نبود همچون حسینی (ع) دین خود را به اسلام ادا کنم. و در آخر باز هم شما را به اطاعت از امر امام عزیزمان سفارش می‌کنم.

(والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته) حسین ۶۷/۲/۷

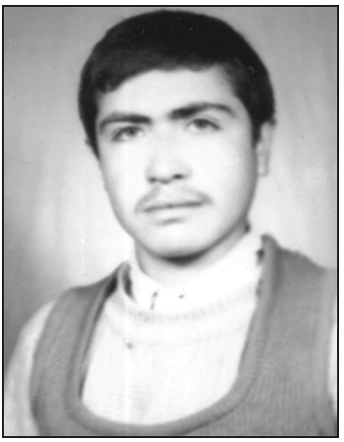

نام: **عباس**
نام خانوادگی: **صادقچه**
نام پدر: **حسن**
نام مادر: **رحیمه**
تاریخ تولد: **هفتم اردیبهشت ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **جهادسازندگی**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای سپهرها کنار روید که من با خدای خود پیمان بسته‌ام.
- به‌خاطر خداوند و برای نابودی کفر در سرتاسر دنیا به جنگ رفتم، تا بتوانم مقدار ناچیزی برای اسلام خدمت کنم.
- ای مادرم! مثل کوه باش و چون کوه استقامت کن.
- مادر و ای پدر! ما آمدیم تا اینکه از دنیا برویم، نه اینکه در این دنیای فانی بمانیم.
- آمدیم تا مثل انبیاء و حسین(علیه‌السلام) و همچون یاران باوفای او برویم.
- بدانید که این راه را خودم انتخاب کردم و آرزوی من هم همین بود.
- هر چه ما شهید بیشتر بدهیم مردم ما بیشتر آگاه می‌شوند.
- واقعاً ما هر چه داریم از خداوند داریم. در راه خدا جهاد کنید.
- هیچ‌وقت امام عزیز را فراموش مکنید. همیشه دعا به جان امام کنید.
- تا آخرین قطرهٔ خون خودتان، امام را یاری کنید.
- هیچ‌وقت جبهه‌ها را خالی نگذارید.

## عباس صادقچه

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربّهم یرزقون»**[1]

«گمان مکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

با نام الله و با نام او که همه‌چیزم از اوست. به‌نام او که زندگیم از اوست، در جهت اوست. به‌نام او که زنده به اوییم. به‌نام خدایی که انسان را آفرید و به او هستی داد که بتواند زندگی کند و برای راهنمایی او پیامبرانی فرستاد. و به نام او که زنده بودنم به‌خاطر اوست و رفتنم از اوست، یادم اوست، جانم اوست، معشوقم اوست، معبودم اوست. ای که همه چیزم از توست و همیشه به یاد تو هستم، به یادم باش که بی تو هیچ و پوچ هستم.

با درود و سلام بر منجی عالم بشریت، امام زمان(عج) و نایب بر حقش، امام امت، خمینی بت‌شکن و به امید پیروزی رزمندگان اسلام و با سلام بر پدر و مادر عزیزم، که هیچ‌وقت زحمات آنها را فراموش نمی‌کنم. ای حباب‌ها کنار روید و ای سپهرها کنار روید که من با خدای خود پیمان بسته‌ام. پیمان دوستی، پیمان محبت و نیکی، پیمان به عمل صالح و پیمان مبارزه، مبارزه با کفر و شرک.

ای پدر و مادر عزیزم! شما می‌دانید که من به‌عنوان مسئولیتی که داشتم و به‌خاطر خداوند و برای نابودی کفر در سرتاسر دنیا به جنگ رفتم، تا بتوانم مقدار ناچیزی برای اسلام خدمت کنم. تا بتوانم خداوند متعال و بلند مرتبه را از خود راضی کنم و خداوند از من خشنود باشد. و ای پدر [و] مادر! من از شما درخواست می‌کنم که اگر در خانه نتوانستم برای شما یک فرزند خوب باشم، من را ببخشید، چون معلوم نیست که آیا همدیگر را ملاقات کنیم و اگر شما ناراضی باشید، آن دنیا نمی‌توانم جواب خداوند را بدهم.

ای مادرم! مثل کوه باش و چون کوه استقامت کن. هیچ لحظه[1] از نام [و] یاد خدا غافل مشو و در راه دین خدا کوشا[2] باش که هر چه را هم در راه خداوند بکوشی کم است.

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

مادر و ای پدر! ما آمدیم تا اینکه از دنیا برویم، نه اینکه در این دنیای فانی بمانیم. آمدیم تا مثل انبیاء و حسین(علیه‌السلام) و همچون یاران باوفای او برویم.

ای پدر و مادرم! بدانید که همان‌طور که حسین(علیه‌السلام) مشتاق شهادت بود، من هم دلم می‌خواست که مثل حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد قطعه قطعه بشوم و جان ناقابل خود را فدای اسلام کنم. پس بدانید که این راه را خودم انتخاب کردم و آرزوی من هم همین بود. و حال ای مادر دلم می‌خواهد که بعد از شهادت من تو زینب‌وار باشی و همچون زینب(علیهاالسلام) استوار باشی، تا دشمنان چنان ضربهٔ محکمی بخورند و بفهمند که آن کوردلان نمی‌توانند با شهید کردن جوان‌های این مملکت، اسلام را به‌خطر بیندازند و بدانند که هر چه ما شهید بیشتر بدهیم مردم ما بیشتر آگاه می‌شوند و مشت محکم[۳]تری به دهان یاوه‌گویان می‌زنند.

و از تو مادر می‌خواهم که بعد از شهادت من گریه مکن. چون دشمنان با گریه کردن تو شاد می‌شوند و تو همچون کوه استوار باش و افتخار کن که توانستی امانت خداوند را صحیح [و] سالم پس بدهی و توانستی چنین فرزندی را تربیت کنی و آن را فدای اسلام کنی، پس باید به این شهادت فرزند خود افتخار کنی.

و تو ای خواهرم! تو هم باید زینب‌وار باشی و هیچ ناراحت نباش از اینکه برادر تو در راه اسلام فدا شده است و باید افتخار کنی. و یک پیام به تو ای برادر عزیزم دارم که هیچ وقت از خدا غافل مشو که واقعاً ما هر چه داریم از خداوند داریم و خودمان هیچ و پوچ هستیم و همیشه کارهایت را خالص کن برای خدا و برای بندهٔ غیر از خدا کار مکن و از شما عاجزانه تقاضا می‌کنم که هیچ‌وقت امام عزیز را فراموش مکنید و همیشه دعا به جان امام کنید و همین‌طور برای رزمندگان اسلام.

و یک پیام به شما دوستان عزیزم دارم که اولاً هیچ وقت از خدا غافل مشوید و از امام هم یادتان نرود و همیشه دعا به جان امام کنید و تا آخرین قطرهٔ خون خودتان، امام را

---

۱- در اصل وصیت «لحضه».

۲- در اصل وصیت «کوشاه».

۳- در اصل وصیت «حکمتری».

یاری کنید و هیچ‌وقت جبهه‌ها را خالی نگذارید و در راه خدا جهاد کنید و دشمنان اسلام را از پای درآورید.

در ضمن من خیلی خودم را کوچکتر از آن می‌دانم که پیامی به این امت شهیدپرور بدهم. ولی به‌عنوان یک مسئولیت که به گردنم است این را عرض می‌کنم که امت قهرمان اسلام تا یاری کنید و تا آخرین قطرهٔ خونی که در بدن دارید، از اسلام دفاع کنید. و همیشه امام را یاری کنید و هیچ‌وقت امام را تنها نگذارید و همیشه به جان امام دعا کنید. و دیگر اینکه جبهه‌ها را خالی نگذارید تا که دشمنان بتوانند خدای ناکرده به اسلام ضربه وارد کنند. پس همیشه حضور خود را در جبهه‌های حق اعلام کنید و چنان درسی[1] به دشمنان بدهید که تا دنیا دنیاست یادشان نرود.

در ضمن از شما خانوادهٔ عزیزم تقاضا می‌کنم که مقداری روزه دارم، برایم بگیرید که در جبهه بودم و آنها را نگرفتم. بیست و پنج روز روزه برایم بگیرید و یک ماه نماز برایم بخوانید.

دیگر سر شما را بیش از این درد نمی‌آورم و باز هم می‌گویم که از امام یادتان نرود.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

این تازه نهال آب خون می‌خواهد — پیمانه حق، شراب خون می‌خواهد[2]
ای دوست! مسلسلی که ایمان به خداست — باروت شرف، خشاب خون می‌خواهد

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه [و] بر عمر رهبر افزا، رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما، آمین یا رب العالمین.

**عباس صادقچه**

---

۱- در اصل وصیت «دس».

۲- شعر از حسن حسینی است. مجموعه «همصدا با حلق اسماعیل»، مصرع اول در اصل وصیت «گهواره عشق ناب خون می‌خواهد».

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

گمان مکنید کسانی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند

۱۰۰

با نام الله و با نام او که هم چیزم از اوست، با نام او که زنده‌ام از اوست، و مهر اوست، با نام او که زنده باد ایران، با نام خدای کهکشان‌ها و آفریننده و نابودکننده‌ی هر آن که بتواند و نخواهد که برای راه‌اندازی دوباره‌ی ایران خرسند باشد، و با نام او که زنده بودنم بخاطر اوست، و رفتنم از اوست، یارم اوست، جانم اوست، معشوقم اوست، معبودم اوست، و تنها اوست که همه چیز از اوست، و هیچ چیز با او قابل قیاس نیست، هیچ چیز هیچ هستم

با درود و سلام بر بهترین عالم بهترین امام زمان (ع) و نائب برحقش امام امت خمینی بت شکن، و با امید پیروزی روزبه‌روز اسلام و با سلام بر پدر و مادر عزیزم که هیچ وقت زحمات آنها را از اذهن نمی‌کنم

حیا حیا

ای کنار رودهای سپهر کنار رودبه که من با خاک تو پیمان بستم، پیمان درستی، پیمان صبر و نیکی، پیمان به عمل صالح و پیمان مبارزه، مبارزه با کفر و شرک،

ای پدر و مادر عزیزم همان دانید که من چنان مسئولیتی که داشتم و بجا طرح خانواده و برای نابودی کفر در سراسر دنیا بجنگ رفتم تا بتوانم مقدار ناچیزی برای اسلام خدمت کنم، تا بتوانم خانواده متعالی و بلند مرتبه را از خود راضی کنم و خانواده از من خشنود باشد

و ای پدر و مادر من از شما درخواست می‌کنم که اگر در خانه نتوانستم برای مقابله با کفر زنده خوب باشم من را ببخشید، چون علاقه‌ام به آیا همدیگر را ملاقات کنیم، و اگر شما را راضی نکنم آن دنیا من نمی‌توانم جواب خانواده را بدهم

ای پدر و مادر مثل کوه باش و چون کوه استقامت کن، هیچ چیز از مقام و خدا غافل نشو، و در راه دین خدا کوشا باش که هر چه را هم در راه خانواده بکوشی کم است،

صادق و ای پدر ما آمدیم تا انگیزه از دنیا ببریم. نه انگیزه در این دنیای فانی بیائیم، آمدیم تا مثل انبیاء و حسین (ع) و همچون یاران باوفای او بمیریم

ای پدر و مادر عزیز، بیائید که ها مظلومانه حسین (ع) صحنه‌ی شهادت بود من هم دلم می‌خواست که مثل حسین در میان بزرگ‌ترین مظلومیت و جهان ناجوانمردی تو راه خدا را اسلام کنم، پس بیائید که این راه را با خود انتخاب کردم و آرزوی من هم همین بود، و حال ای مادر دلسوز خواهر که بیاد شهادت من تو زینب وار باش، و همچون زینب (س) استوار باش تا دشمنان چنان خیره بمانند که نتوانند و بفهمند که آنها که در دمان می‌کوبند تا شعله‌ی کرون جوانهای این مملکت اسلام را بخطر بیندازند، و بدانند که هر چه بیشتر به جمع مردم ما بیفزایند آگاهی و وحدت عقیده‌ی پیروان مادی آنان را نابود می‌سازند

وازته ای مادر می‌خواهم که بیاد شهادت من گریه نکنی، چون دشمن شاد می‌شود، و تو همچون کوه استوار باش و افتخار کن که توانستی امانت خداوند را صحیح و سالم پس بدهی، و توانستی چنین فرزندی را تربیت کنی و آنرا برای اسلام کنی، پس باید به این شهادت فخر و افتخار کنی.

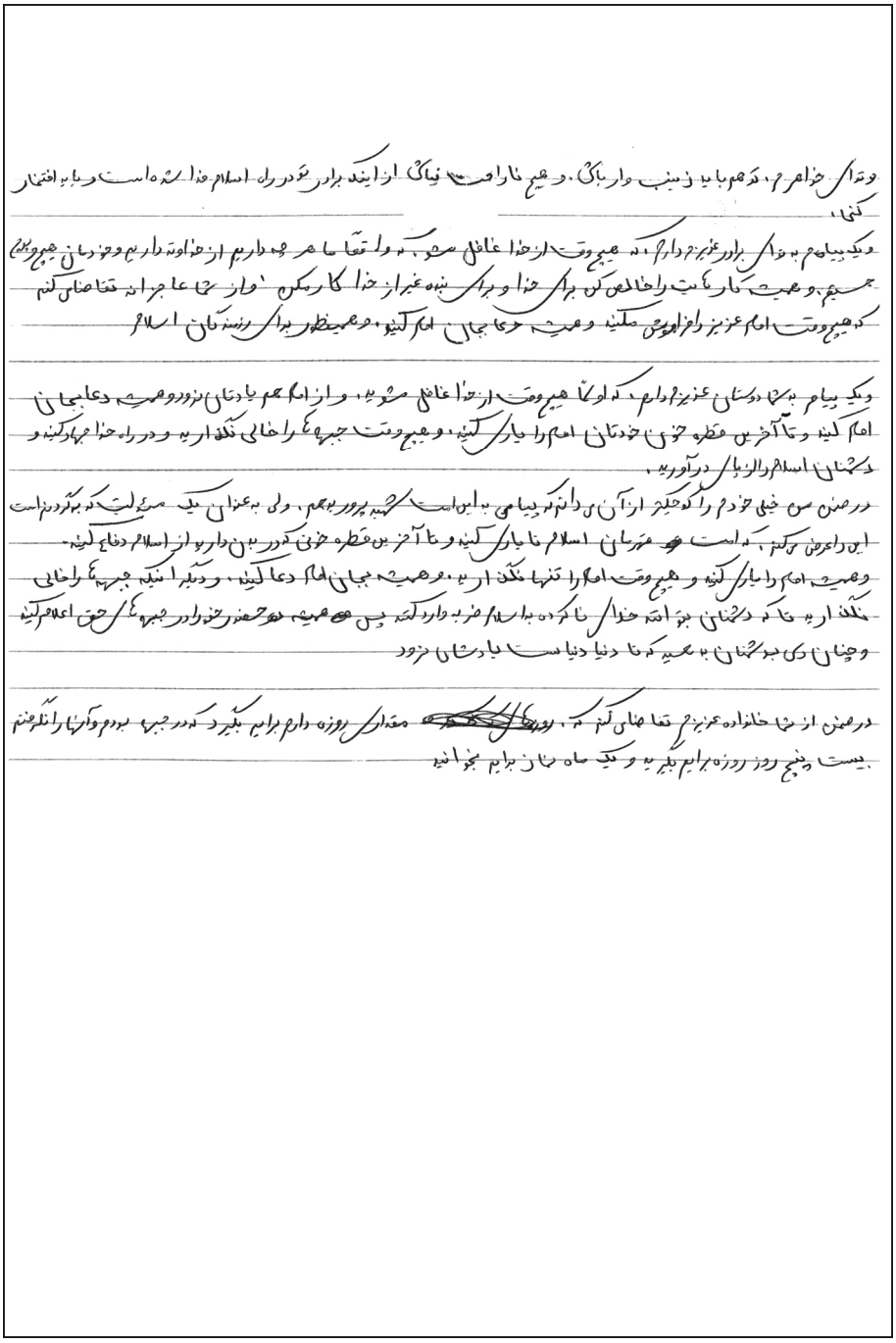

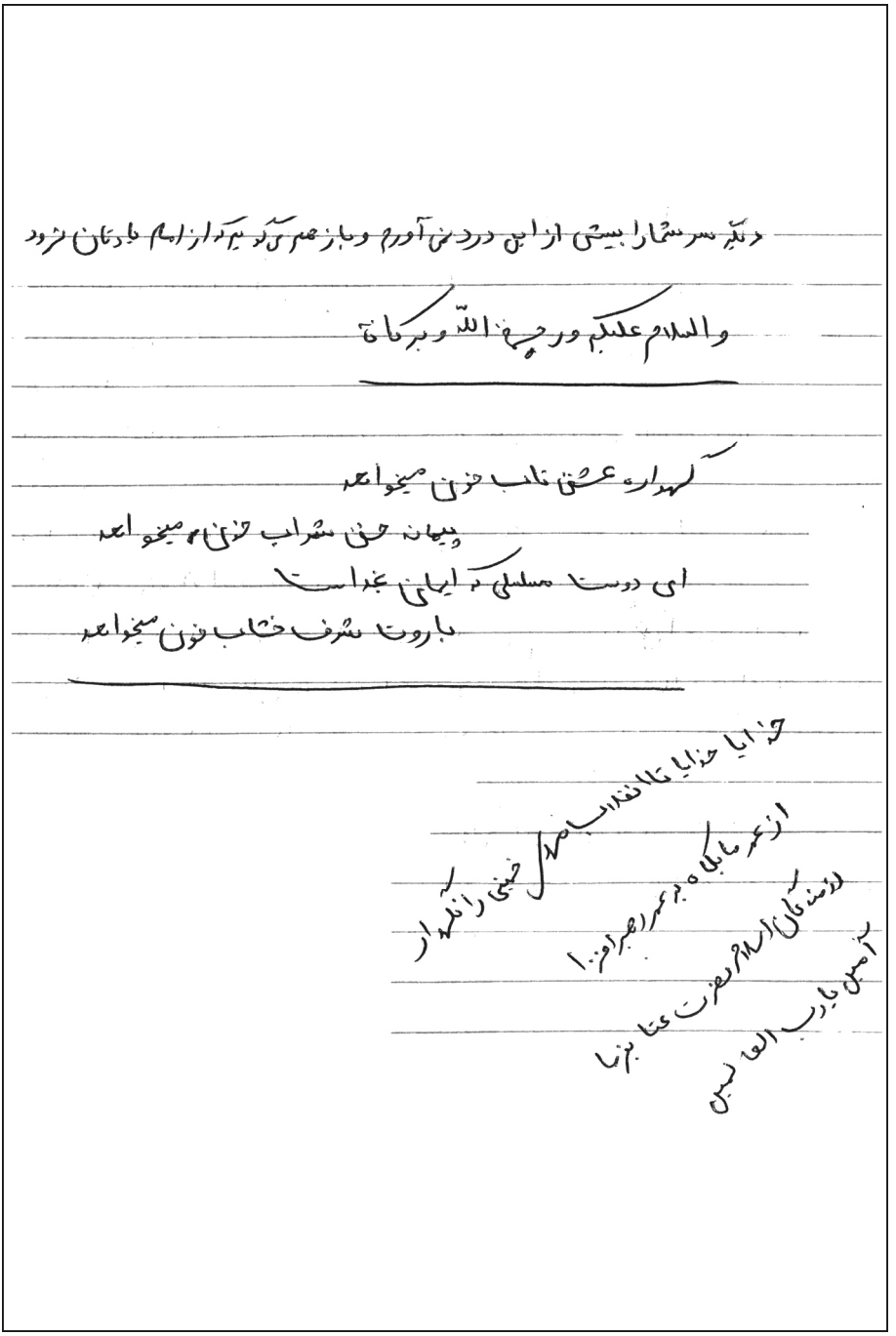

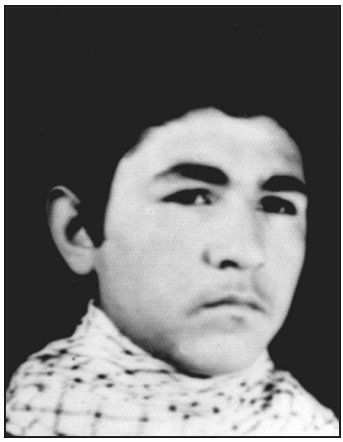

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **نادعلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم شهریور ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۶**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- هر انسانی برایش مرگی می‌باشد، پس چه بهتر در این راه انسان برود و شربت شهادت بنوشد.
- هدف ما از رفتن به جبهه برپایی قرآن و نماز و حفظ قرآن و نماز می‌باشد.
- خواهرانم حجاب خود را حفظ نمایید.
- تنها پیام و سفارشم به مردم این است که دست از یاری امام برندارید.
- هنگامی که پرستوی خونین بال و پر شهادت به‌سویم پرکشید، با آغوشی باز از آن استقبال می‌کنم.

## حسین صادقی

### بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر یگانه منجی عالم بشریت، امام عصر(عج) و سلام و درود بر نایب برحقش، حضرت امام خمینی و سلام درود به خانوادهٔ شهدا و درود بر رزمندگان جان بر کف و غیور اسلام. تا توان در جان دارم از اسلام و جانم محافظت می‌نمایم ولی آنگاه که پرستوی خونین بال و پر شهادت سویم پرکشید، با آغوشی باز از آن استقبال می‌کنم و به‌سوی خدایم پر می‌کشم. پیام من به خانواده‌ام این است که در سوگ من ناله و زاری ننمایند که با نالهٔ آنها دشمن خوشحال می‌گردد.

پدر و مادرم! هر انسانی برایش مرگی می‌باشد، پس چه بهتر در این راه انسان برود و شربت شهادت بنوشد. شب‌های جمعه بر سر قبرم بیایید و برایم قرآن بخوانید، چون هدف ما از رفتن به جبهه برپایی قرآن و نماز و حفظ قرآن و نماز می‌باشد. برادرم از فرزندانت خوب محافظت کن و آنها چنان تربیت نما که در خط اسلام و قرآن باشند. خواهرانم حجاب خود [را] حفظ نمایید و فرزندانتان را خوب تربیت نمایید. هر پدر و مادری آرزوی دامادی فرزندش را دارد ولی پدرم و مادرم! حالا هم من داماد شده‌ام و این دامادی شهادت من است که امیدوارم خداوند قبول نماید. تنها پیام و سفارشم به مردم این است که دست از یاری امام برندارید.

وصیتی کوتاه با پدر، پدر جان من یادم نیست که چقدر و یا چیزی به کسی بدهکارم ولی هر کس که گفت من از حسین چیزی می‌خواستم، به او بدهید.

**«والسلام علیکم»**[۱]

**۶۵/۹/۳۰**

**حسین صادقی***

---

۱- در اصل وصیت «والسلام و علیکم».

*. ذیل وصیت نامه اول شهید صادقی آمده است:

یگان خدمتی تی (تیپ) قائم‌آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم). گردان ادوات واحد ضد زره یا زهرا(علیهاالسلام). تاریخ ۱۳۶۵/۹/۳۰

در پاسخ سؤالی که در صورتی که به فیض شهادت نائل شدید محل دفن خود را بنویسید: هر جایی که پدرم بگوید و با ذکر نام «حسین صادقی» وصیت‌نامه را امضاء کرده است.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[1] «همانا آنانی [را] که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید، بلکه آنها زنده‌اند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند».

با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت، حضرت صاحب‌الزمان(عج) و نایب بر حقش، امام خمینی و جمیع روحانیون متعهد به اسلام و سلام به ارواح مطهر شهدا و طلب مغفرت به جهت ارواح مؤمنین و سلام به خانوادهٔ شهدا و تمامی رزمندگان اسلام، در تمامی جبهه‌های حق علیه باطل.

وصیت‌نامه‌ام را شروع می‌کنم:

اینجانب حسین صادقی برای اولین بار است که قلم به‌دست گرفته و در مورخهٔ ۶۳/۱۲/۳ مشغول نوشتن وصیت‌نامه می‌شوم. باری این حقیر از مدت‌های قبل آرزوی شهادت را داشتم و دوبار در جبههٔ کردستان شرکت کردم ولی این توفیق نصیبم نشد. بنده از این جریان خیلی خیلی غمگین بودم که چرا تا به‌حال لیاقت آن را نداشتم تا شهید بشوم. اکثر اوقات به فکر فرو می‌رفتم و با خود می‌گفتم که چرا باید ایمان من اینقدر ضعیف باشد که خدای بزرگ تا به حال این توفیق را به من نداده است. امیدوارم این‌بار خدای بزرگ بر من منت گذارد و این جان ناقابل را قبول درگاهش بفرماید.

اینجانب کوچک‌تر از آن هستم که بخواهم با امت شهیدپرور مطلبی بگویم. زیرا افرادی در بین ما بودند و شهید شدند و رفتند و هم‌اکنون در بین ما نیستند. آن عزیزان تمامی مطالب گفتنی را گفتند و وظیفهٔ تک، تک افراد است که گوش شنوا داشته باشند و به گفتهٔ آن عزیزان جامهٔ عمل بپوشند و پیام آن عزیزان را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار داده و دنبالهٔ کار آنها را ادامه دهند و نگذارند که خون آن عزیزان پایمال شود. نباشد که خدای نخواسته، فردای قیامت، در پیشگاه شهیدانمان، شرمنده شویم و مورد شفاعت آنها قرار نگیریم. اما

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

مطالب هرچند تکراری را باید گفت تا در ذهن‌ها زنده بماند و نباشد کـه خـدای نخواسـته به‌دست فراموشی سپرده شود.

از برادران و خواهران شهیدپرور می‌خواهم، پیرو خط امام باشند و همیشه برای سلامتی و طول عمر آن حضرت دعا کنند. زیرا این رهبر عزیز نعمتی است که پروردگـار اعظـم، از روی لطف و مهربانی، بر ما ارزانی داشـته و او را بـرای مـا فرسـتاده، باشـد کـه همگـی از دستورات آن حضرت پیروی کرده و پیام آن حضرت را برنامهٔ زندگی خودشان قرار دهند.

[...][1] معظم‌له راتنها بگذارند که اگر خدای نخواسته این مسـأله پـیش بیایـد، بـار دیگـر بیگانگان در امور وطن اسلامی ما دخالت می‌کنند و این خود ننگ ابـدی اسـت. و شـما ای ملت شهیدپرور! روحانیت در خط امام را سرمشق زندگی خود قرار دهید، چون روحـانیون از خدا و قرآن و اسلام عزیز اطلاع کامل دارند. بر شماست که از آنها پیروی کنید و پیروی کردن از آنهاست که موجب سربلندی و افتخـار جامعـهٔ اسـلامی مـی‌شـود. از امـت دلاور می‌خواهم که جنگ را، که مسئلهٔ اصلی است، فراموش نکنند که اگر فراموش شـود، ممکـن است موجب شکست خوردن اسلام شود و امیـد مستضـعفان جهـان را، کـه بـه مـا چشـم دوخته‌اند، به ناامیدی تبدیل کند. از شما می‌خواهم که با جان و مال خود جبهه‌هـا را یـاری نموده تا انشاءالله به پیروزی نهایی نائل گردیم.

«**ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص**»[2] «خـدا آن مؤمنـان را کـه در صف جهاد با کافران، مانند سد آهنین، هم‌دست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد».

در پایان چند سخن با خانوادهٔ عزیزم:

از خانوادهٔ عزیزم می‌خواهم که اگر انشاءالله توفیق شهادت را پیدا کردم، هرگز نگرانی و ناراحتی به خود راه ندهند و همیشه به این آیهٔ شریفه عنایـت داشـته باشـند کـه پروردگـار می‌فرماید: «**ان الله مع الصابرین**»[3] «خداوند آنان که صبر پیشه می‌کنند را دوسـت دارد» پـس همگی‌تان صبر داشته باشید و بدانید که به زودی همگی پیش هم می‌رسیم و مسـئلهٔ اصـلی ما جهان آخرت است که باید کاری کنیم کـه در آنجـا دچـار عـذاب الهـی نشـویم. بـاری

---

۱- خوانا نیست.

۲- صف/ ۵.

۳- بقره/ ۱۵۲.

خانوادهٔ عزیزم، من به همگی شما علاقهٔ خاصی دارم، ولی رسیدن به لقاءالله و دوست داشتن الله بالاتر از همهٔ اینهاست. پدرجان اگر انشاءالله شهید شدم و جسد من به‌دست شما رسید، دوست دارم مرا در کنار شهدای شاهرود دفن کنید و اگر شاهرود نشد اختیار با پدر و برادرم است، هر کجا که خواستند دفن کنند. شما ای برادر جان، چنان‌که تا به حال تعلیم و تدریس علم و دانش مشغول بودی، امیدوارم که انشاءالله به این راه پربرکت ادامه دهید و به نوبهٔ خود در تعلیم و تربیت فرزندان این مملکت خدمت کرده باشی. امیدوارم که پروردگار اعمال نیک شما را قبول درگاهش بفرماید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**«انا لله و انا الیه راجعون»**[1] «ما همه از خداییم و بازگشت ما به‌سوی اوست».

**مورخهٔ ۶۳/۱۲/۳**

**حسین صادقی**

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

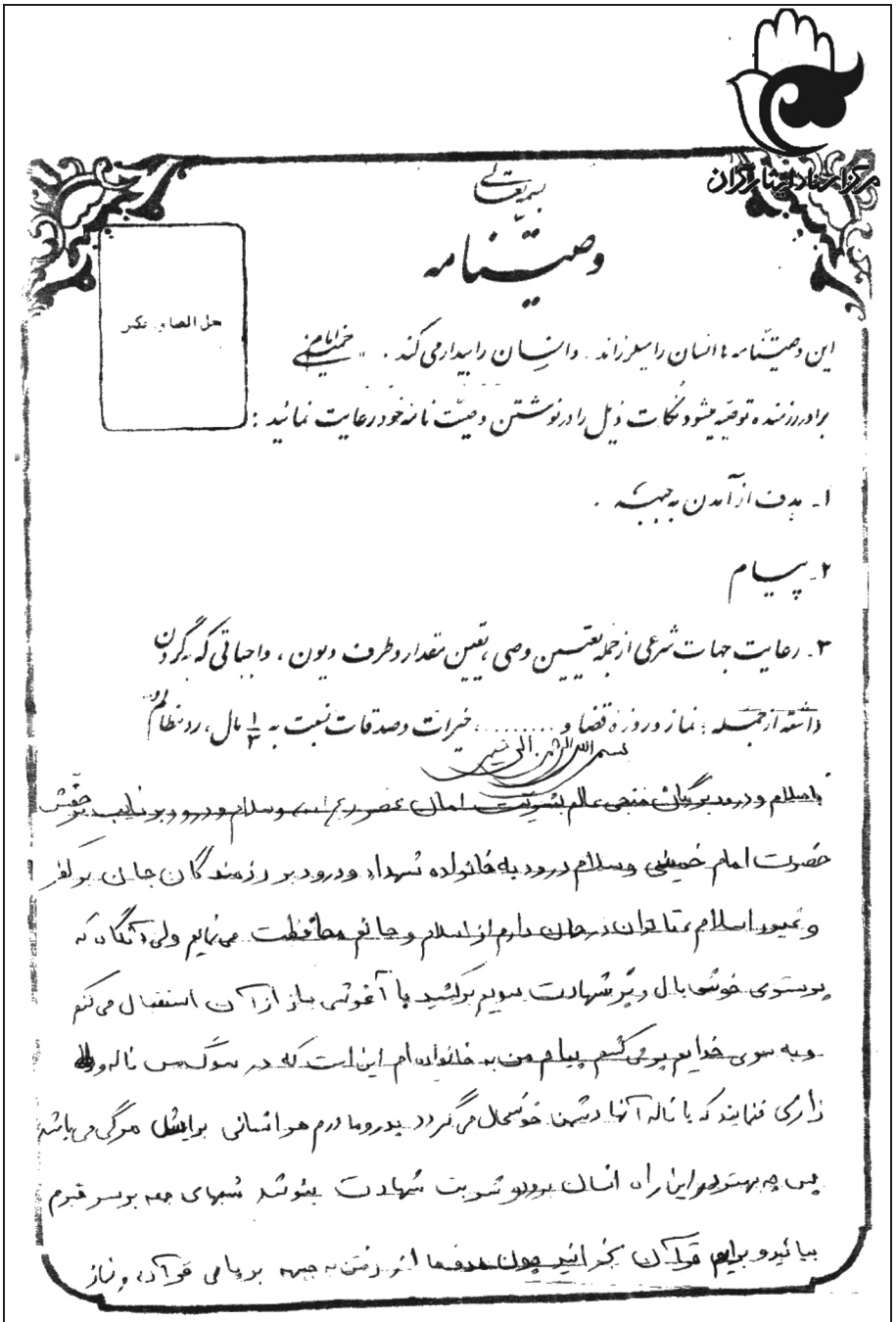

مرکز ارشاد اقتصادی تهران

بسمه تعالی

# وصیتنامه

حل الصاد عکس

این وصیتنامه ها انسان را میلرزاند. و انسان را بیدار می کند. «خمینی»

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱. هدف از آمدن به جبهه.

۲. پیام

۳. رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که بگردن داشته از جمله: نماز و روزه قضا و ..... خیرات و صدقات نسبت به ۱/۳ مال، رد مظالم و...

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر بیگانه منجی عالم بشریت امام عصر (عج) و سلام و درود بر نایب برحقش حضرت امام خمینی و سلام درود به خانواده شهداء و درود بر رزمندگان جان بر کفر و غیور اسلام، تا توان در جان دارم از اسلام و جانم محافظت می نمایم ولی آنگاه که پرستوی خوش بال و پر شهادت سویم برکشید با آغوشی باز از آن استقبال می کنم و به سوی خدایم پر می کشم پیام من به خانواده ام این است که در سوگ من ناله و زاری ننمایند که با ناله آنها دشمن خوشحال می گردد پدر و مادرم هر انسانی برایش مرگی می باشد پس چه بهتر در این راه انسان برود و شربت شهادت بنوشد شبهای جمعه بر سر قبرم بیائید و برایم قرآن بخوانید چون هدف ما از رفتن به جبهه برپایی قرآن و نماز

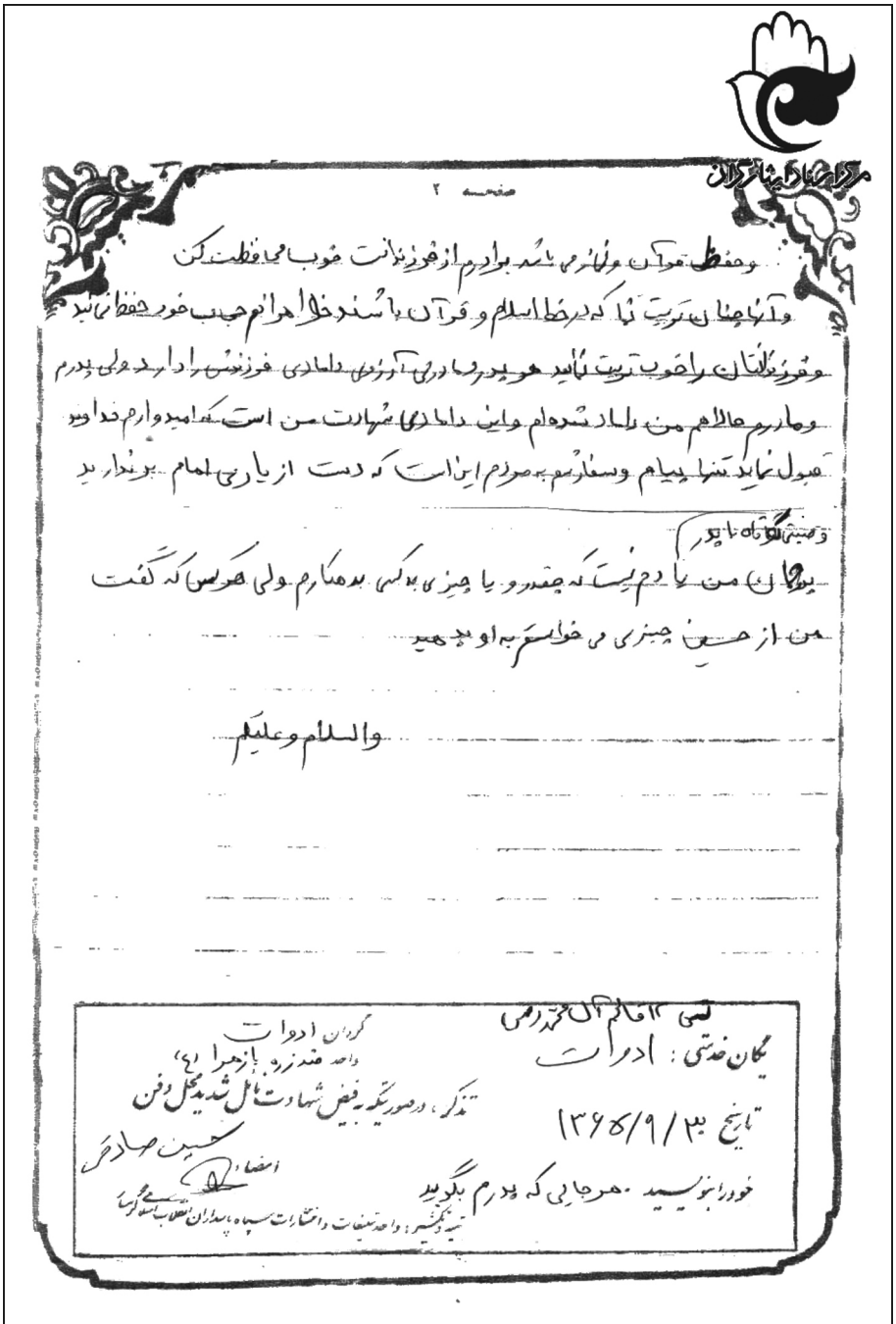

مرکز اسناد ایثارگران

صفحه ۲

و حفظ قرآن و نماز می باشد برادرم از فرزندانت خوب محافظت کن
و آنها چنان تربیت نما که در خط اسلام و قرآن باشند خواهرانم حجاب خود حفظ نمائید
و فرزندانتان را خوب تربیت نمائید هر پدر و مادری آرزوی دامادی فرزندش را دارد ولی پدرم
و مادرم حالا هم من داماد شده‌ام و این دامادی شهادت من است که امیدوارم خداوند
قبول نماید تنها پیام و سفارشم به مردم این است که دست از یاری امام برندارید

وصیتی کوتاه با پدر

پدرجان من یادم نیست که چقدر و یا چیزی به کسی بدهکارم ولی هر کس که گفت
من از حسین چیزی می خواستم به او بدهید

والسلام و علیکم

تسی ۱۲ قائم آل محمد رضی
یگان خدمتی: ادوات
تاریخ ۱۳۶۴/۹/۳
خود را بنویسید. هر جایی که پدرم بگوید

گردان ادوات
واحد ضد زره، بازهرا (ع)
تذکر: در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن
امضاء حسین صادقی
تهیه و تکثیر: واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرمسار

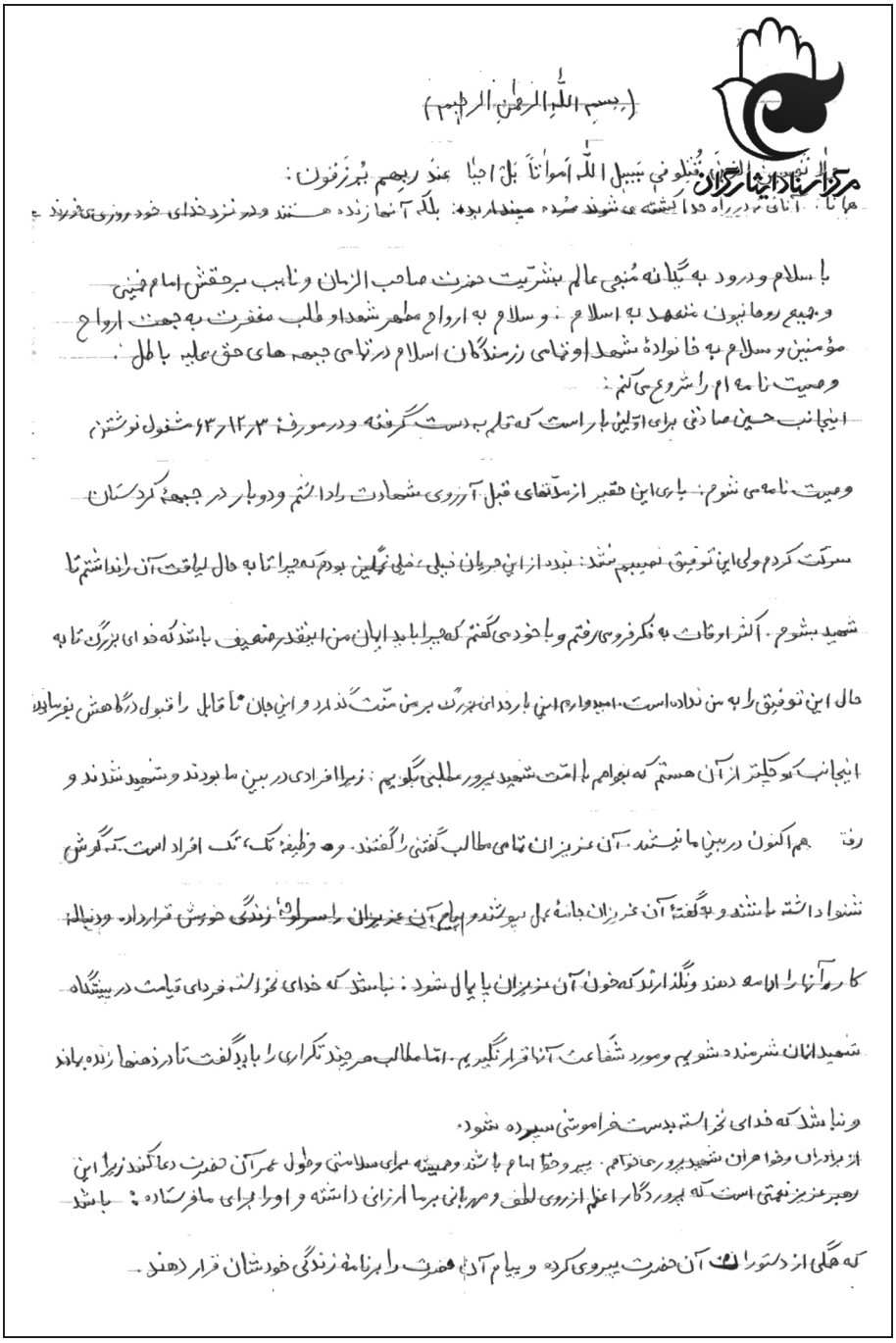

مرکز اسناد ایثارگران

(بسم الله الرحمن الرحیم)

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون:
همانا آنانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده مپندارید: بلکه آنها زنده هستند و در نزد خدای خود روزی می‌خورند.

با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت حضرت صاحب الزمان و نایب برحقش امام خمینی و جمیع روحانیون متعهد به اسلام، و سلام به ارواح مطهر شهدا و طلب مغفرت به جهت ارواح مؤمنین و سلام به خانوادهٔ شهدا و تمامی رزمندگان اسلام در تمامی جبهه های حق علیه باطل.
وصیت نامه ام را شروع می‌کنم:
اینجانب حسین صادقی برای اولین بار است که قلم به دست گرفته و در مورخهٔ ۶۳/۱۲/۳ مشغول نوشتن وصیت نامه می‌شوم: باری این حقیر از مدتهای قبل آرزوی شهادت را داشتم و دو بار در جبههٔ کردستان شرکت کردم ولی این توفیق نصیبم نشد: بنده از این جریان خیلی خیلی غمگین بودم که چرا تا به حال لیاقت آن را نداشتم تا شهید بشوم. اکثر اوقات به فکر فرو می‌رفتم و با خود می‌گفتم که چرا باید ایمان من اینقدر ضعیف باشد که خدای بزرگ تا به حال این توفیق را به من نداده است. امیدوارم این بار خدای بزرگ بر من منت گذارد و این جان ناقابل را قبول درگاهش بفرماید.
اینجانب کوچکتر از آن هستم که بخواهم با امت شهید پرور مطلبی بگویم: زیرا افرادی در بین ما بودند و شهید شدند و رفتند هم اکنون در بین ما نیستند. آن عزیزان تمامی مطالب گفتنی را گفتند. و وظیفهٔ تک، تک افراد است که گوش شنوا داشته باشند و به گفتهٔ آن عزیزان جامهٔ عمل بپوشند و پیام آن عزیزان را سرلوحهٔ زندگی خویش قرار داده و دنبالهٔ کار آنها را ادامه دهند و نگذارند که خون آن عزیزان پایمال شود: نباشد که خدای نخواسته فردای قیامت در پیشگاه شهیدانمان شرمنده شویم و مورد شفاعت آنها قرار نگیریم. اما مطالب هر چند تکراری را باید گفت تا در ذهنها زنده بماند و نباشد که خدای نخواسته بدست فراموشی سپرده شود.
از برادران و خواهران شهید پرور می‌خواهم. پیرو خط امام باشند و همیشه برای سلامتی و طول عمر آن حضرت دعا کنند زیرا این رهبر عزیز نعمتی است که پروردگار اعظم از روی لطف و مهربانی بر ما ارزانی داشته و او را برای ما فرستاده: باشد که همگی از دستورات آن حضرت پیروی کرده و پیام آن حضرت را برنامهٔ زندگی خودشان قرار دهند.

مرکز اسناد ایثارگران

[illegible] معظم‌له را تنها بگذارند که اگر خدای نخواسته اهل مسأله پیش بیاید با دیگر بیگانگان در امور وطن اسلامی [illegible] این خود ننگ ابدی است: و شما ای ملت شهیدپرور روحانیت در خط امام را سرمشق زندگی خود قرار دهید. چون روحانیون از خدا و قرآن و اسلام عزیز اطلاع کامل دارند. بر شماست که از آنها پیروی کنید و پیروی کردن شما از آنهاست که موجب سربلندی و افتخار جامعهٔ اسلامی می‌شود: از امت دلاور می‌خواهم که جنگ را که مسئلهٔ اصلی است فراموش نکنند که اگر فراموش شود ممکن است موجب شکست خوردن اسلام شود و امید مستضعفان جهان را که به ما چشم دوخته‌اند به ما امیدی تبدیل کند. از شما می‌خواهم که با جان و مال خود بیشتر ها را یاری نموده تا انشاءالله به پیروزی نهایی نائل گردیم.

إنَّ اللهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُم بُنيَانٌ مَرصُوص:
خدا آن مؤمنان را که در صف جهاد و کافران مانند سد آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد

در پایان چند سخن با خانوادهٔ عزیزم:
از خانوادهٔ عزیزم می‌خواهم که اگر انشاءالله توفیق شهادت را پیدا کردم، هرگز نگرانی و ناراحتی به خود راه ندهند و همیشه به این آیهٔ شریفه عنایت داشته باشند که پروردگار می‌فرماید: (انّ الله مع الصابرین) خداوند آنانکه صبر پیشه می‌کنند را دوست دارد؛ پس همگی تان صبر داشته باشید و بدانید که به زودی همگی پیش هم می‌رسیم. و مسئلهٔ اصلی ما جهان آخرت است که باید کار کنیم که در آنجا دچار عذاب الهی نشویم. باری خانوادهٔ عزیزم: من به همگی شما علاقهٔ خاصی دارم. ولی رسیدن به لقاءالله و دوست داشتن الله بالاتر از همهٔ اینهاست؛

پدرجان اگر انشاءالله شهید شدم و جسد من به دست شما رسید دوست دارم مرا در کنار شهدای شاهرود دفن کنید و اگر شاهرود نشد اختیار با پدر و برادرم است. هر کجا که خواستند دفن کنند شما ای برادرجان. چنانکه تا به حال به تعلیم و تدریس علم و دانش مشغول بودی امیدوارم که انشاءالله به این راه پر برکت ادامه دهید و به نوبهٔ خود در تعلیم و تربیت فرزندان این مملکت خدمتی کرده باشی: امیدوارم که پروردگار اعمال نیک شما را قبول درگاهش بفرماید.

والسلام علیکم برحمة الله و برکاته.

(انا لله و انا الیه راجعون)
صاحبه از خدا بیم و بازگشت ما به سوی اوست
مورخه ۳/۱۲/۶۳

حسین صادقی

صادقی

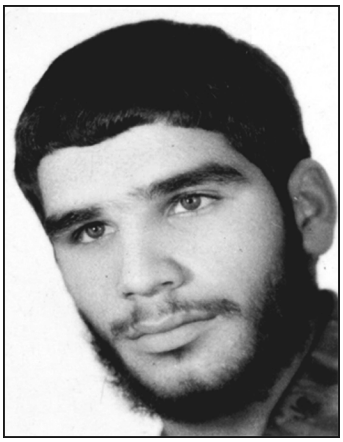

نام: **حمید**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **دهم دی ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مادرم مثل زینب(علیهاالسلام)باش و پیام شهیدان را به گوش همه برسان.
- ما پیروزیم برای اینکه خدا با ماست.
- ما ایمان داریم برای اینکه شهادت را با جان و دل خریداریم.
- من این خون ناچیزم را فدای اسلام عزیز می‌کنم.
- من و هم‌رزمانم درک کرده‌ایم که شهیدان بار مسئولیت را بر دوش ما قرار داده‌اند.
- سخنان رهبر کبیر انقلاب را از دل و جان پذیرا باشید و همه به آن عمل کنید.
- همیشه در سنگر نماز جمعه شرکت فعال داشته باشید و همیشه در صحنه حاضر باشید.

## حمید صادقی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«یا ایّتها النّفس المطمئنة ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنّتی»**[۱]

ما پیروزیم برای اینکه خدا با ماست، برای اینکه اسلام پشتیبان ماست. ما ایمان داریم برای اینکه شهادت را با جان و دل خریداریم. می‌رویم تا با ندای «**هل من ناصر ینصرنی**»[۲] ندای سیدالشهداء را لبیک بگوییم. مدتی است که به انتظار شهادت نشسته‌ام و از شهرم هجرت نموده‌ام. از آن جایی که در آن غوغایی مادّی [را] فراگرفته است، هجرت کردم. می‌روم به جایی که یاران حسین(علیه‌السلام) عاشقانه، با نیتی پاک وخالص، جان خود را در طبق اخلاص نهاده‌اند. و می‌شتابم که اسلام را به تمامی جهان ثابت کنم. و آنجا می‌روم که مردان حق از تمامی وابستگی‌های دنیوی و مادی چشم پوشیده‌اند. آنجایی که عاشقان و عارفانی که از زن و فرزند و از مال و جان خود گذشته‌اند تا به دیدار یاران حسین(علیه‌السلام) بپیوندند و به‌سوی خدا حرکت کنم. من این خون ناچیزم را فدای اسلام عزیز می‌کنم، چون می‌دانم که به خون من و تو، برادر عزیزم، اسلام نیاز دارد. من می‌روم تا خط سرخ آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را ادامه دهم. اکنون که قدم در این راه می‌نهم، نه به‌خاطر این است که خدای نکرده جاه و مقام کسب کنم، بلکه من و هم‌رزمانم درک کرده‌ایم که شهیدان بار مسئولیت را بر دوش ما قرار داده‌اند.

و اما پیامی دارم بر شما امت شهیدپرور و آن این است که سخنان رهبر کبیر انقلاب را از دل و جان پذیرا باشید و همه به آن عمل کنید و اسلحه به زمین افتاده شهیدانمان را برداریم و همیشه در سنگر نماز جمعه شرکت فعال داشته باشید و همیشه در صحنه حاضر باشید.

مادرم! بر خود ببال و افتخار کن که فرزندت را در راه اسلام و قرآن و میهن و خدا دادید و همچون مادر وهب[۳]، شیردل و صبور باش که همین‌طور قرآن کریم می‌فرماید که: «**ان الله مع الصابرین**»[۴]. وقتی که خبر مرا به شما دادند جامهٔ نو بر تن بپوش و مجلس شادی

---

۱- فجر/ ۲۸.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- بقره/ ۱۵۳.

به‌پا کن و مثل حضرت زینب(علیهاالسلام) زینب‌وار باش و پیام شهیدان را به گوش همه برسان، و هر شب جمعه بر سر مزارم حاضر شو. امیدوارم که برادر عزیزم را طوری تربیت کنید که در راه خدا و اسلام و قرآن قدم بردارد.

پدر جان! من فرزند شایسته‌ای برای تو نبودم و باید مرا عفو کنی، زیرا که آن‌طور که باید و شاید احساس مسئولیت در مقابل شما نکرده بودم، امیدوارم که برادر روح‌الله، به‌جای من به شما کمک کند و در ضمن من دوست ندارم که جنازه‌ام را به عقب برگردانند و دوست دارم که مثل دوستانم که شهید شدند و جنازهٔ آنها در عملیات پیروزمندانهٔ بدر[1] به‌جای ماند، من نیز جنازه‌ام به‌جای بماند و خدا جنازه‌ام را نیز با خود ببرد همانند برادران عزیزم، حسن عامری و رجبعلی نیشابوری و دیگر برادران عزیزی که جنازه ندارند.

و اگر که جنازهٔ من برگشت، خدای را شکر کنید. و پدر جان اگر که جنازه‌ام نیامد، مبادا که ناراحت شوید و ان‌شاءالله که خداوند به شما صبر واجر عنایت بفرماید. در ضمن پرچم قرمزی را بر سر قبرم قرار دهید که آن کوردلان منافق[2] بدانند که ما از شهادت ترسی نداریم و همیشه گوش به فرمان امام عزیزمان هستیم و از همگی دوستان و همسایگان از قول من حلالیت بطلبید.

و چند کلمه که مربوط به نماز و روزهٔ من است. در مدت ۲ ماه روزه قرض دارم و در حدود ۱ ماه نماز قضا دارم، برای اینکه در جبهه بوده‌ام و نتوانستم روزه را بگیرم و امیدوارم که شما پدر و مادر عزیز در [این] مورد نماز و روزهٔ من اقدام کنید و آنها را انجام دهید.

**«و من الله التوفیق»**

هدیه به خانوادهٔ عزیزم:

با نیت عشق بار بستند همه  از خانه و خانمان گسستند همه

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**مورخ ۶۴/۱۰/۱۷**

**حقیر برادر حمید صادقی**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

مرکز اسناد ایثارگران

## شما پیروزید برای اینکه خدا با شماست.





بقیه

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی
وادخلی جنتی

ما پیروزیم برای اینکه خدا با ماست. پیشیبان ماست. ما ایمان داریم برای اینکه شعار نیست. با جان و دل عزیزیم. می رویم تا ما نندای صبح خالصی نفس زنیم. ندای سید الشهداء را لبیک گوئیم. هدی لحرکت کنیم. انتظار شهادت کشیده ام و از آن جائی که در آن عوضی ماری را نمی گذارد، هجرت کردم. هیدرم به جائی که با یاران حسین (ع) هم شانه باشیم پاک و خالص جان خود را در طبق اخلاص نهاده و می شتابیم که اسلام را به صاحبش تحویل کنیم و آنجائی روم که عرفان حق از شمای راستگی های دلبری و مادری چشم پوشیده است. آنجائی که عاشقان و عارفانی که از زن و فرزند و از مال و جان خود گذشته اند. تا به یاران حسین (ع) بپیوندند و بی سری خدا عبادت کنم. من این خون ناچیزم را فدای اسلام عزیز می کنم چون میدانم که با خون من و امثال من (پدر عزیزم) اسلام بیارز دارد. من می خواهم تا خط سرخ آل محمد (ص) را ادامه دهم. اکنون که تصمیم دارم در این راه می روم، نه فاطر امنیت که خدای نکرده جاده و مقام کسب کنم. بلکه من و هم رزمانم درک کرده ایم که مسئولیت را بر دوش ستمگران و اربابان زر و زور و امثال پیای داریم بر شما امت شهید پرور و آن امتی که خمینی و مجاهدان و رهبر کبیر انقلاب را از دل و جان پذیرفته و همه پیام آن سلحشور و اصیل پرزمین افتاده شهیدان را برداریم و همیشه در سنگر نماز جمعه شرکت نمائید و راهپیمائی را بشکنید و همیشه در صحنه حاضر باشید.

مادرم برخود بالید و افتخار کن که فرزندت راه راه اسلام و قرآن و امین رهنمود و خمینی کبیر را برگزید. شکیبا و صبور باش که همین طور قرآن کریم می فرماید که ان الله مع الصابرین.

وقتی که خبر مرا به شما دادند جامه نو بر تن بپوش و مجلس شادی بپا کن و مثل حضرت زینب (س) زینب وار باش و پیام شهیدان را به گوش همه برسان و مجلس جشن برپا کن و خوشحال باش.

امیدوارم که پدر عزیزم را طوری تربیت کنید که در راه خدا و اسلام و قرآن قدم بردارد و بهر جان من فرزند شایسته ای برای تو بزرگ و باید مرا ببخشی زیرا که آنطور که باید و شاید احسان مسئولیت

هدیه نهضت سوادآموزی قلم به رزمندگان پیروز اسلام (بمناسبت هفته نهضت)

در مقابل شما نکرده بودم، امیدوارم که برادر روح‌الله به جای من به شما کمک کند و در ضمن من دوست ندارم که جنازه‌ام را به عقب برگردانند و دوست دارم که مثل دوستانم که شهید شدند و جنازه آنها در عملیات پیروزمندانه بدر به جای ماند من نیز جنازه‌ام به جای بماند و خدا جنازه‌ام را نیز با خود ببرد و همانند برادران عزیزم، حسن عامری و رجبعلی نیشابوری و دیگر برادران عزیزی که جنازه ندارند.

و اگر که جنازه من برگشت خدای را شکر کنید و پدر جان اگر که جنازه‌ام نیامد مبادا که ناراحت شوید و ان شاء الله که خداوند به شما صبر و اجر عنایت بفرماید. در ضمن پرچم قرمزی را بر سر قبرم قرار دهید که آن کوردلان منافق بدانند که ما از شهادت ترسی نداریم و همیشه گوش بفرمان امام عزیزمان هستیم و از همگی دوستان و همسایگان از قول من ملالت بطلبید.

و چند کلمه که مربوط به نماز و روزه من است در مدت ۲ ماه روزه قرض دارم و در حدود ۱ ماه نماز قضا برای اینکه در جبهه بوده‌ام و نتوانستم روزه را بگیرم و امیدوارم که شما پدر و مادر عزیز در این مورد نماز و روزه من اقدام کنید و آن‌ها را انجام دهید. «و من الله التوفیق»

هدیه به خانواده عزیزم:
- پایت عشق یار بستند همه
- از خانه و خانمان گسستند همه

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته

مورخ: ۶۴/۱۰/۱۷

حقیر برادر حمید صادقی،

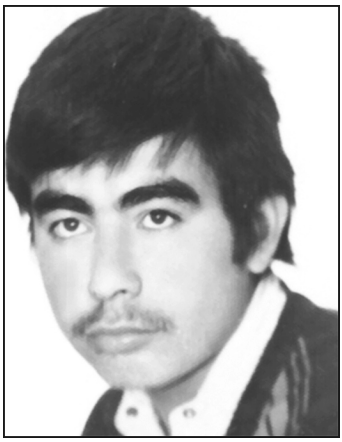

نام: **علی**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **علی‌نقی**
نام مادر: **حمیده**
تاریخ تولد: **دهم خرداد ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم تیر ۱۳۶۴**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مرگ ما دست خداست و هرگونه که خواسته باشد، ما را به‌سوی خودش بازمی‌گرداند.
- چه بهتر که سعادتمند و روسفید به پیش خدا بازگردیم.
- با انتخاب کردن و رفتن ما به جبهه‌ها، دیگر دشمن نمی‌تواند به ناموس ما تجاوز کند.
- با جنگیدن رزمندگان اسلام، شما و دیگر مردم در پشت جبهه آسوده خواهید بود.
- باید همیشه تابع گفتهٔ امام باشید و هر چه می‌توانید به اسلام خدمت کنید.
- از یاد خدا غافل نشوید که غافل شدن از یاد خدا باعث می‌شود که شما را شیطان وسوسه کند.

## علی صادقی

### بسم الله الرحمن الرحیم

با نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان و با سلام بر حضرت مهدی(عج) مولا و یاور رزمندگان جهان و با سلام بر نایب برحقش، پیر جماران، این قلب تپندهٔ مردم ایران، این راه نشان‌دهندهٔ راه رزمندگان و با سلام بر روان پاک شهیدان، شهیدانی که جسم آنها به خون غلطیده ولی روح آنها زنده در بین ما و شما پرواز می‌کند. شهیدانی که با خون خود درخت اسلام را در ایران آبیاری کرده‌اند. وصیت‌نامهٔ خود را چون واجب کفایی است شروع می‌کنم.

مادر مهربانم! اگر من به فیض شهادت نائل آمدم و خدا مرا طلبید، هرچند می‌دانم برای تو خیلی سخت است، اما برای من گریه مکن، چون گریه کردن تو و امثال تو باعث خوشحالی دشمن می‌شود. مرگ ما دست خداست و هرگونه که خواسته باشد، ما را به‌سوی خودش بازمی‌گرداند، پس چه بهتر که در بستر نمیریم و در راه خودش به‌سوی خودش برویم و چه بهتر که سعادتمند و روسفید به پیش خدا بازگردیم. مادرم! هر چند که می‌دانی حق مادری بر گردن ما داری، امیدوارم که مرا ببخشی و سختی‌هایی که دربارهٔ من کشیدی، انشاءالله حق خویش را از خدا بگیری. اگر خواسته باشی حساب کنی، اگر یک نفر از ما شهید شدیم سهم خمس [...][1] رد نشده است یعنی ما ۷ نفر برادر[2] و خواهر هستیم، در حالی که هر ۵ نفر یکی خمس دارد. [پس] بنابراین از دست من و این‌که اگر شهید شدم، ناراحت مشو.

و تو ای پدر بزرگوارم[3]! تو در طول عمر من به من ضرر و زیانی نرساندی، بلکه بر گردن[4] من حق زیادی داری و از تو خواهش می‌کنم که مرا ببخشی، تا مورد رحمت خداوند قرار گیریم. ای پدر گرامی از تو می‌خواهم که در حق من دعا کنی، در سختی‌هایی

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «براد».

۳- در اصل وصیت «بزرگ وارم».

۴- در اصل وصیت «بر کردن».

که برای من کشیدی تا به این سن برسم، اما چاره چیست؟ یا باید ما به جبهه برویم و یا باید جبهه به پیش ما بیاید، از این دو یکی را انتخاب کنید. با انتخاب کردن و رفتن ما به جبهه‌ها، دیگر دشمن نمی‌تواند به ناموس ما تجاوز کند و با جنگیدن رزمندگان اسلام، شما و دیگر مردم در پشت جبهه آسوده خواهید بود. سپس مرا باید ببخشی که بخشش تو مرا در آخرت سرفراز خواهد کرد. و به شما برادران و خواهران: باید همیشه تابع گفتهٔ امام باشید و هر چه می‌توانید به اسلام خدمت کنید و اگر من در خانه نااحترامی به شما کرده‌ام می‌بخشی و از شما پدر و مادر گرامی می‌خواهم که طلب آمرزش مرا از تمامی مردم خوب قدرت‌آباد [و] خویشان و دوستان خواسته باشی تا بلکه [ما] رضایت ایشان، شهادت ما مورد رضای خدا [قرار][1] گیرد. به شما پدر و مادر گرامی و برادران و خواهران، می‌خواهم که در هیچ وقت جبهه را ترک نکرده و از یاد خدا غافل نشوید که غافل شدن از یاد خدا باعث می‌شود که شما را شیطان وسوسه کند و به راه دیگری غیر از راه خدا رفته و در آخرت رستگار نشوید. پس امیدوارم که به یاری خداوند و با یاد خدا در کارهایتان موفق و مؤید بود، و از یاد الله غافل نشوید. و باز هم به تو ای مادر گرامی! اگر تن مرا قطعه قطعه آوردند، به یاد حسین ابن علی(علیه‌السلام) بیفت[2] که بدنش را قطعه قطعه کردند و اگر جسم مرا برای تو سالم آوردند، باید چنان[3] رشیدانه به خاک بسپری که گویی[4] مرا داماد کرده‌ای.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**علی صادقی**

---

۱- کلمه ناخوانا و افتاده باید به سیاق عبارت واژهٔ «قرار» باشد.

۲- در اصل وصیت «بی‌افت».

۳- در اصل وصیت «همچو».

۴- بالای برگه وصیت این جمله از امام خمینی وجود دارد «من دست و بازوی شما رزمندگان را که دست خدا بالای آن است می‌بوسم و بر این بوسه افتخار می‌کنم».

بسمه تعالی



**من دست و بازوی شما رزمندگان را که دست خدا بالای آنست میبوسم و بر این بوسه افتخار میکنم .**

بسم الله الرحمن الرحیم

با نام الله پاسدار حریت خون شهیدان و با سلام بر حسین مهدی مولا و رزمندگان جبهه حق و با سلام
به روحانی این پیرخیاران این عقاب پیر، مردم ایران این راهنمایان دیده و راه روشنگران و با سلام بر روان
پاک شهیدان سرخ که چشم آنها بخون غلطیده ولی روح آنها زنده در بین ما وبش پرواز میکند
شهیدانی که با خون خود درخت اسلام را در ایران آبیاری کرده اند و میتاخت خود را بحضور رابح
کنان میدانست مشروع میکنند

مادر میرایم آرمن به فیض شهادت نائل آمد و خدا را طلبید هر چه مادر برای او که خواهان
است اما برای من گریه مکن چون گریه کردن تو انسان کم باعث خوشحالی دشمن میشود مرگ ما
حیات است و هرگز نمیگذارد که خون شهیدان ما بر زمین بریزد پس چه بهتر که شهید راهی
و در راه خدا بشهادت برسم چه بهتر که سعادت اسلام و مسلمین با خون خود بارور کنم مادرم
مرا ببخش که من دارم حق مادری کردن ما دارم امیدوارم که ما را ببخشی و سختی مالی که در باره من کشیدی
انشاالله خونم را از خدا بگیری آن خدائیکه باید حساب کرد یکه نفر را از شهید بشری بهتر
خواهد دانست یعنی با ۷۰ میلیارد و ۶ میلیون جمعیت که ۵ هزارمین جمعیت دارد پس بنابراین
از دست من و امثال من شهید شدن ناراحت نشو و بخدای بزرگ توکل کن و بدان که خدا طول عمر من را به من
ضرورتی نمیداند یکدیگر دین من حق زیادی دارد که خواهش میکنم که مرا ببخشی و از خدا بخواهید
رحمت خداوند شامل حال ما گردد ای برادرانم از شما میخواهم که در حق من دعا کنید در بخش ما بر یکدیگر
گشتیم تا با این سن پیر ما چاره چیست باید جبهه برویم و باید جبهه با پیش ما بیاید آنان دو یک
را انتخاب کنید یا رضا بکردن رفتن یا جبهه ما خود دشمن را تا دروازه های ما نخواهد آورد و با جنگیدن
رزمندگان اسلام ما هم دیگر در پشت جبهه آسوده خواهیم بود پس ما باید بجنگیم تا بخت بد
ما در آخرت سرافراز گردیم و بیتی برادران و خواهران باید همیشه تابع کفار امام باشید و
هرچه بتوانید با اسلام خدمت کنید و از من در جبهه ها حمایت کرده ام من از شما میخواهم
مادرم را میخواهم که طلب آمرزش مرا از خدا بکند و از مردم خواهم که از من دعا کنند
یا حق

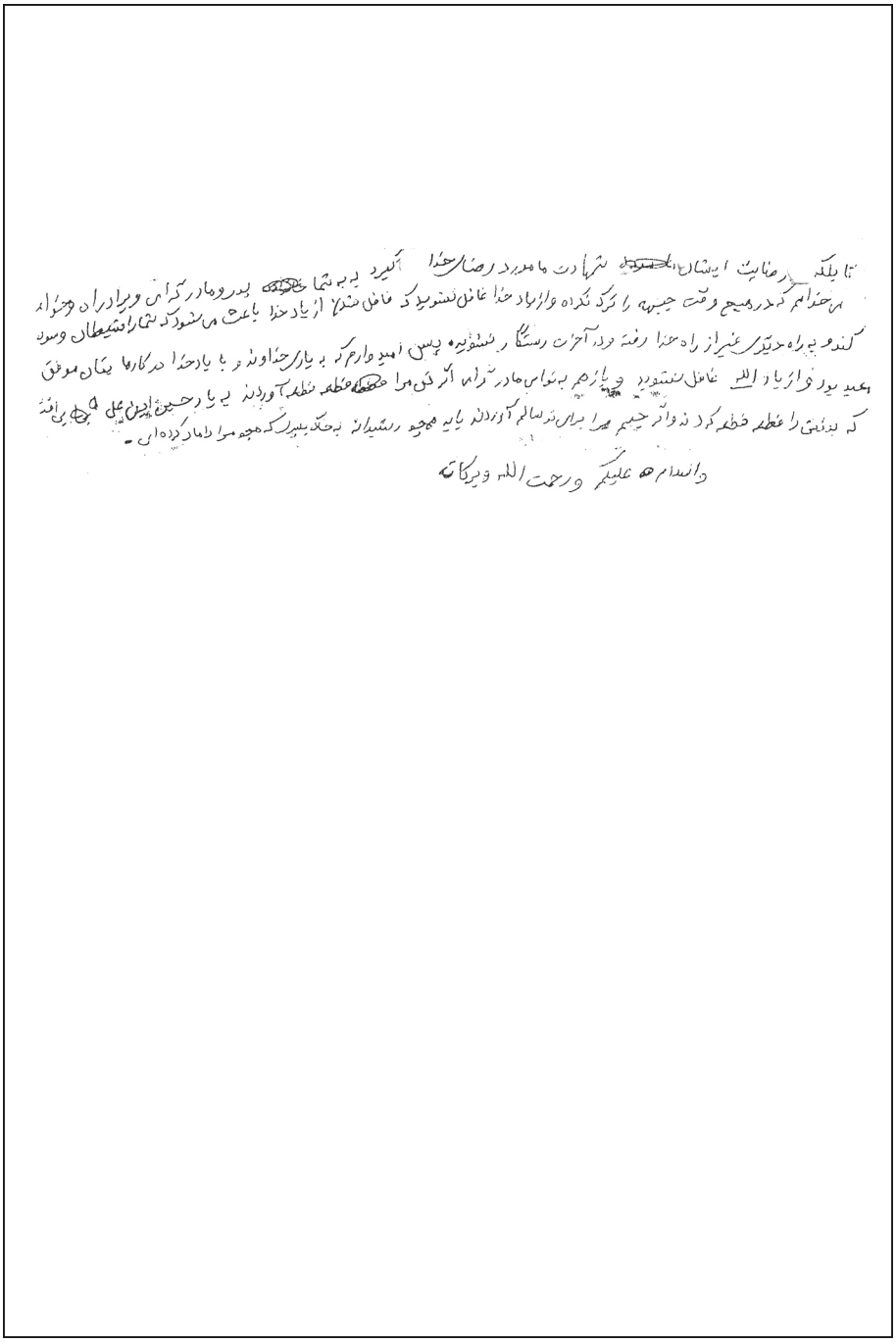

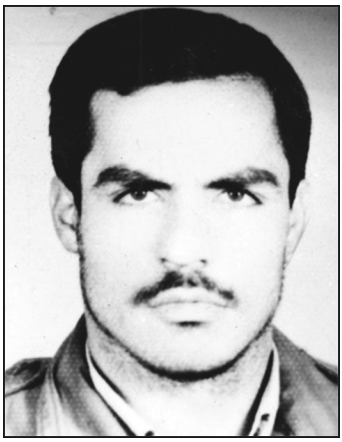

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **هاشم**
نام مادر: **عالیه**
تاریخ تولد: **سی‌ام تیر ۱۳۳۹**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **اروندرود**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- شهید مقامی والا و بالا دارد.
- با یاد خدا به جبهه آمده‌ام و آمادهٔ حمله بر سپاه کافر می‌شوم، نه برای انتقام است، بلکه به‌منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت و سلامتی رهبرم و ادامهٔ راه شهدا، آمادهٔ نبردم.
- بیدار باشید که اکنون زمان، زمان حسین(علیه‌السلام) است و ایام، ایام عاشورا.
- خواهران و برادران عزیز! خط امام عزیزمان، خمینی کبیر را سرلوحهٔ زندگی خود قرار دهید.
- راهی که امام می‌پیماید همان راه اسلام، رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و انبیاء است.
- مرگ حق است، چه دیر یا زود و قیامت هم حقیقت است و چیزی همراه ما نیست جز عملمان.
- باید سعی کنیم که عملمان خوب باشد و توشه‌ای برای آخرت فراهم نماییم.

## علی‌اکبر صادقی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الذّی خلق الموت و الحیاة لیبلوکم ایکّم احسن عملاً»**[۱]

«اوست آن که مرگ و زندگی را آفرید، تا بیازماید شما را که در صحنهٔ پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکارتر است».

با درود و سلام به امام زمان(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و با درود به ارواح طیبهٔ شهدا، از صدر اسلام تاکنون. برادران عزیز حزب‌الله! مرگ پرافتخاری که بارها به آن نزدیک شدم، هنوز نصیبم نشده، شاید لایق شهادت نیستم، زیرا شهید مقامی والا و بالا دارد و من فردی گنهکارم. اینک که با یاد خدا به جبهه آمده‌ام و آمادهٔ حمله بر سپاه کافر می‌شوم، نه برای انتقام است، بلکه به‌منظور احیای دینم و تداوم انقلابم و امنیت و سلامتی رهبرم و ادامهٔ راه شهدا، آمادهٔ نبردم. خدا را به یاری می‌طلبم و از او می‌خواهم که هدایتم کند و آن راهی که خود صلاح داند و اکنون می‌روم، تا انشاءالله به یاری خدا و رهبری مهدی موعود(عج) پرچم «لا اله الا الله، محمد رسول الله» [را] بر فراز کاخ سفید[۲]، واشنگتن[۳] و کاخ سرخ کرملین[۴] و تمام بلاد غیرمسلمان برافراشته گردد.

بیدار باشید که اکنون زمان، زمان حسین(علیه‌السلام) است و ایام، ایام عاشورا و اسلام در یک برهه‌ای از زمان قرار گرفته که لحظات آن لحظات حساس و سرنوشت‌سازی می‌باشد. خواهران و برادران عزیز! خط امام عزیزمان، خمینی کبیر را سرلوحهٔ زندگی خود قرار دهید، زیرا راهی که امام می‌پیماید همان راه اسلام، رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و انبیاء است و سخنم با شما پدر و مادر عزیزم این است که از همهٔ شما تا قیامت خداحافظی می‌کنم و هیچ ناراحت نباشید، بلکه افتخار کنید که پسر شما در راه اسلام رفت.

---

۱- ملک/ ۲.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

خطاب به دوستانم. از شما عزیزان می‌خواهم که قدری به خود آیید و انقلابی در درون خود به‌پا کنید و راه شهیدان را ادامه دهید وگرنه پشیمان خواهید شد. و لازم است خدمت شما عزیزانم عرض کنم که مرگ حق است، چه دیر یا زود و قیامت هم حقیقت است و چیزی همراه ما نیست جز عملمان. پس باید سعی کنیم که عملمان خوب باشد و توشه‌ای برای آخرت فراهم نماییم. در ضمن در عوض من از همهٔ همسایه‌ها برای من حلالیت بطلبید و از دادن خیرات هم در مورد رفتگان، مخصوصاً اینجانب، یادتان نرود. از منافقین[۱] کوردل، این انگل‌های جامعه، غافل مباشید و مبادا بگذارید سوء استفاده از خون شهدا کنند.

**خداحافظ، التماس دعا**

**«والسلام»**

**علی‌اکبر صادقی**

۱- ر.ک. تعلیقات.

بسم الله الرحمن الرحیم

الذی خلق الموت والحیاة لیبلوکم ایکم احسن عملا

علی اکبر صادقی

اوست آنکه مرگ و زندگی را آفرید تا بیازماید شما را که در صحنه پیکار حق و باطل کدامین از شما نیکوکارتر است ...

با درود و سلام به امام زمان (عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و با درود به ارواح طیبه شهدا از صدر اسلام تا کنون برادران عزیز حزب الله مرگ پر افتخاری که بارها به آن نزدیک شدم هنوز نصیبم نشده شاید لایق شهادت نیستم زیرا شهید مقامی والا و بالا دارد و من و دی گنهکارم اینک که با یاد خدا به جبهه آمده‌ام و آماده حمله بر سپاه کافر میشوم نه برای انتقام است بلکه به منظور احیای دینم و تدارم انقلابم و امنیت و سلامتی رهبرم و ادامه راه شهدا آماده نبردم خدا را به یاری می‌طلبم و از او می‌خواهم که هدایتم کند و آن راهی که خود صلاح داند و اکنون می‌روم تا انشاءالله به یاری خدا در هوای مهدی موعود بپرچم لا اله الا الله محمداً رسول الله را بر فراز کاخ سفید واشنگتن و کاخ سرخ کرملین و تمام بلاد غیر مسلمان برافراشته گردد بیدار باشید که اکنون زمان زمان حسین است و ایام ایام عاشورا و اسلام در یک برهه‌ای از زمان قرار گرفته که لحظات آن لحظات حاکما و سرنوشت سازی می‌باشد خواهران و برادران عزیز خط امام عزیزمان خمینی کبیر را سرلوحه زندگی خود قرار دهید زیرا راهی که امام می‌پیماید همان راه اسلام رسول اکرم و انبیاء است و سخنم با شما پدر و مادر عزیزم این است که از همه شما تا قیامت خدا حافظی می‌کنم و هیچ ناراحت نباشید بلکه افتخار کنید که پسر شما در راه اسلام رفت

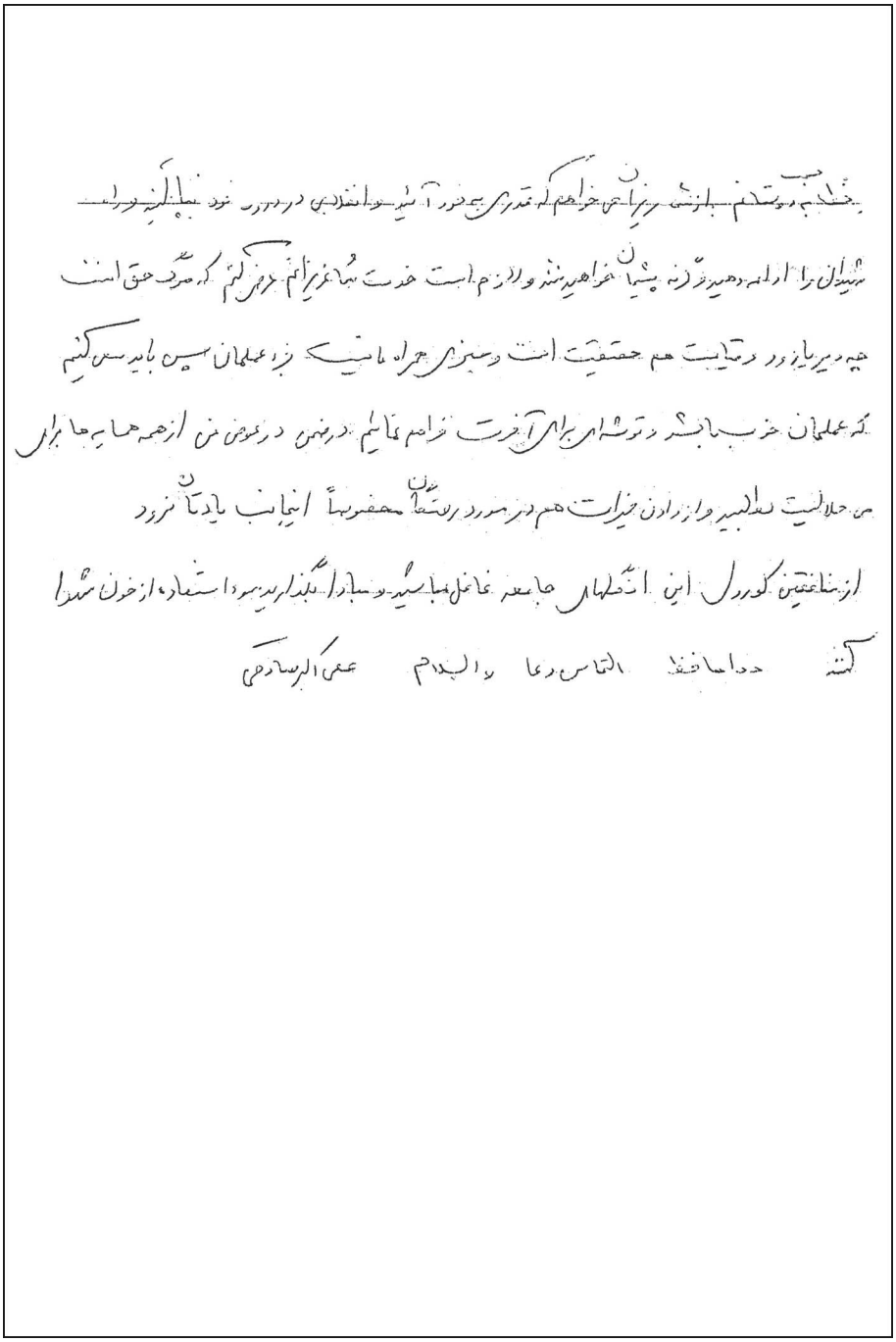

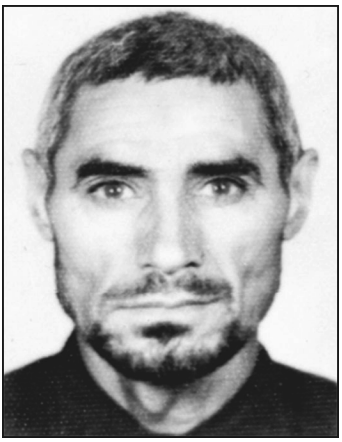

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **باقر**
نام مادر: **مبارک خانم**
تاریخ تولد: **دهم اسفند ۱۳۳۴**
محل تولد: **شهرستان گرگان**
تحصیلات: –
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۶**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **بمباران شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای شهرستان شاهرود**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر ردای سرخ بر اندامم راست گردید، با جان و دل تقبل می‌کنم.
- اینک فرمان، فرمان امام خمینی، فرمان خدا و امام زمان است.
- زمان، هنگامهٔ میعاد است و نشستن، خنجر بر گردن حق و حقیقت گذاردن است.
- همسرم می‌خواهم که فرزندانم را به مکتب و مدرسهٔ عشق بفرستی و معلمی شایسته که حقیقت را برای آنها [...] آنها بگماری.
- اگر جسدم مفقود گردید، خدا را شکر کنید و نگرانی نداشته باشید که هر کجا باشم، ملک خداست و سرزمین متعلق به الله است.
- علی ایحال اگر شهادت نصیب این بندهٔ عاصی گردید، مبلغی از دولت که به‌عنوان خانوادهٔ شهدا پرداخت می‌گردد، دریافت نکنید که ودیعه و هدیه‌ای که به خداوند می‌دهید تاوان ندارد، اگر بدانید.
- بعد از من راه من و دیگر شهیدان را ادامه دهید و در صیانت و حفظ اسلام بکوشید.
- فرزندان عزیزم امیدوارم راه شهدا را که راه مستقیم الهی و راه پیامبران است ادامه بدهید.

## محمد صادقی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رئوف بالعباد»**[۱]

«و گروهی از مردم جانشان را می‌فروشند به‌خاطر رضای خداوند و خداوند قادر، بـه حـال بندگان، بخشنده و مهربان است».

**«اشهد ان لا اله الا الله، اشهد ان محمداً رسول الله، و اشهد انّ علیاً ولی الله»**

بارالها، گواه باش که تو را به یگانگی ستوده‌ام و وحدانیت تو را به جان دل خریـده‌ام و گواه باش که رسالت پیامبر را پذیرفته‌ام و نبوت او را حتم دارم که پیـامبری را خـتم کـرده است و شهادت می دهم که علی خلیفهٔ بلافصل پیامبرمی‌باشد.

و تو شاهد بوده‌ای که از آدم تا خاتم و تا عصر امروز، هر گروهی و قبیله‌ای علم خصـم و جور و ستم به‌پا می‌کردند، عده‌ای شمع‌وار کمر به خدمت و دفـع ملحـدان مـی‌بسـتند و اینک در عصر حاضر، مشاهده می‌کنی که چگونه کیـان اسـلام مـورد تجـاوز خصـم واقـع گردیده و اسلام به ورطهٔ سقوط نزدیک گردیده است. بدین منظور از آنجـا کـه عضـوی از مجموعهٔ مسلمانان هستم، پای به عرصهٔ نبرد با کافران، که تیشه بر ریشـه اسـلام مـی‌زننـد، گذارده‌ام. بدین لحاظ، اگر ردای سرخ بر اندامم راست گردید، با جان و دل تقبل می‌کـنم و ودیعهٔ الهی را بر چشم جان می‌نهم که اینک فرمان، فرمان امام خمینی، فرمـان خـدا و امـام زمان است و زمان، هنگامهٔ میعاد است و نشستن، خنجر بر گردن حـق و حقیقـت گـذاردن است. تنها خریدار جان، خداوند است و با خریدار جان به گونـه‌ای کـه در شـأن حضـرت حق است، باید رفتار کرد.

خدمت مادر گرانقدرم و همسر عزیزم پیامی دارم و آن این است که من از جان و دل به امام امت ایمان آورده‌ام. دلم می‌خواست یک‌بار شما نیز به من اجـازهٔ رفـتن و حرکـت[۲] بـه جبهه می‌دادید. من وظیفهٔ خود دانستم و مسئولیت الهی بسی سنگین است. مادر و همسـرم امیدوارم رنجشی که از این حقیر دیده‌اید، مورد عفو و اغماض قرار دهید و حلالم کنید واز

---

۱- بقره/ ۲۰۷.

۲- در اصل وصیت «تحریک»

این‌که هدیه‌ای ناقابل خدمت معبود فرستادید، با گریه و زاری، اجرش را پایمال نکنید که قابل نیستیم. و از مادر عزیزم، امیدوارم که از آنجا فرصت خداحافظی نیافتم، مرا عفو [کنی] و از راه دور دست مبارکت را می‌بوسم.

[از همسرم][1] همسرم می‌خواهم که فرزندانم را به مکتب و مدرسهٔ عشق بفرستی و معلمی شایسته که حقیقت را برای آنها [...][2] آنها بگماری و در ادامه دادن علم و دانش در سنگر فرهنگ کوشا باشی که خدمتی در آینده [...][3] بمانید و هنگامی که بزرگ گردیدند، همسرانی متعهد و دیندار و مخلص برای آنها انتخاب کنی، تا خشنودی نبی و ولی و خداوند در آن نهفته باشد.

و اگر جسدم مفقود گردید، خدا را شکر کنید و نگرانی نداشته باشید که هر کجا باشم، ملک خداست و سرزمین متعلق به الله است و اگر جسدی داشتم، در شهر شاهرود، گلزار شهدا دفن کنید.

علی ایحال اگر شهادت نصیب این بندهٔ عاصی گردید، مبلغی از دولت که به‌عنوان خانوادهٔ شهدا پرداخت می‌گردد، دریافت نکنید که ودیعه و هدیه‌ای که به خداوند می‌دهید تاوان ندارد، اگر بدانید.

از پدر خانم عزیزم، رمضان دهقان و مادر خانمم و برادر خانمم، عیسی دهقان، می‌خواهم که اگر تقصیری یا کوتاهی در حقشان کرده‌ام یا آزاری به آنها رسانده‌ام، مرا حلال کنند.

برادر عزیز! امیدوارم که دین را مورد تمسخر قرار ندهید و با آبروی مملکت خوب برخورد کنید که مملکت امام [...][4] و درخواست می‌کنم که بعد از من راه من و دیگر شهیدان را ادامه دهید و در صیانت و حفظ اسلام بکوشید. در پایان از تمامی خویشاوندان و اقوام حلالیت می‌طلبم.

**جبهه جنوب، ۶۵/۱۱/۷**

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء ولکن لا تشعرون»**[۱] (قرآن کریم)
شهید نظر می‌کند به وجه‌الله[۲]. (امام خمینی)

با سلام و درود به پیشگاه آقا امام زمان(عج) و سلام به محضر امام امت و سلام به خانوادهٔ محترم شهدا و اسرا و مفقودین. سلام به معلولین و مجروحین جنگ تحمیلی و سلام به شما امت شهیدپرور و ایثارگر که تاکنون برای حفظ اسلام از بذل مال و جان دریغ نکردید. اکنون که عازم جبهه‌های نبرد حق علیه باطل شده‌ام، چند جمله‌ای وصیت می‌کنم، هر چند که خود را قابل نمی‌دانم، ولی از آنجایی که حضرت رسول اکرم(ص) فرمودند: «هر مسلمانی مرگ خود را نزدیک ببیند و وصیت نکند، شرط مروت را به‌جا نیاورده است»[۳]، این وظیفه را انجام می‌دهم.

اول اینکه شما امت حزب‌الله پاسدار خون شهیدان باشید و از انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی و ولایت فقیه حمایت کنید و بدانید که این انقلاب ثمرهٔ خون صدها هزار شهید و اسیر و مفقود و معلول و مجروح است و مستضعفین جهان چشم امید به این انقلاب دارند. گوش به فرمان امام امت، حضرت آیت‌الله العظمی امام خمینی، باشید و از ایشان اطاعت کنید که هر کس از ایشان پیروی کند، در حقیقت از خدا و پیامبر خدا پیروی کرده است. سلام بر تو مادر عزیز! امیدوارم که از من راضی باشی و [...][۴] کنی و محکم و استوار و خوشحال باشی از اینکه خداوند تبارک و تعالی بر خانوادهٔ ما منت نهاد و شهادت در راه خودش را نصیبم گردانید. سلام به همسر عزیزم که انشاءالله صبور و بردبار باشی و مرا ببخشی و پیام خون شهیدان را که خداجویی و اسلام‌خواهی و ظلم‌ستیزی است، به گوش همگان برسانی. سلام به فرزندان عزیزم که امیدوارم راه شهدا را که راه مستقیم الهی

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.
۲- صحیفه امام، ج۱۳، ص۴- ۵۱۳.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.

و راه پیامبران است ادامه بدهید و اسلحه [...][۱] افتاده پدرتان را برگرفته [...][۲] و از حریم اسلام دفاع کنید. [...][۳] با مادرتان مهربان باشید.

سلام به برادر عزیزم که امیدوارم بعد از من برای فرزندانم همچون پدری مهربان و [...] باشی و در سرپرستی و تربیت آنها کوتاهی نکنی. در خاتمه از شما امت حزب‌الله می‌خواهم که به جان امام عزیز دعا کنید و از خدا بخواهید که رزمندگان ما را هر چه زودتر به پیروزی نهایی برساند و فرج آقا امام زمان(عج) را سریع گرداند. از دوستان وآشنایان که ممکن است در حقشان بدی کرده باشم، تقاضای عفو و بخشش دارم و امیدوارم مرا حلال کنند.

**«والسلام علیکم و رحمة الله»**

**محمدصادقی**

**۱۳۶۵/۳/۳۰**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

به پدرخانم عزیز، آقای رمضان دهقان و آقای اسحاق دهقان سلام می‌رسانم و امیدوارم که مرا ببخشند. پسرعموی عزیز علی‌اکبر صادقی، پسر عمهٔ عزیز عباس دهقان و پسرعمهٔ دیگر ولی‌الله دهقان و [...][۴] عمهٔ عزیز، به همگی شما سلام می‌رسانم و حلالیت می‌طلبم. خدمت همسر عزیزم عرض می‌کنم که در صورت امکان از ده به شهر نقل مکان کنید. برای اینکه زندگی در شهر بهتر است و بچه‌ها می‌توانند بهتر درس بخوانند و پیشرفت کنند و به شما فرزندان عزیزم توصیه می‌کنم که دست از اسلام برندارید و سعی کنید که همیشه دستورات مذهبی را اجرا کنید. به نماز خود اهمیت بدهید و از نماز شب که فضیلت زیاد دارد، غفلت نکنید و و امر ازدواج نیز یادتان نرود که سنت رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. و فرزند دیگرمان که انشاءالله به دنیا خواهد آمد، اگر پسر بود اسم او را محمدعلی بگذارید و

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- خوانا نیست.

اگر دختر بود فاطمه بنامید. کمک به جبهه را فراموش نکنید. اگر بعدها خداوند در زنـدگی خانواده‌ام گشایشی داد، قطعه زمینی که در دامغان دارم و ساختمانی[۱] است، آن را برای کـار خیر و باقیهٔ صالحه مصرف کنید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**خداحافظ همگی شما باشد**
**محمد صادقی، ۱۳۶۵/۳/۳۰**

به همسرم توصیه می‌کنم که بعد از فوت مـن، اگـر مـی‌خواهـد ازدواج کنـد و خـود را بی‌جهت مقید نکند وبه زحمت نیندازد و وکیل بچه‌هایم را برادر خود آقای اسحاق دهقـان قرار دهد.

۱- «ساختمانی است» یعنی زمین زراعی نیست، بدان مجوز ساخت می‌دهند.



بسم الله الرحمن الرحیم

ماینبغی لامرء مسلم ان بیتت لیله الا و وصیته تحت راسه

امام صادق (ع)

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

مسلمان شبی را سپری کند، مگر اینکه وصیتنامه اوزیر سرش باشد.

و من الناس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله والله رئوف بالعباد

وگروهی از مردم جان خود را به خاطر رضای خداوند میفروشند و خداوند نسبت به بندگان مهربان است

اشهد ان لا اله الا الله، و اشهد ان محمد رسول الله، و اشهد ان علیا ولی الله

بار الها تو را شاهد می‌گیرم که تو را یگانه ستوده‌ام و وحدانیت تو را جان و دل معتقدم

و گواهی می‌دهم که رسالت پیامبر را پذیرفته‌ام و نبوت او را حتم دارم که پیامبری راختم

کرده است و شهادت می‌دهم که علی خلیفه بلافصل پیامبر می‌باشد.

و تو شاهد باش ای که از آدم تا عاقبت تا عصر امروز هر گروهی و صدای علم عصر و عبور دسته

پیامی کرده‌ای شنیده‌ام و آنچه به خدمت مردم مسلمان می‌رسند و آنچه در عصر

حاضر شاهد هستی که چگونه کیان اسلام مورد تجاوز خصم واقع گردیده و اسلام به مرحله سقوط

نزدیک گردیده است بدین منظور از آنجا که عضوی از مجموعه مسلمانان هستم جای پیرهیز

نبود با کامل ترین تقیه بر ریشه اسلام هجوم آورده و بدین لحاظ آرزوی نیل به شهادت

را در راه حق گرد جان و دل تقبل محاکم و دعوت الهی را با جسم جان

لبیک گفتم که امکان بروز این آرزو را در زمان طاغوت نداشتم ولی اکنون که زمان هنگامه سعادت

و شنیدن خبر پیروزی حق و حقیقت گزاردن است تنها خود را بدار جاودانه خداوند است و با خود را جان

به گواهی گرفته و شهادت حضرت حق است یاد خود را گرامی دارم که

خدمت مادر بدادقدرم و همسر عزیزم پیامی دارم و آن این است که من از جان و دل راضی بودم که

آنچه را از دستم برمی‌آید در راه خدا و اسلام انجام دهم و اکنون که

دعوت حق را لبیک گفته‌ام از شما نیز به من اجازه رفتن و تکلیف چنین داده‌اید من وظیفه خود دانستم و

رسالت الهی بس سنگین است مادر مهربانم امیدوارم بخشش که از این حقیر دریغ نکنید و عفو و غافر

خواهید و حلالم کنید و از این که جدایی ناگهانی معمول مرسوم است اگر به نزدیکی آمرش را با حال گریه قابل

نباشید

تعاون رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه ... عضو تیم

و از شما درخواست دارم که از آنجا که فرصت خدا حافظی نیافتم مرا عفو فرموده و دوست نیز را هم بسم



مرکز اسناد ایثارگران

[illegible] می خواهم که فرزندانم را به مکتب و مدرسه عشق بفرستی و معلمی شایسته که حقیقت را برای آنها [illegible] آنها بگماری و در ادامه دادن علم و دانش در سنگر فرهنگ کوشا باشی که خدمتی [illegible] بیده [illegible] بنمایند و هنگامی که بزرگ گردیدند همسرانی متعهد و دیندار و مخلص برای آنها انتخاب کنی تا خشنودی نبی و ولی و خداوند در آن نهفته باشد.

و اگر جسدم مفقود گردید خدا را شکر کنید و نگرانی نداشته باشید که هر کجا باشم ملک خداست و سرزمین متعلق به الله است و اگر جسدی داشتم در شهر شاهرود گلزار شهدا دفن کنید

علی ایحال اگر شهادت نصیب این بنده ملی گردید مبلغی از دولت که به عنوان خانواده شهدا پرداخت می گردد دریافت نکنید که ودیعه و هدیه ای که به خداوند می دهید تاوان ندارد اگر بدانید

از پدر خانم عزیزم رمضان دهقان و مادر خانم و برادر خانم عیسی دهقان می خواهم که اگر تقصیری کوتاهی در حقشان کرده ام؟

آزاری بدانها رسانده ام مرا حلال کنند

برادر عزیز امیدوارم که دین را مورد تمسخر قرار ندهید و تا آبروی مملکت خوب برخورد کنید که مملکت امام است و درخواست می کنم که بعد از من راه من و دیگر شهیدان را ادامه دهید و در صیانت و حفظ اسلام بکوشید

در پایان از تمامی خویشاوندان و اقوام حلالیت می طلبم.

۶۵/۱۱/۷

جهبه جنوب

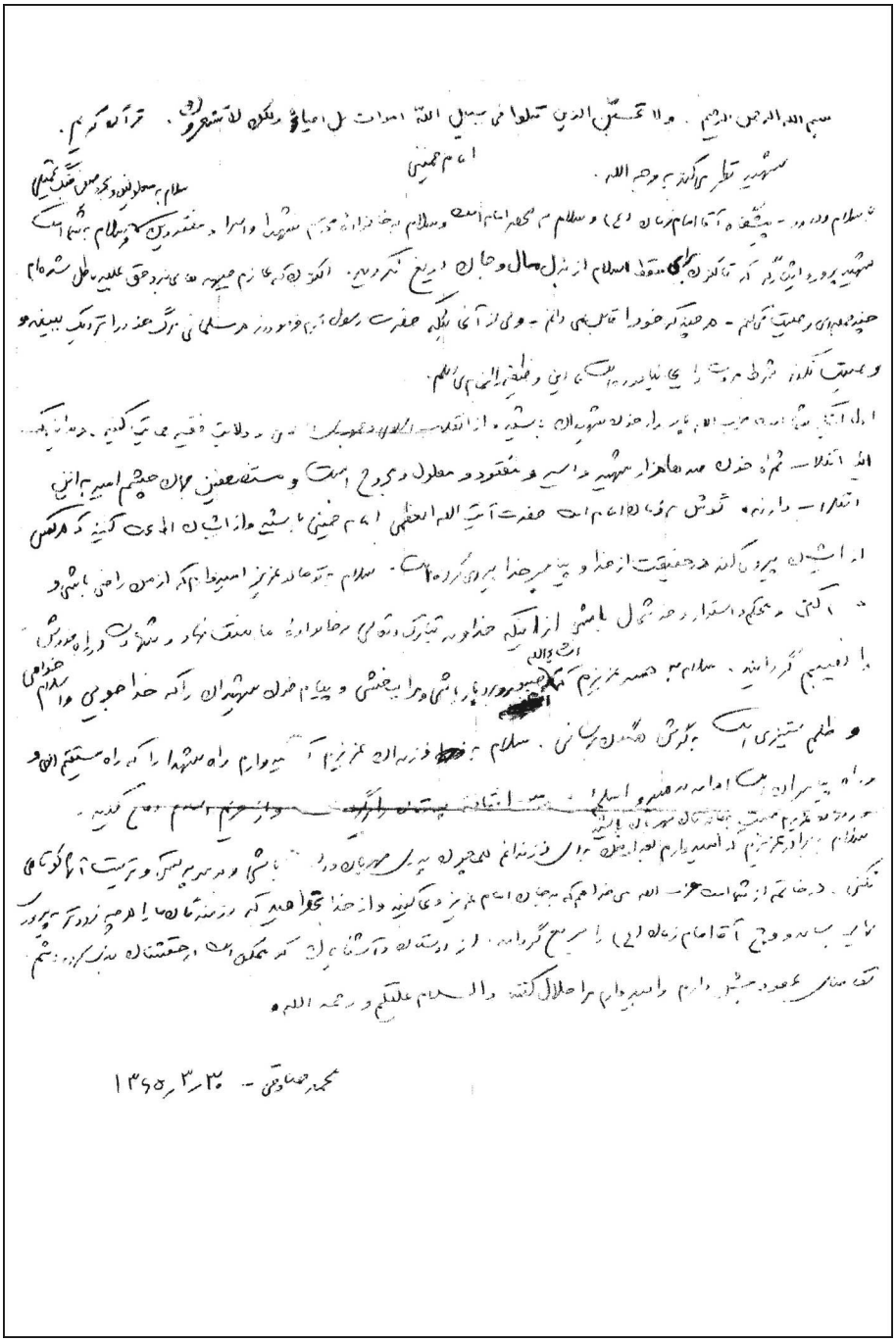

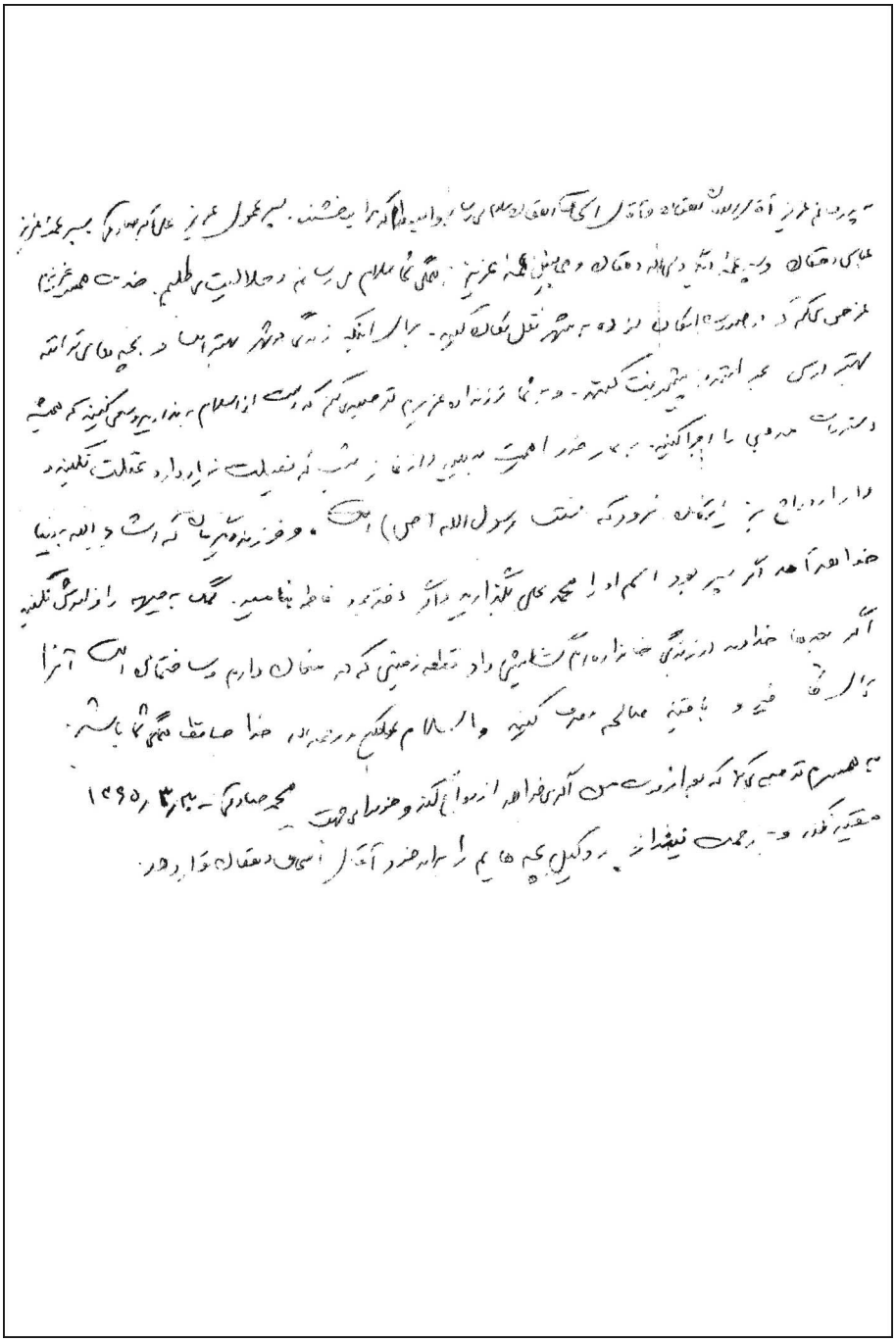

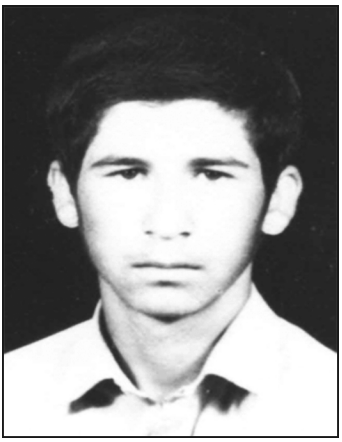

نام: **یدالله**
نام خانوادگی: **صادقی**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **سلطان**
تاریخ تولد: **۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **سوختگی**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ما با جمهوری اسلامی پیمان بسته‌ایم.
- شایعه‌افکنی نکنید و ای امت! وحدت داشته باشید.
- می‌خواهم که دنبال کنندهٔ راه امام باشید که تمام عمرم فدای یک لحظه از عمر پربرکت او.
- به دشمن بتازید که ادامهٔ راه من و دیگر شهیدان با شما و به عهدهٔ شما است.
- از جوانان روستا می‌خواهم که بسیج را تقویت کنند.
- مساجد را خالی نگذارند که «سنگر اصلی ما مساجد است».
- در پشت جبهه مبلّغی برای اسلام و دین و انقلاب باشید.
- فقط دعا کنید که خدا مرا در زمرهٔ شهیدان درگاهش قرار دهد.
- مرا غسل ندهید و کفن نکنید، چون رهبرم حسین(علیه‌السلام)، نه کفن داشت و نه غسل.
- اماما! به خون شهید بهشتی قسم که تا خون در بدن دارم از پای ننشینم.
- نگذارید که ضدانقلاب‌ها به کشور و انقلاب ما ضربه‌ای وارد کنند.
- صاحب اصلی من همان امانت‌دهنده است و دیر یا زود باید به پیش او برگردیم، پس چه بهتر که این راه راه شهادت باشد.

## یدالله صادقی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«و لا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربّهم یرزقون»**[۱]

«به نام خداوند بخشنده مهربان، مپندارید آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی می‌خورند».

ما با جمهوری اسلامی پیمان بسته‌ایم.

با درود و سلام به منجی عالم بشریت و یگانه مرکب سوار جبهه‌های حق، مهدی(عج) ونائب بر حقش، شب زنده‌دار پیر جماران، امید مستضعفان جهان، خمینی بت‌شکن. و با درود به امت شهیدپرور ایران و خانواده‌های عزیز شهدا و اسراء و با درود و سلام بیکران نثار ارواح طیبه شهدای به‌خون خفتهٔ انقلاب اسلامی و با درود[۲] [و] سلام به شما ای برادران و خواهران حزب الهی و با درود و سلام به رزمندگانی که در جبهه‌های حق بر باطل می‌جنگند.

با درود به رهبر کبیرمان امام خمینی، سخنم را آغاز می‌کنم. ابتدا چند جمله با پدر و مادرم صحبت می‌کنم. پدر و مادرم! کسی من را مجبور به شرکت در جبهه نکرد، بلکه خودم این راه را انتخاب کردم و شهید شدم، پس شماهیچ نگران نباشید و گریه و زاری نکنید، بلکه افتخار کنید که پسرتان در این راه رفته است. من که الآن شهید شده‌ام، همان‌طور راه حسین(علیه‌السلام) را دنبال کنید که راه من بلکه راه تمام شهیدان کربلاست. خون من که سرخ‌تر از خون هفتاد و دو تن یاران حسین(علیه‌السلام) نبود و نه من بالاتر از بهشتی[۳]ها و باهنر[۴]ها و رجائی[۵]ها و مفتح[۶]ها و مطهری[۷]ها و محرابی[۸]ها و دیگران هستم.

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «دورد».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- ر.ک. تعلیقات.

۷- ر.ک. تعلیقات.

۸- منظور شهید از محرابی‌ها، شهدای محراب است کسانی که در محراب نماز به شهادت رسیدند از آنجمله‌اند شهید صدوقی، شهید مدنی، شهید قاضی و...

مادر! من که الآن به آرزویم رسیدم، شیرت را حلالم کن. از خواهرانم می‌خواهم زینبی خود را حفظ کنند، برای اینکه اسلحه‌ای است بر روی دشمن کافر. هیچ شایعه‌افکنی نکنید و ای امت! وحدت داشته باشید و از برادران خود می‌خواهم که راه حسین(علیه‌السلام) را انتخاب کنند.

مادر عزیزم! اگر افتخار می‌کنی که فرزند تو در این راه رفته است، باید نه تنها ناراحت نشوی، بلکه با دست خودت کفن بدوزی. آخرین ومهم‌ترین چیزی که از شما می‌خواهم و بر آن تأکید بسیار دارم، می‌خواهم که دنبال کنندهٔ راه امام باشید که تمام عمرم فدای یک لحظه از عمر پربرکت او.

مادر عزیزم! از تو می‌خواهم که در تشییع جنازه‌ام شرکت نکنید و همان‌طوری که مادران شهدای دیگر در تشییع جنازه‌های فرزندانشان شرکت نکرده‌اند.

و حال چند کلمه‌ای با مردم حزب‌الله. و از ملت انتظار آن دارم که هیچ وقت پشت جبهه‌های حق علیه باطل را خالی نکنند واین منافقین کوردل را از بین ببرند که اگر اینها یک لحظه وقت حساس به دستشان بیفتد، ضربه‌ای به جمهوری اسلامی می‌زنند و امیدوارم که شما همیشه به فکر اینها باشید که ضربه‌ای به این جمهوری اسلامی که با خون چندین هزار شهید به دستمان آمده است، نخورد[1] و امیدوارم که همیشه در دعای کمیل و توسل و نماز جمعه و نماز جماعت و غیره شرکت کنید که این وحدت شما است [که] دشمنان اسلام را به زانو درآورده است.

و از جوانان غیور می‌خواهم که سلاح مرا نگذارید بر زمین بماند و بر قلب دشمن نشانه روید. به دشمن بتازید که ادامهٔ راه من و دیگر شهیدان با شما و به عهدهٔ شما است. و از جوانان روستا[ی] خود می‌خواهم که بسیج را تقویت کنند و مساجد را خالی نگذارند که «سنگر اصلی ما مساجد است»[2].

خداحافظ پدر [و] مادر و بستگان، برادر، خواهر، دوستان و برادران مرا حلال کنید. خداحافظ ای مردمان خوب مسئولیت شناس دنیا. خداحافظ تمامی عالم، دیدار همگی ما روز قیامت.

---

۱- در اصلب وصیت «از بین برود».

۲- امام خمینی «مساجد را بروید پر کنید، سنگر است اینجا، سنگرها را باید پر کرد»، (صحیفه امام، ج۱۲، ص۳۹۲).

و در آخر از برادران و خواهران می‌خواهم که هیچ وقت دعای همیشگی‌شان را از یاد نبرند.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، حتی کنار مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**«آمین یا رب العالمین»**

**تاریخ ۶۳/۶/۲۰**

**یدالله صادقی**[۱]

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

اینجانب برادر حقیر شما، یدالله صادقی، وصیت‌نامهٔ خود را به نام الله آغاز می‌کنم.

خدمت پدر و مادر عزیزم سلام عرض می‌کنم. پدر و مادر عزیزم! شما در بوتهٔ آزمایش الهی هستید، حال نوبت رسیده که چگونه امانت خود را بازمی‌گردانید. آیا از پس دادن فرزندتان به هستی مطلق، کراهت به خرج می‌دهید یا هم‌چون یک امانتدار پاک به عهد خود وفا می‌کنید و اخلاص می‌ورزید. من که خدا را انتخاب کرده‌ام و بالاترین سرمایه‌ام را برای او [...][۲] می‌کنم انشاءالله. مادرم، پدرم، برادرانم و خواهرانم، دوستان، آشنایان گرامی! شما که در پشت جبهه مشغول خدمت به اسلام هستید، از شما می‌خواهم که در پشت جبهه مبلّغی برای اسلام و دین و انقلاب باشید و در جبهه رزمنده‌ای دلیر و سلحشور برای اسلام باشید. برادران و خواهرانم! شما را دعوت می‌کنم به نماز و تقوا[ی] الهی که پایهٔ دین اسلام می‌باشد و از شما می‌خواهم در مجالس مذهبی و نماز جمعه و مراکز دینی شرکت نمایید و آنچه که جوانان ما را با گذشتشان به جبهه‌ها بدرقه می‌کنند، دعوت می‌کنم.

بارالها! مرا ببخش که بیش از این جان ندارم که در راه تو فدا کنم. بار خدایا تو بخشندهٔ توانایی، پس ببخش گناهان ما را. مادر بزرگوارم! مادری که با تمام هستی‌ات در راه بزرگ کردن فرزندان خود کوشیده‌ای. مادر جان اگر کشته می‌شوم فقط دعا کنید که خدا مرا در زمرهٔ شهیدان درگاهش قرار دهد. و مرا غسل ندهید و کفن نکنید، چون رهبرم

---

۱- در پایان وصیت نوشته شده است: «وصیت‌نامه برادر: یدالله صادقی، لشکر: ۱۷ (ع)، گردان: پدافند، تاریخ: ۶۳/۶/۲۰، آدرس: دامغان، روستای تکلانهدا، منزل سیاهی علی صادقی.

۲- خوانا نیست.

حسین(علیه‌السلام)، نه کفن داشت و نه غسل. اماما! به خون شهید بهشتی[۱] قسم که تا خون در بدن دارم از پای ننشینم. و وقتی شهید شدم ناراحتی به خود راه ندهید زیرا «کل ارض کربلا»[۲]. و اگر جنازه‌ام به دستتان رسید، دوست ندارم که افرادی، چه در ظاهر و چه در باطن، که با این انقلاب نیستند، بر سر مزارم بیایند.

مادرم و پدرم برای من گریه نکنید و برای مظلومیت حسین(علیه‌السلام) گریه کنید که چه مظلومانه در صحرای کربلا به شهادت رسیدند. پدر و مادر و برادر و خواهر! از شما خواهش می‌کنم حلالم کنید. حلالم کن تا همچون پرنده‌ای آزاد در آسمان آرزوهایم پرواز کنم. مرا حلال کن تا خدایم مرا ببخشد. مرا ببخشید که شما را در این مدت عمر کوتاهم ناراحت کردم و امیدوارم که با شهادت من و دیگر عزیزان این کشور و اسلام که با[۳] شهادت خود تداوم، این انقلاب را ضمانت می‌کنند، دنباله‌رو راهشان باشید و از امام خود تا آخرین لحظاتی که خون در بدن دارید، دفاع کنید و نگذارید که ضدانقلاب‌ها به کشور و انقلاب ما ضربه‌ای وارد کنند. و دیگر اینکه اصلاً به خود ناراحتی راه ندهید، چون امانتی بودم نزد شما و امانت دهنده‌اش امانت خود را بدون هیچ قید و شرطی از شما گرفته است. صاحب اصلی من همان امانت‌دهنده است و دیر یا زود باید به پیش او برگردیم، پس چه بهتر که این راه راه شهادت باشد.

برادر و خواهر عزیزم! از شما انتظار دارم که دنبال‌رو راه شهدا باشید و نگذارید که خون این همه شهید که تاکنون داده‌ایم پایمال شود و در آخر پیامی به خانواده‌های شهدا و مردم حزب‌الله، پدران و مادران و خواهران و برادران و همسران و فرزندان شهدا. برای شما آرزوی صبر از خداوند را دارم و امیدوارم خداوند شما را یاری کند زیرا «**و ما النّصر الاّ من عندالله**»[۴] یاری فقط نزد خداوند است و همچنین از مردم حزب‌الله می‌خواهم همیشه در صحنه حاضر باشند در جبهه‌ها شرکت کنند و نگذارند دشمنان به انقلاب ضربه‌ای وارد کنند و همیشه دنبال‌رو امام امت باشند و اتحاد خود را حفظ کنند.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- بعد از واقعه کربلا، از جمله شعارهایی که از آن تاریخ نشان‌دهندهٔ تداوم مبارزه بین حق و باطل در تمام مکان‌ها و زمان‌هاست. این شعار است «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا».

۳- در اصل وصیت «تا».

۴- آل‌عمران/ ۱۲۶.

و در آخر سلامتی امام امت را از خداوند متعال خواستارم. به امید پیروزی نهایی اسلام بر کفر جهانی.

**«انشاءالله من الله التوفیق»**
**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**۶۶/۹/۲۶**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[1] «هرگز کسانی[2] که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده مپندارید بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگار خویش روزی می‌خورند».

به نام الله. قلم بنویس. بنویس حقایق را، نه ریاء که اگر برای ریاء کار کنی بشکند آن دستی که تو را به لرزه درمی‌آورد. بنویس که در تاریخ ثبت گردد و تو هم ای تاریخ جای ده در قلب خودت، آنچه که حق است واگر تو نیز حق را انکار کنی، به حقانیت حسین(علیه‌السلام)، روزی رسوا خواهی شد.

با درود [و] سلام به امام زمان، ولی عصر(عج) و با درود بیکران به امام امت، حضرت امام خمینی و با درود و سلام به روان پاک شهیدان اسلام و انقلاب اسلامی ایران و شهیدان کربلای حسینی تا کربلای خمینی و با درود و سلام به تمامی رزمندگان همیشه پیروز جبهه‌های نور علیه ظلمت.

پیامی به پدر و مادرم. پدر و مادر عزیزم! من دو سال روزه و نماز بدهکار هستم. اگر کشته شدم، بدهید برایم بگیرند. واگر کشته شدم روی سنگ قبرم بنویسید. خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

به امید پیروزی رزمندگانی که در جبهه‌های حق علیه کفر جهانی می‌جنگند، انشاءالله.

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «گسانی».

ما در ره عشق نقض پیمان نکنیم — گر جان طلبند دریغ از جان نکنیم
دنیا اگر از یزید لبریز شود — ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند — روبه صفتان زشت خو را نکشند[1]
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس — مردار بود هر آنکه او را نکشند

ما جان به خدا دادیم تا زنده شما باشید — در خاک مزار ما یک دم به دعا باشید
از دین چو شکنجه در [...][2] نومید نباشید — مردانه در این میدان با شور نوا باشید

**برادر حقیر شما**
**یدالله صادقی**
**۶۶/۹/۲۶**

---

۱- از جمله اشعاری است که قبل از انقلاب بر ای تقویت روحیه مقاومت مبارزان و انقلابیون خوانده می‌شد. این شعر را بر سنگ قبر میرزاده عشقی هم حک کرده‌اند ولی شاعر آن نامعلوم است.

۲- یک واژه از مصرع سوم شعر افتاده است. ضمناً مردانه را «مردان» و یک دم را «یگ دم» نوشته است.

بسم الله الرحمن الرحیم
ولا تحسبن الذین قتلوا فی
سبیل الله امواتا بل احیاء عند
ربهم یرزقون

بنام خداوند بخشنده مهربان
مپندارید آنانی که در راه خدا کشته شده اند
مرده اند بلکه زنده اند و نزد پروردگارشان
روزی میخورند

با درود سلام به صبر عالم بشریت و نگاه امید
بسوار جبهه های حق مهدی (عج) و نائب بر
حقش شب زنده دار پیر جماران نبیره منتقم
جان حسین بت شکن و با درود به شهید پرور
ایران و خانواده های عزیز شهدا و اسرا و با
درود و سلام بیکران نثار ارواح طیبه شهدای
بخون خفته انقلاب اسلام و با درود سلام بشما
برادران و خواهران خوب الص و با درود
سلام به روزمندگانی که در جبهه های حق
بر باطل می جنگند.

وصیتنامه اولین شهید روستای ما

باد و درود و صد سلام خمینی سخنم
را آغاز میکنم ابتدا چند جمله با پدر و مادرم
صحبت میکنم

پدر و مادرم کسی من را مجبور به شرکت در جبهه
نکرد بلکه خودم این راه را انتخاب کردم و
شهید شدم پس شما هیچ نگران نباشید و گریه و
زاری نکنید بلکه افتخار کنید که پسرتان در این راه
رفته است من که الان شهید شده ام حافظ
راه حسین (ع) را دنبال کنید که راه
امام شهیدان کربلاست خودش که سرخط جاودا
هستی بود در تن یاران حسین (ع) ابود و نسل بالاتر
از عشایر و با عشیره و جانبازان هستند و صفوف ها و صفوف
و محراب ها و دلیران هستند در من که الان بکار و ظلم
رسیدم تبرت را حلال کن، از خواهران میخواهم زینب
خود را حفظ کنند برادر اینکه اسلحه ایست در دست
دشمن کافر هیچ بقایی قائل نشوید و امیدوارم رحمت
و الفت باشید و از برادران خود هم خواهم که راحتی
را انتخاب کنند یادم عزیزم اگر افتخار میکنی

با درود و سلام به شما ای مادر عزیز و فداکار
و ای فرزند خوب و راهی که رفته است و تو نه
تنها ناراحت نشو بلکه با دست خود تکفن
بدوزی. آخرین و مهمترین چیزی که از شما
میخواهم و بر آن تاکید بسیار دارم میخواهم
که در نماز کوتاهی نکنید راه امام با خدا که تمام عمرم
فقط یک لحظه از عمر پر برکت او
یادم نمی رود از تو میخواهم که در تشییع جنازه
ام شرکت نکنید و حافظ و مراقب برادران شهید
باشید و نشنوید حرفهای مردم که میگویند
نگذاشت و حال چند کلمی با مردم عرب الله و از ملت
انتظار کار دارم که هیچ وقت نشست حسین پسر حق
علیه باطل را خالی نکنند و این مسافتین که در دلها
از بین میبرند آمریکا است. لحظه وقت حساس
بدستشان بعضه میرین در جمهوری اسلامی زنند
و اسیدوارم که بتوانیم شیره بزنیم انشاء الله و امیدوارم
و این همه برادرانی که با خون خود انقلاب
بدستمان داده و است از بین نرود و امید داریم
خون چندین هزار شهید و مادر ثبیل بروند سل بودند

این وصیت نامه هائی که این عزیزان می نویسند مطالعه کنید.

پنجاه سال عبادت کردید، خدا قبول کند، یک روز هم یکی از این وصیتنامه ها را بگیرید و مطالعه کنید و تفکر کنید. امام خمینی

وصیت نامه برادر: یدالله صادقی
لشگر: ۱۷ (ع) تیپ: گردان یدالله
تاریخ: ۶۳/۶/۲۰
آدرس: دامغان روستای کلاته احمد نیاقی
علی صادقی

ما یتبین فقره مسلم اگ نیت کیفیة إلا و وصیته تحت رأسه.
سزاوار نیست که مرد مسلمان شبی را سپری کند
مگر اینکه وصیت نامه او زیر سرش باشد.
امام صادق (ع)

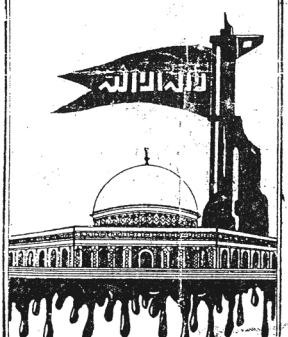


تبلیغات جبهه و جنگ قرارگاه نور

تاریخ ۶۳/۶/۲۰

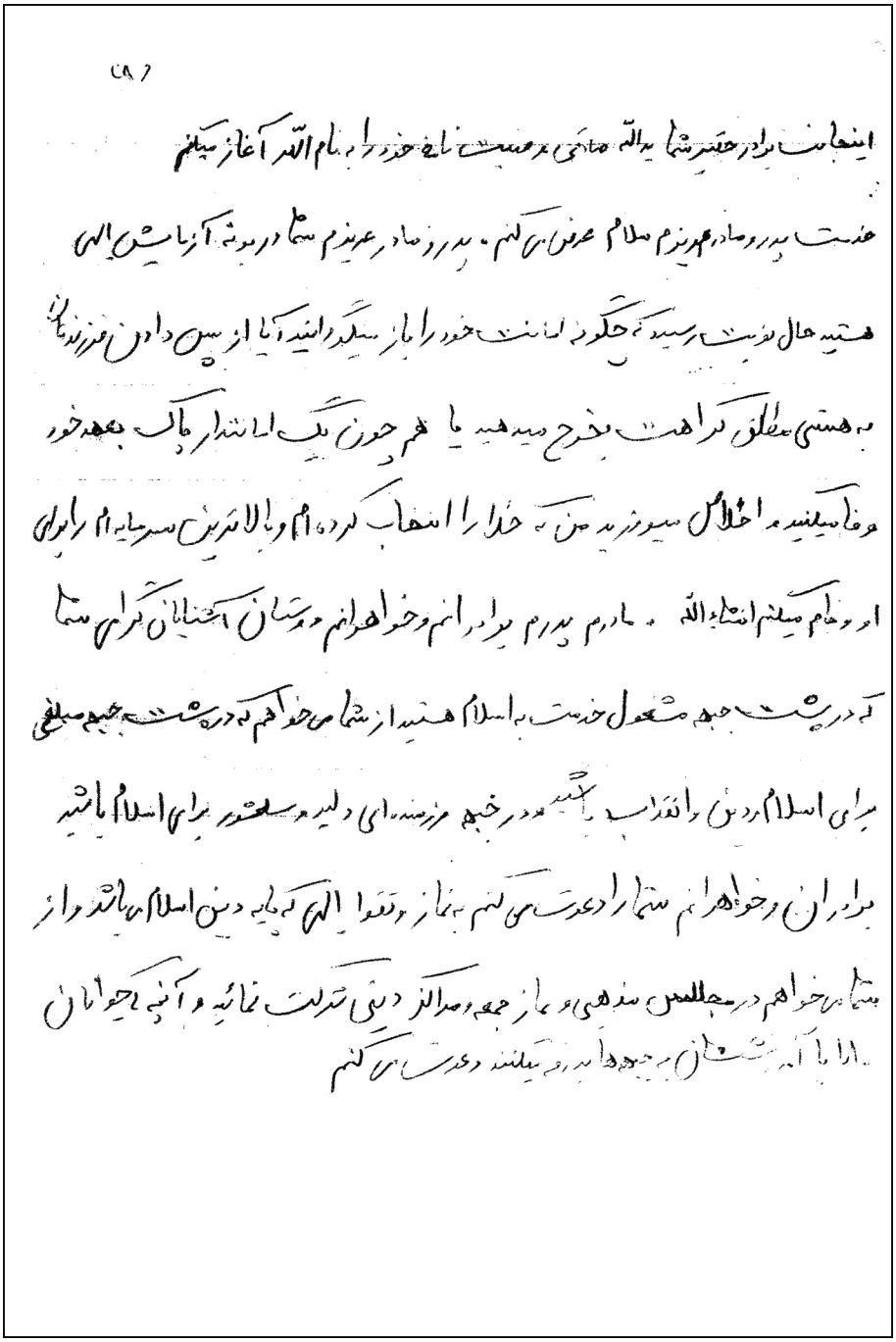

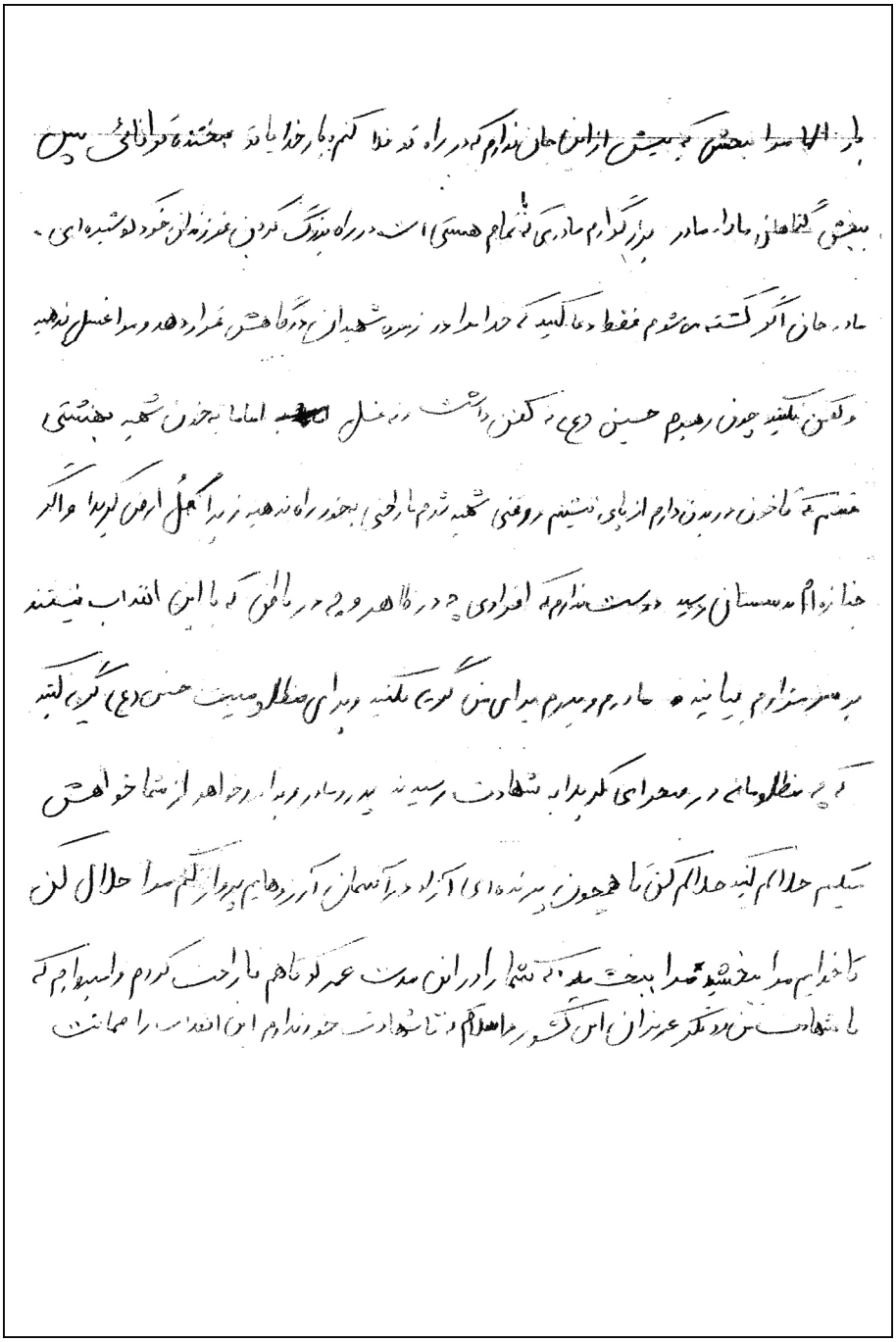

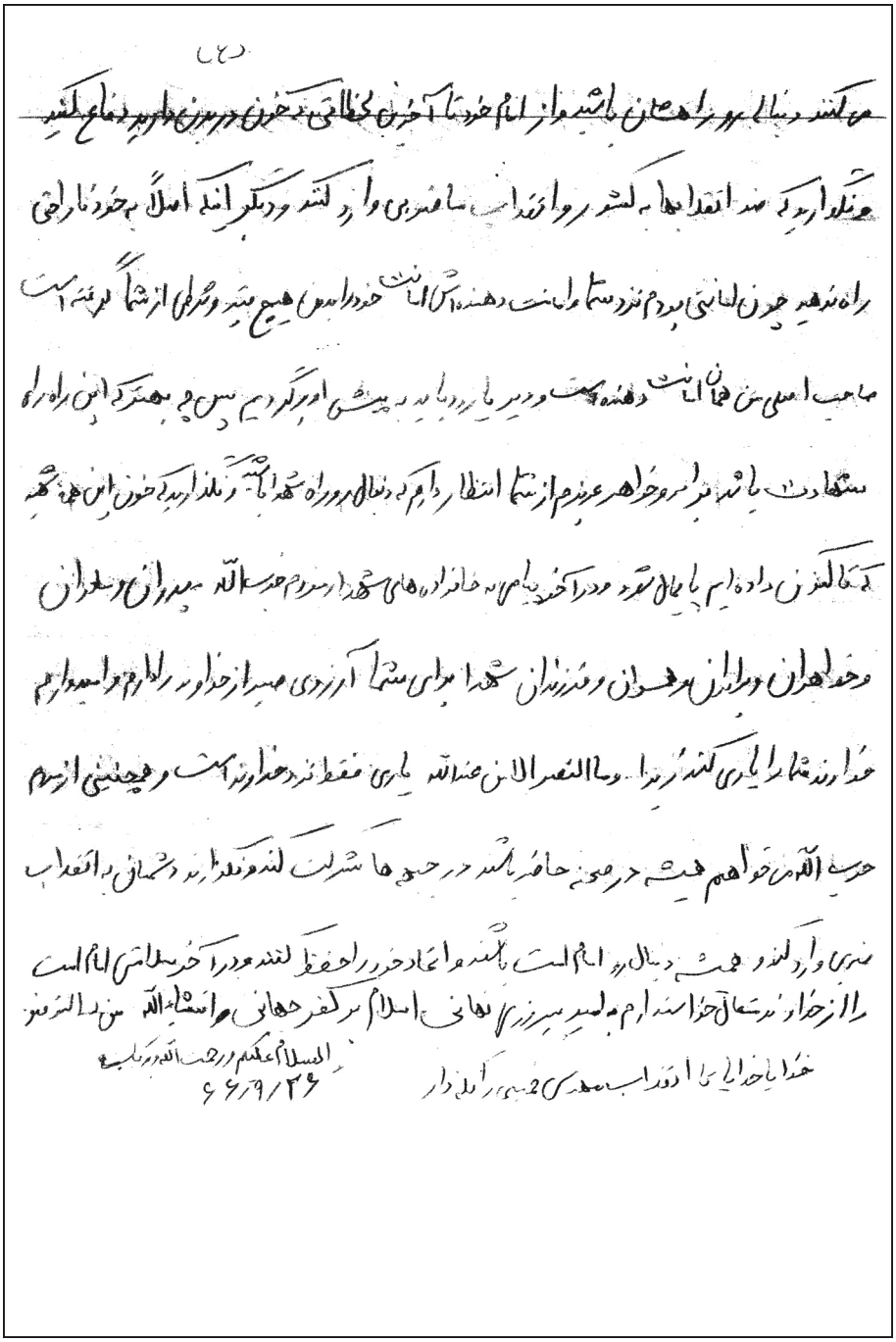

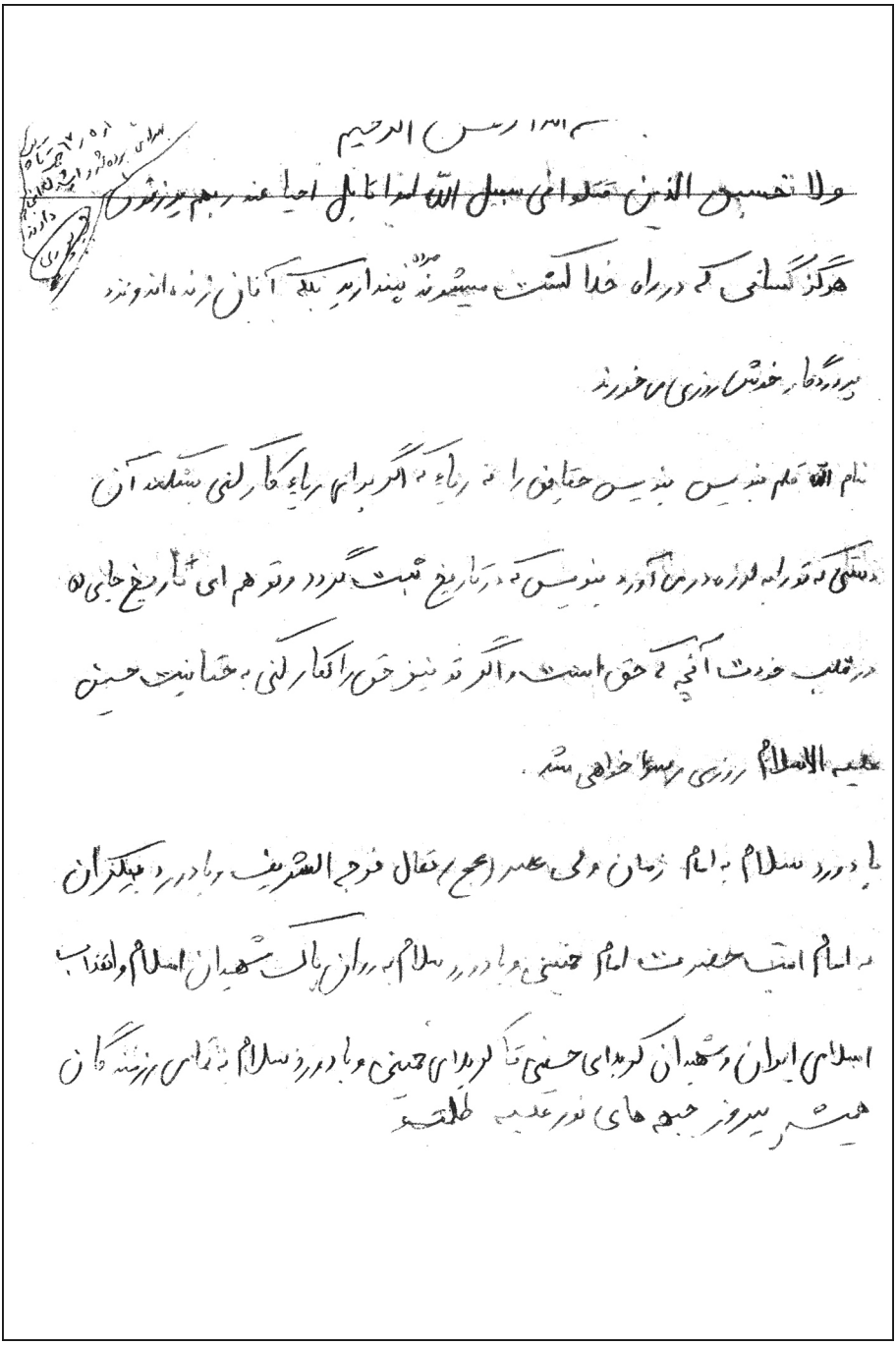

بسم الله الرحمن الرحیم

~~ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون~~

هرگز کسانی که در راه خدا کشته میشوند مرده نپندارید بلکه آنان زنده اند و نزد

پروردگار خویش روزی می خورند

بنام الله قلم بنویس بنویس حقایق را نه ریاء که اگر برای ریاء کار کنی بشکند آن

دستی که تو را به لرزه در می آورد بنویس که در تاریخ ثبت گردد و تو هم ای تاریخ جای ده

در قلب خودت آنچه که حق است و اگر تو نیز حق را کار کنی به حقانیت حسین

علیه السلام روزی رسوا خواهی شد.

با درود سلام به امام زمان ولی عصر (عج) تعال فرجه الشریف و با درود بیکران

به امام امت حضرت امام خمینی و با درود سلام به روان پاک شهیدان اسلام و انقلاب

اسلامی ایران و شهیدان کربلای حسینی تا کربلای خمینی و با درود سلام به تمامی رزمندگان

همیشه پیروز جبهه های نور علیه ظلمت

پیامی به پدر و مادرم

(۵)

پدر و مادر عزیزم من دو سال روزه و نماز به کنار هستم اگر کشته شدم بدهید برایم بگیرند و اگر کشته شدم روی سنگ قبرم بنویسید خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

به امید پیروزی رزمندگانی که در جبهه‌های حق علیه کفر جهانی می‌جنگند انشاءالله

ما در ره عشق نقص پیمان نکنیم
گر جان طلبند دریغ از جان نکنیم
دنیا اگر از یزد لبریز شود
ما پشت به سالار شهیدان نکنیم

در مسلخ عشق جز نکو را نکشند
رو به صفتان زشت خو را نکشند
گر عاشق صادقی ز مردن مهراس
مردار بود هر آنکه او را نکشند

ما جان به خدا دادیم تا زنده شما باشد
در خاک مزار ما یک دم به دعا باشید
از دین چو شکنجه در نومید نباشید
مردان در این میدان باشد رفوا باشید

برادر حقیر شما یدالله صادقی

۹۶/۹/۲۶



نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **صادقی‌پور**
نام پدر: **شعبانعلی**
نام مادر: **عالیه**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم بهمن ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- هنگام پیروزی، پرچم الله اکبر را در منارهٔ بلند شهر به اهتزاز درمی‌آوریم.
- ایمان ما با ترازوی مادیات غرب و شرق به سنجش درنمی‌آید.
- معیار نبرد و جهاد ما را در عاشورای اباعبدالله(علیه‌السلام) و خون مقدسی که در گودال قتلگاه بر زمین ریخت، باید جستجو کرد.
- ما برای برافراشته شدن پرچم «لا اله الاالله» بر پهنهٔ زمین مبارزه می‌کنیم.
- دنیا شاهد باشد که ریشهٔ این انقلاب از مسجد است.
- خدایا! آمدم تا از اسلام دفاع کنم که فردای قیامت، حسین زهرا(علیهاالسلام) شفاعتم کند.
- نسبت به انجام تکالیف شرعی خود کوشا باشید و دین خدا را یاری کنید.
- جبهه‌های نبرد حق را همیشه با جان و مال خویش یاری نمایند.
- شما معتقدید که اطاعت از ولی فقیه واجب است، پس امام را تنها نگذارید.

## مهدی صادقی‌پور

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد انّ لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان **ائمة** المعصومین حجج الله و ان **الجنّة** حقّ و النّار حقّ»[۱]

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنّة»**[۲]

اینجانب مهدی صادقی‌پور، که خداوند توفیقی عنایت کرد تا راهی کربلای حسینی شوم و به امر امام عزیز لبیک گفته باشم، هدفم از آمدن به جبهه این بود که دین خدا را یاری کنم و برای زنده نگه‌داشتن آرمان شهیدان کربلا و برای احیاء سنت‌های مقدس رسول اکرم مبارزه می‌کنم و شهادت در راه آرمان خویش را از نعمت‌های بزرگ الهی و از موهبت‌های خداوند جهان آفرین می‌دانم و زندگی با ستمگران را جز ننگ و ذلت نمی‌دانم و چنین است که برای شهید شدن و جبهه رفتن و از مرزهای ایمان و عقیده دفاع کردن، در صف‌های طویل منتظر می‌مانیم و در هنگام پیروزی، پرچم الله اکبر را در منارهٔ بلند شهر به اهتزاز درمی‌آوریم و جهان شرک و الحاد از درک آن عاجز است، چرا که ایمان ما با ترازوی مادیات غرب و شرق به سنجش درنمی‌آید.

معیار نبرد و جهاد ما را در عاشورای اباعبدالله(علیه‌السلام) و خون مقدسی که در گودال قتلگاه بر زمین ریخت، باید جستجو کرد.

فرزندان آیندهٔ امت اسلام ،با تکیه بر ارزش‌های آن خون خدا، بر علیه هر چه که زشتی و پلیدی و غیرالهی است قیام کنند تا سرافراز و سر بلند بمانند.

ما برای برافراشته شدن پرچم «لا اله الاالله» بر پهنهٔ زمین مبارزه می‌کنیم و این مبارزه سرانجام پیروز است. دنیا شاهد باشد که ریشهٔ این انقلاب از مسجد است و شیوهٔ نبرد بزرگ ما، علیه جهان شرک و الحاد و دنیای استکبار و با الهام[۳] از اولین امام شهید مسجد و

---

۱- بخشی از عبارتی که قبل از آیه قرآن آمده است، شهادت بر یگانگی خدا و رسالت حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله) و ائمه معصومیت و بخشی از تلقین است که به‌صورت نمادین وقتی متوفی را در گور می‌گذارند خوانده می‌شود.

۲- توبه/ ۱۱۱.

۳- در اصل وصیت «الحام».

محراب[۱] از امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام)، فراگرفته‌ایم و جهان از فهم و درک تفسیر آن عاجز است.

خدایا! آمدم تا از اسلام دفاع کنم که فردای قیامت، حسین زهرا(علیهاالسلام) شفاعتم کند. از پدر و مادر عزیزم می‌خواهم که اگر شهادت نصیبم شد، صبور و بردبار باشند و افتخار کنند که توانسته‌اند در راه خدا فرزندشان را قربانی کنند. فقط دعا کنید این قربانی بی‌ارزش را خداوند قبول کند. حرکتی از شما سر نزند که دشمنان امام امت و اسلام خوشحال شوند. برادران و خواهران عزیزم! امیدوارم شما تداوم‌بخش راه شهدا باشید. نسبت به انجام تکالیف شرعی خود کوشا باشید و دین خدا را یاری کنید تا یاریتان کند که «**ان تنصر الله ینصرکم و یثبّت اقدامکم**»[۲]. از خانوادهٔ عزیزم می‌خواهم که به‌عنوان خانوادهٔ شهید، بر مردم دیگر فخر نفروشند که این عملی شیطانی است و مورد رضای خدا نیست. سعی کنید بسیار متواضع باشید. از امت حزب‌الله می‌خواهم که جبهه‌های نبرد حق را همیشه با جان و مال خویش یاری نمایند، تا صدام و صدامیان را به خاک تیره بنشانند. شما معتقدید که اطاعت از ولی فقیه واجب است، پس امام را تنها نگذارید.

مبادا خویشتن را واگذاریم　　امام خویش را تنها گذاریم[۳]
ز خون هر شهیدی لاله رسته　　مبادا روی لاله پا گذاریم

در آخر از همهٔ دوستان و فامیل‌ها می‌خواهم که برایم طلب مغفرت کنند و از همهٔ آنها حلالیت می‌طلبم.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

**تاریخ ۶۴/۱۲/۲۳**

**مهدی صادقی‌پور**

---

۱- حضرت علی(علیه‌السلام) را در تاریخ اسلام به‌عنوان اولین شهیدی که در محراب نماز به شهادت رسیده می‌شناسند به تأسی از آن امام همام به ائمه جمعه‌ای که پس از انقلاب اسلامی از سوی منافقان در نماز جمعه به شهادت رسیدند شهدای محراب می‌گویند.

۲- محمد/ ۷.

۳- شعر از رباعیات قیصر امین‌پور است.



بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران



متن وصیتنامه پاسدار شهید مهدی صادقی پور

بسم الله الرحمن الرحیم

اشهدان لا الهالا الله و اشهدان محمد رسول‌الله و اشهدان الائمةالمعصومین حجج الله وان‌الجنه حق‌والنار حق .

ان الله اشتری‌من المنین‌اموالهم و انفسهم بان لهم الجنه .

اینجانب مهدی صادقی پور که خداوند توفیقی عنایت کرد تا راهی کربلای حسینی شوم و به امر امام عزیزم لبیک گفته باشم هدفم از آمدن به جبهه این بود که دین خدا راباری کنم و برای زنده نگهداشتن آرمان شهیدان‌کربلا و برای احیاء سنتهای مقدس‌رسول اکرم مبارزه میکنم وشهادت در راه آرمان خویش‌را از نعمتهای بزرگ الهی و از موهبتهای خداوند جهان آفرین میدانم و زندگی‌با ستمگران را جز ننگ و ذلت نمیدانم و چنین است که برای شهید شدن و جبهه رفتن واز مرزهای ایمان و عقیده دفاع کردن در صفهای طویل‌منتظر می مانیم و در هنگام پیروزی پرچم الله اکبر رادر مناره بلند شهر به اهتزاز در می آوریم و جهان شرک و الحاد از درک آن عاجز است چرا که ایمان‌ما با ترازوی مادیاتغرب وشرق به سنجش در نمیاید .

معیار نبرد وجهاد ما؛ در عاشورای اباعبدالله و خون مقدسی که در گودال قتلگاه بر زمین ریخت باید جستجوکرد .

فرزندان آینده امت اسلام با تکیه بر ارزشهای آن خون خدا بر علیه هر چه که زشتی وپلیدی و غیر الهی است قیام کنند تا سر افراز و سربلند بمانند .

ما برای بر افراشته شدن پرچم لا اله الا الله بر پهنه زمین مبارزه میکنیم و این مبارزه سرانجام پیروز است . دنیا شاهد باشد که ریشه این انقلاب از مسجد است وشیوه نبرد بزرگما بر علیه جهان شرک و الحاد و دنیای استکبار و با الهام از اولین امام شهید مسجد ومحراب از امیرالمومنین علی علیه‌سلام فرا گرفته ایم و جهان از فهم و درک تفسیر آن عاجز است .

خدایا آمدم تا از اسلام دفاع کنم که فردای قیامت‌حسین زهرا شفاعتم کند از پدر ومادر عزیزم می خواهم که اگر شهادت‌نصیبم شد صبور و بردبار باشند و افتخار کنند که

توانسته اند در راه خدا فرزندشان را قربانی کنند فقط دعا کنید این قربانی بی ارزش را خداوند قبول کند حرکتی از شما سر نزند که دشمنان امام امت و اسلام خوشحال شوند برادران و خواهران عزیزم امیدوارم شما تداوم بخش راه شهدا باشید نسبت به انجام تکالیف شرعی خود کوشا باشید و دین خدا را یاری کنید تا یاریتان کند که ان تنصرالله ینصرکم و یثبت اقدامکم . از خانواد معزز یزم می خواهم که بعنوان خانواده شهید بر مردم دیگر فخر نفروشند که این عملی شیطانی است و مورد رضای خدا نیست سعی کنید بسیار متواضع باشید از امت حزب الله می خواهم که جبهه های نبرد حق را همیشه با جان و مال خویش یاری نمایند تا صدام و ضدامیان را به خاک تیره بنشانند شما معتقدید که اطاعت از ولی فقیه واجب است پس امام را تنها نگذارید .

مبادا خویشتن را واگذاریم　　امام خویش را تنها گذاریم
زخون هر شهید ی لاله رسته　　مبادا روی لاله پا گذاریم

در آخر از همه دوستان و فامیلها می خواهم که برایم طلب مغفرتکنند و ازهمه آنهاحلالیت می طلبم .

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی
خمینی را نگهدار

تاریخ ۶۴/۱۲/۲۳　مهدی صادقی پور

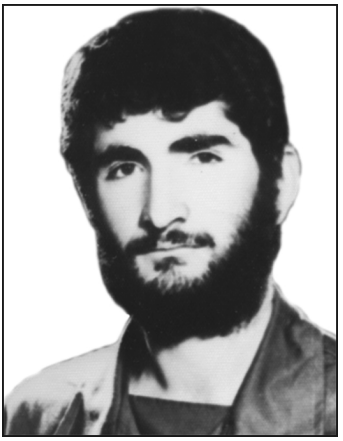

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **صادقی شهمیرزادی**
نام پدر: **رحیم**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **دوازدهم آبان ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- قلب تپندهٔ امت اسلامی را یاری نموده و به هیچ وجه و عنوان به اوامرش حتی یک لحظه در انجامش تردید به خود راه ندهید.
- بدانید امام امت با امام زمانش در رابطه است.
- دستوراتش، دستورات امام عصر(عج) بوده و انجامش بر همهٔ ما واجب.
- از همهٔ مردم و مخصوصاً مسئولین محترم می‌خواهم که اختلافات هر چند جزئی را هم کنار بگذارند.
- همچون زینب(علیهاالسلام) پیام‌رسان خون شهیدان باش.
- با خدمت در بسیج از حجاب و بالا بردن سطح آگاهی خواهران بسیج، دین خود را نسبت به این انقلاب اداء کن.
- سایر همسران شهید در سازندگی افرادی این‌چنین شهیدپرور کوشش نمایید.
- خداوند در عالم محشر شما را با شهدا محشور کند.
- امامم را [...] رهبری و زعامت شناختم و بر خود واجب دیدم به یاریش بشتابم.
- هیچگاه دل به دنیا نبندید که این دوره به سرعت برق و باد می‌گذرد.
- آن چیزی که باقی می‌ماند اعمال انسان است که باعث سربلندی و یا خدای نکرده سرافکندگی شخص می‌شود.
- فرزندم از راه راست اسلام یک لحظه منحرف نشو.

## احمد صادقی شهمیرزادی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«یا ایتها النّفس المطمئنة، ارجعی الی ربّک، راضیةً مرضیةً، فادخلی فی عبادی، وادخلی جنّتی»**[1]

«ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام! امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از تو است، باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو».

با سلام و درود بر پیشگاه باعظمت «خلیفةالله الاعظم روحی له الفدا» امام زمان(عج) و سلام بر نایب بر حق آن امام، خمینی بت‌شکن، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و با درود بر شهدای گران‌قدر انقلاب اسلامی و شهدای مظلوم جنگ تحمیلیِ ابرجنایتکاران غرب و شرق، بر ملت مقاوم ایران و سلام بر امت دلاور ایران.

چند سطری به‌عنوان وصیت‌نامه و انجام تکلیف که قبل از هجرت بنده از عالم خاکی می‌بایست می‌نوشتم، چون این تکلیف را اسلام بر انسان مقرر نموده و بنده هم به‌عنوان یک مسلمان اجرا می‌نمایم. هر چند تا حالا چند وصیت‌نامه عوض نمودم و آن هم به‌واسطهٔ قبول نشدن در دانشگاه امام حسین(علیه‌السلام) تقاضانامه‌ام کهنه شد و مجبور شدم که آن را عوض کنم. وصیت‌نامهٔ بنده شامل چند قسمت شده که هر قسمت آن را جدا از هم می‌نویسم تا درک و فهم [آن] برای همه آسان باشد.

بند اول نکاتی است یادآوری به شما مردم، برادران و خواهران در خط امام، هر چند شما مردم را سزاوار، «همان فرمودهٔ امام است که الهی شده‌اید»[2]، ولی تذکر و یادآوری اعمال خیر، باعث تشویق و مصمم شدن به انجام آن عمل می‌گردد.

اول اینکه قلب تپندهٔ امت اسلامی را یاری نموده و به هیچ وجه و عنوان به اوامرش حتی یک لحظه در انجامش تردید به خود راه ندهید و بدانید امام امت با امام زمانش در رابطه است و دستوراتش، دستورات امام عصر(عج) بوده و انجامش بر همهٔ ما واجب. هر

---

۱- فجر/ ۲۸.

۲- صحیفه امام، ج۱۳، ص۲۹۳.

چند شما مردم ثابت کردید که چه‌قدر مطیع ولایت هستید. خداوند به همهٔ شما اجر و مزد عنایت کند.

مطلب دوم اینکه خواست ما از خداوند این است که از عمر همهٔ ما بکاهد و بر عمر اماممان بیفزاید، ولی اگر خواست خداوند بجز این بود، از شما مردم تقاضامندم از شاگرد متقی و پارسای امام، حضرت آیت‌الله منتظری[۱] حمایت و پیروی کنید که دید وسیع امام، مطمئن باشید مثل همهٔ اظهارنظرها، الهام گرفته از غیب است و شایسته‌ترین انتخاب بوده است.

مسئله سوم اینکه از همهٔ مردم و مخصوصاً مسئولین محترم می‌خواهم که اختلافات هر چند جزئی را هم کنار بگذارند و دست برادری به همدیگر داده و در راه ساختن کشوری آباد و خدمت به محرومین و آزادی قدس[۲] عزیز قدم بردارند مردم ما از توطئه غرب و شرق نمی‌ترسند، الا از اختلاف می‌هراسند که انشاءالله با کنار گذاشتن آن مشت محکمی به دهن یاوه‌گویان بکوبید.

مطلب چهارم نصیحتی به فرصت‌طلبان، محتکران و نقزن‌ها که دست از خیانت خود بردارند. از خانواده‌های شهدا خجالت بکشند. از خون ریخته شده بر صحرای سوزان جنوبِ این عزیزان شهید بترسند. بدانند روزی عمر سیاهشان به‌سر می‌آید و برایشان به جز روسیاهی چیز دیگری باقی نمی‌ماند، به سیل خروشان انقلاب بپیوندید تا انشاءالله رستگار شوید.

سخنی با دوستان و هم‌سنگرانم، خداوند را شکر کنید که جوانی و عمر شما را در چنین حکومتی قرار داد. چند صباحی عمر خود را به خدمت‌گذاری به اسلام و مسلمین می‌گذرانید. قدر خود را بدانید و از خداوند بخواهید که عاقبت به‌خیر باشید. مهم‌تر از همه آن است که چگونه می‌میریم [و] در اواخر عمر در دینمان ثابت قدم هستیم یا نه، خدای نکند که مانند بعضی، چندین سال زندان و شکنجه و سختی در نهایت به دامن شیطان پناه بردند و آخرت خود را به دنیا فروختند و سخن‌ها و مقاله‌ها برعلیه جمهوری اسلامی [...][۳].

مطلب بعد سخنی است با پدر و مادر و کسانی که برای بزرگ کردنم زحمت کشیدند. [...] هر چند می‌دانم در این مدت نتوانستم برای شما فرزند خوبی باشم و این را هم آگاهم

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت حدود یک سطر خوانا نیست. عباراتی که با [...] مشخص شده‌اند، خوانا نیست.

که در این مدت حداقل مقداری از زحمات شما را جبران می‌کردم ولی موفق نشدم. شما با بزرگواریتان مرا می‌بخشید که اگر خدا بخواهد، در قیامت جبران خواهم کرد.

و چند جمله‌ای به همسرم. انشاءالله از بدی‌ها و لغزش‌های بنده می‌گذرید. من که از شما راضی [...] که خداوند از شما راضی باشد. در تربیت فرزندم کوشش و سعی نما و یک لحظه [...] مباش. همچون زینب(علیهاالسلام) پیام‌رسان خون شهیدان باش و با خدمت در بسیج از حجاب و بالا بردن سطح آگاهی خواهران بسیج، دین خود را نسبت به این انقلاب اداء کن.

در چند صباحی پر رنج و محنت روزگار، صبر را پیشه خود [...] درگاه خداوند شکر بنما که بر شما منت نهاده و بین همه شما را و یکی از نزدیکانتان [...] کرد. این حرکت بنده، بجر اعلام آمادگی و فداکاری و ایثار و ازخودگذشتگی [...] موفق به هجرت از وطن شدم و مدتی هر چند کوتاه همراه با راهیان کربلا در [...] دون شرکت نمودم.

خداوند به همهٔ شما زنان با ایمان جزای خیر عنایت کند و [...] سایر همسران شهید در سازندگی افرادی این‌چنین شهیدپرور کوشش نمایید. تو را [...] به‌حق، اجر شهیدان را دارد تا خداوند در عالم محشر شما را با شهدا محشور کند.

و در خاتمه چند نکته‌ای برای فرزندم. پسرم، شعرا و عاشقان گفتند

آن کس که تو را شناخت جان را چه کند  فرزند و عیال و خانمان را چه کند[1]

این بیت شعر زیبایی است از [...] جان همهٔ شهیدان و عاشقان [...] شناخت سایر علایق برایش کم‌ارزش جلوه می‌کند ولی نه بدان فرزندم این‌طور نیست، پیامبر در مرگ فرزندش گریست، امام حسین(علیه‌السلام) بر سر نعش علی‌اکبر[2]ش زاری [...] در صورتی که آن بزرگواران بیش از همهٔ ما عاشق خداوند بودند و این را خداوند در دل ایشان کاشت. ولی فرزندم تا وقتی دوستی و نزدیکی پدر و محفل گرم خانه برپاست که اسلام در خطر نباشد [و] نوامیس مسلمین در معرض تهدید، ولی اگر برخلاف اینها شد، این وظیفهٔ پدر است که از محفل گرم منزل به‌سوی میدان ظلم حرکت کند.

---

۱- از مصرع دوم شعر فقط «فرزند و عیال و » در اصل وصیت هست. شعر از خواجه عبدالله انصاری است.

۲- ر.ک. تعلیقات.

او حرکت می‌کند که تو فردا آزاد زندگی کنی، او بدنش را آماج تیرها می‌دهد که تو فردا سربلند بمانی. او می‌میرد که اسلام و نسل فردای مسلمانان آزاد بمانند. این درس را امام حسین(علیه‌السلام) با شهادتش به ما آموخت و تو فرزندم همیشه پیرو امام حسین(علیه‌السلام) بوده روز از اول ماه محرم و سینه‌زدن‌های خشک و خالی! بلکه مکتب زیر بار ظلم نرفتن امام را [...] بنده اگر مانند خیلی‌های دیگر زندگی در شهر و منزل را ترجیح می‌دادم شاید مورد بازخواست [در] قیامت قرار می‌گرفتم! شاید بین من و مردم زمان امام حسن[1](علیه‌السلام) فرقی نبود، شاید [...] که مردان زمان خود را به نامردان تشبیه کرده بود، شامل حالم می‌شد. من راهم را یافتم.

بین امام امت و ائمه معصومین خصوصیات مشترک زیادی دیدم، امامم را [...] رهبری و زعامت شناختم و بر خود واجب دیدم به یاریش بشتابم، نه با شعار بلکه [...] امیدوارم خداوند قبول کند. و تو ای فرزندم! سعی کن با اعمالت روحم را آزرده [...] خواسته‌ام، اینکه درست را بخوانی تا آنجا که بتوانی در جایی حساس و مهم [...] اسلامیت مؤثر باشی.

در هر حال یک لحظه از یاد خدا غافل نشوی. زندگی [...] ائمه معصومین مطابقت کنی و با خواندن احادیث و روایات پیرو آنان [...] رهبری‌های امام امت و آیت‌الله منتظری[2] پیروی کنی و از روحانیت در خط این دو بزرگوار حمایت نمایی و در مواقع لزوم به دستور آنها برای رویارویی با دشمنان جهت آزادی عتبات[3] متبرکه آمادهٔ کارزار باشی. هیچگاه دل به دنیا نبندید که این دوره به سرعت برق و باد می‌گذرد و آن چیزی که باقی می‌ماند اعمال انسان است که باعث سربلندی و یا خدای نکرده سرافکندگی شخص می‌شود.

فرزندم در خاتمه به گفتار امام گوش دار و از راه راست اسلام یک لحظه منحرف نشو. دین خداوند را یاری کن، تا خدا تو را یاری کند. پسرم اگر بنده موفق به زیارت حرم امام حسین(علیه‌السلام) نشدم، تو بعد از آزادی کربلا، به زیارت مرقد مطهر آقا برو و سلام مرا به امام

---

۱- شهید معتقد است اگر امام حسن(علیه‌السلام) یارانی مانند امام حسین(علیه‌السلام) داشت ایشان هم قیام می‌کردند.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «اتبات».

برسان. خداوند امام را تا ظهور امام مهدی(عج)، برای رهبری امت زنده نگاه بدارد، خداوند انشاءالله فرج امام زمان(عج) را نزدیک کند.

**«والسلام[1] علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**بندهٔ عاصی خداوند احمد صادقی شهمیرزادی**

**۶۵/۷/۱۷**

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار.

«لازم به خواندن در بین مردم نیست».

در خاتمه نکاتی بود که به‌علت فراموشی نتوانستم در متن وصیت‌نامه جای دهم. اینکه بنده مدت هشتاد روز روزه و یک سال نماز بدهکارم و این مقدار حداقل آن می‌باشد. و تا این مدت موفق به حساب‌رسی مال خود نشدم شما عزیزان مخصوصاً حاج آقا هاشمی زحمت این کار را بکشد. در ضمن برحسب مرسوم باید وصی و ناظر معین نمود، بنده همه کاره‌ام آقای حاج رجبعلی هاشمی بوده و هست.

ایشان چند روز زندگی همیشه برادری بزرگتر و راهنمایی مؤثر در زندگی بنده بودند می‌خواهم بعد از مرگم هم این زحمات را هم بر خود تحمل نماید و بدهکاری‌هایی است که در دفترچهٔ حسابرسی نوشتم، لطف کنید و بپردازید. کتابهای بنده را تعدادی که برای سپاه است برگردانید و بقیه را به کتابخانهٔ مسجد قائم شهمیرزاد هدیه کنید و چند شبی دعای توسل در منزل برقرار کنید، چون خیلی مشتاق این کار بودم.

در رابطه با جو شهمیرزاد و استقبال نکردن مردم از مراسم‌ها [...] و نماز را در برقراری نماز جمعه بیایید. با برقراری نماز جمعه مردم حضور فعال‌تری در جبهه پیدا می‌کنند. با برقراری نماز جمعه یک روحانی مبارز به شهمیرزاد می‌آید اگر او در خط امام باشد، و مبارز باشد، اختلافات داخلی بین روحانیون را حل می‌کند و [...] باهم باشند هدف یکی می‌شود و در نتیجه در کار خود موفق می‌شوند.

راه حل دوم:

سخنرانی مکرر مسئولین استان و شهرستان برای مردم و تشویق آنها به حضور در صحنه بودن و اختصاص دادن چند پروژه در شهر باعث دلگرمی مردم به دولت و انقلاب می‌شود.

---

۱- در اصل وصیت «واسلام».

در صحنه بودن برادران حزب‌الله جوان و داشتن جلسه هر ۱۰ روز یک‌بار و تبادل نظر در رابطه با جوّ شهر، پیشنهاد و انتقاد از رویدادهای شهر که پیش می‌آید، این خود به نفع انقلاب و اسلام است. پی‌گیر بودن چند نفر از برادران درس خوانده و حرف بزن از مسئولین بخش و شهرستان و خواندن ماده و تبصره‌های مصوبه مجلس در رابطه با روستاها و شهرهای کوچک و گرفتن حق و متوجه بودن وضعیت داخلی شهرستان، این خود باعث علاقهٔ مردم شده و پی‌آمدهای خوبی در پی خواهد داشت.

اتحاد و انسجام یافتن برادران جوان در خط امام برای مبارزه با بی‌حجابی و بدحجابی و فساد و منکرات که این در اصل کار مردم بوده و بعد از ارگان‌های انقلابی، با امر به معروف و نهی از منکر و در صورت عدم موفقیت از راه دیگر وارد شدن و وادار نمودن مسئولین قضایی کشور به[1] انجام شدت عمل بیشتر.

رسیدگی به وضع دسته‌روی و عزاداری امام حسین(علیه‌السلام) و به‌راه انداختن دسته‌های متفاوت در پشت جمعیت عزاداری برای زنان که آنها هم مثل همه با پرچم و شعار و نوحه به عزاداری بپردازند و از این وضع بسیار بد فعلی که فقط به تماشای مردم می‌پردازند و این کار نه اینکه ثواب ندارد، هیچ، آلوده به گناه می‌شوند و این وضعیت را امام حسین(علیه‌السلام) دوست ندارد و از ما نمی‌پذیرد که در کشوری اسلامی ما [...] زنان ما به تماشای انبوه مردان در روز عزای امام بپردازند و در بعضی‌ها چه اعمالی پی‌آمد همه [...] تشکیل انتظامات خواهران در خط، با همکاری برادران می‌توان این عمل را انجام داد و مطمئن باشید اگر مقداری با سختی روبرو شوید، در سال‌های بعد به‌عنوان یک رسم جا خواهد افتاد.

زیر نظر داشتن اعمال و کارهای مرموزانه منافقین[2] و فدائی‌ها[3] و توده‌ای‌ها[4] خود کار بسیار ظریف و [...] آنها شب و روز مشغول فعالیت هستند. آنها مارهای زخم خورده‌ای‌اند که به محض به‌دست [...] ضربه را خواهند زد و ما باید با هوشیاری خود به موقع مچ آنها

---

۱- در اصل وصیت «که».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

را گرفته و نگذاریم خدای نکرده ضربه‌ای به [...] موذیانه آنها فعلاً بیشتر [با] شرکت در جلسات درون‌گروهی، دوست شدن با افراد [...] طرح دوستی و [...] با دختران بدحجاب و بی‌خط و کشاندن همهٔ آنها به انحراف فکر [...] مسائل گفتنی زیاد است و اگر عمری باقی بود بعداً ...

**۶۵/۷/۱۹**

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی

ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام امروز بحضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از تو است، باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت من داخل شو

با سلام و درود بر پیشگاه با عظمت خلیفة الله العظیم روحی له الفدا امام زمان و سلام بر نائب برحق آن امام خمینی بت شکن بنیان گذار جمهوری اسلامی و با درود بر شهدای گرانقدر انقلاب اسلامی و شهدای مظلوم جنگ تحمیلی ابر جنایتکاران غرب و شرق بر ملت مقاوم ایران و سلام بر امت دلاور ایران

چند سطری بعنوان وصیت نامه و انجام تکلیف که قبل از هجرت بنده از عالم خاکی می بایست می نوشتم چون این تکلیف را اسلام بر انسان مقرر نموده و بنده هم بعنوان یک مسلمان اجرا می نمایم هر چند تا حالا چند وصیت نامه عوض نمودم و آن هم بواسطه قبول نشدن در دانشگاه امام حسین (ع) تقاضا نامه ام کهنه شد و مجبور شدم که آن را عوض کنم وصیت نامه بنده شامل چند قسمت شده که هر قسمت آن را جدا از هم می نویسم تا درک و فهم برای همه آسان باشد بند اول نکاتی است یادآوری به شما مردم برادران و خواهران در خط امام هر چند شما مردم را سزاوار همان فرموده امام است که الهی شده اید ولی تذکر و یادآوری اعمال خیر باعث تشویق و مصمم شدن به انجام آن عمل میگردد

اول اینکه قلب تپنده امت اسلامی را یاری نموده و به هیچ وجه و عنوان به او امرش حتی یک لحظه در انجامش تردید بخود راه ندهید و بدانید امام امت با امام زمانش در رابطه است و دستوراتش دستورات امام عصر بوده و انجامش بر همه ما واجب. هر چند شما مردم ثابت کردید که چقدر مطیع ولایت هستید خداوند به همه شما اجر و مزد عنایت کند

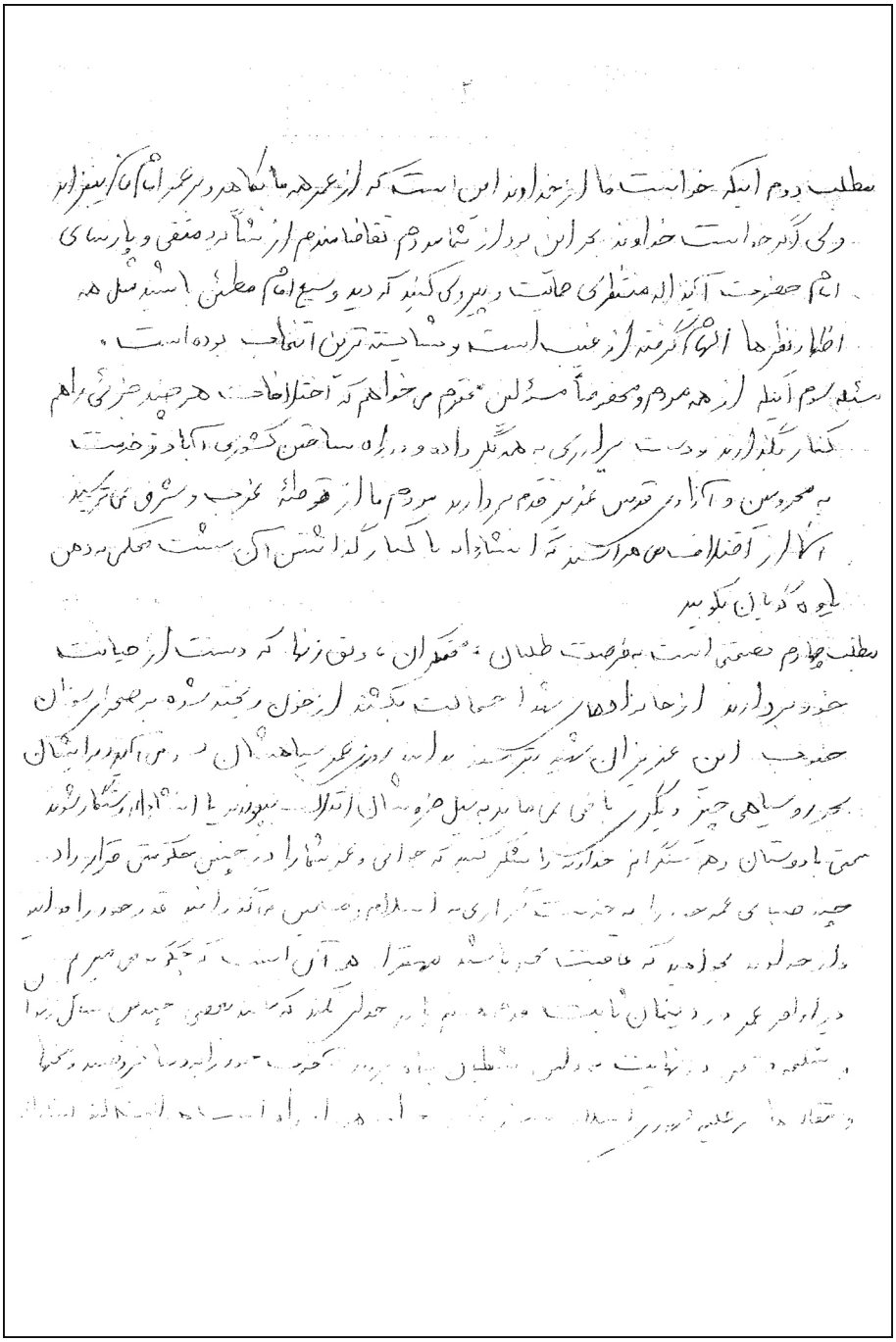

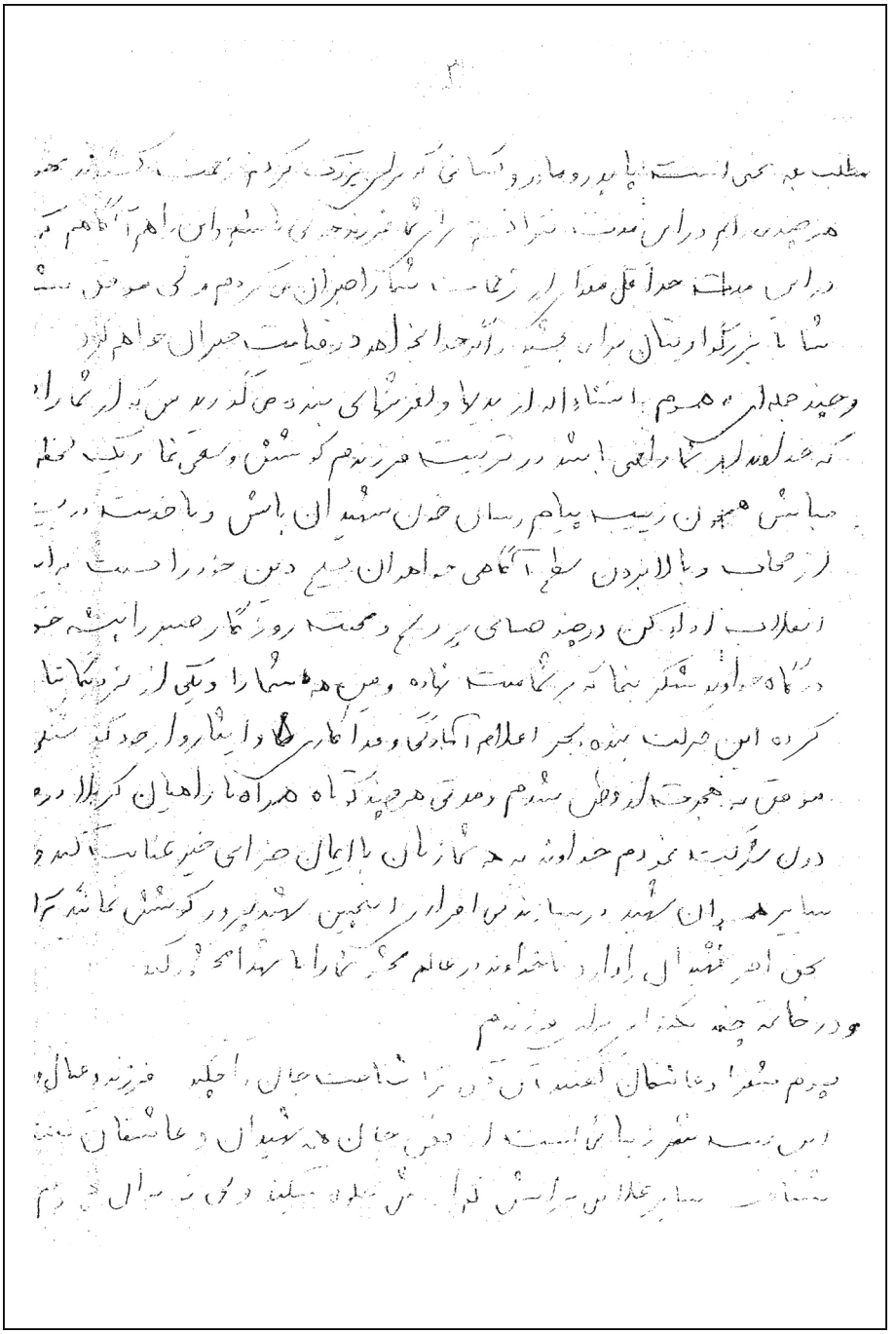



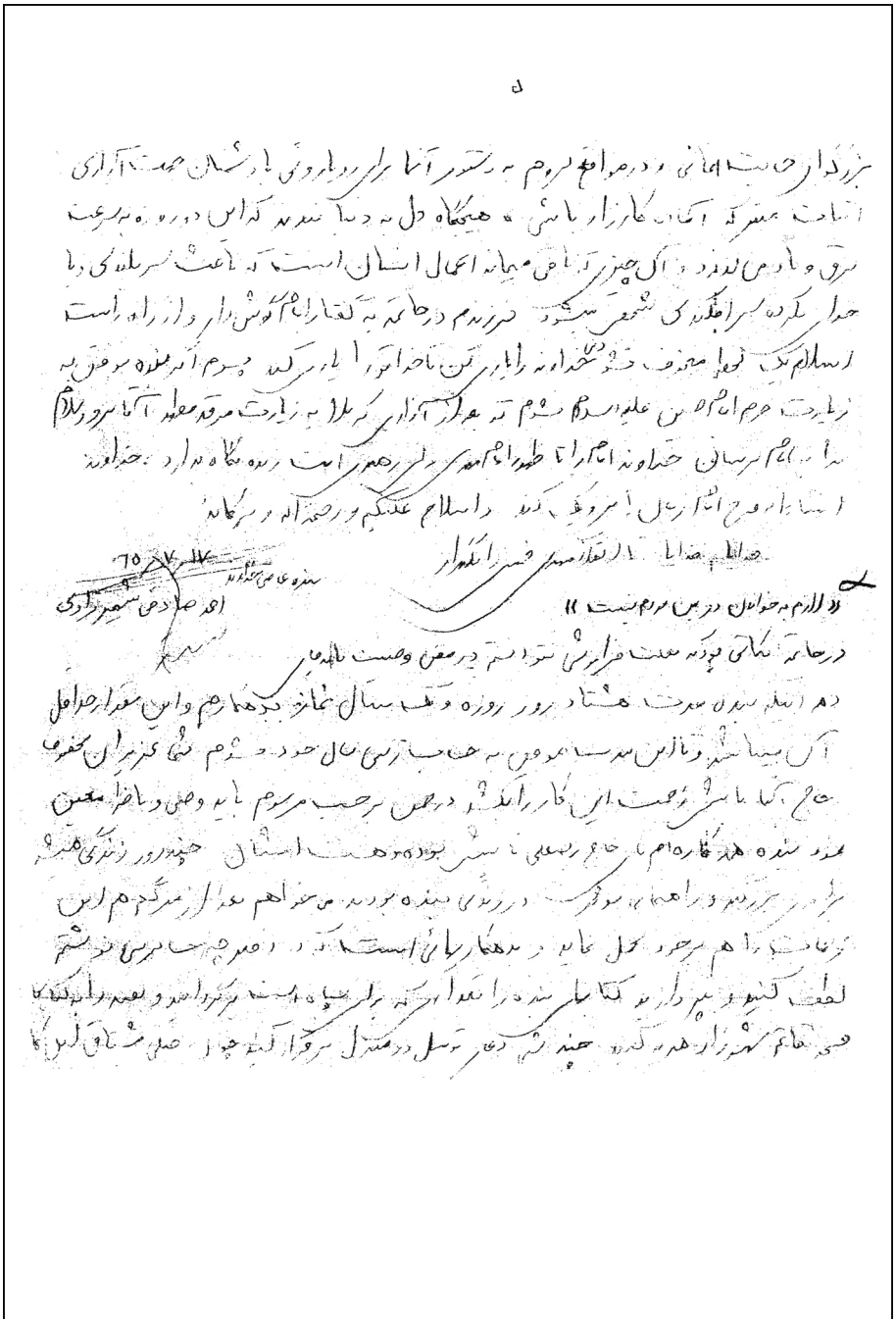



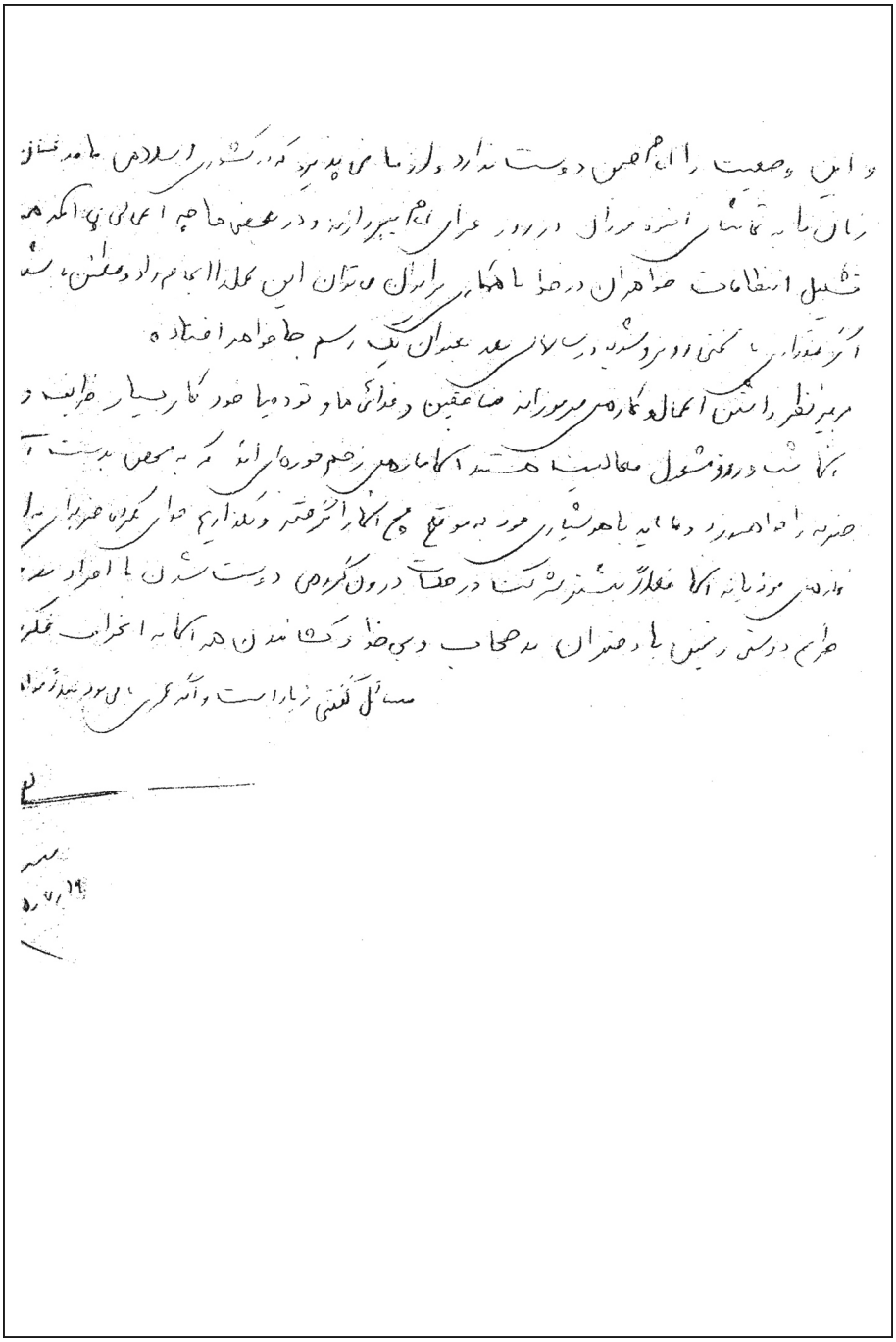

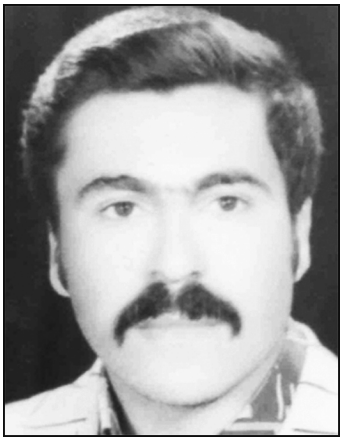

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **صالح‌آبادویی**
نام پدر: **علی‌اصغر**
نام مادر: **معصومه**
تاریخ تولد: **پانزدهم فروردین ۱۳۳۳**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم اسفند ۱۳۶۵**
محل شهادت: **پل‌دختر**
نحوهٔ شهادت: **سانحه رانندگی**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- و اما خدایا تو را شکر می‌کنم که توفیق جهاد را نصیبم کردی.
- پدر و مادر عزیزم! از شما می‌خواهم که صبر و استقامت پیشه کنید.
- امت عزیز! در همه حال خداوند را مد نظر داشته باشید.
- امام عزیز را دعا کنید. اطاعت از او را فریضهٔ خویش بدانید و او را زیاد دعا کنید.
- در برابر مشکلات صبر و استقامت داشته باشید که خدا صابران را دوست می‌دارد.

## علی‌اکبر صالح‌آبادویی

### بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامهٔ علی‌اکبر صالح‌آبادویی فرزند علی‌اصغر متولد ۱۳۳۳ صادره از دامغان

**«ان الله یحب الذین یقاتلون فی سبیله صفا کانهم بنیان مرصوص»**

«به درستی که خدا دوست می‌دارد آنان را که کار و زار کنند در راه او صف‌زده گویا که ایشانند بنایی محکم و استوار» (آیه ۵، صف)

شکر و سپاس خدای بزرگ را که نعمت هستی را به ما ارزانی داشت و در این دنیای فانی رهایمان نکرد، بلکه برای هدایتمان پیامبرانی از جانب خویش، از میان خلق، برگزیده تا که هدایتمان کنند و راه مستقیم را به ما نشان دهند و چراغ‌های راهنمایی باشند، در پیچ و خم‌های تند و خطرناک این دنیای پست و ناچیز. بالاخص خاتم آنان و سیدالمرسلین محمد بن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) که کتابش، آخرین کتاب آسمانی، یعنی قرآن و دینش آخرین دین و پیام الهی، یعنی اسلام و جانشینان بر حق او، از امیرالمؤمنین علی(علیه‌السلام) تا آخرین امام، مهدی منتظر(عج) «**روحی و ارواح العالمین له الفدا**» و نایب بر حق او، حضرت امام خمینی که به جهاد دعوتمان نمود، در نبرد با کفر جهانی که بندگانش را بیازماید و راست‌قامتان را از دیگران [ممتاز کند] که «**فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً**»[1] و آن را که در این راه خونش بر زمین ریخته شود، شهید در راهش قرار دهد که با ریختن اولین قطرهٔ خونش، تمامی گناهانش را ببخشاید و آن را که سالم از میدان نبرد بازگردد [را] نیز چون کودکی که از مادر متولد شده، پاک و پیروز گرداند، زیرا که «**یقتلون و فیقتلون و یقتلون**»[2]

... و اما خدایا تو را شکر می‌کنم که توفیق جهاد را نصیبم کردی و عنایت کردی تا به جبهه بیایم و در راهت، در رزم با کفار، شریک باشم. هرچند من ضعیفم، اما امیدوارم که تو مرا کمک می‌کنی تا در این راه بتوانم با شیطان و هوای نفس به مبارزه برخیزم، زیرا که

---

۱- نساء/ ۹۵.

۲- بخشی از آیه ۱۱۱ سوره توبه در اصل وصیت «یقتلون و تقلتون».

«جهاد اکبر افضل است بر جهاد اصغر»[۱].

و اما در این لحظات حساس، می‌خواهم چند کلام با شما خانواده‌ام صحبت کنم. و از شما می‌خواهم صبر پیشه کنید و اگر لیاقت داشتم و در راه خدا به شهادت رسیدم، وظیفهٔ تو سنگین‌تر می‌شود و از تو می‌خواهم که فرزندانمان را طوری تربیت کنی که برای جامعهٔ مفید واقع شوند و هرگز احساس بی‌سرپرستی نکنید، چون که خداوند سرپرست تمام ماهاست. و همسرم از تو می‌خواهم که از من راضی باشید و مرا ببخشید.

و اما پدر و مادر عزیزم! از شما می‌خواهم که صبر و استقامت پیشه کنید و مرا حلال کنید و ببخشید، اگر بدی از من دیدید، چون که انسان جایز[۲] الخطاست و از دعای خیر دربارهٔ امام و رزمندگان فراموش نکنید. و اما امت عزیز! در همه حال خداوند را مد نظر داشته باشید. امام عزیز را دعا کنید. اطاعت از او را فریضهٔ خویش بدانید و او را زیاد دعا کنید. از[۳] حمایت رزمندگان و آمدن به جبهه‌ها دریغ نورزید که انشاءالله پیروزی نهایی نزدیک است و در برابر مشکلات صبر و استقامت داشته باشید که خدا صابران را دوست می‌دارد.

و صورت بدهکاری، منزل است [...][۴] در رابطه با سهم امام و سادات از احمد بانی نزد من بوده که از قلم افتاده است و آن را بپردازید به آقا سیدمسیح شاهچراغی. و وکیل و وصی‌ام پدرم می‌باشد و اما خانواده‌ام هر کجا که راحت‌تر هستید زندگی کنید، چه در منزل و چه در منزل پدرم و چه در منزل پدرت. و اگر جنازه‌ام هم به دامغان آمد، در فردوس رضا، کنار سایر شهدا دفع نموده و دیگر اینکه تعداد نود روز روزه و یک‌سال نماز بدهکار هستم که انشاءالله آنها را هم بگیرید. چنانچه شهادت نصیبم گردید، مهریهٔ همسرم از اموال اینجانب به او داده شود. همسر مهربانم در پایان از تو می‌خواهم که از بچه‌هایم خوب سرپرستی کنید و آنان را در راه اسلام رهنما باشی.

**«والسلام علیکم و برحمته و برکاته»**

**علی‌اکبر صالح‌آبادویی ۶۲/۱۲/۲۰**

---

۱- جهاد با نفس را جهاد اکبر می‌دانند و جهاد با عدو و دشمن را جهاد اصغر. در بحارالانوار حدیثی نقل شده است که دلالت می‌کند بر رجحان و اهمیت جهاد نفس نسبت به جهاد با دشمن: «جهاد النفس و هو افضل من جهاد العدو»، (بحارالانوار، ج ۷۰، ص۲۷۵).

۲- در اصل وصیت «جایزه».

۳- در اصل وصیت «در».

۴- خوانا نیست.

بسم الله الرحمن الرحیم

نام خداوند بخشنده مهربان

وصیتنامه علی آبرمباچ (آبدر) فرزند علی اصغر متولد ۱۳۴۳ معاد از دامان

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَأَنَّهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ آیه ۴ صف

بدرستیکه خداوند دوست میدارد آنانرا که کارزار کنند در راه او صف زده گویا آنها بنائی محکم و استوارند

شکر و سپاس خدای بزرگ را که نعمت هستی را بما ارزانی داشت و در این دنیای فانی وادیمان نیز دینی برای هدایتمان بپا میرانی از جانب خویش از میان خلق برگزید ستاره هدایتمان گشت و را صراط مستقیم راهنمای ما گردانید

درود و چراغهای راهنمایی باشند در بحر وحشتناک این دنیای پست و ناچیز بالاخص خاتم پیامبران و سید المرسلین محمد بن عبدالله (ص) و کتابش آخرین کتاب آسمانی یعنی قرآن و دینش آخرین دین و پیام الهی

اسلام و جانشینان برحق او از امیرالمومنین علی (ع) تا آخرین امام مهدی منتظر روحی و ارواح العالمین له الفداء نائب برحق او حضرت امام خمینی که با جهاد و مبارزه خود در برابر جبهه کفر جهانی گام بگام راه و رسالت

تاستان را از دیگران آنرا فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجر عظیما و آنرا در این راه خویش برزمین ریخته شهید در راهش قرار دهد که با ریختن اولین قطره خونش تمام گناهانش را بخشاید و آنرا در روز قیامت در میان

گروه انبیا حشر گرداند که از ما در شده پاک و پیروز و شرمنده نزد آنها نشویم و نقتلون و لتقتلن

... و اما خدایا ترا شکر می کنم که توفیق جهاد را نصیبم کردی و عنایت کردی تا بجبهه بیایم و در راهت در رزم با کفار شریک

با شم هر چند من ضعیفم اما امیدوارم تو مرا کمک کنی تا در این راه بتوانم با شیطان و هوای نفس به مبارزه برخیزم زیرا که جهاد اکبر افضل است بر جهاد اصغر و اما در این لحظات حساس می خواهم چند کلام با شما خانواده ام صحبت کنم

و از شما می خواهم صبر پیشه کنید و آرامش داشته و در راه خدا شهادت رسیدم وظیفه تو سنگین تر می شود و از تو می خواهم که فرزندانمان را طوری تربیت کنی که برای جامعه مفید واقع شوند و نگذار احساس بی سرپرستی بکنند چون خداوند

و همسرم از تو می خواهم که از من راضی باشید و ناراحت نباشید

سرپرست تمام خانواده ام را به شما می سپارم از شما می خواهم که صبر و استقامت پیشه کنید و مرا حلال کنید و ببخشید اگر بدی از من دیده چون انسان خطا پذیرم و از دعای خیر درباره ام کوتاهی نکنید

و اما از عزیزم می خواهم که حال خدا را در نظر داشته باشد امام عزیز را دعا کنید اطاعت از او و امر به معروف خویش بدانید و او را تنها نگذارید و در دعاهایتان فراموش نکنید و بیروزی را از خدا بخواهید که نزدیک است و در راه

سلامات صبر و استقامت داشته باشید که خدا با صابران است و دوست می دارد و صورت به کفار نرسانید که [illegible] و راه را بر ما هم امام موسی صدر از ما گرفته است و آن را بپذیرید

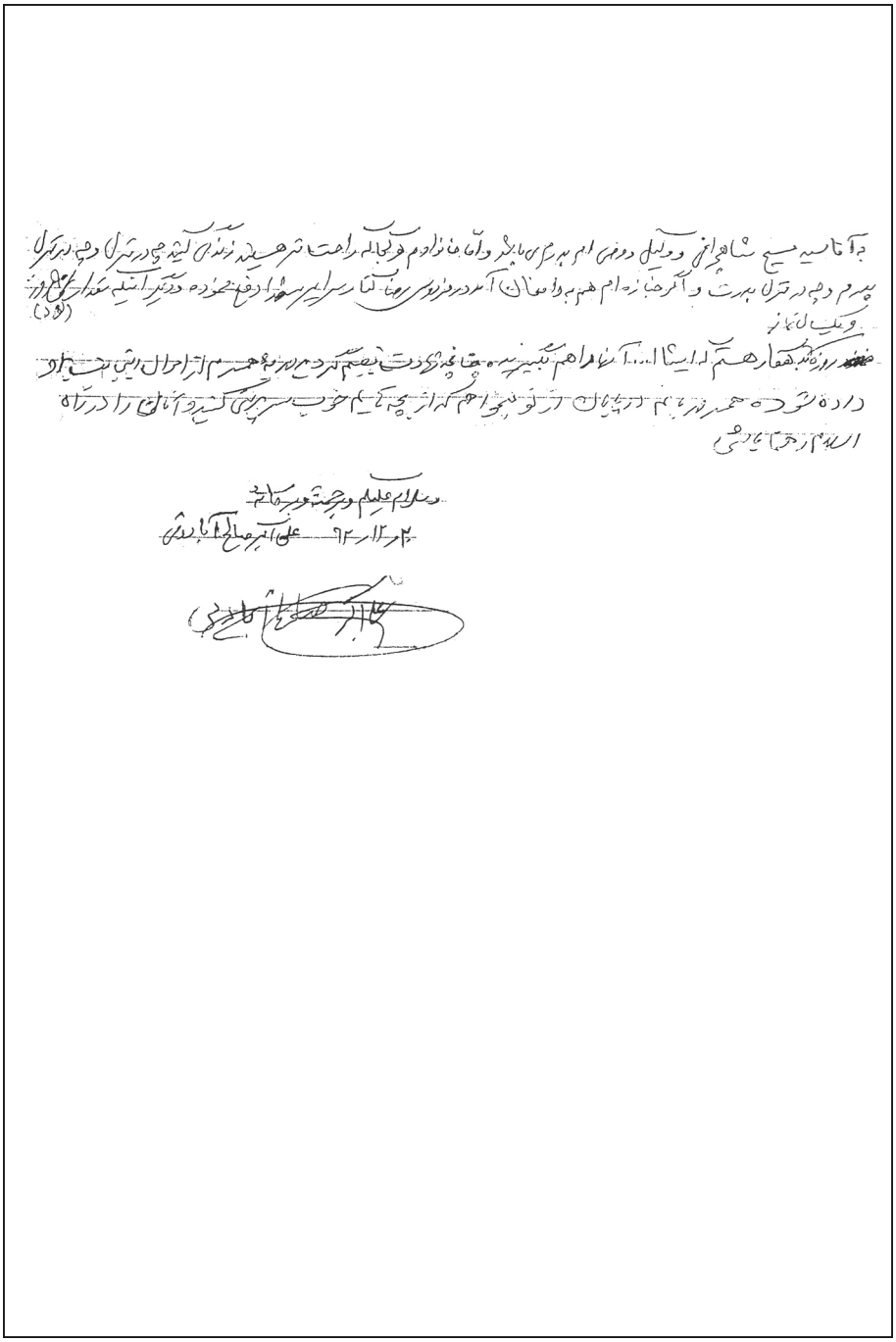

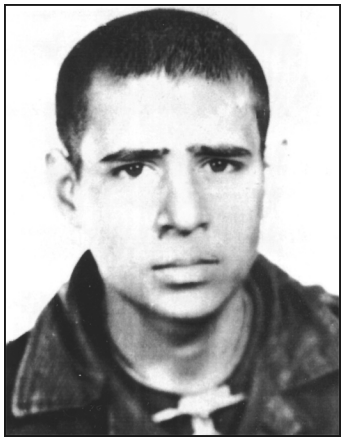

نام: **کاظم**
نام خانوادگی: **صالح‌آبادی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **سوم اردیبهشت ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ای امت شهیدپرور تداوم‌بخش راه شهدا باشید.
- به‌خاطر چند روزی خوشی کردن این دنیا، زندگی آخرت را تباه نکنید.
- گوش به فرمان امام عزیز و بزرگوارمان باشید.
- وقتی خبر کشته شدنم را شنیدید، شکر خدا را بکنید و ذکر خدا بگویید.
- اگر صبر کنید خداوند متعال به شما اجر عظیمی خواهد داد.

## کاظم صالح‌آبادی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انا لله و انا الیه راجعون»**[۱]

«همه از خداییم و به‌سوی او رجعت می‌کنیم»

خدایا ما را شهید زنده بدار و شهید بمیران

با سلام و درود بر آخرین پیامبر خدا، حضرت ختمی مرتبت، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، که چگونه زندگی کردن را آموخت و درود و سلام بر بندهٔ گرامیش، امام حسین(علیه‌السلام)، که چگونه مردن را به ما آموخت و با سلام و درود بر پیشگاه امام عصر، حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش امام خمینی که [...][۲] اسلام را دوباره زنده کرد و موجب تحرک مسلمانان در سراسر جهان شد.

و با سلام خدمت شما امت شهیدپرور که با کمک‌های جانی و مالی خود جبهه‌ها را گرم نگهداشته واز پای [...][۳] نمی‌نشینید و استوار و محکم در مقابل جهانخواران ایستاده‌اید.

اینجانب حقیر، هدفم از رفتن به جبهه، به‌خاطر رضای خدا و لبیک گفتن به ندای «**هل من ناصر ینصرنی**»[۴] و برای یاری رساندن اسلام عزیز بوده، همچنین خیلی خوشحالم که خدا چند روز عمر مرا در این مقطع قرار داده که رهبر جامع‌الشرایطی، ولی فقیه این زمان است و حقیر هم افتخار پیدا کرده‌ام که [...][۵] روح‌الله باشم.

برادران و خواهران گرامی:

من کوچک‌تر از آن هستم که بخواهم به شما پیامی بدهم، ولی امیدوارم که این چند کلام مرا از برادر حقیرتان وصیت‌پذیرا باشید. شما ای امت شهیدپرور تداوم‌بخش راه شهدا باشید و با رفتارتان جامعه را [...][۶] در برابر خدا شکرگزار این احسن نعمات ([...][۷] امام

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- ر.ک. تعلیقات

۵- خوانا نیست.

۶- خوانا نیست.

۷- خوانا نیست.

خمینی) باشید و از شما می‌خواهم که روحانیت [...][1] نکنید و آنها را یاری کنید، زیرا همین روحانیت بودند که باعث احیای اسلام شدند.

ای خواهران و برادران عزیز! حجت بر شما تمام شده، به‌خاطر چند روز[ی] خوشی کردن این دنیا، زندگی آخرت را تباه نکنید. گوش به فرمان امام عزیز و بزرگوارمان باشید که خط، [...][2] آن خط حضرت علی(علیه‌السلام) در روز عید غدیر خم و بقیه راه‌ها، همان راه‌های انحرافی است.

سخنی با والدین عزیزم:

ای پدر و مادر عزیزم! امیدوارم که از من راضی باشید و حلالم کنید، چون نتوانستم حق فرزندیم را نسبت به شما ادا کنم. از شما می‌خواهم، که اگر خدا قبول کند، وقتی خبر کشته شدنم را شنیدید، شکر خدا را بکنید و ذکر خدا بگویید. امیدوارم که اظهار ناراحتی نکنید تا دشمنان اسلام شاد نشوند. و برایم عزاداری نکنید و اگر خواستید عزاداری کنید، برای امام حسین(علیه‌السلام) و یارانش بگریید. شما هم سعی کنید که مانند دیگر والدین شهدا، صبر واستقامت داشته و آن را پیشه خود سازید.

و ای خانوادهٔ عزیزم! برای شما و برای همهٔ خانوادهٔ شهدا جای مباهات است که افتخار خانوادهٔ شهید را به‌دست آورده‌اید، نباشد که ناراحت باشید. شما باید موقعی ناراحت باشید که فرزندتان در زمرهٔ مغضوبین قرار گرفته و یا ضدانقلاب باشد. اگر صبر کنید خداوند متعال به شما اجر عظیمی خواهد داد. همان‌گونه که [...][3] مالی را به‌دست می‌آورده‌اید، خمس آن را بپردازد، من فکر می‌کنم که بهترین [...][4] فرزندانتان هستیم پس مرا خمس فرزندانتان حساب کنید.

شما ای خواهران گرامیم! هیچ ناراحتی به دل راه ندهید و پایبندتر از قبل گوش [...][5] امام باشید و خودتان را آماده کنید و [آماده] باشید تا فرزندانی تربیت کنید که در دل آنها

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.
۵- خوانا نیست.

[...][۱] باشد و شما ای برادرم! سعی کن تا موقعی که نمی‌توانی اسلحه به‌دست بگیری و بجنگی[...][۲] را خوب‌تر از قبل ادامه دهی، تا بتوانی خدمت بیشتری به اسلام و مسلمین [...][۳] در پایان با دعا به جان امام عرایضم را خاتمه می‌دهم.

خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار

**حقیر کاظم صالح‌آبادی**

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

خدا

مرکز اسناد ایثارگران

انا الیه راجعون همه از خدائیم و بسوی او رجعت می‌کنیم

خدایا ما را سعید زنده بدار و شهید بمیران.

با سلام و درود بر آخرین پیامبر خدا حضرت ختمی مرتبت محمد (ص) که چگونه زندگی کردن را آموخت و درود و سلام بر نوهٔ گرامیش امام حسین (ع) که چگونه مردن را به ما آموخت

و با سلام و درود بر پیشگاه امام عصر، حضرت مهدی (عج) و نائب برحقش امام خمینی که پس اسلام را دوباره زنده کرد و موجب تحرک مسلمانان در سراسر جهان شد.

و با سلام خدمت شما امت شهیدپرور که با کمکهای جانی و مالی خود جبهه‌ها را گرم نگهداشته و از پای خود نمی‌نشینید و با ستوار و محکم در مقابل جهانخواران ایستاده اید.

اینجانب حقیر هدفم از رفتن به جبهه بخاطر رضای خدا و لبیک گفتن به ندای هل من ناصر ینصرنی و برای یاری رساندن اسلام عزیز بوده همچنین خیلی خوشحالم که خدا چند روز عمر مرا در این مقطع

قرار داده که رهبر جامع الشرایطی، ولی فقیه این زمان است و حقیر هم افتخار پیدا کرده‌ام که روح الله باشم.

برادران و خواهران گرامی

من کوچکتر از آن هستم که بخواهم بشما پیامی بدهم ولی امیدوارم که این چند کلام مرا از برادر حقیرتان وصیت پذیرا باشید شما ای امت شهیدپرور تداوم بخش راه شهدا باشید و بازسازان جامعه را



در برابر خدا شکرگزار این احسن نعمات (عهد امام خمینی) باشید و از شما می‌خواهم که روحانیت
نکنید و آنها را یاری کنید زیرا همین روحانیت بودند که باعث احیای اسلام شدند.

ای خواهران و برادران عزیز حجت بر شما تمام شده بخاطر چند روز خوشی کردن این دنیا،
زندگی آخرت را تباه نکنید گوش بفرمان امام عزیز و بزرگوارمان باشید که خط [illegible] همان خط
حضرت علی (ع) در روز عید غدیر خم و بقیه راهها، همان راههای انحرافی است.

سخنی با والدین عزیزم:

ای پدر و مادر عزیزم امیدوارم که از من راضی باشید و حلالم کنید چون نتوانستم حق فرزندیم
را نسبت به شما ادا کنم از شما می‌خواهم که وقتی خبر کشته شدنم را شنیدید شکر خدا را بکنید
اگر خدا قبول کند
و ذکر خدا بگوئید امیدوارم که اظهار ناراحتی نکنید تا دشمنان اسلام شاد نشوند و برایم عزاداری
نکنید و اگر خواستید عزاداری کنید برای امام حسین و یارانش بگریید شما هم سعی کنید که
مانند دیگر والدین شهدا صبر و استقامت داشته و آنرا پیشه سازید ای خانواده عزیزم برای
شما و برای همه خانواده شهدا جای مباهات داریم که افتخار خانواده شهید را بدست آورده‌اید
نباشد که ناراحت باشید شما باید موقعی ناراحت باشید که فرزندتان در زمره معصومین قرار گرفته
و یا ضد انقلاب باشد. اگر صبر کنید خداوند متعال بشما اجر عظیمی خواهد داد همانگونه که

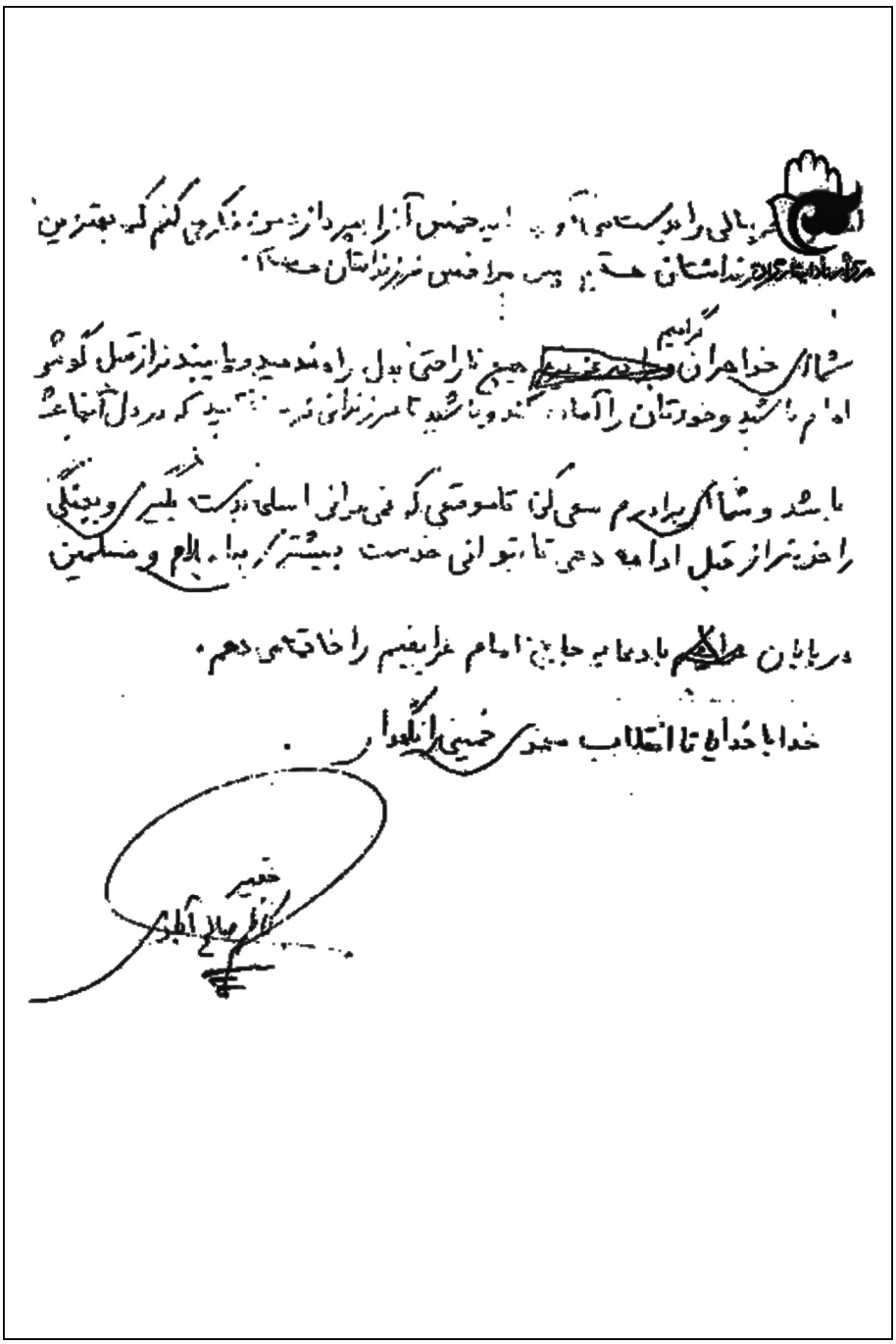

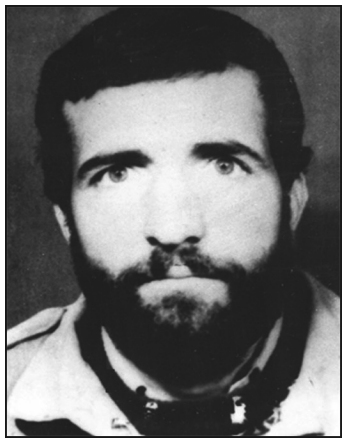

نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **صالحی**
نام پدر: **عبدالحسین**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳۷**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مادر عزیزم برادرانم را بفرست تا در جبهه بیایند و اسلحهٔ به زمین افتادهٔ مرا بردارند.
- امیدوارم که گوش به فرمان امام امت بوده باشد.
- زینب‌وار در برابر مشکلات بایستید و راه شهدای [...] را ادامه بدهید.
- انشاءالله اسلحه بر زمین افتاده مرا بردارید و به یاری دین مبین اسلام بشتابید.
- من آمدم که با این مزدوران از خدا بی‌خبر بجنگم و جانم را فدای اسلام بکنم.
- از شما می‌خواهم که گوش به فرمان امام امت بوده باشید، مبادا که از انقلاب کناره‌گیری بکنید.
- هدف من از جبهه آمدن این است که به بهشت بروم، من آمدم بجنگم و جانم را فدای اسلام بکنم.

## ابوالقاسم صالحی[۱]

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل[۲] الله[۳] امواتا بل[۴] احیاءٌ عند ربهم یرزقون»**[۵]

«هرگز گمان نبرید آنهایی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خدا رزق و روزی می‌خورند».

با سلام بر امام عصر(عج) و سلام و درود بر نایب بر حقش، امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، که ما را به راهی راست و مرگی شرافتمندانه رهبری فرمود، تا بتوانیم اسلام حقیقی را بشناسیم و راهی که خدا و رسولش فرمودند، آن راه را بپیماییم.

اینجانب ابوالقاسم صالحی، بدهکاری‌های خود را می‌نویسم. به مبلغ ۶۰۰۰ تومان بابت سهم امام بدهکار هستم و مبلغ ۱۵۰۰ تومان به مسجد حاج عیسی بدهکار می‌باشم و مبلغ ۱۸۵۰۰ تومان بابت سهم سادات بدهکار می‌باشم و از [...][۶] برادر [...][۷] محمد و حاج احمد، اگر بود حاج احمد اول ایشان و اگر نبودند محمد صالحی وکالت من را دارند و از شما می‌خواهم که این بدهکاری مرا از درآمد بپردازید و از شما همسرم می‌خواهم که از بچه‌هایم خوب نگه‌داری بکنید و طبق وظیفهٔ شرعیه اسلام، همسرم تا هر وقت در خانهٔ من بود و سرپرستی بچه‌ها را برعهده داشت، می‌تواند در خانه‌ام زندگی بکند و اگر نمی‌خواست سرپرستی را بر عهده بگیرد، طبق وظیفهٔ شرعیه اسلامی با ایشان رفتار شود.

**«والسلام و رحمة الله و برکاته»**

---

۱- ابتدای وصیت «شصت و چهار نوشته است».
۲- در اصل وصیت «سبیله».
۳- در اصل وصیت «الّه».
۴- در اصل وصیت «ول».
۵- آل‌عمران / ۱۶۹.
۶- خوانا نیست.
۷- خوانا نیست.

در ضمن از درآمد باغ‌هایم سالی دو هزار تومان ۲۰۰۰ تومان (دو هزار تومان) به مادر [...][۱] در ضمن ۲۰۰۰ تومان به مادرم بدهکار می‌باشم، خواهشمندم طبق وصیتی که [...][۲] رفتار بکنید و هر کس به این وصیت عمل ننماید در قیامت نزد حضرت محمد از شما شکایت می‌کنم.

**ابوالقاسم صالحی**

**مورخه پنجم اسفندماه هزار و سیصد و شصت و چهار**

در ضمن برادرانم حاج محمد صالحی و [...][۳] از شما می‌خواهم که حج[۴]
خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

خداوندا! تو را به یگانگی می‌پرستم و تنها از شما یاری می‌جویم. خداوندا تو را شکر می‌گویم که مرا آفریدی و مسلمان آفریدی و شیعهٔ علی بن ابیطالب(علیه‌السلام) خلق کردی. خداوندا! تو را شکر می‌گویم که به من گوش دادی تا بشنوم و به من چشم دادی تا بینایی داشته باشم و به من زبان دادی تا تکلم کنم و به من عقل دادی تا خوب و بد را تشخیص بدهم، تا بتوانم در راه دین تو و ائمه معصومین قدم بردارم. خداوندا! به ما توفیق بده تا راهی که [...][۵] گام برداریم. سلام بر امام حسین(علیه‌السلام) و یاران او و سلام [بر] فرزند عزیزش، امام زمان(عج) و سلام برنایب برحقش، امام خمینی، رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، که ما را به راهی که خدا و رسولش فرمودند، رهبری فرمود، تا بتوانیم اسلام حقیقی را بشناسیم، تا بتوانیم راه امام حسین(علیه‌السلام) و هدف ایشان [را] که

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- در اصل وصیت، جمله ناقص است.
۵- خوانا نیست.

اسلام عزیز می‌باشد، بپیماییم. خداوندا! توفیق به ما بده تا بتوانیم راه شهدای عزیزمان را ادامه بدهیم.

سلام بر شما مادر عزیزم که سال‌های متوالی[۱] رنج مرا کشیدی و هیچ بهره‌ای از من نبرده‌ای. انشاءالله در قیامت در نزد فاطمه زهرا(علیهاالسلام) روسفید باشی. مادر جان من نتوانستم حق مادری را به‌جا آورم. امیدوارم که مبادا بعد از شهادت من هیچ‌گونه ناراحتی بفرمایی، صبر و استقامت را اختیار بکن و برادرانم را بفرست تا در جبهه بیایند و اسلحهٔ به زمین افتادهٔ مرا بردارند. و سلام بر شما همشیره‌های عزیزم. امیدوارم که گوش به فرمان امام امت بوده باشد [...][۲] فرزندانتان را تربیت بفرمایید، تا به یاری روح خدا بشتابند و «**هل من ناصر**»[۳] امام عزیزمان را لبیک بگویند. بعد از شهادت من هیچ‌گونه ایجاد ناراحتی نفرمایید و زینب‌وار در برابر مشکلات [بایستید] و راه شهدای [...][۴] را ادامه بدهید. و سلام بر شما برادرانم حاج احمد و محمد و محمود. سلام عرض می‌کنم. امیدوارم که گوش به فرمان امام امت باشید و انشاءالله اسلحه بر زمین افتاده مرا بردارید و به یاری دین مبین اسلام بشتابید.

[...][۵] خداوندا! هدف از جبهه آمدن من این نیست که بیایم و با دشمنان اسلام بجنگم و شهید بشوم، اما در عوض مرا به بهشت ببرید. من آمدم که با این مزدوران از خدا بی‌خبر بجنگم و جانم را فدای اسلام بکنم، عوضش شما اسلام را پیروز بفرما. من آمدم تا در زیر تانک‌ها و خمپاره‌های دشمنان دین تو قطعه قطعه بشوم و شما در عوضش اسلام را پیروز بکنید، انشاءالله. و سلام به شما برادرانم حاج احمد و محمد. سلام عرض می‌کنم و از شما می‌خواهم که گوش به فرمان امام امت بوده باشید، مبادا که از انقلاب کناره‌گیری بکنید. [...][۶] حاج احمد و محمد! امیدوارم که این چند کلامی به ایام وصیت [کذا] می‌نویسم، به

---

۱- در اصل وصیت «متواری».
۲- خوانا نیست.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- خوانا نیست.
۵- خوانا نیست.
۶- خوانا نیست.

نحو احسن گوش بکنید [...][۱] اولاً من به مبلغ ۱۹۰۰۰ نوزده هزار تومان سهم سادات بدهکار می‌باشم و مبلغ هشت[...][۲] تومان سهم مبارک امام بدهکار می‌باشم و دو هزار تومان به مادر و دو هزار تومان به حسین کربلایی. ۶۰۰ هزار تومان به بانک شرکت تعاونی بدهکار می‌باشم و به مبلغ ده هزار تومان خرج عزایم بکنید [...][۳] مرا حتماً از گردنم به‌در بکنید و عوضم یا خودتان یا همسرم را بفرستید به حج. در ضمن سالی دو هزار [...][۴] به مادر بدهید، تا زنده بود از درآمد باغ‌هایم. و یک ماه هم روزه بدهکار می‌باشم، بدهید برایم بگیرند [...][۵] می‌خواهم که یک دهه عزاداری به نام فاطمه زهرا(علیها السلام) در [...][۶] خانه یا در خانهٔ خودمان برپا کنید از مال خودم. [...][۷] و پنج هزار تومان هم حق مظالم از برایم بپردازید و برادر جان خانواده تا در خانه‌ام بود و سرپرستی [...][۸] را بر عهده داشت می‌تواند در خانه‌ام بماند و بر زندگی خانگی‌ام مسلط[۹] باشد و هر وقت می‌خواست [...][۱۰] اختیار کند! ایشان مهریه‌اش [را] از من طلبکار می‌باشد، طبق اسلام با ایشان رفتار دارید.

**ابوالقاسم صالحی**

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.
۵- خوانا نیست.
۶- خوانا نیست.
۷- خوانا نیست.
۸- خوانا نیست.
۹- در اصل وصیت «مسلت».
۱۰- خوانا نیست.

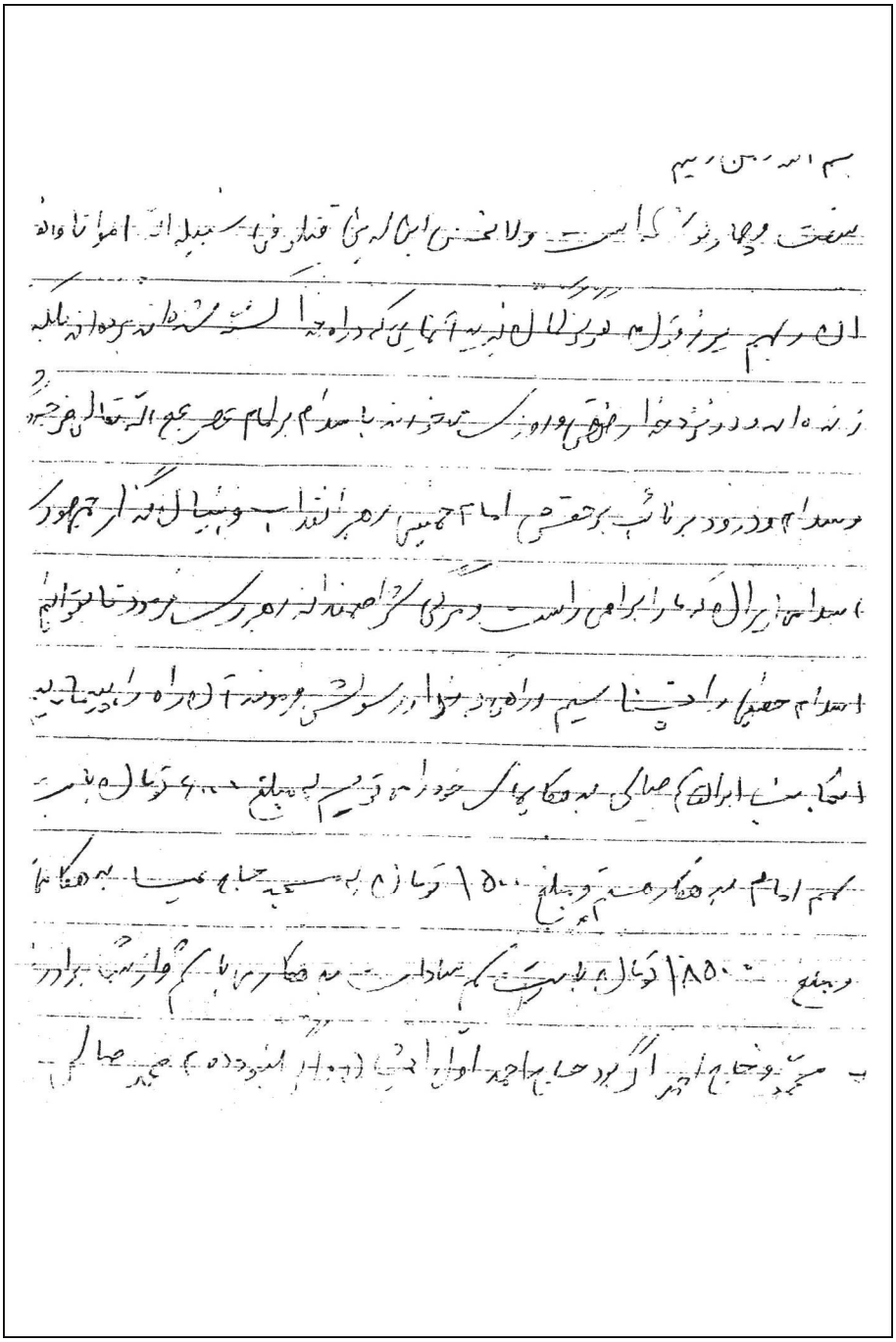

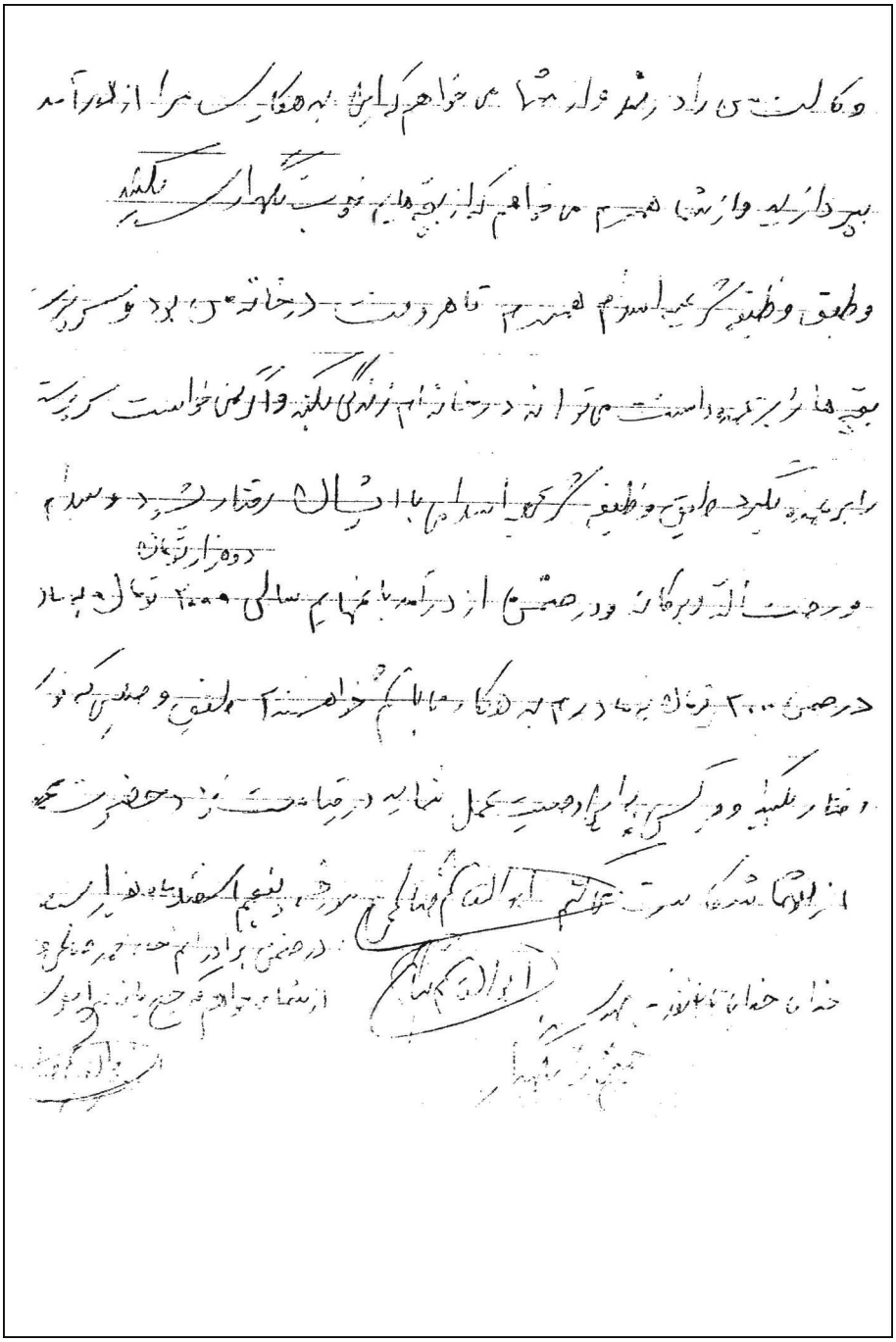

بسمه تعالی

**وصیتنامه** که برای بر می‌خود نوشته ابوالقاسم صالحی

محل الصاق عکس

صفحه ۱

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند.

(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ ــ هدف از آمدن به جبهه

وصیت خانواده ابوالقاسم صالحی

۲ ــ پیام

۳ ــ رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار وطرف دیون، واجباتی که به‌گردن داشته از جمله نماز وروزه، قضا و ..... ، خیرات وصدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال ردمظالم و ... ابوالقاسم صالحی

~~خداوندا تو را به یگانگی می‌پرستم و تنها از شما یاری می‌جویم خداوندا تو را شکر گویم که مرا آفریدی~~

~~و مسلمان آفریدی و شیعه‌ی این ابی طالب (ع) خلق کردی خداوندا تو را شکر گویم که به~~

~~گوش دادی تا بشنوم و به من چشم دادی تا بینایی داشته باشم و به من زبان دادی تا تکلم~~

~~کنم و به من عقل دادی تا خوب و بد را تشخیص بدهم تا بتوانم در راه دین تو و ائمه معصومین~~

~~قدم بردارم خداوندا به ما توفیق بده تا راهی که سراج خوست گام برداریم سلام بر حسین (ع) و یاران او~~

~~و سلام فرزند عزیزش امام زمان عج الله تعالی فرجه و شریف و سلام بر نائب برحقش امام خمینی~~

~~با انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران که ما را براهی که خداوند رسولش فرمودند رهبری نمود~~

~~تا بتوانیم سلام خصوصی را بشناسیم تا بتوانیم راه امام حسین و هدف ایشان که اسلام عزیز باشد بپیماییم~~

~~خداوندا توفیق بده تا بتوانیم راه شهدای عزیز مان را ادامه بدهیم سلام بر شما مادر عزیزم که سالهای~~

~~متوالی رنج مرا کشیدی و هیچ بهره‌ای از من نبوده‌ای انشاالله در قیامت در نزد فاطمه زهرا (ع)~~

ابوالقاسم صالحی

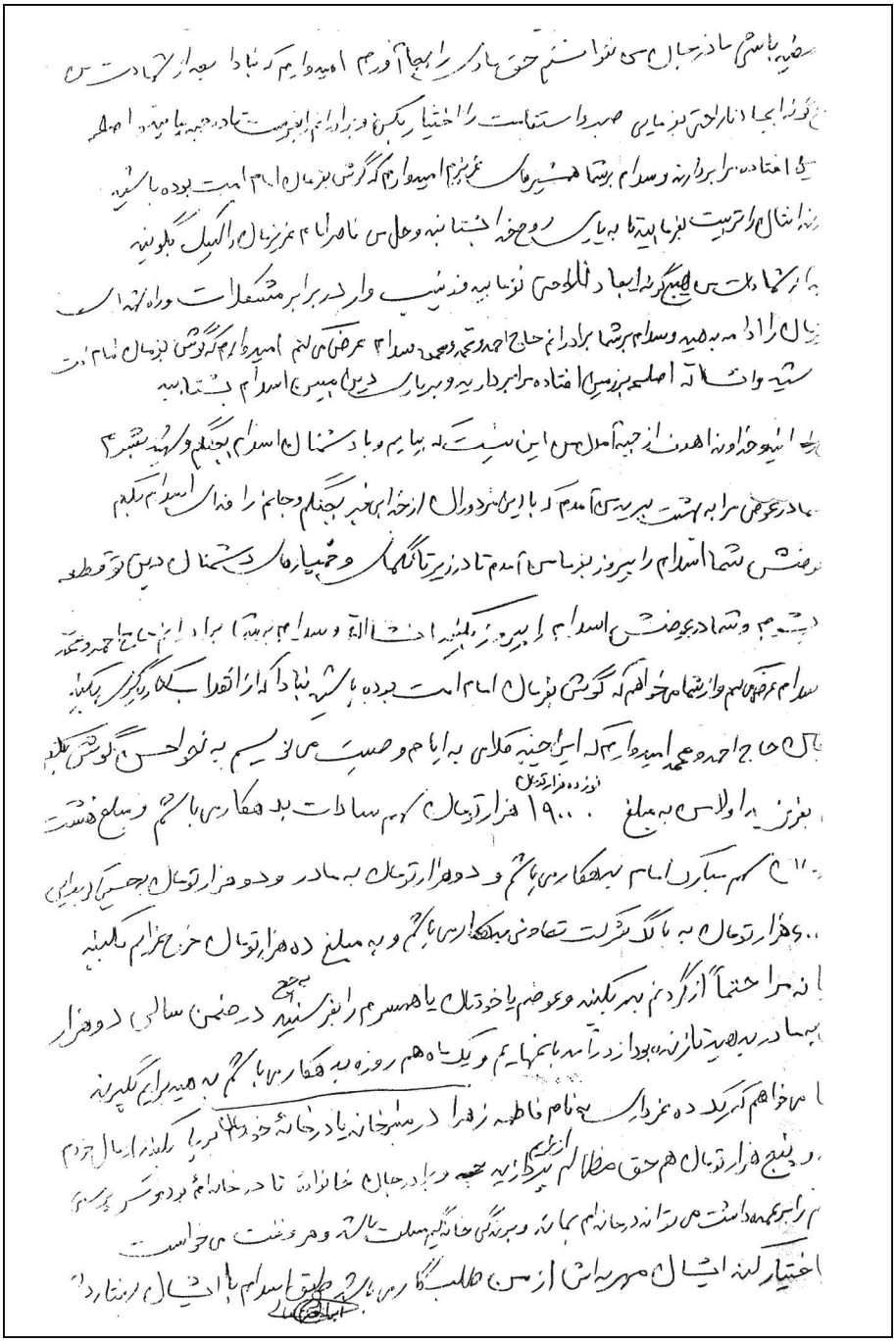

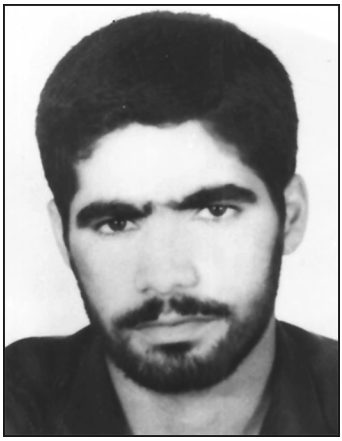

نام: **مجید**
نام خانوادگی: **صالحیان**
نام پدر: **مهدی**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **بیستم بهمن ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- همه باید برویم و چه بهتر است که شهادت را برتر از مرگ حیوانی تشخیص داده آن را انتخاب کنیم.
- از خط امام پایتان را آنطرف‌تر نگذارید.
- خط امام مانند قله‌ای است که انسان را به معبودش خواهد رساند.
- درخواست کردم به جبهه اعزام شوم تا به کاروان بس طولانی امام حسین(علیه‌السلام) در صحرای کربلا برسم.
- از مادری سرمشق بگیرید که سه پسرش را فدای اسلام کرد.

## مجید صالحیان

**بسم الله الرحمن الرحیم**

خدمت پدر و مادر و برادرانم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم من را ببخشید که مقداری خودسر عمل کردم، چون هدفم ایجاب کرد که در مقابل حملات صدامی که روز به روز فجیع‌تر و بدتر می‌شود، ساکت نمانم. برای این بود که به‌دنبال اعلام وزیر آموزش و پرورش، مبنی بر اینکه از نظر آموزش و پرورش، برای محصلانی که می‌خواهند به جبهه بروند اشکالی ندارد، به همین منظور بود که ظهر همان روز اسم خود را در سپاه نوشته و درخواست کردم که به جبهه اعزام شوم، تا به کاروان بس طولانی امام حسین(علیه‌السلام) در صحرای کربلا برسم. که ما می‌بینیم قرآن کریم می‌فرماید: «**و اعدوا لهم مااستطعتم من قوة...**»[1] خود را برای ستیز با دشمنان خدا آماده سازید، تا بدین‌وسیله دشمنان خدا را بترسانند. و ما همه می‌دانیم و تاریخ ثابت کرده است که همهٔ ما چه کوچک و بزرگ و چه زن و چه مرد، همه باید برویم و چه بهتر است [که] شهادت را [برتر] از مرگ حیوانی تشخیص داده آن را انتخاب کنیم که قرآن می‌فرماید «**انا لله و انا الیه راجعون**»[2] تنها وصیتم این است که من از نظر مادی چیزی ندارم، فقط مقداری پول که در دفترچه‌ام دارم و اگر خدا بخواهد و من لیاقت شهادت را داشتم، از خانوادهٔ خود می‌خواهم که این مقدار پول ناچیز را در راه جبهه و جنگ‌زدگان خرج کنند. دوم اینکه چون پدرم هم چندی بعد می‌خواهد به جبهه بیاید، از مادرم می‌خواهم که کوچک‌ترین ناراحتی به خود راه ندهد و از آن مادری که چهار پسر داشت و سه‌تای آنها شهید شده بودند و با کمال شجاعت چهارمین پسرش را هم می‌خواست فدای اسلام کند، از او سرمشق بگیرد و اگر من این افتخار نصیبم شد، از شما و دوستانم می‌خواهم که اولاً کوچک‌ترین گریه‌ای نکنند، چون باعث ناراحتی شهیدان خواهد شد و دوم اینکه از خط امام پایتان را آنطرف‌تر نگذارید که خط امام مانند قله[3]ای است که انسان را به معبودش خواهد رساند.

**«والسلام»**
**مجید صالحیان**
**تاریخ ۶۰/۱۱/۸**

---

۱- انفال/ در اصل وصیت «واعدو».
۲- بقره/ ۱۵۶.
۳- در اصل وصیت «قلعه‌ای».

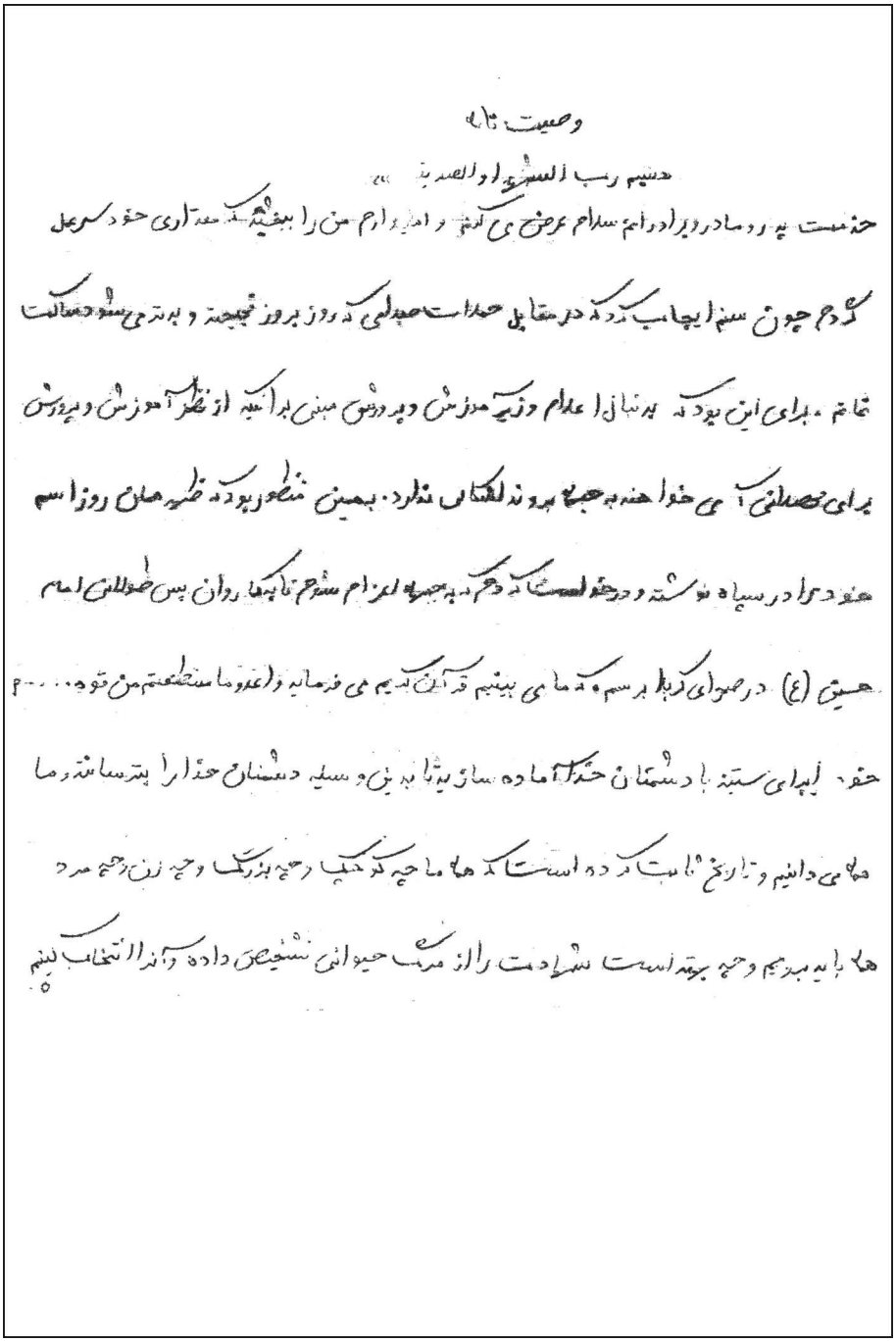

وصیت نامه

بسم رب الشهدا و الصدیقین

خدمت پدر و مادر و برادرانم سلام عرض می‌کنم و امیدوارم من را ببخشید که مقداری خود سر عمل
کردم چون سنم ایجاب کرد که در مقابل حملات صدامی که روز بروز قبیحتر و بدتر می‌شود ساکت
نمانم. برای این بود که بدنبال اعلام وزیر آموزش و پرورش مبنی بر اینکه از نظر آموزش و پرورش
برای محصلانی که می‌خواهند به جبهه بروند اشکالی ندارد. بهمین منظور بود که ظهر همان روز اسم
خود را در سپاه نوشته و درخواست کردم که به جبهه اعزام شوم تا به کاروان پس طولانی امام
حسین (ع) در صحرای کربلا برسم که ما می‌بینیم قرآن کریم می‌فرماید واعدوا ما استطعتم من قوة ... م
خود را برای سینه با دشمنان خدا آماده سازید تا بدین وسیله دشمنان خدا را بترسانند و ما
همه می‌دانیم و تاریخ ثابت کرده است که همه ما چه کوچک و چه بزرگ و چه زن و چه مرد
همه باید برویم و چه بهتر است شهادت را از مرگ حیوانی تشخیص داده و آنرا انتخاب کنیم

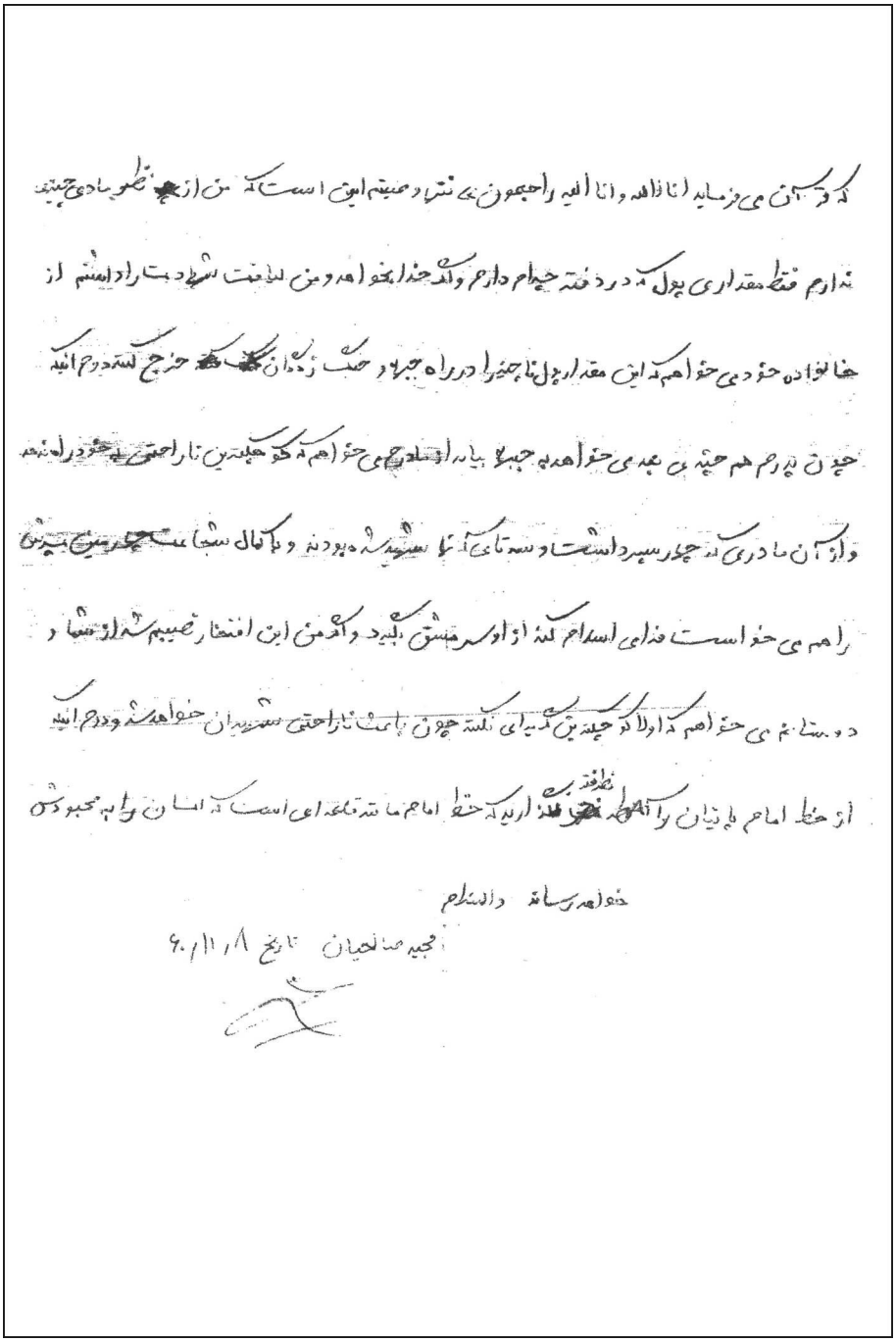

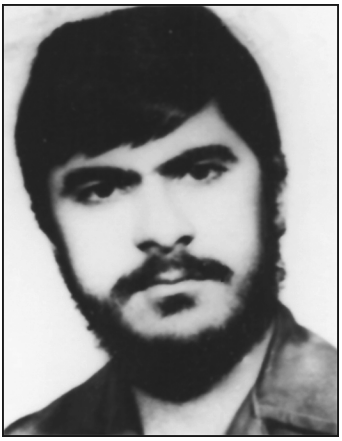

نام: **احمد**
نام خانوادگی: **صالحی‌نژاد**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **آسیه**
تاریخ تولد: **سوم آبان ۱۳۳۷**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **یکم آذر ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر رگبار خمپاره بدنم را پاره پاره کند دست بر نخواهم داشت.
- اگر رگبار مسلسل بدنم را سوراخ سوراخ کند، دست بر نخواهم داشت.
- اگر این منافقان و کافران مرا شکنجه بدهند، دست برنخواهم داشت.
- خدایا شکر می‌کنم، تو بر ما منت نهادی که وجود چنین رهبر شریفی و نعمت بزرگی به ما عطا کردی.
- ای ملت ایران! قدر این رهبر را بدانید. دعا کنید که تا ظهور حضرت مهدی(عج) خدا برای مستضعفین جهان نگهش دارد.
- ای همشهریان، به خدا قسم، زمان، زمان حسین و یزید است.
- از خواب غفلت بیدار شوید و دنیا فانی می‌شود و همه چیز از بین می‌رود.
- جوان‌ها[ی] خود را به یاری حسین (زمان) بفرستید.

## احمد صالحی‌نژاد[۱]

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلـون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده مـن الله فاستبشـروا ببیعکم الذّی بایعتم به و ذلک هوالفوز العظیم»**

«خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرد. آنها در راه خدا جهاد می‌کننـد که دشمنان دین را به قتل برسانند و یا خود کشته شوند. ایـن وعـده قطعـی اسـت بـر خـدا و عهدی است که در (سه دفتر آسمانی) تورات، انجیل و قرآن یاد فرمـوده از خـدا باوفـاتر بـه عهـد کیست؟ ای اهل ایمان شما به خود در این معامله بشارت دهید کـه ایـن معاهـده بـا خـدا بهشـت، سعادت و فیروزی بندگی است» (توبه/ ۱۱۱)

اگر رگبار خمپاره بدنم را پاره پاره کند[۲] و اگر رگبار مسلسـل بـدنم را سـوراخ سـوراخ کند، اگر این منافقان[۳] و کافران مرا شکنجه بدهند و اگر زخم زبان بزنند، دست از اسـلام و دین خدا و قرآن واین رهبر کبیر انقلاب و این نایب امام زمان(عج) و ایـن پیـر جمـاران و این بازوی علی(ع) و وارث ائمه اطهار برنخواهم داشت. خدا را شکر می‌کنم که مرا توفیـق عطا کرد و منت بر من نهاد که در ماه مبارک رمضان در دل سنگر باشم. تا انشاءالله خدا مـرا یاری کند که از دوستانش باشم و مرا به‌سوی خود بازگرداند که بزرگتـرین سـعادت اسـت. خدایا شکر می‌کنم، تو بر ما منت نهادی که وجود چنین رهبر شریفی و نعمت بزرگی به مـا عطا کردی که ما را از جهالت‌ها و نادانی‌ها و لجنزارها بیرون آورد و به‌سوی تـو راهنمـایی کرد. ای ملت ایران! قدر این رهبر را بدانید و دعا کنید که تـا ظهـور حضـرت مهـدی(عج) خدا برای مستضعفین جهان نگهش دارد. خدایا ما نمی‌توانیم شکر این نعمت بزرگ را به‌جا آوریم، پس خدایا مرا یاری کن که در دل سنگر، در ماه مبارک رمضان [...] این جان ناقابل، که تحفه‌ای[۴] بیش نیست، در راه تو و در راه دین تو و قرآن تـو و نایـب امـام تـو، خـونش

---

۱- در بالای وصیت‌نامه نوشته شده است: «قرآن، خدا، خمینی، در تاریخ اعلام ۶۱ نوشته شده و التماس دعا دارد.

۲- در اصل وصیت «کنند».

۳- در اصل وصیت «مُنفاقان».

۴- در اصل وصیت «تفه‌ای».

ریخته شود که شاید [...][۱] خون ناقابل کمک به اسلام شده باشد، که این خون در برابر خون‌های بهشتی[۲]ها و رجایی[۳]ها و باهنر[۴]ها و دستغیب[۵]ها و دیگر عزیزان هیچ نیست.

بارالها من نمی‌خواهم که در بستر بمیرم — یاریم کن تا به[۶] راهت در دل سنگر بمیرم
دوست دارم در میان آتش و خون و گلوله — دور از خانه و کاشانه، خواهر و مادر بمیرم
دوست دارم پاک سازم خاک ایران را ز دشمن — در ره اسلام و آزادی این کشور بمیرم

پدرم، مادر[م]، حلالم کنید که شما آمرزیده شدید و انشاءالله که دین خود را به اسلام ادا کردید و هیچ ناراحت نباشید. همسر عزیز تو به‌صورت ظاهر تنها ماندی و اما (نه) خدا خود می‌گوید که من خودم سرپرست خانوادهٔ شهدا می‌باشم. چه بهتر این که خدا سرپرست آن خانواده باشد. ناراحت نباش. خدا انشاءالله [...][۷] عظیمی به شما عنایت کند. همسر عزیز! سمیه را خوب تربیت کن که راه مرا ادامه دهد و به چشم یتیمی به او نگاه نکنید که خوشبخت است.

و ای همشهریان، به‌خصوص اهل [...][۸] به خدا قسم، زمان، زمان حسین و یزید است. از خواب غفلت[۹] بیدار شوید و دنیا فانی می‌شود و همه چیز از بین می‌رود و جوان‌ها[ی] خود را به یاری حسین (زمان) بفرستید[۱۰] که در روز قیامت شرمنده در پیشگاه خدا و ائمه اطهار نباشید.

خدایا خدایا، تو را به جان مهدی، تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار (این دعا یادتان نرود). به امید پیروزی رزمندگان اسلام بر قوای کفر جهانی.

**«والسلام علیکم و رحمة[۱۱] الله و برکاته»**

**۶۱/۴/۲۱ احمد صالحی‌نژاد**

---

۱- خوانا نیست.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- ر.ک. تعلیقات.
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- در اصل وصیت «ز».
۷- خوانا نیست.
۸- خوانا نیست.
۹- در اصل وصیت «قفلت».
۱۰- در اصل وصیت «بفرسید».
۱۱- در اصل وصیت «رحمته».



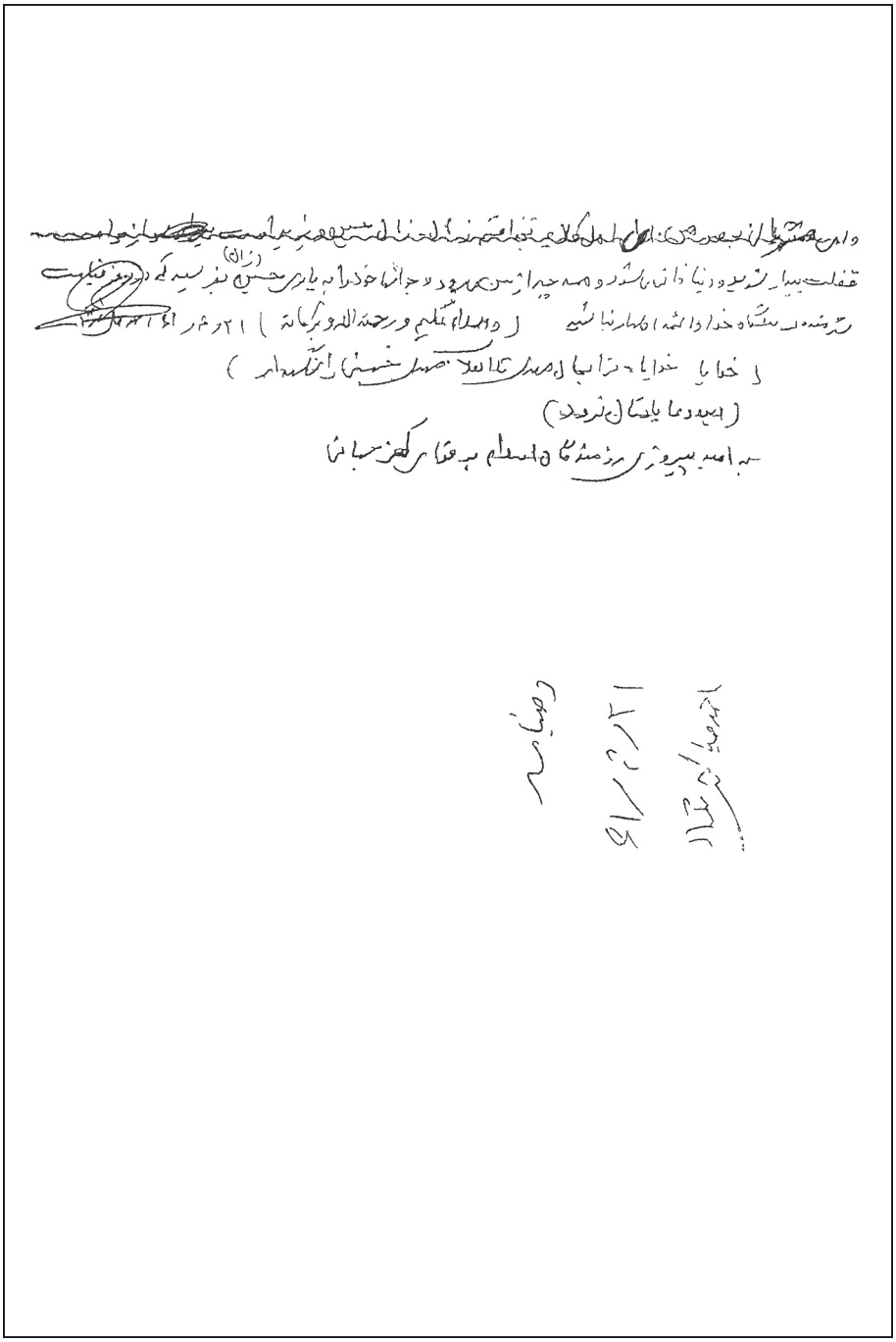

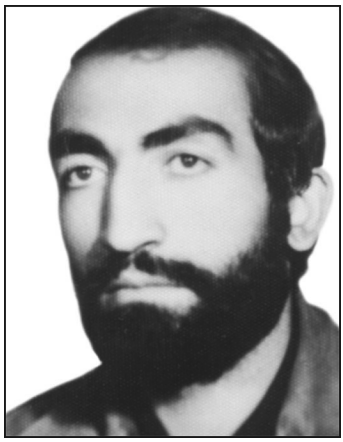

نام: **علی‌اکبر**
نام خانوادگی: **صانعی**
نام پدر: **غلامحسین**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **۱۳۲۷**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سیزدهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **فکه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- حمد و سپاس بیکران خدایی را که نعمت فرمانبری ولی‌امر را به اینجانب عطا فرمود.
- شاید خدای شهید منتی بر بنده حقیر گذارده، سر مرا به‌عنوان قرض بپذیرد.

## علی‌اکبر صانعی

### بسم الله الرحمن الرحیم

حمد و سپاس بیکران خدایی را که نعمت فرمانبری ولی‌امر را به اینجانب عطا فرمود، تا آگاهانه به ندای «**هل من ناصر**»[۱] او لبیک گفته، دست از همهٔ سراب‌های این [...][۲] فانی شسته، عاشقانه به‌سوی حق بشتابم که شاید مقبول درگاه افتد و خدای شهید منّتی بر بنده حقیر گذارده، «سر مرا به‌عنوان قرض بپذیرد»[۳] انشاءالله. بر طبق دستور رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله) وصیت می‌کنم. وصی برادرانم، ناظرین جناب حاج محمد مؤمنی شهمیرزادی و بنیاد شهید محل شهمیرزاد. کلیه مخارج از محل درآمدم برداشت شود، مغاره را به اجاره واگذارید و و پس از پرداخت کلیه دیون، درآمد مغازه را به‌صورت زیر وقف می‌نمایم. نصف [...][۴] مغازه را به دو تقسیم، نصف آن را به حساب صندوق قرض‌الحسنه امام زمان(عج) شهمیرزاد [...][۵] آن به صندوق حضرت ابوالفضل شهمیرزادی‌های مقیم مرکز واریز نمایید. نیم دیگر [...][۶] را پس از پرداخت حقوق مادرم، به حسابی به‌نام بنده‌زاده علیرضا واریز نمایید تا بعد از اینکه به سن قانونی رسید، از آن استفاده نماید. بدهکاری اینجانب به بانک سپه از این تاریخ ۶۵/۱/۱۹ تا ۶۵/۵/۱۷، ۴۸۷۱۷۱ ریال می‌باشد. ضمناً مبلغ ۱۸۰.۰۰۰ هزار ریال بابت [...][۷] به همکارم که چک بانک سپه را دادم و هر ماه ۵۰۰.۰۰۰ ریال پرداخت می‌شود [...][۸]هزار ریال به [...][۹] بایگانی بدهید. ۱۶ هزار تومان به صندوق فاطمیون بدهکارم [...][۱۰]

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- خوانا نیست.

۳- عبارت شهید این کلام بلند علی(علیه‌السلام) را تداعی می‌کند «اعر الله جُمجُمَتَک» (نهج‌البلاغه، از سخنان حضرت علی(علیه‌السلام) خطاب به فرزند محمد بن حنیفه).

۴- خوانا نیست.

۵- خوانا نیست.

۶- خوانا نیست.

۷- خوانا نیست.

۸- خوانا نیست.

۹- خوانا نیست.

۱۰- خوانا نیست.

تومان به برادر و مادرزنم بدهکارم که با همسرم قرار گذاردیم کرایه طبقه پایین را صرف[...][۱] نماید و کرایه طبقه بالا دو ماه اردیبهشت و خرداد را به مادر و برادر خود بدهد. [...][۲] پائین و بالا جمعاً ۲ میلیون ریال وجه دریافت کردم که در زمان تخلیه به ایشان عودت دهید. اگر همسرم خواست برود آزاد است. کلیه حقوق شرعی ایشان را پرداخت و به اضافه گرم طلا، ۱۴۰سکه یک پهلوی که [...][۳] ساختمان منزل و مغازه از ایشان وام گرفته بودم، به ایشان بدهید. هر ماه دو هزار تومان به مادرم پرداخت نمایید و کلیه سفر حج ایشان را از محل درآمد اینجانب بپردازید. برطبق دستور امام، بنیاد شهید مسئولیت بزرگی در امر سرپرستی کودکان شهدا و مفقودین و اسرا به‌عهده گرفته است، امیدوارم به نحو احسن در مورد بنده‌زاده علیرضا به اجرا درآورد، تا انشاءالله ایشان ادامه دهندهٔ راه باشد. مدت دو سال نماز و روزه به‌جا آوردم که اگر کافی نیست، برای من بخرید از مادر خوب و عزیز و مهربانم، طلب مغفرت و حلالیت می‌کنم و همچنین از برادران، خواهر، دوستان، اقوام، نزدیکان و خصوصاً همسایه‌های محل کار و منزل طلب آمرزش دارم. [...][۴] افراد مقداری طلبکار هستم که انشاءالله خودشان می‌دهند. تلفن مغازه [...][۵] و همه همسایه‌ها در جریان مطلبند. به طبق عمران که ضمیمه است [...][۶] شهرداری بر طبقه همین مقدار پروانه صادر نمود که بعداً مقداری از حیاط [...][۷] طرح قرار گرفت که طبق نامه‌های شهرداری به سازمان زمین، شهرداری موافقت نمود به خاطر [...][۸] ساختمان ۸۰ متر از زمین بغل خانه را واگذارد که تاکنون سازمان زمین کار[...][۹] امیدوارم با کمک شما برادران، خصوصاً بنیاد شهید و جناب مؤمنی، حقی از یتیم ضایع نگردد. ۵۱ [...][۱۰] بابت خرید

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.
۵- خوانا نیست.
۶- خوانا نیست.
۷- خوانا نیست.
۸- خوانا نیست.
۹- خوانا نیست.
۱۰- خوانا نیست.

ساختمان به شهرداری بدهکار بودم که ۱۴۲.۰۰۰ ریال آن را پرداخت نمودم یک چک به مبلغ ۱۶۷.۵۰۰ ریال در نزد برادر رضا اکبری رییس اتحادیه آهن‌کاران است [...][۱] شیروانی‌های نصب شده [...][۲]

**علی‌اکبر صانعی**

۱- خوانا نیست.

۲- قسمت پایانی وصیت افتادگی دارد و خوانا نیست.

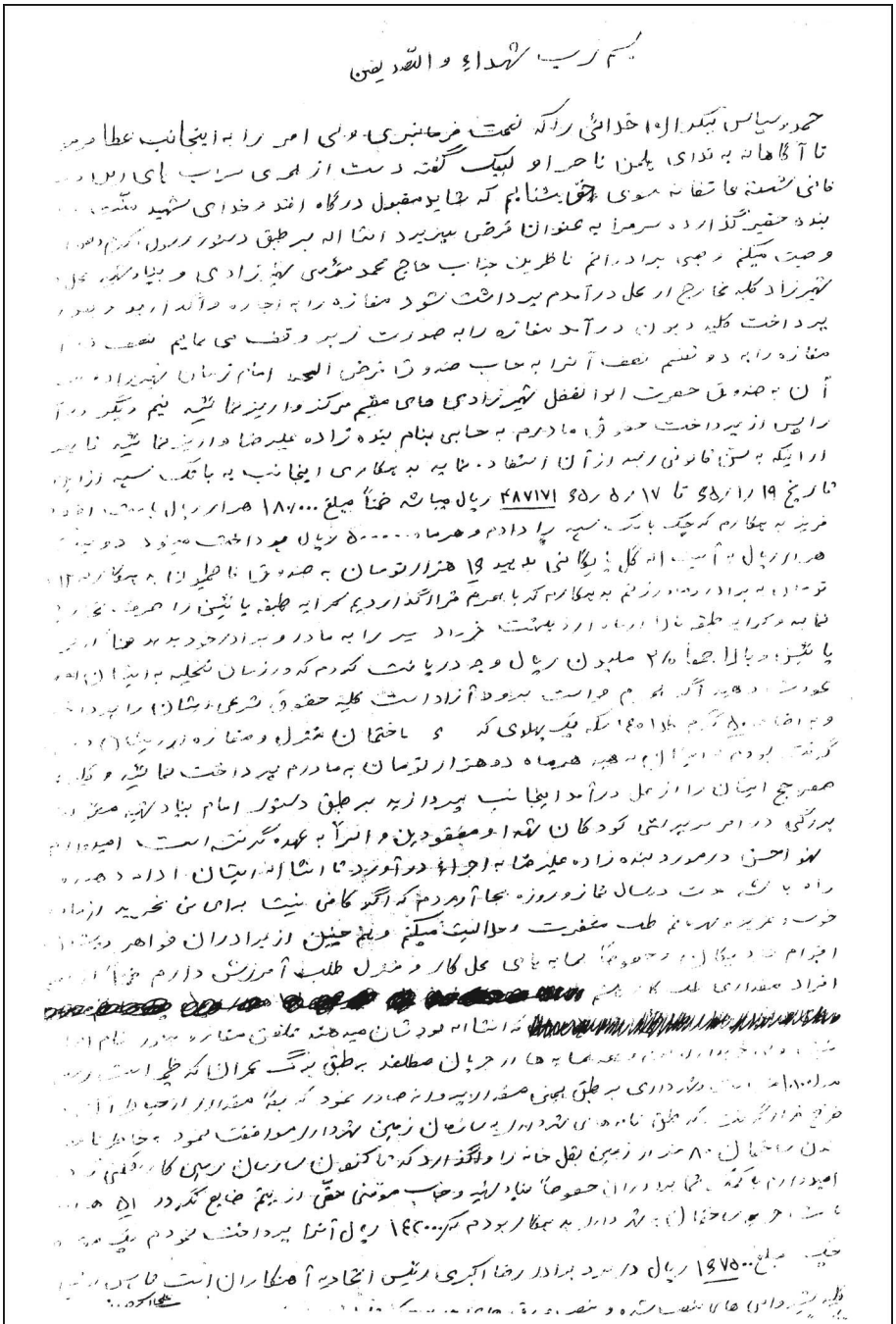

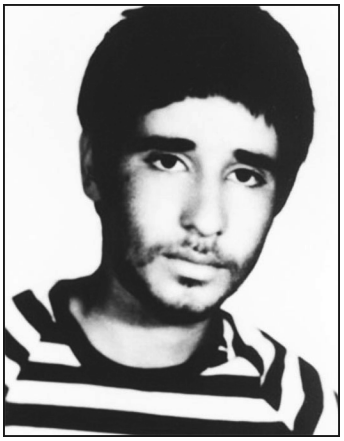

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **صباحی**
نام پدر: **محمدعلی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **بیست‌ونهم دی ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست و یکم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- تا آخرین لحظه زندگیم در خط شما، که همان خط الله است، جانفشانی می‌کنم.
- آنچه را که در این انقلاب آموختم، اخلاص عمل و ایثار بود.
- هیچ‌گونه حزن و اندوهی را به خود راه ندهید که به گفتهٔ قرآن ما پیروز و کفر نابود است.
- در کارهایتان خدا را فراموش نکنید.
- با دشمنان داخلی و کمبود مبارزه کنید و صبر و استقامت را پیشه سازید.
- به اینجا آمده‌ام تا در کنار جهاد اصغر، جهاد اکبر را نیز که مبارزه با هواهای نفسانی است انجام دهم.
- امام را تنها نگذارید و به جان امام دعا کنید.
- راه شهیدان را ادامه دهید.
- فرزندان خود را باحجاب تربیت نمایید.
- زندگی مادی جز متاع فریبا چیز دیگر نیست.

## محمد صباحی

### بسم الله الرحمن الرحیم

### «بسم رب الشهداء و الصدیقین و الصالحین»

با نام الله، پاسدار حرمت خون شهیدان و به نام خدایی که ما را آفرید و به ما توفیق خدمت‌گذاری و بندگی کردن را عنایت فرمود، تا در راهش گامی برداریم. و به نام خداوندی که به ما قدرت و توانایی داد، تا بتوانیم در زندگی خود، با هدف و مقصود، حرکت کنیم و راه راست را با عنایت او انتخاب نماییم. با سلام و درود به یگانه منجی عالم بشریت، حضرت بقیةالله الاعظم، آقا امام زمان(عج) و فرماندهٔ جبهه‌ها. و با سلام و درود بیکران به نایب برحقش، حضرت امام امت، خمینی کبیر و فرماندهٔ کل قوا. و با سلام و درود بر شهیدان صدر اسلام، همچنین شهدای انقلاب اسلامی ایران و درود بر تمامی رزمندگان و پویندگان و ره‌توشه‌گان[1] راه الله، که خالصانه لباس رزم بر تن کرده و در جبهه‌های نور علیه ظلمت با عزمی راسخ و چون کوهی استوار ایستاده و حماسه می‌آفرینند. و با سلام و درود بیکران بر شما امت حزب‌الله و خانواده‌های شهدا و اسرا و مفقودین و معلولین و مجروحین، که در راه خدا فرزندانی همچون مهدی زین‌الدین[2]ها پرورش داده و در راه اسلام و قرآن و برای حفظ وحراست آن اهدا نمودید.

آنان که شهید شدند و سوختند و پرتو افکندند و جهان را با نور خود منور نمودند و با پیکرشان، کلمه، کلمهٔ تاریخ را ساختند و با جانشان به آن روح بخشیدند. حق‌پویان ما همان خط سرخ حسین(علیه‌السلام) را دنبال نمودند. آنان در جبهه‌های حق علیه باطل و نور علیه ظلمت رزمیدند، تا ما در اینجا، در جبهه‌های گوناگون جنگ (فرهنگ، اقتصاد، جنگ) به تلاش بپردازیم و رسالتشان را با کوله‌بارمان در جادهٔ زندگی عمل کنیم و به گوش جهانیان برسانیم. [...][3] راهمیشه آویزهٔ گوشمان نماییم و به‌کار گیریم. ای امام! من در دامن تو تربیت شده‌ام و راه مبارزه را آموختم. بدان که تا آخرین لحظه زندگیم از خط شما، که

---

۱- در اصل وصیت «ره‌توشگان».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- خوانا نیست.

همان خط الله است، جانفشانی می‌کنم چرا که آنچه را که در این انقلاب آموختم، اخلاص عمل و ایثار بود.

و تو ای همرزم و برادرم و دوستم! خود می‌دانی که این انقلاب به چه نحوه‌ای به پیروزی رسید، با کشته شدن علی‌اکبر[۱]ها و علی‌اصغر[۲]ها و حبیب بن مظاهر[۳]ها، نکند خدای ناکرده بی‌تفاوت بنشینی و دنیا را به آخرت ترجیح بدهی و هیچ‌گونه حزن و اندوهی را به خود راه ندهید که به گفتهٔ قرآن ما پیروز و کفر نابود است.

ای برادرانی که در پشت جبهه‌ها هستید به فکر رزمندگان باشید و در کارهایتان خدا را فراموش نکنید و با دشمنان داخلی و کمبود مبارزه کنید و صبر و استقامت را پیشه سازید که قرآن می‌گوید «**انّ الله مع الصّابرین**»[۴].

و شما ای کسانی که به هر نحوی می‌خواهید به اسلام و به این انقلاب ضربه بزنید بدانید که ملت ما هوشیار است و شما نمی‌توانید حتی خدشه‌ای به این انقلاب وارد کنید. و این را نیز بدانید که من آگاهانه پا در این راه گذاشتم و وظیفهٔ خود دانستم که سلاح به زمین افتادهٔ شهیدان را برگیرم و راهشان را ادامه بدهم و شما ای منافقین[۵] بدانید که از عذاب الهی در امان نخواهید بود و به گفتهٔ قرآن در آتش دوزخ جاودانه خواهید ماند.

اما ساعت‌های آخر عمر من است. اشک شوق بر گونه‌هایم می‌چکد و هر لحظه یاد آن شهیدانی در نظر من مجسم می‌شود که چگونه برای پاسداری از اسلام در خون خویش غوطه‌ور شدند و با خون خویش درخت اسلام را آبیاری نمودند.

من به اینجا آمده‌ام تا در کنار جهاد اصغر، جهاد اکبر[۶] را نیز که مبارزه با هواهای نفسانی است [را] انجام دهم و امیدوارم خداوند مرا در این کار موفق گرداند و توفیق شهادت را به من عطا فرماید.

پدرم و مادرم!

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲-ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- بقره / ۱۵۳.

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- تعبیر جهاد اکبر (مبارزه با نفس) در برابر جهاد اصغر (مبارزه با دشمن) از آن رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است.

شما برای من زحمات زیادی را متحمل شده‌اید، تا مرا پرورش دهید و من هرگز نتوانستم حق فرزندی را به شما ادا نمایم. من در طول زندگی خیلی شما را اذیت نمودم. پدرم از تو خیلی متشکرم که با کار و زحمت و کوشش شبانه‌روز خود، هرگز نگذاشتی که من کمبودی احساس کنم و شما ای مادرم که روزها و شب‌ها را بیداری کشیدی و رنج‌ها و مشقت‌ها را تحمل نمودی که مبادا ذره‌ای به من آسیب برسد و کمبودی احساس نمایم، از شما پدر و مادرم می‌خواهم که مرا ببخشید و حلالم کنید و برای من طلب آمرزش نمایید. امیدوارم خداوند در روز قیامت شما را جزو مؤمنین واقعی قرار دهد و از شفاعت ائمه برخوردار باشید.

و شما ای برادران گرامی و دامادهای عزیزم! در زندگی صبور باشید و راه راست را که همان راه الله است، پیروی کنید و امام را تنها نگذارید و به جان امام دعا کنید و همچنین راه شهیدان را ادامه دهید و فرزندانی تربیت کنید، همچون علی‌اکبرها و علی‌اصغرها و آنها را براساس مکتب [...][1] پرورش دهید، زیرا فرزندان شما امانتی است که خداوند به شما داده و باید دوباره آنها را تقدیم خداوند نمایید. در آخر از شما می‌خواهم اگر بدی از من دیده‌اید حتماً مرا حلال کنید واز دوستان نیز حلالیت بطلبید و از فرزندان خود نیز برای من حلالیت بطلبید.

و شما ای خواهران و زن‌داداش‌های عزیز، بعد از شهادت من صبور باشید و همچون زینب(علیهاالسلام) عمل نمایید و با حجاب خود، که سلاح شماست، از خون شهیدان پاسداری نمایید و فرزندان خود را باحجاب تربیت نمایید. من از شما نیز حلالیت می‌طلبم و امیدوارم بدی‌های مرا ببخشید و از خداوند برای من طلب آمرزش نمایید.

در پایان از شما خانوادهٔ عزیز، مخصوصاً پدر و مادرم، می‌خواهم که وقتی به شهادت رسیدم و این فوز عظیم نصیب من شد، هرگز برای من گریه نکنید، زیرا با گریه شما روح شهیدان آزرده می‌شود و همچنین دشمنان اسلام را نیز خوشحال می‌کنید. پس گریه و زاری را کنار بگذارید و صبر و استقامت را پیشهٔ خود سازید، زیرا من براساس بینش و آگاهی خود و براساس مکتب اسلام به جبهه آمدم. و اگر جنازهٔ من هم به‌دست شما نرسید و یا مفقودالاثر شدم، باز هم ناراحتی و غم را به دل خود راه مدهید، زیرا که شما وظیفهٔ خود را

---

۱- خوانا نیست.

نسبت به اسلام و قرآن انجام داده‌اید و امانت الهی را که خداوند به شما داده بود، بـه نحـو احسن دوباره تقدیم خدا کردید، زیرا همهٔ ما معتقدیم «**انا لله و انا الیه راجعون**»[۱].

در پایان از شما می‌خواهم از همهٔ آشنایان و دائی‌ها و خاله‌ها و فرزندانشان و همچنـین دوستان حلالیت بطلبید و اگر حقی به گردن من دارند، آن را ادا نمایید. امیدوارم خداوند به شما توفیق عطا فرماید و در روز قیامت جزء اصحاب و یاران حسین(علیه‌السلام) باشید.

بعد از شهادت من، اگر جنازه‌ام به‌دست شما رسید، مرا در امامزاده یحیی در کنـار سـایر شهیدان دفن کنید. شما پدر و مادرم اگـر بـا دسـت خـود مـرا دفـن و کفـن کنیـد، خیلـی خوشحال می‌شوم و در روز قیامت جزء[۲] صدیقین خواهید بود و شب‌های جمعه برای مـن قرآن بخوانید و برایم طلب مغفرت کنید و نماز و روزهٔ قضایم را بگیرید. در ضـمن مقـدار پولی را که دارم، سهمی را برای نماز و روزه‌ام بدهید و باقی را هرطور که صلاح می‌دانیـد، خرج نمایید. امیدوارم خداوند بزرگ به شما صبر عطا بفرماید و در زندگی موفق باشید.

«بدانید که زندگی مادی، همانا بازیچهٔ کودکانه و عشق سفیهانه و آرایش و خودستایی و آز و افزایش اموال و اولاد است. در مثل مانند بارانی است که بـه‌دنبـال آن گیـاه و زراعـت روییده و موجب خوشحالی کشاورزان گردد، سپس خشک و زرد شـده و پاشـیده گـردد و بدین‌گونه «پایان زندگی مادی عـذاب سـختی اسـت ولـی نصـیب اهـل ایمـان آمـرزش و خشنودی خداوند است و زندگی مادی جز متاع فریبا چیز دیگر نیست»[۳].

**«والسلام»**

**متن وصیت‌نامهٔ برادر حقیر و کوچک شما**

**محمد صباحی**

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- در اصل وصیت «جزو».

۳- ترجمهٔ آزاد از آیه ۲۰ سورهٔ حدید است: «اعلموا انّما الحیوة الدنیا لعب و لهو و زینة و تفـاخر بیـنکم و تکـاثر فـی الاموال و الاولاد کمثل غیث اعجب الکفار نباته بناته ثم یهیج فتریه مصفّراً ثم یکـون حطامـاً و فـی الآخـرة عـذاب شدید و مغفرة من الله و رضوان و ماالحیوة الدنیا الا متاع الغرور».

بسم رب الشهداء و الصدیقین و الصالحین

با نام الله پاسدار حریت خون شهیدان و به نام خدائی که ما را آزمید و به ما توفیق خدمتگذاری و بندگی کردن را عنایت فرمود تا در راهش گامی برداریم و به نام خداوندی که به ما قدرت و توانائی داد تا بتوانیم در زندگی خود با هدف و مقصود حرکت کنیم و راه راست را با عنایت او انتخاب نمائیم با سلام و درود و بگیلانه بمنی عالم شهریت حضرت بقیة الله الاعظم (عج) تا امام زمان و عزیزانه و جبهه ها و با سلام و درود بر کران نایب برحق حضرت امام است همچنین لبیک و عزیزانه گل تو را با سلام و درود بر شهیدان صدر اسلام همچنین شهدای انقلاب اسلامی ایران و درود بر تمامی زندگان و پویندگان و رهروان راه ا... که خالصانه لباس رزم بر تن کرده و در جبهه های نور علیه ظلمت با زبان راستین و چون کوهی استوار ایستاده اند سلام بر شما و درود بر کران بر شما است خوب ا... و خانواده های شهدا و اسرا و مفقودین و معلولین و مجروحین که در راه خدا فرزندان همچون مهدی زین الدینا پرورش داده و در راه اسلام و قرآن و برای حفظ و حراست آن اهدا نمودند.

آنان که شهید شدند سوختند و پرپر آنکه ند و جان را با نور و عشق ریختند و با پیکرشان نقشه تابناکی از راستا فتند و با جانشان بر آن روح بی قرار پویان ما ها را خط سرخ حسینی (ع) را دنبال نمودند آنان در جبهه های حق علیه باطل و نور علیه ظلمت رزمیدند تا ما در اینجا در جبهه های گوناگون جنگ (فرهنگ، اقتصاد، تبلیغ) تلاشمان بیهوده نباشد آنان راه کربلا را برای ما روشن کردند و بگذشتن جانشان بر ما منت گذاشتند و ما امروز گوشه ای از وظیفه خود را انجام نداده ایم اگر بخواهیم در راه آنان گامی برداریم و کاری کنیم باید با تمام وجود در راه اسلام و قرآن و رهبر کبیر انقلاب و امت مسلمان جهان و مستضعفین جهان و مستضعفین ایران و در راه خدا کار کنیم و با تمام قوا در مقابل ظلم و ستم بایستیم و از هیچ کوششی دریغ نورزیم و از هیچ فداکاری نهراسیم و با تمام وجود در راه خدا و اسلام و قرآن و رهبر کبیر انقلاب و امت مسلمان جهان و مستضعفین ایران و در راه خدا کار کنیم و با تمام قوا در مقابل ظلم و ستم بایست

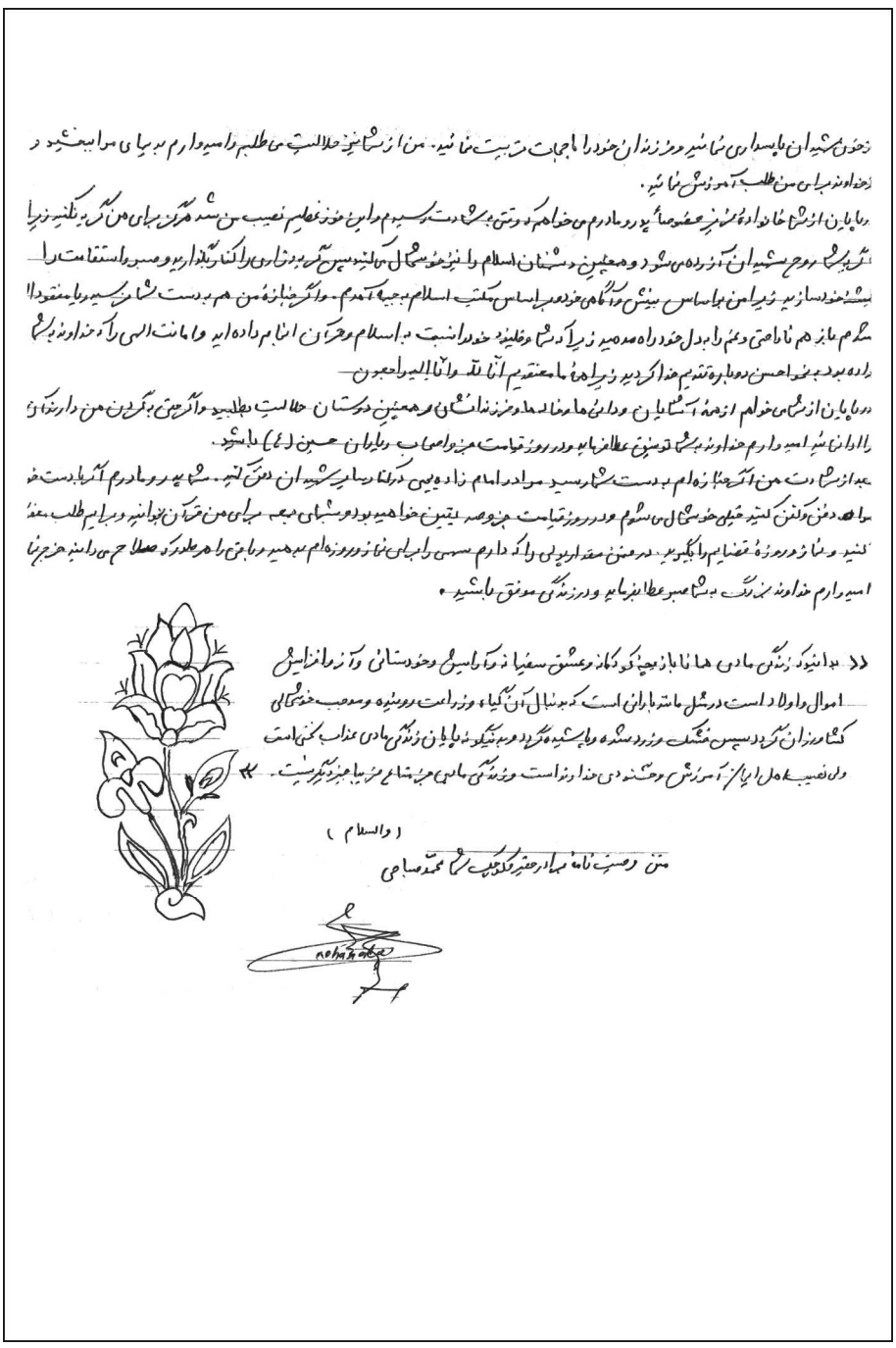

ز خود می‌شمرید ان ما بسوارس نمائید و مرز زندان خود را با جهات تربیت نمائید. من از شما نیز حلالیت می‌طلبم و امیدوارم به سرای ما بیائید و ذخیره اندوخته برای من طلب آمرزش نمائید.

و پایان از شما خانواده محترم عصمتیا پدر و مادرم می‌خواهم که وقتی به شما دست رسید هم و اندوه خود را برای من گریه نکنید زیرا اگر به شما روح شهید ان آزرده می‌شود و همچنین دشمنان اسلام و انقلاب شما را مسخره می‌کنند پس آرام بودن را کنار گذارید و مسیر و استقامت را پیشه خود سازید زیرا من براساس بینش و آگاهی خود در اساس مکتب اسلام به جبهه آمدم. و اگر خانواده من هم به دست شما می‌رسید و یا مفقود الاثر هم باز هم نا راحتی و غم را به دل خود راه ندهید زیرا آن را در راه خدا و ملت خود انجام داده اید و امانت الهی را که خداوند به شما داده بود به خواهش دوباره تقدیم خدا کردید زیرا ما همه معتقدیم انا لله و انا الیه راجعون

و پایان از شما می‌خواهم از همهٔ آشنایان و دایی‌ها و خانواده‌ها و مردم دوستان همچنین دوستان حلالیت بطلبید و اگر چنین برگردن من دارند آن را از ما شهید داشته باشید و امیدوارم خداوند به شما توفیق عطا فرماید و در روز قیامت مرا در صف اولیای خود (ع) قرار دهد.

بعد از شما دوست من اگر خانواده‌ام به دست شما رسید مرا در امام زاده‌ها بین در کنار سایر شهیدان دفن کنید. شما نیز مرا در آن آبادی خود دفن کنید و کفن کنید مثل خودشان سوم و در روز قیامت حتماً خواهید بود و شما می‌بینید برای من قرآن بخوانید و برایم طلب مغفرت کنید و نماز در روزهٔ قضایم را بگیرید. در مورد مقداری پول که دارم سهمی را برای نماز در روزه‌ام بدهید و باقی را هر طور که صلاح می‌دانید خرج کنید امیدوارم خداوند بزرگ به شما صبر عطا فرماید و در زندگی موفق باشید.

« بدانید که زندگی مادی ها نا پایدار چون کوه کاه و عشق سعدیا ذکر ناپایدار و آن زمان ایمان و اموال و اولاد است در مثل مانند باران است که به دنبال آن گیاه و زراعت روییده و سبب خوشحالی کشاورزان گردد سپس خشک و زرد شده و پاشیده گردد و به نیکو نه پایان زندگی مادی عذاب کنی است ولی نصیب عامل ایمان آمرزش و خشنودی خدا و زندگی ابدی سرشار از هر نوع نعمت است. »

( والسلام )

متن وصیت نامه برادر شهید گرانقدر شما محمد صباغی

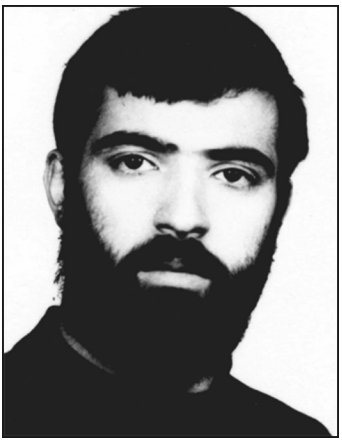

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **صباغ**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **لیلی**
تاریخ تولد: **هشتم اردیبهشت ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم تیر ۱۳۷۰**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **موج انفجار**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بلاشک همه می‌خواهند به سعادت ابدی نائل شوند.
- برادران حزب‌الله و خداجوی به هیچ وجه حاضر نباشید که بیگانگان بخواهند بر سر شما مسلط شوند.
- اینجانب مفتخرم که در صحنهٔ قتال با کفار، سرباز کوچکی برای امام زمان(عج) باشم.
- پیوسته دعاگوی جان امام باشید.
- خدایا مرا به توانگری خویش نیازمند کن و از توانگران و اغنیاء بی‌نیاز ساز.

## غلامرضا صباغ

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«لن تنالوا البر حتی تنفقوا ممّا تحبون»**[۱] (قرآن مجید)

سلام بر اولیاء و انبیاء عظام، لاسیّما خاتم آنان، حضرت محمد بن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جانشینان بزرگوار آن حضرت. سلام و درود به فرماندهٔ کل قوا، امام امت، نایب برحق امام زمان(عج) و سربازان فداکار آن حضرت، رزمندگان سلحشور اسلام، و با درود و سلام به ارواح طیبهٔ شهدا. اینجانب غلامرضا صباغ چند جمله‌ای را ذیلاً به‌عنوان وصیت‌نامه معروض می‌دارم:

۱- بلاشک همه می‌خواهند به سعادت ابدی نائل شوند ولی هرکس طریقی به‌نظرش می‌آید. و اما قرآن می‌فرماید «هرگز به حقیقت برّ و نیکی نائل نمی‌گردید، مگر آنچه مورد حب و علاقهٔ شما هست، آن را در راه خدا انفاق کنید و مسلماً هیچ چیز نزد انسان محبوب‌تر از جانش نیست»[۲].

اما پیام من به برادران حزب‌الله و خداجوی. کسانی که این پیام را می‌شنوند یا به‌گونه‌ای به گوش آنان می‌رسد، این است که اسلحه به خاک و خون افتادهٔ شهدا را از روی خاک بردارید و راه ایشان [را] که در واقع راه پیشبرد اهداف الهی است، ادامه دهید و به هیچ وجه حاضر نباشید[۳] که بیگانگان بخواهند بر سر شما مسلط شوند.

خدایا مرا به توانگری خویش نیازمند کن و از توانگران و اغنیاء بی‌نیاز ساز. تو راه بنمای تا من گمراه نشوم و تو دوست باش تا از فریب دشمنان ایمن بمانم». (از فرمایشات علی(علیه‌السلام)).

«بهترین کسب مرد مسلمان تیری است که در راه خدا می‌اندازد». (پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) نهج‌الفصاحه).

---

۱- آل‌عمران/ ۹۲.

۲- ترجمه آیه ۹۲ از سورهٔ آل‌عمران است «لن تنالوا البر حتی تنفقوا مما تحبون و ما تنفقوا من شئ فان الله به علیم» در اصل وصیت پس از ترجمه آیه پنج سطر مطلب نوشته و خود شهید آن را خط زده است.

۳- در اصل وصیت «نباشند».

۱- بت‌شکن عصر پیر جماران، امید مظلومان و محرومان جهان درهم کوبندهٔ کاخ ستمکاران، بنیانگزار جمهوری اسلامی ایران.
۲- که با نثار خون خود نهال انقلاب را آبیاری نموده و وجب به وجب خاک میهن اسلامی را از چنگال بعثیون[۱] جنایتکار آزاد نمودند.
۳- و ما شنیده‌ایم که یاران اباعبدالله الحسین در روز عاشورا چگونه این حقیقت را پسندیدند و جان خود را در راه رضای خداوند و پایداری احکام الهی فدا نمودند و سعادت انسان جز همین نمی‌تواند باشد و مانند حسین نیز باید شهید شویم و ما اگر بخواهیم به سعادت برسیم جز این راه راه دیگری نمی‌باشد و چقدر ارزش دارد که انسان لحظات آخر عمر خود را با یاد خدا بگذراند.
۴- چه آرزویی[۲] همان آرزویی[۳] که مسلمین عوسجه و بیشترین اصحاب امام حسین(علیه‌السلام) داشتند که ای کاش من جان‌ها می‌داشتم نه یک جان، جان‌های زیاد و همه را یک به‌یک در راه رضای خدا و پیشبرد اهداف الهی فدا می‌نمودم اما یک جان است و آن را اگر خدا قبول بنماید این حقیر خیلی هم افتخار می‌کنم.
۵- یعنی جان ما را به‌وجود آورده و بزرگ کرده و عقل و فکر و روح انسانیت به ما بخشیده باید همانند امانت‌هایی که دیگران نزد[۴] کسی می‌سپارند و هر وقت خواستند[۵] امانت خود را پس بگیرند، می‌گیرند. ما باید آماده باشیم تا امانت خدا را هر وقت مطالبه نمود، به او عرضه داریم پس چه بهتر که این امانت را در راه خودش عرضه نماییم[۶]، شما اگر ناراحت شدید به‌یاد آورید روز عاشورا را و ببینید که ابوالفضل(علیه‌السلام) در راه خدا چه کرد. اول برادرانش را به میدان می‌فرستد تا کشتهٔ آنها را ببیند و بعد خودش به شهادت می‌رسد.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- در اصل وصیت «آرضویی».
۳- در اصل وصیت «آرضویی».
۴- در اصل وصیت «نزکسی».
۵- در اصل وصیت «خوستند».
۶- در اصل وصیت «نمائیم».

علی‌هذا اینجانب مفتخرم که در صحنهٔ قتال با کفار، سرباز کوچکی برای امام زمان(عج) باشم و بارها آرزو می‌کردم ای کاش[...[1]]

۲- آن‌طرف پدر و مادر گرامی! اگر من به درجهٔ رفیع شهادت نائل گردیدم، مرا ببخشید از اینکه من فرزند خوبی برای شما نبودم و نتوانستم جبران زحمات شما را بنمایم. برای من گریه نکنید، چرا؟ چون از گریه شما دشمن شاد می‌گردد و خواهش دیگر من از شما این است که برادران کوچک من را به راه اسلام هدایت نمایید که این بزرگترین خدمت پدر و مادر در حق فرزند است.

برادران و خواهران عزیز ناراحت نباشید. ما باید راضی به رضا[ی] خدا باشیم. چیزی را که خداوند به ما به‌عنوان امانت عطا فرموده و نزد ما هست [...][2] هر وقت خیلی ناراحت شدید یادی از حضرت زینب(علیهاالسلام) در صحرای کربلا بنمایید و اما به دیگر برادران توصیه می‌کنم که اسلحه‌های ما را از زمین بردارید و پیوسته دعاگوی جان امام باشید.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

**«والسلام»**

**غلامرضا صباغ**

---

۱- عباراتی خط خورده که جمله ناقص شده است.

۲- کلماتی محو شده است.

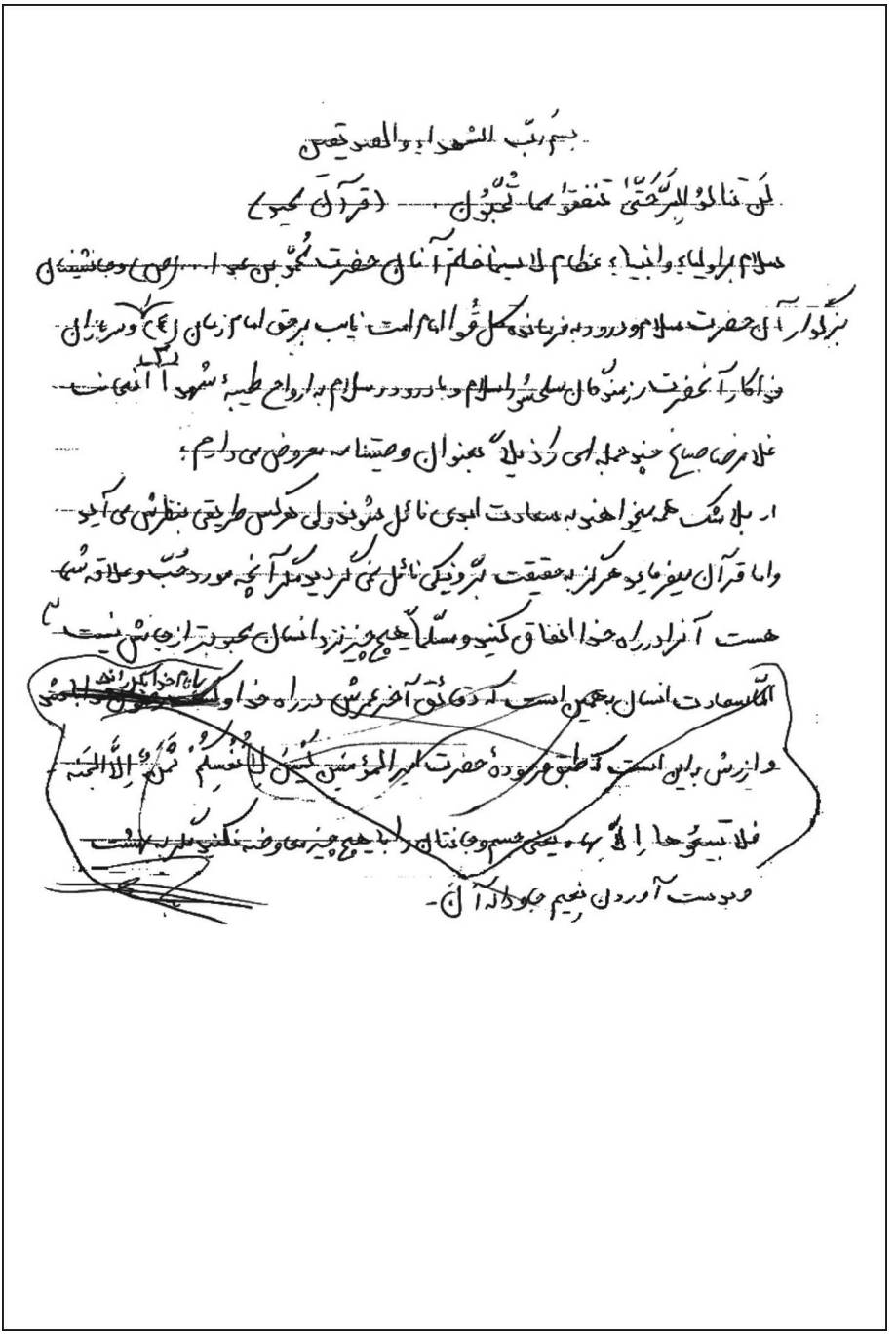

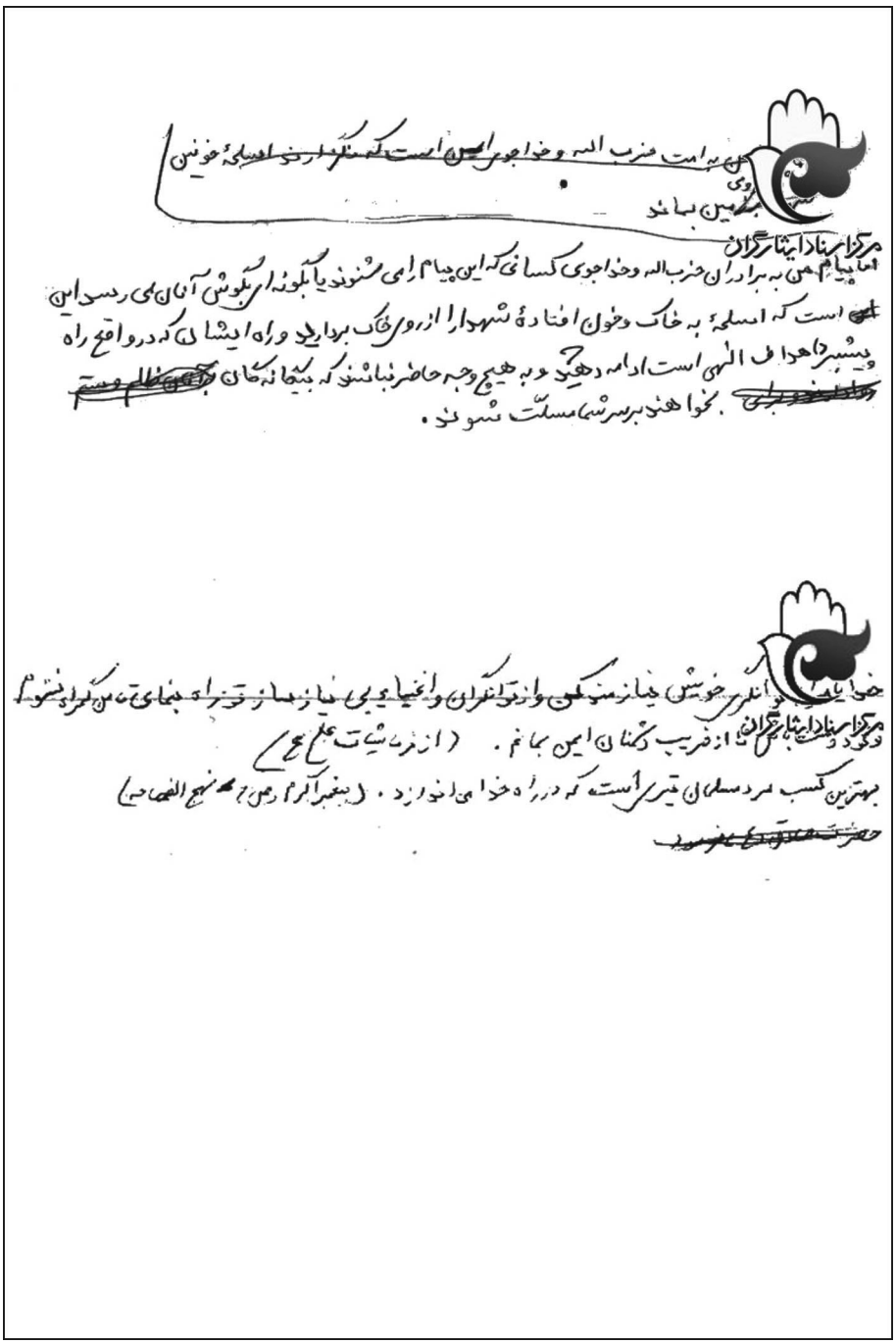



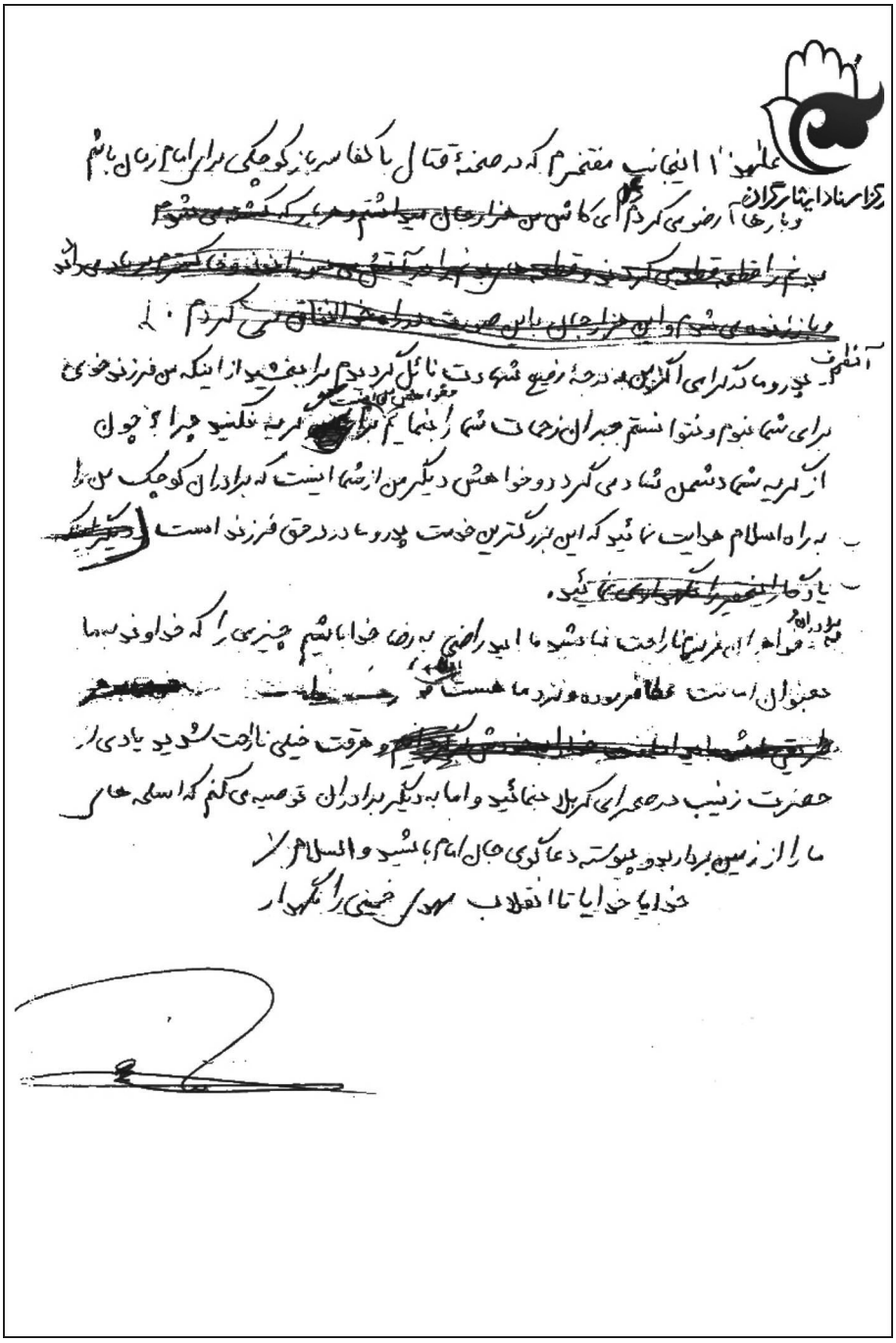

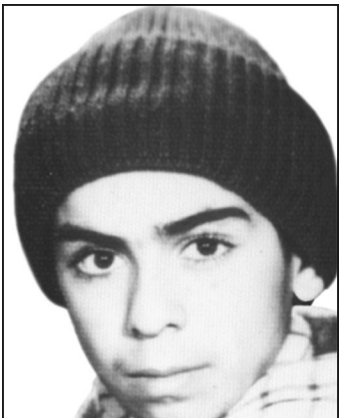

نام: **نصرالله**
نام خانوادگی: **صباغی**
نام پدر: **فضل‌الله**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۵۰**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **چهارم فروردین ۱۳۶۴**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خداوند این منت را بر من نهاده تا توانستم در راه خدا هجرت کنم.
- باشد که خون ناقابلم رضایت خداوند سبحان را کسب و من را نیز جزء سالکان راهش قرار دهد.
- مرا غمی نیست، چون که مطمئناً برادران و دوستان وفادارم سنگرهای جبهه را خالی نخواهند گذاشت.
- جنگ را آن‌قدر ادامه خواهیم داد که از طریق کربلا به قدس برویم.
- شیرینی شهادت در راه خدا با این لذّات مادی و زودگذر دنیای مالی قابل مقایسه نیست.
- نابودی دشمنان در گرو حفظ وحدت به رهبری امام امت است.
- در برپایی دعای کمیل و توسل و ندبه و جلسات قرائت و تفسیر قرآن سستی نکنید.
- پرچم «لا اله الا الله» را بر سر در خانهٔ ما برافرازید.
- پدر عزیزم یادتان نرود که مال دنیا هیچ ارزشی ندارد.

## نصرالله صباغی

### بسم الله الرحمن الرحیم

بنا بر وظیفه شرعی و کسب رضای خدا متن زیر را با ایمان و اعتقاد کامل بـه آن بـه‌عنـوان وصیت‌نامه می‌نویسم:

با عرض سلام خدمت یگانه منجی عالم بشریت، برپـا کننـدهٔ حکومـت جهـانی اسـلام، حضرت ولی‌عصر، امام زمان(عج) و با درود بـر نایـب بـرحقش، امیـد مستضـعفان جهـان، حضرت آیت‌الله‌العظمی الامام خمینی ارواحناه فدا و با درود و سلام بر شـهیدان پوینـدهٔ راه حسین(علیه‌السلام) که فریاد «**هل من ناصر ینصـرنی**»[1] حسـین زمـان را لبیـک گفتنـد و از خـود گذشتند و به خدا رسیدند، بلکـه شـهیدان رفتنـد و بـه معشوقشـان رسـیدند ولـیکن راه و هدفشان باقی است و پوینده می‌طلبند. کجایند فریاد کنندگان «یا لیتنـی کنـت معکـم فـأفوز معکم»[2]؟ کیانند عاشقان حسین(علیه‌السلام) که روز آزمایش فرا رسیده؟ امروز پسر فاطمـه(علیهاالسلام) خمینی کبیر، برای نصرت دین خدا بر کفر جهانی یاری می‌طلبد که مرگ حـق اسـت، چـه بهتر که آن را چون حسین(علیه‌السلام)، خود انتخاب کنیم و به سعادت ابدیت برسیم.

اینجانب بنابر وظیفهٔ شرعی و اطاعت از امر ولی‌فقیه، به منظور یاری دین خـدا، پـس از مدت‌ها انتظار، خداوند این منت را بر من نهاده تا توانستم در راه خدا هجرت کنم. به امیـد اینکه پویندهٔ راه شهیدان دین و قرآن که عاشقانه و مظلومان به معبودشان پیوستند و به فـوز عظیم شهادت نائل شدند، باشم. حقیر که در مدت عمرم نتوانستم خدمتی به اسلام و قـرآن بکنم، باشد که خون ناقابلم رضایت خداوند سبحان را کسـب و مـن را نیـز جـزء سـالکان راهش قرار دهد.

معاندین و منافقین بدانند که دادن خون بـرای حسـین(علیه‌السلام) چیـز کـم‌ارزشـی اسـت و راحت‌طلبان که به قول قرآن گفتند: «**لاتنفروا فی الحرّ**»[3] «نروید در گرما بـرای جهـاد» بگـو

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- مفاتیح‌الجنان/ زیارت وارث.

۳- بخشی از آیه ۸۱ سورهٔ توبه، در اصل وصیت «تغفرو انی الحرّ».

«**نار جهنم اشّد حرّا لو کانوا یفقهون**»[۱] «آتش دوزخ سخت‌تر است در گرما»، اگر فهم داشته باشند که آن «**انّ الانسان لفی خسر**»[۲] حل شدن در مسائل مادی آسان [است] و استخلاص از آن سخت. حال که دیوصفتان شیطان‌پرست، چنگالشان را به خونم آغشته[اند] و جسمم در میان شما نیست، مرا غمی نیست، چون که مطمئناً برادران و دوستان وفادارم سنگرهای جبهه را خالی نخواهند گذاشت که روز عمل است و به قول شهید مظلوم[۳] (بهشت را به بها می‌دهند نه به بهانه)[۴] و جنگ [را] آن‌قدر ادامه خواهیم داد که از طریق کربلا به قدس[۵] برویم.

ای پدر و مادر عزیزم! بر شما درود و سلام باد که برای من زحمات بی‌کرانی کشیدید و در این راه مرا یاری دادید. از اینکه نتوانستم آن‌طور که باید و شایسته بود، حق فرزندی را به‌جا آورم، مرا ببخشید و از اینکه خداوند سبحان این منت را بر من گذاشت، سر [به] سجده نهید که فرزندی بزرگ کردید که افتخار معامله با خدا را داشت، که شیرینی شهادت در راه خدا با این لذّات مادی و زودگذر دنیای مالی قابل مقایسه نیست و به این گفتهٔ خدا عمل کنید که «**الذّین اذا اصابتهم مصیبةٌ قالوا انّا لله و انا الیه راجعون**»[۶] [را] انشاءالله که از این آزمایش الهی سرافراز و موفق به‌در آیید.

از برادران کوچک خود می‌خواهم که نگذارند اسلحه من بر روی زمین بیفتد، و سرد و خاموش گردد. دوم اینکه خدمتگذار به اسلام و مسلمین باشند.

و همشهریان عزیز و گرامی! وحدت را به رهبری امام امت، تبلور اسلام راستین، حفظ کنید که نابودی دشمنان در گرو آن است و برای رفتن و برپایی هرچه باشکوه‌تر دعاهای کمیل و توسل و ندبه و جلسات قرائت و تفسیر آن و نماز جمعه سستی نکنید که راه سعادت و خودسازی ما در گرو همین سری برنامه‌هاست. از همگی اقوام و آشنایان و

---

۱- توبه/ ۸۱.

۲- عصر/ ۲.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- گویا جمله شهید بهشتی برگرفته از سخنان حضرت رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) باشد «حفّت الجنة بالمکاره و حفّت النّار بالشّهوات» (نهج‌الفصاحه، حدیث۱۳۷۸، ص ۳۸۴).

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- بقره/ ۱۵۶.

دوستان که ذکر نامشان ممکن نیست، حلالیت طلبید. چشم امیدم به دعاهای شماست و در اینجا از شما پدر و مادر عزیزم و تمام اقوام و آشنایان و دوستان می‌خواهم که در عزای من گریه نکنید، لباس عزاداری یا سیاه‌پوش نشوید، بلکه لباس سفید و عروسی بر تن خود کنید [...][1] مرتضی به معبودش یعنی پروردگار یکتا [...][2] مرتضی شهید نشد، روحش زنده است.

و پدر عزیزم از تو خواهشی دارم، برای من یک‌ماه روزه و یک‌سال نماز بخوانید و اما ای پدر عزیزم شما به فعالیت خود ادامه دهید و سعی کن که در مجالس‌های محرم را هرچه باشکوه‌تر انجام دهید و دیگر اینکه پدر عزیزم کمک به جبهه‌های حق علیه باطل یادتان نرود، چون‌که مال دنیا هیچ ارزشی ندارد. از شما خانوادهٔ محترم خویش می‌خواهم که در عزای من گریه نکنید و پرچم «لا اله الا الله» را بر سر در خانهٔ ما برافرازید و خوشحال باشید که چنین فرزندی را همچون علی‌اکبر[3] حسین(علیه‌السلام) را در راه خدا داده‌اید و همیشه بگویید که «**انا لله و انا الیه راجعون**».

در پایان تأکید می‌کنم، راهی را که انتخاب و مطالبی را که نگاشتم، نه از روی احساسات است، بلکه حقیقتی بوده و از ته دل و با عقل و فهم و درک به آن رسیدم.

تا کربلا نگریم به خانه باز نگردیم

خدایا، خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار.

از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزا.

منتظری[4] نستوه، برای نصر اسلام، محافظت بفرما.

رزمندگان اسلام پیروزشان بگردان.

معلولین و مجروحین شفا عنایت فرما، اسیران اسلام را آزادشان بگردان.

**«آمین یا رب العالمین»**

**«والسلام علی من اتبع الهدی»**

وصیت‌نامهٔ مرتضی صباغی که در تاریخ ۶۳/۱۱/۱۹ به نگارش رسیده است. خدانگه‌دار

**۶۳/۱۱/۱۹**

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- ر.ک. تعلیقات.

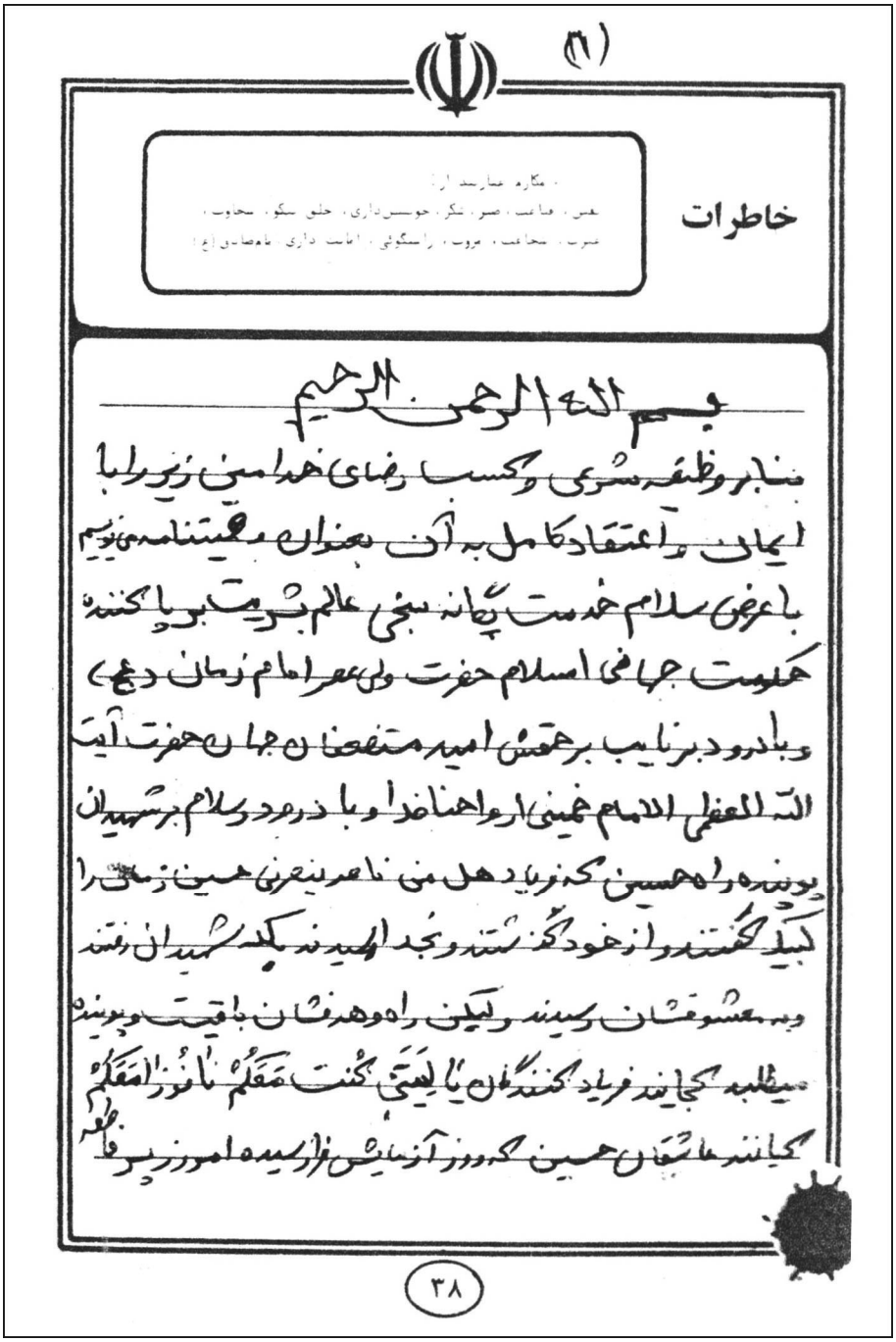

(۱)

## خاطرات

مکارم عبارتند از:
نفس، قناعت، صبر، شکر، خویشتن‌داری، خلق نیکو، سخاوت،
غیرت، شجاعت، مروت، راستگوئی، امانت‌داری، نام صادق (ع)

بسم الله الرحمن الرحیم

بنابر وظیفه شرعی و کسب رضای خدا مین زیر را با
ایمان و اعتقاد کامل به آن بعنوان وصیتنامه می‌نویسم
با عرض سلام خدمت یگانه سنجی عالم بشریت برپا کننده
حکومت جهانی اسلام حضرت ولی عصر امام زمان (عج)
و با درود بر نایب برحقش امید مستضعفان جهان حضرت آیت
الله العظمی الامام خمینی ارواحنا فداه و با درود و سلام بر شهیدان
پوینده راه حسین که فریاد هل من ناصر ینصرنی حسین زمان را
لبیک گفتند و از خود گذشتند و بخدا رسیدند بلکه شهیدان رفتند
و به معشوقشان رسیدند ولیکن راه و هدفشان باقیست و پوینده
میطلبد کجایند فریاد کنندگان یا لیتنی کنت معکم فافوز فوزا معکم
کجایند عاشقان حسین که روز آزمایش فرا رسیده امروز پسر فاطمه

(۲)

## خاطرات

مؤمن، مؤمن حقیقی نباشد اگر سه خصلت و روش در او نباشد روشی از پروردگارش، روشی از پیامبرش، روشی از ولی و امامش.
امام رضا (ع)

خمینی کبیر برای نصرت دین خدا بر کفر جهانی یاری می طلبد که مرد
حق است چه بهتر که آنرا چون حسین خود انتخاب کنیم و به
سعادت ابدیت برسیم اینجانب بنابر وظیفه شرعی و اطاعت
از امر ولی فقیه بمنظور یاری دین خدا پس از مدتها انتظار خداوند
این منت را بر من نهاده تا توانستم در راه خدا هجرت کنم بامید
اینکه پوینده راه شهیدان دین و قرآن که عاشقان و مظلومان
به معبودشان پیوستند و به فوز عظیم شهادت نائل شدند باشم
حقیر که در مدت عمرم نتوانستم خدمتی به اسلام و قرآن بکنم
باشد که خون ناقابلم رضایت خداوند سبحان را کسب و من
را نیز جزء سالکان راهش قرار دهد. معاندین و منافقین
بدانند که دادن خون برای حسین چیز کم ارزشی است و راحت
طلبان که بقول قرآن گفتند: تَغْفِرُوا إِنِّي الْحُرُّ مَرْوِيد

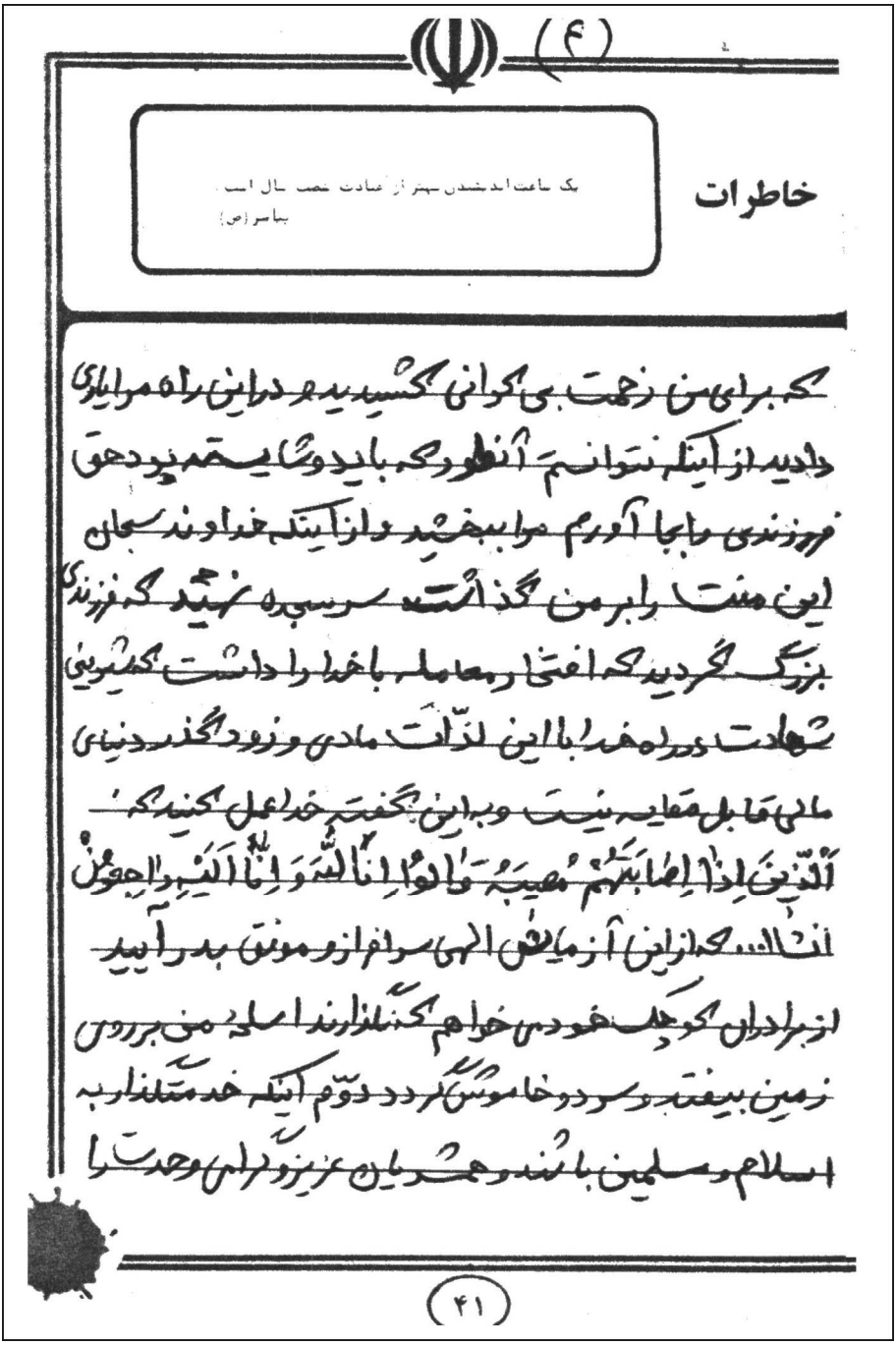

(۴)

خاطرات

یک ساعت اندیشیدن بهتر از عبادت شصت سال است.
پیامبر (ص)

که برای من زحمت بی کرانی کشیدید و در این راه مرا یاری
دادید از اینکه نتوانستم آنطور که باید و شایسته بود حق
فرزندی را بجا آورم مرا ببخشید و از اینکه خداوند سبحان
این منت را بر من گذاشت سر سجده نهید که فرزندی
بزرگ گردید که افتخار معامله با خدا را داشت که شیرینی
شهادت در راه خدا با این لذات مادی و زودگذر دنیای
مالی قابل مقایسه نیست و به این گفته خدا عمل کنید که:
اَلَّذِینَ اِذَا اَصَابَتْهُمْ مُصِیبَةٌ قَالُوا اِنَّا لِلّٰهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ
انشاالله که از این آزمایش الهی سرافراز و موفق بدر آیید
از برادران کوچک خود می خواهم که نگذارند اسلحه من بر روی
زمین بیفتد و سرد و خاموش گردد دوم اینکه خدمتگذار به
اسلام و مسلمین باشند و همشهریان عزیز و گرامی وحدت را

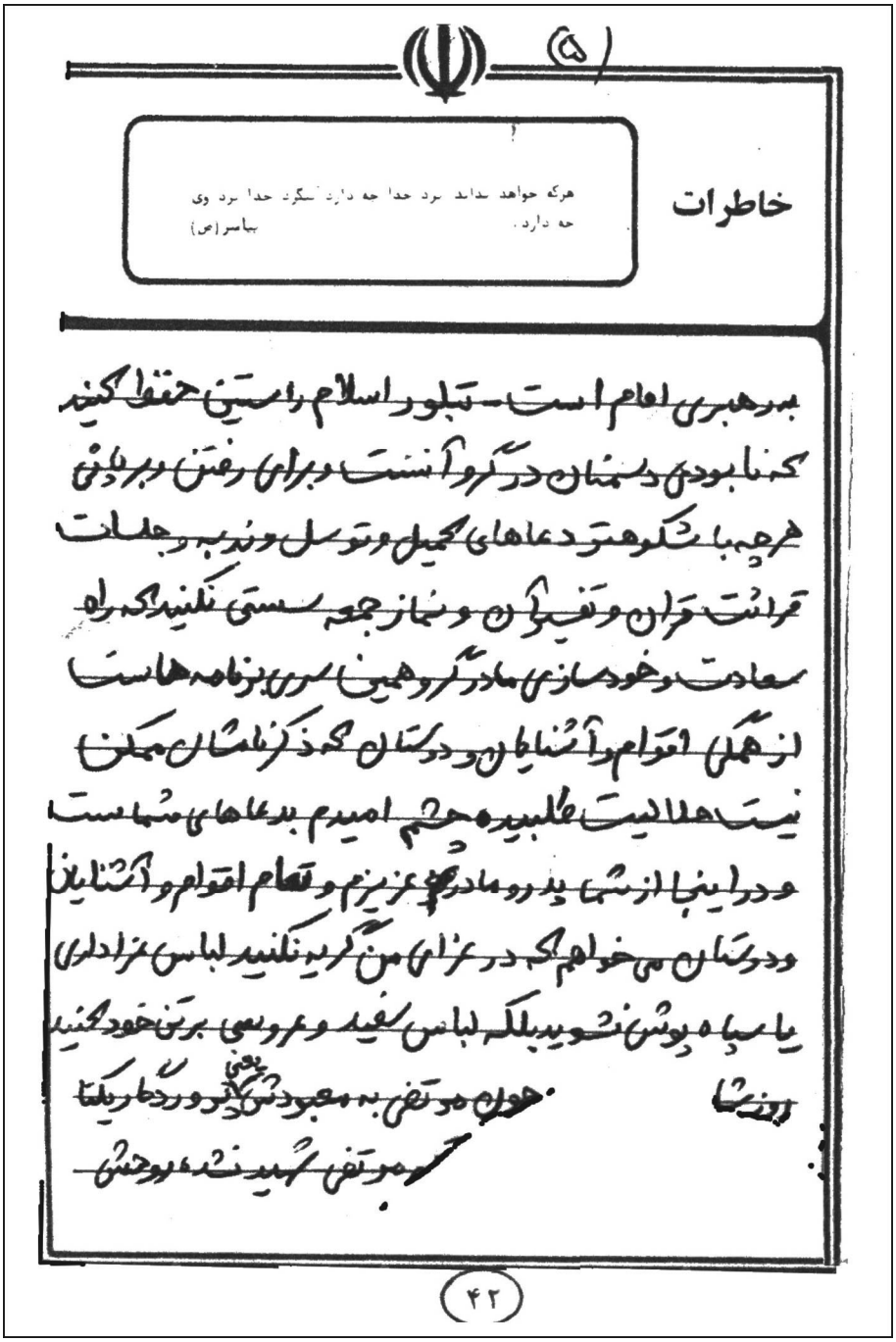

(۵)

## خاطرات

هرکه خواهد بداند نزد خدا چه دارد بنگرد خدا نزد وی چه دارد.
پیامبر (ص)

به رهبری امام است - تبلور اسلام راستین حفظ کنید
که نابودی دشمنان در گرو آنست و برای رفتن و برپائی
هرچه با شکوهتر دعاهای کمیل و توسل و ندبه و جلسات
قرائت قرآن و تفسیر آن و نماز جمعه سستی نکنید که راه
سعادت و خودسازی ما در گرو همین سری برنامه هاست
از همگی اقوام و آشنایان و دوستان که ذکر نامشان ممکن
نیست حلالیت طلبیده چشم امیدم به دعاهای شماست
و در اینجا از شما پدر و مادر عزیزم و تمام اقوام و آشنایان
و دوستان می خواهم که در عزای من گریه نکنید لباس عزاداری
یا سیاه پوش نشوید بلکه لباس سفید و عروسی بر تن خود کنید
روز شما چون مرتضی به معبودش یعنی پروردگار یکتا
مرتضی شهید نشده روحش

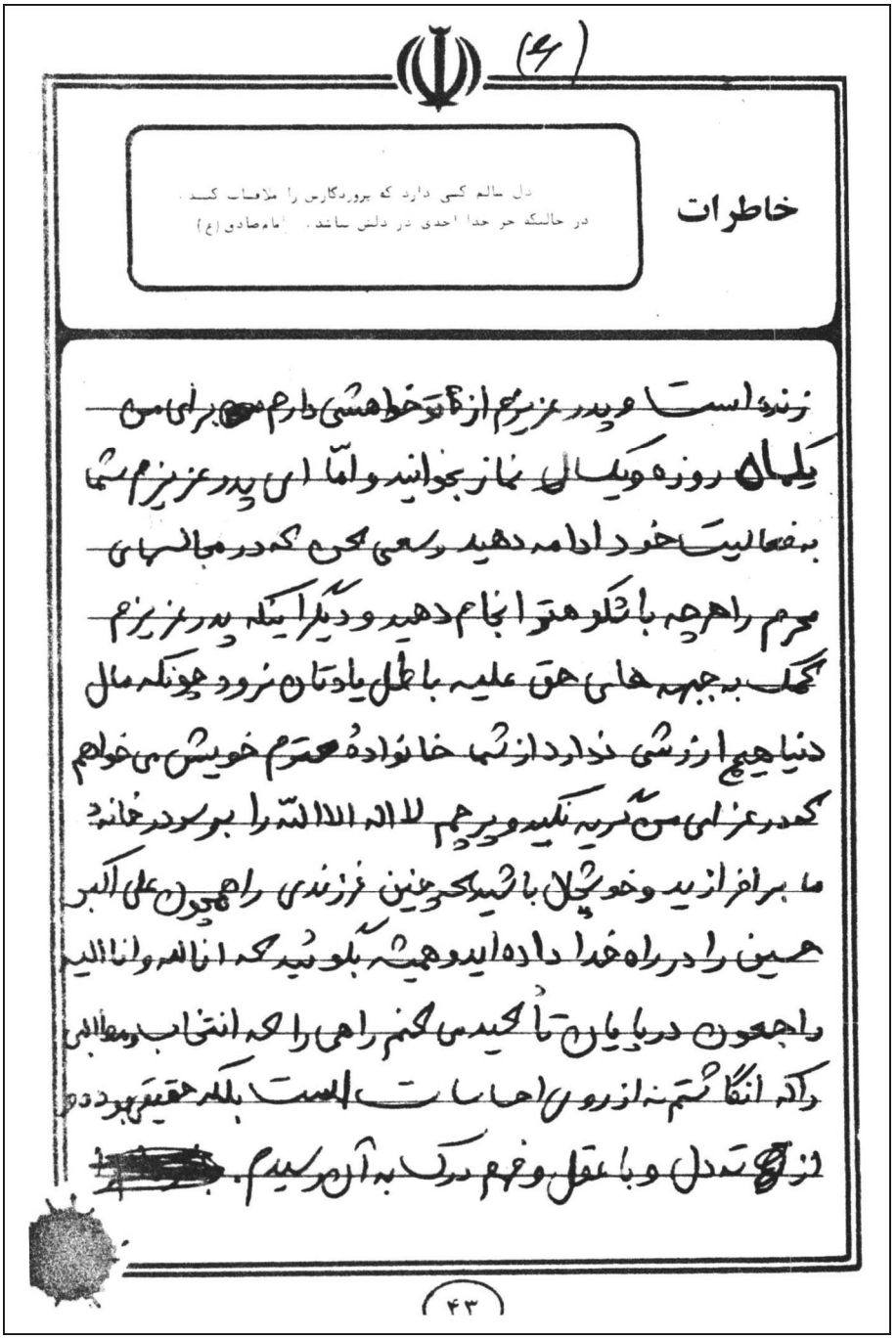

(۶)

## خاطرات

دل سالم کسی دارد که پروردگارش را ملاقات کند.
در حالیکه جز خدا احدی در دلش نباشد. امام صادق (ع)

زنده است و پدر عزیزم از تو خواهشی دارم برای من
یکماه روزه و یکسال نماز بخوانید و امّا ای پدر عزیزم شما
به فعالیت خود ادامه دهید و سعی کن که در مجالسهای
محرم را هرچه با شکوه‌تر انجام دهید و دیگر اینکه پدر عزیزم
کمک به جبهه های حق علیه باطل یادتان نرود چونکه مال
دنیا هیچ ارزشی ندارد از شما خانوادهٔ محترم خویش می خواهم
که در عزای من گریه نکنید و پرچم لا اله الا الله را بر سر در خانهٔ
ما برافرازید و خوشحال باشید که چنین فرزندی را همچون علی اکبر
حسین را در راه خدا داده اید و همیشه بگوئید که انا لله و انا الیه
راجعون در پایان تأکید می کنم راهی را که انتخاب و مطالبی
را که انگاشتم نه از روی احساسات است بلکه حقیقی بوده و
از ته دل و با عقل و فهم درک به آن رسیدم.

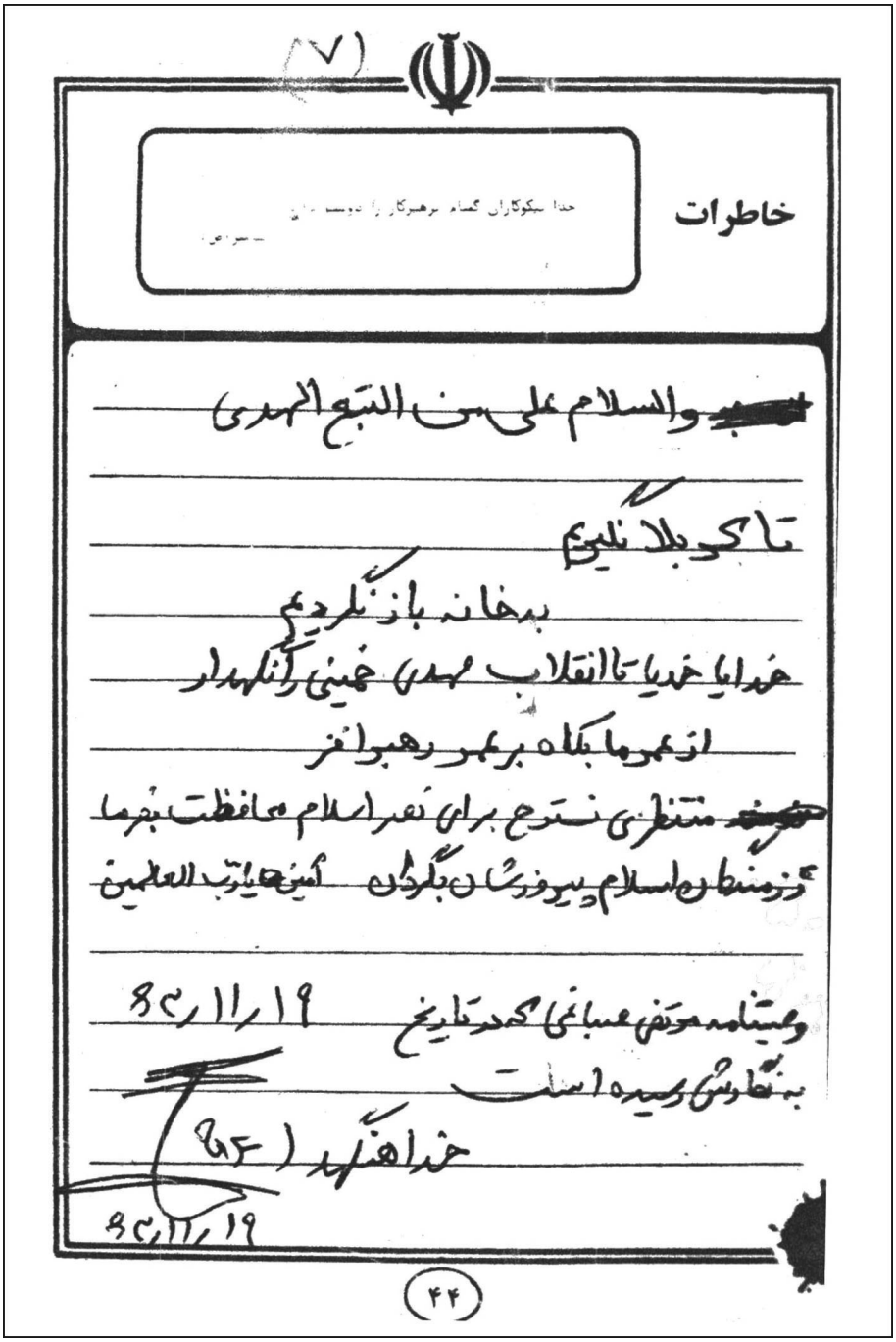

(۷)

خاطرات

[redacted]

والسلام علی من اتبع الهدی

تا کربلا نمانده

به خانه باز نگردیم

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

از عمر ما بکاه بر عمر رهبر افزا

[redacted] منتظری نترح برای نصر اسلام محافظت بفرما

از دشمنان اسلام پیروزشان بگردان آمین یا رب العالمین

وصیتنامه موقعی عملی که در تاریخ ۸۴/۱۱/۱۹

به نگارش درآمده است

خدا نگهدار (۹۴)

۸۴/۱۱/۱۹

(۴۴)

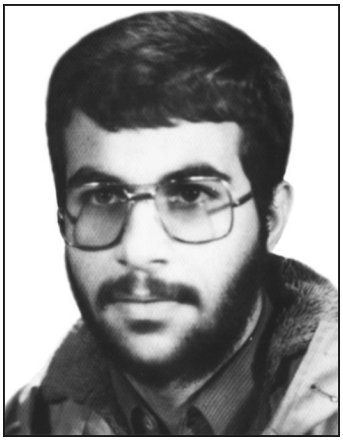

نام: **رحیم**
نام خانوادگی: **صباغیان**
نام پدر: **رمضانعلی**
نام مادر: **زیبا**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۴۲**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دانشجوی دوره کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **ششم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- «همهٔ ملتمان الهی شده‌اند» و این جای بسی شکر است.
- معبود من! خجالت می‌کشم که عمری از من گذشته و هیچ کاری برایت و در راهت انجام نداده‌ام.
- خدای من! قدرت رویارویی با دشمن و قتال در راهت را به من عنایت فرما.
- آفریدگار من! گناهانم را ببخش و خونم را پذیرا باش.
- استادان و دانشجویان عزیز! در طلب علم بیش از پیش بکوشید.
- استقلال جامعهٔ اسلامی در گرو سعی و تلاش شما می‌باشد.
- خداوند به شما و کلیه خانواده‌های شهدا صبر و اجر عنایت فرماید.

## رحیم صباغیان

### بسم الله الرحمن الرحیم

امت مسلمان، دانشجویان و استادان گرانقدر، دوستان و آشنایان عزیز سلام. سلام به عزت نفستان. سلام به مجاهدت‌های مستمرتان. سلام به اطاعت و عبادتتان و سلام به رزمندگان در جبهه‌های مختلف حق علیه باطل.

هرگاه به کوچکی خود می‌اندیشم، خجالت کشیده و غرق این می‌گردم که چه بنویسم که «همهٔ ملتمان الهی شده‌اند»[1] و این جای بسی شکر است.

قبل از اینکه حقیر چیزی بگویم، باید از استادانی که [بدون] هیچ محدودیت سنی و طبقاتی، از بچه ۱۴ ساله گرفته تا پیرمرد ۷۰ ساله، که در یکایک آنان سجایای اخلاقی به عینیت رسیده، درس‌ها بگیریم و این مستلزم فرصتی طولانی است.

معبود من! خجالت می‌کشم که عمری از من گذشته و هیچ کاری برایت و در راهت انجام نداده‌ام و از طرف دیگر تو چه نعمت‌هایی که برایم ارزانی نداشته‌ای و چه الطافی که به من روا نداشته‌ای.

خدای من! قدرت رویارویی با دشمن و قتال در راهت را به من عنایت فرما و کمکم فرما که تا آخرین لحظات عمرم به‌جز خشنودی تو به هیچ چیز دیگر نیندیشم. آفریدگار من! گناهانم را ببخش و خونم را پذیرا باش که این کمترین چیزی است که می‌توانم به پیشگاهت هدیه نمایم.

امت مسلمان! اندکی به عزت و عظمت خود که تحت تعالیم عالیه اسلام و رهبری‌های حضرت امام خمینی، به‌دست آورده‌اید اندیشیده و شکرگذار این نعمت الهی باشید.

استادان و دانشجویان عزیز! در طلب علم بیش از پیش بکوشید که استقلال جامعهٔ اسلامی در گرو سعی و تلاش شما می‌باشد.

---

۱- عبارت «همهٔ ملتمان الهی شده‌اند» بیان دیگری از سخن امام خمینی است که در شأن ملت فرموده است «می‌بینیم که ملت الهی شده است». (صحیفهٔ امام، ج۱۵، ص۴۰۳).

دوستان و آشنایان عزیز، تقاضامندم خطاهایی که از من حقیر سر زد ببخشایید و این را از قلب و زبان خود جاری سازید و اگر حقی از من طلب دارید، جهت مطالبه آن، به پدرم مراجعه نمایید.

خواهران و برادران عزیزم! در هر امری رضای خدا را در نظر داشته و پیرامون کلیه جوانب آن بیندیشید.

پدرم! مدت دو سال برایم نماز احتیاط خوانده و مدت دو سال نیز روزه بگیرید. خمس اموالم را پرداخته و از اموالم به‌قدر نیازتان بگیرید و مابقی را تحویل کمیتهٔ امداد امام خمینی دهید.

پدر و مادر عزیزم! در زندگی خدمت قابل توجهی برایتان انجام نداده‌ام بلکه باری بر دوشتان بوده و به‌جز مزاحمت کاری نداشته‌ام، امیدوارم خطاهایم را بخشیده و عفوم کنید و این را بدانید که در تمام عمر خودم به وجود شما افتخار می‌نمودم و این مطلب را در خیلی از موارد نیز عنوان کرده‌ام.

خداوند به شما و کلیه خانواده‌های شهدا صبر و اجر عنایت فرماید. در ضمن کسانی که به من علاقه می‌ورزیده‌اند، می‌توانند جهت ابراز آن برایم طلب مغفرت نموده و هر یک، یک روز نماز و روزه برایم بگیرند.

**«والسلام»**

**۶۴/۱۰/۱۷**

**رحیم صباغیان**

بسمه تعالی

امت مسلمان - دانشجویان و استادان گرانقدر - آستان و آشیان عزیز
سلام - سلام به عزت نفستان - سلام به مجاهدتهای مستمرتان - سلام
به اطاعت و عبادتتان - سلام به رزقتان در جبهه‌های مختلف حق علیه باطل

هرگاه به کوچکی خود میاندیشم خجالت کشیده و غرق این میگردم که چه بودیم
که همه ملتمان الهی شده‌اند و این جای بسی شکر است.

قبل از اینکه حقیر چیزی بگویم باید از استادانی که هیچ محدودیت سنی و طبقاتی از بچه
۱۴ ساله گرفته تا پیرمرد ۷۰ ساله که در یکایک آنان سجایای اخلاقی به عینیت رسیده
درسها بگیریم. و این مستلزم فرصتی طولانی است
و بعد من خجالت می‌کشم که عمری از من گذشته و هیچ کاری برایت و در راهت انجام
نداده‌ام و از طرف دیگر تو چه نعمت‌هایی که برایم ارزانی داشته‌ای و چه الطافی که به من روا
نداشته‌ای

خدای من قدرت رویارویی با دشمن و قتال در راهت را به من عنایت فرما و
الهم فرما که تا آخرین لحظات عمرم بجز خشنودی تو به هیچ چیز دیگر نیاندیشم
آفریدگار من گناهانم را ببخش و خونم را پذیرا باش که این کمترین چیزی است که
می‌توانم به پیشگاهت هدیه نمایم

امت مسلمان اندکی به عزت و عظمت خود که تحت تعالیم عالیه اسلام و رهبریهای حضرت امام
خمینی بدست آورده‌اید اندیشیده و شکرگذار این نعمت الهی باشید

استادان و دانشجویان عزیز: در طلب علم بیش از پیش بکوشید که استقلال جامعه اسلامی در

گرو سعی و تلاش شما میباشد

دوستان و آشنایان عزیز: تقاضا مندم خطاهایی که از من حقیر سرزد ببخشایید و این را از قلب و زبان خود جاری سازید و اگر حقی از من طلب دارید جهت مطالبه آن به پدرم مراجعه نمایید

خواهران و برادران عزیزم: در هر امری رضای خدا را در نظر داشته و پیرامون کلیه جوانب آن بیاندیشید

پدرم: مدت دو سال برایم نماز احتیاط خوانده و مدت دو سال نیز روزه بگیرید. خمس اموالم را پرداخته و از اموالم بقدر نیازتان بگیرید و مابقی را تحویل کمیته اجداد امام خمینی دهید.

پدر و مادر عزیزم: در زندگی خدمت قابل توجهی برایتان انجام نداده‌ام بلکه جاری بر دوشتان بوده و بجز مزاحمت کاری نداشته‌ام امیدوارم خطاهایم را بخشیده و عفوم کنید

و این را بدانید که در تمام عمر خودم به وجود شما افتخار می‌نمودم و این مطلب را در خیلی از موارد نیز عنوان کرده‌ام

خداوند به شما و کلیه خانواده‌های شهدا صبر و اجر عنایت فرماید

در ضمن کسانیکه به من علاقه فیروزیده‌اند میتوانند جهت ابراز آن برایم طلب مغفرت نموده و هر یک یک دوره نماز و روزه برایم بگیرند.

والسلام

۶۴/۴/۱۷

رحیم صباغیان

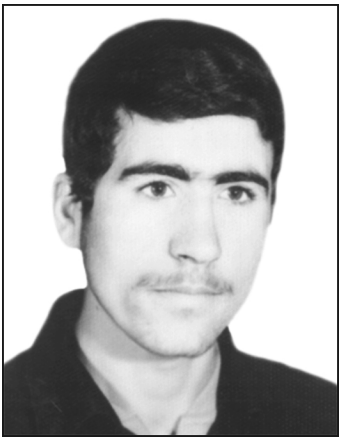

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **صبور**
نام پدر: **رجبعلی**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **یکم اسفند ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دانشجوی دوره کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بنویس این مردان دلاور تاریخ، برای خدا و به‌خاطر خدا و به منظور کسب رضای خدا، به جان می‌کوشیدند.
- ما در عاشورا می‌جنگیم و در کربلا حضور داریم. رزم حسین(علیه‌السلام) علیه یزید الگو و سرمشق ما است.
- خدایا خودت می‌دانی که روح تشنه مرا چیزی جز شهادت در راهت سیراب نمی‌کند.
- زندگی مانند رودی است باریک که به اقیانوس عظیم وحدت می‌ریزد، مرگ برای همه است و به سراغ همه خواهد آمد.
- پیروی از نفس اماره است که گناهان را به‌دنبال دارد.
- انقلاب اسلامی ایران، خون‌بهای هزاران شهید و مجروح است.
- انقلاب اسلامی ایران نشان داد که تنها مکتب زنده و پایدار، اسلام است.
- مردم باید بیدار باشید و نگذارید که جنایتکاران و منافقین کوچک‌ترین ضربه‌ای به این انقلاب بزنند.
- با آگاهی کامل به جبهه آمدم کسی مرا به زور نخوانده است.
- سرانجام این راه هم به لقاءالله پیوستن و جاودانه زیستن است.
- خواهران عزیزم! سعی کنید حجاب را در زندگیتان فراموش نکنید.

**حسین صبور**

## بسم الله الرحمن الرحیم

«اعوذ بالله من شرّ نفسی»

«من طلبنی وجدنی و من وجدنی عرفنی و من عرفنی احبّنی و من احبّنی عشقنی و من عشقنی عشقته و من عشقته قتلته و من قتلته فعلیّ دیته و من علیّ دیته فانا دیته»[1]

«هر کس[در طلب] من برآید، مرا می‌یابد و هر کس مرا یافت مرا می‌شناسد و هر کس مرا شناخت، دوستم می‌دارد و هر کس مرا دوست داشت در دوستی به پایگاه عشق و ایثار قدم می‌گذارد و چون او در پرستش به من عشق ورزید، من هم در رحمت به او عشق می‌ورزم و عاشق کوی من سرانجام کشته راه من خواهد شد و آن کس که به تیر محبت من به قتل برسد خون‌بهای او به‌عهدهٔ من است و آن که خون‌بهای او به عهدهٔ من باشد من خون‌بهای او هستم».

قال رسول الله(صلی الله علیه و آله و سلم): «ضربات دشمن بر پیکر شهید، آرام‌تر و گواراتر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است. پس از آنکه پیکر پاک و مطهر شهید بر زمین قرار گرفت زمین با افتخار به او می‌گوید:

آفرین بر روح پاکی که از بدن پاکیزه‌ای پرواز می‌کند. بشارت بر تو باد. نعمت‌هایی در انتظار توست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است.

با سلام و درود به منجی عالم بشریت، حضرت مهدی(عج) و با سلام و درود بیکران به روان پاک و مطهر شهداء و با درود به تمامی بندگان مخلص حق و با درود به تمامی رزمندگان که در جبهه‌های حق علیه باطل، با ایثار خون خودشان، درخت اسلام را آبیاری می‌کنند. با سلام به امت حزب‌الله و انقلابی ایران. سلام به رهبر مسلمین جهان. خمینی کبیر و این عصارهٔ کامل ایمان و مرد قرآن که تمام بت‌ها را درهم شکست و می‌رود تا پرچم اسلام را در سراسر جهان برافراشته سازد.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

قلم بنویس، بنویس حقایق را نه ریا، که اگر برای ریا به گردش درآیی می‌شکند کمرت و شکسته باد دستی که تو را به حرکت درمی‌آورد. بنویس تا در تاریخ ثبت شود و تو ای تاریخ درون خود جای ده آنچه حق است، ضبط کن که اگر تو نیز حق را انکار کنی، روزی رسوا خواهی شد. بنویس و ضبط کن احوال زاهدان شب و شیران روز را که چگونه در راه آرمان و هدفشان و برای دفاع از شرف و آبرویشان می‌جنگند. بنویس با که کارزار می‌کنند. بنویس که برای چه و برای که پیکار می‌کنند. بنویس اینان بدون پشتیبانی از هیچ قدرتی، با همهٔ قدرت‌های پوشالی و استعمارگر به نبرد برخاستند و جز توکل به قدرت لایزال الهی، هیچ وابستگی و پیوستگی نداشتند. بنویس این مردان دلاور تاریخ، برای خدا و به‌خاطر خدا و به منظور کسب رضای خدا، به جان می‌کوشیدند.

اینک وصیت‌نامهٔ خود را آغاز می‌کنم و با یاد خدا و به‌نام حسین(علیه‌السلام)، چرا که ما در عاشورا می‌جنگیم و در کربلا حضور داریم. رزم حسین(علیه‌السلام) علیه یزید الگو و سرمشق ما است، همان‌گونه که او در آفتاب سوزان، در چکاچک شمشیرها و نیزه‌ها می‌جنگید، ما نیز در میان خون و آتش و صفیر گلوله‌ها و خمپاره‌های یزیدیان پیکار می‌کنیم.

تنها تو را گواه می‌گیرم که زندگی کردنم و مردنم، فقط برای رضای تو بوده و خدایا تو گواهی که رضای تو را می‌خواستم و وقتی دیدم که حسین(علیه‌السلام) عاشقان خود را در کربلای ایران به یاری می‌طلبد، حرکت کردم و گفتم شاید بتوانم با این حرکت خود، فریاد حسین(علیه‌السلام) را لبیک گویم و با درسی که از حرکت خونین حسین(علیه‌السلام) گرفتم، تداوم‌بخش راه حسین(علیه‌السلام) و خط خونین شهیدان انقلاب باشم. خدایا خودت می‌دانی که روح تشنه مرا چیزی جز شهادت در راهت سیراب نمی‌کند. پس برایم چیزی کمتر از شهادت را راضی نشو.

امت حزب‌الله! بدانید که زندگی مانند رودی است باریک که به اقیانوس عظیم وحدت می‌ریزد، مرگ برای همه است و به سراغ همه خواهد آمد، پس بدانید که چه می‌کنید و چگونه زندگی خواهید کرد. همان‌طور که پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) می‌فرماید: «دل بستن به مظاهر دنیا، سرمنشأ تمام خطاهاست.[1] پس پیروی از نفس اماره است که گناهان را به‌دنبال دارد. امت حزب‌الله! اگر امام حسین(علیه‌السلام) را دوست دارید و عاشق او هستید و اگر

---

۱- ترجمهٔ این حدیث نبوی است «حب الدنیا رأس کل **خطیئة**» ( نهج‌الفصاحه، حدیث ۱۳۳۴، ص ۱۹۹).

می‌خواهید در آخرت زیر پرچم او قرار گیرید، پس بـه جبهـه‌هـای حـق علیـه باطـل روی بیاورید و یزیدیان زمان را نابود سازید. مردم شهیدپرور! می‌دانید که انقلاب اسـلامی ایـران، خون‌بهای هزاران شهید و مجروح است. این انقلاب کـه در شـرف پیـروزی نهـایی اسـت، نشان داد که می‌توان بدون اتکای به شرق و غرب نیز زنده بود. انقلاب اسلامی ایران نشـان داد که تنها مکتب زنده و پایدار، اسلام است و تنها اسلام است که می‌تواند [...][1] بشریت را تمام و کامل برآورده سازد. اما بدانید که گرگ و میش و مـوش‌هـا در کمـین ایـن انقـلاب خفته‌اند گفته‌اند که نگذارند به مقصد اصلی برسد. ولی به‌قول قرآن این کوردلان نمی‌داننـد[2] که انقلابی که پناهش اسلام و قرآن است، هرگز به بن‌بست نمی‌رسد و شکست نمی‌خورد. پس مردم باید بیدار باشید و نگذارید که جنایتکاران و منافقین[3] کوچـک‌تـرین ضـربه‌ای بـه این انقلاب بزنند. مردم حزب‌الله نماز جمعه و نمـاز وحـدت، ایـن سـنگر همیشـگی امـت حزب‌الله را که نشانهٔ وحدت مردم و کوری چشم دشمن است، نگه‌دارید که دشمن از ایـن وحشت دارد. با شرکت همیشگی خود این سنگرهای شکست‌ناپذیر و این حج مستضعفان[4] را حفظ نمایید و این خود نوعی لبیک است به دعوت امـام و خـود افتخـاری اسـت بـرای شما.

پدر و مادر عزیزم! می‌دانم و واقفم که شما چه‌قدر برایم زحمت کشیدید و چه‌قـدر بـه من لطف کردید و شبانه‌روز مواظب من بودید تا به این حد رسـاندید. خـدا بـه شـما اجـر دهد، اما من چگونه می‌توانستم تحمل کنم که هر روز عزیزی از عزیـزان ایـن آب و خـاک به شهادت برسند و گلی از این گلزار پرپر شود و هر روز جوانان را سر می‌برند، من آسوده باشم و دست از مادیات برندارم. من بر همین اساس به جبهه آمـدم، تـا شـاید بـدین‌طریـق برایم راهی به‌سوی خدا باز شود. من هم به جبهه آمدم که توانسـته باشـم نـدای «**هـل مـن ناصر ینصرنی**»[5] خمینی را پاسخ مثبت دهم. پدر و مادر بزرگوارم و امت حـزب‌الله مـن بـه

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «نمی‌توانند».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- سخن شهید تعبیر دیگری است از «نماز جمعه حج فقرا»ست.

۵- ر.ک. تعلیقات.

راستی راه غلام‌ها و حسین‌ها و محمدعلی‌ها و محمدرضا[۱]ها را ادامه دادم و با آگاهی کامل به جبهه آمدم کسی مرا به‌زور نخوانده است.

ای پدر و مادر عزیزم که بعد از خدا و رسولش وامامانش، عزیزترین موجود نزد من هستید من هیچ‌وقت نتوانستم قدر زحمت را بدانم و از شما می‌خواهم که حلالم کنید. اگر به شهادت رسیدم مبادا گریه کنید و دشمنان را شاد نمایید و روحم را ناراحت کنید، زیرا که این آرزوی دیرینهٔ من بوده است. واگر جسد من هم به دستتان نرسید، هیچ ناراحت نباشید، زیرا جایگاه اصلی شهید نزد خداست و افتخار کنید که فرزندتان را در این راه مقدس داده‌اید، چون پرچم[۲] این راه در دست حضرت مهدی(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر می‌باشد. و سرانجام این راه هم به لقاءالله پیوستن و جاودانه زیستن [است]. از این گذشته بدن پاره پاره فرزندتان برایتان سند افتخاری می‌شود نزد رسول الله.

و اما شما خواهران عزیزم! سعی کنید حجاب را در زندگیتان فراموش نکنید که رمز پیروزی در همین است. و دیگر آنکه زینب‌وار وارد زندگی [و] با مصائب و سختی‌ها روبرو شوید و پیام شهیدان را به گوش جهانیان برسانید و راهشان را ادامه دهید. و کوشش کنید که فرزندانتان را آن‌گونه تربیت کنید که نمونهٔ واقعی یک انسان کامل و باایمان باشند.

و شما برادران عزیزم، نور چشمان من! این شمایید که باید ادامه دهندهٔ راه شهدا باشید پس سعی کنید جز رضای خدا چیزی نخواهید. با رها ساختن خود از این دنیای واهی و مادیاتش، نمونهٔ واقعی انسان اسلام باشید و در راه اعتلای این مکتب بکوشید. برادران عزیزم در سنگر مدرسه مقاومت کنید و هر چه می‌توانید درس بخوانید که سرنوشت جامعهٔ اسلامی آینده در دست امثال شماهاست. شمایید که زمام امور را به‌دست می‌گیرید، پس سعی کنید افراد منافق از شما سبقت نگیرند.

و شما دوستان عزیز به‌خصوص پسر عمه‌ها و پسر دایی‌ها و پسر خاله‌ها و پسر عموها و... در همهٔ کارهایتان، به دور از اطاعت نفس، به خدا تکیه کنید و یاد [...][۳] بسیار کنید و

---

۱- اسامی که شهید بدانان اشاره کرده از دوستان و آشنایان اوست که قبل از شهید صبور به درجه رفیع شهادت نایل آمده‌اند.

۲- در اصل وصیت «پرچمدار».

۳- خوانا نیست.

با اعتقاد به ولایت فقیه، به راه مکتب نجات‌بخش اسلام بروید که در غیر این‌صورت، انتهای راهتان به سقوط خواهد انجامید. درد دل بسیار است، اما آنچه گفتنی بود گفتم و فقط از تمامی شما که این وصیت را می‌خوانید و یا می‌شنوید، می‌خواهم اگر از من جسارتی و بدی و ناراحتی دیده‌اید ما را ببخشید، زیرا در غیر این‌صورت خداوند نیز ما را نخواهد بخشید.

**«والسلام علی عبادالله الصالحین»**

**«ربّنا افرغ علینا صبراً و ثبّت اقدامنا و انصرنا علی القوم الکافرین»**[1]

پدر عزیزم! مرا در کنار دوستانم، در مزار شهدای بیابانک دفن کنید.

با رمز سحر به قلب شب می‌تازیم — با خیل ستم نبرد می‌آغازیم
در پهنهٔ جبهه‌ها [به] هنگام مصاف — از کشتهٔ خصم پشته‌ها می‌سازیم

خدایا خدایا، ستاره‌ها رفتند، خورشید را نگه‌دار
خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

**۶۳/۱۲/۲**

**حسین صبور**

---

۱- بقره/ ۲۵۰.



متن وصیتنامه

بسم ا... الرحمن الرحیم

الهی غوث یا... من سر نفسی ... وَمِنْ وَجَدَنی وَمِنْ وَجَدَنی عَرَفَنی وَمِنْ عَرَفَنی اَحَبَنی وَمَنْ اَحَبَنی عَشِقَنی وَمَنْ عَشِقَنی عَشَقْتُهُ وَمَنْ عَشَقْتُهُ قَتَلَتْهُ وَمَنْ قَتَلَتْهُ وَمَنْ عَلَیَّ دِیَتُهُ فَاَنَا دِیَتُهُ.

مرکز اسناد ایثارگران من برآنم را می یابد و هرکس مرا یافت مرا می شناسد و هرکس مرا شناخت دوستم میدارد و هرکس مرا دوست داشت در دوستی به پایگاه عشق و ایثار قدم می گذارد و چون او در پرستش بعشق و ورزید من هم در راه به او عشقبازی ورزم و عاشقی کوی من سرانجام گشته راه من خواهد شد و آنکس که به تیر محبت من بقتل برسد خونبهای او بعهده من است و آنکه خونبهای او بعهده من خود بهای او هستم.

قال رسول ا... (ص): شهرت دشمن بر پیکر شهید آزارنده و گدازتر از نوشیدن آب خنک در روز گرم تابستان است بدان که پیکر پاک و سلمر شهید برزمین مرگبار فرصت زمین با افتخار به او می گوید:

آفرین بر روح پاکی که از بدن پاکیزه اش پرواز میکند. بشارت بر تو باد. نعمتهائی در انتظار توست که هیچ چشمی ندیده و هیچ گوشی نشنیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است.

با سلام و درود بر بهترین عالم شریعت حضرت مهدی (عج) و با سلام و درود بی کران به روح پاک و سلمر شهدا، و با درود به تمامی بندگان مخلص حق، و با درود به تمامی رزمندگان که در جبهه های حق علیه باطل با ایثار جان خود شان رخت اسلام را آبیاری می کنند. با سلام به امت حزب ا... طلایه دار انقلاب ایران، سلام بر رهبر مسلمین جهان خمینی کبیر و این معمار کبیر انسان که تمام بتها را درهم شکست و می رود تا پرچم اسلام را در سراسر جهان برافراشته سازد.

قال بنویسید، بنویسید حقایق را نه رویا که اگر بجای رویا به گوشتان فرا خوانی: میگفتند کمرت و شکسته باد و بسی که تو را بحرکت درمی آورد بنویسید تا به تاریخ ثبت شود، و گوای تاریخ خود جای دارد آنچه حق است ضبط کنید که اگر تو نیز حق را انکار کنی روز رسوا خواهی شد. بنویسید و ضبط کنید اعمال زاهدانه شب و شبیران روز را که چگونه در راه آرمانها و هدفشان و برای دفاع از شرف و آبرویشان می جنگند. بنویسید با چه کارزارهائی کنند. بنویسید که برای چه و برای که پیکار می کنند؟ بنویسید انسان بدون پشتیبانی از هیچ قدرتی با همه قدرت های پوشالی و استعمارگر به نبرد برخاسته و جز توکل به قدرت لایزال الهی هیچ وابستگی دیگری ندارد. بنویسید این مردان خدا در تاریخ برای خدا و بخاطر خدا و بخاطر رسیدن رضای خدا به جان می کوشیدند. آنید و امت را به خود را آگاه سازید و با یاد خدا و با کمک حسین (ع) چراکه ما در هر عاشورا می جنگیم و هر کربلا حضور داریم - رزم حسینی علیه یزید آنگاه و سرشتی ما است ما میگوئیم که او در آتشبار سوزان در چکاچک شمشیرها و نیزه ها می جنگید ما نیز در میدان خود و آنچنان و صفیر گلوله ها و خمپاره یزیدیان یکه و تنها رها می کنیم.

خدا خود را گواه می گیرم که زندگی کردنم و مردنم منطبق برای رضای تو بوده و خدایا تو گواهی که رضای تو را می خواستم و وقتی دیدم که حسین عاشقان خود را در کربلای ایران به یاری می طلبد حرکت کردم و گفتم شاید بتوانم با این حرکت خود فریاد رسی (ع) را لبیک گویم و با درسی که از حرکت خونین حسین (ع) گرفتم تا دم آخر خویش راه حسین و خط خونین شهیدان را ادامه دهم و انقلاب باسم. خدایا خودت میدانی که روح تشنه ام را چیزی جز شهادت در راهت سیراب نمی کند پس برایم چیزی مقدر فرما که شهادت را نصیبم شود.

امت حزب ا... بدانید که زندگی صاف و بی دردی است باریک که به انتها نرسی نمیفهمی و حدت می ریزد و ترک برداشته است و سرانجام همه خواهد آمد، پس بدانید که چه می کنید و چگونه زندگی خواهید کرد. همانطور که پیامبر اکرم (ص) می فرماید: دلبستن به مظاهر دنیا سرمنشاء تمام خطاهاست. پس پیروی از نفس امّاره است که گناهان را به دنبال دارد. امت حزب ا... آرامان حسین (ع) را در دست دارید و عاشق او هستید و آنرا می خواهید قدم بقدم دنبال کنید. پس به جبهه های حق علیه باطل روی بیاورید و نیروهای رزمی را تا بتوانید بسازید. مردم شهیاپرور می دانید که انقلاب اسلامی ایران خونبهای هزاران شهید و مجروح است. این انقلاب که در سایه پیروزی نهائی است شان را دارد که بدون اتکای به قدرتی و مذهب نیز زنده بود. انقلاب اسلامی ایران شان دارد که تنها مکتب زنده و پایدار اسلام است و تنها اسلام است که می تواند



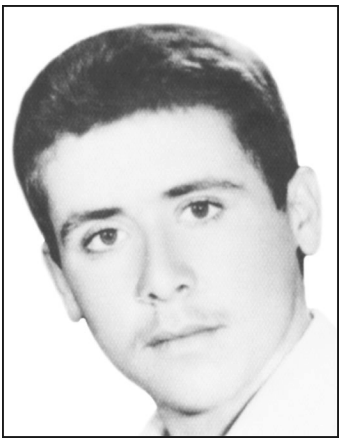

نام: **حسین**
نام خانوادگی: **صبور**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **حبیبه**
تاریخ تولد: **هفدهم اردیبهشت ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پانزدهم فروردین ۱۳۶۳**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خداوند دراین جهاد بر من منت نهاد و توانستم در این جهاد به شهادت برسم.
- ای مهدی، ما با تو و خدای تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.
- پشتیبانی خود را از ولایت فقیه، که اکنون امام عزیزمان می‌باشد، بکنید.
- ای دانش‌آموزان! باید احساس بیشتری نسبت به انقلاب و وظیفهٔ خود در این زمان داشته باشید.
- خواهران عزیز، می‌خواهم که حجاب اسلامی خود را رعایت کنید.
- مگر انسان نباید آخر بمیرد، چه بهتر در راه خدا کشته شود.

**حسین صبور**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنة یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون وعداً علیه حقاً فی التوریة و الانجیل و القرآن و من اوفی بعهده من الله فاستبشروا ببیعکم الذّی بایعتم به و ذالک هو الفوز العظیم»**[1]

«همانا خداوند جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرد. آنها در راه خدا جهاد می‌کنند که دشمنان دین را به قتل رسانند و یا خود کشته شوند. این وعدهٔ خدا حتمی است و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفاتر کیست؟ پس برخود بشارت دهید که این پیمان با خدا به حقیقت سعادت و فوز بزرگی است». (سوره توبه/ ۱۱۰)

به نام او، به نام خدا که از اوست [کذا] رفتن من برای اوست و بازگشت به‌سوی اوست. خداوند دراین جهاد بر من منت نهاد و توانستم در این جهاد به شهادت برسم، انشاءالله که مورد قبول وی خواهد شد.

و سلام بر تو ای مهدی، ما با تو و خدای تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

و سلام بر تو ای امام عزیز، من با تو میثاق بسته‌ام و به تو وفادارم، زیرا که می‌دانم تو به اسلام و قرآن وفاداری. و سوگند یاد می‌کنم که اگر چندین بار مرا بکشند و زنده‌ام کنند، دست از تو نخواهم کشید.

و شما ای امت خستگی‌ناپذیر حزب‌الله، همچنان که تا به‌حال در صحنه بودید، روزبه‌روز هوشیارتر شوید و پشتیبانی خود را از ولایت فقیه، که اکنون امام عزیزمان می‌باشد، بکنید و علی‌الخصوص از شما رفقای خودم می‌خواهم که نگذارید اسلحهٔ من در زمین بماند و به‌سوی جبهه‌ها بشتابید و به ندای «**هل من ناصر**[2]» امام لبیک گویید و این را هم بگویم به شما که شهید عزادار نمی‌خواهد، بلکه یاور می‌خواهد.

---

۱- توبه/ ۱۱۱.

۲- ر.ک. تعلیقات.

و شما ای دانش‌آموزان! باید احساس بیشتری نسبت به انقلاب و وظیفهٔ خود در این زمان داشته باشید. آنهایی که شرایط حضورشان در جبهه فراهم[1] است به جبهه بروند و آنهایی که شرایط برایشان مقدور نیست، با درس خواندن، همان هدف را دنبال کنند.

و شما ای خانوادهٔ عزیزم! از اینکه به من اجازه دادید که در این جهاد شرکت کنم و در آخر هم به شهادت، که باید مایه مباهات شما باشد، برسم. و از شما می‌خواهم که ۹ ماه نماز قضا برای من بگیرید و از شما ای برادران عزیز می‌خواهم که همچنین پیرو خط امام باشید و شما خواهران عزیز، می‌خواهم که حجاب اسلامی خود را رعایت کنید که با حجاب خود مشت محکمی بر دهان امپریالیسم بزنید. و شما قوم و خویشان من، می‌خواهم که در عزای من گریه نکنید، مگر انسان نباید آخر بمیرد، چه بهتر در راه خدا کشته شود. و در آخر از شما استغفار گناه می‌کنم. [کذا] علی‌الخصوص مردم بیابانک مرا ببخشید. اگر بدی از من دیده‌اید، ببخشید و برای دفنم بگویم که هر جایی برای شما مقدور شد، دفن کنید.

**«والسلام»**

**حسین صبور**

---

۱- در اصل وصیت «لازم».

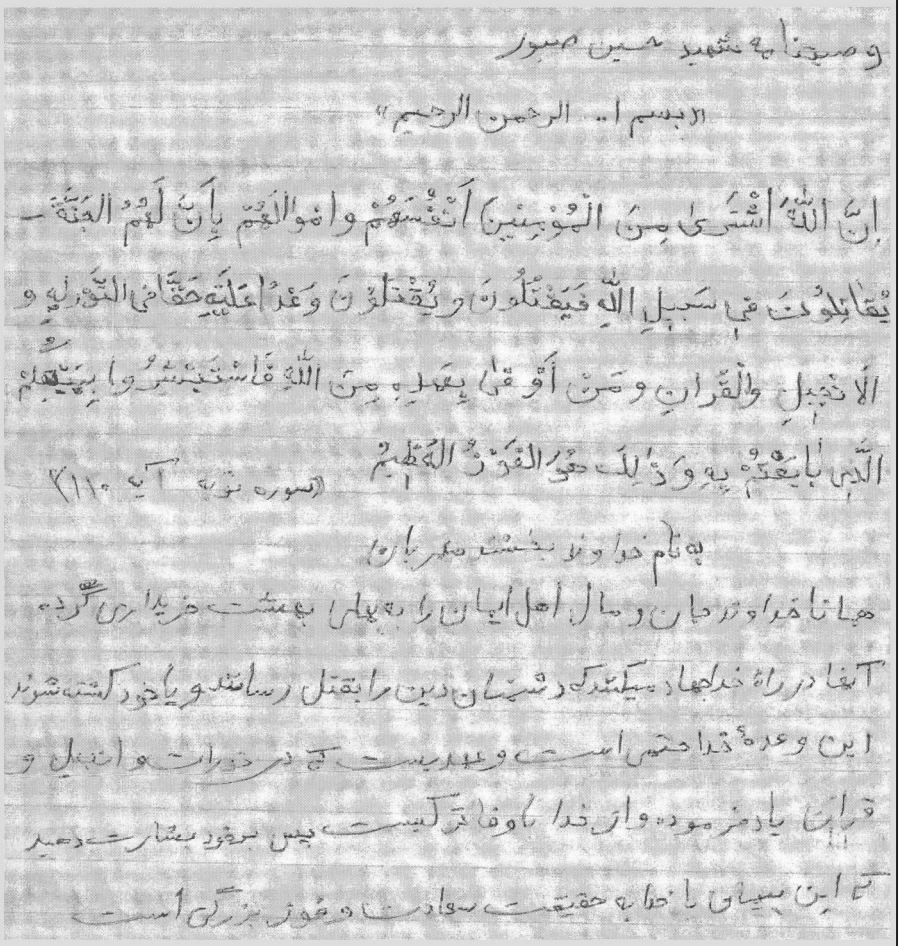

وصیتنامه شهید حسین صبور

«بسم الله الرحمن الرحیم»

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ ۖ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ ۚ وَمَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ ۚ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ ۚ وَذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (سوره توبه آیه ۱۱۱)

به نام خداوند بخشنده مهربان

همانا خداوند جان و مال اهل ایمان را به پاس بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد میکنند که دشمنان دین را بقتل رسانند و یا خود کشته شوند این وعده خدا حتمی است و مسلم است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده و از خدا باوفاتر کیست پس بخود بشارت دهید تا این پیمان را خواهید حقیقت سعادت و فوز بزرگی است

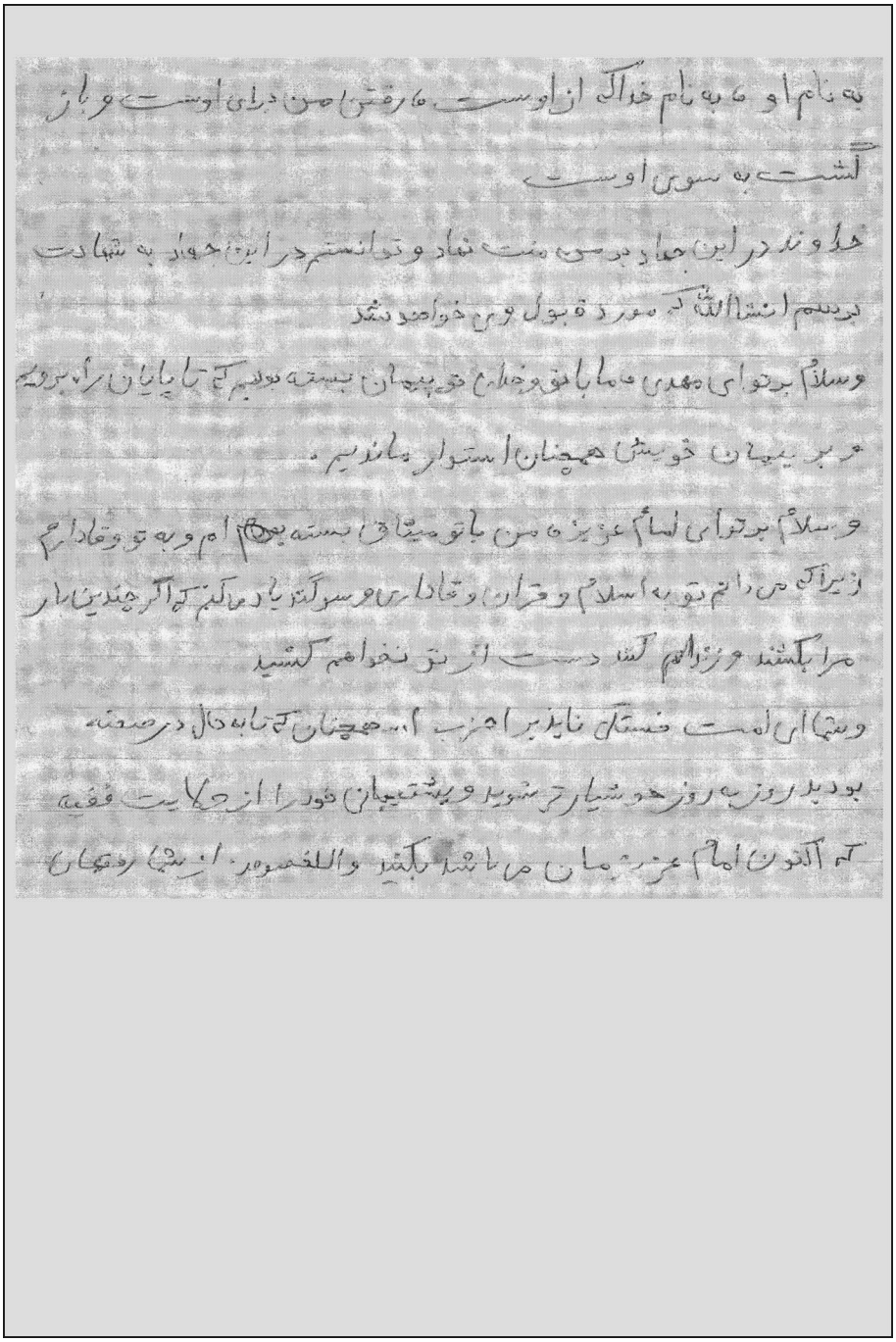

به نام او، به نام خدا که از اوست، رفتن من برای اوست و باز
گشت به سوی اوست

خداوند در این جهاد بر من منت نهاد و توانستم در این جهاد به شهادت
برسم انشاالله که مورد قبول وی خواهد شد

و سلام بر تو ای مهدی، ما با تو و خدای تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم
و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

و سلام بر تو ای امام عزیز، من با تو میثاق بسته بودم ام و به تو وفادارم
زیرا که می دانم تو به اسلام و قرآن وفاداری و سوگند یاد می کنم که اگر چندین بار
مرا بکشند و زنده ام کنند دست از تو نخواهم کشید

و شما ای امت خستگی ناپذیر احزب ا... همچنان که تا به حال در صحنه
بودید روز به روز هوشیارتر شوید و پشتیبان خود را از ولایت فقیه
که اکنون امام عزیز مان می باشد بکنید و الخصوص از شما رفتگان

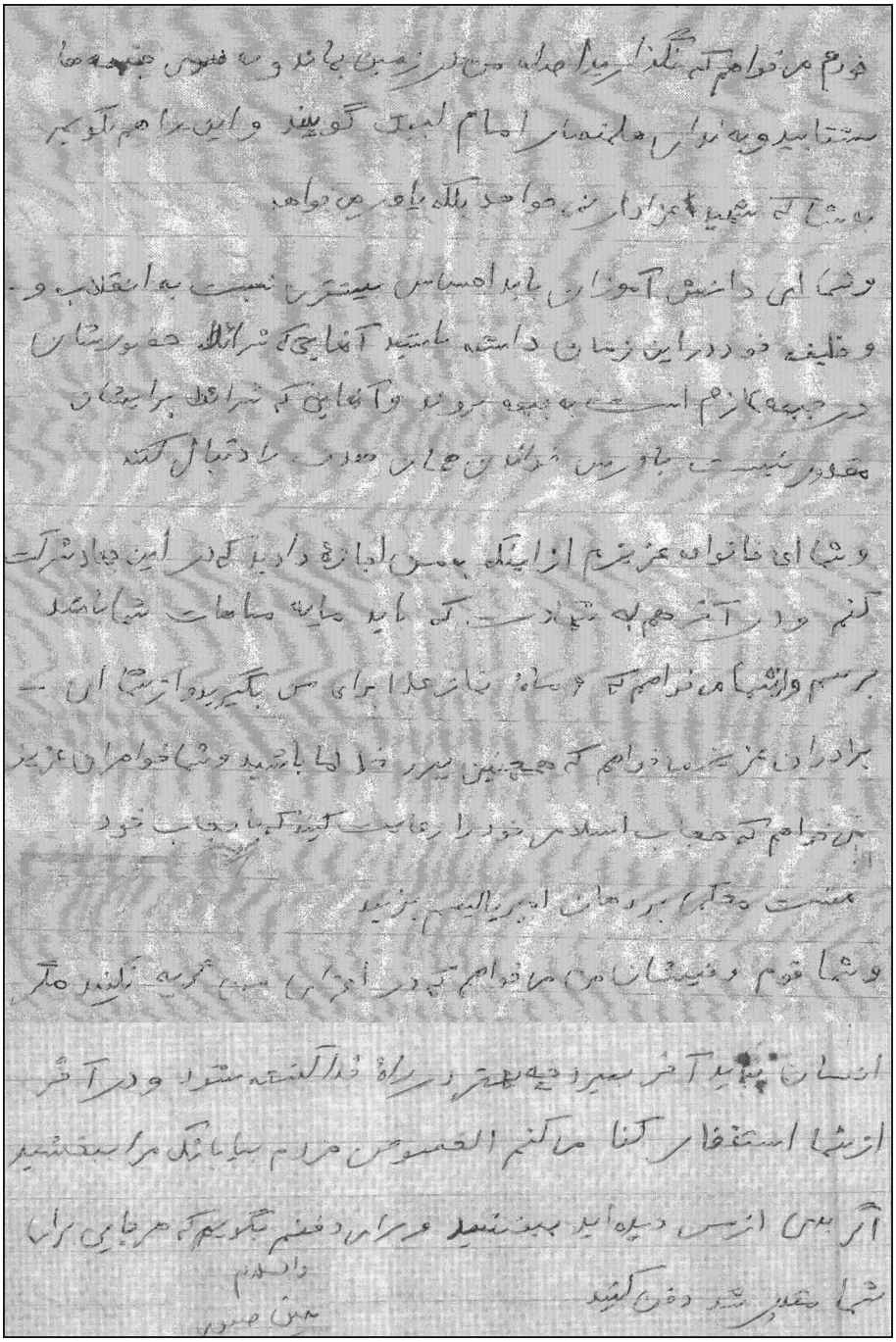

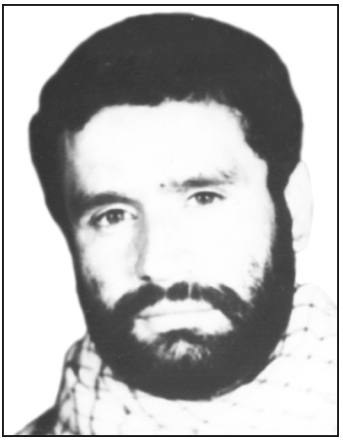

نام: **عطاالله**
نام خانوادگی: **صحافی**
نام پدر: **عبدالحسین**
نام مادر: **بتول**
تاریخ تولد: **بیست و پنجم دی ۱۳۳۱**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **ام‌الرصاص عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با آگاهی کامل از انتخاب راه شهادت، بر آن شدم تا در این لحظات بسیار زیبا و شیرین، وظیفهٔ مسلمانی خود را ادا نمایم.
- تربیت تنها فرزندم را از یاد مبر، تا بتواند در آینده، در جبهه‌های اسلام، سربازی فداکار باشد.
- انقلاب به کسی بدهکار نیست، بلکه طلبکار از همه است.
- آگاه باشید که چشمان هزاران شهید به خاک و خون تپیده به‌دنبال حرکت شماست.
- مسائل درسی خود را به سلاح ایمان و تقوا مجهز کنید.
- سعی کنید در این آزمایشات سربلند بوده و در میدان مسابقه انسانیت، به مقام قهرمانی برسید.
- متواضع باشید برابر خدا و انبیاء، از حوادث درس بگیرید.

## عطاالله صحافی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«یا ایّتها النّفس المطمئنةً ارجعی الی ربّک راضیةً مرضیةً فادخلی فی عبادی وادخلی جنّتی»**[۱]
«ای نفس پاک و مطمئن و دل‌آرام. امروز به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود و او راضی از توست و باز آی که در صف بندگان خاص من درآی، و در بهشت ما آی».
«الهی من ذاالذّی ذاق حلاوة محبّتک فرام منک بدلاً و من ذا الذّی آنسَ بقربک فابتغی عنک حولاً»[۲] «خداوندا، بارالها، کیست شیرینی جذبه و عشق تو را چشیده باشد و از دل به تو راه یافته باشد و باز غیر تو را اختیار نماید؟»
«لقد خاب من رضی دونک بدلاً و لقد خسر من بغی عنک متحولاً»[۳] «چه بدبخت شدند آنان که غیر از تو را گرفته، چه زیانی دیدند اشخاصی که به‌جز تو برای خود محبوب و معشوقی انتخاب نمودند».
«خسرت صفقة عبدٍ لم تجعل له من حبّک نصیباً»[۴] «خداوندا! نمی‌شود گفت اینان تا چه حد ضرر کرده و خسران دیدند»
«الهی وانهج لی الی محبتک سبیلاً سهلةً اکمل لی بها خیر الدّنیا والآخرة»[۵] «خداوندا پروردگارا! آخرین دعایم این است، دلم را با دوستی خود گرم ساز، تا بتوانم در پرتو آن سعادت دنیاو آخرت خویش را [...][۶] کنم».
«السّلام علیک یا اباعبدالله الحسین»

با قلبی مالامال از عشق وایمان به خدا و محبت و دل‌بستگی به رسول خدا، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ائمه اطهار و نایب برحق امام زمان(عج)، امام امت و با آگاهی کامل از انتخاب راه شهادت، بر آن شدم تا در این لحظات بسیار زیبا و شیرین، وظیفهٔ مسلمانی

---

۱- فجر/ ۲۸.
۲- مفاتیح‌الجنان، مناجات خمس عشر، مناجات نهم، مناجات المحبین.
۳- مفاتیح‌الجنان، دعای امام حسین(علیه‌السلام) در روز عرفه.
۴- مفاتیح‌الجنان، دعای امام حسین(علیه‌السلام) در روز عرفه.
۵- صحیفه سجادیه، دعای بیستم، دعای مکارم‌الاخلاق.
۶- خوانا نیست.

خود را ادا نموده و کلام‌های آخر را، به‌عنوان وصیت، در دفتر تاریخ پرعظمت خون و پیام و شهادت ثبت نمایم. همواره از خدای بزرگ طلب آن دارم یا زیارت کربلا و یا شهادت در راه حسین(علیه‌السلام) و خدای حسین(علیه‌السلام) نصیبم گردد که هر دو برایم پیروزی می‌باشد.و شکر و سپاس خدای بزرگ را که نیرویی به من عطا فرمود که بتوانم [...][1] جلوی [...][2] و هوی و هوس را گرفته و بار دگر ندای رهبر کبیر را لبیک گفته و در جبهه‌های نور، ایثار، شرف و انسانیت و این آزمایشگاه بزرگ الهی و انسانی، که خیمه‌هایش یادآور کربلای حسین(علیه‌السلام) است، شرکت نمایم. می‌دانم که به‌هیچ عنوان حسین‌گونه زندگی نکردم ولی امید از خدا دارم که در آخرین لحظات، حرّ گونه باشم و جزء اصحاب امام حسین(علیه‌السلام) پذیرفته شوم.

خانوادهٔ عزیزم، پدرم و مادر بزرگوارم! می‌دانم که فراق فرزند برای شما سخت خواهد بود. چه کنم که اسلام عزیز در خطر بود و جان‌های همهٔ ما فدای اسلام باد. خداوند به شما صبر عنایت فرماید و شما را جزء صالحین قرار دهد. و اما همسرم برای تو هم ناگوار خواهد بود که در عنفوان جوانی، همسرت را از دست بدهی، چه کنم که عهد کردم هستی من برای خدا باشد، که این‌هم با حرف درست نخواهد بود، مگر با سرمایه‌گذاری و عمل. همسرم بدان که تو همسرت را از دست ندادی بلکه بار یافتی [و] انشاءالله، با فاطمه زهرا(علیهاالسلام) و زینب کبری(علیهاالسلام) محشور خواهی شد. تنها خواهشم، ضمن آنکه زینب‌وار ادامه راه خواهی داد، تربیت تنها فرزندم [را] از یاد مبر، تا بتواند در آینده، در جبهه‌های اسلام، سربازی فداکار باشد و همه [...][3] مجالس‌های یادبود، با همان لباس بسیج و روبند لبیک یا خمینی حضور داشته باشد، تا اتمام حجت باشد برای امت حزب‌الله که دست از این امام عزیز جدا نکند و از یاری اسلام در هر شرایط غافل نشود و حرمت خون شهدا را پاس دارند.

سه تذکر دارم که همگان با گوش جان بشنوند:

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۱- درود و سلام خدا بر شما امت حزب‌الله و شهیدپرور، شما عزیزانی که رهبر به شما افتخار می‌کند. هم مسئولیت و نگه‌داری جبهه‌های جنگ با شماست و هم از دستاوردهای انقلاب در پشت جبهه پاسداری می‌کنید. امید آن است مثل همیشه در صحنه‌های نظام جمهوری که بر سه اصل: [...][1] امامت و ولایت و امت استوار می‌باشد، حضور داشته باشید و نگذارید هیچ‌کدام از اصل‌ها [...][2] بدانید و به همه خرده‌گیران از خدا بی‌خبر، که غرق در مسائل و زندگی شیطانی هستند، بگویید که انقلاب به کسی بدهکار نیست، بلکه طلبکار از همه است. امت حزب‌الله! چنان عمل کنید که زیبندهٔ شما باشد. آگاه باشید که چشمان هزاران شهید به خاک و خون تپیده و معلول بی‌دست و پا به‌دنبال حرکت شماست. حرکات و رفتار شما باید نشانگر دلبستگی و وابستگی شما به رهبر و حکومت سراسر عدل و ایمان حضرت مهدی(عج) باشد.

۲- درود و سلام خدا بر شما دانش‌آموزان و جویندگان علم و مسئولین امور تربیتی و آموزشی. برادران دانش‌آموزم! جبهه و سنگری که امروز به‌دست شماست، مطمئن باشید به عظمت و گستردگی جبهه‌های جنگ می‌باشد، استوار گام بردارید، تلاش و کوشش شبانه‌روزی شما تیری است به [...][3] استکبار شرق و غرب. بدانید اگر خدای ناکرده در این راه سستی کنید، هرگز بخشوده نخواهید شد.

[...][4] مسائل درسی خود را به سلاح ایمان و تقوا مجهز کنید، تا با سلاح ایمان و علم در جمع [...][5] پیشتاز انقلاب اسلامی آیندهٔ کشور باشید. شما برادران فرهنگی، عزیزانی که تلاش شما روشنگر راه دانش‌آموزان است، به مسئولیت سنگین خود در قبال و نقش سازندگی دانش‌آموزان، توجه داشته باشید که علی(علیه‌السلام) فرمود «قلب یک نوجوان مانند زمین حاصلخیزی است که هر چه در آن بکارند می‌روید و ریشه می‌دواند». بکارید نهال و تخم ایمان و علم را در وجود دانش‌آموزان، تا در سرایی دیگر، مزد شرافت و حرکت معلمی شما بر قلوب عزیزان دانش‌آموز [را] دریافت دارید.

---

۱- خوانا نیست.
۲- خوانا نیست.
۳- خوانا نیست.
۴- خوانا نیست.
۵- خوانا نیست.

[...][۱] و سلام خدا بر شما ورزشکاران عزیز. ای برادرانی که افتخار دیدن اولین لبخند معنوی [...][۲] از آن شماست، ای برادرانی که شهید رجایی[۳] فرمود یک پای انقلاب بر روی ورزش می‌باشد. سعی کنید میدان ورزش برای شما باعظمت و با نفْس باشد. تلاش کنید که میدان ورزش برای شما یک سکوی پرتاب و رسیدن به مقام انسانیت باشد، نه آنکه ورزش و میدان ورزش، عامل سقوط شما باشد. باید تحول معنوی در ورزش شما باشد تا همگان بدانند که ورزش، همگام با انقلاب حرکت دارد. برادران! زندگی آزمایش‌های فراوانی برای انسان به همراه دارد، سعی کنید از این آزمایشات سربلند بوده و در میدان مسابقه انسانیت، به مقام قهرمانی برسید. و شکر خدای بزرگ را که محیط‌های ورزشی آموزش و پرورش، با توجه به نیروهای مؤمن و فداکار تربیت بدنی آموزش و پرورش، تا حدودی موفق و این تحول معنوی را به خود دیده است و خط اصیل ورزش دنبال شده است که خدا یارشان باد. حرف آخرم به تو برادر ورزشکارم، که همه‌چیز تو در ورزش خلاصه شده است، بدان که تو انسانی و حرکات تو منطبق با روش انسانی نیست. بدان و آگاه باش قلبی که از نور ایمان و عشق به [...][۴] محروم باشد و چشمی که از نظر عبرت و حکمت کور باشد، گوشی که از موعظه‌های الهی محروم باشد، با قلب و چشم و گوش حیوانات فرقی ندارد. پس خود را پاک کنید و بسازید. محیط ورزش خودتان را منزه نگه‌دارید که برادرتان، رئیس مجلس شورای اسلامی، هاشمی رفسنجانی[۵] فرمودند: ورزشگاه محراب است و محراب محل عبادت که شیطان و اعمال شیطانی در آن جای ندارد. امید آنکه ورزشگاه محل رشد شیطان و عامل شیطانی نباشد. سرانجام برادر مسئول ورزش، سرپرست [و] مربی ورزش که در ارتباط با پرورش جسم ورزشکاران هستید، نخست باید شما الگو باشید. صف اول سنگرهای انقلاب از آن شما باشد، تا ورزشکارت هم به‌دنبال الگویش حرکت کند. امید آنکه همه خدمتگزار اسلام باشید.

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- خوانا نیست.

۵- ر.ک. تعلیقات.

[...][۱] امت حزب‌الله! به یاد مرگ باشید و بدانید که مرگ سفر قطعی انسان‌هاست و این راه برای همهٔ ما هست و در این راه سرمایه‌ای بهتر از تقوا پیشه کردن برای انسان وجود ندارد. پس بشتابید برای تقوا پیدا کردن. متواضع باشید برابر خدا و انبیاء، از حوادث درس بگیرید. در برابر مصیبت‌ها و مشکلات صبر نمایید و شکر خدای به‌جا آورید که خدا رحمت کند آن انسانی را که بفهمد از کجاست و در کجاست و به‌سوی کجا روان است. پس تأمل کنید و به فکر اندوختن سرمایه باشید، شاید لحظهٔ دیگر مرگ شما فرا رسد که امام باقر(علیه‌السلام) فرمود: «به خدا قسم اگر شما مردم آنچه را که در دنیای آخرت خواهید دید الآن می‌دیدید، به فکر همه چیز بودید و از ترس خدا و وحشت‌سرای آخرت، به خوبی اطاعت و بندگی خدا را می‌کردید».

انشاءالله همهٔ عزیزان، برادران و خواهران، سنگرهای انقلاب، مساجد، دعای کمیل، نماز جمعه، مزار شهدا، دعای توسل، دیدار از خانواده شهدا را فراموش نکنند. تقویت کنید این اماکن مقدس را که دشمن [...][۲] اجتماع در این مجالس وحشت دارند. همچنین عزیزان روحانی، ائمه جماعت با حضور خود در این مجالس خصوصاً دعای کمیل مزار شهدا رونقی دیگر بدهند، تا اصالت‌ها[ی] این سنگرها حفظ شود.

امت حزب‌الله! فراق تمام است، بوی کربلای حسین(علیه‌السلام) به مشام می‌رسد، آماده باشید، همه دست به دعا بردارید، تا همه با هم به قافله‌سالاری رهبر عزیز به استقبال کربلائیان بروید و قصه فراق را در کنار مرقد و بارگاه حسین عزیز بازگو کنید. در پایان از همهٔ عزیزان و برادرانی که زمانی رنجش خاطر آنها را فراهم نموده بودم، خانوادهٔ عزیز [...][۳] دوستان و آشنایان حلالیت[۴] می‌طلبم. شعار وفای به رهبر- نگه‌داری حرمت خون شهدا- پاسداری از دستاوردهای انقلاب، فراموشتان نشود.

**عطاءالله صحافی**

**۶۲/۱۲/۹ منطقه جفیر عراق**

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «هلالیت».

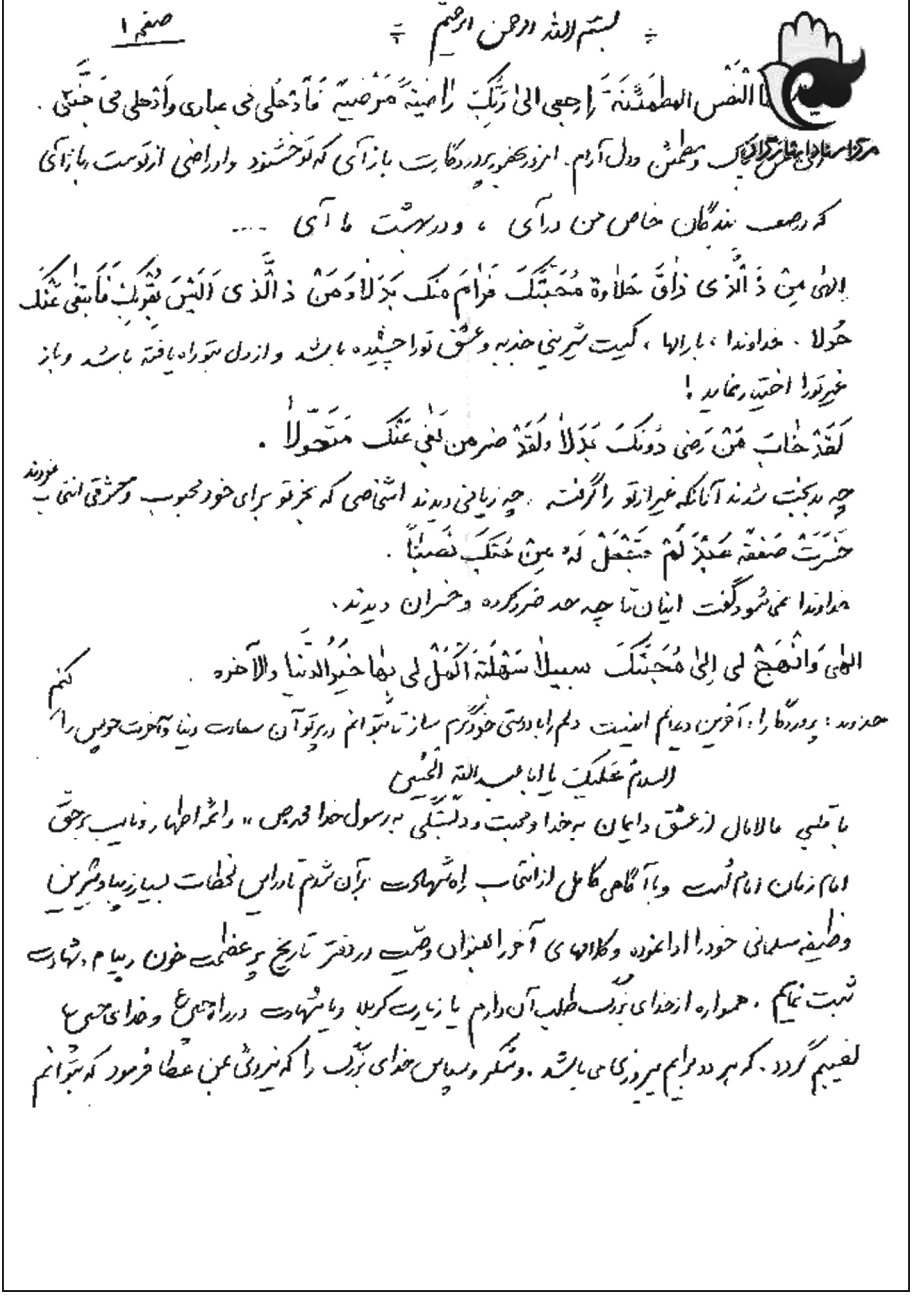

صفحه ۱

بسم الله الرحمن الرحیم

یا ایتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی .

مرقد استاد شهید مرتضی آوینی

با سلام و عشق و ایمان و اعتقاد به خدا و پیغمبر و امامان معصوم و قرآن مجید و نماز و روزه و جهاد و شهادت و ولایت فقیه و امر به معروف و نهی از منکر و با درود و سلام بر امام امت و نایب برحق امام زمان و با آگاهی کامل از اینکه راه شهادت پر از سنگلاخ و مشکلات است و با توکل به خدا و با عشق به شهادت و با امید به اینکه خداوند از من بندهٔ ناچیز خود بپذیرد و با اینکه خداوند از خون من بگذرد و با اینکه خداوند گناهان مرا ببخشد و با اینکه خداوند مرا از آتش جهنم دور گرداند و با اینکه خداوند مرا از عذاب قبر نجات دهد و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت از شرمندگی نجات دهد و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت با سربلندی محشور گرداند و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت با پیامبر و امامان معصوم محشور گرداند و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت با شهدا محشور گرداند و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت با صالحین محشور گرداند و با اینکه خداوند مرا در روز قیامت با شهدای کربلا

صفحه ۲

مرکز اسناد ایثارگران

از جلوی ... ت و هوای و هوس را گرفته و بار دیگر ندای رهبر را لبیک گفته و دو
... نور، ایثار، شرف و انسانیت و این آزمایشگاه بزرگ الهی و انسانی که خیمه‌هایش یادآور
کربلای حسین ع است شرکت نمایم میدانم که بهیچ عنوان حسین گونه زندگی نکردم ولی امید از خدا دارم
که در آخرین لحظات حر گونه باشم و جز اصحاب (ان) حسین ع پذیرفته شوم.

خانواده عزیزم پدرم و مادر بزرگوارم میدانم که فراق فرزند برای شما سخت خواهد بود چکنم که اسلام
عزیز در خطر بود و جانهای همه ما فدای اسلام باد خداوند به شما صبر عنایت فرماید و شما را جز صالحی قرار
دهد و اما همسرم برای تو هم ناگوار خواهد بود که در عنفوان جوانی همسرت را از دست بدهی چکنم
که عهد کردم هستی من برای خدا باشد که اینهم با حرف درست نخواهد بود مگر با سرمایه گذاری و عمل
همسرم بدان که تو همسرت را از دست ندادی بلکه باریافتی انشاءالله با فاطمه زهرا و زینب کبری
سلام الله محشور خواهی شد تنها خواهشم همین آنکه زینب وار ادامه راه خواهی داد تربیت
فرزندم از یاد مبر تا بتواند در آینده در جبهه های اسلام سربازی فداکار باشد و همه
مجالسهای یادبود با همان لباس بسیج و روبند لبیک با ضمنی حضور داشته باشد تا اتمام حجت
باشد برای امت حزب الله که دست از این امام عزیز جدا نکنند و از یاری اسلام در هر شرایط غافل
نشود و حرمت خون شهدا را پاس دارند.

سه تذکر دارم که همگان با گوش جان بشنوند.

- درود و سلام خدا بر شما امت حزب الله و شهید پرور شما عزیزانی که رهبر به شما افتخار می کند هم مسئولیت
و نگهداری جبهه های جنگ با شماست و هم از دست آوردهای انقلاب در پشت جبهه پاسداری
می کنید امید آن است مثل همیشه در صحنه های نظام جمهوری که بر سه اصل:

صفحه ۲

امامت و ولایت و امت استواری باشد حضور داشته باشید و بلذارید هیچکدام از اصلها
مرکز اسناد ایثارگران
و بدانید و به همه فرده گیران از خدا بی‌خبر که غرق در مسائل و زندگی شیطانی هستند
بگوئید که انقلاب به کسی بدهکار نیست بلکه طلبکار از همه است. امت حزب ا- چنان عمل
کنید که زیبنده شما باشد، آگاه باشید که چشمان هزاران شهید بخاک و خون طپیده و معلول بی‌دست و
پا بدنبال حرکت شماست حرکات و رفتار شما باید نشانگر دلبستگی و وابستگی شما به رهبر
و حکومت سراسر عدل و ایمان حضرت مهدی (عجل الله تعالی) باشد.

۲- درود و سلام خدا بر شما دانش آموزان و جویندگان علم و مسئولین امور تربیتی و آموزشی برادران
دانش آموزم جبهه و سنگری که امروز بدست شماست مطمئن باشید به عظمت و گستردگی جبهه‌های
جنگ میباشید، استوار گام بردارید، تلاش و کوشش شبانه روزی شما تیری است به قلب ناما
استکبار شرق و غرب بدانید اگر خدای ناکرده در این راه سستی کنید هرگز بخشوده نخواهید شد.
مسائل درسی خود را به سلاح ایمان و تقوا مجهز کنید تا با سلاح ایمان و علم در جمع برادران
پیشتاز انقلاب اسلامی آینده کشور باشید. شما برادران فرهنگی عزیزانی که تلاش شما روشنگر
راه دانش آموزان است به مسئولیت سنگین خود در قتال و نقش سازندگی دانش آموزان توجه داشته
باشید که طی ع فرمود «قلب یک نوجوان مانند زمین حاصلخیزی است که هرچه در آن بکارند می‌روید
و ریشه می‌دواند. بکارید نهال و تخم ایمان و علم را در وجود دانش آموزان. تا در سرای دیگر فروشگاه
و حرکت معلمی شما بر قلوب عزیزان دانش آموز دریافت دارید.

صفحه ۲

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

وسلام خدا بر شما ورزشکاران عزیز : ای برادرانی که افتخار دارید از این لحظه معنوی (از آن شما است ، ای برادرانی که شعله رجائی خروشید پای انقلاب بر روی ورزش می باشد سعی کنید میدان ورزش برای شما با عظمت و با نقش باشد. تلاش کنید که میدان ورزش برای شما یک سکوی پرتاب و رسیدن به مقام ابدیت باشد نه آنکه ورزش و میدان ورزش عامل سقوط شما باشد . باید تحول معنوی در ورزش انقلاب باشد تا همگان بدانند که ورزش همگام با انقلاب حرکت دارد . برادران عزیز زندگی آزمایشهای فراوانی برای انسان همراه دارد سعی کنید از این آزمایشات سربلند بوده و در میدان سالم این آزمایشها به مقام قهرمانی برسید . و شکر خدای را که محیط های ورزشی آموزش و پرورش با توجه به نیروهای مؤمن و فداکار تا حدودی موفق و این تحول معنوی را بخود دیده است و خط اصل ورزش دنبال برنامه است . که خدایا رسالت باد ، حرف آخرم این برادر ورزشکارم که هیچ چیز تو ورزش [illegible] خلاصه شده است بدان که توانائی و حرکات تو منطبق با وضوء ان نیت بدان و آگاه باش قلبی که از نور ایمان و عشق به خدا بی بهره باشد و چشمی که از نظر عبرت و حکمت کور باشد ، گوشی که از موعظه های الهی محروم باشد با قلب و چشم و گوش حیوانات فرقی ندارد . پس خود را پاک کنید و سازید محیط ورزش خود را نیز توجه داشته باشید که برادران عزیز همانطور که در فرمایشات اسلامی رهبر فرمودند : ورزشگاه و محراب است و محراب محل عبادت که شیطان و اعمال شیطانی در آن جائی ندارد . امید آنکه ورزشگاه محل رشد شیطان و عامل شیطانی نباشد. سرانجام برادران مسئول ورزش : سرپرست [illegible] که در ارتباط با ورزش جسم ورزشکاران هستید ، نخست باید پیام الگو باشید. صف اول سنگرهای انقلاب از آن شما باشد تا ورزشکارتان هم به دنبال الگوئی حرکت کنند امید آنکه همه سنگرها اسلام باشد

صفحه ۵

مرکز اسناد انقلاب اسلامی

حزب الله بیاد آرزو باشید و بدانید که آرزو سرمایه قطعی انسان است و این راه برای همه ما هست و راس راه سرمایه ای عمر از تقوا پیدا کردن برای انسان وجود دارد. پس شما سعی برای تقوا پیدا کردن. متواضع باشید در برابر خدا و انبیاء از حرارت درس بگیرید. در برابر مصیبتها و مشکلات صبر داشته و شکر خدای بجا آورید. که خدا رحمت کند آن انسانی را که بفهمد از کجا آمده و برگشت و بسوی کجا روان است. پس تعمل کنید و بفکر اندوختن سرمایه باشید شاید لحظاتی دیگر آرزو میکنم که ای کاش با فروع فرمود: بخدا قسم آرزو دارم آنچه را که در دنیای آخرت خواهید دید الآن میدیدید بفکر همه چیز بودید و از ترس خدا و وحشت برای آخرت بخوبی اطاعت و بندگی خدا را می کردید.

ای یاد همه عزیزان رفته و خواهران سنگر انقلاب، ساعد، رضا، کمیل، عارفم، مزار شهدا رضای قدس. در این لحظات یاد و نام شما را فراموش نکنند تقویت کنید این اشک مقدس را که دشمن را قطع و ملت را دلسرد می سازد و شما عزیزان هیچ نترسید و بدانید که امت حزب الله با حضور خود در این مجلس فرصت دعای کمیل مزار شهدا را رفتن و گریه دادند تا اصالت این سنگرها حفظ شود.

امت حزب الله عراق قیام است بپا کردن صدای حق به مشام میرسد آماده باشید همه دست به دعا بردارید تا هم با هم به قافله سالاری رهبر عزیز استقبال شایان نمودید و قطعه عراق را در کنار پرچم دارالامان صبر عزیز پاکوبی کنند. و پایان را هم عزیزان و برادرانی که زمانی بخشی از خانواده بودم خانواده بزرگ ارزوی شان و آرزو دارم طلبم. شعار زنده باد رهبر - نگهداری حرمت خون شهدا - بایدآوری ارزشها و ارزشهای انقلاب فراموشتان نشود.

عطاء الله صیفی - ۶۲/۱۲/۹

منطقه جفیر عراق

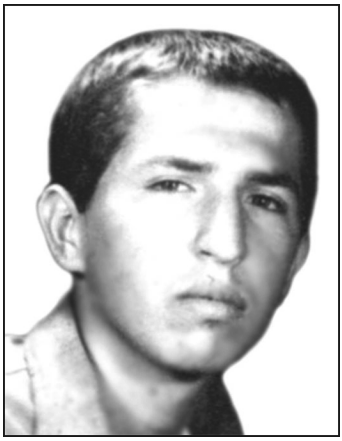

نام: **مجید**
نام خانوادگی: **صحافی**
نام پدر: **غلامرضا**
نام مادر: **سیده خانم**
تاریخ تولد: **سی‌ویکم شهریور ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **عین‌خوش**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلـزار شـهدای امـامزاده یحیـای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- برادران و خواهران من بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهاده‌ام.
- ما باید خون بدهیم، آن‌قدر کشته بدهیم تا اسلام عزیز با ظهور مهدی(عج) پیروز شود.
- شهادت تصادفی نیست، بلکه لیاقت است و سعادتی است بزرگ.
- تنها حرف من به برادران و خواهران این است که اسلام و امام را داشته باشند.
- دست از خط امام و روحانیت مبارز برندارند.

## مجید صحافی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«الّذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجةً عندالله و اولئک هم الفائزون»**[۱]

«کسانی که ایمان آوردند و در راه خدا هجرت می‌کنند و با مال و جانشان جهاد می‌کنند، به راستی که آنان رستگاران دو عالمند.» (قرآن مجید)

برادران و خواهران من بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهاده‌ام، چرا که خون سرخ شهیدان از هابیل[۲] تا حسین(علیه‌السلام) و از حسین(علیه‌السلام) تا شهدای جنوب و غرب ایران [...][۳] که چیست تو را؟ برای چه نشسته‌اید؟ آخر ما مسلمان هستیم. ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فراگرفته است. ما باید خون بدهیم، آن‌قدر کشته بدهیم تا اسلام عزیز با ظهور مهدی(عج) پیروز شود و قسط و عدل الهی در سایه توحید برقرار گردد[۴].

من به‌طور یقین درک کرده‌ام که شهادت تصادفی نیست، بلکه لیاقت است و سعادتی است بزرگ. و تنها حرف من به برادران و خواهران این است که اسلام و امام را داشته باشند که در نهایت قرآن را نیز حفظ کرده‌اند و دست از خط امام و روحانیت مبارز برندارند.

خدمت پدر و مادر عزیزم سلام، مادر عزیزم که باعث افتخار من بوده و هستی، تو که از شیرهٔ جان برای من دریغ نکردی، من هم چون قدرت تلافی آن را نداشتم، قدم در این راه که راه خمینی است و همان راه دلخواه من و تمامی مسلمانان بود، گذاشتم که شاید به کمک بقیه برادران، راه کربلای حسین(علیه‌السلام) را باز کنیم و خواهیم کرد.

پدر و مادر عزیزم و بهتر از جانم، امیدوارم که من اگر در این جنگ حق بر [علیه] باطل شهید شدم، هیچ‌وقت مرا فراموش نکنید و همیشه به یاد من باشید. پدر و مادر عزیزم

---

۱- توبه/ ۲۰.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت عباراتی افتاده است.

۴- در اصل وصیت «کرده».

امیدوارم که شما همیشه در زندگی شاد و پیروز باشید. از همهٔ شما تا قیامت خداحافظی می‌کنم و امیدوارم که هر وقت شهید شدم، هیچ ناراحت نباشید، بلکه افتخار کنید [که] پسری در راه اسلام و مملکت خود داده‌اید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

وصیت نامه شهید مجید صحافی

بسم رب الشهداء والصدیقین

تا ظلم روی زمین است باید خون بدهیم

شهید نظر می‌کند به وجه الله

(امام خمینی)

تکبیرهای امت حزب الله است که پشت آمریکا و ایادی مزدورش را در منطقه می‌لرزاند و مجال تجاوز به ملتهای ضعیف را نمی‌دهد شهید مجید صحافی که همواره در خدمت اسلام و انقلاب بوده و در این راه فعالیتهای چشمگیری کرده و خلاصه با شرکت در جبهه حق علیه باطل خون پاکش را نثار انقلاب و اسلام کرد یادش گرامی و راهش پر رهرو باد

وصیت نامه شهید مجید صحافی بشرح زیر است

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین امنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه اولئک هم الفائزون. کسانی که ایمان آوردند و در راه خدا هجرت می‌کنند و به با مال و جانشان جهاد می‌کنند براستی که آنان رستگاران دو عالمند (قرآن مجید)

برادران و خواهران من بدانید که من آگاهانه در این راه قدم نهاده ام چرا که خون سرخ شهیدان از هابیل تا حسین (ع) و از حسین تا شهدای جنوب و غرب ایران که چیست ترا؟ برای چه نشسته اید آخر ما مسلمان هستیم ما در عصری زندگی می‌کنیم که ظلم سراسر جهان را فرا گرفته است ما باید خون بدهیم آنقدر کشته بدهیم تا اسلام عزیز با ظهور مهدی (ع) پیروز شود و قسط و عدل الهی در سایه توحید برقرار کرده من بطور یقین درک کرده ام که شهادت تصادفی نیست بلکه لیاقت است و سعادتی است بزرگ و تنها حرف من به برادران و خواهران این است که اسلام و امام را داشته باشند که در نهایت قرآن

را نیز حفظ کرده اند و دست از خط امام و روحانیت مبارز برندارند.

خدمت پدر و مادر عزیزم سلام، مادر عزیزم که باعث افتخار من بوده و هستی تو که از شیرهٔ جان برای من دریغ نکردی من هم چون قدرت تلافی آن را نداشتم. قدم در این راه که راه خمینی است و همان راه دلخواه من و تمامی مسلمانان بود گذاشتم که شاید به کمک بقیّه برادران راه کربلای حسین (ع) را باز کنیم و خواهیم کرد.

پدر و مادر عزیزم و بهتر از جانم امیدوارم که من اگر در این جنگ حق بر باطل شهید شدم هیچوقت مرا فراموش نکنید و همیشه بیاد من باشید پدر و مادر عزیزم امیدوارم که شما همیشه در زندگی شاد و پیروز باشید از همه شما تا قیامت خداحافظی می‌کنم و امیدوارم که هر وقت، شهید شدم هیچ ناراحت نباشید بلکه افتخار کنید پسری در راه اسلام و مملکت خود داده اید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

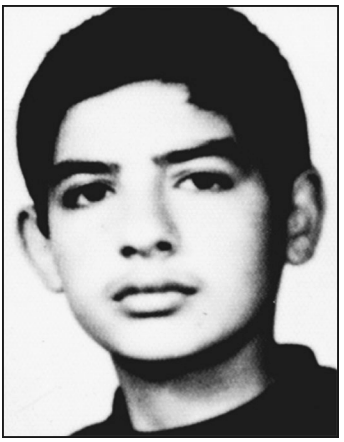

نام: **رمضان**
نام خانوادگی: **صحرایی**
نام پدر: **محمدحسن**
نام مادر: **صغرابیگم**
تاریخ تولد: **یکم خرداد ۱۳۴۸**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- گمان نبرند ما به‌خاطر مسائل دنیوی به جبهه رو آورده‌ایم، بلکه تمام هدف و انگیزه‌مان یاری اسلام است.
- این را دشمنان اسلام بدانند که ما برای حفظ و نگهبانی مرزهای اسلام به‌پا خاسته‌ایم.
- در مقابل سختی‌ها و مشکلات، صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم.
- چگونه می‌توانیم ببینیم که دشمنانمان دست به یکی کرده‌اند ودر مقابل اسلام صف‌آرایی می‌کنند و ما خاموش بنشینیم.
- ای امت شهیدپرور، وحدت را، وحدت را مستحکم‌تر از پیش داشته باشید.
- فریاد برمی‌آورم که تنها راه پیروزی و رسیدن به کربلا وحدت است و وحدت.
- خود را برای یک رزم بی‌امان آماده کنید که فردا دیر است.
- نماز را به‌پای دارید.
- در کلاس‌های مذهبی و نمازها و آموزش‌های نظامی شرکت کنید.
- در مقابل مشکلات استقامت کنید.

## رمضان صحرایی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه و منهم من ینتظر و ما بدّلوا تبدیلاً»**[۱]

شکر خداوند توانا را که به ما توفیق داد در راه او به جهاد و مبارزه برخیزیم و یک قدم به عقب ننهیم و درود فراوان بر شهیدان عزیزی که جان خودشان را در راه رضای خدا دادند و سلام بیکران بر یگانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع عالی‌قدر امام خمینی.

آنچه که همه ما را متعهد به آن گردانیده است، این می‌باشد که وفادار به خون پاک شهدایمان باشیم. اگر یک لحظه بلغزیم، سقوط و نابودی عاقبت کار است، پس همه بیاییم با هم، پاسداری از خون شهدا بنماییم و از هر چیزی که به آن علاقه داریم در راه دوست بدهیم. بی‌تفاوتان گمان نبرند که ما به‌خاطر مسائل دنیوی به جبهه رو آورده‌ایم، بلکه تمام هدف و انگیزه‌مان یاری اسلام است و اطاعت و فرمانبرداری از امام امت، خمینی بت‌شکن. این را دشمنان اسلام بدانند که ما برای حفظ و نگهبانی مرزهای اسلام به‌پا خاسته‌ایم واز هیچ چیز هراس نداریم. در مقابل سختی‌ها و مشکلات، صبر و شکیبایی پیشه می‌کنیم و در برابر کمبودها و کاستی‌ها، دست و پنجه نرم می‌نماییم.

چگونه می‌توانیم ببینیم که دشمنانمان دست به یکی کرده‌اند ودر مقابل اسلام صف‌آرایی می‌کنند و ما خاموش بنشینیم. ای امت شهیدپرور، وحدت را، وحدت را مستحکم‌تر از پیش داشته باشید. این را به‌عنوان یک شعار نمی‌گویم، بلکه از تجربیات تلخ گذشته که بر اسلام وارد آمده، فریاد برمی‌آورم که تنها راه پیروزی و رسیدن به کربلا وحدت است و وحدت.

به خانوده و آشنایان و دیگر دوستان سفارش می‌کنم از دو چیز کمک بجویند، صبر و اتکاء به خداوند که به‌وسیلهٔ نماز می‌توان آن را به‌دست آورد. دوستان عزیز گرامی: این مطلب را به گروه مقاومت امام تأکید می‌کنم که انسجامتان را از دست ندهید. شهدای شما زحمت‌ها کشیده‌اند و برای برقراری آن خون‌دل‌ها خورده‌اند. در تشکیلات از آنچه که

---

۱- احزاب/ ۲۳. در اصل وصیت «قضا».

بیهوده است، پرهیز کنید. رابطه‌تان را نسبت به افراد بیشتر کنید واز آنان به‌نحو احسن استفاده نمایید. خود را برای یک رزم بی‌امان آماده کنید که فردا دیر است.

و در آخر چند کلامی را برای دوستان و خانواده‌ام متذکر می‌شوم. پدرم و مادر گرامیم! من می‌دانم که شاید حق فرزندی را در برابر شما ادا نکرده باشم ولی از شما معذرت می‌خواهم و از شما خواهران و برادرانم می‌خواهم که درس را بخوانید و نماز را به‌پای دارید. خانوادهٔ عزیزم! اگر خداوند توفیقی عنایت فرمود و امانتش را از شما گرفت، نگران نباشید و امیدوارم که در روز قیامت خداوند در جوار امام حسین(ع) جایتان دهد و نیز صبر داشته باشید. و شما ای برادران محصل، امیدان آینده انقلاب! درس را به‌نحو احسن بخوانید تا در آینده بتوانید خدمتی برای خدا انجام داده باشید و نیز در کلاس‌های مذهبی و نمازها و آموزش‌های نظامی شرکت کنید و در مقابل مشکلات استقامت کنید و نیز ما را ببخشید. خداوند همگی شما را موفق و مؤیدتان بدارد. خدا یار و یاور شما باشد. انشاءالله.[1]

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**رمضان صحرایی**

---

۱- ذیل وصیت نوشته شده «وصیت‌نامهٔ برادر رمضان صحرایی».

بسم الله الرحمن الرحیم

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه ومنهم من ینتظر وما بدلوا تبدیلا

شکر خداوند توانا را که به ما توفیق داد در راه او به جهاد و مبارزه برخیزیم و یک قدم به عقب ننهیم

و درود فراوان بر شهیدان عزیزی که جان خودشان را در راه مرضات خدا دادند و سلام بیکران بر

یگانه رهبر کبیر انقلاب اسلامی و مرجع عالیقدر امام خمینی.

آنچه که همه ما را متعهد به آن گردانیده است این می باشد که وفادار به خون پاک شهدا ایمان باشیم

اگر یک لحظه بلغزیم سقوط و نابودی عاقبت کار است پس همه بیائیم با هم پاسداری از خون

شهدا بنمائیم و از هر چیزی که به آن علاقه داریم در راه دوست بدهیم. بی تفاوتان گمان

نبرند که ما بخاطر مسائل دنیوی به جبهه رو آورده ایم بلکه (تمام هدف و انگیزه امان یاری

اسلام است و اطاعت و فرمانبرداری از امام امت خمینی بت شکن. این را دشمنان

اسلام بدانند که ما برای حفظ و نگهبانی مرزهای اسلام بپا خاسته ایم و از هیچ چیز

هراس نداریم در مقابل سختی ها و مشکلات صبر و شکیبائی پیشه می کنیم و در برابر کمبودها و

کاستی ها دست و پنجه نرم می نمائیم.)

چگونه می توانیم ببینیم که دشمنانمان دست به یکی کرده اند و در مقابل اسلام صف آرائی میکنند و ما

خاموش بنشینیم (ای امت شهید پرور وحدت را وحدت را مستحکم تر از پیش داشته باشید

این را به عنوان یک شعار نمی گویم بلکه از تجربیات تلخ گذشته که بر اسلام وارد آمده فریاد

برمی آورم که تنها راه پیروزی و رسیدن به کربلا وحدت است و وحدت.)

به خانواده و آشنایان و دیگر دوستان سفارش می‌کنم. از دو چیز کمک بجویید صبر و اتکاء بخداوند
که بوسیله نماز میتوان آنرا بدست آورد. دوستان عزیز گرامی: این مطلب را به گروه مقاومت امام
تأکید می‌کنم که انسجام‌تان را از دست ندهید. شهدای شما زحمت‌ها کشیده‌اند و برای برقراری
آن خون دلها خورده‌اند در تشکیلات از آنچه که بیهوده است پرهیز کنید. رابطه‌اتان را
نسبت به افراد بیشتر کنید و از آنان بنحو احسن استفاده نمائید. خود را برای یک رزم بی امان
آماده کنید که فردا دیر است.

و در آخر چند کلامی را برای دوستان و خانواده‌ام متذکر می‌شوم: پدرم و مادر گرامیم من می‌دانم که شاید
حق فرزندی را در برابر شما ادا نکرده باشم ولی از شما معذرت می‌خواهم و از شما خواهران و
برادرانم می‌خواهم که درس را بخوانید و نماز را بپای دارید. خانواده عزیزم اگر خداوند توفیقی
عنایت فرمود و امانتش را از شما گرفت نگران نباشید و امیدوارم که در روز قیامت خداوند
در جوار امام حسین (ع) جایتان دهد و نیز صبر داشته باشید. و شما ای برادران مفصل امیدوارم آینده انقلاب
درس را بنحو احسن بخوانید تا در آینده بتوانید خدمتی برای خدا انجام داده باشید و نیز در کلاسهای
مذهبی و نمازها و آموزشهای نظامی شرکت کنید و در مقابل مشکلات استقامت کنید و نیز ما را ببخشید
خداوند همگی شما را موفق و مؤیدتان بدارد. خدایا رو یاور شما باشد انشاءالله.

والسلام علیکم و الرحمة الله و برکاته

وصیتنامه برادر رمضان صحرائی

رمضان صحرائی

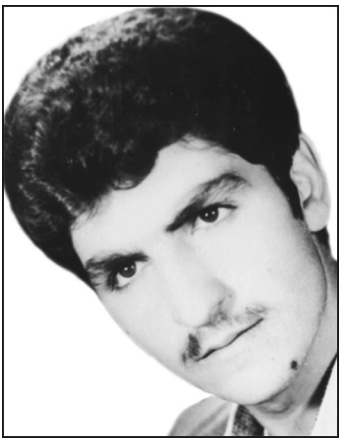

نام: **عباس**
نام خانوادگی: **صحرایی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **یکم مرداد ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **چهارم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **سردشت**
**نحو**ۀ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- قدرت اسلام قدرتی است که تمام ابرجنایتکاران را نابود خواهند کرد.
- آخرین قطرۀ خون خود مبارزه کنید.
- ضدانقلاب و تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب را به ترس و زبونی وادارید.
- باید افتخار کنید هدیه کوچک برای انقلاب و برای اسلام دادید.
- ناراحت نباشید و پشتیبانی خودتان را از امام و رزمندگان دریغ نکنید.
- در تمام نماز جماعت‌ها شرکت کنید.
- برای من فقط قرآن بخوانید و صلوات بفرستید.
- امام را دعا کنید و پشتیبانی خودتان را از ایشان ادامه دهید.

## عباس صحرایی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«و لا تحسبن الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربّهم یرزقون»**[۱]

برای پیروزی اسلام و برای آزادی وطن عزیز، جز مبارزه کردن راهی دیگر نیست، چون دشمن زبون از هر حیله‌ای ناامید گشته است، حالا اسلحه دست گرفته و به خیال خودش آماده است که اسلام و جوانان و مردم را ضربه زند، فکر این نکرده است که جوانان از مرگ ترسی ندارند و به قول امام «شهادت برای آنها پیروزی است»[۲] و به عزمی راسخ آنها را به زباله‌دان تاریخ خواهند انداخت و آنها را نابود خواهند کرد. چون امام عزیز و رهبر کبیر ما فرموده است «آمریکا و صدام و ضدانقلاب با مبارزهٔ شما رزمندگان نابود خواهند شد و طاقت روبه‌رویی با اسلام را ندارند».[۳] قدرت اسلام قدرتی است که تمام ابرجنایتکاران را نابود خواهند کرد. ای مردم غیور ایران برخیزید و مثل تمام رزمندگان سلاح بر دست برای آزادی قدس[۴] و تمام سرزمین‌های اسلام که الآن در دست نوکران آمریکا است. و شما ای رزمندگان تا آخرین قطرهٔ خون خود مبارزه کنید. و کوچکترین ترس و واهمه‌ای به خود راه ندهید و ضدانقلاب و تمام ابرقدرت‌های شرق و غرب را به ترس و زبونی وادارید و درخت انقلاب را بارورتر وانقلاب را به پیروزی [...][۵] که همانا آزادی قدس و مکه و غیره می‌باشد برسانید. همچنین پشتیبانی خودتان را از [...][۶] است حتی لحظه‌ای کوتاه هم قطع نکنید انشاءالله.

---

۱- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۲- «... جوانان ما شهادت را سعادت خودشان می‌دانند، این رمز پیروزی بود» (تبیان، دفتر شانزدهم جوانان از دیدگاه امام خمینی، ص ۵۷).

۳- حضرت امام در سخنان متعددی به همراهی آمریکا و صدام و ضدانقلاب اشاره کرده است، از جمله همراهی آمریکا با صدام در جنگ تحمیلی و همراهی آمریکا با ضدانقلاب در تحرکات داخلی. (ر.ک. صحیفه امام ذیل آمریکا، ج۱۶، ص۳۶۳، ج ۵، ص ۷۹- ۱۴۵- ۱۷۳- ۱۷۴ و...).

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- خوانا نیست.

۶- خوانا نیست.

ای پدر خوبم! باید مرا ببخشید که نتوانستم خدمتی به شما بکنم. می‌دانم با چه زحمتی مرا به این حد رساندی و از من بهره نبردید، امیدوارم بهره و کمک عوض من را از خداوند و از ولی‌عصر(عج) بگیرید. باید افتخار کنید هدیه کوچک برای انقلاب و برای اسلام دادید. ناراحت نباشید و پشتیبانی خودتان را از امام و رزمندگان دریغ نکنید.

ای مادر گرامی زحمتکش من! در فراق هرگز نگران مباش، چون راهی که من رفته‌ام راه اسلام و راه هزاران شهید است. مادر گرامی می‌دانم با زحمت‌های شبانه‌روزی و رنج‌ها برای من کشیده‌اید، مرا حلال کن، مرا ببخش که نتوانستم کمک و یاری به شما بکنم. و سرافراز باشید، چون مادر رزمنده و یک شهید هستید. و شما ای خواهران من ای عزیزان من! باید مرا ببخشید که نتوانستم برای شما کاری کنم و شماها را به بعضی از آرزوهایتان برسانم. من برای شما کاری جز ناراحت کردن شما نکردم و برای شما آرزوی موفقیت و آرزوی یک زندگی خوب را دارم.

از داماد عزیزم تشکر کنید و به ایشان بگویید پشتیبانی خودتان را از امام و رزمندگان قطع نکنید. به ایشان بگویید اینجا همه چیز برای من روشن شد.

از تمام دائی‌ها تشکر کنید از تمام خاله‌ها تشکر و لباس‌های مرا برای جبهه بفرستید. برای من خرج نکنید و ناراحت نباشید. عکس مرا هر کس می‌خواهد به او بدهید. به خواهرم فاطمه بگویید هر جمعه برای من سوره‌ای از قرآن بخواند تا شاید در آن دنیا عذاب من کمتر باشد. در تمام نماز جماعت‌ها شرکت کنید. برای من فقط قرآن بخوانید و صلوات بفرستید. سلام مرا به تمام خویشان و آشنایان و همسایه‌ها و رفیقانم برسانید و از آنها تشکر کنید. امام را دعا کنید و پشتیبانی خودتان را از ایشان ادامه دهید.

**عباس صحرایی**

**۶۱/۷/۳۰**

بنام خدا

بسم الله الرحمن الرحیم

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

برای پیروزی اسلام و برای آزادی وطن عزیز جز مبارزه کردن راهی دیگر نیست چون
دشمن زبون از هر حیله ای نا امید گشته است حالا اسلحه دست گرفته و به خیال خودش
آماده است که اسلام و جوانان و مردم را ضربه زند فکر این نکرده است که جوانان
از مرگ ترسی ندارند و به قول امام شهادت برای آنها پیروزی است و به عزمی راسخ
آنها را به زباله دان تاریخ خواهند انداخت و آنها را نابود خواهند کرد چون امام
عزیز و رهبر کبیر ما فرموده است امریکا و صدام و ضد انقلاب با مبارزه شما رزمندگان
نابود خواهند شد و طاقت روبروی با اسلام را ندارند قدرت اسلام قدرتی است
که تمام ابرجنایتکاران را نابود خواهند کرد ای مردم غیور ایران برخیزید و مثل تمام
رزمندگان سلاح بردست برای آزادی قدس و تمام سرزمینهای اسلام که الآن
در دست نوکران امریکا است و شما ای رزمندگان تا آخرین قطره خون خود مبارزه کنید
و کوچکترین ترس و واهمه ای به خود راه ندهید و ضد انقلاب و تمام ابرقدرتهای شرق
و غرب را به ترس و زبونی وادارید و درخت انقلاب را بارورتر و انقلاب را به پیروزی نمایید
که همانا آزادی قدس و مکه و غیره می باشد برسانید همچنین پشتیبانی خودتان را از امام
است حتی لحظه ای کوتاهم قطع نکنید انشاالله.

ای پدر خوبم باید مرا ببخشید که نتوانستم خدمتی به شما بکنم می دانم با چه زحمتی مرا به این
حد رساندی و از این بهره نبردید امیدوارم بهره و کمک عوض من را از خداوند و از
ولی عصر بگیرید باید افتخار کنید هدیه کوچک برای انقلاب و برای اسلام دادید.

ناراحت نباشید و پشتیبانی خودتان را از امام و رزمندگان دریغ نکنید.

ای مادر گرامی زحمتکش من در فراق هرگز نگران مباش چون راهی که من رفته‌ام راه اسلام
و راه هزاران شهید است. مادر گرامی می‌دانم با زحمتهای شبانه روزی و رنجها برای من کشیده‌اید
مرا حلال کن مرا ببخش که نتوانستم کمک و یاری به شما بکنم و سرافراز باشید چون مادر رزمنده
و یک شهید هستید و شما ای خواهران من ای عزیزان من باید مرا ببخشید که نتوانستم برای شما
کاری کنم و شما ها را به بعضی از آرزوهایتان برسانم من برای شما کاری جز ناراحت کردن شما
نکردم و برای شما آرزوی موفقیت و یک زندگی خوب را دارم.

از داماد عزیزم تشکر کنید و به ایشان بگویید پشتیبانی خودتان را از امام و رزمندگان قطع نکنید به
ایشان بگویید اینجا همه چیز برای من روشن شده.

از تمام دائی‌ها تشکر کنید از تمام خاله‌ها تشکر کنید و لباسهای مرا برای جبهه بفرستید برای من خرج نکنید
و ناراحت نباشید عکس مرا هر کس می‌خواهد به او بدهید به خواهرم فاطمه بگویید هر جمعه برای من
سوره‌ای از قرآن بخواند تا شاید در آن دنیا عذاب من کمتر باشد در تمام نماز جماعتها شرکت
کنید برای من فقط قرآن بخوانید و صلوات بفرستید سلام مرا به تمام خویشان و آشنایان
و همسایه‌ها و رفیقانم برسانید و از آنها تشکر کنید امام را دعا کنید و پشتیبانی خودتان را
از ایشان ادامه دهید.

عباس صحرائی ۶۱/۷/۳۰



نام: **غلامعلی**
نام خانوادگی: **صداقتی**
نام پدر: **عباسعلی**
نام مادر: **زهرا**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۳۳**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **سی‌ویکم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- از روی شناخت کامل، جهت یاری دادن به دیگر رزمندگان کفرستیز لشکر توحید، به جبهه آمدم.
- امروز روزی است که باید خوب از بد، حسینی از یزیدی و حزب‌اللهی از خطوط انحرافی، به‌خوبی تمیز داده شود. امروز دیگر حجت بر همهٔ ما تمام گشته.
- عزیزان من، برادران عزیز، امروز روز امتحان است.
- آنجا که مسئله جهاد باشد، باید زحمت‌ها و مشقت‌ها را به جان و دل خرید.
- اگر شیعه علی(علیه‌السلام) و پیرو حسین(علیه‌السلام) هستیم، امروز بهترین روز آزمایش است.
- باید با استقامت و توکل به خدا سلاح افتادهٔ شهید را برگیرید.
- همسرم هم‌چون زینب صابر و شکیبا باش.
- دست از حمایت ولایت فقیه برندارید.
- امام عزیز را تنها نگذارید.

## غلامعلی صداقتی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لاتحسبنّ الّذین قتلوا[۱] فی سبیل الله امواتاً بل احیاءٌ عند ربهم یرزقون»**[۲]

«گمان نکنید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه زنده‌اند و در نزد خدایشان روزی می‌خورند».

به‌نام خدا که مرا آفرید و به‌نام او که زنده به اویم و به‌سوی او بازمی‌گردم. با درود و سلام فراوان بر آقا امام زمان(عج) و درود و سلام فراوان بر یکتا مرجع عالیه تشیع، حضرت امام خمینی.

با سلام و درود فراوان بر شهدای گلگون کفن انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی.

سلام بر خانواده‌های معظم شهدا، اسرا، مفقودین، مجروحین و معلولین جنگ تحمیلی. اینک که بنا به وظیفهٔ شرعی در جبهه می‌باشم، با توجه به اینکه استکبار جهانی این جنگ خانمان‌سوز را به جمهوری اسلامی عزیز تحمیل نمود، لازم دانستم چند نکته‌ای به‌عنوان وصیت عرض کنم. امید است با بذل توجه و عنایت خداوند منان همگی ما مورد هدایت و عفو و بخشش خدای بزرگ قرار گیریم. اینک با توجه به رهنمودهای امام عزیز که فرمودند «مسئله جنگ باید در رأس همهٔ امور قرار گیرد و جوانان مجهز شوند و کار جنگ را یکسره کنند»[۳]، آگاهانه و از روی شناخت کامل، جهت یاری دادن به دیگر رزمندگان کفرستیز لشکر توحید، به جبهه آمدم. خدای بر من منت نهاده و هیچ‌گونه منتی بر کسی ندارم ولی به مفهوم شعر بسیار زیبا و شیوا که می‌فرماید:

خوش بود گر محک تجربه آید به میان　　تا سیه روی شود هر که در او غش باشد[۴]

امروز به مفهوم شعر فوق، روزی است که باید خوب از بد، حسینی از یزیدی و حزب‌اللهی از خطوط انحرافی، به‌خوبی تمیز داده شود. امروز دیگر حجت بر همهٔ ما تمام گشته و چه لایق مردمی که در این عصر امامی پیامبرگونه، ما را هدایت و رهبری می‌کند و

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۳- صحیفه امام، ج ۱۹، ص ۱۴۸.

۴- شعر از حافظ است.

چه زشت است کسی بیان امام [و] رهنمودهای نبی‌گونه آن حضرت را بشنود و هم‌چنان پس از ۶ سال انقلاب بی‌تفاوت و بی‌توجه باشد.

عزیزان من، برادران عزیز، امروز روز امتحان است. روز یاری کردن اسلام و پسر فاطمه. برادرانم همیشه و همه‌جا شهیدان و اسیران و مفقودین را به‌خاطر و در نظر بیاورید و تفکر و تعمق کنید که برای چه بهترین سرمایهٔ خود، یعنی جان خود را هدیه کردند و خون پاکشان را جهت آبیاری اسلام عزیز انفاق نمودند. راستی مگر آن عزیزان که در جبهه می‌ستیزند و بسیاری از آنها شهید، اسیر و مفقود شدند، عاطفه و علاقه نسبت به پدر و مادر و همسر و فرزند و دنیا نداشتند؟ مگر این احساس را نداشتند که روی تشک نرم خوابیدن، آسایش و آرامش و لذت‌بخش می‌باشد؟

چرا! همهٔ آن عزیزان درک می‌کنند ولی آنجا که مسئله جهاد باشد، باید زحمت‌ها و مشقت‌ها را به جان و دل خرید، زیرا حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید: اگر هزار ضربت شمشیر بر فرق سرم فرود آید و پیکرم را قطعه قطعه کنند، بهتر است که در بستر بمیرم. ولی دیگر ما که شیعه علی(علیه‌السلام) هستیم، چه بگوییم؟ آیا در زمانی که دشمنان، ناجوانمردانه از داخل و خارج، جمهوری اسلامی را تهدید و زنان و فرزندان ایمانی و بی‌گناه این مرزو بوم را به‌خاک و خون می‌کشند باید بی‌توجه باشیم و ذلت را به جان بخریم؟

اگر شیعه علی(علیه‌السلام) و پیرو حسین(علیه‌السلام) هستیم، امروز بهترین روز آزمایش است. عزیزانم ادامه دادن راه شهدا تنها به شعار نیست. به نظر حقیر هیچ‌یک از شهدا حاضر و راضی نخواهند بود در این برهه از زمان که جنگ بر ما تحمیل و در محاصرهٔ اقتصادی هستیم، کارها، اداره‌ها، مدارس و دبیرستان را تعطیل کنید و جهت تشییع جنازه شهدا، شعار شهید راهت ادامه دارد را سر دهید. باید با استقامت و توکل به خدا سلاح افتادهٔ شهید را برگیرید و جان در طبق اخلاص، این راه را که راه حسین‌گونه است، ادامه دهید.

و اینک سخنی با پدرم، پدر عزیزم می‌خواهم همچون یعقوب[۱] که سالیان سال دوری فرزندش را تحمل کرد، با صبر و شکیبایی دوری دو فرزندت را تحمل کنید. اگر لیاقت شهادت را یافتم، از شهادتم خم به ابرو نیاوری. با صبر و استقامت دل سیاه منافقین[۲] را بشکن. و تو برایم زحمت زیادی کشیدی، افسوس که نتوانستم در این دنیا محبت‌هایت را پاسخگو باشم و اگر از من بدی دیدی مرا ببخش و از تو طلب آمرزش دارم.

مادرم می‌دانی که «اگر انسان در بلندترین قله‌ها و برج‌های رفیع باشد، باید بمیرد»[۳]، پس چه بهتر که من سراغ مرگ بروم، آن هم مرگ باعزت که حسین(علیه‌السلام) سرور شهیدان آن را برگزید و انتخاب نمود. اگر شهید شدم، برای من گریه نکنید، زیرا با شجاعت و شهامتی که از تو سراغ دارم، افتخار خواهی کرد، همان‌گونه که برادرم مفقود شد، شکرگزار و ثناگوی خداوند بودی و می‌گفتی خدایا راضیم به رضای تو. مادرم مجلسم را به نام من برپا نکنید، به نام شهدای گمنام و برادرم محمدعلی.

مادرم تو اجری بس بزرگ در نزد خدای داری و دعای تو زود مستجاب می‌شود. دست‌هایت را بالا ببر و برای سلامتی «پیر جماران»[۴] این قلب تپندهٔ عالم بشریت و برای سلامتی فقیه بزرگوار حضرت آیت‌الله منتظری[۵] و محو و نابودی دشمن ولایت فقیه و دشمن روحانیت مبارز، مخصوصاً شایعه‌پراکنان شهرمان که بر علیه امام جمعهٔ عزیز شهرمان و دیگر روحانیت عزیز شهرمان شایعه‌پراکنی می‌کنند، دعا کن و مرا عفو کن. انشاءالله اگر لیاقت داشته زحمت‌های تو رادر آن دنیا قدردانی می‌کنم.

و اما سخنی با همسرم، همسرم همچون زینب صابر و شکیبا باش و تمنا دارم از فرزندانم به خوبی مواظبت و نگه‌داری [کنی] و آنان را به تعالیم اسلامی آشنا و واقف سازی. همیشه به یاد واقعهٔ کربلا و مصیبت و شکنجه‌هایی که بر شیرزن کربلا روا داشتند

---

۱- اشاره دارد به داستان حضرت یعقوب که در فراق فرزندش یوسف سال‌ها تحمل فراق کرد تا آنجا که نابینا گشت. شعر سوزناک حافظ نیز بدین موضوع قرآنی- تاریخی اشاره دارد.

یوسف گم‌گشته باز آید به کنعان غم مخور　　کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- سخن شهید ترجمه این آیه قرآن است «اینما تکونوا یدرککم الموت ولو کنتم فی بروج مشیدة» (نساء/ ۷۸).

۴- غرض حضرت امام خمینی است.

۵- ر.ک. تعلیقات.

باش. همسرم وصیت‌نامه‌ای که خانوادگی [است] برایت می‌فرستم، هر کس حقی بر گردن این حقیر دارد ادا نمایید.

در خاتمه از برادران و خواهران عزیزم التماس دعا دارم. آخرین پیامم این است که دست از حمایت ولایت فقیه برندارید، امام عزیز را تنها نگذارید. اگر عزیزان به زیارت امام عزیز مشرف شدند، سلام مرا به امام برسانید. در این دنیا موفق به زیات امام نشدم انشاءالله در آن دنیا با سرورم حسین(علیه‌السلام) و رهبرم روح خدا محشور گردم. آمین یا رب العالمین. در اینجا هر بامداد دجله و فرات را به چشم می‌بینم و بوی تربت[۱] حسین(علیه‌السلام) به مشامم می‌رسد. از زواران[۲] آن حضرت- که انشاءالله[۳] به زودی راه کربلا باز می‌شود- التماس دعا دارم. سلام ما را برسانید از همگی التماس دعا دارم.

**«والسلام»**

**مورخه ۶۴/۱۱/۲۶**

**غلامعلی صداقتی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

امشب شب دوشنبه مورخه ۶۴/۱۱/۲۷ می‌باشد که بعد از عملیات پیروزمند والفجر[۴] ۸ در منطقه خرمشهر جزیره ام‌الرصاص[۵] به منطقه فاو[۶] در جنوب عراق عازم هستم. اگر لیاقت شهادت یافتم، از دیگر عزیزان می‌خواهم مرا عفو کنید. چون فرصت نوشتن وصیت‌نامه جدید نداشتم همین وصیت‌نامه مورد اعتبار می‌باشد.

ضمناً مبلغ دویست هزار ریال به پدرم جهت خرید خانه بدهکارم، پرداخت شود. مبلغ بیست هزار ریال به دایی شیخ بدهکارم، آن هم پرداخت شود. مبلغ احتمالاً ۴۲۰ تومان

---

۱- در اصل وصیت «تربت».

۲- دراصل وصیت «دُواران».

۳- در اصل وصیت «اینشاءالله».

۴- ر.ک. تعلیقات.

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- ر.ک. تعلیقات.

بابت خرید کتاب به مرتضی صداقتی پسردایی[1]ام بپردازید. دیگر عرضی ندارم و مبلغ ۱۸۰۰ تومان بابت سهمین امام به حجت‌الاسلام حاج سید محمود ترابی پرداخت کنید. از دایی شیخ برایم حلالیت بطلبید و ایشان به‌خاطر مسائلی مرا عفو کند، به سال ۶۰ یا ۵۹ برمی‌گردد، نمی‌توانم توضیح بدهم، و مبلغ دو هزار تومان از طرف من صدقه بدهید. دیگر عرضی ندارم و همهٔ شما را به خدای بزرگ می‌سپارم، دیدار به قیامت، فدای شما غلام.

**وصیت‌نامه برادر حقیر غلامعلی صداقتی**
**به تاریخ ۶۳/۱۱/۶**
**التماس دعا از همهٔ شما عزیزان**

۱- در اصل وصیت «دائی».


انقلاب اسلامی ما در تداوم پیروزیش حالا حالاخون شهادت میطلبد. شهید مظلوم آیت بهشتی
اولیا... مرگ بصورت شهادت را بلاشرط از خدا طلب میکنند. آیه... شهید مرتضی مطهری
این وصیت نامه انسان را میلرزاند و بیدار میکند. امام خمینی

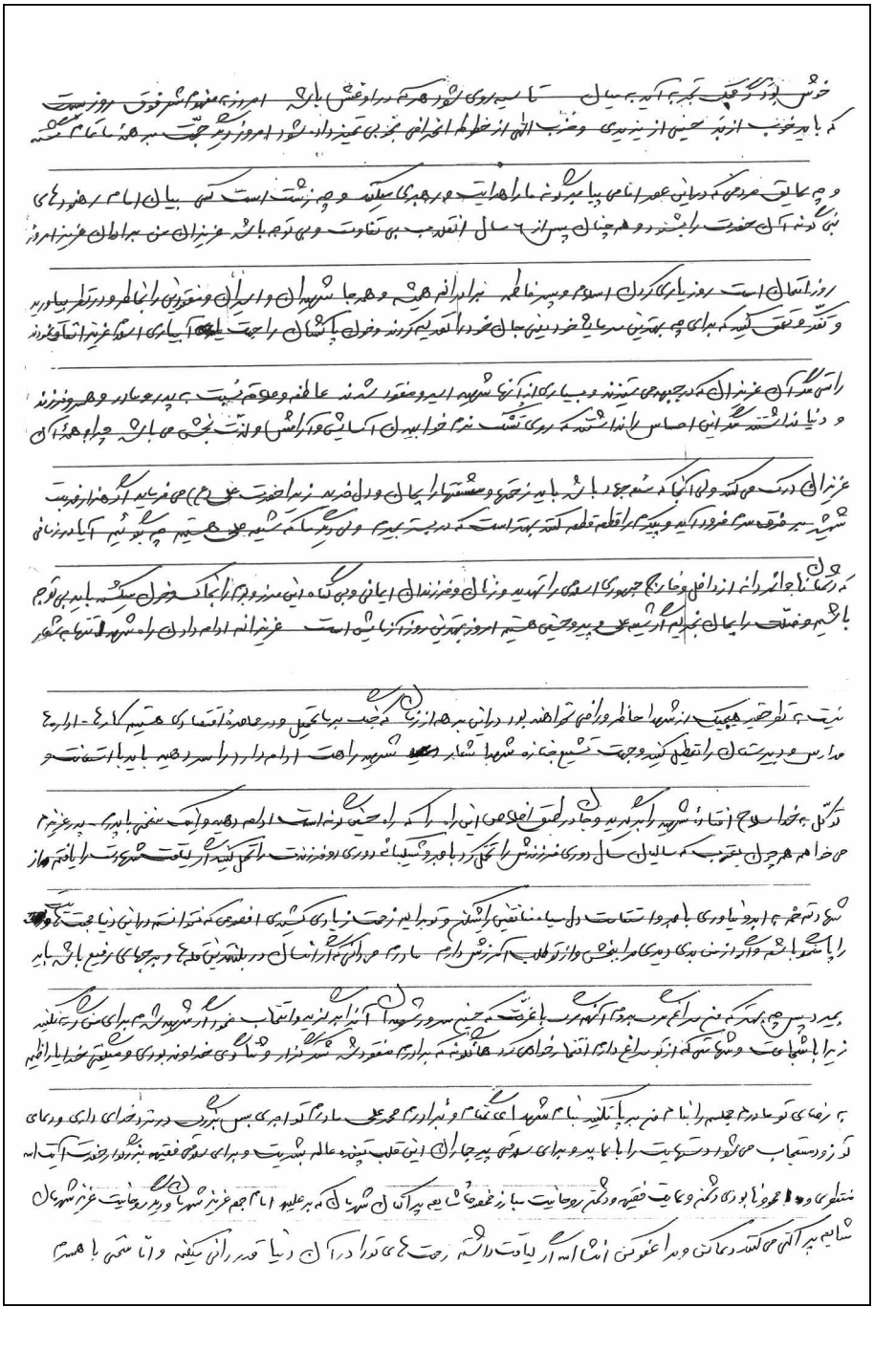


انقلاب اسلامی ما در تداوم پیروزیش حالا
حالا خون شهادت میطلبد. شهید مظلوم آیت بهشتی
اولیا... مرگ بصورت شهادت را بلا شرط
از خدا طلب میکنند. آیت... شهید مرتضی مطهری
این وصیت نامه انسان را بیدار زنده و بیدار میکند. امام خمینی
دفتر تبلیغات مسجد امام علی
اصفهان

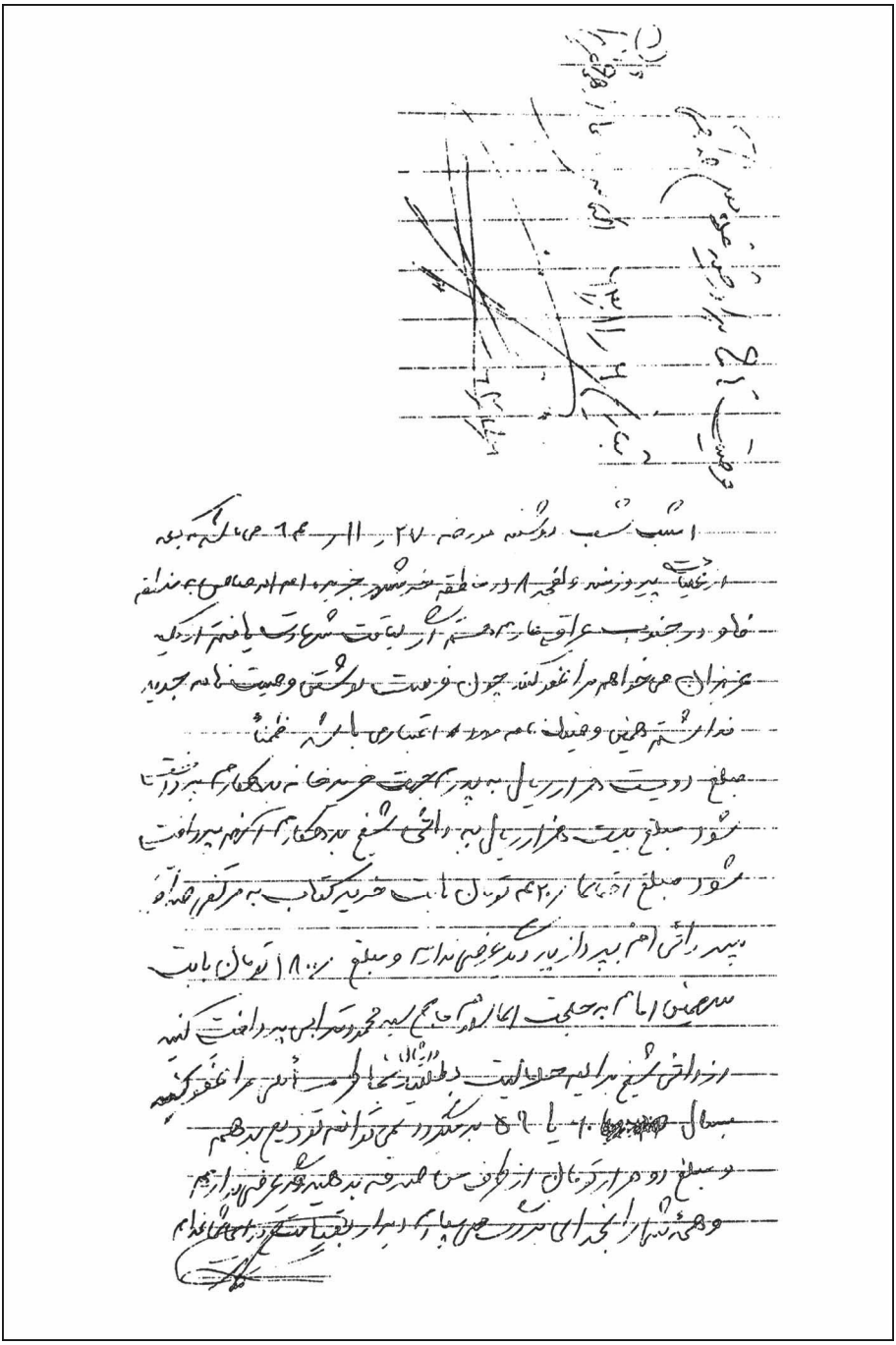

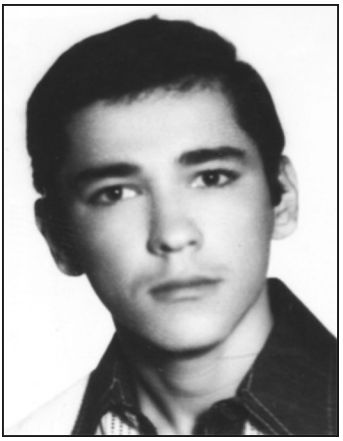

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **صدرالهی**
نام پدر: **حسین**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **بیست‌ودوم شهریور ۱۳۴۰**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **ارتش**
تاریخ شهادت: **چهارم آبان ۱۳۶۰**
محل شهادت: **دهلاویه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای فردوس‌رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- من یک سرباز کوچک اسلام هستم.
- اگر مخلص باشم و بتوانم در راه عقیده‌ام مخلصانه بجنگم و به افتخار شهادت نایل آیم، باعث خوشبختی من است.
- خدا با صابرین است.
- صبر کنید که اجری عظیم پیش خدا داشته باشید.

## محمدرضا صدراللهی[۱]

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لاتحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون»**[۲]

«خیال نکنید آن‌هایی که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدا روزی می‌خورند.»

با سلام به رهبر کبیر انقلاب و با درود به شهیدان راه خدا، از شهیدان صدر اسلام تا شهیدان صدر اسلام تا شهیدان کربلای حسینی و شهیدان کربلای خونین ایران.

«قال امام حسین(علیه‌السلام) انّما الحیوة عقیدة و جهاد»

امام حسین(علیه‌السلام) می‌فرماید که زندگی هر انسان مسلمان عقیده است و جهاد در راه به ثمر رساندن آن عقیده، که آن عقیده، جانشین کردن حکومت عدل خدا بر حکومت ظالمان زمان می‌باشد. من یک سرباز کوچک اسلام هستم که اگر مخلص باشم و بتوانم در راه عقیده‌ام مخلصانه بجنگم و به افتخار شهادت نایل آیم، باعث خوشبختی من است و باید حرف‌هایی را که دارم به شما بزنم.

اول از شما شروع می‌کنم ای مادر، من در زندگی خود در این دنیا[ی] فانی خیلی به شما زحمت دادم، از کودکی تا نوجوانی، پس امیدوارم که مرا حلال کنی. و ای پدر شما هم برای من خیلی زحمت کشیدید و خون‌دل خورده‌ای تا مرا بزرگ کردی. من قدر زحمت شما را هم می‌دانم و امیدوارم که از من ناراضی نباشید. من حلالی می‌طلبم و امیدوارم که اگر در زندگی از طرف من به آنها گزندی رسیده مرا ببخشند.

از قول من ای پدر و مادرم از تمام قومان و خویشان طلب بخشش کنید و بگویید که اگر از من بدی دیده‌اند به خوبی خودشان ببخشند. اما می‌خواستم یادآوری کنم که من ۱۰ روز روزه دارم که اینجا به‌خاطر این‌که نمازم شکسته است، نمی‌توانم بگیرم. اگر شهادت نصیبم شد، آن ۱۰ روز روزه را برایم ادا نمایید، دیگر انتظاری از شما ندارم، فقط به شما

---

۱- در بالای وصیت نوشته شده است: «وصیت‌نامهٔ شهید محمدرضا صدراللهی، درجه: سرباز، تاریخ شهادت: ۶۰/۸/۴، محل شهادت: دهلاویه».

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

می‌گویم که خیلی ناراحت نباشید که خدا با صابرین است و صبر کنید که اجری عظیم پیش خدا داشته باشید. به امید پیروزی اسلام بر کفر در تمام جهان و حکومت عدل مهدی(عج).

**«والسلام»**

**سرباز وظیفه محمدرضا صدراللهی**

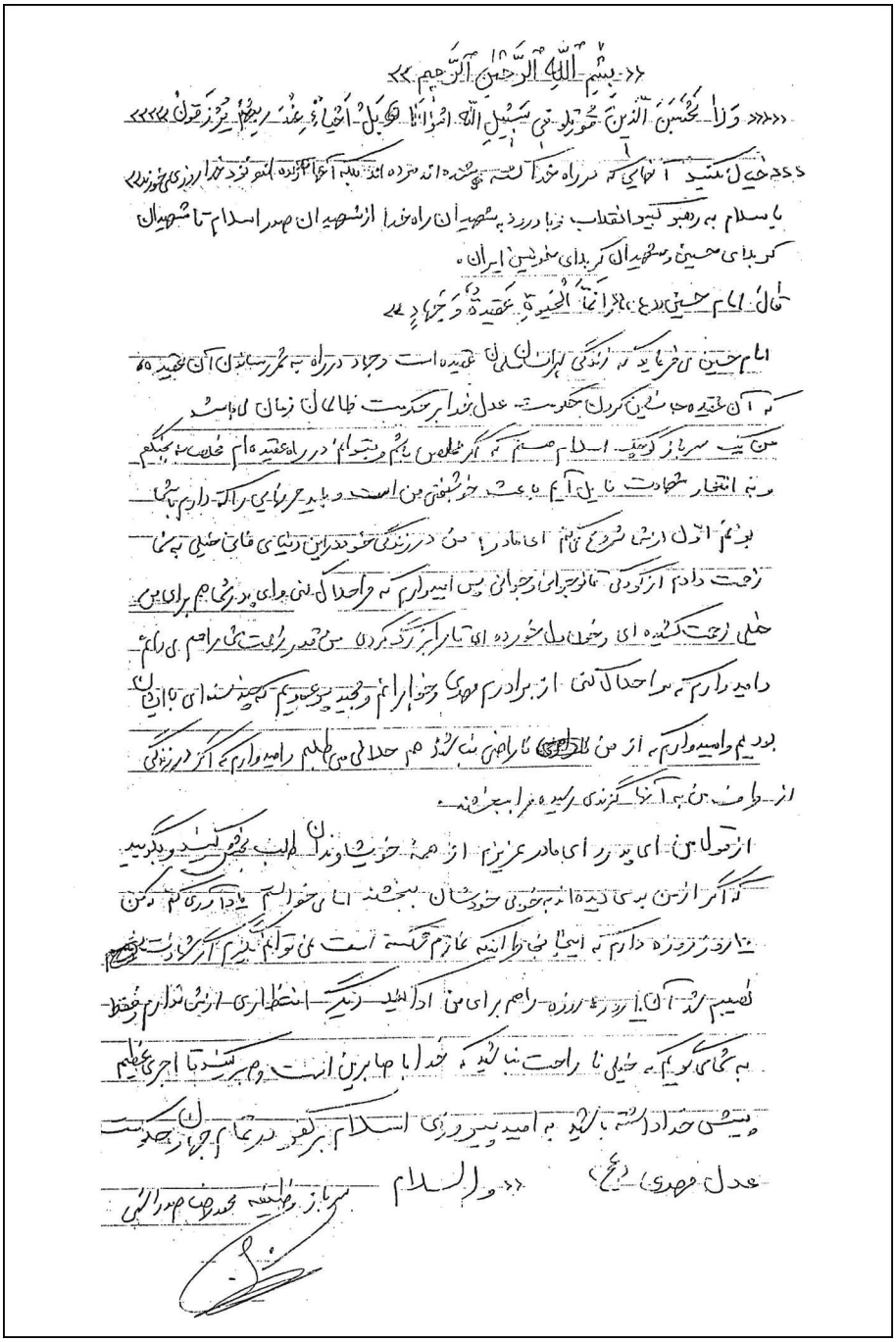

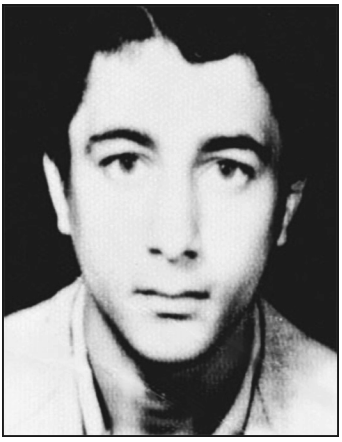

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **صدرمغانی**
نام پدر: **نوروزعلی**
نام مادر: **سکینه خاتون**
تاریخ تولد: **۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هفتم اردیبهشت ۱۳۶۱**
محل شهادت: **سقز**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- همین را می‌دانم که من از خدا بودم و به‌سوی خدا بازگشتم.
- جانم و خونم گواه من هستند و پوست و استخوان من وکیل هستند برای من در آن دنیا.

**محمدرضا صدرمغانی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لا تحسبنّ الّذین قتلوا[۱] فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون»[۲]**

پدر و مادر عزیز! امیدوارم که مرا حلال این راه کرده باشید. من چیزی ندارم که وصیت کنم و مانند وصیت‌های پدران ما، مال‌های خود را بین اقوام تقسیم کنم. من هر چه دارم از آن پدر و مادرم است و من تاکنون نتوانسته‌ام پولی جمع کنم و با آن خانه‌ای بسازم، تا کودکان بی‌سرپرست و یتیم را در آن جمع کنم. من خیلی بد بودم، من خیلی خسیس بودم، من خیلی تنبل بودم که نتوانستم پناهگاهی برای یتیمان بسازم. من خیلی بی‌ایمان بودم که نتوانستم نمازهای قضا شده را جبران کنم. من خیلی بی‌سلاح بودم که نتوانستم جلوی نفسم را بگیرم. نمی‌دانم که در آن دنیا چه بکنم، گرفتارم، ذلیلم، بیچاره‌ام. کودک سرگردانم؟ نمی‌دانم ولی همین را می‌دانم که من از خدا بودم و به‌سوی خدا بازگشتم «**الیه راجعون**»[۳] و من همین را می‌دانم و در آن دنیا جانم و خونم گواه من هستند و پوست و استخوان من وکیل هستند، برای من در آن دنیا. پس پدر و مادر شما کارهای شایسته انجام دهید که مثل من در این دم آخر گرفتار نشوید.

**«والسّلام علی من اتّبع الهدی»**
**محمدرضا صدرمغانی**

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».
۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.
۳- بقره/ ۱۵۶.

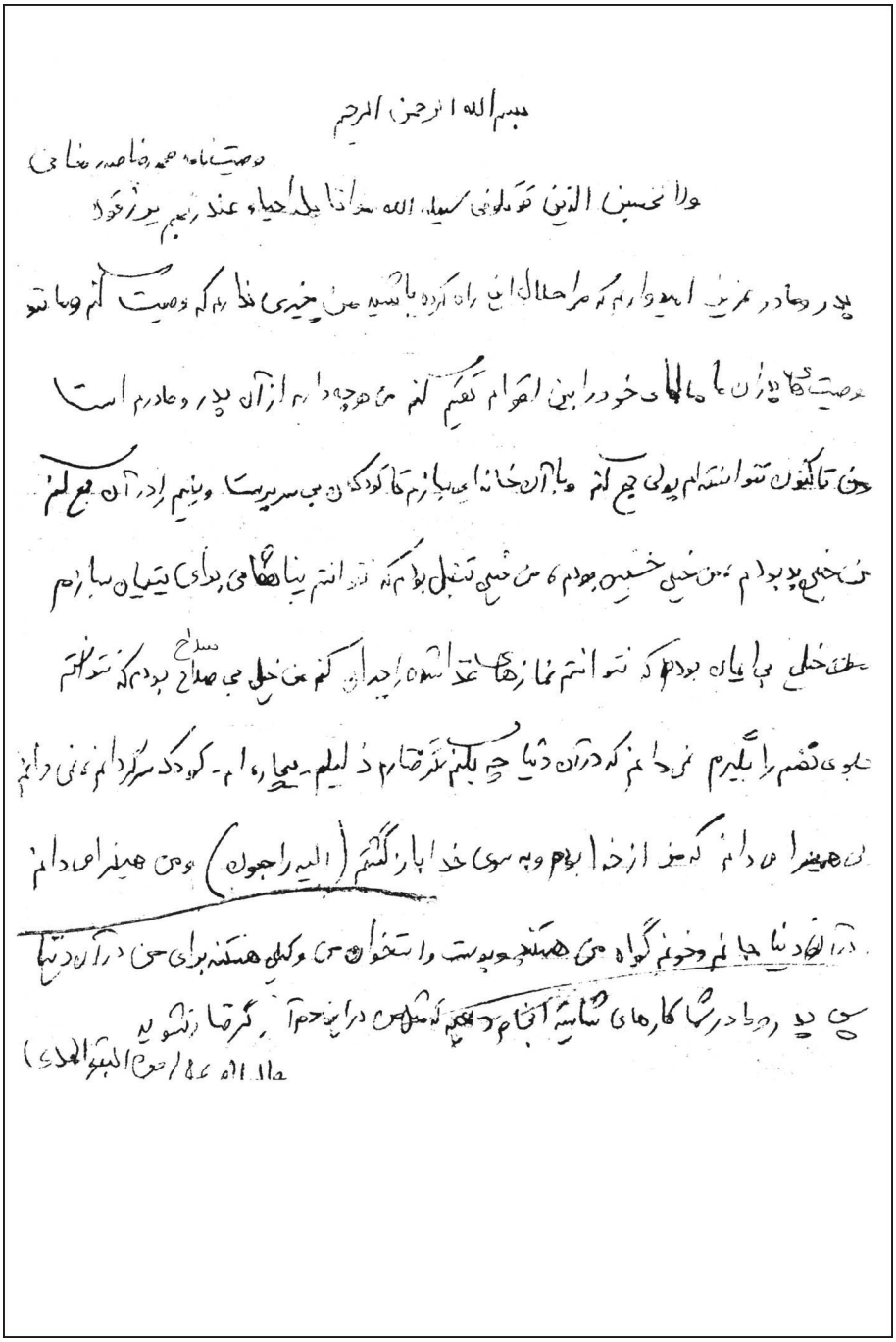

بسم الله الرحمن الرحیم

وصیت‌نامه محمدرضا صدرمنافی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

پدر و مادر عزیز امیدوارم که مرا حلال این راه کرده باشید من چیزی ندارم که وصیت کنم و ما تو

وصیت‌های پدران ما مالهای خود را بین اقوام تقسیم کنم من هرچه دارم از آن پدر و مادرم است

من تاکنون نتوانسته‌ام پولی جمع کنم و با آن خانه‌ای بسازم تا کودکان بی سرپرست و یتیم را در آن جمع کنم

من خیلی بد بودم، من خیلی خسیس بودم، من خیلی تنبل بودم که نتوانستم پناهگاهی برای یتیمان بسازم

من خیلی بی ایمان بودم که نتوانستم نمازهای غذا شده را جبران کنم من خیلی بی صلاح بودم که نتوانستم

جلوی نفسم را بگیرم نمی‌دانم که در آن دنیا چه بکنم گرفتارم ذلیلم بیچاره‌ام. کودک سرگردانم نمی‌دانم

بی همین را می‌دانم که من از خدا بودم و به سوی خدا بازگشتم (الیه راجعون) و من همین را می‌دانم

در آن دنیا جانم و خونم گواه من هستند و پوست و استخوان من وکیل هستند برای من در آن دنیا

پس پدر و مادر شما کارهای شایسته انجام دهید که مثل من در این دم آخر گرفتار نشوید

[illegible]

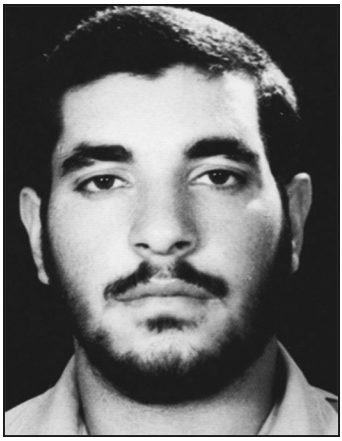

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **صدیقی**
نام پدر: **محمدرضا**
نام مادر: **طاهره بیگم**
تاریخ تولد: **بیست‌وهفتم مهر ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خدایا من خیلی گناهکارم، به‌جز درب خانهٔ تو جای دیگری را ندارم.
- ای زمین خوزستان، ای زمین کردستان، ای زمین غرب و جنوب تو شاهد باش که من برای رضای خدا آمده‌ام جبهه، ای خدا! اگر توبه شکسته‌ام، بازآمده‌ام.
- خدایا در دعاهای توسل دست توسل به درگاه چهارده معصوم دراز کرده‌ام.
- ای بندگان خدا که زنده‌اید به فکر این دنیای بی‌ارزش نباشید.
- به فکر رزمندگان باشید که از بهترین لذت‌های دنیا بریده‌اند و دست کشیده‌اند.
- این عزیزان را چه عشقی است که این‌گونه به‌سوی جبهه می‌کشد.
- مگر قرآن نمی‌گوید که در راه خدا جهاد کنید و با کافران به ستیز برخیزید.
- بعد از شهادت من، باید صبر زینب‌گونه داشته باشید.

## علیرضا صدیقی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انفروا خفافاً و ثقالاً و جاهدوا باموالکم و انفسکم فی سبیل الله ذلکم خیر لکم ان کنتم تعلمون»**

«برای جنگ با کافران سبک‌بار مجهّز بیرون شوید و با فوج پیاده و سواره آسان با مشکل و در راه خدا با مال و جان جهاد کنید. این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی فکر و دانش باشید» (توبه/۴۰-۴۱)

علیرضا صدیقی، فرزند محمدرضا، متولد ۱۳۴۱.

به‌نام خدا و با درود فراوان به پیامبر بزرگ اسلام و درود بر ۱۲ امام و چهارده معصوم پاک و درود بر امام امت و امت شهیدپرور ایران.

ای آن‌کس که مرا آفریده‌ای، خدایا! من با بار گناه و کوله‌باری سنگین با پرونده‌ای سیاه آمده‌ام تا خودمان را بسازیم. خدایا این روح پاکم آلوده به گناهان شده است و آمده‌ام که در دانشگاهی که عاشقان تو در [...][1] شب اشک شوق می‌ریزند، خدایا نمی‌دانم که چگونه در خانه تو را بکوبم. خدایا من خیلی گناهکارم، به‌جز درب خانهٔ تو جای دیگری را ندارم. معبودم تویی، آقایم تویی که می‌توانی گناهان مرا ببخشید. ای زمین خوزستان، ای زمین کردستان، ای زمین غرب و جنوب تو شاهد باش که من برای رضای خدا آمده‌ام جبهه، ای خدا! اگر توبه شکسته‌ام، بازآمده‌ام، خدایا این بدنم ضعیف است، ناچیز است رگ، پوست، گوشت، همهٔ اعضای[2] بدنم ناچیز است.

خدا این بدنی که طاقت یک قطره آب جوش را ندارد چگونه طاقت عذاب تو را داشته باشد؟ خدایا در دعاهای توسل دست توسل به درگاه چهارده معصوم دراز کرده‌ام و خودم را همراه این سربازان امام زمان(عج) کرده‌ام. این سربازان دل شکسته‌اند، شاید با توکل به خودت ای خدا [و] توجه چهارده معصومت به این سربازان، مورد لطف قرار گرفته‌ام.

---

۱- خوانا نیست.

۲- در اصل وصیت «اعزای»

خدایا من زبان گویا ندارم، چه بگویم؟ ولی خدایا همین‌قدر می‌توانم بگویم که من شاهد باطنی جز تو ندارم که شاهد باشد که این بدن ناتوان من در راه تو پاره پاره شده است.

ای خدا باطن من را تو می‌دانی و خدایا مرا ببخشید، گناهان مرا بیامرز و از گناهان من در گذار. خدایا دوست دارم با ملتم، با دوستانم، با خویشانم سخن بگویم ولی چه کنم که صحبت‌ها را شهدا کرده‌اند و من تا جایی با کسانی که صحبت کنم که هنوز نسبت به انقلاب بی‌تفاوت هستند. و ای [...][1] هیچ‌گونه وسیله‌ای را از این دنیا نبرده‌اند و همه را گذاشته‌اند و وارثان، مال و منال تقسیم کرده‌اند و از مردگانشان فراموش کرده‌اند. حال اگر همان بنده خدا، قبل از مردن، مقدار مال خود را تقسیم فقرا می‌کرد، برای آخرتش کاری انجام داده است.

پس ای بندگان خدا که زنده‌اید به فکر این دنیای بی‌ارزش نباشید، این دنیا را امام حسین(علیه‌السلام) نفرین کرده است. گفت خاک به این دنیا و زندگان در دنیا. ای مردمی که هنوز بی‌تفاوت هستید، به فکر رزمندگان باشید که از بهترین لذت‌های دنیا بریده‌اند و دست کشیده‌اند و به جایی آمده‌اند که مسئله مرگ و زندگانی است جوانی که هنوز داماد نشده است، ناکام مانده است. جوانی که چند روز یا چند ماه ازدواج کرده است و یا جوانی که هنوز فرزند عزیزش را ندیده است، دست از این دنیا بریده است. شما مردم چه می‌گویید[2]؟ تو را به خدا قسم، آن‌قدر بی‌تفاوت برخورد نکنید. این عزیزان را چه عشقی است که این‌گونه به‌سوی جبهه می‌کشد. مگر که شما دین ندارید؟ مگر قرآن نمی‌گوید «که در راه خدا جهاد کنید و با کافران به ستیز برخیزید با توکل به خدا، که خدا یاری می‌کند سربازان در راه خدا [را] اگر شما دین دارید، خداپرستی‌تان را تکذیب نمی‌کنیم وای بر شما اگر قرآن را تکذیب [کنید] عذاب خدا نزدیک است». ای مردم مگر قرآن نمی‌گوید «که اگر پدران و مادران و برادران شما و خویشان، کفر ورزیده‌اند با آنها نبرد کنید و حال آنان که نمی‌گذارند فرزندانشان در راه خدا جهاد کنند».

و اما چند سخن به خانواده‌ام، شما می‌دانید که من برای رضای خدا آمده‌ام جبهه و همه چیز را به جان خریده‌ام و وظیفهٔ شما هست که همه چیز را به فکرتان بپرورانید. شما ای

---

۱- یک سطر محو شده است.

۲- در اصل وصیت «می‌گوید».

خانوادهٔ عزیزم! بدانید که اگر خداوند شهادت را نصیبم کرد و از این دنیا هجرت [کردم]، خداوند روزی من را در این دنیا به پایان رسانیده[۱] است. چه خوب است که همان در راه رضای خدا هجرت کنیم. و خانوادهٔ عزیزم اگر خمس و زکات از وسایل من تعلق می‌گیرد بدهید. و از پدرم عاجزانه می‌خواهم که اگر من فرزند خوبی برای او نبوده‌ام مرا ببخشد و اگر برای برادرم و خواهرانم برادری خوب نبودم مرا از ته قلب ببخشند که خداوند بخشندگان را دوست دارد. و شما خواهران و خویشان، همگی باید شما بعد از شهادت من، باید صبر زینب‌گونه داشته باشید و دیگر عرضی ندارم به‌جز سلامتی و طول عمر رهبر کبیر انقلاب و پیروزی رزمندگان اسلام را از خداوند بزرگ خواستارم.

در ضمن اگر در همین نامه من اشکالی هست می‌توانید آن را تصحیح[۲] کنید پارچه عهدنامه را داخل ساکم گذاشته‌ام، آن را همراه جنازه‌ام بگذارید.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**۶۴/۱۱/۱۷ پنج‌شنبه**

**علیرضا صدیقی**

---

۱- در اصل وصیت «رسیده».

۲- در اصل وصیت «تحسی».



این وصیت نامه انسان را بیدار میکند.

بسم الله الرحمن الرحیم

وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسَاكِينِ وَ الْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْجَارِ الْجُنُبِ وَ الصَّاحِبِ بِالْجَنْبِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ وَ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ

إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

برای جمع باکاران سبک بار جمعه بیرون شوید و با فروغ بیاده و سواره آسیان با شکل و در راه خدا بلاها و جهاد کنید این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر شما دانش باشید سوره توبه آیه ۴۰ - ۴۱ - علیها صادق - فرزند حضرت امام خمینی سنوات ۱۳۴۱

بنام خدا با درود بخداوند بیامبر بندگ امیدام و درود بر ۱۲ امام بزرگوار معصوم پاک و درود بر امام امت و امت شهید پرور ایران.

ای نفس که آمده ای. خدایا من با بار گناه آمده ام که کوه را یارای سنگینی آن نیست و سیاه آمده ام تا خودم را با این روح پاکم آلوده بگناهان نموده است و آمده ام که در دامنگاه های کوهستان تو در رهبیت آشب شوق می ریزند خدایا نمی دانم کجا بودند در خلقت تو آیا بودم. خدایا من خلق گناه کارم بجز درب خانه تو جای دیگری را ندارم معبود مهربان آنانم تو بی که می دانی گناهان مرا ببخشی ای زمین خوزستان ای زمین کردستان ای زمین غرب و جنوب تو شاهد باش که من برای رضای خدا آمده ام چیزی ای خدا اگر تو به شکسته ام باز آمده ام خدایا این بنده ضعیف است نا چیز است گرد بدست گذشت همه اعزای بنده ناچیز است خدا این بنده یک قطره آب جوی را نداد و جلوی عطاف عذاب نداشته باشد خدایا درهای تسل دست تسل به درگاه چاره ساز تو باز کرده ام و خود مرا همراه این سربازان امام زمان کرده ام این سربازان عدل بشریت از شیاه با تکل به خودت ای خدا دعوتم کرده بخصوصت با این سربازان دور الطف قرار گرفته ام خدایا من زبان گویا ندارم چگونه بگویم ولی خدایا همین قدر می دانم که بگویم تو من شاهد باش خدایا حزب تو ندارم که شاهد باشد آین بندگان من درد را تو درد پاره شده است ای خدا باطل باطل می شود تو می دانی و خدایا مرا ببخشید گناهان مرا بیامرز و از گناهان من را درگذار خدایا دوست دارم با تمام وجود با خودت باشم و من نمی دانم چگونه بگویم که صحبت نمی کنم صحبت کم که هنوز نسبت به انقلاب و ملت خدمتی نکرده ام من تا جایی که بتوانم صحبت کنم که هنوز نسبت به انقلاب و ملت خدمتی نکرده ام

دفتر تبلیغات مسجد امام علی اصفهان

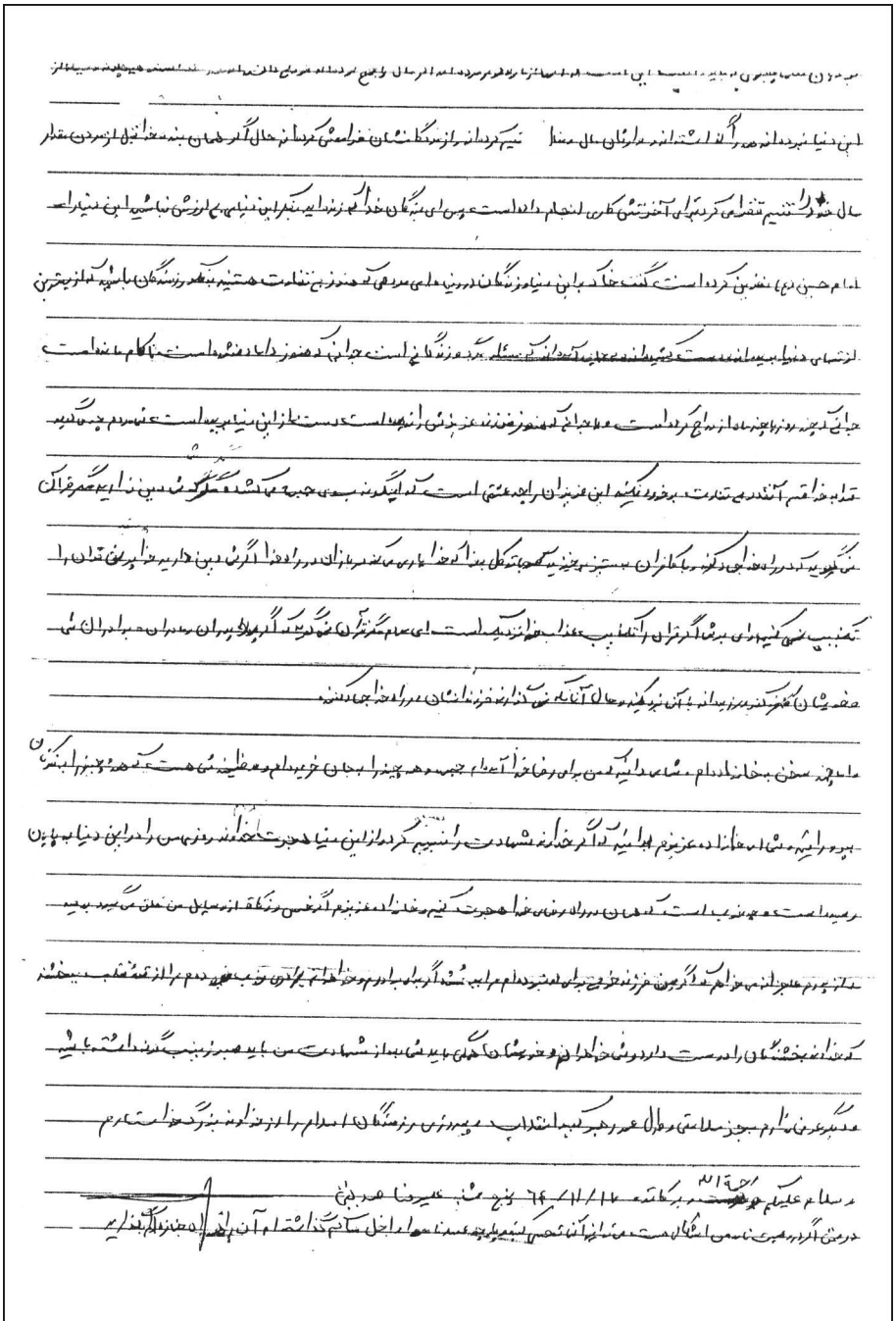

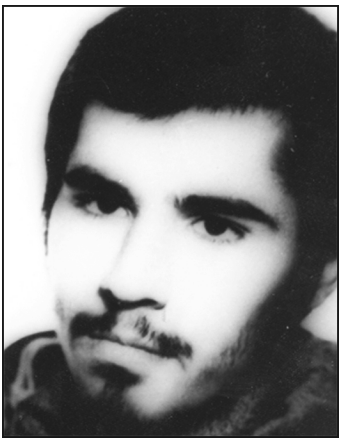

نام: **مجتبی**
نام خانوادگی: **صدیقی**
نام پدر: **کاظم**
نام مادر: **صدیقه**
تاریخ تولد: **یکم فروردین ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **طلبه سال اول علوم حوزوی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **جزیره مجنون**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- چگونه سخت نباشد در فراغ یاران سفر کرده، نشستن.
- خدایا! مرا به این امید ناامیدم مگردان و مرا به منتهی آرزویم که همانا شهادت است، نایل آر.
- هر خواهر شهیدی، به تنهایی زینبی شده است از بهر برادر و حسین خویش.
- ای خیل عظیم حزب‌الله، پای در راهی نهادید که شاید پیش از شما چنین لیاقت و جرأتی را نیافتند.
- گفتن اینکه پروردگار ما خداست، استقامت می‌خواهد.
- مبادا چون اهل کوفه امام خویش را رها کنید.
- ملت ما نیز با دادن شهیدان هرگز تن به ذلت نخواهد داد.
- فرزندانتان را که امانتی از سوی خدایتان در دست شما هستند را به جبهه روانه کنید، تا جای شهیدانتان را پر نمایند.
- ای جوانان عزیز چشم امید دنیای به استضعاف رفته، بر بازوان پرتوان شما و بر رزم بی‌امانتان نظاره‌گر است.
- با پیشه کردن تقوا و خلوص در کار، به دنبال امام امت، با کمری محکم‌تر بسته شده از قبل، گام بردارید.

**مجتبی صدیقی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و من النّاس من یشری نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رئوف بالعباد»**[۱]

**«و لا تحسبنّ الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[۲]

«الحمدلله الاول بلا اول کان قبله و الاخر بلا آخر یکون بعده»[۳]

«حمد وسپاس خدایی را که اول است و پیش از اولی نبوده و آخر است و پس از او آخری نیست، مبدأ هر موجودی و مرجع هر شیئی است».

حمد و سپاس خدایی را که ما را به خلقی احسن بیافرید و مقدر فرمود بر ما تقدیر خویش را که ذره‌ای خطای از آن را نمی‌توان.

حمدو سپاس خدایی را که نعمت سپاسگزاری و شکر نعمت به‌جا آوردن را- که اگر این شناخت را عطا نکرده بود، همانا در مثال انعام بودیم- به ما ارزانی داشت، گرچه با سجده‌ای به درازای یک عمر، شکر این نعمت را به‌جا نتوان آورد.

حمد و سپاس خدایی را که بر ما منت نهاد و با برانگیختن ۱۲۴ هزار پیامبر، انسان‌ها را به‌سوی خویش هدایت نمود و پیش از آن اینکه، آخرین رسول خویش حضرت محمد ابن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را برانگیخت و ختم آنان قرارش داد و با نزول کتاب خویش بر او، وسیله انذار و هدایت و راهنمایی انسان‌ها گردانید.

حمد و سپاس خدایی را که ما امت مسلمان را بیش از آن منت گذارد و با قرار دادن آن دوازده اختر تابناک آسمان ولایت، علی(علیه‌السلام) و یازده فرزند پاکش، به‌عنوان جانشین و وصی رسولش، حجت خویش را بر ما به اکمال رسانید و سپاس او را که از شیعیان اثنی عشری و پیرو مذهب جعفری قرارمان داد.

حمد و سپاس خدایی را که بر ما اذن مدح و عبادتش را، که همانا هدف از خلقت انسان است، روزی قرار داد.

---

۱- بقره/ ۲۰۷.

۲- آل‌عمران/ ۱۶۹.

۳- صحیفه سجادیه/ دعای اول.

حمد و سپاس خدایی را که ما را تـوفیقی عنایـت و لطفـی کرامـت فرمـود و مـا را در زمانه‌ای سعادت حیات بخشید که در غیاب آخرین حجت حق، پرچمدار عـدل وعـدالت و منجی عالم بشریت، حضرت ولی عصر(عج) «روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمه الفداء»، او که اگر نظر برگیرد، زمین، اهلـش را در خـود فـرو مـی‌بـرد، بتـوانم نائـب بـرحقش، آن خداپرست خود ساخته خداجو، مرجع مسلمین، مطیع امر مـولا، یگانـه اعـدل اعلـم زمـان، ناخدای کشتی نجات، نادی ندای «**هل من ناصر**»[1] حسـینی، یحیـای ثـانی، یـک درّ یمـانی، یعنـی فرزنـد رسـول‌الله، زادهٔ زهـرا، خمینـی کـه جـانم بـه فـدایش بـاد را، درک کـرده و سربازی‌اش را بر جان بپذیرم.

حمد و سپاس مر خدایی را که با چنین منتی (یعنی وجود رهبری چون امـام) اسـلام را زنده و احکام قرآن را احیاء و به اسلام و خداپرستان عزت و بر دشمنانشان ذلت و خواری بخشید و انسانیت انسان را که در تهدید فنا بود، [را] به مـا بازگردانـد و حقیقـت و معنـای واقعی عبادت و عشق و ایثار و شهامت و شجاعت و شهامت و بسیاری واژه‌هـای تحریـف شده و به فراموشی سپرده شده دیگر را عیان کرد.

حمد و سپاس مر خدایی را که آنچه بر بسیاری از پدران ما نـداده بـود، بـر مـا و نسـل حاضر که همیشه می‌گفتیم، «یـا اباعبـدالله، ای کـاش بـودیم در کـربلا و «**هـل مـن ناصـر ینصرنی**» تو را لبیک می‌گفتیم»[2]، عطا نمود و صحنهٔ کربلا را مکرر نمود و عاشـورایی برپـا کرد تا حسینیان زمان با عشق به شهادت، در رکاب حسین زمانه، برای احیـاء دیـن جـدش رسول‌الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله)، با یزیدیان و ابن‌مرجانه‌های زمان به نبرد برخیزند و مشهدی را بیابنـد تـا در آن جان ناقابل خویش را، که نه شایسته ماندن در ایـن دیـار فناپـذیر بـود [را]، در طبـق اخلاص گذارده و دیوانه‌وار ایثار معشوق [و] مطلوبشان کرده و لقاء دوست را بیابند.

و حمد و سپاس مر خدایی را که مرا در خـانواده‌ای متولـد نمـود کـه افتخـار آن خانـه مذهب و نماز و قرآن بوده و هست و مرا از پدر و مادری پاک و مسلمان و به دور از گنـاه به‌دنیا آورد، که مرا از کوچکی با نماز و قرآن مأنوس نمایند.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- در زیارت‌نامه‌های حضرت امام حسین(علیه‌السلام) از جمله زیارت وارث چنین آمده است: «یا لیتنی کنـت معکـم فـأفوز فوزا عظیما»، (زیارت ششم)، یا «فیا لیتنی کنت معکم فأفوز معکم» (زیارت وارث، ص ۴۲۰).

خداوندا! تو آگاهی از درون پرسوزم، تو واقفی بر شرارهٔ قلبم، عالمی نهایت شوقم را به وصلت، پروردگارا خود دانایی بر آنچه مرا به سویت می‌خواند و مطلعی از نهایت سختی کشیدنم در فراغ و الهی خود ناظری بر آنچه در فراغ یارانم متحمل گشته‌ام.

خدایا گرچه به ظاهر در چهره خنده بر لب دارم و خود را راضی نگاه داشته‌ام، ولکن تو می‌دانی تا چه حد برایم سخت و ناگوار است، تحمل دوری آنها و در کنارشان نبودنم، آیا چگونه سخت نباشد بر من، حال آنکه از هنگام که مرا با شهادت آشنا کردی و توفیق جبهه رفتن را به من عطا کردی، هربار که با عاشقانی دلباخته و دل از دنیا بریده، پا در سرزمین مقدس جبهه نهادم و منت نهادی و توفیق درک شب‌ها و صحنه‌ها و معرکه‌های امتحانت را عطا کردی، شوق و عشق به شهادت را در دلم زنده کردی و آتش شوق وصلت را در درونم افروختی و هر بار عزیزانی را که دیدنشان، یاد تو و مصاحبتشان، ذکر تو و دوست داشتنشان، دوستی تو بود. آنها که نور رویشان، روشنی‌بخش دلهامان بود را به‌سوی خویش خواندی و مرا از درک حضورشان محروم نمودی، چگونه سخت نباشد مأنوس بودن با داغ توفیق وصل نیافتن و داغ در فراغ یاران سفر کرده نشستن.

ولی معبودم! همین سوز و شور است که مرا به سویت می‌کشاند و همین عشق رسیدن به وصالت، مرا امید به زنده ماندن می‌بخشد و همین مشقت و داغ دوری از یارانم، مرا به شهادت ترغیب می‌نماید.

خدایا! مرا به این امید ناامیدم مگردان و مرا به منتهی آرزویم که همانا شهادت است، نایل آر و مرا در این داغ به مرگ غیر شهادت ممیران.

و این چند کلام را برای اینکه وصیتی از من به‌جای ماند، بیان می‌کنم، خود را لایق اینکه تذکری به امتی که بارها امتحان خویش را پس داده است نمی‌دانم، چون اینان همان‌هایی هستند که مادرانشان، فرزندان خود را و زن‌هایشان، همسران خود را به جبهه و به‌سوی شهادت روانه کرده‌اند و خود را راضی به رضای کردگار نموده‌اند. چه بگویم، حال آنکه شهیدانی در خون تپیده با ریختن خونشان به آنها پیام داده‌اند و هر لاله سرخی که از خونشان روییده، راز دلشان را بهر ایشان فاش نموده است.

هر خواهر شهیدی، به تنهایی زینبی شده است از بهر برادر و حسین خویش، هر نازدانهٔ شهیدی، سکینه‌ای و هر فرزند شهید و برادر شهیدی، زین‌العابدینی است از بهر پدرش

حسین(علیه‌السلام) و برادرش علی‌اکبر[۱](علیه‌السلام) و هر مادر شهیدی لیلایی[۲] است از برای علی‌اکبر و علی‌اصغر[۳]ش و یا ام‌البنینی[۴] است مر عباس[۵] و عون[۶] و جعفر[۷] و عبدالله[۸] خویش را.

ولی باز به‌عنوان ادای تکالیف و انجام وظیفه، نکاتی چند را متذکر می‌شوم. ای خیل عظیم حزب‌الله، پای در راهی نهادید که شاید پیش از شما چنین لیاقت و جرأتی را نیافتند. گفتن اینکه پروردگار ما خداست، استقامت می‌خواهد.

«**احسب النّاس ان یترکوا ان یقولوا آمنّا و هم لا یفتنون**»[۹] آیا می‌پندارید با اقرار به زبان گفتن اینکه ما ایمان آوردیم، رهاتان کنند و به خویشتان وامی‌گذارند و به صحنه‌ها و معرکه‌های امتحانتان نخوانند؟ چه سست اندیشه و خام فکری است که بهشتی به آسانی بر شما هدیه کنند.

نه والله، ... شما گفته‌آید کلامی را که دنیا را به زیر سؤال دارد، ندا داده‌اید ندایی را که از بهر ثبات خویش خون می‌طلبد، جان عزیز را تقاضا می‌کند. شما جلوداری را برگزیده‌اید که دنیایی ازبهر فنایش به دست و پاست. گفته‌اید و اگر استقامت هم نمودید و حزن و اندوهی به دل راه ندادید، بشارتتان دهند جنتی که بر شما وعده شده است. چشم بگشایید و بر راه افکنید که مبادا بر راهتان تیغ افکنند، گوش بر لاطائلات بیگان بربندید که بر راهتان سست و ملولتان نگردانند. مبادا چون اهل کوفه امام خویش را رها کنید.

مبادا خویشتن را واگذارید — امام خویش را تنها گذارید[۱۰]
ز خون هر شهیدی لاله رسته — مبادا روی لاله پاگذارید

«علیکم بالامام، علیکم بالامام، علیکم بالامام»

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- ر.ک. تعلیقات.
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- ر.ک. تعلیقات.
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- ر.ک. تعلیقات.
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- ر.ک. تعلیقات.
۹- عنکبوت/ ۲۶.
۱۰- شعر از قیصر امین‌پور است.

هشیار باشید! مبادا وسواسان خناس با وسواس[۱] شیطانی، که از درون چرکینشان حاکی است، قلوب شما را خدشه‌دار کنند و ضربهٔ خویش را بر شما وارد آورند و آن کنند که به گفتهٔ آن عزیز در صدر مشروطیت کردند.

و این خطابم با شما کوردلانی است که آگاه و ناآگاه به خیالات واهی خود، می‌خواهید زهر خود را بر اندام این جامعه بخورانید. نه شمایید چون آنان که بودند و نه ماییم چونان که شما می‌پندارید و نه امام آنکه در خیال دارید. آری تنها مرجع اعلم، تنها مرجع اعلم اوست که رهبر است، اوست که نایب امام زمان است، اوست آن «صائن نفس، حافظ دین، مخالف هوی و مطیع امر مولایش»[۲] اوست. راوی حدیث، او که امام عصر(عج) حجت خویشش بر شما و خود را حجت خدا بر او خواند. اوست مردی اهل قم که ۱۳۰۰ سال پیش امام موسی ابن جعفر قیامش را خبر داد و یارانش را محکم‌تر از پاره‌های آهن توصیف کرد. اوست که ۱۴۰۰ سال پیش جدش رسول اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) ولی امت خویشش که وکیل بر فنای بدعت زمان، سخنگوی ملهم از خدا و آشکار کننده و روشن‌ساز حق و مردود کنندهٔ دام دام‌گذاران است، نام نهاد، هم او که روح‌الله خوانندش.

اوست که کمرمان[۳] از پدر و پسر خبیث، یعنی رضا خان و فرزند ملعونش، شکست اوست. که لرزه بر جان دشمن افکند. اوست که مصلحت خویش بر مصلحت اسلام ترجیح نداد. حفظ جان را بر حفظ دین جدش اولویت نبخشید. عمامه رسول خدا بر سر، شال علی بر کمر، فریاد خویش را بر علیه هر که با دین بدگمان بود، سر داد و اوست که خون هزاران شهید بزرگوار ملت بر زمین نقش بسته که «خدایا خدایا، تا انقلاب مهدی، خمینی را نگه‌دار» و اوست که یک مقلدش در زیر شکنجه خصم دیو صفت فریاد می‌کشد که «اگر خونم بریزد هر قطرهٔ آن خواهد نوشت خمینی»[۴] و ملت ما نیز با دادن شهیدان هرگز تن به ذلت نخواهد داد و امام خویش یعنی رهبر و مرجع خود را تنها نخواهد گذارد.

ای امت حزب‌الله! مبادا که اسلحهٔ بر زمین افتاده شهیدانتان را باقی گذارید، فرزندانتان را که

---

۱- در اصل وصیت «وساوای».

۲- ترجمهٔ فرازی از وصیت امام علی(علیه‌السلام) به امام حسن(علیه‌السلام) است: «فأمّا من کان من الفقهاء صائناً لنفسه حافظاً لدینه مخالفاً علی هواه مطیعاً لامر مولاه فللعوام ان یقلّدوه». (وسائل الشیعه، ج۳۷، ص ۱۳۱).

۳- در اصل وصیت «کمر».

۴- این جمله از شهید آیت الله حسین غفاری است که در اثر شکنجه‌های وحشیانه عوامل طاغوت در زندان شهید شد.

امانتی از سوی خدایتان در دست شما هستند را به جبهه روانه کنید، تا جای شهیدانتان را پر نمایند.

ای جوانان عزیز که چشم امید دنیای به استضعاف رفته بر بازوان پرتوان شما و بر رزم بی‌امانتان نظاره‌گر است، تا از چنگ ستم برهانیدشان. به‌سوی جبهه بشتابید و با آزادسازی کربلا، مژدهٔ زیارت حرم مطهر اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) را به مادران و همسران و یتیمان شهدا بدهید، گرچه بارها خود با قول رفتن به کربلا به جبهه آمدم و لیاقت آن را نیافتم، انشاءالله ارادهٔ خدا بر آن قرار گیرد.

عرض کوچکی هم خطاب به شما عزیزانی که در حزب[۱] جمهوری اسلامی که بهشتی[۲] شهید معبدش خواند، به پیشبرد انقلاب و اسلام که همانا عبادت است، مشغولید دارم. بارها این جمله را گفتم که گرچه خود را لایق این‌که در کنار شما بوده و خدمتگزاری خدمتگزاران اسلام را بنمایم، نمی‌دانستم، ولی این را برای خود سعادت و افتخار می‌دانستم، هرگاه اطلاعیه‌ای را از امام و رهبرم چاپ می‌نمودم، آن هنگامی که سخنی از یاران امام را تکثیر می‌کردم و آن هنگام که در سوگ آن سید سالار شهیدان انقلاب، شهید مظلوم بهشتی، پارچه‌ای را نصب می‌کردم و رضای خدای را در نیت داشتم، خود را در بهترین اوقات زندگیم می‌یافتم و...

با پیشه کردن تقوا و خلوص در کار، به دنبال امام امت، با کمری محکم‌تر بسته شده از قبل گام بردارید، به امید آنکه با دست رهبر و یاری شما و عنایت حق و تحت توجهات حضرت بقیةالله، زمینهٔ ظهور آن حضرت فراهم شود و آیه شریفه «**و نرید انّ نمنّ علی الذّین استضعفوا فی الارض**»[۳] مصداق یابد. بدین‌وسیله از همهٔ کسانی که به نحوی با این حقیر آشنا[یی] و رابطه داشته‌اند، ضمن عرض سلام، درخواست دارم که [اگر] خدای ناکرده، جسارتی، بی‌حرمتی و خلاف ادبی نسبت به ایشان نموده‌ام، مرا حلال کرده و ببخشند و از خدا نیز برایم طلب مغفرت نمایند.

**«والسلام»**

**مجتبی صدیقی**

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- قصص، بخشی از آیه ۵۰.

﴿ باسمه تعالی ﴾

و من الناس من یشري نفسه ابتغاء مرضات الله و الله رئوف بالعباد .

ولا تحسبن الذین قتلوا في سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون .

الحمد لله الاول بلا اول کان قبله والاخر بلا آخر یکون بعده .

حمد وسپاس خدائیرا که اول است و پیش از اولی نبوده و آخر است و پس از او آخری نیست ، مبدأ هر موجودی و مرجع هر شیئی است.

حمد و سپاس خدائیرا که ما را به خلقی احسن بیافرید و مقدر فرمود بر با تقدیر خویش را که ذره أی خطای از آن را نمی توان .

حمد و سپاس خدایی را که نعمت سپاسگزاری و شکر نعمت بجا آوردن را، که اگر این شناخت را عطا نکرده بود همانا در مثال انعام بودیم ، بما ارزانی داشت گرچه با سجده أی به درازی یک عمر شکر این نعمت را بجا نتوان آورد .

حمد و سپاس خدائیرا که بر ما منت نهاد و با برانگیختن ۱۲٤ هزار پیامبر انسانها را بسوی خویش هدایت نمود و پیش از آن اینکه آخرین رسول خویش حضرت محمد این عبدا لله صلی ا لله علیه و آله را برانگیخت و خاتم آنان قرارش داد و با نزول کتاب خویش بر او ، وسیله انزار و هدایت و راهنمایی انسانها گردانید.

حمد و سپاس خدائیرا که ماامت مسلمان را بیش از آن منت گذارد و با قرار دادن آن دوازده اختر تابناک آسمان ولایت ، علی ع و یازده فرزند پاکش بعنوان جانشین و وصی رسولش ، حجت خویش را بر ما به اکمال رسانید و سپاس او را که از شیعیان اثنی عشری و پیرو مذهب جعفری قرارمان داد .

حمد و سپاس خدائیرا که بر ما اذن مدح و عبادتش را که همانا هدف از خلقت انسان است ، روزی قرار داد.

حمد و سپاس خدائیرا که ما را توفیقی عنایت و لطفی کرامت فرمود و ما را در زمانه أی سعادت حیات بخشید که در غیاب آخرین حجت حق ، پرچمدار عدل و عدالت و منجی عالم بشریت ـ حضرت ولی عصر روحی و ارواح العالمین لتراب مقدمها الفداء ، او که اگر نظر برگیرد ، زمین و اهلش را در خود فرو میبرد ، بتوانم نائب بر حقش ، آن خداپرست خود ساخته خداجو ، مرجع مسلمین ، مطیع امر مولا یگانه لعدل لعلم زمان ، ناخدای کشتی نجات ـ نادی هُدای هل من ناصر

حسینی ، یحیای ثانیی ، یک دُر یمـانی ، یعـنی فرزنـد رسـول ا ﷺ ،زاده زهـرا ، خمینـی کـه جـانم بـه فدایش باد را درک کرده و سربازی اش را برجان بپذیرم.

حمد و سپاس مر خدائـیرا که با چنین منتی (یعنی وجود رهبری چون امـام ) اسـلام را زنـده و احکـام قرآن را احیاء و به اسلام و خداپرستان عزت و بر دشمنانشان ذلـت و خـواری بخشـید و انسـانیت انسان را که در تهدید فنا بود، را به ما باز گرداند و حقیقت و معنای واقعی عبادت و عشق و ایثـار و شهامت و شجاعت و شهامت و بسیاری واژه های تحریـف شـده و بـه فراموشـی سـپرده شـده دیگر را عیان کرد .

حمد و سپاس مر خدائـیرا که آنچه بر بسیاری از پدران ما نداده بود ، بـر مـا و نسـل حـاضر کـه همیشه می گفتیم ، یا ابا عبدا... ، أی کـاش بودیـم در کربـلا و هـل مـن نـاصر ینصرنـی تـرا لبیـک میگفتیم ، عطا نمود و صحنه کربلا را مکرر نمود و عاشورایی بپا کرد تا حسینیان زمان بـا عشـق بـه شهادت در رکاب حسین زمانه برای احیاء دین جدش رسول ا... (ص) با یزیدیان و ابن مرجانـه هـای زمان به نبرد برخیزند و مشهدی را بیابند تا در آن جان ناقابل خویش را که نـه شایسـته مـاندن در این دیار فنا پذیر بود را در طبق اخلاص گذارده و دیوانه وار ایثار معشوق . مطلوبشان کرده و لقاء دوست را بیابند

وحمد و سپاس مر خداییرا که مرا در خانواده های متولد نمود که افتخار آن خانه مذهب و نماز و قرآن بوده و هست و مرا از پدر و مادری پاک و مسلمان و بدور از گناه بدنیا آورد ، کـه مـرا از کوچکی با نماز و قرآن مأنوس نمایند.

خداوندا تو آگاهی از درون پرسوزم ، تو واقفی بر شراره قلبم ، عالمی نهایت شوقم را به وصلـت . پروردگارا خود دانایی بر آنچه مرا بسویت می خواند و مطلعی از نهایت سختی کشیدنم در فـراغ . و الهی خود ناظری برآنچه در فراغ یارانم متحمل گشته ام .

خدایا گرچه به ظاهر در چهره خنده بر لب دارم و خود را راضی نگاه داشته ام ، و لکن تو می دانی تا چه حد برایم سخت و ناگوارست ، تحمل دوری آنها و در کنارشان نبـودنم . آیـا چگونـه سـخت نباشد بر من ، حال آنکه از هنگام که مرا با شهادت آشنا کردی و توفیق جبهه رفتن را به من عطـا کردی ، هر بار که با عاشقانی دلباخته و دل از دنیا بریده پـا در سـرزمین مقـدس جبهـه نهـادم و منت نهادی و توفیق درک شبها و صحنه ها و معرکه های امتحانت را عطا کـردی ، شـوق و عشـق به شهادت را در دلم زنده کردی و آتش شوق وصلت را در درونم افروختی و هر بـار عزیزانـی را که دیدنشان یاد تو و مصاحبتشان ذکر تو و دوسـت داشتنشـان دوستی تـو بـود، آنهـا کـه نـور رویشان روشنی بخش دلهامان بود، رابه سوی خویـش خوانـدی و مـرا از درک حضورشـان محـروم

نمودی ، چگونه سخت نباشد مأنوس بودن با داغ توفیق وصل نیافتن و داغ در فراغ یاران سفر کرده نشستن .

ولی معبودم همین سوز و شور است که مرا به سویت می کشاند و همین عشق رسیدن به وصالت ، مرا امید به زنده ماندن می بخشد و همین مشقت و داغ دوری از یارانم ، مرا به شهادت ترغیب می نماید .

خدایا مرا به این امید نا امیدم مگردان و مرا به منتهی آرزویم که همانا شهادت است نایل آر و مرا در این داغ به مرگ غیر شهادت ممیران .

و این چند کلام را برای اینکه وصیتی از من بجای ماند ، بیان می کنم : خود را لایق اینکه تذکری به امتی که بارها امتحان خویش را پس داده است نمی دانم ، چون اینان همانهایی هستند که مادرانشان فرزندان خود را و زنهایشان وهمسران خودرا به جبهه و بسوی شهادت روانه کرده اند و خود را راضی به رضای کردگار نموده اند . چه بگویم ، حال آنکه شهیدانی در خون تپیده با ریختن خونشان به آنها پیام داده اند و هر لاله سرخی که از خونشان روییده راز دلشان را بهر ایشان فاش نموده است .

هر خواهر شهیدی به تنهایی زینبی شده است از بهر برادر و حسین خویش، هر نازدانه شهیدی سکینه أی و هر فرزند شهید و برادر شهیدی زین العابدینی است از بهر پدرش حسین و برادرش علی اکبر و هر مادر شهیدی لیلایی است از برای علی اکبر و علی اصغرش و یا ام البنینی است مر عباس و عون و جعفر و عبدا... خویش را .

ولی باز به عنوان ادای تکلیف و انجام وظیفه ، نکاتی چند را متذکر می شوم . أی خیل عظیم حزب ا... ، پای در راهی نهادید که شاید پیش از شما چنین لیاقت و جراتی را نیافتند ، گفتن اینکه پروردگار ما خداست استقامت می خواهد .

احسب الناس ان یترکوا ان یقولوا آمنا و هم لا یفتنون

آیا می پندارید با اقرار به زبان گفتن اینکه ما ایمان آوردیم رهاتان کنند و به خویشتان وا می گذارند و به صحنه ها و معرکه های امتحانتان نخوانند چه سست اندیشه و خام فکری است که بهشتی به آسانی بر شما هدیه کنند.

نه وا... ، ..... شما گفته اید کلامی را که دنیا را به زیر سوال دارد ، ندا داده اید ندایی را که از بهر ثبات خویش خون می طلبد ، جان عزیز را تقاضا می کند . شما جلوداری را برگزیده اید که دنیایی از بهر فنایش به دست و پاست . گفته اید و اگر استقامت هم نمودید ، و حزن و اندوهی به دل راه ندادید ، بشارتتان دهند جنتی که بر شما وعده شده است چشم بگشایید و بر راه

افکنید که مبادا برراهتان تیغ افکنند ، گوش بر لاطائلات بیگانگان بربندید که بر راهتان سست و ملولتان نگردانند. مبادا چون اهل کوفه امام خویش را رها کنید .

**مبادا خویشتن را واگذارید — امام خویش را تنها گذارید**

**زخون هر شهیدی لاله رسته [1] — مبادا روی لاله پا گذارید**

علیکم بالامام ، علیکم بالامام ، علیکم بالامام ،

هشیار باشید مبادا وسواسان خناس با وساوای شیطانی که از درون چرکینشان حاکی است قلوب شما را خدشه دار کنند و ضربه خویش را بر شما وارد آورند و آن کنند که به گفته آن عزیز در صدر مشروطیت کردند .

و این خطابم با شما کوردلانی است که آگاه و ناآگاه به خیالات واهی خود می خواهید زهر خود را بر اندام این جامعه بخورانید . نه شمایید چون آنان که بودند و نه ماییم چونان که شما می پندارید و نه امام آنکه در خیال دارید آری تنها مرجع اعلم ، تنها مرجع اعلم اوست که رهبر است اوست که نائب امام زمان است ، اوست آن صائن نفس ، حافظ دین ، مخالف هوی و مطیع امر مولایش ، اوست

راوی حدیث ، او که امام عصر (عج) حجت خویشش بر شما و خود را حجت خدا بر او خواند. اوست مردی اهل قم که ۱۳۰۰ سال پیش امام موسی ابن جعفر قیامش را خبر داد و یارانش را محکم تر از پاره های آهن توصیف کرد .

اوست که ۱۴۰۰ سال پیش جدش رسول اکرم صل ا... علیه و آله ، ولی امت خویشش که وکیل بر فنای بدعت زمان ، سخن گوی ملحم از خدا و آشکار کننده و روشن ساز حق و مردود کننده دام دام گذاران است نام نهاد، هم او که روح ا... خوانندش.

اوست که کمر از پدر و پسر خبیث یعنی رضا خان و فرزند ملعونش شکست اوست که لرزه بر جان دشمن افکند ، اوست که مصلحت خویش بر مصلحت اسلام ترجیح نداد. ، حفظ جان را بر حفظ دین جدش اولویت نبخشید . عمامه رسول خدا بر سر، شال علی بر کمر ، فریاد خویش را بر علیه هر که با دین بدگمان بود سر داد ، و اوست که خون هزاران شهید بزرگوار ملت بر زمین نقش بسته که خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار و اوست که یک مقلدش در زیر شکنجه خصم دیو صفت فریاد می کشد که اگر خونم بریزد هر قطره آن خواهد نوشت خمینی .

.و ملت ما نیز با دادن شهیدان هرگز تن به ذلت نخواهد داد و امام خویش یعنی رهبر و مرجع خود را تنها نخواهد گذارد ، أی امت حزب ا... مبادا که اسلحه بر زمین افتاده شهیدانتان را باقی

گذارید ، فرزندانتان را که امانتی از سوی خدایتان در دست شما هستند را به جبهه روانه کنید تا جای شهیدانتان را پر نمایند .

أی جوانان عزیز که چشم امید دنیائی به استضعاف رفته بر بازوان پر توان شما و بر رزم بی امانتان نظاره گر است ، تا از چنگ ستم بر هانیدشان ، بسوی جبهه بشتابید و با آزادسازی کربلا مژده زیارت حرم مطهر اباعبدا... الحسین را به مادران و همسران و یتیمان شهداء بدهید، گرچه بارها خود با قول رفتن به کربلا به جبهه آمدم و لیاقت آن را نیافتم ، انشاءا... اراداه خدا بر آن قرار گیرد.

عرض کوچکی هم خطاب به شما عزیزانی که در حزب جمهوری اسلامی که بهشتی شهید معبدش خواند ، به پیشبرد انقلاب و اسلام که همانا عبادت است مشغولید دارم ، بارها این جمله را گفتم که گرچه خود را لایق اینکه در کنار شما بوده و خدمتگذاری خدمتگزاران اسلام را بنمایم نمی دانستم ولی این را برای خود سعادت و افتخار می دانستم هرگاه اطلاعیه أی را از امام و رهبرم چاپ می نمودم ، آن هنگامی که سخنی از یاران امام را تکثیر می کردم و آن هنگام که در سوگ آن سید سالار شهیدان انقلاب شهید مظلوم بهشتی پارچه ای را نصب می کردم و رضای خدای را در نیت داشتم ، خود را در بهترین اوقات زندگیم می یافتم و.....

با پیشه کردن تقوا و خلوص در کار ، بدنبال امام امت ، با کمری محکم تر بسته شده از قبل گام بردارید ، بامید آنکه با دست رهبر و یاری شما و عنایت حق و تحت توجهات حضرت بقیه ا... زمینه ظهور آن حضرت فراهم شود و آیه شریفه و نرید ان نمن علی الذین استضعفوا فی الارض ، مصداق یابد. بدینوسیله از همه کسانی که به نحوی با این حقیر آشنا و رابطه داشته اند ضمن عرض سلام درخواست دارم که حدای ناکرده ، جسارتی ، بی حرمتی و خلاف ادبی نسبت به ایشان نموده ام ، مرا حلال کرده و ببخشید و از خدا نیز برایم طلب مغفرت نمایند.

والسلام

مجتبی صدیقی

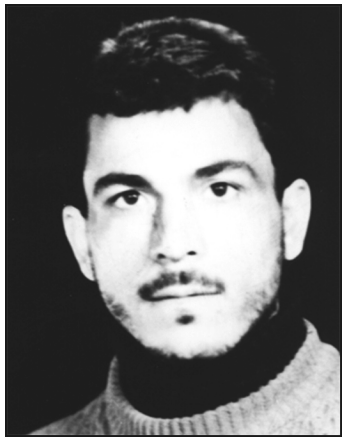

نام: **محمدحسن**
نام خانوادگی: **صدیقی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **بیستم آذر ۱۳۳۹**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۶**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش و عوارض ناشی از مصدومیت شیمیایی**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- پروردگارا، ای آقای من! چراغ هدایت را بر قلب من فروزان گردان.
- باید از جنگ و مسائل جبهه پشتیبانی کنیم.
- ایثارهای مردم را می‌توان جزئی از سربلندی و عظمت به‌حساب آورد.
- از دست دادن شهدای گرانقدر، ضایعه‌ای است جبران ناپذیر.
- خدایا خدایا، ستارگان که رفتند، تو خورشید را نگاه‌دار.

**محمدحسن صدیقی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«والّذین قتلوا[۱] فی سبیل الله فلن یضلّ اعمالهم»[۲] «یا ایّها الّذین امنوا ان تنصروالله ینصرکم و یثّبت اقدامکم و الذین کفروا فتعساً لهمّ و اضلّ اعمالهم»[۳]**

«و آنان که در راه خدا کشته شدند، خدا هرگز رنج و اعمالشان را ضایع نگردانید و ای اهل ایمان شما اگر خدا را یاری کنید، خدا هم شما را یاری می‌کند و ثابت قدم گرداند و آنانکه به خدا کافر شدند، نابود و هلاک شوند و اعمالشان را ضایع و باطل سازد.» (راست گفت خداوند بلندمرتبه و بزرگ)

[...][۴] عرض خالص‌ترین احترامات و سلام به پیشگاه و محضر مقدس و معظم آقام امام زمان(عج) و نایب بر حقش، این خورشید فروزان مکتب اسلام در عالم کفر و این فرزند راستین حسین ابن علی(علیه‌السلام) و درود بر روان پاک شهیدان به خون غلتیده، از صدر اسلام تا نینوای ایران و درود به پیشگاه امت بزرگوار و راست‌اندیش و [...][۵] (ایران به لاله تپیده)

اینجانب در مقامی نیستم که پیامی به دنبال هجرت از عالم خاک و ماده، به دنیای مثال داشته باشم ولی بنا به ارتباط با اجرای امر تکلیف، چند خطی وصیت[۶] می‌کنم. در این صبح ظفر که [...][۷] نوشتن هستم، به این واقعیت می‌اندیشم که در دل سنگین و سکوت شب، که روزنه امید در دل اندک مؤمن مخلصی، درخت انتظار را رویانده، جز هیاهوی شب‌آشوبان بی‌خرد، پهنهٔ شهر را صدایی نبود که مؤمنین از بیم مثله شدن، بستر سکوت و یا حیات ناآشکار و فریاد ناپیدا را گزیده بودند. یاران مهدی موعود(عج) این طلایه‌داران و انتخاب‌شدگان از پشت پدران که به فرمودهٔ خورشید جماران، یاوران منند، چون آذرخشی

---

۱- در اصل وصیت «قتلو».

۲- محمد/ ۳.

۳- محمد/ ۷ و ۸.

۴- خوانا نیست.

۵- خوانا نیست.

۶- در اصل وصیت «وسیعت».

۷- خوانا نیست. از سیاق کلام برمی‌آید باید «مشغول» یا «در حال» باشد.

دل شب را شکافتند و لبخندشان چهرهٔ شب‌ها را مشوش کرد. شاید این مادران نمی‌دانند که رزمندگان، این مولودهای مادران، شب‌شکنی نستوه هستند و روز یاوری باور نکردنی اما...

زمان چه خوب می‌شناساند نوابغ آرام و بی‌ریا را به مردم خوبی که جستجوگر عشقند، اینک این حقیر چه باسعادت هستم و چه بسیار خوشبخت هستم که در جمع این آذرخش‌ها جای گرفتم. خداوندا! توفیق بده که بی‌نهایت درجه سپاست را به‌جا آورم که دست رحمتت بر سرم قرار گرفت و مرا در این جمع باصفا قرار دادی. این بزرگ‌ترین نعمت تو است که به‌جای آوردن حمد آن، جز با نعمتی دیگر مؤثر نخواهد بود. خداوندا! تو آگاهی دیوانهٔ عشق توام و جستجوگر راه رهایی از عالم ماده به اعماق راه احدیت توام و در این راه جز کوله‌باری از گناه چیزی ندارم، جز قلبی سیاه به ظلمت شب بی‌مهتاب و افکاری مغشوش و مریض که پیوسته ره‌رو شیطان بوده و عمری به غفلت گذشته و غرق شده در معصیت. ولی معبودا آرزو دارم هنگامی که گلولهٔ سرخ قلبم را می‌درد، با تمام وجود فریاد بزنم دوستت دارم و اگر بخواهی به موجب گناهانم مرا در جهنم قرار دهی، فریاد خواهم زد دوستت دارم و جهنمیان را شاهد خواهم گرفت.

ای قدیم‌الاحسان! احسانت را از سر این بنده بدتر از شیطان دریغ نفرما، از قید ماده آزادم بگردان و در ماورای مثال قرارم ده تا روز دیدارت، شاید که قدمی در راه رسیدن به سعادت دیدارت نزدیک شوم. پروردگارا، ای آقای من! چراغ هدایت را بر قلب من فروزان گردان تا بتوانم ظلمت قلب را شکافته و آینه‌ای در جمال کلامت در آن نقش بندم. پروردگارا! با تمام ذره ذره وجودم به درگاهت التماس می‌کنم و تو را به ناله‌های نیمه‌شب شب‌شکنان قسمت می‌دهم که «اللّهم ارزقنا توفیق الشهادهٔ فی سبیلک» این فوز عظیم الهی که به نام شهادت است، واژه‌ای که همواره زیباست، به زیبایی طراوت گل، شهادت راه یابی تا سعادت باب جنة، خاص مخلص[۱] مردمان و اولیای ایزد یکتاست. اگر بایستی با خلوص خویشتن شد، عاشق مخلص[۲] نشین ایزد و معراج خونینی و چراغی بر فرا راه عزیزانی بود که جستجوگر راه و معشوقند و چون شمعِ محفل، روشنی‌بخش و هدایت

---

۱- در اصل وصیت «مخلصی».

۲- در اصل وصیت «مخلصی».

پیشهٔ[۱] راه بایست بود. در لابه‌لای این درد دل‌ها فرصت را غنیمت شمرده، چند کلامی به‌عنوان درد دل تعهد پوشش پیام به‌جا می‌گذارم باشد که انشاءالله وظیفهٔ امر به معروف و نهی از منکر را برای آخرین بار بر روی کاغذ آورده باشم.

اگر بخواهیم پیرامون مسائل جنگ، تحلیلی داشته باشیم، به وضوح خواهیم دید که با وجود سنگینی هزینه‌ها، شامل پرداخت سوبسیدها، تهیه کالاهای اساسی، تأمین زندگی آوارگان و جنگ‌زدگان، خرید اسباب و افزارهای جنگی، کاستن تولیدات و خسارات وارده به صنایع تلفات مالی و جانی باز برای ما، جنگ یک مسئله حیاتی و محور اصلی است و برای عدم وابستگی به کفار، باید از جنگ و مسائل جبهه پشتیبانی کنیم و همچنان که دولت بایستی در خدمت مردم باشد، مردم نیز باید قدر مسئولین دلسوز و خدمتگزار [...][۲]، و جای تقدیر آن وجود دارد که در جامعه فعلی ما، هستند کسانی که حتی قسمتی از اجناس کوپنی خود را در اختیار جبهه‌ها قرار می‌دهند و این ایثارهای مردم را می‌توان جزئی سربلندی و عظمت به‌حساب آورد.

و در رابطه با ارزش غیرقابل سنجش شهادت و لطمه‌هایی که به‌خاطر فقدان شخصیت‌های علمی و مبارز در گذشته پیش آمده می‌خواهیم اشاره‌ای کرده باشی،. می‌بینیم که گاه هستند که یک جوان یا یک شخصیت شهید، درصورت حیات می‌تواند [...][۳] شهری را عوض کند و در بهبود جامعهٔ اسلامی ما تأثیر بگذارد و از دست دادن شهدای گرانقدر، ضایعه‌ای است جبران ناپذیر.

و در خاتمه اگر بخواهیم نتیجه‌گیری داشته باشیم متوجه خواهیم شد که امروز که ما ضربه‌هایی که از دشمن در همهٔ زمینه‌ها و ابعاد به ما رسیده از جنگ تحمیلی تا تبلیغات سوء و محاصرهٔ اقتصادی و نظامی و جنگ تحمیلی، شکستن حرمت خانهٔ خدا و ناوهای[۴] نامحدود گسترده‌ای که در آستانه و در بغل گوشمان قرار گرفته و توطئه‌های داخلی توسط سربازان بدون یونیفرم[۵] صدام همه و همه به‌خاطر آن است که ما می‌خواهیم به شرق و

---

۱- در اصل وصیت «بیشه».

۲- خوانا نیست.

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «ناواهای».

۵- در اصل وصیت «یونیفورم».

غرب وابسته نباشیم و مستقل زندگی کنیم و یک جامعهٔ سالم اسلامی و انسانی به‌معنای کامل و در مقام عمل داشته باشیم و خط دهندهٔ آزادگی و آزادمنشی تحت پوشش مکتب حیات‌بخش و به تحت فرامین اسلام را به مستضعفین داشته باشیم و به وظیفهٔ انسانی و مکتبی خود در چهارچوبه تکلیف عمل کرده باشیم.

و در این راه ما تا آخر به قول امام عزیزمان که با سخنانشان نورافشانی می‌کنند «ما ایستاده‌ایم»[۱] و تمام این مسائل که عنوان شد در رابطه با نارسایی[۲] در برابر بقای مکتب امام حسین(علیه‌السلام) است و عدم وابستگی قابل تحمل و مایه افتخار است و حفظ اسلام و دستاوردهای آن ارزش آن را دارد که همه چیز فدا گردد تا همچنان سرافراز و مستقل باشیم و در این راه با تمام قوا و کوشش در همهٔ ابعاد ظاهری و باطنی بایستی. پیرو خون سرور آزادگان جهان اباعبدالله حسین(علیه‌السلام) باشیم. خداوند انشاالله شناخت و معرفت ما را در رابطه با چگونگی هرچه بیشتر خونِ به ناحق ریخته که توسط منافقین[۳] از مولا حسین ابن علی(علیه‌السلام) ریخته و با ریختنش چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما آموخت. هرچه بیشتر افزون و افزونتر گرداند. «انشاءالله»[۴].

و اما صحبت‌هایم با خانواده

پدر و مادرم ضمن آرزوی موفقیت شما و آرزوی استواری گام‌هایتان در زندگی و آخرت از درگاه معبود یکتا از شما حلالیت می‌طلبم چرا که در طول زندگی فرزند خوبی برای شما نبودم و همواره مایهٔ[۵] مزاحمت و رنج شما بودم امیدوارم که با هجرتم از این وضعیت خلاص شده باشید. لذا ضمن این‌که گوشزد می‌کنم که از[۶] رفتن من اندوهناک نباشید. یادآور می‌شوم که من خود بنا به وظیفهٔ شرعی[۷] راهم را انتخاب کردم و از شما به‌عنوان ادامه دهندهٔ راهم می‌خواهم که همیشه هم‌کلام با دیگر خانواده‌های شهدا در

---

۱- امام خمینی: «ما برای دفاع تا آخر ایستاده‌ایم» (صحیفه امام، ج ۱۸، ص ۱۵۶).

۲- در اصل وصیت «نارسائی».

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «انشاالله».

۵- در اصل وصیت «مایع».

۶- در اصل وصیت «در».

۷- در اصل وصیت «شرعیت».

صحنه‌ها حضور داشته باشید و به‌عنوان فردی مسلمان بایست پشتیبان امام و پیرو خط او باشید و ضمن اینکه توصیه[۱] می‌کنم معنویت خود را بالا ببرید همواره تکلیف است بر شما که از اسلام و حقوق مسلمین دفاع کنید و فردای محشر انشاءالله[۲] با روی سپید بر چهرهٔ شهدا نگاه کنید و نیز همیشه در مقابل یاوه‌گویان و زالوصفتان که زمزمه‌های[۳] شوم برعلیه مسلمین دارند مشت گره کرده داشته باشید.

از برادرانم می‌خواهم که در رابطه با ریختن خون شهیدانمان در عصر اتم و در حالی‌که از همه طرف توسط شیاطین محاصره هستیم عمیق بیندیشند[۴] و بعد بر تکلیف خود چه انسانی و چه مذهبی عمل کنند. خواهرم درود خداوند بر تو که به راستی محور اصلی پشتیبان برای من و سایر اعضای خانواده بودید. هیچ‌وقت محبت‌های شما را فراموش نمی‌کنم و امیدوارم که پروردگار عالم اجر زیاد به شما عنایت بفرماید. لذا ضمن حلالیت توصیه می‌کنم نمازتان را سروقت به‌جا آورید و آخرین صحبت من این است که تمام و کمال وظایف خود را در رابطه با مذهب جامهٔ عمل بپوشانید. انشاءالله

**محرم ۶۶/۶/۳۱**

**محمدحسن صدیقی**

در پایان ۳ سال نماز و روزه دارم برایم بگیرید، ضمناً مخارج شام به صرف امور جنگ واریز شود. از کلیه فامیل‌هایی که در خط امام نیستند، خواهش می‌کنم در مجالس من حضور پیدا نکنند.

خدایا خدایا، ستارگان که رفتند، تو خورشید را نگاه‌دار.

---

۱- در اصل وصیت «توسیعه».

۲- در اصل وصیت «انشاالله».

۳- در اصل وصیت «زمزمه‌های».

۴- در اصل وصیت «بی اندیشند».

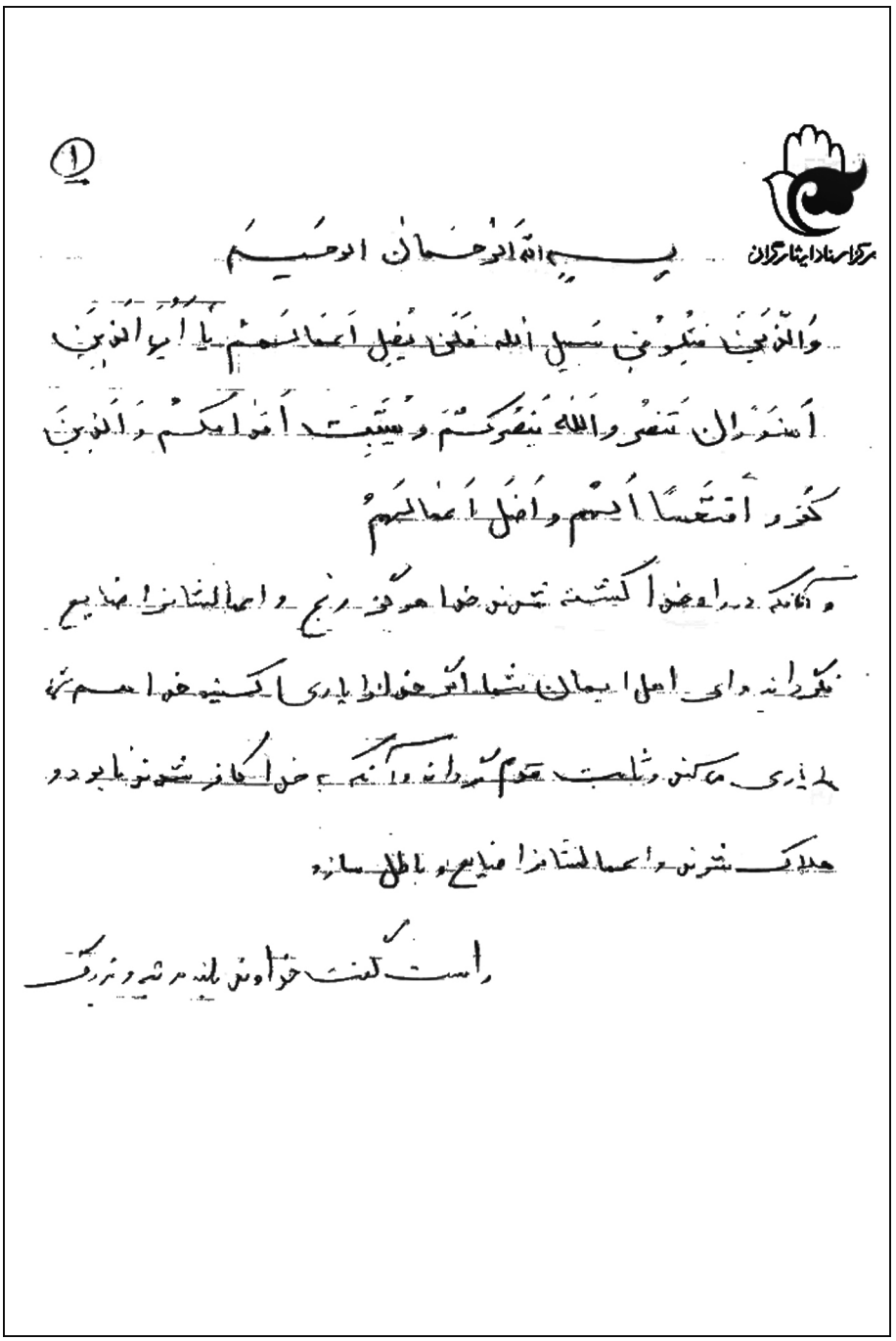

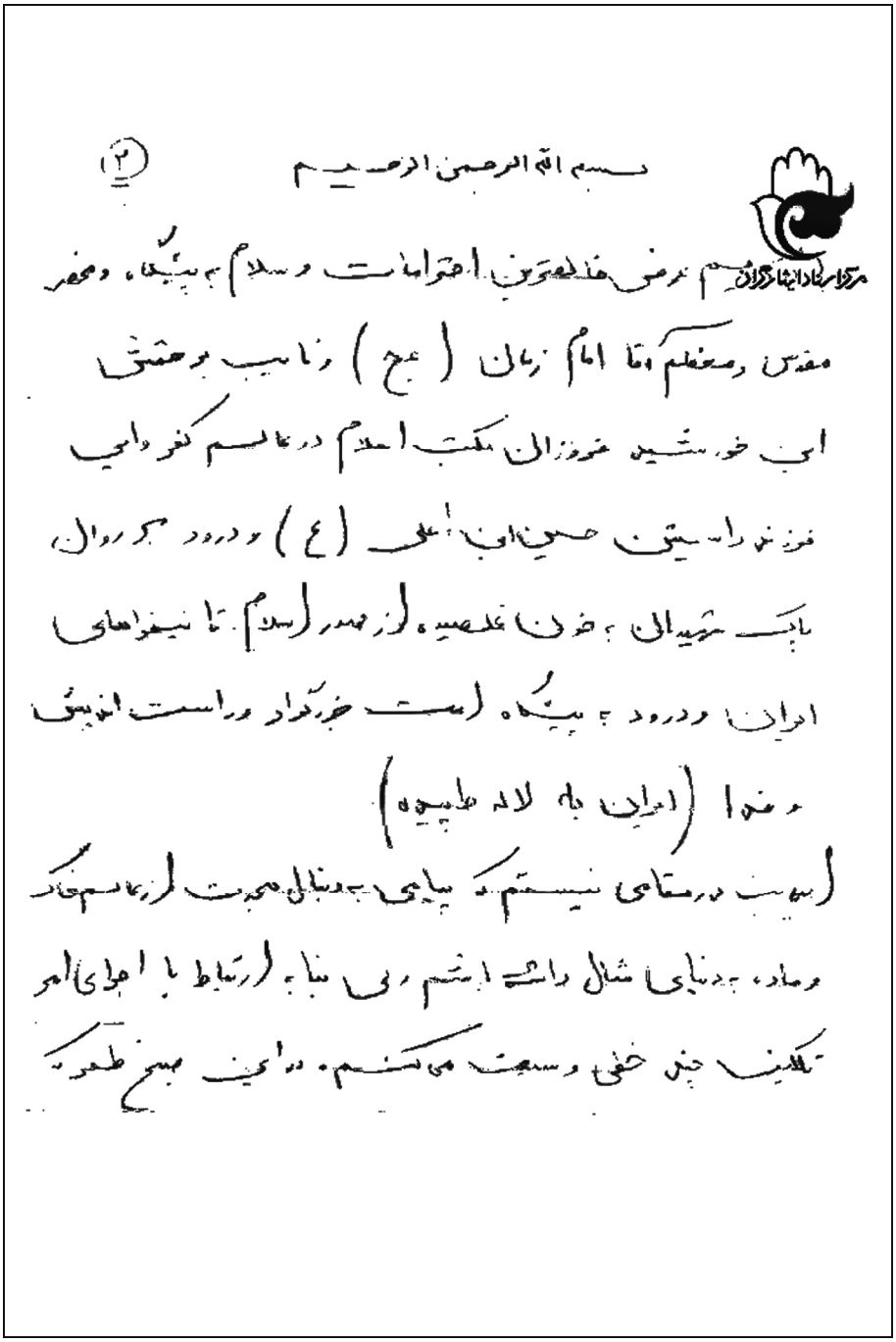

بسم الله الرحمن الرحیم (۲)

مرکز اسناد ایثارگران

اینجانب ... فرزند ... متولد ... صادر از ... با سلام و تحیات و ادای احترام به پیشگاه مقدس حضرت ولی عصر (عج) و نایب برحقش امام خمینی بنیان‌گذار جمهوری اسلامی و تمامی شهدای راه اسلام و قرآن و با درود به روان پاک شهیدان بخصوص شهدای گمنام و با تبریک فرارسیدن ایام دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی ایران و درود به پیشگاه امت خمینی‌گذار و رهبر فرزانه انقلاب اسلامی ایران و به لانه طاغوت

اینجانب در حالی که کاملاً سالم و با توکل به خداوند متعال و اعتقاد به معاد و جهان پس از مرگ و با آگاهی کامل از مسئولیت‌های الهی و انسانی خود و با توجه به اینکه عمر انسان در دست خداوند است و هر لحظه امکان دارد که اجل انسان فرا برسد و با علم به اینکه مرگ حتمی است و هیچ انسانی از آن گریزی ندارد و با توجه به اینکه مرگ انسان در هر زمان و به هر شکلی که باشد حق است و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا بالاترین مرگ‌ها و آرزوی هر انسان مسلمان است و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب حیات جاوید انسان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آمرزش گناهان انسان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب شفاعت انسان در روز قیامت می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب رستگاری انسان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب ورود انسان به بهشت برین می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب رضایت خداوند متعال می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب افتخار خانواده و بستگان شهید می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب سربلندی و عزت اسلام و مسلمین می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب ذلت و خواری دشمنان اسلام و قرآن می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب وحدت و همبستگی مسلمین می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب بیداری و آگاهی مسلمین می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب نابودی استکبار جهانی به سرکردگی آمریکا و اسرائیل می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی قدس شریف و سرزمین‌های اشغالی فلسطین می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تمامی مستضعفان جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب برپایی حکومت جهانی مهدی (عج) می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب نابودی کفر و شرک و نفاق در جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب گسترش اسلام ناب محمدی (ص) در سراسر جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب نابودی ظلم و ستم در جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب برقراری عدل و داد در جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آبادانی جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب رفاه و آسایش مردم جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب صلح و امنیت در جهان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب دوستی و برادری بین ملت‌ها می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب احترام به حقوق بشر می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی بیان و قلم می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی مطبوعات می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی احزاب و گروه‌های سیاسی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های صنفی و کارگری می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های زنان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های جوانان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های ورزشی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های فرهنگی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های هنری می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های علمی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های مذهبی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های سیاسی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های اقتصادی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های اجتماعی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های حرفه‌ای می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های کارگری می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های دانشجویی و دانش‌آموزی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های زنان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های جوانان می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های ورزشی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های فرهنگی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های هنری می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های علمی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های مذهبی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های سیاسی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های اقتصادی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های اجتماعی می‌شود و با توجه به اینکه شهادت در راه خدا موجب آزادی تشکل‌های حرفه‌ای می‌شود

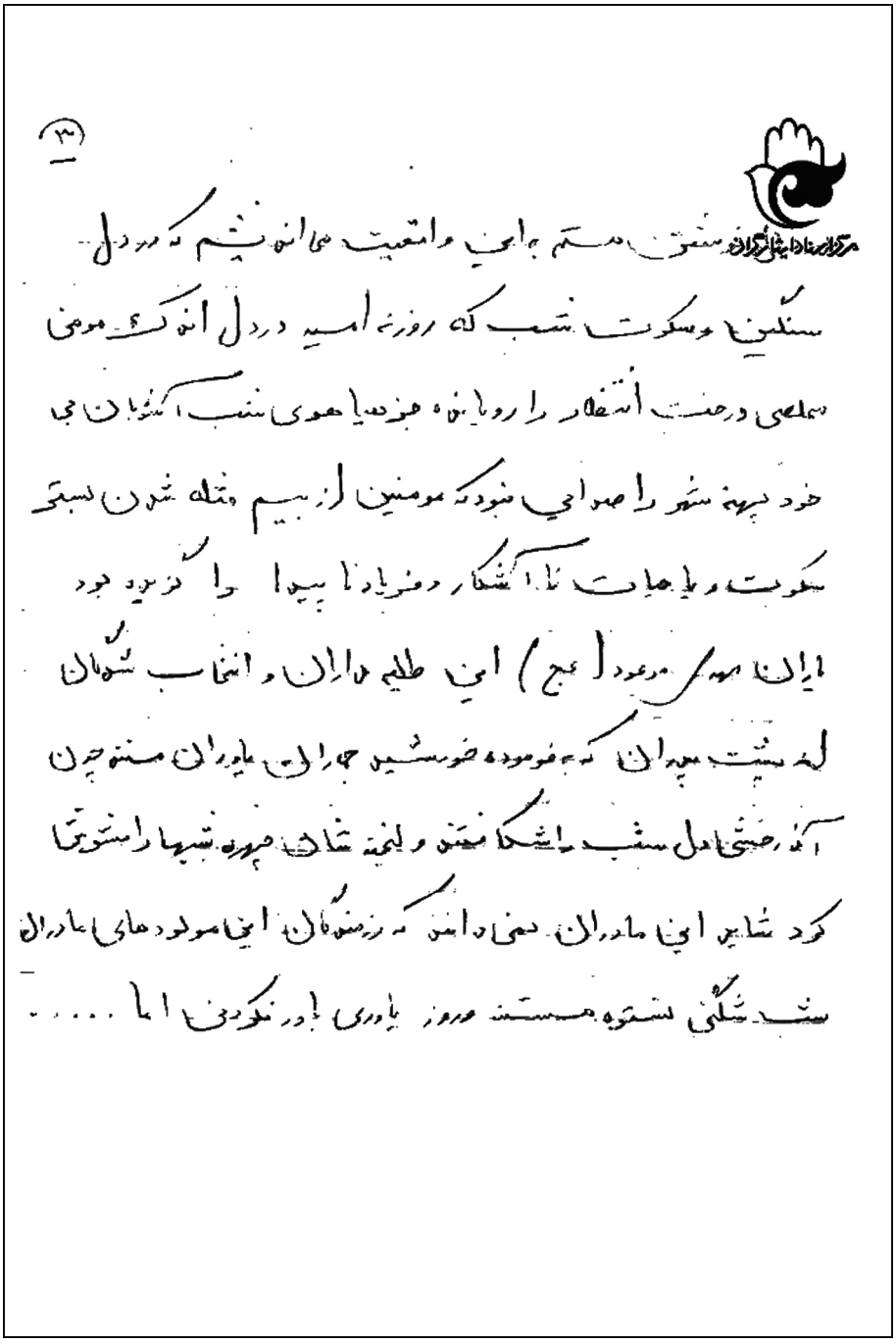

مرکز اسناد ایثارگران

۴

زمان چه خوب می‌شناساند نوابغ آرام و بی‌ریا را به مردم خوبی
که جستجوگر عشقند اینک این حقیر چه با سعادت هستم و چه بسیار
خوشبخت هستم که در جمع این آذرخش‌ها جای گرفتم خداوندا توفیق
بده که بی‌نهایت درجه سپاست را بجا آورم که دست رحمت بر سرم
قرار گرفت و مرا در این جمع با صفا قرار دادی این بزرگترین نعمت
تو است که به جای آوردن حمد آن جز با نعمتی دیگر موثر نخواهد
بود خداوندا تو آگاهی دیوانه عشق توام و جستجوگر راه رهایی از
عالم ماده به اعماق راه احدیت توام و در این راه جز کوله باری از
گناه چیزی ندارم جز قلبی سیاه به ظلمت شب بی‌مهتاب
و افکاری مغشوش و مردنی که پیوسته ره رو شیطان بوده

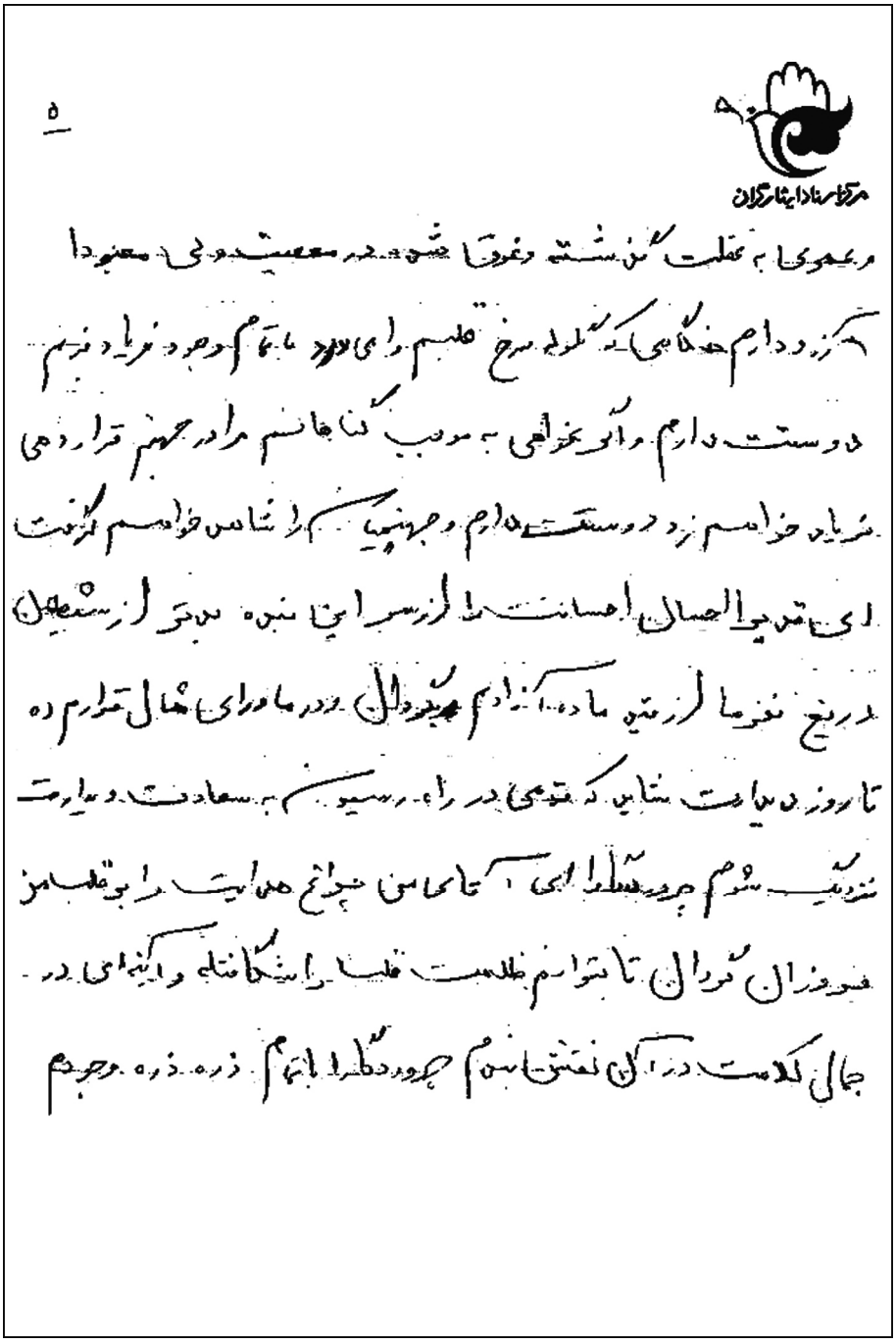

۵

مرکز اسناد ایثارگران

و عمری به غفلت گذشته و غرق شده در معصیت ولی معبودا
آرزو دارم هنگامی که گلوله سرخ قلبم را می‌درد با تمام وجود فریاد بزنم
دوستت دارم و اگر بخواهی به موجب گناهانم مرا در جهنم قرار دهی
فریاد خواهم زد دوستت دارم و جهنمیان را شاهد خواهم گرفت
ای قدیر احسان احسانت را از سر این بنده بدتر از شیطان
دریغ نفرما از قید ماده آزادم بگردان و در ماورای مثال قرارم ده
تا روز دیدارت شاید که قدمی در راه رسیدن به سعادت دیدارت
نزدیک شوم چرا دیگر ای آقای من چراغ هدایت را بر قلب من
فروزان گردان تا بتوانم ظلمت قلب را شکافته و آینه‌ای در
جمال کلامت در آن نقش بندم چرا دیگر را با تمام ذره ذره وجودم

مرکز اسناد ایثارگران

۶

به درگاهت التماس می‌کنم و تو را به ناله‌های نیمه شب شب
شکنان قسمت میدهم که اللهم ارزقنا توفیق شهادت فی کیه
این فوز عظیم الهی که به نام شهادت است واژه‌ای که همواره
زیباست به زیبایی طراوت گل شهادت راه یابی تا سعادت
باب جنه خاص مخلص مردمان و اولیای ایزد یکتاست
اگر بایستی با خلوص خویشتن شد عاشق مخلص نشین ایزد و
معراج خونینی و چراغی بر فرا راه عزیزانی بود که جستجوگر
راه و معشوقه و چون شمع محفل روشنی بخش و هدایت بیشه
راه بایست بود. در لابلای این درد دلها فرصت را غنیمت
شمرده چند کلامی به عنوان درد دل تعهد پوشش پیام به جا

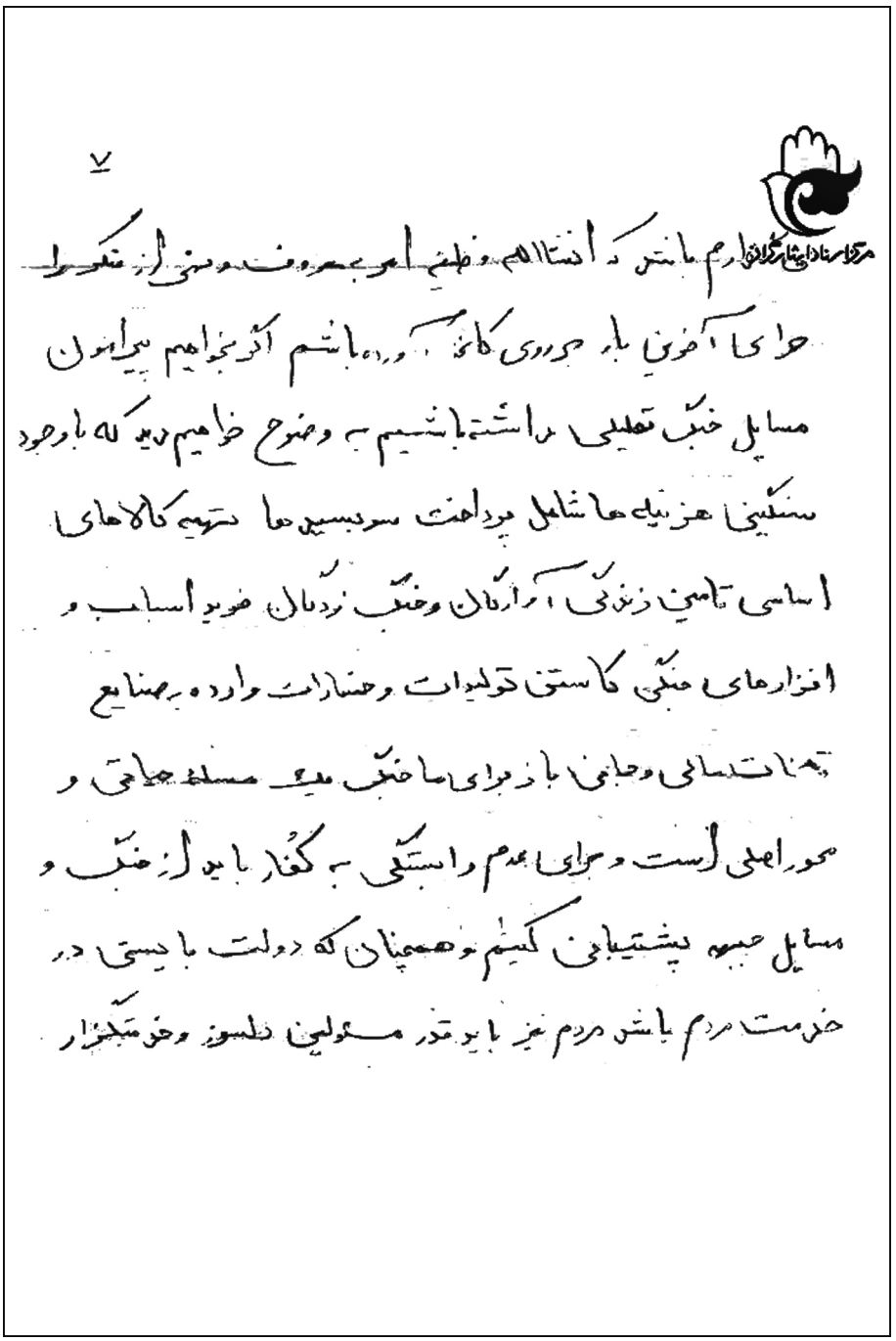

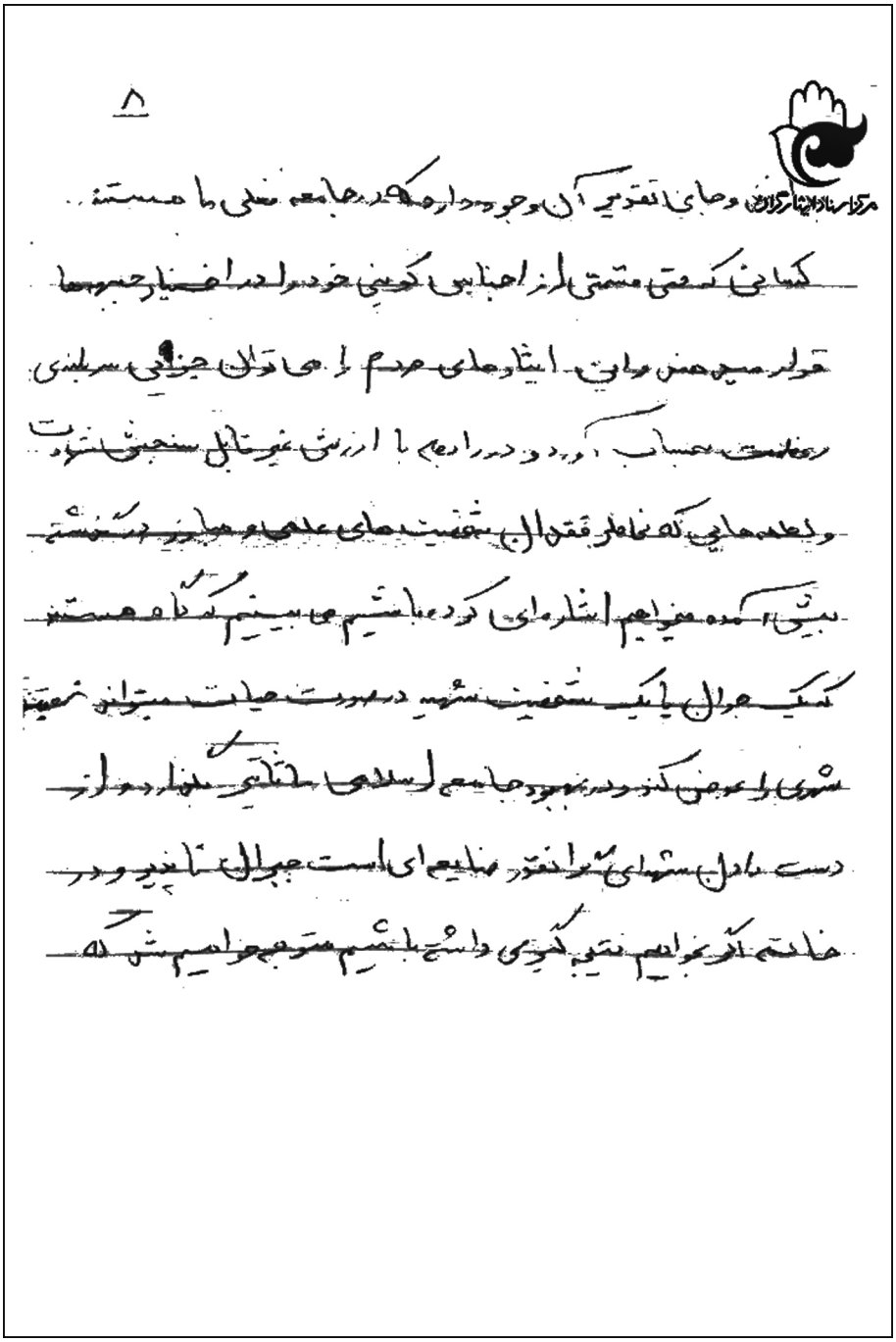

۹

مرکز اسناد ایثارگران

امروزه که ما ضربه‌هایی که از دشمن در همه زمینه‌ها و ابعاد
به ما رسیده از جنگ تحمیلی تا تبلیغات سوء و محاصره اقتصادی
و نظامی و جنگ تحمیلی شکستن حرمت خانه خدا و ناداهای نامحدود
گسترده‌ای که در آستانه و در بغل گوشمان قرار گرفته و توطئه‌های داخلی
توسط سربازان بدون یونیفورم صدام همه و همه بخاطر آن است
که ما میخواهیم به شرق و غرب وابسته نباشیم و مستقل زندگی
کنیم و یک جامعه سالم اسلامی و انسانی به معنای کامل و در
مقام عمل داشته باشیم و خط دهنده آزادگی و آزادمنشی تحت
پوشش مکتب حیات بخش و به تحت فرامین اسلام را به
مستضعفین داشته باشیم و به وطن انسانی و مکتبی خود در چهار

۱۰

مرکز اسناد ایثارگران

چون تکلیف عمل کرده باشیم و در این راه ما تا آخر به قول
امام عزیزمان که با سخنانشان نورافشانی میکنند ما ایستاده ایم
و تمام این مسایل که بعنوان شد در رابطه با پارسائی در برابر
بقا مکتب امام حسین (ع) است و عدم وابستگی قابل تحمل
و مایه افتخار است و حفظ اسلام و دستاوردهای آن ارزش آن را
دارد که همه چیز فدا گردد تا همچنان سرافراز و مستقل باشیم
و در این راه با تمام قوا و کوشش در همه ابعاد ظاهری و باطنی
بایستی پیرو خون سرور آزادگان جهان اباعبدالله حسین (ع) باشیم
خداوند انشاالله شناخت و معرفت ما را در رابطه با چگونگی هر
چه بیشتر خون به ناحق ریخته که توسط منافقین از مولا حسین ابن

۱۱

مرکز اسناد ایثارگران

علی رنجیده شود و با ریختنش چگونه زیستن و چگونه مردن را به ما آموخت

هرچه بیشتر افزون و افزونتر گرداند.

انشاالله

و اما صحبتهایم با خانواده

پدر و مادرم ضمن آرزوی موفقیت شما و آرزوی استواری کامهایتان

در زندگی و آخرت از درگاه معبود یکتا از شما حلالیت می‌طلبم چرا

که در طول زندگی فرزند خوبی برای شما نبودم و همواره مایه

مزاحمت و رنج شما بودم امیدوارم که با هجرتم از این وضعیت خلاص

شده باشید لذا ضمن اینکه گوشزد می‌کنم که در رفتن من اندوهناک

نباشید یادآور می‌شوم که من خود بنابه وظیفه شرعیت راهم را

انتخاب کردم و از شما بعنوان ادامه دهنده راهم می‌خواهم که

۱۲

مرکز اسناد ایثارگران

همیشه همگام با دیگر خانواده‌های شهدا در صحنه‌ها حضور داشته باشید
و به عنوان فردی مسلمان بایست پشتیبان امام و پیرو خط او باشید
و ضمن اینکه توصیه می‌کنم معنویت خود را بالا ببرید همواره
تکلیف است بر شما که از اسلام و حقوق مسلمین دفاع کنید
و فردای محشر انشاالله با روی سپید بر چهره شهدا نگاه کنید
و نیز همیشه در مقابل یاوه‌گویان و زالو صفتان که زمزمه‌های
شوم بر علیه مسلمین دارند هشت گره کرده داشته باشید
از جوادرانم می‌خواهم که در رابطه با ریختن خون شهیدانمان در
عصر اتم و در حالی که از همه طرف توسط شیاطین محاصره هستیم
عمیق بی اندیشند و بعد بر تکلیف خود به انسانی و چه مذهبی عمل
کنند

۱۴

مرکز اسناد ایثارگران

خواهرم درود خداوند بر تو که براستی محور اصلی پشتیبان برای
من و سایر اعضای خانواده بودید هیچوقت محبتهای شما را فراموش
نمی‌کنم و امیدوارم که چروردگار عالم اجر زیاد به شما عنایت فرماید
لذا ضمن حلالیت توصیه می‌کنم نمازتان را سر وقت بجا آورید
و آفرین صحبت من اینست که تمام و کمال وظایف خود را در رابطه
با مذهب جامعه عمل بپوشانید

انشاالله
محرم ۳۱/۶/۶۶
صدیقی

در پایان ۳ سال نماز و روزه دارم برایم بگیرید
ضمناً مخارج و مقام به صرف امور جنگ واریز شود
از یکه فامیلهایی که در خط امام نیستند خواهش می‌کنم در مجالس من
حضور پیدا نکنند

خدایا خدایا ستارگان که رفتند  تو خورشید را نگاه دار

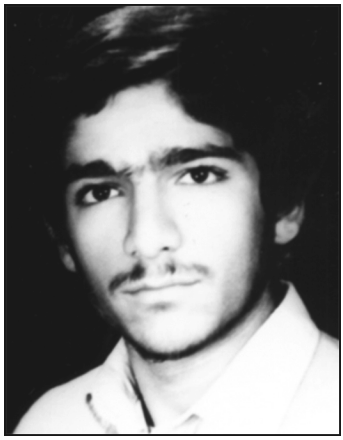

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **صرفی**
نام پدر: **محمدصادق**
نام مادر: **کبرا**
تاریخ تولد: **دوم بهمن ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **طلبه سال پنجم علوم حوزوی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- شهیدان راه اسلام که با خون عزیز خود، درخت اسلام را آبیاری نمودند.
- و این شهیدان شهیدانی هستند که مورد عزت و جلال پروردگار خود قرار خواهند گرفت.
- ببینید که شهیدان چقدر مقام و عظمت دارند که به دیدار خدا می‌روند.
- فرزند خود را، برای نجات اسلام و مکتب حیات‌بخش اسلام، راهی جبهه‌های جنگ نمایید.
- کاری نکنید که دشمن را خوشحال کنید.
- کاری نکنید که دوستان را آزار دهید.
- از شما می‌خواهم- که انشاءالله اتحاد دارید- و من می‌خواهم که باز هم منسجم‌تر شوید.
- همیشه در مجالس مذهبی و در نماز جماعات و مخصوصاً در نماز جمعه، شرکت کنید.
- قدر رهبرتان را بدانید.
- تا آنجا که می‌توانید برای طول عمر امام عزیز دعا کنید.

## حسن صرفی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«انّا لله و انّا الیه راجعون»**[۱]

«اعوذ بالله من الشّیطان الرّجیم ولا حول ولا قوة الاّ بالله العلیّ العظیم»

پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده. پناه می‌برم به خدا از شیطانی که رانده شده از خدا و رسولان و امامان و معاد، پناه می‌برم به خدا از شر شیطان آتش رباینده، شیطانی که انسان را از نور حقیقت به ظلمت بی‌نهایت می‌کشاند. پناه می‌برم به خدا از شر شیطان که انسان‌ها را به ظلمت و تاریکی می‌کشاند و امید هر انسان سست ایمان و ساده‌لوح را ناامید می‌سازد.

سلام بر یگانه منجی عالم بشریت و انسانیت آقا و مولا و سرور و سالارمان امام زمان(عج) و نایب برحقش نایب الامام الزمان، الامام خمینی، بت‌شکن زمان، در هم کوبندهٔ ظلم و ستم، برپا کنندهٔ اسلام و قانون قرآن و خاموش کنندهٔ چراغ ظالمان و جاهلان و منور کنند[۲]. چراغ نورانی هدایت و بالاخره نابود کننده و ازبین برندهٔ تمام ظلم و ستم و جور [و] جنایت [و] غارتگری و خیانت تجاوزگر و غاصب و به‌جای آن برپا کنندهٔ قانون عدالت اسلام و قرآن و برادری و برابری انسانیت و ایثارگری، شهامت و شهادت و استقامت را روی کار گماشت [کذا].

و سلام بر تمام شهیدان راه اسلام که با خون عزیز خود، درخت اسلام را آبیاری نمودند. شهیدانی که با نثار جان و خون پاک خویش، قدرت اسلام و عزت و سعادت اسلام را به تمام جهانیان، از قریب به ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون، به معرض نمایش گذاشتند و به تمام جهانیان فهمانیدند که ای جهان استکبار تا زمانی که این چنین ملت‌هایی شهادت‌طلب در چنین کشورهایی وجود خواهد داشت، نخواهید توانست اسلام را به باد فنا برید و این شهیدان شهیدانی هستند که مورد عزت و جلال پروردگار خود قرار خواهند گرفت. شهیدان مقام و مرتبه‌ای دارند که بعد از اینکه روح از جسمشان جدا شد، به دیدار امامان و پیامبران خود و بالاخره به دیدار خدای خود مشرف می‌گردند، واقعاً هم اینها به

---

۱- بقره/ ۱۵۶.

۲- در اصل وصیت «منور کردن».

دیدار خدای خویش می‌روند و همان‌طوری که خداوند برای این‌چنین افرادی فرموده است که «**و لا تحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربّهم یرزقون**»[۱] «مپندارید آنان که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند، بلکه زنده هستند و نزد پروردگار خود روزی می‌طلبند» پس ببینید که شهید[ان] چقدر مقام و عظمت دارند که به دیدار خدا می‌روند و خدا نظر خویش را به آنها ارائه می‌فرماید.

پس پدر و مادر عزیز من، شما که مدت ۱۷ سال تمام زحمت کشیدید، رنج کشیدید، زحمت‌های خیلی زیاد را در این مدت به جان خود خریدید و فرزند خود را به این سن و سال رسانیدید و پس از زحمات بسیار که کشیدید، فرزند خود را، برای نجات اسلام و مکتب حیات‌بخش اسلام، راهی جبهه‌های جنگ نمودید و آخر هم عوض تمام آرزوهای دیرینه که[۲] در آینده برای من داشتید، عاقبت و در حقیقت حجلهٔ دامادی در کوچه نصب می‌کنید، پس اکنون که من در این راه قدم نهادم، از شما عاجزانه می‌خواهم که در این دم آخر مرا ببخشید و از من راضی باشید و من حقیر را نزد سرور و آقایم روسفید بفرستید.

یک جمله خطاب به پدر، پدر عزیزم! اینجانب فرزند حقیر خود، عاجزانه از شما تشکر می‌کنم که اجازه فرمودید فرزندت در این راه که راه عزت و سعادت و خوشبختی است، قدم نهد[۳] و ای پدر عزیزم واقعاً نمی‌دانم که چگونه از اینقدر زحمات شما تشکر کنم. انشاءالله که خداوند [...][۴]

یک جمله هم خطاب به مادر، مادر عزیزم! اینجانب فرزند حقیرت از شما عاجزانه و حقیرمندانه تشکر می‌کنم که هفده سال تمام برای فرزندت زحمت کشیدید و تماماً رنج و زحمت دیدی، مخصوصاً در چند سال اول، شب‌ها و روزها برای شما زحمت ایجاد می‌کردم و باز مخصوصاً شب‌ها را از دست فرزندت بی‌خوابی می‌کشیدی و بالاخره خیلی زحمت کشیدی و من نمی‌توانم از تو تشکر کنم و امیدوارم که انشاءالله خداوند اجر جزیل به شما عنایت فرماید. مادر عزیزم! من از شما می‌خواهم وقتی که خبر شهادت حقیرت را

---

۱- آل عمران/ ۱۶۹.

۲- در اصل وصیت «را».

۳- در اصل وصیت «نهادم».

۴- در اصل وصیت جمله ناقص است.

به شما رساندند، کاملاً صبور باشید و استقامت کنید و از شما می‌خواهم که اصلاً در کوچه و خیابان و فردوس رضا و جاهای دیگر، حالت گریه به شما دست ندهد. کاری نکنید که دشمن را خوشحال کنید. کاری نکنید که دوستان را آزار دهید. کاری نکنید که دوستان سست شوند. کاری نکنید که دوستان رنجیده و دشمنان خوشحال شوند.

کاری نکنید که دوستان سر پایین و دشمنان سرافراز شوند، من نمی‌گویم که گریه نکنید، اما در خانه و در پنهان و می‌خواهم بدانم که اصلاً چرا می‌خواهید برای من گریه کنید؟ هر موقع که خواستید گریه کنید، به یاد عاشورا و به یاد حسین(علیه‌السلام) واصحاب و انصارش بیفتید که چه رنج‌ها کشیدند. و بالاخره پدر و مادر و برادران و خواهران و خویشان و قومان برای آخرین بار [می‌گویم] کاری نکنید که دشمنان سربلند و زبان‌دراز و دوستان سرشان پایین باشد. پس حواستان کاملاً جمع باشد. راستی پدرجان! من دوست دارم در کنار دیگر شهدای شهرمان در فردوس رضا به‌خاک سپرده شوم.

یک پیام هم به امت حزب‌الله، البته من کوچک‌تر از آن هستم که به این ملت و امت جان بر کف و همیشه در صحنه پیام دهم، اما به‌عنوان سفارش و آن این است که ای امت حزب‌الله! این شهیدان از شما انتظارهایی دارند، انتظار دارند که اولاً بعد از افتادن یک اسلحه از دست یک رزمنده، فوراً رزمنده‌ای دیگر جای او را پر کند که انشاءالله هم این‌طور است و هستید. و دیگر اینکه ای ملت، ای امت، ای امید رهبر، ای فداکاران، اینجانب به‌عنوان برادر حقیر از شما می‌خواهم که انشاءالله اتحاد دارید و من می‌خواهم که باز هم منسجم‌تر شوید. همیشه در مجالس مذهبی و در نماز جماعات و مخصوصاً در نماز جمعه، در تشییع جنازه‌ها و تظاهرات، تا آنجا که می‌توانید شرکت کنید که دشمن از اتحاد شما می‌ترسد. همین‌طور که می‌خوانیم «یا ایّها المسلمون اتّحدوا اتّحدوا»[1] «ای مسلمانان متحد شوید، متحد شوید» را باید جامهٔ عمل بپوشانیم.

و ای امت یک جمله دیگر و آن اینکه قدر رهبرتان را بدانید. رهبری را که تمام دنیا، چه دوست و چه دشمن، چشم به او دوخته‌اند. پس ای امت به‌عنوان یک کوچک، کوچک‌تر از حقیر، از شما می‌خواهم تا آنجا که می‌توانید برای طول عمر امام عزیز دعا کنید، هر چه دعا کنید کم است. من از کلیه خویشان و دوستان و آشنایان می‌خواهم که بعد

---

۱- از شعارهای وحدت‌بخش امت اسلامی است.

از شهادت، به پدر و مادر خانواده هم تبریک بگویید نه تسلیت، چرا که موفق شده‌ام به عرش آسمان بروم و انشاءالله اگر خداوند خواسته باشد و اگر لیاقت داشته باشم، خانه جاودانی را راحت گرفته باشم، پس باید تبریک و تهنیت بگویید نه تسلیت. و شما باید تا آنجا که می‌توانید به خانواده‌ام مخصوصاً به مادرم روحیه دهید، او را دلداری دهید.

خوب من دیگر عرضی ندارم، سر شما را درد آوردم، امیدوارم که مرا به بزرگی خودتان ببخشید و مرا قربت کنید[1] و من روسیاه را نزد امام زمان(عج) و امامان و پیامبران و خدای متعال روسفید گردانید، انشاءالله تعالی. من دیگر عرضی ندارم و امید موفقیت یک به یک شما را از خداوند خواهانم.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**
**از همهٔ شما التماس دعا دارم**
**الحسن الصرفی الدامغانی**

برای سلامتی و طول عمر امام تا آنجا که می‌توانید دعا کنید و به فرمایشات ایشان توجه کنید و عمل کنید، رزمندگان اسلام را یاری و به آنها روحیه دهید. خانواده‌های شهید را سرافراز کنید و آنها را دلداری دهید، خدا یار و نگه‌دارتان باشد.

---

۱- در فرهنگ منطقهٔ سمنان و دامغان تعبیر «مرا قربت کنید» به معنی مرا حلال کنید است.

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله وانا الیه راجعون

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم ولا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم. پناه میبرم بخدا از شیطان رانده شده پناه میبرم بخدا از شیطانی که رانده شده از خدا و رسولان و امامان و معاد پناه میبرم بخدا از شر شیطان آتش رباینده شیطانی که انسان را از نور حقیقت به ظلمت بی نهایت می کشاند پناه میبرم به خدا از شر شیطان که انسانها را به ظلمت و تاریکی می کشاند و امید هر انسان سست ایمان و ساده لوح را ناامید می سازد سلام بر یگانه منجی عالم بشریت و انسانیت آقا و مولا و سرور و سالار زمان امام زمان (عج) و نایب برحقش نایب الامام الزمان الامام خمینی بت شکن زمان درهم کوبنده ظلم و ستم برپا کننده اسلام و قانون قرآن و خاموش کننده چراغ ظالمان و جاهلان و منور کردن چراغ نورانی هدایت و بالاخره نابود کننده و از بین برنده تمام ظلم و ستم و جور جنایت غارت گری و خیانت تجاوز گر و غاصب و بجای آن برپا کننده قانون عدالت اسلام و قرآن و برادری و برابری انسانیت و ایثارگری شهامت و شهادت و استقامت را روی کار گماشت و سلام بر تمام شهیدان راه اسلام که با خون عزیز خود درخت اسلام را آبیاری نمودند شهیدانی که با نثار جان و خون پاک خویش قدرت اسلام و عزت و سعادت اسلام را به تمام جهانیان از قریب به ۱۴۰۰ سال پیش تاکنون به معرض نمایش گذاشتند و به تمام جهانیان فهمانیدند که ای جهان استکبار تا زمانی که این چنین ملتهایی شهادت طلب در چنین کشورهایی وجود خواهد داشت نخواهید توانست اسلام را به باد فنا برید و این شهیدان شهیدانی هستند که مورد عزت و جلال پروردگار خود قرار خواهند گرفت شهیدان مقام و مرتبه ای دارند که بعد از اینکه روح از جسمشان جدا شد به دیدار امامان و پیامبران خود و بالاخره به دیدار خدای خود مشرف میگردند واقعاً هم اینها به دیدار خدای خویش میروند و همانطوریکه خداوند برای اینچنین افرادی فرموده است "که ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون" مپندارید آنان که در راه خدا کشته می شوند مردگانند بلکه زنده هستند و نزد پروردگار خود روزی می طلبند پس ببینید که شهید چقدر مقام و عظمت دارند که به دیدار خدا میروند و خدا نظر خویش را به آنها ارائه می فرماید پس پدر و مادر عزیز من شما که مدت ۱۷ سال تمام زحمت کشیدید، رنج کشیدید زحمت های خیلی زیاد را در این مدت به جان خود خریدید و فرزند خود را به این سن و سال رسانیدید و پس از زحمات بسیار که کشیدید فرزند خود را برای نجات اسلام و مکتب حیات بخش اسلام راهی جبهه های جنگ نمودید و آخر هم عوض تمام آرزوهای دیرینه را در آینده برای من داشتید عاقبت و در حقیقت حجله دامادی در کوچه نصب می کنید پس اکنون که من در این راه قدم نهادم از شما عاجزانه میخواهم که در این دم آخر مرا ببخشید و از من راضی باشید و من حقیر را نزد سرور و آقایم روسفید بفرستید یک جمله خطاب به پدر. پدر عزیزم اینجانب فرزند حقیر خود عاجزانه از شما تشکر می کنم که اجازه فرمودید فرزندت در این راه که راه عزت و سعادت و خوشبختی است قدم نهادم وای پدر عزیزم واقعاً نمی دانم که چگونه از اینقدر زحمات شما تشکر کنم انشاء الله که خداوند

یک جمله هم خطاب به مادر. مادر عزیزم اینجانب فرزند حقیرت از شما عاجزانه وحقیرمندانه تشکر می‌کنم که هفده سال تمام برای فرزندت زحمت کشیدید وتماماً رنج و زحمت دیدی مخصوصاً در چند سال اول شبها وروزها برای شما زحمت ایجاد میکردم وباز مخصوصاً شبها را از دست فرزندت بی خوابی می‌کشیدی وبالاخره خیلی زحمت کشیدی ومن نمی‌توانم از تو تشکر کنم و امیدوارم که انشاء الله خداوند اجر جزیل به شما عنایت فرماید مادر عزیزم من از شما میخواهم وقتی که خبر شهادت حقیرت را به شما رساندند کاملاً صبور باشید واستقامت کنید واز شما می‌خواهم که اصلاً در کوچه وخیابان وفردوس رضا وجاهای دیگر حالت گریه به شما دست ندهد کاری نکنید که دشمن را خوشحال کنید کاری نکنید که دوستان را آزار دهید کاری نکنید که دوستان سست شوند کاری نکنید که دوستان رنجیده ودشمنان خوشحال شوند کاری نکنید که دوستان سرپائین ودشمنان سرافراز شوند من نمی گویم که گریه نکنید اما در خانه ودر پنهان ومیخواهم بدانم که اصلاً چرا میخواهید برای من گریه کنید هر موقع که خواستید گریه کنید بیاد عاشورا وبیاد حسین (ع) واصحاب وانصارش بیفتید که چه رنجها کشیدند وبالاخره پدر ومادر و برادران وخواهران وخویشان وقومان برای آخرین بار کاری نکنید که دشمنان سربلند وزبان دراز ودوستان سرشان پائین باشد پس خواستان کاملاً جمع باشد راستی پدر جان من دوست دارم در کنار دیگر شهدای شهرمان در فردوس رضا بخاک سپرده شوم یک پیام هم به امت حزب الله. البته من کوچکتر از آن هستم که به این ملت وامت جان برکف وهمیشه در صحنه پیام دهم اما بعنوان سفارش وآن این است که ای امت حزب الله این شهیدان از شما انتظارهایی دارند انتظار دارند که اولاً بعد از افتادن یک اسلحه از دست یک رزمنده فوراً رزمنده ای دیگر جای او را پر کنید که انشاء الله هم اینطور است وهستید ودیگر اینکه ای ملت ای امت ای امید رهبر ای فداکاران اینجانب بعنوان برادر حقیر از شما میخواهم که انشاء الله اتحاد دارید ومن میخواهم که باز هم منسجمتر شوید همیشه در مجالس مذهبی ودر نماز جماعات ومخصوصاً در نماز جمعه در تشییع جنازه‌ها وتظاهرات تا آنجا که می‌توانید شرکت کنید که دشمن از اتحاد شما می‌ترسد همینطور که می خوانیم «یا ایها المسلمون اتحدوا اتحدوا» ای مسلمانان متحد شوید متحد شوید. را باید جامه عمل بپوشانیم وای امت یک جمله دیگر وآن اینکه قدر رهبرتان را بدانید رهبری را که تمام دنیا چه دوست وچه دشمن چشم به او دوخته اند پس ای امت بعنوان یک کوچک کوچکتر از حقیر از شما می خواهم تا آنجا که می توانید برای طول عمر امام عزیز دعا کنید هرچه دعا کنید کم است من از کلیه خویشان ودوستان وآشنایان میخواهم که بعد از شهادت به پدر ومادر خانواده هم تبریک بگوئید نه تسلیت چرا که موفق شده ام به عرش آسمان بروم وانشاء الله اگر خداوند خواسته باشد واگر لیاقت داشته باشم خانه جاودانی را راحت گرفته باشم پس باید تبریک وتهنیت بگوئید نه تسلیت وشما باید تا آنجا که می توانید به خانواده ام مخصوصاً به مادرم روحیه دهید او را دلداری دهید خوب من دیگر عرضی ندارم سر شما را درد آوردم امیدوارم که مرا به بزرگی خودتان ببخشید ومرا قربت کنید ومن روسیاه را نزد امام زمان (عج) وامامان وپیامبران وخدای متعال روسفید گردانید انشاء الله تعالی من دیگر عرضی ندارم وامید موفقیت یک بیک شما را از خداوند خواهانم والسلام علیکم ورحمت الله وبرکاته

از همه شما التماس دعا دارم الحسن الصرفی الدامغانی

برای سلامتی وطول عمر امام تا آنجا که می‌توانید دعا کنید وبه فرمایشات ایشان توجه کنید وعمل کنید رزمندگان اسلام را یاری و به آنها روحیه دهید خانواده های شهید را سرافراز کنید وآنها را دلداری دهید خدایا رونگه دارتان باشد.

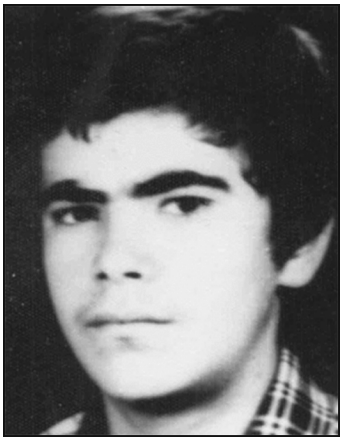

نام: **علی اصغر**
نام خانوادگی: **صرفی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **مرضیه**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم خرداد ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **دانشجوی سال اول کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان دامغان**

## عبارت‌های کلیدی

- ما اگر عاشقیم پس چرا چشم به دنیا بسته‌ایم؟
- باید به اعمال و کردار انبیاء و اولیاء خدا نگاه کنیم و باید از اعمال آنها درس بگیریم.
- ای خدا فقط از تو می‌خواهیم که یاریت را از ما کوتاه مکن تا در برابر دشمن وحدتمان را نشکنیم.
- بر ما واجب بود که اسلام را نجات دهیم و حمایتش نماییم.
- ای خواهرم از تو می‌خواهم که حجابت را کاملاً حفظ کنی.
- مواظب باشید ایمانتان ضعیف نشود.
- نسبت به مسائل اسلام و انقلاب و جنگ سست نشوید و نگذارید تفرقه بینتان رسوخ کند.
- امام را تنها نگذارید.
- از خدا همیشه بخواهید که امام را برای ما زنده بدارد.

## علی‌اصغر صرفی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«اعوذ بالله من الشّیطان الرجیم. والّذین هاجروا فی سبیل الله ثمّ قتلوا او ماتوا لیرزقنّهم الله رزقاً حسناً و انّ[1] الله لهو خیرالرّازقین»**

«پناه می‌برم به خدا از شیطان رانده شده، آنان‌که از خانمان آورده شدند در راه خدا اسیر و کشته شدند یا مردند همانا خدایشان روزی دهد، روزی نیکو و همانا خداست بهترین روزی‌دهندگان.» (آیه ۵۸ سورهٔ حج)

اینجانب علی‌اصغر صرفی، شماره شناسنامه ۱۲۴۴، صادره از تهران، فرزند محمد چند کلامی را به‌عنوان وصیت‌نامه بر روی کاغذ می‌آورم.

با درود و سلام بر یگانه منجی عالم بشریت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امامان بزرگوار جانشینان آن حضرت و با درود و سلام بر یگانه پیشتاز عالم بشریت حضرت ولی‌عصر **«ارواحنا له الفدا»** و با درود و سلام بر نایب آن حضرت پیر بزرگ جماران، یاری کنندهٔ ستمدیدگان و مظلومان جهان و نابود کنندهٔ ظلم و ستم و برپا کنندهٔ حکومت عدل الهی و ساقط کنندهٔ حکومت خشم جباران و با درود و سلام بر تمامی شهدای راه حق و حقیقت که با ایثار و بخشش جانشان درخت شکوهمند و پربرکت اسلام را آبیاری نمودند و با درود و سلام بر تمامی مجروحین و معلولین و با درود و سلام بر شما امت حزب‌الله پیرو خط امام که با صبر و ایثار و استقامت در کنار رزمندگان اسلام و همچون رزمندگان اسلام مشتی محکم و آهنین بر پیکر فرسوده و پوسیده تمامی ستمگران شرق و غرب وارد می‌آورید.

ما اگر عاشقیم پس چرا چشم به دنیا بسته‌ایم؟ پس معلوم می‌شود که نه ما هنوز عاشق نشده‌ایم و سر تسلیم در مقابل معبود خود فرود نیاورده‌ایم پس چه باید کرد؟ ما باید به اعمال و کردار انبیاء و اولیاء خدا نگاه کنیم و باید از اعمال آنها درس بگیریم. اما چه درسی؟ درس دینداری و درس حیات و درس ممات و درس شهادت را، نگاهی به زندگی امام حسین(علیه‌السلام) می‌اندازیم می‌بینیم که امام حسین(علیه‌السلام) در برابر دشمن فریاد می‌زند که

---

۱- در اصل وصیت «ولی».

آیا بعدا زکشتن من به مقامی می‌رسید؟ و یا کاخ‌های خود را عظیمتر و زیباتر می‌نمایید؟ نه، هرگز چنین نیست و امروز در ایران اسلامی که الگویشان نهضت امام حسین(علیه‌السلام) است و یاری دهنده‌شان امام زمان(عج) و نایب آن حضرت امام امت نیز همچون امام حسین(علیه‌السلام) فریاد برمی‌آورد که بکشید ما را یتیم نمایید فرزندان ما را همچون علی‌اصغرها[۱]، ولی بدانید که به مقام و نوایی نخواهد رسید.

خدایا اگر دشمنانت هر کاری را بر سر ما می‌آورند[۲] اگر دست‌هایمان را جدا می‌کنند[۳] و اگر سرهایمان را جدا می‌کنند[۴] و هیچ عیبی ندارد، ای خدا فقط از تو می‌خواهیم که یاریت را از ما کوتاه مکن تا در برابر دشمن وحدتمان را نشکنیم و رهبرمان را همچون اهل کوفه[۵] تنها نگذاریم.

پدر و مادرم من از شما حلالیت می‌طلبم و از شما می‌خواهم که مرا ببخشید که نتوانستم چنان فرزندی برای شما باشم و حق شما را ادا نمایم. مادرم می‌دانم که تو زحمت بسیار کشیدی شبها بیدار ماندی تا من آسوده بخوابم، تا اینکه مرا بدین سن رساندی و می‌دانم که سخت است از دست دادن فرزند. ولی ای پدر و مادرم بدانید که اسلام عزیزمان تنها بوده و بر ما واجب بود که اسلام را نجات دهیم و حمایتش نماییم[۶] و ندای «هل من ناصر»[۷] امام عزیزمان را لبیک گوییم[۸]. ولی اگر با همهٔ این احوال اگر سعادت بزرگ (شهادت) نصیبم شد از شما می‌خواهم که برای من گریه نکنید. مگر من از حضرت علی‌اکبر[۹](علیه‌السلام) هم عزیزتر هستم. پس اگر خواستید گریه کنید، برای امام حسین(علیه‌السلام) گریه کن که در زیر سم اسبان بدنش تکه تکه شد.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.
۲- در اصل وصیت «می‌آورد».
۳- در اصل وصیت «می‌کند».
۴- در اصل وصیت «می‌کند».
۵- ر.ک. تعلیقات.
۶- در اصل وصیت «نمائیم».
۷- ر.ک. تعلیقات.
۸- در اصل وصیت «گوئیم».
۹- ر.ک. تعلیقات.

برادران و خواهرم، شما نیز مرا ببخشید، زیرا شما نیز چیزی جز بدی از من ندیدید و همیشه در خانه به‌خاطر من مورد عذاب بودید. ولی واقعاً از شما می‌خواهم که مرا ببخشید و از شما می‌خواهم که با پشتکار و جدیت تمام درستان را بخوانید و به سخن امام گوش دهید که فرمودند [...][1] را حفظ کنید و از شما ای برادرانم می‌خواهم که نگذارید اسلحهٔ من بر روی زمین بماند، بلکه آن را بردارید و با دشمن بجنگید. تا اینکه انشاءالله به پیروزی کامل برسیم و [تو] ای خواهرم از تو می‌خواهم که حجابت را کاملاً حفظ کنی که تمام جنگ ما به‌خاطر همین مسائل است و همین‌طور که امامان فرمودند: «زنان انسان‌سازند»[2] پس مراقب حجابت باش، که حجاب تو کوبنده‌تر از خون من است.

و من از کلیه امت حزب‌الله و همیشه در صحنه بالاخص خویشان و قومان و دوستان و آشنایان نیز می‌خواهم که مرا ببخشند و از شما امت حزب‌الله و خانواده‌ام می‌خواهم که اعمال زیر را بسیار مواظب باشید، زیرا اگر مواظب نباشید دشمن را خوشحال کرده‌اید و هدف دشمن برآورده می‌شود و اگر دشمن خوشحال شد، یقین بدانید که خدا ناراحت خواهد شد، که اینها عبارتند از ۱-[3] مواظب باشید ایمانتان ضعیف نشود. ۲- نسبت به مسائل اسلام و انقلاب و جنگ سست نشوید و نگذارید تفرقه بینتان رسوخ کند. ۳- نگذارید که شایعه بین شما پخش شود و شایعه پراکن را نابود کنید. من به شما سفارش می‌نمایم اگر چه کوچکتر از آنم. ۴- امام را تنها نگذارید و از خدا همیشه بخواهید که امام را برای ما زنده بدارد. زیرا ما هر چه داریم از این سید بزرگوار است و بودن تنهای ما فایده‌ای ندارد. چون ما در برابر امام عزیزمان مانند قطره‌ای، بلکه کوچکتر از قطرهٔ آب در مقابل اقیانوس بیکران هستیم. ۵- از خدا بخواهید که ما را هر چه زودتر به کربلا و از آنجا به قدس[4] و از آنجا به سایر نقاط اسلامی که در دست ابرقدرت‌هاست برساند و آنها را آزاد نماییم و پرچم «لا اله الا الله» را در آن مکان‌ها به اهتزاز درآوریم. ۶- جنگ را فراموش

---

۱- خوانا نیست.

۲- چنین عبارتی در آثار امام وجود ندارد شاید اشاره شهید به این سخن امام است: «زن با تربیت صحیح خودش انسان درست می‌کند» (صحیفه امام، ج۷، ص۳۳۹).

۳- ترتیب سفارش‌ها در اصل وصیت رعایت نشده است.

۴- ر.ک. تعلیقات.

نکنید. همان‌طوری که امام عزیزمان فرمود: «جنگ در رأس همهٔ مسائل است»[1] و من راضی نیستم کسی که در مورد این انقلاب و جنگ بی‌تفاوت است در تشییع جنازهٔ من شرکت نماید. ضمناً پدر و مادرم و کلیه اقوام حتی‌المقدور پیراهن سیاه بر تن نکنید. زیرا پیراهن سیاه رنگ عزاداری است در صورتی که شهید شدن عزا نیست. بلکه همانند عروسی است. در مورد محل دفن، هر جایی که راحت‌تر بود و اشکالاتی را برای شما پیش نمی‌آورد، همان‌جا مرا دفن نمایید. حتی‌المقدور در کنار سایر شهدای شهرمان باشد.

۳ ماه نماز و ۳۰ روز روزه نیز برای من اگر امکان داشته به‌جا آورید.

به امید پیروزی هر چه زودتر رزمندگان اسلام در تمامی جبهه‌های جنگ.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**علی‌اصغر صرفی**

---

۱- صحیفه امام، ج۲۰، ص ۳۲۱.

بسم الله الرحمن الرحیـــــم

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم • والذین هاجروافی سبیل الله ثم قتلوا اوماتوا لیرزقنهم الله رزقا حسنا ولی الله لهو خیرالرازقین • آیه ۵۸ سوره حج

بناه می برم بخدا از شیطان رانده شده آنانکه ازخانمان آورده شدند در راه خدا کشته شدند یا مردند همانا خدا بشان روزی دهد روزی نیکو وهمانا خدا بهترین روزی دهندگان •

اینجانب علی اصغر صرفی شماره شناسنامه ۱۲٤٤ صادره از تهران فرزند محمد چند کلامی رابعنوان وصیتنامه برروی کاغذ میآورم •

با درود وسلام بریگانه منجی عالم بشریت حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) واما ما نیز کوار جانشینان آن حضرت وبا درود وسلام بریگانه پیشتاز اهل بشریت حضرت علی مرتضی واحنالله الفدا وبا درود وسلام بر نایب آن حضرت پیر بزرگوار جماران یاری کنند • ستمدیدگان زمین از ظالمان جهان ونابود کنند • ظلم وستم را برپا کنند • حکومت عدل الهی وساقط کنند • حکومت خشم جباران وبا درود وسلام برتمامی شهدای راه حق وحقیقت که با ایثار وخشم جانشان درخت شکوهمند وپربرکت اسلام را آبیاری نمودند وبا درود وسلام برتمامی مجروحین ومعلولین وبا درود وسلام برشما امت حزب الله پیرو خط امام که با صبر وایثار واستقامت دز کنار رزمندگان اسلام وهمچون رزمندگان اسلام هنین برپیکر فرسوده وپوشیده تمامی ستمگران شرق وغرب وارد می آورید • ما اگر خاشعیم پس چرا چشم به دنیا بسته ایم پس معلوم میشود که نه ما هنوز عاشق شده ایم وسرتسلیم در مقابل معبود خود فرود نیاورده ایم پس چه باید کرد ؟ ما باید بما عمال وکردار انبیاء واولیاء خدا نگاه کنیم وباید از اعمال آنها درس بگیریم اما چه درسی ؟ درس زندگی درس زندگی درس مبارزه درس شهادت ما نگاهی بزندگی امام حسین (ع) می اندازیم می بینیم که امام حسین (ع) در برابر دشمن فریاد می زند که آیا بعد از کشتن من بمقامی می رسید ؟ ویا کاخهای خود را عظیمتر وزیباتر می نمائید ؟ نه هرگز چنین نیست • وامروز در ایران اسلامی که الگویشان نهضت امام حسین (ع) است ویاری دهنده شان امام زمان (عج) ونایب آن حضرت امام امت نیز همچون زمان امام حسین (ع) فریاد برمی آورد که بکشید مارا یتیم نمائید فرزندان مارا همچون علی اصغرها ولی بدانید که بمقام ونوائی نخواهید رسید •

خدایا اگر دشمنان تحمیر کاری را برسرما می آورد اگر دشمنها یمان را جدا میکند واگر سرهایمان را جدا می کند وهیچ عیبی ندارد ای خدا فقط از تو می خواهیم که یاریمان را زما کوتاه مکن تا در برابر دشمن وحدتمان را نشکنیم ورهبرمان را همچون اهل کوفه تنها نگذاریم •

پدر و مادرم من از شما حلالیت می طلبم و از شما میخواهم که مرا ببخشید که نتوانستم چنان فرزندی برای شما باشم و حق شما را ادا نمایم. مادرم میدانم که تو زحمت بسیار کشیدی شبها بیدار ماندی تا من آسوده بخوابم تا اینکه مرا به پدر من رساندی و می دانم که سخت است از دست دادن فرزند ولی ای پدر و مادرم بدانید که اسلام عزیزمان تنها بوده و بر ما واجب بود که اسلام را نجات دهیم و حمایتش نمائیم و ندای هل من ناصر امام عزیزمان را لبیک گوئیم ولی اگر با همه این احوال اگر سعادت بزرگ (شهادت) نصیبم شد از شما میخواهم که برای من گریه نکنید مگر من از حضرت علی اکبر هم عزیزتر هستم پس اگر خواستید گریه کنید برای امام حسین (ع) گریه کن که در زیر سم اسبان بدنش تکه تکه شد برادران و خواهرم شما نیز مرا ببخشید زیرا شما نیز چیزی جز بدی از من ندیدید و همیشه در خانه با خاطر من مورد عذاب بودید ولی واقعاً از شما میخواهم که مرا ببخشید و از شما میخواهم که با پشتکار و جدیت تمام درستان را بخوانید و به سخن امام گوش دهید که فرمودند را حفظ کنید. و از شما ای برادرانم میخواهم که نگذارید اسلحه من بر روی زمین بماند بلکه آنرا بردارید و با دشمن بجنگید تا اینکه انشاءالله به پیروزی کامل برسیم و تو ای خواهرم از تو می خواهم که حجابت را کاملاً حفظ کنی که تمام جنگ ما بخاطر همین مسائل است و همینطور که امامان (ع) فرمودند زنان انسان سازند پس مراقب حجابت باش. که حجاب تو کوبنده تر از خون من است. و من از کلیه امت حزب الله و همیشه در صحنه بالاخص خویشان و قومان و دوستان و آشنایان نیز می خواهم که مرا ببخشند و از شما امت حزب الله و خانواده ام میخواهم که اعمال زیر را بسیار مواظب باشید زیرا اگر مواظب نباشید دشمن را خوشحال کرده اید و هدف دشمن برآورده می شود و اگر دشمن خوشحال شد یقین بدانید که خدا ناراحت خواهد شد که اینها عبارتند از ۱ـ مواظب باشید ایمانتان ضعیف نشود. ۲ـ نسبت به مسائل اسلام و انقلاب و جنگ سست نشوید و نگذارید تفرقه بینتان رسوخ کند ۴ـ نگذارید که شایعه بین شما پخش شود و شایعه پراکن را نابود کنید من به شما سفارش می نمایم اگرچه کوچکتر از آنم.

امام را تنها نگذارید و از خدا همیشه بخواهید که امام را برای ما زنده بدارد زیرا ما هر چه داریم از این سید بزرگوار است و بودن تنهای ما فایده ای ندارد چون ما در برابر امام عزیزمان مانند قطره ای بلکه کوچکتر از قطره آب در مقابل اقیانوس بیکران هستیم.

۲ـ از خدا بخواهید که ما را هرچه زودتر به کربلا و از آنجا به قدس و از آنجا به سایر نقاط اسلامی که در دست ابر قدرتها ست برساند و آنها را آزاد نمائیم و پرچم لااله الا الله را در آن مکانها به اهتزاز درآوریم.

۳ـ جنگ را فراموش مکنید همانطوریکه امام عزیزمان فرمود جنگ در رأس همه مسائل است و من راضی نیستم کسیکه در مورد این انقلاب و جنگ بی تفاوت است در تشییع جنازه من شرکت نماید ضمناً پدر و مادرم و کلیه اقوام حتی المقدور پیراهن سیاه بر تن مکنید زیرا پیراهن سیاه رنگ عزا داری است در صورتی که شهید شدن عزا نیست بلکه همانند عروسی است در مورد محل دفن. هرجائی که راحت تر بود و اشکالاتی را برای شما پیش نمی آورد همانجا مرا دفن نمائید حتی المقدور در کنار سایر شهدای شهرمان باشد.

۳ ماه نماز و ۳۰ روز روزه نیز برای من اگر امکان داشته بجا آورید.

به امید پیروزی هرچه زودتر رزمندگان اسلام در تمامی جبهه های جنگ.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

علی اصغر صرفی

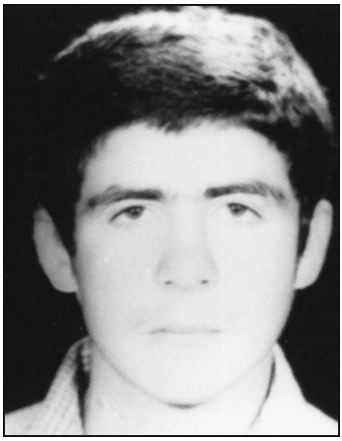

نام: **علی‌نقی**
نام خانوادگی: **صرفی**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **مریم**
تاریخ تولد: **یکم اسفند ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم دی ۱۳۶۴**
محل شهادت: **خندق عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- مسجدها را سنگر نمایید.
- کسانی که پیرو امام نیستند در تشییع جنازهٔ من شرکت ننمایند.

## علی‌نقی صرفی

**بسم الله الرحمن الرحیم**

کافران دین من کسانی هستند که اذان نماز را بشنوند ولی در نماز جماعت حاضر نشوند و باز هم یکی از امامان می‌فرماید «هر کس که همسایهٔ مسجد باشد و تا سه روز بی‌دلیل در نماز جماعت حاضر نشود، اگر مریض شد به عیادتش نروید و بر او سلام کردن واجب نیست»[۱] پس «مسجدها را سنگر نمایید»[۲] و در پایان از پدر و مادرم تقاضا دارم که از طرف من از تمامی همسایگان و خویشاوندان طلب حلالیت کنند[۳] و پدر و مادر شما بگویید[۴] که کسانی که در پیرو امام نیستند در تشییع[۵] جنازهٔ من شرکت ننمایند سرود

کشته گشتم من اگر در جبهه ای هم‌سنگرم  این پیام از من ببر نزد خمینی رهبرم[۶]

را نیز بخوانند و مرا در کنار مزار دیگر شهدا دفن کنید.

**التماس دعا**

**«والسلام علیکم و رحمة الله»**

**علی‌نقی صرفی**

---

۱- شهید در ترجمهٔ روایت فردی را که نمازش مقبول نیست اگر نـدای اذان را بشـنود و در جماعـت مسـجد حاضـر نشود، کافر دانسته در صورتی که از نظر حضرت ابی عبدالله(علیه‌السلام) چنین فردی نمازش مقبـول نیسـت. «قـال ابـی عبدالله(علیه‌السلام) من سمع النداء من جیران المسجد فلم یجب، فلا صلاة لـه» (المحاسـن، ج ۱، ص ۸۴، عتـاب تـرک الجماعة».

۲- در اصل وصیت «نمائید». عبارت مأخوذ از سخن امام است «مسجد سنگر است» (صحیفه امام، ج۱۲، ص۳۹۳).

۳- در اصل وصیت «کند».

۴- در اصل وصیت «بگوئید».

۵- در اصل وصیت «تشریع».

۶- سرود «کشته گشتم» از سرودهای معروف زمان جنگ بود.

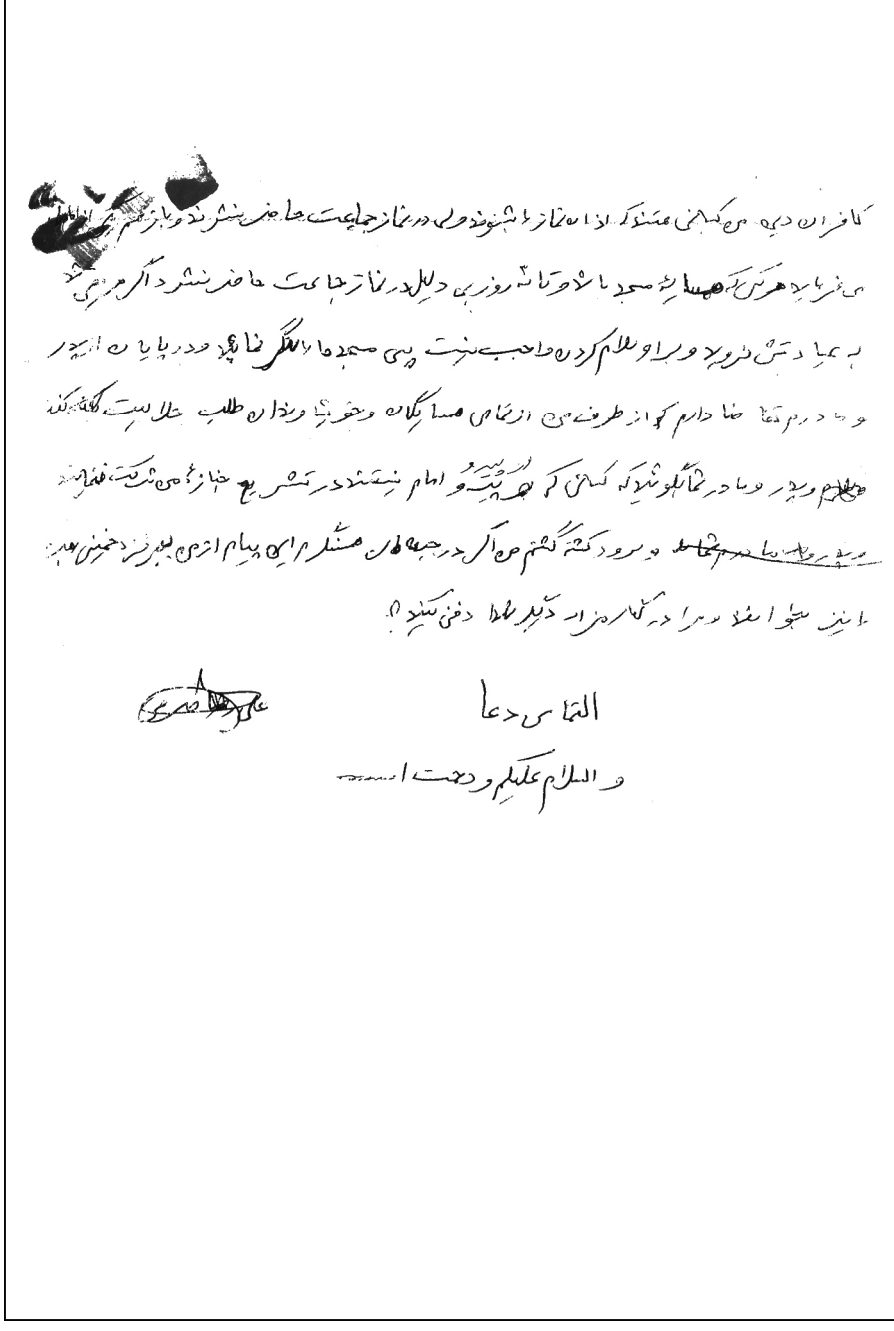

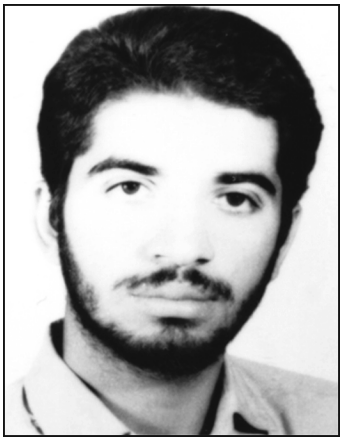

نام: **محمد**
نام خانوادگی: **صرفی**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **گلنسا**
تاریخ تولد: **سوم فروردین ۱۳۴۸**
محل تولد: **شهرستان تهران**
تحصیلات: **دانشجوی سال اول کاردانی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **پنجم مرداد ۱۳۶۷**
محل شهادت: **اسلام‌آباد غرب**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای روستای صیدآباد شهرستان دامغان**

## عبارت‌های کلیدی

- در حق فرزند خویش دعای خیر بنمایید.
- با حفظ حجاب خویش بر دهان دشمنان خارجی و داخلی مشت محکمی کوفته و ادامه دهندهٔ راه شهیدان خویش باشند.
- امت حزب‌الله می‌خواهم که همواره گوش به فرمان امام عزیزمان باشند.
- دستورات و فرامین وی را بدون چون و چرا و به‌طور دقیق و کامل انجام دهند.
- امام عزیزمان را فراموش نکرده و به‌طور کامل تابع ولایت فقیه باشید.

**محمد صرفی**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لاتحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[1]

«و مپندارید کسانی که کشته شدند در راه خدا مردگانند، بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی دارند».

با سلام و درود بی‌کران به پیشگاه محترم امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی و با سلام بر رزمندگان اسلام و امت شهیدپرور ایران.

و با سلام بر پدر و مادر عزیز و مهربانم که با آموزش و تربیت صحیح خویش مرا در این مسیر قرار دادند و مرا برای شرکت و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل آماده نمودند. امیدوارم جزای خیرشان را در دنیا و آخرت از خداوند متعال گرفته و این بندهٔ حقیر را حلال کرده و از من رضایت کامل داشته و در حق فرزند خویش دعای خیر بنمایید. و اما از خواهر [و][2] مهربان خویش می‌خواهم که زینب‌وار مبلغ پیام خون شهیدان بوده و با حفظ حجاب خویش بر دهان دشمنان خارجی و داخلی مشت محکمی کوفته و ادامه دهندهٔ راه شهیدان خویش باشند.

و اما از تمام دوستان و فامیلان و نزدیکان طلب عفو و بخشش دارم و امیدوارم اگر بر گردن اینجانب حقی دارند، این حقیر را با لطف خویش ببخشایند. و اما از جوانان حزب‌الله می‌خواهم که به حضور خویش در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ادامه داده و [نیز] در سنگر علم نیز کوشا و فعال بوده به امید اینکه روزی برسد که ما در تمام زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی و کشاورزی از کشورهای بیگانه مستقل شده و به آنها نیازی نداشته باشیم.

و ضمناً از خواهران و برادران می‌خواهم که زمینه‌های فساد و بی‌بندباری از جمله بی‌حجابی و مواد مخدر را به‌طور کامل در شهرها و مملکت اسلامی از بین برده، چرا که تنها وسیله‌ای که موجب شکست انقلاب می‌شود، همین مفاسد و مسائل می‌باشد. و اما از

---

۱- آل عمران/ ۶۹.

۲- در اصل وصیت اشتباه است.

امت حزب‌الله می‌خواهم که همواره گوش بـه فرمـان امـام عزیزمـان باشـند و دسـتورات و فرامین وی را بدون چون و چرا و به‌طور دقیق و کامل انجام دهند. دیگر حرفی نـدارم جـز اینکه یک‌بار دیگر شما را سفارش می‌کنم به اینکه امام عزیزمان را فراموش نکرده و به‌طـور کامل تابع ولایت فقیه باشید.

**«والسلام»**
**محمد صرفی**
**مورخ ۱۳۶۷/۴/۳۱**

و اما اگر امکانات داشتید یک سال نماز و روزه برای اینجانب بدهید.

بسم تعالی

ولا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون

و میندارید کسانیکه کشته شدند در راه خدا مردگانند بلکه زنده‌اند و نزد پروردگار خود روزی دارند.

با سلام و درود فراوان به پیشگاه مقدس امام زمان (عج) و نائب برحقش امام خمینی و با سلام بر رزمندگان اسلام و امت شهید پرور ایران

و با سلام بر پدر و مادر عزیز و مهربانم که با آموزش صحیح خویش مرا در این مسیر قرار دادند و مرا برای شرکت و حضور در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل آماده نمودند امیدوارم خداوند جزای خیرشان را در دنیا و آخرت ان خداوند متعال گرفته و این بنده حقیر را اعمال کرده و از من رضایت کامل داشته و در حق فرزندخویش دعا نمایند. و اما از خواهر و برادران خویش می‌خواهم که زینب‌وار و حافظ حجاب خویش باشند و با پیروی از حضرت زینب (س) در داخل منزل همگی گوش به فرمان امام خویش باشند تا رحمت و امداد خداوند شامل حالشان گردد. و اما از تمام دوستان و آشنایان طلب عفو و بخشش دارم و امیدوارم اگر در گذشته ایشان حقی دارند این حقیر را لطف خویش ببخشایند. و اما از عموها و عمه‌ها می‌خواهم که به حضور خویش در جبهه‌های نبرد حق علیه باطل ادامه داده و سنگر علم نیز گرمتر و فعال‌تر بوده به امید اینکه روزی برسد که مادر تمام زمینه‌های اقتصادی سیاسی و نظامی و کشاورزی از کشورهای بیگانه مستقل شده و به آنها نیازی نداشته باشیم. و ضمناً از خواهران و برادران می‌خواهم که زمینه‌های فساد و بی‌بند و باری از هر جا پی و مواد مخدر را بطور کامل در شهرها و مملکت اسلامی از بین برده چرا که تنها وسیله‌ای که موجب شکست انقلاب می‌شود همین مفاسد و مسائل می‌باشد. و انتظار از رهبر عزیز انقلاب حضرت آیت‌الله می‌خواهم که همواره گوش به فرمان امام عزیزمان باشند و دستورات و راهنمایی‌های ایشان را بدون چون و چرا و بطور دقیق و کامل انجام دهند. و من دیگر حرفی ندارم برای اینکه یکبار دیگر شما را سفارش می‌کنم به اینکه امام عزیزمان را فراموش نکرده و بطور کامل تابع ولایت فقیه باشید.

والسلام

محمد صرفی

مورخ ۶۱/۴/۳۱

ولی اگر امکان داشته باشد تا روز ۲ برای ایشان بدهید.

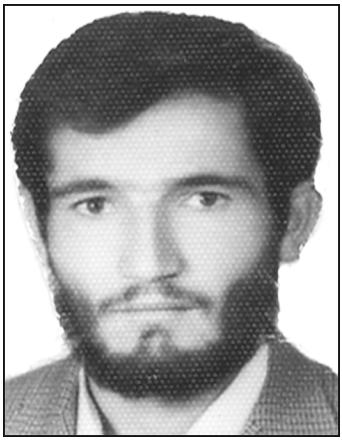

نام: **محمدحسین**
نام خانوادگی: **صرفی**
نام پدر: **رحمت‌الله**
نام مادر: **هاجر خانم**
تاریخ تولد: **نوزدهم شهریور ۱۳۴۱**
محل تولد: **شهرستان دامغان**
تحصیلات: **پایان دوره راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ودوم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای فردوس رضای شهرستان زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اگر این خون‌ها درخت انقلاب را آب ندهد این درخت خشک می‌شود.
- اما از شما می‌خواهم در مقابل دشمن همچون کوه استوار و پابرجا باشید.
- حرفی را که امام می‌زند گوش فرا دهید و عمل کنید.
- انقلاب را تا ظهور حضرت مهدی(عج) ادامه بدهید.
- فقط تا می‌توانید امام را یاری دهید که امام تنها نماند.

## محمدحسین صرفی[۱]

### بسم الله الرحمن الرحیم

با درود و سلام بر امام زمان(عج) و نایب بر حقش امام خمینی و درود بر رزمندگان و سلام بر شهیدان راه حق در خصوص این وصیت‌نامهٔ ناقابل که چیزی قابل عرض باشد که به شما برسانم ندارم. اما پدر و مادر عزیزم و برادران و خواهران و دوستان و ای مردم این را بدانید که هیچ‌گونه زوری در کار نبود، بلکه من خودم این را پذیرفتم و به ندای حسین زمان لبیک گفتم و در جبهه آمدم و راهی را که خواستم انتخاب کردم و فقط حساب کنید برای چه بود. برای خدا بوده یا برای ریاست یا برای خودبینی بلکه همین‌طور که امام حسین(علیه‌السلام) در روز عاشورا آمد کربلا و هفتاد و دو تن از بهترین یارانش را در راه خدا داد و همه شهید شدند ما هم همین‌طور هدف الله هست و فقط برای یاری دین خدا و قرآن هست و اگر این خون‌ها درخت انقلاب را آب ندهد این درخت خشک می‌شود و انقلاب اسلامی را پایمال می‌کند و از بین می‌برد و اما از شما می‌خواهم در مقابل دشمن همچون کوه استوار و پابرجا باشید و حرفی را که امام می‌زند گوش فرا دهید و عمل کنید و زیر بار ستم و ظلم نروید و حسین‌وار با کارتان و عملتان در مقابل سختی‌ها، انقلاب را تا ظهور حضرت مهدی(عج) ادامه بدهید و با توجه به اینکه در مقابل این همه سختی‌ها که پدر و مادر برای من کشیدید و مرا به اینجا رساندید خیلی تشکر می‌کنم و باید افتخار کنید که یک همچنین فرزندی داشته که با خون ناقابلم حسین زمان را یاری کردم که جبران زحمات شما را باید خدا کند و دیگر اینکه اگر من شهید شدم مرا در عبدیا به خاک بسپارید و فقط تا می‌توانید امام را یاری دهید که امام تنها نماند، و از شما خواهش می‌کنم حق خیلی خیلی زیادی که به گردن من دارید، مرا ببخشید و من هم اگر حقی به گردن کسی داشتم می‌بخشم و در پایان از شما پدر عزیزم و مادر مهربانم و برادران عزیزم و خواهران مهربانم از شما خداحافظی می‌کنم و شما را به خدا می‌سپارم. خدا یار و نگه‌دار شما.

**فرزند حقیر شما**

**محمدحسین صرفی**

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

---

۱- ذیل نسخه تایپ شدهٔ وصیت شهید این جمله را نوشته‌اند: «ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و به جوار حق تعالی رسیدیم» (امام خمینی).

بسم الله الرحمن الرحیم

با درود وسلام برامام زمان (عج) ونایب برحقش امام خمینی ودرود بررزمندگان وسلام برشهیدان راه حق درخصوص این وصیتنامه ناقابل که چیزی قابل عرض باشد که به شما برسانم ندارم. اما پدر ومادر عزیزم وبرادران وخواهران و دوستان وای مردم این را بدانید که هیچگونه زوری درکار نبوده بلکه من خودم این را پذیرفتم وبه ندای حسین زمان لبیک گفتم ودرجبهه آمدم وراهی راکه خواستم انتخاب کردم وفقط حساب کنید برای چه بود برای خدا بوده یا برای ریاست یا برای خودبینی بلکه همینطورکه امام حسین (ع) درروز عاشورا آمد کربلا وهفتاد وتن ازبهترین یارانش را درراه خدا داد وهمه شهید شدند ما هم همینطور هدف الله هست وفقط برای یاری دین خدا وقرآن هست واگراین خوانها درخت انقلاب راآب ندهد این درخت خشک میشود وانقلاب اسلامی راپایمال میکند وازبین می برد واما از شما میخواهم درمقابل دشمن همچون کوه استوار ویابرجا باشید وحرفی راکه امام میزند گوش فرادهید وعمل کنید وزیربار ستم وظالم نروید وحسین واربا کارتان وعملتان درمقابل سختیها ، انقلاب راتاظهور حضرت مهدی (عج) ادامه بدهید وبا توجه به اینکه درمقابل این همه سختیها که پدرومادر برای من کشیدید ومرا به اینجا رساندید خیلی تشکرمیکنم وباید افتخار کنید که یک همچنین فرزندی داشته که باخون ناقابلم حسین زمان رایاری کردم که جبران زحمات شما را باید خدا کند ودیگر اینکه اگرمن شهید شدم مرا در عبدیا بخاک بسپارید وفقط تا می توانید امام رایاری دهید که امام تنها نماند وازشما خواهش میکنم حق خیلی خیلی زیادی که بگردن من دارید مرا ببخشید ومن هم اگرحقی بگردن کشی داشتم می بخشم ودریایان ازشما پدرعزیزم ومادرمهربانم وبرادران عزیزم وخواهران مهربانم از شما خداحافظی میکنم وشما را بخدا می سپارم خدایا رونگهدار شما فرزند حقیرشما؛ خدایا خدایا تاانقلاب مهدی خمینی رانگهدار

محمد حسین صرفی

**ما اگر شهید بشویم، قید و بند دنیا را از روح برداشتیم و به ملکوت اعلی و بجوار حقتعالی رسیدیم.**

**« امام خمینی »**

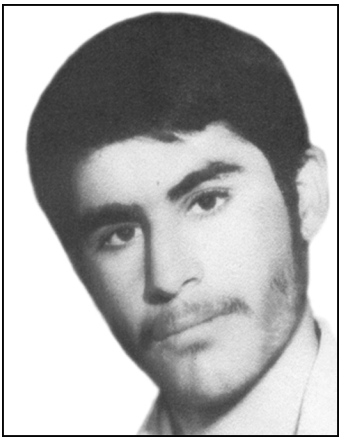

نام: **علیرضا**
نام خانوادگی: **صفا**
نام پدر: **اسماعیل**
نام مادر: **خدیجه**
تاریخ تولد: **سوم فروردین ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت گلوله**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.
- و سلام بر شهیدان به خون خفته اسلام فقاهت و جانبازان عاشق الله و شهیدان زنده.
- و دست از یاری پسر فاطمه برندارید و دمی او را تنها نگذارید.
- در خط امام حرکت کنید که منافقان و ابرقدرت‌ها از این خط در سردرگمی به‌سر می‌برند.
- همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید.
- در نماز جمعه‌ها و راه‌پیمایی‌ها و دعای کمیل‌ها و غیره شرکت کنید و رهنمودهای امام عزیزمان را گوش کنید و به دنبال آن عمل هم بکنید.
- خداوند ما را در بوتهٔ آزمایش خویش می‌آزماید.
- تو باید چنان روحیه‌ای از خود نشان دهی که زنان دیگر از تو درس شهادت بیاموزند.
- در صف مبارزان چنان ضربه‌هایی را به دشمنان اسلام وارد آورید که ریشه‌کن بشوند.

## علیرضا صفا

### بسم الله الرحمن الرحیم

متن وصیت‌نامهٔ بندهٔ حقیر خدا علیرضا صفا فرزند اسماعیل، شماره شناسنامه ۸

**«و لاتحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»**

«مپندارید که شهیدان راه خدا مردند بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود.» (سورهٔ آل عمران آیه ۱۶۹)

خط سرخ شهادت خط محمد و آل علی است. (امام خمینی (ره))[1]

حمد و سپاس رب عالمیان، خون‌بهای شهیدان و فریاد رس مستضعفان که باب جهاد را به روی من گشود و من لیاقت شرکت در این جهاد که در واقع همان پاسخ مثبت به ندای **«هل من ناصر ینصرنی»**[2] حسین(علیه‌السلام) که از گلوی فرزندش بیرون می‌آید را پیدا کردم و سلام بر تو ای مهدی(عج)، ای کسی که در شب‌ها به سنگرهای سربازانت سرکشی می‌کنی و در حین شهادتشان بر بالین سرشان می‌روی و آنها را نوازش می‌کنی، ای کسی که می‌توانی انتقام خون جدت حسین(علیه‌السلام) و دیگر شهدای کربلا و شهیدان کربلاهای ایران را از ظالمین بگیری، این را بدان که ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم.

و سلام بر تو ای هم‌رزم ابراهیم(علیه‌السلام)، همراه موسی(علیه‌السلام)، هم‌دست عیسی(علیه‌السلام)، هم‌کیش محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، هم‌سنگر علی(علیه‌السلام)، هم‌فکر حسین(علیه‌السلام)، هم‌گام مهدی(عج)، ای ماه جماران، ای حامی مستضعفان جهان، ای خمینی ای امام، این را بدان که ما با تو میثاق بسته‌ایم و به تو وفاداریم زیرا که می‌دانیم تو به اسلام وفاداری.

و سلام بر شهیدان به خون خفته اسلام فقاهت و جانبازان عاشق الله و شهیدان زنده و خانواده‌های شهیدپرور و سلام بر شما ای امت حزب‌الله ای کسانی که می‌خواهید راه سعادت‌بخش حسین(علیه‌السلام) را ادامه دهید و زینب‌وار زندگی کنید، من گنهکار بسیار کوچکتر از آنم که برای شما عزیزان پیامی داشته باشم و [مِن]باب تذکر خواستم

---

۱- صحیفه امام، ج ۱۵، ص ۷- ۲۲۴.

۲- ر.ک. تعلیقات.

مطلب‌هایی را به عرض شما برسانم که از حرف بی‌عمل متنفر هستم، وقتی سخن از جبهه می‌گویم نمی‌خواهم عمل از دیگری و سخن از من باشد و زیباتر این‌که عملم خود سخنم را و حرف درونم را بگوید، خدا نکند انسان مشهور شود و بدبخت، خدایا مرا یاری ده که سخنم از عملم فراتر نرود و عملم خالص برای رضای تو باشد. پیام خون شهیدانتان را به گوش جهانیان برسانید و دست از یاری پسر فاطمه برندارید و دمی او را تنها نگذارید، که خداوند بر شما عذابی سخت در نظر گرفته است، یاران امام را همراهی کنید و محکم و استوار پشت سر آنها باشید، در خط امام حرکت کنید که منافقان[1] و ابرقدرت‌ها از این خط در سردرگمی به‌سر می‌برند و نقشه‌هایشان بر آب می‌رود و همه مثل خاندان وهب[2] جوانانتان را به جبهه‌های نبرد بفرستید و سعی کنید همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید و در نماز جمعه‌ها و راه‌پیمایی‌ها و دعای کمیل‌ها و غیره شرکت کنید و رهنمودهای امام عزیزمان را گوش کنید و به دنبال آن عمل هم بکنید.

آری خواهران و برادران زمان، زمان جنگ بین اسلام و کفر و حق و باطل است. جنگ بین جنود الله و جنود شیطان است. خداوند ما را در بوتهٔ آزمایش خویش می‌آزماید، آزمایشی بس[3] عظیم و عزیز، در این راه خون باید داد تا سرافراز از این آزمایش بیرون آییم و شما ای برادران عزیز به رهنمود اماممان گوش فرا دهید و به آن عمل کنید که فرمودند: جنگ جنگ تا رفع فتنه در عالم[4]، پس هر چه باشکوه‌تر در جبهه‌ها شرکت کنید تا فتنه از عالم برداشته شود، و شما ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین(علیه‌السلام) در میدان نبرد شهید شد. ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی در محراب عبادت شهید شد و مبادا در حال بی‌تفاوتی بمیرید که علی‌اکبر حسین(علیه‌السلام) در راه حسین(علیه‌السلام) و با هدف شهید شد.

و شما ای دانش‌آموزان عزیز، شما که در این زمان می‌بینید عده‌ای در سال قبل با شما بر سر یک میز و صندلی و یا در یک کلاس درس می‌خوانده‌اید و اکنون یا شهید گشته یا

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «پس».

۴- صحیفه امام، ج۱۹، ص۱۱۶.

معلول و مجروح گردیده‌اند باید احساس مسئولیت بیشتری نسبت به انقلاب و وظیفه خود در این زمان داشته باشید باید آنهایی که شرایط حضورشان در جبهه لازم است به جبهه بروند و آنهایی هم که برایشان مقدور نیست با درس خواندنشان که رسیدن به الله و برقراری حکومت الله بر مردم و نابودی ظلم و ظالم است دنبال کنند.

و شما ای پدر گرامیم: درود بر تو که چون ابراهیم فرزند خود را به فرمان خدای بزرگ به قربانگاه فرستادی، بدان و آگاه باش که اسماعیلت هرگز از فرمان باری‌تعالی سر باز نمی‌زند و «مرگ در راه خدا را به جز سعادت نمی‌داند و زندگی را جز جهاد در راه عقیده درست نمی‌داند»[۱] و شهادت را از بهترین نعمت‌های خداوند می‌داند.

و شما ای مادر عزیزم: من به وجود تو افتخار می‌کنم که در نزد تو این‌چنین تربیت شدم که توانستم در هنگام جوانی خدمت ناچیزی به اسلام بکنم و چنان مرا تربیت کردی که پای خود را جای پای علی‌اکبر[۲](علیه‌السلام) بگذارم که چه کشته شوم یا سالم باشم برای تو افتخار است. و تو باید چون زینب کبری(علیهاالسلام) رشید و بردبار باشی و چون کوه استوار، تو باید چنان روحیه‌ای از خود نشان دهی که زنان دیگر از تو درس شهادت بیاموزند، تو باید پیام‌رسان خون شهدا باشی و گوش به فرمان رهبر انقلاب و به انتظار مهدی(عج) بنشینی و دل و جانت را تسکین بخشی و در آخر تو را وصیت می‌کنم به‌عنوان یک انسان متعالی و خداپرست از عشق کوچکت ببری و به عشق بی‌نهایت که خداوند باشد بپیوندی.

و شما ای برادران عزیزم: که راهنمای من در همهٔ مسائل بودید، شما هم با شرکت در این جنگ و دفاع از حریم جمهوری اسلامی و پاسداری از خون شهیدان می‌توانید به ندای «هل من ناصر ینصرنی»[۳] امام امت لبیک بگویید[۴] و در صف مبارزان چنان ضربه‌هایی را به دشمنان اسلام وارد آورید که ریشه‌کن بشوند.

و شما ای خواهران عزیزم: محبت‌هایتان را هرگز فراموش نمی‌کنم. یادتان باشد که باید همچون زینب(علیهاالسلام) باشید که تحمل ۷۲ شهید را نمود، باید چون زنانی باشید که

---

۱- عبارت شهید ترجمه‌ای آزاد است از این سخن منسوب به حضرت امام حسین(علیه‌السلام) «ان الحیاة عقیدة و جهاد».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «بگوئید».

چادرهایشان در خیابان‌های ایران به کفن‌هایشان تبدیل شد، باید مادر را تسلیت دهید و فرزندانتان را چون فرزندان حسین(علیه‌السلام) آموزش دهید، فرزندانی بار آورید که برای فردای اجتماعتان مفید باشند.

و در آخر باید بگویم من در این دنیا خیلی مرتکب گناه و لغزش شده‌ام ولی بیشتر از آنچه فکر می‌کردم خدا بخشنده‌تر است و توبهٔ بندگانش را اگر از ته دل باشد می‌پذیرد، من با کوله‌باری بس سنگین گناه از این دنیا می‌روم و از همگی شما می‌خواهم که از خدا بخواهید که گناهان مرا ببخشد، و در آخر اگر به عللی[1] جنازهٔ من به‌دست شما نرسید نباید ناراحت شوید زیرا اگر فرزندتان را در راه خدا هدیه کردید دیگر نباید منتظر جنازه‌اش باشید و اگر به‌دست شما رسید آن را در کنار دیگر شهدای این سامان به خاک بسپارید و از همهٔ شما می‌خواهم استغفار از گناهان و دعا را فراموش نکنید و وصیت‌نامه‌ام را با این دعا به پایان می‌رسانم:

خدایا امید از تو، نور از تو، حیات از تو، شهادت از تو

و از تمام قومان و خویشان و دوستانی که از من بدی و اذیتی به آنها رسیده امیدوارم که مرا مورد عفو و بخشش خویش قرار دهند.

**«والسلام»**

**علیرضا صفا**

---

۱- در اصل وصیت «عللهائی».

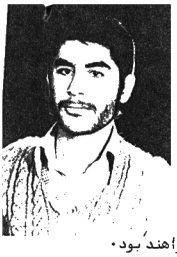

بسمه تعالی

متن وصیتنامه شهید علیرضا صفـــــــا

************************

متن وصیتنامه بنده حقیر خدا علیرضا صفا فرزند اسماعیل ، شماره شناسنامه ۸

ولاتحسبین الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا " بل احیاء عند ربهم یرزقون ۰

میندارید که شهیدان راه خدا مردندبلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد پروردگارشان متنعم خواهند بود ۰

((( سوره ال عمران ایه ۱۶۹ )))

خط سرخ شهادت خط محمد و ال علی است ۰ امام خمینی (ره)

حمد و سپاس رب عالمیان ، خونبهای شهیدان و فریاد رس مستضعفان که باب جهاد را بروی من گشود ومن لیاقت شرکـــت در این جهاد که در واقع همان پاسخ مثبت به ندای هل من ناصر ینصرنی حسین (ع) که از گلوی فرزندش بیرون می ایـــــد را پیدا کردم و سلام بر تو ای مهدی (عج) ای کسیکه در شبها به سنگرهای سرباز انت سرکشی می کنی و در حین شهادتشـــان بربالین سرشان می روی و انها را نوازش می کنی ، ای کسیکه می توانی انتقام خون جدت حسین (ع) و دیگر شهدای کربـــلا و شهیدان کربلاهای ایران را از ظالمین بگیری ، این را بدان که ما با تو پیمان بسته بودیم که تا پایان راه برویم و بـــــر پیمان خویش همچنان استوار ماندیم ۰

و سلام بر تو ای هم رزم ابراهیم ، همراه موسی ، همدست عیسی ، هم کیش محمد (ص) ، هم سنگر علی ، هم فکر حسیـــــن همگام مهدی ، ای ماه جماران ، ای حامی مستضعفان جهان ،ای خمینی ای امام ، این را بدان که ما با تو میثاق بسته ایـم و بتو وفا داریم زیرا که می دانیم تو به اسلام وفا داری ۰

و سلام بر شهیدان بخون خفته اسلام فقاهت و جانبازان عاشق الله و شهیدان زنده و خانواده های شهید پرور و سلام بـــــر شما ای امت حزب ۰۰۰ ای کسانیکه می خواهید راه سعادت بخش حسین (ع) را ادامه دهید وزینب وار زندگی کنید ، مـــن گنهکار بسیار کوچکتر ازانم که برای شما عزیزان پیامی داشته باشم و باب تذکر خواستم مطلبهایی را به عرض شمـــــا برسانم که ازحرف بی عمل متنفر هستم وقتی سخن از جبهه می گویم نمی خواهم عمل از دیگری و سخن از من باشد و زیباتـــر اینکه عملم خود سخنم را و حرف درونم را بگوید خدا نکند انسان مشهور شود و بدبخت ، خدایا مرا یاری ده که سخنـــم از عملم فراتر نرود و عملم خالص برای رضای تو باشد پیام خون شهیدانتان را بگوش جهانیان برسانید و دست از یـــــاری پسر فاطمه برندارید و دمی او را تنها نگذارید که خداوند بر شما عذابی سخت در نظر گرفته است ، یاران امام را همراهی کنید ومحکم واستوار پشت سر انها باشید ، در خط امام حرکت کنید که منافقان وابر قدرتها ازاین خط در سردر گمـــی بسر می برند ونقشه هایشان بر اب میرود وهمه مثل خاندان وهب جوانانتان را به جبهه های نبرد بفرستید و سعی کنیـــد همیشه پشتیبان ولایت فقیه باشید و در نماز جمعه ها و راهپیمایی ها و دعای کمیل ها و غیره شرکت کنید و رهنمودهـــــای امام عزیزمان را گوش کنید و بدنبال ان عمل هم بکنید ۰

آری خواهران و برادران زمان ، زمان جنگ بین اسلام وکفر وحق و باطل است ۰ جنگ بین جنودالله وجنود شیطان است ۰

خداوند مارا دربوته ازمایش خویش می ازماید ، ازمایشی پس عظیم و عزیز ، دراین راه خون باید داد تا سرافراز ازایـــن آزمایش بیرون ائیم وشما ای برادران عزیز به رهنمود اممان گوش فرا دهید وبه ان عمل کنید که فرمودند : جنگ جنگ تـــا

رفع‌فتنه در عالم ، پس هرچه باشـ ـتر در جبهه ها شرکت کنید تا فتنه ازعالم برداشته شود ، و شما ای جوانان نکند در رختخواب ذلت بمیرید که حسین (ع) در میدان نبرد شهید شد ای جوانان مبادا در غفلت بمیرید که علی در محراب عبادت شهید شد ومبادا در حال بی تفاوتی بمیرید که علی اکبر حسین در راه حسین (ع) و با هدف شهید شد.

و شما ای دانش اموزان عزیز ، شما که در این زمان می بینید عده ای در سال قبل با شما بر سر یك میز و صندلی و یا در یك کلاس درس می خوانده اید واکنون یا شهید گشته یا معلول ومجروح گردیده اند باید احساس مسئولیت بیشتری نسبت به انقلاب و وظیفه خود در این زمان داشته باشید باید انهائیکه شرایط حضورشان در جبهه لازم است به جبهه بروند وانهائی هم که برایشان مقدور نیست با درس خواندنشان که رسیدن به الله و برقراری حکومت الله بر مردم ونابودی ظلم و ظالم است دنبال کنند.

و شما ای پدر گرامیم : درود بر تو که چون ابراهیم فرزند خود را به فرمان خدای بزرگ به قربانگاه فرستادی بدان و اگاه باش که اسماعیلت هرگز از فرمان باری تعالی سرباز نمی زند و مرگ در راه خدا را به جز سعادت نمی داند وزندگی را جز جهاد در راه عقیده درست نمی داند و شهادت را از بهترین نعمتهای خداوند می داند.

و شما ای مادر عزیزم : من به وجود تو افتخار می کنم که در نزد تو اینچنین تربیت شدم که توانستم در هنگام جوانی خدمت ناچیزی به اسلام بکنم و چنان مراتربیت کردی که پای خود را جای پای علی اکبر بگذارم که چه کشته شوم یا سالم باشم برای تو افتخار است . و تو باید چون زینب کبری رشید و بردبار باشی وچون کوه استوار ، تو باید چنان روحیه ای ازخود نشان دهی که زنان دیگر ازتو درس شهادت بیاموزند ، تو باید پیام رسان خون شهدا باشی و گوش به فرمان رهبر انقلاب و به انتظار مهدی (عج) بنشینی و دل وجانت را تسکین بخشی و در اخر ترا وصیت می کنم به عنوان یك انسان متعالی وخداپرست از عشق کوچکت ببری و به عشق بی نهایت که خداوند باشد بپیوندی .

و شما ای برادران عزیزم : که راهنمای من در همه مسائل بودید ، شما هم با شرکت در این جنگ و دفاع ازحریم جمهوری اسلامی وپاسداری ازخون شهیدان می توانید به ندای هل من ناصر ینصرنی امام امت لبیك بگوئید و در صف مبارزان چنان ضربه هایی را به دشمنان اسلام وارد اورید که ریشه کن بشوند.

و شما ای خواهران عزیزم : محبتهایتان را هرگزفراموش نمی کنم یادتان باشد که باید همچون زینب باشید که تحمل ۷۲ شهید را نمود ، باید چون زنانی باشید که چادرهایشان در خیابانهای ایران به کفنهایشان تبدیل شد ، باید مادر را تسلیت دهید و فرزندانتان را چون فرزندان حسین (ع) اموزش دهید ، فرزندانی بار اورید که برای فردای اجتماعتان مفید باشند.

و در اخر باید بگویم من در این دنیا خیلی مرتکب گناه و لغزش شده ام ولی بیشتر ازانچه فکر میکردم خدا بخشنده تر است و توبه بندگانش را اگر از ته دل باشد می پذیرد ، من با کوله باری بس سنگین گناه ازاین دنیا می‌روم واز همگی شما می خواهم که ازخدا بخواهید که گناهان مرا ببخشد ، و در اخر اگر به عللهائی جنازه من بدست شما نرسید نباید ناراحت شوید زیرا اگر فرزندتان را در راه خدا هدیه کردید دیگر نباید منتظر جنازه اش باشید واگر بدست شما رسید ان را در کنار دیگر شهدای این سامان به خاك بسپارید . و از همه شما می خواهم استغفار ازگناهان و دعا را فراموش نکنید و وصیتنامه ام را با این دعا به پایان می رسانم :

خدایا امید از تو ، نور از تو ، حیات ازتو ، شهادت ازتو
و ازتمام قومان وخویشان و دوستانی که از من بدی و اذیتی به انها رسیده امیدوارم که مرا مورد عفو و بخشش‌خویش قرار دهند .

((( والسلام )))

علیرضا صفا

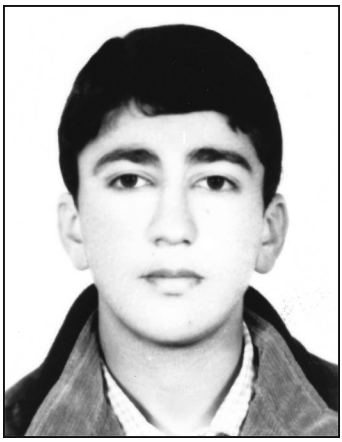

نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **صفا**
نام پدر: **ابراهیم**
نام مادر: **طاهره**
تاریخ تولد: **بیست‌وپنجم شهریور ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **هفت‌تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- با هم برادر و برابر باشید و دست به دست هم بدهیم و این انقلاب عزیز را یاری کنیم.
- خدا را یاری نکنید فردای قیامت در برابر صالحین خدا شرمنده خواهید بود.
- ای پدر و مادر شهدا شما هم به هوش باشید و انقلاب را بیشتر از همه یاری کنید.
- کاری نکنید که فردای قیامت شهدا از شما رو برگردانند.
- دعاگوی پیر جماران و رزمندگان اسلام باشید.

## محمدرضا صفا

### بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب بر حقش ابراهیم زمان و شهدای جمهوری اسلامی ایران.

محرم ماه پیروزی خون بر شمشیر، محرم و مجالس‌های حسین(علیه‌السلام) را همیشه زنده نگه‌دارید.[۱]

ما از امت حزب‌الله و همیشه در صحنه می‌خواهیم پیرو ولایت رهبری و ولایت فقیه بوده باشید و پیام‌رسان خون شهدا که خونشان را برای اسلام و قرآن به زمین ریختند تا هدف پیامبران ما که صراط مستقیم بود زنده بماند، باشید و از شما می‌خواهیم در هر کجا که هستید در بین خودتان اختلاف ایجاد نکنید که اگر مسئله‌ای در بین شما پیش بیاید دشمنان ما می‌توانند از همین راه به شما ضربه بزنند و آن موقع است که قلب امام زمان(عج) را از خود رنجانیده‌ایم و خود را از خدا دور کرده‌ایم و شهدا را از خود ناراضی کرده‌ایم و آن موقع است که رحمت و برکات خداوند از ما دور می‌شود و مصیبتی بزرگ بر ما وارد می‌شود، پس با هم برادر و برابر باشید و دست به دست هم بدهیم و این انقلاب عزیز را یاری کنیم «**ان تنصروالله ینصرکم و یثبّت اقدامکم**»[۲] یاری کنید خدا را تا شما را یاری کند. اگر خدا را یاری نکنید فردای قیامت در برابر صالحین خدا شرمنده خواهید بود و ای پدر[ان] و مادران شهدا شما هم به هوش باشید و انقلاب را بیشتر از همه یاری کنید و در هر کجا که هستید پیام‌رسان خون فرزندانتان باشید و کاری نکنید که فردای قیامت شهدا از شما رو برگردانند و نباشد از آمدن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردای قیامت در پیش حضرت زینب(علیهاالسلام) و سرور شهیدان حسین ابن علی(علیه‌السلام) و اولیاء خدا شرمسار باشید و همهٔ شما فرزندانتان را به تقوا و نور ایمان آشنا بگردانید و [از] برادران می‌خواهیم در هر کجا که هستند به یاری اسلام و قرآن همیشه بپردازند و در نهادهای انقلاب اسلامی بیشتر شرکت کنند و از محصلین می‌خواهیم در سنگر مدرسه هوشیار باشند

---

۱- صحیفه امام، ج۵، ص ۷۵.

۲- در اصل وصیت «صرات».

و با قلم و کتاب خود جهاد کنند که سرنوشت جامعه در دست شما خواهد بود و در همه‌جا با نفس خود جهاد کنید و در کارهای خود غفلت نکنید و در آخر از امت شهیدپرور قلعه‌نو خرقان می‌خواهیم همیشه دعاگوی پیر جماران و رزمندگان اسلام باشید و از خدا بخواهید که به بینش و آگاهی ما بیشتر بیفزاید و از همهٔ شما التماس دعا خواستارم.

به امید پیروزی لشکریان اسلام بر کفر جهانی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

**محمدرضا صفا**

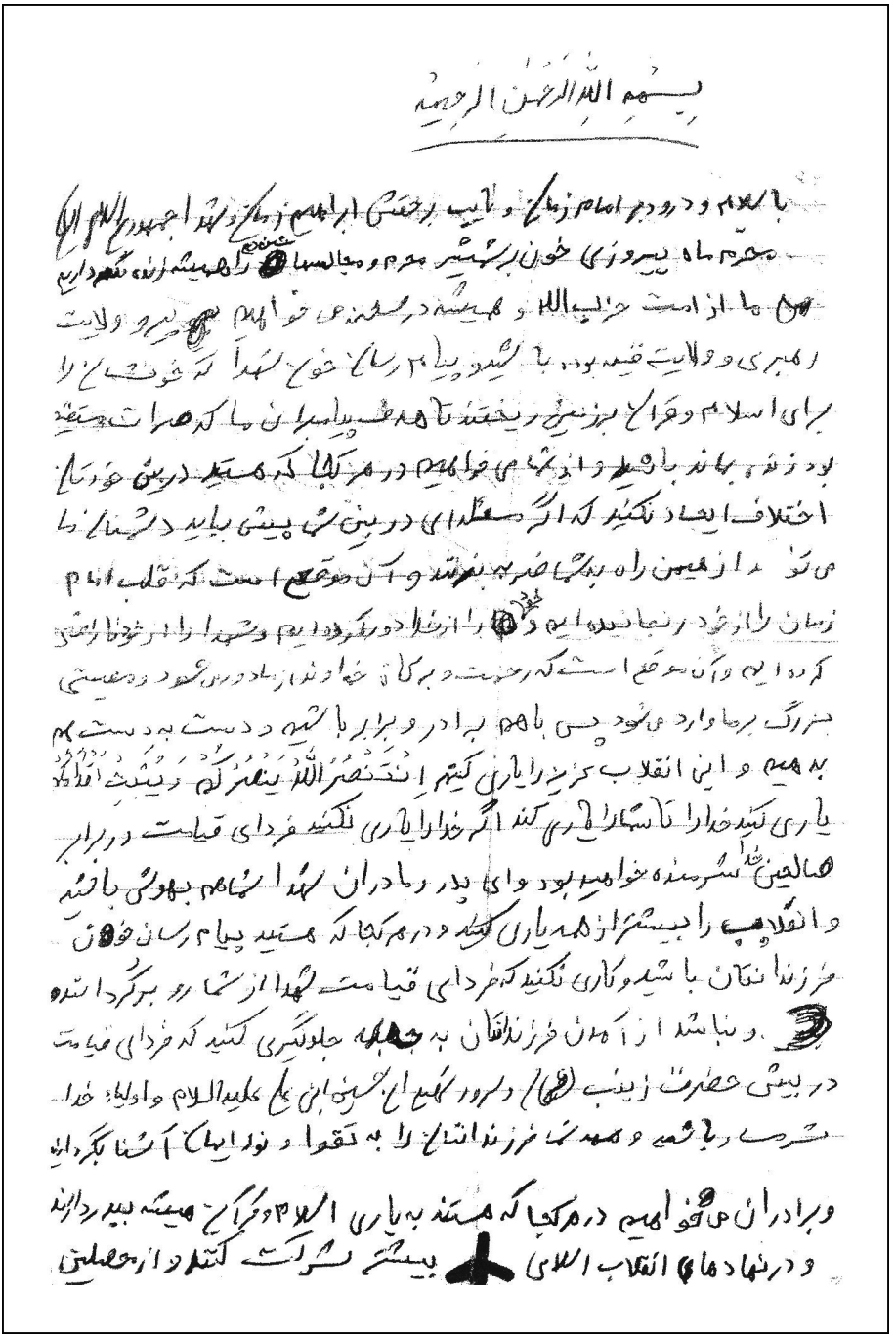

بسم الله الرحمن الرحیم

با سلام و درود بر امام زمان و نایب برحقش ابراهیم زمان و شهدا بخصوص شهدای اسلام ایران بخصوص ماه پیروزی خون بر شمشیر محرم و مجالسی که همیشه برقرار بوده و هست و ما از امت حزب‌الله و همیشه در صحنه‌ی خواهیم بود پیرو ولایت رهبری و ولایت فقیه بوده با گسیل پیام رسان خون شهدا که خونشان را برای اسلام و قرآن بزمین ریختند تا هدف پلیدان ما که صراحت دقیقه بود زنده بماند با هم و با برادران می‌خواهیم در هر کجا که هستید در بین خود زنهار اختلاف ایجاد نکنید که اگر سفله‌ای در بین شما پیدا شد دشمنان ما می‌توانند از همین راه به ما ضربه بزنند و آن موقع است که قلب امام زمان را از خود رنجانده‌ایم و از خدا دور گردیده‌ایم و خدا را از خود راضی نکرده‌ایم و آن موقع است که رحمت و برکات خداوند از ما دور و غضب و مقتی بزرگ بر ما وارد می‌شود پس باهم برادر و برابر با شید و دست به دست هم بدهید و این انقلاب عزیز را یاری کنید إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ یاری کنید خدا را تا شما را یاری کند اگر خدا را یاری نکنید فردای قیامت در برابر صالحین شرمنده خواهید بود ای پدر و مادران شهدا شما هم بهوش باشید و انقلاب را بیشتر از همه یاری کنید و در هر کجا که هستید پیام رسان خوبی فرزندانتان باشید و کاری نکنید که فردای قیامت شهدا از شما روبرگردانده و نباشد از آنان فرزندانتان به جلوگیری کنید که فردای قیامت در پیشگاه حضرت زینب (س) و سرور شهیدان حسین ابن علی علیه‌السلام و اولیاء خدا شرمسار و خجل نباشید و همه‌ی فرزندانتان را به تقوا و نوایای آشنا بگردانید و برادران می‌خواهیم در هر کجا که هستند به یاری اسلام و قرآن همیشه بیدار باشند و در نهادهای انقلاب اسلامی بیشتر شرکت کنند و از محلین

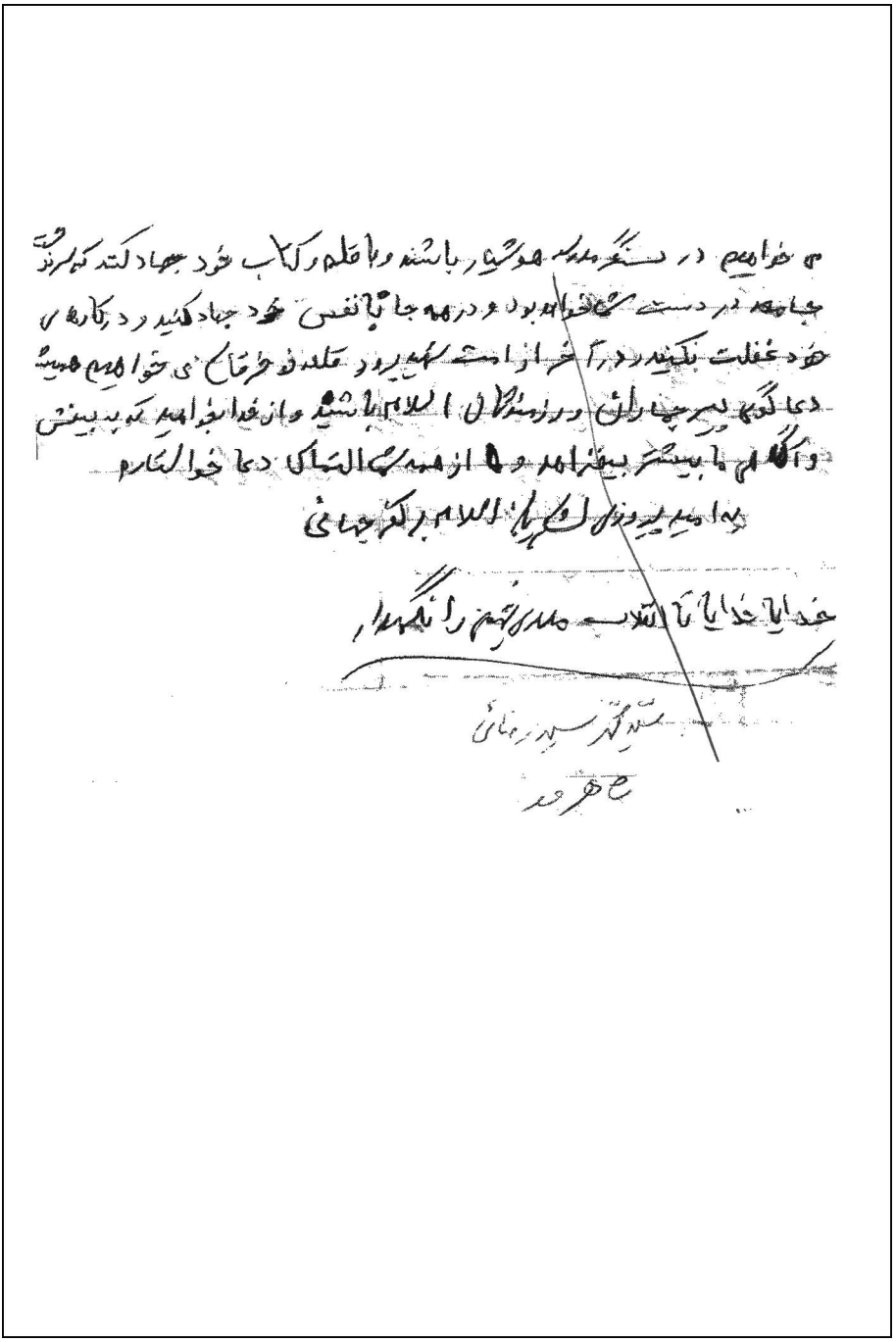

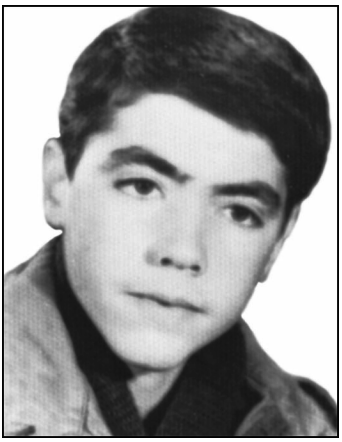

نام: **امید**
نام خانوادگی: **صفائی**
نام پدر: **عوض**
نام مادر: **پوران**
تاریخ تولد: **یکم تیر ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان کرج**
تحصیلات: **اول متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وچهارم اسفند ۱۳۶۳**
محل شهادت: **شرق رود دجله عراق**
**نح**وهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای شهر درجـزین از توابـع شهرستان مهدیشهر**

## عبارت‌های کلیدی

- من به این نوای «هل من ناصر» حسین(علیه‌السلام) سالار عاشقان لبیک گفـتم. پروردگـارا مـن بـرای رضای تو به این میدان آمدم تا شاید از مقربان درگاهت قرار بگیرم.
- پس به حق زهرا(علیهاالسلام) از این حقیر درگذر و دعای دیرینه‌اش را که شهادت‌طلبی بود مستجاب گردان.
- وصیت دیگر من به برادران حزب‌الله این است که هر وقت نفسشان اسیرشان کرد بـه جبهـه‌هـا بیایند.
- من رفتم تا [راه] کربلای حسین(علیه‌السلام) را باز کنم ولی به پیش حسین(علیه‌السلام) رفتم.
- من در روز محشر با پیراهن خونین به پیش امام حسین(علیه‌السلام) می‌آیم و شفاعت شما را از امـام حسین(علیه‌السلام) می‌خواهم.
- هر کس با امام مخالف است و با انقلاب مخالف است.

## امید صفائی

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنّةَ یقاتلون فی سبیل الله فیقتلـون و یقتلون»**[۱]

به‌نام خداوند خالصان و صابران و عارفان و عاشقان شهادت، پروردگـارا، داورا، کریمـا، ای محبوب محبان، ای معشوق عاشقان مهربان مهربانان تو خودت ناظری بر این اعمال، تـو خودت ناظری که من به این نوای **«هل من ناصر»**[۲] حسین(علیه‌السلام) سالار عاشقان لبیک گفـتم. پروردگارا من برای رضای تو به این میدان آمدم تا شاید از مقربان درگاهت قرار بگیرم. تـو خود آگاهی که روزها را همچون حسین(علیه‌السلام) بـا صـدامیان، جنـگِ اصـغر[۳] مـی‌کـردیم و شب‌ها را برای ترویج و آبادانی نفس به شب‌زنده‌داری پرداختیم پس به حق زهـرا(علیهاالسلام) از این حقیر درگذر و دعای دیرینه‌اش را که شهادت‌طلبی بود مستجاب گردان. خداوندا آنقدر صبر کردم چون می‌دانستم که تو صابرین را دوست داری.

بار خدایا من می‌دانم که فرار از مرگ ممکن نیست، لذا به هر چه تو ایزد متعال بخواهی خشنودیم. بر بلای تو صبر می‌کنیم تا مقام صابرین را بیابیم.

ما که توی این چند روز دنیا خلاصه باید بمیریم، پس چه بهتـر کـه در راه خـدا شـهید بشویم. دوست داشتم مفقودالاثر بشوم تا شاید شرمساریم در برابر امام حسـین(علیه‌السلام) کمتـر شود. راستی سفارشی حقیرانه بـه بـرادرانم و خـواهران فامیـل بکـنم کـه مـن رفـتم پـیش حسین(علیه‌السلام)، رفتم پیش محمد نصیری پسرعمهٔ عزیزم که همیشه در خواب و بیـداری بـه یادش بودم هر کس که به تشییع جنازهٔ من آمد برای من حـداقل دو رکعـت نمـاز بخوانـد. نمی‌خواهم و راضی نیستم که به‌خاطر من خودتان را به خرج بیندازید و آن خرجـی را کـه

---

۱- توبه، بخشی از ۱۱۱، ترجمه «خا جان و مال اهل ایمان را به بهشت خریداری کرده آنها در راه خدا جهاد مـی‌کننـد که دشمنان دین را بکشند».

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- اشاره دارد به سخنان پیامبر اکرم که در جنگ احد پس از پیروزی مسلمانان برای جلوگیری از خطر غـرور پیـروزی به نیروهای رمنده گفت شما در جهاد اصغر (جنگ) پیروز شده‌اید، هنوز «جهاد اکبر» مبـارزه بـا نفـس را در پـیش دارید.

می‌خواهید برای ختم من کنید برای جبهه‌ها بدهید. حرف دیگر را با بعضی از مردم دارم که می‌گویند اینها از درس فرار کردند و رفتند شما نمی‌دانید و فهم این را ندارید که بفهمید که ما به‌خاطر امر خدا به جبهه‌ها رفتیم. وصیت دیگر من به برادران حزب‌الله این است که هر وقت نفسشان اسیرشان کرد به جبهه‌ها بیایند. اما در آخر از تمام کسانی که دیدید حلالیت بطلبید.

برایم مانده است زیرا ۵ الی ۶ ماهی فکر کنم نمازم قضاء شده است اگر توانستید برایم بخوانید و ۱۰ یا ۱۵ روز روزه قضاء دارم که اگر توانستید برایم بگیرید.

در آخر خدایا شکرت که از امتحان تو درآمدم و تقریباً در جبهه پا به سن بلوغ گذاشتم و در جبهه حق علیه باطل شهید شدم.

دلم خواهد شود دانا و آگاه — به عونِ آه و سوزم در سحرگاه
مرا زاییده[1] مادر بهر پستی — و یا بر بختِ بد یا عشق و مستی
مرا ناورده بودی کاش مادر — مرا نازاده بودی کاش مادر
ندانم تیره بختم یا سعیدم — به بدبختی بمیرم یا شهیدم

خداوندا

قرارم[2] داده‌ای ز اهل سعادت — ندانم، چون مرا جهل است عادت
به قرب و بر جوارت راه دارم — به عالم تکیه بر الله دارم

مادرم، پدرم، خواهرم و برادرم

من رفتم تا کربلای حسین(علیه‌السلام) را باز کنم ولی به پیش حسین(علیه‌السلام) رفتم.

و با فاتحه[3] و قرآن خواندن و صلوات در هر روز جمعه، روح این گناهکار را شاد کنید. و دیگر آن که این امام عزیز را تنها نگذارید که این امام ما بود که ما را رستگار کرد، او بود که واقعاً ما را به مقام «فزت و رب الکعبه»[4] رسانید.

به خانوادهٔ شهدا سر بزنید به دیدار معلولین و مجروحین بروید.

---

۱- در اصل وصیت «زائیده».

۲- در اصل وصیت «قرام».

۳- در اصل وصیت «فاتح».

۴- از جمله سخن‌های پایانی حضرت علی(علیه‌السلام) است پس از ضربت خوردن.

در آخر وصیتی با پدر و مادرم دارم.

شرمسارم از این که خداحافظی نکردم و به جبهه رفتم، امیدوارم که مرا حلال کنید، غصه نخورید که اگر خدا خواست شما هم رستگار شده‌اید چون عزیزترین چیزتان را هدیه به خدا کردید و این غصه را نخورید زیرا که من در روز محشر با پیراهن خونین به پیش امام حسین(علیه‌السلام) می‌آیم و شفاعت شما را از امام حسین(علیه‌السلام) می‌خواهم، همین‌طور خواهران و برادرانم و همین‌طور کسانی که راه مرا ادامه می‌دهند هیچ غصه نخورید که می‌توانید راه ابدی را با مدت کوتاه در این زمان طی بفرمایید[1] و در آخر با اولیاء خدا محشور می‌شوید. نکتهٔ دیگر این که هر کس با امام مخالف است و با انقلاب مخالف است مدیون هستید که بگذارید در تشییع[2] جنازهٔ من بیاید و مدیون هستید که با هر فامیل ضدانقلاب در رابطه باشید، چه دوستان چه آشنایان و در آخر شرمندگی.

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار
خدایا خدایا رزمندگان اسلام نصرت عطا بفرما

**سرباز حقیر اسلام**
**مهدی «امید» صفائی**

---

۱- در اصل وصیت «بفرمائید».

۲- در اصل وصیت «تشیع».

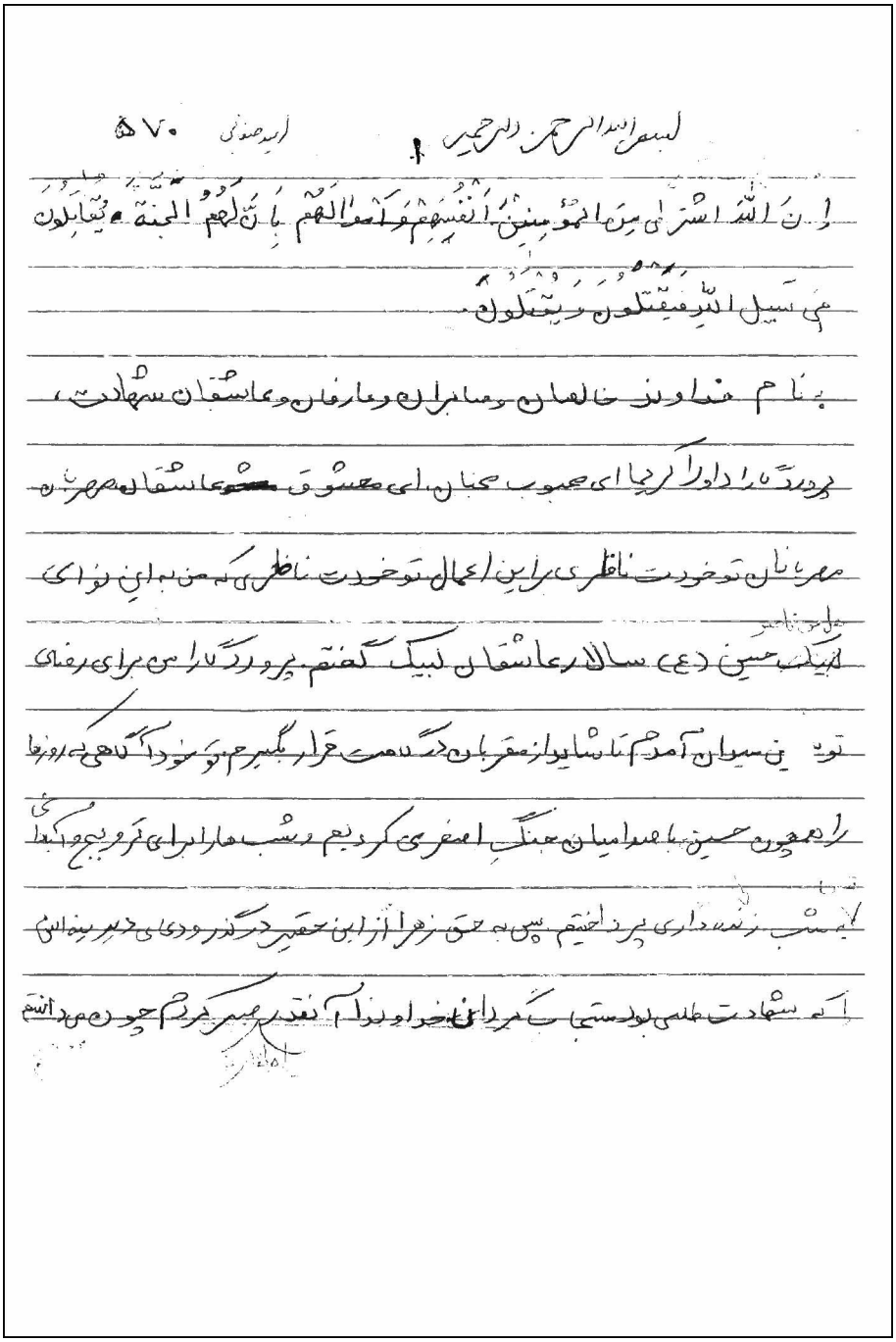

بسم الله الرحمن الرحیم ۵۷۰ امید صفائی

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُم بِأَنَّ لَهُمُ الْجَنَّةَ ۚ يُقَاتِلُونَ
فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ

به نام خداوند خالصان و صابران و عارفان و عاشقان شهادت،
پروردگارا داورا کریما ای محبوب محبان، ای معشوق عاشقان مهربان
مهربانان تو خودت ناظری بر این اعمال تو خودت ناظری که من به این نوای
لبیک حسین (ع) سالار عاشقان لبیک گفتم پروردگارا من برای رضای
تو به این میدان آمدم تا شاید از مقربان درگاهت قرار بگیرم تو خود آگاهی که روزها
را همچون حسین با صدا میان جنگ اصغر می‌کردیم و شب‌ها را برای ترویج و آبادانی
به شب زنده‌داری پرداختیم پس به حق زهرا از این حقیر درگذر و دعای دیرینه‌ام
که شهادت طلبی بود مستجاب گردان خداوندا آنقدر صبر کردم چون می‌دانستم

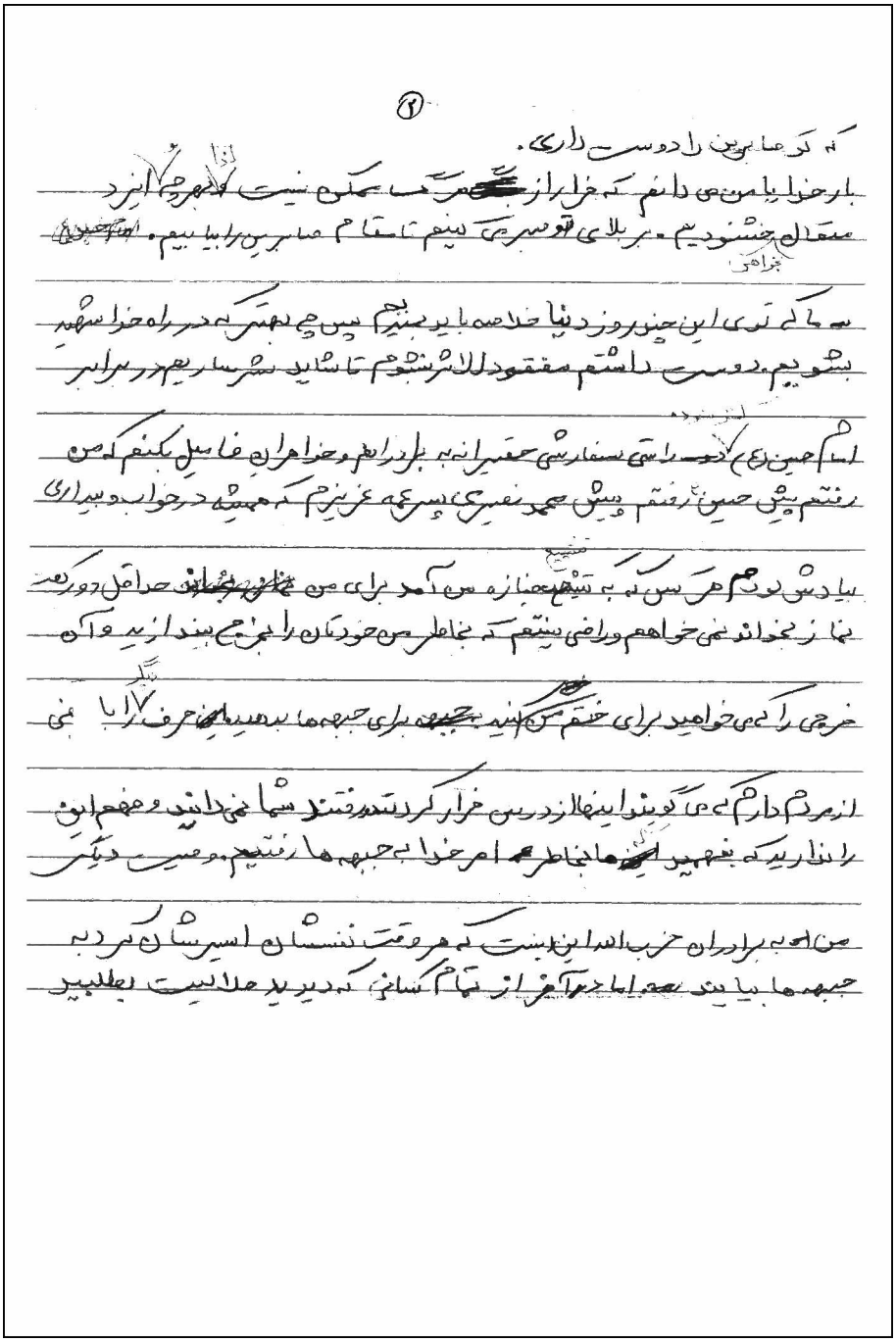

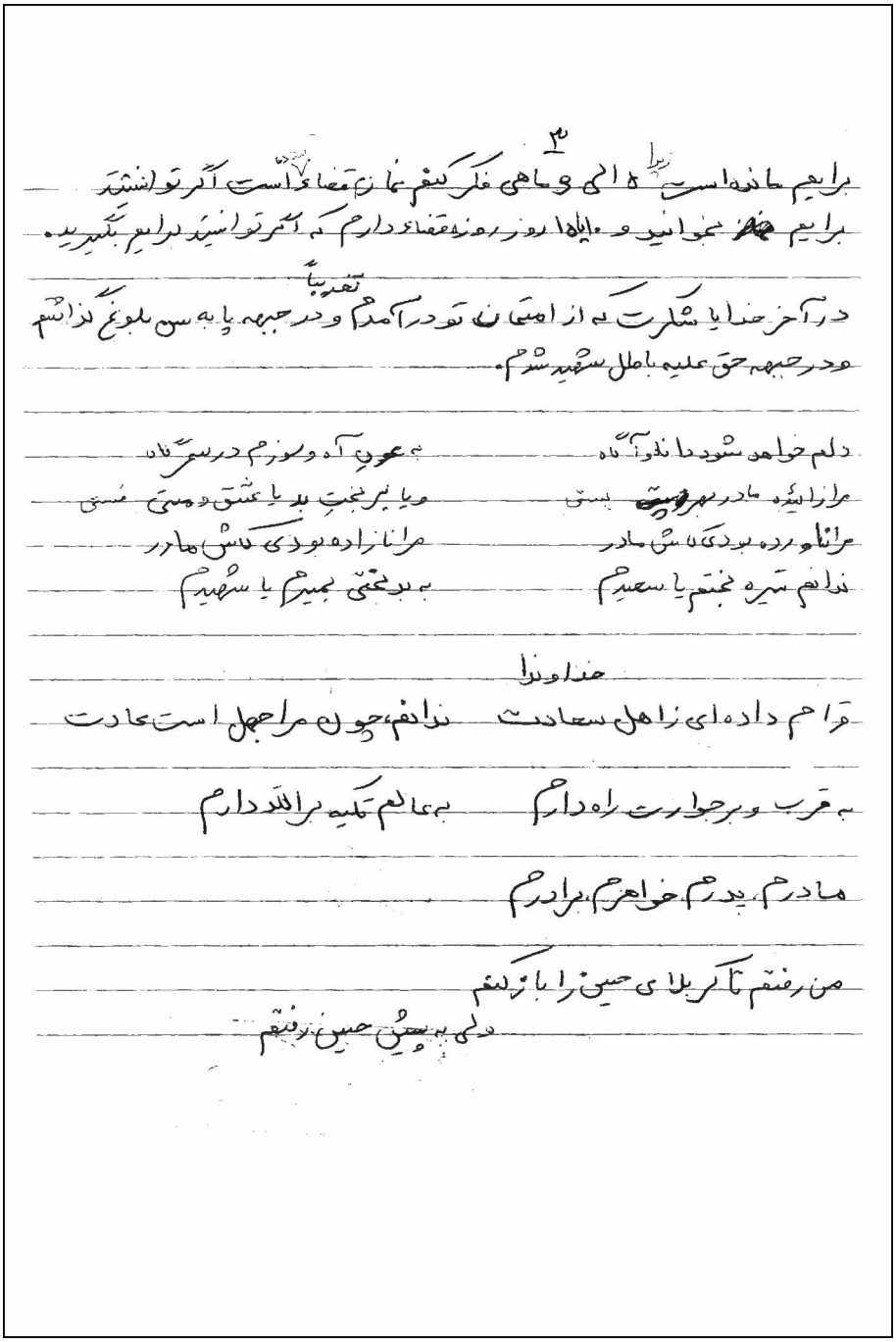

۳

برایم مانده است زیرا ۵ الی ۶ ماهی فکر کنم نماز قضاء است اگر توانستید
برایم بخوانید و ۱۰ یا ۱۵ روز روزه قضاء دارم که اگر توانستید برایم بگیرید.

در آخر خدایا شکرت که از امتحان تو در آمدم و تقریباً در جبهه پا به سن بلوغ گذاشتم
و در جبهه حق علیه باطل شهید شدم.

دلم خواهد شود دانا و آگاه — به عون آه و سوزم در سحرگاه
مرا زائیده مادر بهر پستی — و یا بر بخت بد یا عشق و مستی
مرا ناورده بودی کاش مادر — مرا نازاده بودی کاش مادر
ندانم تیره بختم یا سعیدم — به بدبختی بمیرم یا شهیدم

خداوندا
قرارم داده‌ای ز اهل سعادت — ندانم چون مرا جهل است عادت
به قرب و بر جوارت راه دارم — به عالم تکیه بر الله دارم
مادرم، پدرم، خواهرم، برادرم
من رفتم تا کربلای حسین را باز کنم
ولی به پیش حسین رفتم

۴

و با فاتحه و قرآن خواندن و صلوات در هر روز جمعه به روح این گناهکار را شاد کنید.

و دیگر آن که این امام عزیز را تنها نگذارید که این امام ما بود که ما را رستگار کرد و واقعاً

ما را به مقام عزت و رب الکعبه رسانید.

به خانواده شهدا سر بزنید به دیدار معلولین و مجروحین بروید.

در آخر وصیتی با پدر و مادرم دارم.

شرمسارم از این که خدا حافظی نکردم و به جبهه رفتم امیدوارم که مرا حلال کنید

غصه نخورید که اگر خدا خواست شما هم رستگار شده اید چون عزیزترین

چیزتان را هدیه به خدا کردید و این غصه را نخورید زیرا که من در روز محشر با پیراهن

خونین به پیش امام حسین می آیم و شفاعت شما را از امام حسین می خواهم همین

طور خواهران و برادرانم و همین طور کسانی که راه مرا ادامه می دهند هیچ غصه مورید

که می توانید راه ابدی را به مدت کوتاه در این زمان طی بفرمائید و در آخر

با اولیاء خدا محشور می شوید نکته دیگر این که هر کس با امام مخالف است و با انقلاب

مخالف است مدیون هستید که بگذارید در تشییع جنازه من بیاید و مدیون هستید

که با هر فامیل ضد انقلاب در رابطه باشید چه دوستان چه آشنایان و در آخر شرمندگی

والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته.

خدایا خدایا

تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار

خدایا خدایا

رزمندگان اسلام نصرت عطای بفرما.

سرباز حقیر اسلام مهدی امید صفائی

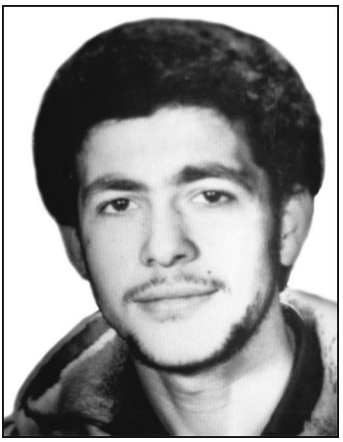

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **صفائی**
نام پدر: **علی‌اکبر**
نام مادر: **فاطمه زهرا**
تاریخ تولد: **پانزدهم فروردین ۱۳۴۷**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **چهارم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **سی‌ام اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- باید در این دنیا بذر پاشید و در آخرت محصولش را برداشت کرد.
- خداوند راست می‌گوید و وعدهٔ خداوند حق است.
- شهادت گلچین می‌کند و خوبان را می‌برد.
- برادران گرامی شهادت رسیدن به سعادت است.
- ننگ است برای کسی که در دنیا ظالمی وجود داشته باشد و مرد در بستر بمیرد.
- آمدم تا با نثار جانم در راه اسلام و قرآن، اسلام عزیزم را آبیاری کنم و دیگر از مرگ نمی‌هراسم.
- کیست که عاشق خدا باشد و آرزوی دیدار حسین(علیه‌السلام) را نداشته باشد و از مرگ بگریزد.
- دعا است که به انسان آرامش می‌بخشد.
- با توجه به قرآن خصوصاً تفسیر قرآن و تفکر در آیات قرآن قلب و روح خود را شفا ببخشید.
- ای عزیزان، دنیا محل گذر است و جای ماندن نیست.
- ما مسافریم باید هر چه زودتر آمادهٔ حرکت شویم و به‌زودی زنگ رفتن به صدا درمی‌آید.
- در مشکلات دنیا صبور باشید و برای خدا تحمل کنید «که خداوند با صابران است».

## حسن صفائی

### بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر حسین(علیه‌السلام) ثارالله و سلام بر مهدی(عج) بقیةالله، سلام بر خمینی روح‌الله، سلام بر حماسه‌سازان جندالله، سلام بر شهیدان راه الله و سلام بر امت حزب‌الله خصوصاً حزب‌الله شهرمان.

«السّلام علیک یا اباعبدالله»

**«یا ایّتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربّک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی و ادخلی جنّتی»**[۱]

«ای نفس به آرامش رسیده، به‌سوی پروردگار خویش برگرد در حالی که هم تو از خدای خویش خشنودی و هم خدا از تو خشنود است، داخل شوید در جمله بندگان خاص من و داخل شوید در بهشت من»

وصیت‌نامهٔ بندهٔ حقیر خدا حسن صفائی

امیدوارم انشاءالله به یاری خداوند منان با دست بردن به قلم آنچنان که وظیفه دارم و آنچه که حقیقت است و از قلبم به زبانم و از زبانم به قلمم جاری می‌شود روی کاغذ بنگارم[۲] و به مسئولیت خود پایان و بر مسئولیت زندگان بیافزایم[۳]. نمی‌دانم این را وصیت‌نامه نام نهم یا ا عتراف‌نامه به گناهان گذشته. اعترافی که سراسر بازگو کنندهٔ گناهان کوچک و بزرگی است که در دوران زندگی بدان دست زده‌ام و تابع هوا و هوس خویش گشته‌ام و خجل و روسیاه در برابر خداوند متعال و غفور و غفار، ولی، رحمان و رحیم، خداوندی که بخشنده مهربان است معبودی که دوزخ را برای کافران و بهشت برین را برای بندگان خاص خود آفرید و آن خدایی[۴] که انسان را آفرید و از آدم تا خاتم و از خاتم تا عصر حاضر همه مخلوق آن خدای عادلند و آن پروردگاری که دمید روح را در تن آدمی و

---

۱- فجر/ ۲۸.

۲- در اصل وصیت «بنگاریم».

۳- در اصل وصیت «به افزائیم».

۴- در اصل وصیت «خدائی».

زنده گردانید، پس می‌میراند و دوباره زنده می‌کند «**و یحیی و یمیت و یمیت و یحیی**»[۱] و هنگامی زنده می‌کند که انسان از تمامی امتحانات و آزمایشات الهی فارغ شده است. آه، آن روز است که بندگان خدا به‌خود می‌آیند و به سند اعمال خود می‌نگرند، ولی پشیمانی چه سود چون دیگر بازگشتی وجود نخواهد داشت و ای خوشا به‌حال آن کسانی که از دیگران پیشی گرفتند و از سابقون شدند[۲] و ابراهیم‌وار از آزمایشات به‌خوبی فارغ شده‌اند و اسماعیلشان[۳] را در راه خدا داده‌اند و نامهٔ اعمالشان به‌دست راستشان و تبسمی بر لب دارند و جایگاهی جز بهشت برین جایی[۴] ندارند، ولی حال ببینیم و در وجود خود بنگریم ببینیم کیستیم؟ و چگونه بنده‌ای هستیم؟ و آیا آن‌گونه که باید و شاید خود را شناختیم که کیستیم؟ و از کجا آمده‌ایم و برای چه آمده‌ایم؟ آیا آمده‌ایم تا در این دنیای مادی بمانیم یا مسافری بیش نیستیم؟ و چند روزی بیش در این دنیا نیستیم؟ آیا [اگر] به راستی خدا را شناخته‌ایم؟ قدمی برای رسیدن به خدا برداشته‌ایم تا به قرب الهی برسیم؟ یا به این چند روز دنیا و مادیگری دل بسته‌ایم و مرگ را در برابر خود غولی خشمگین می‌پنداریم. مگر مرگ چیست که ما اینقدر از آن هراسانیم؟ مرگ مگر جز پل چیز دیگری هم هست؟ پلی که انسان را نجات می‌دهد. پلی که بین دنیای مادی و معنوی است و انسان را از زندان به به فضای خوش‌بو[۵] معطر برزخ و عالم آخرت می‌رساند. پس چرا باید هراسان بود، ولی ببینیم چه چیز در وجود ما ترس می‌اندازد و مرگ را برایمان جلوهٔ دیگر می‌دهد و مردن را برای ما مشکل می‌کند آری هنگامی که در وجود خود می‌نگرم تمام وجودم را آلوده به گناه می‌بینم. گناهانی که در زمان گذشته از روی جهل و تابع هوای نفس بودن انجام داده‌ام و چون حال در لب پرتگاه مرگ قرار گرفته‌ام به خود آمده‌ام و به فکر چاره افتاده‌ام تا شاید با پیکارمان بر علیه خصم زبون و با نثار جانمان قدم کوچکی برای رسیدن به خدا برداشته باشیم.

---

۱- در آیات متعددی این تعبیر به‌کار رفته است از آن‌جمله‌اند. بقره/ ۲۵۸، توبه/ ۱۱۶، یونس/ ۵۶، الحدید/ ۲.

۲- آیه نقل به مضمون آیه «السّابقون السّابقون اولئک المقرّبون». واقعه/ ۱۰ و ۱۱.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «جائی».

۵- در اصل وصیت «خشبو».

خداوند از گناهانمان درگذرد [اگر] تودیع دین خدا و آیین محمد مصطفی(صلی الله علیه و آله و سلم) کرده باشیم و کوله‌باری از گناهانمان از دوش ما برداشته شود و توشه‌ای برای آخرت گذاشته باشیم، چون «الدّنیا مزرعة الاخرة»[۱] «دنیا مزرعهٔ آخرت است» و باید در این دنیا بذر پاشید و در آخرت محصولش را برداشت کرد هر چند دانه‌ای به اندازهٔ دانهٔ خردل[۲] باشد یا با نثار جان خود در راه خدا. ولی آیا با تمام این صحبت‌ها[۳] و کارها وقتی برای جبران کارهای گذشته و گناهان هست؟ و خداوند ما را خواهد بخشید؟ اما امیدمان به خداوند بزرگ است، خداوندی که رحمان و رحیم است و می‌گوید بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را[۴]. خداوندا تو را می‌خوانم و می‌گویم[۵] «الهی العفو، الهی العفو، الهی العفو» خداوندا خود فرموده‌ای که به درگاه من توبه کنید. توبه‌ای واقعی و نصوح و من اجابت می‌کنم. پس ای «رب العالمین» و ای «غیاث المستغیثین» از سر تقصیرات من درگذر و مرا با اولیاالله محشور کن و خود فرمودی: هر که عاشقم شد می‌کشمش پس مرا بکش ای کشندهٔ عاشقان که عاشقم و هر لحظه انتظار شهادت را می‌کشم. آری، چه بگویم[۶] خجالت می‌کشم با خدا سخن بگویم[۷]، چون هنگامی که به مرحلهٔ بازگو کردن گناهم رسیده‌ام تمام گناهانم در جلو چشمانم رژه می‌رود و دلی برای بازگو کردن این گناهان نیست. آری، ای بندگان خاص خدا وقتی خواستم قلم برداشته و بنویسم، قلم‌ها همه باز ایستادند و مرکب‌ها همه خشک شد و تمام کاغذها از بازگو کردن گناهانم روسیاه شدند و زبانم از بازگو کردن این همه نافرمانی خداوند به الکن افتاد ولی با توکل به «رب العالمین» چند خطی را روی کاغذ نوشتم، (هر چند این کاغذ کوچک جای گناهان زیادم را ندارد) تا شاید بندگان خاص خدا و مؤمنان برای ما دعا کنند و گناهانمان مورد عفو و بخشش خداوند قرار گیرد. انشاءالله در

---

۱- نهج‌البلاغه، حکمت ۲۰، ص ۳۲۵.

۲- نقل به مضمون «فمن یعمل مثقال ذرة خیرا یره» زلزال/ آیه ۷.

۳- در اصل وصیت «سحبت‌ها».

۴- معنی آیه «ادعونی استجب لکم» غافر / ۶۰.

۵- در اصل وصیت «می‌گوئم».

۶- در اصل وصیت «بگوئم».

۷- در اصل وصیت «بگوئیم».

آخرت از شفاعت ائمه اطهار و اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) روسفید گردیم و در بهشت جایی[۱] گیریم، چون خداوند راست می‌گوید و وعدهٔ خداوند حق است. خداوندی که می‌فرماید: **«انّ الله اشتری من المؤمنین انفسهم و اموالهم بانّ لهم الجنةَ یقاتلون فی سبیل الله فیقتلون و یقتلون»**[۲] «به درستی که خداوند از مؤمنین جان‌ها و مال‌هایشان را خریداری کرد به اینکه در راه خدا پیکار کنند پس بکشند و کشته شوند تا برایشان بهشت باشد.»
باشد که ما هم جزو مؤمنان درگاهش باشیم.

عزیزان از شهادت بگویم، نمی‌دانم چه بگویم، که هم خدا از من راضی باشد و هم شهیدان، شهادت راهی است که رهرو واقعی می‌خواهد و شهادت به سراغ کسانی می‌آید که واقعاً عاشق خدایند و به نفس مطمئنه رسیده‌اند و بر نفس اماره پیروز و فاتح شده‌اند و نفس خود را در چنگ خود گرفته‌اند، آری شهادت گلچین می‌کند و خوبان را می‌برد. ولی چه گویم در حالی که هنوز به مقام والای شهادت نرسیده‌ام و هنوز زنده هستم و قلم در دست دارم. «شهادتی که همهٔ خوبان را گلچین کرد»[۳]، خدایا زمانی این را می‌نویسم که تعداد زیادی از دوستانم به شهادت رسیده‌اند و فقط این را بگویم که خدایا تو مجتبی را بردی و او گل بود در میانمان، از تو عاجزانه می‌خواهم هرچه زودتر مرا به مجتبی ملحق کنی که دنیا برایم زندان است و با یاد مجتبی قلب کوچکم به شدت می‌تپد و می‌خواهد سینه‌ام را بشکافد[۴]. برادران گرامی شهادت رسیدن به سعادت است و فقط یک نکته را بگویم[۵] به والله ظلم است، ننگ است برای کسی که در دنیا ظالمی وجود داشته باشد و مرد در بستر بمیرد و دیگر در مورد شهادت هیچ نمی‌گویم[۶] و همین جملهٔ آخر بس است. فقط این را بدانید که من خود شهادت را شناختم و با بصیرتی باز و با گوشی شنوا به‌سوی خدا شتافتم و برای این در این راه قدم نهادم چون هنگامی که دیده به جهان گشودم و از مادر

---

۱- در اصل وصیت «جائی».
۲- توبه/ ۱۱۱.
۳- سخنی به امام عصر(عج) منسوب است که قریب بدین مضمون شهید است. «در آن زمان بهترین یاران من گلچین می‌شوند».
۴- در اصل وصیت «شکافت».
۵- در اصل وصیت «بگوئم».
۶- در اصل وصیت «نمی‌گوئم».

زاده شدم اسلام را در خون رنگین دیدم که احتیاج به یاور و خون داشت. پس آمدم تا با نثار جانم در راه اسلام و قرآن، اسلام عزیزم را آبیاری کنم و دیگر از مرگ نمی‌هراسم بلکه به‌سوی مرگ می‌روم، مرگی که شهادت را به دنبال دارد چون ما پیرو علی(علیه‌السلام) هستیم و کیست که عاشق خدا باشد و آرزوی دیدار حسین(علیه‌السلام) را نداشته باشد و از مرگ بگریزد. من امانتداری را از پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آموختم و جانم که امانتی بیش نبود تقدیم خدا کردم و عدالت و چگونه مردن را از علی(علیه‌السلام) آموختم. (علی(علیه‌السلام) آن شیرمردی که می‌گوید «من مرگ را بسان پستان مادر می‌پذیرم)[1] و از مرگ هراسی ندارم» و حق‌گویی[2] را از حسن(علیه‌السلام) آموختم و بازگوکنندهٔ حقایق بودم و جان‌نثاری را از حسین(علیه‌السلام) آموختم و جانم را در راه خدا دادم.

ولی ای دوستان، آشنایان، رفقا، خویشاوندان خصوصاً بسیجیان ایثارگر و جوانان وطن، برادران «برای مؤمنان و مسلمانان یک سلاح بسیار مهم می‌باشد که با توسل به آن می‌توانند به تمامی سختی‌ها پیروز شد و آن دعا است»، دعا است که به انسان آرامش می‌بخشد و از ناامیدی به در می‌آورد. هر وقت ناامید شدید و سختی‌ها و گرفتاری دنیا به شما چیره شد رو به‌سوی خدا آورید و به درگاه خداوند دعا کنید و هر آن که بیکار شدید و وقتی پیدا کردید بیهوده تلف نکنید و با مطالعهٔ خود آیندهٔ مملکت خود را در دست بگیرید و با توجه به قرآن خصوصاً تفسیر قرآن و تفکر در آیات قرآن قلب و روح خود را شفا ببخشید.

دیگر ای عزیزان، دنیا محل گذر است و جای ماندن نیست خصوصاً برای ایمان آورندگان و بدانید که ما برای آخرت آفریده شده‌ایم نه برای دنیا، نه برای زندگی، بلکه ما برای امتحان [تو سرکشی] به این دنیا آمده‌ایم و ما مسافریم باید هر چه زودتر آمادهٔ حرکت شویم و به‌زودی زنگ رفتن به صدا درمی‌آید و آن وقت وقتی برای فکر کردن نیست، مال و ثروت را می‌خواهید چه‌کار؟ برای کی جمع می‌کنید؟ برای وارثان یا برای زیر خاک؟ چه ثروتمند و چه فقیر همه در آخر با یک کفن می‌روند و فقط به توشهٔ آخرت نگاه می‌کنند، نه به ثروت دنیا. چه بهتر توشهٔ ما در آخرت بیشتر باشد و این یک کفن هم از پول حلال تهیه شده باشد.

---

۱- ترجمه این سخن امام علی(علیه‌السلام) است: «والله لابن ابی‌طالب آنس بالموت من الطفل بثدی امه».

۲- در اصل وصیت «حق‌گوئی».

مطلب دیگر این‌که ای برادران گرامی، در مشکلات دنیا صبور باشید و برای خدا تحمل کنید «که خداوند با صابران است»[۱] و همیشه در هر کجا که هستید[۲] حق را بجویید[۳] و در هر مکان و زمانی که هستید سعی کنید، نگذارید حق را با باطل ادغام کنند و همیشه حق را جدا کنید و مدافع محرومان و حقایق باشید و در هر مکانی هست از خود دفاع کنید و دفاع از حق جا و مکان و زمان خاص ندارد و جبههٔ حق علیه باطل جای مشخصی ندارد.

ای جوانان تا می‌توانید دور گناه نروید و از هر معصیتی دوری کنید، مواظب باشید که شیطان بر شما چیره نشود و هر گناه را کوچک نگیرید و به دور گناه حتی خیلی کوچک نروید که گناه گناه است و معصیت، معصیت و به کوچکی گناه نگاه نکنید همچنان‌که رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به اباذر می‌فرماید: «ای اباذر به کوچکی گناهت نگاه نکن بلکه به آن نگاه کن که با انجام دادن این عمل از چه کسی نافرمانی می‌کنی». چه شیوا می‌فرماید رسول خدا(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم): «نافرمانی از امر خدا کوچک و بزرگ ندارد و هر نافرمانی از امر خداوند گناه است و رد دستور خداوند منان»، پس سعی کنید در زندگی حرکات و رفتار خود را در اختیار خود داشته باشید و تلاش کنید که به نفس مطمئنه برسید و به نفس سرکش وامارہ پیروز شوید.

برادرها سعی کنید به این وصیت‌نامه‌ها بیشتر توجه کنید و با تفکر کافی و خاص این وصیت شهیدان را مطالعه کنید و با بی‌توجهی وصیت‌نامه‌ها را نخوانید و بعد از خواندن وصیت‌نامه به مطلب وصیت‌نامه فکر کنید و عمل کنید.

حال با تو سخن دارم مادرم:

ای مادر من ای مادر مهربانم تویی[۴] که مرا چنین پروردی و سختی‌ها و رنج‌ها را تحمل کردی تا مرا به این سن و سال برسانی. می‌دانم که چه مشکلاتی در زندگی دامن‌گیر خانوادهٔ ما شد و از چه سختی‌هایی گذشتیم و می‌دیدیم چه بردبار و صبوری و چگونه عبادت می‌کنی. به‌هر حال مادر مرا ببخش که فرزند خوبی در زندگی برای تو نبودم و هیچ

---

۱- در قرآن کریم بارها آمده است «ان الله مع الصابرین» یا «والله مع الصابرین».

۲- در اصل وصیت «هستی».

۳- در اصل وصیت «بجوئید».

۴- در اصل وصیت «توئی».

کمکی نتوانستم در زندگی به شما بکنم و شیرت را حلالم کن و مرا ببخش چون می‌خواهم با روحی شاد به دیدار حسین بن علی(علیه‌السلام) بروم و زینب‌گونه صبور باش و به یاد مادرت فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) دردهای جامعه را تحمل کن و در عزای فرزندت صبر را پیشه کن نمی‌گویم گریه نکن چون می‌دانم داغ فرزند سخت است. مادر گریه کن تا عقده در دلت نماند، نه برای من بلکه به یاد اباعبدالله الحسین(علیه‌السلام) گریه کن، به یاد لب تشنهٔ علی‌اکبر[۱](علیه‌السلام) و علی‌اصغر[۲]حسین(علیه‌السلام) گریه کن و اگر جنازه‌ام به‌دست شما نرسید باز هم صبور باش و به یاد بدن مبارک و تکه تکه شدهٔ امام حسین(علیه‌السلام) در گودال کربلا و به یاد خانوادهٔ هزاران مفقود ایران زمین باش. مادر اگر سر در بدن نداشتم به یاد سر جدا شدهٔ امام حسین(علیه‌السلام) باش و اگر در بدن عضوی را از دست داده‌ام به یاد بازوان بریدهٔ ابوالفضل‌العباس[۳](علیه‌السلام) باش و اگر جنازه‌ام به‌دست شما رسید در کنار جمیع شهدای شهرمان دفن نمایید[۴]. باز هم از تو تشکر می‌کنم و آفرین که چنین شیر پاکی به من دادی و مرا چنین پروردی و امانت خدا را به خوبی تقدیم خدا کردی و اگر در معرکهٔ جنگ شهید شدم مرا با لباس خونین دفن کنید تا شاید لباس خونین و تکه تکه شدهٔ من سندی باشد [...] و مطلب آخر اینکه سلامم را به رهبرم برسانید و به او بگویید[۵] که من جوان بودم در اوج زندگی ولی سه آرزو بیش نداشتم. اول: زیارت کربلا و قبر شش گوشهٔ اباعبدالله یا زیارت اباعبدالله [...][۶] دوم: زیارت چهرهٔ مبارک آقا و سرورم و مولایم منجی عالم[۷] بشریت امام زمان مهدی موعود(عج) بود. سوم: زیارت چهرهٔ پرتقوا و زجر کشیدهٔ رهبرم، قائدم، امامم و پدرم که توفیق حاصل نشد و رسیدن به هر کدام از این آرزوها باری من بزرگترین سعادت بود و برایم افتخار، و این را هم به رهبرم بگویید[۸] که من تا آخرین قطرهٔ خون در

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- ر.ک. تعلیقات.

۴- در اصل وصیت «نمائید».

۵- در اصل وصیت «بگوئید».

۶- خوانا نیست.

۷- در اصل وصیت «منجی بشریت».

۸- در اصل وصیت «بگوئید».

سنگر ماندم و در هر جایی[۱] بود تا جای ممکن مدافع حق بودم تا خدایم[۲] و اسلامم و رهبرم را ناراحت نکرده باشم و آنها را در تنگنا نبینم و بوی تلخ کوفه[۳] را بار دیگر تازه نکنم، انشاءالله که دینم را ادا کرده‌ام و وظیفه‌ام را به خوبی انجام داده‌ام. التماس دعا.

ای دوستان، آشنایان، رفقا، برادران و خواهران، وقت وداع و خداحافظی است امیدوارم مرا ببخشید و به حال من دعا کنید و از همه می‌خواهم که هر چه تندی، بدخویی[۴] و ناراحتی از من دیده‌اند من حقیر را ببخشند و خصوصاً برادر عزیزم که در زندگی ناراحتی زیادی از دست من کشیده‌اند و امیدوارم بسیجیان و برادران دینی‌ام مخصوصاً برادرم نگذارند مادرم احساس تنهایی[۵] کند و در امور و کارهای خانه به ایشان کمک کنند.

ما جان به خدا دادیم تا زنده شما باشید — بر خاک قرار ما یک‌دم، به دعا باشید
چون شمع وجود ما قربان شما گردید — روشنگر شمع ما، شاید که شما باشید

**«التماس دعا»**
**برادر حقیر شما**
**حسن صفائی**
**۱۳۶۵/۲/۱۵**

---

۱- در اصل وصیت «جائی».
۲- در اصل وصیت «خدائم».
۳- ر.ک.تعلیقات.
۴- در اصل وصیت «بدخوئی».
۵- در اصل وصیت «تنهائی».

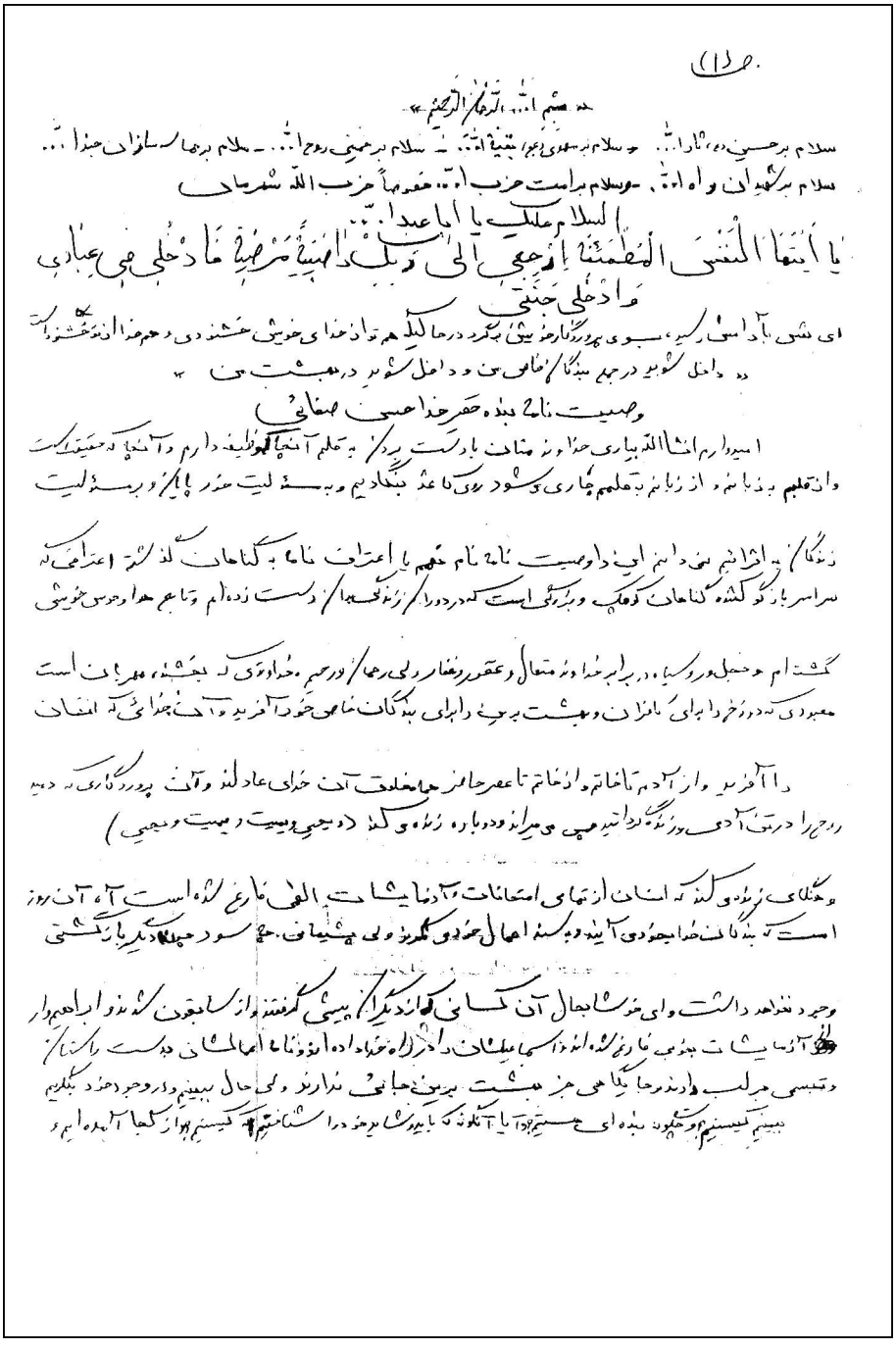

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

سلام بر حسین و ... و سلام بر سجود و رکوع و بکاء و ... و سلام بر خشوع و روح و ... و سلام بر صفا و سلوان خدا و ...
سلام بر شهیدان و راه او و ... و سلام بر امت حزب الله و ... عفوها حزب الله شهدای

السلام علیک یا ایها العبد ...

یا أیتها النفس المطمئنة ارجعی الی ربک راضیة مرضیة فادخلی فی عبادی وادخلی جنتی

ای نفس بآرامش رسیده، بسوی پروردگارت برگرد در حالیکه هم تو از خدای خویش خشنود و هم خدا از تو خشنود است
و داخل شو در جمع بندگان خاص من و داخل شو در بهشت من

وصیت نامهٔ بنده حقیر حذا حسنی صفائی

امیدوارم انشاالله بیاری خداوند منان بادست برداشتن به قلم آنچه را که وظیفه دارم و آنچه که حقیقت است
و از قلم بر زبانم و از زبانم به قلم جاری میشود روی کاغذ بیاورم و به مسئولیت خود پایبند باشم

زندگانی به اندازه ای که دانم ای داوصیت نامه نام خود را با اعتراف نامه به گناهان کذائی که
سراسر بازگو کنندهٔ گناهان کوچک و بزرگی است که در دوران زندگی از دست زده ام و تا بحال خدا و وجدان خویش

گفته ام و حمل بر روسیاهی در برابر خداوند متعال و عقوبت و مجازات دنیا و آخرت میباشد، همچنان است
معبودی که در روز جزا برای بازماندگان و بهشت برین و برای بندگان خاص خود آفریده و آنچه خدائی که انسان

را آفریده و از آدم تا خاتم و از خاتم تا عصر حاضر جامعه خلق آن خدای عادل است و آن پروردگاری که دمید
روح را در تن آدمی و روز نخست او را آفرید و می میراند و دوباره زنده می کند (و یحیی و یمیت و یحیی)

و هنگامی زنده می کند که انسان از تمامی امتحانات و آزمایشات الهی فارغ گشته است آری آن روز
است که بندگان خدا بحضور وی آیند و به کلیهٔ اعمال خود و کلیهٔ نیات و حتی پشیمانی حق سود جهانیان بازگشتی

وجود نخواهد داشت و ای خوشا بحال آن کسانی که از دیگران پیشی گرفتند و از سابقون گشتند و ابراهیم وار
آزمایشات بزرگ را پشت سر گذاشتند و در راه خدا داده اند و نامهٔ اعمالشان بدست راستشان
و تمامی مرتکب و دزدها جایگاهی جز بهشت برین جایی ندارند ولی حال ببینیم و در وجود خود بنگریم
ببینیم کیستیم و چگونه بنده ای هستیم بود یا آنکه که باید و شاید در خود داشته باشیم که کیستیم بوده ایم و

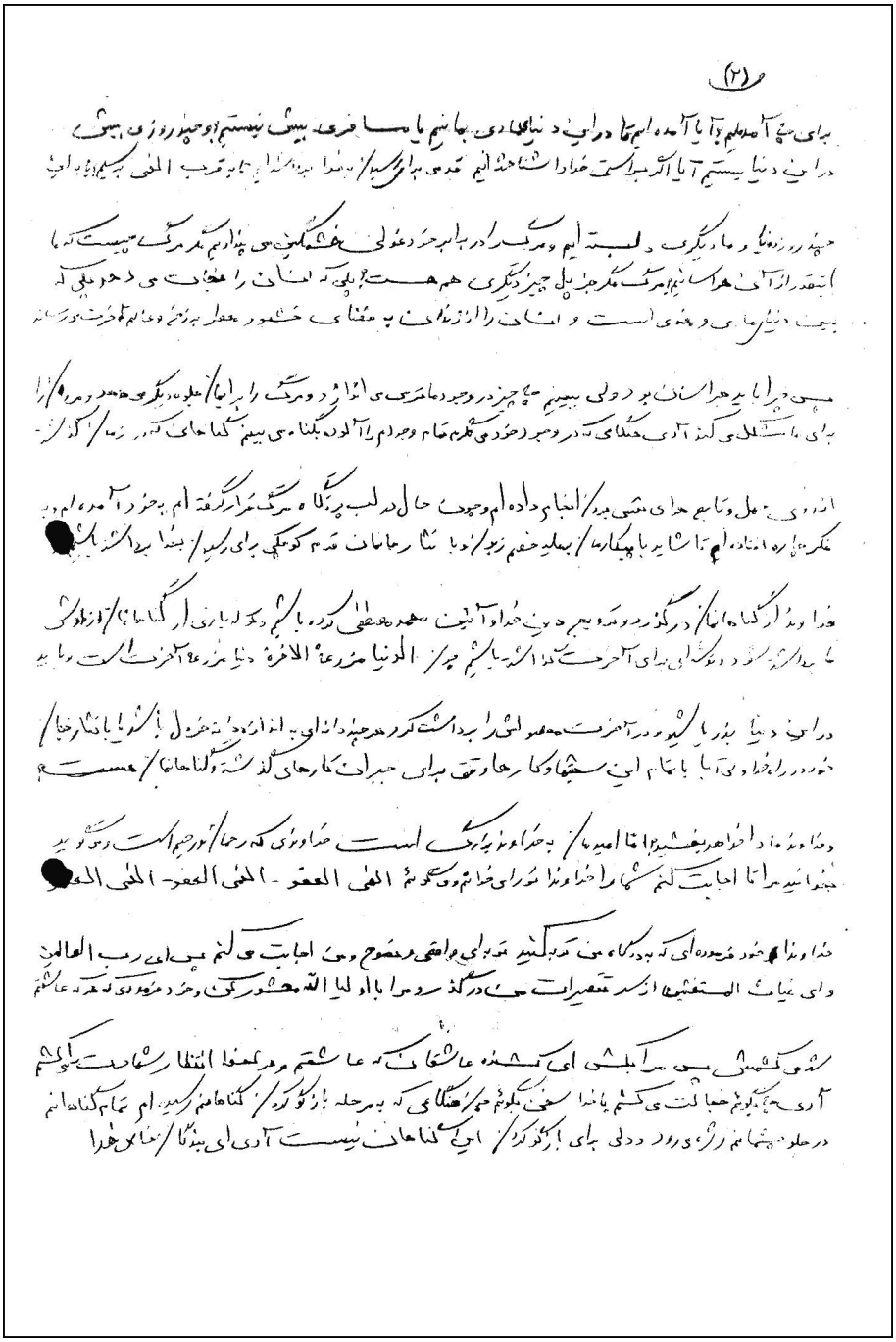

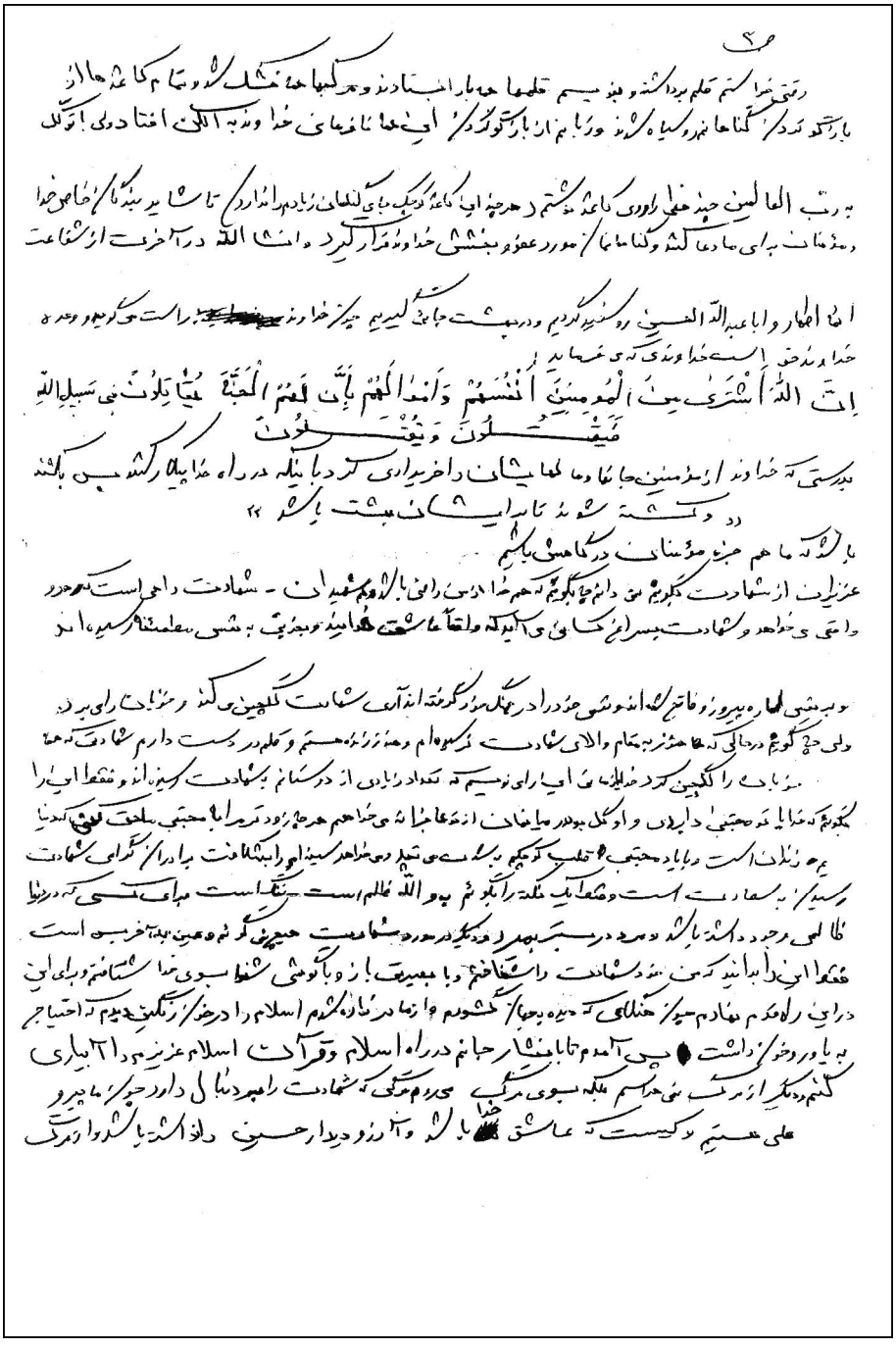

۴

بگذرید من امانت داری را از پیامبر آموختم و جانم نه اضافه بیش بود تقدیم خدا کردم
وعدالت و نیکوئی را از علی آموختم (علی آن شیر مردی که در صف رزمندگان مادر می پذیرفت) و از امام خود
فداکاری و صفت گوئی را از حسین آموختم و یاد گرفته ام یاری نشاری را از حسین آموختم و جانم را در راه خدا
دادم

ولی ای دوستان - آشنایان سرفتا حزب اللهی و برادران خصوصاً سپاهیان ایثارگر و جهادگران و
برادران بسیجی پیامهای تک تک سلام بسیار مهم می باشد که با تمام وجود به آن و تمامی به تمامی سفارشها
پیرو باشید و آن دعا است دعا است که با انسان کار می کند و از ناامیدی به در

می آورد هر وقت ناامید شدید دست از کار نکشید و دست به دعا بردارید خدا آنرا می بیند و در گناه خداوند دعا
کنید و هرآن که بیکار گشتید و وقت پیدا کردید بیهوده وقت تلف نکنید و با تمام توان خود را آماده کنید
و در دست بگیرید و با تمام وجود به قرآن حضوراً تفسیر قرآن و تفکر در آیات قرآن قلب و روح خود را
شفا بخشید

دنیای مزین دنیا حل گذرا است و جای ماندگار نیست حضوراً برای ایجاد آرامگاه و بهانه که ما برای
آخرت آماده شده ایم این تنهای دنیا وجای زندگی بلکه ما برای امتحان و مبارزه با این دنیا
آمده ایم و ما باید هر چه زودتر دست به کار و حرکت شویم و به نبرد بپردازیم وقت بیهوده را نباید آن
وقت برای فکر کردن نیست سال و ماه را چه حساب کنیم برای کی جمع می کنید؟ برای دنیا
یا برای زندگی؟ هیچ خردمند و هیچ فقیر هم در آخر با یک کفن می رود و همان پوشه آخرت نگاه می کند
نه به ثروت دنیا چه پوشه ها در آخرت بیشتر باشد و این یک کفن هم از پول حلال تهیه شده باشد

مطلب دیگر اینکه ای برادران گرامی در مشکلات دنیا صبور باشید و برای خدا تحمل کنید که خداوند با صابران است
و همیشه در هر کجا که هستی حق را بجو شید و در هر مکان و زمانی که هستید سعی کنید تکلیف را به درستی
ادا کنید و همیشه حق را احیا کنید و مدافع مظلومان و حامی باشید و در هر مکانی هست از حق دفاع کنید
و دفاع از حق جا و مکان و زمان خاصی ندارد و جبهه حق علیه باطل جبهه های مشخصی ندارد

ای جوانان عزیز مواظب دور گناه را زیاد و از هر معصیتی دوری کنید مواظب باشید که شیطان به شما چیره نشود
و هر گناه را کوچک نگیرید و بدور گناه خط قرمز بکشید گناه گناه است و معصیت معصیت
و به کوچکی گناه نگاه نکنید همانا به رسول خدا اباذری فرمود ای اباذر به کوچکی گناهت نگاه نکن بلکه به آن نگاه کن
که با انجام دادن این عمل از چه کسی نافرمانی می کنی چه کسی او چه فرمانی به رسول خدا نافرمانی از امر خدا می کنید

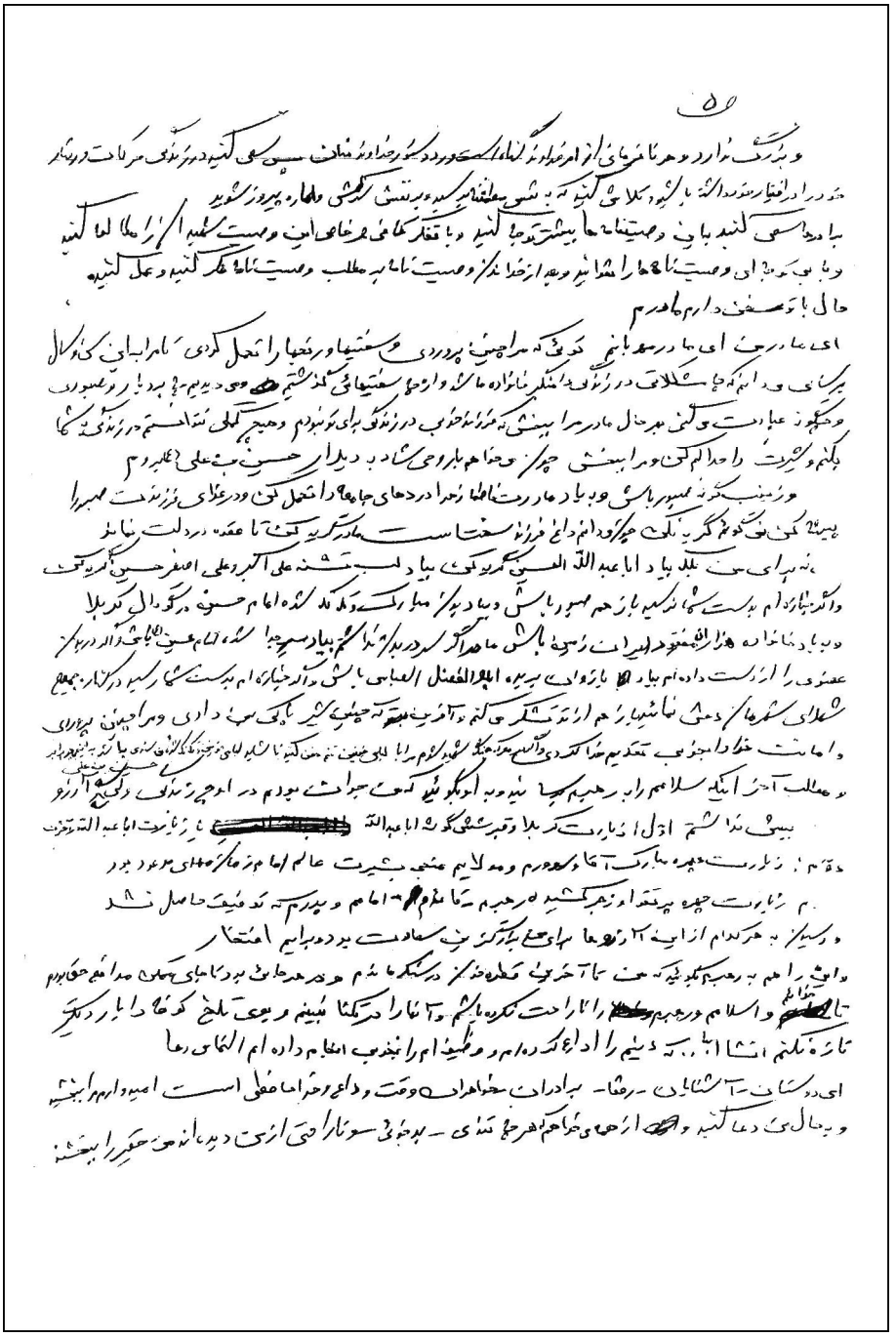

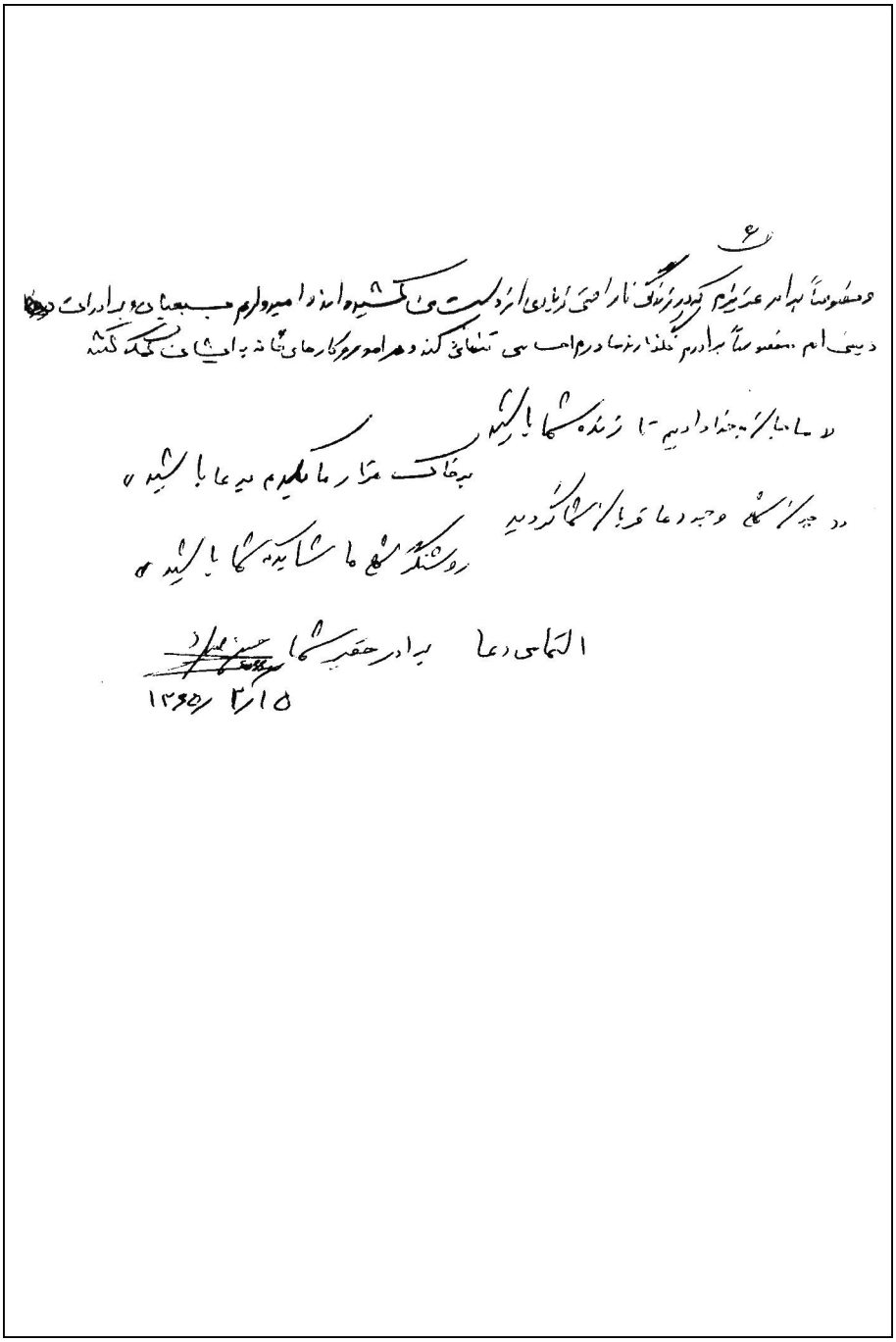

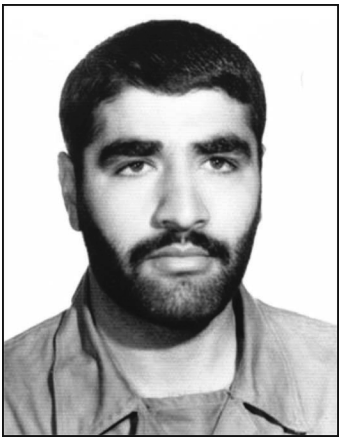

نام: **حمیدرضا**
نام خانوادگی: **صفائی**
نام پدر: **ماشاءالله**
نام مادر: **شوکت**
تاریخ تولد: **دهم آبان ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دیپلم**
ارگان اعزام‌کننده: **سپاه**
تاریخ شهادت: **بیست‌وششم اسفند ۱۳۶۶**
محل شهادت: **ماووت عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای امامزاده یحیای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ما وارث انقلاب خونین حسین، ما وارث جنگ‌های پیامبر هستیم.
- امروز نیز کربلا دوباره تکرار شده است و محرم دوباره فرا رسیده است و باز عاشورا آمده است.
- من با آگاهی کامل و با اختیار خود قدم در این راه گذاشته‌ام.
- اسلام را پشتیبان باشید، و راه اسلام را پیشه کنید.
- قرآن را فراموش نکنید. هرگز از یاد خدا غافل نشوید.
- عزیزان در نمازهای باشکوه جمعه و نمازهای جماعت هرچه فشرده‌تر شرکت کنید و صفوف عشق و عرفان، عبادت و سیاست را مستحکم سازید.
- در دعاها بیشتر شرکت کنید.
- سعی کنید هر چه بیشتر و بهتر زندگی اسلامی را در بین خود پیاده کنید.
- سعادت همهٔ ما در اسلام و پیوستن به اسلام است.
- اگر می‌خواهید خودسازی نمایید به جبهه‌ها هجوم آورید.
- . از شما می‌خواهم امام عزیز را فراموش نکنید.

## حمیدرضا صفائی

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اشهد انّ لا اله الا الله و اشهد انّ محمداً رسول الله و اشهد انّ امیرالمؤمنین علیاً ولی‌الله»[۱] شهادت می‌دهم بر یگانگی خداوند بزرگ و اینکه غیر از او خدایی نیست و اوست خدای واحد یگانهٔ یکتای [...]و شهادت می‌دهم بر اینکه محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بندهٔ خدا و آخرین پیامبر خداست و هادی و راهنمای ما و همهٔ مسلمانان جهان و شهادت می‌دهم که دوازده نفر امام بر حق و دوازده ستارهٔ درخشان آسمان ولایت، اوصیاء بر حق و جانشینان اویند که اولین آنها حضرت علی(علیه‌السلام) و آخرین آنها، حضرت مهدی(علیه‌السلام) صاحب عصر و زمان می‌باشد و درود بر همهٔ آنان و دختر گرامی پیامبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حضرت فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام)، صالحان و اولیاءالله و بعد از اقرار به تمام شئون شریعت محمدی اینجانب حمیدرضا صفائی فرزند ماشاءالله دارای شناسنامه شماره ۷۵۱، صادره از سمنان، ساکن سمنان، خیابان دکتر بهشتی، کوچه قدیرآباد، کوچه یوسفیان، پلاک ۶۴.

این چند خط رادر عین تندرستی و بدون اجبار، برحسب وظیفه شرعی و اسلامی به‌عنوان وصیت‌نامه تحریر و تقریر نمودم. امید است که انشاءالله تعالی بدان رفتار شود.

ما وارث انقلاب خونین حسین، ما وارث جنگهای پیامبر، وارث جنگ‌های علی(علیه‌السلام) و وارث امامان بر حق هستیم که در هر زمانی بر علیه کفر و طاغوت زمان خویش شوریده‌اند و حقانیت اسلام را آشکار و مستحکم نموده‌اند و این انقلاب و نهضت ادامه داشته است و اکنون تاریخ در این‌جا، در این بُرهه از زمان به‌دست ما فرزندان حسین(علیه‌السلام) افتاده است و ما پیرو و راهرو آن امامان بر حق هستیم. امروز نیز کربلا دوباره تکرار شده است و محرم دوباره فرا رسیده است و باز عاشورا آمده است و ما و همهٔ آنانی که گوش جانشان بیدار و باز است فریاد «هل من ناصر ینصرنی»[۲] حسین زمان خویش، خمینی بت‌شکن را شنیده‌اند و می‌شنوند و عزم آن کرده‌اند که هم‌چون حسین(علیه‌السلام) و یاران حسین(علیه‌السلام) در مقابل کفر و ضلالت قیام کنند و کرده‌اند تا سیاهی و تباهی ظلمت و کفر

---

۱- شهادتین.

۲- ر.ک. تعلیقات. در اصل وصیت «ناصرا».

را از بین بردارند و نور اسلام را بر فراز همهٔ قله‌های کفر جهانی و استبداد و استکبار جهانی بگسترانند که خداوند نور خود را پرتوافکن خواهد، اگر چه کافران را ناخوش آید. و من با آگاهی کامل و با اختیار خود قدم در این راه گذاشته‌ام و هدف من در این راه فقط و فقط رضای خداوند باری‌تعالی بوده است و در این راه اگر کشته شدیم که سعادت ابدی نصیبم گردیده است.

پدرم، عزیزم من کوچکتر از آنم که زبان به پند واندرز گشایم. اما این را وظیفه‌ای برای خود می‌دانم، اسلام را پشتیبان باشید، و راه اسلام را پیشه کنید و «خود را محکم به آن ریسمان محکم الهی بچسبانید»[1] و به آن حبل‌الله متصل شوید که شما را مصون و محفوظ بدارد. در دعاها شرکت کنید و برادران و خواهرانم را تا دیر نشده با اسلام عزیز بیشتر آشنا سازید و در چشمه‌های وحی الهی سیراب شوید. قرآن را فراموش نکنید، به مادرم سفارش می‌کنم که بر مزارم نگرید و به یاد زینب(علیهاالسلام) باشد که او با آن همه مصائب بزرگ صبر کرد و استقامت کرد و ایستاد.

به مردم عزیز و ملت مسلمان سمنان سفارش می‌کنم که حال در دولت کریمهٔ جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند و فرصت آن فرا رسیده که احکام اسلامی بر جامعه حکم‌فرما شود و این یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است. از این فرصت‌ها استفاده نمایند و شکر این نعمت را به‌جا می‌آورند و قدر آن را بدانند، عزیزان در نمازهای باشکوه جمعه و نمازهای جماعت هرچه فشرده‌تر شرکت کنید و صفوف عشق و عرفان، عبادت[2] و سیاست را مستحکم سازید که دست خداوند با جماعت است. در دعاها بیشتر شرکت کنید که «دعا سلاح مؤمنین است»[3] و روح عبادت است. از تجملات و زیاده‌روی‌ها و اسراف‌کاری‌ها دوری جویید[4] و سعی کنید هر چه بیشتر و بهتر زندگی اسلامی را در بین خود پیاده کنید، فرهنگ غربی و شرقی را به دور بریزید، با فرهنگ اصیل اسلامی خوی بگیرید و خود را با آن وفق بدهید، اسلام ما دین تمام و کامل است و تمام قوانین انسان‌ساز و حیات‌بخش را

---

۱- معنی آیه ۱۰۳ آل عمران.

۲- در اصل وصیت «عبارت».

۳- بخشی در حدیث نبوی است. «الدّعا سلاح المؤمن و ...» (کافی، ج ۲، ص ۴۶۸).

۴- در اصل وصیت «جوئید».

در خود دارد. ما باید روی پای خود بایستیم[۱]، فرهنگی نو بسازیم و خلاصه عزیزان اسلام را در همهٔ شئون زندگی خانوادگی و اجتماعی پیاده کنید که سعادت همهٔ ما در اسلام و پیوستن به اسلام است. در پایان از همهٔ آشنایان و دوستان و فامیل و پدر و مادر و برادران و خواهران و از همه می‌خواهم که اگر ضرری از من متوجهٔ آنان شده است مرا ببخشند و مورد رحمت و بخشش خود قرار دهند و از خدا می‌خواهیم که ما را و همهٔ ما را بیامرزد و از همه التماس دعا دارم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار

**«والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته»**

**۱۳۶۱/۸/۱۰**

**حمیدرضا صفائی**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«و لاتحسبنّ الّذین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل احیاء عند ربهم یرزقون»[۲]**

«و مپندارید آنان که در راه خدا کشته شده‌اند مرده‌اند بلکه آنها زنده‌اند و نزد خدایشان روزی می‌خورند.»

به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان، به نام خداوندی که نور مطلق است و دل‌ها فقط با یاد او آرام می‌گیرد. به‌نام خداوندی که پیامبران عظیم‌الشأن از حضرت آدم تا خاتم پیامبران، محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را برای راهنمایی و هدایت بشر برگزید.

اینجانب حمیدرضا صفائی به‌عنوان وظیفهٔ شرعی و قانونی وصیت خود را آغاز می‌نمایم.

ای کاش[۳] صدها جان داشتم و یک یک آنها را در راه خدا نثار می‌نمودم، ای کاش[۴] می‌توانستم جان‌ها داشته آنها را برای پای بر جای ماندن اسلام بدهم.

---

۱- در اصل وصیت «بایستم».

۲- آل‌عمران/ ۶۹.

۳- در اصل وصیت «ایکاش».

۴- در اصل وصیت «ایکاش».

امت حزب‌الله و شهیدپرور، دنیا هیچ ارزشی ندارد و این شیطان است که شما را از راهی سرگرم دنیا می‌کند، دنیا هم‌چون ماشینی است که انسان به‌طور موقت سوار بر آن است و فقط مقصد و هدف آن همان آخرت است، پس فریب دنیا را نخورید.

برادران، فقط این را باید بگویم که بدانید من آزادانه بدون هیچ اجباری پای به جبهه گذاشته‌ام، نه برای چیزی آمده‌ام، فقط برای رضای خدا که انشاءالله خداوند شهادت ما را قبول کند.

اینجانب حقیر از شما می‌خواهم که جبهه را فراموش نکنید چون که هر فرد مسلمانی نسبت به این انقلاب اسلامی دِیْنی دارد که باید دین خود را ادا نماید. اگر می‌خواهید خودسازی نمایید[۱] به جبهه‌ها هجوم آورید تا بتوانید به خدای خویش نزدیکتر شوید و نفس خود را مغلوب نمایید[۲]، «جبهه‌ها همانند دانشگاهی می‌ماند که انسان‌ها را می‌سازد»[۳] و انسان نمونه تحویل جامعه می‌دهد.

امت حزب‌الله، همهٔ ما نسبت به امام عزیز مدیون هستیم و باید دین خود را بپردازیم. از شما می‌خواهم امام عزیز را فراموش نکنید و همیشه در هر زمان وی را یاری نمایید[۴] و به دستورات و نصیحت‌های امام گوش فرا دهید.

صحبتی با پدر و مادر عزیزم: از اینکه فرزندتان در راه خدا شهید شده است افتخار کنید، چون که من آن راهی را رفتم که انبیاء و ائمهٔ معصومین رفتند، من آن راهی را رفتم که بهشتی[۵] و یاران وفادارش رفتند. همان‌طور که می‌دانید فقط خداوند است که زنده می‌کند و می‌میراند و بازگشت همه به‌سوی اوست پس چه بهتر و چه افتخار بزرگی بر من است که در راه صحیح قدم نهادم و جان ناقابل خود را به جان‌آفرین تسلیم کردم. پدر و مادر مهربانم، اگر جنازهٔ من به‌دست شما نرسید هیچ ناراحت نباشید چون که بسیاری از

---

۱- در اصل وصیت «نمائید».

۲- در اصل وصیت «نمائید».

۳- این عبارت در آثار امام وجود ندارد. اما امام در فضای معنوی حاکم بر جبهه‌ها می‌فرمایند «جبهه‌ها را هم لابد دیدید، دیدید که جبهه‌های ما مسجد است- الآن- جبهه‌های ما از مسجد بیشتر الآن ذکر خدا گفته می‌شود. جنگ با صدام یک عبادت الهی است». (صحیفه امام، ج۱۸، ص۴۲۷).

۴- در اصل وصیت «نمائید».

۵- ر.ک. تعلیقات.

عزیزان از صدر اسلام تاکنون بودند که جنازه‌هایشان به خانواده‌هایشان نرسید. فقط از شما می‌خواهم که اصلاً در مرگ من نگریید و اگر خواستید گریه کنید در جمع گریه نکنید و در خلوتگاه خویش به یاد حسین(علیه‌السلام) عزیز، اصغر[۱](علیه‌السلام) شیرخواره، به یاد علی‌اکبر[۲](علیه‌السلام)، به یاد زینب(علیهاالسلام) و به یاد یاران باوفای حسین(علیه‌السلام) بگریید. شما حق پدر و مادری خود را به نحو احسن بر من ادا نمودید ولی تا به حال من نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم تا جبران زحمات و تلاش‌های بی‌دریغ شما را بکنم، امیدوارم مرا حلالم نمایید[۳]، در ضمن مقداری پول در بانک دارم، آن را در اختیار شما قرار می‌دهم تا هرگونه که صلاح دانستید از آن استفاده نمایید. از شما می‌خواهم که به یاد جبهه‌ها و کمک به جبهه‌ها باشید.

صحبتی با برادر و خواهر مهربانم: از شما حلالیت می‌طلبم، امیدوارم که مرا ببخشید اولاً از برادرم می‌خواهم تا مواقعی که در پشت جبهه‌ها هست از نظر مالی و جانی در راه خدا کمک کند. دیگر اینکه سعی کند بر معنویات خود بیفزاید تا مشت محکمی بر دهان گروهک‌های پلید و افراد ضداسلام بزند.

ثانیاً از خواهرم می‌خواهم که به هر نحوی شده کمک به جبهه‌ها را فراموش نکند و زینب‌وار در صحنه باشد خواهرم شما می‌توانید فرزندت را همچون زینب(علیهاالسلام) تربیت نمایید[۴] و او را با مسائل اسلامی آشنا نمایید.[۵]

صحبتی با دوستان و آشنایان: من کوچکتر از آنم که بتوانم صحبتی برای شما بکنم، چون که هر یک از شما از من حقیر بزرگوارتر هستید. ولی تنها خواهشی را که دارم از یاد جبهه‌ها غافل نشوید هر کدام از شما از راه مالی می‌توانید در راه خدا خدمت نمایید[۶] و هر کدام از شما از راه جانی می‌توانید خدمت نمایید و در این دو صورت هرگز از یاد خدا غافل نشوید، در نمازهایتان امام را دعا کنید و به یاد رزمندگان هم باشید.

---

۱- ر.ک. تعلیقات.

۲- ر.ک. تعلیقات.

۳- در اصل وصیت «نمائید».

۴- در اصل وصیت «نمائید».

۵- در اصل وصیت «نمائید».

۶- در اصل وصیت «نمائید».

دوستان عزیز اگر از من خطایی[۱] دیده‌اید امیدوارم مرا عفو نمایید[۲]، اینجانب هم از کلیهٔ دوستان و آشنایان حلالیت می‌طلبم، در پایان وصیت‌نامه با دعای همیشگی به وصیت خود خاتمه می‌دهم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه‌دار، از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزای.

آن‌قدر نپرسید که حمید به کجا رفت؟ او علی‌وار به دیدار خدا رفت
قسمت آن بود که در حجلهٔ وقت به سعادت قسمت آن شد که در سنگر عشق به شهادت

بارالها به ظهور آقا امام زمان تعجیل بفرما.
بارخدایا، رهبر کبیر انقلاب را تا ظهور امام زمان در پناه خود حفظ بفرما.
پروردگارا، هر چه زودتر کربلای حسین(علیه‌السلام) و قدس عزیز را آزاد بگردان.
خداوندا: مرگ ما را شهادت در راه خودت قرار بده[۳].
بار الها، پدر و مادر ما را از ما راضی بگردان.
آمین یا رب العالمین.
از همه التماس دعا دارم.

**حمیدرضا صفائی**
**۶۳/۸/۱۹**

---

۱- در اصل وصیت «خطائی».
۲- در اصل وصیت «نمائید».
۳- در اصل وصیت «نده».

بسم رب الشهداء والصدیقین

اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمداً رسول الله و اشهد ان امیرالمؤمنین علیاً ولی الله.

شهادت می‌دهم بر یگانگی خداوند بزرگ و اینکه غیر از او خدائی نیست و اوست خدای واحد یگانهٔ یکتای و شهادت می‌دهم بر اینکه محمد صلی الله علیه و آله بنده خدا و آخرین پیامبر خداست و هادی و راهنمای ما و همه مسلمانان جهان و شهادت می‌دهم که دوازده نفر امام برحق و دوازده ستارهٔ درخشان آسمان ولایت اوصیاء برحق و جانشینان اویند که اولین آنها حضرت علی (ع) و آخرین آنها حضرت مهدی علیه السلام صاحب مفروزمان می‌باشد و درود بر همه آنان و دختر گرامی پیامبر حضرت فاطمه زهرا، صالحان و اولیاء الله و بعد از اقرار به تمام شئون شریعت محمدی اینجانب حمیدرضا صفائی فرزند ماشاءالله دارای شناسنامه شماره ۷۵۱ صادره از سمنان ساکن سمنان، خیابان دکتر بهشتی کوچه قدیرآباد، کوچه یوسفیان، پلاک ۶۴ این چند خط را در عین تندرستی و بدون اجبار بر حسب وظیفه شرعی و اسلامی به عنوان وصیت نامه تحریر و تقریر نمودم. امید است که انشاءالله تعالی بدان رفتار شود

ما وارث انقلاب خونین حسین، ما وارث جنگ‌های پیامبر، وارث جنگ‌های علی و وارث امامان برحق هستیم که در هر زمانی بر علیه کفر و طاغوت زمان خویش شوریده‌اند و حقانیت اسلام را آشکار و مستحکم نموده‌اند. و این انقلاب و نهضت ادامه داشته است و اکنون تاریخ در این جا، در این برهه از زمان به دست ما فرزندان حسین (ع) افتاده است و ما پیرو و راهرو آن امامان برحق هستیم امروز نیز کربلا دوباره تکرار شده است و محرم دوباره

۲

فرا رسیده است و باز عاشورا آمده است و ما و همهٔ آنان که گوش جانشان بیدار
و باز است، فریاد هل من ناصر ینصرنی حسین زمان خویش، چنینی بت شکن
را شنیده اند و می‌شنوند و عزم آن کرده اند که همچون حسین و یاران حسین علیه السلام
در مقابل کفر و ضلالت قیام کنند و کرده اند تا سیاهی و تباهی ظلمت و کفر را
از بین بردارند و نور اسلام را بر فراز همهٔ قلّه‌های کفر جهانی و استبداد و
استکبار جهانی بگسترانند که خداوند نور خود را پرتو افکن خواهد اگرچه
کافران را ناخوش آید. و من با آگاهی کامل و با اختیار خود قدم در
این راه گذاشته‌ام و هدف من در این راه فقط و فقط رضای خداوند باریتعالی بوده
است و ... و در این راه اگر کشته شدیم که سعادت ابدی نصیبم گردیده است.
پدرم، عزیزم من کوچکتر از آنم که زبان به پند و اندرز گشایم. امّا این را وظیفه‌ای
برای خود می‌دانم، اسلام را پشتیبان باشید، و راه اسلام را پیشه کنید و خود را به
محکم به آن ریسمان محکم الهی بچسبانید و به آن حبل الله متصل شوید که شما را
مصون و محفوظ بدارد ... در دعاها شرکت کنید و برادران و خواهرانم را تا دیر نشده
با اسلام عزیز بیشتر آشنا سازید و در چشمه‌های وحی الهی سیراب شوید قرآن را
فراموش نکنید ... به مادرم سفارش می‌کنم که بر مزارم نگرید و به یاد زینب
باشد که او با آن همه مصائب بزرگ صبر کرد و استقامت کرد و ایستاد.
به مردم عزیز و ملت مسلمان سمنان سفارش می‌کنم که حال در دولت کریمهٔ
جمهوری اسلامی زندگی می‌کنند و فرصت آن فرا رسیده که احکام اسلامی بر جامعه حکمفرما
شود و این یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است. از این فرصت‌ها استفاده

۳

نمانید و شکر این نعمت را بجای آورند و قدر آن را بدانند، عزیزان در نمازهای با شکوه صبح و نمازهای جماعت هرچه فشرده‌تر شرکت کنید و صفوف متّحد و عرفان، عبادت و سیاست را مستحکم سازید که دست خداوند با جماعت است، در دعاها بیشتر شرکت کنید که دعا سلاح مؤمن است و روح عبادت است ... از تجملات و زیاده‌روی‌ها و اسراف کارهای دوری جویید و سعی کنید هرچه بیشتر و بهتر زندگی اسلامی را در بین خود پیاده کنید، فرهنگ غربی و شرقی را بدور بریزید با فرهنگ اصیل اسلامی خوی بگیرید و خود را با آن وفق بدهید، اسلام ما دین تمام و کامل است و تمام قوانین انسان ساز و حیات بخش را در خود دارد. ما باید روی پای خود بایستیم، فرهنگی نو بسازیم .... و خلاصه عزیزان اسلام را در همهٔ شئون زندگی خانوادگی و اجتماعی پیاده کنید که سعادت همهٔ ما در اسلام و پیوستن به اسلام است در پایان ... از همهٔ آشنایان و دوستان و فامیل و پدر و مادر و برادران و خواهران و .... از همه میخواهم که اگر ضرری از من متوجه آنان شده است مرا ببخشند و مورد عفو و بخشش خود قرار دهند و از خدا میخواهم که ما را و همهٔ ما را بیامرزد و از همهٔ التماس دعا دارم ....

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته

۱۳۶۱/۸/۱۰

محمد حسن اصفهانی

وصیتنامه شهید حمیدرضا صفائی

بسم الله الرحمن الرحیم

وَلا تَحْسَبَنَّ الَّذینَ قُتِلُوا فی سَبیلِ اللّهِ اَمْواتاً بَلْ اَحْیاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ یُرْزَقُونَ.

وهیچ نپندارید آنانکه در راه خدا کشته شدند مرده اند بلکه آنها زنده اند و نزد خدایشان روزی میخورند.

به نام خداوند بخشنده مهربان، به نام خداوندی که نور سالک است و دلها فقط با یاد او آرام میگیرد.

به نام خداوندی که پیامبران عظیم الشان از حضرت آدم تا خاتم پیامبران محمد(ص)، را برای راهنمایی و هدایت بشر برگزید.

اینجانب حمیدرضا صفائی به عنوان وظیفه شرعی و قانونی وصیت خود را آغاز می نمایم.

ایکاش صدها جان داشتم و یک یک آنها را در راه خدا نثار می نمودم، ایکاش میتوانستم جانها داشته آنها را برای پای برجای ماندن اسلام بدهم.

امت خوب ا... و شهید پرور، دنیا هیچ ارزشی ندارد و این شیطان است که بیشتر از راهی سرگرم دنیا می کند، دنیا همچون ماشینی است که انسان به طور موقت سوار بر آن است و فقط مقصد و هدف

۵

آن همان آخرت است، پس فریب دنیا را نخورید.

برادران، فقط این را باید بگویم که بدانید من آزادانه بدون هیچ اجباری پای به جبهه گذاشته‌ام، نه برای چیزی آمده‌ام فقط برای رضای خدا که انشاءالله خداوند شهادت ما را قبول کند.

اینجانب حقیر از شما نمی‌خواهم که جبهه را فراموش نکنید چونکه هر فرد مسلمانی نسبت به این انقلاب اسلامی دینی دارد که باید دین خود را ادا نماید. اگر نمی‌خواهید خودسازی نمائید به جبهه‌ها هجوم آورید تا بتوانید به خدای خویش نزدیکتر شوید و نفس خود را مغلوب نمائید. جبهه‌ها تنها دانشگاهی می‌باشد که انسانها را می‌سازد و انسان نمونه تحویل جامعه می‌دهد.

امت خمینی، ما نسبت به امام عزیز مدیون هستیم و باید دین خود را بپردازیم. از شما می‌خواهم امام عزیز را فراموش نکنید و همیشه در هر زمان وی را یاری نمائید، و به دستورات و نصیحتهای امام گوش فرا دهید.

~~صحبتی با پدر و مادر عزیزم، از اینکه فرزندشان در راه خدا شهید شده است افتخار کنید، چونکه من آن~~

راهی را رفتم که انبیاء و ائمه معصومین رفتند، من آن راهی را رفتم که بهشتی و یاران وفادارش رفتند.

همانطور که میدانید فقط خداوند است که زنده می‌کند و می‌میراند و بازگشت همه به سوی اوست.

پس چه بهتر و چه افتخار بزرگی بر من است که در راه صحیح قدم نهادم و جان ناقابل خود را به جان

آفرین تسلیم کردم. پدر و مادر مهربانم، اگر جنازهٔ من بدست شما نرسید هیچ ناراحت نباشید چونکه

بسیاری از عزیزان از صدر اسلام تاکنون بودند که جنازه‌هایشان به خانواده‌هایشان نرسید. فقط از شما

میخواهم که اصلاً در مرگ من نگریید و اگر خواستید گریه کنید در جمع گریه نکنید و در خلوتگاه خویش

به یاد حسین عزیز، اصغر شیرخواره، بیاد علی اکبر، به یاد زینب و به یاد یاران با وفای حسین(ع) بگریید

شما حق پدر و مادری خود را به نحو احسن بر من ادا نمودید ولی تا به حال من نتوانستم فرزند خوبی برای شما باشم

تا جبران زحمات و تلاشهای بی دریغ شما را بکنم، امیدوارم مرا حلالم نمائید، در ضمن مقداری پول در بانک

دارم آن را در اختیار شما قرار میدهم تا هر گونه که صلاح دانستید از آن استفاده نمائید. از شما میخواهم

که به یاد جبهه‌ها و کمک به جبهه‌ها باشید.

صحبتی با برادر و خواهر مهربانم: از شما حلالیت می‌طلبم امیدوارم که مرا ببخشید اولاً از برادرم میخواهم

تا مواقعی که در پشت جبهه‌ها هست از نظر مالی و جانی در راه خدا کمک کند. دیگر اینکه سعی کند بر معنویات

خود بیفزاید تا مشت محکمی بر دهان گروهکهای پلید و افراد ضد اسلام بزند.

ثانیاً از خواهرم میخواهم که به هر نحوی شده کمک به جبهه‌ها را فراموش نکند و زینب وار در صحنه باشد

خواهرم شما می‌توانید فرزندت را همچون زینب تربیت نمائید و او را با مسائل اسلامی آشنا نمائید.

صحبتی با دوستان و آشنایان: من کوچکتر از آنم که بتوانم صحبتی برای شما بکنم، چونکه هر یک از شما از من

حقیر بزرگوارتر هستید. ولی تنها خواهشی را که دارم از یاد جبهه‌ها غافل نشوید هر کدام از شما از راه مالی

میتوانید در راه خدا خدمت نمائید و هر کدام از شما از راه جانی میتوانید خدمت نمایید در این دو صورت

هرگز از یاد خدا غافل نشوید، در نمازهایتان امام را دعا کنید و به یاد دزدندگان هم باشید.

دوستان عزیز اگر از من خطائی دیده اید امیدوارم مرا عفو نمائید، اینجانب هم از کلیه دوستان و آشنایان

حلالیت می طلبم، در پایان وصیت نامه با دعای همیشگی به وصیت خود خاتمه میدهم.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار از عمر ما بکاه و بر عمر رهبر افزای.

آنقدر نپرسید که حمید به کجا رفت

او علی وار به دیدار خدا رفت

قسمت آن بود که در حجلهٔ وقت به سعادت برسد.

قسمت آن شد که در سنگر عشق به شهادت برسد

بارالها به ظهور آقا امام زمان تعجیل بفرما.

بارخدایا، رهبر کبیر انقلاب را تا ظهور امام زمان در پناه خود حفظ بفرما.

پروردگارا، هرچه زودتر کربلای حسین (ع) و قدس عزیز را آزاد بگردان

خداوندا، مرگ ما را شهادت در راه خودت قرار بده

بارالها، پدر و مادر ما را از ما راضی بگردان

آمین یا رب العالمین.

حمیدرضا صفائی
۶۳/۸/۱۹

« از همه التماس دعا دارم »

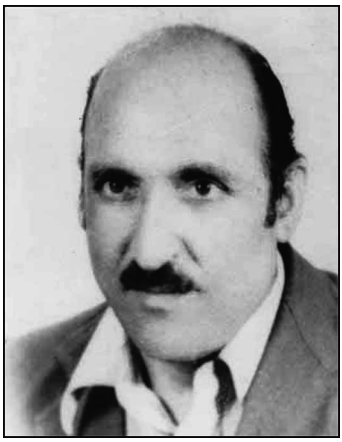

نام: **حسن**
نام خانوادگی: **صفائیان**
نام پدر: **محمد**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **دهم اسفند ۱۳۰۹**
محل تولد: **شهرستان مهدیشهر**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **هشتم آذر ۱۳۶۰**
محل شهادت: **بستان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

✿ به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمد بن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ولایت و عصمت ائمهٔ اثنی‌عشر و حضرت فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) و به کلیهٔ عقاید اسلامیه اصولاً و فروعاً اقرار دارم.

## حسن صفائیان

### بسم الله الرحمن الرحیم

«فی‌القبر وحشتی واجعل لی عهدا یوم القاک منشورا» سپس وصیت کند (باب ۳ حدیث ۱)

علی‌هذا توفیقات ربانی شامل حال اینجانب: حسن، شهرت: صفائیان، دارای شناسنامهٔ شماره ۸۷۷۴، صادره از: سمنان سنگسر، فرزند: محمد، ساکن: سمنان، باغ فردوس، شده که به وحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت حضرت محمد بن عبدالله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و ولایت و عصمت ائمهٔ اثنی‌عشر و حضرت فاطمهٔ زهرا(علیهاالسلام) و به کلیهٔ عقاید اسلامیه اصولاً و فروعاً اقرار و در حال صحت واختیار «من دون الاکراه و الاجبار» در حالتی که تمامی اقاریر شرعیه از من ممضی و نافذ بود وصیت نموده و وصی خود قرار دادم آقای بهنام، شهرت: صفائیان، فرزند خودم، به شناسنامهٔ شمارهٔ –، صادره از – را که با نظارت خانم شهربانو کلنگی شهرت: – دارای شناسنامهٔ شماره – صادره از – به وصیت‌های من که در این اوراق به شرح رفته است عمل نماید:

۱- محلّ دفن: سنگسر
۲- نماز وحشت بخواند
۳- تجهیز و تعزیه‌داری: ۳ روز
۴- نماز استیجاری: یک سال
۵- روزه استیجاری: یک سال
۶- خمس: [...] ۲۲ بهمن [...]
۷- زکوة: .....
۸- مظالم العباد: .....
۹- نیابت حج: حساب کند اگر نیابت می‌شود بروند
۱۰-کفارات: .....

و از این موارد قسمتی که از اصل ترکه حساب نمی‌شود از ثلث مالم برداشته و بقیهٔ ثلث را در موارد زیر به مصرف برساند، جدا از دفن کفن و نماز الباقی مال خانمم.

دیون و بدهکاری‌های من از این قرار است:

۱- مهریهٔ زوجهٔ دائمی خود شهربانو، شهرت: کلنگی، شمارهٔ شناسنامه ..... صادره از ..... فرزند..... مبلغ پنجاه هزار تومان نقداً برداشت نماید.

و مطالبات من بدین شرح است:

و قیمومت اطفال خود را با لحاظ غبطهٔ صغار به جناب شهربانو، شهرت، کلنگی، به شناسنامهٔ شماره – صادره از: – فرزند: – واگذار نمودم.

**«فمن بدله بعد ما سمعه فانما اثمه علی‌الذین یبدلونه»**

**به تاریخ .....**

**امضاء وصیت کننده: .....**

**امضاء وصی: .....**

**امضاء ناظر: ..... .....**

**امضاء قیم:.....**

شهود:

ملاحظات: بهنام صفائیان فرزندم که مبلغ پنجاه هزار تومان خرج عروسی و زندگانی دادم و مبلغ بیست و پنج هزار تومان به دخترم فرح صفائیان عروسی و جهازیه دادم، بقیه فرزندانم پسرها هر کدام پنجاه هزار تومان و دخترها هر کدام بیست و پنج هزار تومان از مال واموالم برداشت نمایند اگر اموالم باقی ماند به سهمیه تقسیم نمایند.

**حسن صفائیان**

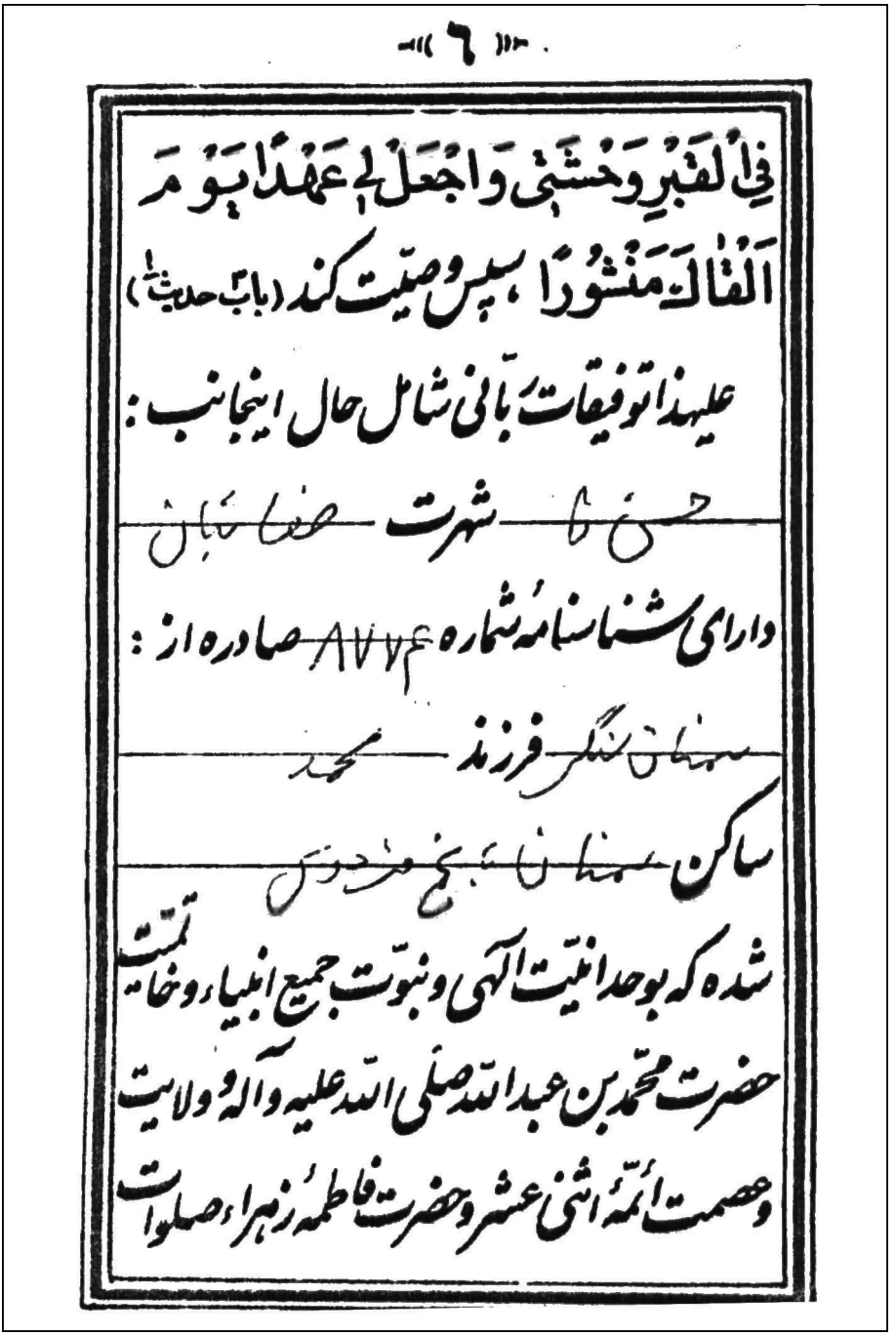

-(( ٦ ))-

فِي الْقَبْرِ وَحْشَتِي وَاجْعَلْ لِي عَهْدًا يَوْمَ
أَلْقَاكَ مَنْشُورًا ، پس وصیت کند (باب حدیث ۱)
علیهذا توفیقات ربانی شامل حال اینجانب :
حسن ~~ها~~ شهرت ~~صفائیان~~
دارای شناسنامه شماره ~~۸۷۲۴~~ صادره از :
~~سمنان~~ شهر فرزند ~~محمد~~
ساکن ~~سمنان~~ شهر
شده که بوحدانیت الهی و نبوت جمیع انبیاء و خاتمیت
حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و ولایت
و عصمت ائمه اثنی عشر و حضرت فاطمه زهراء صلوات

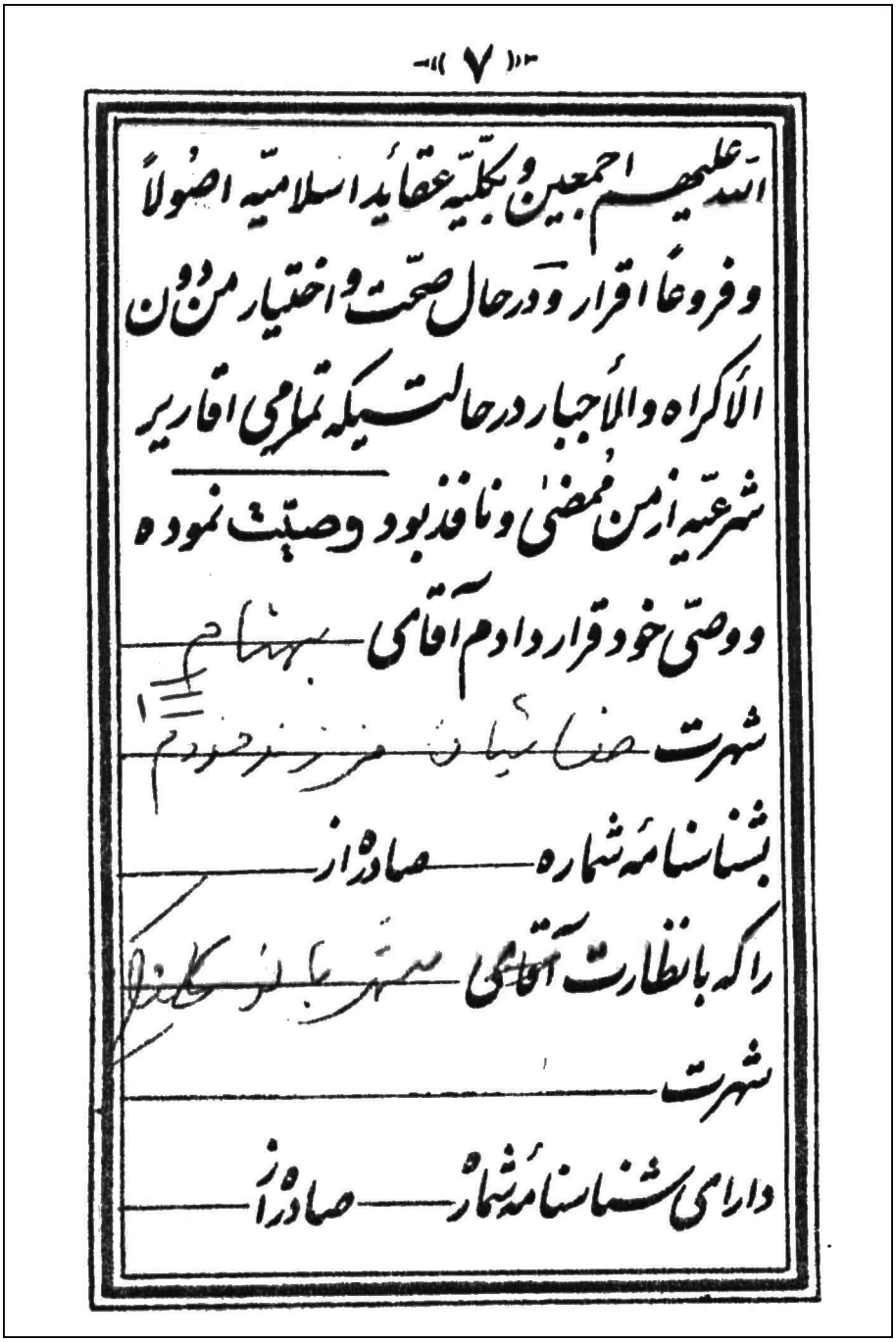

۷

الله علیهم اجمعین و بکلیّه عقائد اسلامیّه اصولاً
و فروعاً اقرار و در حال صحّت و اختیار من دون
الاکراه و الاجبار در حالتیکه تمامی اقاریر
شرعیّه از من ممضی و نافذ بود وصیّت نموده
و وصیّ خود قرار دادم آقای بهنام
شهرت صفائیان فرزند خودم
بشناسنامهٔ شماره صادره از
را که با نظارت آقای [illegible]
شهرت
دارای شناسنامهٔ شماره صادره از

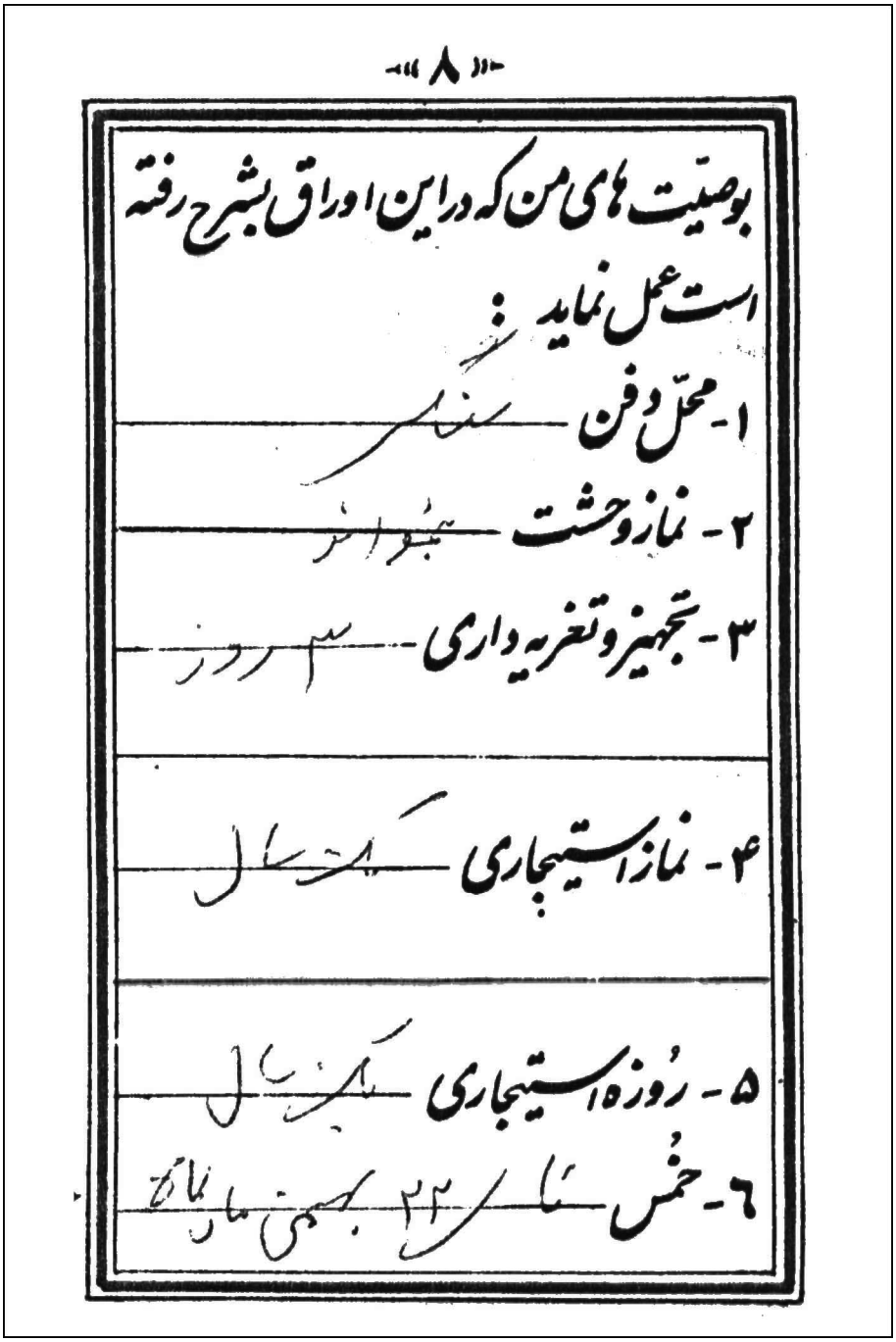

۸

بوصیّت های من که در این اوراق بشرح رفته است عمل نماید :

۱- محلّ دفن سنگی

۲- نماز وحشت بتواتر

۳- تجهیز و تعزیه داری ۳ روز

۴- نماز استیجاری یک سال

۵- رُوزه استیجاری یک سال

۶- خُمس تا ۲۲ بهمن ماه

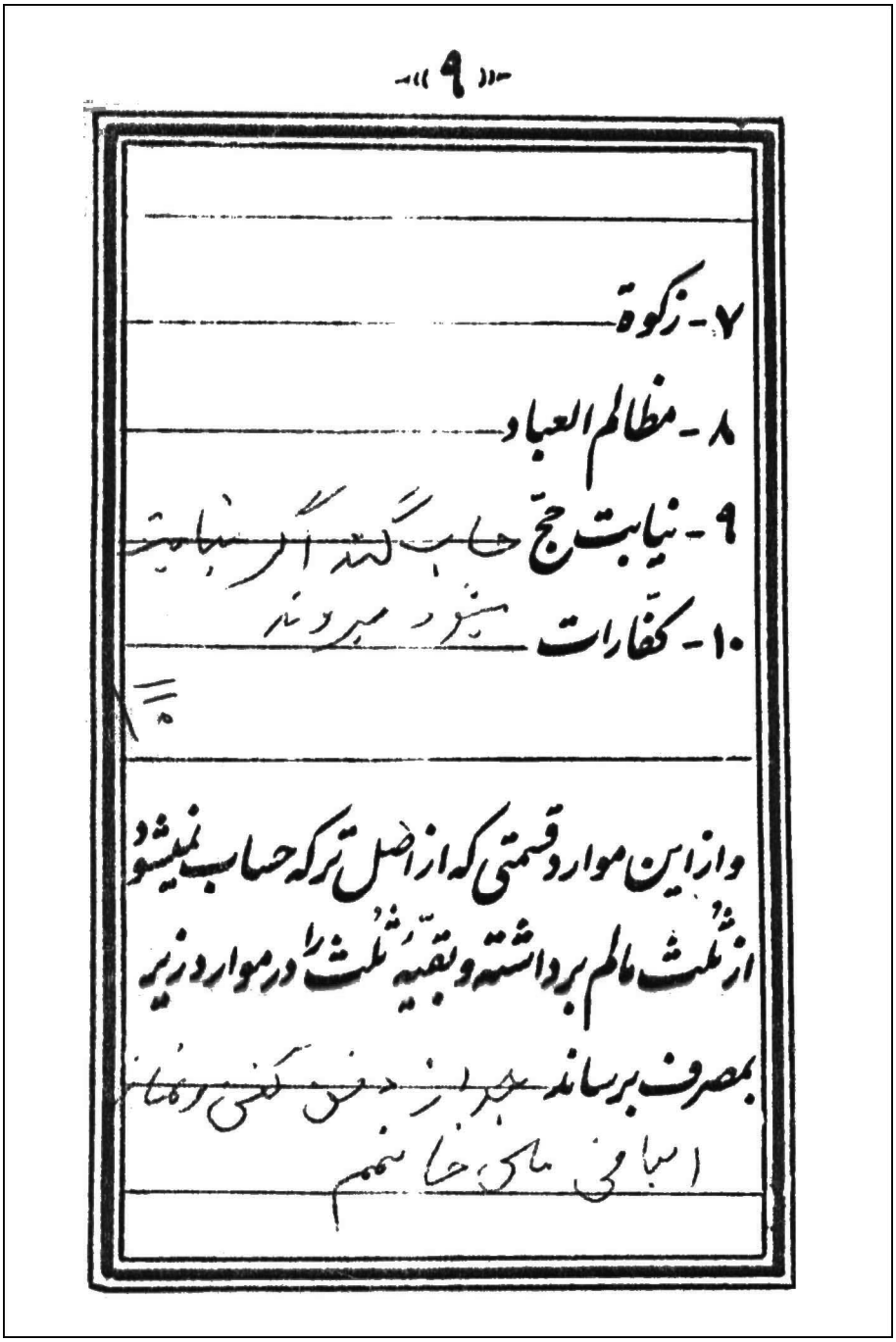

-«۹»-

۷- زکوة

۸- مظالم العباد

۹- نیابت حج حساب کنند اگر نیابت

۱۰- کفّارات میشود میروند

وازاین موارد قسمتی که از اصل ترکه حساب نمیشود

از ثُلث مالم برداشته وبقیّهٔ ثُلث را در موارد زیر

بمصرف برساند بعد از دفن کفن و نماز

اسباقی مال خانمم

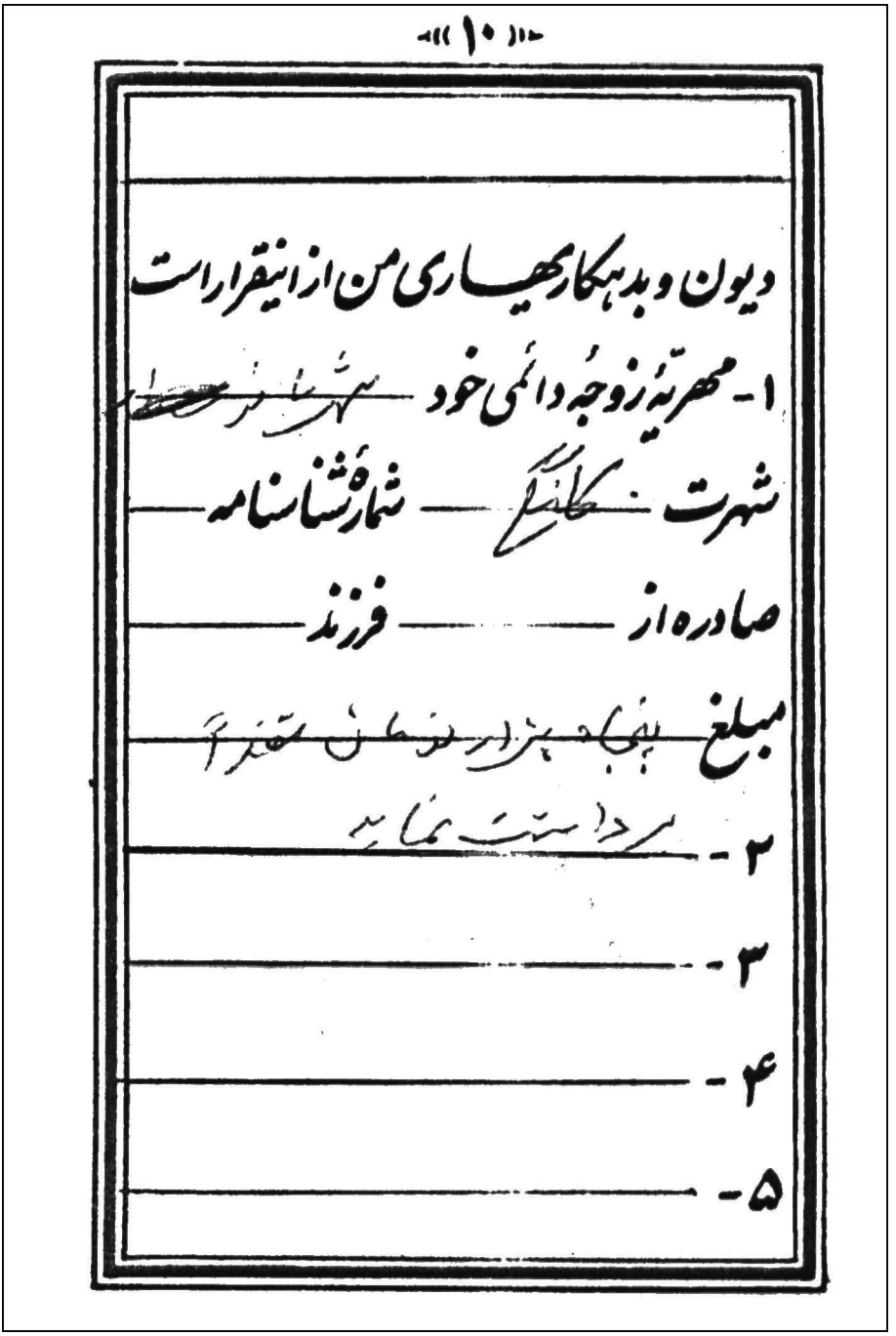

۱۰

دیون و بدهکاریهاری من از اینقرار است

۱- مهریهٔ زوجهٔ دائمی خود [illegible]

شهرت [illegible] شمارهٔ شناسنامه

صادره از فرزند

مبلغ [illegible]

۲- [illegible]

۳-

۴-

۵-

«۱۱»

ومطالبات من بدین شرح است :

۱- _____

۲- _____

۳- _____

۴- _____ فا

۵- _____

وقیمومت اطفال خود را بالحاظ غبطهٔ صغار بجناب

_____ شهرت _____

بشناسنامهٔ شماره _____ صادره از :

_____ فرزند

واگذار نمودم .

فَمَنْ بَدَّلَهُ بَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ يُبَدِّلُونَهُ .

بتاریخ _____

امضاء وصیت کننده _____

امضاء وصی امضاء ناظر امضاء قیم

شهود :

۱ - _____

۲ - _____

۳ - _____

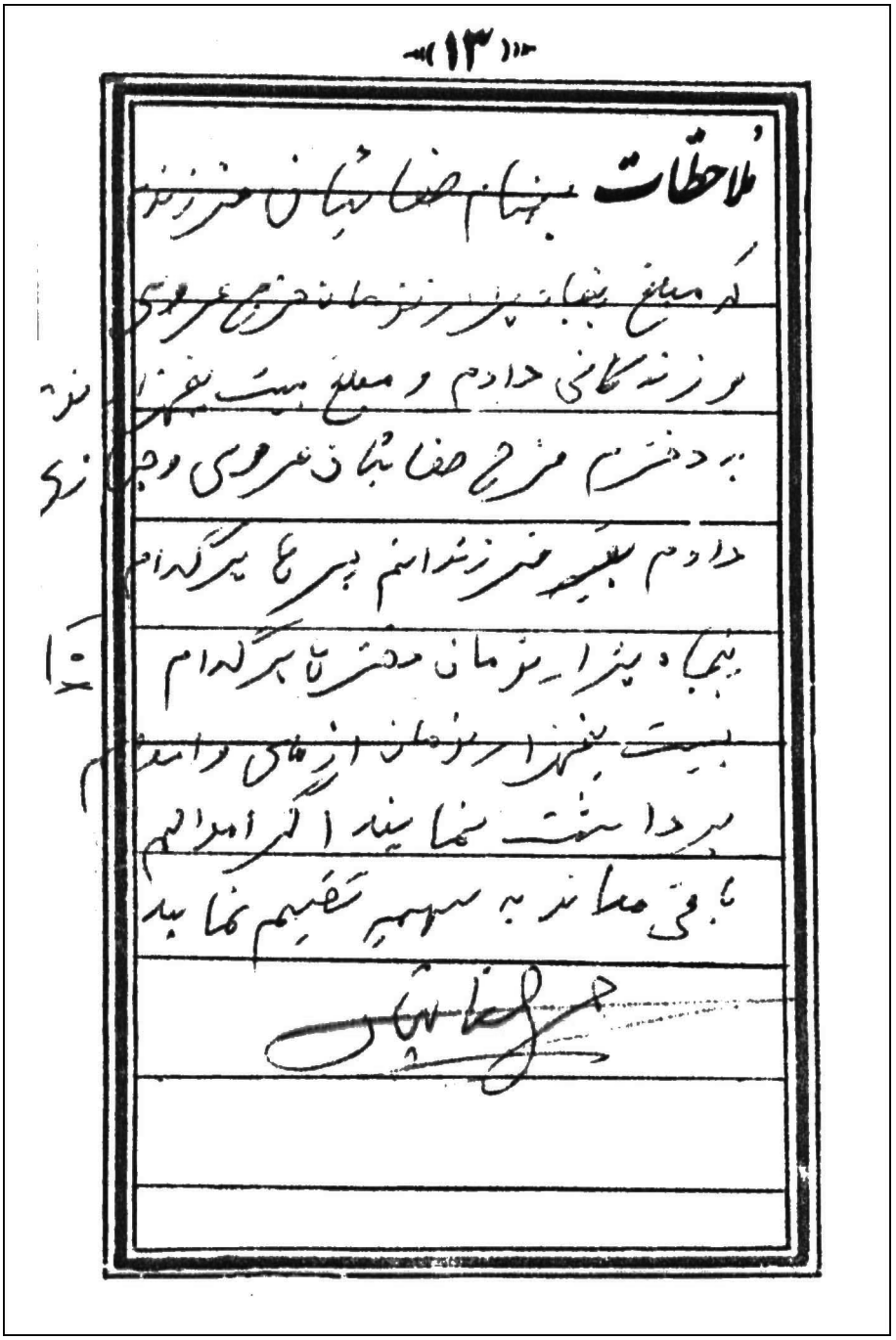

«۱۳»

**ملاحظات** بنام صفائیان فرزند

که مبلغ پنجاه هزار تومان خرج عروسی

و زندگانی دادم و مبلغ بیست هزار تومان

به دخترم فرح صفائیان عروسی و جهازی

دادم بقیه فرزندانم پسرها هر کدام

پنجاه هزار تومان دخترها هر کدام

بیست هزار تومان از مال و اموالم

برداشت نمایند اگر اموالم

باقی ماند به سهمیه تقسیم نمایند

[illegible]

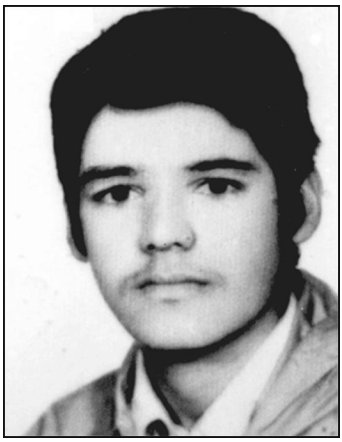

نام: **مهدی**
نام خانوادگی: **صفار**
نام پدر: **محمدصادق**
نام مادر: **هاشمه بیگم**
تاریخ تولد: **بیستم مهر ۱۳۴۵**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **سوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **شانزدهم آبان ۱۳۶۲**
محل شهادت: **پنجوین عراق**
نحوهٔ شهادت: –
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- عشق شهادت در راه تو را دارم.
- خون من هم اگر لایق باشم در راه تو ریخته شود تا اسلامت در جهان گسترش یابد.
- تا زنده باشم می‌کوشم و می‌جوشم تا راه کربلا را برای شما مادرهای این مملکت باز نمایم.
- امامان را تنها نگذارید.
- پیرو ولایت فقیه باشید.
- علمای راستین را بشناسید و از آنان حمایت کنید.
- مساجد را خالی نگذارید.
- دشمن می‌ترسد وقتی مساجدها پر باشد.

## مهدی صفار

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«و لاتحسبن الذین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احیاء عند ربهم یرزقون»**[۱]
«گمان نکنید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مردگانند بلکه آنان زنده‌اند و در نزد خدای خویش روزی می‌خورند.»

به نام[۲] خدایی که به ما نیرو داد تا بتوانیم برای او قدم بگذاریم، الآن که من این وصیت‌نامه را می‌نویسم احساس می‌کنم که خدا به من لطف کرده و سعادت نصیب من شده است، خدایا شکر تو را که توانستم **«هل من ناصر ینصرنی»**[۳] حسین زمان خمینی کبیر این امید اسلام در جهان که از روی عمر من بگیرد و روی عمر این قائد عظیم و نایب بر حق مهدی(عج) بگذار[۴] را لبیک گویم.

از خدای بزرگ می‌خواهم که شهادت این نعمت و [این] نعمتی که تمام انبیاء و اولیاء الله آرزوی آن را می‌کنند را نصیب من کند. خدا اگر چه من لایق نیستم که به مقام یک شهید باشم ولی عشق[۵] شهادت در راه تو را دارم، خدایا ما چهار برادر و خواهر هستیم نه تنها یک نفر بلکه تمام ما حتی مادرم و پدرم عاشق تو هستیم[۶]. خدایا خون من[۷] هم اگر لایق باشم در راه تو ریخته شود تا اسلامت در جهان گسترش یابد و خون ما باید درخت اسلام را آبیاری کند تا مانند کوه محکم شود. خدایا خون ما باید ریخته شود تا راهی باشد برای ظهور مهدی(عج)، خدا اگر من آنقدر لیاقت دارم مرا شهید کن، چون هر کس که [را]

---

۱- آل‌عمران/ ۶۹.
۲- در اصل وصیت «بنام».
۳- ر.ک. تعلیقات.
۴- در اصل وصیت «بگزار».
۵- در اصل وصیت «عاشق».
۶- در اصل وصیت «هستم».
۷- در اصل وصیت «ما».

تو عاشق شوی او را می‌کشی[۱] و اما سلام من بر شما خانوادهٔ عزیزم، می‌خواهم اگر چیزمان شد به شما خانوادهٔ ارجمندم گفته باشم.

مادرم: سلام من را از خیمه‌های سربازان امام زمان(عج) قبول کن، ای مادرم من که آن لیاقت را در خود نمی‌بینم که در راه خدا به درجهٔ شهادت نایل[۲] گردم اما لطف خدا زیاد است و ممکن است ما را قبول کند و سلام من بر تو مادری که هر وقت گفتم می‌خواهم بروم جلوی من را نگرفته[ای]، واقعاً من شرمنده هستم. وقتی فکر می‌کنم می‌بینم که شما در کودکی من چقدر زحمت‌ها کشیدی و حال وقت این رسیده است که آن جگر گوشه خود را به قربانگاه بفرستید. مادرم، من که نتوانستم حق فرزندی را ادا کنم بلکه همیشه باعث رنجش تو بودم، امیدوارم مرا ببخشی و عفوم کنی ولی قسم به شیری که تو بر دهان من ریختی و قسم به پستانی که بر دهان من نهادی و قسم به بدخوابی‌هایی که کشیدی و قسم به خداحافظی‌هایی که در سپاه با ما کردی، تا زنده باشم می‌کوشم و می‌جوشم تا راه کربلا را برای شما مادرهای این مملکت باز نمایم.

پدرم: سلام من بر تو پدری که عمری تلاش کردی و همیشه پایبند به اسلام و انقلاب بودی، من خجالت‌زده هستم، از شما [از طرفی] که گاهی اوقات خیلی بی‌احترامی می‌کردم و خجالت می‌کشم از اینکه شما هر وقت هر کدام از پسرانت می‌گفت می‌خواهم بروم جبهه. سکوت می‌کردی و سکوت هم نشانهٔ رضایت است. واقعاً خدا جزای خیر به شما پدر و مادرها بدهد، یادم نمی‌رود روزهایی که می‌خواستم برویم می‌آمدی در سپاه برای بدرقه تا آن لحظات آخر زمانی خواستی [...][۳] و دنبال ماشین می‌آمدی من خیلی از مشا متشکرم، خیلی باید مرا ببخشید که نتوانستم جبران زحمت‌های شما را بکنم.

[...] برادران و خواهران من: که اصلاً احتیاج به هیچ حرفی ندارید، فقط از باب تذکر همیشه به سخنان رهبر گوش فرا دهید. نماز[های] جمعه‌هاتان ترک نشود، نسبت به مسائل شرعی و غیره تکیه زیاد نکنید نسبت به پدر و مادر بیشتر به فکر باشید ما را هم ببخشید،

---

۱- حدیث قدسی، ر.ک. تعلیقات.

۲- در اصل وصیت «نائل».

۳- خوانا نیست.

یک توصیه دارم به‌عنوان یک برادر کوچک و آن این است که امامان[1] را تنها نگذارید، پیرو ولایت فقیه باشید، علمای راستین را بشناسید و از آنان حمایت کنید، مساجد را خالی نگذارید، دشمن می‌ترسید وقتی مساجدها پر باشد، خود یک ساواک باشید هرگونه توطئه را خنثی کنید، چیزی ندارم دیگر بگویم، از مادر و پدر و تمام مردم اگر از من ناراحتی دارید حلالم کنند.

خدایا ظهور مهدی(عج) برساند. طول عمر امام را زیاد کند، مسلمانان را در همهٔ جهان پیروز کند و به شما و من توفیق دهد که در راهش پیش رویم و ما را فقط به صراط مستقیم هدایت کند.

**«والسلام علینا و علی عباده الصالحین»**
**«اللهم ارزقنی توفیق شهادت فی سبیلک»**
**برادر کوچک شما مهدی صفار**

---

۱- در اصل وصیت «امامان».

بسم الله... الرحمن الرحیم



مرکز اسناد ایثارگران

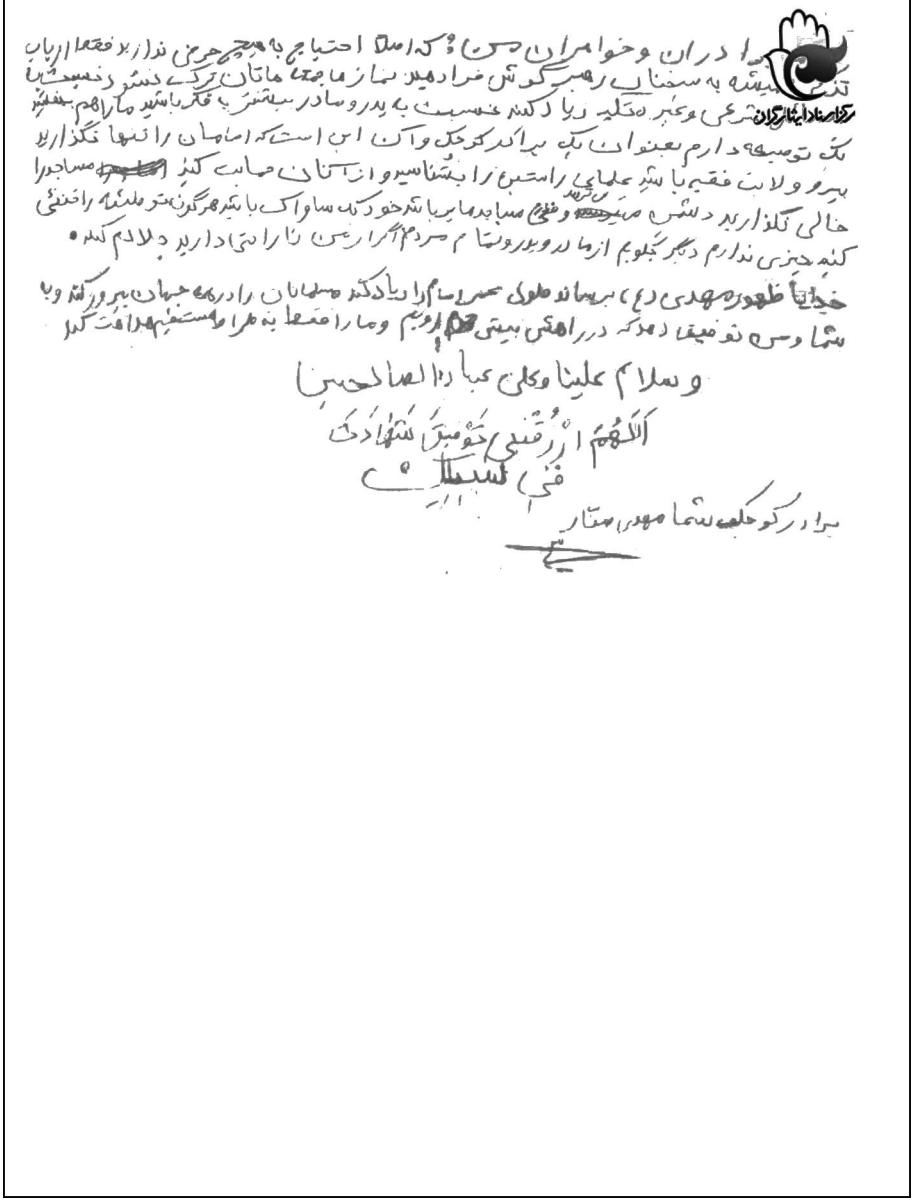

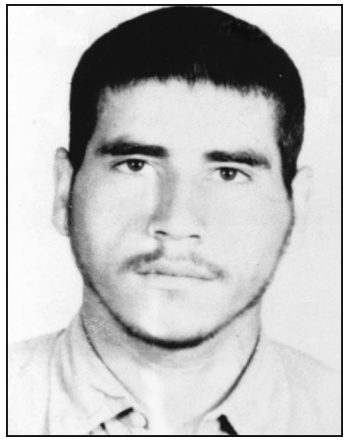

نام: **ابوالقاسم**
نام خانوادگی: **صفاری**
نام پدر: **صفرعلی**
نام مادر: **رقیه**
تاریخ تولد: **دهم خرداد ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **دوم راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۶۵**
محل شهادت: **مهران**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- **«انا لله و انا الیه راجعون»**

## ابوالقاسم صفاری

**بسم‌الله الرحمن الرحیم**

**«انا لله و انا الیه راجعون»**[۱]

من چیز دیگری ندارم چون وصایای[۲] خود را کردم در آن وصیت‌ها[ی][۳] قبل اما من به‌عنوان اینکه در خانواده‌ام بعد از خود وصیتم[۴] مشخص باشد با اینکه چیزی ندارم چون امری است[۵] شرعی. پدرم را بعد از خود وصی‌ام قرار می‌دهم در امور هر آنچه در زندگی به من می‌رسیده و اما در وسایلی که هم‌اکنون در خانه است مثل کتاب و مابقی و... اختیار تام دارد. البته کتاب‌هایم را امورش را به احمد آقایی واگذار کردم. شما از کتاب دادن به ایشان جلوگیری نکنید. و بقیه مثل فرش و چیزها[ی][۶] دیگر شما اختیار تام دارید که هر کار کنید. البته آنچه را که مادرم می‌خواهد به او بدهید. و ضمناً من مقدار ۲۰ روز روزه بدهکارم. بدهید بگیرند و مقدار ۵۰ تومان حق ردّ مظالم بدهید و نماز هم مقدار یک سال قضا کنید و نماز را تا آنچه که بیشتر برایتان میسر است قضا کنید و مقدار ۱۰۰ تومان هم خیرات و صدقات بدهید و اما هرچه بیشتر بهتر.

در ضمن وصیت قبلی در دست احمد آقایی است بگیرید.

**«والسلام علیکم و رحمة‌الله»**

**ابوالقاسم**

---

۱- بخشی از آیه ۱۵۶ سورهٔ بقره.

۲- در اصل وصیت «وصیای».

۳- در اصل وصیت «وصیت‌ها».

۴- در اصل وصیت «وصیم».

۵- در اصل وصیت «اس».

۶- در اصل وصیت «چیزها».

بسمه تعالی

## وصیتنامه

محل الصاق عکس

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند
(امام خمینی)

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ ــ هدف از آمدن به جبهه

۲ ــ پیام

۳ ــ رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار وطرف دیون، واجباتی که به گردن داشته از جمله نماز وروزهٔ قضا و ..... ، خیرات وصدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال ردمظالم و ...

بسم الله الرحمن الرحیم

انا لله و انا الیه راجعون

من چیز دیگری ندارم چون وصیای خود را کردم در آن وصیت ما قبل اما من بعنوان اینکه در خانواده‌ام بعد از خود وصیم مشخص باشد با اینکه چیزی ندارم چون امور شرعی، پدرم را بعد از خود وصیم قرار دادم در امور هر آنچه در زندگی به من رسیده و اما در وسایلی که هم اکنون در خانه است مثل کتاب و مایتی و اختیارنامه دارد البته کتابهایم را امورش را به احمد آقائی واگذار کردم شما از کتاب دادن به ایشان جلوگیری نکنید و بقیه مثل فرش و چیزها دیگر شما اختیارنام دارید که هر کار کنید. البته آنچه را که مادرم می‌خواهد به او بدهید و ضمناً من مقدار ۲۰ روز روزه بدهکارم بدهید بگیرند و مقدار ۵۰۰ تومان حق رد مظالم بدهید و نماز هم مقدار یک سال قضا کنید و نماز را تا آنچه که بیشتر به ایشان میسر است قضا کنید و مقدار ۱۰۰ تومان هم خیرات و صدقات بدهید و اما هر گاه شمشیر بهتر

"میتوانید از پشت ورقه استفاده نمائید"

والسلام علیکم و رحمة الله

تعاون تی م ۲۶ امام رضا (ع)

تذکر: لطفاً وصیت نامه را داخل پاکت گذاشته و تحویل تعاون تیپ یا لشگر دهید

در ضمن وصیت قبلی در دست احمد آقائی است بگیرید



نام: **احمد**
نام خانوادگی: **صفاری**
نام پدر: **علی**
نام مادر: **فاطمه**
تاریخ تولد: **یکم اردیبهشت ۱۳۴۴**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **اول راهنمایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **یازدهم آبان ۱۳۶۱**
محل شهادت: **موسیان**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- ما امانت خدا در نزد شما هستیم.
- اول امام را دعا کنید پیرو خط امام باشید.
- قلب امام از دست شما برنجد در نتیجه قلب امام زمان(عج) رنجیده و مورد غضب خدا قرار می‌گیرد.
- ای پدران و مادران مبادا از آمدن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید.
- نگذارید امام تنها بماند یار او باشید و دین خود را بهتر بشناسید.
- نماز را به‌پا دارید. در دعای کمیل شرکت کنید.
- «نماز جمعه را هم به‌پا دارید،چون نماز جمعه است، که این دشمن را می‌ترساند».
- تنها سفارشی که دارم این است که امام امت را تنها نگذارید.

## احمد صفاری

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«ان الذین امنوا و الذین هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله اولئک یرجون رحمت الله و الله غفور رحیم»**[۱]

«آن که به دین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده و در راه خدا جهاد کردند اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند که خدا بر آنها بخشاینده و مهربان هست» (بقره/ ۲۱۸).

کاروان عاشقان الله به قافله سالاری سرور شهیدان حسین(علیه‌السلام) عاشقانه پیش می‌رود.

ما از خداییم[۲] و به‌سوی او بازگشت می‌کنیم، با درود و سلام بر محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آل محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و امام زمان(عج) و نایب برحقش امام خمینی و ملت شهید پرور. بسطام آنان که در راه خدا رنج‌ها و مشقت‌ها کشیدند و خون خود را در این راه ریختند و شهادت را انتخاب کردند و آنها را مورد [طلب] غفران و رحمت [کن] قرار ده، مقامشان عالی است متعالی بگرداند و سلام بر پدر و مادر مهربانم که عمری برایم زحمت کشیدند و مرا نیکو تربیت کردند. پدر و مادر شما خود می‌دانی که خون شهید درخت تنومند اسلام را آبیاری می‌کند و من هم می‌خواهم اگر خدای متعال قبول کند خون خود را به پای این درخت که می‌رود جهانگیر شود بریزم. پدر و مادر می‌دانی که ما امانت خدا در نزد شما هستیم و اگر شهید شدم [...][۳] افتخارآفرین بوده و هیچ‌گونه ناراحتی ندارم و از خداوند متعال خواستاریم[۴] که این هدیه ناقابلمان را بپذیرد، و من از شما می‌خواهم که مانند کوهی استوار بوده [...][۵] روح من[۶] را شاد کنید و ای ملت شهید پرور ایران، به‌خصوص ملت بسطام [...][۷]

---

۱- بقره/ ۲۱۸. در اصل وصیت «۲۱۷- ۲۱۶».

۲- در اصل وصیت «خدائیم».

۳- خوانا نیست.

۴- در اصل وصیت «خواستارم».

۵- خوانا نیست.

۶- در اصل وصیت «روه من».

۷- خوانا نیست.

من قابل آن نیستم که بر[۱] شما پیام بدهم و امید [...][۲] که این پیام حقیر[۳] را از من بپذیرد یعنی که اول امام را دعا کنید پیرو خط امام باشید یعنی همان پیرو خط ولایت فقیه و قلب امام را نرنجانید که اگر قلب امام از دست شما برنجد در نتیجه قلب امام زمان(عج) رنجیده و مورد غضب خدا قرار می‌گیرد.

آنگه که خدا غضب کند، خوبان [را] در خانه بدان و کوچکان [را] در خانهٔ بزرگان نابود خواهد[۴] کرد و خوب و بد در آتش جهنم می‌سوزند.

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگهدار.

و پیامی دارم برای دوستان و برادران مبادا در بستر [مرگ] بمیرید که امام حسین(علیه‌السلام) در میدان شهید شد و مبادا بی‌تقوا و [...] ایمان بمیرید که علی‌اکبر[۵](علیه‌السلام) در راه پدرش شهید شد، ای پدران و مادران مبادا از آمدن فرزندانتان به جبهه جلوگیری کنید که فردای قیامت در نزد خدا نمی‌توانید جواب زینب(علیهاالسلام) را بدهید و پیامی دارم برای برادرانم[۶] و خواهرانم که نگذارید امام تنها بماند یار او باشید و دین خود را بهتر بشناسید و حق را از ناحق تشخیص دهید[۷]. از آن کسانی که حضرت علی(علیه‌السلام) را تنها گذاشتند، مباشید که جواب دادن آن[۸] در پیش خدا خیلی سخت است و نماز را به‌پا دارید و در دعای کمیل شرکت کنید و «نماز جمعه را هم به‌پا دارید که چون نماز جمعه است، [که] این دشمن را می‌ترساند»[۹] و در آخر از قول من از اقوام و خویشان خداحافظی کنید و تنها سفارشی که دارم این است که امام امت را تنها نگذارید. یک پیام دیگر دارم برای ملت بسطام و پیام من این است، همیشه به فکر پول و ثروت نباشید کمی هم فکر کنید که در چه [...][۱۰] زندگی

---

۱- در اصل وصیت «بر».

۲- خوانا نیست.

۳- در اصل وصیت «حقیران».

۴- در اصل وصیت «خواهند».

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- در اصل وصیت «برادرام».

۷- در اصل وصیت «ده».

۸- در اصل وصیت «جواب داد آن».

۹- تبیان، ش۷، آثار موضوعی (امام در سنگر نماز)، ص۱۶۲.

۱۰- خوانا نیست.

می‌کنید همین را اگر فکر کنید می‌توانید در خط ولایت فقیه [به] چنین [...][1] هدف خود برسید.

دیگر وقت شما را نمی‌گیرم، خداحافظ

شعار را پنج بار بگویید:

خدای خدایا تا انقلاب مهدی تو را به جان مهدی خمینی را نگهدار

به امید پیروزی رزمندگان اسلام در سراتاسر جهان.

**خداحافظ**

**روز پنج‌شنبه در ساعت ۹ صبح**

**مورخه ۶/۱۸/[...][2]**

**احمد صفاری**

---

۱- خوانا نیست.

۲- خوانا نیست.

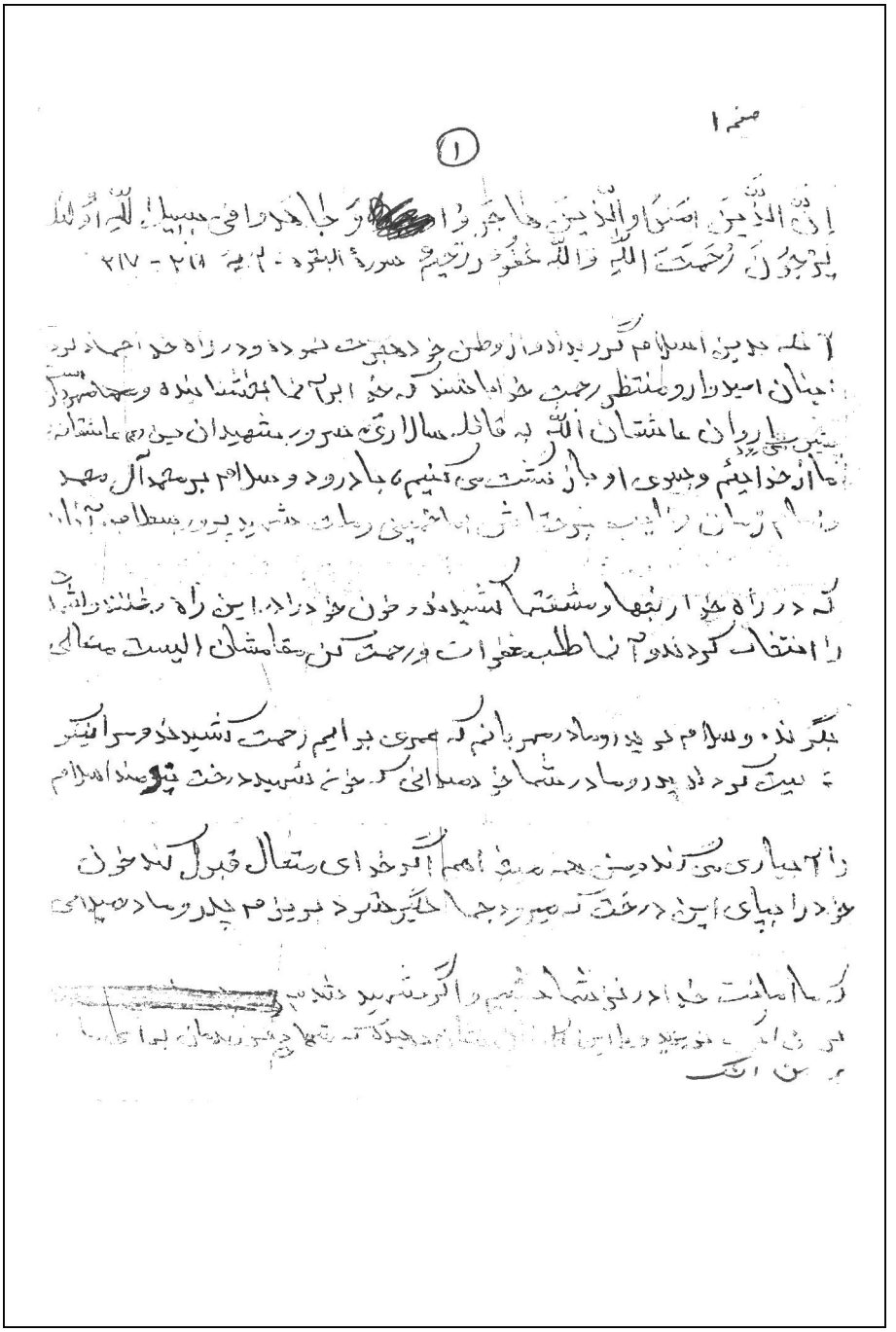

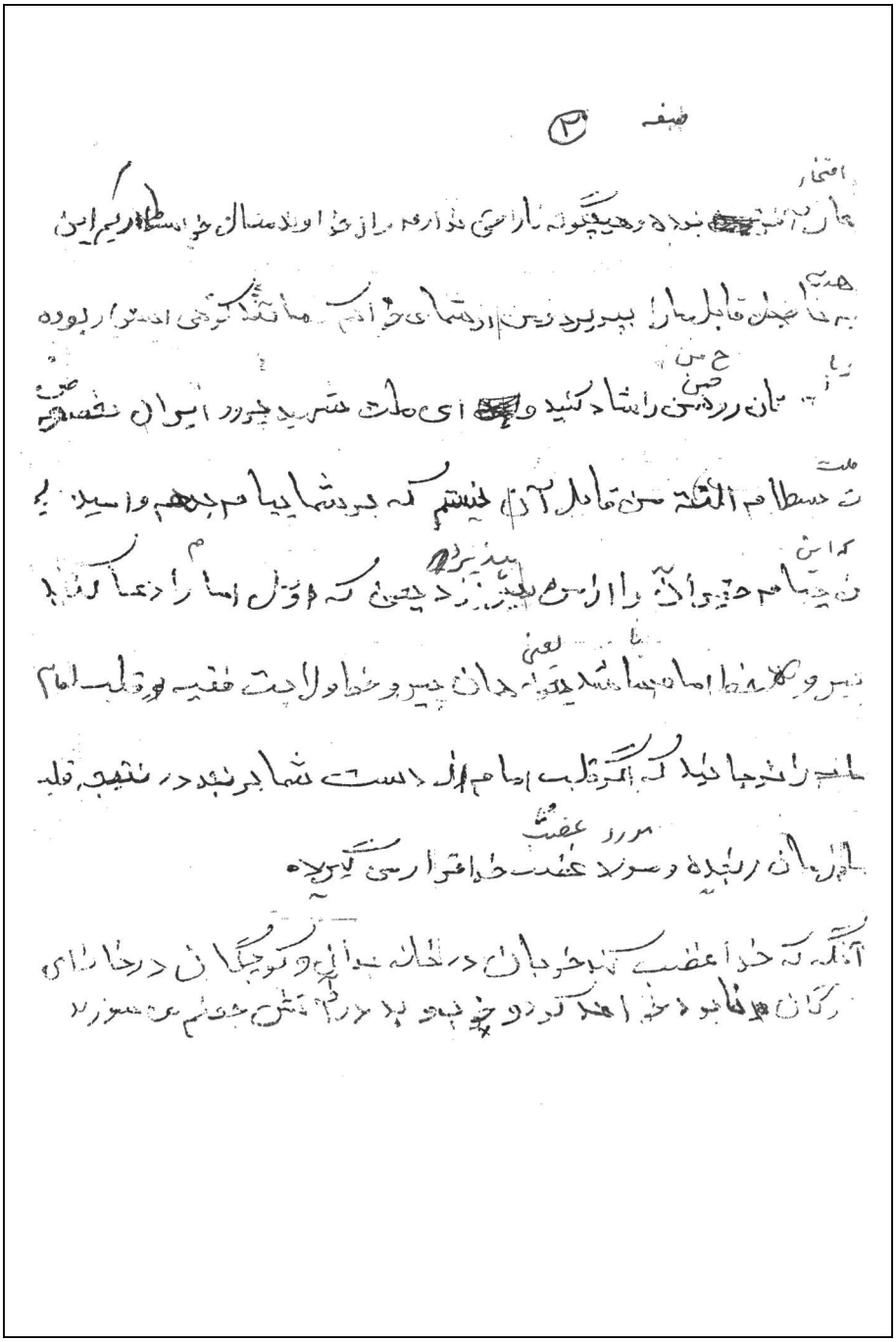

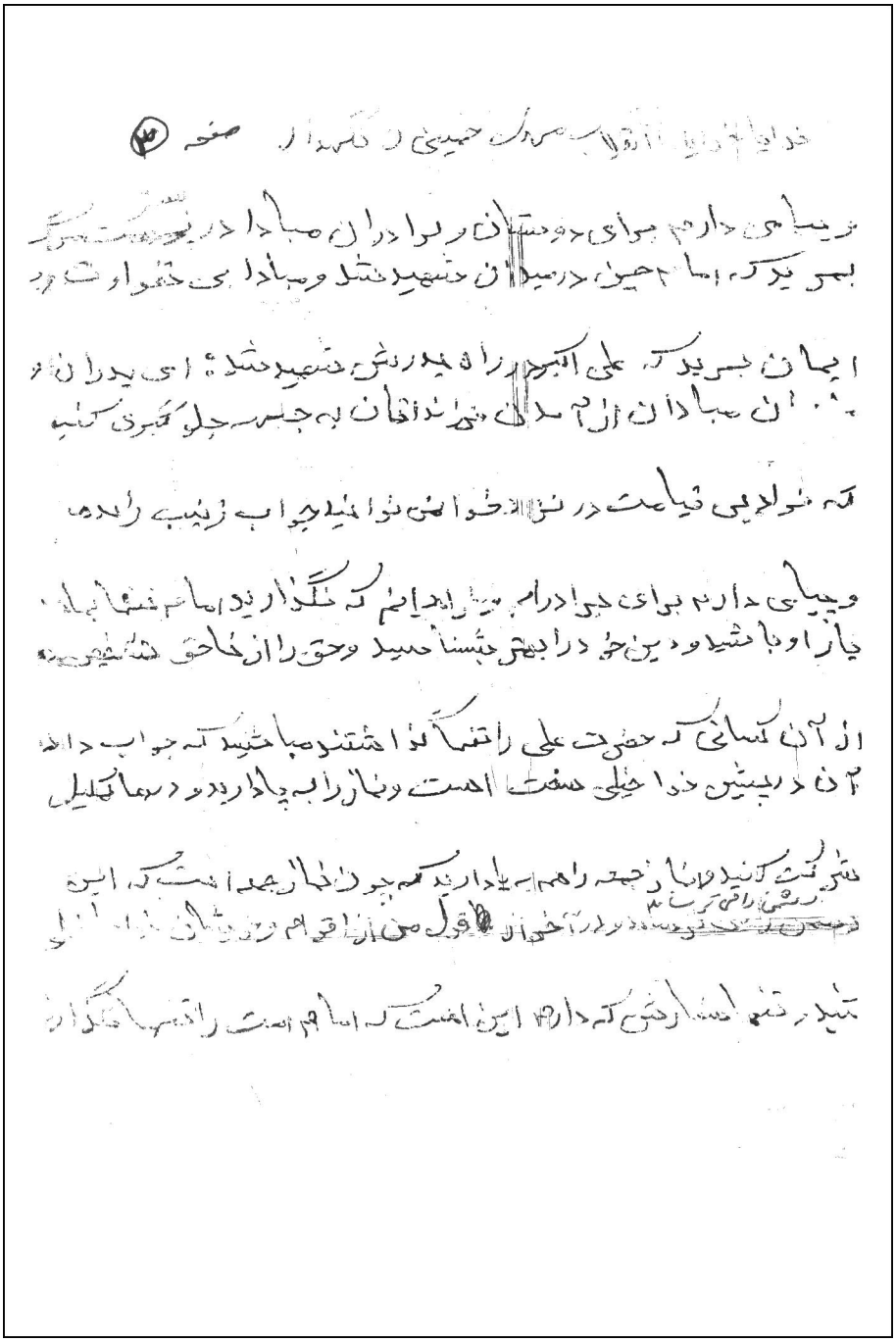

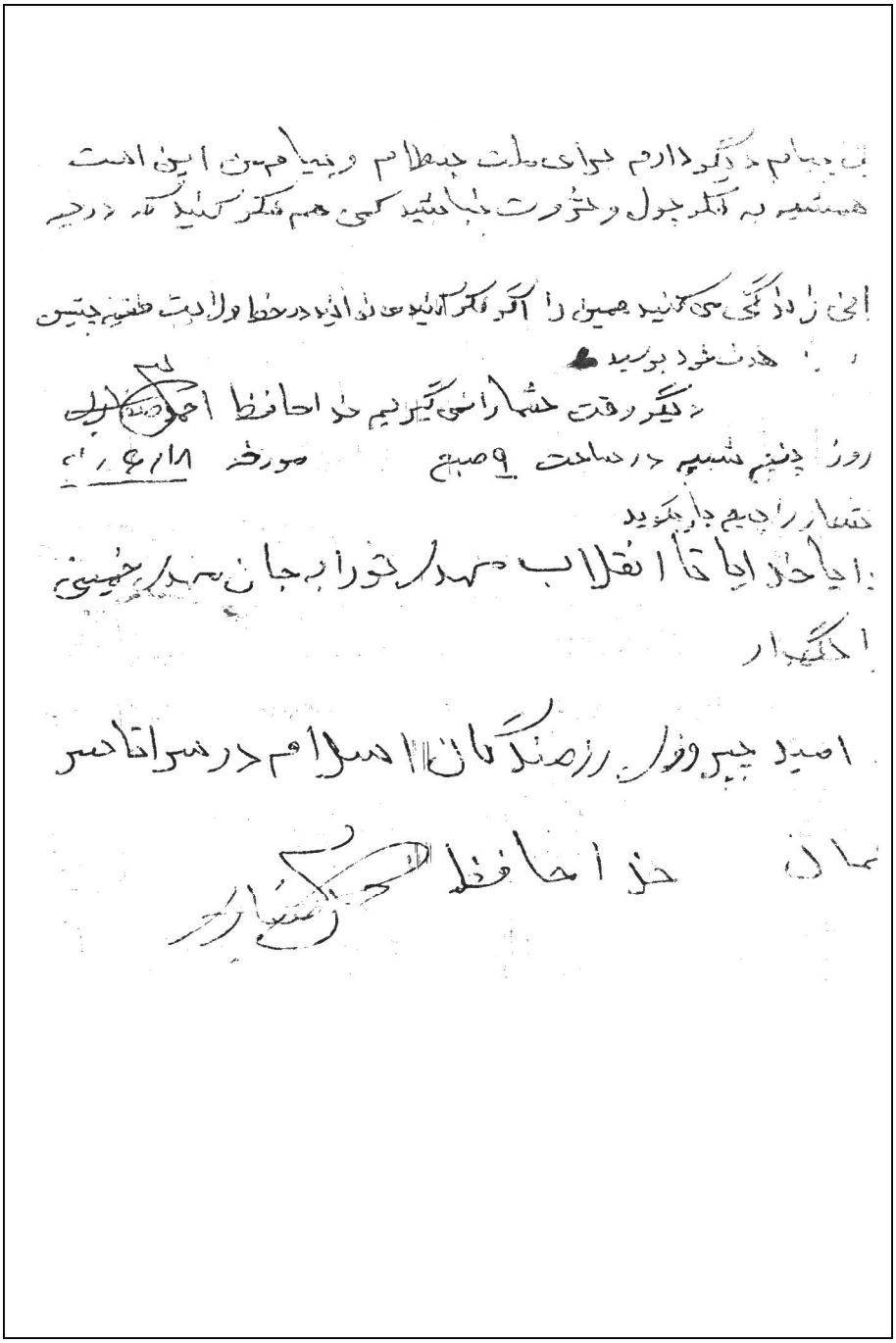

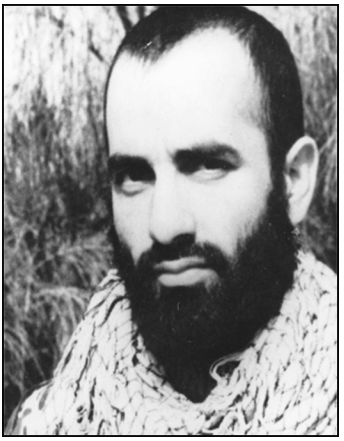

نام: **عباسعلی**
نام خانوادگی: **صفری**
نام پدر: **محمدباقر**
نام مادر: **سکینه**
تاریخ تولد: **هشتم فروردین ۱۳۳۸**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **پایان دوره ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم بهمن ۱۳۶۴**
محل شهادت: **فاو عراق**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- این وظیفه بر عهدهٔ همگان است (یعنی دفاع از اسلام، حیثیت، شرف و ناموس).
- من این را دانستم که در جایی که اسلام در خطر است باید خون داد، جان و مال داد تا آنکه اسلام زنده بماند.
- چون اسلام با خون رشد کرده است پس باید با خون نیز نگهداری شود.
- مبادا غافل بشوید و خدای ناکرده صدایی خلاف اسلام بلند کنید.
- به جبهه‌ها بیایید برای یاری و نصرت اسلام که وظیفهٔ فرد جامعه است.
- در جبهه‌های جنگ بیشتر حضور پیدا کنید.
- دنیا هیچ ارزشی ندارد زیاد دل‌بسته به دنیا نباش.
- تا زمانی که جنگ هست از جنگ حمایت نموده و در جبهه‌ها حضور یابید.
- جنگ را فراموش نکنند.
- پشتیبان ولایت فقیه باشند.
- امام را تنها نگذارند.

## عباسعلی صفری

### بسم الله الرحمن الرحیم

«اللهم وفقنا لما تحب و ترضی»[۱]

با سلام به پیشگاه امام زمان(عج) و نایب[۲] برحقش خمینی کبیر و تمامی رزمندگان اسلام در سرتاسر جهان و خصوصاً رزمندگان ایران و با درود بیکران به تمامی شهدا از صدر اسلام تا کربلای حسینی و از کربلای حسین تا کربلاهای غرب و جنوب ایران و با آرزوی شفای همهٔ مجروحین و معلولین و پیروزی عاجل رزمندگان پرتوان اسلام و آرزوی صبر جمیل و اجر جزیل برای خانواده‌های محترم شهدا، اسرا[۳]، مجروحین و معلولین و مفقودین و آزادی هر چه سریعتر اسرای[۴] اسلام از چنگال بعثیان[۵] کافر و مزدوران آمریکای جنایتکار، چند کلمه‌ای را در وصیت‌نامه‌ام متذکر می‌شوم برای یادآوری.

اولاً از پدر و مادر مهربانم خواستار عفو و بخشش و گذشت نسبت به بدی‌هایی که در گذشته کرده‌ام می‌باشم و ثانیاً از آنها تقاضای صبر و بردباری در مقابل همهٔ مصائب و گرفتاری‌ها دارم. پدر و مادر محترم پس از مرگ من در فراغم گریه کنید اما آهسته به‌طوری که دشمن خوشحال نگردد بر لبانتان لبخند باشد چهره‌تان را بگشائید[۶] و با گشودن چهرهٔ خود و صبر و مقاومت به دشمن قدّار اسلام ضربه بزنید و بدانید من این راه را نه به‌خاطر خودم بلکه به‌خاطر وظیفه‌ای که بر عهده‌ام بود انتخاب کردم این وظیفه بر عهدهٔ همگان است و تا روز قیامت خواهد بود (یعنی دفاع از اسلام، حیثیت، شرف و ناموس)، آری من این را دانستم که در جایی که اسلام در خطر است باید خون داد، جان و مال داد تا آنکه اسلام زنده بماند. چون اسلام با خون رشد کرده است پس باید با خون نیز نگهداری شود، همان‌سان که درختان و گیاهان و نباتات و... با آب نگهداری می‌شوند.

---

۱- از ادعیه مشهور اسلامی است.

۲- در اصل وصیت «نائب».

۳- در اصل وصیت «اسراء».

۴- در اصل وصیت «اسراء».

۵- ر.ک. تعلیقات.

۶- در اصل وصیت «بگشائید».

آری این لطف بزرگ پروردگار عالمیان به این حقیر ناچیز بود که مرا به وظیفه‌ام آشنا نمود و در این راه مرا یاری فرمود، تا سرانجام این راه را به سر منزل مقصود برسانم و هم‌اکنون که قلم به دست گرفته و این چند کلمه را می‌نویسم او مرا یاری می‌کند همه چیزمان از اوست و اوست که همهٔ ما را در قرآن کریم تشویق می‌نماید که هان «ای انسان‌ها من مشتری جان‌های شمایم جانتان را به بهای اندک نفروشید»[۱]. همهٔ دنیا اندک است. اگر کسی خود را به تمام هستی بفروشد ضرر کرده است باید خودمان را به او بفروشیم تا آن‌که زیان نبینیم، او که ما را به‌وجود آورد و به ما جان داد و زندگی بخشید و نعمت‌های فراوان به ما عطا فرمود و با توجه به اینکه همه از اوییم[۲] و به‌سوی او بازمی‌گردیم.

پدر و مادر عزیز، دنیا محل آزمایش است تا چگونه از این آزمایش بیرون بیاید انسان. خدایی که[۳] چنین رهبری به ما عطا فرموده است و اطاعت از امرش را واجب نموده. چنانچه اطاعت از اوامرش نکنیم خسارت بر جان و مال و ناموس و دنیا و آخرتمان وارد کرده‌ایم، اطاعت از رهبر یاری کردن رهبر است. لبیک گفتن به اوامر اوست، مبادا غافل بشوید و خدای ناکرده صدایی[۴] خلاف اسلام بلند کنید اگر چنان کنید در آن دنیا نیز رنجیده خاطر خواهم شد. شما عزیزان نیازی به نصیحت حقیر سراپا تقصیر ندارید می‌دانیم آنچه که گفته شد برای یادآوری بود که می‌فرماید «**و ذکر فان الذکری تنفع المؤمنین**»[۵] (قرآن کریم)

برادران عزیزم، از شما تقاضای عفو و اغماض از بدی‌هایی[۶] که نسبت به شما مرتکب شده‌ام نیز دارم و تنها تقاضایم بعد از بخشش این است که بعد از مرگم راهم را ادامه

---

۱- بخشی از آیه ۱۱۷ سورهٔ توبه: «انا الله اشتری من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة یقاتلون فی‌سبیل الله فیقتلون و یقتلون».

۲- در اصل وصیت «اوئیم».

۳- در اصل وصیت »خدائیکه»

۴- در اصل وصیت «صدائی».

۵- ذاریات/ ۵۵. در اصل وصیت «فذّکر»

۶- در اصل وصیت «بدی‌هائیکه».

بدهید به جبهه‌ها بیایید[۱] برای یاری و نصرت اسلام که وظیفهٔ فرد فرد جامعه است.

خواهرانم از شما نیز طلب عفو و مغفرت از بدی‌هایی که[۲] نسبت به شما مرتکب شده‌ام دارم و از شما تقاضا دارم که زینب‌گونه در صحنه‌های پیکار وارد شوید و نسبت به حجاب قرص و محکم باشید که بزرگترین حربه شیطان بی‌حجابی و بدحجابی زنان است. پسرعموهای عزیزم از شما تقاضای بخشش دارم نسبت به بدی‌های گذشته‌ام و از همهٔ قومان و خویشاوندان نیز طلب مغفرت دارم و همین‌طور از تمامی دوستان و نزدیکان، امیدوارم که مرا ببخشید و برایم دعا کنید تا خدا از گناهانم بگذرد و مرا مشمول رحمت واسعهٔ خودش قرار دهد.

سعی کنید از رهبر کبیر انقلاب پشتیبانی کنید و آنچه وظیفه [ای به عهدهٔ] شما هست به‌خوبی انجام داده و در جبهه‌های جنگ بیشتر حضور پیدا کنید. امیدوارم از تذکرات این حقیر ناچیز ناراحت نشوید. ضمناً جسدم را در روستای گرمن دفن نمایید.[۳]

وصیت‌نامه‌های قبلی بی‌اعتبار است. تنها وصیت مهم حقیر به شما بزرگان این است و تنها خواهشم این است که پشتیبانی ولایت فقیه و زعامت و رهبری امام خمینی باشید. خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی خمینی را نگهدار.

این وصیت‌نامه در سه برگ یعنی شش صفحه قلمی گردید بیش از این صفحات اعتباری ندارد.

**«والسلام علی عبادالله الصالحین»**

**الحقیر عباسعلی صفری**

**۶۴/۹/۲۸**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

وصیت به خانوادهٔ محترمم

همسر عزیز و مهربانم امیدوارم که طی مدتی که با شما بودم آنچه که از من بدی

---

۱- در اصل وصیت «بیائید».

۲- در اصل وصیت «بدی‌هائیکه».

۳- در اصل وصیت «نمائید».

دیده‌اید ندیده گرفته و مرا حلال نمایید[۱] و تقاضا دارم که بعد از مرگ من ناراحتی نکنید و از تنها فرزندم خوب نگهداری نما[یید] و برای او هم مادر و هم پدر باش، امید است خداوند به شما اجری عظیم بدهد. البته، با پیشه [خود] ساختن صبر و بردباری، خوب اداء کردن، وظیفه است. یادت باشد بعد از من وصی‌ام پدرم است و آنچه که ایشان صلاح دانستند شما انجام بدهید و خواهشم این است که با آنان نیز خوش‌رفتار و نرم‌خو باشی. دنیا هیچ ارزشی ندارد زیاد دل‌بسته به دنیا نباش که بحمدالله نیستی. مبالغی بدهکارم و مبالغی نیز طلبکارم که واگذار می‌کنم به پدرم تا بدهکاریم را بدهد و طلبکاریم را بگیرد.

۱- مبلغ پانصد تومان به صندوق قرض‌الحسنه جهاد بدهکارم که باید بپردازم.
۲- مبلغ پانصد تومان نذر جبهه کرده‌ام که توسط پشتیبانی جنگ باید بپردازم. بدهید به پشتیبانی جنگ جهاد شاهرود
۳- مبلغ خدوداً سیصد تومان به مغازهٔ محمدتقی و علی‌اکبر (قناری) بدهکارم بپردازید.
۴- مبلغ ششصد تومان۶.۰۰۰ ریال از تعاون سپاه در جبهه گرفتم که جزء بدهکاریم هست بپردازید.
۵- مبلغ هشتصد تومان در صندوق قرض‌الحسنه گرمن در دفترچه‌ام موجودی دارم.
۶- مبلغ پانصد تومان در بانک ملی شعبه پمپ بنزین خیابان تهران دارم.

مبالغ فوق را از حسابم، پدرم می‌تواند بگیرد و صرف خرج خانه یا دفن کفنم کند هرطوری‌که صلاح هست انجام دهید. مبلغ پانصد تومان هم ردّ مظالم به حاکم شرع بدهید و موتور گازی مرا می‌توانید یا بخرد جهاد یا بیرون بفروشید و مبلغ آن را بابت بدهکاری‌هایم بدهید.

در پایان از همهٔ شما می‌خواهم که امام عزیز را یعنی حضرت آیت‌الله العظمی نائب امام زمان(عج) رهبر کبیر انقلاب امام خمینی پیروی و پشتیبانی نمایید.[۲] و تا زمانی که جنگ هست از جنگ حمایت نموده و در جبهه‌ها حضور یابید.

---

۱- در اصل وصیت «نمائید».
۲- در اصل وصیت «نمائید».

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«اللهم وفقنا لاتحب و ترضی»**[۱]

با درود و سلام به پیشگاه حضرت ولی‌عصر امام زمان(عج) و نایب برحقش خمینی کبیر و درود به روحانیت مبارز در خط امام و سلام به تمامی رزمندگان اسلام و شهدا و اسراء و مفقودین و مجروحین و معلولین و خانواده‌های محترم آنان و با آرزوی آزادی اسراء و شفای مجروحین و معلولین و باز شدن راه کربلای معلای حسینی و طول عمر و سلامتی رهبر کبیر انقلاب خمینی بت‌شکن.

شکر و سپاس خداوند بزرگ را که توفیق داد مرا، تا در صف سلحشوران و دوستانش جای گرفته و با رزمندگان کفرستیز همگام شده و همرزم تا علیه کفر صدامی به جنگ برخیزم و سپاس بی‌پایان او را که رهبری اینچنین و مملکتی اسلامی و پدر و مادر و فامیلی مسلمان عطایمان فرمود و مرا نیز از مسلمین قرار داد و در قلبم ایمان به پیامبران خودش از آدم ابوالبشر تا حضرت خاتم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و به اولیا خودش از حضرت علی(علیه‌السلام) تا حضرت مهدی موعود(عج) را زنده نمود و همچنین ایمان به معاد و روز واپسین را نیز زنده کرد، در دلم و شکر او را که دلی بیدار عطایم فرمود.

مرحبا به شما پدر و مادر عزیزم خداوند شما را از مخلصین و صالحین قرار بدهد. عزیزان می‌دانم که در طول مدت عمرم از کودکی از زمان ولادت تا زمان شهادت مزاحمت‌های بسیاری برای شما ایجاد کردم و به‌جای قدردانی از شما، شما را ناراحت کردم و دل‌های پاک شما را آزردم با کارهای ناشایسته و ناپسندم. عزیزان ای کسانی که شب‌ها برای آرامش من پای گهواره‌ام نشستید و تا صبحگاهان بیدار بودید. حالا آن زحمات شما به بار نشسته است و می‌خواهد میوه‌ای بدهد که شاید یک لحظه از زحمات شما را جبران نماید و شاید در آخرت لحظه‌ای شما را خشنود کند. پدر جان و مادر جان می‌خواهم بگویم که همه‌چیزم را مدیون شما هستم. خدا می‌داند که بر اساس وظیفه پای به میدان نبرد نهادم و امیدوارم که خداوند تا لحظات آخر یاری کند که کوله‌بارم را به سر

---

۱- از ادعیه اسلامی است. از ادعیه سایر است.

منزل مقصود برسانم و از این امتحان و آزمایش، سربلند بیرون بیایم. شما بهتر می‌دانید از حقیر که وظیفه‌تان چیست. چنانچه شهادت در راه خدا نصیبم گشت اولاً مرا در گرمن دفن کنید و ثانیاً بسیار خون‌سرد و خوشحال و سربلند بوده و از رهبر عزیزمان حمایت و پیروی نمایید[۱] و پشتیبان ولایت فقیه و روحانیت در خط امام باشید و [از] جبهه و جنگ [را] فراموش نکنید و برایم طلب مغفرت و آمرزش از درگاه خداوند بنمایید[۲]. از برادرانم محمدتقی و محمداسماعیل و علیرضا و محمد واز پسرعموهای عزیزم علی‌اکبر و علی‌اصغر و هادی و حمید می‌خواهم که [از] جبهه و جنگ [را] فراموش نکنند و پشتیبان ولایت فقیه باشند و امام را تنها نگذارند و از همشیره‌هایم و همشیره زاده‌هایم می‌خواهم که زینب‌گونهک در صحنه‌های عصمت و عفت حاضر شده و اولادهای خوب تربیت نمایند و فرزندانی صالح و صالحه و در خور اجتماع اسلامی تحویل جامعه بدهند. از همسر مهربانم می‌خواهم که پیروی از حضرت فاطمه(علیهاالسلام) و زینب(علیهاالسلام) بنماید و از تنها یادگارم (سمانه خانم) دخترم خوب سرپرستی و نگهداری نماید. در پایان از همهٔ شما عزیزان می‌خواهم که چنانچه حرکات ناپسندی و صحبت ناپسندی از حقیر دیده‌اید اغماض و چشم‌پوشی نمایید[۳] و برایم از درگاه خداوند کریم طلب مغفرت نمایید[۴]. پدر و مادز عزیز وصیت‌نامهٔ دیگرم داخل ساکم هست که می‌توانید از روی آن به مسائل حقیر رسیدگی نمایید.

**«والسلام علی عبادالله الصالحین»**
**الحقیر عباسعلی صفری**

---

۱- در اصل وصیت «نمائید».
۲- در اصل وصیت «نمائید».
۳- در اصل وصیت «نمائید».
۴- در اصل وصیت «نمائید».

(۱)

بسم الله الرحمن الرحیم

اَللّهُمَّ وَفِّقنا لِما تُحِبُّ وَتَرضی

با سلام به پیشگاه امام زمان (عج) و نائب برحقش خمینی کبیر و تمامی رزمندگان اسلام در سرتاسر جهان و خصوصاً رزمندگان ایران و با درود بیکران به تمامی شهدای راه اسلام تا کربلای حسین و از کربلای حسین تا کربلاهای غرب و جنوب ایران و با آرزوی شفای هر چه زودتر جانبازان عزیز و پیروزی عاجل رزمندگان هر آن اسلام و آرزوی صبر جمیل و اجر جزیل برای خانواده های محترم شهدا اسرا، مجروحین و معلولین و مفقودین و آزادی هر چه سریعتر اسرای اسلام از چنگال بعثیان کافر و نزدیکان آمریکایی جنایتکار. چند کلمه ای را در وصیت نامه ام تذکر میدهم برای یادآوری

(۲)

اولاً از پدر و مادر مهربانم خواستار عفو و بخشش و گذشت نسبت به
بدیهائیکه در گذشته کرده‌ام میباشم و ثانیاً از آنها تقاضای صبر و بردباری
در مقابل همه مصائب و گرفتاریها دارم پدر و مادر محترم پیرازگرد من -
در فراغم گریه کنید اما آهسته بطوریکه دشمن خوشحال نگردد بر لبانتان
لبخند باشد چهره‌تان را بگشائید و با گشودن چهره خود و صبر و مقاومت
به دشمن قدار اسلام ضربه بزنید و بدانید من این راه را نه بخاطر خودم
بلکه بخاطر وظیفه‌ایکه بر عهده‌ام بود انتخاب کردم این وظیفه بر عهده همگان
است و تا روز قیامت خواهد بود (یعنی دفاع از اسلام، حیثیت، شرف
و ناموس) آری من این را دانستم که در جائیکه اسلام در خطر است
باید خون داد جان و مال داد تا آنکه اسلام زنده بماند چون اسلام

(۱)

با خون رشد کرده است. بپرسید با خون نیز نگهداری شود همانسان که درختان
و گیاهان و نباتات و ... با آب نگهداری میشوند. آری این لطف بزرگ
پروردگار عالمیان به این حقیر ناچیز بود که مرا به وظیفه‌ام آشنا نمود و در این راه
مرا یاری فرمود تا سرانجام این راه را به سر منزل مقصود برسانم و هم اکنون که قلم به
دست گرفته و این چند کلمه را مینویسم او مرا یاری میکند همه چیزمان از اوست
و او هست که همه ما را در قرآن کریم تشویق مینماید که همان ای انسانها من
مشتری جانهای شمایم جانتان را به بهای اندک نفروشید، همه دنیا اندک است.
اگر کسی خود را به تمام هستی بفروشد ضرر کرده است باید خودمان را به او بفروشیم
تا آنکه زیان نه بینیم او که ما را بوجود آورد و به ما جان داد و زندگی بخشید و
نعمتهای فراوان به ما عطا فرمود و با توجه باینکه همه از اوئیم و بسوی او باز میگردیم.

(۴)

پدر و مادر عزیز دنیا محل آزمایش است تا چگونه از این آزمایش بیرون
بیاید انسان. خدائیکه چنین رهبری به ما عطا فرموده است و اطاعت
از امرش را واجب نموده. چنانچه اطاعت از اوامرش نکنیم خسارت بر
جان و مال و ناموس و دنیا و آخرتمان وارد کرده‌ایم اطاعت از رهبر
یاری کردن رهبر است. بیک گفتن به اوامر دوست بما غافل
بشوید و خدای ناکرده صدائی خلاف اسلام بلند کنید اگر چنان
کنید در آن دنیا نیز رنجیده خاطر خواهم شد. شما عزیزان -
نیازی به نصیحت حقیر سراپا تقصیر ندارید میدانم آنچه که گفته شد برای یادآوری
بود که میفرماید (فذکر فان الذکری تنفع المؤمنین) قرآن کریم)

(۵)

برادران عزیزم از شما تقاضای عفو و اغماض از بدیهائیکه نسبت به شما مرتکب شده‌ام
نیز دارم و تنها تقاضایم بعد از بخشش اینست که بعد از مرگم راهم را ادامه بدهید به جبهه‌ها
بیائید برای یاری و نصرت اسلام که وظیفه فرد فرد جامعه است و...
خواهرانم از شما نیز طلب عفو و مغفرت از بدیهائیکه نسبت به شما
مرتکب شده‌ام دارم و از شما تقاضا دارم که زینب گونه در صحنه‌های
پیکار وارد شوید و نسبت به حجاب قرص و محکم باشید که بزرگترین حربه
شیطان بی‌حجابی و بدحجابی زنان است پسر عموهای عزیزم از شما تقاضای بخشش
دارم نسبت به بدیهای گذشته‌ام و از همه قومان و خویشاوندان نیز طلب مغفرت
دارم و همینطور از تمامی دوستان و نزدیکان امیدوارم که مرا ببخشید و
برایم دعا کنید تا خدا از گناهانم بگذرد و مرا مشمول رحمت واسعه خودش قرار دهد
سعی کنید از رهبر کبیر انقلاب پشتیبانی کنید و آنچه وظیفه‌ای

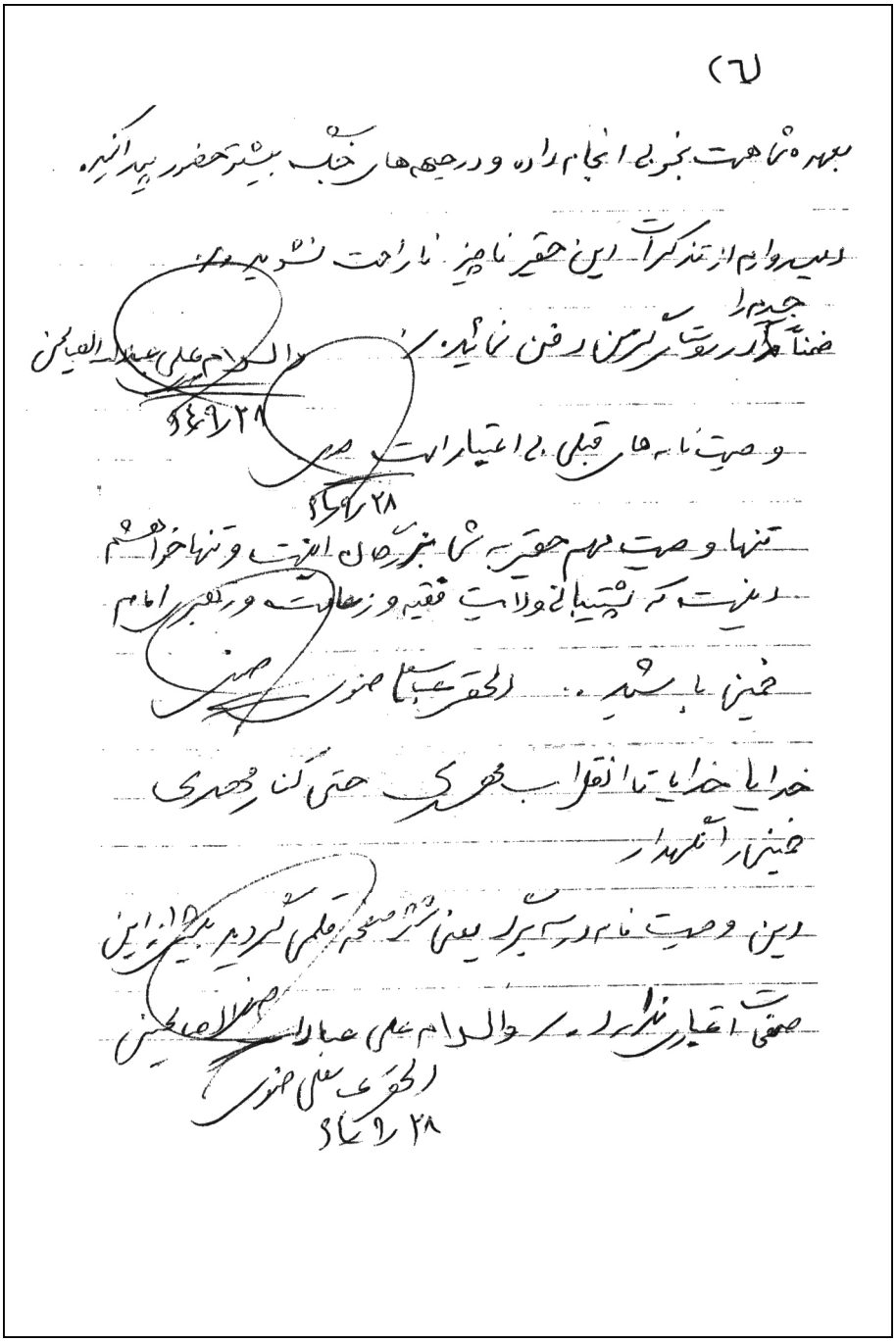

(۶)

بعهده شما هست بخوبی انجام داده و در جبهه‌های جنگ بیشتر حضور پیدا کنید.

امیدوارم از تذکرات این حقیر ناچیز ناراحت نشوید و

ضمناً جسدم را در روستای گرمن دفن نمائید. والسلام علی عباد الصالحین

۲۸/۹/۶۴

وصیت‌نامه‌های قبلی بی‌اعتبار است.

۲۸/۹/۶۴

تنها وصیت مهم حقیر به شما بزرگان اینست و تنها خواهشم

اینست که پشتیبانی ولایت فقیه و زعامت و رهبری امام

خمینی باشید. الحقیر عباسعلی صفوی

خدایا خدایا تا انقلاب مهدی حتی کنار مهدی

خمینی را نگهدار

این وصیت‌نامه در سه برگ یعنی شش صفحه قلمی گردید بیش از این

صفحات اعتباری ندارد. والسلام علی عباد الصالحین

الحقیر عباسعلی صفوی

۲۸/۹/۶۴

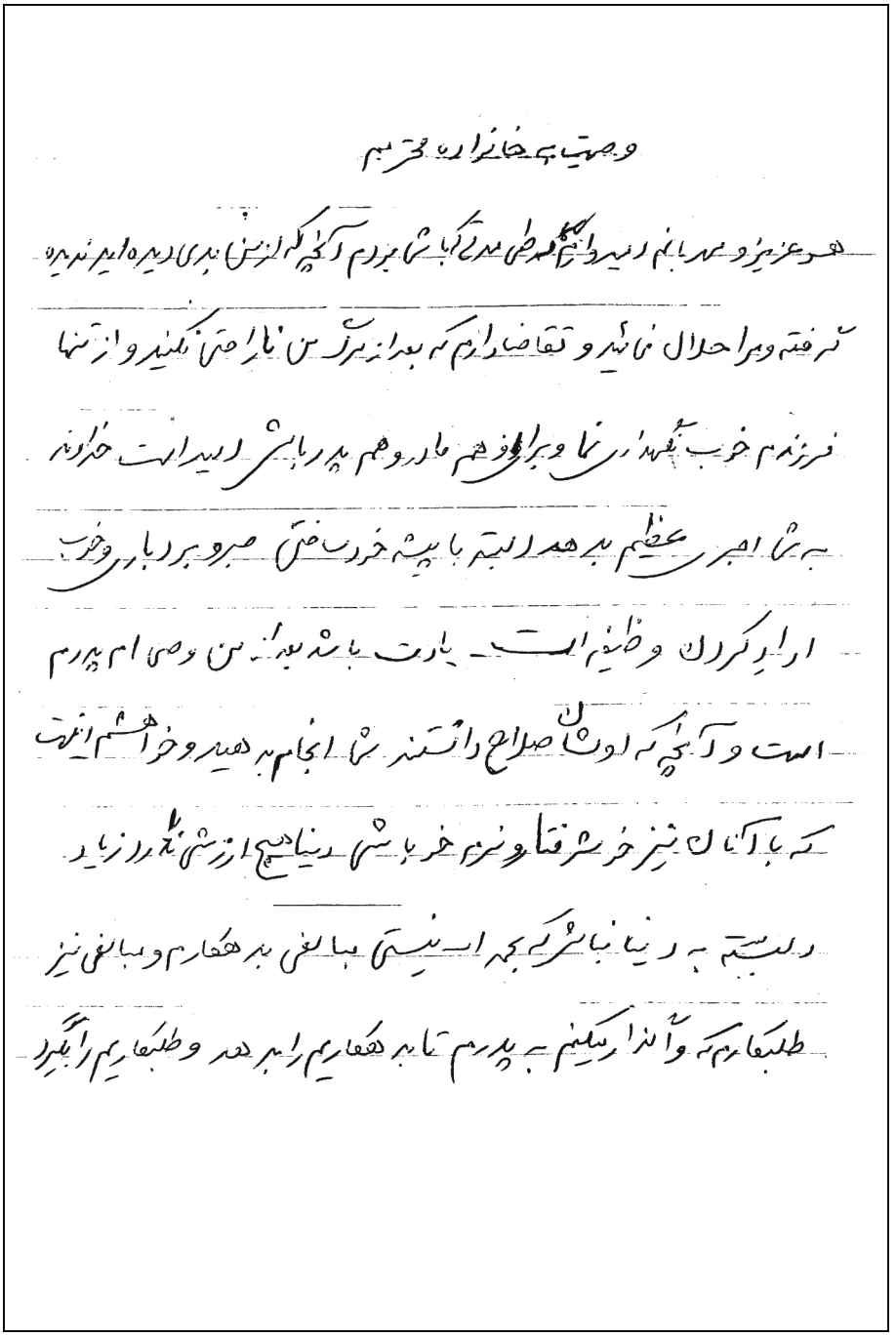

وصیت به خانواده محترمم

همسر عزیز و مهربانم امیدوارم که طی مدتی که با شما بودم آنچه که از من بدی دیده اید ندیده
گرفته و مرا حلال نمائید و تقاضا دارم که بعد از مرگ من ناراحتی نکنید و از تنها
فرزندم خوب نگهداری نما و برای او هم مادر و هم پدر باش امید است خداوند
به شما اجری عظیم بدهد البته با پیشه خود ساختن صبر و بردباری و خوب
ادا کردن وظیفه است. یادت باشد بعد از من وصی ام پدرم
است و آنچه که او شان صلاح دانستند شما انجام بدهید و خواهشم اینست
که با آنان نیز خوشرفتار و نرم خو باشی دنیا هیچ ارزشی ندارد زیاد
دلبسته به دنیا نباش که بحمد الله نیستی مبالغی بدهکارم و مبالغی نیز
طلبکارم که واگذار میکنم به پدرم تا بدهکاریم را بدهد و طلبکاریم را بگیرد

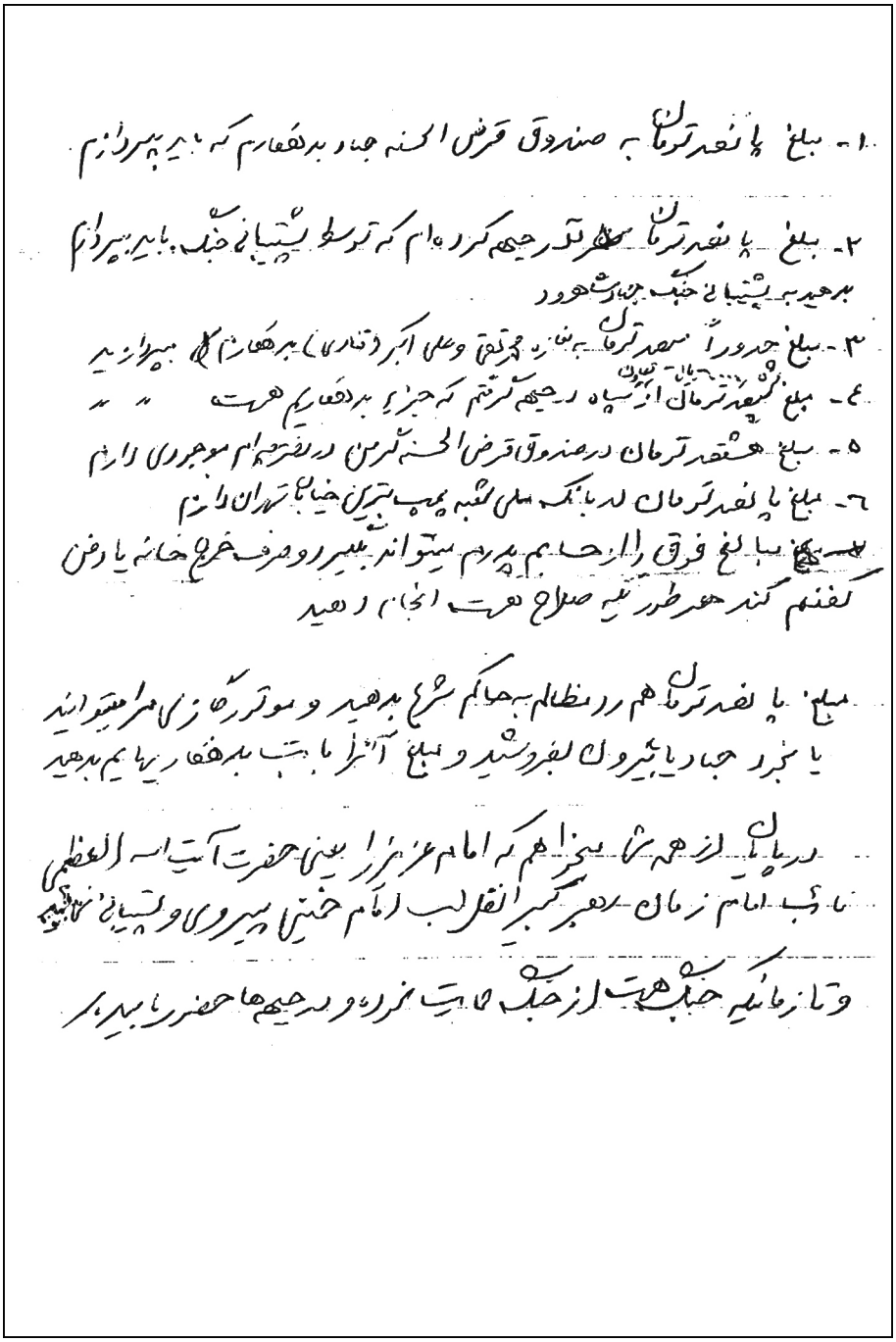

۱- مبلغ پانصد تومان به صندوق قرض الحسنه جهاد بدهکارم که باید بپردازم

۲- مبلغ پانصد تومان [illegible] در جبهه کرده‌ام که توسط پشتیبانی جنگ باید بپردازم
بدهید به پشتیبانی جنگ جهاد شهود

۳- مبلغ چهار صد تومان به [illegible] محمدتقی و علی اکبر (قناری) بدهکارم که بپردازید

۴- مبلغ شش صد تومان از سپاه در جبهه گرفتم که جزء بدهکاریم هست " "

۵- مبلغ هشتصد تومان در صندوق قرض الحسنه گرمن در دفترچه‌ام موجودی دارم

۶- مبلغ پانصد تومان در بانک ملی شعبه پمپ بنزین خیابان تهران دارم

۷- مبالغ فوق را از حسابم پدرم میتواند بگیرد و صرف خرج خانه یا دفن کفنم کند هر طور که صلاح هست انجام دهید

مبلغ پانصد تومان هم رد مظالم به حاکم شرع بدهید و موتور گازی مرا میتوانید یا بخرد جهاد یا بیرون بفروشید و مبلغ آنرا بابت بدهکاریهایم بدهید

در پایان از همه شما میخواهم که امام عزیز را یعنی حضرت آیت الله العظمی نائب امام زمان رهبر کبیر انقلاب امام خمینی پیروی و پشتیبانی نمائید

و تا زمانیکه جنگ هست از جنگ حمایت نموده و در جبهه‌ها حضور یابید



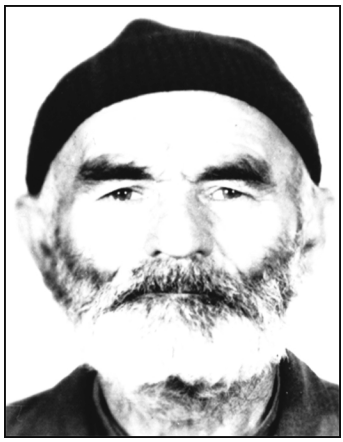

نام: **محمدباقر**
نام خانوادگی: **صفری**
نام پدر: **اکبر**
نام مادر: **شهربانو**
تاریخ تولد: **سوم خرداد ۱۳۰۰**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: –
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وپنجم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **هفت تپه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- اقرار به وحدانیت خداوند منان و رسالت پیغمبر آخرالزمان و امامت امیرمؤمنان(علیه‌السلام) با یازده فرزند پاک آن بزرگوار(علیهم‌السلام) که پاک و برحقند دارم.
- اقرار به مرگ و سؤال قبر و قیامت و بهشت و جهنم دارم.

## محمدباقر صفری

### بسم الله الرحمن الرحیم

«قال رسول الله(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) من مات بلا **وصیة مات میتة** الجاهلیه»[۱]

غرض از تحریر این کلمات آن است که چون وصیت نمودن در امور مهمه شرع دین اسلام، حسب فرمودهٔ خدا و رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) حاضر گردید. عالی‌قدر مشهدی محمدباقر صفری که چند کلمه وصیت[۲] خود را در این ورقه ثبت و درج نماید تا تکلیف بازماندگان وی معلوم بوده باشد. بعد از اقرار به وحدانیت خداوند منان و رسالت پیغمبر آخرالزمان و امامت امیرمؤمنان(علیه‌السلام) با یازده فرزند[ان] پاک آن بزرگوار(علیهم‌السلام) که پاک و برحقند و به آنچه فرمودند و این‌که اقرار به مرگ و سؤال قبر و قیامت و بهشت و جهنم دارم بعد از اجابت داعی حق وحی و نائب مناب وصی شرعی خود قرار دادم، زوجه‌ام سکینه رجبی و ناظر فرزند آقا محمدتقی صفری که به‌دستور ذیل رفتار نمایند. اولاً دیون و قروض وصی [را] از اصل تَرَکه بدهند و ثانیاً مبلغ ده هزار تومان خرج عزاداری موصی کنند مطابق مرسوم و ثالثاً یک‌سال نماز و روزه بدهند. به شخصِ صحیح‌القرائه و مورداعتماد بخوانند و بگیرند و اگر فوت موصی هر جا رسید، در محل خودمان گرمه پشت بسطام دفن کنند و از بچه‌هایم محافظت بکند و رابعاً سه دانگ از حیاط و خانه که دارم می‌سازم برای زوجه‌ام و سه بچه کوچکم به‌نام علی‌رضا و محمد و خدیجه و بقیه اموال را فرض‌الله بین ورثه تقسیم کنند، امید است برخلاف وصیت رفتار نکنند «**فمن بَدّلهُ بَعَد ماسَمِعَهُ فَانما اِثمُه علی الـدینَ یُبَدلونَهُ**»[۳].

**و کان وقوع ذلک در شهر ربیع الثانی سنه ۱۴۰۷ قمری مطابق ۱۳۶۵/۹/۲۲ شمسی**
**اثر انگشت محمدباقر صفری**

---

۱- اصول کافی، ج۲، ص۳۱۹.

۲- در اصل وصیت «وصایت».

۳- بخشی از آیه ۱۸۱ سورهٔ بقره: «هرگاه کسی پس از شنیدن وصیت آن را تغییر دهد و برخلاف حقیقت رفتار کند گناه این کار بر آنهاست که عمل برخلاف وصیت کنند».

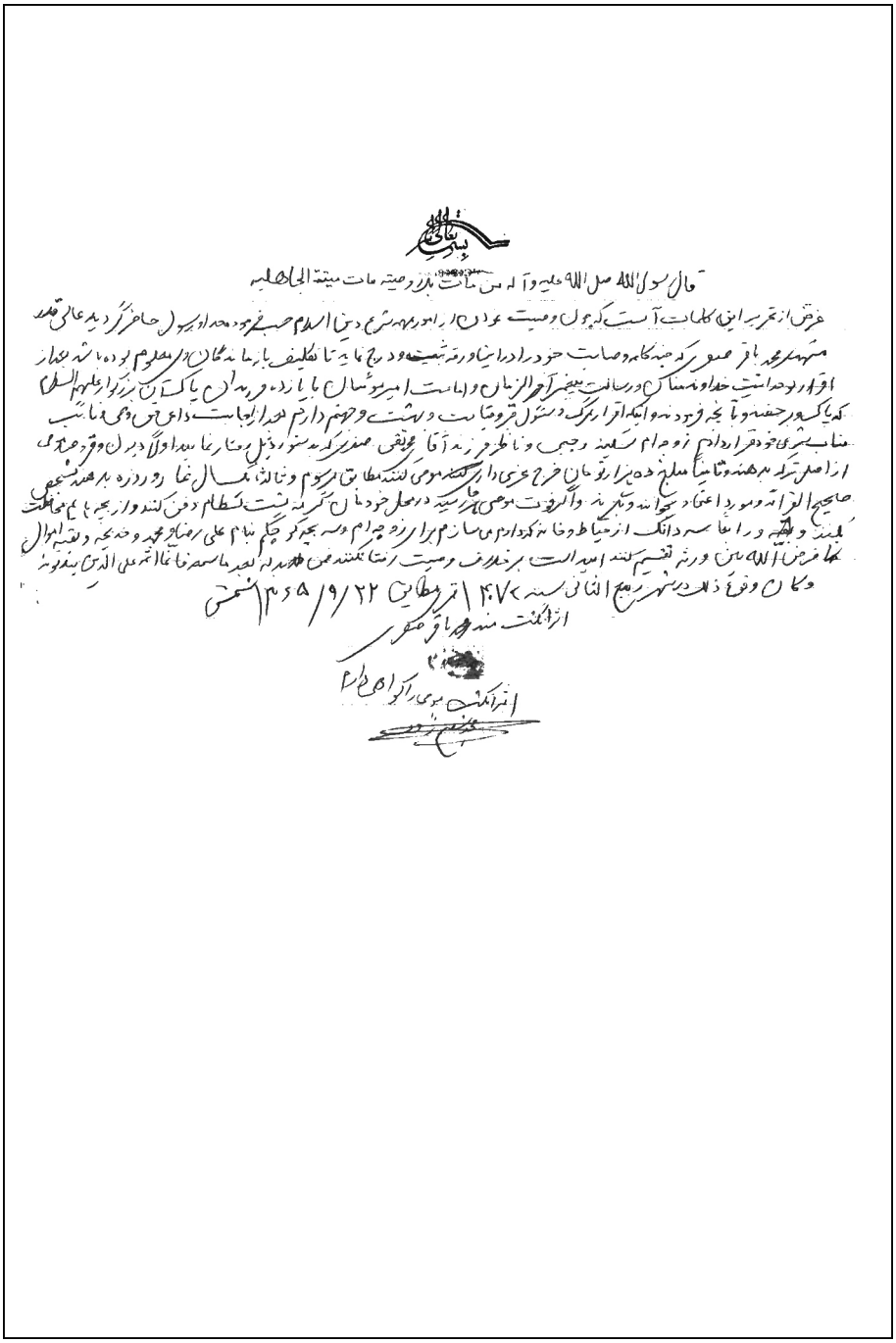



نام: **محمدرضا**
نام خانوادگی: **صفری**
نام پدر: **عباس**
نام مادر: **نازبانو**
تاریخ تولد: **ششم دی ۱۳۴۳**
محل تولد: **شهرستان شاهرود**
تحصیلات: **چهارم ابتدایی**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌وهشتم شهریور ۱۳۶۲**
محل شهادت: **اندیمشک**
نحوهٔ شهادت: **بمباران هوایی**
**مزار: گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- خداوند تعالی دین اسلام را به وسیلهٔ پیامبران و امامان برای هدایت مردم فرستاده است.
- پیامبر رنج و سختی بسیار کشید تا توانسته انسان‌های گمراه را با معبود خویش آشنا کند.
- امام خمینی به‌پا خاست و مردم ایران زمین را از خواب غفلت بیدار کرد.
- خدا عزت‌دهنده شایستگان است و ذلت‌دهنده طغیان‌کننده.

**محمدرضا صفری**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

به‌نام الله پاسدار خون شهیدان

وصیت‌نامهٔ شهید محمدرضا صفری

سپاس خدای را که عزت دهندهٔ شایستگان است و ذلت دهندهٔ طغیان کننده، حامی ستمدیدگان و انتقام گیرنده از بیدادگران و برگیرندهٔ پرده‌های ابهام از چهرهٔ انسان است و گردانندهٔ این چرخ کیهان. با درود سلام فراوان بر خاندان محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و آلِهِ الطاهرین و با درود [و] سلام بر خمینی کبیر و رزمندگان اسلام و با درود و سلام به اسیران جنگ تحمیلی و شهدای گلگون کفن ایران که درخت اسلام را آبیاری و بارور ساختند. خداوند تعالی دین اسلام را به‌وسیلهٔ پیامبران و امامان برای هدایت مردم فرستاده است. حضرت محمد(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آخرین پیامبر اسلام است که از طرف خداوند مهربان از میان مردم عادی انتخاب شد. پیامبر رنج و سختی بسیار کشید تا توانست[ه] انسان‌های گمراه را با معبود خویش آشنا کند. بعد از پیامبر وامامان حکومت به‌دست افراد نالایق می‌افتاد. در حکومت شاه پهلوی، امام خمینی به‌پا خاست و مردم ایران زمین را از خواب غفلت بیدار کرد و مردم نیز هم‌پای امام به‌پا خاستند و این، حکومت ننگین ۵۰ ساله را سرنگون ساختند. ولی دشمنان این پیروزی عظیم را نمی‌توانستند تحمل کنند و بعد عراق متجاوز با کمک دیگر کشورها به جنگ برخاست. جوانان دلیر و شجاع ایران با قلبی سرشار از ایمان در جبهه‌های جنگ می‌جنگیدند وقتی که این روحیهٔ شهادت‌طلبی را مشاهده می‌کردم، عشق شهادت [...][۵۷۴]

**محمدرضا صفری**

---

۵۷۴- از سیاق اصل وصیت برمی‌آید مابقی وصیت‌نامه افتاده است.

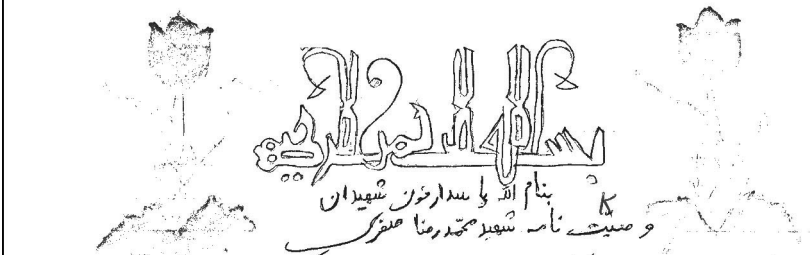

بسم الله الرحمن الرحیم

بنام الله پاسدار خون شهیدان

وصیت نامه شهید محمدرضا صفری

سپاس خدایرا که عزت دهندهٔ شایستگان است و ذلت دهندهٔ طغیان کننده حامی ستمدیدگان
و انتقام گیرنده از بیدادگران و برگیرندهٔ پرده‌های ابهام از چهرهٔ انسان است و گرداننده این چرخ
کیهان و با درود سلام فراوان بر خاندان محمد (ص) و آله الطاهرین و با درود سلام بر خمینی کبیر و رزمندگان
اسلام و با درود سلام به اسیران جنگ تحمیلی و شهدای گلگون کفن ایران که درخت اسلام
را آبیاری و بارور ساختند. خداوند تعالی دین و آئین اسلام را به وسیلهٔ پیامبران و امامان برای هدایت
مردم فرستاده است. حضرت محمد (ص) آخرین پیامبر اسلام است که از طرف خداوند مهربان
از میان مردم عادی انتخاب شد پیامبر رنج و سختی بسیار کشید تا توانسته انسانهای
گیتی را با معبود خویش آشنا کند بعد از پیامبر و امامان حکومت بدست افراد نالایق
می‌افتاد در حکومت شاه پهلوی امام خمینی به پا خاست و مردم ایران زمین را از خواب
غفلت بیدار کرد و مردم نیز همپای امام به پا خواستند و این حکومت ننگین ۵۰ ساله را سرنگون
ساختند ولی دشمنان این پیروزی عظیم را نمی‌توانستند تحمل کنند و بعد عراق متجاوز با کمک
دیگر کشورها به جنگ برخاست جوانان دلیر و شجاع ایران با قلبی سرشار از ایمان
در جبهه‌های جنگ می‌جنگیدند وقتی که این روحیهٔ شهادت طلبی را مشاهده می‌کرم عشق شهادت

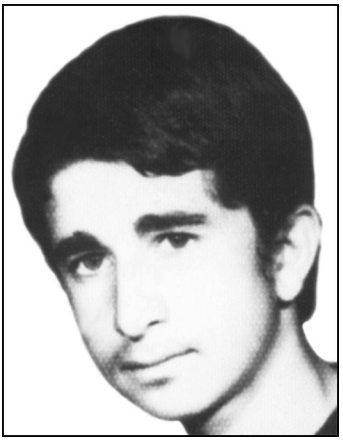

نام: **غلامرضا**
نام خانوادگی: **صفی‌نژاد**
نام پدر: **اسدالله**
نام مادر: **طوبا**
تاریخ تولد: **بیست‌ویکم مهر ۱۳۴۶**
محل تولد: **شهرستان سمنان**
تحصیلات: **دوم متوسطه**
ارگان اعزام‌کننده: **بسیج**
تاریخ شهادت: **بیست‌ویکم دی ۱۳۶۵**
محل شهادت: **شلمچه**
نحوهٔ شهادت: **اصابت ترکش**
مزار: **گلزار شهدای زادگاهش**

## عبارت‌های کلیدی

- بدانید رفتن به جبهه واجب است.
- رمز پیروزی ما عبادت و به استقبال مرگ سرخ، شتافتن است.
- دنیا فانی است و انسان باید یک روزی از دنیا برود.
- باید در راه خدا جهاد کنیم و به سوی جبهه روانه شویم تا به فرمان امام ما لبیک بگویم.
- امام حسین(علیه‌السلام) در کربلا با ۷۲ نفر شهید شد. برای زنده نگاه داشتن دین اسلام بود.
- اگر اسلحهٔ خونین برادری افتاد باید برادر دیگر آن را بردارد.
- مسئله جنگ را که یک امر مهم است سرلوحهٔ همه چیز قرار دهید.
- به سوی جبهه‌ها بروید و راه شهیدان را ادامه دهید.

## غلامرضا صفی‌نژاد

### بسم الله الرحمن الرحیم

**«یا ایها [الناس] اتقوا[۱] رَبکم ان زِلزلة الساعة شیٌ عظیمٌ»[۲]**

«ای مردمان خداترس و پرهیزکار باشید که زلزلهٔ روز قیامت بسیار حادثهٔ بزگی و واقعهٔ هولناکی است» (حج/ ۱)

آن‌قدر در دریای خوش شنا می‌کنیم تا به ساحل پیروزی برسیم.م

به‌نام آغازگر همهٔ خوب‌ها و به‌نام آن‌کس که آفرید و خلق کرد تمام موجودات عالم و به‌نام آن کس که حق را از ناحق جدا کرد.

با درود و سلام بر آقا امام زمان(عج) و نایب[۳] برحقش امید مستضعفان و محرومان جهان رهبر کبیر انقلاب و با درود به روان پاک شهدای اسلام از صدر اسلام تا کربلای خونین ایران.

ای برادرانی که دلسوز انقلاب هستید، بدانید که رفتن به جبهه واجب است و رمز پیروزی ما عبادت و [به] استقبال مرگ سرخ، شتافتن است. در این‌جاست که ملت پیروز هستند و ملتی که از مرگ هراسی نداشت. ای برادر از این دنیا باید رفت چه بهتر در راه خدا شهید شد.[۴] این راهی است که عده‌ای رفتند و همه خواهند رفت و به دیار ابدی خواهند شتافت. مبادا از رفتن به جبهه صرف‌نظر [کنید]. ای برادران و ای خواهران همه می‌دانید که دنیا فانی است و انسان باید یک روزی از دنیا برود و به دیار آخرت بشتابد و هیچ‌کس نمی‌تواند از این فرار کند و همه می‌دانند که آخرتی وجود دارد، پس چرا هر چه زودتر هجرت نکنیم[۵] به‌طرف او که [در] این دنیا هیچ ارزشی ندارد که حضرت علی(علیه‌السلام) می‌فرماید که: [در] این دنیا به اندازهٔ پر کاهی ارزش ندارد. پس ما باید در راه خدا جهاد کنیم و به‌سوی جبهه روانه شویم تا به فرمان امام ما لبیک بگوییم. وقتی امام ما می‌فرماید:

---

۱- در اصل وصیت «اتقو».

۲- حج / ۱.

۳- در اصل وصیت «نائب».

۴- د ر اصل وصیت «شوند».

۵- در اصل وصیت «کنیم».

«جبهه از واجبات است».[۱] ما باید همه‌چیز را رها کنیم و به‌سوی جبهه‌ها برویم که [رسول][۲] خدا در روایت[۳] می‌فرماید: آن‌چه که در این دنیا کاشته‌اید در آخرت درو می‌کنید.[۴]

بله برادر جان، [برادر] امام حسین(علیه‌السلام) در کربلا با ۷۲ نفر شهید شد. برای زنده نگاه‌داشتن دین اسلام [بود]. برادر جان اگر اسلحهٔ خونین برادری افتاد باید برادر دیگر آن را بردارد و نگذارد که دین اسلام در خطر باشد و اما پدر و مادر: می‌دانم که تحمل این مسئله برای شما مشکل است، اما صبر داشته باشید و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و برایم دعا کنید و اما برادران، مسئله جنگ [را] که یک امر مهم است سرلوحهٔ همه‌چیز قرار [دهید] و مسئله جنگ یادتان نرود و به‌سوی جبهه‌ها بروید و راه شهیدان را ادامه دهید. خدایا ما را بیامرز. آمین.

خدایا تمام گناهان ما را بیامرز و این هدیه را از من قبول بفرما آمین. در ضمن جنازه‌ام را در سرخه دفن کنید و تمام برادران، مرا حلال کنند.

**«والسلام»**

**بندهٔ حقیر خدا رضا صفی‌نژاد**

**خورشید دارد غروب می‌کند ۶۵/۹/۳۰**

**[وصیت‌نامه‌ای دیگر]**

**بسم الله الرحمن الرحیم**

**«من المؤمنیَن رجال صَدَقوا ما عاهَدوا الله عَلَیه فَمنهُم مَن قَضی نَحبه و منهم[۵] مَنْ ینتظرُ و ما بدلوا تبدیلاً»[۶]**

«مؤمنین مردانی هستند که بر پیمانی که با خداوند بستند صادقانه ایستاده‌اند. عده‌ای از آنان درگذشتند و عده‌ای در انتظار شهادت‌اند و چیزی تغییر نداده‌اند.»

---

۱- صحیفه امام، ج۹، ص۴۳۳.

۲- در اصل وصیت واژهٔ «رسول» افتاده است.

۳- در اصل وصیت «راوی».

۴- «ان الدنیا مزرعة الاخرة».(بحارالانوار، ج۶۷، ص۳۷۲).

۵- در اصل وصیت واژهٔ «ومنهم» افتاده است.

۶- احزاب/ ۲۳.

ما شهیدان را از دست نداده‌ایم، بلکه آنان را به‌دست آورده‌ایم و خودمان نیز زمانی به‌دست خواهیم آمد که شهید شویم. (شهید مظلوم بهشتی)[۱]

با درود [و] سلام بیکران به رهبر کبیر انقلاب و با درود [و] سلام به تمام شهدا و مجروحین و مفقودین و اسرا و با سلام به تمام خانواده‌های شهدا و مفقودین و با درود بیکران به تمام شهیدان از کربلای حسین تا کربلای ایران که عاشقانه جان خود را فدای دین اسلام و خدا کرده‌اند و به لقاءالله پیوستند.

**غلامرضا صفی‌نژاد**

۱- ر.ک. تعلیقات.

بسمه تعالی

# وصیتنامه زندگان

این وصیت‌نامه‌ها انسان را می‌لرزاند و انسان را بیدار میکند

(امام خمینی)

محل الصاق عکس

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت نامه خود رعایت نمائید:

۱ـ مشخصات کامل .

۲ـ هدف از آمدن به جبهه .

۳ـ پیام .

یا ایها الناس اتقوا ربکم ان زلزلة الساعة شیء عظیم (حج ۱)

(ای مردمان خداترس و پرهیزکار باشید که زلزله روز قیامت بسیار حادثه بزرگی و واقعه هولناکی است)

آنقدر در دریای خوشبختی شنا می‌کنیم تا به ساحل پیروزی می‌رسیم

بنام آغاز آفرینش و بنام آن کس که آفرید و خلق کرد تمام موجودات

عالم و بنام آن کسی که حق را از ناحق جدا کرد

سلام و درود بر آقا امام زمان (عج) و نائب برحقش امید مستضعفان

و سرور آزادگان جهان رهبر کبیر انقلاب و با درود به روان پاک شهدای اسلام

از صدر اسلام تا کربلای خونین ایران

ای برادرانی که در راه انقلاب هستید بدانید که رفتن به جبهه واجب است و رمز

پیروزی ما عبادت و استقبال مرگ سرخ شما است در این جاست که ملت

پیروز هست و ملتی که از مرگ هراسی ندارد ای برادر از این دنیا باید رفت

چه بهتر در راه خدا شهید شویم این راهی است که عده‌ای رفتند و به خواست

رفت و به دیار ابدی خداوند شتافت. با دل پر رفتن به جبهه صرف نظر

از

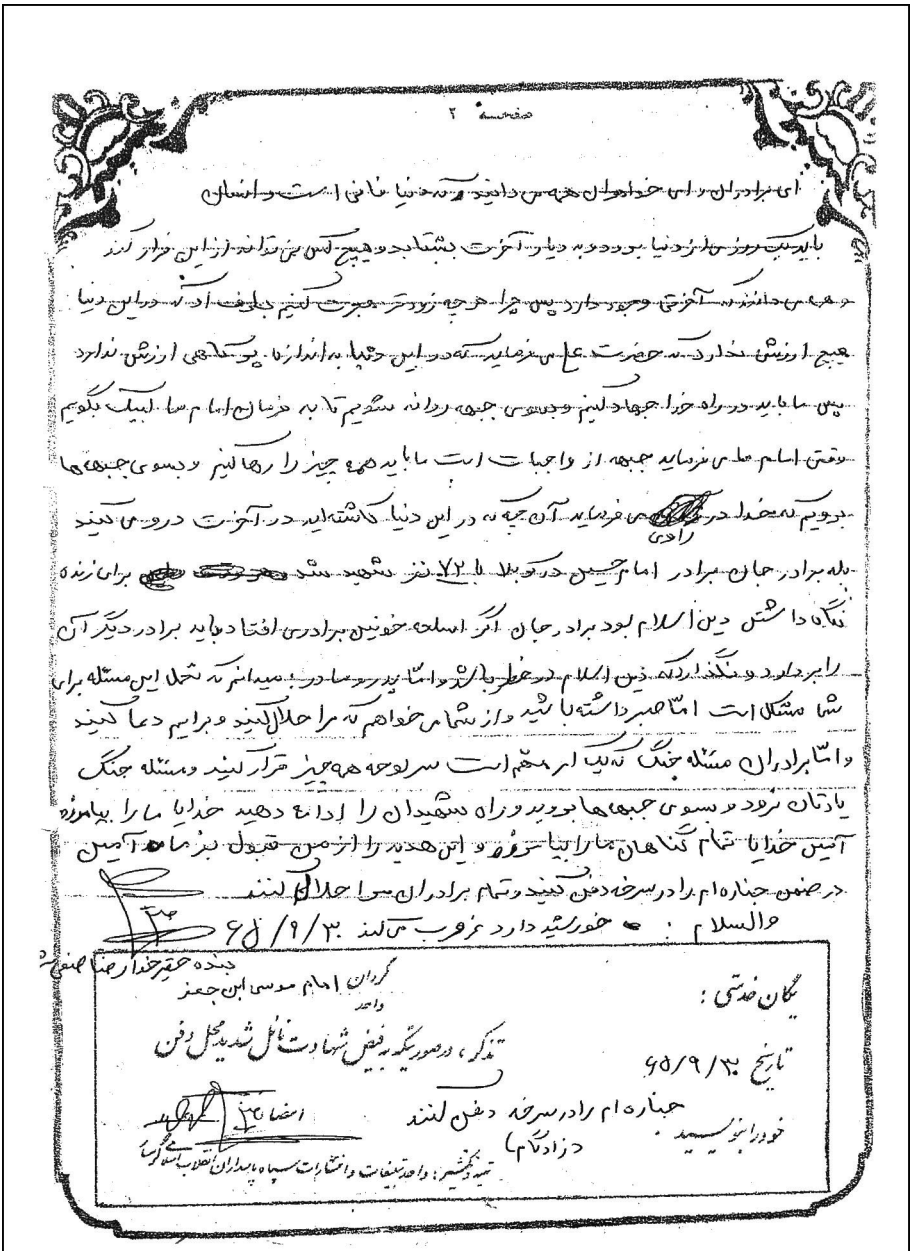

صفحه ۲

ای برادران و ای خواهران بدانید که دنیا فانی است و انسان
باید بداند که روزی از دنیا خواهد رفت و هیچ کس نمی‌تواند از این قرار کند
و همیشه در آخرت وجود دارد پس چرا هرچه زودتر جهت تهیه زاد و توشه راه در این دنیا
هیچ ارزشی ندارد که حضرت علی می‌فرماید که در این دنیا به اندازه یک مگسی ارزش ندارد
پس ما باید در راه خدا جهاد کنیم و بسوی جبهه روانه شویم تا به فرمان امام لبیک بگوییم
وقتی امام می‌فرماید جبهه از واجبات است ما باید همه چیز را رها کنیم و بسوی جبهه‌ها
برویم که خدا در قرآن می‌فرماید آن چه که در این دنیا کاشته‌اید در آخرت درو می‌کنید
بله برادر جان برادر امام حسین در کربلا با ۷۲ نفر شهید شد و حرف ما برای زنده
نگاه داشتن دین اسلام بود برادر جان اگر اسلحه خوبین برادری افتاد باید برادر دیگر آن
را بردارد و نگذارد که دین اسلام در خطر باشد و اما پدر و مادر عزیز نباید ناراحت شوید
شما مشکلات اما صبر داشته باشید و از شما می‌خواهم که مرا حلال کنید و برایم دعا کنید
و اما برادران مسئله جنگ نکبت‌بار مهم است سر لوحه همه چیز قرار کنید و مسئله جنگ
یادتان نرود و بسوی جبهه‌ها بروید و راه شهیدان را ادامه دهید خدایا ما را بیامرز
آمین خدایا تمام گناهان ما را بیامرز و این هدیه را از ما قبول بفرما آمین
در ضمن جنازه‌ام را در سر خاک دفن کنید و تمام برادران مرا حلال کنند
والسلام ✓ حضور شما دارد غروب می‌کند ۶۵/۹/۳۰

تهیه کننده حقیر خدارضا صفی‌نژاد

گردان امام موسی ابن جعفر
واحد
تذکر، در صورتیکه به فیض شهادت نائل شدید محل دفن
تاریخ ۶۵/۹/۳۰
خواهرانتون سپید
جنازه‌ام را در سر خاک دفن کنند
دزادگام
امضاء

تهیه و تکثیر: واحد تبلیغات و انتشارات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گرگان

بسمه تعالی

# وصیتنامه

محل الصاق عکس

این وصیتنامه‌ها انسان را میلرزاند. و انسان را بیدار می‌کند. «خمینی امامی»

برادر رزمنده توصیه میشود نکات ذیل را در نوشتن وصیت‌نامه خود رعایت نمائید:

۱. هدف از آمدن به جبهه.

۲. پیام

۳. رعایت جهات شرعی از جمله تعیین وصی، تعیین مقدار و طرف دیون، واجباتی که به گردن داشته از جمله: نماز و روزه قضا و .....، خیرات و صدقات نسبت به $\frac{1}{3}$ مال، رد مظالم و...

من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه فمنهم من قضی نحبه من ینتظر و ما بدلوا تبدیلا

مؤمنین مردانی هستند که بر پیمانی که با خداوند بستند صادقانه ایستاده‌اند عده‌ای از آنان درگذشتند و عده‌ای در انتظار شهادت‌اند و چیزی تغییر نداده‌اند

ما شهیدان را از دست نداده‌ایم بلکه آنان را بدست آورده‌ایم و خودمان نیز زمانی بدست خواهیم آمد که شهید شویم

«شهید مظلوم بهشتی»

با درود سلام بی‌کران به رهبر کبیر انقلاب و با درود سلام به تمام شهدا و مجروحین و مفقودین و اسرا و با سلام به تمام خانواده‌های شهدا و مفقودین و با درود بیکران به تمام شهیدان از کربلا حسین تا کربلا ایران که عاشقانه جان خود را فدای دین اسلام و خدا کرده‌اند و لقاء الله پیوستند

# تعلیقات

**ابوذر:** از اصحاب پیغمبر(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و از مهاجران است. او پنجمین مردی است که اسلام آورد ابوذر غفاری از کبار صحابه و از مؤمنین قدیم بود ابوذر در شرایط بسیار سخت آغاز نبوت پیامبر و در آن فضای بسته بر سرجمع، با آواز بانگ شهادتین بگفت. مشرکین بارها او را بزدند و او کوچک‌ترین خللی بخود بر سر اسلام راه نمی‌داد. ابوذر را نفی بلد کردند به ربذه. در همان جا درگذشت در اوج سختی و فقر. از رسول‌الله نقل است که درباره او می‌فرماید: ابوذر در امت من بزهد چون عیسی بن مریم است علیه السلام. عثمان به تحریک معاویه او را تبعید کرد.

**اشرفی‌اصفهانی، عطاءالله:** آیت‌الله عطاءالله اشرفی اصفهانی نماینده امام در کرمانشاه و امام جمعه این شهر (پنجمین شهید محراب) به دست عوامل گروهک منافقین به شهادت رسید. ایشان در مبارزات مردم مسلمان ایران علیه رژیم پهلوی تظاهرات مردم کرمانشاه را رهبری می‌کرد و بارها به‌دست ساواک دستگیر و زندانی شدند.

**ام وهب:** همسر عبدالله بن حباب کلبی یکی از زنان شجاع و مجاهدی که در روز عاشورا شاهد وقایع خونین آن روز بود. ام وهب در روز عاشورا در فرستادن فرزند خود به میدان اصرار داشت و وقتی فرزندش اسیر شد، عمرسعد ملعون سرش را از تنش جدا کرد و سر را به نزد ام وهب آوردند، پس از پاک کردن خون از صورت فرزند و حمد و ستایش خداوند، سر را به سوی دشمن افکند، یعنی آنچه در راه خدا داده‌ام باز پس نخواهم گرفت (بحارالانوار، ج ۱۷، ص۱۷).

**باهنر، محمدجواد:** (۱۳۱۲– ۱۳۶۰ش) در سال ۱۳۱۲ در کرمان متولد شد و در سال ۱۳۴۲ در پی تحصیل علوم حوزوی به قم عزیمت کرد و از محضر بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی، امام خمینی و علامه طباطبایی تلمذ نمود و در عین حال توانست در

رشتهٔ الهیات نیز حائز درجهٔ دکترا شود. شهید باهنر در سال ۱۳۲۷ به‌علت سخنرانی علیه رژیم اسراییل دستگیر شد و از سال ۱۳۴۱ فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از پیروزی انقلاب سمت‌های مهمی چون عضویت در شورای انقلاب، نمایندگی مردم کرمان در مجلس خبرگان، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نیز وزارت آموزش و پرورش را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ در حادثهٔ انفجار دفتر نخست‌وزیری به همراه شهید باهنر به شهادت رسید.

**بنی‌صدر، ابوالحسن:** متولد ۱۳۱۲ همدان. در بهمن سال ۱۳۵۸به‌عنوان نخستین رئیس جمهوری اسلامی انتخاب شد. خیلی سریع به علت مواضع مخالف با نظام و خروج از مسیر حرکت انقلاب، هم‌صدا با منافقین و برخی مخالفان نظام به نوعی مقاومت مسلحانه علیه نظام روی آورد. عدم کفایت سیاسی او از سوی مجلس شورای اسلامی تصویب شد. با تأیید حکم مجلس، از سوی حضرت امام و اجرای حکم، خلع مسئولیت شد. از کشور گریخت و با سایر مزدوران و معاندان و مخالفان ضدانقلاب همسو شد.

**بیت‌المقدس:** «قدس» نام دیگر آن مسجدالاقصی است. مسلمانان معتقدند معراج پیغمبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) از آنجا آغاز شده است و به‌عنوان قبله اول مسلمانان و دومین حرم است. اسرائیل بارها در صدد تصرف آن برآمده است و قسمت‌هایی از آن را اشغال کرده است. در قدیم آن را اورشلیم می‌خواندند. یهودیان آن را پایتخت یهود می‌دانند. در آنجا پرستش‌گاه‌هایی ساخته‌اند. کوروش شاه ایرانی در سال ۴۴۵ قبل از میلاد این شهر را آزاد ساخت. امروز یکی از مراکز مقاومت مسلمانان در برابر صهیونیسم متجاوز و غاصب است.

**حبیب‌بن مظاهر:** از اصحاب رسول خدا و امیرالمومنین علی(علیه‌السلام) بود و در جنگ جمل و صفین و نهروان کنار امام علی(علیه‌السلام) جنگید. حبیب از کسانی بود که برای امام حسین(علیه‌السلام) نامه نوشت و هنگامی که مسلم‌بن عقیل، نمایندهٔ امام به کوفه رسید، در منزل مختار به حمایت از او سخن گفت. او به همراه مسلم‌بن عوسجه در کوفه

برای امام حسین(علیه‌السلام) بیعت می‌گرفت و در واقعهٔ عاشورا همراه دیگر یاران آن حضرت به شهادت رسید.

**حسینی بهشتی، سیدمحمد:** (۱۳۶۰–۱۳۰۷ش) در محلهٔ لومبان اصفهان به دنیا آمد و تحصیلات خود را تا دوم متوسطه در آن شهر ادامه داد و پس از چندی در پی تحصیل علوم حوزوی راهی شهر قم گردید و چندی بعد برای تحصیل در رشتهٔ الهیات وارد دانشگاه شد و توانست تحصیلات خود را تا اخذ درجهٔ دکتری ادامه دهد، شهید دکتر بهشتی پس از فراغت از تحصیل فعالیت گسترده خود را در آگاهی نسل جوان و نیز شرکت در فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی در رژیم پهلوی آغاز کرد و پس از انقلاب پس از فعالیت‌های بسیار گسترده در تمام ابعاد اجتماعی و سیاسی و مذهبی در هفتم تیرماه ۱۳۶۰ در انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی، به دست عناصر کوردل منافق به همراه یاران خود به شهادت رسید.

**حضرت علی‌اصغر:** فرزند شیرخوار امام حسین(علیه‌السلام) بود که روز عاشورا از شدت تشنگی بی‌تاب شده بود. امام حسین(علیه‌السلام) وقتی تمام یاران را از دست داد خطاب به دشمنان گفت: «ان لم ترحمونی فارحموا هذا الطفل» در همین حال که فرزند روی دست امام بود، حرمله تیری به‌سوی فرزند پرتاب کرد که گوش تا گوش علی‌اصغر(علیه‌السلام) را شکافت و خون گلوی او را به آسمان پاشید. علی‌اصغر را باب‌الحوائج، طفل رضیع، شش ماهه، شیرخواره نیز می‌نامند. «فرهنگ عاشورا، جواد محدثی»

**حضرت علی‌اکبر:** فرزند ابی‌عبدالله الحسین(علیه‌السلام) بود و در سال ۴۳ قمری در مدینه متولد شد. جوانی خوش‌چهره، زیبا و خوش زبان و دلیر بود. از جهت سیرت و خلق و خوی و صباحت رخسار شبیه‌ترین مردم به پیامبر اکرم(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) بود. علی‌اکبر(علیه‌السلام) در روز عاشورا در کنار پدرش امام حسین(علیه‌السلام) فعالانه به مبارزه می‌پرداخت. وی نخستین شهید بنی‌هاشم در روز عاشورا بود. نقل است که در نبرد روز عاشورا تا دویست تن از سپاه عمربن سعد را به هلاکت رساند. پس از آنکه توسط مرهٔ بن منقذ عبدی بر فرق مبارکش ضربه‌ای وارد آمد، دشمن جرأت پیدا کرد به او هجوم آورد. پس از آن توسط دشمن آماج تیغ شمشیر و نوک نیزه‌ها قرار گرفت و

مظلومانه به شهادت رسید. در مورد سن شریف وی برخی ۱۹ سال و برخی ۲۵ سال نوشته‌اند.

**حضرت قاسم:** قاسم(علیه‌السلام) فرزند امام حسن(علیه‌السلام) در واقعه عاشورا از امام حسین(علیه‌السلام) اذن میدان گرفت. به‌قدری نوجوان بود که زره و لباس جنگی اندازه‌اش نبود. شجاعانه جنگید و توسط عمربن نفیل اسدی به شهادت رسید.

**دستغیب، عبدالحسین:** (۱۲۹۲– ۱۳۶۰ش) فرزند مرحوم آقا سید محمدتقی دستغیب در خانوادهٔ اهل علم و تقوا دیده به جهان گشود. تا سن ۱۲ سالگی مقدمات علوم را نزد پدر فراگرفت و سپس در شهر شیراز به تکمیل علوم حوزوی و نیز اقامهٔ نماز جماعت در مسجد باقرخان و تبلیغ احکام دینی و افشای ظلم و ستم دستگاه طاغوت و استبداد رضاخانی همت گماشت. بر اثر افشاگری‌های این عالم مجاهد، رژیم وی را مجبور به جلای وطن و هجرت به نجف اشرف کرد. او بعد از سقوط رضاخان در سال ۱۳۲۱ دیگر بار به ایران مراجعت کرد. مصادف با مبارزات امام خمینی در سال ۱۳۴۲، به امام پیغام فرستادند که حاضر به همکاری در نهضت هستند و در مدت تبعید و زندانی شدن امام، شهید دستغیب نقش رهبری استان فارس را برعهده داشتند؛ تا آنجا که در سال ۱۳۵۶ مدتی در خانهٔ خود حصر شدند. از سمت‌های ایشان در اواخر حیات خود امامت جمعهٔ شیراز و ریاست حوزهٔ علمیهٔ فارس است. شهید دستغیب سرانجام در آذرماه ۱۳۶۰ به هنگام عزیمت به نماز جمعه مورد سوءقصد قرار گرفتند و همراه چند تن از یاران خود به شهادت رسیدند. این شهید سعید و عالم خبیر دارای آثار متعددی در تفسیر و احکام و اخلاق نیز هستند.

**رجایی، محمدعلی:** (۱۳۱۲– ۱۳۶۰ ش) در شهرستان قزوین متولد شد، تحصیلات ابتدایی خود را تا اخذ گواهی‌نامهٔ ششم ابتدایی در همین شهرستان به اتمام رسانید و پس از عزیمت به تهران در سال ۱۳۳۸ وارد نیروی دریایی شد و هم‌زمان، تحصیلات خود را از طریق مدارس شبانه ادامه داد و توانست در رشتهٔ ریاضی در مقطع لیسانس فارغ‌التحصیل شود و به عنوان معلم در مدارس مشغول کار شود. شهید رجایی چندی بعد فعالیت سیاسی خود را علیه رژیم شاه آغاز کرد. پس از انقلاب، شهید

رجایی سمت‌های مهمی چون وزارت آموزش و پرورش، نمایندگی مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و در سال ۱۳۵۹ سمت نخست‌وزیری جمهوری اسلامی را برعهده داشت و سرانجام در ۸ شهریور ۱۳۶۰ بر اثر انفجار دفتر نخست‌وزیری به‌دست منافقین کوردل به شهادت رسید.

**زین‌الدین، مهدی:** در سال ۱۳۳۸ در تهران در خانواده‌ای مقید و مذهبی دیده به جهان گشود. در دوران کودکی با قرآن آشنا و مأنوس بود. در سال ۱۳۵۶ موفق به ورود به دانشگاه شیراز شد اما چون پدرش کتاب فروش بسیار فعالی بود او را به خرم‌آباد و سقز و پس از آن به اقلید تبعید کردند. مهدی به تبع از خانواده مجبور شد از ادامهٔ تحصیل در دانشگاه شیراز منصرف شود. پس از پیروزی انقلاب اسلامی زین‌الدین به عضویت واحد اطلاعات و عملیات سپاه پاسداران انقلاب اسلامی درآمد و در این رسته سازمانی تا عالی‌ترین درجه یعنی مسئولیت فرماندهی اطلاعات عملیات در منطقه دزفول و سوسنگرد و پس از آن به فرماندهی تیپ علی ابن ابی‌طالب دست یافت. زین‌الدین فرماندهی خود ساخته، متخلق، مقاوم، خودساخته، باتقوا و صبور بود. همین ویژگی‌های والای اخلاقی او موجب شده بود که بسیاری از اطرافیانش نیز از او و سیرهٔ اخلاقی او تبعیت کنند. در آبان ماه سال ۱۳۶۸ مهدی زین‌الدین به همراه برادرش در منطقهٔ سردشت کرمانشاه با گروههای مسلح مخالف جمهوری اسلامی ایران درگیر شود و هر دو به فیض شهادت نایل آیند.

**سُمیّه:** از جمله نخستین زنانی است که به اسلام ایمان آوردند. نام سمیه جزء مشهورترین مؤمنانی است که از سوی اشراف مکه شدیداً شکنجه شدند. سمیه همسر یاسر، نخستین شهید زن و اولین شهید در تاریخ اسلام است. (غلامحسین زرگری نژاد، تاریخ صدر اسلام عصر نبوت، چاپ اول، ۱۳۷۸).

**شهدای محراب:** حضرت علی(علیه‌السلام) در تاریخ اسلام به‌عنوان شهید محراب معروف است. مولای متقیان علی(علیه‌السلام) در حالی که در محراب نماز به عبادت مشغول بود به شهادت رسید و پس از آن ضربهٔ مهلک ابن ملجم مرادی بود که امام علی(علیه‌السلام) فرمود: «فُزت و رب الکعبه» به خدای کعبه رستگار شدم. در دوران انقلاب اسلامی به‌خصوص پس از پیروزی انقلاب منافقین کوردل طی سلسله عملیاتی به ترور

شخصیت‌ها و یاران امام پرداختند. از آن‌جمله به ائمه جمعه و جماعات و روحانیت آگاه و مبارز و در صحنه نیز رحم نکردند و به ترور شهدایی چون آیت‌الله دستغیب، آیت‌الله مدنی، آیت‌الله صدوقی، آیت‌الله اشرفی اصفهانی، آیت‌الله قاضی طباطبایی که چون حضرت علی(علیه‌السلام) در محراب و در مراسم عبادی سیاسی نماز جمعه به فیض شهادت نائل آمدند.

**طباطبایی، سیدمحمدحسین:** در سال ۱۲۸۱هـ‌ش در تبریز متولد شد. دروس مقدماتی را در ایران خواند و در ۲۳ سالگی عازم نجف اشرف شد. طی یازده سال اقامت در نجف از محضر عالمان نامداری چون: میرزای نائینی، سید ابوالحسن اصفهانی، محمدحسین غروی اصفهانی و میرزا علی آقا طباطبایی استفاده برد. اصول روش رئالیسم و تفسیر المیزان از آثار علامه است. سرانجام در بیست‌وچهار آبان سال ۱۳۶۰ درگذشت.

**عباس‌بن علی‌بن ابیطالب(علیه‌السلام):** فرزند حضرت علی(علیه‌السلام) از ام‌البنین عامریه است. در صحرای کربلا پس از شهادت سه برادرش جعفر, عبدالله و عثمان نوبت به حماسه‌آفرینی و حضور قهرمانانه و دفاع جانانه‌اش از امام حسین(علیه‌السلام) رسیده است. به طرف شط فرات حرکت کرد در حالی‌که با حضرت امام حسین(علیه‌السلام) هم‌رکاب بود. با وجودی که نبردهای اشقیا آن دو را در مسیر فرات از یکدیگر جدا کردند اما حضرت عباس خود را به فرات رساند، مشک آب را پر کرد بدون آن‌که قطره‌ای آب بنوشد. به‌سوی امام و خیمه‌ها برگشت. در برگشت با نبردهای سپاه دشمن روبرو شد و در محاصره آنها قرار گرفت. در دو حمله دست راست و چپش را قطع کردند و با ضربه‌ای بر فرق مبارکش از اسب سقوط کرد. با وجود آن‌همه زخم و تیر، توان حرکت نداشت و دو نفر از اشقیا او را به شهادت رساندند. عباس به‌خاطر شجاعت و زیبایی فوق‌العاده به «قمر بنی‌هاشم» شهرت داشت. «حسین‌بن علی امام شهدا، مرضیه محمدزاده»

**کاخ سفید:** اقامتگاه رسمی و محل کار رئیس جمهور آمریکا در واشینگتن دی.سی

**کاخ‌های کرملین:** محل استقرار روسای جمهور کشور شوروی است. سال‌ها به‌عنوان یکی از ابرقدرت‌های جهان مرسوم به جناح «کمونیستی و چپ» در سیطره بر برخی از

کشورهای دنیا در همین مرکز تصمیم‌گیری‌ها صورت می‌گرفت. در واقع نماد قدرت شوروی در برابر آمریکا می‌بود که از طریق کاخ سفید مدیریت می‌شد.

**مدنی، سیداسدالله:** در سال ۱۲۹۳ هجری شمسی در آذرشهر آذربایجان شرقی دیده به جهان گشود. در آغاز جوانی برای کسب علم و کمال به شهر مقدس قم عزیمت کرد. دیری نپایید که از استادان معروف حوزهٔ علمیه نجف شد و توانست از مراجع بزرگی چون آیت‌الله حکیم، آیت‌الله حجت‌کوه کمری و آیت‌الله خوانساری اجازه اجتهاد بگیرد. ایشان تمام عمر خویش را در راه ترویج اسلام و مبارزه با رژیم فاسد طاغوت گذراند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی از سوی مردم همدان به‌عنوان نمایندهٔ مجلس خبرگان قانون اساسی انتخاب شد. پس از شهادت آیت‌الله قاضی به فرمان امام خمینی امامت جمعه تبریز را به عهده گرفت. آیت‌الله مدنی در بیستم شهریور ۱۳۶۰ پس از اتمام خطبه‌های نماز جمعه همدان با انفجار نارنجک منافقی کوردل به شهادت رسید.

**مردم کوفه:** از آنجا که جمله مورد نظر ادامه قسمتی است که حذف شده مفهوم عبارت باید این باشد که ما نباید مثل مردم کوفه با امام عزیزمان بیعت ببندیم. مردم کوفه در تاریخ اسلام نماد و سمبل عهدشکنی و بی‌وفایی‌اند. در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی یکی از شعارهای رایج و پرمعنی که مردم در دیدار با حضرت امام خمینی سر می‌دادند این بود که «ما اهل کوفه نیستیم امام تنها بماند». امروز هم در ملاقات‌هایی که با حضرت آیت الله خامنه‌ای صورت می‌پذیرد یکی از شعارها این است که ما اهل کوفه نیستیم علی تنها بماند.

**مسجد الاقصی:** در شهر قدس و نخستین قبله مسلمانان بوده است. این مسجد را حضرت داود(علیه‌السلام) بنا کرد. سپس فرزندش سلیمان تکمیلش کرد. در زلزله‌ای شدید ویران شد در سال ۵۸۵ میلادی توسط صلاح‌الدین ایوبی مرمت شد. نام مسجدالاقصی در قرآن مجید آیه اول از سورهٔ اسراء در آیات مربوط به معراج پیامبر اسلام(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) آمده است: «سبحان الذی اسری بعبده لیلاً من المسجد الحرام الی المسجد الاقصی» این مسجد بارها از سوی یهودیان افراطی و صهیونیست مورد تهاجم قرار گرفته و

در سال ۱۹۶۹ میلادی قسمت جنوب شرقی مسجد به آتش کشیده شد. امروز به‌عنوان یکی از مراکز و پایگاه‌های مهم مقاومت مسلمانان فلسطین نامیده می‌شود.

**مطهری، مرتضی:** (۱۲۹۸– ۱۳۵۷ ش) در مشهد در خانواده‌ای روحانی متولد شد و در اوان کودکی به تحصیل علم پرداخت. وارد حوزهٔ علمیه شد و چندی بعد، از محضر استادانی چون امام خمینی، آیت‌الله بروجردی و علامه طباطبایی بهره جست. استاد مطهری از سال ۱۳۳۱ بعد از عزیمت به تهران، تدریس و تبلیغ و سخنرانی‌های خود را در مدارس و محافل مذهبی آغاز کرد و در سال ۱۳۴۲ بعد از سخنرانی‌ای مهیج علیه رژیم شاه روانه زندان شد اما پس از آزادی فعالیتهای فرهنگی و آموزشی و مبارزاتی خود را از سر گرفت و تا پیروزی انقلاب و پس از آن لحظه‌ای از آگاهی بخشی به جوانان و جامعه از پا ننشست تا آنجا که به‌عنوان مهم‌ترین نظریه‌پرداز جمهوری اسلامی نامبردار شد. اما سرانجام در ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸ به دست گروهک منحرف فرقان به شهادت رسید.

**مفتح، محمد:** در سال ۱۳۰۷ (هـ ش) در همدان دیده به جهان گشود. در آنجا به تحصیل دوره دبستان و مقدمات علوم اسلامی روی آورد. سپس به حوزه علمیه قم مهاجرت کرد. درحالی‌که در این حوزه به درجه اجتهاد رسید، در دانشگاه تهران نیز موفق به اخذ درجه دکتری گردید. نقش شهید مفتح در صحنه‌های مهم مبارزات انقلابی از جمله اقامه نماز دشمن‌شکن عید فطر ۱۳۵۷ بسیار حساس بود. در خطبه‌های نماز جمعه برای اولین بار نام امام خمینی را آشکارا بر زبان جاری کرد و رهبری امام را مورد تأکید قرار داد و مردم را به راهپیمایی برای روزهای بعد دعوت کرد. شهید مفتح با تشکیل شورای انقلاب، از طرف امام به عضویت این شورا درآمد و در این سنگر منشأ خدمات شایانی شد. آیت‌الله مفتح، به‌عنوان عضو هیأت علمی دانشگاه تهران، به تدریس و تحقیق می‌پرداخت. سرانجام در ۲۷ آذرماه ۱۳۵۸ به همراه دو تن از پاسداران جان بر کف خود در مقابل دانشکده الهیات از سوی گروهک منافق فرقان به شهادت رسید و در صحن حرم حضرت معصومه(علیهاالسلام) به خاک سپرده شد.

**منافقین:** در سال ۱۳۴۴ با عنوان سازمان مجاهدین خلق با هدف مبارزه با رژیم پهلوی تشکیل شد. اعضای آن در زندان دچار انحراف شدید فکری شدند. پس از پیروزی انقلاب اسلامی، هر روز با جمهوری اسلامی زاویه مواضعشان بیشتر می‌شد تا در خرداد ۱۳۶۰ علیه جمهوری اسلامی به مشی مسلحانه روی آوردند. فعالیت‌های آنان از سوی حکومت ایران غیرقانونی اعلام شد. پس از آن تغییرات سازمانی وابسته به آمریکا و اقمارش در عراق مستقر شدند و شانه به شانه صدام علیه جمهوری اسلامی ایران فعالیت می‌کردند. سرسپرده صدام شده در تخلیه اطلاعاتی و شکنجه آزادگان و اسرای ایرانی فعالیت می‌کردند. اینک در اردوگاهی در عراق مستقرند به‌عنوان مزدوران آمریکا، انگلیس و اسرائیل همسو با استکبار جهانی و سلطنت‌طلب‌ها و سایر ضدانقلاب‌ها فعالیت دارند.

**منتظری، حسین‌علی:** در ۱۳۶۴ از طریق خبرگان رهبری به سمت قائم مقام رهبری انتخاب شد و در ۱۳۶۸ به دستور امام خمینی از این مقام عزل شد؛ در مدتی که ایشان سمت قائم مقام رهبری را برعهده داشتند مورد احترام و علاقهٔ رزمندگان و مردم بودند.

**«من طَلَبَنی وجَدَنی و من وجدنی عَرَفَنی و من عرفنی اَحَبَنی و من احبنی عَشَقَنی و من عشقنی عَشَقَتَهُ و من عشقته قَتَلتَهُ و من قتلته فَعَلَیَ دیتَهُ و من دیته فأنا دیته»:** در هیچ‌کدام از کتب روایی حدیث یا عبارتی دقیقاً مثل این عبارت که به‌خصوص در سال‌های دفاع مقدس به «حدیث قدسی» مشهور بود یافت نشد. در وسائل‌الشیعه حدیثی شبیه به این نقل شده است: «ان الله تعالی قال: من دعانی احیتة و من سألنی اعطیته و من اعطانی شکرته و من عصانی سترته و من قصدنی ابقیة و من عرفنی خیرته و من احبّنی ابتلیته و من احبتُه قتلته و من قتلته فعلی دیته و من علیّ دیته فأنا دیته» (ج ۱۸، ص ۴۱۹).

**هابیل:** فرزند آدم و حوا، برادر قابیل است. هابیل و لبودا از یک بطن از حوا زاییده شدند و قابیل و اقلیما از بطن دیگر به دنیا آمدند. حکم خدا این بود که برادر و خواهر تنی نمی‌توانند ازدواج کنند، باید هابیل با اقلیما و قابیل با لبودا ازدواج کنند. قابیل نپذیرفت و در حسادت با برادر، قابیل هابیل را کشت. هابیل نخستین کسی بود که

توسط برادر کشته شد. گویند جایی که قابیل هابیل را به خاک سپرد در کوهی حدود سراندیب بود. وقتی قرار شد هر دو برادر (قابیل و هابیل) به درگاه خدا قربانی آورند، از هابیل که گوسفندی را آورده بود، قربانی پذیرفته شد و از قابیل پذیرفته نشد و همین امر قابیل را به قتل برادر تحریک کرد. هابیل شبان بود. هابیل فرزند دوم آدم و حواست. (دهخدا)

**هاشمی‌رفسنجانی، علی‌اکبر:** از روحانیون مبارز قبل از انقلاب است که در جوانی پیرو مشی فکر سیاسی مبارزاتی حضرت امام شد. قبل از انقلاب مکرر از سوی رژیم پهلوی دستگیر شد. پس از انقلاب اسلامی عهده‌دار مسئولیت‌هایی چون: سرپرستی وزارت کشور، ریاست مجلس شورای اسلامی، ریاست جمهوری، ریاست شورای عالی انقلاب فرهنگی، امام جمعه موقت تهران، رئیس مجلس خبرگان رهبری و... شد. هم‌اکنون ریاست مجمع تشخیص مصلحت نظام را بر عهده دارند.

**هل من ناصر ینصرنی:** عبارتی که در کتاب «موسوعة کلمات الامام الحسین(علیه‌السلام)» آمده این است: «هل من راحم یرحم آل الرسول المختار، هل من ناصر ینصر الذریة الاطهار، هل من مجیر لابناء البتول، هل من ذاب یذب عن حرم الرسول» (ص ۵۰۶) ترجمه: آیا دلرحمی هست که بر آل رسول مختار رحم کند؟ آیا یاری کننده‌ای هست که ذریت پاک رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را یاری کند؟ آیا فریادرسی هست برای فرزندان بتول(علیهاالسلام)؟ آیا مدافعی هست تا از حرم رسول(صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) دفاع کند؟